کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir



انتشارات دانشگاه تهران
۱۶۸

فهرست

کتابخانهٔ اهدائی آقای سید محمد مشکوة

به

ج ۲

کتابخانهٔ دانشگاه تهران

جلد دوم

کتب ادبی

گردآورنده

ع. منزوی

۱۳۳۲

چاپخانهٔ دانشگاه

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

گشایش کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران

دانشگاه تهران از آغاز کار خود به تشکیل و تأسیس کتابخانه و نگاهداری کتابها بروش علمی خواه از راه پذیرفتن هدیه‌ها و بخششها که از طرف نیکمردان و فرهنگ دوستان میشود و خواه از راه خریدن کتابها توجه داشته و آنرا از وظائف مهمی میداند که همواره مورد نظر بوده است؛ از اینرو در هریک از دانشکده‌ها کتابخانه‌ای تأسیس شده است که اکنون محل رجوع و مطالعه و کار استادان و دانشجویان و اهل تحقیق میباشد. وظیفهٔ مهمتری که برعهدهٔ دانشگاه بود و تاکنون صورت عمل بخود نگرفته بنیادگذاردن کتابخانهٔ مرکزی است که در آن کتابهای مربوط بهمه علوم بخصوص تألیفات دانشمندان بزرگ جهان که در بررسیهای علمی سند رسمی میباشد گرد آید و بویژه کتابهای خطی فارسی و عربی و ترکی و اوراق و اسناد تاریخی که متأسفانه بسیاری از آنها از دستبرد بیگانگان و سوداگران کتاب مصون نمانده و بیشتر آنها بر اثر سهل‌انگاری مالکان خصوصی راه نیستی گرفته و یا بکشورهای بیگانه رفته است در آن نگاهداری شود.

برای برآوردن همین منظور دانشگاه همیشه به بنیادگذاردن چنین بنگاه علمی امیدوار و مترصد بود.

خوشبختانه نخستین قدم در این راه بوسیلهٔ استاد دانشمند بزرگوار جناب آقای **سید محمد مشکوة**



کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بیرجندی که از دیرباز شیفتهٔ علم و عاشق کتاب بوده و در فراهم آوردن کتابهای نفیس خطی عمری وثروتی صرف کرده‌اند برداشته شد. ایشان در دورهٔ زندگی خود از هر گوشه و کنار کتابهائی را که نفیس ومفید ویکتا یافته گرد آورده واز سیزده کتابخانهٔ خصوصی مجموعه‌ای بالغ بر هزاروصدوچند جلد کتاب و افزار علمی جمع کرده‌اند که همهٔ آنها را با نیتی صادقانه و قصد خدمت بعلم در اختیار دانشگاه تهران گذارده‌اند. و این قصد خیر را بمنظور پایه گذاری کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران درسیصدونودوششمین جلسهٔ شورای دانشگاه بتاریخ ۲۶ بهمن ۱۳۲۸ باطلاع اعضاء شوری رسانده‌اند.

دانشگاه هم با صمیم قلب پذیرفتن این ارمغان بسیار گرانبها و بیمانند را که قطعاً سرمشق دیگر نیکوکاران و دوستداران فرهنگ ایرانی خواهد بود و همیشه مشوق در بسط و گسترش چنین کتابخانهٔ علمی میباشد اعلام داشت وآنچه توانست در بهره برداری و نگاهداری و فهرست نگاری کتابها از روی آخرین روش کتاب شناسی و کتابداری دریغ نشود. گردآوری کتابهای این کتابخانه مثالی است از دامنه اطلاع وتبحر مردی که در یك عمر آنها را جمع آورده و بخشش آن دلیلی است برسعهٔ صدر وهمت بلند او.

***

تعداد کتابهای این کتابخانه بالغ بر هزاروصد وچند جلد میباشد واز مشخصات ومزیتهائی که درآنها دیده میشود میتوان موارد زیر را یادآورشد:

الف ـ بسیاری از نسخه‌ها دارای ده تا پنجاه رساله ونامه وگفتار دانشمندان گذشته ایرانی وخاوری است که بسیاری ازآنها درسایر کتابخانه‌ها نیز بندرت پیدا میشود.

ب ـ دربعضی مجموعه‌ها بسا که ازیك رساله نسخه‌های مکرر هست وهریك ازآنها از برای نسخه شناسی مزیت خاصی را دارا است.

ج ـ نسخه‌هائی ازاین کتابخانه شاهانه است وبرای فرمانروایان زمان نوشته شده ویادر کتابخانه های شاهان بوده ومهر گنجینهٔ آنهارا دارد.

د ـ برخی از نسخه‌ها بخط خود دانشمندی است که مؤلف آن کتاب است یا آنکه نزد او خوانده شده وگواهی واجازهٔ او برآن هست یا در روزگار او نوشته شده ویا نسخهٔ اصل او برابر شده است.

هـ ـ برخی از نسخه‌ها دارای نوشته‌هائی است از دانشمندان بزرگ که باصطلاح گذشتگان اجازه وبلاغ قبال وقراء وسماع نامیده میشود واینگونه گواهیها درنشان دادن درستی نسخه‌ها در روزگاریش بسیار مهم بوده است و دانشمندان میکوشیدند که پس از توجیه شدن از یافتن نسخه‌های اصل بچنین نسخه‌ها برسند.

و ـ منتهائی ازکتابهای اخبار دراین کتابخانه هست که دارای مزیتهای مذکور درکتابهای فنی درایت وحدیث میباشد ومیتوان بدانها درمراجعه‌های علمی اعتمادنمود.

ز ـ نسخه‌هائی ازکتابها ورساله‌ها درآن هست که هنوز بچاپ نرسیده وشایسته است محافل علمی ودینی بچاپ آنها اقدام نمایند.

ح ـ ازنسخه‌های کهن که درزمان مؤلف یا اندکی پس ازاو نوشته شده نیز درآن هست.

ط ـ ازکتابهای علمی ودینی قدیم هم که بپارسی درآمده دراین کتابخانه دیده میشود

ی ـ نسخه هائی هم هست که ازنظر هنری گرانبهاست ودرخط یا جلد آن ظرایف هنری بکار رفته است.

***

این بود شمه‌ای از مزیتهای کتابهای اهدائی استاد دانشمند که بدانشگاه واگذار شده است. حقیقت امر آنست که عمل خیرایشان مانند همان وقفها و واگذارهائی است که درمیان ایرانیان ازنظر دینی معمول ومرسوم بود و نیکوکارانی بودند که برای مدرسه ها و مسجدها کتابها وقف میکردند و چون آن کتابها بصورت حبس شرعی از ملکیت خصوصی درمیآمد و ملك مردم میشد و نظارت درحفظ آن گذشته از متولیان متعهد واقف باحکومت شرعی بود دیری آن کتابخانه‌ها می پائید و از دستبرد سوداگران کتب مصون میماند. ولی متأسفانه با این عمل خیرهم دوام وبقاء آن کوشش فراوانی نمیشد وچون بنگاه ثابتی با شخصیت حقوقی درآن ذینفع نبود ازمیان میرفت. اما وقف بردانشگاه یا بنگاههای علمی مشابه آن گذشته از اینکه درمورد آنها روی سنن دینی درحفظ مال وقف شده کوشش لازم بخرج داده میشود با استفاده ازموازین قانونی هم همیشه دانشگاه وماننده آن خواهند کوشید که بادقیقترین مقررات وبرطبق اصول فنی کتاب شناسی وکتابداری در حفظ آنها قیام نمایند. دراهداء کتابها وسندهای تاریخی بدانشگاه و بنگاههای علمی دیگر گذشته ازاینکه همانها با بهترین طرزی نگاهداری میشود ونه یکباره ازمیان میرود ونه بتفاریق راه نیستی میگیرد مهم اینست که واقف وعلاقمندان باو این اثر ویادگار زندگی علمی او را همواره پابرجای می‌کند وازآن درمواقع احتیاج بهره میبرد. ومهمتر اینکه شیفتگان علم ومعرفت بآنها دسترسی پیدامیکنند ودانشجویان ودانشمندان از آنها استفاده مینمایند ودرهنگام طبع و نشر کتابها با آسانترین راهی بآنها مراجعه میشود وهمه اینها ازمزهای نیکی است که ازیك عمل برخاسته است ودرهمه جهان هم این کار بجا و درست معمول است ودانشگاهها براست ازاینگونه هدیه‌ها و وقفهاکه اهل خیربدان اقدام میکنند ونام نیك خویش را با این کار برجای میگذارند.

***

پس دانشگاه جوان تهران که خودرا جانشین دانشگاههای آبرومند وپرارج پیشین ری و نیشابور وبغداد میداند امیدوار است که ایرانیان از این کار پسندیده و بسیار نیکوی استاد دانشمند مشکوة پیروی نموده در بسط وگسترش دامنه فرهنگ ومدنیت ایرانی بکوشند ودر انجام دادن اینگونه کارهای نیك که سود هممیهنان ونام نیك هردورا باهم دارا است ازهیچ راه دریغ ندارند. دانشگاه یقین دارد که باگشایش این کتابخانه مرکزی که یکی ازهدفهای بزرگ آن گردآوری کتابهای خطی یعنی ذخائر ملی ایرانی است ایرانیان جویای دانش وهنر بدان اقبال کامل کنند وخواه با اهداء یا بافروش بابهای عادلانه نسخ خطی خودرا هم درجایگاه مطمئنی بگذارند که بتوانند هرگاه بخواهند بدانها رجوع کنند وهم آنهارا درمعرض استفادهٔ دانش‌دوستان قراردهند. بدیهی است که دانشگاه تهران ازاستاد دانشمند ارجمند آقای مشکوة هم ازجهت کاربسیار بجا ونیکو وسودمندی که کرده‌اند وهم ازاین نظر که سنتی رارایج کرده‌اند و بیگمان کسانی ازاین عمل پیروی خواهند کرد بی‌اندازه سپاسگزار میباشد ومیکوشد که هم این گنجینه ها را بابهترین وضعی نگاه بدارد وهم با آسانترین راهی دردسترس مشتاقان بگذارد. ضمناً باید یادآورشد که تا کنون سه جلد فهرست برای کتابهای مزبور باین شرح تهیه وچاپ شده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

جلد اول — در ۲۷۵ ص که در آن ۱۵٦ کتاب در ۱۸۵ نسخه از کتابهای راجع بقرآن از تجوید و تفسیرهای فارسی و عربی و کتابهای ادعیه و زیارات و استخاره شناسانده شده است.

جلد دوم — در ۸٦۰ ص که در آن ۹۷ کتاب از متون ادبی و فارسی و عربی در ۱۱۰ نسخه و ٦۹ کتاب از علوم ادبی فارسی و عربی در ۷٤ نسخه و ۷۳ کتاب تاریخ و رجال و فهرست کتابها و جغرافیا در ۷۸ نسخه و ۱۷ کتاب از کتابهای مختلف در ۲۲ نسخه شناسانده شده است.

جلد سوم — در دو بخش

بخش نخستین در ٦۹۰ ص که در آن ٤٤ کتاب منطق در ۵۰ نسخه و ۳٦۵ کتاب فلسفه طبیعی و الهی در ٤٦۹ نسخه و ۱۷۵ کتاب عرفان در ۱۹۸ نسخه و ۱۲۵ کتاب کلام در ۱۳۹ نسخه و ۵٦ کتاب فلسفه عملی در ٦٤ نسخه شناسانده شده است.

بخش دوم در ٤٤۰ ص که در آن ۱۷ کتاب تاریخ فلسفه در ۱۸ نسخه و ۸۲ کتاب پزشکی در ۹۰ نسخه و ۱۲٦ کتاب ریاضی در ۱۳۳ نسخه و ۱۱۹ کتاب هنرهای شگفت انگیز یا علوم غریبه در ۱۱۹ نسخه و هفت شماره از افزارهای علمی شناسانده شده است

رویهم ۱٤۷۷ کتاب در ۱۷۵۷ نسخه در این سه مجلد فهرست شناخته شده و فقط کتابهای اخبار و اصول وفقه مانده است که فهرست آنها آماده برای چاپ است و بهمین نزدیکی منتشر خواهد شد.

مراسم تحویل کتابخانه

آقای سید محمد مشکوة

استاد دانشکدهٔ حقوق

به دانشگاه تهران

ضمیمه جزوهٔ چهارم جلد نهم خبرهای دانشگاه

دی ماه ۱۳۳۳

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

مجلس جشن بمناسبت اهدای کتابخانه آقای مشکوة بدانشگاه

آقای مشکوة کتابخانه خودرا که مشتمل بریکهزاروصد وچند جلد بود بدانشگاه اهداء کردند . برای قدردانی از این بخشش کریمانه مجلس جشنی درتاریخ دوشنبه ۲۹ آذر ۱۳۳۳ در تالار دانشکدهٔ ادبیات تشکیل گردید که درآن جناب آقای سردار فاخر حکمت رئیس مجلس شورای ملی وجناب آقای دکترسیاسی رئیس دانشگاه وجناب آقای دکترشادمان وزیر دادگستری وجناب آقای دکترصالح استاد ورئیس دانشکدهٔ پزشکی ووزیر بهداری وجمع کثیری از دانشمندان وعلاقمندان بکتاب و کتابخانه حاضرشده بودند.

ابتدا جناب آقای دکترسیاسی رئیس دانشگاه بابیانات ذیل جلسه را افتتاح کردند:

آقایان محترم



آقای دکترسیاسی هنگام ایراد نطق

مقدم برهرچیز وظیفه‌دار هستم ازذوات محترمی که دعوت دانشگاه تهران راپذیرفته واین مجلس را بقدوم خود مزین فرموده‌اند سپاسگزاری کنم .

سه سال پیش دریکی ازجلسات رسمی شورای دانشگاه یکی از آقایان اعضاء شوری اجازه خواستند که قبل ازدستوربیاناتی بفرمایند . مطلبی را که ایشان عنوان کردند راجع

به کتب خطی واهمیت آنها بود . ضمن توضیحاتی که دادند معلوم شد که از ابتدای جوانی ودوران تحصیل علاقه ودلبستگی خاص نسبت بکتابهای نفیس خطی داشته‌اند وازهمان اوان بجمع آوری آنها همت گماشته‌اند وسالهای متوالی با عشقی سرشار هر کجا نسخه‌ای نادر ونفیس سراغ میکرده اند بدنبال آن میرفته‌اند وهرقدر هم گران قیمت بوده آنرا ابتیاع میکرده وبرذخائر کتابخانه شخصی خود میافزوده‌اندتا آنجا که بتدریج تمام دارائی موروث که مبلغ معتنابهی بوده است دراین راه مصرف میشود .

این شخص محترم فاضل ازجمله جناب آقای سید محمد مشکوة استاد دانشگاه بودند . سابقه فضل و کمال ایشان و علاقه مفرطی که نسبت بمطالعه ودقت در کتب خطی پیدا کرده بودند ایشانرا در این رشته یکی از کارشناسان ومتخصصین درجه اول ساخت وازاینرو کتابهائی مورد توجه وعنایت ایشان قرارمیگرفت واتباع میگردید که ازهرحیث ممتاز ونادر ونفیس بود . بعبارت دیگر ایشان سعی داشتند باینکه در گنجینه‌ای که فراهم کرده بودند جز دررِ شاهوار چیزی راه نیابد وحتی الامکان راه آن گنجینه برمهره‌های بی بها یا کم بها وفاقد امتیازخاص مسدود باشد بطوریکه سرانجام کتابخانه ایشان شامل متجاوز ازهزار نسخه نفیس خطی گردید که بهای فعلی آن غیرقابل تخمین است .

این خلاصهٔ توضیحات وبیانات جناب آقای مشکوة درآن جلسه شورای دانشگاه بود.

اعضاء شوری با کمال دقت باین بیانات گوش فراداده بودند وازاین توضیحات مستفید میشدند ولی مناسبت مطلب را باکارهای شوری درست درك نمیکردند دراینموقع ناگهان چیزی بگوششان خورد که سبب شد گردنها کشیده‌تر وچشمها فراختر و حواسها جمعتر شود . آقای مشکوة به نتیجه سخنرانی خود رسیده بودند وآن نتیجه را با آهنگی متین و کلماتی شمرده دراین جمله بیان میفرمودند : « من تمام این کتابخانه یعنی سرمایه زندگی خودم را بدانشگاه تهران اهداء میکنم .»

دراینموقع این سخاوت وجوانمردی حس تقدیروتحسین همه ما را برانگیخت وشور وشعف زائدالوصفی درمحیط شوری ایجادنمود. چندتن از آقایان همکاران فی المجلس به بیان احساسات شورانگیز خود پرداختند وبنده هم مراتب سپاسگزاری وقدردانی دانشگاه را نسبت باین بخشش کریمانه که حقیقةً باید سرمشق همه مردمان نیك وفرهنگدوست قرار گیرد بیان داشتم .

نظرمن این بود که مراسم تحویل این گنجینه نفیس ضمن تشریفات مخصوص صورت گیرد ولی قبل از آن مقدمهٔ مهمی بود که بایستی فراهم شود وآن عبارت بود از تهیهٔ فهرست تفصیلی این کتب . پس دانشگاه با کمك جناب آقای مشکوة فوراً انجام این مهم را وجهه همت خود ساخت وفهرست مزبور را دراین مدت درپنج مجلد تهیه کرده که هم اکنون سه جلد آن بزیورطبع آراسته شده وحاضراست وجلد چهارم تاچند روزدیگر وجلد پنجم تا سه چهارماه دیگر اززیرچاپ بیرون خواهد آمد ومنتشر خواهد شد . کسانیکه اهل تحقیق وتتبع هستند از اهمیت وفائده این فهرست بخوبی باخبرند ومیدانند که این فهرست حکم نورافکنی را دارد که بر گنجینه نفیسی که تا کنون در تاریکی وابهام قرار داشته است بدرخشد وآنرا روشنائی وصراحت بخشد وبهمه کس اجازه دهد از خصوصیات نسخه‌های

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نفیس که آنرا تشکیل داده‌اند اطلاعات کافی بدست بیاورد ودر تحقیقات وتتبعات از آن استفاده کند .

حضارمحترم باهمیت کتب ورسالات خطی وقوف کامل دارند . امتیازیك نسخه‌خطی ازچندجهت میتواند باشد . یکی‌ازنظر زیبائی آن یعنی ازنظرحسن خط وتذهیب واحیاناً نقوشی که ممکن‌است درضمن متن‌ازطرف استادی هنرمند ترسیم شده باشد. دیگر ازنظر مطلب علمی یا ادبی که هنوز منتشرنشده وچون گنجینه‌ای‌است دربسته که جزصاحب نسخه وشاید معدودی ازخواص دوستان او بآن دسترس ندارند .

بدیهی است که دراین مورد هرقدر مصنف مقامش والاتر باشد اهمیت نسخه بیشتر خواهد بود .

دیگرازنظرقدمت نسخه ، یعنی نزدیکی تاریخ استنساخ بزمان تألیف که‌البته‌هرچه نسخه قدیمتر باشد صحت ومطابقت آن با فکروقلم نویسنده بیشتر وتصرف نسخه نویسان در آن کمترخواهد بود . دیگر ازنظرتعداد نسخ متشابه که بدیهی است هراندازه‌عده‌نسخ معدودتر باشد ارزش نسخه‌ها بیشتراست وچنانچه نسخه منحصر بفرد باشد بهمان نسبت ارزشش بالا میرود .

شك نیست که نسخی که جامع همه یا بیشتراین مزایا باشد بسیارنادر بودودرحقیقت نمیتوان روی آنها قیمت گذاشت .

اهمیتی را که کتابهای خطی‌فارسی‌دارا هستند کتب خطی زبانهای‌اروپائی نمیتوانند داشته باشند زیرا فاقد اکثرامتیازات مذکورفوق هستند ومخصوصاً هر گاه ازحیث‌مطلب مهم باشد اکثراً طبع ونشر شده ودومعرض استفاده عموم قرار گرفته‌اند ، درصورتیکه شمارهٔ کتابها و رسالات خطی فارسی که ازحیث مطلب شایسته توجه و مطالعه میباشند وهنوزبچاپ نرسیده‌اند ازحساب بیرون است .

با اینوصف کتابخانه های بزرگ اروپائی وآمریکائی ازجمع آوری وضبط کتب ورسائل خطی غفلت ندارند. من خود در کتابخانه کنگرس درواشنگتن و کتابخانه بریتیش میوزیم درلندن و کتابخانه ملی پاریس وهمچنین در کتابخانه‌های اختصاصی دانشگاههای بزرگ اروپا وآمریکا دیده‌ام که شعبه‌های مخصوصی برای مجموعه نسخ خطی دارندوبآن اهمیت میدهند وبسیارهم‌متعجب شده‌ام که دربعضی ازاین کتابخانه‌های خارجی عده کتابهای خطی فارسی بیش ازآنست که ما در کتابخانه‌های خود داریم . من همیشه‌آرزومند بوده‌ام که این نقیصه رفع و کتابخانه دانشگاه تهران صاحب مجموعه‌ای از کتب‌نفیس‌خطی بشود.

با این‌مقدمه معلوم است که چقدر بخشش کریمانه جناب آقای مشکوة رااها بموقع دانسته‌وازآن مسرور وشکر گزارشده‌ایم . کتابخانه اهدائی ایشان درواقع هستهٔ مرکزی شعبهٔ کتب خطی دانشگاه تهران خواهد بود وهدیه ایشان ازاین‌جهت شایان سپاسگزاری وقدردانی است که ازپراکندگی‌این‌نسخ نفیس وازخروج احتمالی آنها ازایران‌جلوگیری نموده است .

جناب آقای مشکوة که علاقمند بحفظ این آثارنفیس درخود ایران بوده‌اند بخوبی تشخیص داده‌اند که مناسبترین ومطمئن‌ترین محل برای نگاهداری واستفادهٔ از این کتب

دانشگاه تهران است . ایشان بخوبی میدانند که این مؤسسهٔ بزرگ علمی از بدو تأسیس تاکنون امتحان خودرا ازلحاظ استقامت وپایداری وثبات داده‌است ومخصوصاًدردوازده سال اخیر بحرانهای گوناگون وخطرناکی که در بسیاری ازشئون این کشور اثرات شوم باقی گذاشته نتوانسته است در ارکان این دستگاه بزرگ علمی تزلزل ایجاد کند ومانع پیشرفت وسیرتکاملی آن بشود . ما دراین مدت کوتاه ازتعلیم وتربیت جوانان آنی غافل نبوده‌ایم وقریب ده‌هزارپزشك‌ودامپزشك وحقوقدان‌ومهندس ومعلم‌بجامعه‌تحویل‌داده‌ایم ودویست وپنجاه جلد کتاب ازطرف دانشگاه تألیف وطبع ونشر شده است واین مؤسسه بصورتی درآمده است که امروزدولت‌ایران میتواند آنرا با سربلندی برجال‌وداننشمندان عالیمقام خارجی که بایران میآیند ارائه دهد .

مراد من دراینجا شرح خدمات‌دانشگاه وتوضیح اهمیت ومقام این‌مؤسسه‌علمی نیست بلکه میخواهم توجه مردم نیکوکار ودانش‌دوست را باستحکام اساس این دستگاه ووضع ثابت آن جلب کنم تا با اطمینان خاطرازجناب آقای مشکوة سرمشق‌بگیرند وازمساعدت مادی‌ومعنوی باین مؤسسه واهداء کتب‌وآثارنفیسی که دراختیاردارند خودداری‌نفرمایند .

درپایان این‌عرایض‌لازم میدانم یك‌باردیگرمراتب سپاسگزاری‌وقدردانی‌دانشگاه تهران را بفاضل ارجمند که سرمایهٔ مادی و مساعی معنوی ومحصول ذوق سرشار خودرا درطبق‌اخلاص گذاشته ویکجا بدانشگاه تهران اهداء فرموده‌اند عرض برسانم‌واین‌منشور را که حاکی ازهمین سپاسگزاری ونشانهٔ ثابت وهمیشگی حق‌شناسی وقدردانی دانشگاه تهران است بایشان تقدیم میکنم .

※※※

سپس آقای سید محمد مشکوة بیاناتی باین‌شرح ایراد کردند :

در کتاب من‌لایحضره‌الفقیه تألیف صدوق ابن‌بابویه که در ری مدفون است روایتی نقل شده است که مضمونش این است : انسان تا زمانی که زنده است میتواند برای بعد از مرگ خود توشه وذخیره‌ای اندوخته کند. اما بعدازمرگ فقط هرچه درزنده‌بودن‌خویش اندوخته است نتیجه آن عایدش میشود .

چنانکه شیخ سعدی گوید :

برگ عیشی بگورخویش فرست　　　　کس نیارد زپس تو پیش فرست

فقط درچهارمورد ممکن است پس‌ازمرگ هم ثواب وخیرعاید شخص گردد، یکی اینکه فرزندی صالح تربیت کرده‌باشد که پس‌ازمرگ‌پدررا به نیکی یاد کند دیگرصدقه جاریه است یعنی اینکه شخصی بعضی‌ازمال خودرا برای مصالح عمومی مردم تخصیص‌داده ووقف کرده باشد : چنانکه مثلا بیمارستان یا پلی ساخته یا مدرسه‌ای بنا کرده‌باشد، سوم اینکه اثری علمی از خود باقی گذارده یا کتابی تألیف کرده که در پیشرفت تمدن ودانش مؤثر بوده است . چهارم اینکه قناتی جاری کرده یا درختی نشانده که مردم پس ازمرگ اوازآب آن قنات یا ازمیوه آن درخت بهره‌مند شوند .

در اینجا مرحوم مجلسی اول ملا محمدتقی درشرحی که بفارسی براین کتاب‌نوشته است قصه‌ای از ایران باستان نقل میکند که بمناسبت آنرا عرض میکنم وحاصل آن

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

این است که انوشیروان دادگر پادشاهی دانش پرور بود ودستور داده بود که هرگاه کسی سخنی گوید که انوشیروان آن سخن را بپسندد و گوید « زه » ده لیره طلا باو بدهند ، روزی انوشیروان ازشکار بر گشته ودردهکده نزدیك شهر پیرمرد صدساله ایرا دید که درخت زیتون غرس میکند . شاه درشگفت شد ازپیرمرد پرسید که درخت زیتون پس ازسی سال میوه میدهد وتو درصد سالگی چگونه امیدواری که سی سال دیگر زنده باشی واز میوه این درخت استفاده کنی ؟ ! پیرمرد پاسخ داد که « دیگران کاشتند ، ما خوردیم ما بکاریم دیگران بخورند »

انوشیروان گفت «زه» ده لیره به پیرمرد دادند .

پیرمرد خندید . انوشیروان پرسید چرا خندیدی ؟ پیرمرد گفت :

من این درخت را کاشتم که سی سال دیگر میوه بدهد وهمین حالا میوه داد .

انوشیروان گفت «زه» . ده لیره دیگر به پیرمرد دادند .



آقای مشکوة هنگام ایراد سخنرانی

پیر دوباره چنان خندید که به پشت افتاد . پادشاه پرسید دیگر چرا میخندی ؟ پاسخ داد که این درخت سالی یك بار میوه میدهد ؛ من که نیت خیرداشتم همین حالا دوبار میوه داد . شاه گفت « زه » ده لیره دیگر به پیرمرد دادند . آنگاه شاه براسب خود نهیب زد ورفت .

مقصودم ازنقل این حکایت این است که بنده بهیچوجه توقع وانتظاری نداشتم بلکه نیتم فقط این بود که مواریث پیشینیان ما بدست بیگانگان نیفتد ودر دست هم میهنان ما از اهل فضل ودانش مورد استفاده قرار گیرد ومناسبترین محل نگاهداری وحفاظت آنرا چنین تشخیص دادم که دانشگاه است که گویند : توقدر فضل‌شناسی که اهل‌فضلی ودانش .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

اما تشکیل این مجلس شریف که رؤساء مجلس ووزراء ووکلاء دومجلس واستادان محترم دانشگاه درآن حضوردارند واعطای منشوراز طرف شورای دانشگاه بمنظور تقدیر ازاین عمل بمنزله میوه‌ایست که آن پیرمرد بیدرنگ پس ازغرس درخت زیتون دریافت کرد .

حقاً بنده گاهی که رجال نامی جهان ودانشمندان مغرب‌زمین بدیدن دانشگاه میآمدند وچیزی از آثارعلمی تمدن دیرین مارا درآن نمی یافتند بسیارمتأثر میشدم . علی‌الخصوص هنگامی که میدیدم دانشمندان مایه ممالك متمدن مغرب‌زمین که سفرمیکنند عکس چند کهنه کتابی که در کتابخانه‌های دانشگاهها یافته‌اند باخود بارمغان میآورند . عجبا که ما میباید برای اطلاع بر آثارپدران خود هم دست تنگدی بسوی بیگانه دراز کنیم وچیزی ازمواریث آنان بدست خود ما نباشد .

امثال آقای اوتونوار رئیس دانشگاه پاریس وهریو رئیس مجلس ملی فرانسه وپرفسور ماسینیون واومبر ولومتر استادان دانشگاه پاریس که باینجا آمدند مادر دانشگاه چیزی از آثارعلمی پدران خود نداشتیم که بآنان ارائه دهیم . بنده حسن تأثیر پیشینیان را مشاهده کردم ادوارد بنش رئیس جمهور فقید چکواسلواکی که بایران آمده بودند بکتابخانه سلطنتی آمد ودر آنجا مرحوم دکتر بهرامی مرقع گلشن را بوی نشان داد . ادوارد بنش بی‌اختیار گفت ملتی که چنین آثاری ازخود باقی گذارده هر گز نمی میرد . اکنون این کتابخانه که ملاحظه میفرمائید همه ازهمانگونه آثاراست که کشورهای متمدن دربرابر آن سر تعظیم فرود میآورند .

این کتابخانه که تقریباً ازنکهزاروپکصد وپنجاه مجلد فراهم آمده کتابی که مزیت علمی یا صنعتی نداشته باشد درآن یافت نمیشود . همه از آن کتابهای خطی نفیس است واگر معدودی را در ویترینها ملاحظه میفرمائید ویترین جا نداشته والا همه این کتابها نفیس است وبساهست که بعضی ازآنچه در ویترین جانگرفته ودرمخزن کتابخانه مانده برآنکه درویترین است ترجیح داشته باشد . مقصودم ازاهداء این کتابخانه این بود که یك کتابخانه بنام کتابخانه مرکزی دانشگاه تأسیس شود که مستقیماً زیرنظر شورای محترم دانشگاه اداره شود و من بعد هم شورای دانشگاه این عمل یعنی فراهم کردن نسخ نفیس را ادامه دهند ومردم خیرخواه هم کمك کنند که دردانشگاه کتابخانه بسیار آبرومندی داشته باشیم .

اطلاعاً عرض میکنم که شورای محترم دانشگاه این هدیه واین تقاضا را پذیرفتند وبلادرنگ چهار صندوق نسوز تهیه کرده‌اند و تاکنون دو هزار وسصد صفحه از فهرست کتابخانه درچهار مجلد بقلم آقایان محمدتقی دانش‌پژوه وعلینقی منزوی زیرنظر وتحت سرپرستی این بنده تألیف وطبع شده ومنتشر گردیده است از فهرست کتابخانه فقط یك مجلد باقیمانده که راجع بکتب حدیث واخبار وفقه واصول است آنهم بسیار مهم است وتألیف این جلد هم تمام است وازاین تاریخ طبع آن شروع میشود وامیدوارم تا نوروز بپایان برسد .

اینك لازم میدانم از کلیه آقایان رئیس مجلس و وزراء محترم و وکلا واستادان محترم دانشگاه ورجال وبزرگان ومحترمینی که این مجلس را مزین واین ضعیف رامفتخر فرموده ودعوت دانشگاه را پذیرفته اند تشکر کنم . علی‌الخصوص بموجب خبر مشهور

« من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق » از رئیس و شورای محترم دانشگاه تشکر میکنم.
چون نگویم شکر او والشکر دین.

پس از پایان بیانات آقای مشکوة، آقای احمد لیستر به پشت تریبون آمدند و اظهار کردند گرچه من بنده اجازه شاگرد بودن را نمیدهد ولی به پیروی از فرمایشات جناب آقای دکتر سیاسی رئیس دانشگاه چون خواستم در این مورد شاگرد حرفشنوی معرفی شوم باین مناسبت یك جلد کلام الله مجید و یك قطعه چك بمبلغ ده هزار ریال بکتابخانه آقای مشکوة اهداء مینمایم.

آقای لیستر کلام الله مجید و چك را به آقای مشکوة تسلیم کردند.

سپس آقای دکتر کاسمی استاد دانشکدهٔ پزشکی قطعه شعری را که بمناسبت اهدای کتابخانه آقای مشکوة فی البداهه سروده بودند قرائت کردند:

متن این شعر باین عبارت است:

داد مشکوة بدانشکده بارغبت و شوق — آنچه یك عمر به اندوختنش سعی نمود
وقف ابناء وطن کرد کتبخانهٔ خویش — آفرین باد بر این مرد و بر این فکر درود
جان گرفت از کرمش پیکر ارباب هنر — گرچه اورا پی این کار بتن جان فرسود
چشم صاحب نظران شد زتماشا روشن — چون از این گنج هنر مهتوی در بگشود
نیکبختی بنگر کانچه وی ازعمر نکاست — بر کمال هنر و رونق و دانش افزود
درچنین عهد که جان در گرو نان باشد — نیست از هیچکس اینگونه فتوت معهود
یا کبازی است چنین بخشش، نی بذل و سخا — غایت جود بود آری بذل موجود

آنگاه از دعوت شدگان بصرف چای و شیرینی پذیرائی بعمل آمد.

بسمه تعالی

برخلاف ترتیب این مجلد که جلد دوم فهرست است چند ماه پس از انتشار بخشهای مجلد سوم منتشر میشود. وما در خاتمة الطبع بخش دوم از جلد سوم (یا بقول این بنده جلد چهارم) این فهرست سبب این تأخیر را یاد کردیم، و وعده دادیم که مجلد دوم در اوائل سال ۱۳۳۳ منتشر خواهد شد، و با وجود اینکه در راه انجام این کار دقیقهٔ از سعی و کوشش فرو گذار نشد، باز هم تا امروز بپایان رسانیدن آن بدرازا کشید.

کارهای علمی چنین است، همچنانکه گمان میرفت که این مجلد در پانصد صفحه بپایان میرسد، وا کنون می نگریم که در بیش از هشتصد صفحه منتشر شده است.

و همانگونه که این کتابخانه بداشتن کتابهای خطی نفیس بر بیشتر کتابخانهها برتری دارد، دربارهٔ نگارندگان فهرست آن هم اگر بگوئیم: علی الخبیر سقطنا درست گفتهایم.- چه: مؤلف جلد اول و دوم فاضل محترم آقای علینقی منزوی فرزند آیة الله جناب آقای شیخ آقابزرگ طهرانی صاحب کتاب الذریعه دامت برکاته العالیه هستند، و مؤلف مجلدات بعد فاضل ارجمند گرامی آقای محمدتقی دانش پژوه دام افضالهما و این هردو آقایان از شاگردان پیشین این بنده وا کنون از فضلاء معروف می باشند ودر کتابشناسی و نسخهشناسی - وفهرست نویسی نیز ممتازند - ودر فراهم ساختن این فهرست هم کمال سعی و کوشش بکار بردهاند، - واین بنده نیز تا آنجا که مقدور بود از تشریك مساعی - وفراهم آوردن وسائل کار و مراقبت کافی از تحمل جهد و بذل کوشش مضایقه نداشتم. و لهذا فهرست دچار وقفه و تعطیل نشد، و بر فهرستهائی که تا کنون چاپ و نشر شده برتری دارد. و تألیف مجلد چهارم (و بقول بنده پنجم) «در کتب حدیث و فقه و اصول» در این تاریخ بپایان رسیده، و چاپ آن آغاز شده، و بااهتمامی که در

انجام این کار ازطرف کار کنان چاپخانهٔدانشگاه بکارمی‌رود امیدواریم آن‌مجلدهم تادو الی سه‌ماه دیگر ازچاپ بیرون آید. و با نشرآن ، فهرست کتابخانهٔ اهدائی این‌بنده پایان پذیرد.

دراینجا لازم دانست متذکر شود، که دانشمند بزرگوار جناب آقای دکتر **علی‌اکبر سیاسی** رئیس معزز دانشگاه ـ وشورای محترم دانشگاه دربنیادگذاردن وتحکیم اساس این کتابخانه وحفظ کتب آن ازتهیهٔ صندوقهای نسوز وچاپ ونشر این‌فهرست دریغ نداشتند ، ودرحقیقت این کتابخانه درحدودی که‌میسر بود براساسی گذارده‌شد که حتی‌الامکان ازدستبرد حوادث وآفات بر کنار باشد.

فلهذا تشکرات صمیمانهٔ خودرا بمحضر رئیس‌مفخم وشورای‌محترم دانشگاه تقدیم می‌دارد. و همواره درراه پیشرفت دانش و فرهنگ موفقیت یکایک آقایانرا ازخداوند دانای توانا مسئلت می کند.

وچون رئیس محترم ادارهٔ انتشارات و رئیس چاپخانهٔ دانشگاه نیز درانجام کار فهرست وآنچه بدین کتابخانه مربوط بوده است جهد وافی مبذول فرموده‌اند، وازکمال همراهی ومساعدت خودداری نکرده‌اند، این‌احسان ومحبت آنانرا شکرگذاری می کند وتوفیقشانرا ازخداوند خواستاراست.

طهران ۱۳۳۳/۹/۲۸ مطابق ۲۲/ع۲/۱۳۷٤

سیدمحمد مشکوة

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على عظيم فضله وعظمة جلاله وصلى الله على محمد وآله
وبعد فقد اهدى لمكتبتنا العامة في النجف الاشرف جناب العالم الفاضل
العلامة المحقق الكامل الميرزا علينقي المنزوي ايده الله كتابه المتضمن
(فهرست) كتابخانه السيد السند الجليل السيد محمد مشكوة عليه وعلى
آبائه الطاهرين افضل التحيات والصلوات وهو الجزء الاول
الذي خصصه في كتب القرآن العظيم والادعية المباركة وقد استوفى
البحث فيه بالخصوص من زبور آل محمد صلوات الله عليهم فأحسن وأجاد
وبلغ الغاية في المرام وحقيق ان يكتب بسواد العيون لا بسواد المداد
وبالجملة فمن يستوعب النظر في هذا الجزء يعرف الفضل العظيم لمن اهدى
هذه الكتب القيمة وهو السيد المشكوة ويعرف ما عاناه العلامة المنزوي
من التنقيب عن تلك الكتب ووصفها بالوصف الدقيق عن خبرة وتحقيق
حتى كانك ترى الكتاب بعينيك ماثلا بين يديك فجزاهم الله
جميعا خير جزاء المحسنين والمجاهدين في خدمة العلم والدين ووفقه لاتمام
الاجزاء الباقية التي هي من الآثار الخالدة والباقيات الصالحات
خير عند ربك ثوابا وخير املا حرره في مدرسته العلمية بالنجف الاشرف

٢٨ ربيع ١ ١٣٧٢

محمد الحسين آل كاشف الغطاء

کلیشه تقریظ مرحوم آیة‌الله کاشف‌الغطاء برجلد اول فهرست که بخط خود در نجف بتاریخ ۲۸ ربیع یکم ۱۳۷۲ مرقوم داشته‌اند

بنام خدا

خوانندهٔ گرامی؛ چهار سال از گردآوری این دو جلد و فهرست گذشته و دراین مدت نادرستیهای بسیار که درآن راه یافته بنظر من رسیده است، اندکی از آنرا درص ۶۵۸–۶۶۰ یاد کرده‌ام، ودرست کردن دیگر غلطها را بخود مراجعه کننده واگذار کرده، وازایشان میخواهم که بیشتر از مدارکی که داده‌ام استفاده کنند نه از خود کتاب.

گردآورنده منزوی

گفتار یکم

متنهای ادبی

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

فهرست این مجلد

[۱] ادب الکاتب (عربی)

هنرنویسندگی و انشاء چون مورد نیازدربار پادشاهان بوده دارندگان آن مورد احترام اعیان واشراف‌قرارداشته‌اند، واین‌علم‌طرف توجه دانشمندان بوده ودربارهٔ آن کتاب ورساله‌های بسیار وبسبکهای گوناگون نگاشته‌اند.

قلقشندی‌میگوید(۱) برخی ازایشان‌قواعد فن‌انشاء را باآوردن شاهدی چند یاد کرده ، و برخی‌جمله های اصطلاحی و مثالهای‌معروف ومتداول میان نویسندگان‌راگردآورده ومقصود ازآنهارابیان نموده‌اند. برخی‌دیگر نامه‌های خیالی نوشته و جواب هر کدام را پس از آن آورده تا نویسندگان را نمونهٔ باشد که از آن اقتباس کنند و مانند آنرا بسازند (که واین گونه کتابها بیشتر بنام ترسل و نامه نگاری معروف است) . برخی بگردآوردن الفاظ شیرین نویسنده پسند، وتعیین الفاظ ناپسند و دور افتاده بسنده کرده‌اند . پایان.

یکی‌از بهترین آن کتابها «ادب‌الکاتب» میباشد .

چلبی دره کشف‌الظنون» این کتاب راچنین ستوده : هوخطبة بلا کتاب مع‌انه قد حوی من کل‌شیئی أحسنه . ابن خلدون در مقدمهٔ تاریخ خود (۲) از استادان آرد : ادبیات زبان تازی برچهار پایه استوار است :

۱ـ «ادب الکاتب» از ابن‌قتیبة .

۲ـ «الکامل» از مبرد (م- ۲۸۵).

۳ـ «البیان‌والتبیین» از جاحظ (م-۲۵۵) .

۴ـ «نوادر» از ابوعلی قالی (م-۳۵۶) پایان .

توان گفت : در نثر فنی تازی این کتاب جایگاه بلند دارد . نگارندهٔ آن ابومحمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه دنیوری‌نحوی در کوفه‌بسال (۲۱۳) زاده

۱ـ صبح الاعشی ج ۱ ص۸و۹.

۲ ـ مقدمهٔ ابن‌خلدون: کتاب‌اول‌فصل: ششم‌بند۳۷ ـ علم‌ادب.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

و در بغداد بسال (۲۷٦) مرده است. از ابوحاتم سیستانی (سجستانی) دانش آموخت، و ابن‌درستویه ازشاگردان اوست. وچون مدتی قاضی‌شهر دینور بوده بدانجا نسبت گرفته است.

نگارشهای او بسیار است بنامترین آنها: این کتاب، والامامه‌والسیاسة، الشعر والشعراء، عیون‌الاخبار، المعارف، مشکل‌القرآن، مشکل الحدیث، غریب القرآن، غریب الحدیث، التسویة بین‌العرب والعجم، تفضیل العرب علی العجم، وجز آنها میباشد که بیشتر آنها چاپ شده است.

چنانکه‌دربالا گفته‌آمد «ادب‌الکاتب» نزدادیبان‌عرب بسیار موردتوجه است، وآنرا کسانی شرح کرده اند مانند:

۱ــ ابومحمدعبدالله‌پسر محمدمعروف‌بابن‌سید‌بطلیوسی اندلسی(م-۴۲۱).

۲ــ ابومنصور موهوب پسر احمدبن‌جوالیقی (ز-٤٦٦) (م-۵۳۹).

۳ــ سلیمان پسرمحمد زهراوی.

٤ــ ابوعلی حسن پسرمحمد بطلیوسی‌اندلسی(م-۵۷٦).

۵ــ احمدپسرداودجذامی (م-۵۹۸).

٦ــ اسحاق پسرابراهیم فارابی (م- ۳۵۰).

اینان همهٔ کتاب راگزارش نموده‌اند، وبرخی‌تنها دیباچهٔ کتاب‌راشرح نوشته اند مانند:

۷ــ ابوالقاسم عبدالرحمان‌پسراسحاق زجاجی (م-۳۳۹ یا ٤۰۸).

۸ــ مبارك‌پسرفاخرنحوی (م- ۵۰۰).

وبرخی تنها شعرهای کتاب راگزاره نموده‌اند مانند:

۹ــ احمد پسرمحمدخارزنجی (م-۳٤۸). (کشف‌الظنون).

قسمتی‌از ادب‌الکتاب بسال(۱۸٤۷م) درلیبزیك توسط‌آقای‌سپرول(۱)

1 – M. O. Sproull.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

چاپ شده. وقسمتی نیز توسط‌آقای دکترماکس گرونرت(۲) بسال (۱۹۰۱ م) درلیدن وسپس یکبار بسال (۱۳۰۰ ه ق) وبار دگر بسال (۱۳۲۸ه ق) همهٔ آن درمصر چاپ شده است.

ابن قتیبه در دیباچهٔ این کتاب از وضع زمانه گله گذاری کرده که مردم ادبیات وصنایع‌لفظی را کنار گذارده‌اند وبستاره‌شناسی وفلسفه‌ومانندآن پرداخته انـد، وبرخـدا وقرآن وحدیث اعتراض میکنند، وازعلوم عرب روی گردانیده اند، و خدا را سپاس گزارده که وزیر ابوالحسن ــ کسی که کتابرا بنام اوساخته ــ از این گمراهی ها دور وجامهٔ ایمان‌برتن دارد، وسپس گوید: این کتاب را برای زنده کردن و نگاهداری علوم ادبی وعربی نگاشتم. ودر پایان اعتراف میکند که برای یك نفر نویسنده دانستن ریاضی و طبیعی نیز بایاست، و از گفتار ایرانیان آرد: کسی که آبیاری و کندن قنات نداند، کسی که ازستاره شناسی سردر نیاورد، کسی که اندازه گیری سه‌وچهارگوشه نتواند، کسی که پل‌سازی و دولاب گردانی و آمار نداند؛ نویسندهٔ خوبی نخواهد بود.

این ادیب نادان حق دارد لفاظی وسخن‌سرائی را بر دانشهای سودمند برتر دارد. این‌مرد نواده قتیبه‌آن خونخوار درنده‌ئیست که طبری هفتادصفحهٔ تاریخ‌خودرا بگزارش‌جنایتهای‌اودرسرزمین‌پارتها و کشتار های مردم خراسان اختصاص داده، و قتل عامها و کتابسوزیهای او تاریخ تمدن ایران باستان راسر بریده‌است. هفت سال‌امیری‌او بر خراسان(۸٦-۹۱ه) یکی‌ازسیاه‌ترین‌صفحه های تاریخ بشری است، او از آدم کشی چنان لذت می‌برد که دستور میدادبدرازای چهار فرسنگ بسورده دارها بپا کنند واتسانهابدان دار زنند

ابوریحان درحق ابن‌قتیبه گوید: وان کان ابومحمد عبدالله بن مسلم بن قتیبة الجبلی یهول ویطول فی جمیع کتبه و خاصة فی کتابه فی «تفضیل العرب

1 – Max. cr

علی العجم، وزعم ان العرب اعلم الامم بالکواکب ومطالعها ومساقطها ولاادری أجهل ام تجاهل... ولکن الرجل مفرط فیما یخوض فیه وغیر خال عن الاخلاق الجبلیة فی الاستبداد بالرای و کلامه فی الکتاب المذکور یدل علی احن وترات بینه وبین الفرس... (۱)

این کتاب بر(۱۲۷) باب بی شماره و نامرتب بخش شده، ودر هر باب چند مسئله از ادب عرب باز وموشکافی شده است. باب «مایتکلم العرب من الکلام الاعجمی» که معرب ها را یاد نموده از نظر ادبیات فارسی، و باب «مایغیر من اسماء الناس» از نظر تاریخ وبیو گرافی تا اندازهٔ قابل بررسی میباشد.

آغاز: قال ابومحمد عبدالله مسلم بن قتیبه: اما بعد حمدالله بجمیع محامده...

[۱]

۲۱۸ نسخه بخط نسخ. با «تثقیف التعریف» یکجا جلد شده، واز برگ (۶۵ تا ۱۸۴) آن مجلد را گرفته. نام نویسنده وتاریخ نوشتن ندارد. رویه ها دارای جدولی از طلاولاژورد ومرکب سیاه است. عنوانها با شنگرف. تصحیح شده وافتادگیها در کناره نوشته شده. نخستین واژه رویهٔ دست چپ در پائین رویهٔ دست راست- برای راهنمائی- نهاده شده. برپشت برگ (۱۸۵) نام عضوهای تن آدمی بترتیب حرفهای هجاء عربی نوشته شده.

همه جلد (۱۸۵ برگ) این کتاب (۱۱۹) برگ. کاغذ حنائی اصفهانی. جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه: ۱۹ر۵×۲۹ر۵ و ۱۱×۱۸. ۱۹ سطر.

[۲] انوارالفصاحة واسرارالبراعة (البلاغة) (عربی)

نهج البلاغه را در (حرف ن) این جلد یاد خواهیم کرد. وچنانکه خواهیم گفت آنرا شرحها بسیار است. یکی از آنها این شرح است که برخی آنرا کوتاه شدهٔ شرح ابن میثم شمرده اند (۲) ولی نگارنده در دیباچهٔ آن گوید:

۱- آثارالباقیه ص ۲۳۸ و ۲۳۹ چاپ اروپا و ص ۲۷۳ ترجمهٔ فارسی چاپ تهران

۲- کمال الدین ابن میثم بن علی بن میثم بحرینی (م-۶۷۹) شرح بزرگی بر نهج البلاغه نگاشته است. آقای ابن یوسف در فهرست کتابخانه سپهسالار (ج ۲- ص ۵۳ و ۱۳۱) انوارالفصاحه مورد گفتگو را کوتاه شدهٔ این کتاب شمرده است

برای نگارش آن شرحهای ابن میثم و ابن ابی الحدید وجز آنرا بررسی نموده وبویژه از خود کتاب (نهج البلاغه) برخوردار شدم. زیرا پارهٔ از آن پاره دیگر را روشن نماید.

نگارنده نظام الدین گیلانی یکی از دانشمندان سدهٔ یازدهم است. نام اورا صاحب ذریعه در (ج ۲- ص ۴۳۶) و (ج ۴- ص ۴۲۲) ملا نظام الدین علی بن حسن ابن نظام الدین گیلانی نوشته است ولی در نسخهٔ این کتابخانه نظام الدین احمد گیلانی آمده ودر فهرست سپهسالار (ج ۲- ص ۲۰ و ۵۳ و ۱۳۱) نظام الدین حکیم الملك آورده است.

صاحب ذریعه که سه بخش این کتاب را دیده گوید: تاریخ پایان بخش نخست (۴-ع ۱-۱۰۵۳) است وابن یوسف در فهرست سپهسالار آنرا در (۱۰۳۶) دانسته. لیکن در برگ (۱۸۶) نسخه این کتابخانه تاریخ نوشتن را (۱۰۳۴) و بنابراین تاریخ نگارش پیش از آن خواهد بود.

آغاز بخش اول: الحمدلله الذی دل علی ذاته بذاته، وجل عن مغایرة صفاته وتنزه عن مجانسة مخلوقاته وتقدس عن ملائمة کیفیاته. توحدت فی ذاتك فلا یدرك كنهك عارف، و تفردت فی صفاتك فلایبلغ مدحتك واصف. تقدست اسمائك...

درفهرست سپهسالار هنگام آوردن آغاز کتاب دو جمله را انداخته است

انجام بخش نخست: لاسیل لا حد من اهل الشرق و الغرب تهدیدی وتخویفی بالحرب قط. وانی علی یقین من ربی الحق وعلی صراط مستقیم

آغاز بخش دوم: ومن کلامه (ع): امابعد فان الامر ینزل من السماء الی الارض کقطرات المطر.....

یعنی خطبهٔ (۱) بیست وسوم از باب یکم «نهج البلاغة» و بنابرین نخستین بخش این کتاب فقط یك دوازدهم نهج را شرح کرده است.

انجام بخش دوم: فاصبروا فی البلایا والمصائب فان الله مع الصابرین

۱- شمارهٔ خطبه ها و بابهای نهج البلاغه برابر فهرستی است که در همین بخش در زیر عنوان «نهج البلاغه» خواهیم آورد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آخرین خطبهٔ این بخش: والله لایزالون حتی لایدع والله محرما الااستحلوه ولاعقداً . . .

و آن خطبهٔ نودوششم باب نخست از نهج البلاغة است. و بنابراین تاپایان بخش دوم فقط اندکی بیش از یکسوم نهج البلاغة شرح شده است.

انجام بخش سوم بنقل ذریعه در شرح این کلام است؛ که: ایها الناس لاتستوحشوا فی طریق الهدی لقلة اهله . . .

و آن خطبهٔ ۱۹۹ باب اول نهج البلاغة است، و بنابراین تاپایان این بخش نزدیك چهارهفتم نهج شرح شده است. و روی این زمینه میتوان حدس زد که این کتاب در شش جلد بوده است.

[۲]

نسخه دارای هر دو بخش است؛ یکم دو برگهای (۱-۱۸۷) و دوم از آنجا تا پایان جلد. خط متن نسخ و شرح بنستعلیق ریز. نام نویسنده محمد جعفر بن محراب هروی. تاریخ نوشتن بخش یکم (۱۳ رجب ۱۰۳٤) در شهر قندهار. ترجمهٔ قطعه های متن بفارسی باشنگرف در زیر سطرها نوشته شده. عنوانها نیز باشنگرف است. پشت برك (۱) باخط شنگرفی نام کتاب را «ابکار البراعة وانوار الفصاحه» نوشته. لیکن همانگونه که در پایان نسخه آمده و در فهرستها یادشده: «انوار الفصاحة وأسرار البراعة» درست است.

۱۶۸

(۳۴۴ برك) کاغذ اصفهانی. جلد تیماج مشکی کهنه.
اندازه: ۱۴×۲۰ و ۷ر۸×۱۴ر۵. ٤٤ ۳۲ سطر.

[۳] بشری اللبیب بذکر الحبیب (عربی)

بیست و نه چکامه است بشمارهٔ حرفهای الفبای عرب، و قافیهٔ هر چکامه یکی از آن حرفها است، و آنهارا بهمان ترتیب رده کرده است، چنانکه نخستین چکامه بقافیهٔ همزه و آخرین آنها بقافیهٔ یا است. و همهٔ آنها درستایش پیغمبر اسلام میباشد. در پایان برخی از آنها واژه‌های دشوار آنرا گزارش نموده است. سرایندهٔ وشرح کننده محمد بن محمد بن احمد معروف به ابن سیدالناس است. لقبش فتح الدین و کنیتش ابوالفتح یعمری ربعی اندلسی اشبیلی است. وی بقاهره در سال (٦٦١) بزاده

و همانجا پرورش و آموزش یافت، و مدتی در دانشگاه ظاهریه درس میگفته وسپس بدمشق رفته و مدتی در آنجا بوده، و سپس در قاهره بسال (۷۳٤) بمرد. او راست «عیون الاثر فی فنون المغازی والسیر» و کوتاه شدهٔ آن بنام «نور العیون» در سیرت و احوال پیغمبر. و «بشری اللبیب» که جای گفتگوی ماست.

بسبب قافیهٔ چکامه‌ها بدان ترتیب، سراینده را ناچار کرده تارشتهٔ سخن را چنان بکشد که با آنها سازش داشته باشد، و ازاین روی گاهی از بکار بردن واژه‌های دور وپیچیده ناگزیر شده، وسپس در پایان چکامه، آن چند واژه دشوار را شرح و تفسیر نموده است.

مثلا در پایان چکامه بقافیهٔ «خ» چند واژه را گزارش داده وپس از آن گوید: کله من ابن سیده، من محکیه. و نیز در چکامهٔ بقافیه های «ذ» «ش» گزارشهائی چندداده و دراینجا بکتاب دیگر خود در مغازی - که شاید همان عیون الاثر باشد - حوالت داده است. و همچنین در چکامهٔ «ظ» و جز آن.

آغاز:

یاخلیلی لیلة الجوزاء ما اختیالی فی المقلة الحوراء

انجام:

وما اشرق البدر المنیر کحسنه وانی له ذاك الجمال محاکیا

آخر قصاید الکتاب المسمی بشری اللبیب بذکری الحبیب.

[۳]

نسخه بسیار گرانبها سلطنتی. خط نسخ. نام نویسنده و تاریخ نوشتن ندارد. تصحیح شده.

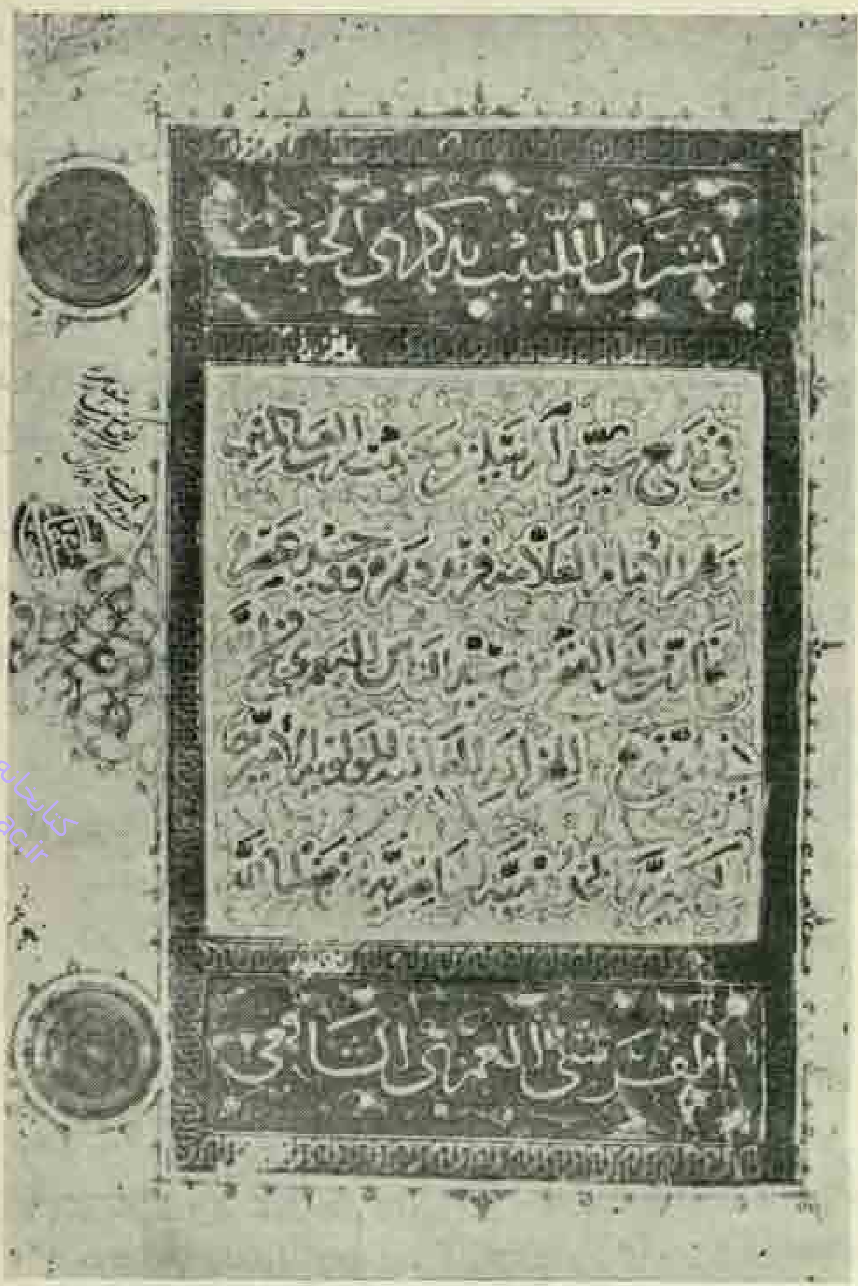
۱۶۵

رویه‌ها نه شماره دارد نه نشانه زیرصفحه. دو رویه نخست ویك رویه پایان کتاب، دارای جدول طلا و لاژورد است.

عنوانها باطلا و شنگرف نوشته شده. و دوطرف آن دو گل زرین میباشد نسخه برای کتابخانهٔ عالیهٔ مولویهٔ امیریهٔ کبیریهٔ مخدومیهٔ ناصریهٔ بن فضل الله

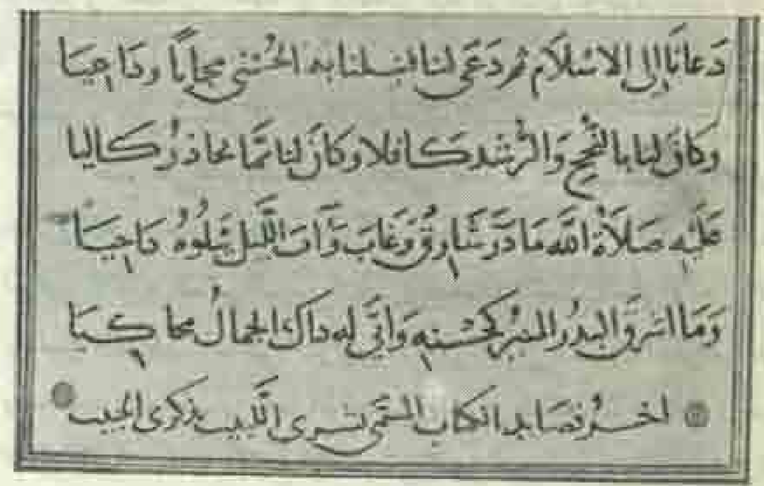
(٦٦ برك) کاغذ سمرقندی. جلد تیماج قهوه ای زباکی‌دار کهنه ضربی بی‌لا.
اندازه: ۱۴×۱۸ و ۸×۱۸ر۵ ۱۳ سطر.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir


بشری اللبیب بذکری الحبیب

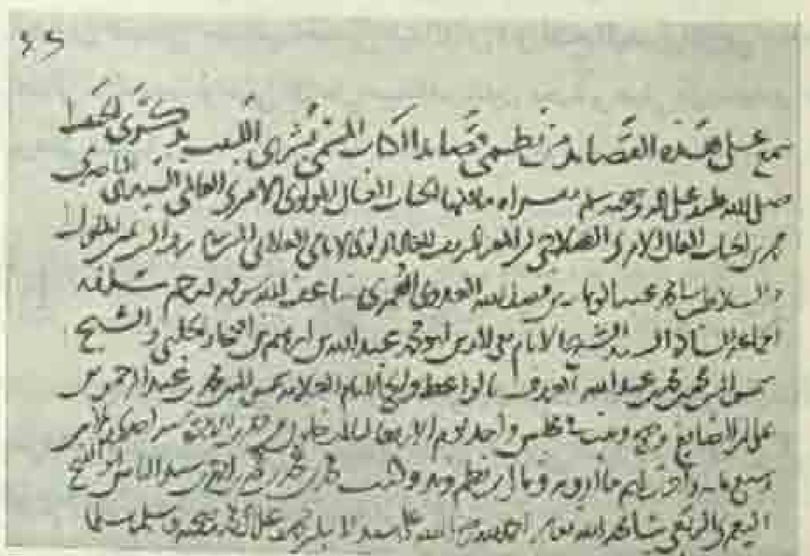
القرشی العمری الشافعی

۱- برگ (۲ – الف) نسخهٔ شمارهٔ «۱۶۰۵» این کتابخانه که باطلا ولاژورد وشنگرف آرایش شده، ودر آن نام سرایندهٔ شعر ونام کتابخانهٔ که برای آن نوشته اند نقش شده .


آخر قصائد الکتاب المسمی بشری اللبیب بذکری الحبیب

۲) پنج سطر پایان برگ (۶۵–ب) نسخهٔ شمارهٔ (۱۶۰۱) این کتابخانه که آخرین رویهٔ کتاب بشری اللبیب است.

در پایان نسخه اجازهٔ بخط سراینده (ابن سیدالناس) برای دارندهٔ نسخه که یکی از امراء بنام محمد بن ابی محمد فضل الله (صاحب خزانه) وسه نفر دیگر بنام عبدالله بن



«۳» اجازهٔ سرایندهٔ «بشری اللبیب» بخط خود او در برگ «۶۶» نسخهٔ شمارهٔ «۱۶۰۵» این کتابخانه .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ابراهیم و محمدبن محمد و محمدبن عبد الرحمان موجود است، که گراور آن در(ص۹) آورده شد. و در آن مجلس خود امیر «بشری‌اللبیب»را بلند خوانده و باقی شنیده اند. صورت اجازه اینست:

سمع علی هذه القصاید من نظمی؛ قصاید الکتاب المسمی بشری اللبیب بذکری الحبیب صلی الله علیه وعلی آله وصحبه وسلم، بقرائة مالکها الجناب العالی المولوی الامیری العالمی السیدی الناصری محمد بن الجناب العالی الامیری الصلاحی ابن المعز الشریف. العالی المولوی الامامی العلامی ... بین الملوک والسلاطین ابی محمد عبدالوهاب بن فضل الله العدوی العمری ضاعف الله شرفه و رحم سلفه؛ الجماعة السادة السید الشیخ الامام تقی الدین ابومحمد عبدالله بن ابراهیم بن افتخار الحلبی، والشیخ شمس الدین محمدبن محمدبن عبدالله المعروف بالواعظ والشیخ الامام العلامة شمس الدین محمدبن عبدالرحمان بن علی بن الصائغ. وصح وثبت فی مجلس واحد یوم الاربعاء لثالث خلون من جمادی الآخرة سنة احدی وثلاثین وسبع مائة. واجزت لهم ما ارویه ومالی من نظم ونثر. و کتب محمدبن محمدبن محمدبن احمدبن سیدالناس ابوالفتح الیعمری الربعی سامحه الله تعالی. الحمدلله و صلی الله علی سید المرسلین محمد و علی آل محمد وصحبه و سلم تسلیما.

[٤] بوستان (فارسی)

یکی ازبهترین نمونه شعر اخلاقی پارسی درسدهٔ هفتم «بوستان» است. سراینده شیخ مصلح الدین بن عبدالله سعدی شیرازی است که در دههٔ یکم سده هفتم زاده ودردههٔ پایان آن سده مرده است.

تأثیر سعدی در ادبیات جهانی وخاوری وبویژه درادبیات پارسی بیش از آنست که دراین کوتاه فهرست گنجایش داشته باشد، ولی اند کی از آن را در

زیرعنوان کلیات سعدی خواهیم آورد. وچنانکه خواهیم دید نامیردارترین اثر سعدی گلستان وپس از آن بوستان میباشد. وی این کتاب را درده باب ساخته:

۱ــ عدل وتدبیر (دادگری و رهبری).

۲ــ احسان (نیکی کردن).

۳ــ عشق (دلباختگی).

٤ــ تواضع (فروتنی).

٥ــ رضا(پذیرش)

٦ــ قناعت.

۷ــ تربیت(پرورش).

۸ــ شکر(سپاس).

۹ــ توبه

۱۰ــ مناجات (رازونیاز).

در آموزش وپرورش همه‌جا و ازجمله دراین کتاب سعدی همان روش عطار ومولوی را پیش گرفته. یعنی هدف عرفانی که زائیده اوضاع اقتصادی سدهٔ ششم ووضع سیاسی وفجائع سده هفتم است برفکرسعدی تسلط تام دارد.

تاریخ سرودن بوستان راسعدی دراین بیت بسال (٦٥٥) آورده:

زهجرت فزون بود پنجاه وپنج   که پرورشد این نام بردار گنج

یعنی یکسال پیش از نگارش گلستان که درتاریخ آن گفته‌است:

درآن مدت که مارا وقت خوش بود   ز هجرت ششصد و پنجاه وشش بود

بوستان در (٤٠٢٣) بیت شعر است، و تاکنون مکرر بچاپ رسیده؛ جداگانه مانند: چاپ‌سنگی تهران (۱۳۲۸ ق) یعنی نزدیك (۱۲۸۸ ش)، در (۱۳٦ص) وچاپ سربی(۱۳۱٦ش)فروغی در(۲٦۲ص)، وچاپ‌سربی (۱۳۱۷ش) محیط در (۲۷۲ ص)، و چاپ سنگی باهتمام محمد رضا تهرانی ساکن کربلا بی تاریخ همراه یك فرهنگ گلستان.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

و همراه کلیات سعدی چند بار در هند و ایران مانند: چاپ سید محمد صاحب شیرازی بی تاریخ. و چاپ اقبال آشتیانی در تهران (۱۳۱۷ ش) در (٤۰۷ص). و کلیات چاپ تهران (۱۲۵۹ ق) بخط محمد باقر خوانساری پسر محمد حسن خوشنویس. وجز آن.

آغاز:

بنام خداوند جان آفرین	حکیم سخن در زبان آفرین

انجام:

بضاعت نیاوردم الا امید	خدایا بعفوم مکن نا امید

[٤]

۱۰۵٦ نسخه بخط نستعلیق زیبا. نام نویسنده عطار شیرازی؛ که گویا پسر شد عطار شیرازی نامبردار بوده و از صوفیان بنام سدهٔ دهم است. تاریخ نوشتن (۹۳۰)، دارای سرلوح بسیار خوب از تلا و لاژورد و شنگرف.

میان سطر های دوروبهٔ نخستین تلا اندازی شده. همه رویه ها دارای دو جدول تلا و یك جدول لاژورد است.

(۱۸۰ برگ)	کاغذ ترمه:	جلد رویه سیاه الا کوپ.	
اندازه	۱۲×۵ر۱۹ و ۷×۱۵		۱۲ سطر

[٥] تثقیف التعریف (عربی)

درادبیات زبان تازی و دستورنامه نگاری برای طبقات مختلف؛ خلیفه‌ها، و زبران، والیان، بزرگان؛ مسلمان و کافر؛ عرب، ترك، ترکمان، کرد، وجز ایشان. و نسخه های نمونه: فرمان، منشور، نتحنامه، متار که نامه، سوگندنامه، سفارشنامه وجز آن، بدانسان که نویسندگان ودیوانیان مصر وسوریه وعراق در سدهٔ هفتم و هشتم بکار می برده‌اند، و چگونگی تغییرها که در آن دوره‌ها بنگارش داده شده. مانند آنچه در (ص۱) بعنوان ادب الکاتب گذشت.

نگارنده تقی الدین معروف بمقر تقوی ابن ناظر الجیش میباشد. جلال الدین

سیوطی دربارهٔ وی چند سطر(۱) بسنده کرده گوید: «تقی الدین عبدالرحمان بن احمد بن علی واسطی الاصل مصری زادگاه. بسال (٦۹۷) بزاده، مدتی منصب مقری گری اماکن مقدس داشته، و عهده‌دار مشیخهٔ حدیث درشیخونیه نیز بوده است. و بمصر درشعبان (۷۸۱) بمرد.» پایان».

ودربارهٔ ناظر الجیش گوید: «محمد بن یوسف، محب الدین، حلبی بود و بقاهره آمد. او راست شرح تسهیل و شرح تلخیص. مدتی ناظر سپاه و مدتی مدرس تفسیر درآموزشگاه منصوریه بود، و بسال (۷۷۸) بمرد.(۲)» پایان».

لیکن چنانکه می بینیم سیوطی هیچگونه بستگی میان این دو تن ندانسته است. از دیباچهٔ تثقیف التعریف برآید که نگارنده سی سال سرکار دیوان پادشاهان ممالیك بحری مصر بوده و این کتابرا در (۷۷۸) نگاشته است.

قلقشندی گوید: (۳) چون کتاب «التعریف بالمصطلح الشریف» (٤) نگارش مقرشهابی یعنی احمد بن فضل الله عدوی عمری مقداری از اصطلاحها که نزد نویسندگان پسندیده است ترك کرده بود ابن ناظر الجیش؛ مقر تقوی (تقی الدین) دستور خودرا بنام «تثقیف التعریف» نگاشت. ودرآن از مقرشهابی پیروی نموده همان راه را رفت وآنچه از مصطلحات ازاو مانده بود و یا پس از زمان او پیدا شده بود بیافزود، امروز (درپایان سدهٔ هشتم) این کتاب شهرتی بسزا دارد و چنان گرانبهاست که هر کس آنرا دارد پنهان کرده از نمایاندن آن

۱ــ حسن المحاضره فی اخبار مصر و القاهره ج۱ص۱۸۱.

۲ــ همان کتاب ج۱ ص۲٤۸، واعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء ج٥ ص٦۱.

۳ــ صبح الاعشی ج۱ ص۳۹ چاپ ۱۹۱۳م نگارش ابوالعباس احمد قلقشندی که آنرا نزدیك (۷۹۱) هنگامی که صاحب دیوان دربار یوسفی (ممالیك بحری) مصر بوده نگاشته است.

٤ــ التعریف بالمصطلح الشریف از شهاب الدین احمد بن یحیی بن فضل الله عمری (م ۷٤۹) و آنرا عرف التعریف نیز گفته‌اند. لیکن نگارنده آنرا تعریف نامیده و مرتب بر هفت قسمت است:

۱ــ درجه های نامه نگاری. ۲ــ عهدنامه‌ها. ۳ــ قسمت نامه‌ها. ٤ــ سپرده. ٥ــ مرزهای کشورها و مرزداری. ٦ــ چاپارخانه‌ها و دژها. ۷ــ دیگر نیازمندیهای نویسندگان.

دریغ کنند . وازسخنان‌پسین قلقشندی چنین نماید که وی «صبح الاعشی» را در جمع میان «التعریف بالمصطلح الشریف» و تکمیل آن «تثقیف التعریف» نگاشته است .

این کتاب بنام ملك‌شعبان‌اشرف (۱) پسر محمد ناصر پسر قلاوون پسر ایوب صالح، از پادشاهان ممالیك مصر، ودر پایان سال (۷۷۸) نگاشته‌شده والبته پیش از کشته شدن ملك‌اشرف ـ که نیز در همین سال میباشد ـ بوده‌است.

وآنرا درهفت قسمت ویك باب جداگانه مرتب ساخته :

قسمت یکم ــ نامه‌نگاری بنام خلیفه وشاه ووالی: ـ

باب یکم ـ خلیفه و ولی‌عهد خلافت‌او.

باب دوم ـ شاهان مسلمان ، در سه فصل .

باب سوم ـ شاهان کافر.

باب چهارم ـ والیان ترك وتركمان و كرد كه مقام‌شاهی دارند.

قسمت‌دوم ــ نگارش‌بسوی ولی‌عهدپادشاهان، درشش‌باب.

قسمت سوم ــ نگارش نامه بسوی بزرگان عربان و ترکمانان و کردان ، دردو باب :ـ

۱ـ عربان .   ۲ـ ترکمان و کرد .

قسمت چهارم ــ نگارش بسوی وزیران وقاضی‌القضاة‌وپیران‌صوفیه.

قسمت پنجم ــ درچند باب:

۱ـ نگارش‌قراردادها.   ۲ـ نگارش‌فرمانها ودستور نامه‌ها.

۳ـ توقیع‌نامه ها.   ٤ـ منشور نامه‌ها.

---

۱ ـ پسر این‌پادشاه محمد ناصر بسال (۷٤۱) در گذشته وپس‌ازاو پسران‌وی‌بنام ابو کر و اشرف کجك (قجوق) واحمد واسماعیل‌بتخت نشسته وپس‌ازایشان شعبان‌اشرف بسال (۷٦٤) بتخت نشست وبسال (۷۷۸) ـ که این کتاب درآن‌نگاشته شده ـ کشته‌شد وپس ازاو پسر یازده ساله‌اش ملك‌صالح را بتخت نشاندند واین آخرین تن ازخانواده ممالیك‌فرزندان‌قلاوون‌بوده‌است. «خطط‌الشام» ج ۲ ص ۱٤۹ تا ۱۵۷ و «طبقات‌سلاطین اسلام» ازلین‌پول (ص ۷۲) دیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

قسمت ششم ـ نگارش سپرده‌نامه ، سفارشنامه. درسه باب :

۱ ـ سوگندنامه‌میان کافر ومسلمان.

۲ـ سپرده‌نامه ومتارکه‌نامه جنگ.

۳ـ فسخ‌نامه .

قسمت هفتم ـ درلقبهای بزرگان، درپنج باب :ـ

۱ ـ لقبهای‌شمشیر داران.

۲ ـ دارندگان‌مقامهای مذهبی.

۳ ـ دارندگان‌وظایف دیوانی.

٤ـ پیران صوفی‌وپرهیز کاران.

۵ـ بازرگانان.

باب جداگانه : درنامه نگاری برادرانه.

آغاز: امابعد حمدالله علی‌مزید انعامه ونواله والصلاة والسلام...

انجام . مجدالجناب العالی اوالمجلس العالی، وعلی هذاالقس. والله اعلم بالصواب.

[۵]

۲۱۸ همراه ادب‌الکاتب دریك جا جلدشده . واز برگ یکم تا برگ (٦٤) را گرفته . خط نسخ‌زیبا. نام نویسنده وتاریخ نوشتن‌ندارد. همهٔ رویه‌ها دارای جدول طلا ولاژورد. عنوانها باشنگرف.

دربرگ (٦٤ب) کتاب پایان یافته ودر زیرآن نویسنده کتاب دیگری راآغاز کرده ولیکن دراین نسخه فقط چند سطر پایان رویه‌مانده، وباقی برگها از آن جدا شده است .

آغاز آنچه هست : احمدك‌اللهم والمحامد راجعة الیك ولا أحصی ثناء علیك کیف‌اشاء ثناء یلیق ...

همهٔ جلد (۱۸٤برگ) این‌کتاب (۹۳ برگ) کاغذ اصفهانی‌حالی. جلدتیماج حنائی ضربی متوالی اندازه : ۱۹×۲٦ و ۱۱×۱۸ : ۱۹ سطر .

[٦] ترجمهٔ عهدنامه مالك اشتر (فارسی)

یکی از سودمندترین بخشهای کتاب نهج البلاغة(۱) فرمان ودستوریست که بنام «عهدنامه مالك اشتر» مشهور است. وسیدرضی (م-٤٠٦) آنرا در بند (٥٣) باب دوم آن کتاب گذارده است.

ازسر آغاز این فرمان چنین نماید که آنرا علی(ع) هنگامی که مالك اشتر نخعی را بامیری مصر بر گماشته، برای وی نگاشته است.

مالك اشتر یکی از یاران با وفا و از بزرگترین سپهسالاران علی (ع) بوده و نسب او را چنین نوشته اند: مالك پسر حرث(حارث) پسر عبدیغوث پسر سلمة پسر ربیعة پسر حرث پسر جذیمه پسر مالك پسر نخع، نخعی مذحجی. و بیشتر بلقب اشتر شهرت داشته است. عقلانی گوید: پیغمبر را درك كرده، ابن حبان گوید یرموك را نیز دریافت ودر آنجا یك چشم خودرا ازدست داد. او از سران طائفهٔ خود بشمار میرفت وروز جمل وصفین باعلی بود، وعلی اورا بجای قیس بن سعدبن عباده برمصر گماشت. ابن سعد اورا در طبقهٔ اول تابعان کوفه آرد. مرزبانی در معجم الشعراء گفته: لقب اشتر از آن روی بدو دادند که روز یرموك زخمی بسر او رسید و در اثر آن ازیك چشم او همیشه چرك میآمد سیف بن عمرو وابوحذیفه نیز او را یاد کرده اند(۲) (پایان)

نسب مالك را ابن عبدربه بتفصیل آورده است(۳) شیخ طوسی(م-٤٦٠) در رجال خود شرح حال اورا درشمار یاران علی (ع) آورده. علامه حلی (م-۷۲۰) درقسمت اول «خلاصة الاقوال» اورا یاد نموده، وهمچنین در دیگر کتابهای رجال مانند «وجیزه» و«حاوی الاقوال» و«رجال ابن داود» نیز یاد شده(٤) آنچه از همهٔ مدارك بر می آید مالك یکی از سران چهار گانه است که عثمان را

(۱- نهج البلاغة در (حرف - ن) خواهد آمد و یکی از شرحهای آن در (ص ٤) همین جلد گذشت

۲- الاصابه (چ-۱۳۲۳) ج ٦ ص ١٦٢ و ١٦١

۳- عقدالفرید (چ-١٩٤٠) ج ٣ ص ٣٤٧

٤- تنقیح المقال (چ- ۱۳۵۰) ج ۲ ص ٤٩

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

محاصره و سپس کشته اند.

او دراین واقعه سرداری و نمایندگی مردم کوفه را داشته است. (۱) و پس از آن نیز از طرفداران جدی علی (ع) و در جنگ جمل از سران سپاه وی بوده، ودراین هنگام زوربازو وپهلوانی او زبانزد مردم گردیده، تا آنجا که چون زبیر برای جنگ تن بتن بسوی اورفت، عایشه بسیار ترسید، و بکسی که خبر تن درستی زبیر و رهائی اورا ازجنگ مالك اشتر بیاورد، چهار هزار یا ده هزار درم جایزه داده(۲) است. یکی از مناصب مهمی که مالك اشتر از طرف علی (ع) عهده دار شده ولایت مصر است، و گفتگوی ما در فرمان ودستوریست که دراین هنگام از طرف علی(ع) برای او صادر گردیده.

این نامه بیش از باقی نامه ها وخطبه های کتاب نهج البلاغه بامور سیاسی و دستور العملهای روزانهٔ حاکم ووالی توجه نموده، چگونگی برخورد حاکم را بامردم، ونظر والی را باطبقات مختلف ایشان تعیین کرده. نام چند طبقه از آنها دراین عهدنامه آمده است:

۱- ارتشتاران. ۲- کارمندان.
۳- داوران. ٤- دهندگان مالیات و گزیت.
٥- بازرگانان وهنرمندان. ٦- بینوایان.

وسپس نامی از:

۷- خانواده های کهن وریشه دار(ذوی البیوتات الصالحة والاحساب).
۸- جوانمردان (ذوی النجدة والشجاعة والسخاء).

برده است.

این عهدنامه بیش از باقی بخشهای نهج البلاغة موردتوجه شده، وشرحها وترجمه های جداگانه بسیار دارد.

نام چند شمارهٔ آنرا از کتاب ذریعه وجز آن دراینجا می آوریم:

۱- عقدالفرید (چ-١٩٤٠) ج ٥ ص ٤٣ و ٤٩ و ٥٠.

۲- عقدالفرید (چ-١٩٤٠) ج ۱ ص ٩٣ وج ٥ ص ٨٣.

١ ــ آداب الملوك: از رفيع الدين نظام، پسر علی اصغر پسر ميرزا رفيع پسر ابوطالب وزير (م- ١٣٢٦ق)

٢ ــ تحفهٔ سليمانی: از سيدماجد پسر محمدحسينی بحرينی، بنام شاه سليمان صفوی (م- ١١٠٦ق).

٣ ــ تحفة الملوك: الذريعه (ج٤-ص١١٨).

٤ ــ تحفة الولی: از محمدحسين پسر احمد يزدی. که بنام محمد ولی ميرزا بسال (١٢٢٧) نگاشته.

٥ ــ دستور حكمت: از اديب كرمانی (ن- ١٣٢١).

٦ ــ عنوان الرياسة: الذريعه (ج٤-ص١١٨).

٧ ــ الراعی والرعيه: از توفيق فكيكی (چ١٣٥٤) نجف.

٨ ــ نصايح الملوك: از ابوالحسن عاملی (ن-١١٣١).

٩ ــ نظم العهد: بشعر فارسی.

١٠ ــ شرح العهد: الذريعه (ج٤-ص١١٨).

١١ ــ هدايات الحسام: از محمدحسين پسر علی نقی همدانی (ن-١٣٠٨).

١٢ ــ ترجمهٔ عهدمالك: از محمدابراهيم بدايع نگار. (پايان سده سيزدهم) نسخهٔ آن در كتابخانهٔ رضويه ميباشد.

١٣ ــ ترجمهٔ عهدمالك: از بدايع نگار) غير از شمارهٔ پيش) و نسخهٔ آن در كتابخانهٔ مجلس هست.

١٤ ــ ترجمهٔ عهدمالك: از مجلسی محمدباقر (م-١١١١).

١٥ ــ ترجمهٔ عهدمالك: از محمد صالح روغنی (ن-١٠٩٤).

١٦ ــ ترجمهٔ عهد مالك: از شيخ محمد هادی پسر حسين قائنی (م - ١٣٧٠).

١٧ ــ دستور حكومت: از محمدعلی فروغی ذكاءالملك.

١٨ ــ ترجمه و شرح عهدمالك: از اوقار (م-١٢٩٨) پسر وصال شيرازی.

١٩ ــ مقتبس السياسة: از محمد عبده (م- ١٣٢٣).

كتابخانه مركزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

٢٠ ــ ترجمه بشعر تركی: از محمد جلال الدين (چ- ١٣٠٤) استانبول

٢١ ــ اساس السياسة: شيخ محمد سلطانی (م-١٣٥٤). (چ-١٣١٣ش)

ترجمهٔ كه گفتار ما در آن است؛ بشيوهٔ نا پسنديدهٔ دورهٔ صفوی؛ كلمه بكلمه ترجمه شده، و هرسطر را در زير آن بفارسی گردانيده، و با شنگرف نوشته است.

آغاز فرمان: هذا ماامربه عبدالله امير المؤمنين ...

آغاز: ترجمه اين چيزی است كه امر نموده است بآن بندهٔ خدا علی پادشاه مؤمنان مالك پسر حارث اشتررا ...

انجام: وبدرستيكه ما بسوی رحمت او راغب ميباشيم و سلام بر رسول خدا صلی الله عليه و آله.

[٦]

نسخه در مجموعه‌ئيست دارای:

١٥٢٦ ١ــ زادالزائرين كه در (ج١ص١٢١) اين فهرست يادشده.

٢ــ رسالهٔ درفلسفه.

٣ ــ اين كتاب.

خط متن تازی عهدنامه نسخ است. وخط ترجمهٔ فارسی شكسته نستعليق؛ باشنگرف در زير سطرهای متن، از برگ (٠٠) تا پايان اين جلد را گرفته. نام نويسنده و تاريخ نوشتن ندارد.

كاغذ و خط اين رساله و رساله فلسفه يكی است، و بارسالهٔ «زاد الزائرين» دو گونه است.

همهٔ مجموعه (٢١٣ برگ) اين رساله (١٨برگ) كاغذ فرنگی. جلد تيماج سرخ ضربی متوالی. اندازه: ٣ر١٢×٨ر١٨ و ٧×١٢ ، ٨سطر متن و٨سطر ترجمه.

[٧] ترسل (فارسی)

كتابچه ئيست درهنر نامه نگاری بزبان فارسی، مانند منشآت خواجه جهان كه در (حرف- م) خواهدآمد. نام نگارنده در اين كتابچه نيامده چون آغاز آن از نسخهٔ اين كتابخانه افتاده است، ليكن در پايان نسخهٔ اين كتابخانه؛ نويسنده آنرا بمولانا عبدالواسع نسبت داده است.

وی دراین کتابچه مردم را از نظر کارشان بدسته ها بخش کرده وهر دسته را بسه طبقه نموده . مثلا میگوید: برای طبقهٔ اعلی مشایخ نویسند ... برای مشایخ طبقهٔ اوسط نویسند... برای مشایخ طبقهٔ ادنی نویسند ... وهمچنین: برای وزراء طبقهٔ اعلی نویسند... برای وزراء طبقهٔ اوسط ... برای وزراء طبقهٔ ادنی نویسند ... .

وپس از نگارش هر نامه پاسخ آنرا نیز بعنوان (جواب آن .) آورده است.

ترتیب کتاب چنین است: مشایخ. سادات. علماء . قضاة. امراء دولت. وزراء ودر پایان یك نمونه از نامه برای پدر ویك نمونه پاسخ آنرا آورده است.

انجام: مصروف میگرددو الحمدلله ولی النعم ... ومن الله التأییدانه حمید مجید. تمام شد ترسل مولانا عبدالواسع والحمدلله...

از طرز انشای نامه های این کتابچه، وهمچنین جداساختن بابی برای نامه نویسی بسوی سادات ، و اینکه در پایان برخی نامه ها جملهٔ [بالنبی و آله] آورده چنین بر می آید که نگارنده پس از صفویان زندگی میکرده و گویا او همان ملاعبدالواسع بن علامی نگارندهٔ «تسهیل الغوامض» یا «ایضاح الاعراب» باشد که درذریعه (ج ٤ ص۱۸۲) نام او آمده است .

وی نگارش «تسهیل» رادرشوال(۱۰۸٦) بپایان رسانیده وبنابراین از دانشمندان سدهٔ یازدهم بوده است.

علامی پدر نگارنده شناخته نشد اگر چه از نظر تاریخ میتوان او را ابوالفضل ناگری متخلص بعلامی دانست لیکن ابوالفضل علامی در کتاب «اکبر نامه» بسال(۱۰۰٤) گزارش زندگی خودرا نگاشته (۱) وفقط یك فرزند بنام عبدالرحمان بخود نسبت داده است.

[۷]

نسخه بخط نستعلیق زیبا . در مجموعهٔ ایست که در آن این کتاب و «دیوان بیانی» و «اخلاق ٤۰ باب» جلدشده . نام نویسنده وتاریخ نوشتن ندارد.

۸۶۲

آغاز نسخه افتاده است، واز میان نمونهٔ نامه برای مشایخ طبقه اعلی آغاز شده. از برگ

۱ - لغتنامهٔ دهخدا (حرف ا ــ ص۷۳۲ ستون۳ــ س)

(۱ــ تا ۱۸) مجموعه را گرفته.

دارای جدول زر ولاژورد . عنوانهارا باشنگرف ودرمیان جدول ویژه جای داده.

(۱۸ برگ) کاغذ اوعی ترمه . جلد تیماج حنائی ضربی طلاکوب.

اندازه : ۹٫۵×۱۵٫۵و ۵٫۵×۹٫۵ ۱٤سطر.

[۸] جوامع الحکایات ولوامع الروایات (فارسی)

یکی از بزرگترین و مهمترین متنهای ادبی زبان فارسی میباشد . این کتاب تاریخی است که بصورت داستانها درآمده ودرهر قسمت پدیدهای تاریخی مربوط بآن را بعنوان حکایتهای گوناگون یاد کرده است. این روش تاریخ نویسی که در نگارش آن بیاد آوری خشک وقایع تاریخی بسنده نکرده، بلکه آنها رادر میان داستانهای شیرین و با الفاظ دلپسند بگنجانند ، در زمانهای پیش برای استفادهٔ دربارها و سرگرمی پادشاهان مرسوم بوده است . و مانند آن تاریخ نگارستان و نوادرالحکایات است که نخستین را قاضی احمد غفاری ودومین راعبدالنبی قزوینی تهیه کرده اند.

در نگارش این کتابها زیبائی متن بیش از خود مطلب مورد توجه بوده واز این روی این گونه کتاب ها و بویژه برخی از آنها مانند «جوامع الحکایات» در متون ادبی بشمار میرود، و جنبهٔ تاریخی آن تحت الشعاع زیبائی ادبی میباشد.

ولیکن درعین حال نباید چنین مجموعهٔ داستانهارا با گردآوری داستان های گوناگون یك ملت که امروز مورد توجه قرار گرفته است (۱) در یك رده قرار داد، چه گرد آوری داستانهای موجود غیر از نگاشتن تاریخ در قالب داستانهای ساختگی میباشد .

نگارندهٔ جوامع :

نورالدین محمد پسر محمد پسر یحیی پسر طاهر پسر عثمان عوفی بخارائی

۱ ــ گذشته از اروپائیان که بیشتر داستانهای همه کشور های اروپائی را گرد آوری وچاپ کرده اند . عربان نیز بتازگی این کار را آغاز نموده و چهار جلد کتاب بنام «قصص العرب» چاپ ومنتشر ساخته اند.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

حنفی(۱) در پایان سدهٔ ششم و آغاز هفتم میزیسته.

نخستین کسی که ازاو یاد کرده حمدالله مستوفی درسدهٔ هشتم میباشد که در تاریخ گزیده گوید جامع الحکایات از اوست، و در آغاز تاخت مغول در گذشت.

خواندمیردر حبیب السیر نیز اورا یاد کرده گوید.درعهدسلطان شمس الدین ایلتمش دردهلی میزیست. و«جامع الحکایات» رابنام وزیر او (محمدبن ابی سعد جنیدی) نگاشت.

وهمچنین اندکی از گزارش زندگی او در تاریخ فرشته و«مجمع الفصحا» آمده است.

وی خودرا از نوادهای عبدالرحمان بن عوف عضو شورای خلافت پس از عمر می پنداشته، و نیز خودرا از فرزندان ابوطاهر یحیی بن طاهر بن عثمان عوفی میدانسته (۲) وشرف الزمان مجدالدین محمدبن ضیاء الدین عدنان سرخکتی، پزشک قلج طغماج خان ازپادشاهان خانیه ماوراءالنهر دائی او بوده(۳).

وی دربخارا بزاد و پرورش یافت، ودرمدرسهٔ «درخارخك»(٤) درنزد رکن الدین امامزاده، مجلس گوی آن مدرسه (گوینده ـ واعظ) وقطب الدین سرخسی دانش وادب آموخت، وسپس و بشهرهای ماوراءالنهروسیستان وهندوستان تادهلی سفرهارفته، واستادان بیشمار دیده است.

وی پس از پایان تحصیلات بسال(۵۹۷) از بخارا بسمرقند آمده و چون دائی او مجدالدین محمدبن عدنان ازدرباریان پادشاه قلج طمغاج خان ابراهیم بوده، عوفی راسرپرستی دیوان انشای پسرش قلج ارسلان عثمان بن ابراهیم ولیعهد

۱ــ نژاد وشهر او ازبررسی کتاب جوامع الحکایات آشکار میشود:
«مؤلف کتاب محمد بن محمد عوفی بخاری میگوید که وقتی در نیشابور تلد کبر بگفتم»
(برك ۸۰-۸۱) نسخهٔ خطی این کتابخانه.
ولیکن چلبی در کشف الظنون لقب او را بجای نورالدین، جمال الدین وهندوشاه در تجارب السلف(ص۲٦۹) سدیدالدین آورده است.
۲ــ لباب الالباب ج۱ ص ۱۷۸ ــ ۱۷۹.
۳ــ لباب الالباب ج۱ ص۱۷۹ــ ۱۸۱ و ۳۳۷.
٤ــ خارخك یا خارغك ع.ل. سبك شناسی ج ۳ ص۲٦۵.

گماشت. ولی عوفی بدست آوردن این مقام را درنتیجهٔ لیاقت تمائی خود در چند مجلس دانسته، وچند داستان دراین باره یاد کند: یکی داستان گفتگودر بارهٔ معنی مثل: لایقاس الملائکة بالحدادین (۱) و دیگر داستان استعمال لفظ «قرابت» یا «قربت» برای داماد. ودیگر گفتگو در معنی بیت منصور منطقی که گوید:

بسان مرد ایرانی بتبت   بباغ اندر گلی بشگفت خندان

وأفسانهٔ سنك خندان یا حجرالباهت(۲) که در تبت است و مردم بیگانه بادیدن آن ازخنده بسیار بمیرند.

عوفی تا نزدیك سال (٦۰۰) دردربار سلطان نصرةالدین عثمان بن ابراهیم مانده، سپس بخراسان آمده، و در این سال درنسا بوده است(۳) و در (٦۰۳) درنیشابور بوده. وپس از سال (٦۰۷) در اسفزار(٤) بوده. وپس ازاین تاریخ دراثر تاخت مغولان بسوی کشور سند شتافت وبنزد ناصرالدین قباجه که از ممالیك سلطان شهاب الدین (معزالدین) غوری است و بسالهای (٦۰۲ ــ ٦۲۵) در آن کشور پادشاهی کرده است،شد.

و در (٦۱۷) در اچه (۵) پایتخت ناصرالدین قباجه میزیسته (٦) و تا (٦۲۵) در آنجا بوده و در این مدت «لباب الالباب» را بنام وزیر او عین الملك فخرالدین حسین بن شرف الملك رضی الدین ابوبكر اشعری بنگاشت.

دراین تاریخ سلطان شمس الدین التتمش (۷) ازممالیك غوری و بنیاد گذار خانوادهٔ (شمسیان دهلی) بجنك ناصر قباجه آمد.

۱ــ حداد دراین مثل بمعنی دربان است نه آهنگر.
۲ــ عجائب المخلوقات قزوینی چاپ و ستنفلد ص ۲۱۱ــ۲۱۲.
۳ــ لباب ج ۲ ص۳٤۵.
٤ــ لباب ج ۱ ص۱۱۱
۵ــ (ا) شهریست درصوبه نها ولپوردر کرانهٔ خاوری پنجاب در(۷۰) میلی جنوب خاوری ملتان و(٤۰) میلی شمال خاوری مصب کلونی رود سند.
٦ــ لباب ج۱ ص۱۱۵.
۷ــ از(٦۰۷ تا ٦۳۳) پادشاهی کرده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

قباجه بدژ بکر (۱) پناه برد. التتمش شهر اچـه را محاصره کرد و وزیر او نظام‌الملك جنیدی (۲) دژ بکر را محاصره نمود، در ماه جمادی‌الاول شهر اچه و در جمادی‌الآخر دژ بکر را بگشود.

ناصرالدین قباجه دارائی خودرا بافرزند بنزد التتمش فرستاد و بخشایش خواست. التتمش دستور داد تاخود بخدمت آید، ناصرالدین قباجه نپذیرفت و شب شنبه (۱۹ ج۲ – ٦۲۵) خودرا از قلعه برود سند انداخت و غرق کرد. التتمش پس از این برههٔ کشور سند وملتان دست یافت.

عوفی تا این زمان در دژ بکر محصور بود و چنانکـه خود در دیباچهٔ «جوامع الحکایات» اشارت نموده از طرف قباجه بنگارش «جوامع الحکایات» مامور بود، و پس از مرگ قباجه این کتاب را بنام نظام‌الملك جنیدی وزیر التتمش گردانید. از (٦۲۵) ببعد عوفی دردهلی می‌زیست. و آخرین واقعه که در «جوامع الحکایات» یاد شده شورش اختیار الدین دولتشاه فرمانـدار لکهنو در (٦۲۸) می‌باشد و بنابراین تاریخ نگارش «جوامع الحکایات» نزدیك (٦۳۰) میباشد.

چنانکه دیدیم عوفی جوامع را در آغاز کار بنام عین‌الملك وزیر قباجه می‌ساخت و چون دولت قباجه سرنگون شد عوفی نیز کتابرا از نام وزیر او بنام نظام‌الملك وزیر التتمش گردانیده است. گزارش زندگی این وزیر را آقای قزوینی (۱) چنین آورده است:

قوام‌الدین نظام‌الملك محمد پسر ابوسعد (سعید) جنیدی وزیر التتمش بوده، و پس از مرگ او وزیر پسرش رکن‌الدین فیروزشاه (ش ٦۳۳ – ٦۳٤) شد. و سپس بهمدستی برخی از بزرگان بر فیروزشاه شورید، فیروزشاه گرفتار شد و خواهرش سلطان رضیه بجای او بنشست. نظام‌الملك پادشاهی این زن را نیز نپذیرفت ولی

---

۱ – |ببکك| یا |بـه ك| دژی است برتخته سنگی در میان رود سند و اکنون تابع بمبئی است.

۲ – جوامع الحکایات بنام او نگاشته شده و گزارش زندگی او را خواهیم آورد.

۳ – کوتاه شدهٔ گفتار قزوینی در سر آغاز لباب الالباب ج ۱ ص یط – یك.

در اینجا شکـست خورد و از شهر فرار نمود، و بکوه (بردار) یا (سر موو بردار؛) رفت و همانجا بمرد.

لقب او را اورتی ترجمان طبقات ناصری کمال‌الدین آورده، ولی قوام‌الدین درست‌تر است، چه در چندین جای «جوامع الحکایات» چنین یادشده، و نیز پدر او را راورتی وریو درفهرست خود ابوسعید نوشته اند، ولی عوفی در «جوامع الحکایات» آنرا بادعد [د] قافیه آورده، و بنابراین ابوسعد درست است.

بایددانـست اگرچه گفتهٔ آقای قزوینی درست است، ولی عوفی در «جوامع الحکایات» گاهی نیز او را در شعر سعید آورده است چنانکه در پایان باب بیست و پنج قسمت یکم گوید:

سپهر مهر محامـد محمد بـن سَعید　　　　که هست درگه او ملجأ الوالالباب

نگارشهای عوفی:

۱ – جوامع الحکایات ولوامع الروایات.

۲ – لباب الالباب. کهن‌ترین گزارش زندگی شاعران است. و آنرا در (٦۱۸) بنام عین‌الملك حسین وزیر قباجه نگاشته.

۳ – ترجمهٔ الفرج بعدالشدة قاضی تنوخی. عـوفی درباب هفتم قسمت چهارم (۱) «جوامع الحکایات» پارهٔ از آنرا آورده‌است.

٤ – مدایح الـسلطان، بشعر در بحر خفیف، بروزن حدیقهٔ سنائی. در آغاز باب دوازدهم قسمت اول (۲) جوامع الحکایات چند شعر آنرا چنین آورده:

می‌ببنی چنین زدست نفس　　　　که بود رای پیش و تیغ زپس

و آن ترجمهٔ این چکامهٔ متنبی است:

الرای قبل شجاعة الشجعان　　　　هو اول و لها المحل الثانی

جوامع الحکایات (۳) یکی از نامورترین کتابهای تاریخ و ادب فارسی است، و اهمیت آن از نظر تاریخ و ادب بسیار است.

---

۱ – برگ (۳٦۱ تا ۳٦۵) نسخهٔ این کتابخانه.

۲ – افسوس که این شعرها از برگ (۱٤۲) نسخهٔ این کتابخانه افتاده، ولی در نسخهٔ بهار و نفیسی و دیگران هست.

(۳) نام کتاب در برخی نسخه‌ها و نسخهٔ این کتابخانه «جامع الحکایات و لوامع الروایات» میباشد. و چلبی نیز چنین آورده، ولیکن آقایان قزوینی و بهار بمناسبت واژهٔ «لوامع» کلمه «جوامع» را که در برخی نسخه های کهن دیده برگزیده‌اند.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

شهرت عوفی بیشتر بسبب نگارش این کتاب بوده. واز نگارشهای دیگر او کمتر یاد شده است.

حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده (ن-۷۳۰) و عقیلی در آثار الوزراء (ن-۸۸۳) وقاضی احمد غفاری در نگارستان (ن-۹۵۹) و جهان‌آرا (ن-۹۷۱) ومصلح‌لاری درمرآت‌الادوار(ن-۹۷٤) ورازی‌درهفت‌اقلیم (ن-۱۰۰۲) ازاین کتاب ونگارنده‌اش یاد کرده اند.

شیوهٔ نگارش جوامع الحکایات:

عوفی‌درنگارشهای‌خودتااندازه‌ئی شیوهٔدراز بافی وپیچیده گوئی‌داشته است. ولیکن«جوامع الحکایات» ازآنجا که مجموعه‌ای‌از داستانهاست که‌برخی ازآنهابانشای خودعوفی وبرخی‌دیگررا از کتابهای‌دیگران‌آورده، ازاین‌روی دارای شیوه ویژه نیست.

قطعه‌هائیکه ازخود عوفی‌است‌شیوه جمله‌پردازی سنگین درآن‌نمایان است، مانند دیباچهٔ کتاب. وداستانهائی که‌از کتابهای دگرآمده، اگرچه عوفی آنها را نیز زیروروی نموده باشد، بازشیوهٔ اصلی آن تا اندازهٔ برجا مانده است. چنانکه داستان وزارت بوسهل زونی برای طغرل‌طاغی سلجوقی درباب هجدهم قسمت سوم(۱) که‌بگفتهٔ‌آقای‌بهار(۲) بی‌شك‌ازجلدسوم تاریخ‌ابوالفضل بیهقی گرفته‌شده، ودارای‌شیوهٔ ساده ورسامیباشد.

یکی ازمختصات دستوری این کتاب و«لباب الالباب» و«المعجم‌فی‌معاییر اشعار العجم» که نزدیك بیکدیگر نگاشته شده‌اند اینست که هرگاه فعلی‌بفعل دیگر عطف شده، خواه معطوف علیه اول‌شخص یادوم شخص ویا سوم، مفرد یا جمع باشد ـ با اینکه فاعل هردو یکی است ـ فعل معطوف را بصورت سوم شخص میآورد.

اهمیت تاریخی جوامع الحکایات:

جوامع الحکایات عوفی دروضع کنونی مانندگنجینهٔ بی دراست. چه‌بسا وقایع تاریخی که درهیچ کتاب دیگریادنشده، وبسا آمار جغرافیائی وتاریخی

۱ـ برك (۳۲۵ب) نسخهٔ این کتابخانهٔ

۲ـ سبك شناسی ج ۳ ص۱٤.

که درهیچ جای دیگرنیامده(۱)وفقط دراین کتاب یادشده‌است. وچون ترتیب خود کتاب نیز ناهنجار است، بهترین راه برای استفاده ازاین کتاب آنست که درهنگام چاپ فهرست نام کسان، ونام‌جاها، ونام دسته وگروهها، وهمچنین فهرست واژه‌های دشوار آن، وکلمه هائی که دراین کتاب ضبط شده است تهیه وبرای استفاده بگذارند.

آقای بهار بسال (۱٤-۱۳۱۵) با رنج بسیاراین کتاب را باچند نسخه برابر وتصحیح کرده است وچون اسباب چاپ همهٔ‌آن فراهم نبود ناچارمنتخب وکوتاه شده‌ای ازآن برگرفته ویك جلد از چهار جلد این منتخب را وزارت فرهنگ بسال (۱۳۲٤) برای استفادهٔ دانش‌آموزان دبیرستانهاچاپ کرده‌است.

چلبی گوید: احمدبن‌محمد معروف بابن‌عربشاه(م-۸٥٤) بدستورسلطان مراد عثمانی جوامع را از فارسی بترکی گردانید، بار دوم نجاتی شاعر ترك (م-۹۱٤) برای‌شاهزاده محمدخان وبارسوم ملاصالح‌بن‌جلال (م-۹۷۳)بدستور بایزید عثمانی همین کاررا انجام‌دادند ومحمد بن‌اسعد شوشتری نیزآنرا کوتاه کرده‌است.

آغاز: حمد وثنا مبدعی را که از بدایت صباح وجود تا نهایت رواح عدم، هرچه هست درحد پادشاهی اوست. وشکر وسپاس موحدی را که از پیشگاه عدم تاپایگاه طبع هرکه هست درتحت اوامر ونواهی‌اوست .... اشعار عربی را ترجمه کرده ... چه اگر عربی زیادت ازحد شود شاهد زیبا بریده می‌آید بباطل‌می‌انجامد واین‌مجموع جامع(چنین)الحکایات ولوامع‌الروایات‌نام نهاده شد ....

چنانکه گفتیم این کتاب دارای چهارقسمت، وهرقسمت‌در بیست‌وپنج

۱ ـ مانند داستان وزارت بوسهل زوزنی برای طغرل سلجوقی. و مانند داستان مسافرت‌عوفی در دریاو گم شدن راه واستعمال قطب‌نما ازطرف ناخداوچگونگی بکاربردن آن و بی سابقه بودن چنین اختراع درخاور زمین، درباب بیستم از قسمت چهارم ـ برك (٤۰۸) نسخهٔ این کتابخانه.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

باب، وهمهٔ آن دوصدباب است ودوهرباب مسئله‌ای راپیش کشیده وداستانهائی دربارهٔ آن آورده‌است. برای شناسائی محتویات کتاب‌واندازهٔ بزرگی و کوچکی هرباب، فهرست آنرا با شمارهٔ برگهای (۲) نسخهٔ این کتابخانه در اینجا میآوریم:

قسمت یکم:

یادی‌ازخدا، پیغمبران، اولیاء، پادشاهان، وتاریخ هریك واطرافیان ایشان

۲— هربرگ نسخهٔ‌این کتابخانه صد بیت یعنی هررویه‌آن پنجاه بیت نوشته دارد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

قسمت دوم:

خویهای نکو و دارندگان وداستانهای ایشان

قسمت سوم

خویهای گوناگون ناپسندمردم وداستانهای‌هریك .

قسمت چهارم

شگفتی های جهان وطبیعت .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۸]

نسخه بخط نستعلیق. نام نویسنده درپایان قسمت یکم در برگ (۲۲۱ الف)
۱۲۳ مرتضی حسینی آمده است. تاریخ نوشتن ندارد. ولی نزدیك سدهٔ یازدهم است ودر کنارهٔ برك (۸۱) بخطهمین نویسندهٔ شعری ازحیرتی شاعرسدهٔ دهم آمده است .

میان برگهای (۱۹۳ و ۱۹٤) از میان باب بیست وچهار قسمت یکم تامیان باب هفت قسمت دوم افتاده . وهمچنین ازپایان نسخه، یك برك ازباب بیست وپنج قسمت چهارم نابودشده است .

قسمت یکم دربرك (۲۲۱) وقسمت دوم میان برگهای (۱۹۳و۱۹٤) وقسمت سوم دربرك (۳٤۹) وقسمت چهارم درپایان جلد پایان یافته.

[۹] حدائق الحقایق فی شرح کلمات کلام الله الناطق (عربی)

نهج البلاغة در (حرف ن) این بخش خواهد آمد، وچنانکه خواهیم دید آنرا گزارهها (شرحها) بسیاراست. ودوتا از آنها در (ص ٤و۱٦) این مجلد یاد شد. دیگراز شرحهای آن، این کتاب میباشد. گزارنده علاءالدین محمد پسر شاه ابوتراب محمدعلی حسنی، معروف بعلاء الدین گلستانه است. وی یکی ازنامترین مردان خانواده گلستانه ازمردم اصفهان است که خودرا ازفرزندان محمد بطحائی می دانسته اند(۱) واز دانشمندان سدهٔ یازدهم ، واز پارسایان زمان خویش بوده . محمدبن علی اردبیلی «درجامع الرواة»(۲) که آنرا در زمان گلستانه نگاشته آرد: که دوبار منصب صدارت بوی پیشنهاد گردید واو نپذیرفت .

مرگ علاءالدین گلستانه راشیخ عباس قمی(۳) وجواهرالکلام(٤) ودر حاشیه وقایع الایام (ص۱۹۸) بنقل از تاریخ خاتون آبادیان: در (۲۷شوال-۱۱۰۰) آورده اند، ولیکن درحاشیهٔ (ص۳۸۳) وقایع الایام مرگ اورا نزدیك (۱۱۱۰) دانسته وحاجی نودی در «الفیض القدسی» درسال (۱۱۱۰) آورده .

ونیز بنقل صاحب ذریعه (٥) شیخ علی حزین (ز-۱۱۰۳) درسوانح خود گوید: علاءالدین گلستانه را در کودکی دریافته ، وپدرم بااو دوست وهمنشین بود. وبنابراین بایستی گلستانه تا نزدیك (۱۱۱۰) زنده باشد .

ونیز خط او درسرآغاز نسخهٔ از «جامع الرواة»(٦) که بسال (۱۱۰۰)

---

۱ — ذریعه ج ۲ ص ٤٦۹.
۲ — نسخهٔ این کتابخانه بخط نگارنده درحاشیهٔ برگ (۲٥۲-الف).
۳ — هدیة الاحباب (چ-۱۳٦۹ش) ص۲۰۱
٤ — فهرست کتابخانهٔ معارف (ملی کنونی) ج۱ ص ۱٤٥.
٥ — ج ٦ ص ۲۸٤.
٦ — نسخهٔ ازجامع الرواة اردبیلی درکتابخانه صدر دربغداد هست که برای کتابخانهٔ سلطنتی شاه سلیمان نوشته شده وبرای تبرك دانشمندان زمان را گرد آورده هریك ازایشان کلمه‌ای ازدیباچهٔ آنرا تا دوسطر بخط خود نوشته‌اند ، ونویسنده مقام ومرتبه علمی هریك را براهبات ومدح نموده است . نخست مجلسی (بسم‌الله الرحمان الرحیم) را نوشته سپس آقاجمال خونساری (الحمدلله) و علاء گلستانه (الذی) و محمد رحیم عقیلی (زین قلوبنا) وشیخ جعفر قاضی (بمعرفة الثقات) وآقارضی پسر برادر آقاجمال خونساری (والعدول) وملا محمد سراب (والاثبات والاعیان) نوشته‌اند . نویسندهٔ نسخه مرتضی پسرمحمد یوسف افشار وتاریخ نوشتن (۱۱۰۰) میباشد، ونسخهٔ اصل این کتاب بخط نگارنده اش بشمارهٔ (۹۸۰) در این کتابخانه هست ودراین فهرست خواهد آمد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

نوشته شده در کتابخانهٔ صدر در بغداد موجود میباشد.

صاحب ذریعه گوید علاءالدین گلستانه داماد محمد باقر مجلسی (م–١١١٠) بوده است(١) و پسری بنام محمدباقر داشته(٢) وقمی در «هدیة الاحباب» مجلسی را شوهر خواهر گلستانه دانسته است.

نگارشهای گلستانه:

١– بهجة الحدائق در شرح نهج البلاغة (٣).

٢– حدائق الحقایق(٤) نیز در شرح نهج البلاغة.

٣– روضة الشهداء.

٤– منهج الیقین ترجمهٔ رسالهٔ «اهوازیه» در امامت منسوب بامام صادق (ع) (٥).

٥– شرح اسماءالله بنام «کاشف الاسماء»(٦) که نسخهٔ آن در کتابخانهٔ میرزا طاهر تنکابنی(٧) وا کنون در کتابخانهٔ مجلس هست.

٦– حاشیه نهج البلاغة(٨) وجز آنها.

وبنابراین وی دو شرح بر نهج البلاغه نگاشته. ودر بخش یکم «حدائق الحقایق» که شرح بزرگتر ودومین شرح اواست وبسال (١٠٧٤) پایان یافته، از «بهجة الحدائق» یاد کرده است.

گویند این کتاب در بیست جلد بوده ولیکن تا کنون بیش از سه بخش

١ – الذریعه ج ٢ ص ٤٦٩.

٢ – روضات الجنات چاپ سال ١٣٠٦ ق. ص(٥٥٢ = ٦٥٤).

٣ – الذریعه ج٣ ص ١٦١ آغاز آن: الحمدلله الذی ابلج نهج البلاغة فی مناهج البلاغ.

٤ – همین کتاب که جای گفتگوی ماست.

٥ – ذریعه ج ٢، ٤٨٥، و نسخهٔ آن در این کتابخانه هست.

٦ – ذریعه ج ٢ ص ٦٧.

٧ – فهرست سپهسالار ج٢ ص٦١.

٨ – درحاشیه نسخه نهج البلاغة درکتابخانه سپهسالار بامضای «گلستانه» موجود است. «فهرست ج ٢ ص ١٥٦و١٥٧» ودرحاشیهٔ یکی از چاپهای کهن نهج البلاغة درایران نیز چاپ شده است. ذریعه ج٣ص١٦١.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

از آن یافت نشده، ابن یوسف(١) گوید: آقامحمدعلی بهبهانی برپشت نسخهٔ که در کتابخانهٔ میرزا طاهر تنکابنی بوده، وا کنون در کتابخانهٔ مجلس موجود است. بسال (١١٩٥) چنین نوشته: از این کتاب فقط تا گزارش خطبهٔ [کنتم جند المرئة] (خطبهٔ ١٣) باب یکم نهج البلاغه ازخامه نگارنده بیرون آمده.

بخش اول تا پایان خطبهٔ دوم بـاب یکم نهج البلاغة وچنانکه خود در پایان آن بخش آرد: بسال (١٠٧٤) پایان یافته است. وبگفتهٔ ابن یوسف این بخش (٣١٠٠٠بیت) نوشته دارد.

بخش دوم تنها بشرح خطبهٔ شقشقیه (خطبه سوم باب یکم نهج) رادارد. وبسال (١٠٨٠) پایان یافته. واین بخش بزرگترین بخشهای این کتاب میباشد، وبگفتهٔ ابن یوسف دارای (١٦٨٠٠) بیت نوشته است.

بخش سوم بشرح خطبه [کنتم جندالمرئة] خطبهٔ سیزدهم باب یکم نهج البلاغه پایان می یابد، ابن یوسف گوید این بخش فقط (١٢٠٠٠بیت) نوشته دارد.

چون در نظر بگیریم که این سیزده خطبهٔ شرح شده فقط یك هشتم نهج البلاغة است و نگارنده آنرا در (٢١١٠٠ بیت) شرح کرده آشکار میشود که چرا برخی حدس زده اند دورهٔ این کتاب بیست جلد بوده است، و گرنه چنانکه گفتیم تا کنون بیش ازسه جلد آن دیده نشده است.

صاحب روضات گوید: پایهٔ این شرح بر اخبار است چنانکه شرح ابن ابی الحدید بیشتر جنبهٔ کلامی دارد، وشرح ابن میثم جنبهٔ فلسفی. ولیکن چنانکه خود نگارنده در دیباچه این کتاب گوید؛ توجه او ببحثهای کلامی و اثبات امامت بسیاراست وبویژه بخش دوم کتاب که درشرح خطبهٔ شقشقیه است بکلی از گزارش متن دور افتاده و بیدگوئی و اثبات گناهها و بدرفتاریهای سه خلیفه (ابوبکر، عمر، عثمان) پرداخته است، ودراین راه تاآنجا رفته که بابن ابی الحدید نیز پرخاشها دارد.

آغاز بخش یکم: الحمدلله الذی رفع لنا اعلام المجد بولاء حامل لواء الحمد...

١ – فهرست سپهسالار ج ٢ ص ٦٦.

انجام آن: فی روایة المفضل عوذة تعلق علی الانسان . تم الجزء الاول من کتاب ...

آغاز بخش دوم : الحمدلله الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره ...

نگارنده این کتاب‌را بنام شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۸-۱۱۰۵) نگاشته ودر دیباچه بخش یکم ودوم نام خود ونام کتاب ونام‌شاه را آورده است.

[۹]

۹ع

این نسخه هردو بخش را دارد . بخش یکم از برگ (۱ تا ۱۱٦) وبخش دوم که ناقص است از آنجا تا پایان جلد برگ ۲۲۷ بخط نسخ خوب . نام نویسنده ندارد . آقای مشکاة بر پشت (برگ یکم) آنرا پاك نویس خط نگارنده دانسته . درذریعه (ج٦ص۲۸٤-۲۸۵) نیز چنین آمده‌است، لیکن این سخن جای گفتگو وتردید است ، بلکه ازظاهر نسخه چنان نماید که برای کتابخانهٔ سلطنتی و بخط خوشنویس نوشته شده است . وجملهٔ [علی ید مؤلفه ...] درپایان بخش یکم نیز درهمهٔ نسخه های این کتاب هست ، ودلیل برخط نگارنده بودن این نسخه نمیشود بویژه درکنار رویه ها این نسخه ، نسخه بدلهارا نیز نوشته است.

تاریخ نوشتن ندارد ولی پیداست که در زمان نگارنده ، و برای کتابخانه شاه‌سلیمان صفوی، که کتاب بنام اواست ، یعنی نزدیك سال نگارش (۱۰۷٤) نوشته شده است.

همهٔ رویه ها دارای جدول زر ولاژورد میباشد. عنوانها باشنگرف روی واژه‌وجمله‌های متن نهج‌البلاغه خط‌شنگرفی کشیده‌است. تصحیح‌شده واصلاحات و نسخه بدلهارا درکنار رویه ها نوشته اند.

بخش‌دوم این نسخه ناقص‌است وفقط تاپایان (الطعن‌الثانی) ازمطاعن‌ابوبکر را دارد. وفقط (۹۵۰۰بیت) نوشته دارد، درصورتیکه همهٔ این بخش بگفتهٔ ابن‌یوسف (۱٦۸۰۰ بیت) میباشد.

(۲۲۸برگ) یك برگ دراول ویکی آخر سفید است . کاغذ نوعی ترمه .
جلد تیماج زرد سوخته داخل تیماج سرخ کناره تیماج سرخ، ضربی‌طلا کوب
اندازه : ۱۸×۲۹ و ۱۰×۱۹٫۵ : ۱۸ سطر .

[۱۰] خمسهٔ نظامی یا پنج گنج (فارسی)

شعرشناسان گذشته برای‌شعر اقسام گوناگون یاد کرده‌اند مانند: ستایش نکوهش ، سوگواری ، توصیف ، تشبیب ، غزل ، زهریات ، می گساری ، دهریات پند واندرز ، درد دل گوئی ، عذرخواهی ، خودستائی ، وجز آنها ولی‌دانشمندان امروز همه‌را درسه قسمت گرد آورده اند:

۱ — رزمی (حماسه)
۲ — آهنگ و آواز (غنائی)
۳ — بزمی (تمثیلی = نمایش) .

در شعر رزمی سراینده ، مردانگی‌های خویش وقوم خود وپهلوانیهای ایشان‌را یاد میکند، واین از مهمترین اقسام شعر است چه بوسیلهٔ اینگونه شعر تاریخ اجتماعی یك ملت زنده میماند . ودربارهٔ آن در عنوان « شاهنامه » در این‌فهرست گفتگو خواهیم نمود .

آهنگ وآواز خوانی شعریست کـه سراینده فقط احساسات درونی را آشکار میکند وجز آن خواستی ندارد واین کهن‌ترین نوع‌شعر میباشد ، چه پیش‌از تمدن‌بشر نیزمتداول بوده‌است.

شعر بزمی و نمایش شعریست که سراینده وضع زندگانی طبیعی جامعه را نمایش میدهد و آنرابرای شنونده مجسم میسازد این نوع شعرآخرین قسم آنست چه یك‌فکر دقیق وایدهٔ مترقی نیازمند است.

بیشتر شعر های قسمت یکم (رزمی) و قسمت سوم (بزمی) را بصورت داستان سروده اند . پس یکی از مهمترین نوع شعر پارسی شعر داستانی میباشد .

داستان سرائی درایران پیش‌از اسلام نیزمعمول بوده است وعدهٔ از آنها مانند «ایاتکار زریران» وجز آن برجای‌مانده است. شعرداستانی پس ازاسلام‌دو قسم دیده میشود رزمی، وبزمی. ودر عنوان شاهنامه اندکی درباره داستانها رزمی گفتگو خواهیم کرد.

داستانهای بزمی و اخلاقی کم وبیش ازسدهٔ چهارم هجرت یافت شده است ولیکن پهلوان نام بردار این میدان نظامی گنجوی بزرگترین شاعرداستانسرای ایران وقفقاز میباشد که درسدهٔ ششم می‌زیسته.

نام ونشان نظامی :

ابومحمد(۱) ویس(۲) پسر یوسف پسر زکی پسر مؤید ملقب بنظامی گنجوی(۳). مادراو رئیسه نام واز نژاد کرد بود. دائی وی خواجه عمر نـام داشته است.

نظامی سه همسر -یکی پس‌از دیگری- برگزیده وهرسه در زندگی او مرده‌اند. واز فرزندان اوفقط محمدنام را می‌شناسیم که در زمان پایان‌یافتن خسرو وشیرین هفت ساله ودر آغاز لیلی مجنون چهارده ساله و در آغاز هفت پیکر نزدیك به نوزده سالگی بوده است. برخی قوامی گنجوی را غم نظامی دانسته اند(٤)

زادگاه وزایچه و مرگ نظامی :

نظامی در گنجه بزاده ولیکن عراقی (اراکی) نژاد است(٥). او همهٔ عمررا درشهر گنجه گذرانیده وبجائی نرفته است. وی بیکی ازسالهای(٥٣٣ تا ٥٤٠)زاده است، ومرگ اودر آغاز سدهٔ هفتم (از٥٩٩ تا٦٠٧)میباشد.

۱ــ شك نیست که او فرزندی بنام محمد داشته لیکن کنیت ابومحمد رانخستین بار محمد قزوینی درآثارالبلاد (ن- ٦٧٤) در (اقلیم پنجم در دنبال واژه«جنزه»معرب گنجه) یاد کرده است.

۲ــ خود نظامی گوید :

یارب تو مراکه ویس‌نامم   در عشق محمدی تمامم

(لیلی ومجنون - چ وحید ص٣٥) ودر برخی نسخه ها «کاویس» آمده‌است.

۳ــ درتذکرهٔ دولتشاه لقب او را نظام الـدین دانسته . حاجی خلیفه او را جمال‌الدین خوانده است.

٤ــ مجمع الفصحاء هدایت ج۱ص٤٧٨.

٥ــ گویند نیاکان نظامی ازدیه «تاج» درپیرامون تفرش وقم بوده‌اند.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

گور نظامی :

فرهاد میرزا در سال (۱۲۹۲) سفری بقفقاز رفته گوید (۱) در پیرامون شهر گنجه قبر نظامی‌را دیدار کردم.

سیدعبدالرحیم‌خلخالی مقالهٔ ازروزنامه ینگی‌فکر(۲) بترکی چاپ تفلیس بفارسی ترجمه کرده ودر سال ششم مجله ارمغان در (۱۳۰٤) چاپ کرده است دراین مقاله داستان کندن مردم گور نظامی را برای آنکه بشهر گنجه آورنـد یاد کرده گوید: قبرنظامی درنزدیکی دژقزل‌ارسلان یك‌فرسنگی شهر گنجه(۳) بوده . درآغازسدهٔ سیزدهم ساخته شده‌ودر (۱۹۲۲-م) کمسیونی بنام کمسیون نظامی مقبره بزرگی در درون شهر گنجه‌ساخته وجنازه نظامی‌را بیرون‌آورده می‌خواستند بدانجاآورند، ولیکن کمینهٔ تتبعات آثار باستانی آذربایجان‌شوروی‌از انجام‌این کارجلوگیری‌نموده جنازه‌را بجای خودباز گردانیده‌وبنای‌زیبائی برآن ساخته است وتصویراین ساختمان‌در «گنجینهٔ نظامی» نگارش وحیددستگردی (صفحهٔ ـ ل) دیده میشود.

جشنهای هشتمین سدهٔ نظامی : (٤)

دراتحادجماهیرشوروی بمقتضی‌رژیم سوسیالیستی برای گسترش فرهنگ ملتها کـوشش فـراوان میشود. واز جمله درقفقاز برای زنـده کـردن آثـار نظامی کوششها شده وقسمت بیشتر آثار اورا بنظم ونثرروسی وترکی‌قفقازی ومتن فارسی چاپ وپخش نموده‌اند.

نخستین بار بسال (۱۹۲۲-م) ترجمهٔ منظوم روسی هفت‌پیکر توسط آ. ا. گروزینسکی منتشر گردید . و سپس بسال (۱۹۳۵-م) بمناسبت «کنگرهٔ صنایع ایران» کـه درلنین گراد برپا گشت ترجمهٔ منظوم خسرو وشیریـن از

۱ــ هدایة السبیل ص٢٠.

۲ــ ینگی‌فکر شمارهٔ (٢٥٦و٢٥٧) بتاریخ٢٥ نوامبر ١٩٢٣-م.

۳ــ گنجه همان گن‌چای (= رودبهن) است. این شهر درسدهٔ یازدهم میلادی آباد بوده وپس‌از ویرانی شاه عباس آنرا بسال (١٠٦٣) ازنو ساخته است.

٤ــ دراین قسمت ازیادداشتهای آقای‌سعید نفیسی اقتباس شده است.

ا. اونایوسکی، و ترجمهٔ منظوم لیلی و مجنون از آندره گلوبا انتشار یافت. سپس بسال (۱۹۴۱–م) بمناسبت هشتصد سالگی تولد نظامی جشنهای باشکوه درباکو پایتخت آذربایجان شوروی و شهر گنجه گورگاه نظامی برپا کردند. کنگره‌ای بنام نظامی از خاورشناسان بنام‌وشاعران و نویسندگان جمهوریهای شوروی گرد آوردند. بموجب دستور این کنگره آثار نظامی‌را بزبانهای ترکی وروسی(۱) ترجمه ومنتشر گردید. وتصمیم گرفتند که بزبانهای دیگر جمهوریها نیز ترجمه شود. ومتن فارسی آنرا از روی نسخه‌های کهن چاپ ومنتشر کنند. ونیز دانشمندان رساله ومقاله‌ها درگزارش زندگی وی نگاشته و منتشر نمودند. و موزهٔ بزرگی در باکو بنام نظامی برای نمایش فرهنگ وتمدن آذربایجان شوروی فراهم کردند. ومجسمهٔ نظامی‌را درمیدان‌شهرباکو برپا ساختند(۲)

وبنگاهی بنام «انستیتو ادبیات نظامی» درباکو تشکیل دادند. از کارهای این انستیتو پخش دوجلد ازمتن فارسی خمسه میباشد که بسال (۱۹۴۷–م) شرفنامه‌را توسط ع. ع. علی‌زاده، و(ی. برتلس) واقبالنامه را توسط ف.بابایف و(ی. ا. برتلس) تصحیح وچاپ‌نمود.

از دیگران که دربارهٔ نظامی رنج برده اند میتوان از کسان زیر نام برد: احمدورغون لیلی ومجنون را و م. رحیم هفت‌پیکررا. و عبدالله‌شایق شرفنامه را. و م. رضا قلی‌زاده، اقبالنامه را بترکی سروده وبسال (۱۹۴۱م) منتشر کردند. و س. ایوانف، و ای. اوراتوسکی، و آ. بلاوتیکا برخی از داستانهای اسکندرنامه را بروسی سروده و در همان سال پخش کرده اند.

و(ی.ا. برتلس) و (و. گرسلف) که خمسه‌را بروسی سرودندو بسال(۱۹۴۶م) منتشر کردند.

۱– اولی زبان ملی مردم امروزی میهن نظامی یعنی قفقازاست ودومی زبان بین‌المللی جمهوریهای توده شوروی است.

۲– تصویر این مجسمه در مهنامهٔ « پیام‌نو » چاپ تهران سال یکم دیده می‌شود.

از کسانی که دربارهٔ نظامی بررسیهای تاریخی واجتماعی نموده اند:

میکائیل‌رافیل کتابی‌بعنوان «نظامی» بسال «۱۹۳۹» درباکومنتشرساخته وبرتلس کتابی بنام «شاعر ملی آذربایجان؛ نظامی» در باکو بسال (۱۹۴۰–م) منتشر ساخته. وحیدر حسینی‌اف رسالهٔ بعنوان «اوضاع اجتماعی زمان نظامی» بسال (۱۹۴۶–م) درباکو منتشر کرده. وای.پ. شلیکین کتابی بنام «بررسی بناهای آذربایجان در زمان نظامی» درباکو بسال (۱۹۴۳–م) منتشر کرده. ونیز بسال(۱۹۴۰) کتابی بعنوان «نظامی» شامل مقاله های‌چندتن ازدانشمندان جمهوریهای شوروی درباکو منتشر گردید.

داستانسرائی پس‌از نظامی:

پس‌از نظامی داستانسرائی در ادبیات پارسی گسترش یافت، و بیشتر شاعران به پیروی ازوی یك یاچند مثنوی داستانی سرودند، و آنهارا بگمان اینکه به پنج مثنوی برسانند از روز نخست خمسه یاپنج گنج مینامیدند. واگر بیش از پنج مثنوی می‌سرودند آنهـا را بنامی که با شمارهٔ آنها مناسبتی داشته باشد می نامیدند.

اگر کسی هشت مثنوی میسرودآنرا هشت بهشت بشمارهٔ درهای بهشت موعود، واگر هفت مثنوی میسرود آنرا هفت‌اورنگ بشمارهٔ ستاره های‌سیار درهیئت‌قدیم. واگر شش مثنوی میسرود آنراستهٔ ضروریه بنام شش‌شرط‌لازم برای زندگی درزیست شناسی باستانی. واگر پنج مثنوی میسرودآنراپنج گنج بشمار گنجینه هائی که درافسانه‌ها بخسروپرویز پادشاه ساسانی نسبت داده اند؛ ویا خمسهٔ متحیره می نامید بشمارهٔ هفت سیاره بجز ماه و خورشید؛ این پنج ستاره بنابر قواعد هیئت قدیم درهر سال چند روزی از راه پیمائی عادی خود باز می‌ایستد واندکی نیز واپس باز میگردد وسپس دو باره بروش عادی خود آغاز میکند وازاین روی‌این پنج ستاره را (متحیره) گمراه لقب داده‌اند.

چنانکه گفتیم برخی از شاعران موفق بسرودن همه پنج مثنوی نشده‌اند ولی‌ازهمان آغاز کارآنرا خمسه نامیده‌اند. وخمسه سرائی مانند دلیلی‌برتوانائی شعری‌بکار میرفته‌است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

خمسه سرائی از زبان فارسی بزبان ترکی واردو و کردی نیز سرایت کرده وهم اکنون خمسه‌های فراوان بدین زبانها موجود است.

بنام‌ترین کسانی را که به پیروی از نظامی داستانهائی سروده‌اند درزیر نام می بریم:

- وصاف الحضرة نگارندهٔ تجزیه الامصار (ن - ۷۱۱) سه مثنوی داشته است.

- امیرخسرو دهلوی(م-۷۲۵) اوراست: مطلع الانوار، شیرین خسرو، لیلی ومجنون، آئینه‌سکندر، هشت‌بهشت.

- جلال فراهانی (م-۷۳۶) مخزن الاسرار را تتبع کرده

- خواجو کرمانی(م-۷۵۳) اوراست: روضة‌الابرار. گهرنامه. کمالنامه گل ونوروز، هما وهمایون. (ذریعه:۷:۲۵۸).

- عماد فقیه (م-۷۷۳). اوراست: موتس الابرار.

- کاتبی ترشیزی (م-۸۳۹) اوراست: بهرام و گلندام، حسن وعشق، ناظر ومنظور، محب ومحبوب. (ذریعه۷:۲۶۲).

- داعی نظام شیرازی (م-۸۶۹) شش‌مثنوی‌داشته (ذریعه:۷ : ۲۵۸).

- صاعدی‌خبوشانی‌زین‌العین درسدهٔ نهم. اوراست: لیلی‌ومجنون.

- درویش‌اشرف مراغی‌تبریزی (م-۸۶۴) خمسه‌دارد(ذریعه: ۷:۲۵۹).

- جامی نورالدین (م-۸۹۸)هفت‌مثنوی بنام‌«هفت‌اورنگ»دارد.

- سنان‌پسرسلیمان ازامرای‌سلطان‌بایزیدعثمانی. چلبی گوید او نخستین کسی است که بترکی خمسه سروده است.

- آهی مشهدی. درمجالس‌النفائس گوید خمسه داشته.

- میرعلیشیرنوائی (م-۹۰۶) اوراست: حیرةالابرار، مجنون‌لیلی، فرهاد وشیرین، سبعهٔ سیاره، سدسکندری نخستین‌خمسهٔ بترکی‌ازاوست(دولتشاه: ۴۹۷)

- حمدالله‌بن شمس‌الدین (م-۹۰۹) اوراست: لیلی ومجنون ترکی.

- مکتبی‌شیرازی. خمسهٔ داشته (ذریعه۷: ۲۶۳).

- نجاتی‌عیسی (م-۹۱۴) اوراست: لیلی ومجنون ترکی.

- آصفی هروی(م-۹۲۰) مخزن‌الاسرار را تتبع کرده.

- هاتفی‌عبدالله‌خبوشانی(م-۹۲۷) اوراست: لیلی‌مجنون، شیرین‌وخسرو، هفت منظر، تمرنامه (ذریعه:۷:۲۶۵).

- شهاب مروارید (م ۹۳۲) خسرو وشرین دارد (ذریعه۷ :۱۶۱).

- هلالی جغتائی (م-۹۳۶) اوراست: شاه و درویش، لیلی و مجنون، صفات العاشقین.

- جلیلی برسوی (م-۹۳۸) خمسه بترکی دارد. (کشف‌الظنون).

- فیض دکنی (م-۹۵۴) خمسه دارد. (ذریعهٔ ۷: ۲۶۲)

- غزالی‌مشهدی (م-۹۵۷) اوراست. اسرار مکتوم مرآت کاینات، نقش بدیع، رشحات حیات.

- صالح پسرجلال (م-۹۷۳) لیلی ومجنون ترکی دارد.

- موجی (م-۹۷۹) اوراست: یوسف‌زلیخا، لیلی مجنون.

- قاسمی گون‌آبادی (م-۹۸۴) اوراست: زبدة‌الاشعار، لیلی و مجنون، شاهنامه، وخسرو وشیرین، کارنامه.(ذریعه : ۷ : ۲۶۲).

- مفرده‌نویس: عبدی‌بیك شیرازی (م-۹۸۸) دو خمسه بفارسی سروده: نخست: روضة الصفا، روضة الازهار، جنة الاثمار، زینة‌الاوراق، صحیفة الاخلاص. (ذریعه: ۷ : ۲۶۳).

دوم: جام‌جمشیدی، هفت‌اختر، بهرام‌نامه، لیلی‌مجنون، آئینهٔ‌سکندری

- شیطوی‌یحیی ارنبودی (م-۹۹۰) اوراست: گلشن‌انوار، گنجینهٔ راز، کتاب‌اصول، یوسف‌زلیخا، شاه و گدا. همه‌بترکی. (کشف‌الظنون).

- وحشی بافقی (م-۹۹۲). اوراست: خلدبرین، ناظر ومنظور.

- ثنائی حسین (م-۹۹۶) اوراست: لیلی ومجنون، ساقی نامه.

- عرفی شیرازی (م ۹۹۹) اورات مجمع الابکار، خسرو وشیرین.

- ابوالفتح لاهجی درسدهٔ دهم اوراست: مظهرالاسرار.

– قاضی سنجانی همزمان بای‌قرا. اوراست: منظر الابصار.

– سالم تبریزی در سدهٔ دهم. اوراست: مهر ووفا، لیلی و مجنون، یوسف و زلیخا.

– سودائی سدهٔ دهم اوراست: لیلی‌ومجنون ترکی.

– بهشتی سلیمان چلبی. هشت مثنوی ترکی سروده.

– فضولی صاحب «حدیقة‌السعداء» سدهٔ دهم. خمسهٔ ترکی دارد.

– فیضی دکنی (م-۱۰۰۴) خمسه دارد (ذریعه:۷: ۲۶۲).

– شأنی تکلو(م-۱۰۲۳) مخزن الاسرار راتتبع کرده.

– شفائی اصفهانی (م-۱۰۳۷) اوراست: لیلی و مجنون، دیدهٔ بیدار، مخزن‌الاسرار، وخسرو وشیرین‌رانیزتتبع نموده (ذریعه: ۷: ۲۶۰).

– ضمیری اصفهانی. همزمان شفائی اوراست: نازونیاز، بهار وخزان، لیلی ومجنون، وامق وعذراء، اسکندرنامه، حسنة‌الاخبار (ذریعه۷: ۲۶۰).

– داودبن عبدالله اصفهانی. خمسه‌دارد (ذریعه ۷: ۲۵۸).

– سیدحسن بن فتح‌الله خمسه‌دارد که‌بسال(۱۰۳۸)سروده.(ذریعه:۷: ۲۵۷).

– میرداماد (م-۱۰۴۱) گویند مثنوی داستانی بنام مطلع الانوار دارد.

– نوعی زاده‌عطاءالله‌عطائی(م-۱۰۴۴)خمسه‌ترکی‌دارد. (کشف‌الظنون).

– روح‌الامین میرجمله (م- ۱۰۴۷) اوراست: خسرو وشیرین، مطمح الانظار لیلی‌ومجنون، بهرام‌نامه، جواهرنامه (ذریعه ۷: ۲۶۰).

– هدایت، میرزاحسین‌سرپرست‌اصطبل‌شاه‌عباس‌پنج‌مثنوی در(۲۶۰۰۰ بیت) سروده هیچیك از آن‌ها معنی ندارد (ذریعه۷: ۲۶۵).

– شوق الدین احمد یزدی معاصر شاه عباس، او نیز خمسهٔ بشوخی سروده‌است (ذریعه۷: ۲۶۲).

– ملامرادبن میرزاجان‌سدهٔ یازدهم، لیلی‌مجنون‌دارد.

– کاشف شیرازی همزمان شاه‌عباس. لیلی ومجنون، وهفت پیکر را تتبع نموده.

تجلی علی‌رضا (م- ۱۰۸۸) لیلی ومجنون، «ومعراج‌خیال» سروده.

– زلالی خوانساری سده یازدهم هفت‌مثنوی داستانی‌دارد.

– زمانی یزدی (م- ۱۰۲۱) خمسه‌را تتبع نموده.

– ملك قمی: در سدهٔ دوازدهم «مخزن‌الاسرار» راتتبع نموده و «منبع الانهار» نامیده.

– ظهوری (م-۱۰۲۶) اونیز مخزن‌را تتبع کرده.

– محمدهاشم(شاه‌طبیب)هروی‌نامی(م-۱۱۵۰)خمسه‌دارد. کشف‌الظنون.

– شعله اصفهانی گلپایگانی‌اوراست: چاه‌وصال، یوسف‌زلیخا (ن-۱۱۸۰).

– فتحعلی‌خان صبا نیزدرسدهٔ سیزدهم مشهورترین کسی است که خمسه داشته است.

– عهدی گونابادی. گوهر شهوار را دربرابر مخزن‌الاسرار سروده.

– صرفی. لیلی‌ومجنون دارد.

– هوس‌محمدتقی. لیلی‌مجنون بزبان اردوسروده.

– حسینی قزوینی شیرازی (م-۱۲۴۹) خمسهٔ دارد. الذریعه ۷ - ۲۵۷.

– شهاب ترشیزی (م-۱۲۱۵) خسروشیرین دارد. (ذریعه ج۷ ص۲۶۱)

– شعلهٔ تبریزی محمدجعفر. خسرووشیرین دارد (ذریعه ج۷ ص۲۶۰)

– ابوالبرکات لاهوری. خمسهٔ دارد (ذریعه ج۷ ص۲۶۳)

– دشتی محمدخان خسرووشیرین دارد (ذریعه ج۷ ص۲۶۱)

– نامی. محمدصادق (م-۱۲۰۴) خمسه دارد (ذریعه: ۷: ۲۶۳)

براین فهرست باید شاعرانی را که شبلی‌نعمانی در «شعر العجم» یاد کرده که هر کدام مثنوی به‌پیروی ازمخزن‌الاسرار سروده اند بیفزائیم(۱):

محمدکاشی: گلشن ابرار.

رهائی‌هروی: منظور انظار

---

۱ — وحید گوید: شبلی این نامهارا از کتاب هفت آسمان برداشته است. جلد یکم هفت آسمان در آغاز سده بیستم میلادی درهند چاپ شده، ودرآن همهٔ کسانی که مخزن الاسرار را پیروی کرده‌اند یاد گردیده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

امیر هاشمی کرمانی : مظهرالآثار.

نیکی اصفهانی: زبدةالافکار.

ملاشیدا : (م-١٠٦٢) : دولت بیدار.

محمدعلی حزین(م- ١١٨١): مطمح الانظار.

هاشمی بخارائی. مظهرالانوار.

شرحهای خمسه نظامی:

١ — هفت آسمان درمعرفی مقلدین نظامی جلداول آن درهند اوایل سده بیستم میلادی چاپ‌شده .

٢ — شرح مخزن‌الاسرار درلکنهو (چ-١٨٨١م) .

٣ — شرح مخزن‌الاسرار محمدبن قوام‌الدین بن‌رستم بن رستم بلخی بکرائی.(ن-١٠٦١)

٤ـ شرح مخزن‌الاسرار بتر کی ازشمعی (م-١٠٠٦ یا ١٠١٠) .

٥ — نثر خسرو وشیرین ازغلامحسین منشی (ن-١٨١٥م).

٦ — شرح شرفنامه اسکندری از بدرعلی ومیرحسین علی (چ- ١٨١٢ و١٨٢٥ م) کلکته.

٧ — شرح شرفنامه ازمحمد غفران درلهاوود (چ-١٨٨٩م).

٨ — شرفنامه باحاشیه(چ-١٨٧٦م) لکنهو.

٩ — کشف‌الوقایع شرح شرفنامه ازحامدبن جمال بخاری.

١٠ — شرح شرفنامه‌ازملامحمد سعدالله‌بتنالی (ن-١١٤٦ق).

١١ — شرح‌شرفنامه. از آرزو سراج‌الدین (م-١١٦٩)

١٢ — فرهنگ‌اسکندرنامه بری.

١٣ — کلید اسکندر (فرهنگ. . .).

١٤ — نثر خسرو وشیرین(١) ازرضیه حدائق.

خمسهٔ نظامی تامدتی پس از مرگ او در یك جا فراهم نبوده است

١ — فهرست سپهسالار ج٢ ص٥٢٨،

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

شمس قیس که‌پنجاه سال پس‌از نظامی میزیسته در بحر مشاکل از کتاب المعجم خسرو وشیرین رانام برده وازخمسه نام نمی‌برد.

واز گفتار قزوینی‌در آثارالبلادنیز آشکارمیشود که تاآن‌تاریخ(ن-٦٧٤) این پنج گنج دریکجا گردهم نبوده است.

خمسه اکنون نزدیك بیست ونه هزار بیت شعر دارد لیکن درتذکره‌ها آنرا بیست وپنج هزاربیت نوشته‌اند. ومسلماً دست‌نویسان برآن‌افزوده‌اند.

اینك ما بمعرفی هریك ازاین پنج گنجینه گرانبها جداگانه میپردازیم:

١ — مخزن الاسرار : نظامی این مثنوی را در زمان جوانی (نزدیك سی‌سالگی) بنام بهرامشاه پسرداودپادشاه ارزنجان در(٢٢٠٢س‌یا ٢٢٦٠و)(١) بیت سروده است. و در آن پند و اندرز بسیار از گفته فیلسوفان یونان گنجانده است.

آهنگ : بحر سریع . واین وزن برای مثنوی پیش از نظامی بکار نرفته است.

تاریخ سرودن این مثنوی را وحید (٥٧٢) نوشته ولی در پایان نسخه (چ- ١٩٠٨ هند) (٥٨٢) نوشته شده. بهرحال بهرام شاه از طرف البارسلان حاکم ارزنجان بوده است.

آغاز :

بسم‌اله رحمان رحیم هست کلید در گنج حکیم

انجام :

باد مبارك گهر افشان او برملکی کاین گهراست آن‌او

دوم خسرووشیرین: بنام‌طغرل بن‌ارسلان شاه‌سلجوقی واتابك شمس‌الدین ابوجعفر محمد ایلدگز ملقب به‌جهان پهلوان وبرادر وی اتابك قزل ارسلان‌در (٥٧٣) آغاز ودر (٥٧٦) پایان یافته است.

١ — س = نسخهٔ سپهسالار آنچنانکه درفهرست آن (ج٢-ص٢٧-٥٣٠) آمده‌است.و = نسخه وحید دستگردی آنچنانکه در سرآغاز دفتر هفتم وگنجینهٔ نظامی گنجوی-ص- فد=٨٤ آورده است

موضوع داستان دلباختگی خسروپرویز (٥٩٠–٦٢٨م) پادشاه ساسانی نسبت بشیرین دختر ارمنی که بعد زن خسرو گردید، و رقابت فرهاد یکی از سران سپاه با خسرو در این عشق است. ریشه این داستان از متون پهلوی گرفته شده، و جاحظ در کتاب المحاسن والاضداد از آن یاد کند.

آغاز:

خداوندا در توفیق بگشای　　نظامی را ره تحقیق بنمای

انجام:

روانش باد جفت شادکامی　　که بادا رحمت حق بر نظامی

و در تاریخ آن گوید:

گذشته پانصد و هفتاد و شش سال　　نزد کس بر خط خوبان چنین خال

پس از نظامی شاعران بسیار ازوی پیروی کرده ومانند این مثنوی ساخته اند. در ذریعه (ج۷ ص۱٥۹–۱٦۱) دوازده شماره آنها بعنوان خسرو و شیرین یادشده. وبسیاری بنامهای شیرین وخسرو، وفرهادوشیرین، وشیرین وفرهاد نیز سروده اند.

آهنگ: بحرهزج مسدس مقصور است. پیش از نظامی فخرالدین گرگانی این آهنگ را برای «ویس ورامین» بکاربرده است.

سوم لیلی ومجنون: آنرا بنام شروانشاه در چهارماه بسال (٥٨٤) در (٤٤٥٠س، یا ٤٥٠٠و) بیت سرود.

موضوع داستان دلباختگی قیس عامری ودخترعمویش لیلی میباشد. این داستان در سدهٔ یکم هجرت در شبه جزیرهٔ عربستان بنام بوده، و در سدهٔ چهارم در ایران نیز زبانزد شده وباباطاهرعریان همدانی دردوبیتیهای خوداز آن یاد کرده است. نظامی برای نخستین بار این داستانرا جداگانه بفارسی سروده وچون این داستان با داستان رمئو ژولیت(۱) همانندی دارد آقای

۱ – گویند این داستان درایتالیا بسدهٔ چهارم میلادی واقع گشته وپس شکسپیر شاعر انگلیسی (م- ۱۷۱۳-م) آنرا بنظم آورده، وامروز پس آن در تآترها وفیلم آن درسینما های جهان شهرت بسزا دارد.

علی اصغر حکمت کتابی در مقایسه میان لیلی و مجنون نظامی با رمئو ژولیت شکسپیر نگاشته ودر پایان کتاب فهرستی از (٤٠) منظومه فارسی و(١٣) ترکی ویك کردی از این داستان آورده است وهمه این منظومه ها پیروی از نظامی سروده شده ولی باید گفت درمیان همهٔ آنها تنها لیلی ومجنون مکتبی است که درادبیات پارسی جای خودرا باز کرده وتااندازهٔ بالیلی ومجنون نظامی رقابت توانسته است. نظامی دراین منظومه کوشش کرده شروانشاه را پارسی وغیرترك نمایش دهد.

آغاز:

ای نام تو بهترین سر آغاز　　بی نام تو نامه کی کنم باز

انجام:

این نامه که نام دار وی باد　　بر دولت او خجسته پی باد

آهنگ: بحرهزج مسدس اخرب مقبوض.

چهارم: هفت پیکر: آنرا بنام کرپ ارسلان بسال (٥٩٣) در (٤٥٨٧س، یا ٥١٣٠و) بیت سروده

دراین داستان رزمها وبزمهای بهرام گور پادشاه ساسانی (٤٢٠–٤٣٨م) راگزارش داده است.

نظامی ریشه های این داستان را از شاهنامه گرفته ودر آن توجه ویژه بشماره مقدس هفت داشته است:

هفت گنبد بهفت رنگ، نشان میدهد. واز هفت مجلسی که در آن هفت لعبت هستند وهریك هفت داستان میسرایند، سخن میگوید. وسپس دادخواهی هفت مظلوم را از بهرام نقل میکند. جایگاه ادبی این داستان تا آنجا است که برخی آنرا از چهار دفتردیگر نظامی برترشمرده اند.

آغاز:

ای جهان دیده بود خویش از تو　　هیچ بودی نبود پیش از تو

انجام:

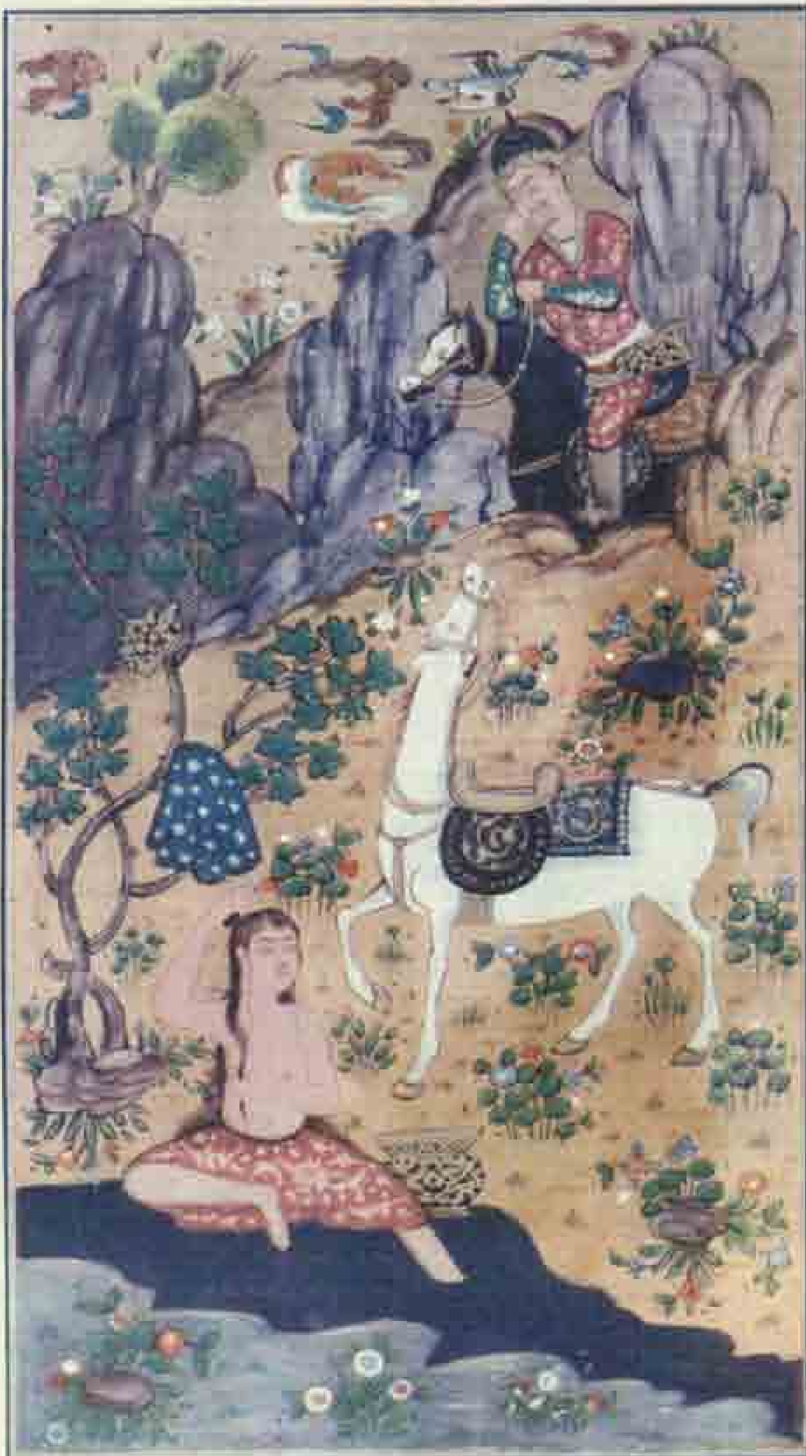
دولتت را که بر زیادت باد　　خاتم کار بر سعادت باد

ودر تاریخ آن گوید:

از پس پانصد ونود سه قران　　گفتم این نامه را چو ناموران

آهنگ: بحر خفیف سالم مخبون مقطوع. واین همان آهنگ حدیقهٔ

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir



تصویر خسرو وشیرین

نمونهٔ یکی ازمجالس تصویر خمسهٔ نظامی شماره ۹۸ میان صفحه‌های ۵۰ و ۵۱

سنائی (م-۵۲۵) میباشد.

پنجم: اسکندرنامه: دراین مثنوی داستان یورش اسکندر مقدونی به خاور زمین وافسانه ها که دربارهٔ آن نقل کنند گزارش شده است. ریشه های این داستان را مردی مصری درسدهٔ سوم میلاد گردآورده، وآنرا به «کالیستنس» تاریخ نگار زمان اسکندر نسبت داده. سپس این داستان را در دورهٔ ساسانی بزبان پهلوی گردانیده اند، ودر آغاز اسلام بتازی درآمده و داستانهائی که بعدها بنامهای اخبار اسکندر واسکندرنامه وآئینه سکندر بفارسی و تازی وترکی و هندی وجزآن نگاشته شده ، وچند شمارهٔ آن در ذریعه (ج۲ ص۶۱ وج۷ ۲۵۶ ببعد) آمده همگی(۱) از آن ترجمه ها گرفته شده است. گفتگوی ما در اسکندرنامه‌ایست که نظامی سروده وپنجمین مثنوی پنج گنج وی شناخته شده است . این مثنوی در دو بخش است وهر کدام نام جدا گانه دارد وماهریك را جدا میشناسانیم :

۱ - شرفنامه : نظامی آنرا بتاریخ (۵۹۷) برای اتابك نصرة الدین ابوبکر پسر محمد جهان پهلوان که در (ج٤ روضة الصفا) یاد شده سروده است.

همهٔ این مثنوی (۶۸۰۰ بیت) ودر آن مبین دوستی نظامی نمایانست. مانند آنجا که گوید :

زمین عجم گور گاه کی است — دراو پای بیگانه وحشی بی است

آغاز :

خدایا جهان پادشاهی تراست — زما خدمت آید خدائی تراست

انجام در برخی نسخه های چاپ شد:

بتاریخ پانصد نود هفت سال — که خوانندرا زونگیرد ملال

نوشتم من این نامه را در جهان — که تا دورآخر بود جاودان

انجام نسخهٔ این کتابخانه :

از آن می که جان داروی هوش باد

مرا شربت و شاه را نوش باد

(۱)— یك نسخه اسکندرنامه به نثر فارسی در کتابخانهٔ آقای سعید نفیسی هست ومتعلق بسدهٔ پنجم هجرت میباشد ، وبنا براین کهن‌ترین اسکندرنامه‌ایست که بزبان فارسی امروزی یافت شده است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۳ ـ اقبال نامه یا خرد نامه ـ آنرا بنام عزالدین مسعود بن ارسلان پادشاه موصل بسال در سالهای (٦٠٧ـ٦١٥) در (٣٤٨٨س یا ٣٤٨٠و) بیت سروده است. در این مثنوی اندرز و پندهای بسیار گنجانیده و بفیلسوفان یونان نسبت داده‌است. ودستورهای معانی بیانی وهنرهای لفظی را نیز در نظر گرفته‌است. نظامی در هنگام سرودن این مثنوی پیر بوده. و پس از پایان یافتن، آنرا بهمراه فرزندخود محمد بنزد ملك عزالدین بموصل فرستاده‌است.

آهنگ اسکندرنامه: بحر تقارب: فعولن فعولن فعولن فعولن. شرفنامه و اقبالنامه هردو بیك آهنگ سروده شده‌است.

شاید توان گفت که خمسهٔ نظامی پس از دیوان حافظ بیشتر از هر کتاب فارسی دیگر استنساخ شده، ودر بیشتر کتابخانه‌ها نسخهٔ دستنویس آن یافت شود. وازاین روی نویسندگان شعرهای بسیار بر آن افزوده‌اند ولی شعرشناسان کوشش کرده‌اند آنهارا از خود کتاب جدا سازند. وچند دستگردی خمسهٔ نظامی را در شش دفتر چاپ ودیوان او را نیز دفتر هفتم قرارده ودر آن گزارش زندگی او را مفصل آورده‌است.

[١٠]

٩٨ نسخه بخط نستعلیق بسیار خوب. نام نویسنده ندارد. تاریخ نوشتن در پایان مخزن الاسرار (برك ١٤٥) وپایان لیلی ومجنون (برك ٢٣٥) سال (١٨٣ ـ ط١٠٨٣) نوشته شده.

این نسخه همهٔ خمسه را دارد. بجز نیمهٔ دوم اسکندر نامه یعنی اقبال نامه که آن را نیاورده‌است

مثنوی مخزن الاسرار در برك (٤٧) پایان یابد وهفت پیکر در (برك ١٠٥) وخسرو وشیرین در (برك ١٧٨) ولیلی ومجنون در (برك ٢٣٧) وشرفنامه در پایان نسخه (برك ٣١٦) وچنانکه می‌بینیم مثنویهارا پسا پیش گذارده‌است.

در هر رو به چهار ستون ودر هر سطر دو بیت نوشته شده‌است. جدول دور صفحه لاژورد وجدولهای درونی باز راست. عنوانها باشنگرف ودر میان جدول زرین جای داده شده.

دارای پنج سرلوح خوب در برگهای: ٣، ٤٧، ١٠٥، ١٧٨، ٢٣٧. و ده روبه حاشیه‌سازی در برگهای: ٣، ٤، ٤٧، ٤٨، ١٠٥، ١٠٦، ١٧٨، ١٧٩، ٢٣٧، ٢٣٨، ویازده مجلس صورت در برگهای ٢، ٣، ٤٥، ٤٥، ٤٧، ١٠٤، ١٠٥،

۲۳۶، ۲۳۰ ، ۳۱۶،۳۱۴ ، باشنگرف ولاژوردوسفیدآب وزر، ودوروبه دربرگهای : ۱۷۸ ، ۳۱۴ ، با زرناب نقاشی شده .

(۳۱۶ برگ) که شش برگ آن پوست آهوی نازك ودر میان اسانیها جاداده شده . کاغذ ترمه خوب . جلد سوخت . دورویزر کوب بسیار خوب بیرون مشکی درون سرخ دارای رقم « آقا محمد صادق » .

اندازه : ص۲۸×۱۸ و ۲۱×۱۱ : ۲۰ سطر .

نسخه درپوششی ازایلماج سبز تیره رنگ بامقوای ضربی جای گرفته است .

[۱۱] دیوان(۱) حسن دهلوی (فارسی)

حسن بن علی دهلوی سنجری ملقب بـه نجم الدین و متخلص به حسن همزمان امیرخسرودهلوی، وهردومرید نظام الدین اولیاء بوده‌اند . حسن مورد علاقه وعشق امیرخسرو بوده واین معنی زبانزد مردم گردیده، تاآنجا که علاء الدین

۱ــ ازنظر کتاب شناسی درفهرستها برای یافتن نام کتابهای شعری عنوانهای زیر باید جستجو شود :

(الف) ــ اگر درآن کتاب همهٔ شعرهای گوناگون یك شاعر گردآمده باشد باید یکی ازاین عنوانها دیده شود :

کلیات ...، دیوان...، مجموعهٔ اشعار...، ومانند آن:

اگر درآن کتاب واحدهای شعری ویکه های مستقل راکه هریك کتابی جدا ونامی ویژه داشته، گردآوری کرده باشند آنراکلیات نامند

دربرخی « کلیات » ها مانندکلیات سعدی کتابچه های نثری مانندگلستان نیز دیده می شود .

واگر درآن کتاب جز یکه های مستقل شعری همه گونه دیگر شعرهای شاعر راگردکرده باشد دیوانش نامند:

واگر فقط برخی ازشعرهای اوراگرد آورده باشند مجموعهٔ اشعاراو نامند .

ب) ــ واگر فقط یك نوع شعر درآن کتاب گردآورده باشند باید یکی از عنوانهای زیر دیده شود

غزلیات...، قصاید...، چکامه های...، مثنویهای...، پنج گنج...، خمسهٔ ...، ستهٔ ضروریه...، سبعه...، هفت اورنگ...، ترجیعات، دوبیتی های...، رباعیات...، تخمیسهای...، مخمسهای...، مسدسهای...، مسمطهای...، سرودهای...، تصنیفهای .

ج) ــ واگر فقط یك واحد مستقل ویکه جداگانه شعری درآن کتاب باشد، باید یکی ازعنوان‌های زیر دیده شود:

مثنوی، چکامه، قصیده، منظومه، ترجیع بند، ترکیب بند، دوازده بند، مخمس، مسدس، و مانند آنها.

باقی درزیرصفحهٔ آینده

فیروزشاه کوشش درجدائی آنها نمود، ولی سودمند نیافتاد. حسن درشعر،خرد راسعدی هندخوانده وبخوشنویسی خودنیز اشارت دارد.

جامی(۱) از گفتهٔ صاحب «تاریخ هندی» که معاصر حسن بوده آرد: «وی مردی شیرین مجلس ومؤدب بود و کتابی بنام «فرائدالفوائد» نگاشته، ودر آن سخنان وپندهای مرشد خود نظام الدین اولیا راگرد آورده ، واین کتاب درآن روزگار دستورارباب عرفان شده . ووی راجز آن، دیوانهائی چندهست وصحائف نظم ونثربسیار.مرگ حسن درشهردولت آباد یا شهردیوگیرهند بسال (۷۲۷) بوده است.

گزارش زندگی او در «تذکرهٔ دولتشاه» درطبقهٔ چهارم و «مجالس العشاق» مجلس سی و چهارم و «مجمع الفصحاء» جلد اول ، و «تذکرهٔ خوشگو» و «هفت اقلیم» و «مرآت الخیال ص۴۸» آمده است.

نسخهٔ ازاین دیوان نزدآقای نخجوانی و دیگری در کتابخانهٔ سپهسالار است که (۶۴۰۰بیت) دارد. و نسخهٔ مادارای (۶۰۰۰بیت) میباشد.

بیشتراین دیوان درستایش شاه علاءالدین فیروز (محمدشاه) و چکامه ها و مثنویها وقطعه‌ها وحتی غزلها در ستایش اودارد ودو بیتهای عرفانی نیز در آغاز دیوان هست. درنسخهٔ ماغزلیات اونزدیك پنج هزاربیت میباشد.

[۱۱]

[۵۱] نسخه بخط نستعلیق زیبا. نام نویسنده وتاریخ نوشتن ندارد ولیکن خط نزدیك بسدهٔ نهم یادهم است . عنوانها با لاژورد و زرناب .

باقی ماندهٔ صفحهٔ پیش:

صاحب ذریعه برای ساده کردن کار و آسانی یافتن نامها ، همهٔ کتابها شعر ــ از هرکدام ازقسمتهای سه گانهٔ بالا ــ را در زیرعنوان « دیوان » در آورده‌اند . ومن نیز در فهرست الفبائی که در پایان این فهرست خواهم آورد ــ برای آسانی کار خواننده ــ چنان خواهم کرد ؛ ولی دراینجا نیازی بتغییر دادن نام مشهور کتاب وانحراف ازدستورهای گذشته یافتم، وبنا براین « کلیات » را در(حرف ــ ك) وخمسه رادر (حرف ــ خ) میآورم . و کتاب شعری

۱ــ نفحات الانس (چ ــ نولکشور) ص۵۴۹

که نام ویژه داشته مانند «دیوان بیانی» که «مونس الاحباب» نام» دارد بهمان نام خواهم آورد.

۱ــ نفحات الانس(چ ــ نولکشور) ص۵۴۹

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

میان برگهای : (۳-٤) و (٤-٥) و (۷-۸) و(۸-۹) و(۱۱-۱۲) و(۱۷-۱۸) و(۲۱-۲۲) و(۸۸-۸٦) و(۹٦-۹۷) و(۱۱۰-۱۱۱) افتاده دارد . آغاز و پایان نسخه نیز افتاده است .

تا برك ۹ رباعیات، واز آنجا افتاده، ودر برگ ۱۸ مقطعات آغاز میگردد. واز برگ ۳٦ غزلیات بترتیب حروف الفباء آغاز میگردد . میان هر دو غزل واژهٔ «وله ایضاً» با زر یا لاژورد درمیان جدول نوشته شده .

همه رویه ها دارای جدول زر ولاژورد است. نسخه بغزلهای (قافیهٔ ی) پایان یافته ، وگویا اندکی افتاده دارد.

برخی برگها پاره وصحافی شده ، بویژه برگ (۲۳۳) که ازنیمه جداشده وبا کاغذ سفید وصله شده است .

(۲۵۱ برك) کاغذ ارمه اصفهانی . جلد تیماج قهوهٔ فرسوده وباز صحافی دارد.
اندازه : ۱۳×۲۲ و ۹٫۵×۱۳٫۵ . ؟ ۱٤ سطر.

[۱۲] دیوان سحاب (فارسی)

سراینده محمد بن احمد حسینی اصفهانی است که بسال (۱۲۲۲) در گذشته است. تربیت (۱) بنقل از نگارستان دارا ، اورا اردوبادی دانسته خودش « سحاب » تخلص میکرد ، و پدرش که از شاعران بنام است، بهاتف متخلص بود، ودر پزشکی نیز دست داشته . سحاب دانش های ادبی را نزد پدر بیاموخت واز پزشکی نیز چیزی بر گرفت . درجوانی اهل عیش ونوش بوده ، سپس به حجاز ومکه مسافرت نموده وپس از بر گشتن بوسیلهٔ فتحعلی خان صباملك الشعراء بفتحعلی شاه نزدیك گردید ودر پایان عمر از کارهای جوانی خود پشیمان وتوبه نموده ومجتهدالشعراء لقب گرفت. وپس از مرگ جسد او بنجف برده شد.

از نگارشهای سحاب اینهارا میشناسیم :

۱ — تذکرهٔ شعراء بنام « رشحات سحاب » بنام فتحعلی شاه است . و ناتمام مانده .

۱ — دانشمندان آذربایجان ص ۱۷۹ .

۲ — «سحاب البکاء» درمراثی وتعزیه امامان .

۳ — دیوان شعر که بگفتهٔ انجمن خاقان (۱) ونگارستان دارا شامل هشت وبقول مجمع الفصحاء (۲) پنج هزار بیت است.

نسخهٔ (سپهسالار) دارای (٤۰۰۰ بیت) ونسخهٔ ما اندکی کمتر از (٤۰۰۰ بیت) ودارای قصاید وغزلیات است که دوهزار بیت آن غزل میباشد.

[۱۲]

نسخه بخط نستعلیق درشت ، نام نویسنده وتاریخ نوشتن ندارد. ولی پیداست که در زمان سراینده نوشته شده است. از آغاز نسخه تا برگ (۹۵) غزلها به ترتیب حروف نوشته شده، واز آنجا تا برگ (۱٤۱) چکامه ها بهمان ترتیب واز آنجا تا برگ (۱۷۵) مقطعات ومثنویها واز آن تا پایان نسخه (برگ ۱۸۱) دوبیتی ها میباشد.

همه رویه ها دارای دو جدول زرین . عنوانها با شنگرف است .
(۱۸۱ برك) کاغذ سمرقندی . جلد تیماج سبز عربی کارکرده.
اندازه : ۱٦×۲٦ و ۱۰٫۵×۱۸٫۵ ؛ ۱۲ سطر .

[۱۳] دیوان سنائی (فارسی)

ابو المجد مجدود بن آدم سنائی غزنوی . این نام و کنیت را خوداو درشعر (۳) وزندگی گزاران درتذکره ها بنوداده اند. ولی در برخی از چکامه ها (٤) وی خود را حسن نامیده است .

امین احمد رازی درهفت اقلیم نام اورا مجدالدین دانسته، واین نادرست است. ودرپشت نسخهٔ از کلیات سنائی (٥) که در کتابخانهٔ ملی هست اورا (ابوالحسن

۱ — انجمن سوم.
۲ — مجمع الفصحاء ج ۱ ص ۲۰۷.
۳ — زانکه جه زاشن شدم سنبت — کرد محدود ما دیم کنبت
٤ — زانکه نیکو کند از هم نامی — مدحت خواجه حسن شده حسنی
٥ — این نسخه که میان سال های (۵۱۲ و ۵۲۵) نوشته شده به سنائی (پ— ٥۲۵) را با جملهٔ [ادام الله تاییده] دعا کند ، و بهرامشاه را که بسال (۵۱۲) بتخت نشسته با جملهٔ [خلدالله ملکه] دعا کند . این نسخه را فخرالدین نصیری از اصفهان بدست آورده و بسال (۱۳۲۵ ش) وزارت فرهنگ آنرا برای کتابخانهٔ ملی تهران خریداری کرد .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

علی بن آدم سنائی) نوشته اند . و نام و کنیت نخست درست‌تر از دیگران است . نام شعری و تخلص او «سنائی» نسبت به سناء است که بزبان تازی بمعنی روشنائی میباشد .

زایچه و مرگ :

وی بسال (٤٦٤) بزاده (١) و بسال (٥٢٥) درغزنین مرده (٢) و گوراو درآنجا زیارتگاه بوده است. (٣)

برای نیمهٔ دوم زندگی، سنائی ازغزنین بخراسان آمده ، ودر جرگه مریدان خواجه ابویوسف همدانی درآمده وتوبه کرده است .

ابویوسف پیرخانقاه بزرگ خراسان ومرید ابوعلی‌فارمدی است.

درزندگی سنائی‌سفری ببخاری وسفری به بلخ‌وسفری‌نیز بحجاز نوشته اند. مذهب‌سنائی‌رابرخی‌شیعه‌آل‌عباس(٤)ومتاخران اوراشیعه‌دوازده امامی(٥) دانسته‌اند ولی درست آنست که وی شیعهٔ آغاز سدهٔ‌ششم ، یعنی مسلمان‌اصلاح طلب میبوده است .

شیوهٔ شعر :

سنائی درآغاز کار و نیمهٔ نخستین عمر بشیوهٔ فرخی و منوچهری میسرود برای تامین عیش و نوش مادی شاهان و وزیران را ستایش میکرد، و به وصف طبیعت و زیبائیها بیشتر توجه داشت . ولی چون کامیابیهای جوانی را بپایان رسانید و بسن کهولت رسید ، افکار عرفانی که زائیدهٔ محیط اقتصادی آنزمان و هم واکنش بی بند وباریهای جوانی او بود؛ در وی نیرو یافت . فرآورده های شعری سنائی در این دوره چون از

١ — ابن یوسف درفهرست سپهسالار (ج٢ ص٤٩٣) این تاریخ را ازیک بیت شعر سنائی که درآغازهای باب‌پنجم‌حدیقه (باب غفلت) هست درآورده است.

عمردادم بجملگی برباد	برمن آمد زشصت شصت‌وداد

پس درتاریخ (٥٢٤) که حدیقه را سروده شصت‌ساله بوده‌است.

٢ — درمرگ سنائی چند گفته هست ودرست‌تر ازهمه این‌تاریخ است که محمدبن علی رفا همزمان سنائی درمقدمهٔ حدیقه آورده.

٣ — تذکره دولتشاه (ن - ٨٩٦)

٤و٥ — سرآغاز نسخهٔ این کتابخانه وبیشتر تذکره های متاخر.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

تراوش مغز اوست از سرود های جوانی او که تقلیدی از گفته های فرخی و منوچهری است زیباتر میباشد .

بیشتر اشعار دیوان سنائی چنانکه خواهیم گفت در دورهٔ نخست سروده شده و پر است از ستایش شاهان ووزیران ولی حدیقه و دیگر نگاشته های او در دورهٔ دوم سروده شده است .

سنائی نخستین شاعر فارسی زبانست که ایده های عرفانی و صوفیانه را با شعرآمیخت. اگرچه‌بوسعید ابوالخیر شاعر عارف پیش از اومیزیسته ولیکن ازشعر او جز چند دو بیتی چیزی‌نمانده است . وعارفان پسین‌همه‌ازسنائی‌پیروی کرده اند. مولوی گوید :

عطار روح بود سنائی دو چشم او
ما در پی سنائی و عطار آمدیم

ازمسائلی که درشعرسنائی گنجیده‌است چنین می‌نماید که وی‌درداشنهای رسمی زمان خود مانند تفسیر ، حدیث ، فقه ، حکمت ، عرفان ، منطق ، کلام ، تاریخ ، ستاره شناسی و پزشکی دست داشته ، تا آنجا که فهم درست برخی ازشعرهای وی‌وابسته بدانستن قسمتی ازاین دانشها میباشد. چنانکه فهم اشعار صوفیانهٔ عارفان متاخر نیز تا اندازه‌ای وابسته بفهم اشعار پیشینیان مانند سنائی است . و این وابستگی را خود آنان نیز درك می کردنده اند (١) ولیکن این معنی ساده و طبیعی را از کرمات خود می‌شمرده‌اند .

ناسازگاری افکار صوفیانهٔ سنائی که در اشعار وی گنجانده شده باعقاید خشک‌مذهبی آنزمان، مقامات‌مذهبی‌راواداشت تا برعلیه کتاب‌حدیقهٔ اودادخواهی مذهبی بنمایند، و اورا بدشمنی باآل‌سفیان‌وغلودردوستی آل‌علی‌متهم‌ساخته‌کافر دانستندتاآنجا که بهرامشاه‌با همه‌ارادت‌پیشین که‌داشت‌سنائی‌رابزندان‌افکند (٢)

(١) شمس‌الدین افلاکی در «مناقب‌العارفین» از مولوی آورده : «هر که بسخنان‌عطار مشغول شود از سخنان حکیم سنائی مستفید شود ... و هر که سخنان سنائی بجد تمام مطالعه کند برسر سنای سخنان ما واقف شود . » سرآغاز حدیقه (چ ـ مدرس رضوی) (ص کو) بنقل‌ازنسخهٔ «مناقب العارفین» آقای فروزانفر .

(٢) منتخب التواریخ عبدالقادربن‌ملوکشاه بدوانی جلد اول .

آثار سنائی :

۱ - دیوان سنائی- که گفتگوی مادر آن‌است .

۲ - حدیقةالحقیقه - که در عنوان منتخب حدیقه آنرا می‌شناسانیم .

۳ - انتخابات- که گویا همان منتخب حدیقه باشد (ذریعه۲: ۳۵۹).

٤-طریق التحقیق. یا‌زادالسالکین، که‌بسال۱۳۰۹ و ۱۳۱۸ در تهران و بمبئی در(۸۹٦بیت) چاپ شده .

۵ - سیرالعبادالی المعاد. یا‌کنزالرموز در مجمع الفصحاء (ج۱ص۲٦۲-۲۷٤) گنجانیده شده و سپس بسال (۱۳۱٦ ش) آقای سعید نفیسی آن را در(۷۷۰بیت) چاپ کرده‌است .

٦ - عشقنامه در(۱۰۰٦بیت) پند واندرز .

۷-بهروز وبهرام . هدایت‌درمجمع‌الفصحاء گویدداستان‌است(ذریعه۳ : ۱٦۵). وآقای‌تربیت‌درمجله مهر(ش٦سال۵)چندبیتی از آن‌آورده است .

۸ - غریبنامه . درسر آغاز‌حدیقه چاپ کلکته نامش‌آمده.

۹ - عقل‌نامه . نسخهٔ آن در کتابخانه سپهسالار هست. در (۱۹۵بیت).

۱۰ - کار‌نامه بلخ . یا‌مطایبه‌نامه. نسخهٔ‌این کتابخانه (برگ۵ه۳٤پس).

۱۱ - دیباچهٔ حدیقة الحدیقه بنثر که گویند در صبح روز مرگ خود در بستر بیماری بروز یکشنبه (۱۱ شعبان ۵۲۵) آنرا نگاشته .

۱۲ - دیباچهٔ نثری برای دیوان خود . نسخهٔ سدهٔ ششم از آن در کتابخانهٔ (ملك) هست . ودرسر آغاز دیوان چاپ شده .

۱۳ - جمع دیوان مسعودسعدسلمان توسط سنائی بوده . و چون آنرا گردآورد خواجه طاهر (ثقةالملك) بر او اعتراض نمود که اشعار بیگانه را‌نیز با شعر مسعود در آمیخته . پس سنائی چکامهٔ در پاسخ خواجه طاهرسرود. که در دنبال دیوان مسعود سعد چاپ رشید یاسمی(ص۷۳۳ - ۷۳۲) ودر دیوان سنائی چاپ مدرس رضوی (ص ۷۷۵) . و(برگ ۳۱۸) نسخهٔ شمارهٔ (۲۳۲) این کتابخانه آمده است .

۱٤-یك‌نامهٔ نثری ببهرامشاه غزنوی‌درتبرئهٔ خود،ویك‌نامهٔ‌منظوم برای

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

برهان‌الدین به‌بغداد دربارهٔ همان نوشته است .

دیوان او :

زندگی گزاران‌دیوان‌اورادارای‌بیست‌تاسی‌هزاربیت‌دانسته‌اند . ومیرتقی کاشی آنرادر۱۳هزاربیت دیده ولی آخرین چاپ دیوان که توسط آقای مدرس رضوی در تهران منتشر شده است (۱۳۳٤٦ بیت) بیشتر ندارد .

اگرچه‌بیشتر‌چکامه‌های‌این دیوان دردورهٔ نخست زندگی سنائی سروده شده‌وبرازستایش شاهان ووزیران و گزانه گوئیها است ؛ باز هم نمایندهٔ افکار دوره های مختلف زندگی اومیباشد . وطرز فکرهای گونان درآن یافت‌شود. چنانکه‌دریك‌جا گوید:

هرگز نیافتم بچنین شعر هـای نغز / از هیچ رادمرد بده شعر یك شعار
تا پنج گانه‌ایم دهند از دویست‌شعر / اندر هزارروزدو‌چشم شود هزار

و در جای دیگر :

پیش هر دون مکن چو چنبر پشت / پای هر سفله را مگیر چو در
همچو نکبا از این و آن مربای / همچو نرگس باین و آن منگر

چون عارفان پس‌از سنائی و صوفیان متأخر هریك از راهی خواسته‌اند از نام و شهرت‌سنائی‌استفاده‌نمایند ، ازاین‌رو در آثاراو دست‌برد زیاد زده اند وتاریخ و گزارش زندگی اورا باافسانه ودروغ بسیار آمیخته، تاآنجا که امروز در تاریخ مرگ او بیش از ده گفته می بینیم از (۵۲۰) تا (۵۹۰) دو نسخه از دیوان یا آثار دیگر او مانند یکدیگر یافت نشود، برخی از دیوانها دارای (٤۰۰۰ بیت) و برخی (٦۰۰۰) و برخی (۸۰۰۰) و (۱۰۰۰۰) تا (۱۲۰۰۰بیت) دیده میشود. ولی آخرین چاپ‌دیوان‌او‌بتصحیح‌وسر آغاز آقای‌مدرس رضوی‌در تهران‌بسال (۱۳۲۰ ش) دارای (۳۱۰) چکامه وهفت ترکیب بند و مسمط ، و (۳۷٦) غزل و (۱۸٤) قطعه و (٤۳۲) دو بیتی و دو فرد و همهٔ آن (۱۳۳٤٦ بیت) است .

این دیوان یك‌بار در‌تهران‌بی‌تاریخ(گویادر۱۲۷٤ ق) باندازهٔ ۲۰×۳۵

بچاپ سنگ بخش شده، و یک بار نیز درهند(گویا ۱۳۲۸ق) و بار سوم در تهران با تصحیح آقای مدرس رضوی بسال (۱۳۲۰ش) بچاپ سربی بخش گردیده است.

آغاز نسخهٔ این کتابخانه :

ای منزه ذات تو عما یقول الظالمون

گفت علت جمله را مالم تکونوا تعلمون

ودهمین بیت این چکامه همان آغاز نسخهٔ سپهسالار است که در (ج۲-ص۶۰۸) فهرست آنجا یاد شده. این چکامه در (ص۴۰۹) چاپ مدرس رضوی آمده است.

گزارش زندگی سنائی را در کتابهای زیر به بینید:

تاریخ گزیدهٔ مستوفی (ن — ۷۳۰) ج. گراودی. ۱۹۱۰م (ص۷۸٤ و ۸۲۱).

نفحات الانس جامی (م—۸۹۸) (ج. نولکشور. ص ۵۳۷).

تذکرهٔ دولت شاه (ن — ۸۹۲) . طبقهٔ دوم.

مجالس المؤمنین قاضی نورالله (م—۱۰۱۹) . مجلس ششم.

حبیب السیر جزء چهارم از جلد دوم.

هفت اقلیم رازی (ن—۱۰۰۲) در شعرای خراسان.

کشف الظنون درعنوان « حدیقة الحقیقة ».

آتشکدهٔ آذر (م — ۱۱۹۵) در خراسان — غزنین — ص ۹۳.

مجمع الفصحاء (ج۱ ص ۲۵٤—۲۷٤).

ریاض العارفین (چ۱۳۰۵ق) (ص۱۹٦—۲۱۰).

سخن وسخنوران (ج ۱ ص ۲٦۷—۳۲۷).

مقالهٔ آقای تربیت « مثنوی و مثنوی گویان ایران » (ص ۵٤۱ — ۵٤٤ شماره — ٦ سال ۵ مجلهٔ مهر سال ۱۳۱٦ ش).

— سر آغاز چاپ دیوان (۱۳۲۰ش) بخامهٔ آقای مدرس رضوی.

— ذریعه: ج۲: ۳۵۹ و ج۳: ۳٦ و ۱۱۱ و ۱٦٦ و ج ٤ : ۲۸۲.

[۱۳]

نسخه بخط نستعلیق زیبا. نام نویسنده ندارد. تاریخ نوشتن (۱—ج۲—۱۰۰۳)

۲۲۲ است که در برگ (۳٦۲—الف) دیده میشود. عنوانها با شنگرف وزر. همه رویه‌ها دارای جدول زرین ولاژوردین.

درسر آغاز این نسخه گزارش زندگی سنائی باهمان خط ازجائی نقل کرده‌اند. ودر آن از تذکرهٔ میرتقی کاشی وتذکرهٔ دولتشاه و «مجمع العشاق» و «مجمع الشعراء» سخنانی آورده است. درسرلوح زیبا در برگ (۱—ب و ٦ب) ازلاژورد وشنگرف وزر هست از آغاز نسخه تا برگ (۳۲۹) چکامه ها و غزلها بی‌ترتیب آمده واز آنجا تا (۳٤۵) دو بیتها و از آنجا کارنامهٔ بلخ آغاز میشود.

این نسخه پیش از آنکه بدست آقای مشکاة بیفتد از آن آقای پارسا تویسرکانی بوده، و هنگام تصحیح دیوان توسط آقای مدرس رضوی دراختیار ایشان قرار گرفته و در سرآغاز چاپ(۱۳۲۰ ش) بنشانی (نسخهٔ پ) از آن یاد کند (ص — عج و عز) در کنار رویه (۳۱۷ب) خط محمود قاجار دیده میشود و گویا همانست که (ج۱—ص۵۲) این فهرست یاد شده.

۳٦۳ برگ، کاغذ ترمه اصفهانی.

جلد روغنی دو رویه گل و بوته‌دار کناره و تهٔ آن وصالی شده با تیماج مشکی.

اندازه: ۱۳×۲۳ و ۷/۵×۱٦ : ۱۷ سطر.

[۱٤] دیوان فغانی (فارسی)

بابا فغانی شیرازی در شعر فغانی تخلص می نمود، در آغاز در شیراز چاقوسازی میکرد و از این روی سکاکی تخلص می‌نمود. سپس برای گشایش در زندگی بتبریز شد و بدربار سلطان یعقوب (۱) پناه برد و بستایش گوئی وچکامه سرائی پرداخت، وکار او بالا گرفت و از طرف شاه بلقب بابا فغانی خوانده آمد و مقام « بابای شاعران » دریار گرفت. دربادهٔ نوشی و مهرورستی زبان زد شد، و پس از مرگ یعقوب در (۸۹٦) بشیراز باز گشت. و پس از اندکی بخراسان شده و مدتی در شهر ابیوردمی زیست در این هنگام میرعلی شیر نوائی در مجالس او را از جملهٔ شاعران دربار سلطان شهید شمرده و گویا یکی از امرای زمان هرج و مرج خراسان را خواسته است. و او را بخوش طبعی ستوده(۲). و در یکی از چکامه‌های خود بایسنقر میرزا را ستوده است(۳)

(۱) یعقوب ازخاندان آق‌قویونلو حکمرانان آذربایجان در (۸۸٤ تا ۸۹٦) پادشاهی کرده است. طبقات لین‌پول ص۲۲۷.

(۲) مجالس النفائس (چ تهران ۱۳۲۳ش) ص ۱٦۱ و ۳۰۷.

(۳) آنجا که گوید:

بحمدالله که باز از عدل یعقوبی جهان برشد   بنای خطبهٔ شاهی بنام بایسنقر شد

(برگ ۱۹٤ ب) نسخه این کتابخانه دیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

سام میرزا گوید :

روزی یك من شراب و یك من گوشت از حاکم شهر ابیورد(۱) جیره داشت . باری چون قضائی بسن پیری رسید مانند دیگر شاعران اهل حال وخوشگذران، توبه نموده و چکامهٔ در ستایش امام هشتم شیعه علی بن موسی الرضا (۱) سروده است . دیوان شعر او دارای غزلها و چکامه ها و قطعه ها و دو بیتیها و ترجیع بندها میباشد .

اشعار او بیشتر جنبهٔ عشقی و سوز و گداز دارد . این دیوان توسط آقای احمد سهیلی خوانساری بسال (۱۳۱۵ ش) در تهران چاپ شده و دارای (۵۸۲) غزل است و نزدیك (۴۰۰۰ بیت) شعر دارد . و در نسخهٔ سپهسالار که (۳۸۰۰) بیت شعردارد ، شعرچاپ ناشده دیده میشود(۲) . ولی نسخهٔ ماییش از (۵۰۰۰ بیت) شعر و بیش از ششصد غزل دربردارد .

گزارش زندگی فغانی را در جاهای زیر باید دید :

تحفهٔ سامی (ص۱۰۲–۱۰۳) ومجالس المؤمنین (ص۵۳۹–۵۴۰) . هفت اقلیم در شعرای شیراز . مجالس النفائس (ص۱۶۱ و ۳۰۷) . آتشکدهٔ آذردر شاعران شیراز . ریاض العارفین روضهٔ یکم . فهرست سپهسالار (ج ۲ ص ۹۴۸) و سرآغاز دیوان چاپی او بخامهٔ احمد سهیلی خوانساری .

[۱۴]

نسخه بخط نستعلیق . نام نویسنده محمد حسین جلایر (برگ ۱۹۵–الف) تاریخ نوشتن ندارد، لیکن نزدیك بزمان خود شاعر (فغانی) درسدهٔ دهم میباشد. ازآغاز نسخه یك برگ افتاده ، و رویهٔ سوم نسخه که زرافشانی نیز شده بجا مانده است . و تا برگ (۳۶ – الف) چکامه‌ها وترجیع بندها را نوشته پس دو رویه را سفید گزارده و از برگ (۲۷ب) غزل را آغاز کرده . این رویه را نیز زرافشانی نموده و یك سرلوح از لاژورد و شنگرف و زر و مرکب سیاه برآن

۲۰۰

(۱) تحفهٔ سامی ص۱۰۲–۱۰۱ .

(۲) فهرست سپهسالار ج۲ ص ۶۴۹ .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نهاده است . غزل ها را بترتیب الفباء بسیجیده، و دربرگ (۱۹۲ – الف) غزلها پایان یافته ویك ترکیب بند درمرگ شاه سروده ، ازبرگ (۱۹۵ – الف) دوبیتیها آغازودر (۱۹۸ب) پایان یافته، و دراین‌جا نسخه افتاده دارد ، و دربرگ(۱۹۹) یك مثنوی ناقص نوشته شده که دانسته نشد از آن کی و از کجا است .

همهٔ رویه‌ها بازر ولاژورد و شنگرف جدول‌بندی‌شده . بیت تخلص را درمیان سطر نهاده و پیرامن آن جدول کشیده است . پیش از برگ یکم دو برگ سفید افزوده‌اند و بریك برگ آن گزارش زندگی بابا فغانی را ازهفت اقلیم نقل کرده‌اند .

۱۹۹ برگ ؛ کاغذ ترمه نخدی .

جلد تیماج حنائی مقوائی کارکرده .

اندازه : ۱۰×۱۷ و ۷×۱۲ ؛ ۱۵ سطر .

[۱۵] دیوان فنا (فارسی)

در سوگواری و مرثیه و عزاداری برای سیدالشهداء (ع) .

مرثیه سرائی :

تأسف از حادثهٔ نامطلوب یکی از غرایز انسان است . و سوگواری بر مردگان نیز مانند هر ناخشنودی دیگر یك مسئله طبیعی و تابع احساسات بشری است و شدت و ضعف آن بااندیشه وعقل نسبت معکوس دارد . درزمانهای گذشته سوگواری و نوحه سرائی برای گذشتگان یکی از اقسام شعر بوده و در فرهنگ ملتها جائی باز ، داشته است . ولی اندازهٔ گسترش این قسمت از ادبیات با چگونگی وشرایط محیطها تغییر میکرده است ، دربیشتر جاها پس از وقایع ناگواری بزرگ و همگانی تا مدتهاانده و سوگواری همگانی ادامه می‌یافته ، مثلا پس از حمله وحشیانه ژرمنها بر روم تا مدتها در تآتر ها نمایش تراژدی بیشتر خواهان میداشت وهمچنین بوده‌است حال اروپا پس‌ازحمله هونها .

هولناکترین حادثه در خاور نزدیك در مدت هزار سالهٔ دوم میلاد تاخت و تاز مغولان میباشد که درسدهٔ هفتم هجری واقع و نزدیك بیست‌ملیون از مردم این سرزمین را بخاك و خون کشیده و آبادیها را ویران ساخت .

واکنش این مصیبتها در روان و فکر و اندیشهٔ مردم این سامان پس از سدهٔ

هشتم،بانواع گوناگون آشکار گردید. عرفان که تا این هنگام جنبهٔ اخلاقی و ملایم داشت بسوی بی بند و باری و خراباتی گری کشیده شد. سوگواری و آه و ناله که تااین زمان یك قسمت کوچك، ازادبیات بشمار میرفت اندك اندك برهمهٔ قسمتهای دیگر فرهنگ تسلط یافت. وعظ و خطابه که تا این هنگام عنوان تبلیغ و پند و اندرز دادن بمردم داشت جنبه عزاداری و سوگواری بخود گرفت. از آغاز سدهٔ دهم هجری با انتشار کتاب «روضه الشهداء»(۱) بخطیبانی که این کتابرا برمنبرها می‌خواندند بجای عنوان کهنهٔ «خطیب» و «واعظ» و «کتابخوان» لقب نوین «روضه‌خوان» داده‌شد. بهترین اشعار سدهٔ دهم شعرهائیست که در سوگواری سروده شده است(۲). در سدهٔ یازدهم و دوازدهم این معنی فزونی یافت و در این مدت شاعری که مرثیه نگفته باشد کمتر یافت میگردد. و بنابراین جای شگفتی نیست اگر به بینیم دیوان«فنا»سرا با ناله در مصیبت و آه و اندوه است، و یك شعر جز نوحه‌سرائی در آن یافت نمی‌شود این دیوان در نیمهٔ دوم سدهٔ دوازدهم سروده‌شده است. در آنزمان اصولا شعر جز در نوحه‌سرائی برای امامان مطرود و ناپسند و باصطلاح فقهی مکروه بوده است. سرایندهٔ این دیوان مردی عارف منش بنام میرزا عبدالرسول زنوزی - ازاطراف تبریز - پسر حسن حسینی است.

وی ازسخنوران نامبردار«زنوز» بوده‌ومدتی درشهرخوی می‌زیسته، وبیشتر عمر خودرا بجهان گردی گذرانیده و «فنا» تخلص می‌نمود. وی نزدیك بهفتاد سال عمر کرد.

فرزند او میرزا حسن زنوزی است که «فانی» تخلص میکرده ودرشهر خوی بسال(۱۱۷۰) بزاده

و بسال(۱۱۹۵) برای آموزش عالی بعراق رفته و تا(۱۲۱۶) زنده بوده است. گزارش زندگی پسر در ذریعه (ج۳-ص۴۲) آمده است.

(۱) نگارش ملاحسین‌واعظ کاشفی (م-۹۱۰).

(۲) درست بهترین شعرفارسی این سده‌را باید مرثیه‌های محتشم کاشی (م-پس‌از۹۹۱) شمرد. بویژه دوازده بند او که مورد تقلید عدهٔ بسیاری نیز واقع گردیده.

آغازدیوان:

باز این فغان و غلغله اندر زمانه چیست؟

این آتش زبان فنا را زبانه چیست؟

این دیوان نزدیك (۵۵۰۰ بیت) شعر دارد.

[۱۵]

نسخه بخط نستعلیق شکسته بسیار خوب. نام نویسنده عبدالکریم. بتاریخ ١٦٦ (۱۲۶۱) در تبریز نوشته شده. عنوانها وبرگردانها (بندهای ترجیع) را با شنگرف نوشته. همهٔ رویه‌ها جدول بندی شده. دارای دو جدول زرین وشنگرفی وسیاه، میان دوجدول حاشیه نویسی نموده وباقیمانده صفحه‌را درآن‌نوشته برگردانها را میان جدول‌زرین ویژه نهاده است:

(۱۱۰ برك)کاغذ ترمه اصفهانی. جلد تیماج‌سبزضربی زرکوب. دارای برگردان. درون ابری بوته‌دار سبز.

اندازه: ص۱۳×۲٤ وص۶×۲۱ : ۱۵سطر. متن ۱۳ بیت شعر در حاشیه.

[۱۶] دیوان مجدالدین همگر (فارسی)

مجدالدین پسراحمد یزدی. در شعرخودرا «همگر» میخواند. یکجا خود را وارث ابوبکر(۱) خوانده و بیشتر جاها خود را از نژاد ساسانیان نه از تخمهٔ تکین(۲) دانسته.

مستوفی درتاریخ گزیده وخواندمیر درحبیب‌السیر ودیگران نیز گفته‌اند: همگر یزدی است ودرجوانی بشیراز رفته ومدتی آنجا ماند. ولیکن هفت اقلیم وآتشکده اشتباهاً او را درشاعران شیراز آورده‌اند.

همگر لقب خود و پدر اوست، و در شعر گاهی خود را همگر و گاهی پسر همگر و گاهی مجد همگر خوانده است. واین لفظ بمعنی رفوگر و کسی است که شکاف را بهم کشد، گویا یکی از نیاکان او یا پدرش این هنر داشته است.

(۱) توئی محمد و من وارث ابوبکرم
چو یار غار توام این حدیث زیبا نیست
ولی اگرامن وارث] بخوانیم، این‌معنی‌را نخواهدداد. وابوبکر کنیت مجدهمگر میشود.

(۲) هستم ز نسل ساسان ز تخمهٔ تکین
هستم ز صلب کسری نزدودهٔ نیال

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

پدرش احمد همگر یزدی از کارمندان دولت بوده و شعر نیز میگفته(۱) است.

همگر مردی خوش زبان و پاسخ گوی و شیرین سخن بوده است.

در تذکرهٔ دولتشاه او را ملك الشعراء عراق عجم و فارس خوانده ودر خزانهٔ عامره وفارسنامه ودیگران او را ملك‌الشعراء اتابك سعدبن‌ابی‌بکر دانسته اند. همگر از دربار سلغریان ستم نیز دیده و مدت ششماه در زندان ایشان زیسته(۲) و عمر او دراین‌وقت اندکی بیش‌ازسی‌سال بوده. و هنگامی نیز بیاری سلغریان جنگ کرده و اسیر دشمن گردیده است.

همگر با چهار تن از سلغریان همزمان بوده و ایشان را ستوده‌است: بسال (۶۲۳) ابوبکر پسرسعد پسرزنگی پسرمودود بتخت نشسته و سال(۶۵۸) بمرد و پسرش سعد دوازده روز پادشاهی کرد و سپس محمد پسر زنگی بتخت نشست ودر(۶۶۰) محمدشاه پسر سلغر پسر سعد پسرزنگی بتخت نشست وسال (۶۶۲) پادشاهی این خاندان بدست مغولان بریده شد. (۳)

همگر نابودی این خاندانرا نیزدیده است ودر شعر برنابودی ایشان افسوس خورده‌است. و در آغاز کار هرچند حاکمان مغول باو نزدیك شده‌اند او روی خوش نشان نداده و بکرمان رفته‌است، و عصمت الدین والغ ترکان (ش۶۵۵–۶۸۱) را ستوده و در این‌هنگام چهل ساله بوده است. سپس بشیراز باز گشته و صاحب دیوان خواجه شمس‌الدین محمد جوینی وزیرمغول‌راستوده است. و مدتی از طرف وی حکمران موصل گردیده و درآن دیارباکفار(۴) جنگ کرده‌است.

وی‌سفری بطوس برای دیدار صاحب دیوان‌وسفر دیگر بیغداد برای

---

(۱) خود گوید:

بفضل اگر پدرم حشمت و بزرگی یافت　　چنانکه گشت سلاطین عصر را محبوب

و نیز بخود گوید:

ای که در شعر وارث همگر　　صاحب فکر و نکته و آثار

(۲) کتابچهٔ مجد همگرنگارش آقا نفیسی.

(۳) طبقات سلاطین اسلام لین پول ص۱۵۵. وکتابچهٔ مجد همگر ص۱۶.

دیدار برادرصاحب‌دیوان یعنی عطاملك‌جوینی تاریخ‌نگار نامبردار که‌در آن‌هنگام حاکم بغداد بوده، رفته است. و نیز با بهاءالدین محمد پسر شمس‌الدین محمد جوینی صاحب دیوان که مدتی حاکم اراك و اصفهان بوده است دوست شده، و ازاو حکومت اربل‌را خواسته. وپس‌از کشته شدن بهاءالدین در(۶۷۸) او را رثاء گفته است. و پس از کشته شدن صاحب دیوان در (۶۸۳) نیز او را رثاء گفته است.

برچیدن خاندان جوینی همگر را خانه نشین کرد. وی سه سال پس از ایشان در اصفهان گوشه نشین بود و در (۱۷ – صفر ۶۸۶) بدرود زندگی گفت بدرالدین جاجرمی در رثاء و تاریخ مرگ او گوید:

سال هشتاد بود وششصد وشش　　هفده بگذشته بد ز ماه صفر

که شد از اصفهان بدار بقا　　منبع فضل مجد دین همگر

پس سال (۶۷۰) برای‌تاریخ مرگ او درست نیست.

در دورهٔ جوینیان همگر در شعر از پیری می‌نالد.

شاعران این دوره داوری او را در شعر میپذیرفته‌اند وهنگامی که عدهٔ از شاعران کاشان در برتری شعر ظهیرفاریابی و شعر انوری گفتگوها کردند، امامی اهری و مجد همگر را بداوری پذیرفته و شمس‌الدین کاشی دادخواست منظومی بنزدآن دو فرستاد، وهریك از آن دو شعری درپاسخ فرستادند. تاریخ چکامهٔ پاسخنامه همگر پایان رجب (۶۷۴) است.

آقای نفیسی در کتابچهٔ‌احوال‌همگراورا پایه گذار نوعی معماسرائی‌دانسته، گوید:پس‌ازاو جامی‌وشریف معمائی وشریف‌الدین علی‌یزدی ازوی‌تقلید واین روش را گسترش داده‌اند.

ازهفت اقلیم، و خزانهٔ عامره، ودولتشاه وجز آن برمیآید که وی‌خوش نویس و تند نویس نیز بوده است. جاجرمی در «مونس الاحرار» او را منشی الکلام یعنی دبیر خوانده. در خزانهٔ عامره و روز روشن در تند نویسی همگر نقل کرده اند که او سلجوقنامه را دریکروز دو شنبه سلخ‌رمضان(۶۶۹)

نوشته است(۱) و از بهاءالدین محمد پسر محمد جوینی سه هزار دینار برای این کار جایزه دریافته است.

هفت اقلیم شماره شعر دیوان همگر را (۳۰۰۰ بیت) دانسته و نسخهٔ که نزد آقای نفیسی بوده و از آن در رسالهٔ «مجد الدین همگر» یاد کند (۳۱۹۲ بیت) داشته است. و نسخهٔ این کتابخانه فقط (۱٤٥۰ بیت) دارد.

[۱٦]

نسخه بخط نستعلیق ریز، نام نویسنده ندارد. در روی برگ (۱- الف) نوشته ١٦١ شده: این دیوان مجد الدین همگر در تهران در (۱۳۳٥ ق) برای کتابخانهٔ اینجانب نوشته شد (امضاء) و (مهر) که هیچیك خوانده نشد. در رویه (۱٦۳) دیوان پایان یافته و در رویه های (۱٦٦تا۱۷۳) فهرستی برای دیوان نوشته. عنوانها در فهرست با شنگرف و باقی عنوانها سفید مانده است. همه رویه‌ها دارای جدولی از زرولاجورد، برخی نسخه بدلها را در کنار رویه‌ها نوشته شده.

همهٔ این جلد (۱۹۴ رویه) که (۱۷۳ رویه) را نوشته و باقی را جدول بندی کرده و میخواسته چیز دیگری بنویسد ولی سفید مانده است. کاغذ آزمه سفید تیره رنگ آهار مهره. جلد ایماج قهوهٔ متوالی.

اندازه:۹×۱۲٫٥ و ۸×٦: ٤ می رویه نخست ۱۰ سطر دارد و باقی نسخه ۹ سطری است.

[۱۷] دیوان مجذوب تبریزی (فارسی)

سراینده میرزا محمد پسر محمدرضا تبریزی ملقب بشرف‌الدین و متخلص به‌مجذوب. نصرآبادی اورا دانشجوی خوب و گشاده‌دل و دارای ذوق صوفیانه بسیار دانسته گوید دانش جویان تبریز همه روزه در آموزشگاه او گرد میآمده‌اند(۲) - هدایت اورا شاعر عارف دورهٔ صفوی شمرده(۳) آقای تربیت کتابچه منظوم بنام «تأییدات» در عرفان در سیصد و چهارده بند از او دانسته

(۱) دو کتاب بنام سلجوقنامه هست: الف) از امیر ناصرالدین یحیی پسر مجدالدین محمد ترجمان که بابن بی بی نامبردار است تربیت کوتاه در (۳۳۷ صفحه) بلیدن چاپ شده. ب) منظومه ایست از قانعی طوسی، ملك الشعراء بهاء الدین احمد پسر محمود در سی هزار بیت.

(۲) تذکرهٔ نصرآبادی ج ۱۳۱۷ ش. ص ۱۹۲—۱۹۳.

(۳) ریاض العارفین ج ۱۳۰٥ ق. ص ۱۳٥.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

و تاریخ سرودن آنرا (۱۰۸۸) دانسته. و از کتابچه دیگر او «شاه راه نجات» نیز نامبرده و تاریخ سرودن آنرا (۱۰٦٦) دانسته(۱)، ولی نصرآبادی تاریخ سرایبدن این کتابچه را از گفتهٔ مجذوب چنین آورده:

بهر تاریخش آنکه درها سفت | شاه راه نجات دلها | گفت

یعنی [شاه: ۳۰٦ + راه: ۲۰٦ + نجات: ٤٥٤ + دلها: ٤۰ = ۱۰۰٦].

و نیز نصرآبادی نمونه هائی از چند مثنوی وی آورده است، و هدایت هم از مثنوی بحر خفیف شاه راه نجات نامبرده وهم دیوان او را که بیش از پنج‌هزار بیت شعر داشته، ودارای چکامه‌های بسیار درستایش امامان می بوده است دیده وبیت زیر را نیزازوی آورده:

خانقاهی که بخرجش نکند دخل وفا
صرفهٔ وقت در آنست که می خانه شود

تربیت نیز به‌سه‌مثنوی او که دربحرهای خفیف و رمل و تقارب بوده‌است اشارت کرده.

در کتابخانهٔ ملك یك‌نسخه از «شاهراه نجات» که درست هزار بیت‌دارد هست(۲) و بسال (۱۰۸٤) نوشته شده و از دیوان او نیز سه نسخه(۳) در آن کتابخانه هست و هریك نزدیك (۳٥۰۰) بیت شعر دارد ونیم بیشتر آن غزلها میباشد که بترتیب حروف الفبا بسیجیده‌است.

نسخهٔ دیوان وی که در این کتابخانه هست گلچین از غزلیات مجذوب است، و فقط بیست وشش غزل آنرا بر گزیده و از چکامه ومثنویهای او چیزی نیاورده است.

در پایان یادآور میشود که این مجذوب تبریزی غیر از مجذوب همدانی محمد جعفر قره گوزلو است که مجذوب علیشاه خوانده شده و در تبریز دفن

(۱) دانشمندان آذربایجان ص ۳۲٦.

(۲) فهرست دیوانهای کتابخانه ملك شمارهٔ (۱۲۳).

(۳) فهرست دیوانهای کتابخانهٔ ملك شماره‌های (۱۳۰ و ۱٥۱ و ۲۸۹).

شده است. و نیز غیر از مجذوب علیشاه دیگر (میرسلام‌الله) است که مجرم تخلص داشته و اهل مراغه بوده.

[۱۷]

۱۹۵ این نسخه با دیوان نور علیشاه در یك جلد است. و از برگ (۱۰۰) تا پایان جلد (برگ ۱۱۳) را گرفته. خط نستعلیق شکسته نام نویسنده ندارد. تاریخ نوشتن (جمعهٔ ۸ ـ ذیحجهٔ ـ ۱۲۳۳). در برگ پایان نسخه هشت شماره مهر که گویا از آن بزرگان صوفیهٔ این زمانست دیده میشود. رویه‌ها دارای جدول زرین. پائین رویه‌ها بسبب دستمالی بسیار رنگ جدولها بسبزی تبدیل یافته. عنوانها با شنگرف مجموعاً بیست و شش غزل دارد.

همهٔ مجموعه (۱۱۴ برك) این دیوان (۱۴ برك) کاغذ ترمه سفیدخوب، جلد تیماج سبزیك لا درون ابری بوته‌دار.

اندازه، ۸ر۸×۸ر۱۴ و ۵×۱۰ : ۱۱ سطر.

[۱۸] دیوان منوچهری (فارسی)

ابوالنجم احمدپسرقوص پسر احمد منوچهری دامغانی(۱) شاعر بزرگ فارسی‌زبان سدهٔ پنجم هجرت‌است. گویا تخلص خودرااز نام منوچهر پسرقابوس وشمگیر (ش۴۰۳-۴۲۳) گرفته‌است، وتا این‌سال در دربار اومیزیسته، وپس‌از مرگ‌منوچهری بری رفته وستایش‌علی‌بن‌عمران وطاهردبیرعمید عراق‌میکرده است. و پس از سال (۴۲۴) بخراسان بدربارمسعود غزنوی‌شد، وبستایش وی ووزیرش احمد بن عبدالصمد پرداخت، و بیشتر شعر خود را در این هنگام سروده است.

میرتقی کاشی عارف مسلکانه خواسته‌است منوچهری‌را عارف وسالك

(۱) خود گوید:

سوی تاج عمرانیان هم بدینسان   بیامد منوچهری دامغانی

و بنابراین گفته دولتشاه، که منوچهری بلخی است، و پیروی آذر در آتشکده از وی بیجا میباشد.

طریقت ومریدامام‌الحرمین‌ابوالمعالی عبدالملك‌بن‌ابی محمد جوینی‌بشناساند(۱) و این نادرست است چه در هنگام مرگ منوچهری (۴۳۲) این امام سیزده یا پانزده سال بیشتر نداشته است و او بسال (۴۱۷)یا(۴۱۹) بزاده(۲).

دولتشاه سمرقندی منوچهری را با احمد پسرمنوچهر معروف بشصت کله معاصرراوندی صاحب راحةالصدور ومعاصر طغرل‌بن محمدبن‌ملکشاه سلجوقی (ش۵۷۱-۵۹۰) اشتباه کرده و منوچهری را بلقب شصت کله‌خوانده، ودیگران نیز بپیروی و باین اشتباه دچار گشته اند (۳).

میرتقی کاشی منوچهری را شاگرد ابوالفرج سکزی دانسته وبرخی اورا شاگردعنصری‌شاعردانسته، دولتشاه‌وامین‌احمدرازی‌درهفت‌اقلیم‌اورااز‌شاعران دورهٔ‌سلطان‌محمود دانسته وهدایت‌منصب‌ترخانی دورهٔ سلطان‌محمدبن‌محمودرا بمنوچهری داده و این هرچهار مسئله نادرست است چه منوچهری فقط بسال (۴۲۴) بدربار غزنوی رسیده، نه محمد را دریافته و نه بدرش سلطان محمود را.

منوچهری‌در‌توصیف‌پدیده‌های جهان و نقاشی زیبائیهای‌طبیعت ومجسم نمودن مناظر دلپذیر از هنرمندان زمان خود شمرده می شود. وی بر خلاف شاعران دیگر بیشتر شادمان وخوشحال دیده میشود و از شعر او کمترین‌اندوه بدل راه نیابد. و هیچگاه شادی کنونی‌را‌بپندار‌اندوه‌آینده‌نمی‌آلاید.

منوچهری از نظر صنایع‌وهنرهای‌لفظی‌نیزز‌بردست‌است. مسمط‌سازی‌نیز ازساخته های مغز اومیباشد، که تاکنون یکی‌ازانواع مهم شعرشمرده میشود.

از تشبیه‌ها که بستارگان و صورتهای فلکی میکند گمان میرود که در ستاره شناسی تا اندازه‌ای دست داشته، ولی تعمق دراین‌علم ـ مانند دیگر دانش ها ـ نداشته است. و در عوض با شعر و ادبیات تازی

(۱) مجمع‌الفصحاء (ج ۱ ص۵۴۲).
(۲) سخن و سخنوران ج ۱ ص۱۲۹.
۳ ـ مقالهٔ قزوینی در شمارهٔ (۲) سال (۱) مجله یادگار چاپ تهران دیده شود.

آشنائی درست داشته(۱) و از ایشان تقلید بسیار کرده تا آنجا که در برخی قصیده ها شرط تناسب محیط زندگی را از دست داده است .

این شاعر در جوانی وبسال (۴۳۲) (۲) مرده و بنابراین همهٔ دیوان او زادهٔ فکر جوانی است .

چاپهای دیوان منوچهری :

۱ ـ پاریس . با حاشیه و تصحیح آقای کازیمیرسکی(۳) خاور شناس لهستانی متن فارسی و حواشی بزبان فرانسه بسال (۱۸۸٦م) چاپ شده .

۲ ـ تهران بسال (۱۲۸۵ق) چاپ سنگ .

۳ ـ تهران بسال (۱۲۹۵ق) چاپ سنگ .

٤ ـ درتهران ؛ با حواشی و تصحیحات و پژوهشهای آقای محمد دبیر سیاقی بچاپ سربی بسال (۱۳۲٦ش) منتشر گردیده است .

کاملترین نسخه ها همین چاپ دبیر سیاقی است که در (۳۵۲ص) چاپ شده و(۱۷۰ص)آن تعلیقات است .

نسخهٔ این کتابخانه دارای (۲۹۰۰) بیت شعراست.

[۱۷]

نسخه بخط نستعلیق شکسته بسیارخوب نام نویسنده ابراهیم . تاریخ نوشتن
۱۰۷ (۲۳ـع۲ـ۱۲۹۳) بدستور لقمان دوران میرزا حسام الدین پسرجالینوس زمان میرزا محمد حکیم باشی شیراز در حال پریشانی نوشته شده (برگ ۱۱٦ب) . سپس در برگ (۱۱۷ ب) عبدالله موسوی بتاریخ یکشنبه دوم صفر سال پارس ئیل از نیامدن باران در داراب خراب شکایت نموده، که ازخط و انشاء اومیتابد با فضل بوده است .

درکنار رویه ها حاشیه های سودمند، گزارش واژه های دشوار و شناساندن نامهای تاریخی وجغرافیائی وتفسیر اصطلاحها نوشته شده وامضاء(۱۲) زیر آن نهاده، همهٔ رویه ها دارای دو جدول است یکی با زرولاژورد دوم بازر و مرکب سیاه ، حاشیه هامیان دو جدول است . عنوانها و واژها که در حاشیه تفسیر شده با شنگرف است .

۱ ـ خود گوید :

من بسی دیوان شعر تازیان دارم زبر تو ندانی خواند الاهبی بصحنك فاصبحین

ومقصود وی معلقهٔ عمروبن کلثوم ازشاعران عرب جاهلی است.

۲ ـ مجمع الفصحاء ج ۱ ـ ۳ ـ ۵٤۲ .

۳ ـ Kazimirski

در آغاز نسخه تا (برگ ۷٦ ـ الف) چکامه ها را نوشته ، و ازآنجا تابرگ (۱۱۰ب) مسمطها ، و ازآنجا تابرگ (۱۱۱ب) سه غزل وازآنجاتا(۱۱۵ب)مقطعات، و از آنجا تا پایان نسخه (۱۱٦ب) دو بیتیها را نوشته . همهٔ این نسخه (۲۹۰۰ بیت) شعر دارد .

این نسخه پیش ازین درکتابخانهٔ تیمورتاش بوده ، و وی با مداد آبی رنگ برپشت برگ یکم یك سطر نوشته وبرخی جاها مانند برگهای (۱۰۱ و ۱۰٤) نسخه را با همان مداد تصحیح کرده . کنار برگهای آغاز و پایان نسخه آبدیده و کفك زده.

(۱۱۷ برك) کاغذ ترمه سفید خوب. جلد تیماج سرخ با مقوی.
اندازه ، ۱۳٫۵×۲۰٫۵ و ۷×۱۴ : ۱۳ سطر.

[۱۸] دیوان ناصرخسرو (فارسی)

حکیم ناصر پسر خسرو پسر حارث علوی قبادیانی کنیتش ابو معین وتخلص شعری او حجت،وبناصر خسرو نام برداراست. اهل قبادیان بلخ بوده و درذی قعدهٔ (۳۹٤ ق) برابر باتیریامرداد سال (۳۸۲ش) درآن شهر بزاده(۱)، و میان سالهای (٤٦۰) تا (٤۸۱)(۲) در شهر یمگان از بدخشان مرده است .

مدتی نیز در مرو مسکن داشته ، ولی زاد و بوم او همان قبادیان(۳)بلخ است . وی یکی از دهقانان و زمین داران آنجا بشمار میرفته وخاندان او از طبقهٔ اشراف وملاکین آن سامان بوده اند وبرادرش خواجه ابوالفتح عبدالجلیل نیز در دربار سلجوقیان محترم بوده است . ونسبت اصفهانی بودن که دولتشاه وآتشکدهٔ آذر باو داده اند درست نیست(٤) .

۱ ـ از سخن خود او در دیوان، چ ۱۳۰٤ (ص۱۷۳) سال زایجه آشکار میشود واز(ص۱۸۳) ماه آن.

۲ ـ مرگ ناصرخسرو را گوناگون نوشته اند ولی درست تر (٤۸۱) است که جابی در تقویم التواریخ آورده .

۳ ـ برای شناسائی این شهر سمعانی نیز دیده شود . امروز این نام بیلوکی در ماوراء جیحون شمال شرقی بلخ و نزدیك سمرقند ولیز دیهی بهمین نام گفته میشود .

٤ ـ همین نادرستیها ریو را واداشته که در فهرست بریتش موزیوم دو تن بنام ناصر خسرو بشناسد یکی اصفهانی (د ـ ۳۵۸) ودیگرخراسانی (ز ـ ۳۹٤) ولی درجلدبعد گفتار خود را پس گرفته است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

لقب حجت را در سفر مصر از مستنصر هشتمین خلیفه اسماعیلی (ش ۴۲۷–۴۸۷) دریافته و بعنوان یکی از حجتهای دوازده گانه (۱) برای خراسان برگزیده شد.

لقب «علوی» را نه‌ازراه نژادبخود گرفته،بلکه‌این‌واژه نام طرفداران علی بوده، در برابرواژهٔ «عثمانی» که‌پس‌از کشته‌شدن‌عثمان بطرفداران‌وی گفته میشده است. و ناصر خود را از نژاد آزادگان ایرانی میدانسته(۲).

دهقان علی شطرنجی از شاعران سدهٔ ششم در شعر خود ناصر رابلقب «حمیدالدین» خوانده است(۳).

از جوانی ناصر خسرو و پیش از سفر هفت سالهٔ او اطلاع درست دردست نیست و گویا سبب آن غلبهٔ وضع زندگی‌مادی برزندگی روحانی‌وی میباشد، وشاید اگر هم آثاری از آن دوره داشته بسبب تغییر فکر، خودآنها را نابود کرده است. زیرا که خود در دیوان و سفرنامه از شرابخوری وعشق‌ورزی وستایش گوئی وشوخیهای روزگارجوانی بیزاری می‌جوید، وی‌پس‌از آنکه‌ازخوشیها مادی سیر گشت، بگفتهٔ خود چندسالی نیزدرمیان اهل طیلسان و دستار بپژوهش وچون‌وچرا گذرانیده (۴) وچندی هم در جستجوی کیمیا بوده(۵) وهمین (چون‌وچرا)ها و نپذیرفتن سخن بی‌دلیل، وناشنیدن پاسخ‌قانع کننده‌درپرسش‌ازرازهای طبیعت‌اورا درسن‌چهل‌سالگی سرگردان وپژوهنده کرده‌واین‌بی‌آرامی‌اورا بسفرهاوآمیزش(۶) بابزرگان‌دینهای گوناگون‌وادار

۱ ــ نزد باطنیان اسماعیلی امام‌زمان بالاترین مقام مذهبی بوده وقاضی القضاة و داعی الدعاة زیردست او بوده‌اند. و زیردست داعی الدعاة که‌باب نیزخوانده‌میشده دوازده «حجت» در دوازده قسمت از کشور های جهان بوده‌اند که‌بدستور وی کار میکرده‌اند، هر قسمت ازاین دوازده قسمت جزیره نام داشته و مسئول آنجا را «حجت» می‌نامیده‌اند.

۲ ــ حاشیه خطی آقای دهخدا برسرآغازدیوان چاپ ۱۳۰۵ — ۱۳۰۷. ص.ط.

۳ ــ لباب‌الالباب(چ۱۹۰۰م)ج ۲ ص۲۰۲.

۴و۵ ــ دیوان چ۱۳۰۴ ص۲۷۲ — ۲۷۳.

۶ ــ دیوان چ۱۳۰۴ ص۱۷۳ — ۱۷۴ وجز آن.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کرده است.

ناصر خسرو در جوانی بافغانستان وسند و لاهور و هند و ترکستان(۱) سفر کرد. وپس از اینکه بلخ ازدست غزنویان بسلجوقیان‌رسید، بمیهن‌باز گشته و با برادر خود بخدمت ایشان کمربسته است.

نظر بوضع طبقاتی و زمین داری ناصر خسرو از جوانی کار دیوانی داشته، وبدربار ها راه داشته و پیش از بیست وشش سالگی بدربار غزنویان میرفته و تا هنگام سفر حج این کار را داشته است.

خویشان او:

از برخی شعرهای او آشکار میگردد که پسری داشته و دو برادر نیز یکی‌بنام‌ابوالفتح عبدالجلیل که در خدمت سلجوقیان بوده ودیگر بنام ابوسعید که‌همسفراو بوده‌است(۲)داشته،ویکی‌ازایشان‌پس‌ازآوارگی‌اوازبلخ‌درآن‌شهر مانده‌است. خویشان‌وی نیز دردورهٔدوم زندگانی (پس‌ازسفرهفت‌ساله)، مانند دیگرمردم ازترس‌دستگاه‌دولتی‌درآشکار ازناصر روگردان بوده‌اند، ووی از ایشان گله میکند، ولی از کتاب «وجه دین» که آنرا برای خویشان خودنوشته چنین‌می‌نماید که برخی ازایشان پیرو او بوده‌اند(۳) نویسندهٔ «سرگذشت»، پسر عمی‌نیزبنام‌منصوربرای ناصر یاد کند که‌ناصر کتابی باواهداء نموده است(۴).

سفر هفت ساله:

این سفر که برای پژوهش وحقیقت جوئی انجام یافته از (۴۳۷)تا(۴۴۴) بدرازا کشیده است، روز (۲۳ شعبان – ۴۳۷) بنام حج مکه از مرو بیرون شده. در این سفر برادر کوچك و یك غلام خود را همراه داشته است. چنانکه از سفرنامه برمی‌آید از راه سمنان و ری و قزوین بآذربایجان رفته در تبریز قطران‌شاعررادیده وازراه‌مرندو خوی‌بوان وسپس باخلاط‌وبطلیس‌وومیافارقین

۱ ــ سفرنامه ص ۲ و ۹۰.

۲ ــ بگفتهٔ کتاب مجعول «سرگذشت» که از گفته ناصرساخته شده.

۳ ــ وجه‌دین، ص۲۶.

۴ ــ ذریعه ج ۸ ص۱۵۱ وعنوان «سرگذشت» همین‌فهرست دیده‌شود.

و آمد و حران و سروج و شام و معرة (در این هنگام ابو العلاء معری زنده بوده ولی معلوم نیست او را دیده باشد) و از آنجا بطرابلس و صیدا وفلسطین و در (ه- رمضان-۴۳۸) به بیت المقدس (اورشلیم) درآمده و دوماه آنجامانده و در (ه- محرم۴۳۹) بمکه‌درآمده، واز آنجا بطیبه وباکشتی بتونس‌واز آنجا بمصر آمده است . و در بندر سودانی «عیذاب» در دریای سرخ چندماه خطیب بوده(۱) . از مدت هفت سال که در سفر بوده سه سال در مصر و سودان ونوبه و قیروان و تونس می‌زیسته، چهاربار بحج رفته و (۲۲۲۰) فرسنگ (نزدیك ۱۳۵۰۰) کیلو متر راه پیموده ، و به هر شهر که میرسیده پژوهشهای فلسفی پرداخته ، و با دانشمندان از هر مذهب و نژاد بحثها میکرده . تا بقاهره‌رسیده و براهنمائی مردی که او را (مؤید خداوند) یا (خواجه مؤید) یا (دربان شهرعلم) یا (باب)(۱) خوانده بآئین اسماعیلیان درآمده ، و سخنان او دره‌روز مجلس» ناصر را خیره کرده است . و از درجه های هفتگانه اسماعیلیان (۲) چهار درجه را پیمود و از درجهٔ مستجیب یعنی دورهٔ آزمایشی(۳) و درجه‌های ماذون(۴) فرد عادی و(داعی) گوینده(۵) گذشته وبدرجهٔ حجتی یعنی مسئولیت یکی از دوازده جزیره(۶) رسیده است . و برای عهده‌دار شدن این کارو بگفتهٔ

۱ — سفرنامه (ص۹٤).

۱ — مقریزی درخطاط دونفر را زیردست امام‌فاطمی میداند یکیرا بنام قاضی القضات ودردرجهٔ دوم کسیرا بنام داعی الدعاة میخوانند. داعی‌الدعاةباب امام و سرور دوازده حجت بوده و بوسیلهٔ او مردم بـاین آئین وارد میگشته اند و ریاست (مجلس الحکمه) نیز با او بوده است .

۲ — که بعدها نه درجه گردید.

۳ — دراین‌دوره شخص تازه‌کارفقط حق شنیدن سخنان‌راداشته‌وحق بحث نداشته، و فقط پس ازماذون شدن حق داشته زبان بگشاید .

٤ — بعدها این درجه بماذون محدود و ماذون مطلق تقسیم شده است .

ه — این‌درجه نیز بعدها بدودرجه‌داعی محدود وداعی مطلق تقسیم‌شده‌است.

٦ — اسماعیلیان جهان‌اسلامی را بدوازده بخش تقسیم کرده و هرقسمت را جزیره میناميدند .

خودش برای شبانی رمهٔ مشایعان دین حق (۱) و رسانیدن دستورهای خداوند روزیعنی ابوتمیم‌معد پسرعلی ملقب بمستنصر بالله فاطمی بجزیرهٔ خراسان‌فرستاده شده است .

بازگشت بمیهن :

رنجهای فراوان که دراین سفربرد و گردشها که کرد ، در عقاید وی تأثیر بسزا نمود وچون درجمادی دوم‌سال (٤٤٤) درسن پنجاه سالگی ببلخ باز گشت بتبلیغ آئین شیعه اسماعیلی و پنهان فرستادن مأذونان و گویندگان (داعیان) بشهرها آغاز نمود ، و چون ایدهٔ او نسبت بفکر دستگاه و رژیم آنروز برتری داشت و پیشروتر بود و بگفته خودش در «چون وچرا» نیرومند بود سخنان وی پیشرفت کرد ، روحانیان سنی وخشك وطرفداران وضع کهنه اسباب تبعید وی را بدست دولت سلجوقی فراهم ساختند ، و مردم را برانگیخته خانه اورا خراب واورا آواره کردند. مدت آزادی اودربلخ‌بده‌سال نکشیده، چه‌او کتاب زادالمسافرین (ه-٤٥٣) را در حال پنهانی و آوارگی نگاشته است .

جائی را که ناصر خسرو در آن پنهان شده «دبستان المذاهب» کوههای بدخشان نوشته و«جامع‌التواریخ» کوههای سمنگان آورده است . ومدت آنرا هر دو بیست سال نوشته‌اند .

دراینمدت جای اورا کسی نمیدانسته،ولیکن ازسخنان او آشکارمیگردد که:

وی پس از مدتی پنهانی بمازندران که پایگاه اسپهبدان شیعی بوده پناه برده است ، و سپس باز گشته و بیمگان نشیمن گزید و هماتجای بدرود زندگی گفته است . این شهر در دورترین نقطه بدخشان و دژ استوار وتسخیر ناپذیری در میان کوهها بوده، ونام آن در کتابهای پیشینیان بشکل (بمقان) درآمده است . و امروز بگفته محمد نادرخان(۳) یمگان بدره‌ای گویند که دوازده آبادی دارد

۱— دیوان ج ۱۳۰٤ ص ۲۷۹ و ۲۹۵ و ۳۰۳

۲ — زادالمسافرین‌ص۴۰۲ .

۳— کتاب «راهنمای قطغن و بدخشان» کوتاه شده: سفرنامهٔ سپهسالار و وزیرجنگ افغانستان محمد نادرخان (چ—۱۳۰۳ش— کابل) .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

و ازشهر جرم بجنوب کشیده شده و (تکاب یمگان) تابع جرم است . و یکی از آبادیهای یمگان که درمیان این دره است «زیارت حضرت‌سید» نام‌دارد که گویا گور ناصر خسرو باشد و مردم پیرامون جرم شیعه اسماعیلی هستند.

دولتشاه نیز گور ناصر خسرو را در درهٔ یمگان نوشته و خود ناصر خسرو نیز گوید «پانزده سال برآمد که بیمگانم» (۱) گویا ناصر خسرو در دژ تسخیر ناپذیر یمگان نیرو و استقلالی یافته و پیروانی فراهم آورده و از اینروی در آثار البلاد او را پادشاه بلخ خوانده است . ولی او در دیوان خود ازپناه بردن باین کوه ناخشنود است و همواره آه و ناله میکند . و از دوری زن وفرزند و خویشان و خانه وشهر خود بسیار اندوه گین است.

مرگ ناصر :

دولتشاه سمرقندی درتذکره و چلبی در « کشف الظنون» مرگ اورا در (۴۳۱) وچلبی درتقویم‌التواریخ (۴۸۱) آورده وسازندهٔ کتابچهٔ «سر گذشت» آنرا روز جمعه ازماه ربیع‌اول که خورشید دربرج شیر وماه دربرج خرچنگ بوده است ، نگاشته وبگفته‌آقای تقی‌زاده این‌نشانی فقط باسال (۴۷۸) میسازد. و هدایت(۲) از گفته شاهد صادق (۴۷۱) آورده است .

دربارهٔ درازی‌عمر ناصرافسانه‌بسیار گفته‌شده . ودر«سر گذشت» عمراو را صد و چهل سال دانسته .

پایهٔ دانش‌وهنر او :

از آثار او چنین بر میآید که با کتابهای فلسفه ارسطو و افلاطون و فارابی و ابن‌سینا آشنا بوده است . و درجوانی مطالعه بسیار کرده.

در نقاشی نیز دست داشته ، و در عربستان محراب مسجدی را نقاشی نموده و اعاشه میکرده ودربیت‌المقدس از کرسی سلیمان عکس‌برداری کرده.

درملل و نحل وشناسائی آئینهای کهن مانند گبران ومانویان ومسیحیان وديگران دست داشته . و کتابهایشان میخوانده . ولی‌بازهم دانشهای غیراسلامی

۱ – دیوان چ ۱۳۰۴ – ۱۳۰۷ ش . ص ۲۰.

۲ – آقای تقی‌زاده درسرآغاز دیوان چ ۱۳۰۴ – ۱۳۰۷ ش ص ـ مد ، از خط هدایت نقل کرده‌است.

او سست بنیاد است ، و نادرستیها دارد .

زبان فارسی وتازی را (همزبان قرآن‌وهم زبان‌تودهٔ آنروز(۱) عرب) خوب‌میدانسته . وشاید اندکی هندی‌نیز دانسته باشد .

نگارشهای ناصر خسرو :

۱ – سفرنامهٔ سفر هفت ساله ، سه بار چاپ شده : پاریس (۱۸۸۱ م) ، و تهران (۱۳۱۴ ق) با دیوان ، و برلن (۱۳۴۰ ق) . گویا این نسخه های چاپی کوتاه شدهٔ سفرنامه باشد نه همهٔ آن .

۲ – دیوان(۲) دولتشاه شمارهٔ بیتهای آنرا (۳۰۰۰۰) دانسته ولی نسخهٔ آخرین چاپ (تهران-۱۳۰۷ش) (۱۱۰۴۷) بیت دارد . وچاپ تبریز(۷۴۲۵بیت) و چاپ سنگی تهران (۱۳۱۴ق) (۶۵۷۵ بیت) و چاپ سنگی هند (۴۴۰۰بیت) دارد . از سخنان او برمیاید که شعر تازی نیز میگفته ولی در این دیوان که در دست است چنین چیزی یافت نمیشود .

۳ – زادالمسافرین. که آنرا بسال(۴۵۳)نگاشته‌وبدست‌ادواردبراون(۳) و محمد بذل‌الرحمان هندی در برلن بسال (۱۳۴۰ق) چاپ شده است .

۴ – روشنائی‌نامه منظوم‌ببحرهزج (۵۹۲بیت) در پند و اندرز. که آنرا «اته»(۴) درلایپزیك بسال (۱۸۷۹م) درمجلهٔ انجمن خاوری آلمان چاپ کرده وپس از آن در برلن بسال (۱۳۴۰) دنبال سفرنامه و سپس در (۱۳۰۷ش) در تهران بادیوان‌اودر (ص۵۱۱ تا۵۴۲) چاپ شده.

۵ – سعادتنامه در(۱۸۸۰م)بدست‌فاگنان(۵) فرانسوی باترجمهٔ‌فرانسوی در (۲۸۰ بیت) و پس از آن بسال (۱۳۴۰ق) با سفر نامه در برلن در (۲۸۰ بیت) و سپس بسال (۱۳۰۴ – ۱۳۰۷ش) در تهران با دیوان از (ص۵۴۵) تا

۱ – سفرنامه، ص۱۳۱

۲ – در کتابچه‌دروغین‌سر گذشت گوید : ناصر درزمان‌خود دیوان خویش گردآورده وسفارش نمود تاپس‌از مرك آنرا بجهان شاه‌بن کیوان یمگانی بدهند .

۳ – E·G·Browne

۴ – Hermann ethe

۵ – Edman Fagnan

(ص۵۶۰) در (۳۰۰ بیت) چاپ شده.

۶ ـ وجه دین. در آن حدیثهای اسلامی را تأویل کرده، و بگفته خود راز درونی و خواست درست آنها را بیرون میآورد. این کتاب را برای تازه واردان باین آئین و در زمان تبعید خود نگاشته نسخهٔ آن ناپیدا بود تا آنکه (زاوبین) روسی نسخه‌ای کهن از آن یافت و این نسخه اکنون در لنین گراداست. واز روی عکس آن در برلن بسال (۱۳۰۱ش) چاپ شد.

۷ ـ خوان اخوان. که در مصر بسال (۱۳۵۹ق) بوسیلهٔ یحیی خشاب در (۲۶۵ص) و یك سر آغاز چاپ شده است.

۸ ـ بستان العقول درزادالمسافرین (ص۳۳۹) از آن یاد کرده و نسخه‌اش یافت نشده.

۹ ـ دلیل المتحیرین. در بیان الادیان (ص ۳۹) باو نسبت داده شده و نسخهٔ آن نیز نابود است.

۱۰ ـ کتاب رد برمحمد زکریارازی که درزادالمسافرین (ص۱۰۳) از آن یاد کرده و نسخه آن ناپیدااست.

۱۱ ـ جواب نودویك مسئله (پاسخ پرسشها) که بادیوان از (ص۵۶۳) تا (۵۸۳) درتهران بسال (۱۳۰۴-۱۳۰۷ش) چاپ شده است.

۱۲ ـ شش فصل یاروشنائی نامهٔ نثری. ایوانف آنرا بایك سر آغاز بزبان انگلیسی چاپ کرده است.

۱۳ ـ گشایش ورهایش. پاسخ به سی پرسش است. آقای سعید نفیسی آنرا در بمبئی در (۱۳۲۸ ش) در (۱۲۵ص) چاپ کرده است

وجز اینها نگارندهٔ کتابچهٔ «سر گذشت» که بخود ناصرخسرو نسبت داده شده، کتابهای زیررا بوی نسبت داده است: اکسیر اعظم، قانون اعظم، المستوفی، دستور اعظم، تفسیر قرآن، کتابچه در علم یونانی، کتابچه در سحر، کتاب کنز الحقایق.

کتابچه سر گذشت بگفتهٔ (اته) در سدهٔ دهم ساخته شده و بگفتهٔ تقی‌زاده(۱) از آن کهن‌تر است. نخستین کسی که از آن یاد کرده امین احمد

۱ ـ سرآغاز چاپ دیوان (ص ـ صب).

رازی درهفت اقلیم (ن ـ ۱۰۰۲) است. وسپس میرتقی کاشی وسپس آذربیگ دلی آنرا در آتشکده(۱) آورده است.

دیگر از کتابچه‌ها که باو نسبت داده‌اند «سرالاسرار» است که در (تسخیر کواکب) و بکار کشیدن ستارگان میباشد این کتابچهٔ ساختگی بادیوان ناصر درهند چاپ شده است.

عقاید ناصر خسرو:

برای پی بردن باندیشه وفکر ناصر خسرو باید بوضع اجتماعی محیط او آشنائی یافت. ناصر گلی است که برشاخ وبرگ و ریشه و تخهٔ جامعهٔ ایران درسدهٔ پنجم شکفته است. افکار وایده های ناصر نمایندهٔ خواستهای مردم آن دوره است، ولیکن این خواستها بزبان یك فرد عادی از طبقهٔ سوم که صاحبان اصلی آن خواستها بوده‌اند بیرون نیامده، بلکه این خواستها بزبان کسی بیان شده است که خودوی ازطبقهٔ اشراف آن دوره بوده و دراثر پیش آمدهای استثنائی و مطالعه بسیار با مردم رابطه گرفته و خواستهای ایشانرا با افکار خانوادگی خود آمیخته وبر زبان رانده است.

چگونگی جامعهٔ آنروز:

پیش از آمدن اسلام زندگی ملتهائی که در خاور نزدیك نشیمن داشتند بسیار بدبود. بیشتر مردم شهرها وهمهٔ مردم روستائی بردگانی بودند که برای اربابهای شهر نشین کار میکردند، و حق تغییر کار و جا بجا شدن نداشتند وبا زمینی که در آن میزیستند خرید وفروش میشدند. وبهمین سبب چون آواز روان بخش آزادی و برابری |انا کرمکم عندالله اتقیکم| را شنیدند ناگهان زنجیرها را ازدست وپای خود پاره کردند و درنتیجه کاخ پرآب ورنگ دولت ساسانی با اندك فشار درهم فروریخت مهاجمین عرب سپاهیان شکست خورده را اسیر وبرده میکردند، و باین ترتیب بردگان پیش که اکثریت مردم بودند آزاد شدند و آزادان پیشین برده تازیان گردیدند. مردم این سرزمینها تا نیمهٔ

۱ ـ آتشکدهٔ آذر ـ شعرای اصفهان ـ ص۱۸۷ ـ ۱۹۵.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

سده یکم از زیر فشار اربابان کهن آزاد بودند، ولی اندك اندك دستگاه دولتی عرب جای دستگاه گذشتهٔ پارسیان را بگرفت وستم وزور گوئی وفشار برطبقهٔ سوم بویژه برمردم جز عرب آغاز کرد. فئودالهای تازه بدوران رسیدهٔ عرب ملتهای این سرزمینها را در زیر فشار اقتصادی و سیاسی نهادند. سالیانه بیشتر از نیم دارائی مردم را بعنوان خراج و ملیونها پسران و دختران ایشان را بجای جزیه و مالیات برده ساختند. این فشارها روز بروز افزایش می یافت وازسدهٔ دوم آشوبها و قیامها و عصیانهای دسته جمعی آغاز شد، ولی سرنیزهٔ اربابان عرب و حمایت دولت از ایشان در هربار این قیامهای بی نقشه ورهبری نشده را خورد و خاموش میکرد.

واکنش این پیش آمدها در مردم روشن بین، آن بود که مقاومت خود را در زیر پرده انجام دهند. از آغاز سدهٔ سوم پنهان کاری ودسته بندی های نهانی فزونی یافت.

این گونه مقاومت پنهان کاری جنبه همگانی نداشت، وبیشترهسته های مرکزی آن از روشنفکران که با دانشهای پیش از اسلام آشنائی داشتندبدید میآمد و بنا بمقتضای زمان آنرا در پوششی از مذهب پنهان می کرده اند. ایشان برای تطبیق قانونهای مذهبی با دانشهای خود، بتفسیر وتأویل وبیرون آوردن «خواستهای نهانی که در گفته های پیغمبر نهفته است» پرداختند. ایشان میگفتند «آنچه در درون این قانونها نهفته است جز آنست که از برون آنها آشکار میگردد» و اندك اندك نام «باطنیان»(۱) برایشان نهاده شد، واین نام در برابر «ظاهریان» است که آنچه ازمتن حدیث ها آشکار است بکارمی بستند. با گذشت سدها سال پوسته مذهبی این افکار را فرامی گرفت، واین پوسته روز بروز کلفت تر میگردید تا آنجا که هسته علمی آنرا نابود میساخت.

۱— این نام ازنظر خود باطنیان بدان معنی است که «ماخواستهٔ باطن ونهان ونهفته درقانون را می شناسیم وآنرا بکاربندیم» وازنظر دشمنان ایشان بدین معنی است که «ایشان دردرون خود جز آنند که بظاهر نمایند، اگردرآشکارمؤمن نمایند درپنهان بیدین هستند».

یکی از این دسته ها اسماعیلیانند که در آغاز جنبشی برضد عرب درمصر وایران با دو روش پدید آمده و باگذشت زمان پوسته مذهبی آن زیادترشده و تاکنون نیز دسته این نام بخود گیرند، ولی در هر دورهٔ افکار و عقاید ویژه داشته اند. پس اگر می گوئیم ناصر خسرو اسماعیلی است خواست مایك اسماعیلی سدهٔ پنجم میباشد. و برای شناسائی عقاید او باید عقاید اسماعیلیان آن دوره را بدانیم.

اگرچه پوستهٔ مذهبی کلفت، عقاید اسماعیلیان سدهٔ پنجم را فرا گرفته است ولی چون پایه این آئین در سدهٔ دوم برعلم استوار شده و از میان مردم برخاسته، تاسدهٔ پنجم نیزسروران این قوم برخلاف روحانیان ظاهری مذهب(۱) از بررسی کتابهای گذشتگان و دانشهای کهن دریغ نمیداشتند. ناصر خسرو که درمیان ایشان مقام (حجت) را داشته یعنی چهار درجه از هفت درجهٔ عقاید ایشانرا دیده و از آن گذشته است، از نظر علمی مقامی ارجمند داشته، واضافه بردانشهای کلاسیك آن زمان بافلسفه ایران باستان و یونان وحرانیان وصابئیان آشنائی درست داشته. اگرچه نگاشته های ناصر وی را مردی پابند خرافات مذهبی اسماعیلیان می شناساند، ولی این کتابهای او برای مردم عادی وحداکثر برای اسماعیلیان درجه یکم یا دوم(۲) نوشته است.

نام و نشان اسماعیلیان درزمان ناصرخسرو آنچنانکه از نگارشهای وی نمایان است بدین سان بوده است:

نام: دشمنان، ایشانرا بنامهای ملاحده، قرمطیان، شیعه سبعی، باطنی، اسماعیلی، فاطمی می خوانده اند، ولی خود ایشان خود را ملاحده یا قرمطی نمیدانسته اند و ناصر بقرمطیان ناسزا گفته است(۳).

۱ — برای پی بردن بشدت مخالفت روحانیان ظاهری با دانشها گفتار ابن قتیبه در (ص۱۵—٤) این مجلد دیده شود.

۲— کتاب وجه دین را برای مستجیبان (آزمایشهای اسماعیلیان) وبویژه خویشان خودش نگاشته.

۳— سفرنامه ۱۲۳—۱۲۵.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بنیادگذار ــ نخستین کسی که جنبش ضدعربی ایران پوشش مذهبی پوشانید عبدالله پسرمیمون قداح بوده که خلیفه های فاطمی مصر(۱) نیزخودرا نواده های او دانند.

اوبرخی قواعد مذهبی بساخت وآنها را بهمحمدبن اسماعیل نسبتداد، و پس از وی سران قوم با کمك دستورهای فلسفه یونان وستاره شناسی حرانیان بنیاد این مذهب را استوار ساختند.

عقاید ایشاندر سدهٔپنجم(زمانناصرخسرو): ایشانخدارابالاتراز وصف میدانسته، و (عقل کل) و (نفس کل) را بترتیب زیردست او میدانسته میگفتند: از ترکیب این دو، جهان پدیدار گشته(۲) پس از این دو (برین گوهران) سه فرشته دانند بنامهای «جد» «فتح» و «خیال» و این سه و آن دورا بنام «پنج حدعلوی» خوانند.

مظهر عقل کل دراینجهان «ناطق» ومظهر نفس کل «اساس» نامدارد. شش پیغمبر اولوالعزمویك «قائم» هفت «ناطق»هستند، که پس از عقل کل ونفس کل درجه سوم را دارند. هفت جانشین این ناطقها «اساس» نام دارند که مظهر نفس کل باشند، و ایشان در درجه چهارماند. پس از اساس اما مانند و ایشان رانیز بااساسهفتتن شمرند. پسهرناطق هفتامام دارد ونخستین ایشاناساس نام دارد، و پس از ایشان حجت و داعی ومأذون مستجیب میآید. پس هفت درجه مذهبی ایشان در این جهان «مستجیب، مأذون، داعی، حجت، امام، اساس، ناطق» است. وپنج تن آخرین ایشانرا «پنج حدجسمانی» میخوانند.

دراسلامناطق = محمد. اساس: علی. امام: حسن، حسین، علی، محمد، جعفر، اسماعیل است. و محمدبن اسماعیل که قائم است خود ناطق میباشد. و اساس وامامان دارد که خلیفههای فاطمی باشند. هرامام دوازده حجت دارد. این حجتها

۱ــ پادشاهان مصراز(۲۹۷) تا(۵۶۷) که ازفرمان دولت عباسی بغداد سرپیچیدند.

۲ــ مانند زروان دورهٔ ساسانی که یزدان واهرمن را زیردستداشت، واز ترکیب ایشان جهانی پدیدمیآمد.

شبانان رمه شیعه اسماعیلی هستند. وزیردست هریك سی تن داعی کار میکرد، و مأذونان زیر نظر داعیان کارمیکردند، وتازه واردان باین آئین را مستجیب میخواندند.

همانطور که گفتیم این پایهها همواره یکسان نبوده، و گاهی میان حجت و امام مقامی بنام «باب»(۱) دیده میشود.

این اصطلاحها درهمهٔدستههای اسماعیلیان نیزیکسان نبودهاست، چنانکه «صباحیان» قزوین اصطلاحهای دیگری داشتهاند مانند: سوس، داعی کبیر، رفیق، لاحق، فدائی، ایشانمیدان کاریك حجت را بجای جزیرهٔبحرمیخواندند. و همچنین دروزیان(۲) اصطلاحهای: کلمه، سابق، تالی، متمم، ذومعه، جناح، مکاسر، را برای پایههای یاد شده بکار میبردهاند(۳).

چنانکه گفتیم آئیناسماعیلیان درسدهٔ سوم برپایهٔزندگی مردم وخواستها ونیازهای ایشان استوار گشته وپس از آن پیوسته مذهبی بخود گرفته است. در آغاز فقط با کسانیکه تازه کار بودند مدارا کرده وکارهای مذهبی را برای ایشان انجام میدادند وچون از بوتهٔ آزمایش بیرون میآمد اخبار را تفسیر کرده و اورا از انجام کارهای مذهبی آزاد میکردند. ولیدرسده های بعد که پوسته مذهبی این جنبش ضخیمتر گردید تاپایه چهارم و بلکه پنجم نیزعقاید دینی استوار بوده وکارهای مذهبی انجام میشده است. از اینجاست که در سدهٔ پنجم ناصر خسرو را که مقام حجتی وپایه چهارمرا داشته مردی مذهبی مییابیم که واجبات راانجام، ومحرمات را ترك میکرده است.

درسدهٔپنجم اسماعیلیان برای حروف جمل(ابجد) نیروی ویژه میپنداشتهاند،

۱ــ پایههای چهارگانه دوازده امامیان درپایان سدهٔ سوم و آغاز چهارم، وهمچنین «باب» پایان درسدهٔ سیزدهم با این باب مقایسه شود.

۲ــ مردمی که در سوریه نشیمن دارند و کوهی در آنجا بنام ایشان جبل دروز خوانده میشود.

۳ــ در کتابهای حمزه پسرعلی پسراحمد بنیاد گذار آئیندروزی این اصطلاحها بکار رفته است (تقیزاده - سرآغاز دیوان چاپ ۱۳۰۷ش).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

و دراستدلالهای خودآنها را مانند اصول مسلمه بکار می‌بسته‌اند، وهمین مسئله بعدها در پیدایش آئین حروفیان یاری کرده است و ما اندکی از آنرا در این فهرست یاد کردیم(۱) .

برخی ناصر خسرو را صوفی دانسته اند(۲) و برخی او را پیرو دسته اخوان‌الصفا دانسته‌اند(۳) و این از همبستگی است که دربنیاد این آئینها بوده است . همهٔ این آئینها برضد قوانین خشك عربی قیام کرده وپوششهای مذهبی گوناگون برتن کرده‌اند .

اینان دانش را آخرین هدف بشریت میدانسته بهشت ودوزخ را بنفس انسان کامل و انسان جاهل تفسیر میکرده رستاخیز را یك جهان روحانی میدانسته‌اند(٤) .

[۱۸]

نسخه بخط نستعلیق زیبا ، نویسنده حافظ ابن عبدالکریم کرمانی . تاریخ نوشتن
۱٦٦٥ (۱۷ـ ع ۱ـ ۱۲۷۱) یکی از ادیبان بنام علی نائینی درتاریخ (۳ـ شوال ـ ۱۳۰۲) آنرا باچند نسخه برابری وتصحیح نموده، واین را دربرگ (٤٥۲ الف) یادداشت کرده است .

تصحیحها ویادداشتهای او نیز در کناره صفحه‌ها دیده میشود . ودر برخی جاها نسبت چکامه‌یرا بناصر تکذیب وآنرا بشاعر دیگر نسبت داده است . نسخه برای سردار حسنخان حاکم یزد و کرمان نوشته شده، ونویسنده در پایان نسخه چکامهٔ بقافیهٔ ها در ستایش ناصرالدین شاه، وهفت بیت مثنوی درستایش حسنخان یادشده، در (٤٥۰تا٤٥۲) نوشته است . ودررویه (٤٥۱) میگوید [المحرره داعی الدولة فائز] وشاید فائز دشتستانی (۱۲۵۰ـ ۱۳۳۰) باشد. واژه‌های دشوار را در کناره رویه‌ها گزارش نموده . همه‌رویه‌ها دارای دوجدول نخست بازردوم با زر ولاژورد . عنوانها را میان دوجدول زرین نهاده وباشنگرف نوشته ولی ازرویه (۱۲٤) پس جای عنوانها سفید مانده است . در آغاز نسخه رساله سرگذشت منسوب به ناصرخسرو در (۲۰ رویه) نوشته شده . دارای دوسر لوح است از زرولاژورد، وشنگرف نخست درآغاز سرگذشت. دوم در آغاز دیوان در

---

۱ ــ همین فهرست ج ۱ ص ۸۰ ــ ۸٤
۲ ــ دولتشاه سمرقندی طبقهٔ نخست .
۳ ــ اته در رساله « شرح احوال ناصرخسرو » بنقل تقی‌زاده در سرآغاز چاپ دیوان ۱۳۰٤ــ۱۳۰۷ ص ــ مط
٤ ــ دیوان (چ ۱۳۰۳ ش) ص ۷ ـ ۵۰

برك(۱۱) . برپشت برگ یکم خط تیمورتاش که نسخه پیش از این از آن او بوده، دیده میشود ، میان سطرهای رویه نخست کتابچه سرگذشت و رویه نخست دیوان زرافشانی شده است .

(٤۵۵رویه + ۲۰رویه) کاغذ فرنگی آهار مهره سفید. جلد روغنی زمینه بیرون سبز درون سرخ ته‌لبه‌ایج سیاه حاشیه گلی.
اندازه : ۱٤ × ۱۲ و ۷٫۵ × ۱۰٫۵ ، ۱۷ سطر .

[۱۹] دیوان نظیری (فارسی)

محمد حسین نظیری نیشابوری یکی از شاعران فارسی زبان ایرانی هندوستان درسدهٔ یازدهم میباشد. نیاکان او از جوین بوده ولی وی در نیشابور بزرگ شده است و از آنجا بهندرفته وبادرویشان انس گرفته . (۱) گویند وی نخستین شاعر ایرانی است که بهندوستان رفته وستایش امیران آن سامان کرده . بویژه مدتی خان خانان عبدالرحیم سپهسالار (۲) را ستوده است . پس سفری بحجاز ومکه برای حج رفته و این سفرپیش از (۱۰۰۲) بوده است(۳) و دراین تاریخ شعراو زبان‌زد مردم بوده و پس از بازگشت چون سن پیری رسیده بود باحمد آباد گجرات گوشه نشینی گزیده ، وپرهیزکاری پیشه کرده و بستایش امامان وپیغمبر بسنده نموده است. اشعار او در این دوره با تصوف هندی آمیخته است .

وی علم حدیث را از ملاحسین جوهری آموخته ومدتی باخواجه حسین ثنائی دوستی داشته و چکامه در سوگواری وی سروده ، و بسال (۱۰۲۳) در گذشته است .

دیوان نظیری را خود اومرتب کرده، ودارای چکامه وغزل وترجیع بند وترکیب بند ودوازده بند درستایش امامان دوازده گانه ودوبیتها ؛ همگی نزدیك ده هزار بیت میباشد. پنج هزار بیت ازغزلهای وی بترتیب حروف الفباء درلاهور بسال (۱۹۲۸م) چاپ شده ، وترجمهٔ اردوی آن نیز بچاپ رسیده .

---

۱ ــ ریاض العارفین چ ۱۳۰۵ ص ۲۳٦ و آتشکده ۱٤۱۰
۲ ــ درسدهٔ یازدهم ازامیران هند بوده .
۳ ــ هفت اقلیم .

آغاز چکامه ها در نسخه ما برگ (۱-ب) و نسخهٔ سپهسالار چنین است:

ای جلالت خلوت از اغیار تنها ساخته
حکمت تو از کرم دی کار فردا ساخته

آغاز غزلها در نسخه سپهسالار:

اذا ماشئت ان تحیی حیاة حلوة المحیا
برسوائی برآور سر ز مستوری برون نه پا

در نسخه ما برگ (۱۷ب):

ای از کرم لریخته خون سبیل را
و ز لطف عید کرده عزای خلیل را

دو نسخه از این دیوان در کتابخانه سپهسالار بشماره (۳۸٤) و (۳۸۳) و سه نسخه در کتابخانهٔ ملك بشمارهٔ (۵۷و۱٤۵و۲۲٦) هست. نسخه ما نزدیك (۵۵۰۰ بیت شعر دارد که در سه بخش جدا نوشته شده بخش نخست برگزیده چکامه‌های اواست و از برگ یکم تا (۱۷) را گرفته. بخش دوم غزل تا برگ (۲۰۰). بخش سوم دوبیتیها تا پایان نسخه برگ (۲۱٤) را فرا گرفته است.

[۱۹]

۱۰۸ نسخه بخط نستعلیق، نام نویسنده محمد قاسم کرمانی، تاریخ نوشتن (۱-ج ۱-۱۰۵٦) عنوان چکامه‌ها و همچنین بیت تخلص غزلها را میان دو جدول نهاده. همه رویه ها دارای جدول لاژورد و شنگرف و زر میباشد. برپشت برگ نخست خط و امضای لطفعلی بن محمد قاسم با خط زیبای شکسته. چکامه‌ها در برگ (۱۸) پایان یافته و غزلها آغاز گشته و در برگ (۲۰۰) غزلها پایان و باقی نسخه را دوبیتیها گرفته است.

(۲۱٤ برگ) کاغذ گوناگون، جلد تیماج سرخ ضربی، درون ابری آبی رنگ چهارخانه
اندازه، ۱۵×۲۵ و ۷٫۸×۱۵ ؛ ۱۵ سطر.

[۲۰] دیوان نور علی شاه (فارسی)

محمد علی پسر میرزا عبدالحسین پسر محمد علی رقی طبسی. خودش نورعلی تخلص میکرد، و بنام نورعلیشاه شهرت گرفت. و پدرش فیض‌علی تخلص

می‌نمود. خاندان ایشان از رقه طبس بودند. نیایش محمدعلی امام جمعه فردوس(۱) بوده، پدرش فیض علی باصفهان آمده، و نور علی‌شاه در این شهر بزاده(۲). ولی بگفته هدایت پدر و پسر باهم باصفهان آمده‌اند(۳) بهر حال پدر و پسر هردو بشیراز رفته و مرید معصوم علیشاه(٤) که تازه ازهند آمده بود، شدند. و با او باراك آمده و پس از کشتن معصوم علیشاه، نورعلیشاه بعراق عرب رفت، و بآب‌فروشی در صحن امامان زندگی میگذرانید.

فقیهان نجف و کربلا نیز او را بعنوان صوفیگری از آن شهرها راندند. پس ببغداد نزد احمد پاشا والی عراق آمد. والی عراق نور علیشاه را گرامی داشت. نورعلیشاه در بغداد بسرودن جلدهای یکم و دوم «جنات وصال» پرداخت، و سپس بموصل شد. و در آنشهر بسال (۱۲۱۲) برابر لفظ «غریب» بمرد، و در بالای تپهٔ که گویند گور یونس پیغمبر(۵) در آنجا است و در خاور دجله و بر شهر موصل مسلط است بخاکش سپردند.

شاگردان و جانشینان نورعلیشاه:

۱- میرزا محمدحسین رونق کرمانی مشهور برونق علیشاه (م-۱۲۲۵). در کرمان ارشاد میکرد، و پس از مرگش احمد پسر عبدالواحد مشهور بنظام علیشاه (م-۱۲٤۰) که شاگرد مجذوب نیز بوده است، و میرزا محمد تقی کرمانی جانشین او شدند. او راست: یك دیوان شعر و «مرآت المحققین» و مثنوی «غرایب»(٦)

۱- شهری که پیش از این تون نام داشته.

۲- طرائق الحقایق.

۳- ریاض العارفین (چ ۱۳۰۵ ق) ص ۳۲۹

٤- معصوم علی شاه هندی از طرف شاه علیرضای دکنی که خود را از جانشیان شاه نعمة‌الله ولی کرمانی (م-۸۳٤) می‌شمرد، در آغاز کار زندیه بشیراز آمد، فقیهان شیراز مردم را براو برانگیختند و کریمخان ناگزیر او را از شیراز بیرون کرده معصوم علی شاه باعدهٔ از مریدان باراك (عراق عجم) شد، آخوندان این شهر نیز او را تکفیر و مردم او را داشتند تا وی را کشته لاشه‌اش را برود قراسو افکنند.

۵- در کوفه نیز مسجدی در کنار نهر فرات هست که در آن قبری بنام قبر یونس پیغمبر دیده میشود.

٦- ریاض العارفین (چ ۱۳۰۵) ص ۲٦۰

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

۲ـ حاج محمدحسین پسر زین‌الدین اصفهانی . دراصفهان‌ارشاد میکرد. و پس از مرگش مجذوب همدانی مشهور بمجذوب علیشاه و کبوتر آهنگی (م-۱۲۳۹) جانشین وی گردید (۱).

۳ ـ سید ابراهیم تونی مشهور بمظهر علیشاه که گویند در پایان عمر ناپدید گردیده است .

٤ـ ملاعبدالصمد همدانی . (۲)

گزارش زندگی نورعلیشاه را در «بستان‌السیاحة» و«تذکرهٔ‌دلگشا» و «طرائق‌الحقایق ج۳» و «ریاض‌العارفین» و «فهرست کتابخانه سپهسالار ج۲» و«ذریعه ج ۲: ۱۹۵و ج ١٦٩:٤ و۳۳۷ و ج ٥ : ۳۹ و۱۵۲ و ج۷ : ۲۰۱» بایدید.

آثار نورعلیشاه :

۱ـ جامع‌الاسرار: (ذریعه ٥ : ۳۹).

۲ـاصول‌وفروع: همان(اصول‌الدین)است که‌چاپ‌شده.(ذریعه۲: ۱۹۵).

۳ـ کنزالاسرار. دردفتر«عوارف‌المعارف» درشیرازبسال (۱۳۱۷ش) چاپ‌شده‌است.

٤ـ تفسیر سورهٔ بقره بنظم (ذریعه : ٤ : ۳۳۷) وریاض‌العارفین.

٥ـ روضة‌الشهداء (مراثی منظوم) . ریاض‌العارفین .

٦ـ شرح خطبه‌البیان بنظم (ذریعه ۷ : ۲۰۱) وریاض‌العارفین .

۷ـ منطق بنظم‌فارسی که درتهران‌بسال (۱۲۷۰ق) چاپ شده ودنبال آن «صغری» درمنطق وافاداتی از آقاعلی حکیم است .

۸ـ پند وموعظه . نسخهٔ آن بادیوان او در کتابخانه مجلس‌هست .

۹ـ مشکاة النجاة دررسالهٔ اصول‌الدین شمارهٔ (۲) از آن یاد کرده .

۱۰ـ جنات وصال بنام‌ترین یادگارهای نورعلیشاه‌این کتاب‌است. وی

---

۱ ـ ریاض‌العارفین (چ۱۳۰٥) ص ۳۰۳ . دیوان مجذوب علی‌شاه نیزدراین فهرست ص۶۸-۷۰ یادشده است

۲ ـ ریاض‌العارفین (چ۱۳۰٥) ص ۳۳۰ دیده شود .

میخواست این کتاب‌را درهشت دفتر پایان دهد و«هشت بهشت»ـ بشمار درهای بهشت موعودـ بسازد. ولی نتوانست سومین‌را بپایان رساند پس‌شاگرد وی‌رونق علیشاه (م-۱۲۲٥)آنرا پایان داد ، ودفتر چهارم وپنجم رابدان افزود . وچون پنجم‌بپایان نرسیده بودنظام‌علیشاه (م-۱۲٤۰) که شاگردرونق علیشاه ومجذوب علیشاه بود بهشت ششم و هفتم را بآن افزود .

۱۱ ـ دیوان‌غزلیات وقصیده وترجیعهای‌او، که نسخهٔ‌آن دراین کتابخانه وجای گفتگوی ماست ومکرر بچاپ رسیده است . غزلهای نسخهٔ ما (۱۸٥۰ بیت) است .

[۲۰]

این‌نسخه با منتخبات دیوان مجذوب در یك دفتر است . و از برگ یکم

۱۹٥ تا(۱۰۰)آنرا گرفته . ازآغازجلد تابرگ (۹٥ـالف) غزلیات وپس‌نه رباعی وپس ازآن ترجیع بند است. ودربرگهای (۹۸و۹۹) چند غزل از مغربی‌وعطارورونق (رونق علیشاه م ۱۲۲٥) نوشته. وازبرگ (۱۰۰) منتخبات‌دیوان مجذوب را آغاز نموده است . عنوانهـا که اندك است باشنگرف میباشد. نام‌نویسنده ندارد . تاریخ نوشتن پنجم ذیحجه (۱۲۳۳) است که در برك (۹٥ب) دیده میشود . از آغاز نسخه تابرك(۲۷) در کنار رویه‌ها بیرون جدول مثنوی منطق‌الطیر عطار (هفت وادی عشق) بخط همان نویسندهٔ متن نوشته شدهٔ . وآغاز آن مانند آغـاز خود کتاب افتاده آغاز موجود :

خونم از تشویر تو آمد بجوش   تاجوان مردی‌بسی کردم بهوش

آغاز نسخه افتاده و از غزلی آغاز میشود که شعر تخلص آن اینست:

چون نور علی ما را گردیده بدل روشن

با پرتو آن بستم چشم از همه روشنیها

این نسخه نزدیك (۱۸٥۰ بیت) غزل دارد.

همهٔ‌مجموعه (۱۱۳برك) این‌دیوان (۱۰۰برك) کاغذ ترمهٔ سفید خوب. جلد تیماج سیر یك‌لا. اندازه ٥ر۸× ٥ر۱٤ و ٥×۱۰ ، ۱۱سطر.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۲۱] دیوان ابن‌فارض (عربی)

عمرو پسرابوالحسن‌علی‌پسرمرشد پسرعلی. کنیتش ابوحفص و ابوالقاسم ولقبش شرف و بابن فارض نامبردار میباشد. نیاکان وی در شهر حماه بشام بوده‌اند وپدرش قاضی قاهره(۱) بوده است . وی درقاهره در (٤ــ ذی‌قعده ــ ٥٧٦)بزاده، ودرخانهٔ پدربزرگ شده، ودرجوانی‌فقه‌شافعی بیاموخت، وحدیث از ابن‌عساکر و جز او دریافت . سپس بپرهیزکاری و گوشه نشینی گرائید . گاهی‌بکوه ودره‌میرفت وگاه‌درمسجدهای خرابه وخرابات قرافه(۲) معتکف میشد، وگاه بنزد پدر باز می‌گشت . او در این هنگام جوانی خوش [روی ونیکوسیرت‌وزیبا اندام وشیرین گفتار وحاضرجواب بود .

ذوق شعری‌نیکو میداشت ، پس بدستگاه صوفیان گرویده توان شعرسرائی خودرا دراین‌راه بکارانداخت. باریك بینیهای عارفان‌را باهنرهای‌لفظی شاعران‌درآمیخت. شعروی‌هم ازسخن سنجان دل‌می‌برد وهم‌صوفیان رامجذوب می‌سازد. مدتی‌درمکه‌تنهائی گزید وسپس بمیهن باز گشت ودرقاهره‌در گذشت. دربارهٔعقیدهٔ اومردم بدوراه رفته‌اند؛ دستهٔ روحانیان مذهبی خشك اوراتکفیر ودیوانش پلید شمرند ، و دستهٔ صوفیان واهل عرفان وی را یکی از اولیاءالله وصاحب کرامت‌دانند. چلبی در کشف‌الظنون‌دراین‌باره‌خموشی را گزیده‌است.

ابن خلکان (ز ــ ٦٠٨) (م ــ ٦٨١) پس‌از گزارش کوتاهی که‌یاران ابن‌فارض شنیده ، میگوید : (۳)

دوبیتیها وموالیها و لغزها ساخته ودیوان وی معروف و لطیف است . یك موالی بزبان عامیانه مصر(٤) برای یك جوان‌قصاب که موردعلاقهٔ وی‌بوده است ، سروده واین‌شعر در دیوانش یافت نشود .

زایچهٔ وی (٤ــذی‌قعدهٔ ــ ٥٧٦) بقاهره ومرگ او درسه‌شنبه (۲ ج ۱ــ ٦٣٢) وفردای آنروز دردامنهٔ کوه مقطم بخاك سپرده شد .

۱ ــ والقب فارض یعنی قباله نویس ونکاحنامه نگار میباشد .
۲ ــ خرابات بنام درمصر .
۳ ــ وفیات‌الاعیان‌ج۱۹٤۸ م ج ۳ ص ۱۲٦ .
٤ ــ یعنی خودرا پایبند اعراب ودستورزبان ندانسته . [ابن خلکان]

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

شیخ‌بهائی (م‌ــ۱۰۳۱) در کشکول از وی بسیار یاد کرده و درجلد سوم چکامهٔ بائی کوچك او را که چهل و پنج بیت است و چکامهٔ فائی او را که درچهل‌ونه بیت‌است یاد کرده . و قاضی نورالله (م‌ــ۱۰۱۹) در مجالس المؤمنین او را شیعه دانسته واین چکامهٔ بائی رابوی نسبت داده است :

بآل محمد عرف الصواب   وفی ابیاتهم نزل الکتاب

ولی‌این‌بیت‌از چکامه‌را یاقوت(۱) بعلی پسر عبدالله ناشی نسبت داده و از گفته وی‌آرد : آنرابسال (۳۲٥) درمسجد جامع کوفه سرودم‌ومتنبی که درآن مجلس بود بشنید وماتند آن بساخت .

آری‌نسبت دادن چکامه وماتند آن بیکی‌ازمردان نامبردار، برای‌وانمود کردن‌اینکه؛ اودارای چنین وچنان عقیدت‌بوده است ، درتاریخ‌بسیاردیده‌شده، وچه بسا چکامه‌ها که بعدها بدیوان ابن فارض داخل کرده باشند .

گرد آورنده این دیوان که نوادهٔ ابن‌فارض، یعنی پسر دختر اوست در دیباچه‌ای که خودبرآن نگاشته دربارهٔ یك‌چکامه گوید : صدسال پس‌ازسراینده (ابن فارض) ناپدید بوده، پسرابن فارض شصت سال و من چهل سال دنبال آن گشتیم،تامن آنرانزد یکی ازدوستانم درمصر یافتم . ونیز گوید : که دراین‌مدت صدسال‌تصحیفها وتغییرهادردیوان‌پدیدآمده‌بود، ومن‌آنهارابااصل باز گردانیده تصحیح کردم .

نام گردآورنده دیوان علی‌است ، وآنرا ازپسر ابن‌فارض‌جمال (کمال) الدین محمد (۲) که دائی گردآورنده است روایت نموده گوید :

چون دیدم درنسخه های دیوان تصحیف وتغییرها رخ داده این نسخه را که اززبان فرزندش جمال الدین محمد شنیده‌ام گرد آوردم . و اوبجزآخرین چکامه(۳) همه‌را ازپدر شنیده بود ، جمال‌الدین شصت سال ومن چهل سال‌دنبال

۱ ــ معجم‌الادباء ج۱۹۲۸ م.ج ٥ ص ۲۳۹
۲ ــ دربرك (۱ ــ ب)نسخهٔ این کتابخانه جمال‌الدین ودربرك(٦ ــ الف) کمال‌الدین آمده است .
۳ ــ چکامه که دربرك (٦٤ب) نسخه ماهست وآغاز آن چنین است :
ابرقاً بدا من جانب الغور لامع   ام ارتفعت من وجه سلمی البراقع
که آنرا درحال تجرید در کشور حجاز سروده است .

این چکامه می‌گشتیم، تا آنکه من آنرا یافتم. سپس گزارش آمیخته با افسانه و کرامات‌اززندگانی ابن فارض آورده‌است. سپس‌از گفته پسرابن فارض آورد : چون بسال (٦٢٨) من وبرادرم بهمراه پدر بمکه شدیم شهاب‌الدین سهروردی ودستهٔ ازپیران عراق بحج آمدند، و باپدرم روبرو شدند، و من‌وبرادرم بدست شهاب سهروردی خرقه پوشیدیم. و مرگ او را (۱) در جامع ازهر درقاهره درتالارسخنرانی (قاعهٔ‌خطابه) در(۲ج۱-۶۳۲) وزایچه اورا (۱) (٤ - ذی‌قعده -٥٧٧)آورده‌است. ودرپایان گوید: این گزارش را «عنوان‌الدیوان» نامیدیم(۲)

گزارش از زندگی علی گرد آورندهٔ دیوان که نواده ابن‌فارض است جز آنچه ازدیباچهٔ این دیوان برمی‌آید بدست نیامد.

گزارشهائی که برای این دیوان نگاشته شده است :

۱- شرح‌دیوان ابن‌فارض . از بدرالدین‌بورینی ابوالضیاء حسن‌بن‌محمد دمشقی صفوری (ز-٩٦٣-م١٠٢٤) .

۲ - شرح دیوان ابن‌فارض . از عبدالغنی نابلسی . این دوشرح را کنت رشید دحداح‌دریك کتاب دوجلدی گردآورده، وبسال (١٨٥١م) درشهرمارسیل چاپ کرده ، ونام‌خود را برپشت‌جلد رشید بن‌غالب مجنی نوشته است. وسپس ازروی این نسخه درچاپخانهٔ خیریه مصر بسال (١٣١٠ ه ق)چاپ شده .

شرح دیوان‌ابن‌فارض بسال (١٢٨٩ه ق) دربولاق وبسال(١٣٢٩ه ق) در ازهریه نیز چاپ شده‌است (معجم‌المطبوعات - دیده شود).

۳- گزارشی بنام سائق‌الاظعان . از جلال‌الدین سیوطی (م-٩١١) . بورینی درشرح خوداز آن نقل کرده است.

شرحهای تائیه:

دوچکامه از ابن‌فارض بقافیهٔ تاهست یکی کوچك بنام «تائیهٔ صغری»

۱— گرد آورندهٔ دیوان ، تاریخ مرك ابن فارض را از گفتهٔ پسرش شهاب‌الدین احمد ، وزایچهٔ وی‌رااز گفتهٔ همان شهاب برای زکی‌الدین عبدالعظیم محدث ، وهم از گفتهٔ همو برای ابن خلکان ، شنیده ودراینجا آورده است ، درنسخهٔ های چاپی و فیات‌الاعیان ابن‌خلکان زایچهٔ ابن فارض رااز گفتهٔ یکی از یاران آورده، وگویا همین محدث راخواستهٔ باشد.

۲— این گزارش ازدیك یك چهار نسخه دیوان را گرفته است .

که دردیوان اوست ودیگر بزرگ که جداگانه شرحها دارد. تائیهٔ بزرگ ابن‌فارض که‌آنرا «لوایح الجنان وروائح‌الجنات» و نیزوتظم‌السلوك» نامیده‌اند بیشترازدیگر چکامه‌هابررسی‌و گزاره شده‌است. ابن‌فارض‌در این‌چکامه هنرهای لفظی بسیارمانند : تجنیس ، ترصیع ، اشتقاق ، بکاربرده است . چلبی بهریك‌از کسان زیر گزاره‌ای برای این چکامه نسبت داده‌است :

۱- محمدبن احمد فرغانی (م-۷۰۰) شاگرد صدرالدین قونوی . یکبار بفارسی‌ودیگربار بتازی گزاره نموده . (۱)

۲ - تلمسانی‌عفیف‌الدین‌سلیمان‌پسر‌علی (م-۶۹۰)شاگرد دیگرصدرقونوی.

۳- کمال‌الدین عبدالرزاق‌کاشی پسرجمال‌الدین‌احمد (م-۷۳۰).

٤- عزالدین‌محمودپسرعلی(۲)نطنزی کاشانی(م-۷۳۵) بنام«کشف‌وجوه‌الغر».

٥- قاضی سراج هندی (م-۷۷۳).

٦- شرف‌الدین داود پسرمحمودقیصری

۷ - شیخ علاءالدین عطیه (علوان هیتی) (م-۹۲۲) «المددالفائض» .

۸ - شیخ زین‌العابدین پسرعبدالرؤف مناوی (م-۱۰۲۲) .

۹ - صدرالدین علی اصفهانی (م-۸۳۶) .

۱۰ - شیخ‌اسماعیل انقروی مولوی (م-۱۰٤۲). بترکی (ن-۱۰۲٥).

۱۱ - ملامعروف قاضی‌مصر. بترکی .

۱۲ - شیخ رکن‌الدین شیرازی .

۱۳ - شرح‌برتائیه کوچك (تائیهٔ‌صغری) ازبورینی صاحب شرح دیوان .

۱٤ - شرح جامی بفارسی نسخه آن در این کتابخانه هست .

ردهابرابن‌فارض :

اشعار عارفانه ابن‌فارض باخشکی روحانیان سنی سازگار نبوده بویژه تعبیرهای عرفانی ازخدا و فرشتگان و عقیده بوحدت وجود ، و اشارت نمودن بخداوند باضمیرمؤنث ، وجز آنها سبب گردید که برشعر وی ردها پر از دشنام

۱— دیباچهٔ این دیوان برك (٦ب) وکشف‌الظنون دیده شود .

۲— نسخهٔ ازآن‌بشمارهٔ (۲۷۱) در این کتابخانه هست، ودر (۱۳۱۹ق) بنام عبدالرزاق کاشی چاپ‌شده .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نویسنده. چلبی در کشف الظنون کسان زیر ادر شمار ردنویسان بر ابن فارض نامبرده است:

(۵) برگ (۹ـــالف) دیوان ابن فارض ، نسخهٔ ۲۳۸ این کتابخانه

۱ ـ ابراهیم بقاعی برهان‌الدین (م-۸۸۵).

۲ ـ نجم‌الدین احمدبن حمدان حرانی شرح برتائیه نگاشته.

۳ ـ قاضی شمس‌الدین محمد بساطی شرح برتائیه نگاشته.

[۲۱]

۲۳۸ بخط نسخ نزدیک بثلث. نام‌نویسنده ندارد. تاریخ نوشتن (۷۷۵). چندین بار بدست دانشمندان تصحیح وبررسی شده وهریک گواهی خودرابرروبه (۶۹ــالف) نوشته‌اند وگراور این‌رویه دراینجــا دیده میشود. در پایین رویه خط محمدبن صالح بن عطاءالله درپایان ذی‌قعده (۹۰٤) ودرمیان رویه سمت چپ خط محمدبن بدرالدین سجستانی در (۹٦۲) دیده میشود. و درسمت چپ بالای صفحه خط ابوالحسن بن‌محمد باقر در (۱۱۰۵) دیده میشود. عنوانها با شنگرف و لاژورد ودرنیهٔ بحث‌عنوانها‌بازر نوشته‌شده. در کنارهٔ همهٔ رویه‌هاحاشیه‌های‌سودمندازخود گرد آورنده (علی نواده ابن‌فارض) دیده میشود که‌امضای (منه) دارد. برخی‌ازبرگهادراثر دستمالی سایده‌شده. پیش‌ازنسخه دوبرگ‌سفید درصحافی نهاده‌اندودرپشت‌نخستین‌آنها فرهاد میرزانامك خود را در (۱۷ـمحرم‌ـ۱۲۷٤ق = ۲سپتمبر۱۸۵۷م) نوشته است.

(۶۹ برگ) کاغذ حطائی، جلد مقوی ابری تیماج زرد.

اندازه: ۱۷×۲۵ و ۱۲×۱۹ ، ۱۹ سطر.

[۲۲] ریاض الانشاء (فارسی)

درهنر انشاء و نامه نگاری فنی ، مجموعهٔ ایست از نامه‌های گوناگون خواجه‌نجم‌الدین محمود پسرشیخ محمد گیلانی که بخواجهٔ جهان نامبردارست. وی آنها را برای‌دوستان‌خود، ویااز گفتهٔ‌شاهی بشاه یاوزیردیگر، نگاشته‌است. گزارش کوتاه زندگی نگارنده را درهفت اقلیم درقسمت گیلان آورده گوید: درجوانی بجهان گردی پرداخته،تاآنکه نزد سلطان محمدلشکری پادشاه دکن رسید، ودرآنجا اقامت گزیدودراندك زمان اعتبار یافت، ولقب «خواجهٔ جهان» گرفت ، ودرپایان کار حسودان بایك‌نامه ساختگی او را ازدیده پادشاه انداخته بکشتن دادند. چلبی گوید: خواجه ازمشاهیر دنیا و دارای مال بسیار بوده بخششهای وی از هند بدانشمندان روم وایران میرسیده و درآنجا مقام وزارت داشته است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

درطبقات اکبری گوید: خواجهٔ جهان درروزگاربزرگواری خود با دانشمندان وادیبان عراق وخراسان دادوستد نامه وهدیه میداشته، وازجمله میان وی وجامی چندنامه دادوستد شده است.

خواجه دردیباچهٔ ریاض الانشاء خود گوید: نامه‌هائیرا که برای دوستان نگاشته‌ام دراین کتابچه گرد آوردم.

از آثار دیگر وی کتابی بنام «مناظر الانشاء» بجا مانده است که در دیباچهٔ «ریاض الانشاء» نگاشتن آنرا نوید داده، ودرزمان امین احمدرازی این کتاب نزد ادیبان نامبردار بوده، و در هفت اقلیم از آن یاد کرده، و چلبی در کشف الظنون درعنوان «مناظر الانشاء» فهرست آنرا داده است. نسخهٔ مناظر الانشاء در کتابخانهٔ(۱) سپهسالار هست، و آقای ابن یوسف گزارش زندگی نگارنده‌اش را در (ج۲ص۹۹-۱۰۲) فهرست آن کتابخانه آورده، مرگ اورا بسال (۹٦۲) ازیادداشتهای آقای تربیت نقل نموده است.

نگارندهٔ کتاب مناظر الانشاء راپس ازمرگ جامی بسال (۸۹۸) و کتاب ریاض الانشاء راپیش ازاین تاریخ نگاشته ونامه‌هائی که برای جامی نوشته در این کتاب دیده میشود، و کسی که با جامی نامه نگاری داشته عادتاً نمی‌تواند تا (۹٦۲) زنده بماند.

برای روشن شدن دورهٔ زندگی این مرد فهرستی از نامه هائی که در کتاب ریاض الانشاء گنجانیده در اینجا میاوریم:

۱ـ نورالملة والدین خواجه‌عبیدالله مدالله‌ظلاله ـ ازوی برکت خواسته.

۲ ـ صدرالدین رواسی قدس‌سره.

۳ ـ عبدالرحمان جامی دام‌بقاء. (۲)

۱ــ فهرست این کتاب چنین است:

دیباچه درشناسائی این دانش وسودآن درهشت بخش. گفتارنخست درتقسیم کلام بروش‌دبیران. درچهارمنظر. گفتاردوم‌درشرائط نگارش میان‌مردم. پایان‌نامه دردستورهای املائی ونویسندگی آغاز: یا مبدع‌الانشاء بسط نورالوجود.... امابعد چنین گوید فقیرمحمود بن‌شیخ‌محمد گیلانی که برخاطرپاك وضمیردراك صدرنشینان‌محافل ادراك ظاهروهویدااست...

۲ــ (م ــ ۸۹۸)

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

٤ـ سلطان ابوسعیدگورکان اسکنه‌الله فسیح‌الجنان. (۱)

٥ـ سلطان محمد پسرمراد عثمانی خلدالله ملکه. (۲)

٦ـ علاءالسلطنه گیلانی خلدالله ایام سلطنته.

۷ـ علاءالسلطنه گیلانی خلدالله ایام معدلته.

۸ـ یکی ازوزیران‌زمان.

۹ـ از مکه برای برادر خود بگیلان نگاشته.

۱۰ـ نیز ازشام برای برادر خود بگیلان فرستاده.

۱۱ـ برای شرف‌الدین علی یزدی افاض‌الله علیه. (۳)

۱۲ـ ازمحمدشاه بهمنی(٤) برای محمود شاه گجراتی. (٥)

۱۳ـ بسلطان شمس‌الدین محمد گیلانی خلدالله ملکه.

١٤ـ برای برادرش تغمدالله برحمته.

١٥ـ نیز برای برادرش سفارش‌فخرالدین‌احمد اسفرائینی‌منجم را کرده

١٦ـ پسر برادرش عبیدالملك.

١٧ـ در گله گزاری ازحسودان ببرادر نگاشته.

١٨ـ از گفتهٔ محمد شاه بهمنی (٤)برای محمود شاه گجراتی. (٥)

١٩ـ بشیخ داود پیغامبر سلطان محمود خلجی(٦).

۲۰ـ به‌برادرزاده‌خودعبیدالملك‌هنگام‌برگشتن‌وی‌ازمکه‌بدابول‌نگاشته.

۲۱ـ برای علاءالسلطنه گیلانی خلدالله ملکه.

۲۲ـ ببرادر خود.

۲۳ـ ازمحمد شاه بهمنی (٤) بمحمود شاه گجراتی. (٥)

۱ــ درخراسان وماوراءالنهر (ش ۸٥٤ ــ ۸۷۳) (ت ۸۳۱ ــ ۸۷۳)

۲ــ محمد فاتح قسطنطنیه (ش۸٥٥-۸۸٦).

۳ــ معمائی (م ــ ۸۳۰).

٤ـ (ش ۸٦۷ ــ ۸۸۷) طبقات سلاطین لین‌پول.

٥ـ محمود شاه اول (بای‌قرا) (ش ۸۳٦ ــ ۹۱۷) طبقات لین‌پول ص ۲۸۲.

٦ــ محمود اول خلجی پادشاه‌مالوه (از ۸۳۹ تا ۸۸۰) طبقات سلاطین لین‌پول ص۲۸۰

۲٤- بیکی از وزیران .

۲۵- بیکی از خویشان خود سفارش فرزندان و نوادگان خود کرده .

۲٦- بفرزند کوچك خود الغ خان نوشته (۱) تشویق بکار نموده .

۲۷- نیز بهمان فرزند توبیخ از ترك دانشجوئی و تشویق بعلم آموزی .

۲۸- بشمس الدین محمد گیلانی .

۲۹- بعمدة الملك وزیر دام‌فضائله .

۳۰- ابوسعید تبریزی . (ره)

۳۱- بسید مهدی .

۳۲- بمحمود پاشا وزیرروم . (دام‌علاه)

۳۳- بپسرش عبدالله حسین بگیلان (۲) اندوه فراق و امید بوصال .

۳٤- بوزیر شرف‌الملك .

۳۵- بسیدابراهیم بن‌السید الشریف (ره) .

۳٦- بپسر بزرگ خود ملك‌التجار . پند و اندرز .

۳۷- نیز بهمین پسر .

۳۸- بعبدالرحمان جامی (دام‌ظله) .

۳۹- بعلاء السلطنه گیلانی . تبریك فتح مملکت کوه دم و کوچیان بدست‌علاء السلطنه وخبرفتح‌قلاع هندیان بدست‌خود ، وعذرخواهی از نفرستادن فرزندش عبدالله .

٤۰- بعبدالرحمان جامی (دام‌ظله) .

٤۱- بجلال‌الدین دوانی (۳) .

٤۲- بپسر برادر خود عمیدالملك بمکه . فتح‌نامه نگاشته .

٤۳- بیکی ازیاران .

۱— شماره‌های ۲۵، ٤٤، ٦۷، ۷۳، ۷٤، ۷۵، ۸٦ نیز برای این پسر است

۲— این پسر را از گیلان بهند آورده وسپس او را بخدمت علاءالسلطنه باز گردانیده است

۳= (م— ۹۰۷)

٤٤- بپسرش الغخان .

٤۵- بقاضی‌شرف‌الدین صدرجهان (۱) .

٤٦- ازمحمد شاه بهمنی بمحمود شاه گجراتی .

٤۷- بپسر برادرش جمال‌الدین حسین . هنگامی که ازمکه‌بداپول رسید .

٤۸- بیکی از اشراف .

٤۹- بعلاء السلطنه گیلانی (خلدالله‌ملکه) فتح‌نامه نگاشته .

۵۰- بسلطان حسین بایقرا (خلدالله ملکه) . (۲)

۵۱- بسلطان حسن‌بیگ (خلدالله ملکه) .

۵۲- بسلطان میرزاده جهانشاه لاری (خلدالله ملکه) .

۵۳- بعبدالرحمان جامی (دام‌ظله) .

۵٤- بپسر برادر خود عمیدالملك بمکه .

۵۵- بمعین‌الدین .

۵٦- بعلاء الدین عبدالله (دام ظلال تقویه) .

۵۷- شمس‌الدین محمد گیلانی .

۵۸- بعلاءالسلطنه گیلانی (خلدالله سلطنته) . سفارش فرزند کرده .

۵۹- بعبدالرحمان جامی (دام ظله) .

٦۰- ازمحمد شاه بهمنی بشاه حسین جونپوری .

٦۱- بیکی ازیاران .

٦۲- ازمحمد شاه بهمنی بمحمد شاه گجراتی .

٦۳- بپسر برادرش عمیدالملك .

٦٤- بوزیر نظام‌الملك .

۱— چندتن بصدرجهان نامبردارند (الف) کسی که نقش نگین او تاریخ (۱۰۸۰) داشته (ذریعه ج—۱٤ ۱٤ب) صدرجهان طبسی حسین پسرروح‌الله که ازملامحمود لاهجی در (۹۷٤) اجازت گرفته (ذریعه ۱: ۹ ٤۹ ۲ج) سفیر اکبر پادشاه هندی که بسال (۹۹۰) بدربار ایران آمده وبازگشته وبسال (۱۰۲۷) درسن صدوبیست سالگی درگذشته (صبح گلشن) . و احمد پسر عبدالرزاق خالدی زنجانی وزیر کیخاتو در (٦۹۲ ق) .

۲— ش (۹۰۸ — ۹۱۱) .

۶۵- بیکی از یاران . ۶۶- بشرف‌الدین صدرجهان .

۶۷- پسر خود الغ خان . ۶۸- سیف خان رسول گجرات .

۶۹- بملك عبدالملك (دام بقاء) .

۷۰- بشیخ داود رسول هندو .

۷۱- ازمحمد شاه بهمنی بسلطان محمود خلجی .

۷۲- بملا محمدلاری . ۷۳- پسر خود الغ خان .

۷۴- نیز بهمان پسر . ۷۵- نیز بهمان پسر .

۷۶- ازمحمد شاه بهمنی بشاه محمد گجراتی .(۱)

۷۷- بملا ابوسعید (دام عمره)

۷۸- بشیخ محمود هندوی .

۷۹- ازمحمد شاه بهمنی بمحمود شاه گجراتی .

۸۰- نیز ازمحمد بمحمود پادشدگان .

۸۱- پسر برادرش برهان الدین بمکه .

۸۲- پسر خود الغ خان . ۸۳- بیکی ازوزیران .

۸۴- بیکی از قاضیان . ۸۵- بیکی‌از شاهان .

۸۶- بیکی از فرزندان . ۸۷- بیکی از خویشان .

۸۹- بیکی از یاران . ۸۸- بیکی از وزیران .

۹۰- بیکی از یاران . ۹۱- بیکی از یاران .

۹۲- بیکی از یاران ۹۳- بدختر یکی ازشاهان .

۹۴- بیکی از بزرگان . ۹۵- بیکی از شاهان .

۹۶- بعبدالرحمان جامی . ۹۷- بیکی از شاهان .

۹۸- بیکی از سیدان . ۹۹- بیکی از وزیران .

۱- باورقی شمارهٔ (۹۴و۶) ص ۹۶ دیده شود .

۱۰۰- بیکی از عارفان . ۱۰۱- بیکی از فاضلان .

۱۰۲- اززبان یك شاه برای شاه روم .

۱۰۳- بیکی‌از بزرگان .

درنامه (۲۱) که‌درپاسخ‌بعلاء السلطنهٔ گیلانی نوشته، گوید: چون گوهررا درکان بی‌ارزش دیدم ، از گیلان بیرون آمدم تا بدرگاه شاهان بهمنی رسیدم، وچون‌همایون شاه‌فوت‌شدپسرش نظام‌شاه مراموردلطف‌نگاه‌داشت، وبی‌وفائی است که‌رهایش کرده بمیهن باز گردم. شما فرزندان مرا بدینجا بفرستید تایکی را که لایق باشد دوباره بخدمت شما بفرستم . درنـامهٔ (۶) فرزندش عبدالله را برای فرستادن بنزدعلاء الـسلطنه نامزد کرده. ودرنامهٔ (۳۹) ازنفرستادن اوو تأخیر یك‌سال‌عذرخواهی کرده. ودرنامهٔ(۷) اورا فرستاده‌است . چندین‌نامه بخانواده وفرزندان خود که‌در گیلان‌بوده‌اند نگاشته. ونامه‌هائی نیزبجامی وشرف‌الدین علی یزدی و جز ایشان از بزرگان نگاشته است . وی شعر نیز نیکـو میگفته وچکامه وبیتها و دو بیتیهای فراوان ازو دراین کتاب یافت میشود .

آغاز : یامن‌توحد ببدایع‌الابداع والانشاء وتفردباجراء قلم‌الاختراع علی وفق... وبعد جواهر زواهر مقال که واسطهٔ سلك مقتضی حال و خلاصهٔ...

نام نگارنده ونام کتاب را در دیباجه آورده بوزارت‌خودنیز اشـارت کرده است .

[۲۲]

۱۳۲ نسخه بخط نستعلیق نام نویسنده و تاریخ نوشتن افتاده . ولی پیداست که درزندگانی نگارنده درسدهٔ دهم نوشته شده . عنوانها باشنگرف است ، پایان نسخه‌افتاده دارد. وفقط تامیان‌نامهٔ شمارهٔ (۱۰۳)مانده و بدین‌جمله پایان‌می‌یابد [درپرورش‌وی شاهنشاه فریدون فراسکندرمنش] .

(۱۳۲برك) کاغذ فرنگی آهار مهره شده . جلد تیماج مشکی یك لا .

اندازه ، ۱۴×۲۴ و ۱۰×۲۰ ، ۲۱ سطر .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

[۲۳] سر گذشت (فارسی)

یا رسالة الندامة الی زادالقیامة

نام نخستین را آقای تقی‌زاده درسرآغاز دیوان ناصرخسرو برای‌این کتابچه بکار برده گوید : کهن‌ترین جاکه ازاین کتابچه نام برده شده ، تذکرهٔ «خلاصة الاشعار» (ن-۹۸۵ - ۱۰۰۰) میباشد که میگویند اصل آن بتازی بوده ووی آنرا بفارسی گردانیده است . و پس‌از وی امین احمد رازی درهفت‌اقلیم (ن-۱۰۰۲)آنرا کوتاه کرده. وسپس لطفعلی آذرنیز آنرا در آتشکده ازروی خلاصةالاشعار کوتـاه کرده ولی از هفت اقلیم مفصل‌تر آورده است . وسپس همین نسخه در سرآغاز دیوان ناصر در تبریز چاپ شده است .

ولیکن رضاقلی‌خان‌هدایت بجای‌خلاصة الاشعار میرتقی کاشی ، تذکرهٔ عرفات تقی‌الدین محمد حسینی اوحدی بلیانی یاد کرده است . پایان.

در خلاصةالاشعار نسخهٔ (مجلس) ونسخهٔ آقای صادق انصاری‌درتهران نام‌ناصر خسرونیامده‌ودر تذکرهٔ عرفات‌نسخهٔ(ملك)درتهران‌نیز گزارش کوتاهی‌از ناصر آمده واز کتابچه‌سر گذشت نامی‌نیامده‌است. ولی‌ازفهرست کتابخانه بانکی‌پور هندوستان چنین نماید که درخلاصة الاشعار نسخهٔ آن کتابخانه گزارش‌زندگی ناصرخسرو هست .

این کتابچه‌گزارش ساختگی است از زندگانی ناصرخسرو وپراست از افسانه های سحرآمیزدیوان وپریان‌وطلسم‌ها وتسخیرها وکارهای‌شگفت‌انگیز که بناصرنسبت داده شده وداستانهای تاریخی‌رانیز باتناقضها واشتباه هاودروغ های آشکار آورده .

مانندآنکه ناصر رابه پیغامبری ازطرف دربارخلافت بغداد (القادربالله) به‌پیش ملاحدهٔ گیلان بالموت فرستاده.

اته گوید: کتابچه «سرگذشت» درسدهٔ دهم‌هجری ساخته وبناصر نسبت داده شده ، ولیکن بنقل آقای تقی‌زاده از مستر براون (۱) قسمت زیادی از مطالب این کتابچه در مجموعهٔ که اشعار ناصر وجزاو را دربردارد وبتاریخ (۷۱٤)نوشته شده‌در کتابخانهٔدیوان‌هند درلندن هست ! و بنابراین‌تاریخ کتابچه سرگذشت از پندار اته کهن‌ترمیباشد . بویژه که برخی داستانهای آن مانند حمام های اسرارآمیزدر کتاب آثارالبلاد (ن-٦٧٤) زکریا پسر محمد قزوینی نیز آمده است.

درتذکرهٔ دولتشاه (ن-۸۹۲) نیز افسانه های سحر وطلسم‌بندی وتسخیر بناصر نسبت داده است.

نسبت سحر وتسخیر وطلسم‌بندی بناصر پیشینه بسیار دارد تاآنجا که در زمان‌خود وی‌نیز ازاین گفتگوهابوده است وخودبدانها اشارت کرده(۲) گوید:

افسانه هـا بمن بـر چون بندی
گوئی که من بچین و بما چینم
بـرمن گـنـد یکی پیمگان در
مشهور تـر از آذر برزینم (۳)

جهل و نادانی همگانی در زمـانهای پیشین سبب میگردید کـه چون دانشمندی یافت میگشت مردم او را بالاتر از خـود مینگریستند، و برای او بادستگاه ماوراء فیزیك ارتباط برقرار میکردند، بویژه اگر کسی دردانش فیزیك وشیمی(کیمیای آنروزی) بیزدستی داشت اورا افسونگر، ساحر،وتسخیر کننده ارواح ودیوان‌وستارگان وجزآن‌میخواندند، زیرا که‌این دانشهایکسره از دسترس‌مردم بدور بود، وآنرا بنام «علوم غریبه» و دانشهای دور وناشناخته میخواندند ، واز همین‌روی کسانیکه دارای چنین دانشها بودند دارای نیروئی

۱- سرآغازدیوان.(چ-۱۳۰۷ ص سا).

۲- دیوان ناصر(چ۱۳۰۷ص ص۷۲).

۳- نام ششین‌آتشکدهٔ نامیردار ایران در زمان ساسانیان .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بودند، ودیگران ناگزیر ازایشان حساب میبردند، وچه بسا ادعا هـای گزاف پیمبری و ولایت وجز آنـها میکردند، ونادانی مردم ایشانرا به پیروی از وی وامیداشت، واگر خود وی نیز چنین گزافه گوئیها نمیکرد، نادانی، مردم‌راوادار میکرد دربارهٔ وی پندارها بافند و کارهای ساده وطبیعی اورا شگفت‌آمیز بینند وآنرا بزرگ کرده، شاخ‌برگ زده، جادو بنمایانند.

دربارهٔ ناصرخسرو، چگونگی زندگی شخصی‌اونیز دراین راه یاری کرده. ناصردارای مذهبی مخالف مذهب همگانی مردم و پیرو سازمان پنهانی باطنیان بوده وحروف جمل ورمزهای دگربرای بیان مطلب خود بکار میبرده است. ودراثر کوشش درپیشرفت عقیدهٔ خودآواره ودربدر و کوه‌نشین گردید، ودرمغاره هاوبلندیها و گذرهای بن‌بست وکله کوهها بسرنشسته، وبویژه گاهی نیز دربرخی چکامه ها ازاین‌راه بخود بالیده است.

دراین کتابچه ساختگی از کتابهای جامع کبیروسر کبیر نگارش‌محمد پسرحسن شیبانی(۱) وکلیات‌شامل نگارش‌علی‌بن موسی‌الرضا(ع)نامبرده گوید اندك ناسازگاری میان‌آنها دیدم، ونزدیك نهصد تفسیر بررسی کردم، وکتاب قسطالوقا(۲)ی مسیح‌را خواندم وزبان‌سه کتاب انجیل، توراة وزبوررا آموختم وروزگار مرا بمصر انداخت وبوزارت پادشاه آنکشور رسیدم. وسپس بسخن چینی حسودان ازکار بر کنار ونیمه شب‌ازمصر گریختم وبیغداد رفتم وبوزارت القادربالله گماشته شدم. وسپس مرا بسفارت نـزد ملاحده فرستاد و در آنجا ناطوس مغربی‌را - که دربابل شاگرد من بود- دیدم واو مرا بایشان شناسانید. ملاحده مرا با احترام نگاهداشتند، وچون بگریختم مرا دربند کردند، و وادار

۱— که درج۱ ص۲۳۷-۲۳۹ این فهرست یاد اوگذشت.

۲— خواست وی انجیل لوقا می باشد که یکی از چهار انجیل است و با نام قسطابن‌لوقا یکی‌از پزشکان مسیحی بعلبکی رومی زمان‌عباسی‌اشتباه کرده وبدینصورت درآورده است

کردند، تاتفسیری‌مطابق عقیدهٔ آنان نوشتم، وچون‌این کتاب بدست مسلمانان‌فتاد مرا تکفیر کردند. سر انجام بوسیله تسخیر وسحر از دست ملاحده گریخته بـه نیشابور شدم.

در اینجا شخصی را بجرم آنکه وقتی شاگرد من (ناصر) بوده کشتند و من ترسیده گریختم و ببدخشان شدم. پـادشاه آن کشور عسیی‌پسراسد علوی مرا بوزارت گماشت. مردم این‌شهر همه دوستار خاندان پیغمبر بودندجز حکیم نصرالله ساروی دانشمندآن دیار که در تسنن تعصب داشت، وبنابر رفعت جاه بامن دشمنی میکرد و کتاب تفسیر مرا مدرك‌فتوای کشتن من قرارداد. من شبانه گریخته بدیه‌یمگان شدم کلانتر آنجاوزارت‌برمن‌عرضه کرد ومن‌نپذیرفتم وبیست وپنج‌سال درغاری بنماز ونیایش گذراندم؛ و ریاضت بدانجا رساندم که درسی‌شبانه‌روز، یکبارمیخوردم، وچون‌عمرمن بصدوچهل‌سال‌رسیددرخواب‌مرا ازمرگ خبردادند، وچون ازخواب برخاستم این کتابچه برای یادگار نوشتم، یا اخ‌السعید در روز جمعهٔ ماه ربیع‌الاول‌هنگامی که خورشیددربرج‌شیر، وماه در خرچنگ باشد من بمیرم [سپس جمله هائی بفارسی مانند ترجمهٔ دعای عدیله آورده است. وسپس وصیتهای خودرا نوشته]: دو کتاب‌مرا درعلم یونان‌وسحر بسوزان، وقانون‌اعظم را بپسرعمم منصورده، و زادالمسافرین رابسیدالحکما، عیسی‌پسراسد علوی‌ده، و دستور اعظم درفقه بحکیم نصرالله قاضی‌بدخشان‌ده، و کتاب اشعار مرا بجهانشاه پسرگیو یمگانی ده، وباقی را آنچه خواهی کن. [سپس گوید]: هذا آخر کلام‌الحکیم.[سپس گوید]:

ابوسعید برادرش نقل میکرد: چون‌مناجاتش باتمام رسید مرا گرفت ... ومرد... پس‌اورا غسل‌داده در کفنی که سه‌بار بزیارت برده بود کفن کـردیم ودرهمان غاردفن کرده وبکرامت‌حکیم درب‌غار بهم برآمد.

مطالب این کتابچه سراسر آمیخته باسحر و کرامت و یاری جنیان و دیوان میباشد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز: حکیم ناصر خسرو علوی، حقیقت احوال او حسباً و نسباً بنگارش رساله که خود در وقایع احوال خود نوشته اینست: امابعد: چنین گوید کمترین خلق‌الله ناصر الدین خسرو بن حـارس بن عیسی بن حسن بن محمد بن موسی بن علی بن موسی الرضا(ع) که در ریعان عمر مشعوف بودم بتحصیل ...

انجام: در حال درب غار بهم برآمدو باسایر اجزای آن کوه یکسان شد. اینست رسالهٔ که براحوال خود نوشته بود.

[۲۳]

بخط نستعلیق زیبا در سر آغاز نسخهٔ دیوان ناصر جای گرفته که در (ص۷۳ـ۸٦) این فهرست یاد شده است.

١٦٥

نام نویسنده و تاریخ نوشتن همانست که در آنجا یادشد، دارای یك سرلوح خوب از شنگرف و لاژورد و زر. رویه نخست زر افشانی شده. همهٔ رویه ها دارای جدول زر ولاژورد.

این کتابچه در (۱۰ برك) همه مجموعه (۴۷۲ رویه) کاغذ وجلد همانست که در (ص۷۳ـ۸٦) گفته شد

[٢٤] شرح خطبة البیان (فارسی)

یکی از شرایط بزرگواری در نزدعرب نیروی سخنرانی وتوانائی سخنوری بوده، وشك نیست که علی(ع) یکی از سخنوران نامبردار سدهٔ یکم هجرت است، وسخنرانیهای وی زبانزد مردم بوده، وتاپایان سدهٔ دوم وآغاز سوم متن این سخنرانیها سینه بسینه آمده است، وچنانکه درعنوان «نهج البلاغة» خواهیم گفت؛ درسدهٔ سوم و چهارم بافزونی و کاهشها که دراین مدت در آنها راه یافته بود، نوشته‌شد، وسخنرانیهای دیگر ساخته‌شد و برآنها افزوده گردید. ودر آغاز سدهٔ پنجم سیدرضی ازمیان آنها آنچه را بذوق خود از علی(ع) شناخت گلچین کرد ودر «نهج البلاغه» آورد. درهمین زمان پاره های دیگر از سخنرانیها بوده که بعلی نسبت داده میشده ولی سیدرضی، بسبب نابرابری متن‌ها، وبی اعتباری

زنجیرهٔ سندها، وناسازگاری باعقیدهٔ سیدرضی، ودوربودن ازاندیشه او، آنها راپسندیده ورها کرده است.

آنچه از این سخنرانیها در نهج البلاغه نوشته گردید تا اندازه ازدست برد بدور ماند، وآنچه دربیرون ماند؛ دست انداز غرض ورانان و بازیگران مذاهب و آئینهای گوناگون گردید. مانند آنهاسخنرانیها (خطبه‌ها) ساخته وبنامهای گوناگون خوانده شد.

کهن‌ترین جائیکه نام چند سخنرانی علی(ع) دیده شده که برخی از آنهادر نهج البلاغه نیست کتاب «مناقب» نگارش ابن‌شهرآشوب(۱) میباشد که‌محمدباقر مجلسی(۲) ازآن نقل کرده‌است.

دراینجا نام خطبه های: توحید، شقشقیة، هدایة، ملاحم، لؤلؤة، غراء، قاصعه، افتخار، اشباح، درةیتیمه، اقالیم، وسیله، طالوتیه، قصبیه، نخیله، سلمانیه، ناطقه، دامغه، فاضحه، وموتقه خالی ازالف، وخطبه دیگر خالی از حرف نقطه دار، یاد شده.

واز مدرك آنها نام: نهج البلاغهٔ سیدرضی و «کتاب الخطب» اسماعیل پسر مهران و «کتاب الخطب» زید پسر وهب‌را آورده است

درسدهٔ هفت وهشت غوغای مغولان همهٔ آوازها راخاموش کرده ودر آغاز سدهٔ نهم باز زمزمهٔ پنهان کاری و باطنی گری ازنو بوسیله دستهٔ حروفیان در کردستان ونقطویان (پسیخانیان) در گیلان شنیده میشود(۳).

۱ـ نگارندهٔ «معالم العلماء» (م‍ـ۵۸۵).

۲ـ در «بحارالانوار» چ‌تبریز. ج۹، ص۵۳۵.

۳ ـ اندکی از تاریخچهٔ باطنیان پیش از مغول را در دنباله گزارش زندگی ناصرخسرو در (ص۷۳ـ۸٦) این فهرست. و اندکی از تاریخچه باطنیان پس ازمغول (حروفیان کردستان) را در دنباله گزارش زندگی فضل‌الله استرآبادی و جاودان نامهٔ وی‌درجلداول این‌فهرست(ص۸۰ـ۸۵)یاد کردیم.و برای تاریخ باطنیان گیلان(پسیخانیان) که‌بهند کشیده شده، وبصورت دین آلهی اکبر پادشاده درآمده بجزوهٔ سیزدهم ایران کوده دیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

طرز فکر و عقاید این دسته‌ها و بویژه حروفیان بیش از افکار باطنیان(۱) پیش از مغول درپوستهٔ مذهبی پوشیده و پایهٔ علمی آن کمتر میباشد. یکی از بهترین

۱– باطنیان پیش از مغول خودرا اهل باطن ودشمنان را ظاهری مینامیدند ،ولی باطنیان پس‌ازمغول(حروفیان کردستان) خودرا نیازی ودشمنان‌خودرا نازی‌میخوانند .

اینان مانند باطنیان باستانی احکام ظاهری و فرعی اسلام را بکار نمیبسته ونمیبندند. دسته هائی‌ازایشان تاکنون‌در کردستان ایران وعراق وترکیه بجا مانده اند.وبنامهای اخیان‌و کاکائیان وبکتاشیان نامبردارند.

در دائرة‌المعارف اسلامی دستهٔ اهل‌الحق را که درپیرامون کرمانشاه نشیمن دارند از اینان دانسته است . و دسته دیگر که قزلباش نامدارند پیرو شیخ صفی نیای خاندان‌صفوی؛ میباشند .

عقاید ایشان را باید از بررسی کتابهای ایشان بدست‌آورد.

ما دراینجا فهرست کوتاهی از کتابهائیکه امروز نزد این گروه مقدس است میآوریم . برخی این کتابها را عباس عزاوی در «تاریخ عراق عرب میان دو اشغال» ج ۲ ص ۲۴۶–۲۵۴ و برخی را هم در «تاریخ کاکائیان» ص ۵۳ . وبرخی را مستر براون تاریخ ادبیات ایران ج۳ وبرخی را صاحب‌ذریعه‌آورده‌است. برای بررسی‌بیشتر؛ تاریخ باطنیان کردستان کتابهای « کاشف اسرار بکتاشیان » ازاسحاق افندی وتاریخ «کاکائیان» ازعباس عزاوی واین فهرست ج۱ ص ۸۰ – ۸۵ وج ۲ ص ۷۳–۸۶ وبرای تاریخ باطنیان گیلان(نقطویان)جزوهٔ۱۳ «ایران کوده» دیده شود .

۱– آدم نامه
۲– آخرتنامه : از فرشته‌زاده.
۳– استوا نامه. از میرغیاث‌الدین
۴– اسکندرنامه . از علی‌الاعلی
۵– اطاعتنامه. از کمال‌حانی
۶– بشارتنامه. از رقیعی
۷– بکتاشی‌نفس‌لری
۸– بویروغ .
۹– تحفة‌العشاق
۱۰– ترابنامه .
۱۱– توحید . از سلیمان افندی کاتبی فارسی .
۱۲– جاودان عرفی .
۱۳– جاودان کبیر. ازفضل‌الله‌استرآبادی. چاپ‌شده
۱۴– حقایق‌نامه یا دیباچهٔ‌حقایق.
۱۵– حقیقتنامه.
۱۶– حیاة
۱۷– خطبة‌البیان (خطبة‌الافتخار) . چاپ شده .

بقیه در پاورقی صفحه بعد

دستگیره‌های ایشان در مبارزه و استوار ترین دلیلهایشان در استدلال ، همین سخنرانی‌ها(خطبه‌ها) بوده، بر آنهامیافزودند،واز آنهامیکاستند،وبنام آنها،ومانند آنهامیساختند، وبزرگان‌مذهبی نسبت میدادند.

بقیه‌ازپاورقی صفحهٔ پیش:
۱۸– خطبة تطنجیه (خطبة الاقالیم) . چاپ شده .
۱۷– دیوان ابدال .
۲۰– دیوان روحی بغدادی . چاپ شده .
۲۱– دیوان فضولی بغدادی . چاپ شده .
۲۲– دیوان نسیمی. چاپ‌شده.
۲۳– دیوان محیطی.
۲۴– دیوان ویرانی .
۲۵– دیوان یمینی.
۲۶– ذره‌نامه ازسیدشریف
۲۷– زبورداود . بعربی
۲۸– سرانجام . از ملاعابدین.
۲۹– عرشنامه، ازفضل‌الله استرآبادی
۳۰– عرشنامه. از علی‌الاعلی.
۳۱– عرفنامه . ازفضل‌الله استرآبادی
۳۲– عشقنامه. از فرشته زاده.
۳۳– فرقان الاخبار . از نعمة‌الله ولی (م–۸۳٤).
۳۴– فرقان اهل‌الحق .
۳۵– فیضنامه .
۳۶– قسمنامه. ازمحیطی بابا .
۳۷– قیامتنامه. ازعلی‌الاعلی
۳۸– کتابچهٔ بدرالدین.
۳۹– کتابچهٔ حروف.
۴۰– کتابچهٔ فضل‌الله.
۴۱– کتابچه. از گلشنی.
۴۲– کتابچهٔ. ازنسیمی.
۴۳– کتابچهٔ نقطه .
۴۴– کتاب ویرانی
۴۵– کرسینامه. از علی‌الاعلی
۴۶– کشفنامه. ازمحیطی‌دده .
۴۷– مبدأ ومعاد .
۴۸– محبتنامه.
۴۹– محرمنامه .
۵۰– محشر نامه. ازامیرعلی.
۵۱– مرشد .
۵۲– مناقب بکتاش ولی .
۵۳– وحدتنامه . از مقیمی.
۵۴– ولایتنامه .
۵۵– هدایتنامه.

برخی ازاین کتابها باسرآغاز هائی بخامهٔ رضا توفیق دانشمند ترکیه وکلیمان هوار چاپ شده ودرآنها کتابخانه وجای این کتابها را یادداشت کرده‌اند. وبرخی‌از آنها نسخه های فراوان دارد، و شماره های ۱۳، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۴۱، ۴۲، ٤٤، ٤٥، ٤٦، ٤٧، ۵۰، ۵۲، نزد آقای عباس عزاوی در بغداد هست وفهرست آنرادر کتاب «عراق میان دو اشغال» –اشغال بغداد بدست‌نیروی مغول در (٦٥٦ق) واشغال انگلیس در(۱۳۳٦ق) آورده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

در پایان سدهٔ هشتم مردی بنام شیخ رجب برسی(۱) و دیگری بنام فضل الله استر آبادی و دیگری بنام محمود مطرود (بسیخانی) میبینیم که خود و شاگردان ایشان افکار صوفیانه و فلسفه اشراق سهروردی را باپندارهائی درباره سحر و طلسم در آمیخته، برای دعا و ذکر، و برزبان راندن واژه‌ها و حروف و شماره‌ها ؛ نیروئی میپنداشته‌اند.

در کتابهای ایشان سخنرانیهائی دیده میشود که بعلی نسبت داده شده. نام برخی از این سخنرانیها همان نامهای کهن است که در کتابهای پیشینیان نیز یافت میشود، لیکن روش انشاء و مطلب آنها از آن سدهٔ هشتم و نهم میباشد. برخی از آنها روشهای گوناگون دارد؛ بخشی از آن در سدهٔ سوم و چهارم ساخته شده و بخش دگر ساختهٔ سدهٔ هشتم و نهم است. برای برخی از آنها نام نوینی نیز نهاده‌اند. چنانکه شیخ برسی در مشارق الانوار سخنرانی بنام «خطبهٔ تطنجیه(۲)» از علی(ع) آورده که در پایان آن از اقالیم چهارگانه یادشده و صاحب ذریعه گوید این همان «خطبة الاقالیم» است که ابن شهرآشوب نامبرده است(۳) و همچنین شیخ برسی(٤) سخنرانی دیگری را بنام «خطبة الافتخار» آورده، و مینماید که همان یاد کردهٔ ابن شهرآشوب باشد. ولی مطلب آن بامضمون سخنرانی که امروز به «خطبة البیان» نامبردار است یکی است، پس آشکار میشود که «خطبة الافتخار» با گذشت زمان تغییر شکل و تغییر نام داده و «خطبة البیان» گردیده است.

۱ـ حافظ رضی الدین رجب پسر محمد پسر رجب برسی حلی، نگارندهٔ مشارق الانوار (ن-۷۷۳) و مشارق الامان (ن-۸۱۱) و کتابهای دیگر که همه پراست از تندرویها و گزافه گوئیها در ستایش بزرگان مذهبی شیعه.

۲ـ این سخنرانی‌را سید کاظم رشتی (م-۱۲۹٥) شاگرد شیخ احمد احسائی (م-۱۲٤۱) از بزرگان «شیخیان» گزارش درازی نگاشته و بسال (۱۲۷۰) چاپ شده است.

۳ـ ذریعه ج۸ ـ ص ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۲.

٤ـ مشارق الانوار ـ ص ۱۷۱.

در کشف الظنون گوید: این خطبه هفتاد کلمه است، و برخی آنرا ساختگی شمرند.

صاحب ذریعه گوید: شیخ علی بارچینی یزدی (م-۱۳۳۳) در «الزام الناصب» چاپ تهران سه نسخه از این خطبه‌را آورده‌است. یك نسخهٔ آنرا از «الدر المنظم فی السر الاعظم» نگارش محمد پسر طلحه شافعی (م-٦٥۲) آورده است(۱) و در نسخهٔ دیگر نامهای والیان و امیران صاحب الزمان بر شهرها و یاران وی یادشده است. نسخهٔ دیگر همراه خطبة الاقالیم در کتابخانهٔ (رضوی) هست که بتاریخ (۹۲۳) نوشته شده.

سید شبر نیز نسخهٔ از آن‌را در کتاب «علامات الظهور» آورده.

و قاضی سعید قمی (م-۱۱۰۳) نیز نسخهٔ کوتاهی از آن‌را در «شرح حدیث غمامه» آورده، و ابو القاسم قمی (م-۱۲۳۱) بخشی از آنرا شرح کرده و در دنبال کتاب «جامع الشتات» چاپ شده است.

گزارش دیگر این خطبه بمیر سید شریف گرگانی (م-۸۱٦) نسبت داده شده و جای گفتگوی میباشد.

دیگر ترجمه شابور کاشی است (ن-۸٤٦) نسخه‌اش بشمارهٔ (۱٦٤) در این کتابخانه هست.

دیگر از گزارشهای خطبة البیان «خلاصة الترجمان» نگارش محمد پسر محمود دهدار (ن-۱۰۱۳). وی از طرفداران حروفیان کردستان و از دشمنان سرسخت نقطویان گیلان است.

گزارش دیگر بزبان ترکی در یك مجلد است. چلبی (م-۱۰٦۷) آنرا در «کشف الظنون» یاد کرده است.

دیگر ترجمهٔ خطبة البیان از نورعلیشاه (م-۱۲۱۲) نسخهٔ آن در کتابخانهٔ سپهسالار است.

دیگر گزارش فارسی «معالم التنزیل» از مجد الاشراف شیرازی ذهبی (م-۱۲۸٦) بسال (۱۳٤۳ق) در شیراز چاپ شده.

۱ـ شیخ سراج الدین حسن نیز نسخهٔ خودرا از این کتاب نقل کرده است (ذریعه)

دیگر گزارش سیدحسین قدسی شریفی (ن-۱۳۶۲ق).

چنانکه دیدیم این سخنرانی نسخه های گوناگون، کوتاه و بلند دارد، آغاز نسخه ها نیز گوناگون است. کشف الظنون و ذریعه آغاز آنـرا چنین آورده اند:

الحمدلله بدیع السماوات وفاطرها، وساطح المدحیات وقادرها... ومدبر الافلاك ومسیرها، الی أن قال سلمان: فقام الیه سوید بن نوفل الهلالی من لفیف الخوارج... أنا آیة الجبار، انا حقیقة الاسرار... انا الاول انا الاخر...

سپس مالك اشتر برخاسته پرسشی میکند و پاسخی میشنود، و علی باز به سخنرانی ادامه داده: [انا... انا...] میگوید. ناگاه سوید پسر نوفل فریاد کشیده می‌میرد. سپس مقداد پسر اسود برخاسته پرسشی کرده و پاسخی شنیده. و تا سخنرانی پایان می‌یابد.

ولی نسخه‌های کوتاه واز جمله دو نسخهٔ شمارهٔ (۱۶۴) و (۱۰۱۵) این کتابخانه این دیباچه‌را ندارد و فقط [انا... انا...] را دارد.

آغاز خطبة‌البیان نسخهٔ این کتابخانه:

انا الذی عنده مفاتح الغیب...

انجام: انا اظهر کیف اشاء انا باب حطتکم.

گزارشی که اکنون جای گفتگوی ماست در پایانش چنین نوشته‌شده: [تمت بحمدالله وفیضه رسالة شرح خطبة‌البیان سید شریف (ره).] و بدین سبب من در این فهرست ج۱ ص۱۹۹ آنرا منسوب بمیرسید شریف گرگانی (م-۸۱۶) یادداشت کردم، ولی تندرویها و غلوهائی که در این رساله در بارهٔ علی (ع) هست با فکر میرسید شریف ناساز گار است، وشاید که این کتابچه از سیدشریف نگارندهٔ ذره نامه، باشد که در (ص۱۱۱ همین جلد) یاد شد.

آغاز: سپاس نامحصور وستایش موفور نثار ذات علی عظیمی است که خطبهٔ بیان معانی بدیع حکمت...

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

انجام:

هر که داند علی بدین توجیه　　　میشود سرور بنی آدم
شرف معجزات او بر زندیق　　　حدیث نور چراغ است ودیدهٔ اعمی

همهٔ این کتابچه کمتر از (۵۰۰ بیت نوشته) دارد، و در آن دشواریها واشکال‌های این خطبه‌را باتفسیر و تأویلهای عرفانی باز کرده

[۲۴]

(۲۶ مین) کتابچهٔ دفتریست که ۴۷ کتابچه در بردارد ودر (ج۱ ص۱۹۹ - ۲۰۰) این فهرست آنرا شناسانده‌ایم، از برگ (۶۰ب) تا (۶۷ب) را گرفته، خط نستعلیق ترکی، نویسنده محمد بن سعدالله، در تاریخ (۹۱۳) نوشته شده.

همهٔ این دفتر (۱۷۷ برگ این کتابچه (۷ برگ) کاغذ وجلد واندازه در (ج۱ ص۲۰۱) یاد شده.

[۲۵] شرح و ترجمهٔ خطبة البیان (فارسی)

خود خطبة‌البیانرا در بالا شناساندیم. این ترجمه و گزارش منظوم از شاپور کاشانی است (۱) که آنرا بنام شمس‌الدین محمد فرمانفرمای کاشان بسال ۸۴۶ سروده است.

آغاز:

حرف اول بنام آن معبود　　　کوست فی‌الارض والسما موجود

تا آنجا که:

روزی از روزگار در کاشان　　　مقصد ماه بهمن و رمضان
خلق در طاعت خدا دلخوش　　　سال تاریخ هشتصد و چهل و شش

تا آنجا که:

هر کس این نظم‌را پسند کند　　　یاد شاپور در مدد کند

تا آنجا که گوید: اناالذی عنده مفاتح الغیب. (صدق علی)

۱- این مرد غیر از شاپور تهرانی است که از فرزندان امیدی تهرانی است چه امیدی شاگرد شاگرد ملا جلال دوانی (م-۱۹۰۷) بوده‌است، و نیز غیر از شاپور نیشابوری همزمان جلال‌الدین خوارزمشاه میباشد.

منم از حکم خالق بی‌عیب | مطلع بر کلید مخزن غیب

انجام: اناالظهر کیف اشاء. صدق‌علی.

منم آنکس که میشوم ظاهر | همه حالی بقدرت قادر

[۲۵]

نسخه در دفتریست دارای «کلمات قصار» سخنان کوتاه پیغمبر وعلی(ع) وچند کتابچه دیگر. ۱٦٤

از برگ (۷۰ الف) تا (۸۸ب) را گرفته. خط متن تازی نسخ، وترجمهٔ فارسی نستعلیق.

نام نویسنده: محمدافضل پسر قیصرعلی. تاریخ نوشتن (۱۰۹۷) و(۱۰۹۸) در پایان هر جمله از خطبةالبیان نوشته است [صدق‌علی] علی راست گفته. درنیمهٔ نخست عنوانها باشنگرف است، ودرنیمهٔ دوم همهٔ شعرهارا باشنگرف نوشته است.

همهٔ دفتر (۹۰ برگ) این‌کتابچه ۱۹ برگ. کاغذ آهار مهره سفید. جلد تیماج یک لا قهوهٔ.
اندازه: ۱۰×۱۸ و ۵×۱۴: ۲۵ سطر.

[۲٦] شرح دیوان امیرالمؤمنین علی(ع) (فارسی)

جاحظ (ز ۱٦۳ م ۲۵۵) گفته: علی جز رجز (۱) شعر نسروده است لیکن‌ابن عبدربه(م۳۲۸) گوید: علی ازابوبکر وعمربهترشعر می گفته است(۲) ونجاشی(م- ٤٥۰) در رجال خود بعبدالعزیز بن یحیی الجلودی (م - ۳۳۲) کتابی بنام «شعر علی» نسبت داده، و شاید او نیز همین ارجوزه ها را گرد آورده باشد.

ازجلودی گذشته، جزدرنیمهٔ دوم‌سدهٔ ششم که «انوارالعقول» نگارش یافته‌نامی‌از«دیوان‌علی» دیده‌نمیشود، ولی‌نگارندهٔ انوارالعقول درسرآغاز آن، ازسه دیوان دیگرنام میبرد که ازبودن آنها جزدراینجا خبرنداریم.

۱- رجزشعریست رزمی که درمیدانهای جنگ میسروده‌اند. قافیهٔ آن‌آسان وجفت جفت (مثنوی) است. وزن آن درشعر عرب (مستفعلن) سه یا چهاربار. و درشعر فارسی (فعول) چهاربار بوده‌است. وچون‌آسانترین شعرسرائی‌بوده ادیبان‌مانندجاحظ نمیخواهند رجز خوانی واژ جوزه سرائی‌را درشمار شعرگوئی آرند.

۲- العقدالفرید چ ۱۹٤۰م ج‌ص۱۳٤.

درسدهٔ های پسین‌نیز چندین‌بار «دیوان علی» گرد آوری گردیده است. برخی ازاین شعرها که شاید زنجیرهٔ سندآن بسده‌های نخستین نیزبرسد درآغازصورت‌انشاد داشته‌ودرسده های‌پسین‌است که بصورت‌انشا (۱) علی(ع) درآمده، چنانکه دربارهٔ چکامهٔ بقافیه باء:

مالی‌وقفت‌علی‌القبور مسلماً | قبر الحبیب فلم یرد جوابی

که در دیوان چاپی و در بحارالانوار (۲) و در «الفصول المهمه» (۳) بعلی(ع) نسبت داده شده، درشدالازار(٤) آنرا انشاد وی دانسته‌است.

مادراین‌جا بترتیب تاریخ از برخی کسان که دربارهٔ شعرعلی کاری‌انجام داده‌اند نام میبریم:

۱- کهن‌ترین‌جائی که از گردآوری دیوان برای‌علی(ع) یادشده‌رجال نجاشی‌است که دربارهٔ ابواحمد عبدالعزیز جلودی (م- ۳۳۲) گوید: کتاب‌شعر علی گرد آورده است.

۲- گردآوری‌ابوالحسن‌علی‌بن‌احمدبن محمدفنجگردی(٥) نیشابوری شیخ‌الافاضل(م-۵۱۲ یا ۵۱۳)(٦) که هشتاد سال عمر کرده.

۱- شعر شناسان عرب واژهٔ «انشاء» را برای شعر گفتن بکاربرند، و«انشاد» را برای خواندن شعردیگران.

۲- بحارالانوار ج۱۰ ص ٦۳.

۳- ص ۱۵۲.

٤- شدالازار (ن-۷۹۱) چ ۱۳۲۸ ش. ص۲۸ و۲۹.

٥- فنجگرد از دیهای نیشابور است (معجم البلدان).

٦- گزارش زندگیش را یاقوت در «معجم‌الادباء» چ دوم ج ۱۲ ص۲۷۰ از «الوشاح» بیهقی، واز کتاب عبدالغفار فارسی‌آورده. وسیوطی نیزدر «بغیةالوعاة ص۳۲۹» از «السیاق» و «الوشاح» آورده است، ولی هیچیک، ازاین‌دیوان نامی نبرده اند. ونخستین بار نام این دیوانرا درشمار منابع انوار العقول فی‌اشعار وصی الرسول» (ن. پایان سدهٔ ششم). می یابیم. وصاحب «ریاض العلماء» نیز آنرا یاد کرده.

یاقوت گوید: میدانی درسرآغاز «السامی فی‌الاسامی» نام‌فنجگردی‌را برده است. پوشیده نماند که در سرآغاز چاپ علی اصغر اصفهانی (۱۲٦٥- ق) فقط نام ابوالبرکات علی‌بن مسعودبن اسماعیل‌آمده است ولیکن درچندنسخهٔ‌دست‌نویس‌ازجمله نسخهٔ آقای‌دهخدا نام‌علی‌بن مسعود و نام‌ابوالحسن علی‌بن احمدفنجگردی هردوهست و ازفنجگردی ستایش بسیار کرده‌است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

این دیوان در (۲۰۰ بیت) بوده است و بنام «سلوة الشیعة» یا «تاج الاشعار» خوانده شده این دیوان نخستین مدرك دیوان «انوار العقول» بوده است. (ذریعه ج ۳ : ۲۰۵).

۳ــ دیوان ناشناس. که برخی شعرهای آن را از کتاب محمد پسر اسحاق (م-۱۵۱) نگارندهٔ «سیرة النبی» بیرون آورده، و برخی را از کتابهای دگر. این دیوان ، دومین مــدرك کتاب «انوار العقول» است . و از دیــوان فنجگردی بزرگتر بوده.

٤ــ ابوالسعادات هبة‌الله پسر علی پسر محمد پسر حمزه حسینی بغدادی، که به ابن الشجری نامبردار است. (ز-٤٥٠ – م-٥٤٢). نخستین بار قطب کندری گردآوری دیوان علی را به او نسبت داده و سومین مدرك «انوار العقول» شمرده است ، ولی ابن خلکان(۱) و یاقوت در معجم الادباء(۲) در گزارش زندگیش از این دیوان نام نبرده‌اند.

٥ــ الحدیقة الانیقة : گردآوری قطب الدین کندری(۳) محمد پسر حسین پسر حسن بیهقی نیشابوری.

نگارندهٔ «حدائق الحقائق» در شرح نهج البلاغة (ن-٥٧٦) و شاگرد طبرسی تفسیرنگار (م-٥٤٨) وی دو دیوان برای علی(ع)، ساخته در نخستین آنها شعرهای اخلاقی وی را گرد کرده و «الحدیقة الانیقة» نامیده . و دومین آنها را انوار العقول نامیده . (ذریعه ٦: ۲۸۱)

٦ــ انوار العقول فی اشعار وصی الرسول: دومین دیوانی است که قطب کندری گرد آورده . در سرآغاز آن نام سه دیوان (٤) را بعنوان مدرك کتاب خود آورده. و نسخهٔ آن در کتابخانه‌های (طهرانی در سامراء) و (عطار در بغداد)

۱ــ ج ٥ ص ۱۰۱ چ ۱۹٤۹ م.
۲ــ ج ۱۹ ص ۲۸۲ چ دوم .
۳ــ در (ذریعه ۲ : ۱۱۸) اورا از دیه کندر [ك د] از دیه های نیشابور دانسته ودر برخی جاها کیدری [كد] آمده است
٤ــ شماره های ٤،۳،۲ دیوانهای بالا

و (خوانساری در نجف) هست. (ذریعه ۲ : ٤۳۱).

۷ــ گردآوری ملاقاسم علی پسر محمدتقی خوانساری . در آن از کتاب «تحفة الزائر» محمدباقر مجلسی نقل کرده. (ذریعه :۹ خطی).

۸ــ دیوان مشهور که امروز بنام «دیوان امیرالمؤمنین علی(ع)» نامبردار میباشد . و چندبار چاپ و پخش گردیده است. این دیوان با اندکی فزونی و کاهش همان دیوان «انوار العقول» کندری است، کسی برای آسان کاری، سند و زنجیره های آن کتاب را انداخته و بدین صورت در آورده.

۹ــ گزارش میبدی بنام «شرح دیوان امیرالمؤمنین علی(ع)» نامبردار است، و جای گفتگوی ما همین کتاب است. نگارنده هر بیت شعر علی را با یك دو بیتی پارسی گردانیده است.

۱۰ــ گزارش حسین پسر اسماعیل متخلص بحسینی. نسخهٔ آن در مجلس هست که تاریخ آن (۱۰۰٤) است گویا نگارنده این کتاب دستبرد هائی بشرح میبدی زده است.

۱۱ــ ترجمهٔ دیوان علی بشعر پارسی از میرصدرالدین سلطان ابراهیم امینی سرایندهٔ «فتوحات شاهی» بنام شاه اسماعیل (۹۰٥-۹۳۰)(۱) گویا این مرد همان سلطان ابراهیم صدر باشد که در مجالس النفائس(۲) نامش آمده است .

۱۲ــ گزارش بزبان تازی از سید نورالله شوشتری (شاید قاضی نورالله م-۱۰۱۹) نسخهٔ شمارهٔ (۷۱۲۲) کتابخانه سپهسالار.

۱۳ــ البهجة السنیة بشرح القصیدة الزینبیة : از عبدالمعطی سملاوی پسر سالم پسر عمر شبلی. وی از مردان سدهٔ یازدهم هجرت در کشور عثمانی است، و چکامهٔ «زینبیه» را که بعلی نسبت داده شده گزارش نموده ، و این گزارش در اسکندریه مصر بسال (۱۲۸۸ ق) در (۷۱ص) و نیز در مصر در (۱۳۰٦ق) چاپ شده است .

۱٤ــ گزارش ترکی دیوان (ع) : از امیر اسماعیل حقی (م-۱۱۲۷) این

۱ــ نسخهٔ فتوحات نزد آقای میرزا جعفر سلطان القرائی در تبریز هست.
۲ــ ص ۱۳۸ چ ۱۲۲۰ ش.

گزارش ازشرح میبدی بسیار بزرگتر استوهنوز چاپ نشده(۱)

۱۵ــ عقیده ادبیه ترجمهٔزینیه: ترجمه‌ترکی‌است‌ازاین چکامه که‌بعلی نسبت‌داده شده . با خود چکامه دراستانبول بکوشش‌احمدعزت بسال(۱۳۱۵ق) در(۳۶س) چاپ‌شده .

۱۶ــ گـرد آوری سید محسن امین عاملی نگارندهٔ اعیان الشیعه (م‍ــ۱۳۳۰ ش) . وی باذوق خود شعرهائی‌را که ازعلی(ع)شناخته گلچین کرده وبه ترتیب حرف های الفباء بسال (۱۳۶۶ ق) در (۱۴۹ س) در دمشق چاپ کرده است .

۱۷ــ گردآوری شیخ محمدعلی مدرس خیابـانی تبریزی نگـارندهٔ ریحانةالادب . وی در کتابی بنام «دیوان‌المعصومین» شعرهائی را که یکی از چهارده تن(۲) نسبت داده شده گردآورده . جلد دوم این کتاب که شعر نه تن ـازسجاد(ع)تاصاحب‌الزمانـ‌را دربردارد چاپ‌شده وجلدنخست که شعرپیغمبر ودخترش وعلی وحسن وحسین‌را دربردارد آمادهٔ چاپ است.

چاپهای دیوان

۱ــ با گزارش لاتینی از کوی پرس (۳) در لیدن در (۱۷۴۵م) در (۱۹۵ س) .

۲ــ باگزارش ترکی واژه ها، دربولاق (۱۲۵۱ــق) در(۷۲س) ودرپایانش چکامه ودعای «جنةالاسماء» رانهاده اند که در (۲۵۲بیت) است.

۳ــ چاپ سنگ درمصر(۱۲۸۶ق) در(۷۶س).

۴ــ باگزارش فارسی‌واژه هادر(۱۲۸۴ق) درتهران .

۵ــ چاپ سنگ دربمبئی (۱۳۰۰ق).

۶ــ چاپ علمیه قاهره (۱۳۱۱ق) که درپایانش چکامه بقافیه عین از

۱ــ از یادداشتهای دستی آقا مدرس خیابانی نگارندهٔ ریحانة الادب.

۲ــ چهارده معصوم در اصطلاح شیعه دوازده امامی بـه پیغمبر اسلام محمد (ص) ودخترویفاطمه(ع) ودوازده امام(ع) گفته میشود .

۳ــ G . Kuypers.

عبدالباقی عمری در (۷۵ بیت) درستایش علی (ع) نهاده‌اند .

۷ــ چاپ مصر ۱۳۱۲ق.

چنانکه گفتم یکی از شرح کنندگان این دیوان قاضی میر حسین پسر معین‌الدین میبدی(۱) میباشد وی ملقب‌بکمال الدین و تخلص او منطقی بوده است (۲) .

صاحب کشف‌الظنون اوراحسینی(۳)وآیتی(٤)ویرااز قاضیان‌بنام‌وشاعران یزدشمرده‌است. میبدی ازدانشمندان ومتکلمان صوفی مشرب سدهٔ نهم‌است، که درفروع‌واحکام مذهبی‌سنی‌مذهب بوده، ولی درعقاید اصولی بشیعیان نزدیکتر میباشد. و این صفت کـه در بیشتر سنیان صوفی دیده میشود ، در اثر نزدیکی وارتباطمیان‌صوفیگری وشیعگریست.

میبدی شعر نیز میگفته و در کتابهایش و بویژه در شرح دیوان امـیر بسیاری ازآنرا آورده وبویژه درمعما دست درازی داشته(٥). ولی پایه دانش او بالاتر ازجایگاه شاعران است. وی‌درجوانی بشیراز رفته، نزد دانشمندآغاز سدهٔنهم؛ جلال‌الدین دوانی فلسفه آموخته است (٦) نگارشهای وی بیشترجنبهٔ فلسفه دارد وشعروادبیات‌او نیزباعرفان وتصوف‌آمیخته وازهمین روی‌تخلص‌را «منطقی» بر گزیده است .

مرگ میبدی در(۹۱۱) برابر واژهٔ (قاضی) است واز آثار وی دریزد؛

۱ــ نام یکی از دیه های پیرامون یزد است وآنرا میبد [م ب] با دال یـا وبی نقطه هردو آورده اند . وتایزد ده فرسنگ راه دارد، وفرش‌آن نامبردار بوده‌است. فیروزآبادی در قاموس آنرا دو واژه های «میبد» و «یزد» یاد کرده . یاقوت در معجم البلدان آنرا از اصطخری نقل کـرده و چند تن از مردان نامی آنـرا یـاد کرده است .

۲ــ تحفهٔ سامی ص٤٨ . ج ١٣١٤ ش .

۳ــ وازین‌روی صاحب ذریعه در (ج٦ــص١٣٨) اوراسیددانسته لیکن‌سام‌میرزا اورا در بخش دانشمندان غیر سید آورده است.

٤ــ آتشکدهٔ یزدان ص٣٣٢ درشاعران یزد

٥ــ تذکرهٔ نصرآبادی ص٥١٢ .

٦ــ تذکرهٔ سامی ص ٤٨.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

حمام قاضی هنوز پابرجا مانده است (۱).

آثار میبدی

۱ــ شرح هدایة اثیرالدین ابهری(۲) در فلسفه بزبان تازی (ن-۸۸۰) . یکبار جداگانه ویکبار در کنارهٔ «شرح نهج‌البلاغه» میرزا باقر نواب درتهران چاپ شده است .

۲ــ شرح و گزارشی که بر کافیهٔ ابن‌حاجب در دستور زبان عرب نوشته (روضات) .

۳ــ گزارشی که بر شمسیهٔ منطق «تحریر القواعد المنطقیه» نوشته‌ودر کنارهٔ «میزان الانتظام» دراستانبول بسال(۱۳۲۷ق) چاپ‌شده است.

٤ــ جام گیتی‌نما . بفارسی (ن-۸۹۷) (چ پاریس ۱٦٤۱م) . (الذریعه ج ۵ : ۲۵) .

۵ــ گزارش حدیث [صمدنا‌ذری الحقایق] که بعسکری(ع) رسانندش. (الذریعه ج٦ : ۱۳۸) .

٦ــ گزارش طوالع‌الانوار (ریحانةالادب).

۷ــ حاشیه برتحریرمجسطی ازخواجه نصیر (ریحانةالادب) .

۸ــ حاشیهٔ بر تحریر اقلیدس از خواجه نصیر . نسخه آن در کتابخانهٔ (رضوی) هست ذریعه (٦ : ۳۳).

۹ــ کتابچهٔ «درمعما» گزاوی آیتی‌باو نسبت داده‌است ، ودر تذکرهٔ نصرآبادی (ص۵۱۲) نیزچند معما بوی نسبت داده است. ولی گمان میکنم آیتی «دستور معما» نگارش میرحسین معمائی نیشابوری (م-۹۰٤) را که در «کشف الظنون» بعنوان«معمیات» ودرذریعه (ج۸ ص۱٦۸) آمده،بغلط بمیرحسین‌میبدی یزدی (م-۹۱۱) نسبت داده باشد .

۱۰ــ نامبردار ترین یادگار میبدی گزارش دیوان امیرالمؤمنین (ع) است که جای گفتگوی ما است.

۱ــ آتشکدهٔ یزدان ص ۳۳۲.

۲ــ صاحب روضات بغلط : خود هدایه‌را نگارش میبدی دانسته، وشیخ‌عباس قمی در «هدیةالاحباب» وآیتی در «آتشکدهٔ یزدان» ازوی واگرفته‌اند.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

این گزارش در دورهٔ صفویان‌جایگاه بس ارجمند داشته ومانند یك‌سند ومدرك بدان استدلال میکرده اند.

نصرآبادی از یك کتاب نگارآن دوره آرد: کاش‌تمام نگارشهای من‌از قاضی میرحسین بود وشرح دیوان او از من(۱) اگرچه همه نگارشهای میبدی آمیخته باعرفانست ، ولی این‌معنی‌دراین شرح بیش‌از همه‌جا آشکار است.

این گزارش دارای یك دیباچهٔ بزرگ است که خودیك کتاب جداگانه بشمارمیآید، وچون دارای مطالب عرفانی و فلسفی وعلمی‌است، نسخه های جداگانه نیزازآن یافت میگردد ، وبنام «فواتح» شناخته میشود . وی در این کتابچه پایه های بالارفتن (درجات صعودی) وپائین آمدن نفس آدمی را یاد کرده، ازحروف نورانی ونخستین واژه های سوره های قرآن (فواتح سور) یاد کرده ، واز آنها جملهٔ [صراط علی حق‌نمسکه] پیرو راه علی رستگار است ، بیرون آورده .

این دیباچه هفت فاتحه دارد ودر آن عرفان و فلسفه و منطق و ریاضی ونجوم درآمیخته، واز آنها لزوم دوستی و پیروی و سرسپردن باولیاء وبویژه خاندان پیغمبر را نتیجه گرفته است .

ازاین دیباچه درست‌آشکارمیشود که میبدی تاچه‌اندازه برعلوم کلاسیك زمان خود چیره واز باریك‌بینی‌های ادبی واستدلالهای فلسفی‌آگاه بوده‌است . این دیباچه نزدیك سه هزار و پانصد بیت نوشته است و هفت فاتحه دارد . وپس‌از پایان آن بگزارش شعرهای دیوان آغاز کرده گوید اکنون که‌فاتحه ها پایان یافت بگزارش شعرها پردازم ، نخست‌واژه‌هارا گزارش‌دهم‌وپس‌ازآن شعر را بی کم‌و کاست بنثر فارسی گردانم ، وسپس‌آنرا بیك دو بیتی فارسی در آورم ودر پایان داستانها وجز آنرا آرم.

سپس بگزارش این بیت آغاز نموده :

الناس من جهة التمثال اکفاء
ابو هم آدم والام حواء

در سرآغاز کتاب، نگارنده نام خودرا یاد کرده گوید : اگرچه داشته

۱ــ تذکره نصرآبادی چ۱۳۱۷ش. ص ۵۱۲ .

نیست که همهٔ این شعرها از آن علی باشد، ولی اگر یکی از آنها نیز از او باشد برای من بسنده است(۱).

میبدی در این کتاب مانند یك شیعی دورهٔ صفوی دربارهٔ علی تندروی وغلو کرده، وداستانها از جنگها و کارهای وی آورده است.

آغاز دیباچه : سپاس سعادت اساس، وشکر عبادت لباس، معبودی را که اعلام نبوت وولایت درمیدان فتوت...

انجام : واز نظر درویشان محفوظ باشد، ودر آخرت واسطهٔ خلاص ونجات، ورابطهٔ رفعت درجات شود. من منظومات الشارح:

ان النبی محمداً و وصیه و ابنیه وابنته البتول الطاهرة

تا چهار بیت، و سپس :

لله در کم یا آل یاسینا یا انجم الحق اعلام الهدی فینا

تا هشت بیت. پنج بیت از این هشت بیت در نسخهٔ این کتابخانه در متن نوشته شده، وسه بیت از خامه نویسنده افتاده، و کسی که گویا خود نگارنده (میبدی) باشد آنرا در حاشیه افزوده است.

[۲۶]

نسخه بخط نستعلیق زیبا. نام نویسنده و تاریخ ندارد. لیکن در
٩٧ طرف چپ و پایین برگ (۲۳۹ ب) این جمله دیده می‌شود [کتبه العبد الفقیر عبدالحی عبدالرحمان (چنین) عفی الله عنهما الغفران (چنین) تاریخ سنة تسع مائه] در کنار راست همین برگ کسی که گویا نگارنده باشد سه بیت شعر بر متن افزوده، وپس از آن اجازه‌ای برای کسی بنام تقیاالدین محمد نوشته متن این اجازه چنین است :

صورت هذه الحروف للاخ الرؤف مرکز دایرة الهدایة و دایرة مرکز الدرایة .... ذوالحسب البهی والنسب العلی المرتقی الی سماء السماحه، المنتهی الی البلاغة والفصاحه، محرز قصبات السبق عن الاقران بین الاکفاء، وعین الاعیان تقیاالدین محمد

۱ــ در نسخهٔ این کتابخانه در اینجا یك حاشیه از قطب الدین محمد شریف نوشته است، وسخن شارح را در این باره رد کرده، ودرستی نسبت همهٔ شعرها را بعلی تأکید میکند.

لازال مؤیداً . وارجوان یذکرنی عقیب الصلوات، فی مجالس الخلف والخلوات، وانا خادم اهل الیقین حسین بن معین جعله ...

همه رویه های این نسخه پر است از حاشیه ها با رمز (منه) و (ه) و (۱۲) و (قطب الدین محمد شریف) و (صحاح) و (قاموس) و (ص) و (مهذب الاسماء) و (مجمل) و (مغرب) و (دیوان) و (فایق) و (شرح مصابیح قاضی) و (نهایه) و (مغنی اللبیب) و (بیهقی) و (کفایة التعلیم) و (انوار) و (کشاف) و (مجمع الامثال) و (تاج المصادر) و (اصطلاحات کاشی) و (قیصری) و (حکمت اشراق) و (مواقف) و (شرح تجرید قوشچی) و (فصل الخطاب) وجز آن.

در برگ (٦٦ ب) دیباچه پایان یافته، شرح دیوان آغاز میگردد.

عنوانها ومتن شعرهای دیوان باشنگرف است.

همه رویه ها دارای جدول زر و مرکب سیاه . حاشیه ها بیرون جدول با خطهای گوناگون نوشته شده .

دارای یك سرلوح زر ولاژورد در نخستین رویه کتاب در برگ (۴ ب) . پس از پایان کتاب در برگ (۳۴۹ ب) یك برگ از کتاب دیگر صحافی شده و در یك برگ دیگر دعا نوشته شده است . یکی از استه نیز دو برگ سفید گشت .

(۳۴۱ برگ) کاغذ ترمه نخدی، جلد تیماج حنائی ضربی کهنه دارای لبه برگردان

اندازه : ۲۵×۱۵ و ۹×۱۸ ° ۲۵ سطر .

[۲۷] شرح دیوان انوری (فارسی)

اوحدالدین محمد پسر وحیدالدین محمد پسر اسحاق ابیوردی یاخاورانی متخلص بانوری، در جوانی پدرش در گذشت. وی دارائی پدر را در راه دانشجوئی صرف کرد، و در دانشهای زمان خود زبردست شد، و چون دارائی بپایان رسید بشاعری و ستایش سنجر سلجوقی (٤٧٩ - ٥٥٢) ودرباریان وی پرداخت، ولی چون بادانش سروکار داشت باندك بی حرمتی پاسخ میداد وبهجو میپرداخت، همین هجو گوئی سبب شد که عوام بلخ را براو بر انگیختند، قاضی حمیدالدین نگارندهٔ مقامات حمیدی اورا ازاین شورش نجات داد. انوری در ریاضی و نجوم وهیئت زبردست بوده، قران ستارگان سیاره را در (٥٨١-٥٨٢) پیش بینی کرده وبنابر عقاید باستانی اعلام کرد که جهان دراثر این پیش آمد نابود خواهدشد،

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ولی این گمان او نادرست درآمد واورا درچشم مردم کوچك کرد.

مرگ انوری را گوناگون آورده‌اند، وازهمه نزدیکتر(۵۸۳)است.

در تذکره‌ها آرند که انوری چند کتاب در ریاضی و ستاره شناسی وجز آن نگاشته، ولی اکنون جزیك دیوان از آثار وی بجا نمیباشد.

دیوان انوری در(۱۳۲۶ق) درتبریزدر(۱۰۰۰۰ بیت)چاپ شده، ودارای چکامه‌ها، مقطعات، دوبیتی‌ها وچند غزل است. ونسخهٔ کتابخانهٔ مجلس بشمارهٔ (۱۳۹٤٦) دارای (۱۲۰۰۰ بیت شعر) است و از آنجا که انوری در دانشهای زمان خود دست داشته شعروی پراز اصطلاحهای علمی است، وفهم شعر او بی شناختن آنها دشوار است، واز این روی کسانی دیوان وی‌را گزاره نموده‌اند.

یکی‌از گزارشهای این دیوان شرح محمد پسرمحمود پسرمحمدشادی آبادی است(۱) که شرحی نیز بردیوان خاقانی دارد و همزمان پادشاهی بنام ناصرالدین بوده است.

دیگر گزارش فراهانی است که نسخهٔ‌آن دراین کتابخانه هست وجای گفتگوی ما میباشد.

در تذکرهٔ نصرآبادی (۲) و شاهد صادق احوال وی را آورده گویند میرزا ابوالحسن حسینی فراهانی دراثر فشار زندگانی ازشهر خود به شیراز پناه برده. درنصرآباد حسن‌علی دائی محمد طاهر نصر آبادی را دیده وی اورا برای آموزش پسرانش نزدخود نگاه داشت. اوشرح تجرید ودیگر کتابها بپسران نصر آبادی میآموخت. و پس‌از دو سال ازآنجا بشیرازشد. امامقلی خان(۳) فرمانداز شیراز اورا گرامی داشت، ولی دراثر سخن‌چینی بدگویان در(۱۰٤۰) اورا کشت.

۱ـ ریو گوید: شادی آباد پایتخت بخش ملوه (مالـوا) واکنون (منده) خوانده شود. وپادشاه معاصراو ناصرالدین‌خلجی (ش۸۰٦ـ۹۵٦) میباشد. باید گفت: دردیباچه‌شرح دیوان خاقانی نسخهٔ سپهسالار شمارهٔ (۲۷۰) اورا دلشاد آبادی‌ونسخهٔ (۲٦۹) شادی آبادی نوشته‌اند.

۲ـ تذکره نصرآبادی چ‌تهران ۱۳۱۷ش. ص۲۷٦ـ۲۷۷.

۳ـ امامقلی پسر الله‌وردی فرماندار شیراز (از۱۰۲۱ تا۱۰٤۳)

وی دراین کتاب فقط شعرها و واژه هـای دشوار را گـزارش نموده. نخست یك یاچند بیت را نویسد و گزارش نماید، و سپس واژه هـای چند شعر دیگر دنبال آنرا آورده گزارش نماید. واز شعر شاعران بزرگ گواهها آرد، و کتابهای کلاسیك زمان خود نقل کند.

وی دراین کتاب از کتابهای زیرنقل میکند:

التفهیم‌بیرونی(م-٤٤۰)وشرفنامه منیری، ونزهةالقلوب‌مستوفی(م-۷۵۰) واصطلاحات الشعراء آذری، وجوهریهٔ خواجه نصیر طوسی (م-٦۷۲) و مجمل التواریخ. و شرح دیوان خاقانی ازشیخ‌آذری، واداةالفضلاء دهلوی، وشرح هیاکل‌النور دوانی(م-۹۰۷)، و کفایةالحساب غیاث‌الدین‌منصور دشتکی(۹٤۸) وشرح‌تذکره ازشمس‌الدین، و روضةالصفا ازمیرخوند، وفرهنگ حسین‌وفائی و حدایق‌العجم. و مجمع‌الامثال میدانی. و منتخب کتاب تکمیل از میرعطاءالله و معیارالاشعارخواجه نصیر، والمعجم فی‌معاییراشعارالعجم‌ازشمس‌قیس، وحاشیه شرح جدیدتجرید ازترمذی، وترجمه فارسی‌معاد از بوعلی، وتأویلات‌عبدالرزاق کاشی(م-۷۳۰) وفرهنگ میرزا، وتحفه، وحدیقهٔ‌سنائی. وفرهنگ شمس فخری وربیع‌الابرار زمخشری،وامامت‌خواجه‌نصیر. وجام‌جهان‌نمااز‌غیاث‌الدین‌منصور. ورساله ازرسایل فرس بخط قدیم. وشرح مقامات حریری ازجوهری. وعجایب المخلوقات، و شرح دیوان از قاضی‌میرحسین، والسامی فی‌الاسامی.واشعارحافظ شیرازی، وخفاف. ومهجة‌التوحید.

این کتاب در دوقسمت است: نخست گزارش چکامه های دیوان انوری، دوم گزارش مقطعات.

بخش یکم را درجوانی نگاشته وبخش دوم را درپیری.ودردیباچهٔ‌بخش دوم بدین معنی اشارت کرده واز نادرستیهای بخش‌یکم پوزش خواسته است. دربرخی نسخه‌ها مانند نسخهٔ شماره (۱۱۰٦) کتابخانهٔ مجلس بخش یکم‌دارای دیباچه‌میباشد، وبرخی دیگر مانند نسخهٔ این کتابخانه دیباچه ندارد.

آغاز این دیباچه در نسخه یاد شده افتاده است، و نسخه چنین آغاز می گردد:

که بفسون خواهش بی‌تمیز پلاس کهنهٔ لفظ رابیهای‌پرند معنی بفروشد.

وسرچشمهٔ... خامهٔ جهان‌نورد این گوشه‌نشین بساط‌سخن ابوالحسن...

آغاز بخش یکم:

بلز این چه جوانی و جمالست جهانرا
وین حال که نو گشت زمین را و زمانرا
هم جمره برآورده و فرو برد نفس را
هم فاخته بگشاد و فرو بست زبانرا

جمره بنا بر مشهور بخاریست که درآخر زمستان از زمین برآید، ودر اصطلاح تازیان...

انجام بخش نخست: سطرلاب؛ آلتیست معروف که ارتفاع... سطرلابون یعنی... محال؛ خطا قلابی بفتح... تعلیم؛ کسیرا چیزی... رسن‌تابی؛ پس‌روی... دول؛ بضم واو آنچه بی‌تامل برزبان قلم آید اینست که ذکرشد.

آغاز بخش دوم:

ای نام تو قالب عبارت را روح
در راه تو پای عقل و دانش مجروح

... ابوالحسن الحسینی الفراهانی...

در دیباچه بخش دوم میگوید میخواستم شرح چکامه‌ها را که در جوانی نگاشته‌ام بازدید کرده راست‌سازم ولی، دوستانم نگاشتن بخش دوم را لازم‌تر دانسته، مرا براین واداد کردند.

این گزارش نزدیك (۴۳۰۰ بیت) نوشته دارد.

در نسخهٔ این کتابخانه دیباچهٔ بخش یکم وهمهٔ بخش‌دوم راانداخته‌اند. نسخهٔ‌مجلس هم‌دیباچه وهم‌بخش دوم‌را دربر دارد، ونسخهٔ‌آقای مدرس رضوی نیزبخش دوم را دارد.

[۲۷]

فقط بخش‌یکم را آنهم بی‌دیباچه دربردارد.

۲۳۳

نسخه‌بخط نستعلیق زیبا. نویسنده محمد عیسی. در(۱۲۳۶) آنرا نوشته. شعرهای انوری‌را باشنگرف وشعرهای دیگررا با لاژورد وواژه‌های تفسیرشده را با زر نوشته است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

همهٔ رویه‌ها دارای دو جدول بیرون با زر، و درون با زر ومرکب سیاه. نخستین رویه حاشیه سازی و زرافشانی شده‌است. یك سرلوح زر وشنگرف ولاژورد در برگ(۱ ـ ب) دارد میان برگهای (۸۲ـ۸۳) دو برگ افتاده است. درپایان نسخه دوبرگ (۱۰۸ و۱۰۹) سفیدمانده‌است.

(۱۰۹ برگ) کاغذ دولت آبادی. جلد تیماج مشکی سوخته زرکوب داخل تیماج حنائی کهنه.

اندازه: ۱۰×۱۹ و ۶×۱۳، ۱۵ سطر.

[۲۸] شرح دیوان خاقانی شیروانی (فارسی)

نام او بدیل(۱) یا ابراهیم(۲) یاعثمان(۳) ولقبش افضل(۴)الدین واهل شیروان‌است. وخودرا حسان‌العجم نیزمی‌خوانده. وبقول شادی‌آبادی درشرح این دیوان، لقب سلطان‌الشعراء نیزداشته است. درآغاز کار حقایقی(۵) وسپس بنام خاقان اکبر منوچهر شروان شاه، پادشاه روزگار خود، خاقانی تخلص گرفته است.

وی در شعر نام پدر خود را علی و کارش را درودگری یادآور شده. مادر بسیار مهربان او بانوی نستوری مذهب بوده واز این روی خاقانی را به اصطلاح های آئین مسیح آشنا می یابیم. عموی خاقانی کافی الدین عمر پسر عثمان پزشك و فیلسوف بوده، وخاقانی را که از کودکی بی پدر شده، او پرورانیده است.

در تاریخ مرگ وی چندگفته است که ازهمه نزدیکتر ۵۹۵ میباشد ودرتبریز درسرخاب بگورستان شاعران دفن شده.

۱ـ خود دراشعارش‌وجامی‌در نفحات‌الانس: ۵۴۶.

۲ـ تذکره دولتشاه طبقهٔ دوم‌ومرآت الخیال چ هند ص۲۹.

۳ـ شادی آبادی در دیباچهٔ‌شرح دیوان‌خاقانی نسخهٔ‌شمارهٔ (۲۷۰) کتابخانهٔ سپهسالار.

۴ـ خودش وهمچنین ابوالعلاء گنجوی درشعر، وی رابه چنین لقب خوانده‌اند.

۵ـ خود در دیباچهٔ تحفةالعراقین بدان اشارت کرده.

آثار خاقانی (۱)

۱ــ دیوان که‌جای گفتگوی‌ماست .

۲ــ تحفة‌العراقین در (۳۲۷۱بیت) شعر (چ‌هند ۱۸۵۵م) ونیز در دنبال دیوان در هند چاپ شده .

۳ــ ختم‌الغرائب (۲)

٤ــ نامه‌های گوناگون. نسخهٔ‌آنها در سپهسالار بشمار (٦۰۰) هست. (چ‌مجله ارمغان - تهران) .

روش خاقانی :

خاقانی از شاعران چکامه سرا بشمار میرود . او در توصیف و نمایش پدیده‌های جهان‌استاد و باریك‌بین است شعراو مانندنقش ونگارهای‌ریزه کاری شده ، جزئیات رابرای خواننده روشن مینماید.

خاقانی بر واژه های فارسی وتازی واصطلاحهای دانشهای روز گار خود چیره بوده است ، لیکن وی این زبانها را آموخته است نـه اینکه زبـان مادری‌او باشد، وبنابراین نمیتوان‌توقع‌داشت وی مانند یك‌شاعر دری گوی‌خراسانی ساده ورسا وناپیچیده شعر بسراید.

خاقانی برای دانشمندان واصطلاح دانان وادیبان دربار شعرمیسروده

۱ــ کهن‌ترین گزارش زندگی خاقانی در لباب‌الالباب‌ج۲ص۲۲۱ وقزوینی در آثارالبلاد دنبال شیروان و مستوفی در تاریخ گزیده (چ گراووری ۱۹۱۳ م ص ٤٦۲ و۷۸۷ و ۸۱۸ و۸۲۷ و۸۲۸ وتذکره دولت شاه طبقهٔ دوم ونفحات‌الانس‌جامی ص ٥٤٦ وامین احمد رازی در هفت اقلیم ومجالس‌المؤمنین قاضی نورالله (چ۱۰۱۹) مجلس دوازدهم و آتشکده آذر ص۳۵ ومجمع الفصحاء ج ۱ ص ۲۰۰ و پژوهشهای دانشمندان امروز ؛ تربیت در مجله گنجینهٔ فنون شماره دوم سال ۱۳٤۱ق و در دانشمندان‌آذربایجان (ص۱۲۹ــ۱۳۲)، قزوینی در حواشی چهار مقاله (ص ۱۵۱) و فروزانفر در سخن و سخنوران ج۲ ـ ص۳۰۰ و٤۰۳. وتربیت درمجلهٔ مهر بعنوان مثنوی ومثنوی‌سرایان شمارهٔ۷ سال۵ ۰ آذر ۱۳۱٦ش.

۲ــ خود گوید :

اناك ختم‌الغرائب آخر دیدند ..... تاچه ثنا خوانده‌ام برای‌صفاهان

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

است نه‌برای همگان، اگر او میخواست برای مردم شعربگوید ناچار بودمانند فردوسی وحافظ وسعدی بزبان همگان فهم بسراید.

درشعر وی مانند شعر همهٔ شاعران دانشمندی که بجز زبان مادری خود شعر سروده‌اند(۱) پیچیدگی وتارسائی بسیار دیده میشود . تا آنجا کـه عرفی شیرازی گفته است : بیش از پانصد بیت از دیوان خاقانی بی معنی میباشد . و عبدالوهاب حسینی در دیباچهٔ شرح خود (۲) عرفی را بر این سخن سرزنش کرده‌است. ونیز مولوی در مثنوی(۳) منطق‌الطیرخاقانی(٤)را بصداوانعکاس صوت‌مانند ساخته.

بی‌شك یکی ازعوامل مؤثرپیچیدگی درشعر خاقانی‌آنست که وی‌بلهجهٔ دری آشنائی درست نـداشته است . چنانکه میدانیم میهن لهجهٔ دری سرزمین خراسان است، ودردیگر استانهای ایران تا سدهٔ پنجم لهجه های دیگر فارسی روابوده‌است؛ مانند کردی در کردستان، آذری‌در آذربایجان، تبری‌در‌تبرستان، گیلکی درگیلان ، پهلوی جنوبی در جنوب.

و چون خراسان دور ترین استان این کشور از پایگاه پادشاهان تازی (بغداد) بود، وزودتر ازدیگرجاها بیرق‌آزادی برافراشته وزبان خود (دری) را رسمیت داده بود ، مردم دیگر استانها بسر زمین خراسان با دیـدهٔ احترام وامیدواری مینگریستند و چون بیرق آزادی ایران از این سرزمین بر دیگر استانها گـسترش یافت زبان ایشان(دری) نیز زبان رسمی وزبان دانش ونـامه نگاری و شعر در همهٔ استانها گردیده مردم استانها لهجهٔ دری را با آنکه تـا اندازه‌ای از لهجهٔ ایشان جدا بود ؛ بر زبان بیگانه و دشوار تازی کـه تا آن

۱ــ مانند بسیاری از سرایندگان فارسی هندوستان و همچنین عربی سرایان ایران وهند وترکیه .

۲ــ جای گفتگوی ما همین گزارش است.

۳ــ ج۲ ص۱۸۹ چ‌علاءالدوله .

٤ــ خاقانی درچند جا شعرخودرا بمنطق‌الطیر سلیمان مانند کرده است

روزگار زبان‌رسمی‌ومذهبی بود، برترشمردند،آنراشیرین ودلپذیریافته باموزش آن‌پرداخته‌رواجش گردانیدند.

آری درسدهٔ چهارم وپنجم سامانیان وغزنویان درخراسان لهجهٔ دری را رسمی شناخته گسترش دادند ولی دیلمیان دربغداد و ری لهجه های‌محلی‌را پست شمرده وزبان تازی را گرامی میداشتند. و از این روی لهجهٔ دری دراین دوسده گسترش یافت‌وپرمایه گشت ولی‌لهجه‌های‌محلی دیگرناتوان گشته روی بنابودی نهاد . وچون در نیمهٔ یکم سدهٔ پنجم سلجوقیان از خراسان بعراق وآذربایجان‌درآمدند ، لهجهٔ دری‌را با خود آورده و بجای زبان تازی زبان رسمی گردانیدند، وبزودی جای زبان بیگانه تازی‌را گرفته آنرا براندند وچون این‌لهجه با زبان مردم‌آن استانها از یك‌ریشه وهم زبان‌رسمی‌بود اندك اندك لهجه های محلی‌را نیزنابود ساخت.

ازاین‌پس شاعران‌دری گوی مانندقطران وغضائری رازی‌وابوالمعالی رازی درآذربایجان وری یافت شدند. و در این روزگارست که می‌بینم دیوان شاعران‌خراسان- چون منجیك ودقیقی ـ در آذربایجان بدست قطران افتاده واین شاعر آذربایجانی‌دری گوی گزارش برخی واژه های دری را که برای وی دشوار بوده از ناصرخسرو(۱) پرسیده است. وگرنه پیش‌از این تاریخ از لهجهٔ دری دراین‌استانها اثری نیست ، وآثاری که بجا مانده است بزبان تازی واندکی‌نیزبزبانهای محلی‌میباشد.

با این همه نباید گمان برد ؛ دیوان خاقانی از شعر ساده و رسا تهی میباشد. مقام دانش ووسعت فکراین شاعر باوتوانائی‌داده است که معانی باریك را درقالب واژه های شیرین بریزد، وکسانی‌را که با روش او آشنا باشندشیفتهٔ

۱ـ و در تبریز قطران نام شاعری را دیدم شعری‌نیك میگفت، اما زبان فارسی نیکو نمی‌دانست پیش من‌آمد دیوان منجیك ودیوان دقیقی بیاورد وپیش‌من بخواند ، وهر معنی که اورا مشکل بود ازمن پرسید با او بگفتم وشرح آن بنوشت ، و اشعار خود بر من خواند. سفرنامهٔ ناصرخسرو ، چ برلن ۱۳٤۱ ق ، ص۸ .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

خودسازد، وازهمه بالاتر دیوان وی‌یکی‌از منابع‌واژه های‌علمی فارسی‌میباشد که برای دانشجویان زبان‌فارسی بسیار سودمند است.

دیوان خاقانی را دارای بیست و دو هزار بیت نوشته‌اند وسه بار درهند چاپ شده که آخرین آنها در (۱۲۹۵ق) و(۱۳۲۵ق) بوده وسپس بسال(۱۳۱۷ ش) نیز یکبار توسط عبدالرسول درتهران چاپ‌شده است . ولی‌شمارهٔ شعراین چاپ (۱۷۷۰۰ بیت) بیشتر نیست.

چون شعر خاقانی دارای واژه های دشوار واصطلاحی دانشمندان نجوم وهیئت وریاضی وموسیقی وشطرنج ودیگر علوم است ناچار چندین کس آنرا شرح کرده‌اند :

۱ـ گزارش‌شیخ‌آذری. دولتشاه آنرا شرح یك قصیدهٔ خاقانی دانسته. وفراهانی نیزدرشرح دیوان انوری ازآن نقل کرده .

۲ـ جامی عبدالرحمان (م-۸۹۸) ازفهرست‌آصفیه (ج۲ص۱۲۵۲)برآید که نسخه‌اش درآن کتابخانه بشماره (۹۳- دیوانهای فارسی) هست.

۳ـ شرح محمد پسر داود پسرمحمد پسرمحمود شادی‌آبادی(۱) معاصر شاه‌ناصرالدین(؟). وی بردیوان انوری نیزگزارشی نگاشته‌است.

٤ـ گزارش عبدالوهاب پسر محمد حسینی حسنی معموری متخلص بغنائی،جای گفتگوی ما نسخهٔ این کتابیست که بشماره (۲۱٦) دراین کتابخانه هست . وی این کتاب‌را بسال (۱۰۱۸) نگاشته ، و مطالب بسیار در آن گنجانده است .

درچکامهٔ که آغازش چنین است :

۱ـ که در(ص۱۲٦) یاد او گذشت

آغازگزارش شادی آبادی چنین است : جواهر زواهر سپاس بی‌قیاس نثار... این گزارش نزدیك (۱۲۰۰۰ بیت) نوشته دارد. ونامرتب میباشد. نسخه های آن‌در کتابخانه سپهسالار بشماره (۲٦۹ و ۲۷۰) ونزد آقای مدرس رضوی وجز اودیده شد .

جام طرب کش که صبح کام برآمد
خندهٔ صبح از دهان جام بر آمـد

لحن های موسیقی را بر شمرده وشعر چندتن از شاعرانرا برای مثال آورده است .

وی شیعی‌مذهب بوده وهمه‌جااز امام جعفرصادق ودیگر امامان ومذهب امامیه بنیکی یاد کرده ، و[حی‌علی‌خیرالعمل] را جزو اذان دانسته‌است، و معنی فقروفنا‌فی‌الله را ازمحققان‌صوفی نقل کرده، وبهشت‌را از گفته ایشان روحانی نقل کـرده ، و از اصطلاح هـای هندیان و سیستانیان و خـراسانیان بسیار آورده است .

در دیباجه‌ازاینکه‌مردم ارزش شعرخاقانی‌را نمیدانند واینکه‌بی کمالی چون عـرفی شیرازی (بگفته او) بشعر خاقانی خرده گیری کرده؛ سخت بر آشفته است.

در پایان گزارش چکامه‌ای که آغازش چنین است :

مرغ شد اندر سماع رقص کنان صبحدم
بلبله را مرغ دار وقت سماع استهم

میگوید: [والحال که تاریخ هزار و هژده سال از هجرت گـذشته نسرین در جدی واقع‌اند و یك دورهٔ آنها در مدت بیست و چهار هزار سال به اتمام میرسد ...]

در نیمهٔ نخست‌این گزارش چکامه ها بترتیب حرفهای قافیه آنها بسیج شده ، و در نیمهٔ دوم غـزلها وقطعه ها را گزارش نموده ، وهمه کتاب نزدیك (۱۳۸۰۰) بیت نوشته دارد.

برخی بخشهای کوتاه‌این شرح‌درپاورقی‌دیوان خاقانی‌چاپ‌عبدالرسولی درتهران چاپ شده‌است.

وی دراین کتاب از کسـان و کتابهای زیر نام برده است:

فردوسی . انوری . گرشاسبنامهٔ اسدی . کسائی . سیف اسفرنگی

ظهیرفاریابی. عطار. مولوی. منطق‌الطیرامیرخسرو. ازرقی. خلاق‌المعانی. نظامی گنجوی. شمس فخری. شرح مخزن‌الاسرار نظامی. لغت فرس‌اسدی. صحاح جوهری . شرفنامه . ادات الفضلاء (آداب الفضلاء) . فرهنگ شیخ عبدالرحیم بهاری معاصر شمس الدین محمد خفری . دستور اللغة . فرهنگ سروری کاشانی. نصاب الصبیان. کنزاللغة . مطول تفتازانی . تفسیر کبیر . تفسیر بیضاوی. شهربانو مادر امام زین‌العابدین . شهرهای جابلقا و جابلسا . تاریخ طبری. چکامهٔ بوعلی سینا. ابن‌عربی. سعد حموی. عبدالرزاق کاشی. شیخ‌سری سقطی . ملاحسین کاشفی .

آغاز : خاقان کشور سخنوری و سلطان ملك بلاغت گستری ...

نام نگارنده در دیباچه یادشده است .

انجام : خربط : بط کلان است که آنرا قاز گویند ، و آنرا شکل ابلهانه است، وسفید میباشد . وبمعنی ابله و نادان نیز آمده . ودراین مقام معنی ثانی‌مراد است تمت .

[۲۸]

۲۱۶ نسخه بخط نستعلیق . نام نویسنده محمد معصوم پسر محمدباقر منشی ، به دستور آق اولی‌خان برادر آقاعلی خان پسر سلطان‌خان خوشنویس. در تاریخ دهم جمادی اول سال (۱۰۳۷)یعنی نوزده سال پس‌از نگارش کتاب نوشته شده است .

شعر هارا با شنگرف نوشته برپشت برگ‌یکم چنددست‌خط مالکیت نوشته‌شده یکی از حسن علی پسر عبدالله پسر حسن شوشتری ، ودیگر در اصفهان بسال (۱۱۲۵) و نیز در پشت همان برك نوشته شده :

شرح بعضی ازاشعار بلاغت شعارافضل‌الدین‌خاقانی للسیدعبدالوهاب المعموری

میان برگ (۱و۲) یك برگ افتاده است.

در هریك از برگهای (۱۶۳) و (۱۷٤) یك رویه سفید مانده است .

(۳۱۴ برك) کاغذ نخدی رنك. جلد تیماج‌کهنه سایده حاشیه‌متوالی.
اندازه : ۱۴×۲۰ ۱۴ تا ۱۵ سطر

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

[٤٩] شرح کلمات قصار پیغمبر (فارسی)

اگرچه پس از مرگ پیغمبر(ص) جز قرآن چیزی از سخنان وی گرد آوری نگشت، لیکن حدیثهائی از وی سینه بسینه آمده که در سده های سوم وچهارم آنها را گردآوردند و کتابها ساختند، وچون از پیغمبر حدیثی آورده‌اند که برای نقل چهل حدیث از او پاداشها معین کرده است، از این روی کسانی بگردآوری «چهل حدیث» پرداخته اند. وبرخی از شیعیان کـه روایت کردن حدیث‌ها درستایش علی (ع) را نیکو شمرند، بگردآوری حدیث هائی که در ستایش وی از گفته پیغمبر نقل شده است، پرداخته اند مانند «صحیفة المحبة» که در این فهرست یاد خواهد گشت . و سپس در سده هـای پسین کسانی در میان آنها حدیث‌های کوتاه را بتقلید از سخنان کوتاه بزرگان دریکجا گرد آورده اند (ذریعه: ٤: ۱۳۱ و۷: ۲۰۷ دیده شود).

سه کتابچه در این زمینه در اینجا یاد میگردد که همه در یك دفترجای گرفته‌است ،وبشمارهٔ (۱٦٤) در این کتابخانه میباشد.

۱ــ چهل کلمه با ترجمهٔ هر کلمه بیك‌بیت فارسی . آغازش افتاده‌است . گردآورنده وسراینده شناخته نشد. پایان آن چنین است :

القلب میت وحیوانه بالعلم (صدق رسول‌الله).

دل جاهلان را تو مــرده شناس
نباشد دل جـاهـلان حق شناس

تمت‌الاربعین حدیثاً .

۲ ــ چهل حدیث کوتاه بی ترجمه

آغاز: بسمله . حمدله... قال‌النبی (ص) من‌قرأ ، أوحفظ اربعین‌حدیثاً ... قال‌النبی(ص): الصلاة‌عمادالدین ...

انجام : والخامس‌فقیرصابر. والسادس امراة‌محصنة. تمت.

گردآورنده شناخته نشد.

۳ــ سی‌حدیث کوتاه باترجمه هریك بدو بیت فارسی.

گردآورنده و نگارنده‌شناخته نشد.

آغاز: ومن کلامه (ص): انماالاعمال‌بالنیات. صدق‌رسول‌الله (ص).

اصل اعـمال نیت‌نیکو است   نیت نیکـــدار ای مهتـر

انجام : قال‌رسول‌الله(ص): احمدك بجمیع محامدك.صدق (ص).

دوجمله پایان‌را بفارسی ترجمه نکرده‌است .

[۳۰]

۱٦٤ نسخه درآغاز یك دفتر بدین‌ترتیب جا گرفته ۱)چهل کلمه باترجمه ۲) چهل کلمه بی‌ترجمه ۳)سی کلمه باترجمه، وپس ازآن« صحیفة‌المحبة » و کتابچه های دیگرهست . نویسنده محمدافضل پسرقیصر علی تفرشی است . در چهارم جمادی یکم سال(۱۰۹۸) نوشتن آن پایان یافته. و کتابچهٔ یکم‌را در(۱۰۸۸) بپایان‌رسانیده است. جمله‌های[قال‌النبی...] راباشنگرف، ومتن‌حدیث‌راباشنج‌سیاه، وترجمه‌فارسی را بانستعلیق ومرکب سیاه نوشته. همهٔ دفتر(۹۰برگ) این سه کتابچه (۹ برگ) کاغذ و جلد درص۱۱٦یاد شده‌است.

[۳۱] شرح کلمات قصار امیرالمؤمنین (ع) (فارسی)

چنانکه درعنوان«نهج‌البلاغه» خواهیم گفت حضرت‌علی (ع) مانندیگر سخنوران بنام عرب سخنان کوتاه اندرزوار بسیار داشته است . ودرسده های پسین کسان بسیاروقت خودرا درگردآوری سخنان کوتاهی که بوی‌نسبت‌داده شده، صرف نموده‌اند .

گویند (۱) نخستین کس که بگرد آوری سخنان کوتاه علی پرداخته جاحظ (۱٦۰ــ۲۵۵) میباشد که صدشماره ازآنها را برگزیده ودریکجا گردآورده است .

۲ــ ابویوسف یعقوب پسرسلیمان اسفرائنی قاضی، کتابی بنام«الفرائدوالقلاید» دراین‌باب نگاشته. دردیباچه عیون‌الحکم نام‌آن‌آمده،ونسخهٔ‌سدهٔ‌ششم‌آن در کتابخانهٔ مروی تهران هست. فهرست سپهسالارج ۲ص۱٤۷ .

۳ــ قطب راوندی (م‍ــ۵۷۳) صدکلمهٔ جاحظ را شرحی نوشته است . فهرست سپهسالارج ۲ص۸۳.

---

(۱) گزارش زندگی جاحظ در فهرست ابن‌ندیم وابن‌خلکان وبغیة‌الوعاة آمده وهیچ کدام گردآوری سخنان کوتاه علی را بوی نسبت نداده اند ، آری در روضات (ن‍ــ۱۳۱۳) ازفصول‌الایة‌نقل کرده که جاحظدربرخی‌ازنگارشهای خودآنها راگرد کرده‌است، ونیزدردیباچهٔ دو کتاب «غررالحکم‌ودررالکلم» آمدی، و«عیون‌الحکم» لیثی‌واسطی‌چنین نسبتی بجاحظ داده شده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

۴ ـ دیگر: ناصح‌الدین ابوالفتح عبدالواحد پسر محمد پسر عبدالواحد تمیمی آمدی. کتابی بنام غررالحکم نگاشته و نسخهٔ آن بشمارهٔ (۹۵) دراین کتابخانه هست. ودربارهٔ آن ونگارنده‌اش گفتگو خواهیم نمود.

۵ـ عیون‌الحکم والمواعظ وذخیرة‌المتعظ والواعظ، ازعلی‌بن‌محمدلیثی‌واسطی نسخهٔ آن بشمارهٔ (۹۶) دراین کتابخانه هست، و دربارهٔ آن نیز گفتگوخواهیم نمود.

۶ ـ ابن ابی‌الحدید (م۶۵۵) در پایان شرح نهج‌البلاغة هزار کلمه راگرد آورده است.

۷ـ نثراللالی ازابوعلی طبرسی (م-۵۴۸) یا فضل‌الله راوندی (م-۵۴۸) یا قطب راوندی (م-۵۷۳). در(۱۳۱۲ق) چاپ شده.

۸ـ رشید وطواط (م-۵۷۳) صد کلمهٔ جاحظ رایك‌بار بنثرتازی وباردوم‌بنثر فارسی وسوم باربشعر فارسی دریك جاگردآورده و«مطلوب کل طالب»نامیده. وترجمهٔ منظوم فارسی آن‌تنها چندبار درایران چاپ‌شده است.

۹ـ ابن میثم بحرینی (م-۶۷۹) شرحی بنام منهاج‌العارفین براین صد کلمه نگاشته. ونسخهٔ آن بشمارهٔ (۱۷۴) دراین کتابخانه هست.

۱۰ـ ابوالمحاسن‌ابن‌ساوجی. محمدپسرمعدپسرمحمدپسرنخجوانی بسال(۷۳۲) هر کلمه‌از نثراللالی رایك‌بیت فارسی نظم کرده‌و بنام«بدرة‌المعانی فی‌ترجمة‌اللالی» دراستانبول (۱۳۱۵ق) چاپ شده. (دانشمندان آذربایجان-ص۲۱).

۱۱ـ درویش اشرف در(۸۳۸ق) صد کلمهٔ جاحظ را بنظم فارسی درآورده است. (دانشمندان آذربایجان‌ص۱۴۷)

۱۲ـ جامی (م-۸۹۸)صد کلمهٔ‌جاحظ رابنظم‌فارسی درآورده است (گنجینهٔ تربیت).

۱۳ـ ترجمهٔ منظوم فارسی صد کلمهٔ جاحظ از عادل. (سدهٔ۸-۱۰) نسخهٔ (۳۰۴۹و۲۷۹۹) سپهسالار.

۱۴ـ ترجمهٔ منظوم فارسی نثراللالی ازهمان عادل. (چ‌تهران - ۱۳۰۶) و نسخهٔ (۱۶۴) این کتابخانه.

۱۵ـ میرعلی شیرنوائی(م-۹۰۶) هر کلمه ازنثراللالی رایك دو بیتی ترکی

سروده ونظم‌الجواهر نامیده است.

۱۶ـ عبدالواحدمعفرصوفی‌روزگارصفوی‌صد کلمه‌جاحظرا بنظم فارسی سروده است. (وقایع‌الایام خیابانی ج۳-ص۳۹۳).

۱۷ـ ملامحمد پسرابوطالب‌استرآبادی‌درروزگارصفوی.صد کلمهٔ‌جاحظ را بفارسی ترجمه کرده (الذریعه ج ۴ص۱۳۲).

۱۸ـ حسین‌بن یوسف هروی (سدهٔ-۱۰) چهل کلمه‌را بدوبیتهای فارسی ترجمه کرده.

۱۹ـ مکتبی شیرازی (م-۹۰۹) شصت کلمه‌رابنام «کلمات علیه‌غرا» در (۱۵۰۰بیت) بفارسی سروده است درتهران (۱۳۱۳ش) چاپ شده.

۲۰ـ مولی میرقاری کوکبی گیلانی همزمان شاه عباس (ش-۱۰۳۷) در کتاب زبدة‌الحقایق‌خود فصلی‌برای این کلمه‌ها گشوده است(فهرست سپهسالار ج ۲- ص۱۴۷).

۲۱ـ نظم‌الغررونضدالدرر درترتیب‌غررالحکم آمدی. ازعبدالکریم‌پسر محمدیحیی قزوینی همزمان‌شاه‌سلطان حسین‌صفوی(ش۱۱۰۱-۱۱۳۵). نسخه‌اش درسپهسالاربشماره (۳۰۵۱)هست.

۲۲ـ اصداف‌الدرر درترجمه غررالحکم آمدی‌بفارسی. ازهمان‌عبدالکریم پسرمحمد یحیی قزوینی. درشیرازبسال (۱۳۴۴ق) چاپ شده است.

۲۳ـ آقاجمال خوانساری (م-۱۱۲۵) شرحی‌بفارسی برغررالحکم آمدی نوشته است. نسخهٔ سپهسالارشمارهٔ (۳۳۰۷).

۲۴ ـ خواجگی زاده صد کلمه را بترکی شرح کرده است (کشف الظنون).

۲۵ـ یوسف‌نصیب. نثراللالی‌رابترکی‌ترجمه کرده وبنام‌رشتهٔ جواهردر (۱۲۵۷ق) دراستانبول چاپ‌شده. (فهرست کتب عربی‌لندن).

۲۶ـ معلم‌ناجی نیزنثراللالی‌رابترکی‌ترجمه‌نموده، وبنام «امثال‌علی» در استانبول‌بسال (۱۳۰۳ق) چاپ شده (فهرست کتب عربی لندن).

۲۷ـ لسان‌الملک سپهر درناسخ‌التواریخ‌پایان جلددوم کلمه‌های کتاب عیون‌الحکم‌را بفارسی گردانیده وبسال (۱۲۸۹) چاپ کرده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

۲۸- محمد علی جراح نظام در (۱۲۷۵ق) کتابچه بنام نصایح حضرت امیر گرد آورده .

۲۹- حالی خوشنویس، عمادالفقراء محسن ازدبیلی؛ کتاب عبدالکریم پسر محمد یحیی قزوینی را بفارسی ترجمه ودرشیراز در(۱۳٤٤ق) چاپ کرده است .

۳۰- فلاشیر آلمانی کتاب رشید وطواط را بآلمانی ترجمه و بااصل فارسی آن درلایپزیک در(۱۸۳۷م) چاپ کرده است .

۳۱- کاظم پسر محمد گیلانی (فیلسوف الدوله) نثر اللالی را بفارسی ترجمه و بسال (۱۳۱۸ق) درتهران چاپ کرده است .

۳۲- مؤرخ الدوله احمدعلی سپهری (۵۷۰ کلمه) را با ترجمه فارسی وفرانسه گردآورده. وبنام« کلمات قصار» چندبار چاپ شده .

۳۳- کمال الدوله محمد حسن قاجار همزمان مظفرالدین شاه(٤۳۰) کلمه را بنام «ابواب الحکم» گرد کرده و بسال (۱۳۱۹ق) درتهران چاپ کرده .

۳٤- سیدعبدالله بهبهانی بوشهری کتابی بنام« محفظة الانوار » در (۱۳٤۳ ق) درشیراز چاپ کرده .

۳۵- شیخ عباس قمی (م-۱۳۵۹ق) صد کلمه را بفارسی ترجمه وشرح ودوبار بسالهای(۱۳۳۱ق و ۱۳۵۳ق) درتهران بنام حکمت بالغه چاپ کرده است .

۳٦- سید هبة‌الدین شهرستانی نیزصد کلمه گرد آورده است .

یکی از گزارشها که اکنون جای گفتگوی ماست شرح وترجمه بیست بنظم فارسی برای بیست و نه کلمه بترتیب حروف الفباء خط تازی(آ-ی) ولام الف لا را نیزیك حرف شمرده. وی هر کلمه را بدوشعر فارسی سروده‌است، بجز آخرین کلمه را که بایك غزل هشت بیتی ترجمه کرده است . وهمهٔ آن (٦۳بیت) است.

آغاز: مشتمل بربیست و نه کلمه مع حروف الابجد من کلام امیرالمؤمنین وامام....

...الف :- اشرف العبادة الاخلاص بالشهادة .

همچو خورشید اگر شرف خواهی
آن شرف از عبادت خاص است
چون زبانت شود شهادت گوی
پس دلت را کمال اخلاص است

ب - : بدرالاحسان لایبلی وربعه لایفنی ...

انجام :ی:- یشهدعلیکم الکتاب یوم الحساب .

ای دل اسباب راه حاصل کن
چون ترا عمر راه خواهد بود

تا آنجا که گوید :

اسدی توبه کن که ناظر تو
مطلع از گناه خواهد بود

وبنابراین تخلص سراینده اسدی است ولی من اورا نشناختم .

[۳۱]

۱٦٤ نسخه ششین کتابچهٔ این دفتراست. خط متن تازی نسخ وشنگرف. وشرح فارسی با نستعلیق وسیاه . نام نویسنده ندارد ولی همهٔ این دفتر بخط محمد افضل است که در(ص۱۱٦) یادشده ودر(۱۰۸۸) تا(۱۰۹۸) نوشته شده .

همهٔ دفتر(۹۰برگ) این کتابچه (٤برگ) کاغذ وجلد در(ص۱۱٦) یادشده .

[۳۲] شرح گلستان (عربی)

گلستان نامبردارترین یادگار سعدی شیرازی، بلکه نامترین کتاب فارسی میباشد، و گفتگو دربارهٔ آن از گنجایش این کوتاه فهرست بیرون است، گلستان تاچندین سده یگانه کتاب ادبی واخلاقی وسزاوار خوانده شدن دردربارهای خاور نزدیک ومیانه بشمار میرفت، ازدورترین نقاط هندتا استانبول شاهزادگان این کتاب رادرس میگرفتند ومیخواندند. وچون زبان مادری بیشتر ایشان جز فارسی بودناگزیر دانشمندان راوادارمیکردند گزارشها بزبانهای گوناگون هندی وتازی وترکی وجز آن برای گلستان بنویسند، ومن چندشماره از آنها را دراینجا یاد میکنم :-

- کهن ترین گزارش که چلبی برای گلستان یاد کرده شرح منیری است، وی از برخی نقل کند که شرح علی زاده (سیدیعقوب پسر سید علی) دزدی این شرح است .

- شرح علی‌زاده ؛ سیدیعقوب پسرعلی که جای گفتگوی ماست .

- شرح ملالامعی (م۹۳۸) فقط بردیباچهٔ گلستان بوده .

- شرح ملامصطفی پسرشعبان که بسروری نامبردار است و بسال (۹٦۹)

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

در گذشته. وی گلستانرا بزبان تازی برای سلطان مصطفی پسر سلیمان گزارش نموده و بسال (۹۵۷) پایان یافته.

- شرح قاضی محمود پسر میناس،
- شرح ملاضعیفی قرطوی.
- شرح ملاسودی (م - ۱۰۰۰)،
- شرح ملاشمعی (م - ۱۰۰۰) بترکی.
- شرح ملامحمد تیری (م - ۱۰۱٦) متخلص بعیشی.
- شرح هوائی برسوی (م-۱۰۱۷).
- شرح ملاحسین کفوی (م-۱۰۱۲) قاضی مکه (ن-۱۰۰٥)، وچون این شرح پاکنویس نشده بود، ملاحسین پسر کوزلجه رستم پاشا معروف بحسینی آنرا پاکنویس کرده و دیباچهٔ در گزارش زندگی شرح کننده بر آن افزوده و «بستان افروز جنان» نامیده است.
- ترجمه ترکی ازاسعدافندی. (کشف الظنون).
- شرح ترکی محمود طائع پسر محمد پسر آدم بغدادی ساکن استانبول (م-۱۲٦۸ق) (ذیل کشف الظنون).
- بهار باران، در شرح گلستان. بفارسی از محمد غیاث الدین هندی (چ نولکشور ۱۹۰٦م) دارای (٤۸۰ ص).
- شرح گلستان بفارسی ازشیخ محمد ولی صاحب هندی (چ هند).

وجزاینها چندین فرهنگ برای واژه های گلستان تاکنون در ایران و هند وترکیه چاپ شده است.

جای گفتگوی ماشرح سید یعقوب پسر علی معروف بعلی زاده است. وی چنانکه چلبی در کشف الظنون آرد بسال (۹۳۱) در گذشته.

ونیز چلبی از کسی نقل کرده: علی زاده شرح منیری را برداشته ودر آغاز وانجام آن نام خود نهاده. و آن کس شرح منیری را دیده و باشرح علی زاده برابر کرده است.

آغاز: شرح: (ازنسخهٔ این کتابخانه افتاده است).

آغاز: باب یکم: باب اول درسیرت پادشاهان: وهی عبارة عن الطریقة حمیدة کانت اوذمیمة.

(حکایت) پادشاهی راشنیدم که بکشتن اسیری اشارت کرد، بیچاره در آن حالت نومیدی بزبانی که داشت یعنی بلسان کان فی فیه ملک را دشنام دادن گرفت وسقط بفتحتین الهذیان وهو فی الاصل المتاع الردی گفتن آغازید...

انجام: بر رسولان پیام ای خبر باشد و بس، نظم: یاناظراً فیه سل الله مرحمة علی المصنف واستغفر لکاتبه واطلب لنفسك من خیر ترید به من بعد ذلک ای من بعد ذلك الطلب لنفسك اطلب من الله غفراناً لصاحبه. فحمداً ثم حمداً؛ علی توفیقنا اتمام شرحه فالمرجو من الناظرین ان یدعوا ابکر مهم الخطیر لمؤلف هذه الحروف و کاتبها الفقیر یعقوب بن السید علی الحقیر عفی عنهما الملك الکبیر. تم.

این گزارش بزبان تازی است و بامتن فارسی آمیخته است. و نگارنده اش ترکی خوب میدانسته و بسیاری ازواژه های گلستان را بترکی ترجمه کرده است.

[۳۲]

۳۲۳٥ نسخه بخط نسخ. نام نویسنده و تاریخ ندارد، ولی نزدیك بروزگار نگارنده (سدهٔ دهم) میباشد. عنوانها باشنگرف است. روی متن فارسی گلستان نیز خط شنگرفی کشیده است. نسخه را تصحیح کرده ودرستها را در کنار رویه نوشته است. آغاز نسخه افتاده. آغاز آنچه هست در شرح شعر: اول اردیبهشت ماه جلالی بلبل گوینده برمنابر غضبان. گوید: وجه توصیف الشیخ بقوله: ماه جلالی. ماستمع ما نتلوعلیك..» حاشیه ها بارمزمنه بسیار دارد. ودر (برگ ۱۹) یك حاشیه رمز (لکاتبه) دارد.

درآخرین رویهٔ نسخه شعری درتاریخ مرگ سعدی چنین نوشته است:

هُمای روح پاك شیخ سعدی — مه ذیحجه بود ودر (خضا) سال
شب سه شنبه و هنگام صبحی — بیفشاند ازغبار تن بدو بال(۱)

در (برگ ۱۴۱ ب) چندبیت از نظامی، خسرودهلوی، جامی، و نوائی نوشته. ودر برگ (۱ - الف) چندشعر فارسی ببیك ترکی عثمانی نوشته مانند:

اگر آل عثمان نجاتم دهد — ز دست فرنگی نجاتم دهد

(۱۴۱ برگ) کاغذ لندنی. جلد تیماج مشکی عنوان کهنه.

اندازه: جـ ۱۴×ص ۱۷ و ۸×۱۴ : ۱۹ سطر.

(۱) (خضا=٦۹۱) باید یادآورد که در کشف الظنون این شعر زیرا تاریخ مرگ سعدی دانسته:

گلستان عین تصنیفات او بود — شده تاریخ هم عین گلستان

(عین گلستان=٦۹۱)

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

[۳۳] شرح لامیة العرب (عربی)

چکامه حماسی و اخلاقی بقافیهٔ لام از شنفری شاعر روزگار جاهلیت عرب بجا مانده ، و بعدها بلامیة العرب نام بردار شده است ، و در برابر آن چکامه لامی طغرائی (م–۵۱۴) نام لامیة العجم و چکامهٔ لامی محمد (ابن الحکیم) پسر محمد حلبی نام لامیة الروم بخود گرفته، و در این اواخر لامیه‌ئی نیز بنام لامیة الهند سروده شده است . هریك از این لامیه‌ها شرحها دارد، و از همه بیشتر لامیة العجم طغرائی گزارش شده است. سرایندهٔ لامیة العرب شنفری پسر اوس پسر حجر پسر هنو پسر غوث پسر ربیت پسر مالک پسر زید پسر کهلان پسر سباء است. چلبی نژاد او را در کشف الظنون چنین آورده ، و در نام او بشنفری بسنده کرده است، ولی در ریحانة الادب و جواهر الادب نام او را ثابت، و در معجم المطبوعات عربی «شمس» و در قاموس الاعلام زر کلی «عمرو» دانسته‌اند. مرگ او نزدیك سال (۵۱۰م) یعنی ۱۰۰ سال پیش از هجرت بوده جرجی زیدان او را در شمار شاعران دوره گرد (صعالیك) آورده و از «آغانی–ج ۲۱–۸۷» و «الشعر و الشعراء–۱۸» و «خزانة الادب ج۲–۱۶» نقل کند که وی از قهرمانان دو عرب و در ردیف تابط شراً و سلیك و عروه بسرورد بوده، و اسب بپایش نمیرسید. و چون دونده خوبی بود بتاخت و تاز و چپاول مردم زندگی میگذرانید. و داستان او را چنین یاد کرده‌اند : وی سوگند یاد نمود که صد تن از خانوادهٔ سلامان بکشد پس ۹۹ تن بکشت و در این هنگام بدست همان خانواده کشته شد ولی یك تن دیگر از ایشان که با برجنازهٔ شنفری گذارده استخوانش بپافرو رفت و از این زخم بمرد. میدانی نیز در دنبال مثل عربی «اعدی من الشنفری» داستان او را با شاعر ولگرد دیگر بنام «تابط شراً» آورده است. لقب شنفری یعنی دارندهٔ لبان کلفت است و از این روی شتر را نیز بدین لقب خوانده‌اند.

شعر وی در عقد الفرید (۱) و مفضلیات (۲) آمده است میان شعرهای او چکامهٔ لامی که (۶۸ بیت) دارد بیشتر بررسی و گزارش شده، و من چند شمارهٔ آنرا در اینجا می آورم :

۱) شرح ابو العباس ثعلب، احمد پسر یحیی (کشف الظنون).

۲) شرح موید الدین پسر عبد اللطیف پسر سعید نخجوانی (کشف الظنون) نسخهٔ آن در کتابخانهٔ عطارباشی موصل هست (مخطوطات موصل ، ص۲۶)

(۱) چ ۱۹۴۰م –ج۱ص۸۱

(۲) تمدن اسلام جرجی زیدان چ سوم–ج۱ص۱۳۴ .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۳) اعجب العجب فی شرح لامیة العرب، از جار الله زمخشری (۵۳۸ه) (چ استانبول ۱۳۰۰ ق ه).

۴) شرح مهلب الدین ابو نصر محمد پسر یحیی معروف بابن کرم نحوی، نام این شرح در سر آغاز شرح واسطی نسخهٔ این کتابخانه آمده است .

۵) شرح واسطی که جای گفتگوی ماست .

۶) سیلوستر دوساسی (۱) (۱۷۵۰–۱۸۳۸م) آنرا در دفتری بنام «الانیس المفید للطالب المستفید» در پاریس بسال ۱۸۰۶م چاپ کرده .

۷) ریس (۲) خاورشناس آنرا بآلمانی گزارش نموده و درمجلهٔ خاوری آلمان بسال (۱۷۵۳م) چاپ کرده است .

۸) جمیز ردهوس (۳) خاورشناس آنرا بانگلیسی ترجمه و در مجله آسیائی لندن بسال ۱۸۸۱م در (۳۱ص) چاپ کرده است .

۹) نلدکه (۴) . (۱۸۳۷–۱۹۳۱م) آلمانی بسال ۱۸۹۶م با افزودن مطالبی بر سیلوستر دوساسی همان را درلندن در (۱۶ص) چاپ کرده است .

این چکامه همراه همهٔ این گزارشها چاپ شده، و نیز بسال ۱۳۱۹ق بتصحیح احمد محمصانی و بسال ۱۳۲۴ق در مصر چاپ شده است. و یك بار نیز بسال (۱۳۱۱ق) در مصر دفتری بنام «اللامیات الثلاث» چاپ شده و در آن همراه لامیة العجم و لامیة العرب ؛ لامیه‌ئی بنام «لامیة الترك» آورده ، و گویا خواست پخش کننده ، شناساندن سرایندهٔ لامیة الترك یعنی حسن حسنی بیك عز تلومی بوده که از دوستان وی بوده است.

جای گفتگوی ما شرح واسطی است بر لامیة العرب. نگارنده یعنی واسطی شناخته نشد ولی آنچنانکه نویسندهٔ نسخهٔ این کتابخانه در سر آغاز این کتاب نوشته؛ واسطی پس از گزارندهٔ دیگر یعنی ابو نصر محمد پسر یحیی پسر کرم نحوی زندگی میکرده است .

نویسندهٔ نسخهٔ این کتابخانه در سر آغاز آن چنین نوشته ؛

«قال النبی (ص) علموا اولادکم لامیة العرب فانها تعلمهم مکارم الاخلاق».

(۱) B Sylvestre de sacy

(۲) Reuss .

(۳) Sir james william Redhouse.

(۴) T - Noeldeke.

الحمدلله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین. وبعد فهذا کتاب یشتمل علی قصیدة الشنفری وشرحها (چنین) المنسوب احدهما الی الشیخ العالم المهذب للدین ابی نصر محمدبن یحیی ابن کرم النحوی والاخری الی الواسطی رحمهاالله تعالی، بلازیادة و نقصان. وشرح ابن کرم مقدم علی شرح الواسطی و بینهما (چنین) عمل علی ابتداء کلام الواسطی، وچنین مینماید که میخواسته هردوشرح را بی کم و کاست بیاورد و شرح واسطی را اگرچه پس ازشرح ابن کرم نگاشته شده، پیش انداخته ولی نتوانسته است شرح واسطی را بپایان رساند تاچه رسدبشرح ابن کرم.

آغاز:

اقیموا بنی امی صدور مطیکم　　فانی الی قوم سواکم لامیل

یخاطب قومه ویؤذنهم بالرحیل. المطی الابل سمیت بذلک لانها تمطی ای ترکب مطاها وهوظهرها. ویقال سوی وسوی بکسرالسین وضمها وهمامقصوران، فان فتحت السین مددت فقلت ...

[۳۳]

199 نسخه دردفتریست که این کتابچه و «شمایل خاقان» ودو کتابچه درموسیقی را دربر دارد. ازبرگ (۱تا۱۹) دفتررا گرفته. خط شرح نستعلیق زیبا، ومتن شعر را ننوشته، وگویا میخواسته با مرکب رنگین یازرین بنگارد ولی نیمه کاره بجا گذارده فقط شرح (۳۰شعر) از(۶۸شعر) رانوشته است. نام نویسنده وتاریخ ندارد ودرپایان کتابچهٔ موسیقی که بخط همین نویسنده است نام محمدعلی وتاریخ (۱۲۸۷ق) دیده می شود.

همهٔ دفتر(۸۷برگ) این کتابچه (۱۹برگ) کاغذفرنگی آهارمهره نخودی. جلدلوحاجدهٔ این کتابخانه تیماج زرد مقوالی ۱۰ اندازه: ۱۴٫۵×۲۳٫۷و۲۳٫۲×۱۷٫۵: ۱۲ سطر.

[۳٤] شرح مثنوی مولوی (عربی)

یاجواهرالاسرار وزواهرالانوار

این شرح نگارش کمال الدین حسین پسرحسن خوارزمی از صوفیان بنام وشاگردابوالوفا، میباشد. وی همزمان شاهرخ میرزا ودرخوارزم میزیسته. وقتی حنفیان این شهر بسبب سرودن یک غزل وی را تکفیر کردند؛ شاهرخ اورابهرات

کشانیده محاکمه نمود و چون درهنر سخنرانی واستدلال نیرومند بود در این دادگاه بیگناه شناخته شد و آزاد گردید(۱).

ودرپایان نیزازبکان اورا در(۸۳۸) (۲) یا(۸٤۰) (۳) کشته‌اند. گور اودر پائین پای گور استادش ابوالوفا، درخوارزم میباشد.

کمال الدین حسین دارای نگارشهائی چند است؛ خوند میر شرح مثنوی ومقصداقصی در ترجمهٔ مستقصی را از آن جمله نام برده است (٤) ومیرعلی شیرشرح مثنوی وشرح چکامهٔ برده بزبان ترکی خوارزمی بدان افزوده است(۵) وخود دردیباچهٔ جواهرالاسرار گوید پس ازآنکه کنوزالحقایق و رموزالدقایق را نگاشتم دوستانم ازمن خواستارشدند تاگزارشی برمثنوی بنگارم. وچنین نماید که کنوزالحقایق راماننده حاشیه کوتاه درهنگام تدریس مثنوی براین کتاب نگاشته وسپس این گزارش بزرگ را بنام (جواهرالاسرار) برای مثنوی نگاشته است.

چلبی در کشف الظنون آغاز کنوزالحقایق را چنین آورده:

حمد بی‌حد وغایت، وثنای بی‌عدو نهایت ...

وی این کتاب را فارسی دانسته است. و نیز جواهرالاسرار (شرح بزرگ مثنوی) را بحسین پسر علی واعظ کاشفی نسبت داده است (٦). و این هر دو نادرست است.

جواهرالاسرار یکبار درهند بچاپ سنگ بخش شده است. نسخهٔ خطی

---

(۱) مجالس النفائس چ تهران ۱۳۲۰ش. ص۹و۱۸۵ وحبیب السیرجلدسوم جزء ۳. ص ۱٤٤.

(۲) حبیب السیرهمانجا.

(۳) کشف الظنون (حرفم) مثنوی.

(٤) حبیب السیر جزوسوم جلد سوم ص۱٤٤.

(۵) مجالس النفائس ص۹و۱۸۵چاپ تهران ۱۳۲۰ش. گویا فقط شرح قصیدهٔ برده بترکی بوده است؛ زیرا که شرح بزرگ مثنوی یعنی جواهرالاسرار بفارسی میباشد. وشرح کوچک (کنوزالحقایق) رانیزچلبی در کشف الظنون فارسی شمرده است.

(٦) حرف م کشف الظنون. «مثنوی»

آن در بریتش موزیوم (۱) ودیگر دردانشگاه کمبریج (۲) ودیگر نزد آقای فروزانفر درتهران هست، و هر سه آنها ناقص میباشند.

چنانکه ازدیباچهٔ جواهرالاسرار آشکار میشود:

وی ببرکت معاشرت با خواجه سلمه‌الله (۳) از کودکی با مثنوی آشنا شده وآن قدر دراین رشته تعمق کرده تا آنکه ازشهرها معنی ابیات مثنوی از وی میپرسیدند. مدتها آنرادرس میگفته‌است. پس بخواهش یاران کتاب« کنوزالحقایق فی رموزالدقایق» رانگاشته،وسپس ازاوخواسته‌اند که‌مثنوی راشرح کندواوچون دستور غیبی نداشته، این خواهش را نمی پذیرفته است. تا اینکه حضرت امیر زاده اعظم...خواجه درمشاه‌اعظم ناصرالدین ابوالمناقب‌شاه‌زاده ابراهیم‌سلطان که صیت شهریاری... بدریگانه ... اعنی امیر مرحوم مغفورغیاث‌الدین ابوالفتح شاه ملک بهادر تغمده‌الله بغفرانه در آفاق انتشار یافته ... وفیض او بحرم مکه ومدینه نیزرسیده ...نامهٔ باو نوشته ونگارش‌شرح‌مثنوی ازوی‌خواسته ، پس‌این دستور را الهام الهی دانسته وشرح را نوشته است ، ونام‌آنرا (جواهرالاسرار و زواهرالانوار) نهاده.

پیش ازشرح سرآغازی درده گفتار (ده مقالت) آورده:

یکم ـ گزارش زندگی چندتن ازعارفان: ۱) علی ۲) حسن ۳) حسین ۴) علی بسرحسین ۵) محمدباقر ۶) جعفرصادق ۷) اویس قرنی ۸) حسن بصری ۹) مالك دینار ۱۰) محمدواسع ۱۱) حبیب اعجمی ۱۲) ابوعثمان مکی ۱۳) ابراهیم ادهم ۱۴) رابعهٔ عدویه ۱۵) فیضل‌عیاش ۱۶) بشرحافی ۱۷) ذوالنون‌ابوالفیض مصری ۱۸) بایزید بسطامی ۱۹) عبدالله‌مبارك ۲۰) سفیان‌ثوری ۲۱) شقیق بلخی ۲۲) داود طائی (۱) ۲۳) معروف کرخی ۲۴) سری سقطی ۲۵) جنید بغدادی ۲۶) احمد بسرمحمد رودباری ۲۷) ابوعلی بسرکاتب ۲۸) ابوعثمان سعید بسر سلام مغربی ۲۹) ابوالقاسم گرکانی ۳۰) ابوبکر نساج ۳۱) احمد غزالی ۳۲) ابونجیب

(۱) شارهٔ Add . I4o51. فهرست ریو ص ۵۵۸ دیده شود.

(۲) فهرست کمبریج OR.238 .

(۳) دراین جادر (برگ ۳۰ـالف) میگوید قصدمن تبرك است و بس ازاین فقط بیاد کردن‌احوال‌پیران زنجیرهٔخرقهٔ مولوی بسنده خواهم کرد.

سهروردی ۳۳) عمار یاسر ۳۴) نجم‌الدین کبری. سپس زنجیرهٔخرقهٔملای رومی را آورده

گفتار دوم در گزارش واژه‌های اصطلاحی صوفیان. و گفتارهای دیگر درمسائل عرفانی گفتگو کرده است. این کتاب دو دیباچه دارد. یکی بتازی ودیگر بفارسی.

آغاز دیباچهٔ تازی: الحمدلله‌الذی جعل السنة افرادالانسان وسیلةلکشف لوازم‌العرفان ...

آغاز دیباچهٔ پارسی: حمدبی‌حد و (غایت) وثنای بی‌عدونهایت؛ حضرت پادشاهی ....

انجام‌دیباچه: لاجرم بدین‌ده‌مقاله که مصداق تلک عشرة کاملة ...

آغاز گزارش دفتر یکم: هرآینه برآراء زاهرهٔ ازباب ...

انجام‌دفتریکم: وتاختامه مسك‌باشد لاجرم بایراد این‌ابیات تجاسر نموده شد .... (سپس (۴۸) بیت شعرآورده‌است).

آغازدفتردوم: الحمدلله‌الذی جعل‌قلوب‌العارفین ... وبعد بدانک حضرت مولوی را درنظم جواهر ...

انجام دفتردوم:

همچون حسین از شق عالم خیال

مردم هزار شاهد زیبا برآوردم

آغاز دفترسوم: حمدی چون قدرت قاهره الهی ... بعد از سلوك ... در دیباچهٔ دفتر سوم ...

انجام این‌دفتر: وازسر ذوق درمخاطبه گوید: (دراینجا ۱۳ بیت شعر آوردموپس از آن گوید): تمت‌الکتاب الهی بحرمت رندان سرمست که شراب صافی ... (ودراینجایک‌صفحه نیایش آورده‌است).

متن‌رادربرخی جاها باواژه (متن) از شرح جدا نموده، وگاهی باجملهٔ (قال قدس سره) آغاز کرده است.

برای دفتریکم‌ودوم‌دیباچهٔ بزبان تازی‌نوشته ولی‌برای دفترسوم بفارسی آغاز کرده است.

ازاین کتاب جز شرح سه دفتر مثنوی که در نسخه این کتابخانه هست،

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

شرح دیگر دفترها دیده نشده، و گویا بیش از آن از خامهٔ نگارنده بیرون نیامده است .

[۳٤]

۲۲۵ نسخه بخط نستعلیق. نام نویسنده ندارد. دفتر دوم در تاریخ دوشنبه (۱۰ جمادی یکم سال ۸٤۰) ودفتر سوم در دوشنبه یکم ذیحجه سال (۸٤۱) نوشته شده است دیباچه در (برگ ۸٤) ودفتر یکم در برگ (۲٤٤) ودفتر دوم در (برگ ۳٦۲) و دفتر سوم در پایان نسخه در (برگ ۵۷۲) پایان یافته است .

عنوانها باشنگرف نوشته شده. همهٔ رویه‌ها بادوخط زرد وسیاه جدول بندی گردیده دورویهٔ (۱ ب) و (۲-الف) بالاژورد وزر نقاشی شده ودیباچهٔ عربی را دراین دورویه درزمینهٔ زرین باخط سیاه نوشته است. وسرلوحهائی در برگهای (۲ بو ۸٤ و ۲٤٤ و ۳٦۳) دیده میشود. این نسخه درزمان نگارنده وگویا برای کتابخانهٔ پادشاهی شاهرخ نوشته شده است. در برگ پایان نسخه تملك بتاریخ ۱۲۷٦ هست که مهر (اللهم صل علی محمد و آل محمد) دارد .

(۵۷۳ برگ) کاغذ سمرقندی. جلد تیماج قهوئی عطف‌کهنه درون تیماج مشکی . درمیان ترنجی ازسوخت دارد که زمینه لاژوردین وبارزفشانی شده است.

اندازه : ۱۷×۲٦/۳ و ۱۲×۲۰ هر ۲۰ ؛ ۱۹ سطر.

[۳۵] شرح نهج البلاغه (عربی)

یکی از گزارندگان نهج البلاغه ابن میثم است. وی یکی از فقیهان عارف و زاهد سدهٔ هفتم بوده و بسال (٦۹۹) در گذشته . گزارش زندگی وی در لؤلؤة البحرین (ص ۱٦۱ تا ۱٦٦) و امل الامل (ج ۲-ص ۷۲) و کشف الظنون در عنوان «نهج البلاغة» ومجالس المؤمنین، ومحبوب القلوب، وروضات الجنات (ص ۱٤۲-۱٤٤) و فهرست سپهسالار (ج ۲ ص ٤۹) آمده است . چنانکه در دیباچهٔ شرح نهج البلاغة گوید: برای اینکه عطاملك جوینی (۱) ودوپسر او ابومنصور محمد و ابوعباس علی را از بررسی کتابهای بی‌سود ادب؛ مانند تاریخ یمینی ومقامات حریری بازدارد، کتاب نهج البلاغة را گزارش نمود، وچون این شرح بسیار بزرگ شده، بدستور او آنرا کوتاه نموده است. این دو شرح هردو موجود است. وبرخی شرح کلمات قصار ابن میثم (۲) راشرح سوم او شمرده وشرحهای اورا بلقب بزرگ ومیانه و کوچك خوانده اند .

(۱) علاء الدین وزیر (م-٦۸۰) .

(۲) ص ۱۳۸ س ٤ ۱ این مجلد دیده شود.

شرح بزرك ابن میثم در (٦۷۷) نگاشته شد، و «مصباح السالکین» نام دارد و در (۱۲۷٦) در تهران چاپ شد . این گزارش دارای یک سرآغاز بزرك در (۳۳۸۰ بیت) درسه قاعده میباشد.

در کشف الحجب (ص ٤۹٦) گوید علامهٔ حلی آنرا کوتاه کرده است. وبرخی انوار الفصاحه (۱) وشرح فارسی آملی رانیز کوتاه شدهٔ این کتاب دانسته‌اند .

شرح کوچك ابن میثم که خود آنرا ازشرح بزرگ بیرون آورده وا کنون جای گفتگوی ما میباشد از خود نهج البلاغة نیزاندکی کمتر است. برخی این شرح را شرح متوسط خوانده وشرح کلمات قصار ابن میثم را شرح کوچک نامیده‌اند دراین گزارش سرآغاز شرح بزرگ را نیاورده، وپس از یك صفحه دیباچه که در آن انگیزه نگارش دوشرح را یاد کرده بگزارش متن نهج البلاغه پرداخته ، وآنرا بسال (٦۸۱) بپایان رسانیده است .

آغاز: سبحان من حسرت ابصار البصائرعن ... اما بعد فلما کان من تمام نعم‌الله علی و کمال احسانه الی، اتصالی بخدمة حضرة ...

انجام: وهذا اختیار مصباح السالکین لنهج البلاغة من کلام ... و فرغ من اختصاره اضعف... شوال سنة احدی و ثمانین و ستمایة .

[۳۵]

۲۲٦ نسخه بخط نسخ سدهٔ هشتم یانهم سه برك از آغاز وسه برك از پایان افتاده وبخط تازه نوشته شده. تاریخ ونام نویسنده ندارد. دربرخی برگها مانند (۱۸۷ و ۱۹۰) حاشیه‌هائی باخط تازه دیده میشود عنوانها باشنگرف است .

(۳٦۱ برك) ودو برك سفید درآغاز وانجام. کاغذ نخدی رنك

اندازه : ۱۷×۲٤/۱۲ هر ۱۸ ؛ ۲۱ سطر.

[۳٦] شرح نهج البلاغه (فارسی)

یکی ازشرح کنندگان نهج البلاغة عزالدین آملی پسر جعفر پسر شمس الدین آملی است. گزارش زندگی او در هفت اقلیم دنبال واژهٔ آمل . ودرمستدرك ـ الوسایل حاجی نوری (ج ۲-ص ۵۱٤) ودرریعه (ج ٤-۲۱۳ و ج ۷-۲۰) آمده است . وی همدرس محقق کرکی (م-۹٤۰) وقطیفی بوده وهرسه شاگرد علی بن هلال جزائری بوده و نزد وی درس خوانده‌اند . او کتابی نیز بنام « حسینیه »

«۱» ص ٤-٦ این مجلد وفهرست سپهسالار ج ۲ ص ۵۷-۵۸ دیده شود .

و کتاب دیگر بنام «اللمعة» داشته‌است. وی در آغاز کتاب آنرا ترجمهٔ نهج‌البلاغة خوانده‌ولی تاریخ‌نگاران و همچنین نویسندهٔ نسخهٔ این کتابخانه در برگ (۲۲۲) آنرا شرح نهج خوانده‌اند، و صاحب‌فهرست سپهسالار (ج۲ص۵۷-۵۸) آنرا ترجمهٔ کوتاهی ازشرح بزرگ ابن‌میثم(۱) دانسته است. و آنچه مسلم است سرآغاز این کتاب باسر آغاز شرح ابن‌میثم همانندی داردو گاهی از ابن‌میثم نقل‌میکند. ازاین شرح فقط یک‌جلد دراین کتابخانه هست که بشرح خطبهٔ (۹٦) (واللّه لایزالون حتی...) پایان یافته، واین برابر است باپایان جلد دوم شرح بزرگ ابن میثم، یعنی کمتر ازنیمهٔ نخست نهج‌البلاغة را دربردارد. نگارنده در ۲۹ ذیقعده سال ۹٤٤، این‌جلد را بپایان رسانیده، ودانسته نیست که آیا درهمین‌جا مانده‌ویا کتابرا بپایان رسانیده است. این‌جلد نزدیک (۱٦۰۰۰بیت) نوشته است.

درسر آغاز کتاب(برگ۲۳) گور(سیدمرتضی و برادرش‌سیدرضی‌رادر کربلا دانسته ولی‌امروز بشهر کاظمین گنبد وبارگاهی بنام‌ایشان دیده میشود. در دیباچهٔ کتاب آنرا بآقاحسن وکیل‌السلطنه دارالمرزمازندران پیشکش‌نموده، این‌مرد درذریعه (۷: ۲۰۰) تاج‌الدین‌حسن‌خوانده‌شده، ودرفهرست سپهسالار اورا وکیل آقامحمد دانسته‌است.

آغاز، راجیناك‌الاعانة یا کریم عز... اما بعد این کتابیست مشتمل برلطایف فواید... درترجمهٔ نهج‌البلاغة که دردریای مظهرعجایب...

انجام جلداول: وقداتفق‌الفراغ من کتبه ظهیرة یوم‌الاثنین‌تاسع‌العشرالثالث من‌الشهرالحادی‌عشرفی‌شهورالسنةالرابعةالکائنةفی‌العشرالخامس‌الواقع‌فی‌المائةالعاشرةالداخلة فی...علی‌ید مترجمه‌العبدالفقیرالحقیرالراجی عبدالموالی‌عزالدین ابن‌جعفر بن‌شمس‌الدین‌الاملی بدل‌اللّه‌سیآتهم... وواهب‌العطیات.

[۳٦]

175 خط شرح نستعلیق وخط متن نسخ‌است. نویسنده حسین بن اسماعیل مازندرانی آنرا در رمضان ۱۰۳۵ نوشته. عنوانها باشنگرف. در رویهٔ یکم آغاز دیباچه و رویهٔ(برگ۲۳)آغاز کتاب «بسمله»را بخط درشت بامرکب سیاه نوشته. روی‌متن که بخط نسخ ودرشت استخطی شنگرفی کشیده.

(۲۲۲برگ. کاغذ نوعی ترمه. جلدتیماج‌مشکی‌متوالی زرکوب کهنه.
اندازه: ۱٦×۲٦و ۸٫۹×۱۸٫۲؛ ۲۰سطر.

(۱) رویه ۱۵۱ـ۱۵۰ این مجلد دیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۳۷] شمایل خاقان (فارسی)

یکی‌ازنگارشهای‌میرزا ابوالقاسم‌قایمقام‌دوم‌است. وی‌پسرمیرزاعیسی‌دوم معروف بمیرزابزرگ وقایمقام‌یکم‌است، اوپسرمحمدحسن پسرمیرزاعیسی یکم میباشد. خانوادهٔ ایشان ازفراهان بوده‌اند. عیسی یکم بدرمحمد حسین وفاوزیر کریم‌خان زند بوده، میرزا بزرگ درشیراز بزاده وزیر سایه عموی خود(وفا) پرورش‌یافته‌وبدربارزندراه‌یافت. وپس‌ازبرچیده‌شدن آن دستگاه، بدربارقاجار درتهران گرائید، وچون عباس‌میرزا نائب‌السلطنه گردید میرزابزرگ نیزقایمقام صدراعظم‌خوانده شد، وباعباس میرزا بآذربایجان رهسپار گردید. وپس‌ازمرك او بسال(۱۲۳۸)لقب‌قایمقام وسیدالوزراء بپسروی‌ابوالقاسم‌رسید. وی که‌نزدیك سال(۱۱۹۳) بزاده‌پس‌ازمرگ پدربوزارت عباس‌میرزا رسید. ودرجنك قفقاز وشکست‌درآنجا وآشتی، شریك بود. وپس از مرگ عباس میرزا (در۱۲٤۹) بتهران آمد، وپس‌ازمرگ‌فتحعلی‌شاه(در۱۲۵۰)قایمقام‌پادشاهی‌رابرای‌محمدشاه پسرعباس‌میرزا استوارساخت(۱) وپسران فتحعلیشاه رامحروم کرد، ولی باهمهٔ این خوشخدمتیها درهمان‌سال‌اول‌پادشاهی، محمدشاه که اززرنگی‌قایمقام‌بیمناك شده بود در۲۹صفرسال۱۲۵۱ اورادر کاخ‌باغ‌نگارستان خفه کرد، وگوراورا نیزناپدیدساخت، وخانه‌اش‌رابتاراج‌ودارائیش‌بگرفت. قایمقام‌درنثرنویسی‌فارسی زبردست بوده وشعر نیز گاهی‌میگفته وثنائی تخلص‌میکرده ودرنثر ونظم‌تازی نیز دست داشته است. نگارشها ومنشآت قایمقام درتاراج خانه‌اش از میان رفته است، واندکی ازآنها رافرهادمیرزا پسرعباس میرزا بپاس خدمتها که بپدرش کرده بود در دفتری گردآوردی کرده وبنام «منشآت قائمقام» درتهران بسال (۱۲۸۰ق=۱۸٦۳م)در(نزدیك۱٦هزاربیت نوشته) چاپ کرد ودیوان شعراورا نیز بدنبال‌آن نهاد ومیرزا محمودخان ملك‌الشعراء، نوادهٔ فتحعلی‌خان صبا برای آن دیباچهٔ‌نوشته وسپس بسال (۱۲۹٤) درتبریز ازروی چاپ یکم آنرا دوباره چاپ‌وبخش کرده اند.

(۱) البته تزارروس هم بی‌میل نبود که پادشاهی ایران دردست فرزندان کسی باشد که بدست لشکراو شکست‌خورده بوده‌واین معنی ازقراردادتر کمانچای بدرستی آشکار میشود.

فهرست این دفتر درچاپ یکم : تهران ۱۲۸۰ ق چنین است :

- نامه ها که یکسان نگاشته . ص ۱ تا ۲۲٦.
- کتابچه درعروض و خرده گیری ازمیرزا آقاسی . ص ۲۲۷.
- دیباچهٔ برای «جهادیهٔ بزرگ» ازمیرزا بزرگ قایمقام یکم . ص ۲٤۷.
- دیباچه برای «مفتاح النبوه» ملارضا همدانی . ص ۲۸۱ .
- دیباچه برای «جهادیه کوچك» ازپدرش میرزا بزرك . ص ۲۹۱.
- دیباچه برای «اثبات النبوه» ازهمو . ص ۲۹۹.
- کتابچهٔ «شکوائیه» بزبان تازی . ص ۳۲٦ .
- شمایل خاقان . ص ۳۷۸ تا ٤٥۰ .
- نامه‌ها . پیامها . فرمانها . ص ٤٥٦ . وبدنبال آنها دیوان شعرا و با صفحه شمار دیگر نهاده شده‌است. دیوان شعر او تا کنون سه بار چاپ شده که آخرین آنها چاپ ارمغان است که نزدیک (۲۰۰۰) شعر دار دوسال (۱۲۹۸ ش) چاپ‌شده ودر آغاز آن گزارش زندگی قایمقام رایکی ازنوادگانش بنام عبدالوهاب قایمقامی گرد آوری کرده چاپ نموده‌اند. دست‌چینی از منشآت قایمقام نیز یکبار با منشآت میرزا مهدی وزیر نادرشاه ، و صاحب دیوان علی آبادی ، و فاضل گروسی ، ومعتمدالدوله نشاط ، بنام «مخزن الانشاء» بسال (۱۲۷۳ ق) چاپ شده‌است. یکی از مثنویهای او جلایر نامه است که ایرج میرزا درعارفنامهٔ خود دربارهٔ آن گوید :

جلایر نامهٔ قـایمقـام است		کـه سرمشق من اندراین کلام است

قایمقام از پیشآهنگان بازگشت ادبی است . اومیخواست شعر را بسبك خراسانی برگرداند و نثر را ازپیچیده گوئی برهـاند .

یکی از نگارشهای قایمقام دوم «شمایل خاقان» است که جای گفتگوی ماست . این کتابچه نیز مانند دیگر نوشته‌های او نمایندهٔ چاپلوسی اشراف منشانه وستایش گوئیهای درباریان است. دربارهٔ انگیزهٔ نگارش آن گوید امروز مردم دودسته شده‌اند یکی کسانیکه با دربار نزدیك هستند ودیگر توده مردمند که از فیض حضور ذات اقدس محروم اند ، وشاه ازراه لطف بمردم ، نخواست ایشان ازشنیدن صفات پسندیده واخلاق ملوکانه محروم باشند پس دستورداد کتابی درشناساندن شاه نگاشته شود واوصاف واخلاق پسندیده ذات مبارك در آن گردآید ، ومرا

مأمور گرد آوری آن نمود. سپس فهرست کتاب را آورده ، ودر آن یك دیباچه وسه در (باب) نهاده ، دریکم دارای سه جلوه است ، دردوم چهار نمایش دارد ، ودر سوم هفت نمایشگاه دارد.

ولیکن جز تا جلوه دوم ازباب اول این کتاب از خامهٔ وی بیرون نیامده است ، ودیباچهٔ آن دردو جای دفتر «منشآت قائمقام» چاپ‌شده: ص ۱۱٦ وص ۳۷۸ ودرجای دوم ازدوباره آوردن پوزش خواسته است.

آغاز : سبحانك لااحصی... واجب عین کمال است ...

[۳۷]

۱۹۹ این نسخه دومین کتابچهٔ این دفتر است ، وازبرك (۲۰ تا ۵۱) را گرفته. خط نستعلیق زیبا. نام نویسنده درپایان این کتابچه نیست لیکن درپایان دفتر نام خود را محمدعلی وتاریخ را ربیع دوم ۱۲۸۷ نوشته است . دیباچهٔ کتاب را ازبرك (۲۰ تا ۲۵) بچلیپا نوشته وجز آنرا راسته نوشته است .

این نسخه درست ازروی نسخهٔ چاپ یکم (تهران - ۱۲۸۰) نوشته شده تا آنجا که پوزش ازدوبارچاپ کردن دیباچه رانیز (دربرك ۲۰) رونویس کرده است .

همهٔ دفتر (۷۸ برك) این کتابچه (۳۰ برك) کاغذ فرنگی آهارمهره . سفید . جلد کهنه بوده بوسیلهٔ کتابخانه باتیماج زردمتوالی آنرا جلد کرده‌اند .

اندازه : ص ۱۷ × ۲۳ و ۱۱ × ۱٦ ، ۴ تا ۱۵ سطر .

[۳۸]

صحیفهٔ شاهی (فارسی)

درانشاء ونامه‌نگاری فارسی ازملاحسین کاشفی سبزواری (م ۹۱۰) میباشد.
وی مردی دانشمند وساده دل وسهل انگار بوده به‌بیشتر دانشها دست‌میازید ودر آن نامه مینگاشت . وخودرا درهمهٔ آنها سرآمد روزگار میپنداشت . کار او وعظ وسخنرانی (روضه‌خوانی) بوده ودردربار سلطان حسین بایقرا و میرعلی شیرنوائی راه‌داشت ، فهرست نگارشهای او چنین است ؛ درتفسیر: جواهر التفسیر ، مواهب علیه ، جامع الستین. دراخلاق: اخلاق محسنی ، انوار سهیلی ، لوایح القمر ، روضة الشهداء ، لب لباب مثنوی وجز آن . درادبیات مخزن الانشا ، صحیفه‌شاهی ، وجز آن. درطلسم وسحر: اسرار قاسمی ، وجواهر الاسرار.

یکی ازنگارشهای ادبی او که جای گفتگوی ماست «صحیفهٔ شاهی» است وی مسائل انشاء ونامه‌نگاری رادراین کتاب بصورت جدول بندی نگاشته‌است ، وچنانکه ازدیباچهٔ آن آشکارمیگردد کاشفی این کتاب رانخست (بسال ۹۰۷)

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

سلطان حسین بای‌قرا و میرعلی‌شیر نوائی نگاشته و «مخزن‌الانشاء» نامیده، وسپس آنرا بنام شاهزاده ابوالمحسن میرزا کوتاه کرده و کتابی دیگر با همان سبک وترتیب ساخته وبنام «صحیفهٔ شاهی» نامیده است .

نسخهٔ مخزن‌الانشاء دربریتش‌موزیوم(۱) ومجلس(۲) دیده میشود .

صحیفهٔ شاهی درلکهنوچاپ شده است و آغاز آن چنین است :

ای بنامت صحیفهٔ شاهی — شده‌مشهورماه تاماهی

... اما بعدچون بتوفیق حضرت متمم‌الامورعمت ... کتاب مخزن‌الانشاء وقسم مجاوزات باتمام رسید ...

نسخه‌هائی نیزازآن در کتابخانه‌هادیده میشود . دردیباچهٔ نسخهٔ این کتابخانه که جای گفتگوی ماست نام سلطان حسین وشاهزاده ابوالمحسن میرزا هردوهست .

فهرست مخزن‌الانشاء وصحیفهٔ شاهی چنین است :

عنوان : درآنچه دبیران‌را شاید. (یك‌صفحه) .

صحیفهٔ یکم: خطابیات که (۳۹٪ کتاب) راگرفته ودوازده بخش دارد .

صحیفهٔ دوم : جوابیات (۰۹٪ کتاب) راگرفته .

صحیفهٔ سوم : آنچه درنامه نویسند (۴۵٪ کتاب) وهشت بخش است .

خاتمه : ستایش ونیایش (۰۶٪ کتاب) راگرفته است .

در کشف‌الظنون نام صحیفه شاهی‌را آورده واز کتابهای انشاء شمرده واز نگارنده‌اش نام‌نبرده، ولی درعنوان‌مخزن‌الانشاء بدرستی آنرا شناسانیده است.

آغاز مخزن‌الانشاء :

حمد خداوندسرایم نخست — تاشوداین‌نامه‌بنامش درست

ودردیباچهٔ آن‌نام کتاب یادشده. کاشفی نه‌تنها این کتابرا بانهٔ کی‌دگر گونگی دوبارنگاشته، بلکه «اخلاق محسنی»‌راهم‌نیزبانام‌دگر، دوباره نگاشته است (۳).

[۳۷]

۱۱۴ نسخه بخط‌نستعلیق. همه‌روبه‌ها جدول‌بندی‌شده. نام‌نویسنده وتاریخ ازپایان‌نسخه افتاده است. دارای سرلوح بسیارزیبا بازروشنگرف ولاژورد، عنوانها باشنگرف

(۱) فهرست ریوص ۵۲۸. نسخه دارای (۲۵۰ برگ) .

(۲) بشمارهٔ (۱۱۱۵) خطی. نسخه دارای ۴۱۹ ص .

(۳) ذریعه ۱: ۳۷۸ .

وبرخی بازنوشته‌شده، ولی بیشترآنها غلطوجابجاگذارده شده. شگفت است که نسخهٔ شمارهٔ (۱۱۱۵) کتابخانهٔ مجلس نیز نامرتب است .

(۲۰۰ برك) كاغذ ترمه اصفهانی جلد تیماج حنائی بك‌لاكهنه حاشیه مشكی
اندازه : ص۳۰×۱۴و۳۰×۱۴و۱۸٫۵×۲۰تا۲۳سطر

[۳۹]
صحیفة المحبة یاچهل کلمه (فارسی)

چهل کلمه کوتاه اززبان‌پیغمبر(ص)درستایش پسرعمویش علی(ع) است چنانکه نگارنده درسرآغاز گوید: آنهارا از کتابهای حدیث‌مانند «السبعین‌فی فضایل امیرالمؤمنین» نگارش علی‌دوم‌پسرمیرسیدعلی همدانی گردآورده‌وهریك‌را بایك‌دوبیتی بفارسی گردانیده وسپس آنرا بسلطان احمدخان پیشکش نموده‌است. نام‌نگارنده وزمان‌وی‌شناخته‌نشد. گویا احمدخان‌همان‌خان احمدگیلانی باشد .

آغاز: حرفی که برزبان‌نیست وحدیثی که جزرجان نیست ...

نجام :

جن‌محاسب شود و کاتب انس — شرح فضل علی نشاید داد

[۳۹]

۱۶۴ چهارمین کتابچه دفتریست که در (ص۱۱۶) معرفی گردیده . خط متن عربی نسخ. وترجمه‌بشعرفارسی نستعلیق. نام‌نویسنده‌محمدافضل پسرقیصرعلی تفرشی درتاریخ جمعه‌جمادی دوم(۱۰۷۷) نوشته‌شده. ازبرگ(۱۱۶تا۲۱) دفتررا گرفته است.

[۴۰]
صد کلمه جاحظ (فارسی)

چنانکه‌در(ص۱۳۷)دیدیم یکی ازبنامترین‌مجموعه‌های‌سخنان کوتاه‌علی(ع) صد کلمه‌ئیست که بجاحظ نسبت داده شد . و بنام « مایة کلمة » نامبردار است .

این کتابچه چندین باربفارسی ودیگر زبانها بنظم ونثر ترجمه شده است. یکی ازترجمه های منظوم آن از حافظ عادل‌است که نسخهٔ آن در کتابخانه سپهسالار بشمارهٔ(۲۷۹۹) و(۳۰۴۹)(۱) هست. ترجمهٔ منظوم‌دیگر که‌جای گفتگوی‌ماست، سرایندهٔ آن شناخته نیست .

آغاز: صد کلمه ازاسرار حکمت ازلفظ گهربار در نثار امیرالمؤمنین ... شاه مردان شیریزدان ... لو کشف‌الغطاء ماازددت ...

انجام : قلب‌الاحمق‌وراء لسانه .

(۱) فهرست سپهسالار ج ۲ص ۷۲ دیده شود .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

مرد احمق که درسخن گفتن　　دل خود تابع زبان دارد

[٤٠]

١٦٤ نسخه پنجمین کتابچه ازدفتریست که در(ص١١٦)شناسانده شده . خطمتن‌عربی بنسخ وشعرفارسی نستعلیق،عنوانها باشنگرف است. ازبرگ(٢٢–تا٢٣)دفتر را گرفته .

[٤١] العقدالنفیس و نزهةالجلیس (عربی)

یا- الفرائد والقلائد

سخنان کوتاه و سودمند بزرگان در اخلاق و کشور داری و مثالها و پند و اندرزها. نگارش ابومنصورعبدالملک‌پسرمحمدپسراسماعیل‌ثعالبی(ز٣٥٠–م٤٢٩) نیشابوری نگارندهٔ یتیمةالدهر وجزآن. گزارش زندگی وی دربیشتر کتابهای تاریخ ورجال وفهرستها آمده است. این کتابچه هشت‌باب‌دارد ، ودرمصر بسال (١٣٢٧) در(٨٨ص) چاپ شده است .

[٤١]

١٢٥ نسخه بخط نسخ، بام نویسنده ابراهیم پسرتقی‌الدین، درتاریخ سه‌شنبه یکم ماه صفرسال هزارودونوشته شده. عنوانها باشنگرف .

(٣٥برگ)کاغذ ترمه اعجمی. جلد تیماج سرخ یکلا.

اندازه : ١١×١٨و٨ر٧×١٤؛ ١٥سطر.

عیون‌الحکم‌والمواعظ‌وذخیرةالمتعظ‌والواعظ

[٤٢] یا : العیون‌والمحاسن(١) (عربی)

سخنان کوتاه علی(ع) بترتیب حروف درآن گردآوری شده است . وبشمار حروف‌عربی بیست و نه‌باب(٢) (بخش)دارد. وآغازهرباب فهرست آنرا باشمارهٔ سخنان آن یاد کرده، ودر دیباچهٔ گوید دراین کتاب (١٣٦٢٨) شماره از سخنان کوتاه علی(ع) را درنود ویک‌فصل دربیست و نه‌باب آورده‌ام ویک‌باب(سی‌ام) نیز درسخنان گوناگون وپند واندرز وبدگوئی از دنیا برآن افزودم ، ولیکن

(١) مجلسی دربحارج١٧ص١٣٦ج کبانی « وذخیرةالمتعظ والواعظ» آورده ،گوید: من (درج١ص٥و١٣و١٤) آنرا العیون والمحاسن نامیده‌ام، وصاحب کشف‌الحجب نیز نام دومرا براین کتاب نهاده .

(٢) پیشینیان(لا) راحرفی جداگانه میشمرده وحرفهارا (٢٩) میشمرده‌اند .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

هیچ‌یک ازنسخه‌ها ، مانند دونسخهٔسپهسالارشماره‌های (١٧٨٥و١٧٨٤) ونسخهٔ نگارندگان ناسخ التواریخ (١) و وقایع‌الایام، و نسخهٔ کتابخانهٔ طوس (٢) (ش٦٨٢١)باب سی‌ام رانداردو، و گویا میخواسته آنرا بنگارد و نتوانسته است .

نگارندهٔ این کتاب شناخته نیست ، مجلسی‌دربحار (ج١ص٥و١٣و١٤) نیز اورا نشناخته، ولی در(ج١٧ص١٣٦) این کتاب راهمان «العیون والمحاسن» دانسته ، وآنرا نگارش علی پسرمحمد پسر شاکر مؤدب لیثی واسطی شمرده ، گوید: درآن سخنان علی ودیگر امامان گرد آمده است . وسیدحسن صدر در تأسیس‌الشیعه (ص٤٢٠) چ١٩٥١م نیز از او پیروی کرده‌است . ولیکن عبدالله افندی‌درریاض‌العلماء در گزارش‌زندگی این‌مرد گوید : اوراست کتابی دراخبار فضایل خاندان پیغمبر که بسال(٤٥٧) پایان یافته. وسیداعجاز حسین در کشف‌الحجب‌نام کتاب علی‌پسرمحمدلیثی‌را «العیون‌والمحاسن»آورده نه‌عیون‌الحکم.

پس دانسته میشود که لیثی درسدهٔ پنجم بوده و کتابش‌العیون والمحاسن نام‌داشته ودراخبارفضایل بوده ، درصورتیکه جای گفتگوی ما کتابی است بنام عیون‌الحکم واز سدهٔ ششم نیز پائین‌تر نگاشته شده(٣) ودرآن سخنان کوتاه علی(ع)بتنهائی گردآمده است.

نگارندهٔ این کتاب «غررالحکم ودررالکلم» آمدی (٤) را با افزودن برخی‌جمله‌ها وسخنان کوتاه دراین کتاب گردآورده وترتیب‌آنرا نیزدگرگون نساخته تاآنجا که دیباچهٔ آن‌را نیزبا جابجا ساختن برخی واژه‌ها آورده‌است،

تاریخ نگارش‌این کتاب نیزبدرستی دانسته‌نیست، وشاید بابررسی بیشتر وبرابر کردن نسخهٔ آن‌با غررالحکم آمدی آشکار شود. درپایان نسخهٔ این کتابخانه‌زنجیرهٔ نسخه‌های آنرا چنین‌آورده است: این‌نسخه در(١٢٧٩) ازروی

(١) لسان‌الملک سپهر درپایان (ج٢ناسخ‌التواریخ) بیست و نه‌باب این کتاب را با ترجمهٔ فارسی‌آورده، وهیچگونه اشاره بنام‌کتاب نکرده ، و نگارندهٔ وقایع‌الایام چنین پنداشته که سپهر خود این سخنان راگرد کرده ، ولی‌ابن‌یوسف در فهرست سپهسالار (ج٢–٧٤و١٤٦) باین پی‌برده وگوشزد ساخته است .

(٢) فهرست کتابخانه رضوی (طوس) ج٤ص١٣١ .

(٣) اگردیباچه کتاب‌ساختگی نباشد، ازآن‌آشکارمیگردد که پس ازابن‌جوزی (م-٥٩٧) وخوارزمی (م٥٦٨) نگاشته شده است .

(٤) در ص ١٦٠ همین جلد شناسانده خواهد شد .

نسخهٔ نوشتهٔ(۸۶۷) و آن از روی نسخهٔ نوشتهٔ(۷۰۸) و آن از روی نسخهٔ نوشتهٔ (۶۱۴) نویسانده شده‌است. اگر این زنجیره ساختگی نباشد میتوان پذیرفت که نگارش این کتاب در آغاز سدهٔ هفتم بوده‌است، و چون در دیباچهٔ آن از کتاب منثورالحکم ابن جوزی (م-۵۹۷) ومناقب خوارزمی (م۵۶۸) یاد کرده نمیتوان آنرا ازمیان دو تاریخ (۵۹۷ تا ۶۱۴) بیرون دانست.

آغاز: الحمدلله باری النسم وفالق... وبعدفان الذی حدانی علی جمع فوائدهذا... مابلغنی من افتخار ابی عثمان الجاحظ(۱) حین جمع المایة حکمة الشاردة عن الاسماع الجامعة انواع الانتفاع.. وسمیته بکتاب عیون الحکم و...

انجام: فلیحذر الذین یخالفون عن امره ان تصیبهم فتنة او یصیبهم عذاب الیم.

[۴۲]

۹۶ نسخه بخط نسخ، بنام نوبسانده محمدعلی پسر محمد صادق درماه شوال (۱۲۷۹) نوشته‌شده، و چنین وانمود، که از روی نسخه‌ئی (بتاریخ ۸۶۷) وآن ازروی نسخه‌ئی (بتاریخ۷۰۹) وآن ازروی نسخه‌ئی که (تاریخ۶۱۴) بوده رونویس شده‌است ونسخهٔ (۸۶۷) درحلب بخط ابواسحاق بن محمد نوشته بوده است.

عنوانها باشنگرف. رویه‌های دارای دوجدول است اززر. درورویه (۴۵۶) کتاب پایان پذیرفته وتا رویه(۴۵۹) زنجیرهٔ نسخه‌های این کتاب راآورده است. وپنج برگ سفید پس ازآن نهاده است.

(۲۳۱برگ) (۴۵۹)کاغذ ترمه نخدی، جلد تیماج سرخ زرکوب مقوائی.
اندازه ۱۳×۲۲و۷×۱۴: ۱۳سطر.

[۴۳] غررالحکم ودررالکلم (عربی)

سخنان کوتاه علی(ع) درآن گردآوری شده است. نگارنده ناصح‌الدین ابوالفتح عبدالواحد پسر محمد پسر(۲) محفوظ پسر عبدالواحد پسر محمد پسر عبدالواحد تمیمی آمدی(۳) است. درروضات (چ یکم-ص۴۷۴) او را همزمان سید رضی (م-۴۰۶) ومرتضی (م۴۳۶) وشیخ طوسی (م۴۶۰) شمرده، واز ابن‌شهرآشوب

(۱) نسخهٔ این کتابخانه: حافظ.
(۲) حاجی نوری درمستدرک ج۳ص۴۷۱ برروی واژهٔ ابن که بجای «پسر» میباشد نشانهٔ: ز.ظ. نهاده وگویا وی این واژه رازیاد دانسته و «محفوظ» راصفت پدر آمدی دانسته نه‌نام نیای او.
(۳) آمدشهریست میان دجله وفرات ازدیار بکر. (معجم‌البلدان).

درآغاز کتاب مناقب و «معالم‌العلماء» نقل نموده: که وی اجازهٔ روایت این کتاب را ازنگارنده‌اش گرفته، وهم گفته‌است که دانشمندان شیعه ازوی روایت نمی‌کرده اند. صاحب معجم‌المطبوعات مرگ اورا بسال (۵۱۰) آورده است.

ابن شهرآشوب برای بزرگ داشتن آمدی اورا بلقب سیدخوانده است وچون این واژه درایران پس از صفویان معنی «نوادهٔ امام» بخود گرفته است، حاجی نوری که آمدی را ازایشان نمی‌دانسته ازاین لقب درشگفت مانده است.

این کتاب نزدیک (۴۰۰۰ بیت‌نوشته) داردو بیست و نه باب بترتیب حروف الفباء عرب‌دارد وبخش هرحرف را بچندفصل تقسیم کرده؛ ودرهر فصل سخنانی که آغازشان واژهٔ مخصوصی است گرد آورده، چنانکه: درباب حرف الف فصلی برای سخنانی که آغازشان واژهٔ (ان) وفصلی برای سخنانی که آغازشان واژه (ایاك) و(آفة)(۱) وهمچنین... آورده است.

چنانکه در(ص۱۳۹) گفتم: عبدالکریم‌قزوینی همزمان شاه سلطان‌حسین‌صفوی کلمه‌های این کتاب‌را بترتیب‌موضوعها درنود ونه باب مرتب‌ساخته، وباردیگر هموآنرا بفارسی ترجمه کرده و «اصداف‌الدرر» نامیده است. و آقاجمال‌خوانساری نیز گزارشی بفارسی برغررالحکم نگاشته است. ونسخهٔ هرسه کتاب در کتابخانه سپهسالارهست. ومیرزامحسن حالی‌خوشنویس اردبیلی نیز بخشی ازآنرا ترجمه ودرشیراز بسال (۱۳۴۴ق) چاپ کرد.

این کتاب درمبئی بسال ۱۲۸۰ چاپ شده وحرف الف آن درمصر بسال ۱۹۱۲م = ۱۳۳۱ نیزچاپ شده است.

[۴۳]

۹۵ بخط نسخ کهنه، نزدیک سدهٔ هشتم نوشته‌شده. پس ازبرگ (۱۳۶) افتاده، ونزدیک سدهٔ دوازدهم کسی آنرا ازنو نوشته وپایان داده‌است. پیش ازآغاز نسخه (۱۵ برگ) باهمان کاغذ کهنه هست. ودرآن باخطی کهن دعاهای شبهای ماه رمضانرا تاشب۲۳ نوشته‌اند.

عنوانها باشنگرف. برخی واژه‌ها اعراب زیر وزبر گذاری شده. تصحیح شده وافتاده‌ها را درکناره‌نوشته‌اند. در (برگ۱۵) پیش ازنسخه تملك (محمدبن محمدبن

(۱) برای برخی واژه ها دو فصل جدا دیده میشود، مثلا برای (آفة) دوفصل ساخته‌شده که کلمات هردوبا اندکی دگرگونگی یکی‌میباشد. برك ۲۳و۵۴ نسخهٔ ۹۵ این کتابخانه دیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

حسن الحسینی الشهیر بالمیناثی العاملی...) دیده‌میشود، وبالای آن شعری از احمد بن عبدالله ابن المتوج رحمه‌الله هست. ودرروية مقابل آن اجازه‌ای بوده است که دراثر چسبندگی برگها نابودشده است.

(۱۴۸برك) کاغذ بخش‌کهنه سمرقندی نخدی وبخش نوتوپس‌اندکی سفیدتراست. جلدتیماج سرخ طوالی اندازه ۱۵ × ۲۴ وص۱۱ × ۱۹٫۱۹ سطر.

[٤٤] غرر الفواید و درر القلاید(۱) (عربی)

این کتاب سخنرانی و گفتارهائی است درتفسیر آیه‌ها نه بترتیب قرآن بلکه جداجدا وجابجا، که آنها را مانند درس برای شاگردان درهشتاد مجلس گفته وازاین روی آنرا «امالی»(۲) نیز نامند. این گفتارها بیشتر جنبهٔ ادبی داردیعنی بایرادها واشکالهای ادبی که درقرآن دیده‌شود، وبادشمنان اسلام بدیدآورند، پاسخ گفته است، و کمترجنبهٔ خبری دارد یعنی ازحدیثهائیکه بعدها در کتابهای تفسیر شیعه دیده میشود در آن کمتر یافت میگردد. ترتیب کتاب برباب وفصل نیست بلکه هربخش‌را که دریک نشست میگفته مجلس نامیده است ودر آن ازفنون ادب عربی مانندصرف، نحو، لغت، لغز، شعر، مثل، وجز آن گردآورده و کتابچهٔ «پاسخ پرشهای سلاری»را نیز جزو این کتاب شمرده‌اند. ابن خلکان(۳) این کتاب‌را ستوده وآنرا نشان دانش وهنر نگارنده‌اش دانسته است.

نگارنده ابوالقاسم علی پسر حسین پسر موسی پسر محمد پسر ابراهیم پسر موسی الکاظم(ع) است که بشریف مرتضی وعلم‌الهدی نام‌بردار است. وی در(۳۵۵) بزاده ودر یکشنبه (۲۵–ع۱–٤٣٦) درگذشت اوبرادر شریف‌رضی بوده وپس از مرگ برادرش در(٤٠٦) سرورخاندان طالبیان دربغداد گردید وازاین راه دارائی فراوان میداشت. درخانهٔ او گشاده وسفره‌اش بروش سران ایلات گسترده می‌بود. صاحب‌ریاض‌العلماء گوید وی هشتاد ده‌را میان بغداد و کربلا مالك بود وصفدی در «وافی بالوفیات» درآمدسالانهٔ اورا بیست وچهارهزار دینارزردانسته

(۱) درنسخهٔ کهن این کتابها چنین استوالی درروضات «غررالفرایدودررالقلاید» خوانده شده است.

(۲) درسها که استادان برای شاگردان میگفته اند، اگربدست استاد نوشته میشد «امالی» که جمع املاء ودیکته است، خوانده میشد، واگر آنهارا شاگردان گرد آورده مینوشتند «تقریرات» خوانده میشد، که جمع تقریر وبمعنی بازگفتن میباشد. وهم اکنون کتابهای بسیارهست که یکی از این دو نام را دارد. الذریعة ج۲ص ۳۰۵ وج٤ص۳٦٦ دیده شود.

(۳) وفیات‌الاعیان چ۱۹٤۸ج۳ س۳.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

وچون درخاندان دانش وفرهنگ زاده بود ازدانشهای ادبی ودینی نیز بهره فراوان داشت، دانشمندان شیعه‌مانند شیخ‌طوسی (م–٤٦٠) وجز اوازوی روایت کنند واونیزازدانشمندانی‌مانندشیخ مفید (م–٤١٣) روایت کند. کتابخانهٔ داشت که شمارهٔ کتابهایش‌را تاهشتاد هزاربلکه صدوچهل هزار نوشته‌اند. وی‌دارای ذوق‌هنری نیز بوده است؛ گویند ازهرچه‌خوش میداشت شماره‌های گوناگون آنرا تاهشتاد شماره گرد میآورد و کتابی‌بنام «ثمانین = هشتاد» نگاشته(۱) وازاین‌روی اورا (هشتادی = ذوالثمانین) لقب داده بودند. وی درنظم ونثر تازی سرآمد روزگارخود میبوده کتابها دردانشهای روزگارخودنگاشته که‌فهرست آنها در کتابهای تاریخ وزندگی گزاریها یاد شده است. خودخواهی اشرافیت در گزارش زندگانیش دیده میشود؛ وقتی در حضور فیلسوفی چون ابوالعلاء معری بمتنبی بدگوئی نموده، ابوالعلاء مؤدبانه وبا کنایت بوی گوشزد کرده که‌چنان نیست، وی دستورداده ابوالعلاء را ازمجلس براندند.

او درباره مذهب شیعه متعصب بوده و کتابها دراستدلال برای این‌مذهب نگاشته‌ومجلسها بحث و گفتگو گذرانیده ولی‌هنگامی که‌دولت وقت‌یك‌ملیون درم برای رسمیت‌دادن بمذهب شیعه ازاو خواست، وی‌نیم آنرا ازمردم شیعه که بینوا بودند بخواست و خود نیم دیگر را بگردن گرفت، وچون مردم توانائی نداشتند این کار انجام نیافت، ونگارندهٔ «حدائق المقربین» مال خواسته شده را صدهزار درم نوشته که دربرابر درآمد او ناچیز است. اوبا اینکه از برادرش شریف‌رضی بزرگتر بودسی سال‌پس ازوی‌زندگی کردوپس‌ازبرادرسرپرستی(۲) خاندان‌طالبی‌باورسید، وریاست‌وکارهای طالبیان‌ازطرف‌دولت‌بوسپرده‌شدولی پس ازمدتی ازاین کار کناره گرفت، ودر(٤٣٦) درگذشت. تن اورا درخانه‌اش امانت گذاردند وسپس بکربلا برده نزدیك قبرحسین‌بن‌علی(ع) بخاك سپردند. ولی بعدها در کاظمین گنبدی بنام اوبرپا شده واکنون برجا میباشد.

برخی‌ازتاریخ نویسان مانندابن‌خلکان دراینکه آیانگارندهٔ نهج‌البلاغة اواست یا برادرش، اختلاف نموده‌اند ونیزحسن پسر سلیمان شاگردشهید آنرا

(۱) شاید کتاب الثمانین همین «غرر» باشد که در۸۰مجلس میباشد.

(۲) درآن‌روزگار کسانی که خودرا ازفرزندان پیغمبر وعلی(ع)می‌شمردند وازاین‌راه خودرا تابع برخی‌قانونها ومقررات ویژه میشمردند بسیارشده بودند، ودرهر شهر برای‌رسیدگی بکارهای‌ایشان سرپرستی‌بنام (نقیب‌الطالبیین) منصوب میگردید.

نگارش شریف مرتضی دانسته نه برادرش شریف رضی، ولی این گمان درست نیست. دیگر از آثار او دیوان وی میباشد که آنرا دارای (۲۰۰۰۰ بیت) نوشته‌اند ونام ترین آثار وی همین کتاب «غرر» است که جای گفتگوی ما است. شریف مرتضی خود براین کتاب «تکمله» و«دنباله» نگاشته است. صاحب روضات گوید من نسخهٔ آنرا ندیده‌ام. وشاید این دنبالهٔ همان «مسایل سلاریه» باشد. که در چاپ (۱۲۷۲) با آن دریکجا چاپ شده است.

نسخه‌های این کتاب: الف: نسخهٔ محمد بدرالدین نعسانی چاپ (مصر-۱۹۰۷ م) وی کتابرا بچهار بخش نموده:

بخش یکم بمجلس یکم در تأویل آیهٔ: «واذا اردنا ان نهلك قریة امرنا» آغاز شده، و بمجلس ۲۲ تأویل «ساصرف عن آیاتی الذین یتکبرون» پایان یافته.

بخش دوم. با تأویل یك خبر و سپس بمجلس ۲۳ آغاز، و بمجلس ۴۰ تأویل آیهٔ «یا ایها الذین آمنوا استجیبوا» پایان یافته.

بخش سوم بمجلس ۴۱ تأویل «فاین تذهبون. ان هو الا...» آغاز، و بمجلس ۵۶ تأویل «واسأل من ارسلنا من قبلك» پایان یافته.

بخش چهارم بتأویل خبر «کل مولود یولد علی الفطرة» آغاز و بمجلس ۸۰ تأویل آیهٔ «وهدیناه النجدین» پایان یافته است.

ب: نسخهٔ فرهاد میرزا (چ تهران-۱۲۷۲ ق) باهمین ترتیب همه‌را دریك جلد گردآورده، ودر آغاز مجلس (۳۴) تأویل آیهٔ «لا تثریب علیکم الیوم یغفر الله لکم» در کنار صفحه چنین چاپ شده است: «تم الجزء الاول من الغرر والدرر ویتلوه الجزء الثانی» ودر پایان کتاب نسخه «مسایل سلاریه» را در (۵۰ ص) چاپ کرده‌اند.

ج- نسخهٔ این کتابخانه در پایان مجلس ۳۳ بخش یکم پایان یافته، ودر پایان مجلس ۴۶ بخش دوم پایان یافته، و پایان دیگر بخشها افتاده است. این نسخه ناساز گاریها دیگری نیز با نسخه های چاپی دارد. مانند اینکه مجلس یکم ودوم را جای یکدیگر نهاده ودر پایان مجلس ۴۶ نزدیك ۵ سطر کمتر از نسخه‌های چاپی دارد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[٤٤]

۲۲۳ نسخه بخط نسخ سدهٔ ششم. نام نویسنده ندارد. تاریخ آن در پایان بخش یکم (برك ۳۶ الف) و پایان بخش دوم (برك ۸۰- الف) ذی‌قعده ٥٤٤ نوشته شده‌است. نسخه تصحیح شده وافتادگیها در کناره نوشته شده. شعرها درمیان سطر و عنوانها را باخامهٔ درشت نوشته است. حاشیه‌ها با رمز (ه) وجز آن دارد. به صفحه شمار داشته و نه پابرگی، فروشندهٔ نسخه برای پوشاندن افتادگیهای آن پابرگی دروغین برایش نهاده است.

مجلس یکم و دوم این نسخه جابجا است ودر برخی جاهای دگر نیز با نسخه‌های چاپی ناساز گار است.

این نسخه سه بخش از چهار بخش کتابرا دارد، ودر چند جای آن نیز افتادگی هست.

فهرست مجلسهای آن چنین است:

تم الجزء الاول من كتاب غرر الفوائد ودرر القلائد
ويتلوه في الجزء الثاني مجلس في تأويل آية ان سأل سائل
عن قوله تعالى حاكيا عن يوسف عليه السلم لا تثريب
عليكم اليوم يغفر الله لكم وهو ارحم الراحمين
ووافق الفراغ في ذي القعدة سنه اربع واربعين
وخمس مايه بحمد الله
۲۲۳

(۱۵) برك (۳۶ الف) نسخه ۲۲۳ غرر ودرر سید مرتضی

مجلسهای ۱ تا ۸ (برگ ۱ تا ۳۰) را گرفته. ودر اینجا مجلسهای ۹ تا ۲۵ افتاده است، ودر (برگهای ۳۱ تا ۳۵) مجلسهای ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ دیده میشود ودر اینجا نیز مجلسهای ۲۹ تا ۳۳ افتاده است. ودر برگ (۳۶- الف) پایان مجلس ۳۳ که پایان بخش اول کتاب است دیده میشود (و کلیشه آن نیز در بالا دیده میشود. در برگ (۳۶- ب) بخش دوم کتاب بمجلس ۳۴ تأویل «لا تثریب علیکم الیوم» آغاز میشود، وتا برك (۸۰- الف) مجلس‌های بخش دوم درست هست و بمجلس ٤٦

تأویل «واذا سألك عبادی عنی فانی قریب» پایان یافته است در اینجا برگ (۸۰ – الف) نو نویسی است وتاریخ آن ساختگی میباشد. آغاز بخش سوم که آغاز مجلس ۴۷ تأویل «هوالذی انزل من السماء ماء لکم منه...» میباشد افتاده، ودر برگ (۸۱ – الف) ازمیان مجلس ۴۷ بجامانده واز اینجا تا برگ (۱۱۷ب) که پایان نسخهٔ این کتابخانه میباشد مجلسها درست است، ودراین برگ آغاز مجلس ۶۰ تأویل «ولاتقولن لشئی انی فاعل ذلك غداً» دیده میشود وباقی آن تاپایان کتاب که ۸۰ مجلس میباشد افتاده است.

۱۱۷ برگ کاغذ نخدی جلدمشکی کهنه و نیازمند صحافی است. اندازه: ۵ر۱۹ × ۳۱ و ۱۳ × ۵ر۱۶؛ ۳۴ سطر

[۴۵]

فرهاد وشیرین

(فارسی)

چنانکه در (ص ۴۸) گفتیم ریشهٔ این داستان ازمتون پهلوی ساسانی گرفته شد وپهلوان آن خسرو پرویز ساسانی (۵۹۰–۶۲۸م) وشیرین دختر ارمنی میباشد که معشوق وی بودو سپس همسر او شد، وفرهاد یکی ازسران سپاه ورقیب خسرو میباشد. کسان بسیار این داستان را بشعر سروده‌اند، که برخی ازایشان را در (ص ۴۲–۴۶) یاد کردیم. یکی ازآنها که جای گفتگوی ماست ازوحشی بافقی است که وصال شیرازی آنرا بپایان رسانیده است.

وحشی چنانکه یاسمی گوید در (۹۵۳) نزدیك ۲۵ سال داشته و بگفتهٔ اوحدی در «عرفات العاشقین» بسال (۹۹۱) برابر (بلبل گلزار معنی بسته لب) در یزد در گذشته‌است. گوراو ناپدید بودودرسال (۱۳۲۸ق) یافت شدو نزدیك ساختمان تلگرافخانهٔ یزد بپهلوی فرمانداری چهارطاقی برآن ساخته شد نیاکان وحشی کرمانی وخود اویزدی بوده وسفری بهند رفته، درصبح گلشن برادروحشی را با تخلص مرادی یاد کرده است. شعر او بسبك صفوی است که بسبك هندی می گراید، وبیشتردرستایش شاه تهماسب صفوی ومیرمیران است. اوفرهادوشیرین را دربرابر خسرو وشیرین نظامی سروده و «ناظر ومنظور» را در برابر «لیلی ومجنون» و«خلدبرین» رادر برابر«مخزن الاسرار» و فرهادوشیرین را بسال (۹۶۶) آغاز کردونتوانست آنرا بپایان رساندبلکه فقط تا داستان دیدن فرهاد شیرین را در کوه بی‌ستون، درهزار بیت سروده وبدین بیت پایان داده است:

اگر چه صد نواخیزد ازین چنگ
چونیکو بنگری باشدیك آهنگ

سپس وصال شیرازی دنبال آنرا ازداستان دستور دادن شیرین بفرهاد برای کندن کوه، بدین بیت آغاز کرده:

هزاران پرده بر قانون عشق است
بهریک نغمهٔ زافسون عشق است

وبدین بیت پایان داده است:

من و فرهاد و صد همچون من و او
زشه با حال خوش با فال نیکو

پایان دهنده میرزا محمد شفیع پسر محمد اسماعیل پسر محمد شفیع پسر میرزا اسماعیل. بلقب میرزا کوچك (۱) نامبرداروازهنرمندان دورهٔ فتحعلی شاه قاجار بشمار بوده‌است. وی در آغاز کارمهجورتخلص میکرد وسپس بدستور استاد وپیرخود میرزای سکوت وصال تخلص گرفت، و در پایان برخی قرآنها که بخط زیبای خودنوشته، خود را «کاتب آلهی» خوانده است. نگارشها که ازوصال بجامانده چنین است: ۱) بزم وصال مثنوی در (۷۰۰۰ بیت) ۲) دنبالهٔ فرهادوشیرین وحشی. جای گفتگو، ۳) ترجمه وشرح اطواق الذهب زمخشری چاپ شده، ۴) دیوان وصال نزدیك (۳۰۰۰۰ بیت) ۵) سفینه در گزارش حدیثهای قدسی (۲) ۶) صبح وصال مانند گلستان. وی دانشهای زمان خود را آموخته، درفلسفه وعرفان و ریاضی دست داشت، ودر نقاشی وموزیك زبردست بود و هفت گونه خط: نسخ، نستعلیق، ثلث، رقاع، ریحانی، تعلیق، شکسته رانیکومینوشت، و کتابهای بسیار بخطخودنوشته وازاین راه زندگی میگذارنید بویژه در آغاز کارش هنگامی که زلزلهٔ شیراز (در ۱۲۳۹) خانهٔ او را ویران ساخت مدتها ازاین راه بسختی زندگی نموده‌است. وی خطوشعررا درخاندان خود بارث گذارد وتاکنون بیشتر نوادگانش هنرمند میباشند. اگرچه وی در غزلسرائی

(۱) یکی از رسوم خانوادگی چنین بوده‌است که اگر کودك بوزادرابنام نیای بالاترش مینامیدند کودك را بلقب «کوچك» میخواندند، واگر نام نیای بزرك (نیای پدرش) رابه او میدادند، وی را بلقب «بزرك» میخواندند، و برای احترام، از آوردن نام بای کودك خودداری میکردند.

(۲) حدیث قدسی را در (ج ۱ ص ۱۳۱) این فهرست ببینید.

استاد بوده ولی در چکامه سرائی و مثنوی نیز روش باز گشت بسبك کهن خراسانی را پیروی میکرده است ، و از این روی دنبالهٔ فرهاد و شیرین را او نیرومند تراز وحشی سروده است ، اگرچه بخش وحشی دارای سوز و گداز بیشتر میباشد .

وصال دنبالهٔ فرهاد و شیرین را بدستور فرهاد میرزا پسر عباس میرزا و بسال (۱۲۵۸) چهارسال پیش ازمرگش سروده است ، و در (۱۲۶۲) در شیرزا در گذشته و نزدیرش سکوت بخاکش سپردند .

فرهاد و شیرین ازوحشی با دنبالهٔ آن از وصال یك بار بسال (۱۳۰۳ ق) در تهران یکجا چاپ شده و از (ص ۱ تا ۵۳) آن از آن وحشی و از آنجا تا پایان (ص ۱۸۳) از آن وصال است . سپس کوهی کرمانی بسال (۱۳۰۶ ش) بخش وحشی را تنها چاپ کرده، و در سرآغاز آن گزارش زندگی او را بخامهٔ رشید یاسمی گذارده است .

[۴۵]

۱۶۹ این نسخهٔ فرهاد و شیرین فقط بخش وصال را دارد . بخط نستعلیق زیبای پسر وصال است که نام خود را محمد (۱) این وصال نوشته . و آنرا بدستور فرهاد میرزا در ۱۲۶۰ نوشته است هر رویهٔ از برگهای آن دو جدول دارد ؛ جدول برون بازروشنگرف و جدول درون بازروشنگرف و لاجورد وسبزی آراسته شده . رویه‌شمار ندارد ولی پای برگها نشان گذارده است . عنوانهایه باشنگرف است . دو رویه (۱ ب و ۲ ـ الف) زرافشانی شده . یك سرلوح بسیار زیبا (برگ ۱ ب) باشنگرف و لاجورد و سبزی و زرناب دارد . در (برگ ۱ ـ الف) باخط همان نویسنده نوشته است: [فرهاد و شیرین را وصال بسال (۱۲۵۸) برای فرهادمیرزا سروده است] .

(۸۶ برگ) کاغذ خانبالغ نخدی - جلد تیماج سبز زرکوب مقوائی الدائره ؛ ۱۴ × ۵ ر ۲۱ و ۸ × ۱۵ ؛ ۱۳ سطر .

(۱) میرزا محمد داوری سومین پسر از پسران ششگانهٔ وصال و ازهنرمندان بنام شیراز است . دیوان او نزدیك (۱۵۰۰۰ بیت) دارد . وی بسال (۱۲۸۳ یا ۱۲۸۴) در گذشت و در شاه چراغ نزدیك پدرش و میرزای سکوت بخاك سپرده شد .

[۴۶] کشف الوجوه الغر لمعانی نظم الدر [عربی]

گزارشی است بر چکامه بقافیهٔ تاء از ابن فارض شاعر صوفی مصر (م ۶۳۲) که در (ص ۹۲-۹۷) این فهرست یاداو گذشت . این چکامه (۷۶۰ بیت) شعر دارد و نظم الدر یا نظم السلوك و تائیهٔ بزرگ نامبردار شده است . چکامهٔ تائی دیگری نیز بابن فارض نسبت دهند که تائیهٔ کوچک نام دارد .

این گزارش نزدیك (۶۶۰۰ بیت) نوشته دارد ، و سرآغاز آن دیباچه میباشد در دو بخش که هر کدام پنج فصل دارد .

آغاز دیباچه : الحمدلله الذی فلق بقدرته صبح الوجود عن غسق العدم ... اما بعد فمما شاع بین الناس ... وسمیتها کشف الوجوه الغر لمعانی نظم الدر ...

آغاز گزارش چکامه :

سقتنی حمیا الحب راحة مقلتی — و کاسی محیا من عن الحسن جلت

الحمیا سؤرة الشراب ، والمحیا الوجه ، وجل الشئی عظم ...

این کتاب یك بار در مصر بسال (۱۳۱۰ ق) و یك بار در تهران بسال (۱۳۱۹ ق) چاپ شده ، و در هردو آنرا نگارش ملا عبدالرزاق کاشی (م ۷۳۶) شناسانده‌اند . چاپ مصر در کنارهٔ شرح دیوان ابن فارض (۱) نهاده شده و تصحیح کنندگان در پایان نسخه (ص ۳۲۰) گفته‌اند : چون این چکامهٔ تائی در دیوان ابن فارض نبوده ، و گزارش آن در این شرح نیست ، ما گزارش عبدالرزاق کاشی را بر این چکامه در کنارهٔ صفحات چاپ کردیم ، و چون این چکامه تائی شرحهای کوچك و بزرگ بسیار داشت ، ما این گزارش را که میانه‌رو تر از دیگران بود برگزیدیم .

ولی درست آنست که این کتاب نگارش عزالدین محمود پسر علی کاشی نطنزی میباشد چه در دو جای نسخهٔ این کتابخانه که (بسال ۷۱۵) نوشته شده آنرا بوی نسبت داده‌اند ، و همانگونه که آقای همائی در سرآغاز کتاب مصباح الهدایة آورده است ؛ جامی در نفحات الانس دربارهٔ عزالدین محمود گوید : چنانکه در دیباچهٔ شرح تائیه میگوید : « ولم ارجع فی املائه الی مطالعة شرح کی لا یرتسم

(۱) این شرح را رشید بن غالب از ترکیب دو شرح تهیه نموده است ؛ الف : گزارش حسن بورینی ، ب : گزارش عبدالغنی نابلسی .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

منه‌فی قلبی رسوم و آثار تسد باب الفتوح و تتشبث باذیال الروح»(۱) و همین عبارت در این شرح دیده میشود (ص ٦ - چ تهران) محمود بن علی کاشانی نطنزی شاگرد نورالدین عبدالصمد پسر علی اصفهانی نطنزی (م ٦۹۹) از پیران سهروردیان بوده و بسال (۷۳٥) در گذشته است(۲) و در (ص۷۹۳) تاریخ گزیده مرگ او را در عهد ابقاخان (٦٦۳-٦۸۰) دانسته، و این نادرست است، چه او همزمان کمال الدین عبدالرزاق کاشی (م-۷۳٦) میباشد و هر دو شاگرد نورالدین عبدالصمد پسر شیخ علی اصفهانی هستند. وی کتاب عوارف المعارف را بدو واسطه از نگارنده‌اش (شهاب سهروردی) (٥٤۲-٦۳۲) روایت میکرده(۳) و در اجازهٔ که بیکی از شاگردان خود داده بدان اشارت نموده است(٤). جامی سه دوبیتی و دو قطعه فارسی نیز از عزالدین محمود آورده است(٥).

آثار عزالدین محمود: تا آنجا که ما میدانیم از وی دو کتاب بجامانده است.

۱ــ مصباح الهدایة چ تهران ۱۳۲۳ش بتصحیح آقای جلال همائی با یک سر آغاز در گزارش زندگی او.

۲ــ گزارش چکامهٔ تائی از ابن فارض که جای گفتگوی ما است.

۳ــ ترجمهٔ عوارف نگارش شهاب الدین سهروردی. و این سومین را من ندیده‌ام و فقط جامی در نفحات و چلبی در کشف الظنون بوی نسبت داده است.

باید یادآور شد: کسی که نسخهٔ (شمارهٔ ۲۷۱) این کتابخانه از آن او بوده بر پشت آن نوشته است که این شرح نگارش ابوسعید ابوالخیر (م۴٤۰) میباشد.

[٤٦]

۲۷۱ خط نسخ. نام نویسنده عبدالقادر بن عمر بن محمد. در تاریخ (۷۱٥) نوشته شده. عنوانهای دیباچه و متن شعرها با شنگرف نوشته شده. اوحدبن اسعد بن بهرام المستوفی، در (۲ ذی‌قعدهٔ ۸۳٥) آنرا مقابله و صحیح نموده و افتادهها را در کناره نوشته است، و دست نویس او در پائین برگ (۱۷۰ب) دست راست کلیشه (ش۸) دیده میشود. و محمد شفیع بن محمد مقیم بسال (۱۱۱۷) آنرا اعراب گذاری کرده است، و دست نویس او در پائین همان صفحه دست چپ دیده میشود. این نسخه از برگ نخست تا (۱۷۰)

۱ــ نفحات الانس ص ٤۲۷ و ٤۲۸ چ نول کشور ۱۹۱٥ م.

۲ــ کشف الظنون در عنوان «عوارف المعارف» و «تائیة ابن فارض».

۳ــ نفحات الانس چ نول کشور ۱۹۱٥ ص٤۲۸ و ٤۲۹. این دو واسطه چنین است: عبدالرحمان برغش (م۷۱٦) از پدرش علی بن برغش (م٦۷۸) از شهاب سهروردی (م٦۳۲).

٤ و ٥ ــ نفحات همان صفحه.

این دفتر را گرفته، و پس از آن چکامهٔ لامی از رشیدالدین وطواط در دو برگ، و پس از آن چکامهٔ میمی از ابن فارض هست که در دو صفحه است، و در آخرین صفحه چند شعر از مثنوی را آورده‌اند.

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله الذی فلق بقدرته صبح الوجود عن غسق العدم
فجعله آیة مبصرة لمن علیه دلیلا ذو حکمته ذو الجمع

(ش۷) آغاز «کشف الوجوه الغر» برگ (۱ب) نسخهٔ ۲۷۱ این کتابخانه.

کما سبق مرارا و هذا آخر ما اردنا ایراده فی هذا المختصر
من شرح القصیدة بعون الله المقتدر تم شرح هذه القصیدة
المبارکة یوم الخمیس العشر جمادی الاولی سنة خمس
عشرة و سبعمائة علی ید الفقیر

(ش۸) پایان کتاب، دست خط مستوفی و محمد شفیع برگ (۱۷۰ب) این نسخه.

در برگ (۱ــالف) نخست با خط نستعلیق سیاه، نام چکامه و سراینده را نوشته، و سپس با همان خط با سرخی شرح کننده عزالدین محمود را شناسانیده

است. ودر پائین آن صفحه نیز خط اوحدین اسعدیاد شده دیده میشود، وتاریخ آن(ذیحجهٔ ۸۳٤) است. یك برگ نیز پیش از برگ نخست هست که شماره ندارد وبر آن نام کتاب و نگارنده‌اش عزالدین محمود با خط نسخ کهنه نوشته شده وسپس درزیر آن این عبارت دیده میشود(شرح قصیدهٔ تائیة ابن الفارض(ره) للشیخ الجلیل ابوسعیدابوالخیر) وسپس چندشعر دیگر هست.

(۱۷۷برك) کاغذ دولت آبادی . جلدتیماج خالی کهنه . اندازه : ۱۱ × ۲۱و۸ × ۱۷:۲٤سطر.

[٤۷] کشکول (عربی وفارسی)

این واژه را آقای دوزی در کتاب خود ، دنبالهٔ فرهنگهای زبان تازی ، از ریشهٔ فارسی شمرده که بزبان تازی درآمده است ، و بکار بردن آنرا بصورت های « کشکل» و« کشکول» و« کشکوله» بمعنی جامی که درویشان آشامیدنیها در آن ریزند آورده است . وچنانکه میدانیم امروز نیز کشکول بظرف ویژه‌ای گویند که درویشان و گدایان بگردن آویخته وخوردنیها که ازمردم می ستانند در آن گرد کنند، وازاین روی همواره در آنها خوراکیهای گوناگون و ناساز گار فراهم آید. در گذشته برخی از مردان که سختی تخصص و کارشناسی برخود هموار نمیکردند واز هردانش اندك بهره می‌یافتند دفترچهٔ برای خود گرد می آورده هر آنچه باندیشهٔ ایشان میگذشت در آن می نوشتند و آنرا کشکول وجنگ وسفینه (۱) مینامیدند واین بدان معنی است که در کشتی نیز چیزهای گوناگون گرد آید.

درذریعه (ج۵ص۱٦۵) ده شماره کتاب بنام جنك شناسانده است. ودر(حرف ك

۱ – جنك واژه‌ایست چینی بمعنی کشتی ودر لاروس فرانسه ودائرة المعارف انگلیسی آنرا بصورت ژنك آورده وچنانکه از کریستن سن، در (ایران در زمان ساسانیان ترجمه یاسمی، چ تهران ۱۳۱۷ص۲۱) برمی‌آید بصورت «دیانه» نیز بکار برده شده است ، ودر آسیای مرکزی مهایانه (کشتی بزرك) وهینایانه(کشتی کوچك) نام مذهبی بوده است . وشاید بوان این واژه‌را با «ارتنك» وارژنك کتاب مانی (کشف ۲۷۲تا۲۷۵م) که پر ازصورتهای گوناگون بوده‌است پیوندداد . باری این واژه پس ازمغول در ایران فراوان دیده شده وآنرا کنایت ازکتابی که در آن گفته‌های گوناگون جای دهند ، بکار برده وسپس آنرا بتازی ترجمه کرده سفینه گفته‌اند .

حافظ شیرازی (۷۲٦–۷۹۱) گوید :

دراین زمانه رفیقی که خالی ازخلل است صراحی می ناب و سفینهٔ غزل است

وسفینه رابجای جنك برای کتابی که در آن غزلها نوشته باشند بکاربرده است .

– ذریعه) نیز چندین کتاب بنام کشکول آورده است ، یکی از آنها کشکول شیخ بهائی (م–۱۰۳۱) است که جای گفتگوی ما است. نیاکان شیخ بهائی از جبل عامل(در کشورسوریه کنونی) بایران آمده‌اند. گزارش زندگی‌اودربیشتر کتابهای تاریخ یاد شده، وآقای سعید نفیسی یك کتاب درباره آن نگاشته ودر (۲۰۸ص) بسال(۱۳۱٦ش)درتهران چاپ کرده است. اودراین کتاب ۸۸ نگارش از بهائی شناسانده وشعرهای فارسی اورا (۲۵۵۳ بیت) برشمرده‌است، یکی از نگارش های شیخ « مخلات » = توبره، نام دارد که در آن نیز مانند کشکول مطالب گوناگون گردآورده است. ودرمصر بسال۱۳۱۷ق چاپ وپخش شده است .

کشکول درپنج بخش است و در دیباچهٔ آن گوید : در جوانی «مخلات» را نگاشتم وچون پس از آن، چیزهای بسیار وتازه‌تر باندیشهٔ من رسید، آنها را دراین دفتر بنام کشکول گردآوردم . وبرخی رویه های آنرا سفید گذاردم تا برای اندیشه‌های نوجای افزودن باشد. درتاریخ عالم آرا (ن۱۰۲۵) نام کشکول در ردیف نگارشهای شیخ بهائی دیده میشود، وبنابراین کشکول پیش از این تاریخ نگاشته شده . شیخ چند کتابچه دیگر خود(مانندمنظومه‌شیروشکر)را در کشکول گنجانده است .

نگارنده خلاصة الاثر گوید: کشکول رادر مصر نگاشته ولی از آن کتاب پیداست که دریك زمان ویکجا نگاشته نشده است . کشکول یکبار بدستور سلطان عبدالله قطب شاه پادشاه هند بدست مردی بنام احمد شهیدی عاملی بفارسی ترجمه شده است، وبخش یکم آنرا محمود مازندرانی در (ص۲۹۸–۳۳٦) دفتری بنام « مطارح الانظار » در بمبئی بسال (۱۲۸۷) منتشر کرده ، ولی نام ترجمه کننده در آنجا (ص۲۹۸) بغلط احمد الشهیر العاملی آمده است . و نیز بنقل تربیت (۱) از گلستان ارم : ملامحمد پسر ملانجفعلی باکوئی بدستور فتح علی خان (گویا درسدهٔ دوازدهم میزیسته) باردیگر آنرا ترجمه کرده است .

چاپهای کشکول :

نخستین بار درتهران بسال ۱۲٦٦ق چاپ سنگ یك ستونی پرغلط چاپ شده وسپس در مصر (بولاق) بسال (۱۲۸۸ق) چاپ شد . در این چاپ بخشهای

۱ – دانشمندان آذربایجان ص ۳۳۳.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

فارسی نیامده است (۱) و گزارشی از احمد منینی بر چکامهٔ بهائی بنام «وسیلة الفوز والامان فی مدح صاحب الزمان» همراه این کشکول چاپ شده است. سومین بار عبدالغفار نجم الدوله و برادرش عبدالوهاب منجم باشی از سال ۱۲۸۷ تا ۱۲۹٦ق نسخهٔ کشکول را از روی چ ۱۲٦٦ق و چ مصر ۱۲۸۸ق تصحیح، و در (۳۹٦ص) در تهران چاپ کرده‌اند. و در سر آغاز چاپ آن (ص ۱۵۰–۱۵۱) تصحیح کننده گوید: در آن دست بردیم، نادرستیها را درست کردیم، برخی چیزها افزودیم مانند متن دیوان سجاد که (۱۵۰ بیت) بود، و ما آنرا در صفحه‌های ۳۷۳ و ٤٤۸ گنجاندیم و همچنین لغزی در ص ۵۹۷ افزودیم. دیگر بار در سال (۱۳۰۲ق) مصر چ بهیه و شرفیه. و باز بسال ۱۳۰۵ق. مصر چ. میمنه (۳۵۱ص) و در کرانه‌های آن «ادب الدنیا والدین» را چاپ کرده‌اند، و نیز بسال ۱۳۱۸ق. مصر چ. محمودیة (۳۳۱ص) و بسالهای ۱۸–۱۳۲۰ق در تهران نجم الدوله نسخه خود را دوبارهٔ باهمان شکل (چ ۱۲۹٦ق) چاپ کرده، و فقط سر آغاز آنرا دگرگون ساخته در سر آغاز این چاپ از اینکه چاپخانه‌های هند نسخهٔ او (چ ۱۲۹٦ق) را بی اجازهٔ او در بمبئی چـاپ کرده‌اند گله کرده است. دیگر چ هند که در بالا یاد شد. دیگر چ. مصر. بولاق در (٤۳۱ص) بسال ۱۳۲۹ق. این است آنچه من از چاپهای کشکول دیده‌ام.

[٤۷]

۱۳۲ بخط نسخ زیبا. نام نویسنده و تاریخ ندارد، ولی از خط و کاغذ پیداست که در روزگار نگارنده در سدهٔ یازدهم نوشته شده.

بخش یکم در (برك ۷۰) و بخش دوم در (برك ۱۱۱) و بخش سوم در (برك ۱۸۱) و بخش چهارم در (برك ۲٦۱) و بخش پنجم در (برك ۳٤۲) پایان یافته است.

همهٔ رویه‌ها بازر جدول بندی شده. عنوانها با شنگرف است. پنج سرلوح در آغاز پنج بخش کتاب در برگهای (۲٦۲،۱۸۱،۱۱۱،۷۰،۳) دارد همه بازر و شنگرف و لاژورد آرایش شده. سطرها را چلیپا و راسته و برخی از رویه ها نیمی راسته و نیمی چلیپا و گوناگون نوشته است. افتادهها را در کناره نوشته است. در برگهای (۳٤۳ و ۳٤٤) دو نامه یکی از حسین بن عبدالصمد پدر شیخ بهائی باو، و دیگر از بهائی بپدرش حسین با خط نستعلیق نوشته است، هر دو بزبان تازی است، و در کناره بفارسی بر آنها حاشیه

۱ ـ منجم باشی در سر آغاز چاپ ۱۲۹٦ گوید مصریها بخشهای فارسی آنرا انداخته‌اند ولیکن رئیس قسمت خطی کتابخانه ملی آقای محدث میگوید در نظر دارم نسخهٔ خطی از کشکول دیدم که بخشهای فارسی را نداشت، و شاید چاپ کنندهٔ مصری از روی چنین نسخه چاپ کرده باشد.

نوشته‌اند و گزارش داده‌اند.

از برك (۳٤٤ب تا ۳۵۰) پایان جلد، یك رساله از شیخ بزبان تازی در لغز بنام «لغز الزبدة» باهمان خط نستعلیق نوشته شده است، و در حاشیه شرح و گزارش آن نیز به زبان تازی و همان خط نستعلیق نوشته شده است. کتاب در (برك ۳) آغاز شده. در برك (۱ ـ ب) لغزی از شیخ نوشته شده است.

(۳۵۰ برك: کاغذ ترمه اصفهانی. جلد روتی دورو. کهنه. درون گل بوته‌دار اه‌لیمایج سرخ. اندازه ۲٤٫۸×۱۳ و ۸٫۸×۸٫۸ ۱۹٫۵ض.)

[٤۸] کلیات امیر خسرو دهلوی (فارسی)

یکی از بزرگترین شاعران پارسی گوی هند در سدهٔ هفتم ابوالحسن امیر خسرو پسر امیر سیف الدین محمود است. خاندان او از ایل لاخین و از امیرزادگان هزارهٔ بلخ یا «کش» در ترکستان بودند و در آشوب مغولان از میهن خویش گریخته بهندوستان آمده، در پتیالی دراکره که مؤمن آبادش نیز گویند، نشیمن گزیدند. امیر خسرو در این شهر بسال (٦۵۱) بزاد، پدرش که در دربار سلطان تغلق بامارت رسیده بود در سال (٦۵۸) در جنك کشته شد، و او از هفت سالگی در پناه برادران خود تاج الدین زاهد و علاء الدین علیشاه پرورش یافت، و لقب امیری از پدر بارث برد و در شهر دهلی سکونت گزید و بدهلوی نامبردار شد. او خود را در شمار پیروان پیر صوفی وقت شیخ نظام الدین اولیاء می‌شمرد و چون نظام الدین در گذشت امیر خسرو از کار دولتی کناره گرفت و پس از ششماه جهانرا بدرود گفت، و نزدیك گور پیر و استاد خود (اولیاء) بخاکش سپردند. امیر همزمان سعدیست ولی از سعدی بااحترام بسیار یاد کرده (۱) و از آنجا که از خانواده اشراف و از امیران و کارمندان عالی رتبهٔ دولت در دهلی بوده خودبسندی اشرافیت آمیخته باشکسته نفسی صوفیانه از نگاشته‌های او بویژه دیباچه‌ها که بر دیوانهای خود نگاشته نمایان میباشد. او همه جا خود را (این بندهٔ حقیر) یاد میکند ولی هنرهای شعری بسیار از ابتکارهای خود می‌شمرد و خود را یك نابغه قلمداد می کند، و از شعرهائی که در دوازده سالگی گفته است یاد نموده، و از هیچگونه خود ستائی فرو گذار نمیکند. گویند او از پیر خود نظام الدین اولیاء خواهش کرد تا تخلصی جز «خسرو» که نام بزرگانست بدو دهد، او وی را ترك الله و محمد کاسه لیس لقب داد، ولی ما هیچ شعری از او با تخلصی جز «خسرو» نیافته‌ایم گزارش

۱ ـ در قران السعدین.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

زندگی وی در تاریخ فرشته (چ هند ج۲ ص۷۵۳) و تذکرهٔ دولتشاه طبقهٔ چهارم و خزانهٔ عامره (چ ۱۸۷۱م ص۲۰۹) و بیشتر کتابهای تاریخ ادبیات، مانند شعرالعجم شبلی نعمانی (چ تهران ۱۳۲۷ ج۲ ص۷۷-۱۴۹) و تاریخ ادبیات ادوارد براون (چ تهران ۱۳۲۷ ج۳ ص۱۳۰) و مهمتر از همه آنچه خود در هریك از دیباچه‌ها که برای دیوان های خود نگاشته است دیده میشود.

آثار امیر خسرو:

دولتشاه سمرقندی شمار شعرهای اورا یك کرور یعنی پانصد هزار دانسته گوید: سلطان سعیدمیرزا بایسنغرخان (م-۸۳۸) کوشید تاهمه را گردآورد، ولی نتوانست بیش از صدوبیست هزار فراهم سازد، و نا امید گردید. امیرخسرو در یك جا گفته است: شعر من از پانصد هزار کمتر و از چهار صدهزار افزون است. و نیز گویند وی نود و نه نگارش از خود بجا گذارده است، اینك ما برخی از آثار وی را یاد میکنیم:

الف - دیوانها: امیرخسرو درزمان زندگی برای خود پنج دیوان بسیجید. و برای هر یك دیباچهٔ بنثر نگاشت، و در هریك اندکی از زندگی خود گزارش داده است.

۱) نخستین دیوان خودرا «تحفة‌الصغر» نامیده ودردیباچه دومین دیوان چنین وانموده است که در «تحفة‌الصغر» شعرهائی را گردآورده که درسن دوازده تابیست وچهار سالگی سروده است. این دیوان دارای چکامه وغزل ومقطعات وجز آن میباشد. وهمهٔ آن درپیرامن (۱۴۰۰۰ بیت) دارد. نسخهٔ کلیات این کتابخانه این دیوانرا ندارد. ولی نسخهٔ آن درسپهسالار ومجلس هست.

۲) وسط‌الحیات. در دیباچهٔ نثری آن گوید شعرهائیرا که تا ۳۹ سالگی سرودم درآن گرد آوردم.

آغاز دیباچه: حمدیکه ازمیان جان برآید وثنائیکه ازوسط دل گشاید.

آغاز دیوان:

حمد رانم برزبان لله رب‌العالمین　　　آنکه بخشنده‌است از قرآن هدی للمتقین

نسخهٔ ناقص این کتابخانه نزدیك (۲۲۰۰ بیت) دارد.

۳) غرة‌الکمال. دردیباچهٔ نثر و درازی که برای آن نگاشته خود را چهل ویك ساله خوانده، وهنرهای شعری خودرا یکایك برشمرده وچند شعرتازی

نیز ازخودآورده ولی خستوان است که تازی نیك نمیدانسته. ونیز خودرا باشاعران بزرگ سنجیده گوید پیش ازمن هیچکس سه دیوان شعر گرد نیاورده است.

این دیباچه (۱۹۰۰ بیت نوشته) دارد که درنسخهٔ این کتابخانه فقط (۱۲۰۰ بیت) مانده و آغاز آن افتاده است، ودیوان غرة‌الکمال (۱۰۰۰۰ بیت شعر) دارد ولی نسخهٔ این کتابخانه فقط چکامه‌هارا دارد که (۱۸۰۰ بیت) است.

آغازدیباچه: ازنسخهٔ این کتابخانه افتاده است.

انجام دیباچه: وباتقدیر کرده که بخواهد رفت. ختم همهٔ سخن براین میکنم: لااله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله. ختم اینست توفنا مسلمین والحقنا بالصالحین.

آغاز دیوان غرة‌الکمال:

چه زهره خاك مسکین را که توحید خدا گوید

بدین آلودگی ذات مقدس را ثنا گوید

و درسرلوح آن این شعر دیده میشود:

چون آفتاب روشن توحید ذوالجلال

بنمود رخ ز مطلع این غرة‌الکمال

انجام:

تا او بود همه نه جهان ماند و نه من

خود بشنود ز خود لمن‌الملك‌را جواب

تمت‌القصاید بعون‌الله.

۴) **بقیهٔ نقیه**: شعرهای دوران پیری خودرا دراین دیوان گردآورده. ودر آن علاءالدین محمدشاه وپسرش‌را ستوده است.

۵) **نهایة‌الکمال**: آخرین شعرهای امیرخسرو دراین دیوان است. ودر آن سلطان غیاث‌الدین تغلق‌را ستوده وسلطان قطب‌الدین مبارکشاه را رثا گفته است. نسخهٔ کلیات این کتابخانه دیوانهای چهارم وپنجم‌را ندارد.

ب: **خمسه**: چنانکه در (ص۴۲) گفتم امیرخسرو اولین کسی است که به پیروی از نظامی خمسه بترتیب زیر سروده است: **نخست: مطلع‌الانوار** دربرابر مخزن‌الاسرار که آنرا بنام علاءالدین محمد شاه دربیست مقاله در (۳۳۱۰ بیت)

سروده وبسال (٦٩٨) پایان داده .

آغاز :

باسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم　　　خطبهٔ قدس‌است بملك قدیم

این‌منظومه با گزارش‌محمد ابوالحسن در(۱۳۰۲ق) درهند ونیز درعلیگره (۱۹۲٦م) چاپ شده‌است .

دوم : **شیرین وخسرو** : در برابر خسرو و شیرین نظامی، که آنرا بنام همان علاءالدین بسال (٦٩٨) در (۱٤۲٤بیت) سروده ودرپایان‌بندی خطاب به‌پسرش مسعود هست :

آغاز: خداوندا دلم‌را چشم‌بگشای

بمعراج یقینم راه بنمای

این کتاب نیز درعلیگره بسال (۱۹۲۷م) چاپ شده‌است.

سوم: **مجنون ولیلی** : برابر لیلی ومجنون نظامی که درهمان‌سال‌وبنام همان شاه سروده ، ودرآن بیتهائی دربارهٔ مرگ مادر و برادر خود دارد. همهٔ این داستان (۲٦٦۰بیت) است وبسال(٦٩٨) پایان یافته.

آغاز: ای‌داده بدل‌خزینهٔ راز

عقل ازتو شده خزینه پرداز

انجام : این نامه سزای آفرین باد

انشاء الله که همچنین باد

این کتاب در کلکته (۱۲٤٤ق) ودرلکهنو(۱۲۸٦ق) ودرعلیگره (۱۹۱۷ م) چاپ شده است .

چهارم : **آئینهٔ اسکندری** : برابر اسکندرنامه ، که در(٦٩٩) بنام همان شاه در (٤۲۳٥بیت) سروده است.

آغاز : جهان پادشاها خدائی تراست

ازل تا ابد پادشاهی تراست

انجام : رسید از بتان جام خسرو بکام

بیك نغمه کن کار او را تمام

پنجم: **هشت بهشت**: یابهرامیه. آنرادر برابرهفت‌پیکر نظامی، بسال(۷۰۱) در(۳۳٥۰بیت) سروده، ودرپایان آن گوید همه‌خمسه‌را درسه‌سال‌سروده وقاضی شهاب‌الدین آنرا بازدید وتصحیح نموده است.

آغاز : ای گشایندهٔ خزانهٔ جود　　　نقش پیوندکار گاه وجود

انجام: نامهٔاو که‌حرز جانش باد　　　درقیامت (زبد) امانش باد.

این کتاب درعلیگره(۱۹۱۸م) چاپ شده‌است.

همهٔخمسه(۱۷٥۷۹بیت)دارد. نسخهٔ‌ازاین‌خمسه‌دربخش‌خطی‌شرقی کتابخانهٔ تاشکندازو زبکستان‌هست که‌بخط‌شمس‌الدین‌محمدحافظ‌شیرازی‌در(۷٥۰) نوشته شده‌است‌واستاد آ. آ. سمیوف‌در گفتار خود درروزنامهٔ «دوست‌ایران» شمارهٔ٤٦ ، شنبه ۱۹ آذر۱۳۲۲ ، آنرا خط حافظ شیرازی شاعر معروف دانسته ودوصفحهٔ آنرا کلیشه وچاپ نموده و همانرا آقای دهخدا درلغتنامه (واژهٔحافظ) آورده است ولی آقای دکترمعین درآن تردید نموده‌است(۱)

ج: نگارشهای دیگر او :

۱)**قران‌السعدین**: بروزن مخزن‌الاسرار نظامی در(٤۳۹٤بیت) سروده شده ودرآن گفتگو وستیزهای معزالدین کیقباد(٦۸٦-٦۸۹) را با پدرش ناصرالدین بغراخان پادشاه بنگاله (٦۸۱-٦۹۱) برسر تاج و تخت پادشاهی آورده وداستانرا چنین پایان داده که پسروپدر یکدیگررا دیدارمیکنند وباگفتگوی دونفری همه ستیزها ازمیان‌میرود، و آشتی کرده پدر پادشاهی پسررا میپذیرد. این‌منظومه دررمضان(٦۸۸) بدستورشاه پایان یافته ، ودراین‌هنگام امیرخسرو سی‌وشش‌ساله‌بوده‌است. قران‌السعدین‌بسال(۱۲٥۹ق)درلکهنو،وبسال(۱۲٦۱ق) باگزارشهای قدرت‌احمد، وبتنهائی درعلیگره بسال(۱۹۱۸م = ۱۳۳٦ق) چاپ شده است.

درفهرست مجلس (ج۳ ص۳۰-٥۲۸) گوید: نورالحق پسر عبدالحق نیز

(۱) رسالهٔ امیرخسرو، نشریه مجلهٔ مهر سال ۱۳۳۱.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

قران‌السعدین‌را گزارش کرده‌است.

آغاز: حمد خداوند سرایم نخست — تاشود این نامه زنامش درست

انجام: بو که بر آرد بچنین نامه‌نام — بر در شه خدمت من والسلام

۲) دولرانی خضرخانی. یاخضرخانی: این‌منظومه‌را ببحرهزج‌در(۴۵۱۹بیت) درچهارماه ازسال (۷۱۵) سروده و در (۶ذیقعده—۷۱۵) آنرا پایان داده است. درفهرست آصفیه گوید این‌منظومه بسال(۱۳۳۶ق) چاپ شده‌است. وآن داستان عشق‌ورزی خضرخان پسر علاءالدین محمدشاه خلجی فرماندار دهلی در(۶۹۵—۷۱۶) با دوشیزه دیولدی دختر رانی هندو میباشد امیر خسرو گوید خضرخان داستانرا بنثر نگاشته وبمن دستورداد آنرا سرودم.

آغاز: سر نامه بنام آن خداوند — که خوبانرا بدلها داده پیوند

انجام: نمیخواهم‌ره‌بخشش‌زهر کس — توخسروراهمی‌بخشی‌همین‌بس

دول‌رانی خضرخانی بسال(۱۳۳۶ق=۱۹۱۸م) درهند چاپ شده‌است.

۳) نه‌سپهر. دریك جلد (۴۹۰ص) با سر آغـاز انگلیسی ازمحمد وحید زاده درکلکته بسال(۱۹۳۸م) چاپ شده‌است.

۴) دست‌چین کلیات امیرخسرو (چ نولکشور—۱۹۱۰م) در (۴۷۶ص) در سه بخش آ) ۲۱ چکامه تا (ص۳۷). ب) ۹۲۳ غزل بر گزیده ازهمهٔ پنج دیوان تا (ص۴۵۶). ج) مقطعات تا (ص۴۶۶). درآغاز هرچکامه وغزل معین شده‌است که ازچندمین دیوان است

۵) جواهرخسروی یا لآلی عمان بزبان آردو ، بسال ۱۳۳۶ ق درهند چاپ شده است

۶) پنج رساله بنام اعجازخسروی ، در دو جلد بسال (۱۸۷۶م) در هند چاپ شده است.

۷) تغلق‌نامه در(۳۰۰۰بیت) در(۱۵۴ص) بسال(۱۳۵۲ق)چاپ‌شده.

۸) تاریخ‌دهلی بنام «خزائن‌فتوح» یاتاریخ علائی درتاریخ علاءالدین محمد شاه خلجی (۶۹۵=۷۱۵).

۹) اشك و آه: نسخهٔ از آن در کتابخانهٔ آصفیه میباشد

۱۰) عشقیه‌یاعشیقه: در (۴۰۰۰بیت) نسخه‌اش درآصفیه هست. وآن غیر از قرآن‌السعدین است.

۱۱) قانو استیفا: درموزیك.

[۴۸]

٥٥١ نسخه بخط نستعلیق. نام نویسنده وتاریخ ندارد، ولی درپشت برگ (۳-الف) باخط نو نوشته اند: تاریخ‌الکتابة (۹۹۳) متن وحاشیه را جدا ازهم نوشته است. درهرروبه: چهارده‌بیت‌درمتن وسی‌بیت درحاشیه نوشته‌دارد. عنوانها باشنگرف در زمینهٔ زرین نوشته شده. همه رویه‌ها بازر وشنگرف و لاژورد جدول‌بندی شده. هرروبه چهارجدول دارد؛ نخست جدول برونی بدورصفحهٔ بزرك؛ دوم جدول میان دو لنگه شعرحاشیه؛ سوم جدول درونی دور صفحهٔ کوچك؛ چهارم میان دولنگه شعر متن درهرصفحه سه قطعه زرنگار در (بالاوپائین ومیان) با زر وشنگرف ولاژورد هست بطوریکه کلیچه‌های بالا وپائین درصفحه راست گوشهٔ چپ ودرصفحه‌چپ گوشهٔ راست‌جادارد. وکلیچه‌های کمری درطرف راست صفحه‌راست، ودرطرف‌چپ صفحه‌چپ دیده میشود.

دورویهٔ (برگ۳ب‌و۴-الف) زرنگاراست‌وبالاژوردوشنگرف‌گل وبوته شده. ودرمیان هریك‌یك‌ترنج بزرگ زرین هست. میان‌ترنج‌سمت‌راست با سفیده‌آب‌دوبیت نخستین از «مطلع‌الانوار»(۱) و در رویهٔ برابر آن نیز بیت‌سوم وچهارم آن دیده میشود. این‌نسخه دارای پنج سرلوح‌است دربرگهای: (۴ب و۱۴ب و ۴۰ب و۱۴۳ ب و۱۴۴ب) ومیان سطرهای این پنج صفحه و پنج‌صفحه روبروی هریك زرافشانی شده‌است. ودرآغاز کتاب‌دولرانی دربرگ(۲۰۹ب) يك كليچهٔ زرنگار دیده میشود.

فهرست این کلیات: این‌نسخه کامل‌ترین نسخهٔ کلیات امیرخسرو بوده چه‌پنج گنج اورا (درحاشیه) باسه‌دیوانوی(درمتن) وقران‌السعدین(درحاشیه) و دولرانی(درمتن وحاشیه) دربر داشته.

ولی اکنون نخستین دیوان (تحفةالصغر) که درمتن بوده ونخستین‌مثنوی ازپنج گنج (مطلع‌الانوار) که درحاشیهٔ آن بوده افتاده وفقط برگ آغاز آنها جا مانده است، وکسی که آنرا جلد کرده برگ آغاز مطلع‌الانوار را بابرگ نخست دیوان دوم «وسط‌الحیات» که لیلی‌مجنون نیز درحاشیه‌آنست بهم‌چسبانیده‌است، واکنون‌این برگ (برگ شمارهٔ۴) این‌جلد میباشد.

(۱) صفحهٔ ۱۷۸ همین‌جلد دیده‌شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

درمتن: دربرگهای (٤تا١٤) دیباچهٔ نثری وسط‌الحیات، ودربرگهای (١٤ـ٩٩) چکامه های آن میباشد، ودراینجا باقی این دیوان افتاده است.

درحاشیه برگهای (٤ـ٤٠) مجنون و لیلی هست وآغاز آن چندبیت افتاده، ودر حاشیهٔ برگهای (٤٠ـ٩٩) شیرین‌خسرو دیده میشود وپایان آن افتاده‌است.

درمتن برگهای (١٠٠ـ١٤٣) دیباچهٔ دیوان‌سوم (غرةالکمال) دیده میشود که آغاز آن افتاده ودرمتن برگهای (١٤٣ـ٢٠٩) چکامه‌های این‌دیوان‌هست. ولی درمیان‌برگ های (٢٠٢ـ٢٠٣) افتاده است.

درحاشیهٔ برگهای (١٠٠ـ١٤٤) آئین‌اسکندری نوشته‌شده، وآغاز آن افتاده است ودرحاشیه برگهای (١٤٤ـ٢٠٢) هشت‌بهشت درست مانده است. ودرحاشیه برگهای (٢٠٣ـ٢٤٧) قرآن‌السعدین نوشته‌شده‌و آغاز آن افتاده است.

آخرین کتابچهٔ این کلیات دولدرانی خضرخانی‌است که ازبرگ (٢٠٩) تا (٢٤٧) درمتن وازآنجا تاپایان نسخهٔ برگ (٢٨٤) درمتن‌وحاشیه نوشته‌شده، ونویسنده در حاشیه (برگ٢٤٧ـالف) این‌شعر را نوشته:

بعدازاین متن‌وحاشیه چونیکی‌است هر که خواند غلط نپندارد

پنج‌برگ نازك سفید پس از برگهای (٣و١٤و٤٠و١٤٣و١٤٤) نهاده‌شده تا از سائیدن دوصفحهٔ زرافشانی شده جلوگیرد. هنگام‌صحافی سه‌برگ‌سفیددرپایان‌وسه‌برگ درآغازنسخه‌نهاده‌شده. برگ‌یکم شماره ندارد، دوبرگ‌دوم‌وسوم (شمارهٔ١و٢) کسی گزارش زندگی امیرخسرورا ازتذکرهٔ دولتشاه آورده‌است. ودربرگ (٢ـب) بخشی ازدیباچهٔ غرةالکمال راکه درچگونگی گردآوری سه‌دیوان میباشد ازبرگ (١٢٢) این‌نسخه رونویس کرده‌است. برپشت (برگ‌ـ١ـالف) نام کتاب و تاریخ مرگ امیر خسرو و تاریخ نوشتن نسخه و فهرست نادرستی ازاین نسخه نوشته شده‌است. درپشت (برگ٣ـالف) نیز باخط نوین نام کتاب وتاریخ نوشتن نسخه نوشته شده است.

(٢٨٤برگ) نوشته‌دارودویك‌برگ‌پیش‌از نسخه وسه‌برگ‌درپایان، سفیدوبی‌شماره هست. کاغذسمرقندی نخدی‌رنگ. برون‌جلدروغنی‌ازمینه‌نارنجی‌رنگ، درحاشیه‌دوجدول ومیان‌آنها گل‌بوته‌رنگارنگ‌تیزه، ودرمیان‌یك‌ترنج و گل‌بوته‌درین وریزدارد، وحاشیهٔ آن سبزاست. این‌جلد اصلاح وپیوندشده‌است وازکتاب دیگر جدایش ساخته باتیماجی قهوه‌ئی باین‌نسخه نه‌بندی کرده‌اند.

اندازه: ه‌ر١٨×ه‌ر٢٨ و١٣×٢١ : ١٤سطردرمتن و ٣٠سطر درحاشیه دارد

[٤٩] کلیات اهلی شیرازی (فارسی)

اهلی شیرازی نامش محمد و همزمان اهلی ترشیزی خراسانی بوده. وی سلطان‌یعقوب (م‍ـ٨٩٦) ومیرعلیشیر (م‍ـ٩٠٦) و شاه‌اسماعیل (م‍٩٣٠) را ستوده ودرشیرازدرسن‌پیری‌بسال (٩٤٢) درگذشته‌است. ملامیرك‌درتاریخ‌مرگ‌وی گوید:

سال‌فوتش زخرد جستم گفت: «پادشاه شعرا بود اهلی=٩٤٢»

وتن اورا نزدیك گور حافظ بخاك سپرده اند. ازشعر او چنین برمی‌آید که وی پیش ازدورهٔ صفوی سنی یا نیمه‌سنی بوده ولی درروزگار شاه‌اسماعیل مانند یك‌شیعی دوازده‌امامی شده‌است.

این اهلی‌را نباید با اهلی‌ترشیزی که‌او نیز درهمین‌زمان می‌زیسته اشتباه کرد. گزارش زندگی ایشانرا در آتشکدهٔ آذر ص ٦٨ و٢٦٣ و تذکرهٔ نصرآبادی ص٥١١ و تذکرهٔ تحفهٔ سامی ص١٠٣ وادبیات براون ج٤ ص٦٥ به‌بینید. خصوصیت شعر اهلی‌شیرازی شیرین‌کاریهای هنری وریزکاریهای بدیعی وشعری آنست، او میکوشید چنان شعر گوید که دیگران نتوانند. نسخهٔ کلیات او که در کتابخانه‌ها دیده میشود دارای بخشهای زیر است:

۱) سحرحلال را دربرابر مجمع‌البحرین‌وتجنیسات کاتبی سروده‌است ودر دیباچهٔ آن گوید: «مجمع‌البحرین ونسخهٔ تجنیسات‌یکجا جمع آوردم وباوجوداین تکلیف لزوم مالایلزم ذوقافیتین هم لازم آن نمودم بطریقی که اگر درمقابلهٔ نسخهٔ تجنیسات خوانند (فاعلاتن فاعلاتن فاعلات) که بحررمل مسدس محذوف است جواب آن باشد، بازیادتی صنعت‌ذوبحرین وذوقافیتین، واگردرمقابل مجمع البحرین‌او خوانند، وزن (مفتعلن مفتعلن فاعلن) که بحرسریع مسدس مطوی مکشوف است و بحر رمل مسدس درتحت اوست جواب آن باشد، با زیادتی صنعت تجنیسات ودیگر التزامات که در آن نسخه نیست».

این‌مثنوی در (٥٢٠بیت(١)) ودرآن شاه‌اسماعیل‌صفوی (٩٠٦ـ٩٣٠) را ستوده‌است، وداستان دلباختگی شاهزاده‌جم را بدختری بنام‌گل آورده.

آغاز: حمدبی‌حد، وثنای‌نامحدود وشکر نامعدود...

(١) درفهرست مجلس ج٣ ص ٥٣٨ شماره آنرا ٦٢٠ نوشته ولی نسخهٔ چاپی ونسخهٔ این کتابخانه فقط ٥٢٠ بیت است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ای همه عالم برتو بی‌شکوه   رفعت خاك ازدر تو بی‌شکوه

انجام: شرط شد ازهمت محمود باد   آخر کار همه محمود باد

این مثنوی یك بار در بمبئی در (٥٥ص) ویك بار در تهران (١٣١٦ق) در (٥٢ص) چاپ شده است.

٣) شمع و پروانه: (١٠٠١ بیت) است. وی دراین کتاب داستان دلباختگی این دورا سروده و آنرا بسال (٨٩٤) پایان داده، و درآن سلطان یعقوب و امیرشاه قلی بیگ را ستوده است و دیباچهٔ نثری ندارد.

آغاز: بنام آنکه مارا از عنایت   دهد پروانه و شمع هدایت

انجام: سخن کز بهر تاریخش کنم کم   بود (تم الکتاب) الله اعلم = ٨٩٤

***

نشاط افزای بزم مقبلان کن   قبول خاطر روشن‌دلان کن

درانجام کتاب از خسرو شیرین نظامی، و یوسف و زلیخای جامی نام برده است، وشمارهٔ بیتهارا مانند نامهای خدا (١٠٠١) دانسته.

٣) چکامه‌ها، که درستایش پیغمبر و امامان شیعه و شاه اسماعیل، و میرسید شریف وعفیف الدین، و نظام الدین احمد، و معین الدین محمد صاعدی، و امیرسعدالدین اسعد، و میرعلی‌شیر نوائی، و امیر نجم الدین محمود، و اخی بیگ، و یعقوب خان وقاسم بیگ، وقاضی مسعود، وعبدالله وزیر، وروزبهان، وقاضی سلام، وامامزاده حمزه سروده این بخش نزدیك (٣٠٠٠ بیت) است، و چنانکه پیداست کسانیرا که دشمن مذهبی یکدیگر بوده‌اند ستوده، وسبب آنست که وی عمردراز داشته، وروزگار پیش و پس از شاه اسماعیل را دریافته و نان را بنرخ روز خورده است.

آغاز: الهی بسردفتر حکمت الله   بنی آدم آیینهٔ قدرت الله

٤) دومخمس: یکی در ٦ ودیگری در ٧ بند.

٥) قطعه‌ها وماده تاریخها: درپیرامن (٢٥٠ بیت).

٦) غزلها: بترتیب حرف قافیه‌ها، نزدیك (٥٦٠٠ بیت).

٧) **ساقینامه:** هفتاد و شش (١) دو بیتی است که هریك بواژه (ساقی...)

(١) نسخهٔ مجلس ١٠٢ دو بیتی دارد، فهرست ج ٣ ص ٥٣٦-٥٤١

آغاز شده است با یك دیباچه نثری

٨، ٩) گنجفه (١): (٩٦ دو بیتی) است که در نسخهٔ این کتابخانه آنهارا با بخش دو بیتها یکجا نهاده و روی هم نزدیك (٨٠٠ دو بیتی) آورده است.

١٠) چکامهٔ هنری یکم: در ستایش میرعلی شیرنوائی (م ٩٠٦) دارای دیباچهٔ نثری است که هنرهای بکار برده را برشمرده است.

آغاز: حمدی از حد افزون وسپاس از قیاس برون...

نسیم کاکل مشکین کراست چون تو نگار

شمیم سنبل پر چین کراست مشک تتار

١١) چکامهٔ هنری دوم: در ستایش سلطان یعقوب (م ٨٩٦) با دیباچهٔ نثری.

آغاز: بعد از حمد بیحد و سپاس بیقیاس...

هوای جنت کویت نسیم عنبر بار

فدای نکهت مویت شمیم مشك تتار

١٢) چکامهٔ هنری سوم: درستایش شاه اسماعیل (٩٠٦-٩٣٠) با دیباچهٔ نثری.

آغاز: حمدوسپاس بی‌قیاس صانعی را...

هوای گلشن کویت نسیم باد بهار

گدای خرمن مویت شمیم مشك تتار

این چکامه را «خردنامه» نامیده و «میزان خرد» = ٩١٢ «سال سرودن آنست.

دراین چکامه‌های سه گانه بسیاری از هنرهای شعری را با دشواری و رنج فراوان بکار برده ومعنی را تا آنجا فدای لفظ کرده است که برخی از شعرهایش بی‌معنی و برخی سرد و بی‌مزه مینماید.

ونیز ازمیان واژه‌های هردو پاسه بیت، یك بیت جدا بیرون آورده، واین بیتهای نوزاد را با کشیدن خطی از چکامهٔ مادر جدا نموده، و در کنار هریك، هنرهای

(١) دربارهٔ این منظومه درحرف (گ) این فهرست گفتگو خواهیم کرد.

شعری که در آن بکار رفته است یادداشت نموده ، و از این روی چکامهٔ مادر را باید با دو مرکب سیاه و رنگین بنویسند تا چون واژه‌های رنگین را جدا سازند بیتهای دیگر پیدا شود .

نسخهٔ از کلیات اهلی شیرازی در نجف نزد استادم آقای شیخ عبدالحسین رشتی دیدم که آغاز و انجام نداشت و شناخته نبود ، من که در آن روزگار در جستجوی شعرهای دشوار و سنگین بودم ، چکامه‌های هنری آنرا با راهنمائی آن استاد و با دقت بسیار در زیر کاربهایش رونویس کردم .

[۴۹]

۱۰۵ نسخه بخط نستعلیق زیبا . نام نویسنده و تاریخ ندارد ولی پیداست که در دورهٔ صفوی و برای یکی از مردان دولت نوشته شده . همهٔ رویه‌ها با زر و لاژورد جدول بندی شده . عنوانها با شنگرف است .

فهرست آنچه در این نسخه هست چنین است :

سحر حلال برگهای (۱ـ۱۰) شمع و پروانه (۱۱ـ۳۱) چکامه‌ها (۳۱ـ۹۰) غزلها (۹۰ـ۲۶۳) ساقینامه (۲۶۳ ـ ۲۶۷) گنجفه (۲۶۷ ـ ۲۷۴) دو بیتهای دیگر (۲۷۴ـ۳۰۵) چکامهٔ هنری نخست (۳۰۵ ـ ۳۱۹) چکامهٔ هنری دوم (۳۲۱ ـ ۳۳۶) چکامهٔ هنری سوم (۳۳۷ـ۳۵۰) . هفت سر لوح از شنگرف ولاژورد و زر و سیاهی در برگهای ۱ب و۱۱ ب و۳۱ ب و ۹۰ب و ۲۶۳ ب و۲۶۸ ب و۳۰۵ب دیده میشود . و نیز هر یك از این رویه‌ها با رویه‌های برگه روبروی آن زرافشانی و لابلای سطرها نقاشی شده است . میان برگهای (۱و۲) یك برگ افتادگی دارد . تا برگ (۳۰۴) متن و حاشیه نوشته شده و از آنجا تا پایان نسخه ، سه چکامه هنری تنها در متن است .

(۳۵۰ برك ؛ کاغذ سمرقندی نخدی جلد تیماج حالی کهنه لفندی شده بدون مشکی سوخت کهنه ، اندازه : ص۱۵×۲۶ و ۹×۱۷ص ، ۱۱ سطر .

[۵۰] **کلیات جامی** (فارسی)

نورالدین عبدالرحمان جامی (ز - ۸۱۷م ۸۹۸) زبردستی در شعر و ادب فارسی را با تسلط در علوم کلاسیك زمان خود بویژه عرفان و دانشهای مذهبی جمع کرد ، وسرآمد دانشمندان روزگار خویش گردید . در همهٔ کشورهای مسلمان آنروز از هندوستان تا مصر و استانبول نامبردار بود ، و بیشتر دانشمندان این کشورها با دادوستدنامه با این استاد خودرا سرفراز میکرده‌اند ، و بیش از صد شماره از نامه‌های وی که برای پادشاهان و دیگر بزرگان فرستاده در

کتابچهٔ در کتابخانهٔ ملی تهران هست(۱) و بسیاری از نامه‌ها که برای وی فرستاده‌اند در کتابهای دیگر مانند « ریاض الانشاء » از منشات خواجهٔ جهان دیده میشود(۲) . واز همین جاست که بگفتهٔ ناسولیس در نگاشته‌های جامی خود بسندی دیده میشود ، او دانشمندان روزگار خودرا کوچك میشمرد ، وهیچکس را باستادی نمی‌پذیرد ، او گفته است من فقط از پدرم سپاس گزارم که بمن زبان آموخت . باری این کوتاه فهرست، گنجایش گزارش زندگی این مرد نامبردار، ندارد . من با یادآوری چند مدرك بسنده میکنم :

گزارش زندگی جامی در همهٔ کتابهای تاریخ ادبیات ولی بهتر از همه در سه کتاب زیر دیده میشود .

۱) شرح حالی که شاگردش رضی الدین عبدالغفور لاری (م-شعبان-۹۱۲) نگاشته ، ونسخهٔ از آن که بتاریخ (۱۰۲۶) ودر دنبال نسخهٔ نفحات الانس نوشته شده ، نزد عباس اقبال در تهران ، ونسخهٔ دیگر در بریتش موزیوم هست(۳) .

۲) گزارش علی بن حسین کاشفی همریش جامی در کتاب « رشحات عین الحیات » (ن-۹۰۹) .

۳) خمسهٔ متحیره نگارش میرعلی شیرنوائی (م-۹۰۶) بترکی جغتائی که محمد آقای نخجوانی آنرا بفارسی گردانیده است(۴) . وجز آن در مرآت الخیال میرعلی لودی ، مجالس العشاق بایقری ، و تذکرهٔ دولتشاه سمرقندی ، ومجالس النفائس، وتذکرهٔ سام میرزا ، وحبیب السیر، ولطائف الطوائف علی بن حسین کاشفی وشقائق نعمانیه، وهمهٔ تذکره‌ها که تازه نگاشته شده است ، نیز گزارش زندگی او آمده ، وکاپیتن ناسولیس در سرآغاز چاپ نفحات الانس (چ کلکته ۱۸۵۹م) چکیدهٔ همهٔ آنهارا آورده ، و ادوارد براون نیز در تاریخ ادبیات خود (چ تهران ۱۳۲۷ ج۳-ص۵۶۲-۵۹۷ ترجمهٔ حکمت) چیزهائی بر آن افزوده ، وسپس آقای علی اصغر حکمت آنچه دربارهٔ جامی دانستنی بوده در کتابی که در این باره نگاشته

(۱) جامی علی اصغر حکمت چ تهران ۱۳۳۰ ص۲۰۵ .
(۲) ص ۹۷ همین مجلد دیده شود .
(۳) از سعدی تا جامی (ص۵۶۵) و «جامی-ص۵۶» .
(۴) «جامی» چ۱۳۲۰ ص ۱ .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

گردآورده وبسال (۱۳۲۰) درتهران پخش کرده است .

آثار جامی :

سام‌میرزا شمارهٔ نگارشهای ویرا ٤٤ دانسته‌ونام‌برده (۱) ومیرعلی‌شیرلودی (۲) آنرا نود و نه دانسته و نــام نبرده‌است . و برخی شمارهٔ آنرا برابر نام جامی پنجاه و چهار دانسته‌اند. اینك فهرستی از بنام‌ترین نگارش‌های او را در زیر میآورم .

الف - دیوانها : جامی سه‌بار شعر خودرا گردآوری کرده است .

یکم : آنست که‌بسال (۸۸٤) گردآورده و دارای دیباچه‌ئیست به‌نثر که‌چنین آغازیده :

باسم الله الرحمان الرحیم   هست صلای‌سرخوان کریم

انجام : أدهم : چوخوش‌باشد که در کاشانهٔ غم

دو همدم درد دل گویند با هم

دوم : شعرهائیست که بسال (۸۸٥) گرد آورده و بدیوان یکم افزود و این نیز دارای دیباچه ایست که چنین آغاز میشود :

---

(۱) بدین ترتیب ۱) تفسیرآیهٔ وایای فارهبون ۲) شواهدالنبوة ۳) اشعةاللمعات ٤) شرح فصوص ٥) لوایح ٦) شرح برخی شعرهای چکامهٔ تائی ابن فارض ۷) شرح رباعیها ۸) لوایح ۹) شرح چند بیت ازمثنوی ۱۰) شرح حدیث ابوذرغفاری ۱۱) کتابچه دروجود ۱۲) ترجمهٔ چهل‌حدیث ۱۳) کتابچهٔ لااله‌الاالله ۱٤) منقبتهای خواجه عبداله انصاری ۱٥) تحقیق آئین های صوفیان ، متکلمان ، حکیمان ۱٦) جواب پرسشهای هندوستان ۱۷) کارهای‌حج ۱۸ تا ۲٤) هفت‌اورنگ ۲٥) کتابچه در قافیه ۲٦ تا ۲۸) سه دیوان ۲۹) بهارستان ۳۰) کتاب بزرك معما ۳۱) معمای متوسط ، ۳۲) معمای کوچك ۳۳) معما کوچکتر ۳٤) عروض ۳٥) موزیك ۳٦) نامه ها ۳۷) فواید ضیائی ۳۸) شرح مفاتیح ۳۹) نقدالنصوص ٤۰) نفحات‌الانس ٤۱) روش صوفیان ٤۲) شرح یك بیت ازامیرخسرو ٤۳) منقبتهای مولوی ٤٤) سخنان خواجه پارسا . تحفهٔ سامی ج ۱۳۱٤ تهران - ص ۸٦ .

(۲) مرآت‌الخیال. ج بمبئی . ص۷۳ .

بسم‌الله الرحمان‌الرحیم   املی حمدالمنان الکریم

آنکه‌باین‌نکته‌سنجیده گشت   فاتحه آرای کلام قدیم

متکلمی که خلعت اعجاز کلام معجز طراز ...

سوم : سومین‌بار اشعار خودرا بسال (۸۹۷) گردآوری کرده‌است . وی دراین‌سال همهٔ اشعار خودرا ازنوبه بخش‌نموده، نخست را که شعر روزگار جوانی‌او بوده «فاتحةالشباب» ودوم‌را «وسطالعقد» وسوم‌را که‌شعر پایان‌زندگانی و روزگار پیری‌اوست «خاتمةالحیات» نامیده است، و این کار بدستور میرعلی شیر و بپیروی از کار امیرخسرو دهلوی بوده‌است (۱) .

آغاز :

بسم‌الله الرحمان الرحیم   طرفه‌خطاییست زسفر کریم

انجام : هوش‌تواز آن‌دو حرف مدهوش‌شده است

مدهوش تو را ز رفتن هوش چه غم

هریك از این دیوانها دارای بخش چکامه‌ها ، مثنویها ، غزلها ، مقطعات، برگردانها، دوبیتها میباشد ، ودرهمگی آنهاروش عرفانی واخلاقی‌جامی آشکار است و کمتر معنی تازه ونو درآنها دیده میشود .

ب - بهارستان - وی‌این کتاب را برای فرزند ده سالهٔ خود ضیاء الدین یوسف که‌گلستان را میخواند نگاشته و بنام سلطان‌حسین‌آراسته و در انشاء آن از گلستان پیروی کرده و برهشت روضه بخش کرده ۱) داستانی چند از صوفیان ۲) سخنانی از حکیمان ، ۳) دادگستری شاهان ، ٤) سخاوت و کرم ، ٥) عشق، ٦) مطایبه‌وشوخی، ۷) شاعرانی چند ۸) داستانهائی‌از زبان‌جانوران. وی در پایان کتاب مانند سعدی گفته است که شعرهای کتاب را خود سروده‌ام و ازدیگران عاریت نیاورده‌ام .

آغاز :

چو مرغ امرذی بالی ز آغاز

نه از نیروی حمد آید بپرواز

انجام درتاریخ پایان کتاب بسال (۸۹۲) :

---

(۱) ترجمهٔ خمسةالمتحیرین و دیباچهٔ دیوان سوم از خود جامی.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

بوقتی شدآخر که تاریخ هجرت
شودنهصد ارهشت بروی قرائی

ج- کتابهای دیگر:

- چند کتاب درمعما (۱)

- هفت اورنگ: سلسلةالذهب، سلامان وابسال، تحفةالاحرار، سبحةالابرار یوسف زلیخا، لیلی‌ومجنون خردنامه (۲).

- کتابچهٔ درفن قافیه بنام «الرسالة الوافیة فی علم القافیه» بفارسی

- «نقدالنصوص فی شرح نقش الفصوص» در گزارش نقش‌الفصوص محیی‌الدین عربی.

- لوایح: درعرفان بفارسی. در(حرف-ل) خواهدآمد.

- لوامع: در گزارش چکامهٔ میمی «خمریه» ابن‌فارض شاعرصوفی مصر که در (ص ۹۲-۹۷) یاد شد. در(حرف-ل) خواهدآمد.

- ارکان حج: در کارها که حاجیان در کعبه انجام دهند.

- نفحات‌الانس: در گزارش‌زندگی (۵۸۲مرد) و (۳٤ زن) از بزرگان‌صوفی و پیران‌ایشان (ن-۱-۸۸۳ق)

- سخنان خواجه پارسا. محمد (م - ۸۲۲ ق).

- شواهدالنبوة. در گزارش زندگی پیغمبر و یاران و تابعان ایشان که همه‌را از عارفان برشمرده است. (ن-۸۸۵ق).

- اشعةاللمعات: گزارش لمعات فخرالدین عراقی (م ٦۸۸ق) - (ن - ۸۸٦ ق) (چ تهران ۱۳۰۳ ق).

- چهل‌حدیث: چهل حدیث‌را با چهل‌دوبیتی فارسی‌سروده (ن-۸۸٦ق).

- تجنیس‌خط: واژه‌های تازی که درنوشتن همانندهستند در آن گردآورده است. نام این کتاب درفهرستهای نگارشهای جامی نیامده ولی درهندچاپ‌شده و آقای حکمت آنرا یاد کرده.

- گزارش برچهل‌وچهار دوبیتی‌صوفیانه خود.

(۱) درگفتار دوم این‌فهرست یاد خواهد شد.
(۲) در (حرف - ه) همین گفتار خواهد آمد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

- دفتر نامه‌های جامی، در پنج بخش، نسخهٔ آن در کتابخانهٔ ملی تهران هست.

- نی‌نامه یا رسالهٔ نائیه درشرح دو بیت ازمثنوی در کنارهٔ اشعةاللمعات در تهران (۱۳۰۳ ق) ص ۳۸۲ و در مجله ارمغان سال ۱۷ - ش ۸ - ص ۵۷٦ چاپ شده.

- غزلیات‌جامی: دربارهٔ‌غزلیات‌جامی‌دانشمندان آلمانی فن‌روز نزویک(۱) و رو کرت(۲) و ویکرهوزر(۳) و بلوتن کرانز(٤) بررسیهای‌بسیار نموده‌اند(۵). دیوان‌غزل‌او دراستانبول (۱۲۸٤ق) ولکهنو(۱۲۹۸ق) وهمراه کلیات‌شعرجامی درنولکشور(۱۹۳۰م) در(٦۳٤ص) ودرتهران(۱۳۱۷ش) در(۳۱٦ص) چاپ‌شده.

- فواید ضیائیه. شرح کافیهٔ ابن حاجب، در دستور زبان تازی. بارها بنام شرح جامی چاپ شده، و از کتابهای درسی دانشجویان قدیم بشمار است.

[۵۰]

۱۰۲ نسخه بخط نستعلیق زیبا نام نویسنده در رویه (۵۰۲) محمدباقر پسر حاجی محمدشریفی و تاریخ آن‌سوم‌رجب (۹٦٦)آمده. و در رویهٔ (۵۹۲) تاریخ رمضان ۹٦٦ و در (رویهٔ ۷٤٦) دوشنبه ۲٦ جمادی یکم ۹٦٦ و در (رویهٔ ۹٤۸) نام نویسنده محرمی آمده که آنرا درشهر هرات درتاریخ ۸٦٦ (۹٦٦ درست است) نوشته است. و در (رویهٔ ۱۲٤٤) نام محرمی دورآبادی و تاریخ ۲۵ محرم ۹٦٦ دیده میشود. و در (رویهٔ ۱۳۱۸) نام محرمی و تاریخ رجب ۹٦٦ هست. و در (رویهٔ ۱٤۹۰) تاریخ ۹٦۲ دیده میشود.

متن از حاشیه جدا است و درهریك کتابهائی نوشته‌شده و فهرست آن چنین است، درمتن: دیوان‌یکم‌رویهٔ (۱ تا ۷٤٦) دیوان‌دوم (تارویهٔ ۱۱۰۱) ودراینجاازپایان دیوان‌دوم وآغاز دیوان‌سوم چندبرك افتاده. دیوان‌سوم (رویه‌های ۱۱۰۲ تا ۱۳۱۸). بهارستان ازاینجا تا (رویهٔ ۱٦٦٤). معمای کوچك تا (رویهٔ ۱۷۱۳). و درحاشیهٔ

(۱) کتاب روزنزویك دربارهٔ جامی در وین بسال ۱۸٤۰ م چاپ شده.
(۲) کتاب آثار رو کرت Rückert درسالهای (۱۸٤٤ - ۱۸۷٦ م) نگاشته شده.
(۳) Wickerhavser
(٤) کتاب بلوتن کرانز Blutenkranz جزء ۷٤ ج لایپزیك ۱۸۵۵ م، و وین ۱۸۵۸ م.
(۵) تاریخ ادبیات براون ج ۳ ص ۵۹۲ چ تهران ۱۳۳۷.

چنین است : سلسلة‌الذهب دفتریکم (رویهٔ ۱ تا ۲۸۹) دفتر دوم (تا۴۱۵) دفتر سوم (تا ۵۰۳) . سلامان و ابسال (تا ۵۹۳) تحفة‌الاحرار (تا ۷۲۷) . سبحة‌الابرار (تا ۹۴۹) . یوسف و زلیخا تا (۱۲۴۴) ولی درمیان رویه‌های (۱۱۰۱ و ۱۱۰۲) چند برگ افتاده است . لیلی ومجنون از (رویهٔ ۱۲۴۵) تا (۱۵۴۴) . خردنامه تا پایان‌نسخه (رویهٔ۱۷۱۳) ازپایان‌نسخه نیز چندبرگ افتاده‌است. در (برگ ۱-الف) فهرست کتابهای این کلیات نوشته شده همهٔ رویه‌ها دو جدول‌دارد؛ جدول حاشیه با لاژورد و زر ، جدول‌متن بازر تنها. برگهای (۱-ب) و (۲-الف) با زر و لاژورد وشنگرف وسفیدآب حاشیه سازی شده است . (رویهٔ ۵) یك گلچه دارد . درحاشیهٔ رویه‌های ۲۸۹ ، ۴۱۵ ، ۵۰۳ ، ۵۹۳ ، ۷۲۷ ، ۹۴۹ ، ۱۲۴۵ ، ۱۵۴۴سرلوحه‌هائی از لاژورد و زر وشنگرف و چند گلچه‌هست. درمتن رویه‌های : ۱ و ۷۴۷ و ۱۳۱۹ و ۱۴۹۱ ، ۱۶۱۷ و ۱۶۶۵ نیز سرلوحهائی بزرگتراز سرلوحهای حاشیه دیده‌میشود. عنوانها با شنگرف است. پهنای متن یك بیت و پهنای حاشیه یك لنگهٔ شعر است . رویه‌ها شماره دارد . هشت برگ سفید درآغاز نسخهٔ و ۸ برگ در پایان نهاده شد .

(۸۵۷ برك) نسخه ۱۷۱۳ رویه شماره گذاری شده . کاغذ دولت آبادی . جلد تیماج مشکی سوخت کهنه گوشه گذاری و ته بندی شده است . اندازه : ۵ر۱۸ × ۵ر۳۵ و ۱۰ × ۵ر۱۷ ، متن ۱۴ سطر حاشیه ۳۸ لنگهٔ شعر .

[۵۱] کلیات سعدی (فارسی)

در (ص۱۰) این مجلد وعده دادم که اندکی دربارهٔ تأثیر سعدی در ادبیات فارسی و ارتباط آن با ادبیات ملل همسایه و خاور میانه دراینجا گفتگو کنم، ولی اصرار کمیسیون کتابخانه دانشگاه بر کوتاه‌نویسی، مرا ناچار کرد از آن چشم بپوشم. اینك بشناساندن کلیات سعدی وتاریخچهٔ آن‌بسنده میکنم .

چنانکه در (ص۵۲) اشارت رفت واژهٔ «کلیات» از ریشهٔ «کل» عربی ساخته شده و ما فارسها این واژه‌را بمعنی دفتری که همهٔ نگارشهای کسی در آن گرد آمده باشد بکار میبریم .

دانسته نیست که نگارشهای سعدی‌را چه کسی دریك دفتر گردآورده ، برخی گردآوری کلیات‌را از خود سعدی‌دادند وبرخی انجام آنرا پس‌از سعدی‌دانسته و دیباچهٔ آنرا نیز ساختگی دانند. آنچه میدانیم ، مردی‌بنام علی‌پسر احمد پسر ابوبکر که به‌بیستون نامبردار بود یك‌بار بسال (۷۲۶) و دیگربار بسال(۷۳۴) فهرستی برای پنج کتاب‌غزل‌سعدی‌ترتیب داده ، و دیباچهٔ بر کلیات نگاشته ، از

این دیباچه چنین بر می‌آید که در آن روزگار برخلاف امروز ؛ غزلهای این پنج کتاب نه بترتیب حرف اول نخستین شعرغزل بوده ، ونه‌بترتیب حرف قافیهٔ آنها ، پس بیستون نخست فهرستی بترتیب حرف اول آنها تهیه کرده ، و پس از هشت سال که بنادرستی این روش پی‌برد، فهرست دیگر بترتیب حرف‌قافیه آنها درست کرده است . و کتابچهٔ نثری شوخیها (مضحکات) را که پیش از گلستان ودرپایان کتابهای نثربوده ، درپایان کلیات نهاده است . هنوز دانسته نیست؛ درآن روزگار چه هماهنگی میان غزلهای پنج غزلنامه سعدی وجود داشته، وآیابترتیب تاریخ سرودن‌آنها یا ترتیب دیگربسیج بوده‌است ؛ بهرحال پس‌ازآنکه‌بیستون فهرستی مرتب‌برحرف قافیه تهیه کرد کسانی غزلهای‌هریك ازاین پنج کتابرا درهم‌آمیخته و برابرفهرست بیستون مرتب‌ساختند وهماهنگی پیشین‌را ازمیان بردند، وتاهنگامیکه نسخه‌ئی باترتیب کهن یافت‌شود ، انگیزه ودلیل‌چنان‌ترتیب‌پنهان‌خواهدماند.

فهرست کلیات بیستون چنین است :

الف : هشت کتابچه نثربدین ترتیب :

۱) دیباچهٔ بیستون (ن ـ ۷۳۴) ۲) دیباچهٔ که بخود سعدی نسبت دهند ۳) مجلسهای پنجگانه ۴) پاسخ پنج پرسش شمس‌الدین صاحب دیوان ۵) پاسخ نثری به‌پرسش منظوم سعدالدین نطنزی دربارهٔ عقل وعشق ۶) نصیحت‌الملوك ۷) سه رساله : الف) اباقاخان ب) انکیانو، ج) شمس‌الدین‌تازی، ۸) گلستان .

ب : کتابهای منظوم، بدین ترتیب :

۹) بوستان یا سعدی‌نامه ۱۰) چکامه های تازی ۱۱) چکامه های پارسی که پایان آن‌مرثیه هانهاده شده۱۲) ملمعات ۱۳ تا ۱۷) غزلنامه ها : طیبات ، بدایع،خواتیم، غزلهای کهنه،صاحبیه(۱) ۱۸)مقطعات۱۹)دوبیتی‌ها۲۰)تك‌شعرها (مفردات) ۲۱) خبیثات، شعر ۲۲) شوخیها، نثر .

---

(۱) این چند بخش غزلهائیست که پیش از ترتیب بیستون از روی تاریخ نظم یا هم‌آهنگی دیگر مرتب بوده، و پس از آنکه غزلها بترتیب امروزی بحرف قافیه مرتب‌شده ، هیچ‌راهی برای‌فهم‌چگونگی تقسیم‌بندی باستانی دیده‌نمیشود .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

جز ترتیب بیستون ترتیبهای دیگری نیز از کلیات دیده شده وهم اکنون نسخهٔ ناقصی از سدهٔ نهم در کتابخانهٔ ملك هست که فهرست آن چنین است: در آغاز کنونی نسخهٔ گلستان دیده‌میشود، سپس نصیحت‌الملوك، دو مجلس از پنج‌مجلس، بوستان(سعدینامه) و سپس کتابهای غزل نهاده شده‌است. تازگی نیز چندین بار بخش بندی کلیات را دگرگون کرده در ایران وهند چاپ کرده‌اند، چنانکه فروغی (محمدعلی ذکاءالملك) همهٔ غزلها را بترتیب حرف قافیه فراهم آورده در یك جلد بسال (۱۳۱۸ ش) چاپ کرد.

تاریخ هیچیك از نگارشهای سعدی که در کلیات گرد آمده از ۶۵۵ پیش نمی‌رود، و آن تاریخ سرودن بوستان میباشد. هر یك از بخشهای کلیات بتنهائی چندبار چاپ شده‌است. گلستان و بوستان چندین بار بزبانهای گوناگون ترجمه و گزارش شده است.

[۵۱]

۱۷۳ نسخه بخط نسخ. متن وحاشیه دنبال یکدیگر است. نام نویسنده، و تاریخ ندارد. فهرست آنچه در این نسخه هست چنین است: دیباچهٔ بیستون (برگ ۱) دیباچهٔ سعدی(گ۳) پنج‌مجلس(گ۴) پاسخ بصاحب‌دیوان(۱۸) عقل وعشق(۱۹) نصیحت‌الملوك (۲۱) سه‌رساله (۲۸) گلستان (۳۱) بوستان(۱)ـ(گ۹۰) چکامه‌های تازی (۱۴۹) چکامه‌های پارسی (۱۵۵) مرثیه‌ها (۲۰۰) ملمعات (۲۰۴) ترجیع وبرگردانها (۲۰۸) طیبات (۲۱۳) بدایع (۲۹۴) خواتیم (۳۳۰) غزلهای کهن (۳٤۱) صاحبیه (۳۵۱) دوبیتیها (۳۶۹) تك‌شعرها(فردیات) (۳۷٤) خبیثات (۳۷۷) مجلس‌های شوخی برگ های (۳۸۳و ۳۸۵ و ۳۸۷).

همه رویه‌ها دارای جدول بازر و شنگرف ولاژورد. عنوانها باشنگرف و برخی بالاژورد. دارای یك سرلوح بزرك در (برگ ۱ب) ودرهر یك از رویه‌های بیست وچهارگانه یاد شده یك سرلوح کوچك دیده میشود. میان سطرهای برگ (۱ و ۲) زرافشانی شده. برگ یکم ودوم شماره گذاری‌نشده در کنار برگ(۲ـالف و ۲۱۰ب) حسن علی رکن‌الممالك گزارشی از زندگی خود نوشته است.

در برگهای بی‌شماره دوشعر ازمیرزا تقی علی آبادی دیده میشود.

(۴۹۰ + ۴ برگ) کاغذ ترمه: جلد تیماج قهوه زرکوب کهنه بود، توسط کتابخانه صحافی شد اندازه: ۲۴٫۴×۱۵٫۵ و ۱۵×۸٫۸؛ ۲۱ سطر

نسخهٔ دیگر بوستان بشماره (۱۰۶) درس(۱۰) این مجلد یادشده.

[۵۲] کلیات طغرا (فارسی)

طغرا را برخی مشهدی و برخی تبریزی شمرده‌اند، وهمه‌وی را بلقب ملاطغرا خوانده ونام اورا نیاورده‌اند.

غلامعلی آزاد بلگرامی گوید (۱): طغرا در نثرنگاری، روش نوین بکار بست ودر گزارش زندگیش گوید ازمیهن خود بهند آمد وبدربارشاهزاده مراد بخش پسر جهان پادشاه میزیست وبگردش کشور دکن می‌پرداخت، ودرپایان بکشمیر گوشه گیری گزید، و همانجا درگذشت و نزدیك گور ابوطالب کلیم بخاکش سپردند، غنی(۲) اورا مشهدی وساکن کشمیر وسال مرك اورا(۱۱۰۰) یاد کرده. درتذکرهٔ نصرآبادی اورا تبریزی دانسته ولی گزارش زندگی طغرا را با گزارش زندگی وحشت درآمیخته ونادرست چاپ کرده اند(۳).

تربیت (٤) از کتاب حدیقةالشعرا مردی را بالقب طغری مشهدی، بنام محمدعلی تبریزی ازشاعران سدهٔ سیزدهم شمرده، و نباید اورا با جای گفتگو اشتباه کرد.

مدرس(۵) نیز برخی از کتابهای طغرا(جای گفتگو) را در گزارش زندگی طغرائی بعد ازین شاعر آورده است.

طغرا در کتابچهٔ الهامیه از دیوان شعر خود یاد کرده که دارای غزلها و چکامه‌ها وقطعه و دوبیتیها بوده، وهم ازمجموعهٔ نثری خود نام برده، واز خویش و از این دو کالای خویش ستایش بسیار نموده گوید: «با آنکه دو سه مرتبه جواهرخانهٔ سخن

---

(۱) سروآزاد، بخش یکم شاعران پارسی زبان هند چ ۱۹۱۳ م ص ۱۲٤.
(۲) تذکرهٔ غنی چ علی گره ۱۹۱۶، ص۸٤.
(۳) گزارش تذکرهٔ نصرآبادی چ تهران ۱۳۱۷ ش. ص ۳۳۹ چنین است: «ملاطغرا تبریزی: شخصی میگفت مشهدی است درهند میباشد. درنظم ونثر کمال قدرت دارد. چنانچه منشآت اوبنظر فقیر رسید طورش غرابتی دارد در کمال پاکی .. [با وجود آرام وحشت تخلص دارد ... بسلامت مراجعت نماید] این اشعار از اوست...»
بازندگی بررسی دانسته میشود؛ چند سطری که میان دونشان [ ] نهاده ام از گزارش زندگی وحشت (ص ۳٤۲ همان کتاب) بدینجا آمده است و بزندگی طغرا بستگی ندارد.
(٤) دانشمندان آذربایجان. چ تهران ۱۳۱٤ - ص ۲٤۶.
(۵) ریحانةالادب ج ۳ ص ۳٤.

تاراج حوادث پذیرفته باز آنقدر هست که صندوقکدهٔ افلاك را گنجایش آن نیست، . . ». ونام دوچکامه خود « کشف‌الرموز، عرض‌الحقایق» راآورده است ونیزهمانجا ازوزیرراست قرزین که از رسیدن کتاب اوبنظرشاه مانع گشته‌یاد کرده غزلی در بدگوئی از وزیر سروده. وما یکی از بیتهایش را این‌جا می‌آوریم:

از سلك اهل دنیا گر پا کشم مکن عیب

دانسته می‌گریزد مرد از قطار نامرد

از دفتری که در آن چندین کتابچهٔ طغرا گردآمده وبکلیات طغرا نامبردار شده، یك نسخه در کتابخانهٔ مجلس هست که فقط شانزده کتابچه در بردارد، ولی نسخهٔ کتابخانهٔ دانشگاه (جای گفتگو) ۲۵ کتاب دارد، و فهرست آن‌ها چنین است:

۱- پریخانه : بمعنی تنکده.

آغاز: پریخانهٔ طغرا چون بنام خدیوایران زمین تازگی ...

ای راقم فرد رزق چه صبح و چه شام

طراح وجود خلق چه خاص وچه عام

انجام : آن تازه مرقع سرا با زینت

از چشم بد کسان مبشاد گزند

این کتابچه درپیرامون(۲٤۰ بیت نوشته) دارد، ونسخهٔ مجلس آن را ندارد.

۲- تاج‌المدایح دربارهٔ مراد بخش، ودرپیرامون (۲۵۰ بیت نوشته)است.

آغاز : چون این نسخه زیب(۱) لوایح شد

مسمی (۲) بتاج المدایح شد

انجام : روبهرجائی که آرد در سرابستان دهر

صد هزارش بلبل طغرا لقب همراه باد

این کتابچه نخستین نامهٔ کلیات طغرا درنسخهٔ مجلس میباشد.

۳ - مرتفعات : در این کتابچه واژه های ستاره شناسی بسیار به کاربرده است و درپیرامن (۱۰۰ بیت نوشته) دارد.

(۱) درنسخهٔ مجلس : وشك (۲) درنسخهٔ مجلس: مخاطب

آغاز : ازمرتفعات طغراسپهرفصاحت کوکبهٔ ظهوریافته ...

انجام :

در حیرتم که بهرچه بیقدر مانده است

در صفحهٔ وجود چو تصویر آفتاب

این کتابچه درنسخهٔ مجلس هفتمین کتاب کلیات است.

۴ - خمسهٔ ضروریه : طغرادراین کتابچه‌پنج‌تن‌ازهمکاران‌خودرا‌سختی ناسزا گفته است : شیخ محمد خاتون ، محمد طاهر، ادریس مازندرانی ، پولچی خان، درویش روستائی

آغاز: آزرده‌ام از دیدن بی‌دردی چند

افسرده‌ام از صحبت دم سردی چند

انجام : ازگنجینهٔ حکمت پدر بزرگوار استخراج این جواهر آبدار بقرض استعمال درآورده باشد.

این کتابچه پیرامن(۷٦ بیت نوشته) دارد.

۵ - تذکرة‌الاحباء: دراین کتابچه۱۲تن‌همزمانان‌خودراستوده‌شیخ‌محمد علی تبتی، میرزا تیمورخان ، حکیم‌محمدرضاخراسانی، شیخ‌عبدالکریم دربیتی درویش عبدالله، قاضی محمدقاسم، میرالهی، حافظ میرك علی، ابوطالب همدانی، محمدصالح‌جراح، شیخ‌اسماعیل، پهلوان‌شیرعلی.

آغاز : طغرا تا کی زبان تیز کنی درو صف شهان سخن جلوریز کنی

آن به که بجای خفتگان دم صبح توصیف دوازده سحر خیز کنی

این کتابچه نیزپیرامن (۷۵ بیت نوشته) دارد.

٦ - ثمرهٔ طبی : درآن ، نام داروها و گیاههای پزشکی بسیار بکاربرده.

آغاز : ثمرهٔ طبی طغرا که این تازه میوهٔ کاغذین سبد است ...

انجام : عالم همه محتاج دوای علل‌اند

جز خالق فریاد رس بی‌علت

این کتابچه نزدیك(٤۲۰ بیت نوشته) دارد

۷- مجمع‌الغرایب: نزدیك(۱۰۰ بیت نوشته) دارد ودر نسخه مجلس یازدهمین کتابچه کلیات بشمار است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز : زین نسخه که پادشاه کلکنده شنید

طغرا بـه نشان خسرو هنـد رسید

انجام : چو طغرا صید هر گل پیرهن شو

باین سبزان دمی بنشین چمن شو

مشابهات ربیعی :

آغاز : مشابهات ربیعی طغرا نسبت بنغمات عندلیبان گلشن اعجاز ...

انجام : زبنسان اگر بشغل کتابت گشود کف

خواهد کنار کرد چو بند قلم ازو

این کتابچه نزدیك (۱۰۰ بیت نوشته) دارد، و در نسخهٔ مجلس ششمین نامهٔ کلیات است.

۹ ــ مرآت الفتوح : نزدیك (۲۵۰ بیت نوشته) دارد و در نسخهٔ مجلس نامهٔ چهارم است.

آغاز : مرآت الفتوح طغرا سجنجلی است که چون ساختن ش پرداخته ...

انجام : سرخ روئی کرد ازطغرا سرایت درقلم

ازطفیل نسبت نامش نشان را مژده باد

۱۰ ــ کنز المعالی :

آغاز : کنز المعالی طغرا خانه گنج زربست کاغذین دیوار ...

انجام : دلش پر از رموز آگهی باد

بدستش نامهٔ فرمـاندهی بـاد

این کتابچه (۱۰۰ بیت نوشته)دارد و درنسخهٔ مجلس هشتم میباشد

۱۱ ــ جوش بلبل :

آغاز : ازلب طغرا چو گل کرد این نوای پرخروش

جوش بلبل شد خطابش درمقامات سروش

انجام : هندی نژادیست این بکر مطبوع

ز افشان بگردن افکنده هاله

عقدش چو بنـدد نـازك جوانی

طغـرا نویسد رنگین قبـاله

این نامه (۱۱۰ بیت نوشته) دارد، ودرنسخهٔ مجلس، پانزدهم میباشد.

۱۲ ــ تجلیات :

آغاز : طغرا از تجلیات خویش بی‌هوش ساز ناطقه گردید...

انجام : سخنور با سخن دارد سروکار

زمین فکر چه گلخن چه گلزار

این نامه (۱۸۰ بیت نوشته) دارد و در نسخهٔ مجلس نهمین کتاب است.

۱۳ ــ تحقیقات :

آغاز : طغرا چوبآسمان تازگی خیال راه یافت ...

انجام : مدادش آنچنان شد عاقبت اردورهٔ سودا

که طغراهم قلم در کف برای امتحان دارد

این نامه (۷۰ بیت نوشته) دارد ودرنسخهٔ مجلس دوازدهمین نامه است

۱۴ـ آشوب نامه : با هفت آشوب . این کتابچه هفت بخش و یك دیباچه و خاتمه دارد، وهربخش دیباچه‌ایست که طغرا برای یکی ازهفت مثنوی زلالی خوانساری نگاشته . طغرا در دیباچهٔ هفت‌آشوب شاعران زیررا نام برده و هر یك را با چند جمله کوتاه ستوده است : عنصری ، فردوسی ، انوری ، فرخی ، سنائی، قطران، عطار، خیام، نظامی، عبدالرزاق، رشید، سعدی، کمال، ابوالفرج ملای‌روم، سلمان، خسرو، حافظ، جامی، مکتبی، آذری، اوحدی، کاتبی، معزی، ازرقی، ابوالعلاء ، سهیلی، سیف‌اسفرنك، شاهی، هاتفی، هلالی، آصفی، فغانی ، عصار ، اهلی، نظام، امیدی، وحشی، عبید، ضمیری، غزالی، سبحانی، عرفی، شاه طاهر، نوعی، سنجر، فیضی، ظهوری، ملك، طالب ، مشرقی، مغربی، و در پایان نام‌زلالی را باستایش فراوان آورده واز (سبعهٔ سیاره) هفت اورنك وی‌تعریف بسیار کرده، وسپس آشوبهارا آغاز کرده است .

آشوب یکم : دیباچهٔ محمود و ایاز (۱) ۱٤ سطراست :

آغاز : مثنوی محمود و ایاز است ، که بنـای لفظ و معنی برنـاز و نیاز است ....

آشوب دوم : دیباچهٔ حسن گلوسوز، ۱۵ سطر.

آغاز: مثنوی حسن گلوسوزاست ، که درچشم عشق‌بازسخن را طراوت

(۱) محمود وایاز زلالی در ۱۳۲۰ ش درتهران چاپ‌شده، ولی‌این‌دیباچه درآن نیامده‌است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

افروزاست (۱)...

آشوب سوم : دیباچهٔ شعلهٔ دیدار ، ۱۳ سطر.

آغاز : مثنوی دیدار است که دورهٔ بیت روشنش ....

آشوب چهارم : دیباچهٔ سلیمان نامه ، ۱۵ سطر .

آغاز : سلیمان نامه است که نوشتن کلمات آن سبب علو خامه است ...

آشوب پنجم : دیباچهٔ آذر و سمندر ، ۱۳ سطر

آغاز : مثنوی آذر و سمندر است که زمین شعرش ...

آشوب ششم : دیباچهٔ میخانه ، ۱۳ سطر .

آغاز : مثنوی میخانه است که ابیات بکیفیتش همه‌جا مستانه است ...

آشوب هفتم : دیباچهٔ ذرهٔ و خورشید ، ۱۳ سطر .

آغاز : مثنوی ذرهٔ و خورشید است که شعاع نظمش فروغ ده سیاه و سفید است ....

در خاتمهٔ آشوبنامه از شیخ ابوالحسین (۱) که محمود و ایاز زلالی را جمع آوری و پاکنویس کرده، نام برده و اورا ستوده است .

آغاز آشوب نامه :

این نامه را چو خامهٔ طغرا تمام کرد

آشوب نامه اش زره شور نام کرد

انجام :

بترتیب مذکور باد این کتاب   که فیضش بـا علی و ادنـا رسد

این کتاب (۳۵۰ بیت نوشته) دارد و نسخهٔ مجلس آنرا ندارد .

۱۵ ـ ضیافت معنوی : (۱۵۰ بیت نوشته) دارد .

آغاز : ضیافت معنوی طغرا این مجموعه طبقهای کاغذین است ....

انجام : خوانی که سرکار کشند از پی خیر

از پیش جرو کـه تا لب جیحون بـاد

(۱) در ذریعه (ج ۷ـ ص ۱۵) آغاز دیباچه چنین آمده است : (تعالی شأنه از این آیهٔ مطالعه فیروز، درشأن فهرست حسن گلوسوز...» . و گویا آن دیباچه جز دیباچهٔ طغرا باشد .

(۲) در تذکرهٔ نصرآبادی ج ۱۳۱۷ ش ـ ص ۲۳۰ شیخ عبدالحسین آمده است .

۱۶ ـ انوار المشارق : (۳۵۰ بیت نوشته) دارد .

آغاز : انوار المشارق طغرا اگر بآسمان فصاحت ضیا نمی‌داد ....

انجام : چون ساقی دوران دهدش بادهٔ عیش

ساغر ز هـلال عید در چنگش بـاد

دراین کتابچه علی (ع) را ستایش بسیار نموده است

۱۷ ـ جلوسیه : این کتابچه (۳۶۰ بیت نوشته) دارد .

آغاز : جلوسیهٔ طغرا عبارت است ازاین رقم که چون بدعوای...

انجام : چون تخت چرخ، بادترا مستقیم چتر

چون تاج مهر، بادترا برقرار تخت

۱۸ـ فردوسیه : این کتاب دروصف کشمیر و پادشاه آنست و (۴۵۰ بیت نوشته) دارد. عنوانهایش درنسخهٔ مجلس (طوطیه) یا (توطئه) بوده و در نسخهٔ این کتابخانه عنوانها را انداخته‌اند .

آغاز : فردوسیهٔ طغرا عبارتست ازاین تازه بوستان، که چون موسم اردیبهشت فکر بطراحیش پرداخته، و درزمین رضوان پسند کاغذش بجای گل وریحان خط وخال حور وغلمان را نهال تحریر ساخته. قطعه (۱) :

ای در طلب تو خانه بردوش سحـاب

بـارانـی قطره در رهت سالـك آب

انجام : مطربان محفلش را بی تلاش ابر دست

جوش گلهای صدا در شاخسار ابر بـاد

۱۹ـ چشمهٔ فیض : شصت وشش نامه است که اززبان ۶۶ تن ازدرباریان درپاسخ دستخط شاه دکن حیدرآباد ، خطاب بشاه نگاشته ، دردیباچه انگیزه این نگارش را چنین آرد: که چون بیشتر درباریان نمی توانستند پاسخ شایسته بدستخط شاه نویسند، من بدین کار دست زدم . ازاین کتابچه نام ونشان و مقام بیشتر درباریان هند آشکار میگردد .

آغاز : چشمهٔ فیض طغرا نـام ایـن تـازه مقالـت کـه از تـری لفـظ خشکی ...

(۱) جمله های پیش از شعر در نسخهٔ مجلس هست و از نسخهٔ این کتابخانه افتاده است .

انجام :

از آب و رنگ مدح بدربار خسروی

تا نه رواق خیمه و خرگاه تازه شد

این کتاب درپیرامون (۹۰۰ بیت نوشته) دارد .

۲۰- **الهامیه** : بیشتر آنرا گزارش زندگی وی فرا گرفته است.

آغاز : الهامیهٔ طغرا سماوی کلامیست از پردهٔ غیب...

انجام : دارم ز خدا امید، کین شرح مقال

در بزم سخن، ساز ملامت نشود

۲۱- **عبرت نامه** : چندین رقعه است : رقعه‌ئی در دزدیهای شعری و مضمونها که نصیرا شاعر از ظهوری شاعر دزدیده است. رقعهٔ قمارنامه ، که از چند گونه بازی یاد کرده : نرد، گنجیفه (۱)، شطرنج. رقعه‌هائی نیز بنام محمد کریم، قاضی نظاما، روشن‌قلم، میرزا سنجر، شمسا خوشنویس، خواجه‌لاله ، میرزا جلال اردستانی(۲)، میرک‌دشت بیاضی، میرزا رحیم، میرمحمد صالح، ملا احمد سلیمانی، ملا نصیر محمد نجومی، حکیم محمدحسین پزشك، آقا محمد خان ، احمد جلیلی ، میرزا صائغی، میرزا بزمی ، سید عبدالرحیم ، میرزا شریف در آن میباشد. این کتابچه (۸۵۰ بیت نوشته) دارد .

آغاز : قلمی بهر (۳) شده عبرت نامه

تا شود روسیه آن زرد سخن چون خامه

انجام : ایمان محفوظ باد بشفیع یوم المعاد .

۲۲- **وجدیه** : در هنر موزیك و اختراع فیثاغورث آنرا و نظر صوفیان: مانند نظام‌الدین اولیاء، و عطار، و شیخ عراقی در بارهٔ آن، و فرق میان سرود ایرانی و هندی(٤) میباشد، و پس از آن گفتگوئی از زبان آلتهای موزیك آورده که هریك کار خود را بیان و برتری

(۱) دربارهٔ بازی گنجیفه کتابی از اهلی شیرازی در این کتابخانه هست که در (حرف گ) همین گفتار در (ص ۲۰۹) خواهد آمد .

(۲) طغرا در این جا (برگ ۱۷۷ ـ الف) میگوید از زمان پیغمبر هزار سال گذشته است .

(۳) سفید مانده .

(٤) طغرا در اینجا میگوید : سرودهای ایرانی از گفتهٔ مرد بزن باشد و سروده‌ئی از بان زنان بمردان. (برگ ۱۹۹ ب)

خویش را بر دیگران مینماید، و فهرست نامهایشان چنین است: قانون، دوتار، تنبور، عود، چنگ، نی، چغانه، کمانچه، موسیقار، نی انبان، بلبان، رود، ارغنون، خنتر، دف، خنجری، دایره، مندل، تال، این کتابچه نزدیك (۵۰۰ بیت نوشته) دارد .

آغاز : این نامه که آواز در انشا دارد

صد شعبهٔ معرفت در املا دارد

انجام : الهی خانهٔ خود کن مقامم

گرو مانده چو ابراهیم نامم

۲۳ - **تعدادالنوادر** : در شگفتیهای کشمیر و آن هشت چیز است .

آغاز : تعداد النوادر طغرا که عبارتست از این مقالات رنگین ...

انجام : تا پای خزان بباغ لطفش نرسد

کرده است بهار را زمین گیر سخن

این کتابچه (۱۵۰ بیت نوشته) دارد .

۲٤- **معراج الفصاحت** : دربیان برخی از صفتهای شاه : تهور، شوکت، دیوان‌داری، فضیلت، سعادت.

آغاز معراج فصاحت طغرا بعرش خیال رفرف معنی دارد ...

انجام از دولت مدح آن پیمبر طینت

در جرگه دوستان خود راهم ده

۲۵- **نمونه انشاء** : نیز در برخی صفات او : سخاوت ، عدل ، شجاعت کمانداری ، علم زبانی، خوشنویسی، والائی، کامرانی، سرودشناسی .

آغاز : طغرای فردانتما چون بتحریر صفت اعلی شتافته، این نوشته ...

انجام : زان پیش که آید بلبش حرف دعا

آمد بزبان استجابت : آمین

۲٦- در نسخهٔ کتابخانهٔ مجلس کتاب بی نامی از طغرا هست که مطالب آن مانند وجدیه در موزیك است، و نسخهٔ کتابخانهٔ دانشگاه آنرا ندارد. این کتاب (۱٦۰ بیت نوشته) دارد و چهاردهمین کتابچهٔ آن نسخه میباشد .

آغاز : دیشب که بروشنائی چراغ پیالهٔ چنك بمطالعهٔ قواعد صدا مینمود و نائی بخواندن مقاصد صوت مشغول بود، بقانونی که مقام کزینان ...

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

انجام: چون ساقی دوران دهدش بادهٔ عیش
ساغر ز هلال عید در چنگش باد

در این کتابچه نیز اززبان هریك از آلات(۱) موزیك گفتاری آورده . این گفتار ها از آنچه دروجدید هست بیشتر میباشد و در آنها بآیه های قرآن نیز استدلال شده است ، و پس ازآنها بوصف مجلسهای خوشگذرانی شاه پرداخته است .

نسخهٔ کلیات طغرا در کتابخانهٔ مجلس بشمارهٔ (۹۲ موقت) میباشد وفقط دارای ۱٦ کتاب است ، و کتابچه های (۱و٤و٦و ١٤و١٥و١٧و١٩و ٢١ و٢٢ و٢٥) را ندارد . خط نسخهٔ مجلس خواناتر است ، نویسندهٔ نسخهٔ ما برخی عنوانها را انداخته وخطش شکسته‌تر میباشد .

[٥٢]

۱۱۰ نسخه بخط نستعلیق‌شکسته : نام نویسنده و تاریخ ندارد لیکن در پیرامن سدهٔ دوازدهم نوشته‌شده است. فهرست کتابچه‌های این کلیات چنین است : پریخانه (برگ ۱ـب) تاج‌المدایح (۹ ـ ب) مرتعات (۱۸ ـ الف) . خمسهٔ ضروریه (۲۱ب) تذکرة‌الاحباء (۲٤ ب) ثمرهٔ طبی (۲٦ب) مجمع الغرایب (٤۱ـالف). مشابهات‌ربیعی (٤٤ ب) مرآت الفتوح (۳۷ ب) کنزالمعانی (٥٦ ب) . جوش بلبل (٥۹ ب) تجلیات (٦۳ ـ الف). تحقیقات (٦۹ ـ الف). آشوب نامه (۷۱ ب). ضیافت معنوی (۸۲ـالف) انوارالمشارق (۸٦ ب) . جلوسیه (۹۷ب) فردوسیه (۱۰۹ ب) . چشمهٔ فیض (۱۲٤ ب) الهامیه (۱٥٤ـالف) عبرت‌نامه (۱٦۳ب (وجدیه (۱۹۱ب) . تعدادالنوادر (۲۰۷ب) معراج‌الفصاحت (۲۱۰ب) . نمونهٔ‌انشاء (۲۱٤ـالف) .

عنوان ها باشنگرف‌است. حاشیه‌ها بامضای (۱۲) دارد . تصحیح گشته وافتاده ها درکناره نوشته شده . چهاربرگ پس‌ازنسخه، ازکاغذ خود کتاب هست. در برگ پیش از نسخه فهرست کتابچه ها نوشته شده .

(۳۱۸ برگ) شماره دارد و(۱۰برگ سفید بی‌شماره)کاغذ نوعی‌ازمه .
جلد تیماج سرخ مقوائی زرکوب‌کهنه . اندازه : ۱۸×۲۹٫٥ و ۱۰×۱۹٫٥ص، ۱٥سطر .

۱ـ نام آن ها چنین است : عود ، رود ، قچك ، رباب ، بربط ، موسیقار ، تنبور ، کمانچه ، ارغنون،

[٥۳] کلیات(۱) کمال‌اسماعیل (فارسی)

کمال‌الدین‌اسماعیل اصفهانی فرزند جمال‌الدین محمدپسر(۲) عبدالرزاق اصفهانی، سخن‌سرای نامبردارسدهٔ ششم وهفتم است.

برادرش معین‌الدین عبدالکریم ازدانشمندان(۳) وخود و پدرش جمال‌الدین ازشاعران زبردست بوده‌اند (٤) خاندان وی ازراه نقاشی و وزرگری وبازرگانی زندگانی میگذرانیده‌اند و نخستین کس ازایشان که بشعر پرداخت پدرش جمال بود (٥) . کمال‌در پایان زندگی به پیروان شهاب سهروردی سر سپرد (٦) وی شاهان خوارزمشاهی و خاندان صاعدی وخجندی و شرف‌الدین علی وجزایشان را ستایشها کرده است . در برخی ازشعرها سن‌خودرا بیش از شصت سال شمرده لقب خودرا گاه کمال (۷) وگاهی کمال‌الدین (۸) و نام

---

(۱) دراین‌دفتربك بامهٔ نثری‌نیز از کمال‌اسماعیل‌هست، وازاین‌روی آنرابعنوان «کلیات» یاد کردم، نه «دیوان»

(۲) المعجم فی معاییر اشعار العجم . چ اروپا و] راحة‌الصدور ابن راوندی . چ لیدن ص۳۳ چنین آورده اند ، ولی در بیشتر تذکره ها عبدالرزاق را لقب محمد دانسته‌اند .

(۳) این گفتهٔ دولتشاه سمرقندی است ، ولیکن وحید دستگردی از دیوان جمال‌الدین چنین درآورده که‌وی چهارپسرداشته ونام یکی ازایشان کمال‌الدین‌محمود بوده است

(٤) درسنجش میان‌شعرپسر (کمال) وپدر(جمال) گفتگوها شده‌است ، وبیشتر شعرشناسان‌شعرپسررا پسندیده‌تردانند ، ولی‌دولتشاه گویدسلطان سعیدالغ‌بیك گورکان شعرپدر را بهتر میدانست .

(٥) خودگوید : بست پوشیده که درعهد صدورماضی
رخت زی مدرسه آورد ز دکان پدرم
از کرم عذر چه گوئی که در ایام تو من
از میان علما رخت ببازار برم

(٦) شهاب دین عمر سهروردی آن ره رو
که از مسالك او دیو برحذر یابی

(۷) دربرك ۳٦۰ نسخهٔ این کتابخانه گوید
اگر بنوبت من ختم شد سخن چه عجب
رسیده است در ایام من سخن به کمال

(۸) کمال‌الدین که چرخ پیرنارد جوانی چون تو درانواع کامل

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

خودرا اسماعیل آورده است(۱) یك چكامهٔ او تاریخ ۸۵ یعنی(۵۸۵) دارد (۲) وی مرك فرزندخودرا نیزدیده وچكامه‌ئی دراین باره سروده است (۳) حمدالله مستوفی كتابچه‌ئی بنام «قوسیه» بدونسبت‌داده . در كلیات او نیزیك‌نامه به‌شردیده میشود (٤) . دیوان كمال دارای چهار بخش است آ) چكامه‌ها ب) مقطعات ج) غزلها . د) دوبیت و تك شعرها .

غزلهای وی مانند همزمانان خودش تخلص ندارد . شمارهٔ شعر اورا هدایت پانزده هزارداننسته ، ولی نسخهٔ این كتابخانه اند كی بیش‌ازسیزده هزاروپانصد میباشد. چكامه‌های كمال بسیارمحكم‌است وبرخی از آنهاراشاعرانی مانندسلمان ساوجی پاسخ گفته‌اند. شعرشناسان كمال‌را(خلاق‌المعانی)معنی‌آفرین‌لقب‌داده‌اند دولتشاه داستان كشتن كمال را بدست مغولان در دوم جمادی یكم سال (٦۳۵) یاد كرده (۵) دیوان كمال دوبار درهند چاپ شده نخست بی تاریخ توسط محمد صاحب ملك‌الكتاب در(۲۰۸ص)چهارستونی . دوم كه ازچاپ یكم بیشتراست در (بمبئی ۱۳۰۷ق) بوده است .

[۵۳]

۸٤۱ نسخه بخط نستعلیق ، نام‌نویسنده وتاریخ ندارد . ولی نزدیك سدهٔ یازدهم نوشته شده. نزدیك(۱۳۵۰۰ بیت) دارد . بخش یكم چكامه‌ها دربر گهای (۱تا۲۵۸) وبخش دوم قطعه‌ها در(۲۵۸تا۳۸۷) . دربر گهای(۳٤۸و۳٤۹) یك‌نامه‌نثرازاوهست. بخش سوم غزل‌در(گ۳۸۷-٤٤۸) بخش‌چهارم دوبیتها وتك‌شعرها (گ ٤٤۸-۵۱۷) نوشته شده‌است . همهٔ‌رویه‌ها دارای جدولی ازلاژورد وزروشنكرف‌وسبزی . عنوانها باشنگرف است . درآغاز هربخش یك سوم بالای صفحه را زراندود كردهٔ و دورآن بالاژورد وشنگرف جدول بسته است

در(گ۱ب) یك‌سرلوح زیبا بازروشنگرف ولاژورد دیده‌میشود ومیان‌سطرهای آن رویه وصفحهٔ روبروی آن زرافشانی شده‌است . دربخش چهارم دور دوبیتها وتك

(۱) در گ ۲٤۹ نسخهٔ این كتابخانه گوید :

سخت است جای اسماعیل كوشكوه ولقای اسماعیل

(۲) گ ۱۰٦ب و۱۰۸ب نسخهٔ این كتابخانه .

(۳) گ ۲۵۷ - الف . نسخهٔ این كتابخانه .

(٤) گ ۳٤۸و۳٤۹ نسخهٔ این كتابخانه .

(۵) برای گزارش زندگی كمال اسماعیل : تاریخ گزیده ص۸۲٤ چ گراووری‌اروپا و تذكرهٔ‌دولتشاه، طبقهٔ دوم، هفت‌اقلیم و آتشكده‌آذردر(اصفهان) مجمع‌الفصحا (ج۱ص ٤۷۹) وذریعه ج۹ دیده‌شود . وازهمه بهتر پیش گفتاروحید دستگردی بردیوان جمال الدین اصفهانی ، چ تهران ۱۳۲۰ ش میباشد .

شعرها جدولی باشنگرف بسته . تصحیح گشته وافتادگیها در كنارهٔ آن نوشته شده .

(۵۱۷ برگ) كاغذ آرمه سمرقندی نخودی‌رنگ · جلد تیماج مشكی متوالی زركوب‌سوخت درون كاغذگلی گل بوته مانند.

اندازه : ۱۵×۳٤ وجه۱۵×۸٫۸؛ ۳۱سطر؛

[۵٤] كلیات مجمر (فارسی)

مجمر، سیدحسین طباطبائی نام داشته، و از زوارهٔ اصفهان برخاسته، وی در (۱۱۹۰ق) زاده (۱) و در آغاز زندگی دریكی از اطاقهای مدرسهٔ كاسه‌گران اصفهان بآموزش‌می‌پرداخت‌وازراه‌زرنگاری(تذهیب) كتاب،زندگی‌میگذرانید. در(۱۲۱۸ق) گروسی‌مجمررادراین مدرسه دیده، گویندمعتمدالدوله (عبدالوهاب نشاط) اورابتهران آورده بابروان بنزدفتحعلی‌شاه برد، شاه اورا بنواخت ولقب مجتهدالشعراءداده همنشین شاهزاده حسنعلی میرزا گردانید، مجمردرجوانی‌بسال (۱۲۲۵ق) در گذشت ودرقم‌بخاك‌سپردند.دیوان‌وی‌پنج‌یاشش‌هزار بیت‌دارد(۲) دیوان‌مجمر بایك صفحهٔ پیش گفتارو گزارش كوتاهی اززندگی‌مجمر بخامهٔ‌میرزا ابوالحسن جلوه درذیحجهٔ(۱۳۱۲ق) درتهران‌چاپ شده ، وداستانهائی چند(نظم ونثر) بروش گلستان، پیشاپیش آن نهاده شده‌است .

نسخهٔ ناقصی‌ازدیوان مجمردرسپهسالارهست كه ۳۹۰۰بیت دارد (۳) ولی نسخهٔ دانشگاه (جای گفتگو) نزدیك (٤۵۰۰بیت) دارد، وداستانهای نثری‌رانیز دربردارد، سپس چكامه‌ها درستایش فتحعلی‌شاه وپسرش حسنعلی‌میرزا ودختراو شاه‌جهان‌وقطعه‌های گوناگون‌وماده تاریخها كه كهن‌ترین آنها تاریخ ساختمان بر كه‌ئی‌درشهرزواره(مدینةالسادات)بسال(۱۲۰۹ق)میباشد وآخرین آنها تاریخ ساختمان مسجدی‌درتهران بسال (۱۲۲۵ق) است. وپس‌ازآن غزلها دردوبخش آمده است. الف) غزلهای نوبنام «تحفةالملوك» كه بیت پایان هریك ازآنها نام فتحعلی‌شاه‌ونام‌سراینده «مجمر»رادربردارد . ب) غزلهای كهن كه‌فقط‌نام«مجمر»

(۱) در انجمن خاقان مرگ وی را (۱۲۲۵ ق) آورده، و جلوه درپیش گفتار چاپ دیوان مجمر (تهران - ۱۳۱۲ ق) گوید گویا وی درسی وپنج سالگی بدرود زندگی گفت .

(۲) انجمن‌سوم انجمن خاقان، ومجمع الفصحا ج ۲-ص ٤٦۵-٤۸۳، ولی نسخهٔ چاپ ۱۳۱۲ق ۳۰۳ صفحهٔ۱٦سطری دارد .

(۳) فهرست . ج۲ ص٦۷۱ .

كتابخانه مركزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

در بردارد. سپس دوبیتیها و تك شعرها میباشد.

[٥٤]

١٥٩ نسخه بخط نستعلیق زیبا، نام نویسنده و تاریخ ندارد، لیکن پیداست که پس از روزگار سراینده و برای کتابخانهٔ فتحعلی شاه نوشته شده. فهرست این نسخه چنین است:

داستانهای نثر و نظم بروش گلستان (گ ١ـ١٣) مثنویهائی در گفتگو با: عشق عقل، سخن (گ ١٣ـ٣٠) چکامه‌ها (گ ٣٠ـ١١٧) قطعه‌ها (گ ١١٨ـ١٣١) شوخیها (گ ١٣١ـ١٣٩) ماده تاریخها (گ ١٣٩ـ١٤٩) متفرقه (١٤٩ـ١٦٠) غزلهای تحفة الملوك (١٦٠ـ١٨٦) غزلهای کهن (١٨٦ـ٢١٢) متفرقه (٢١٢ـ٦١٤) دو بیتیها (٢١٤ـ٢١٨) تك شعرها (٢١٨ـ٢٢٠).

همهٔ رویه‌ها از آغاز بخش چکامه‌ها با زر و لاژورد جدول بندی شده. عنوانها باشنگرف است. شش سرلوح با زر و ساده در رویه‌های (٣٠ب، ١١٧ب، ١٢٥ب، ١٣٩ آ، ١٨٧ب ٢١٢ب) دارد. در رویهٔ (١ـب) در آغاز داستانهای نثر چنین نوشته شده: این داستانهای پراکنده، پس از مرگ مجمر گرد آمد، و در آغاز دیوان نهاده شد. برگهای ١٨٥، ١٨٦، ١٥٩، ٢٢٠ و ٢٢١ سفید است.

(٢٢١ برك) کاغذ سفید. جلد ایماج مشکی ثك لا حاشیه زرد.
اندازه: ١٧×٢٧ و ٩×١٧ : ١١ سطر.

[٥٥] گلستان (فارسی)

در (ص ١٤١ ـ ١٤٣) و (ص ١٩٢) اندکی دربارهٔ این نامبردارترین کتاب فارسی گفتگو شده، از چند گزارش آن نیز نام بردم. در اینجا چند گزارش دیگر را یادآوری مینمایم:

ـ سراج الدین علیخان آرزو هندی (م ـ ١١٩٦) آنرا بفارسی گزارش نموده و خیابان گلستان نامیده و در (١٢٦٧ق) در دهلی چاپ شده.

ـ میرنورالله احراری هندی، بفارسی گزارش داده و آرزو از آن نقل کرده است.

ـ عبدالله موسوی (جنید) فرهنگی در سه بخش برای گلستان نگاشته.

ـ ملاسعد تتوی. نیز بفارسی گزارشی داده و سراج الدین آرزو از آن نقل کرده است.

ـ محمد تاج الدین بهجت. بفارسی گزارش داده و چمنستان نامیده است و بسال (١٢٩٨ق) چاپ شده است.

ترجمهٔ بزبانهای بیگانه:

ـ آندردوریر، بفرانسه، بسال ١٦٣٤ م = ١٠٤٣ق.

ـ ژانتیوس بلاتینی با متن فارسی بخط نسخ در ١٦٥١م = ١٠٦١ ق.

ـ بانگلیسی در ١٨٧٤ م = ١١٨٨ ق.

ـ فردریك کسن باخ از فرانسه بآلمانی بسال ١٦٣٥ = ١٠٤٥ق.

ـ آدام اول آریوس، بآلمانی، ١٦٥٤ م = ١٠٦٤ق.

ـ بروسی، در ١٨٨٢ = ١٢٩٩ق.

ـ هلندی، ١٦٥٤ = ١٠٦٤ق.

ـ کازیمیرسکی لهستانی بلونی، ١٨٧٦م = ١٢٩٣ق.

ـ هندی ١٨٠٢ م = ١٢١٦ق.

ـ جبرئیل مخلع بسر یوسف (م١٨٥١م) بعربی (ج١٢٦٣ق) بولاق.

[٥٥]

١٧٣ نسخهٔ بخط نسخ همین کتاب دفتریست که بنام کلیات در ص ١٩٤ این مجلد یاد شده. از برگ ٧ تا ٢٠ آنرا گرفته. عنوانها باشنگرف است. کاغذ و جلد همانست که در (ص ١٩٤) یاد شد.

[٥٦] گنجیفه (فارسی)

گنجیفه یا گنجفه نوعی ورق بازی ایرانی است (١) که اکنون از میان رفته است.

در این بازی هشت دستهٔ دوازده برگی که نو دوشش ورق داشته بکار میرفت. هریك از این دسته های هشتگانه نامی بترتیب زیر داشت: ١) غلام ٢) تاج ٣) شمشیر ٤) اشرفی ٥) چنك ٦) برات ٧) سکه ٨) قماش. و هریك از این دسته‌ها دوازده برگ داشت، دوتا بنام شاه و وزیر، و دیگران با شمارهٔ (١ تا ١٠) شناخته میگردید. برای این بازی دستگاه ویژه میساختند و آنرا گنجیفه مینامیدند. برگهای نود و ششگانهٔ این دستگاه طوری ساخته میشد که هریك از آنها بتنهائی شناخته میگردید.

جای گفتگوی ما کتابچهٔ شعریست که یك دیباچه و ٩٦ دوبیتی دارد. سراینده

(١) امروز نوعی ورق بازی بکار میرود که گنجیفهٔ فرنگی نیز نام دارد، و آن ٥٢ برگ دارد که بچهار دسته بنامهای، گشنیزی، خشتی، دلی، سروی، بخش شده، و هریك سیزده برگ دارد، که سه تای آنها: شاه، بی بی، سرباز نام دارد، و باقی از ده تا تك خال نامیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

اهلی شیرازیست که در (ص۱۸۳-۱۸۶) این جلد یادشد. وی در دیباچهٔ گوید این دو بیتیها را آن گونه سرودم که هر گاه هر یك از آن ها را بر یك برگ سفید و بی نشان بنویسند بجای یك برگ گنجفه باشد، وهمهٔ آنها بجای یك دستگاه گنجفه بکار رود.

اکنون از بازی گنجفه فقط نامی درفرهنگها مانده است واز روش این بازی چیزی نمی دانیم. طغرای مشهدی که در (ص۱۹۵-۲۰٤) این مجلد یاداو گذشت در بخش قمارنامه از کتابچهٔ عبرت نامه از سه گونه بازی یاد کرده که یکی از آنها گنجفه است، و بررسی آن معنی برخی از اصطلاحها و نام ورقهای این بازی را روشن میسازد (۲).

نسخهٔ از این کتابچه رامن با نسخه های کتابخانهٔ دانشگاه و مجلس برابر کرده ودر آغاز سال ۱۳۳۲ درمجلهٔ دانش وبتنهائی چاپ وپخش کردم.

چنانکه گفتم این کتابچهٔ یك دیباچهٔ نثری و ۹٦ دوبیتی دارد.

آغاز دیباچه: بسم‌الله تیمناً بذکره‌الاعلی. پوشیده نماند بر ارباب صورت ومعنی که این بندهٔ کم بضاعت...

آغاز گنجفه: ای سروسهی خاك رهت وقت خرام
کی صورت مه بود چو حسن تو تمام

(۲) عبارت طغرا چنین است:

.... گنجفه را دل از تیغ مهاجرت پاره پاره گردیده، و از دفتر وجودش دوفرد را هیچکس یکجا ندیده، اصنافش از کساد بازاری دکانها برچیده‌اند، ودست امید از دامن خریدار کشیده، شمشیر منتظر که آب رفته، بجوی باز آید، وچنگ گوش برصدا، که تار امید به آواز آید، از بی رونقی قماش پنبه را آتش بجان افتاد، وتاج را در کلاه اعتبار پشمی نماند. زرسرخ برنگ زرد عهد بسته، وزرسفید برخریل سیاه نشسته، ده غلام را یك پشیز نمیخرند، ودستهٔ برات را بکاغذ حلوائی نمی‌شمرند. رباعی:

در گنجفه هون اگر که تا صاف رسد
رونق ز قماش تا بشداف رسد
گر صف غلام یابد یك هون
خیرش بدو صد خواجهٔ صراف رسد

کلیات طغرا (برگ ۹۰) نسخهٔ این کتابخانه بشمارهٔ (۱۱۰) دیده شود.

هر کس که ترا بنده بود پادشه است
از بندگی تو پادشاه است غلام

این دوبیتی برای نخستین برك (شاه) ازدستهٔ یکم (غلام) سروده شده.

انجام گنجفه: ای کرستم تواشك باشند همه
جویای غمت نهان و فاشند همه
اهلی بوفای تو نظر دوخته است
از اهل جهان که یك قماشند همه

این دوبیتی برای برگ دوازدهم (تك خال) ازدستهٔ هشتم (قماش) سروده شده است.

[٥٦]

۱۰٥ ۞ نسخه بخط نستعلیق دردفتریست که بعنوان کلیات اهلی شیرازی در (ص۱۸٦) این مجلد یادشده. از برگ (۲٦۸تا۲۷٤) آنرا گرفته است.

همهٔ دفتر (۳٥۰ برگ) این کتابچه (٦ برگ) کاغذ وجلد و اندازه همانست که در (ص۱۸٦) این مجلد یادشده است.

[٥۷] گنجینهٔ نشاط (فارسی)

نگارندهٔ آن میرزا عبدالوهاب اصفهانی ملقب بمعتمدالدوله ومتخلص به نشاط ازمردان ادب وسیاست روز گار فتحعلی شاه قاجار است. وی خط شکسته را خوب مینوشت ودر شعر فارسی زبردست بود، وشعر تازی وترکی نیز میسرود. در شهر خود اصفهان انجمن ادبی بپاساخت، ودرشعر پارسی جنبشی پدید آورد که هدف آن باز گشت بسبك خراسانی وزنده کردن روش چکامه سرائی شاعران پیش از مغول بود، بزرگترین شاعران همزمان نشاط در این انجمن شرکت جستند، نشاط دراین راه دارائی خود را نیز ازدست بداد. براون گوید: از بس شاعران وصوفیان رابنواخت تهی دست گردید (۱).

از آثار وی گنجینه که جای گفتگوی ماست بجا مانده واز ساقینامه او نیز هدایت (۲) بیتهائی آورده است. نشاط بسال (۱۲٤٤ق) در گذشت ومنعف قاجار

(۱) تاریخ ادبیات براون، چ تهران، ج ٤ ص ۲۰۰،

(۲) مجمع الفصحاء ج ۲ ص ٥۱۱،

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

دو تاریخ مرگ او این لنگه را بسرود: «از قلب جهان نشاط رفته».

گنجینهٔ نشاط کتابی است بنظم و نثر در پنج درج ۱) درود و ستایش پرورد گار بروش خدا پرستان ۲) ستایش شاه، ۳) نامه ها، فرمانها که از زبان فتحعلی شاه برای شاهان روزگار بانگلستان، فرانسه، عثمانی، افغانستان، عربستان سعودی و مانند ایشان و وزیران و بزرگان بغداد، نجف، افغان، وجز آن نگاشته است، ودر آنها چکامه‌ها و قطعه‌ها نیز دیده میشود، ٤) نامه‌ها که خود نشاط بشاهزادگان و وزیران، و یا از زبان ایشان برای دیگران نگاشته، ودر آغاز این درج نامهٔ بی نقطه‌ئی که وی بشاه نگاشته است دیده میشود، ٥) واردات و نامه‌های گوناگون نظم و نثر.

آغاز: درج اول در تقلید ارباب توحید واصحاب یقین ... بسمله. ابواب مخزن وجود بحکم...

انجام: ازدوست رنجیده رادیدم که همی رفت... با دشمنان تذلل وخضوع سازی نه که بادوستان تجلدو بی نیازی.

[۵۷]

۹۳ نسخه بخط نستعلیق، نام نویسنده و تاریخ ندارد، ولی در پایان لوامع جامی (برگ ۱۸۷) که دنبال آنست تاریخ ۱۲٤٦ دیده میشود. نخستین کتاب این دفتر است، از برگ (۱ تا ۱۲۱) آنرا گرفته. کتاب دوم شعر نشاط است که در عنوان «مجموعهٔ شعر نشاط» یاد خواهدشد. کتاب سوم لوامع جامی وچهارم بخشی از منشآت میرزا مهدی استرآبادی میباشد. عنوانها باشنگرف است. رویه شمار نداشته ولی نشان پاپ گی دارد. فهرست این نسخه چنین است: درج یکم تا برگ (۱٤) دوم (۱٤–٦۱) سوم (٦۱–۹٤) چهارم (۹٤–۱۱۰) پنجم (۱۱۰–۱۲۲).

همهٔ دفتر (۱۸۹ برگ) این کتاب (۱۲۱ برگ) کاغذ اصفهانی. جلد تیماج قهوه‌ئی پاکلا. اندازه: ۱۴×۲۰/۲ و ۲۰/۲×۱۴، با ۱۷ سطر.

[۵۸] لوامع انوار الکشف والشهود علی قلوب ارباب الذوق والوجود (فارسی)

گزارشی است بفارسی بر چکامه‌ئی بقافیهٔ میم در وصف می و ستایش آن بمعانی عرفانی. سرایندهٔ چکامه ابن فارض شاعر عارف مصری عرب زبان (۵۷٦–٦۳۲) میباشد که یاداو گذشت(۱) وچنانکه در آنجا گفتم نام چکامه‌های تائی و میمی وی

(۱) همین جلد (ص ۹۲–۹۷)

زبانزد همهٔ صوفیان بوده است و آنهارا گزارشها نوشته‌اند. چلبی (۱) گزارندگان زیررا بر چکامهٔ میمی یاد کرد:

– عزالدین محمود کاشی (م–۷۳٦).

– قیصری، شیخ داود پسر محمود (م–۷۵۱) بعربی باسه پیش گفتار، و آنرا به امیرالدین عبدالکافی پسر عبدالله تبریزی پیشکش نمود.

– سیدعلی پسر شهاب همدانی (م–۷۸٦) مشارب الاذواق را بفارسی نگاشت.

– جامی (۲) که گزارش او جای گفتگوی ماست.

– احمد پسر سلیمان که بابن کمال پاشا نامبردار است (م–۹٤۰) بجامی پاسخ هاداده است.

– ملاعلمشاه عبدالرحمان پسر صاچلی امر (م–۹۷۸).

– قاضی صنع‌الله پسر ابراهیم (م–۱۰۵۰) بیاری جامی برخواسته و بابن کمال پاشا چهل پاسخ داده است.

– محمد پسر ناصر، حسینی گیلانی طبیب.

جای گفتگو گزارشی است که جامی (۲) براین چکامه نگاشته و آنرا «لوامع انوار الکشف والشهود» نامیده و به «لوامع جامی» نامبردار شده است. جامی هربیت از چکامهٔ ابن فارض را بیك دو بیتی فارسی گردانیده و هر گفتار این کتاب را «لامعه» نامیده است.

تاریخ نگارش آن در یك دو بیتی در پایان کتاب سال (۸۷۵) معین شده، ویك دیباچه در بیست وسه صفحه برای آن نگاشته است.

آغاز چکامه:

شربنا علی ذکر الحبیب مدامة
سکرنا بها من قبل ان یخلق الکرم

دو بیتی فارسی آن:

روزی که مدار چرخ وافلاك نبود
و آمیزش آب و آتش وخاك نبود

(۱) کشف الظنون (حرف ق) قصیدهٔ خمریه.

(۲) نورالدین عبدالرحمان که در (ص ۱۸٦–۱۹۲) این مجلد یاداو گذشت.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بریاد تومست بودم و باده پرست

هرچند نشان باده و تاك نبود (۱)

آغاز لوامع : سبحان من جمیل لیس لوجهه نقاب الا النور . . . اما بعد این ورقی چند است در شرح الفاظ . . . قصیدهٔ میمیهٔ خمریهٔ فارضیه . . . و هر مقدار مستقلی از کلمات جامعه تصدیر می یابد بکلمهٔ لامعه، تنبیهاً علی انها من لوامع انوار الکشف والشهود علی قلوب ارباب الذوق والوجود . . .

انجام : الهی هرچه در دل گذشت یا برزبان . . . قطع مراحل به ترتیب این لوامع، وطی این منازل تألیف مرابع، فی تاریخ یفهم من هذه الرباعیة :

بی دعوی فضل جامی ولاف وهنر

در سلك بیان کشید این نقل گهر

و آن لحظه که شد تمام آورد بسر

تاریخ مه و سال وی از (شهر صفر = ۸۷۵)

[۵۸]

۹۳ نسخه بخط نستعلیق، نام نویسنده ندارد . در تاریخ ۱۲۴٦ نوشته شده که در پایان کتاب در برگ (۱۸۷ ـ الف) دیده میشود . عنوانها با سیاهی درشت و برخی با شنگرف است . روی متن چکامه ، خطی شنگرفی کشیده است .

این نسخه در دفتریست که چهار کتاب در بر دارد ۱) گنجینهٔ نشاط ۲) مجموعهٔ شعر نشاط ۳) این کتاب که از برگ (۱۵۳ تا ۱۸۷) دفتر را گرفته است . ٤) برخی از منشآت میرزا مهدی خان استرآبادی .

همهٔ دفتر (۱۸۹ برك) این کتاب (۳۴ برك) کاغذ اصفهانی.

جلد تیماج قهوه یك لا . اندازه : ۱۴×۲۰/۴ سطر.

[۵۹]

۸٦۷ این نسخه چهار دهمین کتابچهٔ دفتریست که بیشتر آن کتابچه های عرفانی میباشد ودهمین کتابچهٔ آن لوایح جامی است که آن نیز یاد خواهد شد از برگ (۲۰۵ تا ۲٤۵) دفتر را گرفته است .

همه دفتر (۳۷۰ برك) این کتابچه (۴۰ برك) کاغذ کبود رنك

جلد تیماج مشکی فرسوده از یك طرف افتاده است. اندازه : ۱۰×۱۷ ، ۱۲ سطر

---

(۱) آغاز یکی از غزلهای جامی نیز چنین است :

بودم آن روز دراین میکده از درد کشان

که نه از تاك نشان بود و نه از تا کنشان

[٦۰]

۲۲۹ نسخه بخط شکسته سی وهفتمین نامهٔ دفتریست. برخی از آن بچلیپا نوشته شده دیباچه آن افتاده است . آغاز کنونی (شربناعلی ذکر...) آخرین لامعهٔ آن نیز افتاده است .

[۵۹] **لوایح** (فارسی)

کتابچهٔ ایست بنثر فارسی درعرفان، دارای ۳٤ گفتار که هریك را لایحه و کتاب را لوایح نامیده وهریك را بدو بیتیهائی پایان داده است .

در دیباچهٔ درازی که برای آن نگاشته چند دو بیتی آورده و در یکی از آنها کتاب را بشاه همدان پیشکش کرده گوید:

سفتم گهری چند چو روشن خردان

در ترجمهٔ حدیث عالی سندان

باشد ز من هیچ مدان ، معتمدان

این تحفه رسانند بشاه همدان (۱)

چلپی (۲) گوید : سید کاسه گرانی لوایح را گزارشی نیکو بفارسی نگاشته و در ذیل کشف الظنون آرد (۲) :عمادالدین فضل الله پسر علاءالدین پسر علی مشهدی طوسی (م-۹۱٤) نیز لوایح را شرح کرده است .

آغاز : لا احصی ثناء علیك، کیف . . . خداوندا سپاس تو برزبان . . .

انجام (نسخهٔ ۱۱۸) :

چون جلوهٔ آن جمال بیرون زونیست

با در دامان و سر بجیب اندر کش

انجام و نسخهٔ چاپی :

لب بگشائی بنطق خاکت بدهن

این کتاب یکبار در لکهنو (نولکشور) (۱۳۵۵ق = ۱۹۳٦) بامنهاج العارفین ویکبار در تهران (۱۳۱۲ش) باشرح چکامهٔ میرفندرسکی و رساله از مجذوب همدانی چاپ شده است . در (۷٤ص) باپیشگفتاری از حسین شجره

[٦۱]

۱۱۸ نسخه بخط نستعلیق زیبا ، نام نویسنده ابوسعید درماه جمادی دوم سال (۹۰۲) آنرا نوشته است .

---

(۱) حکمت در کتاب جامی (ص ۱۷۱) گوید : شاید از شاه همدان جهانشاه قره قوینلو ترکمان را خواسته که در (۸۷۰) پادشاه آذربایجان و کردستان و همدان بوده است .

(۲) کشف الظنون (حرف ل) وذیل کشف الظنون (حرف ش).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

عنوان‌ها با شنگرف . پشت نخستین و آخرین صفحه شعری چند با خط کهنه نوشته‌اند. برخی جاها تصحیح شده و افتادگی را در کناره نوشته‌اند .

(۴۰ برك) کاغذ ترمه نخودی. دو برك سفید پیش از نسخه و دو برك پس از آن افزوده‌اند . جلد تیماج مشکی یك‌لا

اندازه : ۹ . ۱۲ و ۴٫۹ × ۱۳ ، ۱٦ سطر

[٦۲]

۸٦۷ نسخهٔ بخط نستعلیق دهمین کتابچهٔ دفتری است که بیشتر آن در عرفان است از برك (۱۳۲ تا ۱۵۰) دفتر را گرفته

همهٔ دفتر [۲۷۰ برك] این رساله (۱۸ برك) کاغذ آبی کبود رنك . جلد تیماج قهوه عنوانی فرسوده از پاک‌سو افتاده .

اندازه : ص ۱۰ × ۱۷

[٦۰] مثنوی مولوی (فارسی)

چنانکه در (ص ۱۱٦) گفتم شعرهائیکه قافیهٔ آنها جفتاجفت باشد مثنوی نام داشته. درمثنوی آهنك همهٔ لنگه باید برابر باشد، و هر جفت آنها یك قافیه داشته باشد، و این آزادترین و کهن‌ترین گونه‌های شعر بوده. رودکی کلیله‌ودمنه را در بحر رمل جفتاجفت سروده و ابوشکور آفرین‌نامه و دقیقی و فردوسی و اسدی شاهنامه و گرشاسپنامهٔ خودرا ببحر تقارب جفتاجفت سروده‌اند .

ولی پس ازسدهٔ هفتم شهرت نام مثنوی مولوی ، این واژه را ویژهٔ این کتاب ساخته، وامروزه آهنك مثنوی، بآهنك ویژهٔ مثنوی مولوی یعنی بحر رمل مسدس مقصور بوزن (فاعلاتن فاعلاتن فاعلات) گویند، وشعری را مثنوی نامند که یکی ازشاخه‌های بحر رمل سروده شده و قافیهٔ آن جفتاجفت باشد .

سرایندهٔ مثنوی:

جلال‌الدین محمد بلخی (ز. بلخ ٦ - ع ۱ - ٦۰٤ م - ٥ ج ۲-٦۷۳) پسر بهاء الدین محمد بلخی که به ملای روم نامبرداراست و دربرخی از غزلها «خاموش» تخلص میکرده . در (٦۰۹) ازخراسان به آسیای کوچك (روم خاوری) رفته . وسروری صوفیان آنسامان بخاندان اورسید. گزارش زندگی او وخاندانش در این کوتاه فهرست جایگزین نمی‌باشد . برای بررسی آن، کتاب های زیر دیده شود :

- معارف سلطان ولد بهاءالدین پدرملا .
- مقالات شمس تبریزی (نسخهٔ عکس کتابخانهٔ ملی تهران).

- مثنوی ولدی .
- معارف سلطان ولد پسرملا در (۱۰۰۰۰ بیت) توسط همائی چاپ شده .
- مناقب العارفین . ازشمس‌الدین افلاکی.
- کتابیکه سید فریدون سپهسالار، در گزارش زندگی ملا و خاندان او نگاشته و دردنبال مثنوی بعنوان جلد هفتم (متمم جلد ششم) در کانپور بسال (۱۷-۱۳۱۹ ق) چاپ شده .
- شخصیت مولانا . از حسین شجره . (۳۳۸ ص) چ تهران .
- شرح احوال مولانا . ازفروزانفر. چ تهران ۱۳۱٦ ش.
- پیش گفتار مثنوی چ خاور (۱٥-۱۳۱۹ ش) تهران .

آثار ملای روم :

۱- دیوان غزل: ملادرهمهٔ غزلهای خود برخلاف شاعران دگر بنام شمس تبریزی استاد خود تخلص جسته است بجز چند غزل که بنام صلاح‌الدین زرکوب و حسام‌الدین چلپی ویا بتخلص «خاموش» است. شمارهٔ شعر این دیوان را پیشینیان مانند دولتشاه‌سی هزار دانسته‌اند، و نسخه‌های دست نویس از پنج تا پنجاه هزار دارد، و نسخهٔ چاپی پنجاه هزار بیت است . و بی گمان بسیاری برآن افزوده شده است . چنانکه بیش از ۲۰۰ غزل ازشاعری بنام شمس (شمس مشرقی) برآن افزوده شده، وفروزانفر آنها را ازغزلهای مولوی جدا کرده‌است، و نیز در زمان صفوی برای شیعه نمایاندن ملا، شعرهائی برایش ساخته‌شده.

۲- دوبیتیها : بسال (۱۳۱۲ ق) در چاپخانهٔ اختر استانبول ۱٦٥۹ دوبیتی بنام ملا چاپ‌شده ولی بی گمان بسیاری از آنها سرودهٔ ملا نمیباشد.

۳- فیه‌مافیه : دفتریست که گفتارهای عرفانی ملارا، پسرش بهاءالدین ولد یا دیگری مینوشته، و بدینصورت درآورده، و بیشتر آنها گفتگوی ملا با معین‌الدین پروانه است (۱) این کتاب یك بار در (۱۳۳۳ ق) در تهران و باردگر در (۱۳۲۷ ش) درهمین جا چاپ شده .

٤ - نامه‌ها : نامه هائیست که ملا برای دوستان خود نگاشته است . محمد فریدون نافذ آنها را گردآوری و چاپ کرده است .

(۱) معین‌الدین پروانه بتهمت توطئه با مصریان، بدستور آباقاخان در سال (٦۷٥ ق) کشته شد (مختصر الدول ابن عبری چ بیروت ص ٥۰۱).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

۵ - هفت مجلس: هفت گفتار از ملاست. نسخهٔ آن (نوشتهٔ ۷۸۸) در کتابخانهٔ سلیم آقا در اسکدار بوده ومحمد فریدون نافذ آنرا در (۱۳۱۵ ش) چاپ کرده و سپس در پیشاپیش مثنوی در تهران (چ خاور ۱۵-۱۳۱۹ ش) آمده است.

۶ - مثنوی مولوی: که جای گفتگوی ماست کتابی عرفانی است که افکار صوفیان سدهٔ هفتم بصورت داستانهای منظوم ودنبال هم بزبان ساده در آن گرد آمده، آیه‌های بسیار از قرآن وحدیثهای فراوان از پیغمبر در این کتاب تفسیر ومطابق عقیدهٔ صوفیان تأویل شده است. اگرچه پیش از مولوی شاعران صوفی مانند سنائی وعطار مثنویهای عارفانه سروده‌اند ولی هیچیك باین درازا سخن سرائی نکرده‌اند.

جهان بینی صوفیانهٔ مولوی در کتاب مثنوی:

هستی جهان یکی است وهمو خدا است و جهان جلوه گاه اواست. جهان ماده سایهٔ جهان معنی است وحقیقتی ندارد. روان آدمی پرتوی از هستی خداست واز آن جدا گشته و بقفس خاك فرود آمده وزندانی شده وهموارهٔ آرزوی رهائی دارد، اینست عشق پاك ودرست، اینست معنی سوز و گداز عشق عارفانه.

بشنو از نی چون حکایت میکند

و از جدائیها شکایت میکند

ادراك وفهم بشر از راه منطق واستدلال، بی ادراکی و نافهمی است. دانش درست از راه الهام واشراق بدست آید.

پای استدلالیان چوبین بود

پای چوبین سخت بی تمکین بود

فکر صوفیانه در آن روزگار فکری آزاد بود، بندهای افکار خشك مذهبی را پاره میکرد، وبدارندهٔ خود اجازهٔ بررسی و کنجکاوی میداد، وبدینجهت همیشه مورد فشار ظاهربینان ودستگاههای عوام فریبی بود، واز این روی در آموزش صوفیانه پنهانکاری جای استواری داشته است

دانه چون اندر زمین پنهان شود

سر آن سرسبزی بستان شود

مثنوی در شش دفتر است، عبداللطیف در دیباچهٔ خود بر نسخهٔ ناسخهٔ مثنوی گوید: ملا میخواست به پیروی از نظامی پنج گنج بسراید، و پس از انجام آن از نوبسرودن شعر میل کرد، واین از چند بیت آغاز دفتر ششم آشکار میشود. اینك فهرست دفترها:

دفتر نخست: در پیرامن سال (۶۵۷) آغاز شده، و در (۶۶۰) پایان یافته، ۱۸ بیت آغاز دفتر را خود ملا نوشته، و باقی را میسروده و حسام الدین چلبی ودیگر یاران مینوشته‌اند.

شمارهٔ بیتهایش در چاپ خاور = خ ۴۵۳۷، ودر چاپ نیکلسون = ن ۴۰۰۳ است (۱).

آغاز: بشنو از نی چون حکایت می کند

و از جدائی ها شکایت می کند

انجام:

صبر آرد آرزو را نی شتاب   صبر کن والله اعلم بالصواب

دفتر دوم: در سال (۶۶۲) بدان آغاز کرده، وسبب دو سال تأخیر، دلسردی حسام الدین بوده که از مرك زن او رخ داده. شمارهٔ بیتهای این دفتر: خ ۴۱۵۶، و. ن ۳۸۱۰ است.

آغاز: مدتی این مثنوی تأخیر شد   مهلتی بایست تا خون شیر شد

تا آنجا که:

مطلع تاریخ این سودا و سود   سال هجرت ششصد وشصت ودو بود

انجام:

قوم دیگر ناپذیرا ترش و خام   ناقصان سرمدی تم الکلام

دفتر سوم: شمارهٔ بیتها در خ ۵۲۴۶، و. ن ۴۸۱۰ بیت است.

آغاز: ای ضیاء الحق حسام الدین بیار

این سوم دفتر که سنت شد سه بار

انجام:

گر تو خواهی باقی این گفتگو   ای اخی در دفتر چارم بجو

دفتر چهارم: شمارهٔ بیتها یش در خ ۴۱۳۱، و. ن ۳۸۵۵ است.

(۱) این دو چاپ از آن روی که نخست بزرگترین ودوم کوچکترین چاپهااست در اینجا آورده شده.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز : ای ضیاءالحق حسام الدین توئی
که گذشت از مه بنورت مثنوی

انجام :
عرش چه ؟ و چرخ چه ؟ ای ذولباب   فهم کن و الله اعلم بالصواب

دفترپنجم : بیتهای این دفتردر خ ۵۵۴۵و۰ن ۴۲۳۸میباشد .

آغاز : شه حسام‌الدین که نورانجم است
طالب آغاز سفر پنجم است

انجام :
هین مجو تریاق فاروق ایغلام   تاشوی فاروق دوران والسلام

دفترششم : بگفته دده بسال (۶۶۶) پایان یافته است . آخرین داستان این دفترناتمام مانده وهمهٔ آن درنسخهٔن (۴۹۱۶بیت) میباشد ودرخ ۵۳۵۷ است .

آغاز : ای حیات دل حسام‌الدین بسی
میل می جوشد بقسم سادسی

انجام :
چون فتاد ازروزن دل آفتاب   ختم شد والله اعلم بالصواب

انجام خاتمهٔ که بهاءالدین پسرسراینده (۱) برای مثنوی سروده است:
سام گردونرا ازو آید نوا   گردشش باشد همیشه زان‌هوا

دفترهفتم :
چنانکه دیدیم مثنوی شش دفتربیش نبوده ،ولیکن درسدهٔ یازدهم‌مردی‌بنام اسماعیل‌دده‌پسراحمدانکاراثی‌هنگامی که‌بسال۱۰۳۵ گزارش برشش‌دفترمثنوی مینگاشته ،بگفتهٔ خود بنسخه‌ئی ازمثنوی‌برخورده که در(۸۱۴) نوشته شده ، و درآن دفتری‌بنام‌دفترهفتم‌مثنوی دیده‌است .

آغاز : ای ضیاءالحق حسام الدین سعید
دولتت پاینده قدرت برمزید

انجام : حسبی الله ما عنان اختیار
با تو داریم ای قدیم کردگار

---

(۱) درستی نسبت شعرهای خاتمه بپسرملا جای شك است .

تاریخ سرودن این دفترچنین آمده است (۱):
مثنوی هفتمین کز غیب جست   ششصد و هفتاد تاریخ ویست

این دفتر فقط درچاپ خاوردنبال مثنوی آمده و۱۷۶۲ بیت دارد .

دیباچه ها :
درآغاز هردفتریك دیباچه بهنثردیده میشود که بخود ملانسبت داده شده وشمس‌الدین افلاکی درمناقب نیزدرپارهٔ تغییردادن‌ملادیباچهٔ‌دفتردوم‌را سخن‌بمیان آورده‌وفروزانفرنیزاین دیباچه‌ها را ازخودملادانسته،ولی اگرپذیرفته شود که ازخود اوست نبایدست‌برددیگرآنرا درآنها نادیده گرفت ، بهرحال دودیباچهٔ نخست بفارسی و چهار دیگربتازی است، و عبداللطیف عباسی‌آنها را بفارسی گردانیده است .

دده گفته است ملا مثنوی را در (۶۵۷) آغاز کرد و در (۶۶۶) پایان‌داد (۲)

برخی نام مثنوی را«صیقل‌الارواح» نوشته‌اند، باین‌دلیل که این‌واژه در یکی‌ازشعرهای‌مثنوی آمده است (۳) ولی این نادرست است‌چه درآنجا صیقل الارواح صفت‌مثنوی آورده شده‌است . و برخی‌نیزنام آنرا «حسامی‌نامه» دانسته و بیتی‌دیگردلیل آورده(۴) است .

شمارهٔ بیتهای مثنوی در نسخه ها گوناگون است : در تذکرهٔ دولتشاه آنرا(۴۸۰۰۰ بیت) دانسته وچلبی (۲۶۶۶۰) شمرده (۵) ودرنسخهٔ کتابخانهٔ‌ملی تهران ،نوشتهٔ ۸۰۹ (۳۲۰۰۰ بیت) ودرنسخهٔ مجلس ، نوشتهٔ سدهٔ دهم(۳۱۰۰۰ بیت) چاپ نیکلسون(۲۵۶۳۲بیت) وچاپ خاور(۲۹۷۳۴) ونسخهٔ ۹۹ کتابخانهٔ دانشگاه (جای گفتگوی) ۲۸۳۴۰ بیت دارد.

برخی ازبنام‌ترین کسان که دربارهٔ مثنوی کاری انجام‌داده‌اند :

---

(۱) مثنوی ص۴۲۰ س ۴۴ ج خاور ۱۵-۱۳۱۹ش .
(۲) فروزانفر، کتاب مولاناجلال‌الدین ج ۱۳۱۵ ش - ص۱۶۹ و گویااسمعیل دده راخواسته‌است .
(۳) مثنوی که صیقل‌ارواح بود   بازگشتش روز استفتاح بود
(۴) گشت‌ازجذب‌چوتوعلامه‌ئی   درجهان گردان‌حسامی‌نامه‌ئی
ابن یوسف درفهرست کتابخانهٔ‌مجلس ج۳
(۵) کشف‌الظنون «مثنوی»

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

- کمال‌الدین حسین خوارزمی (م-۸٤۰) دو گزارش دارد (۱).

- نظام‌الدین داعی نیشابوری واعظ (م-۸۷۷) درشیراز گزارشی برمثنوی نگاشته است. (ذیل کشف الظنون).

- شیخ علاء‌الدین علی مصنفك پسرمحمد(م-۸۷۵) برخی بیتهای مثنوی را به فارسی گزارش داده (کشف‌الظنون).

- ملاحسین کاشفی (م-۹۱۰) ازمثنوی گلچین کرده، و«اللباب‌المعنوی» نامیده ونسخهٔ آن درمجلس‌هست (۲).

- سینه چاك، ملایوسف مولوی (م-۹۵۳) ۳٦۰ بیت از آن دستچین کرده و«جزیرهٔ مثنوی» نامیده (کشف‌الظنون).

- سپس درویش علی آنرا گزارش نموده است (کشف‌الظنون).

- ابراهیم دده (م-۹۵۷) دست چینی ازمثنوی گردآورده و«مفردات‌مثنوی» نامیده، نسخه‌یی از آن درمجلس هست (فهرست ج۳-).

- سروری، مصطفی پسرشعبان (م-۹٦۹) آنرا بفارسی گزارش داده ونسخهٔ آن درمجلس هست (۳).

- ملاسودی (م-۱۰۰۰) بتر کی گزارش داده (کشف‌الظنون).

- ملا شمعی (م-پس ۱۰۰۰) در شش جلد بتر کی گزارش داده (کشف الظنون)

(۱) چنانکه در (ص۱٤۷) گفتم خوارزمی، نخست کنوز‌الحقایق را که گزارش کوتاه است نگاشت وسپس جواهر‌الاسرار را که گزارش بزرگ اوست. ولی درنسخه های چاپی کشف‌الظنون درعنوان «مثنوی» کتاب جواهرالاسرار بغلط دردنبال نام ملا حسین کاشفی آمده است

این غلط ازچلبی نبوده بلکه ازنویسندگان کشف‌الظنون است. ایشان چند سطر، (وفی نسخة اخری سماه جواهر ...تا آنجا که ... واصطلاح التصوف) رابجای آنکه دنبال نام (کمال‌الدین حسین بن حسن الخوارزمی) بگذارند، در دنبال نام (الشیخ حسین‌بن علی‌الکاشف) آورده‌اند. این کتاب‌درهند (نولکشور۱۸۹٤م=۱۳۱۲ق) بنام حسین‌بن‌حسن‌سبزواری‌در(۷۰۰ص)چاپ شده‌است.

(۲) فهرست مجلس ج ۳ ص ۲۱ و ٦۷۱ دیده شود. در کشف الظنون کتاب جواهرالاسرار نیز‌در‌دنبال لباب معنوی‌بغلط‌بکاشفی نسبت داده شده. حاشیهٔ‌شمارهٔ(۱) درهمین صفحه دیده شود.

(۳) فهرست مجلس ج ۳ ص ۵۰۳.

- عبداللطیف عباسی «نسخهٔ ناسخه» تهیه کرده (جای گفتگواست).

- شیخ اسماعیل دده‌پسراحمدمولوی آنکارائی (م- ۱۰٤۲) یکبار بسال (۱۰۳۵) گزارش داده ودفترهفتم را که(بگفتهٔ خودش) درنسخهٔ (نوشتهٔ ۸۱٤) یافته، برشش دفترافزوده وآنرانیز گزارش‌نوشته (۱) این گزارش درشش‌جلد بوده، وآنرا «فاتح‌الابیات» نامیده، وسپس کتابی دیگرساخته و«جامع‌الایات» نامیده، ودرآن آیه‌ها وحدیثها که درمثنوی آمده گزارش داده است. وسپس به سال (۱۰٤۱) بدستور یحیی‌افندی دستچینی از مثنوی بر گزیده وآنرا «نصاب مولوی» نامیده، و برسه بخش و یك صد درجه تقسیم کرده است. (کشف الظنون).

- شیخ عبدالمجید شیخی سیواسی (م - ۱۰٤۹) شرحی مزجی بتر کی بدستورسلطان احمدخان برمثنوی آغاز کرده وتاداستان نخجیر وشیر دفتر نخست رسانیده وبیشتر نتوانسته‌است. (کشف‌الظنون).

- عبدالله پسرمحمدرئیس‌الکتاب عثمانی(م-۱۰۷۲)دفترنخست‌را گزارش داده وسخن‌را بدرازا کشانیده است. (کشف‌الظنون).

- نجیب‌الدین رضا، از ذهبیان شیراز، بسال (۱۰۹٤) دنبالهٔ دفتر ششم مثنوی رابپایان رسانیده و«سبع المثانی» نامیده. ودر (۱۳٤۲ق) درشیراز بخط احمدتبریزی چاپ‌شده.

- ظریفی: حسن‌چلبی، برخی ازبیتهای دفترنخست را بفارسی گزارش نگاشته و «کاشف‌الاسرار» نامیده (کشف‌الظنون).

- علائی پسر محیی واعظ شیرازی شریف: واژه های دشوار مثنوی را گزارش داده، وآنرا «ازهارمثنوی و انوار معنوی» نامیده. و درآن گوید: نخست دیباچه راگزارش دادم وسپس واژه‌های تازی هردفتر رابترتیب‌حروف الفباء وپس از آن واژه های فارسی را بهمان ترتیب گزارش دادم. (کشف الظنون).

(۱) و چون پیروان مولوی این دفترهفتم را ازمولوی‌ندانستندو‌پاسخها برآن نگاشتند، اسماعیل دده درگزارش خود، همهٔ اشکال های ایشانرا پاسخ گفته است کشف‌الظنون عنوان مثنوی واحوال مولانا ص۱۷۰ دیده‌شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

- خلاصهٔ مثنوی، گلچین نزدیك یکدهم مثنوی است. نسخهٔ آن در مجلس میباشد (فهرست ج ۳ - ص ۵۰۳).

- ضعیفی، محمد قره‌ظوی رومی آنرا شرح کرده (ذیل کشف‌الظنون).

- جلوتی استانبولی، اسماعیل حقی (م - ۱۱۳۷) گزارشی نگاشته. (ذیل کشف‌الظنون).

- ده یعقوبی، سیدعابد کابلی نقشبندی، گزارش کرده (ذیل کشف‌الظنون بنقل ازمجموعة‌التراجم عارف‌حکمت).

- احراری، محمد نورالله هندی نیز گــزارشی برمثنوی دارد. (ذیل کشف الظنون).

- بحرالعلوم انصاری، عبدالعلی محمد پسر نظام‌الدین محمد لکهنوی (م — ۱۲۲۵ق) مثنوی را درسه‌جلد شرح‌نموده که‌در نولکشور بسال ۱۸۷۳م = ۱۲۹۰ق چاپ‌شده است.

- الهی بخش‌هندی (ز ۱۱۶۳-م ۱۲۴۵ق) در ۱۲۱۶ق کمبوددفترششم را بپایان رسانید و کتابچه‌ئی در گزارش زندگی ملا بنام «حضرات خمسه» نگاشته و در سال (۱۷ - ۱۳۱۹ق) در کانپور درپایان مثنوی شش جلدی چاپ شده است.

- حاشیه‌هائی از احمد حسن‌هندی ومحمد امدادالله هندی در کنارهٔ نسخهٔ مثنوی شش جلدی (چ کانپور ۱۷-۱۳۱۹ق) چاپ شده‌است.

- حسینی، حاج محمد حسین پسرمحمد حسن اصولی (ز - ۱۱۸۴ - م ۱۲۴۹ق) نیاکانش قزوینی، وخود کربلائی، وسپس شیرازی، وشاگرد سکوت بود. وی گزارشی بفارسی برشش دیباچهٔ مثنوی نگاشته، وبشیراز باسه مثنوی‌اشترنامه مهروماه، وامق‌وعذرا (هرسه از حسینی) یکجا چاپ شده.

- حاج ملاهادی سبزواری (م ۱۲۸۴) مثنوی را گزارشی داده و دریك جلد (۵۱۱ص) درتهران یکسال پیش ازمرك نگارنده نوشته شد ویك سال پس از مرك او چاپ وپخش شد.

- وقار شاعر خوشنویس شیرازی (م - ۱۲۰۰) پسر وصال شیرازی مثنوی را به خط زیبای خود چاپ کرده.

- علاءالدوله، محمد رحیم‌خان، مثنویرا ازروی نسخهٔ (نوشتهٔ ۹۰۰) دریك‌جلد بافهرست‌مطالب وفهرست بیت‌یابی، نگاشتهٔ میرزا احمدادیب‌اوصال ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۹ ق در تهران چاپ کرد، و بیت های آن از چاپ وقار کمتر است.

- میرزا محمود خوانساری نیز مثنوی را چاپ کرده است.

- حاج سید محمد صاحب در بمبئی مثنویرا در (۸۲۰ص) در (۱۳۱۸ق) چاپ کرده است.

- رینولد. الین نیکلسون (۱) از ۱۹۲۵ تا ۱۹۴۰م مثنوی را در سه‌جلد و (۲۵۶۳۲ بیت) با دوجلد گزارش بزبان انگلیسی چاپ کرد.

- چاپخانهٔ بروخیم در تهران بسال (۱۳۱۴ ش) مثنوی‌رادر سه جلد چاپ کرد.

- محمد رمضانی دارندهٔ بنگاه خاور درتهران بسال (۱۵ - ۱۳۱۹ش) مثنوی را با مجلسهای هفتگانه و گزارش زندگی ملا ویك فهرست بیت یابی با کتاب لطائف اللغات، دریك‌جلد چاپ کرد، وشمارهٔ بیتهای‌مثنوی دراین‌چاپ (۲۹۷۳۴) است.

- چاپخانهٔ علمی درتهران نیزبسال ۱۳۲۰ ش، مثنوی‌را در (۸۱۵ص) چاپ کرد.

مثنوی‌مسدس یا «نسخهٔ ناسخهٔ‌مثنویات سقیمه ومثبت ومروج نسخ‌صحیحهٔ مستقیمه». گفتار ما در این مثنوی است که عبداللطیف پسر عبدالله کبیر عباسی درسدهٔ یازدهم بانسخه‌های بسیار برابروتصحیح‌نموده وچندیباچه برای‌دفترهای آن نگاشته است،

۱ — Reynold A. nicholson

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

وی در دیباچهٔ کتاب لطائف‌اللغات، پدر خود را بلقب کبیر، و در دیباچه‌های مثنوی بلقب عباسی خوانده‌است.

آثار عبداللطیف: الف: لطائف‌اللغات؛ فرهنك واژه‌های مثنوی. این کتاب یکبار درهند (۱۸۷۷ م) ویکبار همراه مثنوی (چ خاور- تهران ۱۵-۱۳۱۹ش) پخش شده است.

ب) لطائف معنوی از حقایق مثنوی: درگزارش بیتهای مشکل آن کتاب در دیباچهٔ «مرآت‌مثنوی» (۱) از این کتاب یاد کرده‌است، ودر(۱۲۹۲ق) درهند چاپ شده.

ج ـ مرآت مثنوی: وآن دیباچه‌هائیست که برمثنوی تصحیح‌شدهٔ خود، نگاشته وبدین نام خوانده (۲) است.

د ـ تصحیح‌مثنوی: عبداللطیف در دیباچه‌یی که بنام مرآت‌مثنوی براین کتاب نگاشته، گوید: نخست بسال (۱۰۲۴ق) مثنوی را درراه کابل بانسخه‌یی که استادان آنرا در مدت سی و پنجسال با شصت نسخه تصحیح کرده بودند، برابر کردم وسپس بار دوم بسال (۱۰۲۵ق) باچهارپنج نسخه دیگر تصحیح کردم، وسومین بار در (۱۰۳۰ق) در راه دکن با دوستی همسفر دربارهٔ آن گفتگو نمودیم، وچهارمین بار در(۱۰۳۱ق) دربرهانپور بوده و دراین چهار پنج بار آنرا بیش از بیست نسخه و روی هم با بیش ازهشتاد نسخه برابر و تصحیح کرده است (۳).

عبداللطیف شش دفترمثنوی را جداجدا جلد کرده، وبرای هریك دیباچه‌یی، وبرای همه‌نیز دیباچهٔ‌هفتمی نگاشته‌است (٤) و آنهارا «مرآت‌مثنوی» نامیده،

(۱) نسخهٔ ۹۹ این کتابخانه برك (۳ـالف).
(۲) نسخهٔ ۹۹ این کتابخانه برگهای (٦ب و۷۱ب).
(۳) ازگفتارعبداللطیف پیداست که این‌آمارها تقریبی است. نسخهٔ این کتابخانه (برك ۲ـالف) دیده‌شود.
(٤) درفهرست سپهسالار ج۲ص ۲۷۷ گوید نسخهٔ مجلس هفت دیباچه‌دارد و خود نیز درنسخهٔ ۹۹ دانشگاه (برگ۷۱ب) از دیباچه‌های سته (ششگانه) و دیباچهٔ کل (دیباچهٔ‌هفتم) نام‌برده‌ولیکن‌دراین نسخه‌فقط دیباچهٔ دفترنخست ودوم ونیز دیباچهٔ همه (دیباچهٔ هفتم) دیده میشود، ودفترهای ۳ و٤و٥و٦ دیباچه ندارد.

ودرهریك شماره بیتهای آن دفتررا یادداشت کرده (۱) وتاریخ پایان یافتن این کاررا بسال (۱۰۳۲) دراین بیت آورده (۲) است:

منهی عقل سال تمامی آن بصدق

گفت: «انصرام یافته دیباچهٔ لطیف».

ازمثنوی عبداللطیف یك نسخه نیز در تهران نزدملك‌الشعراء بهار بوده (۳) و یکی نزد سیدنصرالله تقوی، و نسخهٔ دیگر درمجلس هست (٤) شمارهٔ بیتهای این‌مثنوی درنسخهٔ ش ۹۹ دانشگاه چنین‌است:

دفتریکم ٤٥۳۸ بیت، دوم ۳۸٦٦ سوم ٥۳۱٤ چهارم ٤۲۰۲ پنجم ٤۸۷٤ ششم ٥٥٤٦ وهمهٔ‌آن ۲۸۳٤۰ بیت میباشد.

[٦۳]

۹۹ نسخه بخط نستعلیق زیبا. نام نویسنده محمد مقیم در منزل عرف اسلام پوری، دفتریکم بتاریخ (٦ ـ شوال ۱۱۱۳) دوم (۲۳ شوال ۱۱۱۳) سوم (۲۰ ذیقعده ۱۱۱۳) چهارم (٦ رمضان ۱۱۱٤) پنجم (۲۳ رمضان ۱۱۱٤) ششم (۱۰ شوال ۱۱۱٤) نوشته شده است. مبدا تاریخها راهمه جا ازآغازپادشاهی عالمگیر (سال ٤٦و٤۷) نوشته جز در پایان دفترششم که تاریخ هجری (۱۱۱٤) نوشته است.

فهرست این نسخه چنین است، پیش گفتار نویسنده (که چرا آنرا درشش جلد جدا نوشتم؟) گ ۱. ب. دیباچهٔ عبداللطیف عباسی گ ۲ـ۸ فهرست دفتر یکم ۸ـ۱۰ دیباچهٔ تازی گ ۱۰ ترجمهٔ‌آن گ ۱۱، گزارش عبداللطیف بر دوبیت آغاز مثنوی گ ۱۲. دفتریکم ۱۳ـ۷۰، دیباچهٔ عبداللطیف گ ۷۱. فهرست دفتردوم گ ۷۲

(۱) خود دردیباچهٔ دفتر دوم (برك ۷۱ ب) چنین گفته‌است، ولیکن در(نسخهٔ ۹۹) دانشگاه شمارهٔ بیتها دیده نمیشود.
(۲) در پایان دیباچهٔ دفتر دوم گوید این شعر تاریخ پایان دیباچهٔ کل میباشد ولی خود آنرا درپایان دیباچهٔ دفتریکم آورده نه درپایان دیباچهٔ کل.
(۳) پیش گفتار مثنوی چ خاور ۱۵ ــ ۱۳۱۹ ش ص ۱۱.
(٤) فهرست سپهسالار ج ۲ ص ۲۲۷، وفهرست مجلس ج ۳ ص ۱۰۸

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

دیباچهٔ خود مثنوی ۷۳ . دفتر دوم گ ۷۵ — ۱۲۵ . دیباچهٔ سوم بتازی گ ۱۲۷ ترجمهٔ فارسی آن گ ۱۲۸ . دفتر سوم گ ۱۲۹ — ۱۹۵ . فهرست چهارم ۱۹۶ ، دیباچهٔ تازی ۱۹۸ . ترجمه ۱۹۸ . دفتر چهارم ۲۰۰ — ۲۵۳ . فهرست پنجم ۲۵۳ دیباچه ۲۵۵ . دفتر پنجم ۲۵۶–۳۱۷ فهرست ششم ۳۱۸ . دیباچه ۳۲۱ . دفتر ششم ۳۲۲ - ۳۹۲ . در برگ ۳۷۸ ب در کناره حدیثی را که در متن هست الحاقی شناسانده است . برگ ۳۸۰ شرحی است به نثر برای حدیثی که درمتن آمده است .

گزارشهای عبداللطیف برمثنوی بصورت حاشیه بامضای (منه ـ لطایف) که اشاره بلطایف معنوی و بالطایف اللغات است در کنارهٔ رویه‌ها ، از آغاز کتاب تا برگ ۲٦ نوشته شده ، و پس از آن سفید مانده است .

درهرسطر دوبیت نوشته دارد . همه رویه ها با زر جدول بندی شده ؛ سه جدول میان چهارلنگه شعر درمتن ، یك جدول گرداگردصفحهٔ کوچك ، یك جدول پشت حاشیه کنار صفحهٔ بزرك است . عنوانها همه با شنگرف است . هفت سرلوح با زر وشنگرف ولاژورد دربرگهای ۱ و۱۳ و۷۵ و۱۲۹ و۲۵٦ و۳۲۲ هست میان سطرهای این صفحه‌ها بادورویهٔ برابر آنها زرافشانی شده‌است .

یك برسفید در آغاز نسخه بی‌شماره است که فهرست نسخه روی آن دیده میشود ودوبرك سفید بی‌شماره درپایان نسخه هست .

برك ۷٤ وبیشتر برك ۱۹۹ وپشت برك یکم هردفتر سفید است وچنانکه نویسنده دربرك ۱ ب نوشته این نسخه درشش جلد جدا بوده است ، وهنگام صحافی برگهای ۴۰–۳۵ جابجا گذارده شده است .

(۳۹۲ برگ) کاغذ ترمه ، جلد روغنی گل وبوته دوروی ، باتیماج سرخ تهبندی شده .
اندازه : ۱۵×ه۲۷ و۱۰×۱۹٫ ۳۱ سطر

[٦۱] **مثنوی شیر و شکر** (فارسی)

چنانکه در (ص ۱۷۳) گفتم ازشیخ بهائی در پیرامن (۲۵۰۰ بیت) شعر بجا مانده است و درمیان آنها چهارمثنوی دیده میشود .

۱ ـ نان وحلوا : در (حرف ـ ن) همین گفتار یادخواهد شد .

۲ ـ نــان و پنیر : در ۳۰۹ بیت . دنبــال موش و گربــه در مصر چــاپ شده است .

۳ ـ توتی نامه . بر وزن مثنوی ملای روم در ۱٤۳٤ بیت کــه آقای سعیدنفیسی در کتاب « احوال شیخ بهائی » ص ۱۲۰ - ۱۲٤ ، آن را شناسانده است .

٤ـ شیروشکر (جای گفتگو) . این کتاب درشش بخش شعر، ویك دیباچه بنثرمیباشد . دردیباچه گوید تا کنون بآهنگ مثنوی بحرخفیف، کس بزبان فارسی شعرنسروده، ومن نخستین کس هستم . بخش یکم درهشدار بگمراهان . دوم: پند بروان گمراه کننده(نفس اماره بسوء) سوم : بدی دانشهای رسمی و کلاسیك . چهارم : ستایش ازدانشهای دینی . پنجم : آرزوی همنشینی با اهل حال وذوق . ششم : توبه از گناه ها.

این کتاب در کشکول شیخ بهائی چاپ حاج نجم الدوله(۱۲۸۷ تا ۱۲۹٦ ق) دررویه‌های (۱۱۱ تا ۱۱٤) چاپ‌شده . دراینجا نام شیروشکر دیده نمیشود و۱٤۲ بیت دارد . وبارد گر بر استانبول همراه نان وحلوا و نان وپنیر ، بنام «مقالات شیخ بهائی » در (۱۲۸۲ ق) چاپ‌شده است .

[٦٤]

۱٤۹ نسخه بخط نستعلیق . نام نویسنده و تاریخ ندارد . دربرگ ٦۸ تا ۷۱ دفتری جا گرفته که نان‌حلوای شیخ‌بهائی نیز درآنست . تاریخ نان‌وحلوا ۱۲ صفر ۱۰۵۸ میباشد (برگ ۸۱) و نیز کتابچهٔ نصایح عبدالوهاب امامی در آنست ، و این درخاتون آباد اصفهان در۲۵ ع ۱٤ —۱۰٤۳ نوشته شده است .

دراین نسخه فقط ۷۵ بیت از۱٤۲ بیت‌مانده، وبخشهای سوم وچهارم (بدگوئی از دانشهای رسمی و کلاسیك ، وستایش دانشهای دینی) از میان برگهای (٦۹ و ۷۰) افتاده است . عنوانها با شنگرف . در پایان نسخه نوشته‌شده: [تمت الشیر و شکر] . (چنین) .

همهٔ دفتر (۱۱۷برك) این کتابچه (۳برگ)کاغذ ترمه سبزجلد تیماج حنائی کهنه.
اندازه : ۱۰×۱۹ ، ۱۷ سطر

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

[٦٥]

٨٦٦ نسخه بخط نستعلیق شکسته. نویسنده محمد باقر در برگهای (۲۵۸ تا ۲۶۱) دفتری جا دارد که کتابی درجفر نیز در آن هست و در پایان آن (برگ ۱۵۱ ب) نام نویسنده محمد باقر پسر مرتضی یزدی و تاریخ نوشتن (۱ — ج ۱ — ۱۲۷۷) آمده است. نسخه درست است و فقط ۱۳۹ بیت دارد. عنوانها بامرکب سیاه درشت نوشته شده.

همهٔ دفتر (۲۷۰ برگ) این کتابچه (۴ برگ). کاغذ فرنگی نخدی جلد نداشته توسط کتابخانه جلد شده، تیماج زرده‌توالی.
اندازه : ۱۱×۱۷، ۱۵سطر.

[٦٢] مجموعه (فارسی و عربی)

دراین دفتر کتابچه های زیر دیده میشود :

۱ - چهل جمله از سخنان کوتاه پیغمبر با ترجمه فارسی (گ ۱-۷).

۲- چهل جمله دیگر از سخنان پیغمبر بی ترجمه (گ ۷-۱۱).

۳ - سی کلمه دیگر ازهمو بترتیب حروف الفباء (گ ۱۱-۱٦). این سه کتاب در (ص ۱۳٦ و ۱۳۷) این مجلد یادشد.

٤ - صحیفة المحبة در (ص ۱۵۷) یادشد.

۵ - صد کلمه جاحظ در (ص ۱۵۷) یادشد. و نسخهٔ دیگر از آن بشمارهٔ (۱۲٤) دراین کتابخانه هست و در (ص ۲۳۲) یاد شد.

٦- بیست و نه کلمه از سخنان کوتاه علی (ع). (گ ۳۳-۳٦) در (ص ۱۳۷-۱٤۱) این مجلد یادشده است.

۷ - نظم اللئالی. در (حرف ن) این گفتار خواهد آمد.

۸ - مناجات منظوم. از علی (ع) بقافیه عین با ترجمهٔ هر بیت بیك بیت فارسی (گ ۵۹-٦۲).

آغاز :

لك الحمد یــا ذا الجود والمجــد و العلی
تبــارکت تعطی مــن تشــاء و تمنع

بزرگوار خدایــا تراست حمد و ثنا
که هم زتست عطا وهم از تو منع عطا

نسخهٔ دیگر از متن این مناجات بشمارهٔ (۱۲٤) دراین کتابخانه هست، ولی در آن نسخه هربیت بدو بیت فارسی ترجمه شده است.

متن تازی این چکامه چندین بار در کتابهای دعا چاپ شده است.

۹ - مناجات منظوم. بیست و نه مخمس است که قافیهٔ هریك از آنها یکی از حرفهای الفباء تازی است بترتیب (الف-ی). با ترجمه فارسی بنثر. نسخهٔ دیگر ازاین چکامه بشمارهٔ (۱۲٤) دراین کتابخانه هست که در (ص ۲۳۲) یادشد. هریك ازاین دو نسخه دیباچه‌ئی دارد که زنجیرهٔ سندی برای آن نشان میدهد. در اینجا آنرا از ابوالعلی الفضل بن الحسین ابن الطبرسی (چنین) روایت کرده و گویا طبرسی تفسیر نگار (م-٥٤٨) را خواسته است (گ ٦۳ - ٦۹).

۱۰- خطبة البیان در (ص ۱۱۵) یاد آن گذشت.

۱۱ - شعرهائی چند بتازی که آغاز آنها افتاده است. (گ ۸۹-۹۰). هفت بیت دربارهٔ روزهای هفته است که نسخهٔ دیگر آن بشمارهٔ (۱۲٤) در (ص ۲۳۳) این مجلد یاد شده.

[٦٦]

١٦٤ نسخه بخط نسخ و نستعلیق. نویسنده محمد افضل پسر قیصرعلی تفرشی است که بتاریخ ربیع دوم ۱۰۹۸ آنرا نوشته است. (گ ۵۸ب) عنوانها با شنگرف واز برگ (۵۹) ببعد عربی را با سیاه و فارسی را بــا شنگرف نوشته است.

همه دفتر (۹۰ برگ) کاغذ آهار مهره سفید. جلد تیماج قهوه‌ئی لائی.
اندازه : ۱۰×۱۸ و ۵×۱۴، ۲۵ سطر.

[٦۳] مجموعه (فارسی)

دراین دفتر کتابچه‌های زیر دیده میشود :

۱- چکامهٔ لامی نامهای خدا (اسماءالحسنی) ٦٦ بیت.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز :

بدات بسم‌الله والحمد اولا   علی نعم لم تحصَ فیما تنزلا

انجام

کذالانبیاوالآل والصحب کلهم   و بعد فحمد الله ختماً و اولا

۲- نامهای خدا به‌نثر (برگ ٤).

۳ - نامهای پیغمبر . دراین بخش هر صفت نیکی که درزبان تازی بوده، درشمار نامهای وی آورده است(برگ ٥).

٤- آیه‌های قرآن که روزی گشایش دهد (برگ ٥-٦٦).

٥ - **نزهة الکتاب** - در (حرف ن) این گفتار خواهد آمد.

٦ - **خاطریه** - درجلد اول (ص ١٠٤) این فهرست یادشده است.

۷ - نامهائی چندبسریانی برای خداوند وفرشتگان (برگ ٧٩-٨١)

۸ - کلمه‌هائی چنداز علی دست‌چین ازغرر و درر (ك ٨٣-٨٦).

۹ - **مائة کلمة علی(ع)** یاصد کلمهٔ جاحظ (ك٨٦-١٠٥). که نسخهٔ دیگری ازآن بشمارهٔ (١٦٤) دراین کتابخانهٔ هست، و در (ص١٥٧-١٥٨) این مجلد یاد شد.

نسخهٔ ١٢٤ (جای گفتگو) ازنسخهٔ ١٦٤ درست تروبهتراست و کلمه هادراین دونسخه جابجا نهاده شده است.

این نسخه دیباچه‌ئی بتازی دارد، ودرآن گوید : این صد کلمه رامحمد پسر احمد راشدی گزارش نموده است . در این نسخه، نخست کلمه را بتازی وپس ازآن ترجمهٔ آن به‌نثرفارسی وسپس یك دو بیتی بفارسی آورده . این دوبیتیها همانست که درنسخه ١٦٤ آمده است.

١٠ - مناجات منظوم : بیست ونه مخمس است که قافیهٔ هریك ازآن یکی‌از حرفهای الفباء تازی است بترتیب (الف - ی) باترجمهٔ هریك بدوبیت فارسی : دردیباچهٔ آن گوید : من بنده درگاه شیخ صفی، مرتضی قلی متوالی، به سال

١٠٦٨ در دارالارشاد اردبیل آنرا بنظم ترجمه نمودم . (گ١٠٦-٢١١).

آغاز: دیباچه : مطلع آیات کلام کریم این مخمس ترکیبی است در مناجات...

آغاز مناجات:

یا سامع الدعاء   یا رافع السماء

ترجمه :

یارب بشنو دعای مظلومانرا   ای کرده بلند رفعت کیوان را

انجام:

با نعمت بسیار و شراب وافر   لعل لب حور در کفم بستودی

نسخهٔ دیگر از این مناجات در دفتری بشمارهٔ (١٦٤) در این کتابخانه هست که بانثرفارسی ترجمه شده‌است، ودر(ص٢٣١) یادشد.

١١ - مناجات منظوم بقافیهٔ یاء درشش بیت ازعلی(ع) باترجمه‌هربیت بیك شعرفارسی (گ١١٢-١١٣)

١٢ - مناجات منظوم دیگر ازعلی چکامه‌ئی‌است بقافیهٔ عین باترجمهٔ هر بیت بدو بیت فارسی . بایك دیباچه بتازی (گ ١١٣-١١٨).

آغاز: الحمدالله ذی العزة والجلال...

لك‌الحمد یاذاالجود و المجد والعلی   تبارکت تعطی من تشاء و تمنع

ای روی زمین ز فیض عامت گلشن

عالم همه از پرتو نورت روشن

فی‌الحال شود چراغ گیتی تاریك

از فضل تو گرد می نیاید روغن

نسخهٔ دیگر ازاین مناجات بشمارهٔ (١٦٤) دراین کتابخانه هست ولی در آن نسخه هربیت بیك فارسی ترجمه شده است (ص٢٣١) این‌فهرست دیده‌شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

۱۳ ـ هفت بیت تازی برای هریك از روز های هفته که آنرا نیزاز علی دانسته، وهر بیت رابیك بیت فارسی ترجمه کرده (گ ۱۱۸–۱۱۹). نسخهٔ دیگر از آن بشمارهٔ (۱٦٤) دراین کتابخانه هست.

آغاز: لنعم الیوم یوم السبت حقا　　لصید ان اردت بلا امتراء

چو خوش روزیست حقا روز شنبه
برای صید کردن سوی صحرا

۱٤ ـ چند آیه و حدیث با ترجمه بشعر فارسی (۱۱۹–۱۲۰).

۱۵ ـ ششصد و پنجاه کلمه پند واندرز بتازی از ابوعبدالله محمد پسر ابراهیم خازنی که آنرا برای ابوالحسن علی پسر محمد وزیر نگاشته.

آغاز: الحمدلله رب العالمین . . . امابعد فهذا ماجمع الشیخ الرئیس العالم ابوعبدالله محمد بن ابراهیم الخازنی رحمه الله من الاخبار . . . لاجل قوام الدین شرف الوزراء ابی الحسن علی بن محمد رحمه الله وهی ٦٥٠ خبراً . . . . . علی حروف الهجاء . . . باب الالف: اطلبوا الخیر عند حسان الوجوه آفة . . .

انجام: یحشر القضاة مع السلاطین والعلماء مع الانبیاء والحمدلله علی تمامه.

یك باب نیز برای «لام الف لا» باز کرده، و کتاب سی باب دارد (گ ۱۲۱ – ۱۳۷).

۱٦ ـ ده بیت فارسی در ترکیب یك معجون دارو، ببوعلی سینا نسبت داده شده است (گ ۱۳۷).

۱۷ ـ **دعای جلجلوت** ـ ٤۱ بیت است بتازی، با یك دیباچه و چند جملهٔ دعائی در پایان آن (گ ۱۳۸–۱٤۱). عمر پسر عمر بیاسی چکامهٔ جلجلوت را شرح کرده است. «ذیل کشف الظنون ـ قصیدهٔ ...».

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۱۸ ـ **چهل حدیث** ـ با ترجمه بنظم فارسی از جامی، و ترجمه بنظم ترکی از فضولی بغدادی (گ ۱٤۲–۱٤۹).

آغاز دیباچهٔ فضولی: اصح اقاویل منقوله . . . . اما بعد بو قرق حدیث معتبر در، بلکه قرق دانه گوهر در، که استاد گرامی مولانا عبدالرحمان جامی . . . .

آغاز ترجمهٔ جامی: صحیح ترین حدیثی که راویان مجالس دین . . .

آغاز چهل حدیث: لایؤمن احدکم حتی یحب لاخیه مایحب لنفسه.

هر کسی را لقب مکن مؤمن　　گرچه از سعی جان و تن کاهد
تا نخواهد برادر خود را　　آنچه از بهر خویشتن خواهد

مؤمن اولماز کی حقیقت ایله　　طو تمیغنه طریق ترك هوا
هرنه اوز نفسنه روا کورسه　　یادو قرداشه کور منیجه روا

۱۹ ـ **سورة الرحمان از کتاب زبور**: چهل و یك بیت شعر تازی است با ترجمهٔ هریك بدو بیت فارسی و دو بیت ترکی سراینده در دیباچهٔ فارسی گوید:

سورة الرحمان در کتاب زبور داود بزبان سریانی بوده، و بشعر تازی ترجمه، وسپس خاصیتها برای خواندن آن برشمرده است (گ ۱۵۱–۱٦۳).

آغاز دیباچه: روایت است از حضرت امیر . . . .

آغاز شعر:

اناالموجود فاطلبنی تجدنی　　فان تطلب سوای لم تجدنی
منم موجود ای طالب کجائی　　چرا در حضرت ما می نیائی

۲۰ ـ چکامهٔ شیخ عبدالقادر گیلانی: با یك دیباچه بتازی (گ ۱٦۳ – ۱٦۵).

آغاز چکامه :

نظرت بعین الفکر فی حال حضرتی　　　حبیباً تجلی للقلوب فحنتی

۲۱ - دو بیت بتازی که برعصای موسی پیغمبر نوشته بوده (گ ۱۶۵)

۲۲ - چکامه بقافیهٔ میم بنام «برده» درستایش پیغمبر (۱)، با ترجمهٔ هر بیت فارسی بقافیه میم و یك بیت ترکی بقافیهٔ یاء (گ ۱۶۶-۲۰۷).

آغاز :

أمن تذکر جیران بذی سلم　　　مزجت دمعاً جری من مقلة بدم

ای ز یاد صحبت یارانت اندر ذی سلم
اشك چشم آمیختی با خون روان گشته بهم

اکد کمی ذی سلم ده کی اهل و جیرانی
کیمقان یاش آغلمق کوز کوك اولدی عاداتی

انجام :

چون ز هجرت ششصد وده سال تازی رفته بود
اتفاق افتاد نظم فارسی اندر رقم

بنده مداح رسولم شهرتم حافظ شرف
نام من باشد محمد من محمد چاکرم

تمت القصیده البردیة علی ید احقر الطلاب سلیمان بن محمد المکری لاجل الوزیر اسحاق پاشا فی شهر ربیع الاخر سنة (۱۱۹۵ق).

ولی از شعرها پیدا است که در سدهٔ هفتم سروده نشده، و گویا نویسندهٔ بجای نهصد، ششصد نوشته است.

۲۳ - صد وصیت لقمان : صدپند را بنام لقمان حکیم در صد بیت فارسی سروده است (گ ۲۰۷-۲۱۳).

(۱) نسخهٔ دیگری از این چکامه در این کتابخانه هست که در بخش ارقلم افتاده‌ها در پایان این فهرست خواهد آمد.

آغاز :

حمد بی حد کردگار پاکرا　　　آنکه ره نبود دراو ادراکرا

انجام :

سالهای هشتصد وهشتاد وهشت　　　رفته بدآندم که این منظوم گشت

هر چه گفت آن پیشوای شیخ و شاب
گفته شد و الله اعلم بالصواب

۲۴ - قطعه‌یی از بهلول بغدادی : درهفت بیت بتازی (گ ۲۱۳).

۲۵ - **سخنان کوتاه شافعی** : باترجمهٔ هریك بدو بیت فارسی. سرایندهٔ مقصود پسر شاه ولی سلیمانی است. که گویا ازمردم شهر سلیمانیه مرکز کردستان بوده است. وی یك دیباچه بزبان ترکی نیز برای آن ساخته است (۱) (گ ۲۱۴-۲۳۵).

آغاز : الحمدلله رب العالمین... امابعدبریله دیر حقیرذی التقصیر الجانی مقصود ابن شاه ولی السلیمانی که چون نقاد شریعت نبوی ... محمدابن ادریس شافعی (ض) باب حکمت ونصیحت ده .... قال الامام الشافعی (ض) : الکلام یقضة العقل، والسکوت...

سخن گفتن بود بیداری عقل　　　خمش بودن بود خواب وی ای جان
نگه کن تا چگونه پاس داری　　　ورا در خواب و در بیداری آن

انجام :

اسامی تا توانی کوش در علم　　　اگرچه جهل مقبولست این آن

۲۶ - شعری چند ازمقصود خلخالی ودیگران. (گ ۲۳۵ - ۲۳۶)

۲۷ - چکامهٔ درسی وته بیت بتازی بنام «طنطرانی» باترجمه هر بیت یك بیت ترکی (گ ۲۴۰-۲۴۶)

(۱) نویسندهٔ نسخه نیز دیباچهٔ دیگر بترکی برآن افزوده، ودر آن گوید آنرا بدستور وزیراعظم اسحاق پاشا ادام الله سلطنته نوشتم.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز:

یا خلی‌البال قد بلبلت بالبلبال بال

بالنوی زلزلتنی والعقل فی‌الزلزال زال

ای مه نا مهربان آواره قلدك كوكلمی

هجریدمی صبر آیدوب بیچاره قلدك كوكلمی

۲۸ - چکامه تازی بقافیهٔ لام، بنام « بدء الامالی » ، در ٦۷ بیت (گ ۲٤٦ - ۲٤۹) .

آغاز : یقول العبدفی بدء الامالی لتوحید بنظم کاللالی

این چکامه را احمد پسرعلی سند وبی ازهری شافعی (م ۱۰۹۷) شرح کرده است (ذیل کشف الظنون-قصیدهٔ...)

۲۹ - مناجات ابوالمعالی ۲۲ جمله های دعائی بتازی باسجع ، بقافیه جیم - با یك دیباچه تازی‌در خواص آن (گ ۲٤۹-۲۵۱)

آغاز: یا عالم سری و جهری وخفیتی‌اجعل‌لی‌من کل‌ضیق مخرجا...

۳۰ - مناجات احمد جامی ، ۲۸ بیت ترکی در مناجات است که آنرا باحمد نامی ملقب به‌جامی نسبت داده (گ۲-۲۵۳)

۳۱ - مطالبی دربارهٔقرآن نقل اززمخشری وشیخ احمدطیفوری سجاوندی و۸بیت فارسی دربارهٔ وقف (گ٤-۲۵۵).

۳۲ - چهارده بیت مثنوی ترکی از نیازی (گ۵۵-۲۵٦).

[٦۷]

۱۲٤ نسخه بخط نسخ غربی‌ایران که ترکان و کردان بکاربرند . نام‌نویسنده علیمان قاضی پسر محمد مکری ، آنرا برای وزیراجل اسحاق پاشا در تاریخ ربیع یکم ودوم ۱۱۹۵ نوشته است (برگ ۲۰۷ و۷۹ دیده شود) عنوانها وبرخی شعرها باشنگرف نوشته شده است .

همه دفتر (۲۳٦ + ۷ برك) ۷ برگ آغاز نسخه شماره نداشته است؛کاغذ فرنگی سفید ولخدی رنگ جلد تیماج حنائی دولا بی‌مقوا.

اندازه : ٦٫۷×۱۲٫۵ : ۹ تا ۱٤ سطر.

[٦٤] مجموعهٔ شعر نشاط (فارسی)

گزارش کوتاهی اززندگی نشاط در(ص۲۱۱) گذشت ، وچنانکه گفتم وی یکی ازرهبران جنبش شعری بازگشت بسبك باستانی چکامه سرائی‌است. نسخهٔدیوان اودرمجلس(۲٦۵۰بیت)دارد، ونسخهٔ آن‌فراوان‌است. نسخهٔاین کتاب خانه فقط دارای (۹٦ غزل) است بترتیب حروف الفباء (آ-ی) و (۱۵۰بیت) قطعه ودوبیتی در دنبال آنست .

آغاز :

پیداست سر وحدت از اعیان، اماثری

العکس فی‌المرایا و النفس فی‌القوی

[٦۸]

۹۳ نسخه بخط نستعلیق دومین کتاب‌دفتریست که در(ص۲۱۲) یادشد . از(برك ۱۲۲ تا ۱۵۲ راگرفته است .

نام نویسنده و تاریخ ندارد. ولی در پایان کتاب سوم برك (۱۸۷) تاریخ (۱۲٤٦) دیده میشود . غزلها ازبرگ ۱۲۲ تا ۱٤۷ و قطعه‌ها تا ۱۵۰ ودوبیتیها تا ۱۵۲ میباشد .

همهٔ دفتر (۲۷۰ برگ) این کتابچه (۳۰ برك) کاغذ وجلد در (ص ۲۱۳)اینوجلد یاد شده .

[٦۵تا۷٦] مجموعهٔ غزلها (فارسی)

دراینجا ازدفتری گفتگو میکنیم که دوازده کتاب جداگانه درآن دیده میشود ، یازده بخش آن دیوانهای غزل یازده شاعراست که هریك را جداگانه در این دفتر گردآورده، ولی‌بیشترآنهابترتیب حرف قافیه یاترتیب دگر مرتب نشده است . وبخش دوازدهم غزلهای پراکنده ایست ازچند شاعر . سزاوربود که‌هریک‌ازاین‌دیوانها در (حرف‌ـد) جداگانه شناسانده‌میشد، ولیکن‌پیروی

از فهرست اموالی کتابخانه، این نسخه را که از نخست در(حرف-م)نهاده شده، در همین جا گذاردیم. اینک دیوانها بهمان ترتیب که در این دفتر هست یاد میگردد:

(۶۵) دیوان غزل جلال‌عضد:

سید جلال‌الدین پسر سید عضدالدین یزدی از شاعران نیمهٔ یکم سدهٔ هشتم است. پدرش عضد وزیر امیر مبارزالدین محمد مظفر بود. و خودش ستایشگر شیخ ابواسحاق اینجو (م۷۵۷) و آل مظفر وطغا تیمور (۷۳۷-۷۵۳) بوده است بعماد (۱) ارادت داشته و با وی بسفر حجاز رفته است. آذر جلال را نیز مانند پدرش وزیر خوانده است (۲). در تذکره ها داستانی از روزگار کودکی جلال آورده‌اند که چکیدهٔ آن چنین است: امیر مبارزالدین بآموزشگاه رفته، از آموزگار جلال میپرسد: کدام کودک از همه خوشخط تراست؟ پاسخ میشنود آن که قلمش بهتر، و آنکس قلمش بهتر که قلمتراشش تیزتر، و آنکس قلمتراش نیکو دارد که پدرش دارا تر باشد، و او پسر وزیر تو؛ جلال‌عضد است. سلطان سعید بای سنغر شعر جلال را از شعر همسران وی برترمیشمرد. یکی از چکامه های وی بنام هفت رنگ زبان زد شاعران میباشد (۳). دیوان وی را آذر در چهارهزار بیت دانسته. نسخهٔ از آن در کتابخانهٔ ملک ونسخهٔ دیگر در کتابخانهٔ مجلس میباشد (۱) نسخهٔ دانشگاه صد وسی ویک غزل در پیرامن ۹۵۰ بیت دارد، ولی هیچگونه ترتیب در آنها نیست؛ نسخهٔ مجلس ۲۷۰ غزل مرتب بحروف قافیه دارد، ولی برخی از غزلهای نسخهٔ دانشگاه (مانند غزلهای ۱و۲و۷) را ندارد.

آغاز نسخهٔ دانشگاه افتاده است. آغاز آنچه هست:

باز می‌ناید دل ما از پریشانی هنوز
میتهم پیش بتان برخاک پیشانی هنوز

(۱) فهرست کتابخانهٔ مجلس ج۳. ص ۶۵۲.
(۲) آتشکدهٔ آذر ص ۲۵۹. ولی این سخن بی‌پایه است.
(۳) تذکرهٔ دولتشاه طبقهٔ پنجم.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

تا آنجا که: سرعشقت را جلال از خلق میدارد نهان
همچنان پیدا نگشت این داغ پنهانی هنوز

انجام: کجا یار گردی تو با او جلال
که شه همنشین گدا کی شود.

(۶۶) دیوان غزل سعد بخاری(۱):

وی از شاعران سدهٔ نهم است. میرعلی شیر نوائی گوید (۲): از مریدان میرقاسم انوار(م-۸۳۷) بود و چون باجوانان لوند شهرنشست و برخواست میکرد و بی‌باک و ناپاک بود، میراو را از خانقاه بیرون راند و خاک ناپاک کلبه‌اش نیز از خانقاه بیرون ریخت، سعد دراین باره غزلی سرود که آغازش چنین است:

مرا درعالم رندی برسوائی علم کردی
دلم بردی وجانم را ندیم صدندم کردی

سپس میر علی شیر یك غزل از وی آورده که غزل ۲۲ نسخهٔ دانشگاه می‌باشد. همهٔ این دیوان ۶۱غزلست که ۳۶۰ بیت دارد.

آغاز: بغیر ناله ز کس همدمی نمی بینم
بغیر غم ز کسی محرمی نمی بینم

تا آنجا که: رسد بسعد ازاین باده عاقبت قسمی
که پیر میکده جز قاسمی نمی‌بینم

انجام: گهت مینشاند بعرش مراد
گهت زیر پالان نکبت کشد

نصرآبادی وی را حافظ سعد بخاری از اهل بخارا خوانده است (۳) و دومعما ازاو آورده.

۱ — سعدالدین هروی (م۸۴۹) وچندتن دیگر از شاعران به سعد نامبر دارند ولی نسخهٔ دیوان (جای گفتگو) شعر سعد بخاری را در بردارد ودیوان وی‌میباشد.
(۲) مجالس النفائس ص ۸ و ۱۸۴.
(۳) تذکرهٔ نصرآبادی ص ۵۲۷.

(۶۷) دیوان غزل خیالی بخارائی :

از شاعران نیمهٔ یکم سدهٔ نهم (م - نزدیك ۸۵۰ ق) دولتشاه (۱) اورا شاگرد عصمت بخارائی (م ۸۲۹) شمرده گوید دیوانش در بدخشان و ترکستان نامبرداراست، ویك غزل اورا که پنجاه ونهمین غزل نسخهٔ دانشگاه میباشد، از او آورده است. پایان این غزل چنین است:

از ده غربت خیالی عاقبت جائی رسید

هر که جائی میرسد از راه غربت میرسد

ونیز گوید : خیالی سبزواری و خیالی تونی شاعران خوب بوده ولی بپای خیالی بخارائی نمی‌رسند. میرعلی شیر (۲) گور اورا دربخارادانسته. این نسخه ۱۱۰ غزل ویك قطعه دارد و همهٔ آن (۵۷۰ بیت) است.

آغاز : ای زده کوس شهنشاهی برایوانت قدم

هر دو عالم برصفات هستی ذاتت علم

انجام دوبیتی:

اسرار ازل باده پرستان دانند

قدرمی و جام تنگ دستان دانند

گر چشم تو حال من بداند چه عجب

شك نیست که حال مست مستان دانند

(۶۸) دیوان غزل بساطی سمرقندی :

دولتشاه (۳) گوید وی بروزگار خلیل بهادر پسر امیرانشاه گورکان (م ۸۱۴) نام آور گردید، در آغاز حصیری تخلص داشت، وشاگرد عصمت بخاری (م ۸۲۹) بود و او بساطی تخلصش داد. وی در شعر خود کمال خجندیرا ناسزا گفته است،

(۲) تذکرهٔ دولتشاه سمرقندی طبقهٔ ششم.

(۲) مجالس النفائس ص ۱۲ و ۱۸۸

(۳) تذکرهٔ دولتشاه، طبقهٔ ششم.

میرعلی شیر اورا (۱) بی‌دانش ولی شیرین زبان شمرده است. نسخهٔ از دیوان او رانزد محمد محیط طباطبائی در تهران دیدم.

نسخهٔ دانشگاه بیست و هشت غزل و یك قطعه دارد و همهٔ آن (۱۷۰ بیت) است.

آغاز: یارب اندر کعبهٔ صدق و صفا را هم ببخش

از کرم برآب چشم و آتش آهم ببخش

تا آنجا که :

چون بساطی گرچه دور افتاده‌ام از راه تو

جرعه‌یی از جام نزدیکان در کامم ببخش

انجام از یك قطعه:

از ریش و پوستین نشود خواجه آدمی

بز ریش دارد و سگ دیوانه پوستین

(۶۹) دیوان غزل ریاضی سمرقندی :

میرعلی شیر (۲) (م ۹۰۶) اورا مردی بد سرشت شمرده گوید : شعری نادرست از آن اورا درست کردم، ولی وی نپذیرفت، سپس دو سر غزل و یك غزل درست ازوی آورده. این سه غزل در نسخهٔ این کتابخانه بشماره‌های (۶ و ۶۹ و ۸۴) دیده میشود

در این نسخه ۸۸ غزل هست که همهٔ آن ۵۲۸ بیت دارد. نسخهٔ دیگر از این دیوان با ۴۸۶ بیت نزد سلطان القرائی در تبریز است. ونسخهٔ نیز در بریتش موزیوم هست (۳)

آغاز: صنع او آنم که نقش گنبد افلاك بست

مایه حیرت ببال طلایر ادراك بست

(۱) مجالس النفائس ۱۳ و ۱۸۸

(۲) مجالس النفائس ص ۳۸ و ۲۲۲

(۳) فهرست ریو ۲۸۵

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

تاآنجا که :

ای ریاضی گرد تن از دامن جان برفشان

راه آب چشمهٔ خورشید را این خاك نیست

انجام آخرین غزل :

دوتا شد چون کمان قد ریاضی دور از آن ابرو

ز اشك سرخ پوشیده است چشم خونفشان تو زم

(۷۰) دیوان غزل سیفی (۱) بخاری :

میرعلی‌شیر (م-۹۰۶) وی را از همزمانان خود شمرده (۲) گوید سیفی از بخاراست و بهرات آمد و بیشتر دانشهای روز راآموخت وبسرودن شعر پرداخت و مثلهای وی نام‌بردارشد، او برای جوانان شعر بسیار سرود، و این روش را او پدیدآورد، و سپس آغاز یك غزل را که در « پرداز گری » (۳) سرووده چنین آورده است :

بت پرداز گرم کوبکسان میسازد   هیچ باحال من خسته نمی پردازد

وی در معما سازی نیز زبردست بوده و کتابچه یی در آن نگاشته است. نصرآبادی یك معمای او راآورده (٤). اومردی بدمست بود، ازبوی شراب‌نیز مست وبی‌ادب میگردید ، ولی درهشیاری مردی تیزهوش وسنگین وباادب بود سپس علی‌شیر چندسر غزل اوراآورده که یکی ازآنها آغازغزل یازدهم نسخهٔ دانشگاه است وآن چنین میباشد :

دو رودگشته روان از دو چشم تر ما را

به یاد قامت سرو درودگر ما را

---

(۱) دولتشاه سمرقندی درتذکرهٔخود (ن-۸۹۲ھ)سه‌تن بنام سیفی نامبرده . الف نیشابوری ب ـ سیفی ازسرداران امیرتیمور ج – سیفی بخاری «جای گفتگو»

(۲) مجالس النفائس ص ۵۸ و ۲۳.

(۳) اصطلاحی بوده که دراین غزل بمعنی عشوه‌گری بکار رفته.

(۳) تذکره نصرآبادی ص ۵۱۳

این دیوان چهل ونه غزل ودو قطعه دارد و همهٔ آنها ۲٦۰ بیت است.

آغاز دیوان :

تا باو کردم عیان عشق نهان خویش را

ساختم بیگانه ماه مهربان خویش را

تاآنجا که :

جان من دور از توسیفی هست زار وناتوان

تاکی از خود دور داری ناتوان خویش را

انجام ازیکقطعه :

اجزای وجودم همگی دوست گرفت

نامی‌است زمن برمن وباقی همه‌اوست

(۷۱) دیوان غزل اختیار :

سام‌میرزا گوید (۱) : قاضی‌اختیار تربتی‌خراسانی‌است، درروزگارمیرزا حسین‌بای‌قرا(م-۹۱۱)قاضی‌القضاةهرات‌بود، وبگردآوری‌زر وامساك نامبردار گردید،در شعر زبردست‌بود. اوراست«مختارالانوار» ودرپایان زندگی‌مثنوی بنام‌شاه‌اسماعیل‌صفوی‌سرود و «عدل وجود» نامش‌داد، وآن پنجهزار بیت‌دارد. گویندهزاربیتش را ازریاضی دزدیده‌است . میرعلی‌شیر نوائی گوید (۲) : سیدی پروقاربود، ودرداد گاه مولانا نظام‌الدین دفترداری‌ونویسندگی‌میکرد، وکس دربارهٔ اوسخن‌نگفته جزاینکه بسیاررنج میبرد تادستار خویش دانشمندانه ببندد وبار گران برسر میکشید . وی شعری در تاریخ ساختمان حوض پای حصار سرودهو واژهٔ «ساقی کوثر=۸۹۷» را که تاریخ است درآن گنجانده .

نسخهٔ دیوان وی که در این‌دفتر است ٤۰ غزل دارد وهمهٔ آن ۲۷۰بیت میباشد .

---

(۱) تذکرهٔ سام میرزا چ‌تهران ۱۳۱٤ ش . ص۳۰ – ۳۳ وذریعه ج۹ ص۶۲.

(۲) مجالس النفائس ص ۹۵ و ۳۷۱ . یاد آور میشوم که نسخهٔ بدل (افتخار) بجای (اختیار) درمجالس‌النفائس بیجا ونادرست است .

آغاز :

بگاه جلوه بتم چون ز رخ نقاب گشاید
مرا ز حسرت رویش ز دیده آب گشاید

تاآنجا که :

زکار بسته مپر اختیار امید که ناگه
دری ز همت اولاد بوتراب گشاید

انجام :

چو میدانی که عشقش باخودآوردست آزمبدأ
چرا بر اختیار خسته دل انکار بایستی

(۷۲) دیوان غزل مهدی استرآبادی :

سام میرزا گوید(۱) : وی برادر مولانا نظام معمائیست، وسپس اورا بخوش طبعی وملائی وناداری ستوده گوید:در نهصد وبیست وچهار بدرود زندگی گفت و پس از آن یك غزل درست و دوسر غزل دیگر ازوی آورده است . میرعلی شیرنوائی (۲) نیز از وی نام برده و همان سر غزل را آورده است . یادآور میشوم که نسخهٔ جای گفتگو جزمهدی نشان دیگراز شاعر ندارد و در تذکره ها چندشاعر باین‌نام یاد گردیده، چنانکه نصرآبادی (ن-۱۰۸۳) دوشاعر ازسدهٔ یازدهم بنام مهدی قمی اصفهانی (۳) ومهدی طباطبائی (٤) آورده‌است، ولیکن چون نسخهٔ جای گفتگو پیش ازسدهٔ یازده نوشته‌شده، نمیتوان آنرا جز مهدی استرآبادی شاعرسدهٔ دهم دانست .

آغاز :

در چمن می کرد یاد قامتش بادصبا
سروبشنید این سخن فی‌الحال بگرفت‌ازهوا

(۱) تذکرهٔ سامی ص ۱۲٤ .
(۲) مجالس‌النفائس چ تهران ۱۳۲۰ش ص۷۸.
(۳) نصرآبادی ص۱۲۰.
(٤) تذکرهٔ نصرآبادی ص۱۲۲.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

تاآنجا که :

گفته‌ئی مهدی که تیراو بجان دارم هوس
ترجمان بسیارا کنون کزتوپیداشدصدا

انجام ، تکشعر :

مردم ای دل چه کشی طرهٔ ریحانی
تا نیفتی بکامی نشینی جایی

(۷۳) دیوان غزل خواجه مسعود قمی :

از کلانتران شهرقم بود و در زمان سلطان حسین بایقرا (م- ۹۱۱) بهرات شد وهمانجا زندگی بدرود گفت، و نزدیك گور پیر سیصدساله بخاکش سپردند . مثنوی و غزل را نیکو میگفته ، بامیر علی شیر نوائی همنشین بوده ، وبدستور سلطان‌حسین‌میرزا تاریخ پادشاهی‌اورا دردوازده هزاربیت‌سروده(۱) است. دیگر ازآثار او دیوان او است که میرعلی‌شیر گوید فراوان‌است ، وهم مثنوی یوسف وزلیخا و گفتگوی شمس وقمر ، و تیغ وقلم میباشد. سام‌میرزا سه سر غزل (۲) و بیتی از گفتگوی تیغ و قلم آورده ، و قزوینی در ترجمه مجالس‌النفائس یك بار دربهشت دوم ص ۲۱۲ دوسرغزل ازوی آورده، و بار دیگر در بهشت ششم ص ۳۱۱ سه سر غزل دیگر از وی آورده (۳) است. نسخهٔ دانشگاه ٤٥ غزل و یك دو بیتی دارد وهمهٔ آن ۲٤۰ بیت است .

آغاز :

از کوی تو کز گریهٔ من گشت گل آنجا
رفتم من محنت زده و ماند دل آنجا

(۱) درمجالس‌النفائس ص ۳۸ و۲۱۲ چنین‌آمده، و درتذکرهٔ سامی ص ۱۰٦ گوید : بیشتر ازده هزار بیت .
(۲) یکی‌ازآنها بیت آغازغزل‌شمارهٔ۲٦ نسخهٔ دانشگاه می‌باشد . گ۱٤۰ب دیده شود
(۳) یکی ازاینها نیزبیت یکم‌غزل شمارهٔ۲۳ نسخهٔ دانشگاه است . گ۱٤۰ـ الف ، الف دیده شود .

تاآنجا که :

جایی که شبی با سگ کوی تو توان بود
لطفی کن و مسعود گدا را بهل آنجا

انجام پسین غزل :

تا چو مسعود دم از شمع جمالت زده ام
نیست در گفتهٔ ما هیچ سخن بی سوزی

(۷۴) دیوان غزل صفائی :

درمجالس النفائس نگارش میرعلی شیر (م - ۹۰۶) ترجمهٔ هراتی ص ۷۹ گوید ازشاعرانی است که تازه پیدا شده ، ودرترجمهٔ قزوینی (ص۳۰۳) او را ازشاعران سلطان یعقوب (آق اوتیلو) شمرده‌است .

این نسخه دیوان صفائی شصت و سه غزل در ۳۶۰ بیت دارد

آغاز :

تابکی ازپی هر کار جگرخون باشی
وقت آن‌شد که حریف‌می گلگون‌باشی

تاآنجا که :

ای صفائی دو سه روزیست جهان خوشدل باش
حیف باشد که تو با خاطر محزون باشی

انجام :

صفائی نسبتی میداشت با روی پریرویان
اگرحسن سخنهای تو بروجه حسن بودی

(۷۵) دیوان غزل اوحدی مراغه‌ئی:

اوحدی پسرحسین (۱) شاعر عارف نیمهٔ یکم سدهٔ هشتم است . تربیت (۲) لقب او را رکن‌الدین دانسته و از کتاب « صحف ابراهیم » آرد که تخلص وی

۱) روی سنگ قبراو نام پدرش چنین آمده است .

۲) دانشمندان آذربایجان ص ٤٤ .

صافی بود و چون به‌پیروان اوحدالدین کرمانی عارف (م-٦۳٦) گرائید اوحدی تخلص گرفت. وی درمراغه پیرامن سال (٦۷۳) بزاده(۱) وهمانجا بسال (۷۳۷) در گذشته است. «جام‌جم» و «ده‌نامه ـ منطق‌العشاق» ودیوان پانزده‌هزار بیتی از او بجامانده است .

گزارش‌زندگی‌اودرهفت‌اقلیم‌وآتشکدهٔ‌آذردربخش‌مراغه‌وتذکرهٔ‌دولتشاه طبقهٔ‌چهارم، ومجمع‌الفصحا، ودانشمندان‌آذربایجان، و پیش گفتارچاپ جام‌جم ازوحید دستگردی دیده میشود . غزلهای‌اوحدی‌دردیوانش‌بترتیب حروف‌قافیه مرتب است‌ولی‌در نسخهٔ‌دانشگاه(جای گفتگو) غزلهارابی‌ترتیب بدنبال‌یکدیگر آورده ، آغاز وانجام نسخه افتاده و۱۵ غزل که درپیرامن صدبیت است از آن بجا مانده است .

آغازآنچه هست :

آن‌چشم مست من که دلم گشت زار ازو
ای دوستان بسوخت مرا زینهار ازو

تاآنجا که :

گفتم که اوحدی زغمت‌مرد، رحمتی
گفتا مرا چه غم که بمیرد هزار ازو

انجام‌آنچه هست :

میدان فراخ یافته اوحدی ولی
دروصل‌اوعجب که رسددست تنگ‌تو

(۷٦) غزلهای‌پراکنده :

دراین بخش که‌آغاز وانجامش‌نیزافتاده ۲۳ غزل‌درست و چند غزل‌ناقص

(۱) اوحدی درتاریخ سرودن جام جم(۷۳۲) گفته‌است :

چون زتاریخ برگرفتم فال   هفتصد رفته بود وسی‌ودوسال

وهم دراین کتاب گفته است -

اوحدی شصت سال سختی دید   تا شبی روی نیک بختی دید

فهرست کتابخانه‌سپهسالار ج۲ص ٤۸۷ دیده شود .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ازشاعران پراکنده بترتیب زیردیده‌میشود.

۱) یك غزل ناقص بقافیهٔ «ی» ازشاهی(۱) که انجامش اینست:

چواودوی تورا می‌بیند ازخود میرودشاهی

توحـال اوهمی دانی ولی با خود نمی آری

۲) یك‌غزل ازطوسی(۲) که پایانش چنین است:

شنیدی درد و آه ونالهٔ زار از پی تیرش

هنوزای‌طوسی‌دلخسته تادردل چهاداری

۳) یك غزل بی‌تخلص وناشناخته.

٤) یك غزل ازفیضی. گویا وی همان فیضی برادرابوالفیض پسرشیخ‌مبارك (م-۱۱۰٤) باشد که وزیرا کبر پادشاه‌هندی بوده‌است. پایان این غزل‌چنین است:

گریبان میدرد فیضی از آن سودا که تا روزی

بگیرد دامن وصلش . . . دهـد یاری

٥و٦) دوغزل ازطالب شیرازی (۳) که پایان هردورامیآوریم:

هرچه از خوبی شیراز بگوید طالب

اهل معنی همه‌دانند که صد چندانست

***

طالبا بی غرض از لفظ اصیلـی بشنو

شهر شیراز تو یك گوشهٔ اصفهانست

۱) گزارش زندگیش، درتذکرهٔ دولتشاه و آتشکدهٔ آذر ص ۷۹ و صبح گلشن ص ۲۲۱و۲۳، وذریعه ج ۷ : ۲٦۱ وج ۹، وفهرست‌سپهسالار ج۲ ص ٦۱٦ وخطوط خوش کتابخانهٔ سلطنتی ص ۱۳۱ دیده شود.

۲) مجالس‌النفایس ص ۱۹۲ ومرآت الخیال ۳۱۰ وتذکرهٔ دولتشاه دیده شود

۳)وی‌غیرازطالب‌آملی (م ۱۰۲۸) است که گزارش زندگیش‌درشمع‌انجمن۲۷۲و ادبیات براون ٤ : ۱۷۹ وتذکرهٔ نصرآبادی ۲۲۳ وذریعه دیده میشود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۷ تا۱۱) پنج‌غزل‌ازسکاك: شایدهمان‌بابا فغانی باشد که در(ص۶۱-۶۳) یاد شد (۱).

انجام سه غزل آنرا اینجا میآوریم که یکی از آنها بی‌تخلص است:

گر رود سکاکرا سر درسر کار بتان

ترك ندهددوستی‌بین‌تاچه‌سان خوددشمنست

***

گفته‌ئی‌سکاك‌آخرصیدما خواهدشدن

این سخن دیرست گویا خودمعین کرده‌است

***

صدبار بیش کشت ودگرساخت زنده‌ام

کوی علیست یار و حکیمی نصیر او

۱۲و۱۳) دوغزل از آصفی که گویاهمان‌آصفی هروی(۲) (م - ۹۲۳ق) باشد.

پایان نخستین‌آنها اینست:

زجان آصفی ای جان نماند جزرمقی

بیاد می بسر او که آخرین نفس است

۱٤) یك غزل ازقاسمی که پایانش چنین است:

قاسمی بازآزتودرتو گریخت   که مفرهم توئی و ملجا تو

۱۵) غزلی ازمحبی بااین پایان:

تا هست وبود و باشد از این روز تا ابد

محبی بجـان محبست همهٔ اولیـای تو

۱) و شاید سکاکی سمرقندی باشد که گزارش زندگیش در مجالس‌النفائس ص ۵۱ و۲۲۵ ونفحات‌الانس ص ۱۸۲و۳۷۱ دیده میشود.

۲) گزارش زندگیش دردوضة‌الصفا و تذکرهٔ دولتشاه و مرآت‌الخیال ص ۷۵ و مجالس‌النفائس ص ۵۸ و ۲۲۱ و تـذکـرهٔ سامی ص ۹۷ و نصرآبادی ص ٤۷۱ آمده است

۱٦ و ۱۷) دو غزل بی تخلص.

۱۸ تا ۲۰) سه غزل از حسن، که گویا همان حسن دهلوی باشد که در (ص ۵۲–۵٤) یاد او گذشت. غزل یکم ناقص و غزل دوم بدین شعر پایان یابد:

از بهر وصل او حسن وجه زری دارد ولی
شد وصل او چون کیمیا و از کیمیا نایاب تر

۲۱ تا ۲٤) چهار غزل ناشناس. میان آنها نیز افتاده است.

۲۵) غزلی از نسیمی (۳) که بدین شعر پایان یافته:

ای نسیمی پاك می بازی نظر — آفرین بر دیدهٔ بینای تو

۲٦) غزلی از عطار (۲) بدین پایان (تخلص):

قصهٔ عطار از هر سو گذشت — عرضه خواهد داشت او بر رای تو

[٦۹ تا ۸۰]

۱۲۵ نسخهٔ بخط نستعلیق. نام نویسنده و تاریخ ندارد ولی از خط و کاغذ پیدا است که در نیمهٔ یکم سدهٔ دهم میباشد. در «گ ۱۵۳ ب» نویسنده‌یی که در انتظار ظهور و جنبش امام زمان بوده این شعر را نوشته: خواجه نصیر طوسی فرماید:

درنهصد و پنجاه و یك از ماه رجب — آن بهر سعادت بدمد در دل شب
دین دار انوار برهانه ز نصب — یعنی مهدی خلاصه آن شاه عرب

عنوانها بازر در میان جدول زرین نوشته شده و دور بر آن شنگرف افشانی شده است، همهٔ صفحه‌ها بازر و سیاهی جدول بندی شده میان هر دو غزل یك سطر سفید و میان آن جملهٔ «وله = و از اوست» در میان جدول نوشته شده.

فهرست این دفتر چنین است. غزلهای جلال «گ ۱ تا ۳۹» و آغاز آن افتاده است. غزلهای سعد «گ ۳۹ — ٤۵» غزلهای خیالی «گ ۵٤ — ۷۷» بساطی «گ ۷۸ — ۸۵» ریاضی «گ ۸۵ — ۱۰٦» سیفی (گ ۱۰٦ — ۱۱۷) اختیار «گ ۱۱۷ - ۱۲۸»

۱) گویا همان نسیمی شیرازی «م ۸۳۷» شاگرد فضل الله استرآبادی حروفی باشد ریاض العارفین چ ۱۳۰۲ ق ص ۲۳٦ و ج ۱ همین فهرست ص ۸۰-۸۵ دیدهٔ شود.

۲) شاید روح عطار باشد که دیوانش با دیوان جلال عضد جلد شده و این نسخه در کتابخانهٔ مجلس هست. ص ۲٤۰ همین مجلد دیده شود.

«مهدی ۱۱۸ — ۱۳۵» خواجه مسعود «گ ۱۳۵ - ۱٤۲» صفائی «گ ۱٤۲ = ۱٦۰» در اینجا (گ ۱۲۳ = ب و ۱۲٤ الف) سفید مانده و چند شعر از همایون و دیگران در آن دیده میشود. و میان (گ ۱۵۷ و ۱۵۸) و همچنین (۱۵۸ و ۱۵۹) افتاده است. غزلهای اوحدی در (گ ۱٦۰ - ۱٦٤) است؛ ولی میان برگهای (۱۵۹ - ۱٦۰) و (۱٦٤ - ۱٦۵) افتاده است. و غزلهای اوحدی آغاز و انجام ندارد. در برگهای ۱٦۵ تا ۱۷۰ غزلهای پراکنده و ناقص با تخلص های میرشاهی، طوسی، فیضی، طالب، سکاکی، آصفی، قاسمی، حسن، نسیمی، عطار دیده میشود. آغاز بخش غزل سعد (گ ۳۹ ب) و خیالی (گ ۵٤ ب) و بساطی (گ ۷۸ ب) و ریاضی (گ ۸۵ ب) و سیفی (گ ۱۰٦ ب) و اختیار (گ ۱۱۷ ب) و مهدی (گ ۱۲۸) و مسعود (گ ۱۳۵ ب) و صفائی (گ ۱٤۵) سرلوحهای ساده با سیاهی و شنگرف دارد. در برگ (٤٦ - الف) مهر خدیجه دیده میشود که گویند یکی از بانوان فتحعلیشاه قاجار بوده و در برگ (۱۰۷ الف) مهر (العبد غازی بن سلیمان الشریف) دیده میشود.

(۲۷۰ برگ) کاغذ نخودی رنگ. جلد تیماج مشکی فرسوده
اندازه ۱۱٫۵ × ۱۸٫٦ و ۵٫۱۳ × ۱٤٫۱۳ سطر.

[۷۷] مظهر البینات و مظهر الدلالات (فارسی)

ترجمهٔ نیست بفارسی از کتاب شرح نهج البلاغهٔ ابن ابی الحدید. نهج البلاغه در (حرف ـ ن) خواهد آمد، و چند گزارش آن در ص ٤ و ۱۵۰ و ۱۵۱ یاد گردید.

یکی از گزارشهای نامبردار نهج البلاغه شرح ابن ابی الحدید عزالدین عبدالحمید پسر هبة الله پسر محمد پسر ابو حدید مدائنی معتزلی (ز ۵۸٦) بمدائن (م-٦۵۵) ببغداد میباشد. وی از مردان ادب و کلام بود، و مانند دیگر دانشمندان سدهٔ هفتم بیشتر بگفتگو در سخنان و نگارشهای دیگران پرداخته است.

او پیش از آنکه پدید آرنده باشد روشن کننده است؛ چنانکه «الفلك الدائر» را دربارهٔ «المثل السائر» از ضیاء الدین ابن اثیر (م ٦۳۷) نگاشته (۱) و «الاعتبار» را دربارهٔ «الذریعه» مرتضی (م-٤۳٦) و «نقض المحصول» را دربارهٔ «محصول» فخر رازی (م-٦۰٦)، و «مشکلات الغرر» را دربارهٔ «غرر الادله» از

۱) در هند ۱۳۰۹ ق در ۱۸٤ ص، چاپ شده.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

محمد پسرعلی بصری (م-٤٦٣) نگاشته و«یاقوت» ابن نوبخت، و«نهج البلاغه» رضی (م -٤٠٦) راشرح کرده است اوفقط در «العبقری الحسان» شعر و نثر و نامه های خود راگرد آورده است (١)

ابن ابی الحدید بیش از سدهٔ دهم یك دوستدار علی و خاندان او شناخته شده است ولی پس از این تاریخ در اثر تکامل شیعیگری درروزگار صفوی، وی یك سنی متعصب شناسانده گردید تا آنجا که شرح نهج البلاغهٔ اورا پاسخ نوشتند.

وی این گزارش را درچهار سال وهشت ماه (از آغاز رجب ٦٤٤ تا پایان صفر ٦٤٩) بنام ابوطالب محمد پسرمحمدابن علقمی وزیر نگاشته و نام او در دیباچه آورده.

هندوشاه در تجارب السلف (٢) داستانی ازچگونگی نگارش ابن ابی الحدید شرح نهج را برای ابن‌علقمی وزیر، و دریافت پاداش سنگین ازوی یاد کرده است. ابن ابی الحدید دراین شرح سخن را بدرازا کشانیده داستانهای تاریخی مانند پیدایش اسلام و پیشرفت وکارزارهای پیغمبر و جنگلهای مسلمانان وجنبش زنگیان درسواحل خلیج فارس و یورش ترکان وجز آنرا بجا و بی‌جا و با اندك مناسبت یاد کرده، وهمه را ازسخنرانیهای علی بیرون آورده (٣) و آنچه از آنها پس ازروزگار علی(ع) بوده پیشگوئی شمرده است. او با اینکه هزار جمله پند و اندرز درپایان کتاب برنهج البلاغه افزوده وبعلی (ع) نسبت داده است باز هم مانند سیدرضی (نگارندهٔ نهج البلاغه) درستی این نسبت را تضمین نمی کند.

وی در گزارش عهدنامهٔ مالك اشتر بند ٥٣، در جملهٔ (وتفقد امرالخراج)

---

١) هفت چکامهٔ از آث بنام السبع العلویات در ایران بسال ١٣١٧ ق چاپ شده است.

٢) تجارب السلف (ن-٧٢٤) چ تهران اقبال آشتیانی ص٣٥٨

٣) همین کاررا جوهری طنطاوی روحانی سدهٔ بیستم درمصر، دربارهٔ قرآن کرده وی هرچه خود میدانسته از قرآن بیرون آورده است.

گوید ومانند این سفارش را در عهد نامهٔ شاپور پسر اردشیربابکان که بپسر خود نگاشته دیدم، سپس متن عهدنامهٔ شاپور راآورده است (١) ودرجای دگر عهدنامهٔ اردشیرو پندپرویز بوزیرخویش (٢) ودرجای دیگر نامهٔ اسکندربارسطو را درهمین زمینه آورده (٣) است.

فهرست شرح ابن ابی الحدید:

ابن ابی الحدید گزارش خود رابه بیست بخش بسیجیده است: یکم) ازبند ١ تا ٢٥ نهج (٤) راگزارش داده، دوم) ازبند ٢٦ تا ٤٣ میباشد. ولی درآغاز بخش دوم چند صفحه دربارهٔ بند ٢٥ گفتگو دارد، سوم) ازبندهای ٤٤ تا ٥٢ راگزارش داده ولی درآغاز آن نیزدرباره بند٤٣ که دربخش سوم است گفتگو کرده، چهارم) بندهای ٥٣ تا ٥٨ راشرح کرده، پنجم) بندهای ٥٩ تا ٦٤را دربردارد. ششم) بندهای ٦٥ تا ٨٩-د-را. هفتم) ازپایان بند ٨٩ - ﻫ تا ١٢١. هشتم) بندهای ١٢٢ تا ١٣٣ ودر گزارش بند ١٢٦ همهٔ داستان جنبش زنگی را (٥) یاد کرده است. نهم) بندهای ١٣٤ تا ١٧١. دهم) ١٧٢ تا ٢٠٠. یازدهم ٢٠١ تا ٢٢٥. دوازدهم) دراین بخش فقط بند ٢٢٦ راآورده و دربارهٔ عمرخطاب بدرازا سخن گفته و ازوی دفاع نموده است. سیزدهم) ٢٢٧ تاپایان باب یکم نهج البلاغة رادربردارد. چهاردهم) ازآغاز باب دوم نهج البلاغة از نامهٔ یکم تا نامهٔ نهم راگزارش نموده. پانزدهم) از نامهٔ ١٠ تا ٢٨ راگزارش نموده.

---

١) شرح ابن ابی الحدید چ مصطفی البابی بمصر ١٣٣٩ ق ج٤ ص١٣٦.

٢) همان جلد ص١٥٦ و١٥٧ و١٥٨ و١٣٩

٢) همان جلد ص١٢٩ و١٢٠

٤) شمارهٔ بندها وخطبه ونامه های نهج البلاغه که من بدان اشاره میکنم برابر فهرستی است که درزیرعنوان نهج البلاغه یاد خواهدشد.

٥) جنبش بردگان زنگی یکی از بزرگترین جنبشهای طبقاتی در اسلام است ومن پایان نامه تحصیلی خودرا در رشتهٔ قضائی دانشکدهٔ حقوق بدان اختصاص داده و بتفصیل درآن گفتگو کرده‌ام.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

شانزدهم) نامه‌های ۲۹ تا ۴۵ ب. هفدهم) نامهٔ ۴۶ تا ۶۴ را هجدهم) نامه‌های ۶۵ تا ۷۹ که پایان باب دوم نهج البلاغه است گزارش نموده. و نیز اندکی از باب سوم (سخنان کوتاه علی) را گزارش نموده است. نوزدهم) از جملهٔ (انما المرء فی الدنیا عرض تنتقل فیه المنایا) تا جملهٔ (العین حق والرقی حق) گزارش داده. بیستم) از جملهٔ (مقاربة الناس فی اخلاقهم) تا پایان نهج البلاغه (اذا احتشم المؤمن) گزارش داده وسپس هزار جمله از پند و اندرزها که در روزگار ابن ابی الحدید بعلی نسبت میداده‌اند ولی در روزگار رضی چنان شناخته نبوده آورده است.

ناسازگاریها که میان شرح ابن ابی الحدید و متن نهج البلاغه دیده میشود:

۱) بند ۱۲۱ ب در شرح ابن ابی الحدید خطبه‌یی جداگانه شناخته شده و با جملهٔ (ومن کلامه علیه السلام) آغاز، ولی در متن نهج، دنبالهٔ بند ۱۲۱ میباشد و با جملهٔ (ومنها...) آغاز یده.

۲) بند ۱۴۸ ج، در متن نهج البلاغة پیوست بند ۱۴۷ ب، آمده ولی در شرح ابن ابی الحدید، جدا شده و با جملهٔ (ومنها...) آغاز یده.

۳) ترتیب وجای بندها و خطبه‌ها در متن نهج با جای آن‌ها در شرح ابن ابی الحدید دگرگون است:

الف) بندهای ۱۸۳ تا ۱۹۰ نهج، در شرح ابن أبی الحدید، میان بندهای ۲۳۳ و ۲۳۴ نهاده شده است.

ب) بند ۲۳۸ نهج البلاغه نیز پس از بند ۱۹۰ نهاده شده.

ج) بند ۲۳۹ که آخرین بخش یکم نهج البلاغه است، پس از از بند ۲۱۸ نهاده شده است.

۴) بسیاری از واژه‌ها وجمله‌ها در متن نهج البلاغه امروز با آنچه در شرح ابن ابی الحدید دیده میشود دگرگون است.

این ناسازگاری ها میرسانند که نسخهٔ نهج البلاغه که در سدهٔ هفتم بدست ابن ابی الحدید بوده با نهج البلاغهٔ امروزی فرقهائی داشته است.

چاپهای شرح ابن أبی الحدید:

تهران در دو بخش بسال ۱۲۷۰-۱ ق؛

مصر در دو بخش بسال ۱۲۸۱ ق.

مصر چاپخانه میمنیه. بسال ۱۲۹۰ ق در دو بخش.

مصر در ۲۰ بخش بسال ۱۳۳۱ ق.

مصر ۲۰ بخش را در چهار جلد بسال ۱۳۳۹ ق.

برخی از کارها که دربارهٔ ابن ابی الحدید انجام یافته:

۱) شمس پسر محمد پسر مراد بسال (۱۰۱۳ ق) شرح ابن ابی الحدید را بفارسی گردانیده و بر آن افزوده است. عبدالله افندی در ریاض العلماء گفته است که شمس بدستور درویش پسر مظفر ودر روزگار شاه سلیمان (۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق) شرح ابن ابی الحدید را ترجمه کرد. ولی از نسخهٔ این ترجمه که بخط نگارندهٔ آنست، واز کتابخانهٔ محتشم السلطنه اسفندیاری بکتابخانهٔ مجلس آمده، تاریخ نگارش (۱۰۱۳ ق) ونام نگارنده درست آشکار است (۱)

۲) سلطان محمود پسر غلام علی طبسی شاگرد مجلسی (۲) شرح ابن ابی الحدید را کوتاه کرده است (۳)

۳) فخر الدین عبدالله پسر مؤید بالله، نیز آنرا کوتاه کرده «العقد النضید» یا «الدر النضید المستخرج من شرح ابن ابی الحدید» نامیده است و نسخهٔ نوشتهٔ (۱۰۸۰ ق) آن در مجلس هست (۴)

۴) سید هاشم بحرینی (م-۱۱۰۷ ق) نیز کتابی بنام سلاسل الحدید نگاشته

---

۱) فهرست سپهسالار ج ۲ ص ۱۳۰ وذریعه ج ۴ ص ۱۰۹.

۲) از مجلسی دوم بتاریخ (ج ۱ - ۱۰۹۶) اجازت دارد. ذریعه ج ۱: ۱۵۱ دیده شود.

۳) آمل الامل ج ۲ و ذریعه: ۱: ۹۴.

۴) فهرست مجلس ج ۱-ص ۱۶۷.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

وستایشهائی را که ابن ابی الحدید از علی (ع) دراین شرح نموده در آن کتاب گرد آورده است.

۵) شیخ یوسف بحرینی صاحب حدائق (م-۱۱۸۸ ق) پاسخی بر ابن ابی الحدید نگاشته، و آنرا «سلاسل الحدید فی تقیید ابن ابی الحدید» نامیده است.

۶) حاج نصرالله پسر آخوند ملا لطفعلی دزفولی (۱) در روزگار ناصرالدین شاه قاجار آنرا بفارسی گردانیده و «مظهر البینات» نامیده که جای گفتگوی ما است. وی در برخی از جاها جملهٔ (ومظهر الدلالات) و در برخی جاها جملهٔ (ومظهر الایات) را بنام کتاب افزوده است. روش او دراین ترجمه چنانست که متن نهج البلاغه را بی ترجمه مینویسد وسپس گفتار ابن ابی الحدید را واژه بواژه بفارسی میگرداند. وهر گاه بخواهد از خود چیزی بیفزاید با واژهٔ (اقول — میگویم) آغاز و بواژه (انتهی — پایان یافت) پایان میدهد. وی کتابرا در چهار جلد نگاشته وپنج بخش ازشرح ابن ابی الحدید را در یك جلدجای داده وبرای هر جلد دیباچه‌ئی نگاشته‌است.

درپایان کتاب، چگونگی نگارش این ترجمه چنین آمده است:

درجمادی یکم سال ۱۲۷۸ ق برابر جملهٔ (یاقاهر المضلین) ناصرالدین شاه دستوردادواو بکار آغاز کرد. وچهارده سال بیرون از شهر تهران در آن کار کرد تا در ۱۲۹۲ ق برابر واژهٔ (ارمغان) آنرا بپایان رسانید و بتهران آورد. ناصرالدین شاه، بمعزالدوله فرماندار خوزستان (عربستان) دستور داد وسایل تصحیح وپاکنویس آنرا فراهم سازد، وی یك نویسنده دراختیار نگارنده گزارد واو تا دو سال آنرا پاکنویس کرد، و درجمادی دوم سال ۱۲۹۵ ق برابر جملهٔ (یامظهر الحق) وجملهٔ (الم ذلك الکتاب) پاکنویس آن را به پایان رسانیده است.

و نیز در دیباچهٔ بخش ششم که آغاز جلد دوم کتاب است همین گفتگو را

۱) گ ۶ ب نسخهٔ شمارهٔ ۸۸ اینکتابخانه دیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

نقل از دیباچهٔ جلد یکم آورده گوید: پدرازا کشیدن نگارش این کتاب تاچهارده سال این سود را داشت که بروزگار فرخندهٔ عم شهریار ..... معزالدوله [بهرام میرزا (۱)] رسید. ووی درپاکنویس آن کوشش بسیار نمود.

نگارنده دراین دیباچه گوید من از شاه دستور داشتم که امانت در ترجمه را بدرستی نگاهدارم، و برای اینستکه آنرا واژه بواژه بفارسی گردانیدم، تا آنجا که (ضمیر شأن وقصه)، و (لام ابتداء) را نیز ترجمه کرده‌ام. ولی باید گفت پوزش او پذیرفتنی نیست، زیرا که وی پیش از آنکه بخواهد به پیروی از دستور، امانت دار باشد، پرورش یافتهٔ روش ترجمه‌های روحانیان روزگار صفوی وقاجار بوده است، وگرنه او میتوانست بهتر از این بنگارد وامانت را نیز نگاهدارد. او دیباچه های خودرا نیز باهمین سبك نگاشته است.

اینك آغاز وانجام بخشهای این کتاب: بخشهای یك ودو در نسخهٔ دانشگاه نیست.

آغاز بخش سوم: نیز افتاده است.

انجام آن: وصلوات بر بهترین خلق او سیدنا محمد و آله الطاهرین. واین است آخر جزو سوم، و درعقب اوست جزو چهارم.

آغاز بخش چهارم: بسم الله... حمد از برای خداوندیگانه عادل وحکیم است... الاصل: ومنها فی ذکر یوم النحر...

انجام آن: پس دانستم که هلاك نمیشود مگر بآب. و این بود آخر جزو چهارم...

آغاز بخش پنجم: وحمد مخصوص پروردگار عالمین است... الاصل: و قال علیه السلام لما عزم علی حرب الخوارج...

۱) نام بهرام میرزا بخط متن نیست. نویسنده جای آنرا سفید گذارد تا با زر بنویسد، ولی نتوانسته، وسپس کسی دیگر آنرا نوشته است. برگ ۶ ب نسخهٔ شمارهٔ ۸۸ دیده شود.

انجام آن : افتاده

آغاز دیباچهٔ بخش ششم : بسم‌الله . . . الحمدلله . . . اما بعد پس معروض میدارد احقر خدام شریعت . . .

آغاز شرح : الحمدلله . . . الاصل ومن کلام له فی معنی الانصار . قالوا . . .

انجام : وشبیه است امر و بعضی از نیکی اورا . این بود جزو ششم .

آغاز بخش هفتم : بسم‌الله . . . الحمدلله الواحدالعدل. الاصل : فلما مهدارضه . . . الشرح : مهدارضه یعنی صالح و مستوی . . .

انجام آن : افتاده.

آغاز بخش هشتم : افتاده

انجام آن : وهمین مغیرة بن أخنس کشته شد باعثمان در یوم‌الدار . وبتحقیق که ماذکر کردیم مقتل اورا درسابق . واین بود جزو هشتم از نهج‌البلاغة.

آغاز بخش نهم : حمد مخصوص بیکتائیست عادل ، و بدانکه . . .

انجام آن : وخدای تعالی درپناه خود دارد ماراازآن عقوبات . این بود آخر جزو نهم از شرح نهج‌البلاغة.

آغاز بخش دهم : الاصل : ومن کلام له . . . فی معنی طلحة بن عبدالله : قد کنت وماأهددبالحرب...

انجام آن : کافی است وتیکوو کلی . واقول تمام شد ترجمهٔ جزوه دهم درروز نصفهٔ شهررجب‌المرجب سنهٔ ١٢٨٨ ...

نسخهٔ دانشگاه بخشهای یازده تا پانزده را که جلد سوم ترجمه است ندارد

آغاز بخش شانزدهم : افتاده است .

انجام آن : واستشهاد کرده است بدخول لام امر برصیغهای حاضره. انتهی. تمام شد جزو شانزدهم .

آغاز بخش هفدهم : الاصل : ومن کتاب له الی بعض عماله امابعد . . .

انجام آن : تاآنکه اسلام را اختیار نمود در موضع معروف بجعرانه .

آغاز بخش هجدهم : وگفته است واقدی آنکه گریخت هبیرة بن ابی‌طالب ...

انجام آن : وگفته‌ام من آنکه ... کاشف است از آنکار امیرالمؤمنین بیعت ابی‌بکر را... و این بود آخر جزو هجدهم و درعقب اواست جزو نوزدهم.

آغاز بخش نوزهم ، الاصل : انماالمرؤفی‌الدنیا غرض ... الشرح بتحقیق که سبقت گرفت قدر بسیاری ...

انجام آن ؛ بلکه صورت روحانی بود یا ازاجنه.

آغاز بخش بیستم : وقال علیه‌السلام مقاربة‌الناس فی اخلاقهم أمن من غوائلهم الشرح : وبسوی این معنی ...

انجام آن: وهوولی‌التوفیق . پس تمام شد این مصنف .... وسپس دوصفحه در چگونگی نگارش این ترجمه نگاشته است .

جای هریك از بخشهای بیستگانهٔ ترجمهٔ شرح ابن ابی‌الحدید در کتابخانهٔ دانشگاه تهران .

بخش یکم : در نسخهٔ کتابخانهٔ دانشگاه نیست .

بخش دوم : در نسخهٔ دانشگاه نیست .

بخش سوم : گ ١-٦ نسخهٔ شمارهٔ ١٠٩٨.

بخش چهارم : گ ٦-٨٢ نسخهٔ شمارهٔ ١٠٩٨.

بخش پنجم : گ ٨٢-١٤٧ نسخهٔ شمارهٔ ١٠٩٨.

بخش ششم : گ ١-١٠٩ نسخهٔ ٨٨.

بخش هفتم : گ ١٠٩-١٤٦ نسخهٔ ٨٨.

بخش هشتم : گ ١-٨٠ نسخهٔ ٩٠.

بخش نهم : گ ٨١-٢٢٥ نسخهٔ ٩٠.

بخش دهم در نسخهٔ ٩١.

بخش یازدهم ـ در کتابخانهٔ دانشگاه نیست .

بخش دوازدهم : نیزدر کتابخانهٔ دانشگاه نیست

بخش سیزدهم : نیز در این کتابخانه نیست .

بخش چهاردهم : نیزدراینجا نیست .

بخش پانزدهم : نیزدراینجانیست .

بخش شانزدهم : گ : ٤-۱۳۲ نسخهٔ شمارهٔ ۹۲ .

بخش هفدهم : گ ۱۳۲-۲٦۱ نسخهٔ شمارهٔ ۹۲.

بخش هجدهم : در نسخهٔ ۸۹

بخش نوزدهم گ ۱-۹۷ نسخهٔ ۱۰۹۹

بخش بیستم : گ ۹۷ - ۲۰۵ نسخهٔ ۱۰۹۹

[۸۱]

این جلد بخشهای سه وچهار وپنج شرح نهج‌البلاغه را در بردارد که بند های ٤٤ تا ٦٤ باب یکم نهج‌البلاغه در آنها گزارش شده . بخش سوم این نسخه ناقص است وازبند ٥١ ببعد درآن‌دربرگهای (۱ تا ٦) دیده میشود . بخش چهارم درست است (گ ٦ تا ۸۲) و بخش پنجم در برگهای (۸۲ تا ۱٤۷) نیز ناقص مانده ویك برگ ازپایانش افتاده است . خط نسخ . نام نویسنده وتاریخ ندارد ولی پیداست که نویسندهٔ نسخهٔ شمارهٔ ۹۱ آن را در تاریخ (۹۳ تا ۱۲۹٥ ق) نوشته است.صفحهٔ بعد دیده‌شود.

روی جمله های متن خط شنگرفی کشیده . نسخه پاکنویس اصل است . بدست نگارنده تصحیح‌شده، خط و مهروی در کناره ها دیده میشود،مهر او چهار گوش ۱٥×۲۱میلیمتراست، واین‌جمله روی‌آن دیده میشود: (لااله‌الاالله الملك‌الحق المبین عبده نصرالله) . این‌جلد پیشتر دنبال‌جلدشمارهٔ (۸۸)بود وماآنرا جدا کردیم‌وبرگ شمارجدا برایش‌نوشتیم.

همهٔ دفتر(۱٤۷ برگ) کاغذ فرنگی‌سفید . جلدندارد .
اندازه : ۳۱×۲۲ و٥ر۱۳×٥ر۲۲ : ۳۰ سطر

[۸۲]

این مجلد دوبخش ششم (برگهای ۱ تا ۱۰۹) وهفتم (برگهای ۱۰۹ تا ۱٤٦) شرح ابن‌ابی‌الحدید، یعنی بند های ٦٥ تا ۱۲۱ باب‌یکم نهج‌البلاغه

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

را دربرداشته، ولی اکنون۱۸ بنداز پایان بخش‌هفتم افتاده، وتابند ۱۰۳ دربرگ۱٤٦ بجا مانده است .

نسخه پاکنویس‌اصل، دارای دستخط ومهر نگارنده. نام نویسنده وتاریخ ندارد ولیکن‌پیداست که‌نویسندهٔ‌نسخهٔ شمارهٔ (۹۱) اسداله پسرمرحوم‌مهدی‌انصاری دزفولی در(۹۳تا۱۲۹٥ق)آنرا نوشته است .

خط متن را درشت وبنسخ نوشته وروی آن خط شنگرف کشیده است .
(۱۳٦ برگ) کاغذ فرنگی سفید . جلد مقوا. ته پارچه.
اندازه ۳۱×۲۲ و ٥ر۱۲×٥ر۲٤ ۳۰ سطر

[۸۳]

این جلد بخشهای هشتم (دربرگهای ۱-۸۰) ونهم (دربرگهای۸۱-۲۲٥) شرح نهج‌البلاغه (جزبند های ۱۲۲ تا ۱۷۱ باب یکم نهج‌البلاغه) را دربر دارد ولی یك برگ ازآغاز بخش هشتم افتاده است . خط نسخ . نام نویسنده‌وتاریخ ندارد. ولیکن‌پیداست که‌همان نویسندهٔ نسخهٔ (شمارهٔ ۹۲) اسدالله پسرمهدی در(۹۳ تا ۱۲۹٥ ق) آنرا نوشته است . خط متن درشت و روی آن خط شنگرفی کشیده . نسخه پاکنویس و بدست نگارنده‌اش تصحیح شده. خط ومهر او در کناره ها دیده می‌شود .

(۲۱٥ برگ)کاغذ فرنگی سفید. جلد مقوی. ته پارچه.
اندازه ۳۱×۲۲ و ٥ر۱۳×٥ر۲۰ ۳۰ سطر.

[۸٤]

این جلد بخش دهم شرح ابن‌ابی‌الحدید را دربردارد که ازبند ۱۷۲ تا۲۰۰ باب یکم نهج‌البلاغه را گزارش داده است . نسخه درست وپاکنویس اصل است . بدست نگارنده تصحیح شده خط و مهر اودر کناره ها دیده میشود . . نویسنده اسدالله پسرمرحوم مهدی انصاری است . تاریخ ندارد ، ولی تاریخ دستخط نگارنده (گ ۱۰٦ — الف این‌مجلد) ۹ ذی‌قعده سال ۱۲۹۳ ق میباشد وتاریخ دستخط وی‌درپایان‌جلد چهارم (برگ۲۷۱ب‌نسخه شمارهٔ۸۹ این کتابخانه) سال ۱۲۹٥ق‌ برابر جملهٔ یا مظهرالحق می‌باشد . روی جمله های متن خط شنگرفی کشیده است .
(۱۰٦ برگ)کاغذ فرنگی سفیدجلد مقوا. ته‌پارچه.
اندازه : ۳۱×۲۲ و۲ر۱۰×۲٥ ، ۳۰سطر.

[۸٥]

این جلد بخشهای ۱٦ و۱۷ شرح ابن‌ابی‌الحدید رادربردارد، که درآن بند های ۲۹ تا ٦٤ باب دوم نهج‌البلاغه شرح شده است . آغاز بخش ۱٦ این

نسخه ناقص است و از بند ۳۱ ببعد باقی مانده است. بخش ۱۷ درست است (گ ۱۳۲ـ۲٦۱). نام نویسنده و تاریخ ندارد، ولی پیداست که همان نویسندهٔ نسخهٔ شمارهٔ ۹۱ آنرا در تاریخ (۹۳ تا ۱۲۹۵ق) نوشته. نسخه با کنویس اصل است. و بدست نگارنده تصحیح شده. خط و مهر وی در کنارههای آن دیده میشود. روی جمله های متن خط شنگرفی کشیده است

(۲٦۱ برگ) به برگ آغاز سفیداست کاغذ فرنگی سفید، جلد مقوی. لهٔپارچه.
اندازه: ۳۱×۲۲ و ۲۵×۱۳، ۳۰ سطر.

[۸٦]

این جلد بخش ۱۸ شرح ابن ابی الحدید را در بر دارد، که بندهای ٦۵ تا ۷۹ پایان باب دوم و اندکی از آغاز باب سوم نهج البلاغه در آن شرح شده است. این بخش ۱۸ درچند جلد دیگر پراکنده بود: (گ ۱ تا ۸) در یك جا بود، و (۱۰ـ۲٦) درجای دیگر و (گ ۲۷ـ۹۳) درجای دیگر بود، من آنها را در این مجلد گرد هم آوردم. خط نسخ. نام نویسنده و تاریخ ندارد. ولی پیداست که همان نویسندهٔ نسخهٔ شمارهٔ ۹۱ اسدالله پسر مهدی انصاری در سالهای ۹۳ تا ۱۲۹۵ق آنرا نوشته است. میان برگهای ۲٦ و ۲۷ افتادگی دارد. نسخه پاکنویس اصل است. نگارندهاش آن را تصحیح کرده. خط و مهر او در کناره دیده میشود. روی متن نهج البلاغه خط شنگرف کشیده است.

(۹۳ برگ) کاغذ فرنگی سفید، جلد ادارهٔ.
اندازه: ۳۱×۲۱ و ۱۳×۲۴۵، ۳۰ سطر.

[۸۷]

این جلد بخش های ۱۹ و ۲۰ شرح نهج البلاغه را درست در بردارد. بخش ۱۹ در برگهای (۱ـ۹۷) بخش ۲۰ در برگ های (۹۷ـ۲۰۵). بیشتر اندکی از بخش ۱۸ در آغاز این مجلد بود و کتابخانه آنرا با باقی بخش ۱۸ یکجا نهاده شماره ویژه داد. خط نسخ. نام نویسنده و تاریخ ندارد، و لیکن پیداست که همان نویسندهٔ نسخهٔ شمارهٔ ۹۱ اسدالله پسر مهدی آنرا در سالهای (۹۳ تا ۱۲۹۵ق) نوشته است. نسخهٔ پاکنویس و نگارندهاش آنرا تصحیح کرده. خط و مهر او در کناره ها دیده میشود. روی جمله های متن نهج البلاغه خط شنگرف کشیده است.

(۲۰۵ برگ) کاغذ فرنگی سفید. جلد مقوی. لهٔپارچه.
اندازه: ۳۱×۲۱ و ۱۳×۲۲، ۳۰ سطر.

[۸۷] **منتخب التماثیل** (فارسی)

داستانها و افسانههای مذهبی و تاریخی در آن گرد آمده است. در دیباچهٔ آن گوید: من علی اکبر پسر عبد علی کرمانی که از میهن خود بشهر کرمانشاه افتاده، گرفتارزن و فرزند بودم در هنگام بیکاری بگرد آوردن و نگارش کتاب منتخب نور العیون (۱) و این کتاب منتخب التماثیل که از پند و موعظه خالی نیست پرداختم. نسخهٔ این کتاب بدست نگارندهاش در تاریخ ۱۲٦۹ ق نوشته شده است.

از دانشمندان کرمان در سدهٔ سیزدهم چند تن نام علی اکبر دارند:

۱ـ علی اکبر زرندی کرمانی که در تاریخ ۱٦ ـ ع ۱ ـ ۱۳۲۲ق فهرستی بر مجالس المؤمنین چ تهران ۱۲۹۹ ق در (۱۰ ص) نگاشته و گزارش زندگی قاضی نورالله را از روضات در آغاز آن نهاده (نسخه نزد آقای سید محمد هاشمی کرمانی در تهران است).

۲ـ ملاعلی اکبر کرمانی پیشنماز مسجد جامع کرمان (م ـ ۱۳۲۱ق) (۲)

۳ـ علی اکبر کرمانی، که در تاریخ کرمان احمد علی خان از دانشمندان آغاز سدهٔ سیزدهم شناخته شده.

٤ـ علی اکبر زمان (۳) دانشمندی که در ۱۲۵٤ ق از کرمان بیزد تبعید شد و از آنجا بتهران و مشهد رفت و در اینجا در ۱۲۷۵ق در گذشت، و گویند دولت او را مسموم کرد (٤).

۵ـ علی اکبر کرمانی که بحاج واعظ نامبردار بوده، و پسرش

(۱) جلد سوم این فهرست ص ٦۳۰ دیده شود
(۲) از یادداشت های آقای سید محمد هاشمی کرمانی در تهران.
(۳) پسر زمان: چنین است در اصطلاح مردم کرمان.
(٤) تاریخ بیداری ایرانیان ناظم الاسلام کرمانی ص ۵ چ تهران ۱۳۲۵ ق و گویا همین مرد است که بدستور او (ذکرا) و (قواعد) شهید در تهران سال (۱۲۷۲ق) چاپ شده است.

محمد حسین در پایان سدهٔ سیزدهم در سامرا، شاگرد میرزا حسن شیرازی بوده است (۱).

نگارندهٔ منتخب التمائیل که شاید (۲) سین ایشان باشد، در این کتاب که بخامهٔ خود اوست غلط املائی بسیار دارد. در پایان کتاب نامهٔ امیر معصوم جان بیگی (۳) فرمانفرمای ماوراء النهر را که در تاریخ شعبان هزار و دویست و دو هجری برای مجتهدان و خانهای خراسان نگاشته، آورده است. و سپس پاسخی را که آقا محمد رفیع پسر عبدالوهاب، بدستور امیر محمدخان بدو فرستاده، آورده است، ولی پاسخ را بپایان نرسانیده است. نامه آن سنی و پاسخ این شیعی پر است از ناسزا گوئیهای مذهبی، و تهدید بکشتارهای دسته جمعی، و ویران کردن شهرها و جز آن.

آغاز: سپاس بی حد و ستایش بی عدد، بی مثلی را سزاست...

[۸۸]

۸۹۸ نسخهٔ بخط نسخ و نستعلیق ریز و بد. بخامهٔ نگارندهٔ کتاب علی اکبر پسر عبد علی کرمانی است. کتابچهٔ سوم دفتری است که چنین بسیج شده:

الف - آب حیات بزرك محمد جعفر استرآبادی (گ ۱-۳٤) بتاریخ ۱۸ - ع ۲ - ۱۲۶۸ ق بخامه علی اکبر کرمانی نوشته شده.

ب - منتخب نور العیون از همین علی اکبر کرمانی بخامهٔ خود وی در تاریخ ۲٤ ج ۲

(۱) ذریعه ج ٤ : ۲۰۳.

(۲) در پایان نسخهٔ دانشگاه (جای گفتگو) بخامهٔ همین علی اکبر چند مجلس روضه خوانی و چندین بیت نوحه سرائی نوشته شده است. و نیز از انشای اینکتاب پیداست که نگارنده‌اش روضه خوان و واعظ بوده.

(۳) این مرد همان امیر معصوم ملقب بشاه مردان و مشهور بجان بیگی است که سرجان ملکم در پایان باب بیستم تاریخ خود (چ بمبئی - ۱۳۲۳ ق ج ۲ ص ۱۳۲) گزارش زندگی او را آورده است.

۱۲۶۸ ق نوشته شده (گ ۳٤-۱۱۳).

ج - منتخب التمائیل (جای گفتگو) بخط نگارنده‌اش نوشته شده ولی تاریخ ندارد (گ ۱۱٤-۱۷۶).

د - جواهر الاخبار که آن نیز بخامهٔ همین علی اکبر است و بتاریخ (۱۲٤۸ ق نوشته شده (گ ۱۸۶-۲۲۶).

ه - چند مجلس وعظ و روضه خوانی برای حسین بن علی (ع) بخامهٔ همین علی اکبر کرمانی (گ ۲۲۸-۲۳۰).

عنوانها را با خامهٔ درشت و سیاه نوشته و روی آن خط شنگرفی کشیده است. اندکی حاشیه نیز بر کرانه‌هایش نوشته شده.

همهٔ دفتر ۲۳۰ برگ این کتابچه ۶۳ برگ. کاغذ فرنگی آهار مهره شده. جلد تیماج مشکی ضربی عطف آبی.

اندازه: ۱۵×۲۱ و ۱۰×۱٦ : ۲۱ سطر بز

[۷۹] منتخب الجواهر العلیة

(فارسی)

سخنان کوتاه پند و اندرز را گرد آورده و بعلی (ع) نسبت داده است. نگارنده در دیباچه خود را علی بغدادی شناسانده، و نام کتابهای الواحدة، کشف الغمة، نهج البلاغة، الفصول المهمة، را آورده، و شماره سخنانیرا که گرد آورده، هزار و دویست تعیین کرده، ولی کمتر مینماید. در این کتاب سخنان را بترتیب حرف آغاز آنها بسیجیده و برای هر یك از ۲۸ حرف بابی ساخته، و ترتیب درونی هر باب حرف دوم نمی باشد بلکه واژه‌های این باب را همان طور که در (ص ۱۶۱) در غرر الحکم دیدیم دسته بندی کرده است. نسخه‌ئی از این کتاب در کتابخانهٔ رضوی (طوس) هست و در جلد پنجم فهرست (ص ۱۸۲) شناسانیده شده است.

در ذریعه ج ٥ - ص ۲۷۳ گوید علی بغدادی الجواهر العلیه فی الکلمات العلویة را نخست بعنوان دنبالهٔ کتاب غرر و درر آمدی نگاشته و سپس خود آنرا کوتاه کرده و منتخب الجواهر نامیده است. نگارنده در دیباچه گوید واژه های دشوار را تفسیر کردهام، ولی وی این کار را در حاشیه نموده نه در متن.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

آغاز: الحمدلله الذی انطق لسان‌خاتم النبوة ومظهرها . . .
انجام: یطلبك‌رزقك اشدمن طلبك‌له، فاجمل فی‌الطلب.

[۸۹]

۲۱۷ نسخه خط نسخ . نام نویسنده‌سیف‌الدین محمود . تاریخ ندارد ولی پیش از ۱۱۹۵ ق نوشته شده . این تاریخ درپشت نخستین برگ دیده‌میشود کتاب ازبرگ ۳ آغاز میشود.

عنوانها با شنگرف. آب وهوای هندکاغذ آنرا پوسانده دربرك ۱و۲ داروهای کرم‌هندی نوشته‌شده

درنخستین صفحه یك غزل معمی چنین‌آمده است:

دوش پیش از صبحدم آشفته خوابی دیده‌ام
آتشی افروخته در برج آبی دیده ام

تاآنجا که:

عاقلان تعبیر خواب شمس بشکا بی کنید
زانکه‌بنده هم بنوبت‌شیخ وشابی دیده‌ام

(۱۰۹ برگ) کاغذ نخدی رنك . تیماج قهوه‌ئی‌فرسوده.
اندازه: ۱۲×۱۸و۷ × ۱۳ ، ۱۴سطر.

[۸۰] منتخب حدیقة‌الحقیقة (فارسی)

حدیقة‌الحقیقةوشریعةالطریقة مثنوی‌است(۱) عرفانی وفارسی ببحرخفیف که فخری‌نامه نیزنامیده شود . سرآینده‌آن ابوالمجد مجدود سنائی (ز ۴٦٤ – م ۵۲۵) است که اندکی‌ازگزارش‌زندگیش در(ص۵۵ – ٦۱) این مجلد گذشت شمارهٔ شعرهای حدیقه درنسخه ها گونان میباشد، وسبب آنست که چون‌سنائی حدیقه را بسرود، ناساز گاری افکار صوفیانه باعقاید خشك مذهبی و همچنین

(۱) آنچه دراینجا دربارهٔ حدیقه‌آورده‌ام ترجمه ایست ازآنچه پدرم درذریعه (ج٦ ص۳۸۲) آورده وآنچه خودم درذریعه افزوده‌ام . واندکی نیزاز منبرکهاکه در ص ٦۱ یاد کرده‌ام دراینجا افزوده‌ام.

ستایشها که ازخاندان علی درآن بود سنیان غزنین را واداشت تابرعلیه او داد خواهی کنند، وبهرامشاه غزنوی باهمه دوستی که با سنائی داشت اورا بزندان افکند . سنائی ناچار حدیقه را تا آنجا که بچشم سنیان مذهبی بد نباشد کوتاه کرد، و نسخهٔ کوتاه شده را با یك نامهٔ منظوم برای برهان‌الدین ابوالحسن علی پسر ناصرغزنوی که به بریان نامبردار بود ببغداد فرستاد، و نامهٔ دیگر بنثر برای بهرامشاه نگاشت وازسنیان‌غزنین شکایت نمود، وسپس بارد گراز حدیقه ۱۰۰٦ بیت بشمار نامهای خداگزین کرد، ودرتاریخ این کارخود گوید:

بود نیمی گذشته از مرداد
که ازاین گفته‌ها بدادم داد

برترین نسخه های حدیقه آنست که شاگرد او محمد پسرعلی رفا پس از مرگ سنائی وبدستور بهرامشاه غزنوی فراهم‌آورده و پاکنویس کرده و یك پیش گفتار برآن‌افزوده. این حدیقه ده هزار بیت در ده باب دارد، سنائی آنرا درسیزده ماه (ازآذر ۵۲٤ تا دیماه ۵۲۵) سروده ودربارهٔ تاریخ آن گوید:

شد تمام این کتاب درمه دی
که در آذر فکندم آنرا پی
پانصدو بیست و چار رفته زعام
پانصد و بیست و پنج گشت تمام

همهٔ حدیقه بسال۱۲۷۵ق = ۱۸۵۹م‌دربمبئی‌چاپ‌سنگ‌شده، وسپس‌بسال ۱۳۰٤ = ق ۱۷۸٦م بالطائف‌الحقائق عبداللطیف عباسی بچاپ سنگی در هند پخش‌شده و (۱۱٤٦۰ بیت) دارد . ونیز یك‌چهارم آن بنام طریقهٔ علائی توسط علاءالدین‌خانصاحب فرماندارلوهاور (هند) بسال ۱۲۹۰ ق = ۱۸۷۳ م در آن شهر چاپ سنگ شده و نیز در سال ۱۳۱٦ق منتخب دوم (الهی نامه ۱۰۰۱بیتی) درتهران بکوشش علی‌نقی مؤتمن بنام «لطیفةالعرفان» چاپ شده، و نیز باب یکم حدیقه باترجمهٔ انگلیسی ازمازور استفانسون(۱) بسال ۱۹۱۰ چاپ‌سربی گردیده است . وپسین چاپ آن درتهران با کوشش وتصحیح آقای محمد تقی مدرس رضوی بسال (۱۳۲۹) انجام یافته است

نسخهٔ جای گفتگو حدیقهٔ هزار بیتی است . ولی این نسخه ۱۰۱۷ بیت دارد.

(1) Maguor g. stephenson

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

[۹۰]

۱۰۴ نسخه بخط نستعلیق بسیار خوب، نویسنده محمد شفیع وصال شیرازی(۱) است که در تاریخ جمادی یکم سال ۱۲۵۵ ق آنرا نوشته. در همهٔ صفحه‌ها متن از حاشیه جدا است متن از کاغذ سفید بوده و حاشیه از کاغذ نخودی بآن افزوده شده، و بازرناب جدول بندی گردیده است. دارای یك سرلوح از لاژورد، زر، شنگرف و سبزی «ك ۱ ـ ب» چهاررویهٔ «۱ ـ ب» و «۲ ـ الف» و «۲۹ ـ الف» و «۳۹ ـ ب» زرافشانی شده. دارای پنج کلیچهٔ سر نامه در ك ۱ و ۲ و ۳۹. جای عنوانها را سفید گذارده تا بعد نویسد ولی انجام نداده است. برگ شمار نداشته ولی در پائین رویه‌های دست راست نشان رو به دست چپ نهاده شده.

در آغاز نسخه صورت مرحوم وصال در یك مجلس نشسته و غلام سیاهی غلیان بدست در پشت سروی ایستاده، با تاریخ ۱۲۶۷ ق دیده میشود.

نسخهٔ در یك پوشه تیماج سبز دردار، جای گرفته است.

گرچه بسیار دیده تألیف — هیچ دیدی چنین ظریف تصنیف
گر بپرسیت این عقیده و مذهب — هم بدین جمله دارم یارب
بر و همی گذشته از مرداد — که ازین گفته‌ها بداد و داد
پانصد و بیست و چار رفته ز عام — پانصد و بیست و پنج گشته تمام

باد بر مصطفی درود و سلام
ابد الدهر صد هزاران عام

کتبه العبد العاصی محمد شفیع متخلص بوصال الشیرازی غفر ذنوبه
فی شهر جمادی الاولی سنه هزار و دویست و پنجاه و پنج هجری

(۱) گزارش زندگی وی در (ص ۱۶۷) این جلد دیده شود.



صورت وصال شیرازی

تصویر مرحوم وصال شیرازی شاعر وخوشنویس بقلم لطفعلیخان نقاش (از آقای دکتر صورتگر استاد دانشگاه) یك بیت شعر که روی کتابی که در دست وصال است نوشته شده از طبع خود او و بخط خود وی است.

میان صفحه‌های ۲۷۰ و ۲۷۱

(۵۱ برگ) کاغذ متن سفید آهار مهره – حاشیه نخدی فرنگی – جلد تیماج مشکی سوخت زرکوب درون رویه گل بوته آبی.

اندازه: ۳۰×۲۹و۲۰×۵ر۱۷، ۱۱ سطر.

[۸۱] منتخب شعر نظامی گنجوی (فارسی)۱

این کتاب همانطور که روی آن نوشته‌اند «اخلاق نظامی» کتابی اخلاقی است، وسی پنج باب دارد و درهریك از آنها از کتابهای پنجگانه نظامی شعر هائی بدین ترتیب گردآورده است: باب توحید، باب نعت پیغمبر، باب راستی، شکیبائی، روزی، قناعت، فال نیك، پند ویژه، پندهمگانی، هیبت‌شاهان، صفت دولت، پناه بتوانمندان، داد، وهمچنین تاپایان کتاب. گردآورنده این‌شعرها شناخته نیست.

آغاز: باب اول در توحید:

ای همه هستی زتو پیدا شده
خاك ضعیف از تو توانا شده

انجام: اعتمادی نمی‌کنم بر کس
بر خدا اعتماد دارم و بس

[۹۷]

۱٤۷ نسخه بخط نستعلیق بروش هندی. نام نویسندهٔ و تاریخ ندارد. عنوان ها با شنگرف روی برك نخست، مدیر کتابخانه خیام آقرا سید محمد مشکات دانشجوی دانشگاه تهران بسال ۱۳٦٦ ق هدیه کرده است.

(۴۰ برگ) کاغذ سمرقندی سفیدی آهار مهره شده، جلد مقوی تَه و برگردان تیماج قهوه‌ای.

اندازه: ۱۳×۵ر۲۰ ر۸، ۱۴ر۱۴ سطر.

[ ] منشآت میرزا مهدی‌خان منشی نادرشاه (فارسی)

میرزا محمد مهدی پسر محمد نصیراسترآبادی (۱) منشی نادرشاه افشار (ش ۱۱٤٥–۱۱٦۰) یکی ازنام آورترین نویسندگان سدهٔ یازدهم ایران است که

۱) وی دردیباچهٔ تاریخ نادری، خود وپدرخود را چنین نامیده است.

بمیرزا مهدی خان استرآبادی نامبردار شده است . وی در نگارش دنبالهٔ راه وصاف الحضرة وصاین‌الدین علی ترکه را پیموده ، نگارشهای وی اگرچه در پختگی و هنرنمائی شایان بررسی میباشد ولی باز هم از پیشینیان خود ساده‌تر نگاشته است .

بهار (۱) نگارشهای میرزا مهدی خان را بر سه بخش نموده :

الف – نثر بسیار پیچیده که دنبالهٔ روش جوینی ووصاف میباشد واین روش را در «درهٔ نادری» بکار برده است .

ب – نثر میانه . واین روش در «جهان گشا» دیده میشود ، که فقط در آغاز فصلها شیرین کاری ازخود نموده است .

ج – نثر ساده : درمنشآت پرا کنده خود این روش را بکار برده است .

میرزا مهدی خان با آنکه کتابهای کلاسیك چون درهٔ نادری و جهان گشا نگاشته که دربیشتر آموزشگاهها خوانده میشد وزبانزد بیشتر مردم بود، بازهم گزارش زندگیش فراموش شده است . ازآنچه خودش در «دره» و «جهانگشا» گفته که بگذاریم کهن ترین کسی که از وی یاد کرده سید علی حسن پسر محمد صدیق حسن هندی است اودرصبح گلشن (ن–۱۲۹۵) دوجا نام میرزا مهدی را آورده نخست در(حرف – ك) بعنوان کوکب دوم با اندك دگرگونی در (حرف – م) بعنوان مهدی خان منشی . ودر دومین بار هیچ یادی از تخلص کوکب نکرده است . سپس شمس سامی در قاموس الاعلام ترکی همین دو گزارش را درحرفهای (ك و م) بترکی ترجمه کرده و هیچ متوجه نشده است که وی را دردوجا آورده، تاریخ‌نگاران اروپائی مانند «ریو»(۲) ولکهارت(۳)

۱) سبك شناسی ج ۳ : ص۱۰۰ ، ۳۰۲ ، ۳۱۱ ، ۳۱۲ ، ۳۳۳ ، ۳۳۵ ، ۳۵۲

۲) فهرست ریو ص ۲۹۲ ج ۲

۳) «ص۲۹۲–۲۹۶» Nader Jhah L. Lokhart : B. A. PH. d.

نیز اورا بلقب کوکبی خوانده‌اند. ویك کتاب نیز بنام «انشاءالدرر» درهندوستان بنام کوکب چاپ شده است (۱) ولی گویا کوکب یا کوکبی لقب شاعریست که درهند بوده است ، چه نام میرزا مهدی خان در تذکره های فارسی در شمار شاعران نیامده آذربیگدلی در «آتشکده – ص۳۶۰» ومحمدصادق « نامی» در «گیتی گشا – ص ۳۲» آنجا که داستان سفارت مصطفی خان شاملو ومیرزا مهدی خان منشی نادر را (بسال ۱۱۶۰) بدربار عثمانی آورده‌اند، وهمچنین خود میرزا مهدی درسراسر «درهٔ نادری» و «تاریخ جهان گشای نادری» هیچگاه بلقب کوکب یا کوکبی اشارتی نکرده‌اند .

ازاین که بگذریم درفهرست مجلس (ج ۳ – ص۱۰۰) بنقل از گفتهٔ محمد علی تربیت که خود را نوادهٔ میرزا مهدی منشی نادر میدانسته ، آرد که چون میرزا مهدی خان برسم سفارت ببغداد رسید خبر مرگ نادر پخش شد، پس وی (بسال ۱۱۶۰) بتبریز باز گشته گوشه نشینی گزید ، وپس از اندکی بدرود زندگی گفت. ولی میدانیم میرزا مهدی منشی که در آذربایجان گوشه نشین شده است منشی محمد شاه قاجار بود نه منشی نادرشاه و شاید نیای محمد علی تربیت نیز همین مرد (میرزا مهدی خوبی منشی محمد شاه قاجار) باشد (۲).

تاریخ زایچهٔ میرزا مهدی و نیز آغاز منشی گری وی دانسته نیست ولی

۱) ذریعه ۲ : ۳۹۲ .

۲) شگفت است که نام این دومنشی ونام پدرشان یکی است، یکی استرآبادی منشی نادر ودیگری خوبی منشی محمد شاه بوده است .

هدایت در(مجمع الفصحاء ج ۲ ص ۴۳۹) دوم را میرزا مهدی خوئی پسر محمد نصیر خوانده گوید پدرش از بزرگان خوی ومنشی دولت شاه وخودش منشی محمد شاه قاجار بود ، میرزا طاهر دیباچه نگار منشی آقا خان نوری (صدراعظم ایران بسال ۱۲۶۸ ق) درگنج شایگان ؛ میرزا مهدی خوبی را درشمار ستایش گران آقاخان شمرده، گوید: اکنون شصت سال عمردارد و گوشه نشینی گزیده‌است. گنج شایگان در تهران بسال ۱۲۷۲ ق چاپ شده‌است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

چون استرآبادی است شاید که ازدستگاه فتح علی‌خان‌قاجار بدستگاه نادرراه یافته‌باشد.

ازمرگ وی نیز خبری نداریم جز اینکه در فهرست مجلس (۳ : ۱۰۰) از جهانگشا آرد که پس از (۱۱٦۱) در خراسان بدرود زندگی گفته ولکهارت گویدتا(۱۱۷۳ق) زنده‌بوده‌است. آثارمهدی‌خان‌منشی‌استرآبادی:

۱ ــ درهٔ نادری ـ چ ۱۲۸۱ ق ـ و ۱۲۷٤ ق تبریز ، و ۱۲۹۲ ق تهران ، و ۱۳۰۳ق بمبئی (۱)

۲ــ جهانگشای نادری ، یا تاریخ‌نادری (۲)، چ ۱۸٤۹ م= ۱۲٦۸ ق بمبئی و ۱۳۱۲ ق ایران ، ترجمهٔ فرانسهٔ این کتاب در پاریس ۱۷۷۰ م و انگلیسی در ۱۷۷۳ م درلندن بخش‌شده و گیدیوی آلمانی نیزآنرا ازفرانسه بآلمانی ترجمه کرده است (۳) نگارنده در دیباچهٔ آن خود را (طرازندهٔ این تاریخ بی‌نظیر محمدمهدی‌بن محمد نصیر) خوانده‌است.

۳ــمنشآت نادری ـ چاپشده(٤) این کتاب بسیار بزرگ بوده وپدرم‌صاحب ذریعه جلد پنجم آنرا درتهران دیده است ودر آن از منشآت امامقلی میرزا نقل کرده است(٥) . وقسمتی دیگراز منشآت او را در تهران ۱۲۸٥ ونیزدرضمن مخزن‌الانشاء (ص۲٤ــ۱۲٥) در۱۲۷۳ ق در تهران وقسمتی بنام « انشاءالدرر » دربمبئی چاپ شده است(٦)

---

۱) ذریعه ۸ . ۱۱۲.

۲)ذریعه ٤ . ۲٤۸ و٥ ، ۳۰۰.

۳) فهرست ریو ص ۱۹۲ ونادرشاه لکهارت ص ۲۹۲ ــ ۲۹٦ ،

L. Lokhart B. A. PH. D. London 1938

٤) ذریعه ۲ . ۳۹۲.

٥) ذریعه ۳ . ۱٦۹و۲ ، ۳۹٤.

٦)ذریعه۲:۳۹۲.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

٤ــمبانی‌اللغه یامبادی‌اللغه (۱) پیش گفتاریست که‌برای کتاب‌سنگلاخ‌در لغت ترك نگاشته ودر بمبئی بایك سرآغاز ازمستر‌واس بسال ۱۹۱۰ م‌چاپ‌شده است(۲) .

٥ ــ سنگلاخ درلغت ترك است . از دیباچهٔ آن چنین نماید : « که چون او (محمد مهدی غفرذنوبه) ازآغاز زندگی شعر میرعلی‌شیر نوائی را بررسی میکرده، برآن شده است که واژه‌های ترکی آنرا گردآوری و گزارش‌نماید، وگرچه پیش ازاو طالع هروی ، وفراغی ونذرعلی، ومیرزا عبدالجلیل نصیری کتابها دراین باره نگاشته‌اند ولیکن‌وی پیش ازایشان سخن را بدرازا کشاید واین کار بروز گاری که اووقایع نگارشاهنشاه ... نادرشاه افشار بوده‌است انجام یافت (۳) » واین کتابرا محمد خوئی برای عباس میرزا «م- ۱۲٤۹ ق» پسر فتحعلیشاه قاجار کوتاه کرده وخلاصهٔ عباسی نامیده‌است(٤).

بارهٔ ازمنشآت اودرپایان یك دفتر‌شمارهٔ ۹۳ دراین کتابخانه‌هست وجای گفتگوی ماست . وآن سه‌بخش‌است:

۱ــ گواهی‌نامه‌ئیست که درآغاز آن نام خود رایاد کرده است .

۲ــنامه‌ئی که‌ازجانب‌پادشاه برای‌سیدی‌مفیدشیخ‌الاسلام‌استرآبادنگاشته.

۳ــ ازجانب پادشاه برای میرسهراب‌بیگ وزیرهرات نگاشته .

[۹۲]

۹۳ نسخه بخط نستعلیق . نام نویسنده‌وتاریخ ندارد ولی‌درپایان دفتری جادارد که در۱۲٤٤ نوشته شده (برگ ۱۸۷ــ الف)

همهٔ دفتر(۱۸۹ برگ این‌کتابچه(۳برگ) . کاغذ وجلد در(ص۳۱۲و۳۳۹) یادشده است اندازه۱۱۰ × ۱۸و٦٫٥×۱۲٫٥ ۱٤:۱۲ سطر.

---

۱) درفهرست‌سپهسالار ۲ . ۲٦۹مبانی ودرلکهارت۲۹۲ــ۲۹٦ مبادی آمده‌است.

۲) فهرست چاپیهای بریتش موزیوم زیرعنوان مهدیخان

۳) نسخهٔ مجلس بشمارهٔ ۸٦۰ دیده شود ونیزفهرست آنجا (۳، ۹۹) .

٤) نسخهٔ مجلس بشمارهٔ ۸٥٥ وفهرست آن کتابخانه ج۳ . ۱۱۱.

[۸۳] منشآت متفرقه (فارسی و عربی و ترکی)

این دفتر دارای بخشهای گوناگون بترتیب زیر میباشد :

۱- رسالهٔ شوقیه :

سی و هفت نامه شوقی و تهنیت و سپاس گزاری است. در آغاز آن نام نگارنده را ندارد ولی در پایان شش سطر دیده میشود که گویا بخامهٔ نگارنده است ، و در آن خود را مصطفی پسر مولانا حسام شناسانده؛ و کسی در کنارهٔ آن بترکی نوشته است : «بو رسالهٔ حسام زاده ...» این کتابچه در کشف الظنون یاد شده و نگارنده‌اش را مصلح الدین مصطفی خوانده است .

آغاز : حمداً لملك ملك ملاك الملك حكماً . و احاط بكل ... الاهی رسالهٔ شوقية اكثرها عربی و بعضها فارسی و بعضها تركی ... الرسالة الاولی فی الشوق : مطلع طوالع المحامد ...

انجام :

برآمد اختر دولت بطالع مسعود
رسید دست تمنا بدامن مقصود

این کتابچه (گ ۱ تا ۲۰) دفتر را گرفته . و در کنارهٔ برگ (۷ - الف) حاشیه‌یی نوشته شده و در پایان آن رمز «منه سلمه‌الله» دارد و بنابراین حسام‌زاده در هنگام نوشته‌شدن این نسخه (سال ۸۹٤) زنده‌بوده. و شش سطر پایان کتاب در (گ ۲۰ - الف) چنانکه یادشد بخامهٔ خود اواست و ساختگی نمیباشد . خط حسام زاده در (گ ۵۵ ب) نیز دیده میشود .

۲ - منشآت جلال الدين عكاشه (۱) :

جلال‌الدین فریدون بن عکاشه ، متخلص بعکاشه یکی از شاعران و نویسندگان

---

۱) عکاشهٔ بر وزن گشاده یا بتشدید کاف یعنی عنکبوت نام چندتن از یاران پیغمبر است مانند عکاشه بن محصن اسدی و عکاشه بن ثور عوثی (کتابهای رجال حدیث دیده شود) و نیز نام شاعری عربی زبان بوده بنام عکاشه بن عبدالصمد عمی (دائرة المعارف فرید وجدی ج ٦ ص ٥٣٥ و اغانی ۳ : ۷۳-۷۷ دیده شود .

صوفی مسلک گمنام است که بعربی و فارسی مینگاشته و میسروده ، نام وی را در تذکره‌های شاعران نیاورده‌اند .

آقای برقعی در « راهنمای دانشوران ج ۲ ص ۱۸۱ » وی را از شاعران سدهٔ هشتم خوانده. ولی اگر وی همان صوفی باشد که عطار در مقالهٔ بیست و یکم منطق الطیر آنجا که گوید :

یك شبی عکاشه گفت ای حاضران
این جهان گر پرشود از کافران

از وی یاد کرده ، پس ناچار قبل از این تاریخ میزیسته است .

این کتابچه سی و اند قطعه نثر و نظم است که برخی از آنها نام ویژه داده است مانند : رسالهٔ منطقیه رسالهٔ طبیه ، رسالهٔ نجومیه : اصطلاحات حکماء ، اصطلاحات محاسبین. و هریك از اینها نامه‌ییست که در آنها اصطلاحهای یکی از دانشها را بیشتر بکار برده است . یکی دیگر از آن نامه ها را از زبان ملك‌الاسلام کیخسرو برای شیخ‌الاسلام امین‌الدین نگاشته ، و دیگری فتح‌نامه برای مسعود شاه میباشد .

دیگر چکامه‌یی میمی است بقافیهٔ نون در کرم در ۱۸ بیت . آغاز :

زهی بذات کریم تو زنده جان کرم
زهی زمان تو دیباچهٔ زمان کرم

دیگر چکامهٔ دالی (بقافیهٔ راء) در سی بیت است ، که آغازش چنین میباشد :

لاله را ازژاله درج در گوهر کرده‌اند
حقهٔ یاقوت گل پر زر احمر کرده اند

دیگر چکامهٔ میمی (بقافیهٔ یاء) در ۱۳ بیت است، آغاز :

مدتی اسباب عیش و کامرانی داشتیم
ساغر لذت پر آب زندگانی داشتیم

دیگر چکامه‌یی بقافیهٔ قاف است در ۱٥ بیت . آغاز :

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

مرا ز عالم علوی خبر رسید که خوش
فرشتهٔ ز مطبقان طاق سبع طباق

دیگر چکامه‌یی بقافیهٔ ها در ۱۹ بیت است، آغاز:

ای حریم ملك و ملت را پناه
آسمان را آستانت سجده‌گاه

آغاز: اللهم انانستوهبك تمام ماوليتنا... اما بعد بزرگترین موهبتی... دوستی باشد که... شاهزادهٔ جهان، ملکهٔ زمین وزمان... خدیجه عصمتی که دین محمدی... (من منشآته): ازال الله عنکم کل آفة...

چنین مینماید که این کتابچه را بنام شاهزاده‌یی خدیجه نام نگاشته است.

انجام: که حریم ملك و ملت را شادروان است، برذروهٔ کیوان باد. تمت منتخبات المنسوبة الى المولى المغفور جلال الدین عکاشة.

وچنین نماید که این کتابچه گلچینی ازمنشآت عکاشه است نه همهٔ آن. (ك ۲۱–۴۳)، بخش دیگر ازمنشآت عکاشه در ص ۲۸۱ خواهد آمد.

۳ـ سر نامه های متفرقه:

این نامیستکه خود بدین کتابچه داده، و در آن منشآت پراکندهٔ دیگران را گرد آورده است، مانند: نامهٔ علی چلبی یکانی، نامهٔ ملا سراج بقطب الدین ازنیقی (گ ۵۱) وپاسخ این بدو. نامهٔ سلطان احمد به علی پاشا، نامهٔ احمد پاشا به داود پاشا، عزا نامه از کمال چلبی معروف به تاج زاده، چکامهٔ شیخ (چنین) نعمة‌الله در نشانهای قیامت وجنبش مهدی (گ ۵٤) نامهٔ ملا خسرو بملا سراج (ك ۵۵)، نامهٔ دیگر او برای خواجه زاده، نامهٔ مصطفی چلبی برای برادرش محمد چلبی، نامهٔ احمد پاشا باسکندر پاشا، نامهٔ محمود پاشا به محمد پاشا و پاسخ آن، (گ ۵۹) نامهٔ نقطه‌چی زاده (شیخ محمد پسر نقطه‌چی) به داود پاشا، تقریظ سنان پاشا برشرح صحیح بخاری نگارش احمد کورانی بامضای خضر بن جلال الدین (گ ٦۱) تاریخ جلوس سلطان احمد (۹۰۳)

وفتح‌نامه. شعر هائی از ملای روم و کمال اسماعیل و سلیمشاه. قطعه بنثر تازی بتاریخ ۹۰۳ (گ ۸۱) ودیگری بتر کی بامضای سلطان محمد سلیمان (ك ۸۳)، نامهٔ مؤیدزاده بیعقوب پاشا (گ ۹۱)، فتح نامهٔ روم از تیمور بك بفرزندان، از منشآت ملا شمس الدین (ك ۹۳). نامهٔ تیمور بیایزید (ك ۹۷) نامهٔ سلطان احمد، بهسلیمان چلبی (ك ۱۰۲) قطعه‌یی ازمنشآت هنری کسی بنام منصور (گ ۱۰٤–۱۰۵).

۴ـ منشآت .....

٦۳ نامه‌های فارسی وتر کی وعربی است که بیشتر آنها باجملهٔ: للفقیر، و یا: لمولانا منشی آغاز میگردد ودر چندجا نامهٔ خواجهٔ جهان(۱) را باپاسخ منشی باو آورده است. و همهٔ نامه‌ها میان سران دولت عثمانی داد و ستد شده است. همهٔ این کتابچه بخامه نگارندهٔ آن میباشد ولی نام وی شناخته نشد.

آغاز: هرچند شهسوار عقل دراك، نشیب وفراز کرهٔ خاك....

انجام آن افتاده است. (گ ۱۰٦–۱۸۹)

منشآت گوناگون ...

نامه هائیست از نگارندگان پراکنده. بیشتر آنها بواژه (خواجه) آغاز میشود، و گویا از خواجهٔ جهان باشد (۱) نگارندگان دیگر: سلطان محمد پسر غیاث بیك، ملاعبدالوهاب طوسی (ره)، ملاسمی (ره)، حسین خوارزمی، شرف الدین یزدی، خواجه شهاب الدین از هند بامیر فیروز شاه. سپس فصلهائی چنین بسیج شده: صفات پادشاهان، ستایش شاهان، دعا، عنوان نامه‌های پراکنده برای کسانی بی‌نام و با نام مانند عبدالرحمان جامی، خواجهٔ امین، شاهرخ میرزا، پیردرویش (گ ۱۹۰–۲۵۰)

٦ـ منشآت شرف الدین هاشم:

شرف الدین هاشم پسر کمال الدین عبدالعزیز پسر شهاب الدین فضل‌الله کاتب. وی در دیباچه این کتابچه خود را چنین شناسانده است. ولی یکی

۱) وی نگارندهٔ ریاض الانشاء است که در (ص ۹۷–۱۰۳) یادشد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

از نامه ها امضای محمد منشی خالدی دارد (گ ۲۶۳ ب) عنوانهای این کتابچه: بیع نامه ، سلم نامه ، آزادنامه ، اجاره نامه و... میباشد (گ ۲۵۱-۲۶۶) .

۷- ترسل عبدالواسع :

نسخه‌یی دیگر از این کتابچه بشمارهٔ (۸۶۲) در (ص ۱۹-۲۱) این جلد یاد شد در آنجا گمان بردم که این کتاب پس از صفویان نگاشته شده ، ولی نویسندهٔ نسخهٔ جای گفتگو (شمارهٔ ۲۲۹ گ ۲۸۸ - ۲۷۲) در پایان آن گوید : « تم الترسل فی وقت نصف اللیل سلخ محرم الحرام ۸۹۲ » . آغاز این نسخه از نسخهٔ ۸۶۲ ناقص‌تر است ، و از نامه برای طبقهٔ اوسط علما آغاز میگردد .

نویسنده کم‌سواد و بدخط است در (ک ۲۵۹ - الف) نامهٔ بأمرا. طبقهٔ أعلی را انداخته و پاسخ آن را آورده است . و چنانکه دیدیم نامی از نگارنده « عبدالواسع » در آن دیده نمیشود ، گ ۲۶۷-۲۷۲) .

۸- کتابچه در بیماری اسب و معالجهٔ آن . (گ ۲۷۳-۲۷۷)

۹- شرایط خوش نویسی (گ ۲۷۸ و ۲۷۹) .

۱۰- اختیارات : نیکی و بدی روزها و شگون ها و فالها (گ ۲۷۹-۲۸۵)

[۹۳]

۲۲۹ نسخه بخط نسخ عربی ایرانی (نسخ ترکیه) با قلم ریز بجز (گ ۱۰۶-۱۸۹) که با خامهٔ درشت تر نوشته شده . نام نویسنده محمد بن یوسف (گ ۲۰ و ۴۳) در تاریخ ۸۸۴ (گ ۲۰) و ۹۰۱ (گ ۴۳ ب) و ۹۰۲ (گ ۶۲ ب) و ۸۸۷ (گ ۲۲۰) و ۸۸۶ (گ ۲۲۱) نوشته شده. عنوانها در آغاز نسخه با شنگرف است و در پایان با سیاهی نوشته شده و روی آن خطی شنگرفی کشیده است . برخی صفحه‌ها آب دیده است . مهرهای گوناگون و پاک شده دارد .

همهٔ دفتر (۳۸ برگ) کاغذ گوناگون . جلد تیماج حنائی متوالی فرسوده.

اندازه : ۱۳×۱۸ و ۸×۱۴ ، سطرها گوناگون ۲۱ تا ۱۳ .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۸۴] منشات قطب محیی (فارسی)

پنج پاره از منشآت این مرد است، و گزارش زندگیش را در جائی نیافتم

آغاز : اگر بنده از خدای خویش عاصی نشود ، دوام عاقبت ...

انجام : که جز این هیچ روی نیست، و الیه یرجع الامر کله فاعبده و توکل علیه و ما ربك بغافل عما تعملون ، والسلام علی من اتبع الهدی .

[۹٤]

۸۹۰ این نسخه ۲۵ مین کتابچهٔ این دفتر است گ ۱۰۸- ۱۰۹ آنرا گرفته . خط شکسته . نام نویسنده و تاریخ ندارد . عنوانها با شنگرف . روی جمله های تازی خط شنگرفی کشیده است .

همهٔ دفتر ۲۲۹ برگ . این کتابچه ۲ برگ . کاغذ نخدی . جلد تیماج حنائی متوالی ضربی .

اندازه ۱۵×۲۴ و ۱۰×۱۸ سطرها جلیپا.

[۸۵] منشات عکاشه (فارسی)

در ص ۲۷۶ تا ۲۷۸ این مجلد آنچه میدانستم در بارهٔ عکاشه نگاشتم ، واینك بخش دیگر از منشآت اورا می‌شناسانم . در برگهای (۱۱۱ تا ۱۲۹) نسخهٔ شمارهٔ ۸۹۰ کتابچه‌یی دیده میشود که آنرا نصرالله بن عبدالمؤمن منشی سمرقندی برای فرماندار سمرقند گردآورده و در آغاز نام وزیر او (خواجه ناصرالدین عمر) رایاد کرده است، و در دیباچه گوید: چون بجز سخن سرمایه نداشتم، دفتری از منشآت منشیان بنام فراهم آورده پیشکش ساختم ... ولی در این دفتر جز سی و هشت پاره از منشآت جلال الدین فریدون عکاشه چیزی دیده نمی شود . برخی از این منشآت همانست که در ص ۲۷۸ یاد شد، مانند: اصطلاحهای منطقیان، پزشکان و مستوفیان ، ستاره شناسان ، صرفیان . برخی را بنام رسالهٔ ربیعیة و برخی را فریدونیه نامیده و دیگران را با جملهٔ : و من انشائه ایضاً .... آغاز کرده است .

آغاز : صفایح حمد وسپاس وصحایف شکر بی‌قیاس ...
انجام : باقی بدوامی که در اعداد سنینش
آحاد شمارند الوف دو ...

[۹۵]

۸۹۰ نسخه ۲٦ مین کتابچهٔ دفتر است . وگ ۱۱۰ – ۱۲۹ آنرا گرفته ، خط کاغذ جلد همانست که در ص ۲۱ یاد شده است .

[۸٦-۸۹] منشآت ظهوری ترشیزی (فارسی)

نورالدین‌محمد(۱) متخلص بظهوری (ملا ...) امین‌رازی درهفت‌اقلیم اورا تربتی و آذر (۲) اورا ترشیزی خوانده‌اند ، هدایت (۳) اورا ترشیزی وهمزمان شاه عباس شمرده . ریو (٤) گوید وی درهند بیش از ایران نامبردار بوده هندیان نثر اورا می‌پسندند(٥) ولی ایرانیان آنرا پسندیده‌نداننده . او وپدرزنش ملك قمی بسال(۱۰۲٤ ق) (٦) = (۱٦۱٥ م) درهنگام شورشی که در دکن (هندوستان) روی‌داد کشته‌شد.

۱) درفهرست مجلس ج ۱ ص ۱٦٤ و ۲٤٥ و ۲٤٦ اعتصام زاده این نام و لقب بدوداده . وبر پشت جلددیوان‌چاپ‌نولکشورنیزچنین‌است .
۲) آتشکده: ٦۸.
۳) پایان بخش هشتم روضة‌الصفا .
٤) فهرست ریو . ص ٦۷۸ .
٥) ناصرعلی‌سرهندی او را از نظامی گنجوی برتر شمرده . مرآت‌الخیال ص ۷۷ دیده شود .
٦) ابوطالب کلیم تاریخ مرگ ملك قمی را در(۱۰۲٥) دانسته وچنین‌سروده :

ملك آن پادشاه ملك معنی / که نامش سکهٔ نقد سخن بود
چنان آفاق گیرازملك معنی / که حد ملکش ازقم تادکن بود
بجستم سال تاریخش ز ایام / بگفتا « اوسراهل سخن بود »

آثار ظهوری :

۱– دیوان‌چکامه‌وغزل: نزدیك‌پانزده هزاربیت‌دارد. وبیشترچکامه‌هایش درستایش‌امامان ۱۲ گانه وعادلشاه پادشاه دکن وابوالفیض فیضی (م-۱۰۰٤) است . دیوان ظهوری درنولکشور چاپ شده‌است .

۲–ساقینامه: نزدیك(٤۱۰۰ بیت) ببحرتقارب بنام عادلشاه‌است. آذروش آنرا نپسندیده است .این کتاب‌درهندبسال(۱۲٦۳ ق) در(۲۲٤ص)چاپ‌شده.

۳ – منشآت ظهوری :

نثرظهوری‌مانندطغرای‌مشهدی(۱)درسدهٔ‌یازدهم‌درهندبکارمیرفته‌وشاهکار هنری‌بشمارمیآمده‌است. دراین‌روش کوشش‌میشده که یك‌معنی‌را چندبارو بچند عبارت گزارش نمایند(۲) وهنرهای لفظی‌بسیار و سجعهای پی درپی بکار برند . چهارپاره‌ازمنشآت‌ظهوری‌دراین کتابخانه‌هست که‌درزیر‌شناسانده میشود.

۸٦ ـ دیباچهٔ نورس :

پس ازستایش بسیارازابراهیم عادلشاه (۳) گوید یکی ازحقوق این‌شاه برمردم آنستکه کتاب نورس خیال را بنگاشته ، و سپس دلیل نامیده شدن بنورس (وجه‌تسمیه) را آورده گوید ، هندیان‌مجتمع را نورس گویند وفارسیان اگرنورس نهال فضل و کمالش‌دانند بجاست .

آغاز : سرود سرایان‌عشرتکدهٔ قال که‌بنورس‌سرابستان خیال...

انجام : هم بروفق مدعایش رسم وقانون زمان زیب دعا براجابت منت ساز باد .

۱) درص۱۹٥یادوی گذشت
۲) برای یك‌تن هندی که میخواست کتابی رابزبانی‌جرزبان مادری خودبخواند بهترهمین بود که یك معنی بچندعبارت بیان گردد .
۳) ابراهیم‌دوم، ششمین‌تن‌ازپادشاهان‌عادلشاهی بیجاپور دکن‌هندوستان‌میباشد که از ۹۸۷ ق تا ۱۰۳٦ ق پادشاهی کرده است . تاریخ فرشته بنام اونگاشته شده ، وگوراوبهلوی مسجدیست که خود ساخته است . دربارعادلشاهی در ۱۰۹۷ ق بدست امپراتوران مغلی‌هند برچیده‌شد .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

۸۷ـ گلزار ابراهیم :

درستایش ابراهیم عادلشاه است و نام او را در آغاز آورده ، از کتابخانهٔ او نیز نامبرده ، گوید عمرشاه اکنون در دههٔ سوم میباشد ، و نیز از کتابچهٔ و دیباچهٔ کتاب نورس ، یاد کرده است ، وپس از گزافه گوئیها درستایش شاه ، میگوید این ستایش ها مانند حمد و ثنای شاعران نیست که نیازی بپوزش خواستن از درازگوئی باشد .

آغاز : خرمی چمن بطراوت حمد بهار پیرائیست که گلزار ابراهیم را در رخسار یوسف ...

انجام :

داستان شد ختم بستان رخش
غیرت گلزار ابراهیم باد

۸۸ـ خوان خلیل:

در ذریعه آنرا دومین دیباچه شمرده است . (۱) ولی از خود آن چنین بر آید که کتابی جداگانه است که آنرا بنام عادلشاه پادشاه دکن و درستایش وی نگاشته و در آن از کتابچهیی که عادلشاه در بارهٔ شطرنج نگاشته یاد کند وسپس بشناساندن دربار یان او مانند شاه نواز خان ، شاه خلیل الله ، ملافرخ حسین خدام حیدر ذهنی پرداخته ، و در پایان خود را (ظهوری) درشمار دربار یان نامبرده گوید : « چون قبل از این در پیرایش گلزار ابراهیم و اکنون در گستردن خوان خلیل سهیم و عدیل ملك الکلام است ... » و از این گفتار او پیدا است که گلزار ابراهیم را پیش از خوان خلیل نگاشته است .

آغاز :

ای از تو بر اهل تخت اکلیل سبیل
گر ذکر جمیل است و گر قدر جلیل

۱) ذریعه ج ۷ ص ۲۷۵ و ای خود او در گلزار ابراهیم از دیباچهٔ کتاب نورس یاد کرده ، و در خوان خلیل از گلزار ابراهیم یاد کرده ، پس خوان خلیل سومین آنها میباشد .

انجام : و تمام عمر اگر کسی از اینها گوید ، همیشه در ابتدا بوید . اولی اختتام نماید بدین بیت ختم گردید :

تا در این مهمان سرا خوان خلیل آمد بیاد
میزبان خلق ابراهیم عادل شاه باد

۸۹ـ نامه‌های گوناگون :

یکی را برای فیضی (م ـ ۱۰۰٤) نگاشته و نسخهٔ آن با پنج نامهٔ دیگر باسه دیباچه نامبرده ، در کتابخانهٔ مجلس بشمارهٔ (۲۸۸) میباشد . و نامهٔ دیگر که جای گفتگوی ما است در تعریف ملاعرفی نگاشته شده .

آغاز : بلمعهٔ طور افاضتش چراغ علم روشن است ....

انجام : نمك خوان شوق زور ، قصیدهٔ تعویذ بازوی صبر .

[۹۶-۹۹]

۸۹۰ نسخهٔ بخط شکسته . نام نویسنده و تاریخ ندارد ، در دفتری جاداده و فهرست آن چنین است :

نورس (گ ۸٤ـ۸۹) گلزار ابراهیم (گ ۸۰ـ۸٤) خوان خلیل (۷۱ـ۸۰) ، نامه تعریف ملاعرفی (گ ۱۰۵ـ۱۰٦) .

عنوانها باشنگرف ، مطرهاچلیپا است .

(همه دفتر ۱۲۹ برگ) کاغذ لخدی ، جلد تیماج زرد مقوائی حنرابی

اندازه : ص ۱۵×۲۴ و ۲۰×۱۸ .

[۹۰] **منهاج العارفین** (عربی)

گزارشی است برصد کلمهٔ جاحظ (۱) و گویند آنرا کمال الدین میثم ابن میثم بحرینی (م ٦۹۹ ق) (۲) برای الصاحب المعظم ملك وزراء العالم ... شهاب الدین مسعود ابن کوکوشاسف (۳) ، درسه بخش (قسم) نگاشته . الف) پیش

۱) برای شناختن صد کلمه ، ص ۲۳٦ و ۱۵۰ و ۱۵۷ و ۲۳۲ همین جلد فهرست دیده شود .

۲) برای شناسائی ابن میثم ص ۱۵۰ این جلد فهرست دیده شود .

۳) شاید حاجب کبیر شهاب الدین مسعود خوارزمی از دربار یان تکش خان در سدهٔ هفتم باشد (دستور الوزراء ، ص ۲۳۱ـ۲۳۲) دیده میشود .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

گفتار، که گفتاری فلسفی و عرفانی میباشد، و خود چند فصل و بحث دارد این بخش ۲/۱ کتابرا گرفته. ب) گزارش صد کلمه؛ ۷/۱، کتابرا گرفته. ج) پایان نامه دو فصل در کلام و اثبات امامت علی ۱/۱. کتابرا گرفته است. نگارندهٔ این کتاب صوفی(۱) و دربارهٔ علی تندرو است، و انشای آن نیز با انشای شرح نهج البلاغهٔ ابن میثم دگرگون است، و همان گونه که نمی توان صد کلمه را بیقین از آن جاحظ شمرد، این گزارش را نیز نمی توان حتماً از ابن میثم دانست.

آدی کسائی نیز این کتاب را سومین شرح ابن میثم بر نهج البلاغة شمرده‌اند (۲)

آغاز: اللهم یا ذاالجلال والاکرام ... امابعد لما کان اکمل السعادت واتمها واشرف الدرجات...

انجام: واعذنا من شرور انفسنا وسیآت اعمالنا وقبایح افعالنا بحق محمد وآله وعترته الطاهرین. آمین یارب العالمین

[۱۰۰]

۱۷۴ نسخه بخط نسخ. نام نویسنده ندارد. در ٦ ج ۲- ۱۰۳۳ نوشته شده روی عنوانها خط سیاه کشیده. نشان پابرگی دارد ولی رویه شمار نداشته و برگ شمار تازه بر آن نوشته شده است.

(۲۳۸ برگ) کاغذ فرنگی آهار مهره سفید. جلد تیماج حنائی متوالی.
اندازه: ۱۱×۱۷و۷×۱۲ - ۱۲سطر.

[۹۱] مونس الاحباب (فارسی)

دوبیتی هائی است صوفیانه که برخی را مانند نیایش و دعا برای دور کردن بلاها و درمان دردها سروده، و خود سراینده این را در دیباچه گوشزد نموده است. و برخی را برای گنجانیدن در نامه‌ها.

۱) اعجاز حسین در کشف الحجب ص ٥٦٦ نیز صوفی بودن وی را گوشزد کرده است.

۲) ص ۱۵۰-۱۵۱ دیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز:

ای لطف تو داده شهریاران را تاج
شاهان بنوالت چو گدایان محتاج

تا آنجا که گوید: عرض نیاز بندهٔ کم بضاعت ... عبدالله آنکه چون ... واینرا «مونس الاحباب» نام نهادم ...

انجام: دراظهار اشتیاق:

گر دور فتادم ز وصالت بغرور
دارد دلم از یاد تو صد نوع حضور
خاصیت سایه تو دارم که مدام
نزدیک توام اگر چه می‌افتم دور

نویسنده در پایان نسخهٔ این کتابخانه، سراینده را چنین می شناساند: «خواجه شهاب الدین عبدالله صدر ملقب بمروارید».

میرعلی شیر نوائی در مجالس النفائس گوید. خواجه عبدالله صدر پسر خواجه محمد مروارید. مدتی در دیوان وزارت مهر زد، و سپس دست کشید و گوشه گیری گزید، خوش نویس، و منشی بی مانند، و ساز ندمدلپذیر بود، همه سازی با قانون می نواخت و کس بخوبی او نمی توانست، و غیر از بی پروائی عیب دگر نداشت(۱).

چنانکه پیداست میرعلی شیر تخلص بیانی برای او نیاورده، و پس از وی حکیم شاه محمد قزوینی در بهشت هشتم که بر مجالس النفائس افزوده مردی بنام بیانی را از شاعران سلطان یعقوب آق قویونلو شمرده است (ص ۳۰۰) آن کتاب دیده شود.

سام میرزا گوید: پسر خواجه محمد کرمانی بود. یکی از پادشاهان تیموری اورا بریاست قطیف و بحرین فرستاد، در بازگشت دری چند آبدار برای شهریار آورد پس بلقب مروارید نامبردار شد. در شعر و نثر استاد بود و خطی نیکو میداشت. در جوانی در دربار حسین میرزا بامارت رسیده بجای میرعلی شیر مهرزد، و پس از مرگ حسین میرزا گوشه نشین شد و بقرآن نویسی پرداخت، تا آنکه چون شاه اسماعیل صفوی خراسان بگرفت او را از گوشه

۱) ترجمهٔ مجالس النفائس (=۱۳۲۳) ص ۱۰٦ و ۲۸۱.

گیری بیرون آورده گرامی داشت ولی او بسبب بیماری «آبله فرنگی» استعفا کرده گوشه گیری گزید و بسرودن تاریخ آن روزگار پرداخت، ولی پیش از پایان دادن، دررجب ۹۳۲ ق (چنین) در گذشت. دیوان غزل و چکامه و دو بیتی او(۱) بنام «مونس الاحباب» و نیز «تاریخ شاهی» و «منشآت» او فراوان است و «تاریخ منظوم» و «خسرو و شیرین» او چون نا تمام است کمتر یافت شود. سپس شعرهائی ازاو آورده وخود را شاگرد او شمرده است(۲) خسرووشیرین وی در ذریعه نیز یاد شده است (۷: ۱۶۱) چلبی در کشف الظنون این دیوانرا بنام مونس الاحباب یاد کرده گوید: دیوان شهاب الدین عبدالله متخلص ببیانی است که در نهصد وبیست ودودر گذشته.

[۱۰۱]

۸۶۲ نسخه بخط نستعلیق در مجموعه‌ئیست دارای ترسل عبدالواسع (۳) و این دیوان «گ ۱۹-۳۰» وکتاب جواهر الاخلاق (٤) کاشفی «گ ۳۱-۲۲۲» میباشد.

نام نویسنده وتاریخ ندارد. ولی پیداست که در آغاز سدهٔ دهم وشاید برای کتابخانهٔ خود سلطان حسین میرزا بایقرا نوشته شده باشد.

رویه ها دارای جدول زرولاژورد. هردوبیتی جدولبندی جداگانه دارد وروی هر دوبیتی موضوع آنرا با شنگرف میان دو جدول نوشته است.

همهٔ دفتر (۲۲۲ برگ) این دیوان (۱۱ برگ) کاغذ فوقی ترمه، جلد تیماج حنائی زرکوب.

اندازه: ۵ر۹×۱۵ور۵ر×۹ر۹، ۱۴ سطر

۱) مونس الاحباب را نام دیوان چکامه و غزل بیانی دانسته ولی در آغاز نسخهٔ جای گفتگو، خودسراینده مونس الاحباب را نام این دوبیتیها شمرده است.

۲) تذکرهٔ سامی ص ۶۳-۶۶

۳) این کتاب درهمین جلد ص ۱۹-۲۱ و ۲۸۰ شناسانده شد.

٤) ازاین کتاب دو نسخه بشماره ۸۶۲ و ٤۱۹ درجلدسوم این فهرست ص ۶۵۸ — ۶۵۹ شناسانده شده است.

[۹۲] نان و حلوا (فارسی)

چنانکه در (ص ۲۲۸) یاد شد ازشیخ بهائی (م ۱۰۳۱ ق) چهار مثنوی بجا مانده است، و یکی از آنها این کتابچه میباشد، وی دردیباچهٔ نثری آن گوید: این سوانح سفرحجاز(۱) است که بپارسی وتازی سروده‌ام، یعنی اندیشه هائیست که دراین سفر بذهنم رسیده است. شیخ که دراصفهان دارای مقامات عالی دولتی مانند شیخ الاسلامی بوده است، در سفر حج بفکر زهد و پرهیز کاری افتاده ومردمرا بگوشه گیری ازدنیا میخواند، ونیز بریاکاران وسالوسان خوش آشکار بد درون، سخت میتازد، تنکابنی گوید کسی که در این کتابچه جای گفتگواست، و او را ریاکار وزاهدنما خوانده، میرداماد یکی دیگر ازروحانیان دربار صفوی است که داماد شاه عباس بوده، و سپس داستانی از کشمکش های این دوتن آورده است (۲). این کتابچه ٤۰۸ بیت بروزن مثنوی مولوی دارد وچندین بارچاپ شده است، یکی بتاریخ ۱۲۸۲ ق در استانبول با مثنوی شیر وشکر و نان پنیر بنام مقالات شیخ. ودیگر درتهران ع۲- ۱۳۳۲ ق در ۲۳ ص با ۲ ص فرهنگ واژه‌ها.

آغاز: ایهااللاهی عن العهد القدیم
ایهاالساهی عن النهج القویم

انجام: یا بهائی اتخذ قلبـاً سواه
فهو مـا معبـود الا هـواه

[۱۰۲]

۱۴۹ نسخهٔ بخط نستعلیق، درتاریخ ۱۲ صفر ۱۰۶۷ نوشته شده. در دفتریست که در ص ۲۲۹ شناسانده شده است، واین سومین کتابچهٔ آنست. (گ ۷۱

۱) و از این روی برخی این را نام کتابچه شمرده‌اند، ولیکن شیخ برای این کتابچه نامی نگذارده، ونام «نان وحلوا» نیز ازاین روی بدان داده‌اند که در آغاز چند بیت آن جملهٔ: نان وحلوا چیست، دیده میشود.

۲) قصص العلماء ص ۱۷۸-۱۸۰

۸۱) را گرفته، وهمهٔ آن ۳۱٤ بیت است.

همهٔ دفتر ۱۱۷ برگ . کاغذ وجلد واندازه در ص۲۴۹ دیده شود

[۹۳]

نثراللآلی (عربی)

در (ص ۱۳۸–۱٤۱) کتابهائی که در آن سخنان کوتاه گرد آمده و بعلی(ع) نسبت داده شده ، یاد گردید . دوتاازبنام ترین آنهانثر اللالی ، وصد کلمه میباشد که نگارندهٔ هیچیك بدرستی دانسته نیست .

صد کلمه را بجاحظ نسبت میدهند و چندین بار بنثر ونظم فارسی و ترکی وهندی وجز آن ترجمه شده‌است(۱) سخنان این کتاب بترتیب حرف آغاز آنها نیست. نخستین کلمهٔ آن اینست: لو کشف الغطاء ماازددت یقیناً.

نثراللالی مرتب بترتیب الفباء میباشد و ۲۵۸ کلمه را در ۲۹ باب آورده وه‍لام الف‌لاء(۲) را نیز یك حرف شمرده است . و این نیزمیرساند که تاریخ

۱) گمان نمی کنم این صد کلمه پیش از سدهٔ ششم گرد آمده باشد ، و شاید گرد آورندهٔ آن وشید وطواط باشد چه یاقوت در (معجم‌الادباء ۱۹ : ۲۹) وچلپی در کشف‌الظنون کتابی دراین باره بنام «مطلوب کل‌طالب» بدونسبت‌داده‌اند، وبولیثه سمرقندی ودیگر تذکره نگاران آنرا «ترجمه صد کلمهٔ علی(ع)» نام داده‌اند.
ولی هیچکس جز آقای اقبال درمقدمهٔحدائق‌السحر کتاب وطواطرا بنام نثراللالی نخوانده است .

دونسخه ازصد کلمه بشماره های ۱۲٤ و ۱٦٤ در (ص ۱۵۷ و ۲۳۳) این مجلد شناسانده شدهٔ ودرهردو ، سخنانرا با نظم بفارسی ترجمه کرده‌اند ، ودردیباچهٔ نثری که در آغاز نسخهٔ ۱۲٤ دیده میشود ، گفته شده است : محمد پسراحمد راشدی آنرا گزارش نموده ، ولی پس ازپژوهش چنین آشکار گردید که این ترجمهٔ منظوم فارسی همانست که برشید و طواط نیز نسبت داده شده ، و شاید فقط ترجمهٔ نثری از آن راشدی باشد .

۲) صاحب اقرب‌الموارد گوید : ابن‌جنی آنرا اشباع الف مد(آ) شمرده ، وچون‌این حرف حرکت پذیر نبوده وعربان نمی‌توانستند آنرا تنها برزبان رانند بناچار آنرا برلام سوار کردند پس بایدآنرا «لا» خواند، وآنکه عوام آنرا «لام‌الف‌لا» میخوانند غلطی است که آموزگاران ازناگزیری بکودکان میآموزند .

این کتاب پیش از سدهٔ ششم نیست . نگارندهٔ آن را در پشت نسخهٔ(چ تهران ۱۳۱۲ ق) طبرسی تفسیر نگار (م ۵٤۸) نوشته‌اند . ولی صاحب روضات در (ص ۵۱۲) گوید:ازطبرسی نیست، بلکه گمان‌میکنم از علی‌پسرفضل‌الله راوندی (م پس از ۵٤۸) باشد . ودر کشف الحجب نیزهمین گفته را پذیرفته . و سپس خیابانی دروقایع‌الایام (ج۳: ٤۰۹) از «ریاض‌العلماء» آرد : گردآورندهٔ نثراللالی قطب‌راندی است (۱).

چنانکه در (ص ۱۳۷) گذشت نثراللالی را ابوالمحاسن ابن ساوجی در سدهٔ هشتم وشاعری عادل نام بنظم فارسی ، ومیرعلی‌شیر(م ۹۰٦ق)بنظم‌ترکی ویوسف نصیب‌نیزبترکی(چ۱۲۵۷ق) ومعلم‌ناجی‌بترکی (ج ۱۳۰۳ق)وفیلسوف الدوله بفارسی (چ۱۳۱۸ق) ترجمه کرده‌اند .

آغاز : حرف‌الالف : ایمان‌المرء یعرف‌بایمانه .

انجام:(درنسخهٔ۸٦۳) : یسعدالرجل بمصاحبة‌السعید.

انجام (درنسخهٔ ۱٦٤) : یبلغ‌المرء بالصدق‌الی‌منازل‌الکبار (۲) .

[۱۰۳]

۸٦۳ نسخه بخط نستعلیق (گ ۷٤ـ ۸۱) دفتری جای دارد . نام نویسنده وتاریخ ندارد . عنوانها باشنگرف‌است . دیباچه ندارد و ازحرف الف آغاز شده است.

همهٔ دفتر(۸۱ برك) اینجاکتابچه (۸برك) . کاغذ بغدادی . جلد تیماج سیزیك‌لا اندازه : ۹×۱٦؛ ۱۱ سطر :

[۱۰٤]

۱٦٤ نسخه هفتمین کتابچهٔ دفتر است . متن عربی با ترجمه فارسی آمده . متن عربی بخط نسخ وترجمه نستعلیق است . عنوانها با شنگرف است ، (گ۳٦—۵۸).

همهٔ دفتر۹۰ برگ این کتابچه ۲۳ برگ . کاغذ وجلد واندازه درص۲۳۱ یاد شده است .

۱) قطب‌الدین سعید پسرهبةالله راوندی (م‍ـقم‍ـ۱٤شوال‍ـ۵۷۳).
۲) نسخهٔ چاپی برابراین نسخه است .

[۹٤] نزهة الکتاب و تحفة الاحباب (فارسی)

نگارندهٔ آن حسن پسر عبدالمؤمن خوئی (۱) مظفری است که آنرا برای ... سپهدار ... یولق ارسلان (۲) پسر سعید شهید حسام‌الدین البیورک (٤) پسر امیر چوپان در چهار بخش «قسم» نگاشته‌است. ۱ـ صدآیه قرآن که میتوان آنرا در نامه‌ها گنجانید، با ترجمهٔ فارسی، ۲ ـ صد حدیث از پیغمبر با ترجمه، ۳ ـ صد کلمه از سخنان کوتاه یاران پیغمبر و دیگر بزرگان، ٤ ـ صد بیت تازی با ترجمهٔ هریك بیك شعر فارسی از خود نگارنده. در سه بخش نخست ترجمه را پیش از متن آورده و در بخش چهارم متن عربی را پیش از ترجمه نهاده است. در دیباچه نام کتاب و نام خود و نام یولق ارسلان و فهرست کتاب را یاد کرده است. و در پایان کتاب گوید: در آغاز محرم سال ۷۸٤ (۳) بنگارش این کتاب آغازیدم و در پایان آن‌ماه بپایانش رسانیدم.

آغاز: الحمدلله الذی تفضل علی عباده بمواهب الانعام ... امابعد چنین گوید ناظم این قلائد و ناشر این فرائد...

انجام:

تا گرد قطب گردد برروی چرخ فرقد
عیش تو باد دائم اقبال تو مخلد

۱) نسخهٔ شمارهٔ ۸۹۰: خوینی.

۲) و (۳) یولق ارسلان پنجمین تن از ارتقیان فرماندار ماردین (شمال عراق) باشد که از ۵۸۰ تا ۵۹۷ فرمانروائی کرده است. طبقات سلاطین اسلام لین پول چ تهران ۱۳۱۲ ص ۱٤۸ـ۱۵۰ و ابن خلکان چ تهران ص ٦٤ و لغتنامه ـ الف ـ ص ۱٦٢۸ و ۲۹ دیده شود. نویسندهٔ نسخهٔ ۱۲٤ (برگ ۷۳ـالف) این کتابخانه خمسمایه را بغلط سبعمایه نوشته‌است.

٤) در طبقات سلاطین اسلام: آلبی. در نسخهٔ شمارهٔ ۸۹۰. البیوك آمده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

و سپس پایان‌نامه یی کوتاه بنثر در تاریخ نگارش کتاب آورده و یك چکامه تازی بقافیهٔ لام در ۲۵ بیت در ستایش یولق ارسلان و تعریف این کتاب سروده است. و بیت ۲۲ آن چنین است:

اخـلاص بنـدگی حسلم انـدر جناب
خالیست از گمان و بری از تخلل است

[۱۰۵]

۱۲٤ نسخه بخط نسخ باختر ایران در تاریخ (۳ـ ع ۱ـ ۱۱۹۵) نوشته شده. پنجمین کتابچهٔ دفتریست که همهٔ آن بخامهٔ سلیمان قاضی در کردستان نوشته شده. برگهای (۸ تا ۷۳) دفتر را گرفته. عنوانها باشنگرف.

همه دفتر (۲۵٦ برگ) این کتابچه (٦٦ برگ) کاغذ وجلد واندازه همانست که در ص ۳۳۸ - ۳۳۹ یاد شده است.

[۱۹٦]

۸۹۰ این نسخه ناقص است وفقط سه بخش نخست کتاب را دارد و بخش چهارم آنرا نوشته است. خط نستعلیق زیبا. نام نویسنده وتاریخ ندارد. یازدهمین کتابچه دفتراست. ورگهای (۵۵ تا ۷۰) آنرا گرفته. سطرها مانند باقی کتابچه‌های این دفتر بچلیپا نوشته شده. عنوانها با شنگرف است.

همهٔ دفتر (۱۳۹ برگ) این کتابچه (۱۵ برگ). کاغذ وجلد و اندازه همانست که در ص ۲۸۵ یاد شده‌است.

[۹۵] نظم اللآلی (فارسی)

چنانکه در (ص ۳۷ ـ ۱٤۱ و ۲۹۰) دیدیم نثر اللآلی یکی از کتابهائی است که سخنان کوتاه پندآمیز علی (ع) در آن گرد آمده است، و چندین بار بزبانهای فارسی و ترکی بنظم و نثر ترجمه شده‌است. اینك یکی از ترجمه‌های منظوم فارسی آن‌شناسانده میشود. سرایندهٔ این ترجمه شاعری عادل نام‌است. وهمهٔ ۲۵۸ جملهٔ اندرز کوتاه را در ۲٦۰ بیت بنظم درآورده. این مرد حافظ قرآن بوده است و در ترجمهٔ جملهٔ شفاءالجنان فی القرآن گوید:

هر که قرآن خواند او را ورد چون عادل شود . عاقبت درد دل او را شفا حاصل شود

ودر ترجمهٔ : کلام‌الله دواء القلب ، گوید :

دردل را از کلام حق تعالی جو دوا . خودتورا درسینه‌محفوظاست‌قرآن‌عادلا

گویا این عادل کسی‌است که چکامهٔ ابوالفتح بستی را بسال ۹۰۳ گزارش داده است . (۱) و نیز همان عادل پسرعلی پسر عادل حافظ باشد که ترجمان القرآن جرجانی را بترتیب نو در آورده است (۲) .

آغاز :

هر که درهر کار بسم‌الله‌الرحمان رحیم
گوید ایمن گردد ازوسواس شیطان‌رجیم

انجام :

میرسد از صدق مرد اندر مقام اولیاء
ختم کن بر صدق ای عادل کلام اولیا

تمت کلمات الموسومة بنثراللالی مع نظمه نظم‌اللالی ...

نام نظم‌اللالی جزدراینجا درجائی دیده نمیشود .

---

۱) نسخه‌ئی از این شرح در کتابخانهٔ سید نصرالله تقوی درتهران هست که در آغاز آن خود را چنین نامیده : حقیر مقصر بتقصیر اصغرالعباد جرما و اکثرهم جرما :

آنکه نعت نبی و مدح ولی | بعبارات و اشعـات جلی
گوید ازصدق نیت واخلاص | اقل خلق عادل بن علی

ج ۲ ص ۶۹ فهرست سپهسالار دیده شود .

۲) ودرآغاز آن نیز خود را « اصغر العباد جرما واکبرهم جرما عادل بن علی بن عادل‌الحافظ خوانده است .

ج ۱ ص ۳٤ ــ ۳۳ همین فهرست کتابخانهٔ دانشگاه دیده شود .

[۱۰۷]

۱۶٤ نسخه هفتمین کتابچهٔ دفتراست . نظم فارسی را زیر متن عربی نوشته . متن بنسخ وترجمه بنستعلیق ، عنوانها باشنگرف است (گ ۳٦ــ ۵۸)

همه دفتر ۹۰ برگ این کتابچه ۲۳ برگ . کاغذ و جلد و اندازه در ص ۲۳۱ یاد شده است .

[۹٦] نهج‌البلاغه (فارسی)

یا سخنرانی‌های علی (ع)

سخنرانی (خطابة وخطبة) زادهٔ خیال است ، ورسائی آن بسته به قدرت تخیل میباشد ، سخن‌دانی را شعرنثری نیز توان‌نامید ، درادوار گذشته‌وروز گار پهلوانی متوحشانه که بشرزندگی ایلاتی داشت، سخنرانی وسیلهٔ برنده‌ئی برای پیشرفت بود ، و برای تهییج و تشویق مردم بجانبازی و مبارزه بکار میرفت . فصاحت و بلاغت مانند دیگر هنر های زیبا وابسته شرایط زندگی اقتصادی میباشد ، و از این روی در ملتهای گوناگون که زندگیهای جداگانه داشتند فصاحت ورسائی ، معنیهای گوناگون داشت ، جاحظ گوید : بفارسی گفتند : بلاغت چیست ؛ گفت : شناسائی جای فصل ووصل ؛ رانفن و ایست کردن ، از یونانی پرسیدند گفت : درست بخش بندی ، و گزین کردن ، ازرومی پرسیدند، گفت : پاسخ کوتاه را زود وبجا ، وپاسخ دراز را شیرین و دلکش گفتن ، از هندو پرسیدند ، گفت : استدلال روشن داشتن و فرصتها غنیمت شمردن و نتیجه نیکو گرفتن ، ولی مرة سخنران عرب گوید : بلاغت ؛ وقت شناختن ، واز بکار بردن واژه‌های دشوار خودداری کردن است ، وآرایش سخن ونمك سخنرانی بسته بقیافهٔ سخنران وشیرین زبانی وخوش لهجگی وی‌میباشد ، وازاین روی آرایش ظاهری گوینده، ازپایه‌های استوار سخنرانی بشمار میرود . ولی سهل پسرهارون دراین‌جا درست وارونه رای داده گوید . اگردوتن سخنران هردو

در بلاغت برابر باشند ، یکی خوش روی و دیگری زشت ، شنوندگان و بینندگان سخنرانی مرد زشت را نیکوتر میدارند (۱) .

جرجی زیدان دربارهٔ دگرگونی خطابه نزد رومیان و عبرانیان گوید : رومیان که رزم‌جو و پهلوان بودند خطابه را برتر از شعر میشمرده و بیشتر بکار بسته‌اند ، و یهودیان که چندین بار سر کوب شده بودند از سخنرانیهای رزمی و پهلوانی رو گردان بودند و بیشتر بشعر اخلاقی و شکایت و فروتنی روی میآوردند (۲) .

ونیز جاحظ در بارهٔ دگرگونی خطابه نزد عربان و پارسها گوید : خطبه‌های پارسیها برپایه اندیشه و کوشش و همکاری و بررسی کتابها واستفاده از سخنان گذشتگان وافزایش بر آن، استوار بوده ، ولی سخنرانیهای عربان بر پایهٔ بدیهه گوئی بی کوشش و پژوهش است و همهٔ توجه گوینده بدرست چیدن و بسنجیدن واژه ها میباشد . (۳) این دگرگونی در سده های دوم تا چهارم اسلام میان شعوبیان طرفدار فرهنگ پارسی و عربان گفتگو ها پدید آورده است وجاحظ همه جا از عربان طرفداری کرده است .

پیشرفت خطابه وسخنرانی‌های عرب :

خطابه عربان پیش از اسلام باسخنرانیهای ایشان درسدهٔ یکم وسده‌های پسین اسلامی دگرگونست .

پس از آمیزش عربان با پارسیها اندك اندك پایه‌های سخنرانی پارسی در خطابه عربی گذارده شد . جاحظ گوید : طایفهٔ بنی عبد قیس پس از جنگ ایاد ازمیان عربستان رانده شده دسته‌یی ببحرین آمدند و درشعر سر آمد گردیدند ودسته‌یی بعمان رفته درخطابه زبردست شدند (٤) . جرجی زیدان گوید و از آن

۱) البیان والتبیین ۱ : ۷۸ و ۸۸ چ مصر ۱۹۳۲م.
۲) تاریخ تمدن اسلامی ۳ : ۲۹ . چ مصر ۱۹۰٤م
۳) البیان والتبیین ۳: ۲۰ و ۲۱.
٤) البیان والتبیین ۲ : ۲۰ بنقل جرجی زیدان.

جهت خطابه در یمن پیشرفت بسیار کرد که آمیزش ایشان با پارسی ها بیشتر بود (۱) .

جاحظ در جلد دوم البیان والتبیین خطبه‌هائی از ابوبکر وعمر وعلی و عبدالله ابن مسعود ومعاویه بن ابی سفیان وزیاد بن ابیه، و قطعاتی چند از سخنرانان بنام عرب ، مانند : عثمان بن ابی عاص ، عقیل بن علفه ، عمرو بن معدیکرب ، عبیدالله زیاد ، وقتیبة بن مسلم، واحنف قیس، وجامع محاربی، وحجاج یوسف، وکلثوم بن عمرو، وجز ایشان، وسپس از خطبه‌های پادشاهان بنی امیه وبنی عباس و سرداران سپاه ایشان وزاهدان وعابدان آن روز گار آورده است .

اگر بهمهٔ این خطبه‌ها نگاه کنیم درمی‌یابیم که تعریف خطبه در نزد عرب بر خطبه های کهن ایشان راست آید، و ایرادهای شعوبیه بر آن‌ها وارداست، ولی پس از آنکه تمدن عرب باتمدن ملتهای همسایه درآمیخت وسطح زندگی آنان بالا آمد، اثر این تغییر در خطبه‌های ایشان نیز مانند همه چیز دیگر نمودار شد، چنانکه گاه گاه درسخن‌های سیاستمداران ایشان بمطالب سیاسی واجتماعی برمیخوریم.

برخی از خطبه‌ها که نزد عربان شهرت می‌یافت نام ویژه بخود می گرفت، مانند خطبة العجوز که خطبه ئیست مر آل رقبه ، وخطبة العذراء از قیس ابن خارجة ، والخطبة الشوهاء از سحبان وائل (۲) .

احمد زکی صفوت مصری در این روزگار بسیاری از سخنرانیها و نامه های بزرگان وسیاستمداران عرب را در چهار جلد . . ٥ صفحه‌یی گردآورده، بنام جمهرة رسائل العرب در مصر بسال ۸-۱۹۳۷ م چاپ کرد . ولی وی نیز مانند پیشینیان خود درنج برابر کردن وسنجش آنها دابرخویش هموار ننموده است.

خطبه وسخنرانیهای علی (ع) :

شك نیست که علی (ع) یکی از زبردست ترین سخنرانان عرب در سدهٔ یکم

۱) تمدن اسلامی ۳: ۲۸
۲) البیان والتبیین ج ۱ ص ۲۷٤ و ۲۷۵.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بوده است ، ومشخصات سخنرانیهای وی گرچه از حدود خطبه‌های آن روزگار بیرون نیباشد ولیکن میتوان آنرا سرآمد آنها شمرد .

این سخنرانیها مانند دیگر خطبه های آن دوره تا دویست سال سینه بسینه بآیندگان رسیده ، وفقط درسدهٔ سوم بخامهٔ نویسندگان بر کاغذ نقش بسته است. ابن ابی الحدید گوید : عبدالحمیدبن یحیی گفت : هفتاد خطبه‌از خطبه‌های علی‌را ازبرمی‌داشتم وسپس برشمار آن افزوده‌شد، ابن‌نباته گفته‌است: صدخطبه ازاو ازبرداشتم (۱) و دراین مدت کاهش وافزایش بسیار درجمله‌های (۲) آن روی‌داده، حتی برخی ازآنهارا درست بدیگران نسبت‌داده(۳)، یاسخنرانیهای

۱) شرح ابن ابی الحدید چ مصر۱۳۳۹ ق ج ۱ ص ۱۸ .

۲) ناسازکاری جمله های سخنرانی درمتن نهج‌البلاغه باآنچه در گزارش ابن ابی‌الحدید آمده ، وهمچنین دگرگونی آنها باحتن برخی ازآنها که درالبیان‌والتبیین جاحظ آمده است ، بررسی شود .

۳) چنانکه: الف ـ جاحظ‌بند ۳۲باب نخست نهج‌را «ایها‌الناس قداصبحنا...» بمعاویه نسبت داده، ولی گوید بسخنان علی بیشترماند (البیان والتبیین۲ : ۴۶و۴۷) وسید رضی نیزاین دودلی را از وی نقل کرده است .

ب ـ آغاز بند۱۹۱ (خطبه‌همام)را درسیرهٔ عمربن‌عبدالعزیز ودرالبیان والتبیین ج ۲ص ۹۶ در آغاز سخنرانی‌عبدالله ابن‌اهتم نهاده‌اند

ج ـ خطبة‌الاستسقاء : صدوق (م۳۸۱)درباب‌نمازاستسقاءاز«من‌لایحضره‌الفقیه» سخنرانی بدین نام بعلی نسبت داده که درنهج نیست ودوسخنرانی‌نیز بدین نام درنهج‌البلاغه (بند ۱۱۳و۱۴۱) آمده ، وبرخی جمله‌ها درهرسه برابراست . ذریعه ج ۷ ص ۱۹۷ دیده شود .

د ـ عهدنامهٔ مالك اشتر (بند ۵۳ ـ باب دوم) را ابوحنیفه نعمان مغربی با دگرگونی‌جمله‌ها آورده گوید : شاید ازعلی باشدولی‌من آنرا ازپیغمبر روایت کرده‌ام دعائم‌الاسلام ج مصر ۱۹۵۱ م ج ۱ ص ۴۱۲ تا ۴۳۳ دیده شود .

هـ ـ برخی از کلمات که درنهج بعلی نسبت داده شده در کتابهای دیگر بدیگران مانند ابن‌مقفع وسحبان وائل ودیگر نویسندگان نسبت داده‌اند مستدرك نهج‌البلاغه ج نجف ۱۳۵۴ ق ص ۱۱۵ دیده شود .

دیگران‌را بنام او نوشتند .

برخی از دانشمندان برای جدا کردن سخنان علی (ع) از دیگر سخنرانیها نشانه ها گرد آورده‌اند ، چنانکه درباره جدائی سخنان علی و معاویه گویند : علی در سخنرانیهای خود مردم را بخش بندی میکند و از فشار برایشان وترس وتقیه ایشان اززورمندان یاد کند، ومردم‌را باخلاق‌نیکوی‌مذهبی؛ زهد پرهیزگاری ، بندگی خدا فی‌خواند . و وصف زاهدان و پرهیزگاران را یاد آوری مینماید . ولی درسخنرانیهای معاویه چنین چیزها یافت نگردد (۱)

گردآورندگان وراویان سخنرانیهای علی (ع) :

الف ـ کسانیکه پیش‌از رضی‌این کار کرده‌اند :

۱ـ ابوسلیمان زید پسروهب جهنی کوفی(م۹۶ق)(۲)

۲ـ مسعدة پسرصدقة عبدی که درنیمهٔ دوم سدهٔ نخست میزیسته (۳) .

۳ـ ابومخنف‌لوط پسریحیی (م۱۵۸) (۴)

۴ـ ابن ابی‌ذویب . خطبة‌البالغة رادروایت کرده(۵).

۱) البیان والتبیین ۲ : ۴۷ ونهج البلاغه بند ۳۲ باب نخست .

۲) ابن حجر در«تقریب» اورا یادکرده . طوسی (م۴۶۰) درفهرست (چ نجف ۱۹۳۷م. ص۷۲) گوید : سخنرانیهای‌علی‌رادر کتابی گردآورد. برقی(م۲۷۴یا۲۸۰ق) در کتاب «صفین» آرد : زید دراین جنك باعلی بود وچند سخنرانی‌وی‌را گردآورد. خاتمهٔ مستدرك الوسائل ص۸۰۵ دیده شود .

۳) نجاشی(م۴۵۰)دررجال خود(چ بمبئی ۱۳۱۷ق ـ ص۲۹۵) گوید: چندسخنرانی علی‌را ازگفتهٔ امام صادق(ع) در کتابی گردآورده . نسخهٔ آن بدست علی بن‌طاوس (م۶۶۴ق) وسپس درسدهٔ هشتم بدست حسن پسرسلیمان حلی شاگرد شهید رسیده ، ودر«منتخب البصائر» ازآن آورده است . ذریعه : ۷ : ۱۹۰و۱۹۱ دیده‌شود .

۴) طوسی درفهرست (ص۱۲۹) گوید: اوراست کتاب«خطبة‌الزهراء» ازسخنرانی های علی(ع) . ابن‌ابی‌الحدید نیزازوی نقل کند .

۵) ابونعیم اصفهانی درحلیه؛ خطبة‌البالغة راازوی نقل کند. بحارالانوار.چ تبریز : ج۱۷ : ص۱۱۲ دیده شود.

۵- نصر پسر مزاحم در سدهٔ دوم (۱).

۶- اموی، ابومحمد یحیی پسر سعید کوفی (م۱۹۱ق)(۲).

۷- فزاری، ابراهیم پسر حکم پسر ظهیر که در پایان سدهٔ دوم میزیسته(۳)

۸- سکونی، ابویعقوب اسماعیل پسر مهران پسر محمد (٤).

۹- کلبی، ابومنذر هشام پسر محمد پسر سائب، نسب شناس عرب (م۲۰٦ق)(۵).

۱۰- واقدی، ابوعبدالله محمد پسر عمر پسر واقد اسلمی (ز۱۳۰- م۲۰۷ ق). (٦).

۱۱- ابوعبیدة، معمر پسر مثنی (ز۱۱۲م۲۱۱ق) (۷).

۱۲- ابوعبیدة، قاسم پسر سلام (م۲۲٤ق) (۸).

---

۱) حاجی نوری در خاتمهٔ مستدرک الوسائل ص۸۰۵ . گوید: او راست « کتاب خطب علی» . و کتابی بنام «صفین» در ایران بنام وی چاپ شده، و در آن چند سخنرانی بعلی نسبت داده که در جنگ صفین خوانده است.

۲) در نهج البلاغه از کتاب «المغازی» او نقل کرده است.

۳) طوسی در فهرست (ص٤) گوید: وی سخنرانیهای علی (ع) گردآورد. نجاشی در رجال (ص۱۱ و۱۲) « کتاب الخطب» بدو نسبت داده است.

٤) وی از یاران علی بن موسی الرضا (م۲۰۰) بوده. نجاشی در رجال (ص۱۹) کتاب «خطب علی» بدو نسبت داده است.

۵) ابن ندیم (ص۱٤۰) در شمار کتابهای وی نام «خطبة علی» آورده است.

٦) وی سخنرانیهای علی را روایت میکرد. رضی در نهج البلاغه از او و کتابش «جمل» یاد کرده. ابوغالب زراری (ز۲۸۵ م۳٦۸) در اجازه نامه‌ئیکه « اخبار آل أعین » نام داده، و در میان کشکول شیخ یوسف بحرینی چاپ شده، گوید: نسخه‌ئی از سخنرانیهای علی گرد آوردهٔ واقدی نزد من هست. ذریعه ۷: ۱۹۱ دیده شود.

۷) جاحظ در البیان والتبیین، بسیار از وی نقل کرده، او مردی شعوبی است و کتابی در بدگوئی از عربان نگاشته.

۸) در غریب الحدیث سخنانی از علی آورده است.

۱۳- مدائنی، ابوالحسن علی پسر محمد مدائنی اخباری (ز۱۳۵- م۲۲۵ق) (۱)

۱٤- ابوخیر صالح را دویه پسر ابوحماد سلمه رازی که در نیمهٔ نخست سدهٔ سوم میزیسته (۲).

۱۵- اسکافی، ابوجعفر عبدالله معتزلی (م۲٤۱)(۳).

۱٦- عبدالعظیم پسر عبدالله (م۲۵۲ق)(٤) که آرامگاهش در شهرری زیارتگاه است

۱۷- جاحظ، ابوعثمان عمرو بحر (ز۱٦۰ م۲۵۵ق) (۵).

۱۸- برقی، احمد پسر محمد (م۲۷٤ق) (٦).

۱۹- ابن قتیبة یاعبدالله پسر قتیبة پسر مسلم باهلی (م۲۷٦ ق) (۷).

۲۰- مبرد، ابوالعباس محمد پسر یزید بصری (م۲۸۵ق) (۸).

۲۱- ابوحنیفهٔ دینوری، احمد پسر داود (م۲۸۰ یا ۲۹۰ق) (۹)

---

۱) ابن ندیم در فهرست «چ مصر ۱۳٤۸ ق. ص۱٤۹» در شمار کتابهای وی نام «سخنرانیهای علی» آورده. طوسی در فهرست «ص ۹۵» و نیز صفدی در «الوافی بالوفیات» او را یاد کرده‌اند.

۲) نجاشی در رجال «ص۱٤۰» گوید. سخنرانیهای علی گرد آورد. طوسی نیز در رجال و در فهرست «ص۸٤» او را یاد کرده است.

۳) در نهج البلاغه از «مقامات» او که در مناقب علی است نقل کرده است.

٤) طوسی در فهرست «ص۱۲۱» و نجاشی در رجال «ص۱۷۳» گویند سخنرانیهای علی را گردآورد.

۵) وی در البیان والتبیین بسیاری از سخنرانیهای علی را گردآورده. و نیز گرد آوری صد جمله پند و اندرز کوتاه از علی بوی نسبت داده اند، ص۱۵۷ این فهرست دیده شود.

٦) صدوق « م۳۸۱ق » در باب ۱۲۲ «علل الشرایع» شقشقیه را از وی روایت کرده است.

۷) در «غریب الحدیث» از سخنان علی بسیار آورده.

۸) وی در «الکامل» سخنرانیهائی بعلی نسبت داده، و در نهج البلاغه نیز از باب اللفظ بالحروف کتاب «المقتضب» او نقل کرده است.

۹) وی در « اخبار الطوال » چند سخنرانی بعلی نسبت داده است. او مردی ایرانی است و نباید با ابن قتیبهٔ دینوری اشتباه شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۲۲- نهمی، ابراهیم پسر سلیمان(۱).

۲۳- طبری، محمد پسر جریر پسر یزید (م۳۱۰ق)(۲).

۲٤- ابن فرات، ابوالحسن علی پسر محمد (م۳۱۲ق) وزیر مقتدر عباسی(۳).

۲۵- ابوالقاسم بلخی (م۳۱۷ق) (٤).

۲٦- ابن عبدربه، ابوعمر احمد پسر محمد اندلسی (م۳۲۸ق)(۵).

۲۷- کلینی، محمد پسر یعقوب پسر اسحاق رازی (م۳۲۹) (٦).

۲۸- ابن شعبه، حسن پسر علی(م۳۳۲ق) (۷).

۲۹- جلودی، ابواحمد عبدالعزیز پسر یحیی (م۳۳۲ق)(۸).

---

۱) طوسی در فهرست «ص٦» و نجاشی در رجال «ص۱٤» «کتاب الخطب» بدو نسبت داده و شهرستانی در ماهو نهج البلاغه (ص۲۷) آنرا سخنرانی های علی شناخت.

۲) تاریخ نگار سدهٔ سوم وی در تاریخ خود سخنرانیهائی بعلی نسبت داده است و رضی در نهج البلاغه آنها را آورده است.

۳) میثم بحرینی در شرح نهج البلاغه آرد. شقشقیه «بند۳ باب۱» را بخامهٔ او دیده‌ام، و ابن ابی الحدید نیز از وی نقل کند.

٤) ابن ابی الحدید در شرح خود گوید. بسیاری از سخنرانیهای علی را در نگاشته های خود گرد آورده است

۵) وی در «عقدالفرید» چندین سخنرانی از علی آورده فهرس عقدالفرید دیده شود.

٦) در کتاب اصول کافی در باب جوامع التوحید سخنرانی هائی چند از علی آورده، و در کتاب «روضه» که بعدها بکافی چسبانیده شده نیز سخنرانیهائی بعلی نسبت داده شده.

۷- کتابی بنام «تحف العقول» منسوب باین مرد در دست است و چاپ شده. در این کتاب نندرویهای بسیار دربارهٔ خاندان علی هست، و نیز چند سخنرانی را بوی نسبت داده که در نهج نیامده. مانند خطبهٔ «الایمان والکفر» ولی در نسبت این کتاب بسدهٔ چهارم سخت تردید است.

۸) علی بن طاوس در محاسبة النفس (ص۱۵) گوید. سخنرانیهای علی را در کتابچه گرد آورده.

۳۰- مسعودی، ابوالحسن علی پسر حسین (م۳٤٦ق) (۱).

۳۱- صدوق، محمد پسر علی ابن بابویه (م۳۸۱ق) (۲).

۳۲- ابن قبه، ابوجعفر محمد پسر عبدالرحمان پسر قبه رازی (۳).

۳۳- سیدرضی (م٤۰٦) (٤).

ب - ناقلان سخنان علی پس از رضی تا سدهٔ دهم:

۳٤- مفید، محمد پسر محمد پسر نعمان (م٤۱۳ق)(۵).

۳۵- آبی، ابوسعید منصور وزیر (م٤۲۲ق) (٦).

۳٦- قاضی قضاعی، ابوعبدالله محمد پسر سلامة پسر جعفر (م٤٥٤ق) (۷)

۳۷- کراجکی، ابوالفتح محمد پسر علی (م ٤٤٩ق)(۸).

۳۸- ابن شهرآشوب (م ۵۸۸ق) (۹) محمد پسر علی سروی مازندرانی.

---

۱) در ذریعه ۷.۱۹۲ و ماهو نهج البلاغة ص۲۸ بنقل از احمد صفوت، آرند که مسعودی شمارهٔ سخنرانیهای علی را چهارصد و هشتاد دانسته.

۲) در «علل الشرایع» و «معانی الاخبار» چند سخنرانی علی مانند شقشقیه را یاد کرده.

۳) وی استاد مفید و شاگرد ابوالقاسم بلخی بوده، ابن ابی الحدید گوید: وی چند سخنرانی علی را در «الانصاف» آورده است. و میثم بحرینی نیز از آن نقل کرده است.

٤) نهج البلاغه را نگاشته که جای گفتگوی ماست.

۵) در کتاب «ارشاد» شقشقیه را آورده است.

٦) در کتاب «نثرالدرر» برخی از سخنرانیهای علی را آورده، و برخی از آنها را بنام زید پسر علی بن الحسین شهید خوانده است.

۷) کتابی بنام «دستورالحکم ومأثور مکارم الشیم» یا «دستور معالم الحکم» در سخنان کوتاه علی گرد آورده و در دیباچهٔ «عیون الحکم» از آن نقل شده. فهرست سپهسالار ج۱ ص۲۸۵ دیده شود.

۸) وی در کتاب «کنزالفواید» چند سخنرانی بعلی نسبت داده است.

۹) در کتاب «مناقب» چند سخنرانی علی را نام برده است. مانند: خطبة الهدایة الملاحم، اللؤلؤة، الافتخار، الدرة الیتیمه، الاقالیم، الوسیلة، الطالوتیة، القصبیة، مانند در ص ۳۰٤

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

۳۹- ابن جوزی (ز ۵۰۸ - م۵۹۷ق) (۱).

۴۰- ابن طاوس، رضی الدین علی (م ۶۶۴ق) (۲).

۴۱- اخطب خوارزم (م۶۵۵ق).

۴۲- گنجی شافعی شافعی محمد پسر یوسف پسر محمد در کفایة الطالب.

۴۳- ابن طلحه، محمد شافعی (م۶۵۲ق).

۴۴- ابن ناقه، احمد پسر یحیی پسر احمد بن ناقه (۳) در آغاز سدهٔ هشتم.

۴۵- حسن پسر سلیمان حلی در نیمهٔ سدهٔ هشتم (۴) در کتاب منتخب البصائر (۵) چند سخنرانی آورده.

۴۶- برسی، شیخ رجب در آغاز سده نهم (۶).

مانندهٔ اژرویه پیشین:

السلمانیة، الناطقه، الدامغة، القاصحة، الشقشقیه «بند۳»، التوحید «بند۱۸۴» القاصعة «۱۹۰» الاشباح «۸۹» الاستسقاء «۱۱۳ و۱۴۱» الغراء «۸۱» النخیله. وچنانکه می بینیم بسیاری از آنها در نهج نیامده است.

۱) وی در کتاب «مناقب» وتذکرة الخواص، بند ۱۲۹ باب یکم نهج را آورده و آنرا «خطبة المنبریة» نامیده است. بحار الانوار چ تبریز ۱۷ ص۱۱۱ دیده شود.

۲) وی در کتابهای خود سخنرانیهای چند که در نهج البلاغه نیست به علی نسبت داده است.

۳) وی چند سخنرانی گرد آورده و بعلی نسبت داده، مانند خطبة البیان، و الدرة البتیمه، وموتقه، که بیش آنها خالی از حرف الف است. نسخهٔ این سه سخنرانی در دفتری است که در «۷۲۹ق» نوشته شده ودر کتابخانهٔ رضوی هست. فهرست ج۱ ص ۹۷- اخبار، دیده شود.

۴) وی در «۷۵۷ق» از شهید اجازهٔ روایتی گرفته است.

۵) کتاب بصائر الدرجات را طوسی در فهرست «ص۷۵» ونجاشی در رجال «ص۱۲۶» بسعد بن عبدالله اشعری قمی «م۲۹۹ق» نسبت داده اند. حسن حلی از این کتاب دستچین کرده و آنرا «منتخب البصائر» نامیده «ذریعه ۳: ۱۲۴». ودر آن چند سخنرانی علی آمده است که در نهج نیست مانند خطبة المخزون «ذریعه ۷: ۱۹۰ و۱۹۱ و ۲۰۵».

۶) وی مشارق الانوار را بسال «۷۷۳ق» ومشارق الامان را بسال «۸۱۱ق» نگاشته (ذریعه ج۳ ص۱۲ دیده شود) وی درباره علی وخاندانش تندرویها دارد. ونیز چند سخنرانی بعلی نسبت داده که در نهج نیامده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۴۷- عبدالاحد پسر برهان الدین پسر علی سیرجانی در نیمهٔ دوم سدهٔ دهم (۱)

نهج البلاغه:

چنانکه دیدیم یکی از گردآورندگان سخنان علی سید رضی (م ۴۰۶ ق) است. وی نهج البلاغه را گردآورده که جای گفتگوی ماست.

این کتاب دو سه بخش است: I سخنرانیها در ۲۳۹ بند. II نامه ها در ۷۸ بند. III سخنان کوتاه پند واندرز ۴۸۹ کلمه.

گردآورنده:

محمد پسر حسین پسر موسی پسر محمد موسوی، معروف به سید رضی (ز ۳۵۹ م ۴۰۶) است. وی و برادرش سید مرتضی چنانکه در (ص ۱۶۲) گفتم سرپرست طالبیان (نقیب الطالبیین) بوده و از اشراف بشمار میرفتند. گزارش زندگی ایشان در بیشتر کتابهای تاریخ ادبی وسیاسی بتفصیل آمده است، و تازگی کتابهای جداگانه دربارهٔ آنها نگاشته شده است مانند: «الشریف الرضی» چ نجف ۱۳۶۰ق در ۱ ج و «عبقریة الشریف الرضی» چ مصر ۱۹۴۰م در ۲ ج و «کاخ ولاویز» چ تهران ۱۳۱۷ ش در ۱ ج. وجز آنها.

نسبت نهج البلاغه برضی:

خود سید رضی در کتابهای دیگرش «حقایق التاویل» (۲) و «مجازات النبویه» (۳) باین کتاب حوالت داده است. یکی از دو فهرستنگار آن زمان: طوسی

---

۱) وی در تفسیری که برای شاه تهماسب «م۹۸۴» نگاشته خطبه ی بنام «خطبة الکشف» بعلی ع نسبت داده وترجمهٔ فارسی آنرا آورده، ولی متن تازی این خطبه هیچ جا دیده نشده است. ذریعه ۷: ۱۹۵ و۲۰۵. وگویا هموا ست که چند کلمه را فارسی سروده است. همین جلد فهرست ص۱۳۹ دیده شود.

۲) چ نجف ص ۱۶۷.

۳) چ بغداد ص ۲۲، ۴۱، ۱۲۷، ۱۶۱، ۲۵۲.

(م ٤٦٠)نام این کتاب و نگارنده‌اش را نیاورده، ولی نجاشی، فهرستنگار دیگر (م ٤٥٠) او را یاد کرده است (۱).

ابن شهرآشوب (م ۵۸۸) نیز از وی و کتاب او یاد کرده. ابن خلکان نام کتابرا برده، گوید برخی آنرا برضی و برخی بمرتضی نسبت داده اند. باید دانست که این اشتباه از آنرو رخ داده که مرتضی لقب هردو برادربوده، و آنرا از جد خود گرفته بوده‌اند.

نسبت این سخنان بعلی (ع) :

دراینکه آیا این سخنان درست ازعلی است ویا اززبان وی ساخته شده، پیروان مذاهب گوناگون از روی تعصب بچپ و راست تند رویها کرده‌اند، آنچه میتوان گفت آنست که گرچه برخی ازاین سخنرانیها در همان‌آغازنوشته شدولی بیشتر آنها تاچندپشت، سینه‌بسینه آمد، وپس‌ازنوشته شدن‌نیزدگرگونی درنسخه‌ها پدیدار گشت.

رضی در دیباچه نهج این ناسازگاری نسخه ها را گوشزد کرده، و نیز گوید: من ازسخنرانیهای او برخی را گزیدم وازجمله های آنها نیزدست چین کردم. پیداست که این کار وی نیز برناسازگاری و دگرگونگی نسخه سخنرانیها افزوده‌است. ابن‌ابی‌الحدیددرگزارش چندسخنرانی‌مانندبندهای ۳۷ و ۳۸ به دست خوردگی آنها اشارت کرده گوید: رضی‌باگردآوری جمله‌های چند سخنرانی‌علی، این بندها را فراهم ساخته است.

و نیز مطالب چند بند نهج‌البلاغه، از پدیده های سدهٔ سوم و چهارم هجرت است، وتاریخ فلسفه نشان میدهد که پس‌از گردانیدن دانشهای فارسی و یونانی بزبان تازی، این گفتگو ها میان مسلمانان پدیدآمد. (۲)

۱) رجال نجاشی چ بمبئی ۱۳۱۷ ق ص۰۰۰

۲) ماننده خطبه‌های: اشباح، قاصعه، ولی برای معتقدان باشراق و الهام شرایط زمان ومکان بی‌ارزش است. و(پای‌استدلالیان‌چوبین‌بود).مدارك نهج‌البلاغه؛ هادی کاشف‌الغطاء چ نجف ۱۳۵۰ق ص ۳۷ و۳۸ دیده شود.

آغاز نهج‌البلاغه: اما بعدحمدالله الذی جعل الحمد ثمنا...

انجام آن: درنسخه‌ها دگرگون است:

الف - ابن ابی‌الحدید پس ازآنکه جملهٔ «مالك و ما مالك...» را که علی (ع) پس‌از شنیدن خبرمرگ مالك اشتر گفته است، گزارش میدهد، میگوید: نخست سید رضی نهج‌البلاغه را دراینجا پایان داد؛ و نسخه ها ازآن نوشته شد، وسپس برآن‌افزود

ب - درنسخهٔ ابن‌ابی‌الحدید و بسیاری ازنسخه‌های خطی؛ پس از جملهٔ «رب مفتون بحسن‌القول...» (۱) از زبان سیدرضی چنین نگاشته شده: اینجا پایان گزین سخنان کوتاه علی است. در پایان هر باب چند برگ سفید نهادم تا برآن‌بیافزایم، وآن درماه‌رجب‌سال ٤٠٠ بود (۲)وسپس ابن‌ابی‌الحدید گوید: ومن‌نسخه‌هادیدم که گفته میشود در روزگارنگارنده(رضی)نوشته‌شده وبازهم این‌افزایش‌رادارد.

ج - این‌افزایش ۱۷ جمله است. وپایان آن چنین است: اذااحتشم‌المؤمن اخاه فقد فارقه...

مدارك نهج‌البلاغه :

رضی زنجیرهٔ وسند سخنرانیهارایادنکرده وفقطدرچندجا کتابهای زیررا بنام مدرك آورده است:

- البیان والتبیین، جاحظ (م ۲۵۵ق).
- المقتضب مبرد (م۲۸۵ق) - درباب «اللفظ بالحروف».
- المغازی، سعید پسریحیی اموی (م۱۹۱ق).
- جمل، واقدی (م۲۰۷ق).

۱) این کلمه ۱۸ جملهٔ پس‌ازخبرمرگ مالك اشتر آمده‌است.

۲) گ ۲۷۸-الف نسخهٔ شمارهٔ ۱۷٦ دانشگاه دیده شود، ودربسیاری از نسخه ها مانند نسخه ابن‌ابی‌الحدید تاریخ دیده‌نمی‌شود. ودرنسخه‌های چاپی این پایان‌نامه را پس‌ازجملهٔ «اذااحتشم المؤمن» (یعنی درپایان افزایش ج) آورده‌اند. ...

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

- المقامات مناقب علی ؛ ابوجعفر اسکافی (م۲٤۱ق).
- تاریخ طبری ، محمد پسر جریر (م۳۱۰ق).
- حکایت امام باقر (ع).
- روایت یمانی از ابن قتیبه.
- کتابچهٔ هشام کلبی (م۲۰٦ق) بخامهٔ وی.
- روایت ضرار پسر حمزه جنابی.
- روایت ابی جحیفه.
- حکایت ثعلب.

ولی من در (ص۲۹۹ تا ۳۰۵) فهرست کسانی را که پیش از رضی بگردآوری سخنان علی پرداخته‌اند آوردم و با بررسی آن میتوان بمدارك نهج البلاغه پی برد.

شمارهٔ سخنرانیها ونامه ها وجمله‌های نهج البلاغه (۱)

I نویسندهٔ نسخهٔ (۱۷٦ دانشگاه) که در ۷۷۳ نوشته شده در (گ ۲۸۱ الف) چنین آورده است :

۱۲۰ سخنرانی + ۱۰۵ کلام (۲) + ٦ دعاء + ٦۲ نامه + ۱۲ وصیت + ۱ سوگند نامه + ۳ عهدنامه + ٤۸۰ کوتاه سخن.

II سید هبة‌الدین در « ماهو نهج البلاغة » گوید ۲٤۲ سخنرانی و ۷۸ نامه و ٤۹۸ کوتاه‌سخن دارد.

III من نیز فهرستی برای آن ساختم که درآن باب نخست ۲۳۹ بند وباب دوم ۷۹ بند، وباب سوم ٤۹۸ بند دارد، که بند های ۲٦۱ تا ۲٦۹ این باب ، یك فصل جدا گانه است.

۱) چنانکه در ص ۳۰۳ گذشت مسعودی شمارهٔ همهٔ سخنرانیهای علی را چهار صد وهشتاد دانسته است.

۲) برخی از سخنرانیها بجملهٔ «ومن خطبة له...» وبرخی باجمله «ومن کلام له...» آغاز شده است.

کارها که دربارهٔ سخنان علی ع و نهج البلاغه انجام شده است :

حاجی نوری (م ۱۳۲۹ ق) نام بیست‌وشش گزارش نهج البلاغه را یاد کرده(۱) وهبة‌الدین شهرستانی (۲) این شماره را بنقل از ذریعه به چهل وپنج رسانیده، و ابن یوسف شیرازی (۳) ، آنرا بهشصت وشش شرح و گزارش رسانیده ، و نیز دوشرح برای خطبة‌البیان (٤) آورده ومن آنرا در (ص۱۱۲ – ۱۱۳) به سیزده رسانیدم، ونیزسه گزارش برای شقشقیه (بند ۳ باب ۱) و دوازده شرح وترجمه برای عهد مالك (بند ٥۳ باب ۲) یاد کرده ، ومن در (ص ۱۸ – ۱۹) آنرا به بیست ویك رسانیدم ، ونیز یك گزارش برای قاصعه (بند ۱۹۰ باب۱) ویك شرح برای طتنجیه (٥) و دو شرح برای خطبه همام (بند ۱۱۹ باب ۱) وسه شرح برای بخشی از نهج البلاغه ، وبیست بار گردآوری متن یا ترجمه سخنان کوتاه پند واندرز علی (ع) را یاد کرده ومن اینرا نیز در (ص۱۳۷) به سی وشش رسانیدم. اضافه براین صدو چهل وپنج کار وچهل وهفت کاردیگر که در زیر عنوان گردآورندگان وناقلان سخنان علی گذشت ، باید کارهای زیررا نیز یادآوری نمایم :

۱- شیخ محمدعلی مدرس چهاردهی (م۱۳۳٤ق) بخشی از نهج راشرح کرده و نسخهٔ خط‌خود وی نزد نواده‌اش مرتضی مدرسی چهاردهی در تهران هست.

۲- محمد جواد پسر محمد علی پسر شیخ جعفر شوشتری(م ۱۳۲٥ق) خطبهٔ همام (بند ۱۹۱ باب ۱) راشرح کرده و« تنبیه العباد» نامیده است (٦).

۱) خاتمهٔ مستدرك وسائل الشیعه» ص ۸۰٥.
۲) ماهو نهج البلاغه - ص٥.
۳) فهرست کتابخانهٔ سپهسالار ج ۲ ص ۱۱۳-۱٥۳ و نیز همان در « نهج البلاغه چیست؟ » آورده.
٤) خطبة‌البیان از سخنرانیهائیست که بعلی نسبت داده شده و در نهج نیامده (ص ۱۰۸-۱۱٦)دیده شود.
٥) نیز از سخنرانیهائیست که بعلی نسبت داده شده ودر نهج نیامده است.
٦) ذریعه ٤ : ٤٤٤.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۳- آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (م ۱۳۲۹ ق) خطبهٔ فیلسوفانهٔ اول الدین معرفته (بند ۱ باب ۱) را گزارش نگاشته (۱)

٤ - شیخ هادی کاشف الغطاء (م ۱۳٦۱ق) کتابی بنام مستدرك نهج‌البلاغه نگاشته و در آن سخنرانیهائی را بعلی نسبت داده که در نهج نیامده، و کتابی دیگر بنام «مدارك نهج‌البلاغه» نگاشته و در آن از نسبت سخنرانیها بعلی دفاع نموده است.

٥- محمد علی انصاری، بخشی از نهج‌البلاغه را بفارسی سروده است و در ۲۸۰ ص چاپ کرده.

٦- سید علی فیض: گزارشی بفارسی بر نهج نگاشته و بیشتر آنرا از شرح ملا فتح‌الله کاشی گرفته، و آنرا در تهران بسال ۱۳۲۹ چاپ کرده است.

۷- عزالدین علم‌الدین تنوخی: کتابی درباره نهج از نظر ادبی نگاشته (۲)

۸- دکتر سیدعلی حسین‌الوردی الکاظمی، کتابی درباره نهج‌البلاغه از نظر سیاست و اقتصاد نگاشته (۳)

۹- سید علی اکبر برقعی کتابی بنام «کاخ دلاویز» درباره سید رضی و نهج‌البلاغه نگاشته.

۱۰ سید شهاب‌الدین نجفی نیز گفتاری در مجلهٔ ارمغان بدان افزوده‌اند.

۱۱- احمدزکی صفوت «ترجمه علی بن ابی‌طالب» نگاشته، و در آن از سخنرانیها و کتاب نهج‌البلاغة نیز گفتگو کرده، و آنرا در مصر بسال (۱۳۵۰ق) در (۱٦۲ص) چاپ کرده است.

۱۲- سید محمد علی هبة‌الدین شهرستانی وزیر سابق فرهنگ عراق کتابچه‌یی بتازی درباره نهج و سند سخنرانیهای علی نگاشت و بنام «ماهو نهج البلاغه ؟» چاپ کرد.

---

۱) ذریعه ۷: ۱۹۹

۲) و ۳) از یادداشتهای خطی آقای حسن‌علی آل محفوظ کاظمینی.

۱۳- ابن یوسف شیرازی ضیاءالدین حدائق نیز در این باره پژوهشها کرده، و در فهرست سپهسالار ج ۲ بخشی ویژه نهج‌البلاغه گشوده، و همین بخش را مانند یك کتابچهٔ جداگانه بنام «نهج‌البلاغه چیست ؟» چاپ کرد.

اندرزهای علی و دعاهای سجاد (ع)

چنانکه در ص ۱۵۲ — ۱٦۹ ج ۷ — این فهرست یاد کردم صحیفهٔ سجادیه نیز یکی از کتابهای مقدس مذهبی شیعیان است که ٤۷ شرح و گزارش برای آن نگاشته اند، و هشت بار بر آن افزوده‌اند که بنام صحیفهٔ یکم و دوم تا هشتم نامیده شود.

از این ٥٥ کار که دربارهٔ صحیفه انجام شده است، سه کار پیش از سال ۱۰۰۰ ق و پنج کار پس از سال ۱۳۰۰ ق، و دیگران در این سه قرن انجام یافته است.

ولی کارهائی که برای نهج البلاغه بشمار آوردم ۲۰٤ کار است، که ۱۰۰ کار پیش از سال ۱۰۰۰ ق، و ٤۳ کار پس از ۱۳۰۰ ق، و ٦۱ کار در این سه قرن انجام شده. نباید فراموش کرد که جنبهٔ دعائی و مذهبی و اخروی در صحیفهٔ سجادیه و همچنین جنبهٔ اجتماعی و زندگی دنیائی در سخنان علی برتری دارد (۱) و گویا از همین روی در این سیصد سال بآن بیش از این توجه داشته‌اند.

دگرگونی و ناسازگاری نسخه‌های نهج:

پژوهش درست دربارهٔ ناسازگاری نسخه‌های سخنرانیها و جدا کردن میان گویندگان آنها، نیازمند یك فهرست واژه‌یابی برای نهج البلاغة است که هنوز ساخته

---

۱) ولی در برخی جاها نیز تا انجام بهم نزدیکند که گفتهٔ یکی را بدیگری نسبت داده‌اند؛ چنانکه ابن ابی الحدید در گزارش (بند ۷٦ باب ۱) گوید: این خطبه از دعاهای سجاد (ع) است.

شده (۱) ومن دراین‌جا فقط یادآوری بیش وبیمی سخنرانیها درچندنسخه از نهج‌البلاغه بس میکنم:

الف ـ نسخهٔ ابن ابی الحدید: نسخه ئیکه ابن ابی الحدید گزارش نموده

---

۱) ولی من برای آنکه اندکی ازناسازگاریها میان نسخه‌های نهج‌البلاغه و بیش وبیمی سخنرانیهای آنرا نشان‌دهم، فهرستی ازبندهای باب نخست و بابدوم آن (۱) برابر چاپهای امروزی، دراین جامی آورم:

۱ ـ الف ـ الحمدالله الذی لایبلغ ...
ب ـ ثم جمع من‌حزن الارض ...
ج ـ وفرض علیکم حج بیته ...
۲ـ الف ـ احمده استتماما لنعمته ...
ب ـ موضع سره وعیبة ..
ج ـ زرعوا الفجور وسقوه ...
۳ـ اما والله لقد تقمصها .. (شقشقیة)
٤ـ بنا اهتدیتم فی الظلماء ..
٥ ـ ایها الناس شقوا ...
٦ـ والله لااکون کالضبع ...
۷ ـ اتخذوا الشیطان لامرهم ..
۸ـ یزعم‌انه قدبایع ...
۹ـ وقدارعدو اوابرقوا ...
۱۰ـ الاوان الشیطان قد ...
۱۱ ـ تزول الجبال ولاتزل ... (ابن‌حنفیه)
۱۲ـ أهوی اخیك معنا ؟ ..
۱۳ـ کنتم جندالمرئة ...
۱٤ـ ارضکم قریبة من الماء ...
۱٥ والله لووجدته قد ..
۱٦ـ ذمتی بما اقول رهینة .. (بیعت)
ب ـ شغل من الجنة والنار ..
۱۷ـ ان أبغض الخلائق الی ... (قضاء)
۱۸ـ تردعلیهم القضیة ... (فتوی)
۱۹ـ مایدریك ماعلی ممالی ... (اشعث)
۲۰ـ فانکم لوعاینتم ماقد ...
۲۱ـ فان الغایة امامکم ...
۲۲ـ الاوان الشیطان قدذمر ..
۲۳ـ اما بعدفان الامر ینزل من السماء ..
ب ـ الالایعدلن احدکم ...
۲٤ـ ولعمری ماعلی من قتال ..
۲٥ـ ماهی الاالکوفة أقبضها ..
۲٦ـ ان الله بعث محمداً نذیراً ..
ب ـ فنظرت فاذالیس لی معین ..
ج ـ ولم یبایع حتی شرطأن ..
۲۷ـ اما بعدفان الجهاد باب ..
۲۸ـ اما بعدفان الدنیا قدادبرت ...
۲۹ـ ایها الناس المجتمعة ابدانهم ...
۳۰ـ لوامرت به لکنت قاتلا ..
۳۱ـ لاتلقین‌طلحة فانك ...
۳۲ـ ایها الناس اناقداصبحنا ..
۳۳ـ ان‌الله بعث محمداً ولیس من العرب ..
۳٤ـ اف لکم لقدسئمت ..
۳٥ـ الحمدلله وان‌اتی الدهر ..
۳٦ـ فانا نذیرکم أن (نهروان) ...

مانده درصفحه ۳۱۳

با نسخه های امروزی ناسازگار بوده، ومن این دگرگونی را در (ص ۲۵٦) این فهرست تا اندازه‌یی روشن نمودم.

مانده از ص ۳۱۲

۳۷ـ فقمت بالامرحین فشلوا ..
۳۸ـ وانما سمیت الشبهة ..
۳۹ـ منیت بمن لایطیع ...
٤۰ـ کلمة حق یراد بها الباطل ...
٤۱ـ ان الوفاء توأم الصدق ..
٤۲ـ ایها الناس ان اخوف ..
٤۳ـ ان استعدادی للحرب ...
٤٤ـ قبح‌الله مصقلة ..
٤٥ـ الحمدلله غیرمقنوط ..
٤٦ـ اللهم انی اعوذبك ..
٤۷ـ کانی بك یا کوفة ...
٤۸ـ الحمدلله کلما وقب ...
٤۹ـ الحمدلله الذی بطن خفیات ..
٥۰ـ انما بدء وقوع الفتن ...
٥۱ـ قداستطعمو کم القتال ..
٥۲ـ الاوان الدنیا قدتصرمت ..
٥۳ـ ومن کمال الاضحیة ..
٥٤ـ فتدا کوا علی تداك ...
٥٥ـ اماقولکم: الکل ذلك ...
٥٦ـ ولقدکنا مع رسول‌الله ...
٥۷ـ اما انه سیظهر علیکم ..
٥۸ـ اصابکم حاصب (خوارج) ..
٥۹ ـ الف ـ مصارعهم دون النطفة ..
ب ـ کلا والله انهم نطف ..
ج ـ لاتقتلوا الخوارج بعدی ...
٦۰ـ وان علی من الله جنة ...
٦۱ـ الاوان الدنیا دار ..
٦۲ـ واتقوا الله عبادالله ..
٦۳ـ الحمدلله الذی لم یسبق ...
٦٤ـ معاشر المسلمین استشعروا ...
٦٥ـ فهلا احتججتم علیهم (سقیفه) ..
٦٦ـ وقداردت تولیة مصر ..
٦۷ـ کم اداریکم کما تداری ...
٦۸ـ ملکتنی عینی وانا (شب ضربت) ...
٦۹ـ اما بعدیا اهل العراق فانما ...
۷۰ـ اللهم داحی المدحوات ...
۷۱ـ اولم ینهٰ بنی بعد قتل عثمان ..
۷۲ـ لقدعلمتم انی احق بها (خلافت عثمان) ..
۷۳ـ اولم ینه أمیة علمها ..
۷٤ـ رحم‌الله مرءً سمع حکما ...
۷٥ـ ان بنی امیة لیفوقوننی ...
۷٦ـ اللهم اغفرلی ما انت اعلم ...
۷۷ـ اتزعم انك تهدی الی الساعة ..
۷۸ـ معاشر الناس ان النساء ...
۷۹ـ ایها الناس الزهادة قصر ...
۸۰ـ ما اصف من داراولها العناء ..
۸۱ـ الف ـ الحمدلله الذی علا (غراء) ...
ب ـ جعل لکم اسماعا لتعی ...
ج ـ أیها الذی انشاء ...
۸۲ـ عجبا لابن النابغة (عمروعاص) ...
۸۳ـ الف ـ واشهدان لااله الاالله ..
ب ـ فاتعظوا عبادالله بالعبر ...

مانده در ص ۳۱٤

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

ب ــ نسخهٔ شمارهٔ (۳۰۸۳) سپهسالار : این نسخهٔ بی تاریخ که گویا در آغاز سدهٔ ششم نوشته شده باشد (۱) در ترتیب سخنرانیها مانند نسخهٔ این

۱) فهرست سپهسالار ۲: ۱۵۵.

مانده از ص ۳۱۳

ج ــ درجات متفاضلات...
۸۴ ــ قدعلم السرائر ...
۸۵ ــ الف ــ عباد الله ان من احب...
ب ــ حتی یظن الظان ان الدنیا ...
۸۶ ــ اما بعد فان الله لم یقصم ...
۸۷ ــ ارسله علی حین فترة من الرسل ...
۸۸ ــ الحمد لله المعروف من غیر رؤیة ...
۸۹ ــ الف ــ الحمد لله الذی لا یفره (الاشباح)
ب ــ قدر ما خلق فاحکم ...
ج ــ ونظم بلا تعلیق (آسمان) ...
د ــ ثم خلق سبحانه (فرشتگان)...
هـ ــ کبس الارض علی (زمین)...
۹۰ ــ دعوی و النسوا الغیری (هنگام بیعت)...
۹۱ ــ اما بعد ایها الناس ما نافقات...
۹۲ ــ الف ــ فتبارك الله الذی لا ...
ب ــ فاستودعهم فی افضل مستودع ،
۹۳ ــ بعثه والناس ضلال ...
۹۴ ــ الف ــ الحمد لله الاول فلا شئ ...
ب ــ مستقره خیر مستقر...
۹۵ ــ ولئن امهل الظالم ...
۹۶ ــ و الله لا یزالون حتی لا یدعوا...
۹۷ ــ نحمده علی ما کان ونستعینه ...
۹۸ ــ الحمد لله الناشر فی الخلق ...
۹۹ ــ الاول قبل کل اول والآخر ...
۱۰۰ ــ الف ــ وذلك یوم یجمع الله فیه...
ب ــ فتن کقطع اللیل المظلم ...
۱۰۱ ــ الف ــ انظروا الی الدنیا نظر...
ب ــ العالم من عرف قدره ...
ج ــ وذلك زمان لا ینجو فیه ...
۱۰۲ ــ اما بعد فان الله سبحانه بعث ...
۱۰۳ ــ حتی بعث الله محمداً ص...
۱۰۴ ــ الحمد لله الذی شرع الاسلام...
ب ــ حتی اوری قبسا...
ج ــ وقد بلغتم من کرامة الله ...
۱۰۵ ــ وقد رایت جولتکم ...
۱۰۶ ــ الف ــ الحمد لله المتجلی بخلقه
ب ــ اختاره من شجرة...
ج ــ طبیب دوار بطبه ...
۱۰۷ ــ الف ــ کل شئ خاشع له...
ب ــ من ملائکة اسکنتهم
ج ــ فتنقر الدنیا
۱۰۸ ــ ان افضل ما توسل به (دیباج)...
۱۰۹ ــ اما بعد فانی احذرکم ...
۱۱۰ ــ هل یحس به اذا دخل (عزرائیل) ...
۱۱۱ ــ واحذرکم الدنیا فانها...
۱۱۲ ــ الحمد لله الواصل ...
۱۱۳ ــ اللهم قد انصاحت (استسقاء)...
۱۱۴ ــ الف ــ ارسله داعیاً الی الحق...

مانده در ص ۳۱۵

ابی الحدید است ، جز اینکه : ا ــ بند ۲۳۷ نیز همراه بند ۲۳۸ بدنبال ۱۹۰ نهاده شده ، و بنابراین آخرین سخنرانی این نسخه بند ۲۳۶ باب نخست میباشد.

مانده از ص ۳۱۴

ب ــ لو تعلمون ما اعلم...
۱۱۵ ــ فلا اموال بذلتموه ...
۱۱۶ ــ انتم الانصار علی الحق ...
۱۱۷ ــ ما بالکم لا سددتم لرشد ...
۱۱۸ ــ تالله لقد علمت تبلیغ ...
۱۱۹ ــ هذا جزاء من ترك العقدة ...
۱۲۰ ــ الف ــ فاما زوا فریقین ...
ب ــ الم تقولوا عند رفعهم ...
۱۲۱ ــ الف ــ وای امرئ منکم احس ...
ب ــ و کانی انظر الیکم..
۱۲۲ ــ فقدموا الدراع ... (۱)
۱۲۳ ــ انا لم نحکم الرجال (میانجی حکمین)
۱۲۴ ــ اتامرونی ان اطلب ...
۱۲۵ ــ فان ابیتم الا ان تزعموا ...
۱۲۶ ــ الف ــ یا احنف کانی به (زنگیان)...
ب ــ کانی اراهم قوما (ترکان).
۱۲۷ ــ عباد الله انکم وما ...
۱۲۸ ــ یا اباذر انك غضبت ...
۱۲۹ ــ ایتها النفوس المختلفة ... (البیعة)
۱۳۰ ــ الف ــ نحمده علی ما اخذ واعطی...
ب ــ فانه واحد الله العدلا الشی ...
۱۳۱ ــ الف ــ وانقادت له الدنیا ...
ب ــ کتاب الله بین اظهرکم ...
ج ــ ارسله علی حین فترة ...
د ــ وانما الدنیا منتهی...
هـ ــ واعلموا انه لیس ...
۱۳۲ ــ وقد توکل الله لاهل (قتال روم).
۱۳۳ ــ یا ابن اللعین الابتر ...
۱۳۴ ــ لم تکن بیعتکم ایای فلتة ...
۱۳۵ ــ الف ــ والله ما انکروا (طلحه وزبیر)
ب ــ فاقبلتم الی اقبال العوذ...
۱۳۶ ــ الف ــ یعطف الهوی علی الهدی ،
ب ــ حتی تقوم الحرب بکم ...
ج ــ کانی به قد نعق بالشام...
۱۳۷ ــ لم یسرع احد قبلی (شوری).
۱۳۷ ــ وانما ینبغی لاهل العصمة .
۱۳۹ ــ ایها الناس من عرف ...
۱۴۰ ــ ولیس لواضع المعروف...
۱۴۱ ــ الاوان الارض التی ... (استسقاء).
۱۴۲ ــ الف ــ بعث الله رسوله بما...
ب ــ اثروا عاجلا واخروا ...
۱۴۳ ــ الف ــ ایها الناس انما انتم...
ب ــ وما احدثت بدعة ...
۱۴۴ ــ ان هذا الامر (قتال فرس) لم یکن .
۱۴۵ ــ فبعث محمداً (ص) بالحق...
۱۴۶ ــ کل واحد منهما یرجو الامر...
۱۴۷ ــ ایها الناس کل امرئ...
۱۴۸ ــ الف ــ واخذوا یمینا وشمالا...

۱) در برخی نسخه‌ها این خطبه تابع وجزو خطبهٔ پیش آمده است، ولی در شرح ابن ابی الحدید جدا است .

مانده در ص ۳۱۶

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

II- بند ۲۳۹ رابجای آنکه میان (۲۱۸ و ۲۱۹) بیاورد، در دنبال ۲۳۸ نهاده است.

III- در دنبال بند ۲۳۶ که آخرین سخنرانی این نسخه است این جمله را نوشته

مانده از ص ۳۱۵

ب- وطال الأمد بهم...
۱۴۹- الف- واستعینه علی مداحر...
ب- بین قتیل مطاول ...
۱۵۰- الف — الحمدلله الدال علی ...
ب — وقد طلع طالع ولمع لامع...
۱۵۱- الف - وهو فی مهلة من الله...
ب- حتی اذا کشف لهم ...
۱۵۲- و ناظر قلب اللبیب ...
ب- فیهم (اهل البیت) کرائم القرآن...
۱۵۳- الحمدلله الذی انحسرت..(خفاش).
۱۵۴- الف- فمن استطاع عند ذالك...
ب- سبیل ابلج المنهاج...
ج- قد شخصوا من مستقر الاجداث...
تـ لما انزل الله قوله (الم احسب ...)...
۱۵۵- الحمدلله الذی جعل الحمد ..
۱۵۶- الف- ارسله علی حین فترة...
ب- فعند ذالك لا یبقی...
۱۵۷- ولقد احسنت جوارکم...
۱۵۸- امره قضاء وحکمة...
ب- ینادی بزعیه...
۱۵۹- بعثه بالنور المضیئ...
۱۶۰- یا اخا بنی اسد انك...
۱۶۱- الحمدلله خالق العباد ...
ب- ایها المخلوق السوی...
۱۶۲- ان الناس ورائی... (سفارت).
۱۶۳- ابتدعهم خلقاً عجیبا.. (طاوس).
ب- فلو رمیت ببصر قلبك...
۱۶۴- لیتأس صغیر کم...
ب- افترقوا بعد الفتهم ...
۱۶۵- ان الله انزل کتابا...
۱۶۶- یا اخوتاه انی لست...
۱۶۷- ان الله بعث رسولا هادیا ..
۱۶۸- ارایت لو ان الذین وراءك...
۱۶۹- اللهم رب السقف...
۱۷۰ — الحمدلله الذی لا توارى...
ب- وقد قال قائل انك ...
ج- فخرجوا یجرون ...
۱۷۱- امین وحیه وخاتم رسله.
۱۷۲- قد کنت وما اهدد...(طلحه)
۱۷۳- ایها الغافلون غیر...
۱۷۴- انتفعوا ببیان الله ...
۱۷۵- فاجمع رای ملئکم ...(حکمین).
۱۷۶- لا یشغله شأن ...
۱۷۷- لا تدرکه العیون...(ذعلب یمانی).
۱۷۸- احمدالله علی ماقضی...
۱۷۹- بعدا لهم کما بعدت ثمود ...
۱۸۰- الف- الحمدلله الذی الیه مصائر...
ب- قد لبس للحکمة جنتها...
۱۸۱- الف- الحمدلله المعروف من غیر...
ب- فالقرآن آمر زاجر...
۱۸۲- اسکت (برج بن مسهر) قبحك الله...
۱۸۳- الف- الحمدلله الذی لا تدرکه...

مانده در ص ۳۱۷

است: تمت الزیادة و گویا وی این سخنرانی را افزوده میدانسته.

ج- نسخهٔ شیخ میثم بحرینی (۱): سخنرانیهای باب یکم این نسخه بدینترتیب

۱) یعنی نسخه‌ئیکه شرح کوچك او برابر آنست و در ص ۱۵۰ تا ۱۵۱ این فهرست یاد شده است.

مانده از ص ۳۱۶

ب- ولو فکروا فی عظیم...
۱۸۴- ما وحده من کیفه.. (توحید)
۱۸۵- الانابی وامی هم...
۱۸۶- اوصیکم ایها الناس...
۱۸۷- فمن الایمان ما یکون...
۱۸۸- احمده شکرا لانعامه...
۱۸۹- الحمدلله الفاشی (فی الخلق) حمده...
۱۹۰- الحمدلله الذی لبس العز...(قاصعة)
۱۹۱- اما بعد فان الله خلق الخلق...(همام)
۱۹۲- نحمده علی ما وفق له...(منافقین)
۱۹۳- الحمدلله الذی اظهر ..
۱۹۴- بعثه حین لا علم...
۱۹۵- ولقد علم المستحفظون ..
۱۹۶- یعلم عجیج الوحوش...
۱۹۷- تعاهدوا امر الصلاة...
۱۹۸- والله ما معاویة بادهی منی ...
۱۹۹- ایها الناس لا تستوحشوا...
۲۰۰- السلام علیك یا رسول (دفن فاطمه)
۲۰۱- ایها الناس انما الدنیا...
۲۰۲- تجهزوا رحمکم الله ...
۲۰۳- لقد نقمتما یسیرا...(طلحة و زبیر).
۲۰۴- انی اکره لکم ان...
۲۰۵- املکوا عنی هذا الغلام (حسن) ..
۲۰۶- ایها الناس انه لم یزل ...
۲۰۷- ما کنت تصنع بسعة... (علاء)
۲۰۸- ان فی ایدی الناس... (حدیث سازی).
۲۰۹- وکان من اقتدار جبروته...
۲۱۰- اللهم ایما عبد من ...
۲۱۱- الف — الحمدلله العلی عن شبه...
ب- ارسله بالضیاء ...
۲۱۲- واشهد انه عدل عدل ...
۲۱۳- الحمدلله الذی لم یصبح...
۲۱۴- الف- اما بعد فقد جعل الله...
ب- ان من حق من عظم جلال ...
۲۱۵- اللهم انی استعدیك...
۲۱۶- فقدموا الی عوالی...
۲۱۷- لقد اصبح ابو محمد...
۲۱۸- قد احیی عقله وامات...
۲۱۹- یا لعمر اماما بعده.
۲۲۰- ان الله جعل الذکر...
۲۲۱- ادحض مسئول حجة...
۲۲۲- والله لان ابیت علی...
۲۲۳- اللهم صن وجهی...
۲۲۴- دار بالبلاء محفوفة..
۲۲۵- اللهم انك آنس...
۲۲۶- لله بلاد فلان فقد...

مانده در ص ۳۱۸

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

میباشد: از بند ۱ تا بند ۱۷۷ درست است، و سپس بند ۱۹۳ و ۱۹۵، و سپس بند ۱۷۸ تا ۱۸۲، و سپس بند ۲۰۷ تا ۲۳۳، و سپس بند ۲۳۵، و سپس بند

مانده از ص ۳۱۷

۲۲۷ـ و بسطتم یدی فکففتها... (بیعت).
۲۲۸ـ الف ـ فان تقوی الله مفتاح سداد...
ب ـ کانوا قوما من اهل الدنیا...
۲۲۹ـ فصدع بما امر به... (ذی قار).
۲۳۰ـ ان هذا المال لیس... (ابن زمعه).
۲۳۱ـ الا ان اللسان بضعة...
۲۳۲ـ انما فرق بینهم... (اختلاف الناس).
۲۳۳ـ بابی انت و امی... (غسل پیغمبر).
۲۳۴ـ فجعلت اتبع مأخذ...
۲۳۵ـ فاعملوا و انتم فی نفس...
۲۳۶ـ جفاة طغاة عبید... (حکمین).
۲۳۷ـ هم عیش العلم... (خاندان پیغمبر).
۲۳۸ـ یا ابن عباس ما یرید... (حصار عثمان).
۲۳۹ـ والله مستادیکم...

باب دوم نهج البلاغه

۱ ـ باهل کوفه ـ فانی اخبرکم من امر عثمان...
۲ـ باهل کوفه ـ وجزاکم الله من اهل مصر...
۳ـ الف ـ بشریح حارث ـ یا شریح اما انه سیأتیک...
ب ـ هذا ما اشتری عبد ذلیل...
۴ـ بیك سردار ـ فان عادوا الی ظل الطاعة...
۵ـ باشعث کندی ـ وان عملك لیس لك...
۶ـ بمعاویه ـ انه بایعنی القوم...
۷ـ الف ـ بمعاویه ـ فقد اتتنی منك موعظة...
ب ـ لانها بیعة واحدة لا یثنی...

مانده در ص ۳۱۹

۱۸۳ تا ۱۹۰، و سپس ۲۳۶ تا ۱۳۹، و در پایان بند ۲۳۴ هست. و بنابراین نسخهٔ مبنی دو بند ۲۰۵ و ۲۰۶ را ندارد.

مانده از ص ۳۱۸

۸ـ بجریر بجلی ـ فاذا اتاك کتابی فاحمل...
۹ـ بمعاویه ـ فاراد قومنا قتل نبینا...
۱۰ـ بمعاویه ـ و کیف انت صانع...
۱۱ـ بسپاهیان ـ فاذا نزلتم بعدو...
۱۲ـ بمعقل ریاحی ـ اتق الله الذی لا بد لك...
۱۳ـ بدو تن از سران لشکر ـ لقد امرت علیکما...
۱۴ ـ بسپاهیان ـ لا تقاتلوهم حتی...
۱۵ـ بخداوند ـ اللهم افضت الیك...
۱۶ـ بسپاهیان ـ ولا تشدن علیکم...
۱۷ـ بمعاویه ـ فاما طلبك الی الشام...
۱۸ـ بابن عباس ـ اعلم ان البصرة...
۱۹ـ بیکی از استانداران ـ فان دهاقین اهل...
۲۰ـ بزیاد بن ابیه ـ وانی اقسم بالله...
۲۱ـ بزیاد بن ابیه ـ فدع الاسراف...
۲۲ـ بابن عباس ـ فان المرء قد یسره...
۲۳ـ وصیت پس از زخم ابن ملجم ـ وصیتی لکم ان لا تشرکوا
۲۴ـ الف ـ وصیت پس از باز گشت از صفین ـ هذا ما امر به
ب ـ وانه یقوم بذلك الحسن...
۲۵ـ بتحصیلدار خراج ـ انطلق علی تقوی الله...
۲۶ـ بیك تحصیلدار ـ امره بتقوی الله...
۲۷ـ الف ـ بمحمد بن ابی بکر ـ فاخفض لهم جناحك...
ب ـ فانه لا سواء امام الهدی و امام...
۲۸ـ بمعاویه ـ فقد اتانی کتابك تذکر...
۲۹ـ باهل بصره ـ و کان من انتشار حبلکم...
۳۰ـ بمعاویه ـ فاتق الله فیما لدیك...
۳۱ـ بحسن بن علی ـ من الوالد الفان...

مانده در ص ۳۲۰

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

د- نسخهٔ شمارهٔ ۲۹۲ کتابخانهٔ رضوی که چند سخنرانی افزوده است (۱) وپیش از سدهٔ دهم نوشته شده .

---

۱) فهرست رضوی ج۱ ص ۹۶ و۹۷ اخبار دیده شود .

مانده از ص ۳۱۹

۳۲- بمعاویه- واردیت جیلامن الناس ...
۳۳- بقثم بن عباس- فان عینی بالمغرب کتب ...
۳٤- بمحمد بن ابی بکر - فقد بلغنی موجدتك ...
۳۵- با بن عباس - فان مصر قدفتحت ...
۳٦- بعقیل - فسرحت الیه جیشاً ...
۳۷- بمعاویه - فسبحان الله ما اشدلزومك...
۳۸- باهل مصر- من عبدالله علی ..
۳۹- بعمروعاص - فانك قدجعلت ..
٤۰- بیکی ازفرمانداران- قدبلغنی عنك امر...
٤۱- بیکی از فرمانداران- فانی کنت اشرکتك...
٤۲- بعمر مخزومی- فانی قدولیت نعمان بن عجلان..
٤۳- بمصقلة شیبانی- بلغنی عنك امران کنت ...
٤٤- بزیاد بن ابیه - وقدعرفت ان معاویه ..
٤۵- الف- بعثمان بن حنیف - یا بن حنیف فقدبلغنی آن...
ب- الیك عنی یادنیا ...
٤٦- بیکی ازفرمانداران - فانک ممن استظهر...
٤۷- الف - بحسن وحسین - اوصیکما بتقوی...
ب- یا بنی عبدالمطلب ..
٤۸- بمعاویه- وان البغی والزور..
٤۹- بمعاویه بادیگری- فان الدنیا مشغلة...
۵۰- بسران لشکر- من عبدالله علی ...فان حقاعلی الوالی..
۵۱- بعاملان خراج و تحصیلداران - فان من لم یحذر ماهو...
۵۲- بفرمانداران - فصلوا بالناس الظهر...
۵۳- بمالك اشتر- هذاماامربه عبدالله علی ...

مانده در ص ۳۲۱

هـ- نسخهٔ شمارهٔ ۲۹۳ همانکتابخانه که در (۷۲۹ق) نوشته شده ودرآن نیز چند سخنرانی افزوده شده (۱)

---

۱) فهرست رضوی ج۱ ص ۹٦ و۹۷ اخبار دیده شود .

ماندهٔ ازرویه پیشین :

۵٤- بطلحه وزبیر- قدعلمتما وان کتمتما...
۵۵- بمعاویه - فان الله قدجعل الدنیا ...
۵٦- بشریح بسرهانی - اتق الله فی کل صباح ...
۵۷- باهل کوفه- فانی خرجت من حیی...
۵۸- بمردم شهرها - وکان بدء أمرنا أنا ...
۵۹- باسود بسراقطبة - فان الوالی اذااختلف ...
٦۰- بفرمانداران- من عبدالله... فانی قدسیرت جنودا ...
٦۱- بکمیل زیاد - فان تضییع المرء ماولی ...
٦۲- الف - باهل مصر- فان الله بعث محمداً نذیراً ...
ب- انی والله لولقیتهم واحداً ...
٦۳- با بوموسی اشعری- من عبدالله علی ، فقد بلغنی عنک قول...
٦٤- بمعاویه - فانا کنا نحن ...
٦۵- بمعاویه - فقدآن لك ان تنتفع ...
٦٦- با بن عباس - فان المرء لیفرح ...
٦۷- بقثم بن عباس - فاقم للناس الحج...
٦۸- بسلما پارسی - فانما مثل الدنیا ...
٦۹- بحارث همدان - وتمسك بحبل القرآن ...
۷۰- بسهل بن حنیف - فقد بلغنی ان رجالا...
۷۱- بمنذر بن جارود - فان صلاح ابیک ماغرنی...
۷۲- با بن عباس - فانک لست بسابق ...
۷۳- بمعاویه - فانی علی ترددفی جوابک ...
۷٤- قراردادربیعه بامردم یمن- هذامااجتمع... (سوگندنامه).
۷۵- بمعاویه - فقد علمت اعذاری...
۷٦- با بن عباس - مع الناس بوجهک ...

مانده در ص ۳۲۲

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

و ـ نسخهٔ ۱۷۶ کتابخانهٔ دانشگاه برابر نسخهٔ ابن ابی الحدید است جز اینکه بند ۲۳۹ را پس از ۲۳۸ و پیش از ۲۳٤ نهاده است . یعنی بندهای ۲۳۸ و ۲۳۹، ۲۳٤، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷ را باهمین ترتیب در پایان کتاب نهاده، و در آغاز آنها گوید: «اینهارا ازروی نسخه‌ایکه بروز گار نگارنده (رضی) نوشته‌شده افزوده‌اند (۱)

ز ـ نسخهٔ ۷۸ دانشگاه برابر نسخه های مشهور است ، جزاینکه بند ۲۳۹ را مانند نسخهٔ ابن ابی الحدید میان دو بند ۲۱۸ و ۲۱۹ نهاده است .

[۱۰۸]

۸۷ نسخه بخط نسخ زیبا، نویسنده حسن پسر علی پسر حسن پسر علی پسر شدقم حسینی مدنی (۲) که در ۱۷ ع ۱ سال ۹۹٤ آنرا آغاز و هنگام چاشت

(۱۰) برگ ۴۰۰ ب نسخهٔ ۷۸ کتابخانهٔ دانشگاه

ماندہ از ص ۳۲۱

۷۷ ـ بابن عباس ـ لاتخاصمهم بالقرآن .

۷۸ ـ بابوموسی اشعری ـ فان الناس قدتغیر .

۷۹ ـ بسران لشکر ـ فانما اهلک من کان .

(۱) برگ ۱۸۰ ـ الف ، نسخهٔ شمارهٔ ۱۷۶ دانشگاه دیده شود .

(۲) گزارش زندگی این نویسنده در «تحفة الازهار» نواده‌اش بخط خود وی بشمارهٔ ۹۹۲ در این کتابخانه هست و در این فهرست یاد خواهد شد .

(۱۱) برگ ۴۰۱ ب نهج البلاغة شمارهٔ ۷۸ دانشگاه

روز یکشنبه آنرا بپایان رسانیده. وآنرا ازروی سه بلکه چهار نسخه رونویس کرده :

الف ـ نسخهٔ ابن أبي الحدید که بخامهٔ مزیدی بوده .

ب ـ نسخه‌ایکه در تاریخ ۵۸۸ ق نوشته شده و بر علامهٔ حلی (یوسف پسر مطهر) خوانده شده .

ج ـ نسخه‌ایکه درسال ٤۰۰ ق نوشته شده .

د ـ نسخهٔ شرح میثم بحرینی .

در کنار رویه‌ها در برگهای : (۲۶، ۳۹، ٤۳) پایان سه بخش از بخشهای سه‌گانهٔ شرح ابن ابی الحدید را نشانه گذاری کرده است . بکسوم آغاز نسخه حاشیه هائی بخط متن دارد که همه را از شرح ابن ابی الحدید آورده . در (گ ۱۸۰ ـ الف) پایان بند ۱۸۲، در کنار رویه چنین آمده است : در نسخهٔ ابن ابی الحدید ، اینجا بخش یکم نهج البلاغه پایان یافته، و پس از آن سخنرانی همام آمده ، و با اینکه نسخه درست و بخامهٔ مزیدی بود ، و در شرح میثم بحرینی نیز بـا آن برابر بود ، ولیکن چون من نسخهٔ خود را ازروی نسخهٔ یوسف پسر مطهر (علامهٔ حلی) نوشتم، باآن دو دگر گون شد . و نیز در (گ ۲۱۱ ب) پایان (بند ۱۹۱ خطبهٔ همام) درحاشیه چنین نوشته‌شده: «میثم بحرینی در ج ۳ مصباح السالکین پس از گزارش این سخنرانی گفته است : «از اینجا نسخه‌ها ناسازگاراست، در بسیاری از نسخه‌ها این سخنرانی در آغاز بخش دوم و پس از خطبهٔ قاصعه (بند ۱۹۰) جا گرفته است ، و پس از خطاب برج بن مسهر (یعنی بند ۱۸۲) الحمدلله

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

الذی لاتدرکه الشواهد (یعنی بند ۱۸۳) آمده است .

ولی دربرخی ازنسخه‌ها این خطبه (یعنی بند۱۸۳) پس‌ازخطبه غسل پیغمبر (یعنی بند ۲۳۳) نهاده شده است ، وازاینجا تا پایان خطبهٔ قاصعه (بند ۱۹۰) مرتب است ، وپس‌ازآن‌باب دوم(نامه‌های‌علی)فرامیرسد واین‌ترتیب درشرح قطب‌الدین‌ابوالحسن کندری و شرح ابن‌ابی‌الحدید دیده میشود و من نیز این‌ترتیب را پذیرفته‌ام (پایان سخن ابن‌میثم) ولی نسخهٔ ما باآن ناسازگار است ».

ودر کناربرگ(۳۹٦ــالف)درپایان‌جملهٔ«مالك‌ومامالك...» گوید:ابن‌ابی‌الحدیدید اینجا راپایان‌نهج‌البلاغه دانسته .

ودر کناربرگ (۳۹۸ب) نیزچنین سخنی ازابن ابی‌الحدیدآورده است.

یك سرلوح با زرولاژورد وشنگرف در برگ (۲ــب) دارد. همه رویه‌ها بازرو لاژورد وسیاهی جدول‌بندی شده، نشان بابرگی دارد عنوانها باشنگرف است.

(۴۰۱ برگ‌کاغذ ترمهٔ نخدی . جلد تیماج مشکی سوخت زرکوب فرسوده . ته‌بندی‌شده اندازه: ۱۸×۲۵و۱۰×۱۵؛ ۱۲ سطر.

[۱۰۹]

۱۷٦ نسخهٔ بخط نسخ سدهٔ هشتم نزدیك بکوفی . عنوانها باخط کوفی نزدیك به نسخ درشت. روی‌آنها خط‌شنگرفی کشیده است . نویسنده حسن پسر محمد طبری است . پایان نوشتن هنگام ظهر روزسه شنبه سیزدهم ربیع دوم سال هفتصدو هفتادوسه‌دردیه برتنگ(سرتنگ)درپیرامن‌استرآبادبوده‌است.وازروی‌نسخهٔ‌شمس‌الدین اولیاء نوشته شده (گ۲۸۰ دیده شود) پشت (برگ۱) نام‌کتاب ونیاکان‌نگارنده (رضی) وزادن وی (۳۵۹) ومرك او محرم۴۰٦ وگوراو در کربلا نوشته شده. در برك (۲۸۱ــ۲۸۲) چکامه‌یی‌درستایش‌نهج‌البلاغه وشمارسخنرانیهاونامه‌هاوسخنان کوتاه نهج‌را نوشته است.

چند برك پاره شد وبجای‌آن با کاغذ سفیدنوصحافی شده است .

نیمهٔ یکم نسخهٔ حاشیه های کهن بخامهٔ متن، ونیمه دوم حاشیه باخامهٔ نوین دارد .

عنوانها تا برك ۲۱٤ شنگرفی شده وازآن پس شنگرف ندارد .

دوبرك (۱ــب) و(۱۸۱ب) دو سرنامه دیده میشود که « بسم‌الله‌الرحمان‌الرحیم » راباخامهٔ کوفی باندازهٔ ٦۸ز۵ برنگ سیاه نوشته است .

(۲۸۴ برگ) کاغذ سمرقندی نخدی رنگ . جلد تیماج سرخ متوالی ضربی . دوون ابری

اندازه : ۱۴×۲۲و۷×۱٦؛ ۱٦سطر.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۹۷] هفت اورنگ (فارسی)

هفت مثنوی است ازجامی (۱) (م ۸۹۸ ق) که در زمانهای جدا سروده وسپس گویا خود وی (۲) همه‌رایکجاگرد آورده ودیباچه‌یی برای‌آن ساخته ودرآن‌گوید: «می‌شاید که بهفت او رنگ که بلغت فرس قدیم عبارت از هفت برادران که هفت کوکب‌اند درجهت شمال ظاهر و برحوالی قطب دائر، نامزد شوند. . » .

دراینجا هریك ازاین هفت مثنوی را میشناسانیم :

۱ـ سلسلة‌الذهب ـ مثنوی است ببحر خفیف (فاعلاتن مفاعلن فعلن) مانند حدیقهٔ سنائی . ودارای سه‌دفتر است .

دفتر اول : درعرفان واخلاق و کلام ودرپایان بخشی بنام « اعتقادنامه » دارد که بنام پسراستادخود؛ یعنی پسرخواجه عبیدالله احرارسرود. تاریخ‌سرودن یکم ذیقعده (۸۷٦ق) است (۳).

آغاز :

لله الحمد قبل کل کلام   بصفات الجلال و الاکرام

انجام :

وربماند جواد عمر ازسیر   ختم الله لی بما هو خیر

دفتر دوم : درعشق روحانی ، بسال ۸۹۰ سروده شده

۱ـ گزارش کوتاهی‌ازجامی در«ص۱۸٦ــ۱۹۲» گذشت .

۲ـ حکمت در«جامی‌ـص۱۸٤» گوید : ازاینکه این دیباچه درهمه نسخه‌هانیست چنین برآید که شاید جامی نخست پنج مثنوی پیروی ازنظامی‌ساخته وسپس دومثنوی سلسلة‌الذهب وسبحة‌الابرار رابرآن افزوده باشد، وازسخن‌خود وی‌درپایان خردنامه نیزهمین‌معنی برآید .

۳ـ حکمت در«جامی» ص۱۸۵ تاریخ‌آنرا میان ۸۷۳ و ۸۷۷ دانسته ولی در رویهٔ۲۸۹ نسخه‌شمارهٔ۱۰۲ دانشگاه ، تاریخ‌بالادیده میشود .

آغاز :

بشنوای گوش برفسانهٔ عشق　　　از صریر قـلم ترانهٔ عشق

انجام :

هم بدین‌حرف این خجسته کلام　　　ختم شد و السلام و الاکرام

دفترسوم : وی این دفتررا بنام پادشاه عثمانی بایزید دوم (ش ۸۸٦ تا۹۱۸ق) در آیین کشورداری، در پانصد بیت سرود . و برخی نام این مثنوی را از روی شعرزیر «تحفهٔ شاهی» نهاده‌اند :

لیك از آنجا که تحفهٔ شاهست　　　یاد کرد کین هوا خواهست

آغاز :

حمد ایزد نه کار تست ای دل　　　هرچه کار تو بار تست ای دل

انجام:

برهمین نکته ختم شد مقصود　　　لله الحمد و العلی و الجـود

۲ـ **سلامان و ابسال** ازداستانهای یونان باستان است که نخستین بار حنین پسر اسحاق درسدهٔ سوم آنرا بتازی گردانیده ، وسپس بوعلی‌سینا (م ٤۲۷ق)داستانی مانند آن بساخت ، وخواجهٔ طوسی (م٦۷۲ق) درشرح اشارات در نمط نهم از هردو یاد کرد، ودیگر شرح نویسان اشارات نیز کمابیش از آن یاد کرده‌اند . سلامان و ابسال جامی بـانچه حنین‌بن اسحاق آورده بیش از آنچـه از آن بوعلی است ماننداست . و ناساز گاریهای آنهارا حکمت در «جامی» ص۱۹۰-۱۹۳ برشمرده است .

مثنوی جامی ببحر رمل مسدس (فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) بنام سلطان یعقوب آق‌قوینلو (ش۸۸٤-۸۹٦) سروده شده ، وجامی دردیباچهٔ آن از پیری نالیده است .

آغاز :

ای بیادت تازه جان عاشقان　　　ز آب لطفت تر زبان عاشقان

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

انجام :

هردمش جاه وجمالی تازه باد　　　مدت ملکش برون زاندازه باد

این داستان بزبانهای ترکی (۱) و جز آن (۲) ترجمه و گـزارش شده است .

۳ - **تحفة الاحرار** : مثنوی است ببحر سریع (مفتعلن مفتعلن فاعلن) مانند مخزن‌الاسرارنظامی ومطلع‌الانوار دهلوی. یك دیباچهٔ نثری درستایش ناصرالدین عبیدالله احرار سرور نقشبندیان آن روز گار ، و پس از آن بیست ویك گفتار دارد .

آغاز :

بسم‌الله الرحمـان الـرحیم　　　هست صلای سرخوان حکیم

انجام :

مهرنهٔ خاتمهٔ این کتـاب　　　شد رقم خـاتم تم‌الکـتـاب

اتمام‌انتظام این سبحه درماه تسبیح و شهر تراویح منتظم درسلك شهور سنهٔ ست وثمانین و ثمان مائه اتفاق افتاد .

٤ - **سبحة الابرار** : مثنوی است ببحر رمل مسدس مزاحف (فاعلاتن فعلاتن فعلن) مانند برخی از بخشهای نه سپهر خسرو دهلوی. یك دیباچهٔ نثری دشواردارد، و درآن نام حسین بای‌قرا (م۹۱۱ ق) راآورده ، وسپس چهل بند (عقد) دربند و اندرزصوفیانه سروده است .

۱ـ محمود لامعی « م۹۳۸ » آنرا بترکی ترجمه نمود (کشف‌الظنون) .

۲ـ برای دانستن ریشهٔ این داستان و کارها که دربارهٔ آن انجام شده کتابهای زیردیده شود : اشارات بوعلی سینا وشرحهای فخررازی و خواجه طوسی وجزایشان برآن ، متفکرین اسلام ازبارون کارادوو **B. carade Vaut** ترجمهٔ انگلیسی سلامان وابسال‌ازفیتزجرالد **Fitz Gerald**، ترجمهٔ فرانسهٔ آن، چ پاریس۱۹۱۱م‌از اوگوست بریکتو **Auguste Bricteux**، وسرآغازسلامان و آبسال جامی ازرشید یاسمی ، چ تهران، وذریعه: ۳۳۰۸ .

آغاز:

ابتدی باسم اله الرحمان	الرحیم المتوالی الاحسان

انجام:

ختم الله لنا بالحسنی	و هو مولانا نعم المولی

۵ - **یوسف و زلیخا**: مثنوی است عشقی ببحر هزج مسدس ، مفاعیلن مفاعیلن فعولن، مانند خسرو وشیرین نظامی وویس ورامین فخر گرگانی. ریشهٔ این داستان در تورات ، پیدایش : ۳۹ و۴۰ و۴۵ و نیز درقرآن ، سورهٔ ۱۲ ، دیده میشود، و این یگانه داستان است که بدین درازا و با روش ویژه در آن دیده میشود . و همهٔ تفسیر نگاران گزارش آنرا از حدیث و تاریخ هـای یهودیان اسرائیلیبا اندکی دگر گونگی آورده‌اند.

تاریخ نگاران امروز (۱) داستان یوسف پسر یعقوب رادرروزگار توتیمس سوم (۱۵۰۳-۱۴۴۹) پیش‌از میلاد که از هجدهمین دستهٔ فرعونان مصر است دانسته اند.

این داستان یك بار پیش از جامی بشعر فارسی سروده شده و برخی آنرا به فردوسی ، م ۴۱۶ ، نسبت داده اند . وپس‌از جامی نیز لطفعلی بیك آذر درسدهٔ دوازدهم آنرا از نوسروده است .

جامی درآغاز مثنوی نام حسین‌بای‌قرا وعبیدالله احرار، ودرپایان آن‌نام میر علی‌شیرنوائی‌را آورده. شمارهٔ بیتها را چهارهزار وتاریخ آنرا «۸۸۸ق» نگاشته است .

آغاز :

الهی غنچهٔ امید بگشای	گلی از روضهٔ جاوید بنمای

انجام

زبانرا گوشمال خامشی ده	که هست‌ازهرچه گوئی خامشی‌به

۱- تاریخ مصر نگارش سرفلاندرز پتری Sir Flinders Petrie دیده شود .

۶- **لیلی ومجنون** : مثنوی است عشقی ، ببحر هزج مسدس ، مفعول مفاعلن فعولن، مانند آنچه نظامی و خسرو دهلوی بهمین نام سروده اند . ریشهٔ این داستان درپایان سدهٔ نخست وآغاز دوم هجرت درعربستان نامبردار شده ، وابن قتیبه دینوری ، ۲۳-۲۷۶ ق، در «الشعروالشعراء» آنرا یاد کرده وسپس ابوالفرج اصفهانی ، ۲۷۶-۳۵۶ق، دراغانی آنرا آورده ، و سپس مردی بنام ابوبکر والبی دیوان قیس عامری راگردآورده‌است .

این داستان درسدهٔ چهارم در ایران نامور بوده و باباطاهر در دوبیتها از آن‌یاد کرده ونظامی گنجوی ، م۶۱۱ق، بفارسی آنرا سرود وپس از وی بیشتر شاعران مثنوی‌سرا ازوی پیروی کرده لیلی مجنون را بزبانهای گوناگون سرودند .

حکمت درپایان کتاب « رومئوژولیت مقایسه با لیلی‌مجنون» فهرستی‌از سی‌ونه منظومه فارسی وسیزده ترکی ویك کردی ازلیلی‌و مجنون نشان‌داده ، و این داستانرا با داستان رمئوژولیت که در سدهٔ چهاردهم میلادی در ایتالیا شهرت یافته سنجیده‌است. رمئوژولیت‌راشکسپیر شاعر انگلیسی ، م ۱۷۱۳ م ، انگلیسی سروده است . تآتر وفیلم رمئو ژولیت و لیلی مجنون همه جا نمایش داده میشود .

چنانکه در ص ۴۲ دیدیم یکی از پیروان نظامی در سرودن این داستان جامی‌است ، وی درآغاز این‌داستان نامی ازپیرخود عبیدالله احرار سرورنقش بندیان آورده .

آغاز:

ای خاك تو تاج سربلندان	مجنون تو عقل هوشمندان

انجام :

باکان بنیاز صبح گاهان	آمرزیم از خدای خواهان

۷- **خردنامهٔ اسکندری** : مثنوی اخلاقی‌است ببحر تقارب ، فعولن‌فعولن

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

فعول ، مانند اسکندرنامهٔ نظامی در آغاز نام احرار م ۸۹۵ق، و نام سلطان حسین بایقرا آورده وهمه جا ازبیری نالیده است . ودرپایان، این‌مثنوی راپسین مثنوی‌خمسهٔ خود برشمرده، وآنرا بردیگرپنج گنج‌ها برتردانسته، وازپنج گنج ترکی میرعلی شیر نوالی نامبرده .

آغاز:

الهی کمال الهی تراست   جمال جهان پادشاهی تراست

انجام : انجام‌نسخهٔ دانشگاه افتاده‌است.

[۱۱۰]

۱۵۲ نسخه بخط نستعلیق زیبا در کنارهٔ رویه‌های دفتری نوشته شده که‌خصوصیات آن درص۱۹۱ و ۱۹۲ یادشد . فهرست هفت اورنگ دراین‌دفترچنین است : سلسلة الذهب ، دفتریکم (رویهٔ ۱ـ۲۸۹) دفتر دوم ازآنجا تا (۴۱۵) ، دفترسوم از آنجا تا(۵۰۳) .

سلامان وآبسال(تا۵۹۳)، تحفة‌الاحرار تا(۷۲۷) سبحة‌الابرار تا(۹۶۹) . یوسف وزلیخا (تا۱۲۴۴) ، ودرمیان رویه‌های(۱۱۰۱و۱۱۰۲) افتادگی دارد . سپس لیلی ومجنون در (۱۲۴۵تا۱۵۴۴) . سپس خردنامه اسکندری از آنجا تا پایان دفتر رویهٔ (۱۷۱۳) است ، ولی پایان خردنامه نیز افتادگی‌دارد .

کاغذ وجلد واندازه درص ۱۹۱و۱۹۲ دیده شود .

پایان گفتار یکم

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

گفتار دوم

علوم أدبی

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۹۸] ایضاح المعانی (معانی-عربی)

چنانکه در (حرف م) خواهد آمد «مفتاح العلوم» سکاکی را چندین تن گزارش داده و یا کوتاه کرده‌اند، و یکی از آنها بنام «تلخیص المفتاح» است که در (حرف-ت) خواهد آمد و کوتاه‌شدهٔ بخش سوم مفتاح میباشد، و آن نگارش خطیب قزوینی (از ۶۶۶-م ۷۳۹) است، وخود وی این تلخیص را باشرح بیشتر دوباره گرد آورده ایضاح المعانی نامیده است.

نگارنده جلال الدین محمد پسر عبدالرحمان پسر عمر پسر احمد عجلی قزوینی دمشقی شافعی است که بخطیب نامبردار بوده، وی در موصل براد و چندی در آسیای صغیر (روم) بزیست، و چندی سخنران (خطیب) و قاضی دمشق بود، یازده سال بدستور ناصر فاطمی بجای ابن‌جماعه قضاوت مصر داشت، و سپس به قضاوت شام باز گشت، و در این هنگام چندین کتاب بنگاشت، مانند الشذور المرجانی من شعر الارجانی، و تلخیص، و ایضاح المعانی که جای گفتگوی ماست.

گزارش زندگی خطیب در تاریخ ابوالفداء ۱۲۸:٤ و طبقات سبکی ۲۳۸:۵، ومنهل الصافی ۳ : ۱۷٦، درالکامنه، بغیة الوعاة : ٦٦، روضات الجنات ٤:۲۰۳ مفتاح السعاده ۱:۱٦۸، شذرات الذهب ٦:۱۲۳ دیده میشود.

آغاز: بسمله. حمدله. اما بعد فهذا کتاب فی علم البلاغة و توابعها ترجمته بالایضاح. وجعلته علی ترتیب مختصری الذی سمیته تلخیص المفتاح، و بسطت فیه القول...

انجام: علی احسن وجوه البلاغة و اکملها، یظهر ذلک بالتأمل فیها مع التذکر لما تقدم من الاصول، وبالله الوصول.

چلبی این گزارشها را برای ایضاح برشمرده:

۱- شرح جمال الدین محمد آقسرائی (م-پیش از ۸۰۰ ق) بنام «ایضاح الایضاح» که آنرا برای امیر قرامان نگاشته.

۲- شرح علاءالدین علی پسر عمر اسود (م ۸۰۰ ق).

۳- شرح حیدر پسر محمد خوافی (صدر هروی) (م ۸۲۰ ق).

٤- شرح محیی الدین محمد پسر ابراهیم نکساری (م ۹۰۱ ق).

۵- حاشیه شمس الدین محمد جزری (م ۸۳۳ ق).

٦- حاشیه شمس الدین محمد پسر احمد نکساری، بنام الایضاح.

[۱۱۱]

۲۱۱ نسخه بخط نسخ، نام نویسنده و تاریخ ندارد. وشاید در سدهٔ هشتم یا نهم نوشته شده باشد کرانه‌های نیمهٔ نخست پر از حاشیه است با رمز (ه) و «نقل عن خط المصنف» و «تفتازانی» وجز آن، در برگ (۱-الف) تملک محمد بن احمد دیده می‌شود.

عنوانها با شنگرف، تصحیح شده و افتادگیها را در کرانه نوشته‌اند.

(۱۳۰ برگ) کاغذ سمرقندی. جلد تیماج قهوه‌ئی کهنه عنوالی

اندازه: ۱۳×۱۸ و ۸×۱۱؛ ۱۹ سطر.

[۹۹] تاج المصادر (لغت عربی بفارسی)

علم لغت عرب(۱): در اینجا چند نمونه از لغتنامه های زبان عرب را یاد میکنیم:

چلبی بروش منطق ارسطو علم لغت را تعریف نموده وفایده‌اش را یاد کرده گوید: علمی است که مفهوم واژه ها را بیان کند(۲). سپس لغتنامه

۱- علم لغت ولغتنامه نگاری یکی ازشاخه های زبانشناسی است، وشاخه‌های دیگر آن مانند فیلولوژی ریشه شناسی نیز تا کنون تکامل شایان کرده ودهها دانشمند همهٔ عمر خودرا در این راه صرف نموده‌اند، واین کوتاه فهرست گنجایش گفتگو دربارهٔ تاریخ تکامل اینشاخه ها را ندارد.

۲- هو علم باحث عن مدلولات جواهر المفردات و هیئاتها الجزئیة التی وضعت

مانده در ص ۳۳٦

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

نگاران را دو بخش کرده گوید : برخی از لفظ بمعنی روند و برخی از معنی به لفظ آیند .

I ـ دستهٔ نخست واژه‌ها را بیکی از چند راه بسیج نمایند .

الف : واژه ها را بترتیب حرف نخست آنها به ۲۸ بخش کنند و هریك از این بخشهای بزرگ (باب) را بترتیب پسین حرف واژه‌ها ، به ۲۸ بخش کوچك (فصل) بخش بندی کنند . جوهری در « صحاح » و مجدالدین فیروز آبادی در « قاموس » این روش پیش گرفتند .

II ـ ب : حرف نخست را باب (بزرگ بخش) وپسین حرف را فصل (کوچك بخش) قرار دهند . و این روش ابن فارس در « مجمل » و مطرزی در « مغرب » است .

III ـ دستهٔ دوم : واژه‌ها را بمعنی آنها دسته‌بندی کنند و جنسهای گوناگون را بخش بندی کنند مانند بخش اسم از کتاب « مقدمة الادب » نگارش زمخشری (پایان) و از فرهنگهای کنونی فارسی مانند « بهارستان » ، در مترادفهای زبان فارسی . دراینجا باید بچند نمونه دیگر ازلغتنامه ها اشاره شود :

IV ـ چنانکه میدانیم همهٔ فرهنگ نگاران ترتیب معمولی (۱) را برای حرفهای الفباء بکاربرده‌اند . بجز خلیل پسر احمد نحوی (م ـ ۱۷۵ ق) وابومنصور ازهری (م ـ ۳۷۰ ق) که نخستین کتاب « عین » ، ودومین ، کتاب « تهذیب اللغة » (۲)

مانده از ص ۳۳۵

تلك الجواهر معها لتلك المدلولات بالوضع الشخصی ، وعما حصل من تركيب كل جوهر وهيئاتها من حيث الوضع والدلالة على المعانی الجزئية . وغايته الاحتراز عن الخطاء فی فهم المعانی الوضعية ، والوقوف علی مایفهم من كلمات العرب ، ومنفعته الاحاطة بهذه المعلومات وطلاقة العبارة وجزالتها والتمكن من التفنن فی الكلام وايضاح المعانی بالبيانات الفصيحة والاقوال البليغة . . .

۱ـ ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ك ل م ن و ه ی .

۲ـ دو جلد از این کتاب بشمارهٔ ۲۰۱ و ۲۰۲ در این کتابخانه هست ودر این فهرست یاد خواهد شد ، وجلد سوم آن با همین خط در کتابخانهٔ رضوی دیده میشود .

را بترتیب جای حرفها در دهان و گلو (۱) پذیرفته‌اند . ولی ترتیب ابجدی (۲) در این راه بکار نرفته است .

V ـ برخی از لغتنامه نگاران دستهٔ نخست ، هر بخش بزرگ را بسه بخش « زبر ـ پیش ـ زیر » بخش کرده اند . چنانکه بخش حرف الف را بسه بخش اَ اُ اِ تقسیم نموده وهمچنین دیگر حرفها . و این روش در « مهذب الاسماء » و جز آن دیده میشود .

VI ـ برخی از لغتنامه نگاران واژه ها را ببخشهای دستوری (صرفی) دسته‌بندی کرده‌اند ، چنانکه فعلها را بشش باب ثلاثی مجرد ودوازده باب ثلاثی مزید ویك باب رباعی مجرد و چند باب رباعی مزید بخش کرده ، وهر بخش را بهفت بخش کوچك زیر دسته بندی کرده‌اند :

صحیح است ومثال است ومضاعف   لفیف وناقص مهمو زواجوف

وسپس هریك از بخشهای کوچك را بترتیب پسین حرف واژه‌ها بسیجیده‌اند این ترتیب در مصادر اللغه زوزنی (۳) وتاج المصادر بیهقی (جای گفتگو) دیده میشود .

VII ـ ونیز چلبی گوید : دسته‌یی از لغتنامه نگاران بگردآوردی پاره‌یی از واژه‌های دشوار اکتفا کرده‌اند ، واژه‌های برخی از کتابها را گردآورده مانند « ترجمان القرآن جرجانی » و « لغت قرآن » (٤) ویا واژه‌های دسته‌یی از کتابها را

---

۱) بدین ترتیب : ع ح ه خ غ ق ك ج ش ض ص س ز ط د ت ظ ذ ث ر ل ن ف ب م و ا ی . وبرخی گویند خلیل این ترتیب را از خط سانسکریت گرفته است .

۲) ابجد بدین ترتیب است : ا ب ج د ه و ز ح ط ی ك ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ .

۳) نسخهٔ آن بشمارهٔ ۱۰٦۹ در این کتابخانه هست و در این فهرست یاد خواهد شد .

٤) نسخهٔ آن بشمارهٔ ۱۰۳۲ در این کتابخانه هست وخواهد آمد .

مانند « غریب‌الحدیث » ها ، که واژه های دشوار کتابهای حدیث را دربردارد ، و «المغرب» که مطرزی واژه‌های فقه را درآن گرد کرده ، و « نظام‌الغریب » که واژه‌های دشوارشعرعرب درآن گردآمده است .

تاج‌المصادر بیهقی : یکی از بنام‌ترین کتابهای لغت عرب است که واژه‌ها را بترتیب دستوری (نمونهٔ ششم ازلغتنامه ها) مرتب ساخته،وبفارسی گزارش داده است .

نگـارنده : بوجعفرك (۱) بیهقی ، احمد پسرعلی پسر ابـوجعفر محمد پسر ابوصالح ، لغت‌شناس ، تفسیرگوی ، مقری (۲) سدهٔ ششم است . نزدیك ۴۷۰ ق بزاده و در رمضان ۵۴۴ ق زندگی بدرود گفته است . یـاقوت از سمعانی گزارش زندگی او راآورده گوید : پیشنمازی مسجد نیشابور میکرد ، دانشمندان برای‌آموزش بسوی وی میشتافتند ، و او از خانه بیرون نمی‌شد . و نگاشته‌هایش درجهان پخش گردید . وازدیباچهٔ «ضالة‌الادیب» تاج‌الدین‌محمود ابن ابی‌المعالی حواری‌آرد : وی همهٔ صحاح جوهری را نزد میدانی خواند و ازبر کرد . یاقوت کتابهای زیررا برای وی یاد کرده :

المحیط بلغات‌القرآن ، ینابیع اللغة ، تاج‌المصادر ، المحیط بعلم‌القران .

گزارش‌زندگی اودر معجم‌الادباء ۴۹:۴ چ دوم وبغیة‌الوعاة سیوطی ص۱۵۰ چ مصر ۱۳۲۰ق آمده است .

آغاز بسمله الحمدلله رب العالمین حمداً یفوق حمدالشاکرین نحمده علی السراء والضراء ونشکره علی‌الشدة والرخاء وندفع به‌بوایق الزمان . . . (نیم صفحه) . . . قال‌الشیخ الامام الزاهد ابوجعفراحمدبن علی المقری‌البیهقی .

۱) کاف تصغیر است ویاقوت حموی درمعجم‌الادباء نیزبدان اشارت کرده و علیك وحسنك راگواه آورده است .

۲) مقری کسی را میگفتند که قرائتهای گوناگون قرآن را بداند و بیاموزد .

امابعدفان‌هذه‌مصادرهذبت فارسیتهاوعرضت علی کتب‌الایمة وجردتهاعن‌الامثال و الاشعارلیصغرحجمها . . . وصرفت معظم عنایتی الـی مصادرالقرآن . . . و اتبعتهامصادر الافعال التی‌یکثرفی‌دواوین‌العرب . . . وسمیتهاتاج‌المصادر . باب‌فعل یفعل . . . علی‌پسرمحمد پسرعلی‌جوینی‌درستایش این کتاب چنین سروده است :

ابا جعفر یامن جعافر فضله — موارد منها قد صفت ومصادر
کتـابك ذاغیل تا شب نبته — و انت به‌لیث بخلان خـادر
لبست‌صدارالصبریاخیرمصدر — مصادر لاتنهی الیها المصادر
فقل‌لرواة‌الفضل‌والادب‌انتهوا — الیها ونحوالری‌منها فبادروا

تاج المصـادر در ۱۳۰۲ ق در بمبئی بکوشش میرزا محمد ملك الکتاب بچاپ سنك بخش شده است .

ابن یوسف شیرازی (۱) با برابر کردن «تاج‌المصادر» بیهقی و«المصادر» زوزنی چنین دانسته که بیهقی،باکاهش بیهده های کتاب زوزنی و افزودن دوچندان برآن ، این کتاب راساخته است . کتاب زوزنی (۵۰۰۰ بیت) وازآن بیهقی (۱۰۰۰۰ بیت) نوشته دارد .

[۱۱۲]

۱۷۷ نسخه بخط نسخ . نام نویسنده محمد پسرعمر پسر محمد پسرعمرحافظ . در تاریخ جمعه یکم شعبان ۸۴۷ق نوشته شده . ویك‌بار دررمضان همان سال مقابله وتصحیح و در کناره بانوشتن (خ) نشانه‌گذاری شده است . محمد رضا یزدی فهرستی درشوال ۱۲۴۴ ق برآن نوشته ودر سه برگ پیش ازنسخه نهاده . دربرك (۱ — الف)۱۵بیت بفارسی درمعنی نام هریك ازحرفهای الفباء نوشته‌شده .دربرگ (۱۷۲ - الف)یك دوبیتی بفارسی درستایش «تاج المصادر» دیده میشود .

اندکی حاشیه درکرانهٔ رویه ها دیده میشود . عنوانها : برخی با سیاه درشت وبرخی باشنگرف است .

(۱۷۳برگ)کاغذ نوعی ترمه ، جلد تیماج خالی عنوالی دارای ارگردانی.
اندازه : ۱۷،۵×۲۶، و۱۲×۲۱ ، ۲۳سطر .

۱) فهرست سپهسالار ۲۸۲:۱-۲۸۵ وفهرست مجلس ۸۶:۳ دیده شود .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۰۰] تبصرة الصبیان (عربی بفارسی)

در ادبیات زبان تازی . در دو بخش ، نخست بنام حدیقه ، دارای ۲۹ باب است، و در آن واژه‌هائی را که در گفتگوهای ادبی بکار رود ، بترتیب نخستین حرف آنها بسیجیده و گزارش نموده است .

چنانکه در باب الف : اللهم ، احتسابا ، اصلا ، و مانند آنرا گزارش داده ، و درباب جیم : جراك ، جبروت و مانند آن را . . . بخش دوم را بستان نامیده ودر آن فواید گوناگون نحو وصرف زبان تازی آورده است .

نگارنده در دیباچه خود ابوالفضل الله شریف پسر محمد الشریف ، نامیده و چنانکه گوید: این کتاب را برای فرزند خود عبدالرحمان نگاشته است .

آغاز : الحمدلله جل وعلی حمدا لاینتهی واصلی . . .

انجام : وفعل بضمتین نحو نمر ککتف . تمت الکتاب .

[۱۱۳]

۱۸۰ نسخه بخط نستعلیق - نام نویسنده درپایان این کتاب نیستولی در (برگ ۵۵ ـ الف) در پایان دفتر : ابن ابی‌الحسن المازندرانی ، محمد ، یاد شده است . وتاریخ نیز درهمانجا باشنگرف و باهمان خامه (۱۲۶۰ق) دیده‌میشود. عنوانها با شنگرف است . در(برگ ۱ - الف) از غلط بودن نسخه شکایت نوشته است ، شش برگ سفید پیش از نسخه نهاده‌ودربرگهای (۱و۲)آن چیزهائی دوتاریخ ۲۶۳و۲۶۵و۱۲۷۲ ق نوشته شده است. نسخه در(برگ ۵۲) دفتر پایان یافته وپس ازآن یك کتابچه درمعنی حمد وشکر ودیگر رسالهٔ وضعیه عضدی هست . در(برگ ۵۵ ـ ب) تاریخ زادن نویسنده محمد محسن خوزانی ولد ابی‌الحسن مازندرانی در ۲۷ ذیحجه ۱۲۴۲ ق بخامهٔ خودوی نوشته‌شده ، ونام مادرش را فاطمه آورده‌است. ودربالای آن فرزند این نویسنده ، محمد تقی پسر ملامحسن مازندرانی؛ تاریخ زایچهٔ فرزند خود ابوالفضل محمد را در۱۲ رجب ۱۲۷۴ ق یادداشت کرده است .

همهٔ دفتر (۵۶ - ۶۰ برگ)کاغذ فرنگی آهار مهره سفید . جلد تیماج مشکی یك لا .

اندازه ۱۲×۱۸و۲،۷×۱۳ ، ۱۵سطر .

[۱۰۱] تحفة الخل الودود فی معرفة الضوابط والحدود (عربی)

درحدود وتعریفات واصطلاحهای ده‌علم از دانشهای کلاسیك سدهٔ نهم ، که هریك را در یك بخش آورده ، و کتاب خود را ببرده بخش بدین ترتیب بسیجیده است :

۱ ـ اصطلاحهای علم نحو زبان عربی . ۲ ـ علم صرف ، ۳ ـ معانی ودر آن از کتاب تلخیص (۱) نقل کند . ٤ـ بیان . ٥ـ بدیع . ٦ـ حدیث ودر آن از کتاب ارشادالفاضل نقل کند . ۷ـ منطق . ۸ـ اصول فقه . ۹ـ اصول دین . ۱۰ـ علم جدل و خلاف و مناظره .

نگارنده : در پشت نسخه ؛ محمد ابوحامد قدسی شافعی شناسانده شده است .

آغاز : الحمدلله الذی علم الانسان مالم یعلم و اقدره علی التفهیم و التفهم . . . و بعد فقد رأیت فی شهر شوال من اثنتین وثمانین(۲) ان اضع لطلبة هذا . . . الفاظا تشتمل علی قواعد وضوابط وحدود فی تلك الفنون ، یکثر دورانها علی السنة . . .

انجام : وبازاء هذا العقل الکلی ، وهذه المقولات شاملة لجمیع الموجودات الممکنة . والله هواعلم بالصواب . تم الکتاب و الحمدلله . . .

در دیباچه نام کتاب و فهرست با بهای دهگانه هست ، ولی نام نگارنده فقط درپشت برگ (۲ـ الف) باخطی جز خامهٔ متن چنین دیده میشود :

کتاب تحفة الخل الودود فی معرفة الضوابط والحدود من تألیف المفتقر

---

۱) نسخهٔ آن بشمارهٔ ۷٤۸ در این کتابخانه هست و در این فهرست یاد خواهد شد .

۲ـ شاید : اثنتین وثمانمایة بوده .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

الی عفو ربه واحسانه محمد ابو حامد القدسی الشافعی ختم الله له و للمسلمین بغفرانه . آمین . و در همین جا باخامهٔ ریز نوشته است : کتاب علوم عشرة و مسایل غریبة .

[۱۱٤]

۱۵۹ نسخه بخط نسخ سدهٔ نهم . نام نویسنده ابوالتقا ابوبکر (چنین) عبدالله بدری دمشقی شافعی ، ساکن شهر قاهره درمصر . در ۸۸۳ آنرا از روی نسخه‌ایکه بخامهٔ نگارنده کتاب بوده ، ودرزندگانی وی نوشته است . عنوانها با شنگرف است . دربرگ (۱ـب) علی صادق سکری مدرس (۰۰۰ بای‌زاده) در ۱۱۸۸

کتاب تحفة الخل الودود في معرفة الضوابط والحدود من تأليف المفتقر الى عفو ربه واحسانه محمد ابو حامد القدسي الشافعي ختم الله له وللمسلمين بغفرانه امين



(۱۲) پشت رویهٔ (۲ـالف) تحفةالخل الودود شماره ۱۵۹ کتابخانه .

(۱۲) سه سطر پایان برگ ۱۱ ب تحفةالخل الودود ، شمارهٔ ۱۵۹ کتابخانه درکرانهٔ آن خط نگارنده‌اش دیده میشود .

(۱۳) برگ ۷۳ ـ الف تحفةالخلی الودود شماره ۱۵۹ کتابخانه .

مالکیت خود را یادداشت کرده . و در (برگ ۲) چند کلمه ترکی دیده میشود . افزایشهائی درمتن کتاب وبهمان خامه بدست نگارنده شده‌است . در « برگ ۲ ـ الف » باخامهٔ درشت نام کتاب را تحفةالخل الودود نوشته . و درجای دیگر همین رویه باخامهٔ ریز نوشته است : کتاب علوم عشره . این نسخه برنگارنده خوانده‌شده . وخط اودر کرانه برخی رویه ها دیده میشود .

(۷۳ برگ) کاغذ نرمه جلد تیماج قهوه‌ئی مقوائی ضربی برگردان دارد ، ولی فرسوده است اندازه تجر ۱۴ × ۵ر۱۸، ۹ × ۱۳ ؛ ۱۹ سطر .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[١٠٢] ترجمان اللغة (لغت عربی بفارسی)

چنانکه در (حرف ـ ق) خواهیم دید، کتاب «قاموس» فیروزآبادی (م ٨١٧ق) یکی از بنام‌ترین کتابهای لغت عرب است. وآنرا شرح وترجمه بسیار نموده‌اند، یکی از شرحهای فارسی آن «ترجمان اللغة» نام دارد که جای گفتگوی ما است. نگارندهٔ این کتاب محمد پسر یحیی پسر محمد شفیع قزوینی است، وی آنرا درمدت سی ویك ماه وده روز بنا بدستور شاه سلطان حسین صفوی نگاشته دهم شعبان ١١١٤ بآن آغازیده و ٢٠ ـ ع ٢ ـ ١١١٧ آنرا بپایان رسانیده است. این کتاب درشیراز تصحیح و باچند نسخه برابر شده و در ١٢٧٣ ق چاپ شده و کسی تاریخ چاپ آنرا چنین سروده است:

کلك شاهین سخن سنج بتاریخ نوشت
شرح قاموس یکی گنج بود پر گوهر

[١١٥]

١٨٧

نسخه بخط نسخ زیبا. نام نویسنده ندارد. نوشتن آن در تاریخ ٢٣ ع ١ ١١١٩ ق بپایان یافته.

عنوانها با شنگرف است، ازبرگ ١ تا ١٦ رویه بازو و شنگرف جدول بندی شده است.

(٥٨٩ برگ) کاغذ آهارمهره سفید جلد تیماج مشکی کهنه فرسوده.

اندازه: ٣٣×٣٤ وره ر ١٥ × ٢٦، سطر ٣١.

[١٠٣] التصریح بمضمون التوضیح (دستور زبان عربی)

چنانکه در (حرف ـ خ) خواهیم دید «خلاصه» یکی از بنامترین منظومه‌ها در دستور زبان عرب (صرف و نحو) میباشد که بالفیه نامبردارشده و گزارشهای بسیار دارد.

١ ـ ذریعه ٤: ٧٢.

ویکی از آنها «توضیح» (١) ابن‌هشام (م ٧٦١ق) است. و براین «توضیح» نیز شرحها وحاشیه ها نگاشته شده ویکی از آنها این کتاب «التصریح» است.

نگارنده: ابوولید زین‌الدین شیخ خالد پسر عبدالله پسر ابوبکر جرجاوی ازهری شافعی (م ٩٠٥ق) است، صاحب روضات او را در دانشهای کلاسیك دستور زبان‌عرب بردوهمزمان خویش؛ جامی (م ٨٩٨ق) وسیوطی (م ـ ٩١١ق) برتردانسته است (٢).

آثار خالد ازهری:

١ ـ الغاز خالد درنحو. چ مصر سنگی ١٢٨١ ق.

٢ ـ تصریح (جای گفتگو).

٣ ـ تمرین‌الطلاب فی صناعة الاعـراب. چ مصر ١٢٧٤ ق، و ١٢٩٩ ق، و ١٣٠١ ق، و ١٣٠٨ ق، ١٣٠٢ ق، و ١٣٠٥ ق، و ١٣١٠ ق، ١٣١٢ ق،

٤ ـ حواشی ازهریه برمقدمهٔ جزریة: چ سنگ مصر، وچ حروفی در ١٣٠٤ ق،

٥ ـ شرح مقدمهٔ ازهری، چ بولاق بامتن آن ١٢٥٣ق، و ١٣٠٧ مصر.

٦ ـ شرح اجرومیه، چ بولاق ١٢٧٤ق، و ١٢٩٠ ق.

٧ ـ شرح چکامهٔ برده. چ مصر ١٢٨٦ ق.

٨ ـ مقدمهٔ ازهری با شرح آن (شمارهٔ ٥).

٩ ـ موصل‌الطلاب درحاشیه تمرین‌الطلاب. در ١٢٩٩ ق چاپ شده.

١ ـ این کتاب را ابن هشام «اوضح المسالك الی الفیة ابن مالك» نامیده وسپس بنام توضیح نامبردارشده است. دوبار بمصر در ١٣٠٤ ق و ١٣١٦ق ویك بار در کلکته در ١٨٣٢ م چاپ شده است.

٢ ـ روضات‌الجنات چ نخست ص ٢٧٠.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

آغاز : الحمدالله الملهم لتوحيده ...

« تصريح » در روز عرفه (۸ ذيحجهٔ ۸۹٦ ق) پايان يافته . و در بولاق بسال ۱۲۹٤ ق باحاشيهٔ ياسين عليمى دردو جلد ، و در چ محمد مصطفى بسال ۱۳۰۷ ق و در چ ازهريه ۱۳۲۵ ق چاپ شده است .

خالد در ديباچهٔ « تصريح » تاريخچهٔ دستور نگارى عرب را با گزارش كوتاه اززندگى ابن هشام (ز ۷۰۸ م ۷٦۱ ق) ياد كرده گويد : ابن هشام بخواب مرا دستور داد : كتابش را شرح نمايم .

[۱۱٦]

۱۵۲ نسخه در دفترى است كه شرح مرادى « گ ۱ — ۱۹۷ » و اين كتاب « ۱۹۹ — ۲٦٦ » آنرا گرفته است . خط نسخ ، متن باشنگرف ، و شرح باسياه نوشته شده ، عنوانها نيز باشنگرف است . پايان نسخه افتاده وفقط تا افعال مقاربه را دارد و بنابراين نام نويسنده و تاريخ ندارد .

همهٔ دفتر (۲٦۹ برگ) اين كتاب (٦۸ برگ) كاغذ ازمه تحديرنگ ، جلد تيماج زرد مقوائى .

اندازه : ۱۹ × ۲۷ و ۲۹ سطر .

[۱۰٤] **التعريفات** (فرهنك عربى)

يكى از انواع لغتنامه وفرهنگها (۱) در گذشته چنان بود كه نگارنده فقط واژه‌هاى علمى واصطلاحهاى دانشهاى روز گار خود را گرد ميآورد ، واين نيز گاهى بترتيب بخش‌بندى دانشها بود ، مانند « تحفة الخل الودود » (۲) و مقاليد

۱ــ چند نمونه از لغتنامه‌ها در ص ۳۳۵ يادشد .

۲ــ در ص ۳٤۱ - ۳٤۳ يادشد .

العلوم جرجانى (۱) . و گاه بترتيب نخستين حرف واژه بسيجيده ميشد ، مانند تعريفات جرجانى كه جاى گفتگوى ماست .

تاريخ تكامل اينگونه فرهنگ نگارى را كه عربان موسوعه يا دائرة المعارف نامند ، من در ديباچهٔ جلد ششم ذريعه (ص ۱ تا ۱۸) آورده‌ام (۲) و در اينجا تكرار نمى كنم . تعريفات جرجانى را ميتوان با كتابهائى كه امروز در اروپا Technical Terms ناميده شود سنجيد .

نگارنده : ميرسيدشريف جرجانى (۷٤۰-۸۱٦ ق) على پسر محمد پسر على استرابادى گرگانى است ، وى را بى‌شك ميتوان سرآمد دانشمندان ايران در سدهٔ نهم خواند .

بسال ۷۷۹ يا ۷۸۸ كه شاه شجاع باسترآباد شد بامير آشنائى يافت و او را با خود بشيراز آورد و استادى آموزشگاه (مدرسهٔ) دارالشفا را كه خود ساخته بود بوى سپرد ، و چون تيمور گوركان شيراز بگرفت ، مير را با خود بسمرقند برد ، و تامرگ اين شاه ، وى در آن جا ميزيست ، و در اين مدت با تفتازانى (ملاسعد) ستيزها (بحثها) داشت ، و پس از مرگ تيمور بشيراز باز گشت ، و در ۸۱٦ ق در گذشت ، و در جائيكه امروز بنام دارالشفا نامبردار است بخاكش سپردند . مذهب او را تاريخ نگاران همزمانش حنفى دانسته‌اند ، وچنانكه در ج ۱ ص ٦۰ گفتم نوادهٔ

۱ــ مقاليدالعلوم نيز ازنگارندهٔ تعريفات است كه اصطلاحها و واژه هاى علمى بيست ويك دانش را بترتيب موضوعى در آن گرد آورده است ، نسخهٔ اين كتاب در بريتش موزيوم هست .

۲ ــ بدستور پدرم صاحب ذريعه ، ديباچه‌هائى براى عنوانهاى عمومى كه در آن كتاب آمده ، نگاشته‌ام ، مانند ديباچهٔ «حاشيه» و « دائرة المعارف » و «داستان» وجز آنها .

او میرمخدوم پسر شمس الدین پسر میرسیدشریف نیز از سنیان سرسخت بود و کتاب «نواقض الروافض» بنگاشت و شاه اسماعیل را سنی کرد، ولی میرابوالفتح (م۹۷٦ق) پسر میرمخدوم از شیعیان پابرجا گشت و کتاب تفسیرشاهی را برای دربار صفوی نگاشت.

آثار میرسید شریف جرجانی:

فارسی: ۱- صغری ج، ۲- کبری ج، هردو در منطق است، وشمس الدین محمد پسر نگارنده (جرجانی) آن ها را بنام «درة» و «غرة» بتازی گردانید. ۳- ترجمان القرآن، که در ج ۱ ص ۳۱-۳۵ یادشد. ٤- صرف میر ج. ٥- پاسخ بمیراسکندر خان.

تازی: حاشیه ها و شرحهای بسیار بر کتاب های گوناگون کلاسیك آن روزگار دارد، مانند حاشیهٔ ٦- بر کشاف، تفسیر ج، ۷- برشرح میانه کافیه، ۸- برشرح رضی بر کافیه، ۹- برشرح اصفهانی بر تجرید، ۱۰- برمطول ج، ۱۱- برشرح شمسیه ج، ۱۲- برشرح مطالع، ۱۳- بر فواید شیخ مبنم بحرینی، ۱٤- برمختصر الاصول ابن حاجب ج، ۱٥ بر آداب البحث عضدی. و جز آنها که در بخش حاشیه‌ها در (ذریعه ج٦) یادشده است.

وشرحها برای: ۱٦- مواقف عضدی ج، ۱۷- مفتاح العلوم سکاکی، ۱۸- تذکرة نصیریه، ۱۹- تجرید خواجه نصیر(۱). ۲۰- تصریف العزی ج، ۲۱- مختصر الاصول عضدی، ۲۲- شمسیه منطق، ج، ۲۳- حکمة العین ۲٤- فرائض سراجیه ج، ۲٥- ونیز ظفر الامانی فی مختصر الجرجانی.

وکتابهای: ۲٦- تعریفات ج (جای گفتگو) ۲۷- مقالید العلوم، ۲۸- تحقیق معنی الحرف، ۲۹- معما، ۳۰- اصول الحدیث ج، ۳۱- اصول المنطقیه ج، ۳۲- الشریعة ج ۳۳- میرایساغوجی(۲). ۳٤- در ریاض العارفین و بخش شاعران

۱- سیوطی در بغیه آن را شرح خواند و گویا همان حاشیهٔ شمارهٔ ۹ باشد.

۲- این کتاب در ۱۳۲۱ ق در مصر بنام جرجانی، و در هند ۱۳۰۹ ق بنام ابوالفضل محمد فضل الحق رامپوری هندی چاپ شده است.

(ذریعه ج ۹) شعر فارسی نیز بمیر نسبت داده‌اند.

چنانکه دیده میشود بیش از نیمی از نگارشهای میر حاشیه و شرح کتابهای دیگران است، و این خاصیت دوران زندگی میراست، همهٔ دانشمندان آن روزگار گرفتار پژوهشهای لفظی، و گفتگو دربارهٔ کار یکدیگر بوده‌اند.

میرسید شریف در تعریفات واژه های اصطلاحی دانشهای روزگار خود را بترتیب نخستین حرف آنها بسیجیده است.

چاپهای کتاب تعریفات:

۱- استانبول ۱۲٥۳ ق، ۱٦۷۰ ص،

۲- ۱۳۰۷ ق ۱۸۸ ص،

۳- باتصحیح فلوگل (۱) خاورشناس آلمانی. لایپزیك ۱۸٤٥ م ۳۳٦ ص واصطلاحات محیی الدین عربی، باآن است.

٤- پترزبورگ (لنین گراد) ۱۸۹۷ م، ۱٤٤ ص،

٥- مصر ج. وهبیة ۱۲۱۸۳ ق،

٦- مصر، ج خیریه ۱۳۰۸ ق با واصطلاحات محیی الدین عربی،

[۱۱۷]

۱٦۲ نسخه بخامهٔ نستعلیق باختر ایران، نزدیك بخط ترکی. نام نویسنده و تاریخ ندارد، ولی خامه و کاغذ از آن سدهٔ دهم است. عنوانها با شنگرف است. حاشیه های بسیار باامضاهای گوناگون دارد، پنج برگ پیش از کتاب ودو برگ در پایان آن براست از یادگارها باخامه‌های گوناگون، هر کدام مسئله‌ئی علمی را بیادگار نوشته اند.

در پایان کتاب نسخه‌یی از کتابچهٔ «وضعیه» از عضدی هست (برگ ۹۱ و ۹۲) که نسخهٔ دیگر آن نیز در ص ۳٤۰ یادشد.

۱- Definitionis viri meritissimi seiyed sharif Dscherdschani.

گوستاو فلوگل Gustave le berecht Fluegel خاورشناس آلمانی (۱۸۰۲-۱۸۷۰ م)

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

همهٔ دفتر ۹۴ برگ، این نسخه ۸۵ برگ ؛ کاغذ نخدی ، جلد مقوائی، یکطرف افتاده ، اندازه ۱۳×۱۸ و ۷٫۳×۱۴٫۳ ؛ ۱۷ سطر.

[۱۰۵] تلخیص المفتاح (معانی ـ عربی)

چنانکه درص ۳۳٤ اشارت رفت مفتاح العلوم سکاکی چندین بار کوتاه گردیده وچندین شرح و گزارش دارد که در (حرف ـ م) خواهد آمد . یکی از آنها که اکنون جای گفتگوی ماست نگارش جلال الدین محمد قزوینی است، که به خطیب دمشق نامبردار میباشد ، و گزارش کوتاهی از زندگی وی درص ۳۳٤ یاد گردید .

چنانکه خواهیم دید مفتاح العلوم درسه بخش است . الف ـ صرف . ب ـ نحو . ج ـ معانی و بیان و بدیع ؛ یعنی علم بلاغت و رسائی سخن در نثر و نظم . واین تلخیص کوتاه شده بخش سوم آن میباشد ؛ وچون این کتاب از اصل خود (مفتاح) بهتر و مرتب تراست و اندکی افزایش نیزدارد، کسان بسیار آنرا گزارش داده و کسانی بر آن حاشیه نگاشته‌اند .

تلخیص دارای سه فن است . الف ـ معانی درهشت باب ۱) اسناد ۲) مسندالیه ۳) مسند ٤) فعل ٥) قصر ٦) فصل و وصل ۷) کوتاه گوئی ۸) دراز گوئی . ب ـ علم بیان؛ در تشبیه واستعارت و کنایت . ج ـ علم بدیع؛ هنرهای لفظی و معنوی شعرو نثر.

کسانی که در پیرامن تلخیص المفتاح کار کرده‌اند؛ چلبی در (حرف ـ ت) کشف الظنون وپدرم درالذریعه (ج٦) کسان زیر را در شمار شارحان و کوتاه کنندگان تلخیص برشمرده‌اند:

۱ـ محمد پسر مظفر خلخالی (م ـ ۷٤٥ق) آنرا شرح نگاشته .

۲ـ سیدعبدالله پسر حسن نقره کار (ـ ۷٥٠ق) شرح دارد.

۳ـ محمد پسر احمد پسر موفق قیصری شرحی (۷٦۱) نگاشته .

٤ـ بهاءالدین احمد پسر عبد علی پسر عبدالکافی سبکی (م ـ ۷۷۳ ق) شرح دارد.

٥ـ محب الدین محمد پسر یوسف پسر احمد پسر عبیدالدائم (ناظرالجیش) حلبی (م ـ ۷۷۸ق) شرح نگاشته .

٦ـ محمد پسر محمود بابرتی (اکمل الدین) (م ـ ۷۸٦ق) شرح دارد .

۷ـ شهاب الدین احمد پسر محمد (صاحب) (م۷۸۸ق) تلخیص را کوتاه کرده «لطیف المعانی» نامیده .

۸ـ شمس الدین ابو عبدالله محمد پسر یوسف پسر الیاس قونوی حنفی (م۷۸۸ق) شرحی بنام «تخلیص» نگاشته .

۹ ـ شمس الدین محمد پسر عثمان پسر محمد زوزنی (م ـ ۷۹۲ ـ ق) آنرا شرح کرده .

۱۰و۱۱ ـ سعدالدین مسعود تفتازانی پسر عمر (م۷۹۲ق) شرحی کوتاه بنام «مختصر» در (۷٤۷ق) نگاشته و نیز در (۷٥٦ ق) شرحی بزرگ بنام «مطول» نگاشته است . وچنانکه درزیرمیآید برهریك ازاین دو کتاب حاشیه‌ها نگاشته شده .

۱۲ـ جلال الدین رسولا پسر احمد پسر یوسف تبالی (تیری) (م ۷۹۳ق) شرح نگاشته .

۱۳ ـ محمد پسر محمد تبریزی ، پس از روزگار تفتازانی ، شرحی بنام «نفائس التنصیص» نگاشته .

۱٤ـ زین الدین ابوعز ، طاهر پسر حسن پسر حبیب حلبی (م۸۰۸ق) آنرا در (۲٥٠٠ بیت) بشعر سروده و «تخلیص التخلیص فی نظم التلخیص» نامیده .

۱٥ـ میرسید شریف جرجانی (م۸۱٦) حاشیه‌یی بر مطول نگاشته .

۱٦ـ قطب الدین احمد امامی هروی همزمان میرسیدشریف . نیز حاشیه‌یی بر مطول دارد .

۱۷تا۲۰ـ عزالدین محمد پسر ابو بکر معروف بابن جماعة (۸۱۹ق) «تلخیص التلخیص» نگاشته است . ونیز او سه حاشیه برمطول نگاشته است .

۲۱- یحیی پسر سیف (یوسف) سیرامی مصری حنفی (م۸۳۳ق) شرحی بر مطول در (۸۳۰ق) نگاشته است .

۲۲- شمس الدین محمد پسر احمد بساطی (م۸۴۲ق) . حاشیه‌یی برمطول دارد

۲۳- احمد پسر عبدالله قریمی (م۸۶۲ق) حاشیه‌ئی در (۸۵۶ ق) برمطول نگاشته است .

۲۴- ملا احمد طالشی ، حاشیه‌یی برمطول دارد.

۲۵- علاءالدین علی پسر محمد شاهرودی بسطامی معروف به مصنفك (م۸۷۱ق) حاشیه‌یی برمطول در (۸۳۰-۸۳۲ق) نگاشته است.

۲۶ و ۲۷ - ملا محمد پسر فرامرز معروف بملاخسرو (م۸۸۵ق) حاشیه‌یی بر مطول نگاشته، و به قریمی پاسخ داده است. و نیز همو شرحی بر تلخیص نگاشته است .

۲۸- ابوالقاسم پسر ابوبکر لیثی سمرقندی حاشیه‌یی برمطول دارد .

۲۹ حسن پسر محمد شاه فناری (م۸۸۶ق) حاشیه‌یی برمطول دارد .

۳۰- شهاب الدین احمد پسر عبدالله قلجی (ز –۸۲۹ق یا ۸۹۲ق) متن تلخیص را بشعر سروده است.

۳۱- ابوالنجا پسر خلف معرمی (ز – ۸۴۹ق) نیز تلخیص را به شعر سروده است.

۳۲- ملاحسن پسر عبدالصمد سامسونی (م۸۹۱ق) حاشیه‌یی برمطول دارد.

۳۳ و ۳۴ - زین الدین ابو محمد عبدالرحمان پسر ابوبکر معروف به عینی (م۸۹۳ق) تلخیص را کوتاه کرده « تحفة المعانی لعلم المعانی » نامیده ، و نیز همو تلخیص را بشعر سروده است .

۳۵- ملالطف‌الله پسر حسن توقاتی (م۹۰۰ ق) «تلخیص التلخیص» نگاشته است

۳۶- ملا محمد پسر خطیب معروف بخطیب زادهٔ رومی (م۹۰۱ق) حاشیه‌یی برمطول دارد

۳۷و۳۸ - ملانظام الدین عثمان خطائی (م- ۹۰۱ق) حاشیه‌یی برمطول و حاشیه‌یی برمختصر دارد. و براین دو حاشیهٔ خطائی نیز حاشیه‌ها نگاشته شده است .

۳۹ و ۴۰ - میرصدرالدین محمد دشتکی (م۹۰۳ق) حاشیه‌یی بر مطول و حاشیه‌یی بر حاشیهٔ میرسیدشریف برمطول دارد.

۴۱و۴۲- ملایوسف پسر حسین کرماستی (م۹۰۶ق) حاشیه‌یی برمختصر نگاشته و نیز همو حاشیه‌یی برحاشیهٔ میرسیدشریف برمطول دارد .

۴۳- حمیدالدین پسر افضل الدین حسینی: حاشیه‌یی برمختصر نگاشته است

۴۴و۴۵- شیخ الاسلام هرات احمد پسر یحیی پسر محمد نوادهٔ تفتازانی (م۹۰۶ یا ۹۱۶ق) حاشیه‌یی برمطول و حاشیه‌یی برمختصر دارد که دومی در ۸۸۶ق پایان یافته .

۴۶ و۴۷ - حسام زاده، ملا مصلح الدین پسر ملا حسام رومی نگارندهٔ «شوقیه» (۱) حاشیه‌یی برحاشیهٔ میر سید شریف برمطول، و حاشیه‌یی برمختصر نگاشته است.

۴۸- شریف مرتضی حاشیه‌یی برحاشیهٔ میرسید شریف برمطول دارد .

۴۹- جلال الدین عبدالرحمان سیوطی (م۹۱۱ق) تلخیص را بشعر سروده

۵۰- عصام الدین ابراهیم پسر عربشاه اسفرائینی (۹۴۵ق) شرحی بر تلخیص نگاشته که بشمارهٔ (۲۰۵) در این کتابخانه هست .

۵۱ و ۵۲ - نورالدین حمزه پسر طور غود «تلخیص التلخیص» را در (۹۶۲ق) نگاشت، و نیز خود وی آن را شرح کرد .

۵۳- عبدالرحیم پسر احمد عبادی (عباسی) (م۹۶۳ق) شعرهائی که در تلخیص بگواه آمده ، شرح کرد، و «معاهد التنصیص فی شرح شواهد التلخیص» نامید .

۱- نسخه این کتاب که در ۹۹۴ نوشته شده و خط نگارنده بر آن هست در ص۲۷۶ یاد شد .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

۵۴- مصلح‌الدین محمد لاری (م۹۷۹ق) حاشیه‌یی برمطول دارد.

۵۵- بدرالدین محمد پسر رضی‌الدین محمد غزی مفتی شام (م۹۸۴ ق) مانند شارح(۵۳)شعرها وشواهد تلخیص راتفسیر کرده.

۵۶ - ملابرویز رومی(م۹۸۷ق) «تلخیص التلخیص» دارد.

۵۷تا۵۹ - ملامیرزاجان‌شیرازی (م ۹۹۴ق) حاشیه‌یی برمطول و دو حاشیه بردوحاشیهٔ خطایی برمطول‌دارد.

۶۰ - شهاب‌الدین‌احمدپسرقاسم عبادی‌ازهری (م۹۹۴ق) حاشیه‌یی برمختصر دارد.

۶۱و۶۲ - ابن‌ملا حلبی، ابراهیم پسراحمد، تلخیص را یك شرح بزرگ و یکی کوچك نگاشته.

۶۳و۶۴- ملاحامد غفاری درسدهٔدهم. بردوحاشیهٔ خطائی برمختصرومطول، دوحاشیه نگاشته است.

۶۵تا۶۹ - ملاعبدالله یزدی پسرشهاب‌الدین (م۹۸۱ق) در (۹۶۲ق) حاشیه‌یی برمختصر نگاشت، و نیز حاشیه‌یی برمطول، ودوحاشیه برحاشیه‌های خطائی، وحاشیه‌یی برحاشیهٔ میرسید شریف‌دارد.

۷۰و۷۱- قاضی نورالله (م۱۰۱۹ق) دو حاشیه بر حاشیه های خطائی دارد.

۷۲- محمد پسرحسن پسر زین‌الدین شهید (م ۱۰۳۰ ق) حاشیه‌یی برمطول دارد.

۷۳- شیخ بهائی، محمدپسرحسین‌حارثی(م۱۰۳۱ق)نیز حاشیه‌یی برمطول‌دارد.

۷۴- محمد پسرمحمد معروف بآلتی (م ۱۰۳۳ق) مطول را بتر کی ترجمه کرده است.

۷۵- خضرپسر محمدآماسی، مفتی شهراماسیه. در(۱۰۶۰ق) تلخیص‌را کوتاه کرده است.

۷۶- عبدالحکیم‌سیالکوتی(م۱۰۶۷ق)حاشیه‌یی برمطول‌دارد، که‌دراستانبول

چاپ شده است.

۷۷- حسین پسرشهاب‌الدین کرکی (م۱۰۷۴ق) حاشیه‌یی برمطول دارد.

۷۸و۷۹-آقارضی‌قزوینی(م۱۰۹۶ق)دوحاشیه برحاشیه‌های خطائی نگاشت.

۸۰و۸۱-شیروانی،محمدپسرحسن(م۱۰۹۸ق)دوحاشیه برحاشیه‌های خطائی دارد.

۸۲- سیدعبدالله پسر نورالدین شوشتری جزائری (م۱۱۷۳ق) حاشیه‌یی برمطول دارد.

۸۳- شمس‌الدین‌پسر جمال‌الدین‌بهبهانی(م۱۲۴۷ق) حاشیه برمطول‌دارد.

۸۴ - سید احمد معلم متخلص بمشفق حاشیه‌یی بر مختصر دارد.

۸۵- شیخ‌عبدالنبی نوری تهرانی (م۱۳۴۴ق) حاشیه‌یی برمطول دارد.

۸۶ تا ۸۸- چلبی سه‌شرح دیگررابی‌نام نگارنده، یاد کرده‌است.

تلخیص بسال ۱۸۱۵ م در کلکته ودر ۱۲۶۰ ق در ۷۲ ص در استانبول، ودر۱۳۰۲ق‌دربیروت، ودرمصر در۱۲۹۷ ق و۱۳۰۳و۱۳۰۴و۱۳۰۶ همراه‌چند کتاب دیگرچاپ شده است.

[۱۱۸]

۱۴۸ نسخه بخط نسخ. نام نویسنده موسی پسررضا مشهدی. در تاریخ ۲۹ صفر ۱۱۰۴ ق نوشته‌شده. دردفتری جادارد که ۱- این کتاب (گ ۱-۶۰) ۲- کتابچهٔ عینیه (گ ۶۱-۱۱۲) ۳- مشاعر ملاصدرا (گ ۱۱۴-۱۵۱) رادر بردارد. دو کتاب نخست بیك کاغذ ویك خامه است. عنوانها با سیاه و درشت نوشته شده. افتادگیها را درحاشیه نوشته‌اند.

همهٔ دفتر(۱۵۱ برگ) این‌کتاب (۶۰ برگ)، کاغذ سمرقندی‌آهری، جلد تیماج سرخ بی‌لا. اندازه: ۲۰×۱۴ و۷×۱۷، ۱۴ و ۱۳سطر.

[۱۰۶] تنویر الدیاجی فی تفسیر الاحاجی (چیستان، عربی)

أحاجی جمع أحجیه نوعی چیستان است که دربارهٔ قوانین دستور زبان عرب‌باشد، چلبی گوید: این علم واژه‌هائیرا که ظاهر آنها با دستورهای زبان

عرب ناساز گاراست گزارش میدهد، وازاین روی آنرا دنبالهٔ علم لغت وصرف ونحوعربی دانسته، سپس گوید ١ ــ زمخشری، جارالله محمودپسرعمر(م٥٣٨ق) کتابی بنام «محاجات» دراین باره نگاشته، و علم‌الدین سخاوی آنرا گزارش داده است ٢ ــ ابوالمعالی سعدپسرعلی وراق خطیری (م٥٦٨ق) نیز کتابی در این باره نگاشت. ٣ ــ مقامهٔ سی‌وششم ازمقامات حریری نیز دراین باره است

گفتگوی مادرشرحی است که سخاوی بر کتاب زمخشری نگاشته. سخاوی دردیباچه نام کتاب (١) ونام زمخشری راآورده است، وپس ازشرح هراحجیه زمخشری، یك یاچند احجیه ازخودآورده وآن را نیز گزارش داده است.

و ترتیب آن چنین است که نخست متن احجیهٔ زمخشری را پس از عنوان (قال ابوالقاسم «ره») آورده، و سپس گزارش خود را بعنوان (و اقول مستعيناً بالله) وبعدازآن یك یا چند احجیه باشرح آن ازخود بعنوان (قلت...) آورده است.

ودرپایان کتاب ازاینکه به چیستان گوئی پرداخته، پوزش خواسته، ودوصفحه دربارهٔ سود چنین احجیه بافی‌ها، وجدائی آن از معما سازی و لغز گوئی، سخن گفته، سپس گوید: پس از پایان یافتن کتاب، این نام رابرای آن سرودم:

منیرالدیاجی و درالتناجی	و فوزالمحاجی بحوزالاحاجی

لغزدر (حرف ــ ل) ومعمی در (حرف ــ م) این فهرست خواهد یاد شد، و برای جدا کردن هر یك از آنها بجای آن نگاه کنید.

نگارنده: علم‌الدین ابوالحسن علی پسرمحمدپسرعبدالصمدپسرعبدالغالب(٢) پسرعبدالاحدهمدانی مصری سخاوی است. ابن خلکان گوید: درسخا(٣) بسال(٥٥٨ق)

١ــ دردیباچه نام کتابرا آنگونه که ماعنوان کردیم آورده ولی درپایان کتاب، نام آنرا تغییرداده است.

٢ــ درابن خلکان عبدالاحد را پسرعبدالغالب نگاشته، ولی در نسخهٔ ما که کهن‌تر ودرست‌تراست چنانست که دربالایادشد.

٣ــ سخا: شهر کوچکی، رمنطقهٔ غربیه درمصراست (ابن خلکان).

بزاد (١) و در قاهره نزد ابوالقاسم شاطبی و ابوالجود غیاث پسر فارس مکی قرائت قرآن ونحو ولغت عرب آموخت، ودراسکندریه ازسلفی وابن‌عون ودرمصر ازبوصیری وابن یاسین علم آموخت، وبدمشق شد، وسرآمد دانشمندان گردید، ومردم را بوی اعتقاد نیکو گشت، همیشه چندین دانشجو بدنبال اوراه میرفتند وهریك کتابی رامیخواندندواوهمه‌را گزارش میداد وبدمشق روزیکشنبه دوازدهم جمادی‌دوم سال ٦٤٣ ق در گذشت ودر کوه «قاسیون» بگورشد (٢). گزارش زندگی اودرتاریخ ابن خلکان، و بغیة‌الوعاة سیوطی، و کشف‌الظنون، والوافی بالوفیات، دیده میشود.

آثارسخاوی:

١ ــ المفصل زمخشری راشرح کرد.

٢ ــ چکامهٔ «شاطبیه» رانیز پس ازآنکه برسراینده‌اش خوانشرح کرد.

٣ ــ خطبه‌ها واشعار سخاوی.

٤ ــ تنویرالدیاجی (جای‌سخن).

[١١٩]

١٥٥ نسخه بخامهٔ نسخ نزدیك بثلث. نویسنده محمدپسرعبدالمنعم پسرعلی پسرعبدالغنی پسرعلی قرشی، در تاریخ دههٔ میانهٔ ماه ذی‌قعدهٔ ٦٣٩ق، یعنی چهار سال پیش ازمرگ نگارنده‌اش نوشته شده.

عنوانها ومتن را باخامهٔ درشت و سیاه نوشته وگاهی نیز آنرا با شنگرف آلوده است.

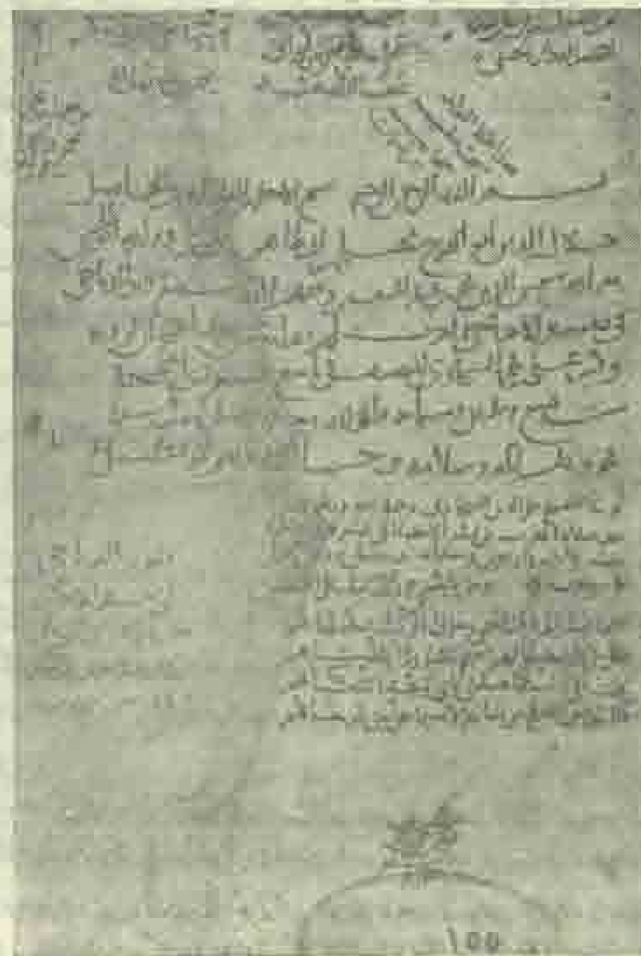
این نسخه برای جلال‌الدین ابوالفرج علی پسرتقی‌الدین ابوطاهر پسرعلی رقی پسر حداد، نوشته شده. واوباپسرش ابوالحسن شمس‌الدین با نویسندهٔ نسخه محمد پسر عبدالمنعم، سه نفری این نسخه‌رابرنگارنده خوانده‌اند. (سومی خوانده ودونفرنخستین شنیده‌اند) ونشان قرائت گاهی بخامهٔ یکی از سه شاگرد، وگاه بخامهٔ نگارنده،

١ــ دربرگ (١ــ ب) نسخهٔ ١٥٥ دانشگاه بخامه‌یی کهن‌زادگاه اورا ازدمشق نوشته‌اند، ولی گفتهٔ ابن خلکان درست‌تر می‌نماید.

٢ــ دربرك (٢ ــ الف) نسخهٔ ١٥٥ دانشگاه چنین نوشته است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

درگوانهٔ رویه‌ها دیده میشود، و اجازهٔ روایت ازنگارنده برای آن نسخه تن بخامهٔ نگارنده دربرگ (۲ــ الف) نوشته شده که در کلیشه (۱۵) دیده میشود، و تاریخ آن ۱۹ ذیحجهٔ ۶۳۹ ق است، و گزارش دیگر در این باره بخامهٔ نویسندهٔ نسخه



(۱۵) برك(۱ـب) تنویرالدیاجی فی شرح الاحاجی اجازهٔ نگارنده: علم‌الدین سخاوی بخامهٔ خوداو.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

محمد پسر عبدالمنعم دربرگ (۱۲۶ب) هست که درکلیشه شمارهٔ (۱۶) دیده میشود، دربرك(۱ـب) گزارش زندگی نگارنده از کتاب صفدی و ابن‌خلکان آورده‌شده

(۱۳۶ برگ + ۱ برگ سفید) کاغذ سمرقندی آبندی رنگ، جلد تیماج مشکی مقوائی زرکوب فرسوده.

اندازه: ۱۶×۲۵ و ۱۴×۲۰ : ۲۳ سطر.



(۱۶) برك (۱۲۶ب) تنویرالدیاجی بخط محمد ابن عبدالمنعم در ۶۳۹ ق.

[۱۰۷] تهذیب اللغة (لغت عربی بعربی)

یکی از نامبردارترین و کمیاب ترین کتابهای لغت عرب این کتاب میباشد، که آنرا ابومنصور ازهری محمد پسر احمد پسر ازهر پسر طلحه هروی (ز ۲۸۲ - م ۳۷۱ ق) نگاشت. وی یکی از سرشناسان علم لغت در سدهٔ سوم هجری است ولی درفقه وحدیث نیز نامبردار است، و کسان بسیار ازوی روایت کرده‌اند.

آثار دیگر وی: التقریب در تفسیر قرآن، شرح الفاظ مزنی، علل القراآت، کتاب الروح، شرح اسماء الله الحسنی، شرح اصلاح المنطق، از ابن سکیت، شرح دیوان ابوتمام، تهذیب اللغة.

بسیج واژه‌ها در «تهذیب اللغة» مانند کتاب العین خلیل است که در (ص ۳۳۶) یاد شد. وی حرف‌های الفبا را به نه دسته چنین بخش کرده: ۱- حرفهای حلقی: ع ح هـ خ غ. ۲- حرفهای لهوی: ق ك. ۳- حرف های شجری: ج ش ض. ٤- حرفهای اسلی: ص س ز. ٥- نطعی: ط د ت. ٦- حرفهای لثوی: ظ ذ ث. ۷ - حرفهای ذلقی: ر ل ن. ۸ - شفوی: ف ب م. ۹- حرفهای هوائی یا جوفی: ی و ا. ویك دیباچه بزرگ برای این کتاب نگاشته ودر آن دلیل این دسته بندی ونام گذاری حرفها وتاریخچهٔ لغتشناسی را آورده، و گوید پس از آنکه هفتاد سال ازعمرم گذشت ومدتی از آنرا در اسیری بدست قرمطیان درمیان عربان قرمطی گذرانده‌ام، این کتابرا نگاشتم وواژه‌های بسیار که از ایشان بر گرفتم در آن گنجانده‌ام.

وی تهذیب را به ۲۸ کتاب بشمارهٔ حرفهای الفبا بخش کرده، و هر کتاب را با بسم الله آغاز نموده، ولی این ۲۸ کتاب برابر یکدیگر نیستند، وچنانکه خواهیم دید کتابهای اول بزرگ است وهرچه پیش رود کوچکتر شود، وهر کتاب ببخشهای کوچك: I دو حرفی (مضاعف) II سه حرفی صحیح III سهٔ حرفی معتل IV الفیف V چهار حرفی VI پنج حرفی VII ملحق به پنج حرفی؛ تقسیم نموده. وهریك از این

بخشها را نیز ببخشهای کوچکتر تقسیم کرده، چنانکه در کتاب حرف عین سه حرفی صحیح گوید: عین باسین با قاف (ع س ق) ودر اینجا شش گونه واژه را که میتوان با این سه حرف ساخت میآورد: [عسق، عقس، قعس، قسع، سقع، سعق] وسپس آنها را که معنی دارد مستعمل وآنرا که بی‌معنی است مهمل نامد. ولی در بخشهای چهار وپنج حرفی که امکان ساختمان واژه‌ها بسیار است، فقط مستعملها را می‌آورد. واز این روی بخشهای آغاز کتاب بزرگ شده وهمه واژه‌ها در آنها گرد آمده، وبخشهای پایان کتاب کوچك شده وتهی مانده است، چنانکه دیدیم شش واژه بالا که دوتا بحرف عین ودو بحرف قاف ودو بحرف سین آغاز شده، همه در حرف عین گرد آمده است. تا آنجا که در آغاز حرف «ب» خود میگوید (۱) «: حرف باء. ابن مظفر گوید ابوعبدالرحمان گفت: واژه های این بخش در بخشهای پیش گنجانده شد، وبرای این بخش نه مضاعف ماند، ونه صحیح، ونه معتل ونه رباعی، ونه خماسی، وفقط لفیف آن مانده است که در اینجا میآورم....»

اگر این کتاب را به پنج بخش برابر تقسیم کنیم خواهیم دید که حرف «ع وح» یك پنجم وهـ، خ یك پنجم، وحرفهای ع، ق، ك، یك پنجم، وحرفهای: ج، ش، ض، ص، س، یك پنجم، وحرفهای: ز، ط، د، ت ظ، ذ، ث، ر، ل، ن، ف، ب، م، و، ا، ی، یك پنجم دیگر را گرفته است.

راه یافتن واژه‌ها - هر واژه در باب آن حرف یاد میشود که با آغاز الفبا، حلقی نزدیك‌تر باشد. مثلا «قعس» در حرف قاف نیست بلکه در حرف عین است که آغاز الفبا، حلقی است، وهمچنین «سخر» در حرف سین نیست بلکه در حرف «خ» که نزدیکترین حرف این واژه بآغاز الفبا، حلقی میباشد، آمده است

۱- این عبارت ترجمهٔ آغاز بخش «حرف ب» از جلد پنجم تهذیب اللغة نسخهٔ شمارهٔ ۶۱ کتابخانهٔ سپهسالار میباشد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

پیش از آغاز کتاب بابی در تاریخ لغتنگاری در عرب آورده و بکار خلیل بن احمد و ترتیب حرفها در کتاب او اشارت کرده است.

این کتاب که نزدیک (۱۳۵۰۰۰ بیت نوشته) دارد هنوز چاپ نشده و علت آن ناهنجاری پیچ آن میباشد، نسخه‌های آن نیز کمیاب است. یك دورهٔ درست در پنج جلد با خامه نو در کتابخانهٔ سپهسالار هست که بشمارهٔ (۵۷ تا ۶۱) ثبت شده است. و نسخه‌های ناقص دیگر در ایاصوفیه و کوپرلو و نورعثمانیه و رضوی میباشد.

چلبی گوید: تاج‌الدین محمود پسر ابوالحوادی در سدهٔ ششم کتابی بنام «ضالة الادیب فی الجمع بین الصحاح والتهذیب» نگاشته است، و نیز عبدالکریم بن عطاءالله اسکندری (م–۶۱۲ق) تهذیب اللغة را کوتاه کرده است.

آغاز: (۱) بسمله الحمدلله بکل ماحمده به اقرب عباده الیه و اکرم خلایقه علیه...

[۱۲۰]

۲۰۱ نسخه بخط نسخ نزدیك بثلث. نام نویسنده و تاریخ ندارد ولی چنین نماید که پیرامن سدهٔ پنجم نوشته شده است.

عنوان ها با خامهٔ درشت و سیاه است. فهرست این مجلد چنین است: کتاب غین (برگ ۱–۷۷) کتاب قاف (برگ ۷۸–۲٤٦) پایان نسخه. افتادگی و جابجا شده دارد، ولی از آنجا که کهن‌ترین نسخه این کتاب است اهمیت بسیار دارد. جلد دیگر این کتاب بهمین خط در کتابخانه رضوی هست، با برابر کردن این نسخه ها با نسخهٔ درست کتابخانهٔ سپهسالار میتوان نسخهٔ بسیارخوبی برای چاپ بدست آورد.

(۲۴۷ برگ) کاغذ نخدی، جلد مقوی رویه پارچه مشکی قابلباچ حالی.
اندازه: ۱۶×۲۴٫۳ و ۱۳٫۵×۱۸٫۵ : ۲۱ تا ۲۳ سطر.

[۱۲۱]

۲۰۲ نسخه بخط نسخ نزدیك بثلث مانند نسخه شمارهٔ ۲۰۱ و بهمان خط و کاغذ و خصوصیات.

فهرست این مجلد چنین است: کتاب ح (حطی) در برگهای (۳–۵۷) کتاب ه در برگهای

۱ــ نسخهٔ کتابخانهٔ دانشگاه آغاز و انجام ندارد.

(۵۸–۱۹۶) برگهای ۱۸۹ تا ۱۹۱ نو نویس است. کتاب خ (نخذ) در برگهای (۱۹۶ — ۲۸۳) غین (۲۸۳ — ۲۸۵).

(۲۸۵ برگ) کاغذ آهاری، جلد مقوائی رویه پارچه مشکی تیماج حالی.
اندازه: ۱۷×۲۴٫۲۵ و ۱۹×۱۲ ، ۲۱ سطر.

[۱۰۸] تیسیر (عربی)

دانشهای گوناگون کلاسیك سدهٔ یازدهم در این کتاب گرد آمده است. نگارنده در دیباچه گوید چون خواستم مطالب قرآن را شسته و رفته در برابر مردم بگذارم، و از برداشتن آنرا آسان سازم، دانشهائی را که در فهم قرآن از دانستن آنها گزیر نیست، در این مجلد از «تیسیر» گرد کردم، و این مجلد را بر پنج جزء بخش نمودم، جزء نخست آن دسته از دستورهای زبان عرب که در صرف و نحو نیاید. جزء دوم (صرف). جزء سوم (نحو). جز چهارم معانی، و بیان، و بدیع، و منطق. جزء پنجم اصول فقه.

از گفتار نگارنده چنین برمی‌آید که این جلد (پنج جزئی) پیش در آمد یك دائرة‌المعارف بنام «تیسیر» است که نگارنده میخواست همهٔ دانشهای مذهبی کلاسیك آن روزگار را بعنوان دانشهای قرآنی در آن گرد آورد.

از این مجموعه یا دائرة‌المعارف تاکنون چیزی بگوش من نرسیده است، از این پنج جزء نیز که فهرست آنرا داده، جز سه جزء، نخست و سوم و چهارم، در نسخهٔ دانشگاه (شمارهٔ ۱۷۸) که جای گفتگو میباشد بجانمانده. و از میان جزء نخست نیز چند برگ افتاده است.

در انشاء و عبارت عربی این کتاب نادرستی دیده میشود و از اصطلاحهای فیلسوفان که در آن بکار برده چنین بر میآید که وی در فلسفه و منطق بیش از ادبیات دست داشته است. در پشت برگ (۲– الف) نسخهٔ تیسیر (شمارهٔ ۱۷۸ دانشگاه) گفتاری در چند سطر بخامهٔ همین نگارنده دیده میشود که در آن از نگارندگان گله گذارده، گوید: دسته‌ئی برای خودنمائی و یا برای آنکه دانش

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

را ویژهٔ خود دارند، باعبارت پردازیهای دشوار از فهم دیگران جلو گیرند، و دانستن آنرا ازمردم دریغ دارند، و دسته‌ئی تا آنجا بگزارش وشاخ و برگ پرداخته که خود مسئله را فراموش کرده اند، کتاب مانند نامه است که کس برای دوست خود فرستد، اگروی برای فهم آن ناچاربگزارش وپرسش باشد آن نامه سود نخواهد داشت ودستور آن مجری نخواهد شد.

فهرست آنچه از این کتاب در کتابخانهٔ دانشگاه هست:

دیباچه: تفسیراصطلاحها. گ ۳-۷.

جزء نخست در گزارش آنچه صرف نشود (اداتها) وآن دردوجمله است

جملهٔ نخست گفتار های همگانی دربارهٔ اداتها درسه فصل گ ۸-۲٤.

جملهٔ دوم گزارش اداتهای گوناگون بترتیب حرفهای الفبا. گ ۲٤-٦٥ (الف-ی).

خاتمهٔ جز نخست در هفت فصل. گ ٦٥.

ازپایان فصل نخست تاآغاز فصل سوم ازنسخهٔ دانشگاه میان برگهای ٦٥و٦٦ افتاده است.

پایان نگارش جزء نخست (ازاین مجلد) ازتیسیر درربیع یکم ۱۰۸۱ باصفهان بوده، وپایان نوشتن این نسخه بخامهٔ خود او در ۱۰ شعبان همانسال. (گ ۷۱)

جزء دوم تیسیر (دستور های صرفی) افتاده است

جزء سوم (دستور های نحوی) پنج باب دارد. باب نخست پیشگفتار گ ۷۲.

باب دوم، عاملها. گ ۷۵.

باب سوم، معمول‌ها. گ ۷۹.

باب چهارم، واژه‌ها درجمله، دردوبخش:

الف - متبوع، مرفوع‌ها: گ ۸۳، منصوبها: گ ۸۵، مجرورها: گ ۹۷.

ب - تابع‌ها: گ ۱۰۰.

باب پنجم. جمله. گ ۱۰٦.

پایان نگارش جزء سوم در۱۹ ج۲ - ۱۰۸۱ ونوشتن این نسخه ۳ رمضان همانسال بوده‌است (گ ۱۰۸).

جزء چهارم ازاین مجلد تیسیر که دربلاغت است، یك پیشگفتار ودو حدیقه (پنج فن) دارد. پیشگفتار: گ ۱۰۹.

حدیقهٔ نخست، بلاغت ظاهری، درسه فن: معانی، بیان، بدیع.

فن نخست، معانی: گ ۱۱٤ هشت باب دارد: اسناد، مسند الیه، مسند، فعل، قصر، انشاء، فصل وصل، ایجاز واطناب

فن دوم، بیان، گ ۱۳۳، یك پیشگفتار وسه باب دارد: کنایه، تشبیه، مجاز.

فن سوم بدیع: گ ۱٤۲.

باب نخست، محسنات، الف) معنوی: گ ۱٤۲، ب) لفظی: گ ۱٤٤.

باب دوم، آنچه درترکیب منشآت مفید افتد: گ ۱٤۸.

باب سوم: آنچه در کتب مشهور نیست: گ ۱٤۹.

پایان حدیقهٔ نخست در ۱۵ شوال ۱۰۸۱ باصفهان بوده‌است: گ ۱۵۲.

حدیقهٔ دوم، ازجزء چهارم، دربلاغت حقیقی، یك پیشگفتار وسه باب دارد پیشگفتار، گفتارهای همگانی که خود بنام کتاب دیگر او «مبدأ ومعاد» باینجا آورده است گ ۱۵۳.

باب یکم چگونگی بیان کردن خواستهٔ انسان گ ۱۵۳.

باب دوم، دستور گفتگو و ستیز (آداب بحث). گ ۱۵۸.

باب سوم، تنظیم فکر برای دانستن نادانسته: گ ۱٦۱.

ودراین باب همهٔ «تهذیب المنطق» تفتازانی را آورده وشرح کرده: گ ۱٦۱

پایان جزء چهارم در۲۸ شوال ۱۰۸۱ دراصفهان بوده‌است. گ ۱۷۹.

آغاز جزء نخست: الحمدلله رب العالمین و الصلاة والسلام... اما بعد یقول الفقیر الی الله الغنی محمد تقی بن عبدالحسین النصیری الطوسی عفی عنهما. لما

اردت تبويب آيات القرآن الحكيم لتسهيل ... ولن الحق به شيئا ... فوضعت هذا المجلد من كتاب التيسير وصيرته على خمسة اجزاء...

انجام جزء نخست : اى ايت ان تأتى من الامور ماتلعن عليه . والسلام ، تم الجزء الاول من الادات وهو الجزء الاول من التيسير بتوفيق الله الملك الكبير بدار السلطنه اصفهان فى عاشر شهر شعبان المعظم سنة ١٠٨١ .

آغاز جزء سوم : الحمدلله رب ... الجزء الثالث فى القوانين النحوية ...

انجام : و الفعل العام فى كل ظرفية مقدر بحسب اقتضاء نفى الظرفية سواء كان الظرف خاصاً أو عاماً . لان كل خاص عام مع شيئى آخر . و السلام... قدتم تصنيف هذا الجزء فى ١٩ شهر جمادى الثانية ١٠٨١ .

آغاز : جزء چهارم : الحمدلله رب... الجزء الرابع من اجزاء التيسير فى البلاغة وفيها مقدمة وخمسة فنون...

انجام : فان الانسان حيوان والفرس حيوان والبقر حيوان وقالوا فى هذا المقام كلمات غيرمرغوبة تركناها والسلام اولا... اختتم تحريراً وتقريراً معافى الثلاثا ٢٨ شوال ١٠٨١ و كان آخر ايت ليل التركية بدار السلطنه اصفهان ... على يد مصنفه محمدتقى بن عبدالحسين عفى عنهما.

نگارنده : محمدتقى پسر عبدالحسين پسر محمد زمان نصيرى طوسى اصفهانى است.

خاندان نصيرى طوسى در اصفهان خود را به شيخ طوسى ابوجعفر محمد پسر حسن (م ٤٦٠ ق) نسبت ميداده (١) اند . ولى دانسته نيست : چرا خود را

١ــ برادر اين نگارنده محمدرضا پسر عبدالحسين نصيرى طوسى در كتاب «تفسير الائمه» كه در ج ١ ــ ص ٤٥ اين فهرست يادشده ميگويد : « قال جدنا الامجد العالم المتعلم بعلوم الصادقين الشيخ ابوجعفر محمدبن الحسن الطوسى ... »

«نصيرى» خوانده‌اند (١) . گزارش زندگى برادر نگارنده محمد رضا پسر عبد الحسين نصيرى طوسى در ج ١ ص ٤٥ و ٢١٤ ياد شده . پدر ايشان عبدالحسين پسر محمدزمان نيز دانشمند بوده ، صاحب ذريعه يادداشت او را بر پشت كتاب نهج الحق علامۀ حلى ، ديده و چند تن از خاندان ايشان را در ذريعه (ج ٤ : ٢٣٦ و ٢٣٧) شناسانده است . صاحب فهرست كتابخانۀ رضوى در (ج ٤ ص ٤٤٨) ايشان را سيد دانسته ، ولى صاحب ذريعه او را پاسخ گفته و محمدرضا نگارندۀ تفسير الائمة را جز محمدرضا منشى الممالك حسينى كه در «أمل الامل» ياد شده ، دانسته است .

از خرده گيرى نگارنده بر پشت برگ (٢ ــ الف) نسخۀ تيسير بر نگارندگان روزگار خويش ، و طرفدارى از ساده نگارى براى فهم مردم ، و نيز از چگونگى نگارشهاى برادر او محمد رضا ، مانند «كشف الايات» چنين برمى آيد كه درميان دانشمندان اين خانواده برخلاف دانشمندان آن روزگار ميلى بهمگانى كردن دانشها وجود داشته . ايشان مى‌خواسته‌اند در آموزش و پرورش راه ساده ترى پديد آورند ، و دانشها را بفهم مردم نزديك سازند .

آثار ديگر نصيرى طوسى :

١ــ مبدأ و معاد كه در برگ ١٥٣ تيسير نسخۀ ١٧٨ دانشگاه از آن نام برده ، و نسخۀ آن كه در ١٠٧٩ ق پايان يافته در كتابخانۀ رضوى ديده مى‌شود (فهرست ــ ج ٤ ص ٢٣٦) .

٢ــ العقال فى مكارم الخصال ــ برخى از جلدهاى آن در اصفهان ١٠٨٠ ق پايان يافته است (ذريعه ٤ : ٢٣٧) .

٣ــ التيسير (جاى گفتگو) .

١ــ كسانى چند از دانشمندان به نصير نامبردارند : خواجه نصير طوسى (م ٦٧٢ ق) نصيرالدين عبدالله طوسى شارحى كه در فهرست منتجب الدين ياد شده . نصيرالدين على طوسى كه در «أمل الامل» يادشده . نصيرالدين على كاشانى در سدۀ هشتم . نصيرالدين محمد طبرى كه گورش در سبزوار است (سدۀ نهم) (ذريعه ٤ : ٢٣٦) .

كتابخانه مركزى دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۰۲]

۱۸۷

نسخه بخط نستعلیق نیم‌شکسته ، نوشته نگارندهٔ کتاب محمد تقی پسر عبدالحسین نصیری طوسی . تاریخ جزء نخست ۱۰ شعبان ۱۰۸۱ در اصفهان (گ ۷۱) وجزء سوم ۳ رمضان ۱۰۸۱ . (گ ۱۰۸) وجزء چهارم ۲۸ شوال ۱۰۸۱ (گ ۱۷۹) است . عنوانها شنگرف است . حاشیه‌ها بخط متن بامضای (منه) بسیار دارد تصحیح شده وافتادگی‌ها را در کرانه نوشته . همهٔ رویه‌ها دو جدول دارد. ۱) درونی بازر وشنگرف ولاژورد ۲) برونی باسیاهی. پشت برگ (۳ — الف) احتشام الدوله یکی ازاعیان اصفهانست که خوشنویس و بی‌سواد بوده یادداشت ومهرخود را گذارده مهروی درجاهای دیگر نیز دیده میشود. در برگ (۱۸۰ — الف) تاریخ مرگ گروهی ازدانشمندان بخط شکسته نوشته شده است . از برگ (۷۱ — الف) برمیآید که این نسخهٔ پاکنویس، پنجماه پس از نگارش نوشته شده است . رویه هایش از نوشتن نسخه جدول بندی شده است و گویا نگارنده آنرا برای پیشکش بیکی از بزرگان می ساخته است .

در برگهای (۳ — ب) و (۷۳ — ب) و (۱۵۳ — الف) سه سرنامه زرنگار دیده میشود سرنامهٔ (برگ ۱۰۹ ب) زرافشانی شده است .

کتاب از برگ (۳ — ب) آغاز میشود ورویه‌های پیش از آن نیز جدول بندی شده در برگ (۱ — الف) دستور برابر نمودن ماههای قمری با برجهای خورشیدی نوشته شده است .

(۱۷۷ + ۴ برگ) کاغذ ازمه سفید نخدی . جلد تیماج مشکی متوالی فرسوده

اندازه : ۲۵×۱۷ و ۱۷٫۳×۱۰٫۹ ؛ ۲۱ سطر

[۱۰۹] الجامع = مختصر صحاح (لغت عربی بعربی)

یکی از بنامترین کتابهای لغت عرب صحاح‌اللغة جوهری است. سیوطی در «المزهر» گوید نخستین کتاب است که فقط واژه‌های درست‌را آورده وازاینرو «صحاح» نام گرفته ، وخود نگارنده نیز در دیباچه گوید : آنچه را من درست شناختم دراین کتاب آوردم . ثعالبی در «یتیمة‌الدهر» گوید: صحاح، سید کتابهای پیش‌از آنست . یاقوت در «معجم الادباء» نیز آن را ستوده است . ولی بازهم از

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

این کتاب ایرادها گرفته اند و نادرستیها در آن یافته و کتابها دربارهٔ آن نگاشته‌اند. و گویند سبب راه‌یافتن این نادرستیها در «صحاح» آنست که نگارنده (جوهری) آنرا زیرنظر استاد ابومنصور عبدالرحیم پسرمحمد بیشکی نگاشته وتا کتاب (حرف ـ ض) براستاد بخواند، و دراین‌هنگام دچار دیوانگی گردید که بخودکشی کشیدوباقی کتاب درچرك نویس بماند، و شاگرد وی ابراهیم پسر صالح‌وراق آنرا پاك‌نویس کرد. باری اگرچنین باشد باید پیش از (حرف ـ ض) بی‌غلط باشد ؛ ولی چنین نیست، واین پوزشی است که دوستدارانش از نادرستی های وی آورده‌اند. نگارندهٔ آن جوهری ابونصر اسماعیل پسر حماد اهل فاریاب بود و مدتی بعربستان رفته زبان عربی را از میان چادرنشینان تازی گرد آورد وبدامغان باز گشت وصحاح‌را برای استادخود بیشکی بنگاشت ودر پایان‌عمرخودرا ازبام مسجد نیشابور پرتاب کرد و بمرد. تاریخ مرگ او بهنگام ثبت‌نشده وآنرا از ۳۳۲ تا ۴۰۰ نوشته‌اند ودرست‌تر ازهمه (۳۹۳ق) میباشد.

صحاح نخستین لغت‌عربی بود که بترتیب حرفهای الفبا، معمولی بسیج‌شد دراین کتاب پسین حرف‌را بخش بزرگ (باب) ونخستین حرف‌را کوچك‌بخش (فصل) نامیده است . دانشمندان دربارهٔ این کتاب بررسیهای بسیار کرده و کار بسیار انجام داده‌اند ، چندین بار آنرا کوتاه کرده ویا گزارش داده ویا حاشیه نگاشته‌اند. برخی‌از آنها در معجم‌الادباء (۱) و کشف‌الظنون وشذرات‌الذهب وبرخی درروضات وبغیة‌الوعاة وفهرست سپهسالار (۲) یادشده و نیازی بتکرار نیست. یکی‌از کوتاه شده‌های صحاح «الجامع» نام‌دارد که جای گفتگو میباشد. نگارندهٔ آن سیدمحمد پسر حسن پسرسیدعلی (م۸۶۶ق) میباشد. چلبی در کشف الظنون این کتاب را یاد کرده ونیز کتابی بنام «دراموزه» بهمین نگارنده نسبت

(۱) ج ۶ ، ص ۱۵۱-۱۶۵ و ج ۴ : ۵۰ وج ۲۰ : ۳۵ .

(۲) فهرست سپهسالار ج ۲ ص ۱۹۲-۲۰۴ و ۲۷۹-۲۷۲ .

داده، ازدیباچهٔ «راموز» که در کشف الظنون آمده(۱) چنین برمی آید که پس از نگارش «الجامع» کتاب قاموس فیروزآبادی بدست وی افتاده، و پس از بررسی آن ناگزیر گردید «راموز» را بنگارد.

وچنانکه ازفهرست دارالکتب مصری (ج۲ص۱٤) برمی آید نسخهٔ راموز که بسال ۹۸۸ نوشته شده در کتابخانهٔ «ینکی جامع» دراستانبول هست. پیش از این دربارهٔ سیدمحمد نگارنده چیزی بدست نیامد. آنچه ازخود کتاب جامع برمیآید چنین است که وی کتاب را بنام سلطان محمد فاتح پسر سلطان مراد عثمانی (ش۸۵۵-۸۸٦) نگاشته. دردیباچه نام کتاب «الجامع» ونام خود «سیدمحمد پسر سید حسن» را آورده وچکامه یی در ستایش سلطان نامبرده سروده ونام اورا دراین شعر آورده:

اريد بذاك ابن المراد محمداً   ولازال ممدوح بليل وبالفجر

سپس میگوید کتاب صحاح دریائی ژرف بوده وچون مطالب بیجا نیزدر آن یافت میشد، یکی ازدانشمندان آن را کوتاه کرد، وبا این کار گرچه پیرایهٔ آن بریخت، ولی ازآرایش آن نیز بکاست، و گرچه چیزها برآن افزود، ولی برخی ازآنها بی پاسخ نبود و همه جا گفتار اورا بعنوان: قال صاحب المختصر بیاورد و گاهی اورا بعنوان: اقول... پاسخ میگوید. ودرهیچ جا نام اورا نیاورده است. وچون من آنهارا بامختصر صحاح که در کتابخانهٔ سپهسالار(۲) هست وباء «مختار الصحاح» برابر کردم، آشکار گردید که وی مختار الصحاح(۳) راخواسته وهمه جا گفته های اورا پاسخ گفته، وآنچه را که درصحاح فراموش شده، ازمغرب مطرزی وفائق، ونهایهٔ ابن اثیر آورده است.

چلبی گوید: این کتاب در شهر ادرنه بسال ۸٥٤ پایان یافته است ولی از نسخهٔ

(۱) چلبی گوید: اوله: الحمدلله حق حمده. الخ. واین جمله همان آغاز کتاب «الجامع» است ولی مطالبی را که چلبی از دیباچهٔ این کتاب «راموز» آرد، دردیباچهٔ «الجامع» نسخهٔ دانشگاه نیست.

(۲) که بشمارهٔ ۱۱۰ در آن کتابخانه هست (ج۲ص۲۷۹-۲۸۲) فهرست دیده شود.

(۳) نسخه یی از آن بشمارهٔ (۱٤٤) در کتابخانهٔ دانشگاه هست ودر این فهرست یاد خواهد شد.

دانشگاه چنین چیزی برنمی آید.

آغاز: الحمدلله حق حمده، حمداً لایبلغ کنهه عاد بحصره وعده، والصلاة علی... اما بعد فیقول الفقیر الی الله ذی المنن، السید محمد بن السید حسن، نجاه الله من الفتن... وسمیته بالجامع لیوافق اسمه معناه...

انجام: وطویت منه مایذکر فی الکتب المستعملة لاشتهاره مع انه قلیل الجدوی فیما هو المقصود من هذا الکتاب. هذا آخر مااردنا ایراده والحمدلله... حشرنا الله فی زمرتهم اجمعین.

[۱۲۳]

۲۱۳ نسخه بخط نستعلیق باختری، نزدیک بخط ترکی. نام نویسنده وتاریخ ندارد. وچنین نماید که خط سدهٔ دهم است. عنوانها باشنگرف. تصحیح شده وافتادگیها در کرانه نوشته شده. برآغاز نسخه اندکی حاشیه نوشته اند. دربرگ (۱-الف) و(۳۰۷-ب) و (۳۰۸) باخامه های گوناگون دعاها وطلسمها وداروها نوشته اند.

تهبندی نسخه آب دیده وبرخی رویه ها تا نیمه سیاه شده است.

(۳۰۷برگ) کاغذ ترمه لختی. جلد تیماجی یارج فرسوده.

اندازه: ۱۸×۱۳٫۳٦×۲۷، ۲۱ سطر.

[۱۲٤] حاشیهٔ(۱) سبزواری بر شرح سیوطی بر الفیه (نحو-عربی)

چنانکه در (ص۳٤٤) گفتیم الفیهٔ ابن مالک «الخلاصة» یکی از بنامترین کتابهای درسی دستور زبان عرب بوده، وبرآن گزارشها وحاشیه ها نگاشته شده. یکی از شرحها «بهجة المرضیة» نام دارد وجلال الدین عبدالرحمان خضری شافعی سیوطی

(۱) تعلیقه وحاشیه پیرایه و گزارشهائی را گویند که بر کرانهٔ رویه های کتاب می نگاشته اند.

تعلیقه ازریشه (ع ل ق) پیرایه آویختن باشد، وحاشیه ازریشهٔ (ح ش و) بمعنی پوچ وزیادی است. و از این روی فیلسوفان واژهٔ نخست را برای حاشیهٔ کتابهای فلسفه و منطق و کلام بکار میبردند، وواژهٔ دوم را برای حاشیهٔ کتابهای ادبی و مانند آن.

مانده در صفحهٔ بعد

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

(م۹۱۱ق) آنرا نگاشته، وازاین روی بسیوطی نامبردار گشته، و براین گزارش حاشیه‌ها و پیرایه‌ها بسیار آویخته‌اند(۱) که یکی از آنها حاشیه سبزواری (چاپ گفتگو) میباشد. نگارنده: حاج ملاهادی پسر مهدی سبزواری، از فیلسوفان کلاسیك سدهٔ سیزدهم ایران است و چون سروکار او همیشه با کتابهای فلسفی بود (۲) درادبیات ضعیف مانده ودر نگاشته‌های او که بزبان تازی است نادرستی

(۱) درذریعه ج۶، ده حاشیه برسیوطی یادشده است.
(۲) وی درفلسفه نیز پایبند مرزهای فلسفهٔ کلاسیك روزگار گذشته است، وهیچگاه ازاین مرزهای ورجاوند تنا، پای فراتر ننهاده است.

مانده از رویهٔ پیش:
از آنجا که گفتگو دربارهٔ کاردیگران وپیرایه بندی برنگارشهای گذشتگان آسانتر از پدیدآوردن کتاب جداگانه است، ازروزگار باستان اینکار پیشینهٔ بسیار داشته، ولی در دوره‌هاییکه حس ابتکار مردم کشته و سرکوب میشد، بیشتر دانشمندان باین کار می پرداخته‌اند. ازآغاز سدهٔ نهم که تعصبات مذهبی راه هرگونه ابتکار وچون وچرا را برداشمندان بست، دامنهٔ اینکار گسترش یافت، تاآنجا که میتوان این دوره‌را سده‌های حاشیه‌نگاری نامید. دراین‌دوره دانشمندان بنگاشتن حاشیه برخود کتاب بسنده نکرده حاشیه برحاشیه تاچند پشت مینگاشتند، چنانکه «تجرید» خواجهٔ طوسی (م۶۷۲ق) را قوشچی (م۸۷۹ق) گزارش نگاشت، وجلال دوانی (م۹۰۷ق) حاشیه‌یی برآن نگاشت وبه «حاشیهٔ کهنه» نامبردار شد، وچون دانشمندان همزمان وی براین حاشیه، پیرایه بستند وی حاشیه‌یی بنام «حاشیهٔ نوین» نگاشت، وچون دوبارهٔ ایشان پاسخ نگاشتند دوانی سومین حاشیه را بنام «حاشیهٔ نوتر» نگاشت. وپس ازمرگ دوانی، غیاث‌الدین جمشید بارها حاشیه برحاشیه‌های دوانی نگاشت. وهمچنین دوانی حاشیه‌یی برتهذیب المنطق تفتازانی (م۷۹۲ق) نگاشت، وابوالفتح شریفی (م۹۷۶ق) برحاشیهٔ دوانی، وغیاث‌الدین برحاشیهٔ شریفی، وشیروانی برحاشیهٔ غیاثی، حاشیه نگاشته‌اند. وهمچنین است نزدیك صدحاشیه وپیرایه که برتلخیص بسته‌اند ودرص(۳۵۰-۳۵۵) ازآنها یاد کردم. صاحب ذریعه(۱۳۸۶ حاشیه) بر۳۰۸ کتابرا درج۶ص۷تا۲۳۱ذریعه یاد کرده است.
حاشیه هارا دردورهٔ صفویان تاپایان قاجاریان میتوان بسه دسته بخش کرد:
I حاشیه برکتابهای ادبی و کلاسیك: شمارهٔ آنها بسیار ودرآنها متن‌را گزارش داده، واستدلالهای بیجا بنفع نگارندگان متنها آورده‌اند، و کمتر بانتقادات پرداخته‌اند.

مانده درصفحهٔ بعد

های فراوان دیده میشود، تاآنجا که کتاب «غرر القرائد» اورا که بشعر تازی و پر از غلطهای نحوی و صرفی میباشد و چندین بار چاپ شده است، سید هبة‌الدین اصلاح کرد واز غلطهای آن بکاست وجداگانه چاپ کرد. گویا حاج ملاهادی حاشیهٔ سیوطی‌را برای آنکه تمرینی درنحو و صرف کرده باشد بخامه آورده است. حاجی درشعر فارسی نیزدست داشت واسرار تخلص میکرد. دیوان اسرار سبزواری درذریعه(ج۹-ص۷۲) یادشده. شرح گزارش زندگی او درمطلع الشمس و ریاض العارفین و ذریعه آمده‌است و درازترین گزارش زندگی او را مرتضی

مانده از رویهٔ پیش:
II حاشیه برکتابهای مذهبی: وآنها دودسته‌اند الف - اصول دین و کلام که بیشتر با فلسفه پیوند دارد، حاشیه براین گونه کتابها گزارش متن است واستدلال برای درستی آن، وابتکار درآنها دیده نمی‌شود. و کسی که میخواست گفتار نگارندهٔ متن‌را پاسخ گوید غالباً بحاشیه‌نگاری بسنده نمیکرد، و کتاب جداگانه دربارهٔ آن مینگاشت.
ب - فروع دین، ودستورهای عملی مذهب: حاشیه‌های این گونه کتابها کوتاه و «فتوا» نام داشت ومجتهدان بدان وسیله نظرخود را که بانظر نگارندهٔ متن دگرگون بود آشکار میکردند. این فتواها (حاشیه‌ها) را مقلدان (عوام وبی‌سوادان) فقط در زندگانی حاشیه‌نگار که مفتی ومرجع تقلید ومجتهد نام داشت بکار می‌بستند وپس از مرگ نگارنده بی‌ارزش بود چه بکاربستن دستور امرده (تقلیدمیت) روانیست. دراین گونه حاشیه‌ها نگارنده دلیل خودیادنکند وفقط رأی خودرا بنگارد وازززمانی که چاپ درخاورمیانه رواج گرفته، بجای اینکه این‌حاشیه‌ها را درکرانهٔ رویه های «رسالهٔ عملیه» نویسند آنها را بصورت غلطنامه مانندیك کتابچه جداگانه چاپ می کنند.
III حاشیه‌بر کتابهای منطق وفلسفه و کلام: چنانکه میدانیم ازپایان‌روزگار تیموریان اندك‌جنبشی درافکار فلسفی وعرفانی پدیدار گشت، وتا اندازه‌یی حق کنجکاوی واظهار نظر بدانشمند داده‌شد دردورهٔ حاشیه‌نگاری فلسفه‌ومنطق نیزبدین روش دچار گشت همینکه کتابچه‌یی درفلسفه نامور میگردید، حاشیه‌ها وپیرایه‌ها ازهمه‌جا بسوی آن میباریده وطرفداران وی پاسخهای خودرا بصورت حاشیه برحاشیه‌های ایشان مینگاشتند وچه بسا حاشیه‌ها که بعنوان داوری (محاکمات) میان حاشیه‌نگاران نگاشته میشد. برخی ازحاشیه‌ها پس ازنگارش دریك‌جا بصورت کتاب درآمده وجداگانه چاپ‌شده وبرخی درکرانهٔ رویه‌ها مانده، وبهمین صورت نیزچاپ شده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

مدرسی چهاردهی درمجلهٔ «جلوه» آورده است. مرگ اسرار در ۲۸ ذیحجهٔ ۱۲۸۹ق درسبزوار بوده است.

آغاز: الحمدلله فاتح ابواب الخیرات ... قوله: احمدك اللهم بعدالتیمن...

[۱۲۴]

۱۵۸ نسخه بخط نسخ. پایان آن افتاده، تاریخ و نام نویسنده ندارد. انجام آنچه هست: درباب (مفعول‌له) ... قوله: ظرفیة اوشبهها. فیه انه لیس لنا ظرف غیرمتصرف...

عنوانها باشنگرف است.

ازاین نسخه در ذریعه ج۶ص۲۹ نام برده است.

(۱۵۱ رگ) کاغذ آهارمهره فرنگی نخودی‌رنگ، جلدتیماج‌حنائی یکلائی.

اندازه: ۳۲×ر۲۱ و ۱۶٫۳×۷٫۰، ۱۹سطر.

[۱۱۱] حاشیهٔ علی‌اکبر یزدی بر سیوطی (فارسی)

یك حاشیه بر سیوطی در (ص۳۷۱) یاد شد. دومین حاشیه براین کتاب، که در این کتابخانه هست حاشیهٔ علی‌اکبر پسر عبدالکریم یزدی است که بفارسی بر آن نگاشته، ولی نارسا و بدعبارت است.

آغاز: الحمدلله رب‌العالمین، والصلاة ... اما بعدفیقول‌العبد المسکین ... علی اکبربن عبدالکریم الیزدی که چون شرح الفیه مشهوراست بسیوطی کتابی‌است مطلوب...

انجام: وتشدید باء موحده وقت واول چیز. الشباب بالفتح جوانی.

نگارنده‌را نشناختم، وشایدشاگرد شیخ زین‌العابدین‌مازندرانی در کربلا باشد که در (۱۲۷۵ق) تقریرات درس وی‌را نگاشته است (ذریعه ج۴:ص۳۸۲).

[۱۲۵]

۹۲۵ نسخه بخط نسخ بد، نویسنده عبدالحسین پسرمحمد مهدی پسرحاج محمد اسماعیل پسرمحمد ابراهیم پسر عارف ربانی ... محمد صادق اردستانی پسرمحمد قاسم پسرمحمد مهدی پسر پیر کمال پسر پیرجمال (این‌نسب‌نامه دربرگ (۵۸ الف) دیده میشود) درتاریخ(۱۲۷۵ق) نوشته شده. نویسنده برخی حاشیه ها نیز بر

این کتاب نگاشته است. و درحاشیهٔ برگ(۴ـب) میگوید: (من‌استفادات ابی: محمد مهدی) ومهراو(عبده‌الراجی عبدالحسین)دربرگ(۱۰ ــ الف) دیده میشود. دربرگ (۱۷۶ـب) درپایان کتابروی‌نام نویسنده باخامهٔ‌دیگری افزوده‌شده: «وعبدالصالح» گویاعبدالحسین‌وعبدالصالح‌پسران محمدمهدی بوده‌اند وبدستورپدر درجوانی‌سرگرم نوشتن این‌نسخه شده‌اند. دربرگ (۱ ــ الف) نوشته شده: کتبه ابن‌جناب علامی آقا محمدمهدی: آقا عبدالحسین سلمه‌الله.

عنوانها تابرگ۱۴۸ شنگرف شده وپس ازآن سفید مانده است. تصحیح شده وافتادگیها درکرانهٔ رویه‌ها دیده میشود. بدرون جلد نوشته‌شده: مصالحه کرد ملا عبدالحسین...

(۱۷۶ رگ) کاغذفرنگی جلدمقوائی فرسوده.

اندازه: ۱۵×۳۱ و۱۵٫۳×۷٫۸، ۲۱سطر.

[۱۱۲] حاشیهٔ جرجانی بر مطول (معانی‌بیان‌عربی)

چنانکه در (ص۳۵۰) دیدیم «مفتاح‌العلوم» سکاکی (ز۵۵۵-۶۲۶) را خطیب‌قزوینی کوتاه کرده «تلخیص المفتاح» نامیده، ونزدیك صدحاشیه وشرح برتلخیص‌وشرحهای آن نگاشته شده،و یازدهمین آنها شرح بزرگی میباشد که تفتازانی(م۷۹۲)بنام«مطول»درتاریخ(۷۵۶)برای آن نگاشته‌است، وبراین‌شرح وحاشیه‌های آن نیز حاشیه‌های بسیار نگاشته شده، وچهل واندی از آنها در (ص۳۵۰-۳۵۵)یادشد. یکی از حاشیه‌های مطول که اکنون درآن گفتگوداریم حاشیهٔ میر سید سیدشریف جرجانی (م۸۱۶ق) است که گزارش زندگیش در (ص۳۴۶-۳۵۰) یادشد. این حاشیه که (۷۰۰۰ بیت‌نوشته) دارد نزد دانشمندان معروف‌وبحث گذارده‌شد، وحاشیه‌ها بر آن نگاشتند، وپنج حاشیهٔ آن درهمانجا یاد شد. حاشیهٔ میرسیدشریف در ۱۲۴۱ق و۱۲۸۹ق و ۱۳۱۰ق دراستانبول وچند بار نیزدرایران گاهی جداگانه و گاه در کرانهٔ مطول چاپ شده است.

آغاز: الحمدلله‌رب ... اما بعدفهذه حواشی علی‌الشرح المشهور لتلخیص المفتاح، کنت قدقیدتها علیه مجیلة‌خال‌ماقرئه علی‌بعض احبتی فسألونی بعدامد...

[۱۲٦]

۱۰۵٦ نسخه بخط نستعلیق باختری نزدیك بخط ترکی نویسنده محمدبن‌حاجی عمر، درتاریخ آخر رمضان ۸٦٤ نوشته‌شده‌بردفتری‌جادارد (برگ ۱ تا ۱۲۳) آنراگرفته وازآن جاتا (برگ ۱۹۹) حاشیهٔ خطایی را نوشته است. عنوانها درنیمهٔ دوم سفید مانده. افتادگیهارا در کرانه نوشته‌اند. و حاشیه‌ها نیز بامضای (خسرو) و(منه) دارد. در برگ ۲ و ۳ غزلهائی از (سید) نوشته شده‌است.

(۱۹۹برگ) کاغذ اخری رنك. جلدفرسوده بود توسط کتابخانه تجدیدشد. لیماج زردمتوالی صحافی فرنگی.

الدازه: ۱۱٫۸×۱۸ و۹٫۵×۱۴٫۵، ۱۹-۲۰ س.

[۱۱۳] حاشیهٔ خطایی (ختایی) برمطول (معانی - عربی)

یك حاشیه برمطول در (ص ۳۷۵) یاد شد، حاشیهٔ دیگر که در این کتابخانه هست نگارش ملازاده نظام‌الدین عثمان ختایی است، از گزارش زندگی این مرد چیزی دردست نیست، جز اینکه چلبی اورا بدین نام خوانده وتاریخ مرگ اورا (۹۰۱) آورده، ولیکن چون نسخهٔ شمارهٔ (۱۰۵٦) دانشگاه در (۸۷۱ق) نوشته شده ودر این تاریخ نویسندهٔ نسخه برای نگارنده (خطایی) از خدا آمرزش خواسته، دانسته میشود که خطایی پیش از این تاریخ مرده‌است، بویژه اینکه میگوید: واین حاشیه‌ایست که بخطائی نسبت میدهند، واز این عبارت برمیآید که روز گاردرازی ازمرگ ختایی میگذشته‌است. ومیتوان حدس زد که چلبی (۸۰۱) را بغلط (۹۰۱) نوشته است

و چون نام «خطای = ختای» در «معجم‌البلدان»، و نسبت «خطایی = ختایی» در انساب سمعانی نیامده ابن یوسف درفهرست سپهسالار (ج ۲ ص ٤۰٦) وپدرم درذریعه (ج ٦ ص ۷۰) گمان کرده‌اند این واژه غلط است وخطابی [خطاب] درست میباشد. ولی این گمان بیجا است وخطایی معرب ختایی، نسبت بشهر ختای ترکستان است (۱) وچندتن ازشاعران ایران «خطایی» تخلص داشته‌اند

(۱) نام این شهر وچگونگی جغرافیائی آن در کتاب نزهة‌القلوب مستوفی آمده، داستان ستیزهای وزیرخطایی ومیراحمد بناکتی دووزیر تولای قاآن (قلاقان) پسر تولی‌خان پسرهولاکو، وجنك این‌دو وزیر درشهرخطای در دستورالوزراء ص ۲٦۳-۲٦٦ آمده است.

شاه اسماعیل صفوی خطایی، وخطایی سمرقندی (۱) وخطایی سرایندهٔ «یوسف زلیخا» (۲) وخطایی یزدی (۳) وخطایی ایرانی ساکن گجرات (٤). باری این مرد یك حاشیه بر «مختصر» و یك حاشیه بر «مطول» (٥) دارد. حاشیهٔ «مختصر» تابخش «تعریف مسندالیه بضمیر» است یعنی فقط یك پنجم کتاب «مختصر» را گزارش داده ونزدیك (۲٥۰۰ بیت نوشته) دارد. ودر ۱۲٥٦ق و ۱۲٦٥ق و ۱۲۸٦ق در کلکته چاپ شده است، ولی از حاشیهٔ وی برمطول (جای گفتگو) فقط یك نسخهٔ درست بشمارهٔ (٥۷٥) در کتابخانهٔ «مروی» درتهران هست که درپیرامن سدهٔ دهم نوشته شده، ونسخهٔ دانشگاه (جای گفتگو) از آن کهنه‌تر ودرست‌تر است ودر (۸۷۱) نوشته‌شده، ولی از آغاز آن یك برگ افتاده است، وجز این دو نسخه از این کتاب درجائی سراغ ندارم. این حاشیه نزدیك (۳۸۰۰ بیت نوشته) دارد.

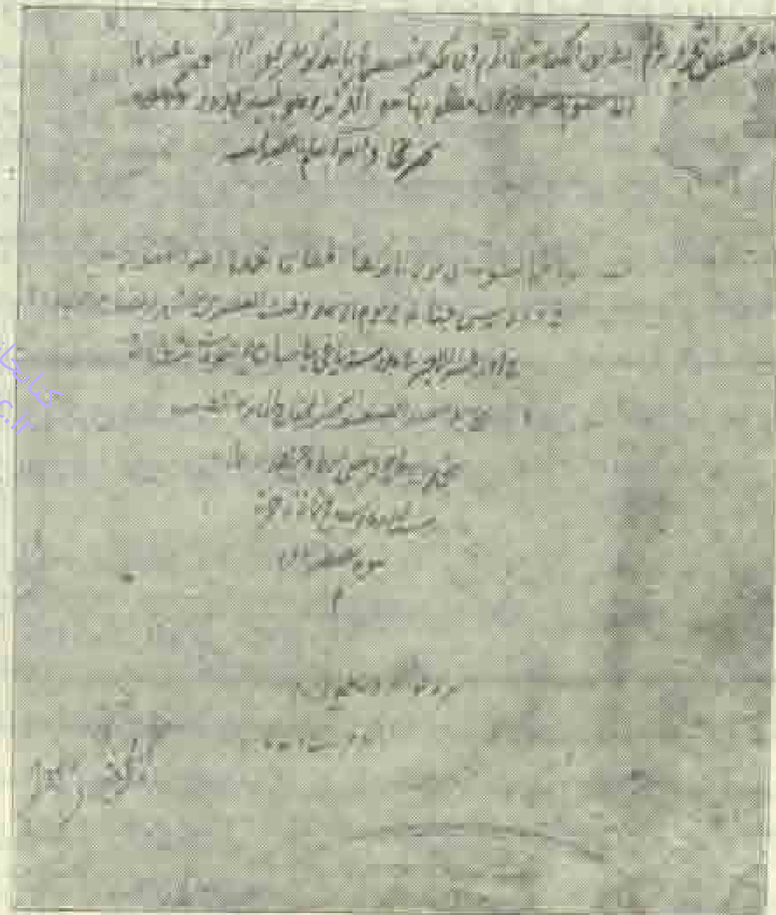
آغاز: (٦) عونك یا مستعان لك اللهم الحمد والمنة وعلی رسولك [الك] وآله واصحابه الصلاة والتحیة (قوله) افتتح کتابه بعد التیمن بالتسمیه ...

انجام: قوله: فان لفظة ماوان کان یعم المذکور. یعنی انه وان کان عاما لکن خصصه الحکم ... بطریق الکنایة لایلزم ان یکون تخصیصها بالمذکور بل یجوز ان یکون باعتبار ... ان مطلوبها هو المذکر وهو لیس بمذکور صریحا والله اعلم بالصواب. تمت الحواشی المنسوبة الی ...

(۱) مجالس النفائس ص ٤۷ و ۲۲۰.
(۲) دانشمندان آذربایجان ص ۱۳۷.
(۳) مجمع الفصحاء ج ۲ ص ۱۰۸.
(٤) صبح گلشن (ص ۱٥٦).
(٥) چنانکه در ص ۳٥۱ یادشد مختصر ومطول دوشرح‌اند که تفتازانی برتلخیص نگاشته است.
(٦) نسخهٔ دانشگاه آغاز ندارد. این عبارت از نسخهٔ مروی آورده شده، وچنانکه دیده میشود نادرستی دارد.

[۱۲۷]

۱۰۵۶ نسخه بخط نستعلیق باختری (نزدیك بخط ترکی) نویسنده محمد پسر حاجی عمر، در تاریخ هشتصد وهفتاد ویك (۸۷۱ ق) نوشته شده، و در این هنگام از مرگ نگارنده دیری گذشته بوده است، چنانکه میگوید : تمت الحواشی المنسوبة الی مولانازاده الخطایی تغمده الله الغفور بغفرانه فی فرادیس جنانه فی یوم الاحد وقت العصر من شهر رمضان المبارك فی اول عشر الاخیر فی مدرسة باغی باسان من التوقات صینت عن الآفات، علی ید العبد... سنة احدی وسبعین وثمانمائة هجریة مصطفویة .



(۱۷) برگ (۱۹۹ب) نسخهٔ ۱۰۵۶ دانشگاه

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

عنوانهارا سفید گذارده تاشنگرف گذارد ولی نتوانسته وسفید مانده است .

دردفتری جادارد. از برگ ۱۲۷ تا ۱۹۹ را گرفته وبیش از آن، حاشیهٔ میرسید شریف برمطول نوشته شده است. حاشیه‌ها بامضای (المولانااحمدالجیلانی) وچار بردی و(خلخالی) و(منه رحمه الله) دارد.

همه دفتر (۲۰۰ برگ) این کتاب (۷۶ برگ) کاغذ لخندی. جلد لوسط کاغذاله لجدیدشده تیماج زرد عنوالی :

اندازه : ۷×۵/۱۳ و ۱۳×۱۸ : ۱۹ تا ۲۱ سطر.

[۱۱٤] حاشیهٔ ملاعبدالله یزدی بر حاشیهٔ خطایی (معانی ـ عربی)

ملاعبدالله یزدی شهابادی پسر شهاب الدین حسین از دانشمندان ومدرسان ادب وعلوم کلاسیك سدهٔ دهم است. او ومیرزاجان باغنوی شیرازی و ملا احمد مقدس اردبیلی سه‌تن باهم نزد جمال الدین محمود شاگرد دوانی (م-۹۰۸ق) درس خوانده‌اند ولی اردبیلی براه فقه وزهد رفت ودوتن دیگر براه ادب گام برداشتند، حاشیه ها که این دوتن بر کتابهای کلاسیك روزگار خویش نگاشته‌اند تا چند صدسال درشمار کتابهای درسی بوده است وبیشتر آنها درذریعه (ج ٦) یاد شده است. مرگ ملاعبدالله در «احسن التواریخ» (۹۸۱ق) یادشده، ودر کشف الظنون بغلط (۱۰۱۵ق) آورده است.

یکی از نگارشهای ملاعبدالله این حاشیه است که بر حاشیهٔ خطایی بر مختصر نگاشته وچون خطایی فقط تاباب «تعریف مسندالیه بضمیر» از کتاب «مختصر» را حاشیه نگاشته، ملانیز بهمین بخش بسنده کرده وبدیگر بابهای مختصر کاری نداشته است. همهٔ این حاشیه (۳۰۰۰ بیت نوشته) دارد. وچنانکه خود درپایان گوید : در (۱۷ ذیحجه ۹۶۲ق) در مدرسهٔ منصوریهٔ شیراز پایان یافته است.

آغاز: حمداً لمن خلق الانسان وعلمه البیان وشکراً لمن ... وآله مصابیح العرفان ومفاتیح الفرقان . قوله : نحمدك اللهم. الاصل یاالله . حذف ...

انجام: اما فی تفسیرالاول واما فی تفسیرالثانی حتی لایفوت ذلك الحق.

هذا والمرجو من الله حسن الخاتمة ... وقد اتفق الفراغ عن تعليق ما وسعه المجال ...

[۱۲۸]

۹۷۵ نسخه بخط نستعلیق. نام نویسنده در پایان کتاب نیامده. و در برگ (۱-ب) درسر آغاز نوشته شده: «هذا الکتاب حاشیه ملاعبدالله علی حاشیة الخطائی بخطه» پس باید بخامهٔ خود نگارنده؛ ملاعبدالله یزدی باشد؛ ولی در این نسبت سخت تردید است. چه در برگ (۱٤-ب) حاشیه‌یی بخامهٔ متن دیده می‌شود که امضای آن «منه رحمه الله» است. و باز باهمین خامه در برگ (٤٦ب) حاشیه بامضای محمد ابراهیم هست. نسخه تصحیح شده و افتادگیهادر کرانه‌رویه‌ها دیده می‌شود. در پشت برگ (۱-الف) یادداشت مالکیت سید حسین پسر محمد نصیر حسینی در اصفهان سال ۱۱۷۹، و سید ابوالقاسم موسوی شهیر بسید آقا، و مهر کتابخانه شیخ العراقین دیده می‌شود. و در (گ ۱-ب) یادداشت عبدالنبی پسر محمد رفیع مازندرانی هست.

عنوانها با شنگرف است.

(۷٦ ر ۳ س) کاغذ ازهٔ قنداقی. جلد تیماج حنائی متوالی مدروی تیماج سبز.

اندازه: ۹×۱٦ و ۵×۱۰٫۸ : ۱۷ سطر

[۱۱۵] حل المعضلات (عروض-عربی)

درعلم عروض وقافیه، نگارنده آنرا برای خود نگاشته یک دیباچه و دو بخش و یک خاتمه دارد. در دیباچه گوید چون استاد عبدالکریم کتابچه کوتاهی دراین مسئله نگاشت کسی ازمن خواست اندکی باز تر کتابی سازم.

آغاز: الحمدلله الذی اکمل صنع مکنوناته، واصبغ نعمته علی بریاته ...

انجام: فکتبت هذا المختصر واثبت فیه ما علی الضمیر القاصر خطر ...

در پایان کتاب، تاریخ نگارش آنرا، دوشنبه جمادی دوم سال ۱۲۷۰ق آورده است.

نگارنده: میرزا رفیع الدین نظام العلماء پسر میرزا علی اصغر پسر میرزا رفیع پسر میرزا ابوطالب وزیر پسر میرزا سلیم نائب الصدارة طباطبائی تبریزی است. او در خاندان اشراقی در (۱۲۵۰ق) بزاد، و در (۱۳۲٦ق) درگذشت از کودکی دانش آموخت و در شانزده سالگی (۱۲٦٦ق) کتاب «ترجمة الادبیه» را(۱) و در

(۱) ذریعه ٤: ۷٦.

بیست سالگی حل المعضلات (جای گفتگو) را بنگاشت، و در آغاز آن خود را بنام محمد رفیع پسر علی اصغر تبریزی خواند ولی در آغاز سدهٔ چهاردهم او از دانشمندان بنام بود، و لقب نظام العلماء گرفت، و نسب خود را در پایان کتاب مجالس نظامیه، بسید علی شاعر پسر محمد پسر احمد پسر محمد پسر احمد رئیس پسر ابراهیم طباطبا میرساند.

آثار او: آداب الملوك، چ ۱۳۲۰ق، اسرار الشهاده. چ - انیس الادباء چ ۱۳۱۵ق تحفة الامثال چ ۱۳۱۱ق، التحقیقات العلویه، ترجمة الادب چ، تشریح التقویم، جواهر الاخبار، مجالس نظامیه، چ ۱۳۱۹ق، مقالات نظامیه چ. گزارش زندگی وفهرست نگارشهای دیگر خود را در این دو کتاب که در پایان زندگی نگاشته، آورده، و از آن در ذریعه نقل شده است.

[۱۲۹]

۲۲۹ نسخه بخط نسخ. نویسنده مهدی پسر علی نقی، در تاریخ (رجب-۱۲۷۵ق) پنج سال پس از نگارش بدستور نگارنده و بانظر او نوشته شده و مهر او در پایان آن نهاده شده است. عنوانها باشنگرف و همهٔ رویه‌ها بازر و شنگرف است. لازورد جدول بندی شده است. دائره‌های بحرهای عروضی را باشنگرف وسیله کشیده نسخه تصحیح شده دارای حاشیه‌هائیست که گویا بخامهٔ نگارنده باشد.

(۳۰ بر ۳ س) کاغذ جلد تیماج مشکی یکلا.

اندازه: ۱۱×۱۷

[۱۱٦] حلیة الحلل (معما، فارسی)

درهنر معماسازی، نگارش عبدالرحمان جامی است که اندکی از گزارش زندگیش در (ص ۱۸٦) یادشد.

وی آنرا بسال (۸۵٦ق) بنام میرزا ابوالقاسم بابر(۱) در سی و نه سالگی نگاشته است. این کتاب کهن‌ترین نگارشهای جامی و بزرگتر از سه کتاب دیگر اوست

(۱) پادشاه هرات وخراسان (م-۸٦۱ق) که خود نیز شعر میسرود، و بابر تخلص میکرد (مرآت الخیال ص ٦۹).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

که در بارهٔ این فن نگاشته. وی این کتاب‌را دربرابر «حلل مطرز در معما ولغز» از ملاشرف‌الدین‌علی‌یزدی(م-٨٥٨ق) نگاشت.ودرآن کتاب‌او را نیزستوده‌است. این کتاب یک «افسر» وسه‌چهار «عقد»دارد، وهریک دارای چند «سمط» میباشد. و برای نام بخشهای کتاب نامها واصطلاحهای گوهر فروشان رابکاربرده‌است.

آغاز: بعد از گشایش مقال بستایش خجسته مآل ذاتی که معمای حقیقت

انجام: تمام‌شد تسوید این‌بیاض ... بردست ... عبدالرحمان‌بن احمدجامی... لسنة ست‌وخمسین‌وثمانمایة.

معماهای دیگرجامی در (حرف‌د) بعنوان دستورمعمایاد خواهدشد:

[١٣٠]

١٠٤ این نسخه دردفتریست که بعنوان کلیات جای یاد شد. ازروبهٔ (١٤٩١) تاروبهٔ(١٦١٧) آنرا گرفته. خط نستعلیق. نویسنده محمد باقر پسرحاج محمد شریفی. درتاریخ ٩٦٢تا٩٦٦ نوشته شده است. دیگرخصوصیات این نسخه در (ص١٩١-١٩٢) یادشده است:

[١٢٧] الحلل فی شرح ابیات الجمل (نحو-عربی)

دو کتاب درنحوعربی «الجمل» نام دارد. یکی ازعبدالقاهر جرجانی(م-٤٧٤ق) ودیگری از ابوالقاسم عبدالرحمان پسراسحاق زجاجی (م-٣٣٩ق) و این دو کتاب به «جمل‌جرجانی» و«جمل‌زجاجی» نامبردار گردیده‌اند ودرسکویان‌علوم ادبی، برهریک شرحها، حاشیه‌هاو گزارشها نگاشته وپیرایه‌ها بسته‌اند. چلبی در کشف‌الظنون‌یازده‌شرح برای «جمل‌جرجانی»و٤٢شرح برای «جمل‌زجاجی»(١)

---

١) کسان زیر «جمل زجاجی» راگزارش داده‌اند:

١) ابوالقاسم حسین پسرولید معروف بابن عریف طلیطلی (م-٣٩٠).

٢) ابوالفتوح ثابت پسرمحمد جرجانی اندلسی (م-٤٣١ق).

٣) خلف پسر فتح قبیمی مشکلات آنرا گزارش داده.

٤) ابوالعلاء احمد پسرعبدالله معری (م-٤٤٩ ق) شعرهای گواهی او را گزارش

بقیهٔ حاشیه در صفحهٔ بعد

یاد کرده‌است. یکی از کسانیکه برجمل‌زجاجی‌شرح نگاشته؛ ابن‌سیدبطلیوسی میباشد، وی ابومحمد عبدالله پسرمحمد پسرحسن بطلیوسی بلنسی، فقیه مالکی است که در بطلیوس(٢) از شهرهای اندلس (اسپانیا) در (٤٤٤ق) بزاد و در

مانده از صفحهٔ پیش:

داده «عون الجمل» نامیده است

٥ - طاهر پسر احمد معروف بابن بابشاذ نحوی(م٤٥٤ق).

٦ - اعلم شنتمری، ابوحجاج یوسف پسرسلیمان نحوی (م٤٧٦ق).

٧و٨ - ابن‌سید بطلیوسی (م-٥٢١ق) (جای گفتگو) دو کتاب دارد.

٩ - ابوالحسن علی پسراحمد پسرباذش غرناطی نحوی (م٥٢٨ق).

١٠ - ابوعبدالله محمد پسرعلی پسرحمیدهٔ حلبی (م-٥٥٠ق).

١١ - ابوالعباس احمد پسرعبدالجلیل تدمری (م-٥٥٥ق).

١٢- ابن‌خشاب،عبدالله‌پسراحمد بغدادی نحوی(م٥٦٧ق)ابن‌بابشاذراپاسخ‌نگاشته.

١٣و١٤ - ابوبکر محمد پسرعبدالله عبقری قرطبی (م-٥٦٧ق) سیوطی گفته است: این‌مرد دوشرح (بزرگ‌وکوچک) برجمل نگاشته، ومن‌ندانستم برجمل جرجانی یا زجاجی نگاشته است (کشف‌الظنون).

١٥ - ابوالقاسم عبدالرحمان پسرعبدالله سهیلی (م-٥٨١) شرحی ناتمام نگاشته.

١٦ - علی پسرقاسم پسردقاق اشبیلی (م-٦٠٥ق).

١٧- علی پسرعبدالله وهرانی(م٦١٥ق) شعرهای گواهی آنرا گزارش نگاشته.

١٨ - ابوموسی، عیسی پسرعبدالعزیز جزولی نحوی(م-٦٧٧ق) حاشیه‌یی بر جمل دارد.

١٩ - ابوعلی، حسن پسرعبدالعزیز فهری بلنسی (م-٦٧٩ق).

٢٠ - علی پسرمحمد پسرصائغ کتانی (م-٦٨٠ق).

٢١ - قاسم پسرمحمد واسطی

٢٢- ابواسحاق؛ ابراهیم پسراحمدغافقی(م-٧١٠ق) گزارشی بزرگ نگاشته.

٢٣ - ابن‌هشام، جمال‌الدین عبدالله پسریوسف (م-٧٦٢ق) او نیز شواهد آنرا شرح کرده است:

---

٢٤ - محمد پسرعلی‌شامی غرناطی (م-٨١٥ق).

(١) سید مانند عید بمعنی گرگ باشد.

(٢) اکنون Badajoy نامیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

بلنسیه(١) در نیمهٔ رجب (٥٢١ق) در گذشت. در بلنسیه زندگی میکرد و درس میگفت و بخوش بیانی معروف بود. مستعین پسر هود(٢) واستایش سرود. و یک بار شاه براو خشمگین گشته، دارائیش را بغارت داده است(٣) اورا برادری بنام ابوالحسن علی بن سید معروف بحیطال از دانشمندان بود ودر (٤٨٨ ق) در دژ «رماح» درزندان در گذشت.

آثار وی : ١- المثلث: واژهها که سه گونه خوانده شود؛ ١٢٢ واژه با یك معنی و ٦٨٠ واژه بامعنیهای گوناگون در آن یادشده، وازمثلث قطرب بهتراست.

٢ - الاقتضاب فی شرح ادب الکتاب ابن قتیبه ج. مصر؛

٣ - شرح سقط الزند دیوان ابوالعلاء معری و آن بهتر از شرح خود ابوالعلاء است که «ضوء السقط» نام دارد.

٤ - کتاب پنج حرف «سین، صاد، ضاد، طاء، دال» در تفسیر واژههای دشوار

٥ - الخلل الواقع فی الجمل درشرح جمل زجاجی.

٦ - الحلل فی شرح ابیات الجمل (جای گفتگو).

٧ - شرح جمل جرجانی.

٨ - التنبیه دراسباب اختلاف میان مسلمانان که بنام الانصاف فی التنبیه علی الاسباب. درمصر چاپ شده.

٩ - شرح الموطاء.

١٠ - شرح دیوان متنبی.

١١ - المسائل المنثورة در نحو. چلبی در کشف الظنون یك شرح بر جمل جرجانی ویکی بر جمل زجاجی ویك شرح شواهد جمل (جای گفتگو) باو نسبت داده است روش او در این کتاب چنین است که شعر یرا که در جمل بگواه آمده تفسیر میکند و شعر پیش وشعر پس از آن را و گاه همهٔ چکامه را میآورد وهمهٔ آن را شرح میکند وبدرازا میکشاند چنانکه در گزارش شعر زیر:

---

(١) اکنون . Valenle نامیده شود.

(٢) احمد پسر یوسف ملقب به مستعین دوم (ش ٤٧٨ تا ٥٠٣) هفتمین پادشاه سلسلهٔ تجیبی هودی که از ٤١٠ تا ٥٣٦ ق در سرقسطه Zaragoza اسپانیا حکومت کردند.

(٣) معجم المطبوعات ص ٥٦٩ بنقل از دیباچهٔ المثلث نسخهٔ دست نویس.

سامضی للذی قالوا بعزم و لاأبغی لذلکم قداحا

داستان استخارهٔ عرب را باقدحها که بر آن «افعل = بکن» و «لاتفعل = نکن» نوشته بود آورده است (برگ ٧٧ - ب نسخهٔ ٤٠٢ دانشگاه).

آغاز: الحمدلله الذی علمنا مالم نکن نعلم وفضلنا ... قال ابومحمد عبدالله ابن محمد بن الحسن [بن السید(١)] البطلیوسی رحمه الله: لما فرغت من الکلام فی [اصلاح(٢)] الخلل الواقع فی کتاب الجمل اردت ان اتبع ذلك الکلام فی اعراب ابیاته ومعانیها ومایحضر فی من اسماء قائلیها. وغرضی ان اصل بکل بیت منها مایصل به لیکون ابین لغرض قایله ومذهبه ...

انجام: ولم یذ کرانه للفرزدق ولم اجد هذا البیت فیما طالعت من شعر الفرزدق فاقف منه علی حقیقته . تم الکتاب بحمدالله ...

[١٣١]

٢٠٤ نسخه بخط نسخ نزدیك بثلث سدهٔ ششم، نام نویسنده ندارد . در کنار (پائین دست چپ) برگ (٨٢ - ب) تاریخ (٥٢٦) دیده میشود. عنوانها و شمرها را با خامهٔ ثلث ودرشت وسیاه نوشته، شعرهای جمل را درشت تر ودرسراسر سطر وشرح آنها را زیر تر نوشته است . عنوانها را باشنگرف نیز آمیخته است. در سده های پسین تصحیح شده و افتادگیها در کرانه نوشته شده ، و حاشیه های نوینی بامضای (صدرالدین موسوی) بر آن نوشتهاند. روی برگ (١-الف) نوشته شده: «من کتب مولانا المتوکل علی الله رحمه الله التی لارسم فیها ، ولها حکم ذکره فی وصیته»، صدر الافاضل (دارندهٔ پیشین نسخه) زیر آن چنین نوشته:

«شاید مقصود احمد بن سلیمان بن محمد بن مطهر بن علی بن ناصر بن هادی ملقب بمتوکل «از ائمهٔ زیدیه باشد، که وفات اورا ٥٥٦ نوشتهاند».

(٨٢ برگ) کاغذ نخودی، جلد مقوا، رویه ابری له پارچه زرد.

اندازه: ١٨×٢٤ و ١١×١٨ ، ٢٠ سطر

---

(١) این واژه در کرانهٔ رویه افزوده شده است.

(٢) این واژ نیز در کرانه افزوده شده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

[۱۱۸] حمد و شکر (رسالة...) (عربی)

کتابچه‌ایست درمعنی دو واژهٔ حمد وشکر وجدائی آنها درلغت ونسبت‌میان آنها دراصطلاح فلسفی. نگارنده: شناخته نشد و شاید همان نگارندهٔ تبصرة الصبیان باشد که‌در(ص۳٤۰)یادشد.

آغاز: الحمد لواهب العطایا والجود والشکرله... وبعد فهذه‌فواید متعلقةعلی تحقیق معنی الحمدوالشکر ..

انجام: واذا اردت الاطلاع علیها بالسهولة فعلیك بالنظر الی هذه الدائرة ختم‌الله لنا بالحسنی ..

ودراینجا نویسنده چنین افزوده است: دائره را حقیر ندیدم ودر نسخهٔاصل نبود. همه کتابچه (٦۰بیت نوشته) دارد.

[۱۳۲]

۱۸۰ نسخه خط نستعلیق. دردفتری جا دارد. برگهای (۵۲و۵۳) را گرفته است. دیگر خصوصیات نسخه در(ص۳٤۰) آمده است.

[۱۱۹] الخلاصة (نحو-عربی)

کتابچه‌ایست منظوم ببحر رجز عربی که‌وزن آن سه‌مستفعلن میباشد، دردستور زبان‌عرب وچون‌هزار بیت‌شعر داردآن را «الفیه» نامیده‌اند. سراینده: جمال‌الدین ابوعبدالله محمد پسرعبدالله طائی جیانی معروف بابن‌مالك است، که در(٦۰۰ق) دردمشق بزاد، ونزد سخاوی وحسن پسرصباح وابن عربی ونووی علم‌آموخت ودرهمین شهر بسال(٦۷۲ق) درگذشت و درصالحیه بخاکش سپردند. گزارش زندگی‌اودرفوات‌الوفیات، طبقات‌سبکی، المنهل‌الصافی، بغیةالوعاة، نفح‌الطیب شذرات‌الذهب، روضات‌الجنات مفتاح‌السعاده، تاریخ اداب‌اللغة جرجی زیدان دیده میشود. دربغیةالوعات ۳۳ نگارش بمونسبت داده ودرمعجم‌المطبوعات‌نام ۲۸تای آنها را در یك شعر آورده که ٦ تای آنها چاپ شده است وجرجی‌زیدان

نسخهٔسیزده‌تای آنرا نشان میدهد. یکی ازمشهورترین کتابهای اوالفیه است که مدتها درهمهٔ خاورمیانه کتاب درسی بوده ونزدیك‌صد شرح وحاشیه برآن وبر شرحها وحاشیه‌هایش نگاشته شده‌است. وخودابن‌مالك نیزشرحی برآن‌نگاشته، بنامترین‌شرحها، از آن ابن‌ناظم، وسیوطی(۱)وابن‌عقیل‌وابن‌هشام است(۲)نام شرحهاوشرح‌نگاران در کشف‌الظنون، وروضات دنبال‌نام «ابن‌ناظم»(ص۲۰۳) وذریعه (ج٦) یاد شده است.

آغاز: قال محمد هو ابن مالك   احمد ربی‌الله خیر مالك.

انجام: وآله‌الغرالکرام البررة   و صحبه المنتجبین الخیرة

از هزار بیت این کتاب ۹۱۳ بیت درنحو و۸۷ بیت درصرف است.

چاپهای الفیه: بولاق۱۲۵۱و۱۲۵۳در۵۳ص «مدارس» چ‌سنگی۱۲۹۰، چ «محمد ابوزید» بامنظومهٔ عبدالله شبراوی۱۳۰٦ در۸۸ص، وهمانجا ۱۳۰۷در ۷٤ص، چ «بارونیه» ۱۳۰۸، چ«حسنیه» ۱۳۲۵، چ «میمنیه» مکررهمراه مجموعه درسالهای ۱۸٦۳م و۱۸٦٤م و۱۸۷۸م. چ باشرح سیلوستردوساسی درپاریس ۱۸۳۳م چ باترجمه فرانسه دراستانبول(قسطنطنیه)۱۸۸۷م، چ باترجمه ایتالیائی ازوتو(۳) کنسول ایتالیادربیروت۱۸۹۸م، چ باشرح گوگیه(٤)فرانسوی،بیروت ۱۸۸۸م (۳۵۳ص). چ بولاق باشرح عبدالمجیدشرتونی ۱۳۱۹ ق.

[۱۳۳]

٥۲۱ این نسخه تنها نیست بلکه درضمن شرح مرادی براین کتاب است که خصوصیات آن در (حرف‌ش) این‌فهرست خواهد آمد.

[۱۲۰] دستور شعرا (عروض-فارسی)

کتابچه‌ایست درعلم شعر،بریك پیشگفتار وسه گفتار (مقاله) ویك خاتمه

(۱) ص ۳۷۱ و ۳۷٤ دیده شود.

(۲) ص ۳٤٤ ـ ۳٤۵ دیده شود.

(۳) E. vitto

(٤) A. Goguger خاورشناس (م ۱۸۸۷م).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

بسیج شده است. پیشگفتار در تعریف شعر و شاعر، گفتار یکم علم عروض، گفتار دوم قافیه، سوم بدیع، خاتمه در دزدیهای شعری. نگارنده: اَمانی مازندرانی، ملامحمد یکی از شاعران سدهٔ یازدهم است که سترپروان مرگ او را در (۱۰۶۱ ق) دانسته(۱) است، وی این کتابرا در (۱۰٤۸ ق) در اصفهان بنام شمس الملة والدولة والدین میرزا محمد تقی نگاشته و در دیباچه اورا صاحب السیف والقلم و دستور اعاظم الوزراء فی العالم خوانده است. و در اینجا نام خود و نام کتاب و فهرست آنرا نیز یاد کرده است.

آغاز: ستایش وافر، کاملی را سزد که بارگاه سپهر نیلی چهر را(۲) ...

انجام: چنانکه دانستی، و از جملهٔ سرقات نیستند. تمت الکتاب بعون الملک الوهاب فی تاریخ سنة ثمان واربعین بعد الالف من... فی مدرسة من مدارس اصفهان...

[۱۳٤]

نسخه بخط نستعلیق زیبا. نام نویسنده و تاریخ ندارد. لیکن پیداست که

۱۲۷ بدستور نگارنده برای پیش کش بمحمدتقی که کتاب را برای وی نگاشته نوشته شده است. و بنابراین در نیمهٔ سدهٔ یازدهم نوشته شده. همهٔ رویه‌ها لاژورد و زر جدول بندی شده. آغاز نسخه افتاده. آغاز آنچه هست: خاطر قریب و غریب مخترع و منشا کل آسمان ... اما بعد چنین گوید فقیر حقیر جانی محمد مازندرانی المتخلص باماتی که در زمانی که این کمینه بتحصیل علوم ...

عنوانها باشنگرف، روی عنوانهای درجهٔ دوم خط شنگرفی کشیده، دایره عروض نیز باشنگرف است.

(۱۱۵ برگ) کاغذ ترمه نخدی. جلد تیماج سیز مقوائی.
الدارة: ۹×۵ر۱۹ و ۵×۵ر۱۲، ۱۴ سطر.

[۱۲۱] دستور اللغة (عربی و فارسی)

در این کتاب یکدورهٔ از آنچه برای دانستن زبان عرب در سدهٔ پنجم لازم بوده

(۱) تاریخ ادبیات براون ج٤-ص۱٦۷ و ۱۷۲.

(۲) از آغاز نسخه دانشگاه یك برگ افتاده است، و این آغاز را ذریعه از روی نسخهٔ رضوی آورده است. ذریعه ج۸ ص۱٦۱ و فهرست مجلس (۳: ۱۲٦) دیده شود.

گرد آمده است. خود کتاب در لغت عرب است و یك پیش گفتار و یك پایان نامه در دستورهای نحو و صرف زبان عربی دارد. گفتارها بیشتر بعربی است ولی برخی از واژه‌ها را بزبان فارسی گزارش داده. در بخشهای دستوری بسیاری از قاعده‌ها را در جدولها نگاشته تا از برداشتن آنها آسان گردد. بخش لغت بشمارهٔ حرفهای الفباء بیست و هشت کتاب و هر کتاب دوازده باب دارد. نام کتاب در پایان دیباچه در (برگ ۳٦- الف) نسخهٔ ۱٤ دانشگاه «الخلاص» آمده و چند بیت دربارهٔ آن سروده که آغاز آن چنین است:

کتاب الخلاص کتاب بـه   خلاص النطنزی یوم الحساب

ولی چون در آغاز دیباچه آنرا بدستور اللغه موصوف داشته، نزد مردم بدین لقب نامبردار گشته است پس از پایان ۲۸ کتاب لغتنامه، نام ماهها و روزهای هفته و قانونهای دستوری آورده است(۱) همهٔ این کتاب (۷۵۰۰ بیت نوشته) دارد.

آغاز: الحمدلله الذی ابدع العالم بقدرته و خص بنی آدم... و بعد فهذا دستور اللغة العربیة ... حررها الشیخ الادیب ... النطنزی ... لمجلس فلان (۲) خاصة وللمسلمین عامة. وقال قسمته علی ثمانیة وعشرین کتاباً ... و کل کتاب اثنا عشر باباً وفسرت بعضها بالعجمیة الظاهرة وبعضها بالعربیة السائرة ...

و پس از پایان پیش گفتار در (گ ۳٦- الف) گوید: وسمیته بکتاب الخلاص لخلاصه من کل لفظ و کلام معتاص ...

انجام: گرچه زخاك دست نطنزی شود تباه
یك چند یادگار بود زو خط سیاه

(۱) دربارهٔ حرفها که ویژهٔ زبان فارسی است شش حرف: پ. ج. ژ. گ. ف. خو. را برشمرده است.

(۲) در نسخهٔ سپهسالار بجای فلان چنین آمده: للمجلس الشریف النظامی لازال قصر عمره عامراً... و در فهرست دار الکتب العربیه مصر ج۲- ص۱۳ گوید: الفه لمجلس الاجل جمال الملك النظامی، ابن یوسف در فهرست سپهسالار از این دو نسخه چنین دانسته که نطنزی کتابرا برای خواجه نظام الملك (م ٤۸۵ ق) نگاشته است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آنکس که این بخواند اورا دعا کند

یـا ربِ عفو کنش بقیامت همه گناه

نگارنده : بدیع الزمان ابوعبدالله حسین بن ابراهیم نطنزی(م۴۹۷ ق)(۱) وچون بدوزبان تازی وپارسی شعرمیسرود ونثرمینگاشت اورا ذوالسانین لقب دادند . چندبیت ازشعروی دربغیةالوعاة سیوطی آمده‌بود در کتاب دستوراللغه‌نیز بیتهائی که خود دربارهٔ دستورهای زبان سروده آورده است. سیوطی در بغیة ص۲۳۱ گوید کتابها درادب‌دارد، ولی نام‌هیچیك نیاورد. اعتصام‌زاده درفهرست مجلس ص۲۷۲-۲۷۴ کتابی بنام «مرقاة» بدونسبت داده است .

نسخه‌های دستوراللغة

I نسخهٔ فخرالدین نصیری، دررجب۵۷٤ دراردبیل نوشته‌شده ودراین‌هنگام نگارنده زنده بوده است .

II نسخهٔ دهخدا که در۲٤شعبان۵۹۲ نوشته شده وپیش ازدهخدابدست فرهاد میرزاوسپس بدست لطفعلی صدرالافاضل بوده است .

III نسخهٔ کتابخانهٔ خوانساری درنجف در۹٦۵ نوشته شده .

IV نسخهٔ شمارهٔ ۱٤۰ دانشگاه(جای گفتگو) که در۱۰۰۲ نوشته‌شده

V نسخهٔ سپهسالار که در۱۲٦۲ق نوشته شده .

VI نسخهٔ مجلس که در(...) نوشته شده است .

VII در کتابخانهٔ دارالکتب‌العربیهٔ مصرنیز نسخه‌یی هست .

[۱۳۵]

۱٤۰ نسخه بخط نسخ نزدیك بنستعلیق . نویسنده شجم پسرملا خواجه‌خواص، درتاریخ ۲۳ شعبان ۱۰۰۲ نوشتن آن پایان‌یافته، برخی عنوانها باشنگرف وروی دیگران خط شنگرفی کشیده، فاصله‌ها همه باشنگرف است. حاشیه‌ها باامضای

(۱) چنین است در انساب سمعانی (م۵٦۳ق) ولی سیوطی (م۹۱۱ق) در بغیةالوعاة پس از نقل این تاریخ از ابن‌خاتمه ، گوید: ولی اودرجمادی دوم‌سال٤۹۹ق درگذشت ، وچلبی نیز گفته سیوطی‌را پذیرفته است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

(نشهدی) و (برهان) و (مهذب) و (صحاح) و (ورق) و (کنز) و (مصباح‌المنیر) و (قاموس) دارد، پشت برگ یکم شعری درجدائی دال وذال وچیزهای دگر نوشته شده. کتاب‌در برگ۲۲۵ پایان یافته ودربرگ۲۲٦ پند واندرز نوشته شده .

(۲۲٦برگ) کاغذ قندی‌رنگ . جلد تیماج مشکی مقوائی فرسوده .
اندازه: ص۱۹٫۵×۱۳ و ص۱۴×۸٫۵ — ۱۸سطر .

[۱۲۲] دستور معما دوم(۱) جامی (چیستان فارسی)

چیستان(احجیه، معما، لغز)نوعی واژه‌بازی است . که‌برای سنجش‌هوش مردم بکارمیبردهاند، چنانکه در یك عبارت جزمعنی آشکار وسادهٔ آن ، معنی دیگری پیچیده ، وفهم آنرا بوسیله قاعده های ویژه، ازشنونده میخواستند .

الف ـ احجیه: در آغاز، اینگونه پرسشها فقط درعلوم ادبی ودستورهای زبان عرب بکارمیرفت، واژه‌هائیرا که بظاهر بادستورصرف آن زبان ناساز گار بود، وجمله‌هائیرا که بادستورنحو عرب سازش نداشت میپرسیدند، وبا یافتن راه حل وپاسخ درست شنونده‌را می‌آزمودند، وآنرا احجیه‌می نامیده‌اند،و کتابهادر بارهٔ آن نگاشتند . یکی از آنها بنام «تنویر الدیاجی» در(ص۳۵۵) یاد گردید(۲) .

ب ـ لغز: ولی ازسدهٔ نهم ببعد، مردم که بباطنی گری عادت کرده‌بودند ازمعنیها آنچه‌را که پیچیده‌تر وپنهان‌تردرجمله بودمقدس‌تر و گرامی‌ترمیداشتند، وازعبارتها هرچه را گنگ‌تر ونارساتر میبود محترم ترمیشمردند . وازاین روی عبارتهای دوروی وتفسیرپذیر وقابل تأویل‌رواج بسزا گرفت، ادیبان ازیک‌جمله جزمعنی آشکار آن، معنی دیگری بوسیلهٔ قرینه ونشانها میخواستند و گاه یک معنی درجهٔ دوم بسنده نکرده معنی سوم و چهارم و ... از همان جمله بیرون میآوردند. وچه بسیارخوشنود میشدند اگربرای جملهٔ خویش مانند قرآن‌هفت بطن میتراشیدند .

(۱) نخستین دستورمعمای جامی درص۳۸۱ بعنوان حلیة‌الحلل یادشد.

(۲) شیخ بهائی نیز احجیه‌هائی برای نحوعربی دارد که چون سادگی احجیه‌های باستانی نبود وبلغزهای پیچیدهٔ روز گاراو بیشتر مانند است،آنرا لغز نامید وماآنرا در(حرف‌لام) خواهیم آورد .

ج- معما: وچون حروفیان سدهٔ هفتم پس حرفها و نامهارا دارای اثر میپنداشتند وبزرگترین نامهای خدا «اسم اعظم» رادارای تأثیر نامحدود میشمردند وهمواره برای یافتن آن درمیان جمله‌های دعاها وحرفها وواژه‌ها درجستجو بودند، اندك اندك برای بیرون کشیدن یك نام ازجمله قانونها ساخته، وبدین ترتیب دستورهای معماسازی پدیدار گشت. وچون این قانونها بدست ادیبان غیرازدستهٔ حروفیان افتاد آنهارا تکمیل کرده و درادبیات غیرمذهبی بکاربردند چنانکه نام معشوق ویا ممدوح خودرا بادستورهای مخصوص درشعری میگنجانیدند. واین کاررا بآنجا رسانیدند که شریف معمائی درتفسیر یك شعر:

ازقدوابرو بدیدآن ماه‌چهر　　　　موج آب دیده‌ام بالای مهر

که خود ساخته بود، یك کتاب نگاشت وهزارنام ازاین شعربیرون آورد، و آنرا در(۹۰۸ق) در یك دیباچه وبیست وهشت گفتار ویك پایان‌نامه بسیج کرد. ودربارهٔ آن خودچنین سرود:

بیتی کـه یك کتاب بود در بیـان او
معلوم نیست گفته کسی غیراین ضعیف
کرده شریف تعمیه در وی هزار نـام
زانرو ملقبست بـه « الفیة الشریف »

جدائی معما ازلغز:

ازآنچه گفتیم دانسته میشود که: اگر از چیستان پدیده‌یی بخواهند که خود بخودباشد آنرا لغزدانند(۱) واگر نام‌چیزی یا کسی خواسته‌شود معمایش نامند(۲) معماسازی درسدهٔ نهم رواج بسیار گرفت بیشترشاعران آن روز کار معماهای بسیارسروده ومعماهای دیگرانرا بررسی کرده، قانون ودستورهابرای اینکار کرد

(۱) چلبی دربارهٔ لغز گوید: ان یکون المراد من الالفاظ، الذوات الموجودة فی الخارج.
(۲) درآغاز کتابهای جامی ومیرحسین، معمارا چنین تعریف کرده‌اند: معما کلامیست که دال باشد براسمی ازاسما بطریق رمز وعدم اشتراط نظم بنابرآنست که درنثرنیز واقع است ... ولی برخی منظوم بودن‌را نیزشرط کرده‌اند.

آوردند. چلبی در (حرف م) کشف‌الظنون چندتن ازمعماسازان را یاد کرده ومن آنها را باآنچه درتذکره‌ها دیده‌ام اینجا میآورم:

- علی کر: کتابچه یی در معما داشته، و سرودی آنرا در (۹۵۵ ق) بترکی شرح کرده است.

- میرحسین معمائی: شاگرد جامی، که دو شرح بردستور معمای او در این کتابخانه هست وخواهد یادشد.

- جامی: (م۸۹۸ق) چهار کتابچه درمعمی دارد. (جای گفتگو)

- شفیعی: ضیاءالدین اردوبادی دستورمعمای میرحسین‌را شرح کرد(۱)

- صابولی: عبدالوهاب، نیزمعمای میرحسین‌را شرح کرد. و کتابی دیگر نیز بساخت.

- سیفی بخاری: که در ص ۲٤٤ یاد شد کتابی در معما در یك دیباچه وچهل‌قاعده وچند تنبیه نگاشت، ودرپایان نامه معماهای شرف‌الدین یزدی را بافشانی (الف) وجامی را بافشانی (ع) وحاجی ابوالحسن الهجانی را بافشانی (لام) بیاورد.

- حقیری: ملاشهاب‌الدین پسرنظام‌الدین که درتذکرهٔ نصرآبادی ص۵۰۹ ومجالس‌النفائس ص۷۰و۲۳۹ یادشده است کتابی در۱٤٦بیت درمعما بسال۹۱۸ سرود، ونسخه‌یی ازآن در مجلس هست (فهرست مجلس ۳: ۱۳۲).

- ذوالنون حکیم، کتابی درمعما بساخت.

- میرعلی‌شیر (م۹۰٦) کتابی درمعما دارد.

- فضولی‌بغدادی نیز کتابی دارد.

- نیازی: ابراهیم، نیز کتابی بساخت.

- لامعی برسوی: محمودپسرعثمان(م۹۳۸)اوراست شرح منظومهٔ معمائی اسماءالله‌الحسنی که ۹۹بیت است ونسخهٔ آن درمجلس هست (۳: ۱۳۲و۱۲۷).

(۱) درکشف‌الظنون چاپ یکم استانبول شفیقی آمده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ـ بلندی‌ادرنه‌یی : (م۱۰۳۵ یا ۱۰۲۹ق) کتاب میرحسین‌را شرح کرد .

ـ نونداکی (یونداکی) : محمد پسرعلی نیزشرحی بفارسی برآن نگاشت وبسلطان عبدالعزیزبهادر پیش کش کرد . نسخه‌اش درمجلس‌هست (۱۲۹:۳)

ـ خواجکی بلخی : شرحی بر کتاب معمای میرحسین نگاشت .

ـ ملا احمد : کتابی دردستور معما ساخت وبمصطفی‌بیك در(۹۰۸) درشهر بوسنه پیش کش کرد (ذریعه ج۸ : ص۱۶۷) .

ـ بدخشی: کمال‌الدین محمد چند رساله درمعما ساخته که درشرح رسالهٔمیر حسین ودرمجالس‌النفائس(ص۹۵و۲۷۱) ازاو یادشده‌است، ونسخهٔ آن درمجلس هست (فهرست ج ۳- ص۱۳۰) .

بدیعی‌اندجانی ، یوسف‌شاگرد صفائی . کتابی درمعمادارد (مجالس النفائس ص۴۸و ۲۲۲) .

نصرآبادی درپایان تذکرهٔ خود که دردههٔ نهم ازسدهٔ یازدهم نگاشته ،دو بخش ترتیب‌داده ودرنخستین‌آنهاشاعران: الف- تاریخ سرا ب- لغز گوج- معما سازرا نام برده ، ودربخش دوم تاریخها ولغزها ومعماهای شاعران ناشناس را گرد آورده است. ومجموعاً ازشانزده‌شاعرلغزآورده، واز هفتاد وپنج‌تن معما یاد کرده است . ودوی همرفته نزدیك سیصد معما ولغز گردآورده است .

چنانکه دیدیم یکی‌از بزرگترین ادیبان‌سدهٔ نهم،جامی نیز بمعماسازی‌پرداخته وچهار کتاب‌دراین‌باره‌نگاشته‌است. گزارش کوتاه اززندگی‌جامی‌در(ص۱۸۶- ۱۹۳) یادشد، ویکی‌ازچهار کتاب اودرمعما بعنوان«حلیة‌الحلل» (ص۳۸۱-۳۸۳) یاد شد .

جای گفتگوی ما اکنون دومین کتاب جامی درمعما است که درنسخهٔ شمارهٔ ۱۰۲دانشگاه « متوسطه ـ میانه » نامیده‌شده است . جامی دراین کتاب نیزمانند نخستین معمای خود « حلیة‌الحلل » دستورهای معما را درسه بخش « تسهیلی »

تحصیلی ،تکمیلی» آورده است(۱) . این کتاب جامی برخلاف دیگر کتابهای‌وی دیباچه‌ندارد،وآنرابکسی پیشکش‌نکرده ، ونام خود نیزدرآغاز نیاورده است .

آغاز:

ای اسم تو گنج هر طلسمی　　قائم ز تو هر کسی باسمی

هم اسم تولی و هم مسما　　عاجز شده عقل ازاین معما

معما کلامیست موزون که دلالت کند براسمی ازاسما بطریق...

انجام : وچنانکه دراسم برهان :

برد جامی ره‌سوی دربان عجب رمزی شنید

کامد از فکرت در آن نلم دلارائی پدید

[۱۳۶]

۱۰۲ نسخه بخط نستعلیق زیبا - در تاریخ ۹۶۲ تا ۹۶۶ نوشته شده - در دفتری جا دارد که درص۱۹۱ یادشد. ازص۱۶۱۷ تاص ۱۶۶۵ آنرا گرفته است دیگرخصوصیات نسخه درص۱۹۱ یادشده است .

[۱۲۳]　**دستور معمای سوم جامی**　(چیستان- فارسی)

سومین کتابچهٔ‌جامی درمعما که دراین کتابخانه هست ، از دوبرادرپیشین کوچکتر وازچهارمین بزرگتراست، درآغاز نسخهٔ این کتابخانه «رسالهٔ صغیرهٔ معما» نامیده شده است . چنانکه ازدیباچهٔ‌آن برمیآید؛ سبب نگارش این کتاب آن بوده است که‌غزل‌زیررا درستایش سلطان حسین میرزا بایقرا بمعما ساخته :

شهری نهاده روی براه تو جانفشان

بهر نثار مقدمت افشانده جان روان

(۱) حلیة‌الحلل یك‌افسر وسه عقد ویك خلخال دارد. «افسر» درتعریف معما است عقد نخست کارهای تسهیلی چهارسمط دارد :

۱- انتقاد ۲- تحلیل ۳- ترکیب ۴- تبدیل .

عقد دوم در کارهای تحصیلی ، هشت‌سمط دارد :

۱- تنصیص و تخصیص ۲- تسمیه ۳- تلمیح ۴- ترادف و اشتراك ۵- کنایت ۶- تصحیف ۷- استعاره وتشبیه ۸- حساب . عقدسوم‌در کارهای تکمیلی ،سه‌سمط‌دارد:

۱- تألیف ۲- اسقاط ۳- قلب .خلخال در کارهای تذییلی .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

تا آنجا که:

جامی بنعل توسن تو کان مه‌نو است   تا سود سر، رسید سر او بآسمان

واین جمله‌هارا از آن خواسته‌است: «شاه ابوالمعالی سلطان حسین‌خان بهادر مدالله تعالی ظلال جلاله‌علی العالمین. آمین» وبرای نشان‌دادن آن این کتابچه‌را نگاشته است. وی دراین کتاب برخلاف سه کتاب دیگر، پایهٔ معمارا برچهار بخش نهاده: تسهیلی، تحصیلی، تکمیلی، تذییلی.

آغاز:

بنام آنکه نام او زاسما   بود پیدا چو اسما ازمعما

انجام:

در شکل پری چو بینم او را پیدا

از مکررقیب دیو سیرت چه‌خلل(۱)

این کتابچه درپیرامن ۱۰۰ بیت نوشته دارد.

[۱۳۷]

۱۰۲ نسخه بخط نستعلیق دردفتری جادارد که درص۱۹۱ یادشد. ازص۱۶۶۵ تاص۱۷۱۳ آنرا گرفته است. عنوانها باشنگرف. دیگرخصوصیات دفتر درص۱۹۱ یادشده است.

[۱۲۴] دستور معمای چهارم جامی (جستان ـ فارسی)

سه کتاب جامی در معمادر ص۳۸۱ و ۳۹۱ و۳۹۵ یاد شد چهارمین کتابچهٔ او منظومه ئیست که در این باره سروده است. وی در این کتاب پایه معماسازی را برخلاف کتاب سوم و مانند کتاب ۱و۲ برسه پایه نهاده است. درذریعه این کتابچه‌را «دستور معماء صغیر» نامیده است، وروی نسخهٔ شمارهٔ ۱۷۲ دانشگاه نوشته شده «رسالهٔ منظوم مولانا جامی ره در علم تعمیه».

(۱) پایان نسخهٔ دانشگاه افتاده.واین انجام نسخه ئیست که درذریعه ص۱۶۷ج۸ یاد شده است.

آغاز:

چو ازحمد وتحیت باقتی کام   بدان ای درمعما طالب نام

که اعمال معمائی سه‌قسم‌است   که‌هریك گنج اسمارا طلسم‌است

یکی اعمال تحصیلی که ازوی   بتحصیل حروف آرد خرد پی

دوم آنها که درتکمیل‌صورت   بود صاحب معمارا ضرورت

سوم اعمال تسهیلی که دانا   زوی گردد بر آن باقی توانا

این منظومه در ۶۷ بیت است.

[۱۳۸]

۱۷۲ نسخه بخط نسخ. تاریخ ونام نویسنده‌ندارد. حاشیه‌های بسیار بامضای(۱۲) و(م‌ـج) و(من رسالةمولاناجامی فی علم التعمیه) و جزآن دارد. شعرهارا درسطرهای دوراز یکدیگر نوشته وحاشیه‌هارا درمیان آنها گنجانده است. در دفتری جادارد وبرگهای ۸۸و۸۹ آنرا گرفته است. وپیش وپس ازآن (در این دفتر) دوشرح بر کتاب معمای میرحسین نوشته شده، وخط و کاغذ هریك ازاین سه کتاب با دیگری دگرگون است. پایان نسخه افتاده وفقط ۵۷ بیت دارد. پایان آنچه هست چنین است: بیان اعمال تکمیلی:

چوشد اعمال تحصیلی مکمل   بتکمیلی کنم آن‌را مذیل

بود اعمال تکمیلی سه اسلوب   که‌شرح یك‌یك‌امریست‌مطلوب

همه دفتر ۱۸۳ برگ. این کتابچه ۲ برگ، کاغذ تحقیق؟ نازك. جلد تیماج خالی‌مقوائی اندازه: ۱۲×۱۸م و۶٫۶×۱۵م

[۱۲۵] سرمهٔ سلیمانی(۱) (فرهنگ ـ فارسی)

دراین کتاب واژه‌های دشوار فارسی که کمتر درگفتگو بکار میرفته، گردآمده است، وخود دردیباچه بدین‌معنی اشارت دارد، ودر آن نامهای تاریخی

(۱) سرمهٔ سلیمانی وسرمهٔ اصفهانی، سرمه‌ئیست که‌ازسنگی معدنی بدست‌می‌آوردند وکان این‌سنگ دراصفهان ومصر یافت‌میشده. تحفهٔ حکیم مؤمن و مخزن‌الادویه در واژهٔ «اثمد» وبرهان‌قاطع درواژهٔ «سرمهٔ خاك‌پن» دیده‌شود. وگویا نسبت‌بسلیمان برای مبالغت درسودمندی آن بوده، وآنرا بسرمهٔ افسانه‌یی مانند کرده‌اند که بسلیمان پادشاه یهود فلسطین وبخسرو پرویز پادشاه ساسانی نسبت میداده‌اند.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

وجغرافیائی ونام برخی ازداروهای یونانی نیزدیده میشود. دردیباچه نام نگارنده ونام کتابرا آورده است ...

آغاز دیباچه : (ازنسخهٔ (۱۲۲) دانشگاه افتاده است).

آغازحرف الف : باب الالف مع الالف ؛ آدم پیرا : مرکبیست ازاسمای الهی ومرشد کامل را نیز توان گفت ...

پایان آنچه درنسخهٔ ۱۲۲ دانشگاه هست : باب الیاء مع الزا . یاز : درختی بود که ببالد. گویند یازید ، دست بچیزی دراز...

وی کتابرا بسی‌ودوبخش بزرگ بشمارحرفهای الفبای پارسی‌وتازی درآغاز واژه‌ها ، بسیجیده وهربخش بزرگ بسی‌ودوبخش کوچکتر بترتیب حرف پایان واژه‌ها بسیجیده است .

نگارنده : تقی‌الدین محمد اوحدی بلیانی پسرسعدالدین محمد واعظ حسینی دقاق کازرونی اصفهانی است، که درچهارشنبه سوم محرم سال ۹۷۳ در اصفهان بزاده ، و بدربار شاه طهماسب یکم صفوی (۹۳۰ – ۹۸٤) وشاه اسماعیل دوم (۹۸۵–۹۹٤) ومحمد خدابنده (۹۸۵–۱۰۰۳) وشاه عباس یکم (۱۰۰۳–۱۰۳۸) پرورش یافته وزندگی گذرانیده، خاندان وی خود را از فرزندان او حدالدین ابوعبدالله بلیانی صوفی(م–۶۸۰ق) که جامی ایشانرا یاد کرده است(۱) میدانسته‌اند، واولقب اوحدی ازاین نسبت بخود گرفته،ولقب بلیانی نسبت بجائی است که اکنون فقط یك دیه کوچك در هشت کیلومتری جنوب کازرون ازآن بجامانده است . نصرآبادی بغلط بلیانی را لنبانی نوشته ونسبت بلنبان اصفهان پنداشته است(۲) تقی اوحدی در(۱۰۰۵) بهند رفته وتذکرهٔ «عرفات العاشقین» را در (۱۰۲۳ق) درآنجا نگاشته که (۷۰۰۰۰ بیت نوشته) دارد . ودر (۱۰۳۰) آنرا کوتاه کرده و «عرفات» نامیده، وبهمین‌سال درگذشته است . این مردرا نباید با همزمان وی

(۱) نفحات‌الانس چ ۱۹۱۵م نولکشور ص۲٤۳ .

(۲) تذکرهٔ نصرآبادی چ۱۳۱۷ ش ص۳۰۳ .

تقی کاشی صاحب تذکرهٔ «خلاصة الافکار» اشتباه کرد .

[۱۳۹]

۱۲۲ نسخه بخط نستعلیق . نام نویسنده و تاریخ ندارد . آغاز وانجام آن افتاده است : آغازآنچه هست چنین است: بلغت أهل تحقیق عبارت از اعیان ثابته ومحیط و مرکز صاعده وهابطه ... سپس نام نگارنده ونام کتاب آمده و پس ازسه صفحه‌دیباچه ، کتاب آغازشده است.واژه‌ها باشنگرف نوشته شده‌وگزارش باسیاهی، واژه هائی نیز پس ازنوشتن نسخه درکرانه‌افزوده شده ، وچنین نماید که‌در روزگار نگارنده درسدهٔ یازدهم نوشته شده‌است . تصحیح شده و افتادگیها نیز در کرانه نوشته شده است .

(۱۵۸ر‌گ)+۴ برگ سفید .کاغذ نخدی . جلد تیماج مشکی مقوائی فشاری که‌فرسوده . اندازه : ۱۰×۱۸ و۵×۱۳٫۳ : ۱٦ سطر .

[۱۲٦] شرح الفیهٔ ابن مالك (نحو-عربی)

الفیه ابن‌مالك در (ص۳۸٦) بعنوان خلاصة یادشدوچنانکه گفتیم شرحهای بسیار دارد، یکی ازآنها که بشرح مرادی نام‌بردار است دراین کتابخانه هست ودراینجا یادمیگردد. روش این‌شرح چنانست که یکی‌یادو بیت ازالفیه‌را آورده وآنرا گزارش‌نموده بیت‌دیگررامیآورد. و گاه یك‌بیت‌را نیزشکسته وپاره‌های آنرا جدا جدا شرح میکند .

آغاز: قال‌الشیخ‌الامام... بدرالدین حسن‌بن‌قاسم تغمده‌الله برحمته: الحمد والشکرله وصلواته علی اشرف نبی أرسله ... وبعد فهذا توضیح ...

انجام : حکاهـا فی‌الیواقیت وانشد علیها عان بآخرها طویل ثم ختم الکتاب بحمدالله ...

نگارنده : ابومحمد بدرالدین(۱) حسن پسر قاسم پسرعبدالله پسر علی مصری‌أسفی معروف بمرادی وابن ام‌قاسم است، جده‌اش ام‌قاسم ازنخستین‌زنان

(۱) لقب وی در کشف‌الظنون شمس‌الدین یاد شده‌ولی در نسخهٔ جای گفتگو (شمارهٔ۱۵۲) دانشگاه وهمچنین دربغیة‌الوعاة بدرالدین آمده است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

دانشمند مصر بشمار است و زهراء نام داشته است. مرادی از دانشمندان نحو و لغت بوده و در فقه نیز نامبردار است، از ابوعبدالله طنجی و جزری نحو را، و از شرف مقبلی مالکی فقه را، و از مجدالدین اسماعیل شوشتری قرائت را آموخت. و در روز عید فطر سال ۷۴۹ در گذشت.

آثار مرادی: شرح تسهیل. شرح المفصل. شرح الفیه (جای گفتگو) الجنی الدانی فی حروف المعانی در مصر چاپ شده است. شرح استعاذة و بسملة. گزارش زندگی اورا سیوطی در بغیة الوعاة (ص۲۲۶) از مطری در ذیل طبقات القراء آورده و در روضات نیز آمده است.

[۱۴۰]

۱۵۲ نسخه بخط نسخ. نام نویسنده و تاریخ ندارد، ولی از خط و کاغذ چنین می‌نماید که در سدهٔ دهم نوشته شده است. متن الفیه باشنگرف، و شرح را با سیاهی نوشته، عنوانها شنگرفی. بر یک چهارم آغاز نسخه حاشیه‌نویسی شده و حاشیه‌ها امضای (اجرومیه) و (قطر) و (تسهیل) دارد.

این نسخه با «التصریح بمضمون التوضیح» در یک جلد نهاده شده و برگهای (۱ تا ۱۹۷) آنرا گرفته است.

همه‌دفتر (۳۶۹ برگ) این کتاب ۱۹۷ برگ. کاغذ نخودی. جلد تیماج زرد متوالی
اندازه: ۱۹×۱۷، ۲۴ سطر.

[۱۲۷] شرح تلخیص المفتاح (معانی ـ عربی)

چنانکه در (ص۳۵۳) یادآور شدم یکی از شرحهای تلخیص که بشرح عصام نامبردار است در این کتابخانه هست. این گزارش را برخی بنام «الاطول» خوانده‌اند چه اندکی از «مطول» تفتازانی بزرگتر است، و بهمین نام در دو جلد در استانبول بسال ۱۲۸۴ق چاپ شده است.

آغاز: الحمدلله علی کل حال، کما یستوعب مزایا الافضال.

انجام: واذق من حلاوة ثمارها الحاضرین و الغائبین آمین...

نگارنده: عصام‌الدین اسفراینی ابراهیم پسر محمد پسر عربشاه حنفی اشعری است که مرگ اورا از ۹۴۳ تا ۹۵۱ نوشته‌اند. وی شاگرد عبدالرحمان

جامی (م۸۹۸) بوده، و صاحب شذرات الذهب اورا از نوادگان ابواسحاق اسفراینی (م۴۱۸ق) دانسته گوید در پایان عمر از بلخ بسمرقند آمد و در هفتاد و دو سالگی در گذشت، صاحب ریاض العلماء گوید: در پایان عمر بروم رفت و در آنجا در گذشت برای فهرست نگارشهای او روضات و معجم المطبوعات دیده شود.

[۱۴۱]

۲۰۵ نسخه بخط نسخ. نویسنده ابراهیم پسر بدرالدین پسر ابراهیم پسر حسن حنفی نوشتن آنرا در پایان صفر سال هزار و سیزده بپایان رسانیده است متن را باشنگرف و شرح را باسیاهی نوشته. همه رویه‌ها بازر و سیاهی جدول بندی شده. در برگ (۱۱ب) یک سرلوح بازر و لاژورد و شنگرف دیده میشود. یک برگ سفیدی شماره در آغاز نسخه هست که بر از یادگارها و تملکها میباشد.

(۳۶۸ برگ) کاغذ ترمه اعدی ولقه. جلد تیماج حالی متوالی و داری زرکوب که تیماج مشکی
اندازه: ۱۶×۲۵ و ص۹×۱۷، ۲۹ سطر.

[۱۲۸] شرح دستور معمای میرحسین (چیستان ـ فارسی)

چنانکه در (ص۲۹۳) یادشد یکی معماسازان بنام سدهٔ نهم و آغاز دهم میر حسین معمائی پسر محمد نیشابوری است که نصرآبادی دربارهٔ وی گوید: در فن معما بجائی رسید که جامی گفت اگر میدانستم که ملامیرحسین معمائی بهم میرسد معما نمیگفتم (۱) و میرعلی شیر در بخش (دانشمندانی که گاه شعر میگفته‌اند) از مجالس النفائس گوید: معما را در نزاکت بجائی رسانید که زیاده بر آن را خیال نتوان کرد، و رسالهٔ معمای او معروفست (۲) چلبی نیز آنرا یاد کرده و شرحهایش برشمرده (۳) در تذکره‌های هندوستان اورا بتخلص «شفیعی» یاد کرده‌اند (۴) و خود او نیز در شعر این تخلص را بکار برده (۵). وی این کتاب را برای میر

(۱) تذکرهٔ نصرآبادی ص۵۰۰ (۲) مجالس النفائس ص۹۶ و ۲۷۲.
(۳) کشف الظنون حرف میم «معما». (٤) روز روشن ـ ص ۳۵۱
(۵) در غزلی که در آغاز «دستور معما» در ستایش میرعلی شیر سروده گوید:
سر کشا از باشفیعی روی سوی آن درست   جسته خاک آستانت هم امیر و هم وزیر
و در یک معما که در بخش «ترادف و اشتراک» از همان کتاب آورده گوید:
ای شفیعی ز دل خویش بسی خون خوردی   رفت پای دلت از جا غم دل چون خوردی

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

علی‌شیر سروده ودر آغاز آن غزلی سروده که از راه معما نام میرعلی‌شیر (م -۹۰۶) رانشان دهد. ودراین کار ازجامی در «دستورمعما» سوم» پیروی کرده چه او نیز دردر آغاز کتاب خود غزلی سروده و نام میرزا حسین بایقرا (م-۹۱۱) را خواسته است.

چلبی گوید: کتاب میرحسین‌شفیعی را کسان زیر گزارش نموده‌اند (۱):

۱ - شفیعی (شفیقی) ضیاءالدین اردوبادی.

(۱) فهرست بخش بندی «دستورمعما»ی میرحسین از روی‌دو شرح آن که دریك جلد بشمارهٔ (۱۷۲) دراین کتابخانه هست، وخصوصیات آن در (ص۴۰۳و۴۰۵) یادشده، درزیر دیده میشود:

بخش	برگ‌شمار		بخش	برگ‌شمار	
	شرح بی نام	شرح نوندا کی		شرح بی نام	شرح نوندا کی
تعریف معما	۳	۹۵	• حرفی	•	۱۵۹
بخش یکم: تسهیلی:	۳	۹۶	• اسمی	•	۱۶۰
۱ - انتقاد	۳	۹۶	• احصائی	•	۱۶۱
۲ - تحلیل مستقل	۱۵	۱۰۸	• انحصاری	•	۱۶۲
- تحلیل غیرمستقل	۱۶	•	• رقمی	•	۱۶۳
۳ - ترکیب مستقل	۲۲	۱۱۵	بخش سوم: تکمیلی:	•	•
- ترکیب غیر مستقل	۲۵	•	۱- تألیف اتصالی	۷۳	۱۶۴
۴ - تبدیل	۲۶	۱۲۰	- تألیف امتزاجی	۷۷	•
بخش دوم: تحصیلی	•	•	۲- اسقاط عینی	۸۰	۱۶۸
۱ - تنصیص وتخصیص	۳۵	۱۲۸	- اسقاط مثلی	۸۲	•
۲ - تسمیه	۳۸	۱۳۱	۳ - قلب	۸۶	•
۳ - تلمیح	۴۰	۱۳۴	بخش چهارم: تذییلی:	•	•
۴ - ترادف واشتراك	۴۳	۱۳۷	تحریك وتسکین	•	۱۷۵
۵ - کنایت	۴۶	۱۴۰	تشدید وتخفیف	•	۱۷۶
۶ - تصحیف	۵۷	۱۴۹	مد وقصر	•	۱۷۶
۷ - استعارت وتشبیه	۶۴	۱۵۶	اظهار واسرار	•	۱۷۶
۸ - احصاء:	۶۷	•	تعریب وتعجیم	•	۱۷۹

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۲ - صابوتی، عبدالوهاب.

۳ - جامی، عبدالرحمان.

۴ - سیفی بخاری.

۵ - بلندی، ابراهیم ادرنوی (م -۱۰۳۵ یا ۱۰۲۹ق)

۶ - محمد پسرعلی نوندا کی(۱) ۷- خواجکی بلخی.

گفتگوی ما درباره گزارش نوندا کی میباشد که‌نسخهٔ آن دراینکتابخانه هست. چلبی گوید: وی این کتابرا بسلطان ابوالغازی عبدالعزیز بهادر پیشکش کرده است. وچون دراین کتاب ازحاشیهٔ جامی ومعمای شریف و دستور معمای کمال بخشی نقل کرده آشکار میشود که درنیمهٔ دوم سدهٔ دهم میزیسته. این کتابچه درپیرامون (۵۰۰۰ بیت نوشته) دارد ویك نسخه درست آن در کتابخانهٔ مجلس بشمارهٔ (۸۸۱) ویك نسخه ناقص دراین کتابخانه (دانشگاه) هست.

آغاز: بعداز تنصیص تسمیة وتخصیص اتیه بمالك‌الملکی که ذات بیمثالش ازشوائب تمثیل وتشبیه معرا است(۲).

انجام: بحصول پیوندد که منقح دو حرف اسم است واستخراج حرف اول ازمصرع آخر ظاهراست. والحمدلله اولاً وآخراً.

[۱۴۲]

۱۷۲ نسخه بخط نستعلیق باختری (نزدیك بخط ترکی) نام نویسنده ندارد درتاریخ (۹۸۶) نوشته‌شده. عنوانها با شنگرف است. تصحیح شده وافتادگیهادر کرانه نوشته‌شده. آغاز نسخه افتاده است وچون آنرا با نسخهٔ شمارهٔ (۸۸۱) مجلس که در تاریخ (۹۷۴) بخط محمد پسرسلطان حسین طوسی نوشته شده، برابر کردم درپیرامون یازده صفحه افتاده داشت. فهرست بخشهای این نسخه‌را در (ص۴۰۲) یاد کردم درآنجا دیده‌شود. این نسخه سومین کتابچهٔ دفتریست که:

(۱) این واژه درچاپ نخست ودوم کشف‌الظنون نوداکی آمده ودرچاپ سوم یونداکی دیده میشود، ودرست نونداکی است.

(۲) آغاز نسخهٔ دانشگاه افتاده، و این آغاز نسخهٔ مجلس است. ودر کشف‌الظنون آغاز کتاب چنین آمده: بعد از تخصیص وتنصیص...

۱ـ شرح گمنامی از دستور معمای میرحسین .
۲ـ دستور معمای چهارم جامی .
۳ـ این کتابرا دو بر دارد . و برگهای (۹۰ـ تا ۱۸۱) آنرا گرفته است .

همهٔ دفتر (۱۸۱ برگ) این کتابچه (۹۱ برگ) کاغذ سمرقندی نخدی ، رالشجلد تیماج خالی متوالی
اندازه : ۱۳×۱۸ و ۶٫۶×۱۰ ، ۲۶ سطر .

[۱۲۹] شرح دستور معمای میرحسین (چیستان ـ فارسی)

دستور معمای میرحسین چندین بار گزارش شده ، و یکی از آنها در (ص ٤٠٦) یاد شد ، شرح دیگری از این کتاب در این کتابخانه هست که شارح و گزارندهٔ آن شناخته نیست ، و این کوچکتر از شرح نخستین است . و مانند حاشیه فقط در برخی جاها مطالبی برمتن افزوده است ، و آغاز آن تا دو صفحه همان آغاز متن میرحسین است ، و در صفحهٔ سوم ، که بیت دوم غزل میرحسین را گزارش نموده ، شرح را آغاز کرده است . و نامی از نگارنده در آن دیده نمیشود . در برگ (۳ـب) گوید : وپوشیده نماند که حضرت مخدومی استاد میرحسین نیشابوری بمتابعت استاد خود مولانا نورالدین عبدالرحمان جامی اعمال معما را برچهارقسم نهاده ... و در چند جای دیگر نگارندهٔ متن را بنام «ملای زمان میرحسین» یاد کرده . در برگ (٤ـالف) گوید : «چنانچه شارح علیه مایستحق گوید دراسم میرك و کافی :

از خدا هرگه که خواهم مقصد و مقصود خویش
می نهم برخاك آن در روی گردآلود خویش

ولی من ندانستم کدام یك از گزارندگان و دستورمعمای میرحسین این شعر را ساخته است . در برگ (۶ـب) از رسالهٔ کبیر جامی نقل کرده . در برك (۲۲ـ الف) از کتابچه معمای کمال‌الدین محمد بدخشی نقل کرده . در برگ (۳۰ـب) از عشق بازی میرحسین با یکی از غلام‌بچگان میرعلی شیر بنام اسماعیل داستانی آورده است .

آغاز : همان آغاز کتاب میرحسین است :

بنام آنکه از تألیف و ترکیب　　　معمای جهان را داد ترتیب

آغاز شرح : در برگ (۲ـب) :

وقف‌شد دولت یعنی وقی ، دولت مبدل شد بهی .

[۱٤۳]

۱۷۲ . نسخه خط نسخ ، آغاز نسخه درست ، ولی انجام آن افتاده و چنانکه فهرست آنرا در (ص ٤٠٢) دیدیم بخش چهارم کتاب را ندارد ، و نام نویسنده و تاریخ نیز ندارد . عنوانها باشنگرف . تصحیح شده و افتادگیها در کرانه نوشته شده است . در دفتری جا دارد که :

۱ ـ این کتاب (برگ ۱ـ۸۷) .
۲ ـ دستور معمای چهارم جامی برگهای (۸۸ـ۸۹) .
۳ـ شرح نوداکی بر دستور معمای میرحسین (برگهای ۹۰ ـ ۱۸۱) را دربردارد فهرست بخشهای این نسخه در (ص ٤٠۲) یاد شد .

همهٔ این دفتر (۱۸۱ برگ) این کتابچه (۸۷ برگ) است . کاغذ ترمه نخدی رات جلد تیماج خالی .
اندازه : ۱۳×۱۸ و ۶٫۶×۱٤ ، ۱۹ سطر .

[۱۳۰] شرح شافیه (نظام اعرج) (صرف ـ عربی)

شافیه کتابچه‌ئیست در صرف زبان عرب و در پایان بخشی دربارهٔ دستور های نوشتن آورده است و همهٔ آن در پیرامن (۱۰۰۰ بیت نوشته) دارد . این کتاب در کلکته ۱۸۰۵م و دهلی ۱۲۷۸ق و ۱۲۹۱ق و ۱۳۳۰ق و ۱۳۲۱ق و کانپور ۱۲۷۸ق و ۱۸۹۱م و استانبول ۱۸۵۰م و ۱۸۸۵م و مصر در مجموعهٔ بسال ۱۲٤٠ق و ۱۳۰۹ق چاپ شده است . نگارندهٔ آن ابن‌حاجب ، جمال‌الدین ابوعمرو عثمان پسر عمر پسر ابوبکر پسر یونس مالکی است که در ۵۷۰ق بزاده و در ۶٤۶ق در گذشته است پدرش حاجب و دربان امیرعزالدین موسك صلاحی بود و خود از دانشمندان بنام گردید و نگاشته‌های او تا چندین سده در شمار کتابهای درسی بود و گزارشها و شرح و حاشیه‌ها بر آن نگاشته‌اند .

آثار ابن‌حاجب :

۱ ـ کتابچه در فقه .
۲ ـ کتابچه در اصول .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

٣ ـ پیش گفتاردرصرف بنام «شافیه» (جای گفتگو).

٤ ـ پیش گفتاردر نحو بنام کافیه که پس ازاین یادخواهد شد. جرجی زیدان چند کتاب دیگر ازابن حاجب نشان میدهد که جای گفتگوی مانیست.

چنانکه گفتیم شافیه مدتها کتاب درسی بوده وگزارشهای فراوان دارد یکی ازگزارشها که جای گفتگو است شرح نظام اعرج است ' وی حسن پسر محمد پسرحسین است نیاکانش قمی وخودنیشابوری وازدانشمندان بنام سدهٔ هشتم است. وی در دانشهای کلاسیك و مذهبی روزگار خویش زبر دست بوده وکتابهای زیررا درآنها نگاشته است:

ـ اوقاف القرآن (تجوید). البصائر (حساب وهندسه). تفسیر التحریر (هندسه). تفسیر قرآن. توضیح التذکرة (هیئت). کتابچه یی درحساب که گویند خلاصة الحساب شیخ بهائی ازآن برداشت شده. شرح شافیه درصرف (جای گفتگو) غرایب القرآن. لب التأویل (تفسیر قران). مرگ نظام در (٧٢٨) بود وگزارش زندگی او درروضات وذریعه و کشف الظنون زیرعنوان نام هریك از کتابهای وی آمده است.

شرح نظام برشافیه شرحی است آمیخته بمتن دوبار درایران بچاپ سنگ پخش شده وبهترین شرحهای شافیه بشمار میرود.

[١٤٤]

١٥٦ نسخه بخط نستعلیق نزدیك بشیخ. نام نویسنده وتاریخ ندارد. متن را با شنگرف وشرح باسیاهی نوشته. عنوانها نیز با شنگرف است. اندکی حاشیه بامضای (١٢) و(شرح آقاهادی) دارد. دربرگ (١ ـ الف) یادداشتهای برخی دانشمندان مانند سیدجواد پسر کاظم پسرمحسن پسرحسن اعرجی در (١٢٣٥ق) ومانند: حبیب پسر اسحاق پسرعثمان پسرمحمد، باخط سیاه ونیز پسراو: یحیی پسر حبیب الله فی شهور سنة تسع وخمسین وثمانمایه، بخط سرخ دیده میشود.

(٨٧برگ، کاغذ سمرقندی نخدی. جلدتیماج حنائی فناری.

اندازه: ٥ر١٤ × ٢٠ ـ ١٧ سطر.

[١٣١] شرح شافیه (رضی) (صرف ـ عربی)

شافیه در(ص٤٠٥) یادشد، دومین شرح این کتاب که دراین کتابخانه هست شرح رضی استرآبادی است. نام وی محمد، وپدرش حسن، اهل استراباد و از دانشمندان بنام سدهٔ هفتم است ودر(٦٨٦ یا ٦٨٧ق) در گذشته است. شریف جرجانی اورا نجم الائمة لقب داده، وبشارح رضی نیز معروف است. از آثاراو شرح شافیه وشرح کافیه ابن حاجب وشرح هفت چکامهٔ ابن ابی الحدید مشهور میباشد(١). شرح رضی برشافیه پس ازشرح نظام معرف ترین شرحهای آنست. عبدالقادر پسر عمر بغدادی (ز ـ ١٠٣٠ ـ م ١٠٩٣) شواهد شرح رضی را در (١٠٧٣ تا ١٠٧٩) گزارش نموده وبنام خزانة الادب در١٢٩٩ق در بولاق بمصر چاپ شده است. خود شرح رضی نیزدر تهران بسال ١٢٨٠ق چاپ شده است.

[١٤٥]

٢١٥ نسخه چاپی خط نسخ محمدعلی پسر محمد حسین خراسانی که در ١٢٨٠ در تهران چاپ شده: دارای حاشیه ها از آقای میرزا یدالله نظرپاك استاد دانشکدهٔ علوم معقول ومنقول تهران بخط خود ایشان است ودرچندجا بسبب فزونی حاشیه ها، برگی سفید افزوده وحاشیه ها برآن نگاشته است. این حاشیه بامضاهای (هادی) و(نظام) و(صراح) ودیگر کتابها وبرخی (یدالله) است ولی همه بخط میرزا یدالله نظر پاك میباشد.

جلد تیماج حنائی متوالی.

اندازه: ١٧ × ٢٧ : ٢٧ سطر.

[١٣٢] شرح شافیه (هادی مترجم) (صرف ـ فارسی)

شافیه در(ص٤٠٥) یادشد سومین شرح آن که دراین کتابخانه هست شرح

(١) برای گزارش زندگی رضی مجالس المؤمنین ص٢٤٤ وامل الآمل ٢ : ٦١ وروضات الجنات: ٢٨٧ وبغیة الوعاة: ٢٤٨ و کشف الظنون و کشف الحجب وذریعه و ریحانة الادب وفهرستهای رضوی وسپهسالار دیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

آقا هادی مترجم است. وی محمد هادی پسر محمد صالح پسر ملا احمد ساروی مازندرانی است. مادرش آمنه دختر مجلسی یکم (محمدتقی) و خواهر مجلسی دوم (محمدباقر) زنی دانشمند بوده است، خود وی نیز از دانشمندان آغاز سدهٔ دوازدهم است و کوشش بسیار برای فارسی کردن دانشهای کلاسیك روزگار خویش نموده، و از این روی لقب «مترجم» بدو داده‌اند. آقا هادی در (۱۱۲۰ق) در اصفهان درگذشت و در گورستان پدرش و مجلسی بخاکش سپرده‌اند. تنکابنی در قصص العلما داستانی برای مرگ او ساخته که بسکته دچار شد و برای احتیاط بالای سراو نی در گورش نهادند و چون بهوش آمد باخدا پیمان بست که اگر از مرگ رها شود قرآنرا بفارسی گرداند و با فریاد اوره گذران خبردار شده رهایش ساختند(۱).

آثار هادی مترجم: ترجمه قرآن، حاشیه بر تفسیر بیضاوی، حاشیه بر قواعد علامه، و شرح آن، حدود و دیات بفارسی، شرح شافیه (فارسی) شرح شرح شمسیه، شرح صحیفهٔ سجادیه (فارسی). شرح کافیه (فارسی). شرح معالم (فارسی).

هادی مترجم در شرح دیباچه گوید آنرا بفرمان نوباوهٔ بوستان حکومت و ایالت... حسین علیخان نگاشته. این شرح در ایران چاپ شده است.

آغاز: الحمدلله رب ... اما بعد چنین گوید ذرهٔ بیمقدار ... محمد هادی بن محمد صالح ...

انجام: از جهت حمل او بر «الی» چه یا او شریکیست در معنی انتهاء غایت. تمام شد شرح بعون ...

[۱۴۶]

۱۴۷ نسخه بخط نستعلیق، شرف الدین بن زین الدین نائینی در تاریخ یکشنبه هفتهٔ دوم ماه دهم (ذیقعده) از سال (۱۰۹۶ق) نوشتن آنرا بپایان رسانده

(۱) این افسانه برای طبرسی نگارندهٔ تفسیر «مجمع البیان» و برای ملافتح الله کاشی نگارندهٔ تفسیر «منهج الصادقین» نیز ساخته شده است. روضات ص۱۲ و ریاض العلماء و قصص العلماء دیده شود.

است. متن را با نسخ درشت و شرح را با نستعلیق ریز نوشته. روی متن خط شنگرفی کشیده، تصحیح شده و افتادگیها در کرانه نوشته شده. حاشیه‌ها بامضای (منه دامظله) و (منه طاب‌الله) دارد که مینماید در روزگار نگارنده نوشته شده است. روی برگ (۱-الف) این جمله دیده میشود: قد تملك الكتاب بالاستكتاب... ابن حاجی محمد علی، محمد حسین الاصفهانی فی سنة (۱۰۹۶ق) و قیمت آنرا نیز نوشته است. و دو قطعه شعر، یکی در نامهای قاریان دهگانه و دیگری در علامتهای وقف، در بالای صفحه دیده میشود.

(۲۳۳ برگ) کاغذ اصفهانی آهار مهره شده. جلد تیماجی روبه کاغذ. تیماجی مشکی.

اندازه: ۱۷٫۳×۲۳٫۸ و ۹٫۷×۱۵٫۷. ۲۱ سطر.

[۱۳۳] شرح شواهد ضوء الدرة (نحو-عربی)

«الدرة الالفیة فی علم العربیة» هزار بیت شعر است در بارهٔ دستور زبان عرب و آنرا ابن معطی، ابوالحسین یحیی پسر عبدالمعطی پسر عبدالنور زواوی مغربی (ز۵۶۴-م۶۲۸) سروده است. و بنام الفیهٔ ابن معطی در برابر الفیهٔ ابن مالك (الخلاصة) نامبردار شده است. و آنرا گزارش و شرح و حاشیه‌ها نگاشته‌اند، که چلبی آنهارا در (حرف - الف) کشف الظنون یاد کرده است(۱).

ضوء الدرة: یکی از شرحهای الفیهٔ ابن معطی است که آنرا عمر پسر مظفر پسر عمر پسر محمد پسر ابوالفوارس زین الدین بن الوردی نگاشته. وی شاگرد شرف بارزی است و از دانشمندان فقه و ادب سدهٔ هشتم مصر و حلب بشمار آید. اوراست: «البهجة» و «شرح الفیهٔ ابن مالك» و «شرح الفیهٔ ابن معطی» و «اللباب» و «مختصر الملحة» و «تذکرة الغریب» همه در نحو، و «المسائل الملقبة» فقه، و «منطق الطیر» تصوف، و منظومهٔ تعبیر خواب، و دیگری در سنگ و گوهرشناسی، و یک مقامه دربارهٔ طاعون سال (۷۴۹) ساخته و اتفاقاً خود او نیز در ذیحجهٔ همین سال بهمین طاعون درگذشت(۲).

(۱) الفیهٔ ابن معطی در لایپزیك بکوشش زترستین K.V.Zetterstéen خاورشناس سوئدی بسال ۱۹۰۰م چاپ شده است.

(۲) بغیة الوعاة چ۱۳۲۶ ص۳۶۵.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

شرح شواهد ضوء الدرة : برضوء الدرة نیز مانند دیگر کتابهای درسی شرح وحاشیه نگاشته‌اند. ومردی ناشناس بیتهائی را که در این کتاب بگواه آمده‌است گردآورده و گزارش نموده‌است. در پشت جلد نسخه بدین نام نامیده‌شده‌است.

روش نگارنده چنانست که بیت را نوشته، گوید : اما اللغة ... وپس از تفسیر واژه‌ها گوید : واما الاستشهاد ... ودراینجا دربارهٔ گواهی این شعر گفتگو کرده وسپس بشعر دیگر میپردازد. همهٔ این کتابچه (۵۷۰ بیت نوشته) دارد، وفقط چهل وهفت بیت گواهی را گزارش نموده است.

آغاز: الحمدلله الذی شرف نوع الانسان باللسان وخصه ... اما بعد فهذه فواید لابیات الضوء...

انجام : واما الاستشهاد فعلی ان کلمة رب، تکون مضمرة بعد بل، کما تکون مضمرة بعد الفاء، نحو قوله : بل بلدذی صعد ... ای: بل رب بلد. والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب. الحمدلله علی التمام، وعلی نبیه السلام. حررفی بلدة ارزن الروم فی مدرسة فیضیة ... علی ید احقر الطلاب اسماعیل بن علی بن عثمان غفرلهم. آمین فی (۱۲۲۰).

[۱٤۷]

۹٤۳ نسخه بخط نستعلیق. نام نویسنده اسماعیل پسر علی پسر عثمان، وشاید وی نگارندهٔ این کتاب نیز باشد، در شهر ارزنة الروم در مدرسهٔ فیضیة در (۱۲۲۰ق) نوشته شده. عنوانها با شنگرف. شعرها با خامهٔ درشت وروی آن خط شنگرفی کشیده وشرح باخامهٔ ریز نوشته شده است.

این نسخه دومین کتابچهٔ دفتریست ونخستین کتاب آن بنام «قافیه» خواهد آمد و کتاب های دیگر آن درفلسفه است ودرجلد سوم معرفی شده‌است.

(همهٔ دفتر (۸۹ برگ) این کتابچه (۱۰ برگ) کاغذ پنبه‌ای رنگ، آهارمهره‌شده. جلد مقوی رویه کاغذ، نه تیماج زرد.

اندازه: ۹×۱٦ و ۱۹×۲۱، ۳۵ سطر.

[۱۳٤] شرح شواهد مغنی اللبیب (نحو عربی)

مغنی اللبیب عن کتب الاعاریب کتابیست در نحو عربی نگارش جمال الدین

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ابومحمد عبدالله پسر یوسف پسر احمد معروف بابن هشام نحوی انصاری خزرجی وی در ذی قعده (۷۰۸) در مصر بزاد و نزد عبداللطیف پسر مرحل و ابن سراج وابوحیان وتاج تبریزی وتاج فاکهانی علم آموخت ودر (۷٦۱) درگذشت. نگارش های بسیار ازاو بجامانده ومشهورترین آنها این کتاب است که آنرا درسفر مکه بسال (۷٥٦) در هشت باب بسیجیده است :

۱- تفسیر (مفردات) واژه‌های نحوی ۲- جمله‌ها ۳- آنچه میان این دواست ٤- دستورهائی که بسیار بکار رود ٥- آنچه باعراب خلل وارد سازد ٦- غلطهای مشهور ۷- اعراب ۸- کلیات .

این کتاب تا آغاز سدهٔ چهاردهم هجری کتاب درسی عالی بشمار میرفت و کارها که درپیرامن آن انجام شده بسیاراست. خود ابن هشام شعرهای گواهی مغنی را دومرتبه گزارش نموده که بنام شواهد بزرگ وشواهد کوچك خوانده میشود. چلبی در کشف الظنون چندتن از شرح کنندگان و کوتاه کنندگان وحاشیه نگاران مغنی را یاد نموده‌است. چاپهای مغنی : در مصر بی تاریخ - تهران ۱۲۷٤ق تبریز ۱۲۷٦ق سنگی، مصر ۱۳۰۲ ق حروفی، مصر ۱۳۰٥ ق و ۱۳۰۷ ق ۱۳۱۷ ق و ۲۸-۱۳۲۹ ق.

یکی از کسانی که چندین کار دربارهٔ مغنی انجام داده‌اند جلال الدین عبدالرحمان سیوطی (م-۹۱۱ق) میباشد که در (ص ۳۷۱) یاد او گذشت. چلبی جز شرح شواهد مغنی (جای گفتگو) وجز حاشیهٔ «الفتح القریب» دو کتاب دیگر بسیوطی نسبت داده :

۱- «تحفة الغریب فی الکلام علی مغنی اللبیب» و «تحفة الحبیب بنحاة مغنی اللبیب» ۲- نکته‌هائی برشرح شواهد مغنی. وبنابراین سیوطی چهار کتاب دربارهٔ مغنی نگاشته ولی گفتار من در شرح شواهدیست که وی برای مغنی نگاشته. سیوطی دردیباچهٔ این کتاب گوید: چون «الفتح القریب» را نگاشتم، وآنچه بایا بود در آن گزاردم، بدین اندیشه شدم که گزارش شعرهای گواهی مغنی را جداگانه

گردآوردم وزمینه‌را تا آنجا گسترش دادم که در شرح هر بیت همهٔ چکامه را گزارش نمودم و چون دیدم این زمینه کار را بدرازا میکشاند، کوتاه آمدم و ازهرچکامه شعرهائی گزیده گزارش دادم، سپس نام‌بسیاری ازشرح دیوانها وشرح‌شواهدی که‌پیشینیان‌نگاشته‌اند، واوازآنهادراین کتاب آورده ،یاد کرده است. این کتاب درپیرامن(۱۲۰۰۰ بیت‌نوشته) دارد.

آغاز: الحمدلله الذی فتق‌السن العرب‌العاربة بالفصاحة فکانت تجری‌بذلک ولاتجاری ...

انجام: وانشد:

ان من‌صاد عقعقا لمشوم　　　　کیف‌من صادعقعقان‌وبوم

[۱۴۸]

۱۵۴ نسخه بخط نسخ، نام نویسنده وتاریخ ندارد، ولی نسخه درست است، تصحیح شده وافتادگیها را در کرانه نوشته است، متن شعر با شنگرف وشرح باسیاهی، عنوانها نیز بشنگرفست. آغازنسخه اندکی حاشیه‌نویسی‌شده.

(۱۷۶ برگ) کاغذ ترمه اندی‌رنگ، جلد تیماج سرخ مقوائی اندرونه‌کناره وله وصالی‌شده است.
الدارة: م‌ر۱۷×۳۶، ۲۱سطر.

[۱۳۵] شرح کافیهٔ ابن‌حاجب (شرح رضی) (نحو-عربی)

کافیه کتابچه‌ئیست درنحو زبان عرب ازابن‌حاجب که گزارش زندگیش در (ص۴۰۵) یادشد کافیه بنام «مقدمهٔ نحو» نیز نامیده می‌شود و چون‌مدت هفت‌سده درشمار کتابهای درسی بوده کارهای بسیار در پیرامن‌آن انجام شده وچلبی در کشف‌الظنون نزدیك صدتن را که دربارهٔ این کتاب کاری انجام داده‌اند نام برده وصاحب‌ذریعه نیزدرجلد ششم چندشماره برآن افزوده‌است. وپیش‌ازهمه خود نگارنده (ابن‌حاجب) یك‌بار آنرا شرح کرده ویکبار بنام «الوافیه» آنرا بشعر سروده است.

کافیه درپیرامن(۶۰۰ بیت نوشته) دارد. چاپهای کافیه: رم ۱۵۹۲م. کانپور ۱۸۸۸م و۱۸۹۱م. قازان ۱۸۸۹م. تاشکند ۱۳۱۱ق و۱۳۱۲ق. بولاق ۱۲۴۱ق

و۱۲۵۵ق. و۱۲۶۲ق و۱۲۷۹ق. هند۱۲۹۱ق. و۱۳۱۹ق.

یکی ازبنامترین شرحهای کافیه شرح‌رضی میباشد. اندکی از گزارش زندگی‌رضی در(ص۴۰۷) یادشد. سیوطی دربغیة‌الوعاة (ص۲۴۸) دربارهٔ این کتاب گوید: کتابی درنحو مانندآن نگارش‌نیافته است. وی دراین کتاب همهٔ دستورهای نحوی وآنچه درپیرامن‌آن میدانسته، گردآورده است، این کتاب نزدیك(۳۰۰۰۰ بیت‌نوشته) دارد. چاپهای شرح‌رضی: دوجلد استانبول۱۲۷۵ق. و۱۳۱۰ق. ۱۲۹۲ق دریك جلد، دوجزء. دریك‌جلد درایران۱۲۶۸ق و۱۲۷۱ق. لکهنو ۱۲۸۰ق. قازان ۱۸۸۵م و۱۸۹۶م.

سیوطی دربغیه گوید: رضی پایان این کتاب‌را بسال(۶۸۳) یاد کرده،ولی درنسخه‌یی که صاحب ریحانةالادب دیده تاریخ پایان کتاب شوال(۶۸۶) میبوده ودرپایان نسخهٔ (۱۵۱) دانشگاه نیزاین تاریخ از کشکول شیخ بهائی نقل شده است.

چلبی گوید: میرسید شریف جرجانی حاشیه‌یی برشرح رضی‌نگاشته است.

[۱۴۹]

۱۵۱ نسخه بخط نسخ، نویسنده محمد بن‌عمربن‌محمد اخلاطی‌است وی‌آنرا برای خویش در تاریخ چهارشنبه (۱۱- رمضان ۸۶۷ق) نوشته است. تصحیح شده. حاشیه‌های بسیار بخامه‌های گوناگون دارد و درمیان بسیاری ازبرگها برگه‌های مقیه افزوده وبرآنها حاشیه نگاشته‌اند. امضاها: (ع ل) و(ه) و (کنز) و(صحاح) و(معجم‌البلدان) و کتابهای بسیار دگرمیباشد. تصحیح‌شده وافتادگیها نیز درکرانه‌ها نوشته شده‌است. عنوانها هم درمتن وهم درکرانه باشنگرف نوشته شده است. دربرگ (۳۲۹ب) درپایان نسخه محمدعلی بن محمدرضا رقی‌تونی خراسانی تاریخ‌پایان‌یافتن کافیه‌رابسال (۶۸۶) ازکشکول‌شیخ‌بهائی نقل کرده‌است. وتاریخ‌این خط (۲۵شعبان-۱۱۳۶) میباشد. چهاربرگ درآغاز کتاب بی‌شماره است ودرآن شعرها ویادداشتها نوشته شده است.

(۳۳۰برگ + ۴برگ) کاغذ ترمه. جلد تیماج زرد مقوائی.
الدازه: ۱۷٫۵×۳۶.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

[١٣٦] شرح کافیة ابن حاجب (شرح هندی) (نحو-عربی)

یکی از شرحهای کافیه در (ص٤١٢) یادشد . شرح دیگر این کتاب که‌دراین کتابخانه هست شرح هندی است . نگارندهٔ آن شهاب‌الدین احمد پسر عمردولت آبادی هندی (م-٨٤٩ق) میباشد که بنابگفتهٔ چلبی شهرت‌بسزا داشته و کسانی مانند توقانی ، و غیاث‌الدین منصور و کازرونی بر آن حاشیه نگاشته‌اند وصفی پسر نصیر شاگرد این‌شارح، خودشرحی بر کافیه‌نگاشته ودرآن از استادنیکی یاد کرده است .

آغاز: آغاز نسخهٔ دانشگاه افتاده است

انجام . وما حذف‌لوجودها لکونهامقدرة فی النیةوفی حکم‌الملفوظ . ولیکن آخر کلامنا فی هذاالفصل .

[١٥٠]

١٥٠ نسخه بخط نستعلیق خاوری نزدیک بخط هندی بنام‌نویسنده ندارد . در تاریخ (٧٨٤ ق) پایان یافته . آغازنسخه افتاده وپیش ازآخرین برگ نسخه نیزافتادگی دیده میشود . عنوانها با شنگرف . وروی عنوانهای درجه دوم خط شنگرفی کشیده ، وبرخی‌را باخامه سیاه ودرشت‌تر نوشته است . نسخه آب دیده‌وبالای وبالای رویه‌ها رنگین شده وپوسیده است . وجلدش موریانه‌زده است .

(١٣٧برگ) کاغذ سمرقندی‌جلد مقوی موریانه‌زده، برگردان دارد . ته‌لبه‌ابرمشکی .
اندازه : ١٧×٢٧و١٢×٢١ | ٢٢سطر

[١٣٧] شرح کافیة ابن مالک (نحو-عربی)

الکافیة‌الشافیة‌نام منظومه‌ئیست در نحو که آنرا ابن‌مالک دربحر رجز سروده است ، وسپس آنرا کوتاه کرده وهزاربیت آنرا بیرون‌آورده وو‌خلاصه‌نامیده که در(ص٣٨٦) یادشد. خلاصه که الفیه نیزنامیده میشود بیشتربکاردانشجویان خورده وحاشیه وشرحهای آن فراوان تراست ، ولی دربارهٔ کافیه نیز کارهائی انجام شده وچلبی آنرا چنین برشمرده است :

- خود ابن‌مالک آنرا شرح کرده ووافیه نامیده است .

- خود او نیز حاشیه‌هائی بر آن نگاشته است .
- پسر ابن‌مالک معروف بابن ناظم (م-٦٨٦ق) شرح‌دیگری برآن نگاشته است .
- ابو امامة محمد پسرعلی نقاش مصری ، دکالی ، مغربی (م - ٧٦٣ق) نیز آنرا گزارش داده .
- محمد پسرعلی اردبیلی (م-٦٨٦ق) نیزبرآن شرح دارد .
- ابوالثناء محمود پسر محمد پسرخطیب‌الریفیة حموی دنباله‌یی بر کافیه در (١٠٥ بیت) سروده و«وسیلةالاصابة» نامیده ودر(٨٠٥ق) آنرا بپایان رسانیده .
- همین ابوالثناء شرحی بر کافیه دارد .

جای گفتگو شرحیست جدا از متن که نام نگارندهٔ آن دانسته نیست و گمان میبرم که شرح خود ابن‌مالک باشد برای جدا کردن متن از شرح بجای (قال ـ اقول) دوحرف (ص=اصل) و (ش=شرح) را بکاربرده . ولی درآن نامی از «الوافیه» که بنا بگفته چلبی نام شرح ابن مالک براین کتابست دیده نمیشود .

آغاز: خطبة‌الکافیة‌الشافیة :

قال‌ابن مالک محمد وقد — نوی افادة بناقیه اجتهد

وپس از چند بیت : «باب شرح‌الکلام ومایتالف منه» :

ص: قول مفید طلباً اوخبراً — هوالکلام کاستمع وستری

ش: الکلام عندالنحویین عبارة عن کل لفظ مفید والمراد بالمفید ...

انجام . وبیت صغیرفی صدرالبیت‌الکبیروروی ایضاً التثلیث فی میم‌مصحف

لآله منها صلاة وافرة — وأنعم باطنة و ظاهرة

والحمدلله وحده وصلی‌الله ....

[١٥١]

٢٣١ نسخه بخط‌نسخ درشت . نویسنده‌محمد‌پسرعثمان پسرمحمد پسرسلیمان پسرعطیر زرعی حنبلی درتاریخ شنبه (٦-ج١-٧٤٤ق) آنرا بپایان

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

رسانیده . ودرسال (٧٤٨) آنرا بانسخهٔ درست برابر کرده . نسخه درست است ولی برگهای آغاز وانجام آن آب دیده وخشك وخوورده شده است . افتادگیها در کرانه نوشته‌شده . پشت برگ (١ـ الف) باخامه‌های گوناگون چیزها نوشته‌اند وسید مهدی بسرسید حسن قزوینی دردوجای این‌صفحه ازاین کتاب بدگوئی کرده وازاینکه سراینده الفیه (الخلاصه) چنین منظومه‌یی بسراید درشگفت مانده است .

۲۳۲ برگ) کاغذ لختی فرسوده . جلدتیماج قهوه‌یی مقوائی فرسوده .

اندازه : ١٨ ، ٢٦ر١٤ر×٢٠ ؛ ٢١سطر.

[١٣٨] شرح مفتاح العلوم (عربی)

مفتاح در (حرف ـ م) یادخواهد شد وچنانکه در(ص٣٣٤ و ٣٥٠) گفتیم‌این کتاب شرحهای بسیار دارد ، یکی از آن شرحها بنام فتوحات‌المفتاح در (حرف ـ ف) خواهدآمد ، وشرح دیگر که جای گفتگو میباشد شرح میر سید شریف جرجانی(١) میباشد که‌فقط بربخش‌سوم‌مفتاح؛ بابهای معانی وبیان‌وبدیع نگاشته ، وآنرا بمردم هشیار پیش کش کرده است .

آغاز: نحمدك اللهم علی ماهدیتنا الیه من‌دقایق‌المعانی بدقایق‌البیان ... وبعد فقد طال ماجال فی‌صدری ودارفی‌خلدی ان‌ارتب للقسم الثالث من مفتاح العلوم شرحاً ... هدیة منی‌الی کل‌ذکی‌جبل علی‌الانصاف ... قال: القسم‌الثالث .

انجام : لانه جزء من علم‌البلاغه کما صرح به فی‌مامر وحققه هنا . و هذا آخرما ... وقد تجزالفراغ من‌تألیفه اواسط شوال من‌سنة ثلاث وثمانمایة .

از گفتار چلبی چنین برمی‌آید که میرسید شریف حاشیه‌هائی برمفتاح‌نگاشته ودر (شوال٨٠٣ق) آنرا بپایان رسانیده‌وسپس درسمرقند بسال (٨٠٤ق)شرحی برمفتاح نگاشته وه«المصباح فی‌شرح المفتاح» نامیده است ، وسپس چلبی آغاز این شرح‌را نقل کرده است . آغازنسخهٔ دانشگاه با آغاز نسخه‌ئیکه چلبی دیده یکی است . ولی تاریخ نگارش درنسخهٔ دانشگاه (میانه شوال٨٠٣) است واین بگفتهٔ چلبی تاریخ حاشیهٔ میرسید شریف است نه‌تاریخ شرح او . ونیز در کرانه های نسخهٔ دانشگاه حاشیه بسیار بامضای(منه) دیده می‌شود، وشاید همین‌حاشیه

(١) گزارش زندگی شریف‌جرجانی در(ص٣٤٦ ـ٣٥٠) گذشت .

ها بوده که در سال (٨٠٤) درسمرقند جداگانه نگاشته است نه حاشیه برمفتاح العلوم .

شرح میر سید شریف وشرح سعدالدین تفتازانی(م٧٩٢ق) ازگزارشهای دیگر مفتاح بنامتراست وحاشیه‌های بیشترداردو برخی ازدانشمندان حاشیه‌هائی بنام‌داوری (محاکمات) میان این دوشرح نگاشته‌اند . در کشف‌الظنون کسان زیر درشمارحاشیه نگاران برشرح میرسید شریف آمده‌اند :

ـ شمس‌الدین محمد پسرحمزه فناری (م٨٣٤) یك‌حاشیه بردوشرح سید وسعد باهم‌نگاشته .

ـ مصنفك علاءالدین‌علی پسرمحمد (م٨٧١ق)حاشیه‌یی در(٨٥٠ق) بنام‌سلطان محمد فاتح نگاشته .

ـ خطائی ، ملازاده . نیزحاشیه‌یی نگاشته .

ـ توقانی ، لطف‌الله پسرحسن (م٩٠٠ ق) . دشواریهای آنرا گزارش داده .

ـ کرماستی یوسف پسرحسین (م٩٠٦ق) برآغازآن حاشیه دارد .

ـ حمیدی ، یوسف سنان‌الدین (م٩١١یا٩١٢) حاشیه‌یی براین شرح نگاشته ، ودر کتابچه دیگرچند پرسش واعتراض برآن وارد ساخته است ، وسپس چندتن باین پرسشها پاسخ گفته‌اند .

ـ سامسونی ، محیی‌الدین‌محمدپسرحسن (م٩١٩ق) حاشیه‌یی برشرح سیددارد .

ـ سعدی پسرتاجی بیك (م٩٢٢ق) نیزحاشیه‌یی برآن دارد .

ـ احمد پسراویس قرامانی (م٩٢٤ق) پرسشهای حمیدی‌را پاسخ گفته است .

ـ قره‌بالی پسرابیضی (م٩٢٩ق) نیزبآن اعتراضها پاسخ داده .

ـ مرزعونی قطب‌الدین (م٩٣٥ق) حاشیه‌یی برشرح سیددارد .

ـ یکانی ، ملاپاشا چلبی(م٩٣٨ق)اندکی حاشیه برآن‌دارد.

ـ حافظ‌الدین عجمی ، محمد پسراحمد . نیز حاشیه برآن نگاشته .

ـ طاشکبری زاده ، احمد پسرمصطفی (م٩٦٢ق) حاشیه‌یی براوایل این کتاب دارد .

ـ صالح پسرقاضی‌جلال (م٩٧٣ق) داوری نامه‌یی بنام «منافقدالراءین فی‌قواعد الفنین» برای شرح سعدتفتازانی وشرح میرسید شریف‌نگاشته .

ـ علاءالدین علی فناری .

ـ محیی‌الدین پسرمحمد شاه فناری .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

– علیشاه ، عبدالرحمان پسر صالحی امیر(م٩٨٧ق) .
– علی‌متق (م٩٨٧ق) حاشیه‌یی درجمادی‌دوم (٩٨٦ق) درمدرسهٔ خاصکیه نگاشته.
– قاضی‌زاده ، احمد پسرمحمود مفتی ، تاآخرفن دوم حاشیه نگاشته .
– محمد پسرسنان‌الدین یوسف (م٩٨٩ق) تاپایان «استعاره» حاشیه کرده .
– محمد پسرصاری کرزه تا باب استعاره حاشیه نگاشته .
– زکریا پسر بیرام القروی مفتی(م١٠٠٢ق)
– بستوی، محمد پسرموسی، برهمهٔ شرح میرحاشیه نگاشته ودرربیع یکم(١٠٤١) بپایانش رسانیده است .
– میرحسن ، حاشیه‌یی دارد که دوبرابر حاشیهٔ علی‌متق است .
– واسعی ، علی‌سی .
– بالی‌زاده ، ملامصطفی .

[١٥٢]

٨٤٤ نسخه بخط نسخ . نام نویسنده ابوالحمدمحمد پسرعثمان پسر مسعودملقب بمعیث درچهارشنبه نیمهٔ ذی‌قعده هشتصدوپنجاه وشش آنرا بپایان‌رسانیده است برخی عنوانها را با شنگرف نوشته وبرروی دیگران خط شنگرفی کشیده . در کرانه رویه‌ها پراست ازحاشیه های نگارنده باامضای(منه) چهاربرگ سفیددرآغاز وچهارتا درپایان نسخه اضافه شده‌است . روی برگ (١ـ الف) یادداشتهائی هست از جمله : مما‌ملکه الامیرالاعدل الاعظم امیر محمد جستخان بن الشهید السعید امیر علی مردان(١) خان ادام‌الله‌ظله . نسخهٔ دیگر از اینکتاب بشمارهٔ (٦٩٩٩) درسپهسالار دیده میشود که هم انجامش افتاده وهم نونویس است، وچون در(١٣١٦) از کتابخانه شیخ‌العراقین بیات خریداری شده ، درفهرست آن کتابخانه از آن یادشده است

(٣٠٣ ـ ٨ برگ) کاغذ اصفهانی . جلد تیماج سرخ عنوانی فشاری درونی ابری گل بوته .
الدازه : ١٤ × ٢٢ . ٣١تا٣٣ سطر .

[١٣٩] الشذور الذهبیة (دستورـ ترکی بعربی)

والقطع الاحمدیة

کتابی است عربی دردستورزبان ترکی . نگارنده دردیباچه، خودرا ابن‌محمد

(١) برای‌شناسائی این‌مردفهرست مجمع التواریخ مرعشی ،ومجمل التواریخ گلستانه دیده شود .

صالح شناسانده ، واین کتابرا بدستور یکی ازاشراف روزگار بنام منصور ، وبرای آموختن بفرزند اواحمد نگاشته، وباو آموخته، وستایش بسیارازاین پدر وپسردردیباچه آورده است .

ونیزمیگوید این کتابرا بروش‌دستورهای‌زبان عرب‌نگاشتم وبه«الشذور الذهبیة والقطع الاحمدیة فی اللغة الترکیة» نامیدم ، وآنرا بریك دیباچه وچهار رکن‌ویك پایان‌نامه (خاتمه) بسیجیدم .

و در نگارش اینکتاب از سی و اند کتاب لغت عربی و ترکی و فارسی و (ترکی ـ فارسی) و(ترکی‌ـ‌نوائی) و(ترکی ـ پهلوی) مانند اختری کبیر(١) ومرقات‌البیان(٢) ونعمة‌الله (٣) وحلیمی چلبی ، وصحاح العجم (٤) وصحاح(٥) وجواهر العقود،وابن‌ملك،وتحفة‌الادب، وسلسلة‌الذهب،ونصاب‌الصبیان، وداستن ونسخهٔ شاهدی،وتحفهٔ‌حسامی ، ولغات گلستان، وابیات گلستان، ولغات مثنوی از ملاخنکاربعربی، استفاده کرده‌ام وسپس گوید :

دراین‌مدت دوشرح گلستان نیزازسیدعلی(٦) وسرودی چلبی ویك شرح دیباچهٔ گلستان‌وشرح‌تلخیص تفتازانی حاشیه‌دار، بدست آوردم، ولی هیچیك برای آموختن ترکی بعربان نبود، ومن کتاب خـودرا برای اینکار ساختم . وسپس کتابی‌منسوب بابوحیان نحوی بدستم رسید که درآغاز آن‌میگویند: آنرا ازروی دستور زبان عربی نگاشتم، و«الدرة‌المضیة فی اللغة الترکیة» نامیدم . ولی کتاب

(١) ازمصلح‌الدین مصطفی قره حصاری‌همزمان سلطان‌سلیمان عثمانی(ز٩٥٢)
(٢) مرقات‌اللغة عربی بترکی در کشف‌الظنون یادشده ، ونسخهٔ آن نزد دهخدا هست .
(٣) یافرهنگ نعمة‌اللهی فارسی بترکی از نعمة‌الله پسراحمد ، پسرمبارك‌رومی نسخهٔ آن در کتابخانهٔ دهخدا وسپهسالار هست . فهرست(٢٦٥:٢) .
(٤)ازهندوشاه نخجوانی (م٧٣٠ق)
(٥) از جوهری (م٣٩٣)
(٦) ص ١٤١ـ١٤٣ دیده شود .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ابوحیان دولغت ترکی تتری است(۱) ومن آنرا درمسافرت بدان دیاردیدم.

آغاز: الحمدلله الذی شرف الانسان وزینه بالنطق واللسان وکرمه علی سایر ... اما بعد فیقول المبتهل الی الله بالاعضاء والجوارح ،الراجی عفومولاه ابن محمد صالح ....

انجام: اسمع منی هذه النصیحة واقبلها - ایشت بنمن بونصیحتی وقبول ایله. انتهی الکتاب.

[۱۵۳]

۱۴۳ نسخه بخط نسخ نویسنده ناصر پسرحسین . وونویس آنرا دوشنبه در۲۵ رمضان ۱۲۱۸ق بپایان رسانیده . دردفتری جادارد که: رسالهٔ عرفان فیض (گ۱-۹) ومختصر شواهد مغنی (گ۱۰-۱۶۷) و این کتاب (۱۶۸ - ۱۹۷) وشرح خلاصة الحساب را دربردارد . روی برگ یکم این کتابچه (گ۱۶۸-الف)دفتر تملك میرزاآقا فرزند آخوندملا سلمان درساوجبلاغ تهران بتاریخ دوشنبه یکم ربیع یکم(۱۱۳۱) دیده میشود وبنابراین تاریخ (۱۲۱۸) درپایان نسخه اشتباه است عنوانها وواژههای ترکی بشنگرف ، وعربیها بامشکی نوشته شده است.

همهٔ دفتر۲۵۴ برگ . این کتابچه۲۹ برگ کاغذ سفید. جلدتیماج سرخ مقوائی فرسوده.
اندازه: ۱۶×۲۲ ، ۱۸و۱۹سطر.

[۱۴۰] شمس العلوم (لغت عربی)

این کتاب که «شمس العلوم ، ودواء کلام العرب من الکلوم ، صحیح التألیف والامان من التصحیف» نام دارد(۲) یکی از کتابهای مهم لغت است که درسدهٔ ششم نگاشته شده . نگارندهٔ درگزارش هر واژه بگفتگوی لغوی بسنده نکرده ، وآنچه دربارهٔ آن میدانسته یادنموده است، چنانکه درواژهٔ «بیت» جاهای بکاربردن

(۱) درحاشیهٔ این نسخه شماره (۱۴۳) برگ ۱۷۲ب نوشته شده : تتر قلیمی در حوالی استانبول است (پایان) ولی گمان میکنم ترکی خاوری‌را خواسته باشد .

(۲) چلبی نام کتاب‌را «شمس العلوم» تنها آورده ، وجرجی زیدان درآداب اللغة ج ۱۹۳۱ ج ۳ ص۵۷-۵۸ پایان نام آنرا «والامان من التعریف» نوشته ، و در معجم المطبوعات بجای کلوم «کلام» نوشته است ، ولیکن نسخه‌های شمارهٔ ۲۳۷ و ۲۲۶ و۲۳۷و۲۲۸ دانشگاه که درست‌تر از دیگرانست ، چنانست که در بالا یادشده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آنرا دراصطلاحهای ستاره‌شناسی یاد کرده ، ودرواژهٔ «دایره» جاهای بکاربردن آنرا درشعرشناسی (عروض) واقسام آنرا یاد کرده وپیکره‌هائی نیز از آنها نشان داده است . ودرواژهٔ «دجاجه» از نظر پزشکی ودر «ذهب» از نظر زمین‌شناسی گفتگو کرده است.

دربارهٔ نام کسانی مانند «زیاد» از تاریخ ، ودر واژه هـای مذهبی از نظر مذهبی گفتگو کرده است ، واز این روی چلبی روش این کتاب را شگفت‌انگیز شمرده است وجرجی زیدان آنرا مانند دائرة المعارفهای امروزی دانسته است .

این کتاب را بشمارهٔ حرفهای الفباء تازی در آغاز هرواژه ، بخش کرده ، وهربخش را (کتاب ...) نامیده است . وآنرا بدو بخش کوچك (اسم) و (فعل) پیچیده است .

چلبی در کشف الظنون گوید این کتاب درهیجده بخش میباشد، وجرجی زیدان این‌را باز گو کرده . ولی درپایان (حرف - د) (گ ۱۷۳) نسخهٔ شمارهٔ (۲۳۷)دانشگاه نوشته شده: تم الربع الاول... ویتلوه فی الربع الثانی... وآشکار است که کتاب بچهاربخش بوده است . نشوان سعید برای این کتاب دیباچه‌یی به (۵۰۰ بیت) دردستورهای صرفی زبان عرب نگاشته ودر آن‌جا نام کتاب‌را آورده است .

چنانکه ازپیش گفتار کمال مصطفی بر کتاب «حورالعین» برمی آید شمس العلوم درمصر زیرچاپ میباشد .

آغاز: بسم‌الله الرحمن الرحیم ، وعلی نبیه محمد افضل التسلیم. الحمدلله الواحد القدیم ، القادر العظیم ، العزیز العلیم ، الصانع الحکیم ... وسمیته بشمس العلوم ودواء ...

وقلت فی ذلك

کتاب یمان یجمع العلم کله — و یعجز عن مثل له الثقلان
وفی سنة السبعین والخمس تم ما — جمعت من التصنیف فی رمضان

وپس ازسرودن هفت بیت بقافیهٔ نون وچهار بیت فائی ودوبیت بائی ودوصفحه نثر درستایش کتاب خویش، گوید : مقدمة الکتاب فی التصریف . اعلم ان کل ما وضع فی هذه اللغة العربیة .. این پیش گفتار درصرف است و (۵۰۰ بیت نوشته) دارد ، وپس از آن کتاب الهمزة باب الهمزة آغاز شده است .

انجام بخش یکم: م . تخیم الرجل بالموضع اذا عمل فیه له خیمة والله اعلم وعلی النبی و آله السلام تم الربع الاول ویتلوه الربع الثانی متضمن اول حرف الدال ..

آغاز بخش دوم : بسمله . الحمدلله الواحد القدیم، وعلی نبیه محمد و آله افضل التسلیم . کتاب الدال . باب الدال وما بعدهما من الحروف . فی المضاعف. الاسماء. فعل، بفتح الفاء وسکون العین . ث . الدث . بالثاء بثلاث نقاط المطر الضعیف . ر . الدر ....

انجام بخش دوم: التفاعل . تشاءم الرجل اذا اخذ نحو الشام . تشائما ای ماینهما تباعد. تم ....

نگارنده: امیر ابوسعید نشوان پسرسعید پسر نشوان حمیری یمنی معروف بقاضی ازاشراف وبزرگزادگان یمن درسدهٔ ششم است که شاعر وادیب ودانشمند نیز بوده است ، وی خود را ازنوادگان پادشاهان باستانی آن کشور (اذواء) و از نژاد قحطان میشمرد ، وبسیار بخود وخاندان خویش مینازد ، و در برتری نژاد قحطان برعدنان شعرها سروده است، ولی بگفتهٔ قفطی شعرا ودانشمندانه و بی مزه است . درزمان او یمن بدست بزرگان واشراف بخش شده بود وازاین روی اوهم بفکر حکمرانی اوفتاد ، وازنفوذ مذهبی خویش درمردم کوه (صبر) استفاده کرده ، چند دژلشکری را گرفته خودرا امیروملك خواند دراین هنگام سه تن دیگرنیز بریمن فرمانروائی داشتند .

۱ – حاتم پسرعمران پسر کریم (م۱۱۶۱م) .

۲ – علی پسر مهدی حمیری (م۵۴۴ق = ۱۱۴۸م) .

۳ – متوکل علی الله احمد پسرسلیمان (م۱۱۷۱م) .

ازفرزندان نشوان دوتن شناخته هستند : الف ـ جعفر پسر نشوان که وصیتنامه‌یی برای وی نگاشته ، ب ـ محمد پسر نشوان که شمس العلوم را کوتاه کرده و ضیاء الحلوم نامیده که نسخهٔ آن بشماره‌های ۲۲۶و۲۲۷ و۲۲۸ دراین کتابخانه هست ویاد خواهد شد .

زایچهٔ نشوان در دست نیست ، ولی تاریخ مرگ او را ۲۴ ذیحجهٔ سال (۵۷۳ق) نوشته‌اند ولی چنانکه ازدیباچهٔ کتاب شمس العلوم برمیآید(۱) اینکتاب دررمضان (۵۷۵) نگارش یافته و بنابراین مرگ نگارنده پس از این تاریخ میباشد .

گزارش زندگی نشوان را یاقوت درمعجم الادباء (حرف ـ ن ـ نشوان) و چلبی در کشف الظنون (حرف ش ـ شمس العلوم) وبرو کلمان ازخریدة القصر عمادالدین و جرجی زیدان در آداب اللغة (سدهٔ ششم) و کمال مصطفی درپیش گفتار چاپ کتاب حورالعین آورده‌اند .

آثار او :

ـ کتاب القوافی . نسخهٔ آن درلیدن هست (جرجی زیدان)

ـ حورالعین . بکوشش کمال مصطفی با پیش گفتار و حاشیه در مصر بسال ۱۹۴۸م در(۳۷۵ص) چاپ شده است

ـ القصیدة الحمیریة : یانشوانیة که آنرا فون کریمر درلایبزیك ۱۸۶۵م چاپ کرد . و کاپیتان پریدو(۲) آنرا بانگلیسی ترجمه وبسال (۱۸۷۹م) چاپ کرد وآن تاریخ شاهان یمن و کوتاه شدهٔ «السیرة الجامعة لاخبار ملوك التابعة» میباشد

ـ گلچین از شمس العلوم . آنچه را دربارهٔ یمن دراین کتاب بوده بیرون آورده‌اند وبکوشش عظیم الدین احمد بوسیله بنگاه اوقاف گیب آنرا بافهرست نامهای کسان وجاها در(۱۱۹ص) درلیدن بسال ۱۹۱۶م چاپ کرده است .

---

(۱) خود گوید :

وفی سنة السبعین والخمس تمها ... جمعت من التصنیف فی رمضان .

(۲) Capitain . W . F . Prideaux

- کتاب القوافی یا «بیان مشکل الروی وصراطه السوی»(۱)
- التبیان فی تفسیر القرآن
- احکام صنعاء و بید.
- وصیتنامه برای فرزندش جعفر.
- منظومه درماههای رومی.
- کتابچه درصرف عربی.

[۱۵٤]

۲۲۷ نسخه بخط نسخ. نام نویسنده وتاریخ ندارد. این مجلد دوبخش یکم ودوم ازچهاربخش کتابرا دربردارد. بخش نخست حرفهای (الف تا خ) را دربردارد ودر(گ ۱ تا ۱۷۳) جاگرفته است. بخش دوم حرفهای (دال_تا_شین) را دارد ودر(گ ۱۹۹ تا ۳۳۵) جاگرفته است. برگهای (۱۷٤_تا_۱۹۸) مکرر آغاز بخش دوم است که نویسنده اشتباهاً آنرا دوبار نوشته است. عنوانهای بزرگ را با خامهٔ درشت سیاهی نوشته وعنوانهای کوچك وعنوان کتابها وبابهارا باشنگرف نوشته است. اعداد کیهارا دو کرانه نوشته. فهرست این مجلد چنین است: دیباچه ۷_۹ حرف الف ۹_۳۵، ب ۳۵، ت ٦۳، ث ۷۰، ج ۷۹، ح ۱۰۷، خ ۱٤٦ (مکرر ۱۷۳_۱۹۸) د ۱۹۹_تا ۲۱۹، ذ ۲۱۹، ر ۲۲۷، ز ۲٦۳، س ۲۷۵، ش ۳۰۹ تا ۳۳۵ که پایان نسخه است. نسخهٔ دیگر این کتاب درسه جلد (۱۵۰۰ص) در کتابخانهٔ خدیوی هست.

۳۳۵ برگ، کاغذ اعلی اصفهانی. جلد مقوا رویه پارچه تیماج حنائی.
اندازه: ۱٦×۲۷ و ص ۱۰×۱۹٫۵، ۲٤ سطر.

[۱٤۱] صرف (رد الهدر ...) (عربی)

آغاز وپایان نسخه افتاده ونگارنده شناخته نیست. فهرست آنچه ازین کتاب بجامانده: بخشی از باب پنجم در مصدرهای گوناگون باب ٦ اسم فاعل باب ۷ دستورهای افزودن و کاستن حرف از واژه‌ها. باب ۸ جابجا کردن (قلب و ابدال) حرف در واژه‌ها. باب ۹ دستورهای همزه. باب دهم گشودن برخی گره‌ها وروشن ساختن دشواریها (حل العقد) و در پایان این باب (بر گ ۲۹_الف) گوید: وهذا حین

(۱) کتاب حور العین از همان نگارنده چ ۱۹٤۸م. مصر. ص ۸۷.

افتح التصریف فابدأ بالثلاثی الصحیح .... دراین بخش مثالهای ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، فاعل، مفعول، صحیح، معتل، مضاعف از بابهای ششگانه ثلاثی مجرد را، دسته دسته آورده وسپس بابهای ثلاثی مزیدرا زیرعنوان «باب الافعال المنشعبة» یاد کرده است.

[۱۵۵]

۲۲۵ نسخه بخط نسخ. آغاز وپایان نسخه افتاده. تاریخ و نام نویسنده ندارد، ولی با نسخهٔ رساله نحوفارسی که در ۷۲٦ نوشته شده ودریك جلداست وخط وکاغذ آنها بیکدیگر نزدیك است. عنوانها باشنگرف است. در دفتری جا دارد وبرگهای (۱ تا ٤۸) آنراگرفته است.

همهٔ دفتر (۷۰ برك) این کتابچه (٤۸ برك) کاغذ سمرقندی نخدی رنك.
جلد فرسوده بود و توسط کتابخانه ازاو صحافی شد. تیماج قهوه‌یی مقوایی.
اندازه: ۱۲×۱٦ : ۱٦ سطر.

[۱٤۲] ضیاء الحلوم فی مختصر شمس العلوم (فرهنك - عربی)

خود شمس العلوم در (ص ٤۲۰ - ٤۲٤) یاد گردید ودراینجا از کوتاه شدهٔ آن که ضیاء الحلوم نام دارد گفتگو میداریم.

چنانکه گفتیم نگارندهٔ شمس العلوم پسری دانشمند بنام ابوعبدالله محمد پسر نشوان داشته ووی کتاب پدر را کوتاه کرده است. این کوتاه شده چندان ازاصل شمس العلوم کوچکتر نیست، و فقط شاخ وبرگهای بیرون از اندازه را که بدانشهای گوناگون بستگی داشته، ودرخور یك لغتنامه نبوده از آن جدا کرده است. از گزارش زندگی نگارنده محمد پسر نشوان چیزی جز آنچه دربارهٔ پدرش درهمانجا گفتیم دردست نیست. جرجی زیدان(۱) نسخه‌یی از ضیاء الحلوم را در کتابخانهٔ ایاصوفیه نشان داده است. کمال مصطفی (۲) نیز دو جلد از آنرا در کتابخانهٔ عاشریه در استانبول بشماره‌های ۱۰۹۱ و ۱۰۹۲ نشان داده است.

آغاز بخش یکم: الحمدلله الواحد القدیر القادر العظیم العزیز العلیم ....

(۱) تاریخ آداب اللغة العربیة چ ۱۹۳۱ مصر. ج ۳ - ص ۵۷ و ۵۸.
(۲) پیش گفتار کمال مصطفی برچاپ حور العین.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

وسميته كتاب شمس العلوم ودواء . . . وقلت في ذلك :

كتاب يمان يجمع العلم كله ‌ ‌ و يعجز عن مثل له الثقلان

وفي سنة السبعين والخمس تم ما ‌ ‌ جمعت من التصنيف في رمضان

وپس از سرودن هفت بيت تولی وچهارقافی ودوبائی وچند سطر نثر در ستايش كتاب خويش، گويد: «مقدمة الكتاب في التصريف...» چنانكه ديده ميشود ديباچهٔ ضياء العلوم همان ديباچهٔ اصل شمس العلوم است وفقط پيش گفتار صرف اندكی كوتاه شده است .

انجام بخش يكم از نسخهٔ دانشگاه افتاده است ، وآغاز آخرين باب آن چنين است : باب الدال والراء وما بعدهما . الاسماء . . .

آغاز بخش دوم : بسمله . حمد له . باب الدال والواو وما بعدهما الاسماء : فعل بفتح الفاء وسكون العين (ح) الدوح بالحاء السحر العظام وهو جمع دوحة قال . . . شعر . . .

انجام بخش دوم نيز از نسخهٔ دانشگاه افتاده است . آغاز آخرين باب آن چنين است : باب العين واللام وما بعدهما . الاسماء : فعل بفتح الفاء وسكون العين (ق) الغلق من اغلاق الباب . قال اعرابي : شعر . . .

آغاز بخش سوم : كتاب الفاء . . . الاسماء : فعل بفتح الفاء (ث) الغث بالثاء المعجمة بثلاث ، حب الحنظل .

انجام بخش سوم : فقلت حذفت الهاء . قال يا بنة عبالا تلومي واهجعي . تم الكتاب .

[١٥٦]

٢٢٦ اين نسخه بخش يكم از سه بخش ضياء العلوم است . هيچيك از اين سه بخش تاريخ ندارد ولی چنانكه در پشت برك (٣ـ الف) بخش سوم (شمارهٔ ٢٢٨ دانشگاه) نوشته شده ودر كليشهٔ شمارهٔ (١٨) در (ص ٤٢٨) ديده ميشود، نگارندهٔ كتاب را با جملهٔ [وفقه الله للخير] ياد كرده است وبنا بر اين در روزگار وی درسدهٔ ششم نوشته شده است .

اين سه جلد مدتی در كتابخانهٔ شاهرخ پسر امير تيمور گوركان (م. ٨٥٠ق) بوده ومهروی [من كتب خزانة السلطان الاعظم شاهرخ بهادر] در برگهای زير ديده ميشود (ج ١ گ ـ ٣٧ و ١٦١ ج ٢ گ ٩٢ و ١٧٦ و ج ٣ گ ١٢ و ٩٣) وسپس بحجاز رفته است وچنانكه

از پشت برك (٣ ـ الف) بخش سوم برميآيد و دركليشه نيز ديده ميشود ، كسی آنرا درسال (٩١١ق) درمكه ببهای شش اشرفی عثمانی خريداری كرده وبايران باز گردانيده است . هرسه بخش بيك خامه بخط نسخ نزديك بثلث نوشته شده . نام نويسنده وتاريخ ندارد . آغاز بخش يكم درست ولی از پايانش يك برك افتاده است .

در پايان اين جلد يك سطر از باب الدال والهاء بجا مانده و باقی آن افتاده است ودر جلد پسين به (باب الدال والواو) آغاز ميشود . نسخه را تصحيح كرده و افتادگيها در كرانهها نوشته اند . حاشيههائی بامضاهای (نهاية ابن اثير) و (صحاح جوهری) وجز آن دارد . از برك (١ تا ١٤) ديباچهٔ كتاب است واز برك (١٥) باب همزه آغاز شده است . عنوانهای درجهٔ دوم با شنگرف وعنوانهای بزرك با سياهی درشت نوشته وگاهی آنرا نيز با شنگرف آميخته است .

(١٩٥ برگ) كاغذ سمرقندی . جلد تيماج مشكی عنوانی درون تيماج قهوهای الدازه : ١٧/٥ × ٢٥/٥ و ١٢ × ١٩ ، ٢٩ ، ٢٨ سطر .

[١٥٧]

٢٢٧ نسخه بخط نسخ نزديك بثلث سدهٔ ششم ، دنبالهٔ نسخهٔ شمارهٔ ٢٢٦ است وباهمان خامه نوشته شده ودومين جلد از سه جلد آنست از (باب الدال والواو) آغاز ، و به (باب الغين واللام) پايان يافته . وبابهای غين باحرفهای پس از لام همگی از پايان اين نسخه افتاده است ، ودر جلد سوم از (باب الفاء) آغاز شده است . عنوانها وديگر خصوصيات اين نسخه مانند نسخهٔ ٢٢٦ ميباشد . در پشت برك (١ ـ الف) يادداشتها وتملكها مانند تملك نظام الدين جيلانی وابوالقاسم محمد بن حسين الحسنی ديده ميشود . در بالای صفحه باخامهٔ سياه ودرشت نوشته شده : الجزء الثاني من ثلاثة اجزاء من كتاب ضياء العلوم في اللغة ، وسپس باشنگرف نوشته شده : المختصر من شمس العلوم ـ اختصر القاضي الاجل الفاضل محمد بن نشوان بن سعيد الحميری تولی الله مكافاته .

(١٩٩ برك) كاغذ نخدی سمرقندی . جلد تيماج مشكی عنوانی فناری ـ درون تيماج قهوهای ، اندازه : ١٧/٥ × ٢٥/٥ و ١٢ × ١٩ ، ٢٩ و ٢٨ سطر

[١٥٨]

٢٢٨ اين نسخه جلد سوم از سه جلد ضياء العلوم است ودنبالهٔ نسخه ٢٢٧ و ٢٢٦ ميباشد وبا همان خامه ودرهمان تاريخ نوشته شده . از (باب الفاء) آغاز وبه (باب الياء والهمزه) كه آخر كتاب است پايان يافته . نسخه تمام است ولی نام نويسنده وتاريخ ندارد . ولی در پشت برك (٣ ـ الف) كه برك يكم كتاب است پس از نام نگارنده جملهٔ [وفقه الله للخير] نهاده وبنا بر اين اين نسخهٔ سه جلدی در روزگار زندگی نگارنده اش محمد پسر نشوان نوشته شده .

كتابخانه مركزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

فهرست آنچه بریشت برك (٣ - الف) بخش سوم ضیاءالعلوم (شمارهٔ ٢٢٨ دانشگاه) نوشته شده و کلیشهٔ آن را دربرابرخود می بینید چنین است :

١- نام کتاب دردوسطر درشت ، ٢- نام نگارنده درسه سطر ریز ، ٣- تملك ابوالقاسم بن محمدبن الحسین نزیل حرم شریف ، ٤- خریداری نسخه درمکه در (٩١١ق) ببهای شش اشرفی زر بدست حسن پسر نوح پسر یوسف هندی بردحی ، ٥- تملك شیخ جعفر پسر شیخ خضر (جدخاندان کاشف الغطاء در نجف) ٦- مهر حکیم الملك ، ٧- تملك نظام الدین جیلانی که بجلیبا درزیر مهر دیده میشود ، ٨ - تملك مرتضی بن احمدالحسینی الرشتی (گویا همان است که قبر او دررواق کاظمین نزدیك گورشیخ مفید شناخته است) ومهر او [المتوکل علی الله عبده مرتضی الحسینی] دردست چپ بالای صفحه دیده میشود . ٩- تملك عبدالله بن الحاج محمد نجف الاغا در کناردست چپ صفحه ونیز دردست راست خط شیخ جعفر دیده میشود .

(١٧٤ برك) است که ٢ برك آغاز و ١ برك پایانی سفید میباشد . کاغذ نخودی رنگ . جلد تیماج مشکی متوالی فشاری . درون تیماج حنائی . اندازه : ١٧/٥ × ٢٥/٥ و ١٣ × ٣/٥ با ٣٢ سطر .

[١٤٣] العقود الرقیمیه فی الصنایع البدیعیة (بدیع - عربی)

علم بدیع در آرایش عبارت وجمله پردازی برای نگارش وسخنرانی گفتگو میکند . درباریان و اشراف باین علم اهمیت بسیار میداده اند و از این روی کتابهای بسیار دراین علم نگاشته شده . جای گفتگو کتابچه ایست که عبدالعلی حویزی در ٢٦ صفحه کوچك نگاشته که در پیرامن (٢٠٠ بیت نوشته) دارد . این کتابچه یك دیباچه و یك خاتمه وچند (عقد) دارد و آنرا برفیع الدین محمد پیش کش نموده است. نگارنده یك نسخه ازاین کتابچه بخامهٔ خویش نوشته وبآن مرد پیشکش کرده است . وی درنوشتن رویهٔ نخست ودوم وسوم کتاب هنر بکار برده : واژه هائی که درآغاز وپایان هرسطرجا دارد جدا نیز خوانده میشود . این واژه ها را هم میتوان افقی خواند وهم میتوانیم ستونی ، از بالای صفحه بپائین بخوانیم . وی این واژه ها را باشنگرف نوشته ومن دراینجا آنها را درمیان دوابرو مینهم .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

(١٨) برگ (٣ - الف) ضیاءالعلوم شمارهٔ (٢٢٨) دانشگاه .

آغاز :

احمد من قصر د[ای] کل عن ادراك ذاته ، واعجز کلمن بر[وی] شیئاحصر صفاته الذی جعل ماحا[که]من بدیع صنعه دلیلا علی نفی مشار[که] وضده. سبحانه...

ازتر کیب واژه‌های میان نشانی درصفحه اول کتاب که ۱۲ سطردارد این شعر بیرون میآید (۱) :

ای که ازجود کفت دریا بود دراضطراب

وی که‌مهر ازشرم رایت‌پرده‌دارد ازسحاب

بسم الله الرحمن الرحیم

احمد من قصر رای کل عن ادراك ذاته واعجز کلمن بر وی شیئا حصر صفاته

الذی جعل ماحاکه من بدیع صنعه دلیلا علی نفی مشارکه وضده سبحانه

من حکیم علیم اذا اعترض فی قلوب اولیائه بصوب ... اوعطائه

(۱۹) سه سطراول کتاب العقودالرقیمه . شماره ۲۱۹ کتابخانهٔ دانشگاه

الرابع التضمین وهوان تعلق قافیة البیت الاول

بالبیت الثانی الخامس السناد ان تأتی القافیة

تارة مؤسسة وتارة غیرمؤسسة اوتارة مردوفة

وتارة غیرمردوفة

هذا ما اردنا ایراده والحمدلله وحده

تمت بقلم مولفها الفقیر عبدالعلی

(۲۰) برك ۱٦ ـ الف العقودالرقیمه بخامه نگارنده‌اش وامضای او : الفقیر عبدالعلی . شمارهٔ ۲۱۹ کتابخانهٔ دانشگاه

انجام : الثالث الایطاء وهو تکریر... الخامس السناد : ان تأتی القافیة تارة مؤسسة وتارة غیرمؤسسة ، اوتارة مردوفة وتارة غیرمردوفة .هذا ما اردنا ایراده.

(۱) کلیشه شمارهٔ (۱۹) دیده شود .

والحمدلله وحده .

نگارنده : عبدعلی پسر ناصر پسر رحمة حویزی بحرینی است که سیدعلی‌خان مدنی (۱) وشیخ حر(۲) وبپدرم (۳) گزارش زندگیش را آورده گویند دربصره بسال (۱۰۵۳ق)درگذشت وی شاگرد شیخ‌بهائی بوده است .

[۱۵۹]

۲۱۹ نسخه بخط نسخ . نویسنده همان نگارنده ، عبدالعلی حویزی است و نام خود را در پایان نسخه (گــ ۱٦ ـ الف) بشکل امضاء نوشته است . تاریخ ندارد ، عنوانها با شنگرف است .

(۱٦ برك) کاغذ نخدی . جلد تیماج سرخ مقوائی . الداره = ۱۲/۵×۱۹/۵ و۷×۱۴ ۱۲ سطر .

[۱٤٤] عوامل جرجانی (نحو ـ عربی)

«عامل» دراصطلاح دستورزبان عربواژه‌هائی‌را گویند که مانند پیشوند برسر واژه دیگر درآید و درآهنك آن اثری گذارد . و چون پایهٔ دستورهای نحو زبان عرب برشناسائی این عاملها استوار است ، کسائی (٤) اینها راگرد آورده‌اند واین گونه کتابهارا «عوامل» خوانده‌اند . یکی‌از کسانی که عوامل‌را گرد آورده کتاب ساخته عبدالقاهر جرجانی (م ٤٧١ ق) پسر عبدالرحمان است ، که در (ص۳۸۲) «جمل النحو» وی یادشد . این کتاب چندین سده درشمار کتابهای درسی ادب درخاورمیانه بوده و شرح و حاشیه و پیرایهٔ بسیار بر آن بسته‌اند ومن بنامترین آنها را که در کشف‌الظنون دیده میشود یاد میکنم :

(۱) درسلافة‌العصر .

(۲) درامل‌الآمل چ ۱۳۰٦ (درمجموعه) ص ٤٨١.

(۳) درذریعه ج ٤ ص ۷۱و۲۸۱ و ج ٦ ص ٤۳ .

(٤) مانند ابوعلی‌فارسی (حسن پسر احمد) (م۳۷۷ ق) وعلی‌پسرفضال مجاشعی قیروانی (م ـ٤٧٩ق) وجرجانی (جای گفتگو) که هریك کتابی دراین‌باره نگاشته‌اند وکسائی نیزعوامل را بنظم آورده است (کشف‌الظنون) .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

- میر سید شریف جرجانی (م - ۸۱۶ ق) حاشیه بر آن نگاشته .
- بدرالدین محمود پسر احمد عینی حنفی (م - ۸۵۵ ق) آنرا شرح کرده .
- یحیی پسر بخشی (م ۹۰۰ ق) آنرا شرح کرده و « لمح المسائل النحویة » نامیده است .
- حسام الدین حسین توقانی (م ۹۲۶ ق) شرحی کوچك و پرمایه بر آن نگاشته .
- طاشکبری زاده ، احمد پسر مصطفی (م - ۹۶۲ ق) نیز آنرا شرح کرده است .
- أشق قاسم آزنیقی (م ۹۴۵ ق) کتابی در اعراب و ترکیب آن نگاشته .
- حاجی بابا پسر ابراهیم طوسی . آنرا شرح کرده .
- یحیی (عبدالمجید) پسر نصوح پسر اسرائیل . آنرا شرحی آمیخته نگاشته است .
- صوفی زاده ، محمد پسر احمد داعی ادرنوی (م ۱۰۲۴ ق) آنرا بشعر ترکی سروده است .
- ابراهیم پسر احمد جزری « اعراب فی ضبط عوامل الاعراب » نگاشته .
- کمال الدین مدرس . آنرا بترکی گردانیده است .

« عوامل جرجانی » با چند کتابچهٔ دیگر دریکجا بنام « جامع المقدمات » گرد آمده و چندین بار چاپ شده و نیز بتنهائی در لیدن (۱۶۱۷ م) و کلکته (۱۸۰۳ م) و بولاق (۱۲۴۷ ق) چاپ شده است .

آغاز: العوامل فی النحو علی ما الفه الشیخ الامام عبدالقاهر بن عبدالرحمان الجرجانی (ره) مأیة عامل . لفظیة و معنویة . فاللفظیة منها علی ضربین سماعیة وقیاسیة، فالسماعیة منها احدوتسعون عاملا والقیاسیة منهاسبعة عوامل، والمعنویة منها عددان . . .

گزارش زندگی جرجانی در : الانباری ۱۳۴ . فوات الوفیات ۱ : ۲۹۷ . بغیة الوعاة ۳۱۰ . طبقات سبکی ۳ : ۲۴۲ . روضات الجنات ۴۴۳ . مفتاح السعادة

۱ : ۱۴۳ . شذرات الذهب ۳ : ۳۴۰ . آداب اللغة جرجی زیدان ۳ : ۴۴ و کشف الظنون درعنوان کتابهایش آمده است .

[۱۶۰]

۸۳۸ نسخهٔ بخط نسخ ، تاریخ و نام نویسنده ندارد ، ولی در دنبالهٔ نسخهٔ « وافیه » در شرح کافیه که بتاریخ ۹۱۲ نوشته شده ، آمده است . و از برك ۱۶۹ تا ۱۷۰ آن دفتر را گرفته .

همهٔ دفتر ۱۷۲ برك . این کتابچه ۲ برك . کاغذ ترمه اصفهانی . جلد تیماج زرد مقوائی تو لوسط کتابخانه تجلید شده . اندازه : ۱۶×۲۵ ، ۱۸ سطر

[۱۴۵] فتوحات المفتاح (معانی بیان - عربی)

مفتاح العلوم سکاکی (م ۶۲۶) در (حرف - م) خواهد آمد ، و آنرا شرحهای بسیار هست ، و یکی از آنها نگارش میرسید شریف جرجانی در (ص ۴۱۶-۴۱۸) یادشد . شرح دیگر که جای گفتگو است فتوحات المفتاح نامیده شده . نگارنده در دیباچه میگوید در تبریز آنرا نگاشته و بدین نام نامیده ، و آن فقط بر بخش سوم مفتاح در معانی و بیان میباشد ، و آنرا بوزیر مدبری پیش کش ساخته ، و جای نام وزیر در نسخهٔ دانشگاه سفید مانده است . آغاز و انجام نسخه افتاده است ، و من برای نشانه فقط برخی جمله‌های صفحهٔ اول و دوم را در اینجا میآورم :

هذا و ان سائق التوفیق بعد قد ساقنی الی منبت التحقیق . . . دار الملك تبریز . . . التمس منی اکابر اهل زمانی . . . ان اعمل للقسم الثالث منه شرحاً . . . وتصدیت لمقترحهم المترجم بفتوحات المفتاح ... همه جا از الشارح المحقق والشارح العلامة الحکیم الفیلسوف ، وشمس الدین معزی (۱) وجز ایشان نقل کند .

[۱۶۱]

۸۳۹ نسخه بخط نسخ باختری در پیرامن سدهٔ هشتم نوشته شده است . آغاز و انجام نسخه افتاده و نام نویسنده ندارد . روی عنوانها خط شنگرفی کشیده و عنوانهای مهم با شنگرف است .

---

(۱) چندتن از شارحان مفتاح در (ص ۳۳۴ و ۴۱۷) یاد شدند .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

(١٩٠ برگ) کاغذ سمرقندی نخدی . جلد تیماج مشکی متوالی فرسوده .
اندازه : ١٦×٢٤ و ١٢×١٩ ؛ ٣٣ سطر .

[١٤٦] قافیه (رسالة ...) (عربی)

چون دستورهای قافیه درشعر، ازدستورهائی بشمارمیرفت که پیروی از آنها لازم وحتمی بود، ازاین روی آنرا ازدیگردستورهای شعر جدا کرده و کتابها دربارهٔ آن نگاشته‌اند . جای گفتگو کتابچه‌ئیست درقافیه شناسی که نگارندهٔ آن شناخته نیست ودر پیرامون (١٠٠ بیت نوشته) دارد .

آغاز : اعلم ان القوافی علم شریف نسبته الی العروض کنسبة التصریف الی النحو ..

انجام : اخطأ الا انه کلما زمی بسهمه الحشا کلها . هذا آخرما تیسر جمعه .

[١٦٦٢]

٩٤٣ نخستین کتابچهٔ این دفتراست . برگها (١ تا ٤٤) آنرا گرفته . خط نستعلیق نام نویسنده و تاریخ ندارد . عنوانها با شنگرف است . حاشیه ها با امضای (ه) و(ج) و(س) و(قاموس) وجزآن دارد .

همهٔ دفتر ٨٩ برگ . این کتابچه چهار برگ . کاغذ سفید . جلد متوالی فرسوده . اندازه ٩×١٦ و ١٢×٢١ ؛ ٢١ سطر .

[١٤٧] القاموس المحیط والقابوس الوسیط (فرهنگ - عربی)

الجامع لماذهب من کلام العرب شماطیط

اندکی از تاریخچهٔ لغتنامه‌نگاری درعرب در (ص ٣٣٥ - ٣٢٩) یاد شد . دراینجا فقط دربارهٔ یکی از بنامترین فرهنگنامه های عرب گفتگومیکنم . این کتاب را نگارنده‌اش دربرابرصحاح اللغهٔ جوهری نگاشته ، وواژه‌های بسیار برآن افزوده وپرگوئیها را کاسته،وبجای برخی ازجمله‌ها که بسیار بکار میرود نشانه بکاربرده (چون ع = موضع = جا . د = بلد = شهر . ة = قریة = ده . ج = جمع . م = معروف) ودردیباچه بدانها اشارت نموده ، ونیز گوید : پیش ازاین میخواستم کتاب بزرگی درلغت بسازم وبنگارش « اللامع المعلم العجاب ، الجامع بین المحکم والعباب » دست زدم و آنرا درشصت سفر برآورد کردم ،

ولی دیدم بزرگی ، آنرا ازدسترس دانش پژوهان دورمیدارد،پس بنگارش این کتاب با انداختن شواهد دست زدم ،وآنرا درخانهٔ خودم بر کوه صفا دربرابر مکه بپایان رساندم . این کتاب چند بـار برنگارنده خوانده شد و ازاین روی نسخه‌های گوناگون دارد . و آخرین خواننده آن برنگارنده بتاریخ (٨١٣ ق) بوده ونسخهٔ آن ازهمهٔ نسخه‌ها حتی نسخهٔ مدرسهٔ باسطیهٔ قاهره که بخط نگارنده است بزرگترمیباشد . قاموس دوبرابرصحاح واژه دربردارد ، وصحاح درپیرامن (٥٥٠٠ ریشه) را گزارش داده است ، ولی نگارنده تاج العروس ریشه‌ها و همهٔ مشتقات آنرا بشمار آورده و گفته است : قاموس شصت هزار وصحاح چهل هزار واژه دربر دارد . برای بسیج واژه‌ها ، فیروزآبادی حرف پایان ریشه را باب (بزرگ بخش) وحرف نخست آنرا فصل (کوچك بخش) گرفته است .

کسان بسیار دربارهٔ قاموس کار کرده‌اند وفهرست آنها در کشف الظنون ودیباچهٔ تاج العروس آمده است ، وابن یوسف درفهرست سپهسالار (ج٢ص٣٣٧ تا ٣٤١) آنرا بچهل وسه شماره رسانیده است ، ودراینجا چند شماره برآن افزوده میشود : اسماعیل پاشا درذیل کشف الظنون آرد :

- محمد پسر حسن شیروانی (م ١٠٩٨ ق) قاموس را شرح کرده است .
- بدرالدین محمد پسر احمد مدنی . برشرح قاموس حلبی حاشیه نگاشته است .

صاحب الذریعه گوید :

- مفتی میرمحمد عباس شوشتری (م - ١٣٠٦ ق) حاشیه برقاموس دارد .
- محمد پسر یحیی قزوینی قاموس را بفارسی گردانیده (١) است و نیز مصدرها وجمعها که ازخامهٔ صاحب قاموس افتاده، گردآورده و« الجموع والمصادر » نامیده است (٢) .

چاپهای قاموس : سال ١٢٣٠ تا ١٢٣٢ ق درکلکته چاپ سربی درچهار

(١) نسخهٔ آن دراین کتابخانه هست ودر (ص ٣٤٤) یاد شد .
(٢) نسخهٔ آن درسپهسالارهست . فهرست ج ٢ ص ٣١٦ دیده شود .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

بخش ، در۹۷۸ص ـ بایش گفتار بانگلیسی ازلمسدن (۱) وزندگی نگارنده بزبان تازی ـ چ سنگ بمبئی۱۲۷۲ ق ـ چ لکهنو۱۸۸۵م ـ چ بولاق ، ۲بخش ، بکوشش شیخ نصر هودینی۱۲۷۲ ق ـ چ بولاق سال۱۳۰۱ تا۱۳۰۲ق ، ۲بخش ، باحاشیه القول المأنوس ـ چ بحریه استانبول سال۱۳۰٤ ق ، ٤بخش ، ۱۹۹۲ ص ، چ مصر ۱۳۱۹ ـ چ حسینیه ، ۱۳۳۰ ق ٤ بخش بکوشش هورینی . برخی از ترجمه‌ها وشرحهای قاموس نیز هریك جداگانه چاپ شده است .

نگارنده : ابوطاهر مجدالدین محمد پسر یعقوب پسر محمد شیرازی فیروزآبادی شافعی ، از دانشمندان بنام سدهٔ هشتم و نهم است . در کازرین (۲) فیروزآباد شیراز بسال (۷۲۹ ق) بزاده و درشهر زبید درماه شوال (۸۱۷ ق) درگذشت . درهشت سالگی برای آموزش بشیراز آمده و سپس بعراق و شام وقاهره شد ومدتی درمکه بماند . درپیرامن چهل نگارش ازوی بجا مانده است وازهمه بنام‌تر همین قاموس میباشد . گزارش زندگی فیروزآبادی درشذرات الذهب ، کشف الظنون ، شقایق نعمانیه ، وبغیة الوعاة ، والمزهر ، وروضات الجنات ، وپیش از همه درگفتار آقای سلطانی درمجلهٔ مهرسال ۱۳۱۷ آمده است .

[۱۶۳]

۱۵٤ خط نسخ ، نام نویسنده و تاریخ ندارد . لیکن خط و کاغذ سدهٔ دهم میباشد ، یك سرنامه با زرولاژورد دربرك (۲ ـ ب) و یك ترنج زرین که میان آن نام نگارنده نوشته شده و دور آن را با لاژورد و زر ، و شنگرف ، تند و کم‌رنگ ، وسیاهی یك درمیان دائره کشیده است . دربرك (۱ ـ الف) دیده میشود . وبالای آن نام کتاب را بازرنوشته است . همهٔ رویه‌ها بازرولاژورد جدول‌بندی شده‌است . عنوانها باشنگرف و سیاهی درشت نوشته شده . تصحیح شده و افتادگیها در کرانه نوشته شده‌است . درپایان کتاب برك (۵۸۰ ب) دومهر کتابخانه سلطنتی دیده‌میشود که سیاه شده ولی با دقت بیشتر خوانده میشود .

(۵۸۰برك)کاغذ ترمه تخدی . جلد تیماج آلبالوئی‌رنگ دارای برگردان زرکوب .
اندازه : ۱۸×۲۸ و۱۰×۱۹٫۵ ، سطر۳۳ .

---

(۱) M . Lumsden

(۲) زندگی گزاران کازرین را بکازرون اشتباه کرده‌اند .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۶٤]

۲۱۲ نسخه بخط نسخ اعراب دار ، در۹ محرم ۱۰۹۱ نوشتن آن پایان یافته ، واعراب گذاری وتصحیح آن توسط محمدرضا پسر محمدعلی قزوینی درتاریخ شعبان(۱۱۷۱)پایان یافته وافتادگیهادر کرانهٔ رویه‌ها نوشته شده است ، وی در کنار چپ رویهٔ (۳٦۸ ـ الف) نوشته‌است که پدرم نیز پیش‌ازمن این نسخه را تصحیح نمود . حاشیه بسیار نیز بخط او وجزاودر کرانه‌ها دیده میشود . دربرك (۲ ـ الف) تملك ابراهیم حسین دشتکی منصوری درذیقعدهٔ ۱۱۳۷ دیده میشود ، و در ۱۲۱٤ طاهر بن احمد ادیب رحمه‌الله آنرا ثبت دفترساخته است . یك سرنامه بازرولاژورد و شنگرف وسبزوسیاهی دربرك (۲ ـ ب) دیده میشود . حاشیهٔ این رویه و حاشیه و رویهٔ برابر آن بازر گلکاری شده‌است . عنوانها باشنگرف وهمه رویه‌ها بازرولاژورد جدول‌بندی شده است .

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

[illegible]

(۲۱)هفت سطر آغاز قاموس نسخهٔ شمارهٔ ۲۱۲ کتابخانه

(۳٦۸ برك کاغذ ترمه تخدی رنگ ، جلدتیماج مشکی زرکوب ، درون تیماج .
اندازه : ۱۸ × ۳۲ و۱۲×۲۵ : ۲۷ سطر .

[١٤٨] کنز اللغات (١) (فرهنگ عربی بفارسی)

دراین کتاب واژه‌های قرآن وحدیث را بترتیب حرفهای الفباء آخر ریشه در ۲۸ باب بسیجیده ، وهرباب را بچند فصل بخش نموده. دردیباچه صحاح جوهری و مجمل ابن‌فارس و دستور نطنزی والمصادر و اختیارات بدیعی و لغات القرآن و شرح نصاب را مدرك نگارش خود شمرده است . و کتاب را بنام سلطان محمد (٢) و ولیعهد او میرزا علی آراسته است . این کتاب درپیرامن (۲۵۰۰۰ بیت نوشته) دارد .

آغاز :

ابتدای هرسخن آن خوبتر درهرمقام
کو بود باحمد معبود خدای پاك نام (٣)

جواهر کنوز لغات حمد وستایش .... اما بعد چنین گوید . . .

انجام : بلی : نزدیك میشود و او فعل مضارع است از ولی یالی .

نگارنده : محمد پسر عبدالخالق پسر معروف . ازدانشمندان سدهٔ نهم است .

[١٦٥]

١٣٩ نسخه بخط نسخ نام نویسنده و تاریخ ندارد ولی خط و کاغذ سدهٔ دهم میباشد. عنوانهای مهم با شنگرف ، و روی دیگران خط شنگرفی کشیده . تصحیح شده ، افتاد گیهادر کرانه نوشته شده ؛ اندکی حاشیه نیزدارد درتاریخ ۱۲۷۳ ق وارد کتابخانه . . . شده ودر ۱۳۰٦ سان دیده شده‌است . پشت برك (١ – الف) یادداشتها دیده میشود . همهٔ رویه‌ها با شنگرف ولاجورد و زر ، جدولبندی شده است .

(٣٩١ برك) کاغذ ترمه لخندی ، جلد تیماج تریاکی رنك فشاری مقوائی خوب .

اندازه : ١٦/٥ × ٢٤ ، ٢٥ سطر .

---

(١) خود دردیباچه چنانش نامیده ، ولی چلبی در کشف الظنون آنرا کنز اللغة نامیده است .

(٢) سلطان کارکیا محمد پسر کارکیا ناصر پادشاه گیلان (ش ٨٥١ تا ٨٨٣) تاریخ گیلان ظهیر مرعشی ص ٢٦٠–٢٨١ ومجالس المؤمنین ص ٤١١ آمده است .

(٣) دربرخی نسخه‌ها : لاینام ، وبرخی : نیك نام .

(٢٢) خط مصحح [illegible]

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[١٤٩] لغات قرآن (عربی بفارسی)

اند کی از تاریخچه گردآوری لغتها وواژههای دشوار قرآن در (ج ۱ ص ۳۱ و ۳۲) این فهرست یاد شده ، یکی از آن نمونه کتابها ، کتابچهٔ بی نام ونشانی است که در این کتابخانه هست و درإینجا شناسانده میگردد . این کتابچه بترتیب حرفهای الفباء در آغاز واژههامیباشد ، همهٔ آن درپیرامن (٥٤٠ بیت نوشته) دارد

آغاز : استفتاح : طلب فتح کردن . انجاح : برآوردن حاجت . ارتضا . رضاداده .

انجام : یقین و یقن : بی شبهه است . پس بمعنی آیهٔ کریمه باشد که حتی یاتیك الیقین والله الموفق والمعین . تم .

[١٦٦]

١٠٣٢ نسخه بخط نستعلیق ، نام نویسنده وتاریخ ندارد . واژههای عربی را بسرخ وروی آنها خط شنگرفی و گزارش آنهارا با نستعلیق نوشته . عنوانها باخامهٔ درشت وسیاه است .

۳۱ برك) کاغذ ازمه اصفهانی ، ا-ندی رات . جلد فرسوده بوده و توسط کتابخانه تجدید گردید . اندازه : ۱۴×۲۱ ، ۱۳ سطر .

[١٥٠] لغت عربی بفارسی (فارسی)

نگارنده در آغاز این کتاب میگوید کتاب الاسمی فی الاسما نگارش احمد پسر محمد میدانی (۱) را گرفته و بترتیب حرفهای الفباء بسیجیده حرف پایان ریشه را بزرك بخش (باب) و حرف آغاز را کوچك بخش (فصل) قرارداده است همهجا واژههای عربی را بفارسی گزارش نموده است .

آغاز : الحمدلله الذی کرم بنی آدم علی الوری واختار منهم المؤمنین وماوراءهم من الوری . . . و ذوی الفنون صنفوا افنانا . . . ومنهم الشیخ المرحوم فاضل اهل وقته فی العلوم احمد بن محمد المیدانی طیب الله ثراه اذ صنف کتاب الاسمی فی الاسماء . . . فاخذ العبد نسخة بیده مرتبا وجعلها ثمانیة وعشرین بابا فی کل باب ثمانیة وعشرین فصلا . . . باب الالف وفصله . الآء شجر الواحد آءة . الاباءة ج . الاناء بارخرمابن . الاداة آلت أفزار . الادوات ج . . . . فصل الباء . الباری . آفریننده . . .

(۱) الاسمی فی الاسما نگارش سعید پسر احمد پسر محمد میدانی (م ٥٣٩ ق) است که آنرا در برابر کتاب «السامی فی الاسامی» پدر خود نگاشته . گویا لفظ سعید بن از خامهٔ نویسنده افتاده است .

انجام : ی : الیحیی . اسم نبی علیه السلام . ابویحیی ملك الموت . الیقی . بهتان . تنور .

[١٦٧]

١٧٠ نسخه بخط نسخ . نام نویسنده را نوشته . در تاریخ (١٠٧٧ ق) نوشته شده . عنوانها باسیاهی درشت است . دارای حاشیه بامضاهای (منه) و (صحاح) و (فرهنك) و (المصادر) و (مواعظ) . تصحیح شده وافتادگیها در کرانه نوشته شده . نخستین برك کتاب نونویس است .

(۹۵ برگ) کاغذ اصفهانی نخدی . جلد تیماج حنائی عنوانی فناری . اندازه ۱۵×۲۰ و ۹×۱۵ ؛ ۱۸ سطر .

[١٥١] لغت عربی بفارسی (فارسی)

این کتاب بترتیب « مهذب الاسماء » است ، ولی مصدرها و فعلها را نیز در بر دارد . هریك از بیست و هشت بخش بزرك این کتاب به سه بخش کوچك (مفتوح = زبردار) و (مضموم = پیش دار) و (مکسور ـ زیردار) وهریك از این سه بخش به ۲۸ بخش کوچکتر بترتیب حرف دوم واژه بخش شده است .

آغاز نسخه افتاده است . آغاز آنچه هست : آل یسین : خاندان رسول (ع) آمر : فرماینده . آمین : همچنین باد . آنفا : اکنون . . .

انجام نسخه نیز افتاده است ، و آنچه هست چنین میباشد . الهاء المکسورة . هبة : آنچه ببخشند . هبات جمعش . هبر : برنجن سیمین . هبر کنه : زن باریك اندام نرم .

[١٦٨]

١٩٦ نسخه بخط نسخ . نام نویسنده و تاریخ با پایان نسخه افتاده است . ولی پیداست که درپیرامن پایان سدهٔ دهم نوشته شده . عنوانها با شنگرف . برك (۶۰) اشتباهاً سفید مانده . نسخهٔ پرغلطی است .

(۱۰۹ برك) کاغذ اصفهانی نخدی . جلد تیماج قهوهای یکلا فرسوده . اندازه : ۱۲×۲۲ و ۷×۱۴ ، ۲۱ سطر .

[١٥٢] لغز الزبدة (چیستان ـ عربی)

اند کی از تاریخچهٔ معما ولغز در (ص ۳۹۱ تا ۳۹۷) یاد شد وچنانکه آنجا

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

گفتم شیخ بهائی نیز چندین لغز واحجیه ساخته ، و یکی از آنها را بدین نام خوانده است. چند لغز شیخ بهائی در سلافة العصر سیدعلی خان مدنی و چندی دیگر در خلاصة الاثر و چندی در کشکول شیخ که در (ص ١٧٢-١٧٥) یاد شد ، چاپ شده است . چند لغز شیخ را کسانی شرح کرده‌اند : لغز القانون را که در پزشکی است ، محمد سلیم رازی(١) پزشک بسال (١٠٦٠ ق) و محمد تقی شیرازی معروف به حاج آقابابا طبیب(٢) شرح کردند . و لغز الکشاف را محمد مهدی قزوینی سیفی (م ١٠٥٠) و لغز النحو را شیخ محمد صادق تویسرکانی گزارش نگاشته‌اند .

آغاز : امـا بعد الحمد و الصلاة فیقول احوج الخلق الی الله الغنی قد یعرض للبال فی بعض المحال ملال یمنع عن مطالعة العلوم الدینیة .

انجام : من ذکر اوصاف ذلک الکتاب . و العاقل یکفیه الاشارة ، و الجاهل لاینتفع بالف عبارة . سنح لناهذه اللغز فی المشهد المقدس الرضوی علی ساکنه السلام سنة الف واحدی وعشرین و تاریخ ذلک (رضویه) .

[١٦٩]

١٣٣ این نسخه در پایان نسخهٔ کشکول شیخ جا دارد و برگهای (٣٤٤ تا ٣٤٨) آنرا گرفته . خط نستعلیق شکسته . دارای حاشیه بسیار با مضای (منه) سطرهای درشت نوشته و میان آنها را باز گذارده و پر از حاشیه کرده است .

همهٔ دفتر ٣٥٠ برگ ؛ این کتابچه ٧ صفحه کاغذ نخدی نازك . جلد و دیگر خصوصیات در (ص ١٧٢-١٧٥) یاد شده است .

[١٥٣] لغز الکافیه (چیستان - عربی)

یکـی از لغزهای شیخ بهائـی در بالا یاد شد . لغز دیگـری نیز از وی در این کتابخانه هست که بدین نام خوانده شده . و گمان میکنم این کتابچه همان « لغز النحو » باشد که در بالا یاد شد ، و گفتم که شیخ محمد صادق تویسرکانی

(١) گویا نگارنده شرح صحیفه باشد که در (ج ١ ص ١٤١-١٤٢) یاد شد .

(٢) این کتابخانچه همراه کتابچه‌های شیخ در یك جلد بنام «لغزیه» بسال ١٢٨٣ ق در تهران چاپ شده است .

آنرا شرح کرده است .

آغاز : اما بعد الحمد و الصلاة فیقول الفقیر ... یا من صرف فی مطالعة النحو ایاماً و خاض شهوراً و اعواماً : اخبرنی عن اسم ثنائی الآحاد . . .

انجام : اذا نقصت من حروفه حرفان ، بقی حرف واحد ، و هذا من اعجب العجایب .

[١٧٠]

١٣٣ این نسخه در دنبال لغز الزبدة پس از کشکول شیخ جلد شده و برگهای ٣٤٨ تا ٣٥٠ آنرا گرفته است . خط نستعلیق . نام نویسنده و تاریخ ندارد . دیگر خصوصیات در ص ١٧٤ یاد شد .

[١٥٤] مجمع الفرس (فرهنگ - فارسی بفارسی)

محمد قاسم سروری کاشی پسر حاج محمد کاشانی یکی از ادیبان سدهٔ یازدهم ایرانست . بیشتر تذکره‌نگاران او را درشمار شاعران بنام آورده‌اند . وی بسال (١٠٠٨ ق) لغتنامهٔ فارسی بفارسی بنام شاه عباس صفوی بنگاشت و بسال (١٠٣٢ ق) بهند مسافرت کرد ، و در (١٠٣٦ ق) در لاهور بوده است . وی در هندوستان لغتنامهٔ خویش را دوباره بنگاشت و آنرا گسترش داد . نصرآبادی نسخهٔ ایرانی این فرهنگ را سهل و مختصر ولی دارای نادوستی خوانده : و گوید چون بهند شد و فرهنگ میر جمال الدین انجو را دید فرهنگ بزرگتری بساخت (١) . ولی خود سروری یکبار دگر مجمع الفرس را کوتاه کرده و « خلاصة المجمع » نامیده و در دیباچهٔ آن گوید (٢) از آن روی که نویسندگان از درازی کتاب برنج بودند ؛ آنرا کوتاه کرده و بدین نام خوانده و بنام اعتماد الدوله حاتم بیگ وزیر شاه عباس آراسته است .

سروری در آغاز این فرهنگ شانزده کتاب را بعنوان مدرك نگارش خویش

(١) تذکرهٔ نصرآبادی چ تهران ١٣١٧ ص ٢٩١ .

(٢) نسخهٔ این کتاب که بسال (١٠١٨ ق) نوشته شده نزد آقای اسفندیاری محتشم السلطنه بود و پس از مرگ او بکتابخانهٔ مجلس منتقل گردید .

معرفی کرده است ، ودر بیشتر نسخه‌ها فقط نام دوازده‌تای آنها بترتیب زیر آمده است :

ـ شرفنامهٔ احمد منیری ، از احمد قوام فاروقی . معیار جمالی ، ازشمس فخری . تحفة‌الاحباب ،ازحافظ‌اوبهی .فرهنك حسین‌وفائی .فرهنك اسدی‌طوسی. فرهنك میرزا ابراهیم‌پسرشاه‌حسین‌اصفهانی . فرهنك‌محمد هندوشاه.مؤیدالفضلاء ازمحمدلاد.شرح‌سامی فی‌الاسامی‌ازمیدانی . فرهنك‌ابوحفص‌سغدی . اداةالفضلاء قاضی خان محمد دهاردهلوی . جامع‌اللغات منظوم‌نیازی حجازی . وچهار کتاب دیگر بعنوان ناشناس یاد شده است ، ولـی در نسخهٔ محتشم‌السلطنه اسفندیاری ازاین چهار کتاب نیز چنین نـام برده است : معجم‌البلدان . فرهنك زبان گویا . لسان‌الشعراء . ترجمهٔ صیدنهٔ ابوریحان بیرونی . و درحاشیهٔ کشف‌الظنون چاپ ۱۹٤۳م استانبول‌ص۱۰۰۸ ازروی یکی‌از نسخه‌های سروری ؛ بجای‌معجم‌البلدان معین‌اللغات ترکی ازلطف‌الله پسریوسف حلبی یاد شده است :

سروری دراین‌فرهنك‌از آوردن واژه‌های تازی‌خودداری کرده‌وواژه‌های فارسی ساده را نیز بی‌نیاز از گزارش دانسته ونیاورده است . او کتاب را بریك دیباچه و بیست وچهار باب بشمار حرفهای الفباء غیرعربی بسیجیده و یك بخش درپایان کتـاب برای استعاره‌ها و جمله‌های اصطلاحی ساخته است . وی حرف آغـاز واژه را رهنمای باب (بزرك بخش) و حرف پایان آنـرا رهنمای فصل (کوچك‌بخش) قرارداده است .

آغاز : ابتدای کلام هردانشمند سخنور ، وانتهای سخن هرخردمند . . .

انجام : از لطف عمیم و کـرم جسیم جمعی کـه کتـابت این نسخه کنند آن است که . . .

گزارش زنـدگی سروری از تذکرهٔ نصرآبادی ص ۲۹۱ و فهرست ریو ج۲ص٤۹۸ ومرآت‌العالم‌وریاض‌الشعراء ، وصبح گلشن ، وقاموس‌الاعلام ترکی وفهرست سپهسالار ج ۲ ص ۲۱۹ و کشف‌الظنون وریحانةالادب بدست میآید .

[۱۷۱]

نسخه بخط نستعلیق زیبا . نویسنده محمد صالح پسرابوالقاسم‌بیوانی ، درشهر گلپایگان (جرپادقان) درتاریخ ۲٦ شوال ۱۰۲۳ ، آنرا بپایان رسانیده ، وبنابراین ، این نسخه پیش‌ازسفرنگارنده‌اش بسوی هند، درایران نوشته شده‌وازنسخهٔ هندوستانی کوچکتر میباشد . عنوانها با شنگرف . دارای یك سرنامه با شنگرف وزرولاژورد وسبزی وسیاهی دربرك (۱ ـ ب) . همهٔ رویه‌ها بازروشنگرف ولاژورد جدولبندی شده است .

۲۳۲ برك . کاغذ ترمه نخدی رنك . جلد تیماج مشکی زرکوب فرسوده لەبندی شده دروی تیماج زرکوب . اندازه : ۱۱×۲۳ = و ۷/۳×۱۰/۳ ، ۳۳ سطر .

[۱۰۰] مجمل اللغة (فرهنك . عربی بعربی)

در (ص ۳۳۰ تا ۳۳۹) چند نمونه از لغتنامه‌های عربی یاد شد . و اینك یکی‌از کهن‌ترین لغتنامه‌های عرب دراینجاشناسانده میشود . نگارنده‌این کتاب ابوالحسین احمد پسرفارس پسرزکریاپسرمحمد پسرحبیب رازی قزوینی‌همدانی معروف بابن فارس است که بسال (۳۹۰) درگذشته .

وی از بنامترین ادیبان ایرانی عربی گوی سدهٔ چهـارم هجری و استاد صاحب‌بن عبادوبدیع‌الزمان همدانی صاحب مقامات ودیگران بوده‌است . گزارش زندگی‌اودرمعجم‌الادباء وتاریخ ابن‌خلکان وبغیةالوعاة وشذرات‌الذهب و کشف‌الظنون‌وروضات‌ونامهٔ‌دانشوران‌وتاریخ آداب‌اللغه‌جرجی‌زیدان‌ومعجم‌المطبوعات وفهرست سپهسالار آمده است . ابن‌یوسف درفهرست سپهسالا ۳۲ کتاب از آثار ابن‌فارس نام برده است .

راه واژه‌یابی :

ابن‌فارس مجمل‌اللغه‌را مانندالمغرب‌بترتیب معمولی حرفهای‌الفباء درآغاز واژه‌ها به بیست و هشت بخش (کتـاب) و هربخش بزرك را ببخشهای کوچك تقسیم کرده است ، و دربخشهای بزرك نخست واژه‌های دو حرفی (مضاعف) را میآورد وسه حرفیهارا به بیست وهشت‌بخش بترتیب حرفهای‌الفباء دومین حرف

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

واژه تقسیم شده ، این بخشهای کوچك مانند حرفهای الفبا، معمولی (ا ب ... ی) پی درپی میباشد ولی نه چنانکه درهمهٔ کتابها از الف آغاز و به یاء پایان یابد ، بلکه درهر کتاب از حرف پس از حرف بزرك بخش آغاز و بحرف پیش از آن پایان میدهند ، چنانکه در (کتاب قاف) نخست واژه‌های مضاعف را مانند (قل) آورده وسپس دربخش یکم از ۲۸ بخش کوچك (ق ك) را دربخش دوم (ق ل) ودرسوم (ق م .) و (ق ن .) تا (ق ی .) میرود ، و سپس از (ق ا .) و (ق ب .) و (ق ت .) تا (ق ف .) میرود ، ودراینجا کتاب قاف پایان مییابد .

ابن‌فارس دراین کتاب فقط واژه‌های درست و فصیح عربی را گردآورده است . ولی بازهم فیروزآبادی صاحب قاموس (م۸۱۷ق) یکهزار اشکال بر او گرفته و کتابی دراین‌باره نگاشته است .

بخش نخست مجمل‌اللغة بکوشش حاج محمدساسی درمصر بسال ۱۹۱٤م در (۳۱۹ ص) چاپ شده است . نسخه‌هائی از مجمل دربرلن و لیدن و پاریس و بریتش موزیوم و اکسفورد و ینی جامع دراستانبول و خدیوی و دارالکتب درمصرهست . ونسخهٔ دارالکتب در(٦٤٨ق) نوشته شده است .

آغاز : قال‌الشیخ رضی‌الله‌عنه : امابعد ، ولیك‌الله بصنعه وجعلك ممن‌علمت فی‌الخیرهمته . . . لما‌علمتنی رغبتك فی‌الادب .. وسألتنی جمع کتاب فی‌اللغة ... انشأت کتابی هذا‌المختصر . . . و سمیته ، مجمل‌اللغة ، لانی اجملت . . . فاوله کتاب‌الالف . باب‌الالف وما بعدها فی‌الذی یقال له‌المضاعف ، وقد تسمی‌الالف هاهنا همزة قال ابوعبدالرحمان .. البصری وابوالحسن علی‌بن‌حمزة‌الکسائی ...

انجام : نسخهٔ (شمارهٔ ۲۰۳ دانشگاه) وسبیل‌الیاء سبیل‌الهمزة‌الزائدة‌فی‌الرباعی والخماسی لان الیاء انما یعتبرونها فی هذین‌البابین‌الحرف‌الذی بعدها و قدمضی کله‌فی‌ابواب‌الکتاب . وهذا آخر مجمل‌اللغة فاحفظه وتدبر ترتیب‌ابوابه . واعلم‌أنی توخیت ... والالفاظ‌التی یستعان بها فی‌الاشعار والمکاتبات فقدذکرناه فی‌الکتاب

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

الذی سمیناه ، متخیرالالفاظ ، والله أسأل . . .

انجام نسخهٔ (شمارهٔ ۲۱٤) : فان‌سبیل‌الیاء فی‌اوایلها سبیل‌الهمزة فی‌الرباعی والخماسی فی انهماز ایدتان وانما الاعتبار بمابعدالیاء کما الاعتبار فی‌الهمزة بمابعدها ، وقد مضی کله فی‌ابواب هذاالکتاب ...

و چنانکه می‌بینیم دربرخی جاها این دو نسخه با یکدیگر ناساز گار هستند .

این کتاب در نسخهٔ شمارهٔ (۲۱٤) که دورهٔ درست میباشد در پیرامن (۱۷۵۰۰بیت نوشته) دارد .

[۱۷۲]

٢١٤ این نسخه دورهٔ درست مجمل‌اللغة است ، و از الف تا یاء را دربردارد و با نسخهٔ (۲۰۳) اندکی دگرگونی دارد .

نسخه بخط نسخ به ، نویسنده بابا علی فرزند حاج حمزه پسر خلیل بابا حقی . آنرا بدستور محمود فرزند خضراحمد قاضی شهر (سیدی هرون) نوشته ووی را بلقب (قامع‌البدع) خوانده است ، ودرتاریخ آغازماه رجب سال هشتصد وشصت وپنج آنرا بپایان رسانیده‌است .

پشت برك (۳ — الف) کسی باشتباه این کتاب را جمل زجاجی دانسته ودربارهٔ زجاجی و چگونگی نگارش «جمل‌النحو» وی گفتگو کرده است و این خط کهنه نیز میباشد . ونیزهمانجا تملك مصطفی‌الواعظ بجامع اشاره در (۱۱٤۹) و جزاو دیده میشود .

عنوانها رادر کرانه رویه‌ها بیرون‌ازسطر نوشته است . دربرك (۱—الف) تملك ابن‌سنان پاشا محمد درشهر اماسیه بتاریخ رجب ۷٦۲ ق ونیز تملك شیخ زاده مصطفی افندی ونیز گزارش زندگی ابن‌فارس (نگارندهٔ کتاب) دیده میشود .

۳٦٦ برك . کاغذ سمرقندی نخدی — جلد مقوائی فرسوده که تیماج مشکی

اندازه : ۱۸×۲۷ و ۱۳×۲۰ ، ۲۷ سطر

[۱۷۳]

٢٠٣ از کتاب (ف) تا کتاب (ی) مجمل را دربردارد . و هریك ازاین نه کتاب را جداگانه نوشته ودرپایان بیشتر آنها تاریخ رمضان چهارصدوهفتاد وله دیده

میشود . نام نویسنده فقط در پایان کتاب حرف لام : هبةالله پسر حسین پسر احمد قصیری یاد شده . و چنانکه در آغاز هر کتاب میگوید: این نسخه را برای ابوالخیر نصر پسر علی پسر نصر پسر حسین از وی نوشته است .

فهرست این نسخه چنین است : کتاب (ف) در (گ۱ تا ۲۷) کتاب (ق) در (گ۲۸ـ۷۱) کتاب (ك) در (گ۷۲ـ۹۶) کتاب (ل) در (گ۹۷ـ۱۲۱) ، کتاب (م) در (گ۱۲۲ ـ۱۵۰) . کتاب (ن) در (گ۱۵۱ـ۲۰۰) . کتاب (ه) در (گ۲۰۱ـ۲۲٤) کتاب (و) در (گ ۲۲۵ـ۲۵۲) ، کتاب (ی) در (گ ۲۵۳ـ۲۵۵) . از برگ ۲٤۹ ببعد نو نویس است .

عنوانها را با خامهٔ درشت و سیاه نوشته . عنوان واژهها را در کرانه نوشته تا یافتن آن آسان گردد . در برخی جاها مانند (گ ۱۵۱ ـ الف) تملك محمد پسر خلف پسر علاء پسر علی پسر مرتضی رازی دیده میشود . پائین رویهها آب دیده و رنگ گرفته . برخی از برگها را موریانه سوراخ کرده است .

(۲۵۷ برك) کاغذ نخدی رنك . جلد تیماج قهوهئی مقوائی فرسوده موریانه زده . اندازه : ۱۵×۲۰ و ۱۰×۱۵ ، ۱۳ سطر .

(۲۳) پایان (حرف م) و آغاز (حرف ـ ن) برك (۱۵۰ـ۱۵۱) نسخه شماره (۲۰۳)

[۱۵٦] مختار الصحاح (فرهنك عربی بعربی)

کوتاه شدهٔ صحاح اللغة جوهری است . و کوتاه شدهٔ دیگر آن را در (ص۳٦۸-۳۷۱) یاد کردم. کوتاه کننده زین الدین محمد پسر شمس الدین ابوبکر پسر عبدالقادر رازی حنفی از دانشمندان سدهٔ هشتم است که تا (۷٦۸ ق) زنده بوده. او راست «الذهب الابریز فی تفسیر الکتاب العزیز» و «روضة الفصاحة» و «شرح مقامات حریری» و جز آن وی صحاح را کوتاه کرده و از کتاب تهذیب و جز آن بر آن افزوده است و در (۷٦۰ ق) این کار پایان یافته . بسیج واژهها مانند خود صحاح است؛ حرف پایان واژه بزرك بخش و حرف آغاز کوچك بخش است.

چاپهای مختار الصحاح: بولاق ۱۲۸۲ ق و ۱۳۰۲ ق در ۵۸۰ ص و ۱۳۰٤ ق در (چ ـ وادی النیل) . و ۱۲۸۹ ق . و (چ شرقیه ۱۳۰۱ ق) . و (چ ـ خیریه ۱۳۰٤ ق) و (۱۳۰۸ ق) در ٤۷۲ ص . و (چ محمد مصطفی) در (۱۳۰۵ ق) . و (چ ـ عبدالرزاق) ۱۲۱۱ ق . و (چ ـ نظارت معارف) ۱۳۱۱ ق در ٤۷۲ ص .

محمود خاطر بیك ترتیب مختار الصحاح را واژگون کرده و بترتیب حرف نخست بسیجیده و در بولاق ۱۳۲۲ ق و پس از آن چندبار چاپ کرده است .

[۱۷٤]

١٤٤ نسخه بخط نسخ . نام نویسنده ندارد . در تاریخ ۱۸ شوال (۹۸۳ ق) رونویس آن پایان یافته . رویهها بالاژورد و زر جدول بندی شده . یك سرنامه بازر و شنگرف در برك (۱ـ ب) دارد . عنوانها با شنگرف است .

در کرانهٔ هشت برك نخست واژهها را فارسی گردانیده . کتاب در برك (۲۵۹) پایان یافته در دو برك پس از آن چکامهئی از امیدی تهرانی و مثنوی از میر کاظم تفرشی متخلص به (کریم) ساکن لاهور آورده که در آن تفرش را ستایش کرده و آنرا جبل عامل مانند کرده و در پایان گوید :

مرا نام کاظم تخلص «کریم» خطاییست از کردگار کریم

سپس نویسنده چنین افزوده است : این شعر را در زمان شاه طهماسب سروده و بتفرش فرستاد . و این در ذیحجه ۱۲۳ بود . و گویا (۱۱۲۳) را خواسته است .

(۲٦۲ برك) کاغذ نخدی جلد ترماج مشکی فرسوده . اندازه : ۱۹×۲٦ ، ۲۷ سطر .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

[١٥٧] **مختصر شواهد مغنی** (نحو - عربی)

در بارهٔ مغنی اللبیب ابن‌هشام که در (ص ٤١٠ تا ٤١٢) یاد شد کارهای بسیار انجام شده . کسانی آنرا شرح نگاشته یا کوتاه کرده یا حاشیه نگاشته‌اند ، و کسانی گواه‌های آنرا که از شعر شاعران عرب میباشد گرد آورده و شرح کرده‌اند . یکی از شرحها بر شواهد و گواههای مغنی در (ص ٤١٠) یاد شد که جلال الدین سیوطی (م - ٩١١ ق) آنرا نگاشته بود .

اینك جای گفتگو کتابی است که شرح سیوطی در آن کوتاه شده است . نگارنده شناخته نشد ، گویا یك دانش آموز در سدهٔ دوازدهم برای خویش دفتری میساخته و درسهای خود در آن مینوشته و شرح خلاصة الحساب شیخ بهائی و این کتاب را دنبال یکدگر نوشته است ، و شاید خود کوتاه کنندهٔ آن باشد .

آغاز : الحمدلله رب العالمین و (ص) علی محمد وآله الطیبین الطاهرین . وبعد فان لی حاشیة علی مغنی اللبیب قداودعتها . . . (١) .

انجام نسخه افتاده است .

[١٧٥]

١٤٣

نسخه بخط نسخ بد باختری ، نزدیك بخامهٔ ترکی . نام نویسنده و تاریخ ندارد ولی پیداست که در پیرامن سدهٔ دوازدهم نوشته شده . برپشت برك (١٦٧ - الف) تملك میرزا آقا پسر آخوند ملاسلطان ، درساوج بلاغ تهران، بتاریخ (غ ١ - ١١٣١) دیده میشود . عنوانها با شنگرف است . دردفتری جادارد که : کتابچه ئی درعرفان ازفیض (م ١٠٩١) واین کتاب، والشذور الذهبیه درلغت ترکی،وشرح خلاصة الحساب همه با یك خامه در آن نوشته شده این کتابچه (گ ١٠ تا ١٦٧) را گرفته .

همهٔ دفتر ٣٥٣ برك این کتاب ١٥٧ برك ، کاغذ سفید فرنگی . جلد تیماج سرخ فرسوده .
اندازه : ١٦×٢٢ ، ٢٤ سطر

(١) با آغاز شرح شواهد ، در (ص ٤١٢) برابر نیست .

[١٨٥] **مختصر الهمع** (نحو - عربی)

جلال الدین سیوطی (٩١١ - ٩١٣ق) که نام او در (ص ٣٧١) یاد شد کتابی در دستور زبان عرب بنام « جمع الجوامع » نگاشته ، وخود آنرا شرحی نگاشته و « همع الهوامع » نامیده است . سپس عبدالقادر پسر محمد عمری شافعی از دانشمندان سدهٔ یازدهم همع را کوتاه کرده . واین کار در (١٠٨٤) پایان یافته است .

آغاز : الحمدلله علی إنعامه . . . اما بعد فان اولی ماجنحت الیه الالباب ... کتاب العلامة ... جلال الدین السیوطی ... لکن لمارأیت ان الهمع تقاعست عن النظر فیه لصعوبة طرق مرامیه وشحته بمافیه الکفایة ... (بسم الله الرحمان الرحیم . احمدك اللهم) أی اثنی علیك . . . وینحصر فی مقدمات وسبعة کتب . . .

انجام : لهم (وقدتم الجوامع نظماً) أی تم نظمه ، والمراد کونه علی نسق واحد . . . (ویرفعهم مکاناً علیاً) بمنه و کرمه . هذا و قدتم بعونه هذا المختصر الکاشف لبعض ماانطوی علیه ، ولم اعرج علی سوی کلام الشرح فی البیان ، لعدم وجود مایعین علی نشرد قایقه ، واتفق الفراغ منه فی یوم عاشوراء سنة اربع وثمانین والف .

آغاز جمع الجوامع سیوطی : احمدك اللهم علی ما اسبغت من النعم . . .

فهرست هفت کتاب آن چنین است : ١- مرفوع ها ٢- فضله ها ، ٣- مجرورها ، ٤- عاملها ، ٥- تابعها . واین پنج کتاب در نحو باشد ، ٦- ساختمان واژه‌ها ، ٧- دگرگون کردن واژه‌ها . واین دو کتاب درصرف باشد .

[١٧٦]

١٥٧

نسخه بخط نسخ . نویسنده عبدالمنعم پسر محمد پسر شقر . در ٦ ربیع یکم ١٠٩٥ رونویس آن پایان یافته ، یعنی یازده سال پس از نگارش . متن با شنگرف وشرح با سیاهی . عنوانها نیز با شنگرف است .

برپشت برك (١- الف) تملك ابراهیم پسر یحیی پسر محمد پسر نجم الدین پسر حسین پسر سودون عاملی در (١٢١٤ ق) دیده میشود .

٢٢٩ برك کاغذ لخدی ، جلد تیماج مقوائی فشاری فرسوده .
اندازه ٢٥×١٢/١٥ ، ٢٢ سطر .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۵۹] المصادر (فرهنك عربی)

چند نمونهٔ لغتنامه نگاری در (ص ۳۳۵) یاد شد ، برخی از لغتنامه نگاران ریشه‌های فعلها (مصدرها) را جداگانه گرد آورده و اسمها را جدا ، و برای هریك كتابی ساخته‌اند . مانند میدانی احمد پسر محمد نیشابوری (م ۵۱۸ ق) كه یك كتاب بنام «السامی فی الاسامی» ویك كتاب بنام «المصادر» نگاشته‌است ، وبرخی فقط كتابی درمصدرها وفعلها نگاشته‌اند ، یكی از كتابها كه ویژهٔ مصدر و فعلهای آنها بوده و جای گفتگوی ماست مصادر زوزنی میباشد . و چنانكه در (ص ۳۳۶) گفتم برخی از فهرست نگاران گفته‌اند كتاب تاج‌المصادر بیهقی ازروی این كتاب ساخته شده است .

نگارنده : ابوعبدالله حسین پسر احمدزوزنی (م-۴۸۶ق) است كه گزارش زندگیش در بغیة‌الوعاة سیوطی چ ۱۳۲۶ ق ص ۲۳۲ آمده ، و او را از گفته عبدالغافر : پیشوای لغت ونحو بروزگار خویش ، خوانده‌است . ودر كشف‌الظنون وروضات ص ۲۳۸ وآداب‌اللغة جرجی‌زیدان ۳ : ۴۴ ومعجم‌المطبوعات ص ۹۱۱ از وی گرفته‌اند .

وی هفت چكامهٔ « سبعهٔ معلقه » راگزارش نگاشته و این كتاب چند بار چاپ شده است.و كتابی بنام ترجمان القرآن عربی بفارسی نیز نگاشته‌است.(جرجی زیدان) .

وی در آغاز مصادر بعربی گوید : این مصدرهائیست كه بفارسی ترجمه كردم وگواههای حدیثی ومثلی آنرا انداختم تا كوتاه شود و ازبر كردن آن آسان گردد ، درآغاز هرباب مصدرهای فعلهای صحیح وپس‌ازآن فعلهای معتل آوردم ، وصحیحهارا مانند دیوان‌الادب (۱) بسیج نمودم ، وبآنچه پایان ریشه‌اش (ب) است آغازیدم ، وپس‌ازآن آنچه‌را كه پایانش (ت)است وهمچنین... آوردم . ودرهریك بآنچه آغازش (ب) وسپس (ت) وسپس (ث) بود آغاز كردم .

آغاز : الحمدلله علی سوابغ الائه المتسابقة افواجاً، وسوابغ نعمائه المتلاحقة ازواجاً . . .

انجام : الاقسینان سخت شدن ازپیری . الاكتئاب فراهم آمدن . قدانتهت

(۱) نگارش اسحاق پسر ابراهیم فارابی « دائی جوهری(م ۳۵۰ق) .

المصادر للقاضی الامام الزوزنی طیب‌الله ثراه . تم

[۱۷۷]

۵۰۶۹ بیش‌تر این نسخه دنبال «مهذب‌الاسماء» بشمارهٔ(۱۳۰)بود وجلدفرسوده‌یی داشت ، پس توسط كتابخانه جداگانه جلد شد وشمارهٔ ویژه گرفت. خط نسخ ، نام نویسنده و تاریخ ندارد . ولیكن خط و كاغذ سدهٔ هشتم یا نهم است ، و دربرك (۲۰۵ ب) نسخهٔ « مهذب‌الاسماء » شمارهٔ (۱۳۰) شعری بتاریخ (۸۴۱ ق) نوشته شده است . دربرك یكم این مجلدكه شمارهٔ (۲۰۶ – الف) دارد نام كتاب با خامهٔ درشت نوشته شده ، ودر زیر آن چنین نوشته شده : فی المصباح المنیر : كتاب المصادر لابی زید سعیدبن الاوس الانصاری و كتب . . . محمد ابراهیم بن محمد باقر الرضوی . . . ونزدیك آن یك مهر بزرك دیده میشود .

عنوانها با شنگرف تصحیح شده وافتادگیها در كرانه دیده میشود .

۹۸برك) شمارهٔ آنها از۲۰۶ تا ۳۰۴ میباشد . كاغذ سمرقندی . جلد تیماج سرمه‌ای . اندازه : ۱۷ × ۲۵/۵ و ۱۱ × ۱۷/۵ ، ۱۹ سطر .

[۱۶۰] معیار جمالی ومفتاح ابو اسحاقی (فرهنك فارسی بفارسی)

این كتاب دارای چهار بخش بوده ونگارنده دردیباچه آنرا چنین یاد كرده ۱– عروض ۲– قافیه ۳– بدیع ۴– لغت (۱) ولی اكنون بیشتر نسخه‌هامانند نسخهٔ این كتابخانه كه جای گفتگواست ، فقط بخش چهارم را دارد وآنرا بنام «لغات فرس» نیز نامند . واژه‌ها دراین كتاب بترتیب حرفهای الفبا ، معمولی در آخرین حرف واژه بسیج شده است . وبرای هریك ، شعری از خود درستایش شاه ابواسحاق ساخته وسرودهٔ خویش را بگواه آورده است

آغاز : بدان اسعدك‌الله واصلحك (۲) كه هرچند ... ولغت عرب‌رامعیاری معول علیه هست . . . اما لغت فرس را نه میزان ونه . . .

درپایان كتاب چكامهٔ هائی درستایش كتاب و تاریخ آن (ع ۲ – ۷۴۵)

(۱) نسخهٔ درست كه همهٔ این چهار بخش درآن هست نزدآقای سعیدنفیسی درتهران میباشد .

(۲) نسخهٔ مجلس اسعدك را ندارد .

كتابخانه مركزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

سروده و آنرا بپورمحمود شاه پیش کش ساخته، گوید: . . .

زهجرت شده هفصد و پنج و چل — ربیع دوم اول مهر ماه
شد این درج پر در و گوهر تمام — کزو فاضلانرا بود آب و جاه
بسی رنج بردم در این چار فن — بامید احسان ظل اله

تا آنجا که:

جهاندار چون شاه صاحبقران — شهنشاه چون پور محمود شاه

این کتاب در پیرامن (۲۵۰۰ بیت نوشته) دارد و بسال (۱۸۸۵ م) بامرغوب القلوب شمس تبریزی و چند چکامه از عنصری و فرخی و کمال اسماعیل در شهر قازان چاپ شده است.

همهٔ واژه‌ها و شعرهای شمس فخری که در این کتاب هست در فرهنگ نعمة اللهی (فارسی بترکی) وارد گشته است.

نگارنده: شمس فخری، شمس الدین پسر فخرالدین اصفهانی همزمان عبید زاکان و قاضی عضدایجی و امین الدین کازرونی است و همگی در دربار شاه ابواسحاق جمال الدین بن محمود شاه بوده‌اند که خواجه حافظ نیز اورا ستوده است.

شمس فخری از شاعران و شعرشناسان بنام بوده و چکامه‌ها و قطعه‌های او که در این کتاب آمده گواه بر این است، ولیکن بدبختانه همهٔ آنها در ستایش شاه ابواسحاق میباشد. وی در شعرشناسی (عروض و قافیه) توانا بوده و کتاب «معیار نصرتی» را در این فن برای اتابك نصرة الدین احمد فرماندار لرستان بسال ۷۱۳ ق نگاشته، و در ۷۳۲ ق در قم میزیسته و چکامهٔ هنری بزرك در ستایش خواجه غیاث الدین وه مخزن البحور و مجمع الصنایع» را سروده است و سپس بشیراز آمده و بدربار شاه ابواسحاق پیوسته و معیار جمالی را ساخته است.

[۱۷۸]

١٦٣ نسخه بخط نستعلیق نام نویسنده نوشته نشده. در تاریخ آدینه نهم ربیع یکم سال ۱۲٤٤ ق پایان یافته است. عنوانها باشنگرف است. این نسخه در کتابخانهٔ محمدحسن صنیع الدوله بوده و مهر کاغذی آنجا را دارد.

(۷۸ برك) کاغذ فرنگی سفید آهارمهره. جلد تیماج مشکی بك لا فرسوده.
اندازه: ۱۵×۲۰ : ۱۵ سطر.

[۱٦١] مفتاح العلوم (عربی)

چنانکه نگارنده‌اش در دیباچهٔ این کتاب گفته است وی میخواسته همهٔ دانستنیهای ادیبان روزگار خویش را بجز علم لغت، در آن گردآورد. پس صرف، اشتقاق، نحو، معانی، بیان، حدود، استدلال، عروض، قافیه را در سه بخش جا داده: ۱– صرف ۲– نحو ۳– معانی بیان، و چهار علم پسین را در دنبالهٔ آن آورده است.

این کتاب چندین بار شرح شده و چندین بار کوتاه شده و آنرا بشعر در آورده‌اند و بر هر یك از شرحها و کوتاه شده هایش شرحها و حاشیه‌ها نگاشته شده است. این کتابها که شمارهٔ آنها بصدها رسیده است از سدهٔ هفتم تا پایان سیزدهم کتابهای درسی ادبیات بشمار میرفت.

نگارنده: سکاکی، ابویعقوب سراج الدین یوسف پسر ابوبکر پسر محمد پسر علی خوارزمی است. او تاسی سالگی چاقوساز بود و در این هنگام بآموزش پرداخت. مؤرخان درباره گرایش او بعلم و دست کشیدن از چاقوسازی داستانها آورده‌اند. مرگ سکاکی در خوارزم بسال (٦۲٦ ق) بوده است. کتاب مفتاح در ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ ق بمصر چاپ شده است.

بنامترین کسان که دربارهٔ مفتاح کاری انجام داده‌اند و در کشف الظنون نامشان آمده است درزیر میآوریم (۱):

– ابن مالك، بدرالدین محمد (م ٦۸٦ ق) «المصباح فی اختصار المفتاح» نگاشت.

– محمد پسر عبدالرحمان حزیرمراکشی کتاب ابن مالك را بشعر سرود،

---

(۱) برای تکمیل این بخش (ص ۳۳٤ و ۳۳۵ و ۳۵۰ تا ۳۵۵ و ۳۷۵ و ۳۷٦ و ٤۰۰ و ٤۱٦ و ٤۳۳ این مجلد نیز دیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

و سپس کتابی درشرح این منظومه بنام «ضوءالصباح علی ترجیزالمصباح» نگاشت.

ـ ابن‌نحویه،محمدپسریعقوب(م۸۱۷ق)،مصباح ابن‌مالك را نیز کوتاه کرد و«ضوءالمصباح» نامید وسپس آنرا شرحی بنام «اسفارالصباح‌عن ضوءالمصباح» نگاشت.

ـ شمس‌الدین معزی، مفتاح را شرح کرد.

ـ حسام‌الدین مؤذنی خوارزمی همه‌آنراشرح کرده ودر(محرم ـ۷٤۲ ق) گزارش آنرا پایان داده است.

ـ قطب‌الدین شیرازی (م۷۱۰ق) فقط بخش سوم راآمیخته بمتن، بنام «مفتاح‌المفتاح» شرح کرد.

ـ ناصرالدین ترمذی همزمان قطب شیرازی.

ـ نظام اعرج (م ۷۲۸ ق) که در (ص ٤۰٥) یاد شد نیز آنرا شرح کرده.

ـ حسام‌الدین کاتی (م ۷٦۰ ق)آنرا شرح کرده.

ـ قاضی حسام‌الدین رومی مرعی. آنرا شرح کرده.

ـ عمادالدین یحیی پسر احمدکاشی برای پسرش کمال‌الدین شرح کرده.

ـ ملاسعد تفتازانی مسعود پسرعمر (م ۷۹۱ ق) آنرا در (۷۸۹ ق) شرح کرده.

ـ سیف‌الدین ابهری (م ۷۰۰ ق) نیزشرح کرده.

ـ علی پسر محمد پسر دهقان تنقی بیکندی، بخش سوم را در (۷۱۹ ق) شرح کرد.

ـ ملا سلطان شاه آنرا جدا ازمتن شرح کرد.

ـ خطیب دمشق (م ـ ۷۳۹ ق) بخش سوم را کوتاه کرده (ص ۳٥۰) دیده شود.

ـ شمس‌الدین محمد پسرمظفرخلخالی (م ۷٤٥ ق) شرح کرد.

ـ خطیب یمنی نیزآنرا شرح کرد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ـ ابن‌موینه، علی پسرحسین موصلی (م ۷٥٥ ق).

ـ قاضی عضدایجی (م۷٥٦ ق) آنرا کوتاه کرد و«الفوائدالغیاثیة» نامید

ـ محمد پسراحمد شریشی، جمال‌الدین (م ۷٦۹ ق) آنرا شرح کرد.

ـ میرسید شریف جرجانی (م ۸۱٦ ق) آنرا شرح کرد.

ـ ابن کمال‌پاشا احمد پسرسلیمان (م۹٤۰ ق) مفتاح را دگرگون ساخت و «تغییرالمفتاح» نامید.

ـ محیی‌الدین محمد پسرمصطفی، شیخ زاده (م ۹٥۱ ق) نیزشرح کرد.

ـ طاشکبری زاده، احمد پسر مصطفی (م ۹٦۲ ق) آنرا شرح کرد.

ـ حسن معالی‌چی (م ۹۹۰ ق)، بخش سوم مفتاح را کوتاه کرد.

ـ سنان‌الدین یوسف (م ۹۸٦ ق) آنرا شرح کرد.

ـ علی‌منق بر کتاب ابن کمال پاشا حاشیه‌یی بنام «افاضةالفتاح» نگاشت.

ـ کدخدا، محمد پسرمصطفی (م ۱۰۳۹ ق) نیز آنرا شرح کرد.

ـ شریفی ابراهیم پسرحسام کرمیانی (م۱۰۱٦) دنباله‌یی برای کتاب ابن کمال پاشا نگاشت.

ـ عبدالمجید (یحیی) پسرنصوح پسراسرائیل بخش سوم را کوتاه کرد.

ـ تاج‌الدین تبریزی «تنقیح‌المفتاح» نگاشت.

[۱۷۹]

٢٥٧ نسخه فقط قسمت سوم کتاب درمعانی و بیان‌است. بخط نسخ نزدیك بثلث. نام‌قطب‌الدین بن‌محمدالکیدری در پایان کتاب دیده میشود. در پایان جمادی یکم سال (۷۸٦ق) نوشته شده‌حاشیه‌های بسیار دارد ونام‌الاستادالکامل مقصدالطلبة من کل فج عمیق یوسف بن خواجه یوسی، که گویا نگارنده حاشیه‌ها باشد در پایان آمده‌است. عنوانها باشنگرف‌است‌برك (۱ـب) باشنگرف وسیاهی وزر جدول‌بندی ونقاشی شده‌است. برگهای (۳و٤و۸و۲۰) نو نویس است.

(۱۱۳برك) کاغذ ترمه لعدی. جلد تیماج فناری.
اندازه: ۱۷×۲٦ و۱۰×۱۷:۱٥ سطر.

[۱٦٢] مقاصداللغات (فرهنگ ـ عربی بفارسی)

کتابی است درلغت‌عربی بزبان‌فارسی. نام‌نگارنده‌ازدیباچه‌افتاده‌است‌وشناخته نشد. گویا یکی از دانشجویان درسدهٔ سیزدهم ـ که شاید نویسندهٔ همین نسخهٔ (شمارهٔ ۱۹۳دانشگاه) علی‌اکبریزدی باشد آنرابرای خویش‌فراهم‌ساخته‌است

نام کتاب دردیباچه چنانست که دربالا یادشد، ولی درپایان نسخه آنرا «لغة الاعراب» نامیده است .

آغاز : الحمدلله الذی بعث بالحق نبیاً ، وانزل قرآناً عربیا ، هدی للناس وبینات . . . امابعد قال الفقیر الی الله غفر ذنوبهما (چنین) . . . لمارأیت القرآن ... عربیة فوجب اولا . . .

انجام : یامع الیم یم : دریا . یمین : سوگند (سپس جمله‌های (ابجدهوز) را گزارش داده است) .

واژه‌ها را بترتیب حرف نخست وسپس دوم بسیجیده . ودرمعنی هرواژهٔ عربی یك واژهٔ فارسی بسنده کرده است . در این کتاب در پیرامن ده هزار واژه گزارش شده است .

[۱۸۰]

۱۹۳ نسخه بخط نسخ ، نام نویسنده علی اکبر فرزند مرحوم آخوند ملاحسین یزدی ساکن ورامین . آنرا درمدرسهٔ صدراعظم پهلوی مسجد شاه دوشنبه ۲۷ ربیع یکم سال ۱۲۸۸ق بپایان رسانیده . وگویا نگارنده همین نویسنده باشد . عنوانها با شنگرف درمتن وباسیاهی در کرانه نوشته شده .

واژه عربی را بخامهٔ درشت وفارسی را زیرآن بخامهٔ ریز نوشته است .

۹۷ برگ : کاغذ فرنگی ساینده آهارمهره . جلد تیماج رو ، مقوائی .
اندازه : ۱۱×۱۷ و ۶×۱۳ ، ۹ سطر عربی ۹ فارسی .

[۱۶۳] **منتخب مغنی اللبیب** (نحو ـ عربی)

مغنی اللبیب عن کتب الاعاریب درنحو ازابن‌هشام نحویست که درزیرعنوان شرح شواهد مغنی در(ص۴۱۰) یادشد . جای گفتگو کوتاه شدهٔ آنست که مانند خودمغنی درهشت باب بسیج شده . و کوتاه کننده خودرا دردیباچه «خادم روضة ثامن الائمة معین‌الدین اشرف الحسینی» خوانده ، وگویا وی امیرمعین‌الدین محمد اشرف پسرحبیب‌الله حسینی طباطبائی شیرازی شاگردشیخ بهائی (۱) ونگارندهٔ

۱ـ شیخ بهائی در۱۰۲۱ق بوی اجازهٔ روایت داده‌است (الذریعه ـ ج۱ـ ص۲۳۷) دیده شود .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

شرح خلاصة‌الحساب بسال (۱۰۳۸) باشد . این کتاب درپیرامن (۵۰۰۰ بیت نوشته) دارد .

آغاز : الحمدلله الذی هدانا لاعدل الادیان وانطقنا باعذب البیان ... و بعد فیقول الضعیف اقل ... ان [هذا] فرائد التقطتهامن کتاب مغنی اللبیب لابن هشام لنفسی ولاحبتی من الاخوان . . . الالف المفردة . تأتی علی وجهین . . .

انجام : السابع : واذاقیل لهم لاتفسدو . . . یحتاج الیه الخبرالمفردالجامد . الثامن : وعدالله الذین آمنو وعملوالصالحات لهم مغفرة واجر کریم . تمت .

[۱۸۱]

۲۰۸ نسخه بخط نسخ نزدیك بنستعلیق . نام نویسنده را ننوشته . درشهر همدان بتاریخ یکم محرم سال ۱۱۲ (گویا ۱۰۱۲ ق) نوشته شده است ، برخی افتادگیها در کرانه نوشته شده . جای عنوانها را سفید گذارده تا شنگرفی نویسند، ولی سفید مانده است . دربرك (۱ـ الف) تملك و مهرعباس پسر محمد پسر علی طالقانی دیده میشود . پیش ازبرك شمارهٔ یك ، یك برك بی‌شماره هست وروی آن تملك ومهر صالح طبیب هست . اندکی حاشیه نیزدارد .

[۱۳۹ برك] کاغذ سمرقندی نخدی ، جلد تیماج مشکی مقوائی فناری فرسوده .
اندازه : ۹/۵×۱۹ : ۲۱ سطر .

[۱٦٤] **مهذب الاسماء** (عربی بفارسی)

فی مراتب الاشیاء

این کتاب یکی از لغتنامه‌های عربی است که در آن فقط اسمها را بفارسی ترجمه کرده وازافعال سخنی نگفته‌است . وهیچ گواه وشاهد نیز نیاورده . کتابرا دربیست وهشت بخش بترتیب حرف یکم واژه‌ها بسیج کرده، وهربخش بزرك بسه بخش میانه (مفتوح زبردار ، مضموم پیش دار ، مکسور ، زیردار) بخش نموده وهریك ازسه بخش را دربیست‌وهشت بخش کوچك بترتیب حرف دوم بسیجیده است . یك بخش درآغاز کتاب برای نامهای خدا ویك بخش درپایان کتاب برای نامهای گوناگون ویرا کننده افزوده است . این کتاب در نسخهٔ این کتابخانه (بشمارهٔ ۱۳۰)

بیش از هشت هزار بیت نوشته ندارد ، ولیکن ابن یوسف نسخهٔ سپهسالار را دارای (۹٦۰۰ بیت نوشته) دانسته است .

دردیباچهٔ این کتاب نام نگارنده و نام کتاب و نام ده کتاب بعنوان مدرك نگارش ، یاد شده است .

آغاز . الحمدالله الذی خلق الخلایق بقدرته وخص بنی آدم بعزته ... امابعد فانی رایت الناس زاهدین . . .

انجام : فصل فی منازل القمر . . . وبطن الحوت وهوالرشاد . ومنزل وثلثی ازمنزل برجی باشد . والله اعلم بالصواب .

نگارنده : چنانکه دردیباچه یاد شده ، محمود پسر عمر پسر محمود پسر منصورقاضی رنجی سنجری عزی ازبنی شیبان (۱) است ، درباره واژه‌های (رنجی وسجزی) گفتگوهاشده(۲) و آقای دهخدا نخستین را (ربنجنی) منسوب به ربنجن شهری ازسغد (۳) و دومین راسجزی معرب سگزی بمعنی سیستانی دانسته‌اند . ابن یوسف گمان کرده است که سنجری درست باشد ، ووی را همان شاعرهمزمان سلطان سنجر شمرده است . ولی بگمان من نگارندهٔ « مهذب الاسماء » باشاعر روزگار سنجری شاعرمیزیسته است و این معنی از مدرکها که دردیباچه آمده روشن میگردد .

[۱۸۲]

نسخه بخط نسخ سدهٔ هشتم و نهم ، نام نویسنده و تاریخ ندارد ، ولی درپایان نسخه (گ ۲۰۵ ب) شعری بتاریخ (۸٤۱ ق) نوشته شده . تصحیح شده ونشانهٔ آن دربرك (۲۰۵ــ الف) دیده میشود . دربرك (۱و۲) دوتملك ودومهردیده میشود .

۱ــ دردیباچه گوید : السجزی ثم العزی من قبط بنی شیبان تغمده‌الله برحمته . . .

۲ــ نسخه‌ها نیزهریك این دو واژه را بشکلی آورده‌اند . نخستین را زنجی ورنجی و ریجی وجز آن ودومین را سجری وسنجری و نسخهٔ این کتابخانه مانند نسخهٔ آقای دهخدا : سجزی نوشته شده است .

۳ــ سمعانی ۲٤۸ ب دیده شود .

بیش‌تر ، این نسخه با نسخه مصادر زوزنی دریك جلد فرسوده بود . و توسط کتابخانه جدا شد و بمصادر، شمارهٔ (۱۰٦۹) داده شد .

عنوانها با شنگرف است .

(۲۰۵ برك) کاغذ نخدی سمرقندی ، جلد تیماج سبز متوالی نو .
اندازه ۱٦×۲۵ و ۱۱×۱۷٫۵ ، ۱۹ سطر .

[۱٦٥] نحو (رساله در ...) (فارسی)

کتابچه‌ایست دردستورهای نحو عربی بزبان فارسی . آغاز نسخه افتاده ونگارنده شناخته نیست . فهرست آنچه بجامانده چنین است : بخشی ازباب پنجم از قسمت نخست دراسماء . باب ششم اسماء افعال ، باب ۷ اسماء اصوات ، باب ۸ مصدرهای تثنیه ومضاف (مانند لبیك) باب ۹ آنچه بفعل مقدر منصوب شود . باب ۱۰ اسماء تو کید باب ۱۱ اسمهائی که باجزاسم ترکیب شود . باب ۱۲ اسمهای مفرد . قسمت دوم فعل درچهارباب است : باب ۱ فعل متصرف باب ۲ غیرمتصرف . باب ۳ فعل امر . باب ٤ متفرقه . قسمت سوم حرف درهفت باب : باب ۱ حرفهای جردهنده ، ۲ ــ نصب دهنده باسم ، ۳ ــ نصب دهنده بفعل ، ٤ ــ جزم دهنده ٥ــ حرفهای بی‌عمل ٦ ــ حرفها که گاه اسم و گاه فعل گردند ، ۷ ــ معنی هریك ازحرفهای الفباء .

آغاز . کتاب افتاده . آغاز آنچه هست . وراء مونث است چون قدام . . .

انجام : وازعین ضفادی بجای ضفادع ، و از کاف چون مکوك ومکاك اصل مکاکیك ، وازثاء : قدمر یومان وهذاالثالی . ارادالثالث. والله اعلم .

[۱۸۳]

نسخه بخط نسخ ، نام نویسنده موسی پسر . . . (پاك شده است) در ۲۵ محرم ۷۲٦ . نوشته شده . عنوانها با شنگرف است . دربشت رساله صرف عربی جلد شده دربرگهای (٤۹ــ۷۰) جا دارد .

همه دفتر (۷۰ برك) این کتابچه (۲۱ برك) کاغذ سمرقندی نخدی رنك ، جلد تیماج متوالی قهوه‌ئی . اندازه : ۱۳×۱٦ ، ۱٦ سطر .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

[١٦٦] الوافیه (نحو – عربی)

شرح کافیهٔ ابن حاجب

کافیهٔ ابن حاجب در(ص۴۱۲و۴۱۴) یاد شد . وچنانکه گفتم آنرا شرحها و حاشیه های بسیار نگاشته‌اند . یکی از کسانیکه این کتابرا شرح کرده‌است رکن‌الدین حسن پسرمحمد استرآبادی حسینی از دانشمندان سدهٔ هفت وهشتم میباشد و بسال (۷۱۷ ق) درگذشته است . او سه شرح بزرك و میانه و کوچك برای کافیه نگاشت . جای گفتگو شرح میانه است که آنرا « الوافیه » نامیده و از دو دیگر نامبردارتر میباشد . وی در دیباچه آنرا بناصرالدوله والدین شمس‌الاسلام یحیی پسرجلال‌الدنیاوالدین ابراهیم پسرتغرش پسرییلکاملك ختنی پیشکش ساخته و نام کتاب را « الوافیة فی شرح الکافیة » نهاده وگوید آنرا پس‌ازشرح بزرك خود فراهم کردم .

آغاز : احمدالله علی عظمة جلاله ، حمدغریق بمطالعة جماله . واشکره ...

انجام : لم یعلم انه بدل عن النون للمحذوف المردودة . ولیکن هذا آخر الکلام فی هذاالکتاب . والحمدلله اولاوآخراً .

میرسیدشریف جرجانی حاشیه‌یی براین کتاب نگاشت و فرزندش محمد آنرا بپایان رسانید . و حاشیه دیگر نیز محمد پسر عبدالله مرینی برآن نگاشته است .

[١٨٤]

٨٣٨ نسخه شرح بخط نستعلیق و متن بخط نسخ است . نویسنده محمد پسرسلیمان جاستانی . درتاریخ ۹۱۲ ق آنرا نوشته . حاشیه‌های بسیار بهمانت خامه با امضاهای (لب) و(لباب) و(هندی) (رضی . ره) و (قم) و (نجم‌الدین) وجزآن دارد . عنوانها با سیاهی و روی‌آن شنگرف کشیده .

دنبال این نسخه: الف – عوامل جرجانی دردوبرك ، ب – جمعهای مکسر بخط

ابراهیم درتاریخ ۱۲۲۱ و ج – خواص سورههای قرآن بخط بسیار ریز بتاریخ جمعه اواسط ماه رجب سال ۹٦٤ ق نوشته شده است . پشت برك (۱ – الف) تملك حافظ ابراهیم درتاریخ ۱۲۲۱ ق دیده میشود .

(همهٔ دفتر ۱۷۳ برك) این‌کتاب ۱٦۹ برك . کاغذ ترمه اصفهانی . جلد فرسوده بود توسط کتابخانه جلد شد ، تیماج زرد عطف الدارة : ۱٦×۳۵ ، ۱٦ سطر .

پایان گفتار دوم

[۱۶۷] آتشکدهٔ آذر (فارسی)

گزارش زندگی شاعران جای بزرگی از تاریخ ادبیات ایرانرا پر کرده ووقت بسیاری ازدانشمندان مارا بخود گرفته‌است .

ازسدهٔ هفتم تا امروزدهها کتاب بنام «تذکرهٔ شعراء» درگزارش زندگی ایشان نگاشته شده است :

لباب‌الالباب ، ازعوفی‌درنیمهٔ نخست سدهٔ هفتم .

تذکرهٔ دولتشاه سمرقندی (ن ۸۹۲ ق) .

مجالس‌النفائس بزرگی از میرعلی‌شیر نوائی (از ۸۴۲ تا ۸۹۸ ق) .

دوترجمهٔ‌آن بفارسی بادودنبالهٔ‌آن نگارش‌آغازسدهٔ دهم (چ‌تهران ۱۳۲۰).

تحفهٔ سامی ، از سام میرزا صفوی (از ۹۰۵ تا ۹۵۷ ق) .

خلاصة‌الافکار میرتقی کاشی (تا ۱۰۱۲ ق) .

هفت اقلیم ، از امین احمد رازی (تا ۱۰۱۰ ق) .

مجمع‌الخواص ، ازصادقی کتابدار (از ۹۰۰ تا ۱۰۱۶ ق)

مرآت‌الخیال علی شیرلودی (تا ۱۱۰۲ ق) .

تذکرهٔ نصرآبادی ، ازمحمد طاهر (ن۱۰۸۳ ق)

آتشکدهٔ آذربیگدلی ، تا پایان سدهٔ دوازدهم .

انجمن خاقان ، ازفاضل گروسی ، تا نیمهٔ دوم سدهٔ سیزدهم .

مجمع‌الفصحاء ، از رضاقلی هدایت تا همان تاریخ

دراین کتابها که درایران نگاشته شده فقط شاعران پارسی گوی ایران یاد شده است، ولی هندیان نیز زنجیره‌یی برای تاریخ پارسی سرایان هندوستان دارند ودرزیرفهرست کتابهای ناقصی ازآن میآورم .

کلمات الشعراء ، درسدهٔ یازدهم نگاشته شده‌است .

تذکرهٔ خوشگو (ن - ۱۱۲۶ ق) .

ریاض‌الشعراء ، از واله داغستانی (۱۱۶۱ق) .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

گفتار سوم تاریخ وجغرافیا

مذهبی ، ادبی ، سیاسی ، اقتصادی
زندگی گزاری ، کتابشناسی

خزانهٔ عامرهٔ ازغلام علی آزاد بلگرامی (ت ۱۱۷۷ ق).

شمع انجمن ازمحمد صدیق حسنخان.

نگارستان سخن از پسرش نورالحسن.

صبح گلشن از پسر دیگرش علی حسن.

روز روشن ازمحمد مظفر حسین صبا.

این چهار کتاب پسین که بترتیب هریك مانند دنبالهٔ دیگریست دردههٔ پسین سدهٔ سیزدهم نگاشته شد و براز نادرستی واشتباه میباشد.

جزاینها میتوان از تذکرههای زیر نام برد:

آثار معاصرین، آفتاب عالمتاب، بهجةالشعراء، تحفهٔ ناصری، تذکرهٔ آلهی (م ۱۰۶۳ ق) تذکرهٔ حزین (م ۱۱۸۱ ق) تذکرهٔ سید نیمهٔ نخست سدهٔ دوازدهم، تذکرهٔ قاطعی سدهٔ دوازدهم، تذکرهٔ ناظم تبریزی (م ۱۰۳۶ ق). حیاةالشعراء، سدهٔ دوازدهم. دلگشا (م ۱۲۶۳ ق) عرفاتالعاشقین، گنج شایگان سدهٔ سیزدهم، مجالسالعشاق، میخانهٔ فخرالزمان (۱۰۴۶ ق) میکدهٔ وامق (۱۲۵۵ ق). نتایجالافکار سدهٔ دوازدهم، وادی ایمن سدهٔ دوازدهم، ید بیضا آزاد (م ۱۲۰۰ ق).

صاحب ذریعه بیشتر شاعرانیکه در این کتابهای گوناگون یاد شده درجلد نهم آورده و بنابراین میتوان آنرا بزرگترین تذکرهٔ شاعران شمرد.

دراین تذکرهها گزارشهای کوتاه و ناسنجیدهیی اززندگی شاعران و گزینی ازشعرایشان وگاه اندك سنجش لفظی میان شعرایشان بادیگران دیده میشود.

بخشبندی درونی تذکرهها: چنانکه گفتم زندگی شاعران دراین کتابها جدا جدا و پیدرپی نهاده میشد، برخی تذکرهنگاران، شاعران را بترتیب تاریخ وسدهیی که درآن میزیستهاند گردآورده مانند دولتشاه و برخی ایشانرا بترتیب شهرها که ازآن برخاستهاند بخش کرده مانند احمد امین رازی و آذر وبرخی بترتیب حرف آغاز نام شاعر بسیجیدهاند. ودرگزارش فقط یاد کردن

نام ونیاکان شاعر ونام کسانی را که ستوده وشاهان و بزرگان روزگارش بستده کردهاند، وهیچگاه دربارهٔ روابط زندگی اجتماعی وخانوادگی او باشعرش، و تأثیر این دو دریکدیگر سخن نمیراندهاند. و این بزرگترین اشتباه ایشان بوده، که تاریخ شعر ما را تاریك نگاه داشته است.

برخی از تذکرهنگاران گذشته از اینکه خصوصیات زندگی شاعر را گزارش نمیدهند داستانهای دروغین نیزساخته وباو نسبت میدهند چنانکه سلطان حسین بایقرا در «مجالسالعشاق» پای بند آنست که برای هریك از عارفان وشاعران که یاد کرده داستان عشقی بسازد واین کار اورا تقی کاشی در «خلاصة الاشعار» گسترش داده و داستان دلباختگی هرشاعر را بیك دلبر ساختگی با آب وتاب آورده است.

جای گفتگو تذکرهئیست بنام آتشکده که بنام نگارندهاش آتشکدهٔ آذر نامبردار شده. نگارندهٔ آن لطفعلی بیگدلی «آذر» پسر ایلدکرخان از خاندان شاملو است، خانوادهٔ وی خود را از نوادگان بیگدل خان یکی ازسران مغول دانند، او نیزدرخاتمهٔ آتشکده بنقل ازجامعالتواریخ رشیدی نژاد خودرا تا یافث پسرنوح کشانیده ودربارهٔ زندگی خود گوید: دراصفهان بسال ۱۱۳۴ ق بزاده و چهارده سال درقم دانش آموخته، و سفرها کرده و درهنگام بازگشت لشکرنادر ازهند،وی درمشهدخراسان بوده. آذر ازبیست سالگی شعر میگفته وشعرنیکو نیزدارد (۱) ودرآغاز «واله» وپس ازآن «نکهت» وسپس

(۱) اوراست:

بشیخ شهر فقیری ز جوع برد پناه
بدان امید که ازلطف خواهدش خوان داد
هزار مسئله پرسیدش از مسائل و گفت
که گر جواب نگفتی نخواهمت نان داد
نداشت حال جدال آن فقیر و شیخ غیور
ببرد آبش و نانش نداد تا جان داد
من و ملازمت آستان پیر مغان
که جام می بکف کافر و مسلمان داد

آذر تخلص گرفته است. وهمواره میان وی وهاتف وصباحی و دیگر شاعران روز گارش چکامه به پیام داد وستد میشد کهدرتذ کرهها یادشدهاست. آذر بسال (۱۱۹۵ ق) درگذشت و هاتف وصباحی درتاریخ مرگ وی شعرها گفتند (۱). آذرجز آتشکده یك‌مثنوی بنام«یوسف و زلیخا» وتذ کره‌یی بنام«دفترنه‌آسمان» دارد که شاعران همزمان خودرا درآن گرد آورده است.

وی این تذکره را بسال۱۱۷٤ق‌درچهل سالگی درزمان پادشاهی کریمخان زند نگاشته ودرآن۸٤۲تن شاعرراشناسانیده‌است. وی دراین کتاب شاعران‌را مانند هفت اقلیم رازی ببخشهای جغرافیائی‌دسته‌بندی کرده‌و کتاب رابردومجمر (آتشدان) بترتیب زیر بسیجیده است:

مجمرنخست دارای یك شعله وسه اخگر ویك فروغ‌است: درشعله پادشاهان وشهزادگان‌شعرسرای‌راآورده،دراخگر نخست‌شاعران‌ایران‌رادرپنج‌شراره آورد.

شرارهٔ‌یکم،آذربایجان: اردبیل، اردوباد، تبریز، شیروان، گنجه، قراباغ، مراغه.

شرارهٔ دوم خراسان: ابیورد، اسفراین، بسطام، تون و تبس، ترشیز، جاجرم، جام، خبوشان، خواف، سبزوار، سمنان، سیستان، طوس، غرجستان، غزنین، غور، قاین، کرمان، مرو، روته، مهنه، نیشابور، هرات.

شرارهٔ سوم طبرستان: استرآباد، گرگان، گیلان، لاهیجان، مازندران.

شرارهٔ چهارم عراق، دوشعاع دارد: نخست عراق عرب: بغداد، وشعاع دوم عراق‌عجم: اصفهان، جرفادقان (گلپایگان) ری، ساوه، قزوین، قم، کاشان، همدان، یزد.

---

(۱) هاتف گوید:

کلك هاتف ازپی تاریخ سال رحلتش
زد رقم از بلبل گویای این باغ آه، آه.

دیوان هاتف چ تهران ۱۳۱۳ ص ۱۱۵

وصباحی گوید:

نوشت کلك صباحی برای تاریخش مقـام آذربادا بسایهٔ طوبی

شرارهٔ پنجم، فارس: ابرقوه، بهبهان، داراب جرد، شوشتر، شیراز، کازرون، لار، تبریز

اخگردوم‌شاعران‌توران‌درسه شراره، نخست: بلخ دوم‌خوارزم‌اورگنج چچکتو، میمند. سوم ماوراءالنهر: اسفرنگ، اخسیتك، بخارا، بدخشان، ترمذ، حصار شادمان، خجند، سمرقند، فرخار، فرغانه، قناه.

اخگرسوم شاعران‌هند درسه شراره: نخست: دکن، دوم: دهلی: سهرند، کابل، لاهور، سوم: کشمیر.

فروغ: درشاعران زنان.

مجمردوم دو پرتودارد: نخست، شاعران همزمان‌نگارنده، دوم گزارش زندگانی خود او.

[۱۸۵]

۱۱۲ نسخه بخط نستعلیق زیبا. نویسنده محمد علی مشرف شیرازی از شاعران بنامسدهٔ سیزدهم‌درشیرازاست. درتاریخ چهارشنبه سیزدهم صفر(۱۲۵۳ق) آنرا بپایان رسانیده است. همهٔ رویه‌ها با زر و لاژورد دوجدول دارد یکی در کنار صفحه و یکی در کنار کرانهٔ آن. هررویه چهار ستون دارد که دو بیت درآن نوشته شده. عنوان شعررا درمیان صفحه باشنگرف نوشته دربالا و کنارهرصفحه باشنگرف نام شهری که شاعران آنجا درآن صفحه آمده نوشته است. عنوانها شهرها و نام شاعران نیز با شنگرف است. دربرگ (۱-ب) سرنامه‌یی بسیار زیبا با شنگرف و لاژورد و زروسفیده آب وسبزه دارد که نیم رویه را گرفته است دردوصفحه (۱-ب و۲- الف) میان سطرها زرافشانی شده وحاشیه با زرگلکاری شده است. میان این دوصفحه برك‌نازك برای نگاهداری آنها ازسایش نهاده‌اند. درپایان نسخه دوصفحه (۱۳۵ ب و۱۳٦ - الف) چکامه‌یی ازصباحی درمرثیهٔ نگارنده (آذربیگدلی) دوبندش بند آورده است.

(۲۳۷ برك) سه برك سفید،کاغذ اصفهانی نخدی. جلد تیماج مشکی فناری زرکوب درون ابری‌گل‌بوته. نه وصالی شده است. اندازه: ۲۱×۳۱/۵ و ۱۲×۲۲: ۲۵سطر.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

[١٦٨] آثار احمدی (تاریخ ـ فارسی)

در تاریخ و گزارش زندگی پیغمبر اسلام (ص) و جنگهای وی ، و اندکی از احوالات هریك از امامان دوازده گانه شیعه میباشد. دربارهٔ امام دوازدهم دوراه برای اثبات زندگی وغیبت او آورده سپس گوید: و گویند در طرف مغرب شهرهائی است که فعلا در حیطهٔ اختیار او است. نگارنده احمد بن تاج الدین حسن بن سیف الدین استرآبادی است ، صاحب ذریعه گوید : گویا وی برادر سلطان محمد بن تاج الدین حسن صاحب « تحفة المجالس » ـ چاپ (١٢٧٤) ـ باشد که در آن از این کتاب نام برده است . نگارنده در دیباچه نام خود و کتاب را یاد نموده گوید بنا بخواهش برخی دوستان کتاب « روضة الاحباب » را کوتاه نموده ومطالب دیگر از کتابهای پیشینیان بر آن افزوده آنرا بدین ترتیب مرتب ساختم . واز این روی بر پشت نسخهٔ این کتابخانه نوشته است [خلاصهٔ روضة الاحباب] . نگارنده مانند بیشتر دانشمندان دورهٔ صفوی پنهان کاری و تقیه را کنار گذارده ، هیچ جا نام ابوبکر و عمر و عثمان را بدون جملهٔ (لعنه الله) و مانند آن نیاورده است .

آغاز :

خدایا ز شکرت زبان کام یافت
ز نام تو هر نامه‌یی نام یافت

و پس از چهار بیت گوید : صحیح ترین حکایتی که مورخان پاکیزه بیان نیکوادا . . . .

انجام : این مقدار نوشته شد که مؤمنانرا کفایت است :

چونکه بدین پایه رسانیدم کلام   به که کنم ختم سخن والسلام

[١٨٦]

١٨٤ نسخه بخط نستعلیق هندی . نام نویسنده و تاریخ آن در پایان نسخه در برگ (٢٨٨ب) چنین آمده است : « صورت اتمام یافت بتاریخ (١٤ ـ محرم ـ ١٠٧٧) بعون الله الصمدی کتاب آثار احمدی بخط العبد الضعیف شهرسوار بن شاه مراد بیك نوائی » ودر برگ (٢٨٩ ـ الف) تملك ملا صالح ولد رجب خبوشانی در لاهور بتاریخ (١١٦٨) دیده میشود . اندکی حاشیه دارد . عنوانها با شنگرف است .

(٢٨٩ برگ) کاغذ سمرقندی جلد تیماج قهوه‌ئی‌کهنه عقوانی ضربی . اندازه: ١٩ × ٣٠ و ١٠ × ٢١/٢ ١٩ سطر .

[١٦٩] اَبان بن عثمان (رجال ـ عربی)

و اصحاب اجماع

حجة الاسلام شفتی بیست ویك کتابچه دربارهٔ ٢١ تن از راویان بنام نگاشته ویکی از آنها همین کتابست که دربارهٔ این مرد است ، وچون ابان عثمان یکی از اصحاب اجماع است ، حجة الاسلام درآغاز کتابچه گفتاری دربارهٔ ایشان وتاریخچهٔ پیدایش این گفتگو، درسه مبحث آورده است .

برای شناختن اصحاب اجماع چند نکته را باید بیادداشت :

I تعیین کننده احکام وقانونهای دینی وحقوق مذهبی ، مفتیان ومجتهدان مذهب شیعه بودند . ایشان میبایست آن احکام را از چهار مدرك بدست آورده بمردم برسانند : کتاب (قرآن) وسنت (خبرها و حدیثها) واجماع (آنچه مسلمانانش بپذیرند) وعقل. ودر چگونگی بدست آوردن قانون از این مدرکها گفتگو بسیار کرده‌اند .

II چون بیشتر قانونها از مدرك دوم (سنت = خبر) بدست میآمد ، دربارهٔ آن پژوهش بسیار شد و آنرا بدسته‌ها بخش کردند چنانکه : **الف** ـ خبر یا متواتر است که چندین راوی آنرا آورده باشند ویا یك خبر میباشد (خبر واحد) که فقط یك راوی آنرا آورده . **ب** ـ خبر واحد با چگونگی روایت کننده‌اش بچند دسته میشد : خبر درست = صحیح . راستگو = ثقه . نیکو = حسن . سست = ضعیف . ناشناس = مجهول ، وجز آن . **ج** ـ پیوسته و گسسته : زنجیرهٔ بیشتر خبرها پشت اندرپشت پیوسته است ولی برخی خبرها نیز یافت شود که زنجیرهٔ آنها گسسته است وروایت را از (بی نام ونشان) نقل کرده‌اند .

III برخی میگفتند یك خبر (خبر واحد) را نمیتوان بکار بست و فقط خبرهای متواتر پذیرفتنی میباشد ، ولی اگر بیاد آوریم : قانونهائیکه از قرآن بیرون میآید دو پیرامن پانصد ماده است ، وخبرهای متواتر نیز از شمارهٔ انگشتان افزون نمیباشد ، و خرد (عقل) نیز همواره مانند یك کمك برای دلیلهای دیگر بکار میرفته نه بتنهائی ، بنابراین آشکار میشود که پایهٔ دهها هزار مادهٔ قانون مذهبی که بکار بسته میشد همه بر تك خبرها استوار میباشد نه به دلیل دیگر .

IV بیشتر این خبرها درسدهٔ چهارم دردو کتاب «کافی» (۱) و «من لایحضره الفقیه» (۲) ودرسدهٔ پنجم دردو کتاب «استبصار» (۳) و «تهذیب» (٤) گرد آمده‌است وزنجیرهٔ بیشتر خبرهای این چهار کتاب بنیمهٔ دوم سدهٔ دوم، باامامان پنجم وششم وهفتم وهشتم شیعه میرسد، پس آشکارمیشود که این خبرهارا ازشش تا ده پشت سینه بسینه روایت کرده و سپس بخامه روی کاغذ آورده‌اند. و با آنکه در کتابچه‌های جدا جدا بنام «اصل» (٥) نوشته بوده ودراین تاریخ آنها را دراین چهار کتاب گرد آورده‌اند.

V علل و دستورهای خبرشناسی (٦) هنگامی تاك خبر (۷) را پذیرفتنی میشمرد که هر یك ازروایت کنندگان آن (همهٔ دانه‌های زنجیرهٔ سند روایت) راستگو و درست کار باشند، وبرای بی ارزش بودن یك خبر بس است که یکی ازدانه‌های زنجیرهٔ آن سست ویاناشناس باشد. پیدااست که بااین شرایط سنگین ودرازبودن زنجیره‌ها فقط اندکی ازخبرها قابل پذیرش خواهد بود و بیشتر آنها بی ارزش بشمارمیرود.

(۱) این کتاب نگارش محمد پسر یعقوب کلینی (م۳۲۹ق) است. صاحب روضات (ص۵۵۳) بنقل ازلؤلؤة البحرین همهٔ حدیثهایش را (۱٦۱۹۹) شمرده که (۵۰۷۲) از آنها صحیح و (۱٤٤ حسن) و (۱۱۱۸ موثق) است.

(۲) این کتاب نگارش ابن بابویه محمد (م۳۸۱ق) است ودارای چهار بخش است و درهمهٔ آن بگفتهٔ لؤلؤة البحرین (۳۹۱۳) حدیث پیوسته و (۲۰۵۰) حدیث گسسته گرد آمده است.

(۳) دراین کتاب خبرهائی که با یکدگر ناسازگار بوده است گرد آمده. نگارنده شیخ طوسی (م ٤٦۰ ق) است. شمارهٔ خبرهای این کتاب چنانکه نگارنده درپایان یاد کرده پنجهزاروپانصد ویازده میباشد ولی برخی آنرا ازنوشمرده وششهزاروپانصد وسی ویك یافته‌اند وآن در (۹۲۵ یا ۹۱۵ باب) بسیج شده‌است. صاحب ذریعه نام هجده تن را که دربارهٔ این کتاب کاری انجام داده‌اند در (ج۲ ص ۱۵ــ۱٦) یاد کرده است

(٤) این کتاب نیز از شیخ طوسی است ولی درآن همه خبرها را که بدست آورده وشمارهٔ آن سیزده هزاروپانصد ونود خبراست در (۳۹۳ باب) گردآورده‌است. صاحب ذریعه نام چهل کار که دربارهٔ این کتاب انجام یافته در (ج ٤ ص ٥۰٤ ــ ٥۰٦) یاد کرده است.

(٥) اصل کتابچه‌ئیرامیگفته‌اند که راویان خبرهارا که ازامام میشنیدند درآن مینوشتند شمارهٔ این اصلهارا طبرسی (م ٥٤٨ ق) دراعلام الوری ودانشمندان پس ازوی چهارصد شمرده‌اند. طوسی درآغازفهرست خویش گوید: ابن غضائری یك کتاب برای فهرست مصنفان ویك کتاب برای اصل نگاران ساخته است.

(٦) درایة الحدیث. (۷) خبر واحد.

VI چنانکه دردنبالهٔ «ضعفاء ابن غضاء» خواهیم دید زندگی نگاران چندین کتاب بنام «الضعفاء» نگاشته. و درآنها بسیاری از راویان خبر را: دروغگو، نادرست، ناشناس وسست خوانده‌اند وازاین راه نیز ازشمارهٔ خبرهای پذیرفتنی کاسته شد.

VII درهمان آغاز کاردانشمندان بدشواری این شرایط عقلی و کمبود خبر پذیرفتنی پی برده و برای چارهٔ این کمبود راهها اندیشیده‌اند، یکی آنکه چند تن از راویان نیکو کارودرست کرداروابرگزیده خبرهایشان را از آن شرطهای دشوار بی نیاز شمردند وچنین درش کردند که این مردان هرگز از کسی که شرط لازم ندارد روایت نکرده‌اند.

اصحاب اجماع کیانند؟

کشی سه دستهٔ شش تنی را درسه جای کتاب خود چنین یاد کرده است:

نخست درباب سوم (۱) گوید: نام فقیهان ازیاران ابوجعفر (باقر) وابوعبدالله (صادق): همهٔ اصحاب ما، خبرهای این نخستین یاران ابوجعفر وابوعبدالله را پذیرفتنی شمرده وفقیه بودن آنان را گردن نهاده و گفته‌اند: فقیه ترین پیشینیان شش تن بوده‌اند: ۱) زراره ۲) معروف پسر خربوذ ۳) برید ٤) ابوبصیر اسدی ٥) فضیل پسر یسار ٦) محمد پسر مسلم طائفی و نیز گفته‌اند فقیه‌ترین ایشان زرارة بود ۷) و برخی بجای ابوبصیر اسدی، ابوبصیر مرادی که لیث بختری است آورده‌اند.

دوم ــ درباب پنجم (۲) گوید: نام فقیهان ازیاران ابوعبدالله (صادق): همهٔ گروه شیعه خبرهائیرا که ایشان درست دانند درست شمرده وسخن ایشان پذیرفته‌اند وبفقیه بودن آنان خستوان هستند، و ایشان شش تن جز شش تن پیشین میباشند: ۱) جمیل پسر دراج ۲) عبدالله پسر مسکان ۳) عبدالله پسر بکیر ٤) حماد پسر عیسی ٥) حماد پسر عثمان ٦) ابان پسر عثمان. ابواسحاق گفته است که فقیهترین آنان جمیل است.

سوم ــ درباب ششم (۳) گوید: نام فقیهان ازیاران ابوابراهیم (موسی کاظم) و ابوالحسن (رضا): همهٔ شیعیان خبرهائیرا که ایشان درست دانند درست شمرده وسخن آنان پذیرفته و بفقیه بودن ایشان خستوان هستند، و ایشان شش تن دیگر میباشند: ۱) یونس پسر عبدالرحمان ۲) صفوان پسر یحیی سابری فروش ۳) محمد پسر ابوعمیر ٤) عبدالله پسر مغیره ٥) حسن پسر محبوب، ۷) برخی گویند: حسن پسر علی پسر فضال ۸) وفضاله پسر ایوب نیز درشمار ایشان بوده‌اند. وبرخی: ۹) بجای فضاله، عثمان پسر

(۱) ص ۱٦٥ ج بمبئی ۱۳۱۷ ق.
(۲) ص ۲۳۹ ج بمبئی ۱۳۱۷ ق.
(۳) ص ۳٤٤ چ بمبئی ۱۳۱۷ ق.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

عیسی را نهاده‌اند (۱) و فقیهترین ایشان یونس بن عبدالرحمان و صفوان بن یحیی بوده‌اند (پایان) و بنابراین کشی نام بیست و دو تن را یاد کرده‌است، و حسن بن داود در کتاب خود مردی بنام حمدان پسر احمد را نیز از گفتهٔ کشی در شمار اصحاب اجماع آورده است (۲) ولی در نسخه‌های کشی نام چنین کسی دیده نشده است.

کسانی که دربارهٔ اصحاب اجماع کار کرده‌اند بیشتر راوی شناسان پس از کشی هریك چیزی در این باره گفته‌اند ولی کسان زیر جداگانه در آن سخن رانده‌اند: حجة‌الاسلام رشتی اصفهانی در دیباچهٔ کتابچهٔ «آبان بن عثمان» که جای گفتگو است. و میس حاجی نوری (م ۱۳۲۰ ق) در فائدهٔ هفتم خاتمهٔ مستدرك (۳) الوسائل سخن را بدرازا کشانیده و (۸۵۰ بیت نوشته) در آن سخن گفته است.

ـ آقامنیرالدین اصفهانی (م ۱۳٤۲ ق) نیز منظومه‌یی دربارهٔ اصحاب اجماع سروده است (ذریعه ٤: ۵۷).

ـ حسن پسر ابوطالب طباطبائی (م ۱۱٦۷ ق) (ذریعه ۲ : ۱۱۹).

ـ کشف القناع فی اصحاب الاجماع (ذریعه ٤: ۵۷).

ـ سیدرضا پسر بحرالعلوم (م ۱۲۵۳ ق) (ذریعه ۲ : ۱۲۰).

نگارنده: سیدمحمدباقر حجة‌الاسلام اصفهانی پسر محمدتقی شفتی رشتی وی شاگرد آقاباقر بهبهانی (م۱۲۰٦ق) و بحرالعلوم (۱۲۱۲ق) و دیگران بود. کتابها در فقه و اصول نگاشته و در زندگی گزارش نیز کار کرده، یك کتاب (تمیزمشترکات الرجال)

---

(۱) عبارت کشی در نسخهٔ شمارهٔ ۹۹۰ دانشگاه در برك (۲۷۷ب) چنین است: «... وقال بعضهم: وکان الحسن بن علی بن فضال و فضالة بن ایوب، و قال بعضهم مکان فضالة: عثمان بن عیسی ...» ولیکن این عبارت در نسخه‌های مجلسی و بهبهانی و نوری و همچنین نسخهٔ چاپ بمبئی ۱۳۱۷ق ص۳۵٤ چنین است: «... وقال بعضهم مکان الحسن بن محبوب: الحسن بن علی بن فضال وفضالة بن ایوب وقال بعضهم مکان فضالة عثمان بن عیسی ...»، و چون عبارت دوم نادرست و نافهمیدنی است هر کس آنرا براهی تفسیر و گزارش داده است.

(۲) رجال ابن داود نسخهٔ شمارهٔ (   ) دانشگاه (گ ۵۵ب).

(۳) خاتمهٔ مستدرك چ تهران ۱۳۲۱ ق ج ۳ ص ۷۵۷ تا ۷۷۰.

برای جدا کردن راویان همنام نگاشته و یك کتابچه برای شناسائی اصحاب اجماع باو نسبت داده‌اند و گویا همین باشد که گفتگوی ما در آنست.

حجة‌الاسلام از روحانیانیست که گذشته از قانون گذاری اجرای قانون را نیز وظیفهٔ دستگاه روحانیت میشمرد و خود باجرای قانون دست میزد، گویند کسانی که برابر قانون کیفر مذهبی بدست او کشته شدند در پیرامن صدتن بوده‌اند. وی بسال (۱۲٦۰ق) در اصفهان در گذشت و در مسجد خود بخاکش سپردند.

همهٔ این کتابچه (۵۲۰ بیت نوشته) دارد.

آغاز: الحمدلله الذی لوحدته دوام خلود ربوبیته شکل شعرة ...

انجام: وقوله اشهدالله عینا هم عنه غیرهم.

این کتابچه در دفتری با پیوست کتابچهٔ دیگر از حجة‌الاسلام شفتی در تهران بسال ۱۳۱٤ق بچاپ سنگ پخش شده است.

[۱۸۷]

۱۹٤ نخستین کتابچه‌های این دفتر است، و برگهای (۱ـ ۱۳) آنرا فرا گرفته، خط نسخ، تاریخ ندارد ولی پیداست که در پایان سدهٔ سیزدهم نوشته شده. در این دفتر ۲۱ کتابچه بترتیب زیر جا دارد:

۱ـ آبان بن عثمان (گ ۱ـ۱۳)　　۲ـ ابراهیم بن هاشم (گ ۱۳ـ۳۸)
۳ـ ابو بصیر (گ ۳۸)　　٤ـ احمد برقی (گ ۵۸)
۵ـ احمد بن محمد بن عیسی گ ٦٤　　٦ـ اسحاق بن عمار (گ ٦۸).
۷ـ حسین بن خالد (گ ۱۲۸)　　۸ـ حماد بن عیسی (گ ۱٤۳).
۹ـ سهل بن زیاد (گ ۱۵٤)　　۱۰ـ شهاب بن عبدربه (گ ۱٦۳)
۱۱ـ عبدالحمید العطار (گ ۱٦۵)　　۱۲ـ عدهٔ کلینی (گ ۱٦۷)
۱۳ـ عمر بن یزید گ ۱۸۱　　۱٤ـ ماجیلویه گ ۱۸۳
۱۵ـ محمد بن احمد گ ۱۹۱　　۱٦ـ محمد بن اسماعیل گ ۱۹۳
۱۷ـ محمد بن خالد البرقی گ ۲۰۳　　۱۸ـ محمد بن سنان گ ۲۰۵
۱۹ـ یقطینی گ ۲۱۵　　۲۰ـ محمد بن فضیل گ ۲۲٤
۲۱ـ معاویة ۲۲۷　　۲۲ـ پاسخ دو پرسش در منطق گ ۲۳۱ـ
۲۳۲ عنوانها باشنگرف همهٔ رویه‌ها بازر و لاژورد جدولبندی شده‌است. آغاز

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابچه‌ها را به سر صفحه نهاده، پشت صفحه (۱ ـ الف) فهرست کتابهارا آورده است.

همهٔ دفتر ۳۳۲ برگ. این کتابچه ۱۳ برگ. کاغذ فرنگی سفید آهار مهره شده. جلد پماج مقوائی. اندازه: ۱۴×۲۱/۵ و ۸/۵×۱۵: ۱۹ سطر.

[۱۷۰] **ابراهیم بن هاشم قمی** (رجال ـ عربی)

یکی از کتابهای راوی شناسی حجةالاسلام شفتی (م۱۲٦۰ق) دربارهٔ زندگی این مرد است. از آغاز این کتابچه چنین برمیآید که حجةالاسلام پیش از این نیز کتابی دیگر دربارهٔ این مرد نگاشته بوده و سپس این کتابرا در دو مبحث ساخته است. این کتاب با ۲۰ کتاب رجالی دیگر از حجةالاسلام شفتی بسال ۱۳۱٤ ق در تهران بچاپ سنگ پخش شده، و این دومین کتابچهٔ آن دفتر و از ص ۱۰ تا ۲۵ جایی را گرفته و در پیرامن (۱۱۰۰ بیت نوشته) دارد.

آغاز: بسمله. ومنه الاعانة فیما یفتقر الیه فی الدنیا والدین والحمدلله المتأبد...

انجام: بمعزل عن الاعتبار، ولله الحمد والشکر فی کل حال.

[۱۸۸]

۱۹٤ نسخه بخط نسخ، دومین کتابچه دفتر است و در برگهای (۱۳ تا ۳۸) جا گرفته. عنوانها با شنگرف است.

همهٔ دفتر ۳۳۲ برگ. این کتابچه ۲۵ برگ دارد. کاغذ و جلد همانست که در بالا یاد شده است.

[۱۷۱] **ابو بصیر** (رجال ـ عربی)

این مرد که یکی از اصحاب اجماع است چند همنام دارد که برخی از ایشان سست و نادرستند. حجةالاسلام شفتی (۱) برای جداشناختن هریك از ایشان در این کتابچه گفتگو کرده است. در ذریعه (۱٤۸۰٤) چهار کتاب در بارهٔ گزارش زندگی ابو بصیر یاد شده که دوتای آنها چاپ شده است.

این کتاب با بیست کتاب دیگر حجةالاسلام بسال ۱۳۱٤ق در تهران چاپ شد. و سومین کتاب آن دفتر و از ص ۲۵ تا ٤۰ جایی آنرا گرفته است. و در پیرامن (۱۰۰۰ بیت نوشته) دارد.

آغاز: بعد حمد المنعم المفضال العلام...

(۱) برای زندگانی حجة الاسلام ص٤٧٤ دیده شود.

انجام: ونسبة الوقف انما هی الی الثانی لا الاول والاتحاد وهم نشأ من قلة التأمل وقد فصلنا الحال وازلنا.

[۱۸۹]

۱۹٤ نسخه بخط نسخ، سومین کتابچه دفتر است و در برگهای (۳۸ـ۵۸) جا گرفته. عنوانها با شنگرف است.

همهٔ دفتر ۳۳۲ برگ. این کتابچه ۲۰ برگ. کاغذ و جلد در ص ۴۷۶ یاد شده است.

[۱۷۲] **اجازهٔ سید حسین کاشانی** (رجال ـ عربی)

به ملا محمدحسین آرانی

پیشوایان همهٔ مذاهب آداب و رسوم و آئین مذهبی را پشت به پشت مانند امانت بیکدیگر می سپردند و این عادت ویژهٔ مسلمانان نبوده است. از سدهٔ سوم که خبر و حدیثها را روی کاغذ نوشتند، روایت کردن حدیث خود کاری شناخته شد و روایت کنندگان حدیث درمیان مردم جایی برای خویش باز کردند و برای این کار شرایطی پذیرفتند؛ هر روایت کننده باید آنرا از استاد خود بشنود و اگر در کتاب نوشته شده است، آنرا بر استاد بخواند و استاد بشاگرد اجازت دهد که آنرا برای دیگران نقل کند.

بعدها این اجازه‌ها در پایان کتابی که شاگرد خوانده است بدست استاد نوشته میشد، در این اجازه‌ها نام استادان اجازه دهنده و استادان استادانش تا پایان زنجیرهٔ سند روایت یاد میشد. در سده‌های پسین بدرازی این اجازه‌ها افزوده گردید تا آنجا که آنهارا مانند یك کتاب جداگانه می‌ساختند (۱). این اجازه‌ها برای شناسائی زمان زندگی پیشوایان و استادان و شاگردان این دانشمندان که مهره‌های این زنجیره‌ها هستند کمك سودمندی بشمار آید.

گردآوری اجازه‌ها:

بسیاری از خبرشناسان اجازه‌های یکایك دانشمندان را که بدست آورده‌اند

(۱) و آنهارا بنام می‌خواندند مانند کتابهای لؤلؤة، روضة البهیة، بغیة الوعاة، طبقات، لمعة مهدویة و جز آنها

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

یکجا گردآورده کتابی ساخته‌اند. درذریعه در (ج۱ص۱۲۳-۱۳۱) کسان زیر را در شمار چنین گردآورندگان یاد کرده است.

- رضی‌الدین ابن‌طاوس، علی پسر موسی (م ٦٦٤ ق) کتاب «الاجازات لکشف طرق المفازات فیما یحصی (یخصنی) من الاجازات داشته است.

- غیاث‌الدین عبدالکریم بن طاوس؛ احمد پسر موسی او نیز اجازه‌های خویش را یکجا گرد میآورده است.

- شهید یکم، محمد پسر مکی (م ٧٨٦ ق).
- شهید دوم زین‌الدین پسر علی شامی (م ٩٦٦ ق).
- صاحب معالم حسن پسر شهید دوم (م ۱۰۱۱ ق).
- محمد پسر علی تبنینی عاملی استاد مجلسی یکم (م ۱۰۷۰ ق).
- شرف‌الدین شولستانی علی پسر حجة‌الله که در هزار و شصت و اند درگذشته است.

- سید حسین پسر حیدر کرکی استاد مجلسی دوم (م ۱۱۱۰ ق).
- محمدحسن استرآبادی پسر محمدعلی در پایان سده یازدهم.
- حرعاملی، محمد پسر حسن (م ۱۱۰٤ ق).
- مجلسی دوم محمد باقر (م ۱۱۱۰ ق) جلد ۲۵ بحار را ویژهٔ آن ساخته است.

- عبدالله افندی پسر میرزا عیسی (م ۱۱۳۰ ق)
- محمد محسن پسر عبدعلی عاملی بسال (۱۱۲۵ ق) کتابی در این باره نگاشته.
- میرعبدالصمد نوادهٔ سید جزائری.
- سید نصرالله حائری (م ۱۱٦۸ ق) بیست و اند اجازه را گرد آورده.
- بحرالعلوم بروجردی سیدمحمد مهدی پسر مرتضی (م۱۲۱۲ ق) کتابش نزد حاجی نوری (م ۱۳۲۰ ق) بوده است.
- شیخ احمد احسائی (م ۱۲٤۱ ق).

- حجة‌الاسلام شفتی (م ۱۲٦۰ ق). سیزده اجازه خود را یکجا گرد کرده است.

- شیخ‌العراقین عبدالحسین تهرانی کربلائی (م ۱۲۸٦ ق).
- محمد پسر عبدالوهاب همدانی امام‌الحرمین (م ۱۳۰۳ ق).
- سید محمد حسین شهرستانی (م ۱۳۱۵ ق) در کربلا.
- آقارضا درخشی پسر آقا باقر قائنی (در سدهٔ ۱٤).
- آقاباقر پسر محمد تقی آقانجفی اصفهانی (در سدهٔ ۱٤).
- میرزا محمد تهرانی سامرائی (م ۱۳۷۲ ق) دنباله اجازات بحار را در چهار جلد نگاشته است.

- پدرم صاحب ذریعه اجازه‌های سه سدهٔ پسین را گرد کرده است.
- سید محمد صادق بحرالعلوم از شاگردان پدرم.

اینان کسانی هستند که پدرم در جلد یکم ذریعه گردآوری اجازه‌ها را بایشان نسبت داده است. در جلد یکم ذریعه (ص۱۳۱-۲٦٦) پیرامن هشتصد اجازه شناسانده شده است، ولی آشکار است که این شماره‌ها یکصدم همهٔ اجازه‌ها که درمیان دانشمندان دادوستد شده نمی‌باشد.

در کتابخانهٔ دانشگاه اجازه‌های بسیار دیده میشود و برای دست یافتن بآنها عنوان اجازه در فهرست الفبائی پایان هر جلد از فهرست کتابخانه دیده شود. ولیکن دو اجازه که در اینجا یادمیشود چون بزرگ بود و خود کتابی جدا ودارای شماره است آنرا در اینجا یاد کردم.

جای گفتگو اجازهٔ حاج سید حسین پسر حاج میر محمد علی حسینی کاشانی (۱) است که آنرا برای شاگرد خویش ملامحمد حسین پسر ملامحمد باقر آرانی (۲) کاشانی نگاشته است. تاریخ این اجازه در آغاز کتاب (گ ٥-ب) شعبان

(۱) در المآثر و الآثار ص ۱٦۰ گوید حاج سید حسین کاشانی در (۱۲۹٦ ق) درگذشت و متهم بشیخی گری بود.

(۲) کتاب منطق شفا بخط این اجازه گیرنده نزد نواده‌اش آقای نظام وفا در تهران هست.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

(۱۲۸۰ ق) ودرپایان (گ ۲۶). یازدهم شعبان (۱۲۸۸ ق) آمده است. وی در آغاز این کتاب چهار استاد خود را یاد کرده و زنجیرهٔ سند هر یك را تا شهید دوم زین‌الدین (م ۹۶۶) رسانیده است، وسپس برای پیوند زنجیرهٔ سند از شهید تا امامان؛ متن اجازهٔ شهید را دراین کتاب گنجانیده است.

آغاز: سبحانك اللهم انی للسان هذه اللمعة الناقصة . . .

انجام: واسئل الله ان یجعلنی وایاك من طالبی علوم‌الدین . .

این کتاب (۱۰۰۰ بیت نوشته) دارد که نیم آن اجازهٔ شهیداست ودراین کتاب گنجانده شده است.

[۱۹۰]

۹۸۶ نسخه بخط نسخ. نویسنده‌خود نگارندهٔ کتاب حسین حسینی کاشانی است. دریازدهم شعبان ۱۲۸۸ ق پایان یافته. برخی عنوانها را درشت نوشته و برخی را سفید گذارده تا بعد بنویسد ولی سفید مانده است. اندکی حاشیه (منه) دارد.

همه کتاب (۳۶ برگ) کاغذ فرنگی نخدی، جلد ندارد.

اندازه: ۱۷/۵ × ۲۲ سطرها مختلف است.

[۱۷۳] اجازهٔ شهید دوم (رجال – عربی)

به حسین پسر عبدالصمد

شیخ زین‌الدین پسر نورالدین علی پسر احمد شامی عاملی معروف بشهید دوم که بسال (۹۶۶) کشته شده‌است. این اجازه را برای حسین پسر عبدالصمد جبعی عاملی پدر شیخ بهائی نگاشته است، اجازه گیرنده دربحرین بسال (۹۸۴) در گذشته، وتاریخ این اجازه پنجشنبه (۳ج۲–۹۴۱ق) است. وخوداجازه‌دهنده بر آن حاشیه‌ها دارد. درذریعه (ج۱ – ص ۱۹۳) نسخه‌یی از آن را در کتابخانهٔ شیخ هادی کاشف الغطاء در نجف نشان داده است.

آغاز: الحمدلله الذی اوضح للانام سبل الاکرام . . . و بعد فان العبدالضعیف

زین‌الدین (۱) علی بن احمد . . .

انجام: ونسئل الله سبحانه بنور وجهه الکریم . . .

این کتاب درپیرامن (۵۰۰ بیت نوشته) دارد.

[۱۹۱]

۹۸۶ نسخه بخط نسخ. نویسنده حسین الحسینی الکاشانی است وی آنرا در کتاب اجازه خویش گنجانده است، وازبرك (۱۳ تا ۲۵) آنرا گرفته است.

خصوصیات نسخه همانست که در ص ۴۸۰ یاد شد.

[۱۷۴] احمد بن محمد بن خالد البرقی (رجال – عربی)

این مرد یکی ازراویان بنام است ودر۲۷۴ق در گذشته‌است. وی نگارندهٔ «المحاسن» است که قاضی نورالله آنرا پنجمین سرچشمهٔ خبرهای شیعه شمرده است (۲). خانواده او در «برق رود» قم میزیسته‌اند. ابن‌غضائری اورا درشمار راویان سست آورده‌است. حجةالاسلام شفتی (۳) این کتاب را که (۲۶۰ بیت نوشته) دارد دربارهٔ زندگی او نگاشته، و با ۲۱ کتابچهٔ دیگر او بسال ۱۳۱۴ق درتهران چاپ شده و از ص ۳۰ تا ۴۴ آنرا گرفته است.

آغاز: الحمدلله الذی فضل مداد العلماء . . .

انجام: فانصرف محمد بن الحنفیة وهو یتولی علی بن الحسین.

محاسن برقی را آقای سید جلال‌الدین محدث در ۱۳۳۰ در تهران در (۶۵۰ ص) با یك پیشگفتار ۹۵ صفحه‌ئی در گزارش زندگی برقی و شناسائی کتاب محاسن چاپ کرده است.

---

(۱) شاید [ابن] افتاده باشد.

(۲) چهار کتاب کافی، من لایحضر، تهذیب، استبصار سرچشمه‌های خبروحدیث نزد شیعیان شمار است ولی قاضی نورالله شوشتری آنها را شش کتاب شمرده، واین کتاب و کتاب «قرب‌الاسناد» را بر آن افزوده است. ص ۴۷۲ دیده‌شود.

(۳) اندکی از گزارش زندگی شفتی در ص ۴۷۱ یاد شد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۹۲]

۱۹٤ نسخه چهارمین کتاب دفتر است و برگهای (۵۸ تا ٦٤) آنرا گرفته است، عنوانها با شنگرف.

همهٔ دفتر ۲۴۴ برگ. این کتاب ٦ برگ. کاغذ وجلد در ص ۴۷۵ یاد شده است.

[۱۷۵] **احمد بن محمد بن عیسی قمی** (رجال – عربی)

این مرد از راویان حدیث درسدهٔ سوم و همزمان برقی (م ۲۷٤ ق) است، وحجة‌الاسلام شفتی این کتاب را که (۹۵۰بیت نوشته) دارد دربارهٔ او نگاشته، و با ۲۰ کتاب دیگر او سال ۱۳۱٤ ق در تهران چاپ شده و ص ٤٤ تا ٤٦ آنرا گرفته است.

آغاز: بعد حمد المنعم المفضال . . .

انجام: ان الحدیث المذکور ما وضعه احمد بن محمد غیر ظاهر.

[۱۹۳]

۱۹٤ پنجمین کتابچه دفتراست وبرگهای (٦٤ تا ٦٨) آنرا گرفته، عنوانها باشنگرف

همهٔ دفتر ۲۴۴ برگ. این کتاب ۴ برگ. کاغذ وجلد در ص ۴۷۵ یاد شده است.

[۱۷٦] **اختیار الرجال کشی** (رجال – عربی)

یکی از پنج کتاب است که پایه‌های راوی‌شناسی وزندگی گزاری شیعیان بر آن استواراست وهمهٔ پسینیان گزارش زندگی راویان حدیث شیعه‌را از این پنج کتاب گرفته‌اند که نامهایشان چنین است:

I – رجال نجاشی (م ٤٥۰ ق) ابوالعباس احمد پسر علی پسر احمد فرماندار اهواز، پیشتر به احمدبن‌العباس نامبردار بود و درسده‌های پسین به لقب نجاشی شهرت‌یافت. پایه این کتاب بر کتابشناسی میباشد ودر آن زندگانی آن راویانرا گزارش میدهد که نگارشهائی داشته‌اند و کمتر براویان دیگر پرداخته است (۱) گرچه این کتاب بترتیب حرفهامیباشد ولی درست مرتب نشده‌است وازاین روی

(۱) ابن‌طاوس گاهی آنرا «اسماء‌المصنفین» نامیده است، فرج‌المهموم چ نجف ۱۳٦۸ ص ۹۷ و گاهی «فهرست کتب‌المصنفین» خواند. همان کتاب ص۱۲۲.

کسانی آنرا مرتب کرده‌اند ۱– خادم انصاری، محمدتقی آنرا در (۱۰۰٦ق) مرتب کرده ونسخهٔ آن در کتابخانهٔ خوانساری در نجف هست، ۲– ملاعنایة‌الله قهپائی نگارندهٔ مجمع‌الرجال (ت ۱۰۱٦ ق) نیز آنرا مرتب کرده و نسخه آن در کتابخانهٔ صدر در بغداد هست، ۳– شیخ داود پسرحسن بحرینی همزمان شیخ حر (م۱۱۰٤) (۱). میرزا ابوالمعالی کلباسی (م ۱۳۱۵ ق) نیز گزارش زندگی نجاشی‌را کتابی ساخته‌است (۲) کتاب نامرتب نجاشی در بمبئی بسال (۱۳۱۷ ق) بکوشش شیخ علی محلاتی در (۳۲۰ ص) چاپ شده است

II– فهرست طوسی محمد پسرحسن معروف بشیخ‌الطائفه (م ٤٦۰ ق) پایه این کتاب نیز بر کتابشناسی است که بترتیب حرفهای القباء درآغاز نام نگارندگان آنها بسیج شده‌است. و کسانی نیز ترتیب نادرست این کتاب‌را راست کرده‌اند ودر (حرف – ف) این گفتار یاد خواهد شد.

III– رجال طوسی، از همان نگارنده. دراین کتاب نام یاران همزمان هریك از امامان دوازده گانه بترتیب امامان یاد شده است. ولی از نگارشهای آنان نام نبرده است. ازاین کتاب نیز در (حرف – ر) گفتگو خواهم کرد.

IV رجال کشی (اختیارالرجال) جای گفتگو.

V، الضعفاء، از ابن‌غضائری احمد پسر حسین پسر عبیدالله از دانشمندان سدهٔ پنجم میباشد. این کتاب درسدهٔ هفتم بدست احمدبن طاوس بوده و آنرا در کتاب حل‌الاشکال گنجانده و سپس در سدهٔ یازدهم بدست ملاعبدالله شوشتری دوباره از حل‌الاشکال بیرون آمده وجدا گردیده‌است. نسخهٔ ملاعبداللهی‌دراین کتابخانه هست و دراین فهرست یاد خواهد شد.

کهن‌ترین زندگی گزاری: ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ق) در دیباچهٔ «الاصابه» گوید نخستین کسی که گزارش زندگانی راویان حدیث گرد کرد،

(۱) الذریعه ٤ : ۷۰ (۲) الذریعه ٤ : ۱٦۷

(۳) توضیح‌المقال کنی ص ٦۰

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ابوعبدالله بخاری (م ٢٥٦ ق) بود. و جلال‌الدین سیوطی (م ٩١١ ق) در کتاب «الاوائل» گفته است نخستین کس شیعه (م ٢٦٠ ق) بود. سید حسن صدر در «تأسیس الشیعه – ص ٣٣» چ بغداد گوید نخستین کس عبدالله پسر جبله (م ٢١٩ ق) بود. پدرم درمشیخهٔ خود (چ نجف ١٣٥٦ ق ص ٨٣) و در (الذریعه ج ١ ص ١٤ دیباچه) گوید: ابوعبیدالله پسر ابورافع نویسندهٔ علی (ع) بوده‌است.

اقسام آن

میان خبرشناسی (درایة‌الحدیث) و راوی شناسی (علم رجال‌الحدیث) وفهرست‌نگاری (کتابشناسی) در گذشته پیوند ناگسستنی بوده‌است، ودرهریك از مسائل دیگری نیز گفتگو میشده است، و روش آنها با زندگی گزاری وفهرستنگاری امروز از بن ناساز گار ود گرگون میباشد. گذشتگان ماشناسائی زندگی راویان رابرای دانستن عقیدت وایمان روایت کنندگان حدیث میخواستند ودرفهرست‌نگاری فقط سند وزنجیرهٔ روایت کتابهارامیاوردند، وبرخی ازایشان برای آنکه خبرهای سست (ضعیف) وناشناس (مجهول) را شناخته وقابل پذیرش سازند بگردآوری زندگی راویان میپرداختند (١) و ازاین روی من آنها را بجای «زندگی گزاری» «راوی شناسی» می‌نامم

کسانیرا که دراین رشته ازتاریخ مذهبی کار کرده‌اند میتوان بچند دسته نمود:

I – کسانیکه در کتابشناسی کار کرده‌اند، ومن در (حرف – ف) این فهرست در عنوان «فهرست طوسی» واندکی دربارهٔ ایشان گفتگو خواهم کرد.

II – کسانیکه زندگی راویان درستکار (ثقة) را گردآورده‌اند در (حرف – خ) زیرعنوان خلاصة‌الاقوال علامهٔ حلی از ایشان گفتگومیکنم

III – کسانیکه نادرستان و دروغگو و ناشناختگان را گردآورده‌اند.

(١) ملا محمد علی اردبیلی (که در ١٠٩٨ ق از مجلسی اجازه دارد) در دیباچهٔ «جامع الرواة» گوید: وبسبب این کتاب من درپیرامن دوازده هزارحدیث که تا کنون در میان دانشمندان سست و ناشناس وگسسته (مرسل) خوانده میشد، درست (صحیح) بشمار خواهد آمد.

در (حرف – ض) دنبال‌عنوان الضعفاء ابن‌غضائری ازایشان گفتگو میدارم.

IV – کسانیکه زندگی راویان یك یا چند کتاب ویژه را گردآورده‌اند. در (حرف – ش) دنبال‌عنوان شرح مشیخهٔ من‌لایحضر ازایشان سخن خواهم گفت.

V – کسانیکه کنیت یالقبها و نسبتهارا گردآورده‌اند. درعنوان «الاستیعاب» اندکی از ایشان گفتگو میدارم.

VI – کسانی که همه را درهم آورده وبامن رشتهٔ ویژهٔ ایشانرا ندانسته‌ام. من فهرست کوتاهی از نامترین ایشان دراینجا میآورم:

تاریخ یا رجال: در اینجا باید یادآور شد که راوی شناسان شیعه در سدهٔ پنج وشش هجری کتابهائی‌را که دربارهٔ زندگی راویان شیعه بود «رجال» مینامیدند و کتابهائی که در بارهٔ همهٔ راویان (سنی و شیعه) بود «تاریخ» مینامند(١) ولی من دراینجا باین دو اصطلاح کاری ندارم ونام چند تن از نامترین راوی‌شناسان وزندگی گزاران شیعه وسنی را بترتیب تاریخ میآورم واگر نسخه کتاب او بدست باشد و یا چاپ شده باشد آنرا نیز یاد میکنم:

– عبیدالله پسر ابورافع، نویسندهٔ امیرالمؤمنین علی (ع) کتابی بنام «تسمیة من شهدالجمل وصفین» داشته. (فهرست طوسی – ص ١٠٧)

– ابن اسحاق، محمد نوادهٔ یسار (م ١٥١ ق) کتابش مدرك استیعاب است.

– طبری ابوجعفر (م ٢١٠ ق) کتابش مدرك استیعاب است.

– عبدالله پسرجبله پسرحنان پسر ابجر (م ٢١٩ ق) کتاب رجال داشته (نجاشی ص ١٥٠).

– یقطینی محمد پسرعیسی پسرعبید پسریقطین کتاب رجال داشته (نجاشی ص ٢٣٥ – ٢٣٦). حجة‌الاسلام‌شفتی یك کتابچه‌در گزارش زندگی این‌مرد نگاشته‌است.

– محمد پسر احمد پسرنعیم پسر شاذان نیشابوری معروف به ابو عبدالله‌شاذانی «التراجم» نگاشته.

– حسن پسر محبوب (م ٢٢٤ ق) اوراست «المشیخة» (فهرست‌طوسی ص ٤٧) و «معرفة رواة‌الاخبار» (توضیح‌المقال ص ٦٥).

– احمد پسر حسین پسر عبدالملك ازدی (اودی) کوفی کتاب مشیخة را ترتیب

(١) الذریعه ج ٣ ص ٢٢٤ دیده شود

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

حرفهای الفباء بسیجیده است (فهرست طوسی ص ۲۳ و نجاشی ص ۵۸).

– محاربی، ابوعبدالله محمد پسر حسن پسر علی کتاب رجال داشته (نجاشی ص ۲٤۷)

– جزاوبنی، علی پسر عباس «الممدوحین والمذمومین» داشته (ابن الغضایری).

– حسن پسر علی پسر فضال فطحی (م ۲۲٤ ق) کتاب رجال داشته (نجاشی ص ۲٤ – ۲٦) وخلاصه ومنتهی المقال و دیگران

– ابن سعد، محمد ازهری بصری کاتب واقدی (م ۲۳۰ ق) طبقات او در یازده جلد چاپ شده و سیوطی (م ۹۱۱) آنرا کوتاه کرده است.

– واقدی، محمد پسر عمر استاد ابن سعد کتابش مدرک «استیعاب» است.

– ابن المدینی، علی (م ۲۳٤ ق) تاریخی در ده جلد دارد.

– علی پسر حسن پسر علی پسر فضال فطحی، رجال داشته (نجاشی – ص ۱۸۱)

– خلیفة ابن الخیاط (م ۲٤۰ ق) کتابش مدرک «استیعاب» است.

– بخاری، محمد پسر اسماعیل پسر مغیرة (م ۲۵٦ ق) سه کتاب دارد «تاریخ کبیر» بترتیب حرفهای الفباء در هشت جلد سالهای (۱۳٦۰ – ۱۳٦٤ ق) در حیدرآباد چاپ شده وتاریخ متوسط وتاریخ کوچك.

– مسلم پسر حجاج (م ۲٦۱ ق) نیز طبقات دارد.

– برقی، احمد پسر محمد پسر خالد (م ۲۷٤ ق) «طبقات الرجال» او در کتابخانه‌های تهرانی بسامرة وصدر بغداد ومحدث در تهران دیده میشود

– عیاشی سمرقندی، محمد پسر مسعود «معرفة الناقلین» داشته است (نجاشی – ص ۲٤۸).

– رواجنی، عباد پسر یعقوب. اوراست «المعرفة فی معرفة الصحابة» (فهرست طوسی ص ۱۱۹) وخلاصة ومنتهی المقال ودیگران.

– زعفرانی، یحیی پسر زکریا. اوراست «منازل الصحابة» (نجاشی ص ۳۰۹ وخلاصه).

– ابوالفرج قنانی کاتب پسر محمد پسر یعقوب «معجم رجال ابی مفضل» نگاشته. (نجاشی – ص ۲۸۳ وجز آن)

– دیلمی، محمد پسر وهبان «من روی عن امیرالمؤمنین» نگاشته است (نجاشی ص ۲۸۲ وجز آن).

– ابوالقاسم بلخی، نصر پسر صباح. اوراست «معرفة الناقلین» و «فرق الشیعة» (نجاشی – ص ۳۰۲ وجز آن).

– احمد پسر عبدالواحد بزاز. اوراست «فهرست الرجال» (توضیح المقال ص ٦۵

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بنقل از فهرست طوسی در ترجمه ابراهیم ثقفی).

– ابن ابی خثیمة، احمد پسر زهیر (م ۲۷۹ ق) کتابش مدرك استیعاب بوده است.

– عقیقی، احمد پسر علی پسر محمد (م ۲۸۰ ق) «تاریخ الرجال» داشته (نجاشی ص ۵۹ و ابن شهرآشوب وفهرست طوسی ص ۲٤).

– مطین، محمد پسر عبدالله پسر سلیمان حضرمی (۲۰۲ – ۲۹۷ ق) کتابش مدرك الاصابة» است.

– عقیقی، علی پسر احمد یاد شده (زندهٔ ۲۹۸ ق) اوراست کتاب «الرجال» (فهرست طوسی ص ۹۷ وخلاصهٔ علامه وتوضیح المقال ص ٦۱).

– ابن خزم هروی، حسین پسر ادریس (م ۳۰۱ ق) کتابی مانند تاریخ کبیر بخاری دارد.

– ابن منده، ابوعبدالله، محمد پسر یحیی (م ۳۰۱ ق) کتابش یکی از پایه‌های راوی شناسی سنیان است.

– حمید نینوائی دهقان، (م ۳۱۰ ق) «تاریخ الرجال» و «من یروی عن الصادق» داشته (نجاشی ص ۹۵ و ۹٦)

– دولابی، احمد پسر محمد پسر حماد (۲۲٤–۳۱۰ ق) «الکنی والاسماء» وی در دو بخش در حیدرآباد بسال (۱۳۲۳ ق) چاپ شده والمولد والوفات نیز دارد.

– عبدالعزیز پسر اسحاق، ابوالقاسم زیدی (زندهٔ ۳۲٦ ق) «طبقات الشیعه» دارد (فهرست طوسی – ص ۱۱۹) وجز آن.

– کلینی، محمد پسر یعقوب (م ۳۲۹ ق) رجال داشته (نجاشی ص ۲٦۷)

– جلودی، عبدالعزیز پسر یحیی (م ۳۳۲ ق) اوراست «اخبار المحدثین» و کتابهای دیگر نیز در این زمینه دارد (نجاشی ص ۱٦۷–۱۷۱) وجز آن.

– مسعودی، علی پسر حسین (م ۳۳۳ ق) اوراست «الفهرست» (نجاشی ص ۱۷۹) وجز آن.

– عیسی پسر مهران «کتاب المحدثین» داشته (فهرست طوسی ص ۱۱٦ و نجاشی ص ۲۱۰).

– ابن بطه، محمد پسر جعفر مؤدب قمی «الفهرست» داشته که نجاشی و طوسی از آن نقل کنند ولی در گزارش زندگی‌اش در (نجاشی ص ۲٦۳) نیامده است

– محمد پسر عبدالله پسر مهران کرخی «کتاب الممدوحین والمذمومین» داشته (نجاشی ص ۲٤۷) و (ابن غضائری) وجز آن.

– ابن عقدهٔ همدانی، احمد (۲٤۹–۳۳۳ ق) گزارش زندگی چهارهزار تن را کرده است (مشیخهٔ صاحب ذریعه ص ۷۵) او زیدی مذهب بوده وچند کتاب در زندگی گزاری

دارد (فهرست طوسی ص ٢٨) و (نجاشی ص٦٨–٦٩) گویند برخی از بخشهای کتابش تاکنون در کتابخانهٔ پادشاهی برلن هست.

– ابوسلیمان محمد پسر عبدالله، تاریخ مرگ راویان را تا سال (٣٣٨ق) گرد آورد.

– محمد پسر احمد اشعری «مناقب الرجال» داشته (فهرست طوسی ١٤٤).

– سعد پسر عبدالله اشعری، او راست «مناقب رواة الحدیث» و «مثالب رواة الحدیث» (فهرست طوسی ص ٧٥ و نجاشی ص ١٢٦).

– طبرانی، سلیمان پسر احمد پسر ایوب (٢٦٠ – ٣٤٠) کتابش مدرک اصابهٔ ابن حجر است.

– ابن ولید قمی محمد پسر حسن پسر ولید (م ٣٤٣ ق) کتاب «فهرست» نگاشته نجاشی در ص ٢٣ از آن نقل کند.

– احمد پسر محمد پسر عمار کوفی (م ٣٤٦ ق) «ممدوحین و مذمومین» نگاشته (نجاشی ص ٦٩–٧٠).

– علی پسر محمد پسر زبیر قرشی (م٣٤٨ق) رجال نگاشته (مشیخهٔ صاحب ذریعه ص ٨٠).

– ابن سکن، سعید پسر عثمان (م٣٥٣ق) کتابش مدرک ابن عبدالبر در استیعاب است.

– ابن حبان (م ٣٥٤ ق) «اوهام اصحاب التواریخ» در ده جلد دارد.

– قاضی جعابی، محمد پسر عمر پسر محمد (م٣٥٥ق) «الشیعة من اصحاب الحدیث» نگاشته (مشیخهٔ صاحب ذریعه – ص ٧٧).

– کشی، ابوعمرو محمد پسر عمر پسر عبدالعزیز، «معرفة الناقلین» را نگاشته که شیخ طوسی (م٤٦٠) آن را کوتاه کرده «اختیار الرجال» نامیده است (جای گفتگو).

– محمد پسر احمد پسر داود قمی (م ٣٦٨ ق) «ممدوحین و مذمومین» نگاشته (فهرست طوسی ص ١٣٦ و خلاصه بنقل از نجاشی).

– ابوغالب زراری، احمد پسر محمد پسر سلیمان (م ٣٦٨ ق) کتابی دربارهٔ خاندان اعین بعنوان اجازه ساخته که در دست هست (فهرست طوسی ص٣١ و توضیح المقال ص ٦٥ و ذریعه ١ : ١٤٣) و (ص ٠٠٠ این مجلد).

– صدوق، محمد پسر علی پسر بابویه (م٣٨١ق) «المصابیح» نگاشته (نجاشی ص٢٧٦-٢٧٨) و اکنون بدست نیست.

– ابن شاهین، عمر پسر احمد پسر عثمان (٢٩١–٣٨٥ق) کتابش مدرک اصابه است.

– ابن ندیم محمد پسر اسحاق (٣٩٠ ق) او راست الفهرست چ فولوگل در لایپزیک ١٨٧١ م و مصر ١٣٤٨ ق.

– ابن عبدون، معروف به ابن حاشر، احمد پسر عبدالواحد بزاز (م٤٢٣ق) «فهرست» داشته (مشیخهٔ صاحب ذریعه ص ٨٠).

– ابونعیم اصفهانی (م ٤٣٠ ق) «حلیة الاولیاء» دارد که در ١٠ بخش بسال ١٩٣٢ م بمصر چاپ شد.

– محمد پسر ابوقره قنانی استاد نجاشی (م٤٥٠ ق) «معجم رجال ابی مفضل» نگاشت (نجاشی – ص ٢٨٣).

– ابوالعباس سیرافی، احمد استاد نجاشی «المصابیح» دارد و در آن راویان از هر امام را جدا یاد کرده است (نجاشی – ص ٦٣ و فهرست طوسی ص ٣٧) و خلاصه و منتهی المقال.

– ابن غضائری، احمد پسر حسین «الرجال الضعفاء» نگاشت که در (ص٤٨٣) یاد شد.

– ابویعلی خلیلی (م ٤٤٦ق) «الارشاد» را نگاشت.

– نجاشی، ابوالعباس، احمد پسر علی (م٤٥٠ق) که در (ص٤٨٢) یاد شد.

– احمد عیاشی، پسر محمد پسر عبیدالله همزمان نجاشی او راست «الاشتمال علی معرفة الرجال» و «من روی عن امام امام» (نجاشی ص ٦٣).

– شیخ طوسی، محمد پسر حسن (م ٤٦٠ ق) که (ص٤٨٣) یاد شد.

– کتانی، ابومحمد پسر عبدالعزیز (م ٤٦٦ ق) دنبالهٔ بر کتاب ابوسلیمان (ن ٣٣٨) نگاشته است.

– عبدالله پسر جارود. کتابش مدرک استیعاب است.

– عقیلی، محمد پسر عمرو. کتاب الصحابهٔ او مدرک استیعاب است.

– ابن ابی حاتم، ابومحمد عبدالرحمان پسر ابوحاتم پسر ادریس پسر مهران رازی. کتابش مدرک استیعاب میباشد (١).

– الازرق. کتابش مدرک استیعاب است.

– ابن عبدالبر (م ٤٦٣ ق) «الاستیعاب» را نگاشت، که در (ص٥٠١) این فهرست یاد خواهد شد و بسال ١٣١٨ ق در حیدرآباد چاپ شده.

– خطیب بغدادی، احمد پسر علی (٣٩٢ – ٤٦٣ ق) بیشتر تاریخ بغداد را گزارش زندگی راویان که ببغداد آمده‌اند انباشته است.

– ابن فتحون، ابوبکر، دنباله‌ئی برای استیعاب نگاشت.

– شهاب‌الدین احمد پسر یوسف اردعی مالکی. استیعاب را کوتاه کرده

---

(١) این کتاب در شش بخش و یک بخش پیشگفتار بنام «الجرح والتعدیل» در حیدرآباد کن بسال (١٣٦١-١٣٧١ق) چاپ شد. این کتاب گزارش بیست هزار کس را در بر دارد، و خطیب کتابی بنام «اوهام الجمع والتفریق» دربارهٔ آن نگاشت.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

«روضة‌الاحباب» نامید.

– اکفانی، هبة‌الله پسر احمد، بیست سال بر کتاب کتانی (م ۴۶۶) افزود و بسال (۴۸۵ ق) رسانید.

– سمعانی، عبدالکریم (۵۰۶ – ۵۶۲) دنبالهٔ تاریخ بغداد و تاریخ مرو نگاشته و «الانساب» او در ۱۹۱۲م گراوری در لیدن چاپ شده است.

– ابوموسی اصفهانی، محمد پسر ابوبکر پسر عمر پسر احمد مدینی (۵۰۱–۵۸۱ق) برای کتاب ابن‌منده (م ۳۰۱) دنباله‌یی نگاشته است.

– منتجب‌الدین، علی پسر عبیدالله بابویه (م پس از ۵۸۵) «الفهرست» و تاریخ علماءالشیعه را نگاشت و مجلسی آنرا در پایان جلد بیست و پنجم «بحارالانوار» گنجانید و با آن کتاب چاپ شد.

– ابن‌شهرآشوب، محمد پسر علی (م۵۸۸) دنباله‌یی برای فهرست طوسی نگاشت و «معالم‌العلماء» نامید که در تهران چاپ شده است.

– ابوالفرج، ابن‌الجوزی، عبدالرحمان پسر علی (م۵۹۷ق) حلیهٔ ابونعیم اصفهانی را کوتاه کرد و «صفوة‌الصفوة» نامید، که در حیدرآباد در دو بخش بسال ۱۳۵۵ ق چاپ شد.

مقدسی، علی پسر مفضل (م ۶۱۱ ق) کتاب اکفانی و کتانی (م ۴۶۶ ق) را بسال ۵۸۱ ق رسانید.

– ابن‌بطریق یحیی پسر حسن پسر حسین ابن‌البطریق (م ۶۰۰ ق) «رجال‌الشیعه» نگاشته است (مشیخهٔ صاحب ذریعه بنقل از لسان‌المیزان) و تاریخی نیز نگاشته است (ذریعه ج ۳ ص ۲۲۲).

– ابن‌اثیر جزری (م ۶۳۰ ق) «اسدالغابة» را نگاشته که بمصر بسال ۱۲۸۰ تا ۱۲۸۶ ق چاپ شد.

– ابن ابی‌طی، یحیی پسر حمیدهٔ حلبی (م ۶۳۰ ق) استیعاب را پیراسته است.

– قریش پسر سبیع پسر مهنی مدنی حسینی (م۶۶۴ق) استیعاب و طبقات ابن‌سعد را کوتاه کرده است (مشیخهٔ صاحب ذریعه ص ۶۴).

– عبدالعظیم پسر عبدالقوی منذری (م۶۵۶ق) «التکملة» را در سه جلد در تاریخ مرگ راویان، سالانه گردآورد.

– ابن‌طاوس احمد پسر موسی پسر جعفر حلی (م ۶۷۳ ق) «حل‌الاشکال» را بسال (۶۴۴ق) نگاشت و در آن همهٔ گزارشهای پنج کتاب زندگی‌گزاری (کشی، نجاشی، فهرست، رجال طوسی، ضعفاء ابن‌غضائری) را گرد آورد. این کتاب در دست ملاعبدالله شوشتری (م۱۰۲۱) بوده و مجلسی (م۱۱۱۱ ق) نیز آنرا در دیباچهٔ «بحارالانوار»

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

از ممر کهای کار خود شمرده است. و در فهرست خطی کتابخانهٔ راجهٔ فیض‌آباد (هند) کتابی بنام «رجال ابن‌طاوس» دیده میشود ولی شاید «تحریر طاوسی» نگارش صاحب معالم را خواسته باشد (ذریعه ج ۷ ص ۶۴ و منتهی‌المقال و جز آن).

– عزالدین احمد پسر محمد. وی دنبالهٔ کتاب منذری (م ۶۵۶ ق) را بسال ۶۷۴ ق رسانید.

– محقق حلی، جعفر پسر حسن (م ۶۷۶ ق) فهرست طوسی را کوتاه کرده و نسخهٔ آن در کتابخانهٔ صدر در بغداد هست (مشیخهٔ صاحب ذریعه ص ۶۶).

– ابن‌طاوس، عبدالکریم پسر احمد پسر موسی پسر جعفر (۶۴۷–۶۹۳ق). او راست «الشمل المنظوم فی مصنفی العلوم» (توضیح المقال – ص۶۱ بنقل از ابن‌داود).

– ابن داود، حسن پسر علی پسر داود (ز ۶۴۷ ق) کتاب رجال دارد، و نسخه‌های آن فراوان و در این کتابخانه نیز هست.

– علامهٔ حلی، حسن پسر یوسف (م۷۲۶ق) «خلاصة‌الاقوال» و «ایضاح‌الاشتباه» او چاپ شده و در این کتابخانه نیز هست و «کشف‌الاشتباه» او بجا نمانده است.

– برزالی، قاسم پسر محمد دمشقی (م ۷۳۸ق) در «التاریخ» مرگ دانشمندان را سالانه تا سال (۷۳۷ ق) گرد آورده است.

– ذهبی، شمس‌الدین، ابوعبدالله، محمد پسر احمد پسر عثمان (م ۷۴۸ ق) «اسدالغابة» را کوتاه کرده «تجرید اسماءالصحابة» نامید، که در حیدرآباد بسال (۱۳۱۵ ق) در (۸۲۸ ص) چاپ شده است.

– ابن‌ایبک دمیاطی، احمد، دنبالهٔ عزالدین احمد، کتاب «التکملة» منذری را از سال ۶۷۴ ق بسال ۷۴۹ ق رسانید.

– ابن‌رافع، تقی‌الدین دنباله‌یی بر تاریخ برزالی نگاشت و آنرا از سال (۷۳۷ق) تا سال (۷۷۴ ق) رسانید.

– ابن کثیر دمشقی (م ۷۷۴ ق) چند کتاب در این باره نگاشت.

– ابن‌عنبه دیباجی، محمد پسر قاسم پسر حسین پسر قاسم حلی (م ۷۷۶ ق) «معرفة‌الرجال» نگاشت (عمدة‌الطالب چ نجف ص ۱۵۸).

– ابن‌الملقن، عمر (م ۸۰۴ ق) طبقات‌المحدثین دارد.

– زین‌الدین عراقی، عبدالرحیم (م ۸۰۶ ق) بر کتاب ابن ایبک دمیاطی دنباله‌یی نگاشت.

– بهاءالدین علی نیلی علی، پسر عبدالکریم (ابن عبدالحمید) استاد احمد بن فهد حلی (م ۸۴۱) «کتاب‌الرجال» نگاشته و سید جمال‌الدین (ابن‌الاعرج عمیدی) برای این کتاب دنباله نگاشته است. و این کتاب بدست صاحب معالم رسیده پس او

دنباله را از کتاب ابن اعرج جدا کرده و نسخهٔ خط صاحب معالم نزد صاحب روضات بوده و از آن نقل کند (ذریعه ۳ : ۳۴۱ و مشیخهٔ صاحب ذریعه ص ۵۸) .

ــ ابن حجر عسقلانی ، احمد پسر علی (م ۸۵۲ق) استیعاب و دنبالهٔ ابن فتحون بر آن و اسدالغابه را گرد کرد و «الاصابة» نامید ، که در هشت بخش سال ۱۳۲۳ق در مصر چاپ شده است .

ــ سیوطی ، جلال الدین (م ۹۱۱ق) الاصابه را کوتاه کرد و «عین الاصابه» نامید .

ــ صاحب معالم ، حسن پسر زین الدین شهید دوم (۹۵۹ ــ ۱۰۱۱ ق) تحریر طاوسی ، و ترتیب مشیخهٔ من لا یحضره الفقیه را نگاشته است ، که نسخه‌های هر دو در کتابخانه‌ها ، و نسخهٔ نخستین آنها در این کتابخانه دیده میشود .

ــ ملامصطفی بدستور سلطان احمد عثمانی استیعاب را ترکی گردانید ولی از (حرف ــ ح) بیشتر نتوانست و در گذشت .

ــ طاش کبری زاده ، کمال الدین محمد (م ۹۶۲ق) آنرا تا (حرف ــ و) رسانید .

ــ یوسف پسر محمد حسینی عاملی در (۹۸۲ق) «جامع الاقوال» را نگاشت ، و رجال کشی را نیز مرتب کرد .

ــ عبداللطیف پسر علی پسر شیخ احمد عاملی شاگرد صاحب معالم (م ۱۰۱۱ ق) و بهائی (م ۱۰۳۱ق) فهرست رجال چهار کتاب (کافی ، من لا یحضر ، تهذیب ، استبصار) را با ذکر طبقه گرد کرده است (توضیح المقال ص ۶۵) .

ــ ملاعنایة الله قهپائی پسر شرف الدین علی او نیز بسال (۱۰۱۶ق) مانند ابن طاوس کتابهای پنجگانه (کشی ، نجاشی ، ابن غضائری رجال ، فهرست) را بترتیب الفباء در یکجا گرد آورده «مجمع الرجال» نامید .

ــ قاضی نورالله شوشتری کشته (۱۰۱۹ ق) «مجالس المؤمنین» دارد که چندبار چاپ شده است .

ــ ملاعبدالله شوشتری (م ۱۰۲۱ ق) کتاب الضعفاء ابن غضائری را که در کتاب حل الاشکال ابن طاوس گنجانیده شده ، از این کتاب بیرون آورده و جداگانه پیچیده است . و نسخهٔ این کتاب تا کنون بدست میباشد و در این کتابخانه نیز هست .

ــ ملاعبدالنبی جزائری پسر سعد (م ۱۰۲۱ ق) «حاوی الاقوال» را در چهار بخش نگاشت و نسخهٔ آن در کتابخانه های (صدر) و (کاشف الغطاء) و (مروی) هست .

ــ میرزا محمد استر آبادی ، پسر علی پسر ابراهیم (۱۰۲۱ق) سه کتاب در زندگی گزاری نگاشت بزرگ «منهج المقال» و در آن گزارش (۶۶۶۵تن) آمده است . (چ تهران ۱۳۰۶ ق با امل الامل) میانه « تلخیص المقال » کوچک «الوجیز» که نسخهٔ آن در (آستانه طوس) هست .

ــ خداوردی افشار پسر قاسم ، شاگرد ملاعبدالله شوشتری (م ۱۰۲۱ ق) بود او را است «زبدة الرجال» باندازهٔ خلاصهٔ علامه (توضیح المقال ص ۶۵ از ریاض العلماء) .

ــ میرزا فیض الله تفرشی پسر عبدالقاهر حسینی (م ۱۰۲۵ق) کتابی در رجال مانند نقد الرجال میرمصطفی تفرشی داشته (مشیخهٔ صاحب ذریعه ص ۴۸) .

ــ میرمصطفی تفرشی پسر سید حسین حسینی ، همزمان بهائی (م ۱۰۳۱ ق) و مجلسی (م ۱۰۷۰ ق) و شاگرد ملاعبدالله شوشتری (م ۱۰۲۱ ق) بوده و کتابی بنام «نقد الرجال» نگاشته که چاپ شده است .

ــ نظام الدین قرشی ساوجی شاگرد بهائی (م ۱۰۳۱) او را است «نظام الاقوال فی معرفة الرجال » .

ــ شیخ محمد نجفی پسر جابر پسر عباس استاد طریحی (م ۱۰۸۵ق) و شاگرد بهائی (م ۱۰۳۱ ق) « کنی و القاب » و « اسماء الرجال » داشته (مشیخهٔ صاحب ذریعه ص ۱۲) .

ــ قطب الدین اشکوری لاهیجی پسر شیخ علی شاگرد و همزمان میرداماد (م ۱۰۴۰ق) او راست «محبوب القلوب» (توضیح المقال ۶۵) .

ــ میرداماد ، محمد باقر پسر محمد استرابادی حسینی اصفهانی (م ۱۰۴۰ ق) کتابی دربارهٔ دستور زندگی گزاری بنام «رواشح سماویه» دارد که ۳۹ راشحهٔ آن بامروز رسیده و چاپ شده است .

ــ محمد تقی ، مجلسی اول ، پسر مقصود علی (م ۱۰۷۰ ق) مشیخهٔ کتاب « من لا یحضره الفقیه » از صدوق (م ۳۸۱ ق) را گزارش نگاشته است . و نسخهٔ آن در این کتابخانه بشمارهٔ (۵۰۸) دیده میشود و در این فهرست یاد خواهد شد .

ــ طریحی ، فخر الدین پسر محمد علی پسر احمد خفاجی مسلمی (م ۱۰۸۵ ق) کتابی بنام «جامع المقال» در دوازده باب نگاشت ، و باب دوازدهم آنرا که در جدا شناختن همنامان (تمییز مشترکات) است ، شاگرد او محمد امین کاظمی گزارش نگاشته است . و نیز خلاصهٔ علامهٔ حلی را مرتب ساخت (توضیح المقال ۶۵) .

ــ محمد امین کاظمی شاگرد طریحی (م ۱۰۸۵ ق) باب دوازدهم جامع المقال استاد خویش را گزارش نگاشته و بنام «مشترکات کاظمی» شناخته میشود .

ــ آقا رضی قزوینی (م ۱۰۹۶ق) تاریخ علماء قزوین را بنام «ضیافة الاخوان» نگاشته (توضیح المقال ص ۶۵) .

ــ کمال الدین حسینی حلی او راست : «کتاب الرجال» (امل الآمل و سلافة العصر و توضیح المقال ص ۶۵) .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ـ شیخ حسن پسر علی عاملی ، اوراست « نظم الجمان فی تاریخ الاکابر و الاعیان (امل الامل ـ چ ١٣٠٢ ق . ص ١١ و توضیح المقال ص ٦٥) .

ـ شیخ حر عاملی ، محمد پسر حسن (م ١١٠٤ ق) «امل الآمل» و «تذکرة العلماء المتأخرین» نگاشته .

ـ ملافرج الله حویزی پسر محمد پسر درویش همزمان شیخ حر در «ایجاز المقال» خود زندگانی دانشمندان همزمان و پیشینیان را در دو بخش گزارش داده است . یکی برای شیعیان و یکی برای سنیان .

ـ ملا حیدر علی قمی خلاصهٔ علامه را مرتب ساخته و «نهایة الآمال» نامیده است ، که نسخه‌اش در این کتابخانه هست و در این فهرست خواهد آمد .

ـ محدث توبلی ، سید هاشم پسر سلیمان کتکانی بحرینی (م ١١٠٧ ق) «تنبیه الادیب» و «ایضاح المسترشدین» و «روضة العارفین» نگاشته است و نسخه‌های خطی آنها بدست میباشد .

ـ محمد صالح خاتون آبادی اصفهانی (١٠٥٨ـ١١١٦ ق) خواهرزادهٔ مجلسی دوم «حدائق المقربین» دارد .

ـ سید علی خان مدنی ، ابن معصوم (م ١١٢٠ ق) اوراست «سلافة العصر» چ مصر و «الدرجات الرفیعه فی طبقات الامامیه» و «احوال الصحابة» .

ـ ملا عبدالله افندی پسر میرزا عیسی اصفهانی (١٠٦٦ ـ ١١٣١) ریاض العلماء را در پنج بخش نگاشته ، و نسخهٔ آن در این کتابخانه هست و یاد خواهد شد .

ـ ملا محمد اردبیلی پسر علی حائری شاگرد مجلسی اول (م ١١١١ ق) تلخیص المقال میرزا محمد استرآبادی را گزارشی بنام «جامع الرواة» نگاشته است و نسخهٔ این کتاب بخامهٔ نگارنده‌اش در این کتابخانه هست و یاد خواهد شد .

ـ شیخ سلیمان ماحوزی پسر عبدالله (١٠٧٠ ـ ١١٢١ ق) کتابی بنام «تراجم علماء البحرین» نگاشته است (ذریعه ٣ : ٢٦٦) و گزارشی بر فهرست طوسی بنام «المعراج» دارد که تا (حرف ـ ث) از خامه‌اش بیرون آمده و کتابچه‌یی درباره خاندان (بابویه) نیز دارد . (توضیح المقال ٦١) .

ـ ملا محمد جعفر خراسانی پسر محمد طاهر اصفهانی (ز ـ ١٠٨٠) کتابی بنام «اکلیل المنهج» دنبالهٔ «منهج المقال» میرزا محمد استرآبادی نگاشته (ذریعه ٢ : ٢٨١) .

ـ آقا حسین خوانساری (م ١١٢٨ ق) کتابچه‌یی در تاریخ مرگ دانشمندان نگاشته (توضیح المقال ٦٥) .

ـ علی پسر عبدالله بحرینی (م ١١٢٧ ق) فهرست طوسی را مرتب ساخته است .

(توضیح المقال بنقل از سلافه) و ذریعه (٤ : ٦٦) بنقل از لؤلؤة البحرین .

میرزا محمد اخباری (کشتهٔ ـ ١١٣٢ ق) پسر عبدالنبی نیشابوری کتابی بزرگ در رجال نگاشته است (توضیح المقال ص ٦٥) .

ـ عبدالله سماهیجی (م ١١٣٥ ق) . اوراست « تحفة الرجال و زبدة الاقوال » و «اوتیاد ذهن النبیه فی شرح اسانید الفقیه» (توضیح المقال ص ٦٥ و ذریعه ج ١ : ٤٣٨ و ٥١٤ و ج ٣ : ٤٣٣) .

ـ شیخ یاسین بحرینی (م ١١٤٥ ق) کتابی بنام «معین النبیه فی رجال من لا یحضره الفقیه» نگاشته (مشیخهٔ صاحب ذریعه ص ٩) .

ـ میر محمد ابراهیم پسر میر معصوم قزوینی (م ١١٤٥ ق) «تتمیم امل الآمل» نگاشته (ذریعه ٣ : ٣٣٧ ، و توضیح المقال ص ٦٥)

ـ رضی الدین پسر سید محمد پسر علی پسر حیدر عاملی موسوی (١١٠٣ـ١١٦٨ ق) کتابی بنام «اتحاف ذوی الالباب» در لقبها که بپاء نسبت پایان یافته است نگاشته و آنرا دنبالهٔ کتاب ابن اثیر و «اللباب» سیوطی ساخته است (ذریعه ١ : ٨٢) .

ـ محمد پسر علی بلادی بحرینی همزمان شیخ یوسف بحرینی صاحب لؤلؤة (م ١١٨٦ ق) . «تتمیم امل الآمل» نگاشته است (ذریعه ٣ : ٣٣٩) .

ـ شیخ یوسف (م ١١٨٦ ق) اجازهٔ بنام «لؤلؤة البحرین» نگاشته که برای شناسائی رشته‌های روایت پشت اندر پشت از سدهٔ دوازدهم تا سدهٔ یکم هجری بهترین نمونه میباشد و در (١٢٦٩ ق) در تهران چاپ سنگی شده است .

ـ سید حسین قزوینی پسر محمد مفیح پسر میراولیا (م ١٢٠٨ ق) در جلد یکم «معارج الاحکام» گزینی از جامع الرواة اردبیلی را گنجانیده است ـ و نیز کتابی بنام «المشترکات» دارد (مشیخهٔ صاحب ذریعه ص ٨) . حاجی نوری در دنباله توضیح المقال ص ٦٥ او را فرزند ابراهیم (م ١١٤٥ ق) یاد شده شمرده است .

ـ عبدالنبی پسر محمد تقی قزوینی ساکن یزد ، استاد و همزمان بحرالعلوم (م ١٢١٢ ق) دنباله‌یی برای امل الآمل بسال (١١٩١ ق) بخواهش بحرالعلوم نگاشته است و نسخه‌هایش بدست میباشد (ذریعه ٣ : ٣٣٧ تا ٣٣٩) .

ـ سید مهدی بحرالعلوم بروجردی نجفی (م ١٢١٢ ق) کتابی در رجال دارد (توضیح المقال و ذریعه) .

ـ ابوعلی محمد پسر اسماعیل (١١٥٩ـ١٢١٥ ق) «منتهی المقال» را نگاشته که نسخهٔ آن در این کتابخانه هست و در این فهرست یاد خواهد شد .

ـ سید احمد کاظمی . اوراست منظومه در رجال (توضیح المقال ص ٦٥) .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ــ داود پسر حسن جزائری. کتابهای «اختیار الرجال» کشی و «رجال نجاشی» را مرتب ساخته (توضیح المقال ص ٦٥ وذریعه : ٤ : ص ٦٦ و٦٧).

ــ محمدطاهر پسر محمدطالب حسینی اردبیلی. کتابی شگفت دررجال دارد که بخشی از کتاب «شجرهٔ مبارکه» او میباشد (توضیح المقال ص ٦٥).

ــ شیخ یحیی مفتی بحرین. «تذکرة المجتهدین» دارد (توضیح المقال ص ٦٧).

ــ ملادرویش علی حائری شاگرد ابوعلی رجالی یادشده. کتابی دردنبالهٔ رجال استادخویش نگاشت و در آن راویان ناشناس را که استادش انداخته بود گرد آورد (ذریعه ـ ٤ : ٤١٣ وتوضیح المقال ص ٦٥).

ــ سید محسن اعرجی کاظمینی (١١٣٠ـ١٢٢٧ ق) کتابی بنام «عدة الرجال» دارد ونسخهٔ آن دراین کتابخانه‌هست و خواهد آمد.

ــ سید عبدالله شبر پسر محمدرضا (م ١٢٤٢ق) کتابی بنام «جامع المقال» نگاشته وسپس آنرا کوتاه کرده «ملخص المقال» نامیده‌است. ونسخهٔ آن نزد سیدشهاب الدین نجفی تبریزی درقم میباشد (ذریعه ٥ : ٧٣).

ــ محمدعلی پسر قاسم آل کشکول حائری، شاگرد صاحب فصول وشریف العلماء کتابی بنام «اکمال منتهی المقال» دردنبالهٔ «منتهی المقال» ابوعلی بسال (١٢٤٥ق) نگاشته ومانند ملادرویش علی راویان ناشناسی را که بوعلی انداخته بود، در آن گرد آورده‌است وکتاب دیگر بنام «التنبیهات السنیة در اصطلاحهای راوی‌شناسان وزندگی گزاران» و کتابی بنام «حدیقة الانظار» در مشیخهٔ تهذیب، استبصار، من لایحضر دارد.

ــ سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی (١١٧٥ ــ ١٢٦٠ ق) بیست و یک کتابچه دربارهٔ زندگی بیست ویک تن از راویان معروف نگاشته. ونیز کتابی بنام «تمییز مشترکات الرجال» دارد.

ــ شیخ عبدالنبی کاظمینی پسر علی پسر احمد کلیددار کاظمین (م ١٢٥٦ ق) نقدالرجال میرمصطفی تفرشی را دنباله‌ای نگاشته است (ذریعه ٤ : ٤١٧).

ــ شیخ مرتضی انصاری (م ١٢٨١ ق) کتاب رجال او (٦٠٠٠ بیت نوشته) دارد (توضیح المقال ص ٦٦).

ــ ملاعلی کنی تهرانی (١٢٢٠ ــ ١٣٠٦ ق) کتابی بنام «توضیح المقال» نگاشت وآنرا خود بسال ١٢٩٩ق تا ١٣٠٢ ق با رجال بوعلی «منتهی المقال» وامل الآمل چاپ کرد ودر آن نام شصت تن از راوی‌شناسان را گرد آورده. وسپس حاجی میرزا حسین نوری نام شصت تن دیگر بر آن افزوده وشمارهٔ زندگی گزاران را بصدوبیست رسانیده است؛ وسپس بدوم صاحب الذریعه کتابی جداگانه در گزارش زندگی کسانی که کتابی در زندگی گزاری نگاشته‌اند گرد آورده است.

ــ ابراهیم پسر حسین پسر علی دنبلی خوئی. کتابی دررجال در یک دیباچه وشش بخش نگاشته است. (توضیح المقال ـ ص ٦٧).

ــ حاجی نوری حسین پسر محمدتقی «مستدرک الوسائل» او دربابی گزارشی دربارهٔ زندگی راویان حدیث میباشد ودر تهران بسال (١٣٢٠ق) چاپ شده است.

ــ محمد طه نجف (١٢٤١ـ١٣٢٣ ق) پسر مهدی پسر محمد رضا تبریزی نجفی کتابی بنام «اتقان المقال» نگاشته ودر آن راویان را درسه بخش: راستگویان (ثقه‌ها) نیکوان (حسن‌ها) سستان (ضعیفها) گرد آورد، این کتاب در نجف بسال ١٣٤١ ق چاپ شده است.

ــ مامقانی شیخ عبدالله (م ١٣٥٠ق) پسر شیخ حسن «تنقیح المقال» را درسه بخش نگاشت که درهمان سال مرگ نگارنده‌اش در نجف چاپ‌شده‌است. دراین کتاب گزارش شانزده هزار و سیصد وهفت راوی آمده است.

ــ سید محسن عاملی (م ١٣٧٠ ق) «اعیان الشیعه» را نگاشت و سی و چهار جلد آن را درسوریه چاپ کرد.

ــ بدوم نگارندهٔ الذریعه زندگی دانشمندان هرسده از هجرت را کتابی جداساخته جز آنانی از دانشمندان سه سدهٔ نخست که کتابهای بسیار دربارهٔ ایشان نگاشته شده است یاد نکرده است. ونیز او کتابی در تاریخ رجال نگاری نگاشته ودر آن گزارش زندگی ششصد تن از زندگی گزاران و راوی‌شناسان را آورده و «مصفی المقال» نامیده وسپس زنجیرهای روایت خودرا از میانهٔ دانشمندان زندگی گزار برگزیده و کتابچه‌ای بنام «الاسناد المصفی» ساخته و بنجف بسال ١٣٥٦ ق چاپ کرد.

اختیار الرجال جای گفتگو گزینی است از کتاب «معرفة الناقلین» که آنرا کشی(١)، ابوعمرو محمد پسر عمر پسر عبدالعزیز کشی شاگرد ونوچهٔ (٢) عیاشی (ابونصر محمد پسر مسعود پسر محمد) سمرقندی کوفی نگاشته‌است. نجاشی دربارهٔ

(١) کشی [ك ش ش] نام چند دیه بوده‌است سمعانی ویاقوت حموی آنهارا چنین برشمرده‌اند:

ــ دیهی بر کوه بسه فرسنگی گرگان. ابوزرعه محمدپسر یوسف پسر محمد پسر جنید کشی (م ٣٩٠ ق) از آنست.

ــ دیهی بسمرقند است و آنرا تازیان کس [ك س س] گویند. عبید پسر حمید از آنجا است.

ــ معرب گجی نسبت به دیهی است بنام «زیر گج» درخوزستان. وابومسلم ابراهیم پسر عبدالله پسر مسلم کشی بصری از آنجا است.

ــ کش باکاف غیرصریح و با (ج) نیزخوانند، دیهی است باصفهان.

(٢) صاحب روضات گوید: من تلامیذه وغلمانه . . . ص ٥٥٦ ج نخست.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کشي و استادش عياشي، گويد از راويان ضعيف بسيار روايت ميكردند. هارون پسر موسي تلعكبري (م ۳۸۵ ق) نيز شاگرد كشي است و از وي روايت ميكند. گويند نجاشي گفته است: (۱) كتاب معرفة الناقلين كشي پر از نادرستيها بود و شيخ طوسي (م ۴۶۰ ق) (۲) از آن گزيني بر گرفت و اين گزين، «اختيار الرجال» نام گرفت شيخ طوسي اختيار الرجال را براي شاگردان خويش در نجف مي گفته و ايشان مينوشته‌اند. و نخستين نشست ايشان روز سه شنبه بيست و ششم صفر (۴۵۶ ق) بوده است (۳) اختيار الرجال در هفت باب نامرتب گرد آمده و بهمان گونه در بمبئي بسال (۱۳۱۷ ق) بكوشش شيخ علي محلاتي چاپ شده است.

طوسي چه چيزها را از معرفة الناقلين كشي بكاست؛ برخي گويند چون كتاب كشي روايتهائي دربارهٔ زندگي (خواه ستايش و خواه نكوهش) راويان سني و شيعه را باهم دربرداشت، طوسي گزارش زندگاني سنيان را از آن بكاست، ولي چنانكه ديديم نجاشي گفته است: طوسي نادرستيهاي كتاب كشي را درست كرد.

اختيار الرجال طوسي دست خورده است؛ براي اين سخن حاجي نوري چند دليل دارد (۴):

۱- آنچه ابن طاوس از آغاز «اختيار» نشان داده كه تاريخ نگارش آنرا در بردارد در نسخه‌هاي امروزي نيست (۳).

۲- ابن شهر آشوب در «مناقب» خبري از «اختيار» نقل كرده (دربارهٔ زاري فاطمه و ارزش ديوارهاي مسجد مدينه) و در اين نسخه‌ها نيست.

۳- ميرزا محمد استر آبادي در حاشيهٔ تلخيص المقال خبري دربارهٔ بيعت نكردن

(۱) نوري در خاتمهٔ مستدرك ص ۵۲۹. ولي از ص ۲۶۳ و ۲۸۷ نجاشي چ بمبئي چنين چيزي بر نمي آيد.

(۲) گزارش زندگي شيخ طوسي در (حرف ـ ف) زير عنوان فهرست طوسي ياد خواهد شد.

(۳) فرج المهموم ابن طاوس چ نجف ۱۳۶۸ ق. ص ۱۳۰ ديده شود.

(۴) خاتمهٔ مستدرك الوسائل ص ۵۲۹ چ تهران ۱۳۲۰ ق.

بلال حبشي با ابوبكر از «اختيار» آورده (بنقل از شهيد دوم) ولي در نسخه‌هاي امروز كشي ديده نمي شود.

۴- ابن داود در رجال خويش گزارش زندگي حمدان پسر احمد را از «اختيار» نقل كرده و وي را از اصحاب اجماع شمرده ولي در نسخه‌هاي كنوني نيست.

۵- وجز آنها ناسازگاري است كه ميان نسخهٔ (شمارهٔ ۹۰ دانشگاه) با نسخهٔ چاپي ديده ميشود: سه گزارش پايان نسخهٔ چاپي چنين است:

ابو الصلت عبد السلام هروي، ابوجرير قمي، علي پسر جعفر خزاعي. ودر اينجا نسخهٔ شش بخشي چاپ بمبئي پايان يافته است. ولي در نسخهٔ (شمارهٔ ۹۰ دانشگاه) كه برابر نسخهٔ چاپي است در پايان گزارش ابو الصلت هروي گويد بخش ششم پايان يافت و در بخش هفتم گزارش ابو جرير قمي ياد خواهد شد، و اين ميرساند نسخه‌ايكه نسخهٔ دانشگاه از روي آن نوشته شده است هفت بخش داشته و گزارش ابوجرير قمي در آغاز آن بخش بوده است، ولي بدبختانه نويسندهٔ نسخهٔ دانشگاه بخش هفتم را ننوشته است. و نيز (ص ۴۷۴) همين مجلد فهرست ديده شود.

معرفة الناقلين كشي در كجا هست؟ تا كنون ما از اين كتاب جز نامي در فهرستها نديده‌ايم، ولي حاجي نوري ميگويد از روزگار علامهٔ حلي (م ۷۲۶) تا كنون ناپديد شده است.

كساني كه دربارهٔ اختيار الرجال طوسي كار كرده‌اند:

ـ سيد يوسف عاملي پسر محمد حسيني بسال (۹۸۱ ق) راويان اختيار كشي را بترتيب امامانيكه از ايشان روايت كرده‌اند بسيجيده. و نسخهٔ آن نزد حاجي نوري بوده است (توضيح المقال ص ۶۵ وذريعه ۴ : ۶۷).

ـ ملا عناية الله قهپائي بسال (۱۰۱۱ ق) آنرا بترتيب حرفهاي الفباء بسيجيده است. نسخهٔ خط نگارنده‌اش در كتابخانهٔ تهراني در كربلا و نسخهٔ ديگر در كتابخانهٔ صدر بكاظمين هست (ذريعه ۴ : ۶۷).

ـ شيخ داود پسر حسن پسر يوسف بحريني همزمان شيخ حر (م ۱۱۰۴ ق)

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

درلؤلؤةالبحرین ازین کتاب نقل شده‌است (توضیح المقال ص٦٥ وذریعه٤: ٦٦).

شیخ طوسی درچند جای «اختیار الرجال» از فهرست خویش یاد کرده و یا بدان حوالت داده‌است. مانند گزارش فضل شاذان و گزارش ابویحیی جرجانی وجز آنها.

آغاز: حمدویة بن نصیر الکشی(١) قال: حدثنا محمدبن الحسین بن ابی الخطاب عن محمدبن سنان.

انجام نسخهٔ (٩٩٠): احمدبن سعیدالرازی یقول ان اباالصلت الهروی ثقة مأمون الا انه یحب آل رسول‌الله و کان دینه ومذهبه. تم یتلوه فی الجزء السابع ماروی فی ابی جریر القمی والحمدلله رب العالمین.

انجام نسخهٔ چاپ بمبئی: و کان دینه ومذهبه. (فی ابی جریر القمی) محمدبن قولویه قال حدثنا سعد عن احمد ... چهار سطر... (فی علی بن جعفر بن العباس الخزاعی المروزی) قال محمدبن مسعود: علی بن جعفر بن العباس الخزاعی کان واقفیاً.

[١٩٤]

٩٩٠ نسخه دودفتری جا دارد که «خلاصة الاقوال» (ك ١ تا ١٢٢) واین کتاب (ك ١٢٦—٢٩٣) وایضاح علامه (ك ٢٩٣—٣١٨) رادربردارد: خط نسخ نویسنده افشار پسر محمد خویزی، درتاریخ (٢٨ع١—١٠٢٠) تاتاریخ (٦ج١—١٠٢٠) دریاشده‌ها وهشت روز آنرا نوشته‌است وسپس ایضاح الاشتباه را در (٢٢ج١—١٠٢٠) بپایان رسانیده. وپس ازپایان‌دادن دفتر بتصحیح آن آغاز کرده و خلاصة الاقوال را تصحیح کرده ولی دو کتاب دیگر رانتوانسته تصحیح کند و ازین روی افتادگیها ونادرستی دراین نسخه دیده میشود. چنانکه در (گ ١٨٠—ب) سطر دوم هفت حدیث ازپایان باب دوم ویک حدیث از آغاز باب سوم افتاده‌است. ونیزاین نسخه گزارش «ابوالصلت» پایان یافته گوید: درباب هفتم گزارش ابوجریر قمی خواهد آمد ولی باب هفتم را ننوشته است. درصورتیکه درنسخهٔ چاپی ابوجریر وعلی پسر جعفر خزاعی درپایان باب ششم جای دارند، و باب هفتمی درآن دیده نمیشود. ونیزساز گاریهای دیگر نیز درآن دیده میشود. نامها را باشنگرف نوشته وعنوانهای دیگر را باسیاهی درشت. درپایان خلاصة الاقوال چنانکه

(١) نسخهٔ (٩٩٠ دانشگاه) واژه الکشی را ندارد.

خواهد آمد، اجازهٔ حسین پسر کمال‌الدین برای شیخ عبدالعالی حویزی دیده میشود. نسخهٔ تصحیح شده دیگر ازاین کتاب را که بخط شاگرد صاحب معالم بوده صاحب ذریعه دربغداد درکتابخانهٔ صدر دیده است.

همه دفتر ٣١٨ برگ. این کتاب ١٧١ برگ. کاغذ سمرقندی نخودی. جلد تیماج سرخ فشرده زرکوب فرسوده درون تیماج زرد. اندازه: ١٣×١٩ و ٩×١٣ : ٢٣سطر.

[١٧٧] الاستیعاب فی معرفة الاصحاب (رجال—عربی)

ابن عبدالبر بانگارش این کتاب یکی از چهارتن پایه گذاران علم رجال الحدیث سنیان بشمار میرود. وی دراین کتاب نخست بگزارش زندگی پیغمبر اسلام پرداخته و سپس یاران وی رابترتیب الفبائی که عربان اندلس بکار می برده‌اند (١) درآغاز نام ایشان دردوبخش بسیج کرده‌است، یکم در نامها دوم در کنیتها (٢) و دراین دوبخش گزارش زندگی سه هزار و پانصد تن را آورده است.

نگارنده: ابن عبدالبر اندلسی، ابوعمر جمال‌الدین یوسف پسر عمر نحوی

(١) و آن بدین ترتیب است: ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز ط ظ ك ل م ن ص ض ع غ ف ق س ش ه و ی. وترتیبهای دیگر: کلو کاهی (حلقی)، ا ٔ بجدی، ا ٔیثی در (ص ٣٣٦ و ٣٣٧) یاد شد.

(٢) کتابهائیکه رجال گزاران در آنها فقط بگردآوری کنیتها والقبها و یا نسبتها پرداخته‌اند بسیار است. در آغاز فقط کسانیرا در این کتابها گرد می آوردند که بنام شناخته نمیشدند ولی اندك اندك هر کس را که کنیت داشت در آن جا آوردند تا هنگامیکه دو کنیت داشته وهم کسانیکه دو نام داشته‌اند از یکدیگر بازشناسند. بنامترین کسان که دراین باره کار کرده‌اند:

— ابن مدینی، علی
— ذهبی
— نسائی
— ابن حسان یعنی ابوحاتم
— حاکم
— ابوبکر شیرازی (م ٤٠٧ ق)
— ابوالفضل فلکی
— ابن الجوزی
— سمعانی
— دولابی

ودرروزگار پسین کسان بسیار بدین کاردست زدند مانند شیخ عباس قمی دردو جلد وشیخ علی اکبر برقعی درسه جلد ومحمدعلی قاموسی مدرسی تبریزی (م ١٣٣٣ ش) درچهار جلد وجز ایشان که همه چاپ شده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

قرطبی دانشمند بزرگ حدیث‌شناس در روزگار خویش در قرطبه بود. وی در ۵ ربیع دوم (۳۶۸ ق) بزاد و روزگاری در باختر اندلس بسفر پرداخت و سپس بخاور اندلس آمد و در هر یک از شهرهای «دانیه» و بلنسیه و شاطبه مدتی سکنی گزید در زمان حکومت مظفر پسر افطس مدتی قاضی اشبونه و شنترین بود و در شاطبه در جمعه پایان ربیع دوم (۴۶۳ ق) در گذشت.

وی بر احمد پسر عبدالملك فقیه اشبیلی و ابوالولید ابن الفرضی حافظ دانش آموخت و از ایشان و از خلف پسر قاسم حافظ و عبدالوارث پسر سفیان و ابوسعید نصر و ابومحمد پسر عبدالمؤمن و ابوعمر و باجی و ابوعمر طلمنکی روایت کرده است.

آثار ابن عبدالبر: «بهجة المجالس وانس المجالس» در سه بخش «التمهید» در گزارش زندگی راویان کتاب موطأ در هفتاد بخش. «الاستذکار» در شرح موطأ «جامع بیان العلم» و «الدرر» در مغازی وسیر. و «العقل والعقلاء» و «قبائل العرب» و «الاستیعاب» جای گفتگو وجز آنها.

– ابن عبدالبر یکی از پایه گذاران راوی شناسی: چلبی در کشف الظنون در دنبال «اسدالغابة» چهار تن زیر را پایه گذاران زندگی گزاری راویان حدیث شمرده است:

۱– ابن منده، ابوعبدالله محمد پسر یحیی (م ۳۰۱ ق).

۲– ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰ ق) «حلیة الاولیاء» را نگاشته که در ۱۰ جلد بسال ۱۹۳۲ م بمصر چاپ شده است. و در آن گزارش زندگی ۸۰۰ تن یاد شده است.

۳– ابوموسی اصفهانی محمد پسر ابوبکر پسر عمر پسر احمد مدینی (۵۰۱–۵۸۱) دنبالهٔ کتاب ابن منده را نگاشته.

۴– ابن عبدالبر «استیعاب» (جای گفتگو) را نگاشته.

– ابن اثیر جزری (م ۶۳۰ ق) همهٔ این چهار کتاب را در «اسدالغابة» گرد آورده و شمارهٔ گزارشها را بهفت هزار و پانصد رسانید. این کتاب در پنج بخش بمصر بسال ۱۲۸۰–۱۲۸۶ ق چاپ شد.

– ذهبی (م ۷۴۸ ق) اسدالغابة را کوتاه کرده «تجرید اسماء الصحابة» نامید و گزارشهائی بر آن افزود و بهشت هزار رسانید. این کتاب در حیدرآباد دکن بسال ۱۳۱۵ ق در (۸۲۸ ص) چاپ شده است.

– بدرالدین محمد قدسی، و محمد پسر محمد کاشغری نیز هریك جداگانه اسدالغابة را کوتاه کرده‌اند.

مدارك استیعاب: ابن عبدالبر در دیباچه، کتابهای کسان زیر را مدرك کار خویش شمرده است:

– ابن ابی خثیمه. (م ۲۷۹ ق) احمد پسر زهیر.

– ابن اسحاق محمد نوادهٔ یسار (م ۱۵۱ ق).

– واقدی نگارندهٔ «طبقات» و «تاریخ» (م ۲۳۰ ق).

– خلیفة ابن الخیاط (م ۲۴۰ ق).

– بخاری محمد بن اسماعیل بن مغیرة نگارندهٔ «تاریخ کبیر». (م ۲۵۶ ق).

– ابوجعفر طبری نگارندهٔ ذیل المذیل (م ۳۱۰ ق).

– دولابی، احمد بن محمد بن حماد (۲۲۴–۳۲۰) نگارندهٔ «المولد والوفات» و «الکنی والاسماء».

– ابن سکن، سعید بن عثمان (م ۳۵۳ ق) «کتاب الحروف فی الصحابة».

– عبدالله بن جارود نگارندهٔ «الآحاد فی الصحابة».

– عقیلی، محمد بن عمرو نگارندهٔ «کتاب الصحابة».

– ابن ابی حاتم رازی. (ص ۴۸۹) همین مجله دیده شود.

– الازرق (شاید آنکه در عیون الاخبار ابن قتیبة ج ۵ ص ۱۴۰ یاد شده باشد).

– البغوی ابوالقاسم عبدالله پسر محمد (۲۱۴–۳۱۷).

و چون ابن عبدالبر بگمان خود همهٔ یاران پیغمبر را در الاستیعاب گرد آورده کتابرا بدین نام خوانده است، ولیکن پس از مرگ وی چند دنباله برای آن نگاشته است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

چلبی کسانی را که دربارهٔ استیعاب کاری انجام داده‌اند چنین برشمرده‌است:

– ابن فتحون، ابوبکر. دنباله‌یی برای آن نگاشته.

– شهاب‌الدین احمد پسر یوسف ادرعی مالکی آنرا کوتاه کرده و «روضة‌الاحباب» نامیده است.

– ابن ابی‌طی یحیی پسر حمیدهٔ حلبی (م ٦٣٠ ق) آنرا پیراسته است.

– ملامصطفی بدستور سلطان احمد عثمانی تا حرف (ح) آنرا بترکی گردانید و درگذشت.

– طاش کبری زاده، کمال‌الدین محمد (م ٩٦٢ ق) دنبالهٔ آنرا تا حرف (د) رسانید، پس سلطان درگذشت و کار پایان نیافت.

– ابن حجر عسقلانی، احمد پسر علی (م ٨٥٢ ق) استیعاب و دنبالهٔ ابن فتحون و اسدالغابة را یکجا گرد آورد و «الاصابة» نامید. این کتاب در هشت بخش بسال ١٣٢٣ ق بمصر چاپ شده است

– سیوطی (م ٩١١) الاصابه را کوتاه کرده و «عین‌الاصابة» نامید.

آغاز استیعاب: حدثنا الفقیه الحافظ ابوعمر یوسف بن... قرائة علیه منی فی رجب سنة خمس وخمسین واربعمائة. قال بحمدالله‌ابتدی و ایاه‌استعین...

این کتاب یکبار در حیدرآباد دکن بسال ١٣١٨ ق در دو بخش (٨٠٨+٩٦ صفحه) و بار دگر درمصر در کرانهٔ الاصابه بسال ١٣٢٣ ق چاپ شده است.

[١٩٥]

٩٧٨ نسخه بخط نسخ. تاریخ ندارد ولی کاغذ وخط مینماید که از سدهٔ دهم و یازدهم میباشد. نویسنده با سواد بوده و نسخه را برای خویش نوشته و حاشیه ها ازخود بران نگاشته و ازقاموس‌اللغة و نووی و سراج‌الدین بلقینی ودارقطنی واصابهٔ ابن‌حجر و کازرونی وجواهرالسلوک و نتایج ابکارالافکار از کشی و بسیاری از کسان و کتابهای دیگر دراین حاشیه‌ها بسیار نام برده.

ازاین حاشیه‌ها برمی‌آید که نویسنده بر بسیاری از کتابهای رجال که اکنون نایاب میباشد بدست داشته است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز وانجام بخش یکم (در نامها) وهمچنین آغاز بخش دوم (کنیه‌ها) درست میباشد ولیکن انجام بخش دوم افتاده وفقط تا حرف (ه) تا ترجمهٔ «ابوهریرة‌الدوسی» را در بردارد.

نامها وعنوانهارا باشنگرف وبرخی را در حاشیه نیز باسیاهی درشت نشان گذاری کرده است.

(٢٧٧ برگ) کاغذ ترمه نخودی رنگ، جلد تیماج مشکی فشرده، درون ابری، اندازه: ٣١×٢١ ، ١٢×٣١ : ٢١ سطر.

[١٧٨] **اسحاق بن عمار** (رجال – عربی)

زنجیرهٔ بسیاری از خبرها باین مرد میرسد، وی برخی را از امام پنجم و برخی را از ششم و هفتم، برخی‌را بی‌واسطه و برخی را با یك تا سه واسطه روایت کرده. حجة‌الاسلام شفتی این کتابرا برای دانستن اینکه آیا دارندهٔ این نام یك راوی ویا چندتن بوده‌اند، درهفت مبحث که (٢٤٠٠ بیت نوشته) دارد، بساخته‌ و با ٢٠ کتاب دیگر او درتهران بسال ١٣١٤ چاپ شده و ص ٤٦ تا ص ٨١ آنرا فرا گرفته است.

آغاز: الحمدلله‌المنقذ عباده من‌الجهالة...

انجام: .. و اما علی‌بن حیان و جعفربن حیان فلان شیخ‌الطائفة اوردهما فی اصحابه.

[١٩٦]

١٩٤ ششمین کتاب دفتر است. و برگهای ٦٨ تا ١١٨ را گرفته. خط نسخ. عنوانها شنگرفی است.

همهٔ دفتر ٢٣٢ برگ. این کتاب ٥٠ برگ است. کاغذ وجلد در ص ٣٧٥ یاد شده‌است.

[١٧٩] **أمل‌الآمل** (رجال – عربی)

فی تراجم علماء جبل عامل وتذکرة‌المتبحرین (منتخب...)

کتاب امل‌الآمل چنانکه ازدنبالهٔ نام آن برمی‌آید ویژهٔ دانشمندانی‌است که‌ازسرزمین سوریه ولبنان برخواسته‌اند ودرآن‌نام دویست‌ونه‌تن وسیصدونود

کتاب کـه نگاشته‌اند آمده است. نگارندهٔ امل‌الآمل کتاب دیگری نیز بنـام «تذکرة‌المتبحرین فی ترجمة سائر العلماء‌المتأخرین» نگاشته ودر آن دانشمندان جز کشور جبل عامل را گرد آورده ودر آن یکهزار وصد و ده تن ویکهزاردو یانصدوهفده کتاب ایشان را نام‌برده‌است. وی دراین‌دو کتاب فقط دانشمندانیرا که پس‌از شیخ طوسی (م ٤٦٠) آمده‌اند ونام ایشان در کتاب فهرست و رجال او نیامده‌است‌نام‌برده مدرك کار اوفهرست شیخ منتجب‌الدین (١) واجازه‌های (٢) بزرك دانشمندان گذشته و نیز اطلاعات شخصی خود و استادان او بوده است، نگارنده در ١٠٩٦ بکتاب یکم آغاز کرده ودر ١٠٩٧ کتاب دوم را بپایان رسانیده‌است. ودر آغاز کتاب‌دوم‌میگوید: بخش‌دوم کتاب‌را«تذکرة‌المتبحرین» نامیده‌است . . . وبنابراین، نگارنده این دو کتـاب را یکی شمرده کـه دارای دوبخش است وهربخش را نامی نهاده است.

نگارنده: شیخ حرعاملی محمد پسرحسن پسرعلی پسرحسین در (١٠٣٣ ق) دردیه مشغر از جبل عامل درخاندانی ازروحانیان شیعه آن سامان بزاده وچهل سال‌در کشورخویش‌بزیست وسپس‌مانند دیگرروحانیان شیعی مذهب آن‌سامان در اثر فشار دولت سنی عثمانی و کشش دولت شیعی صفوی رهسپار ایران شد ودرمشهد خراسان بمنصب قاضی‌القضات رسید کتابهای مذهبی و تاریخی بسیار بنگاشت و بنامترین آنها «تفصیل وسایل‌الشیعة» میباشد وخبرهائیرا که درسدهٔ چهاروپنج در کتابهای ششگانه (٣) گرد نیامده بود، در آن گرد کرد. دیگراز آثاراو کتاب «امل‌الآمل وتذکرة‌المتبحرین» جای گفتگومیباشد. مرك نگارنده

---

(١) این فهرست را مجلسی دوم درجلدبیست وپنجم بحارالانوار گنجانده و همانجا نیزچاپ شده است.

(٢) مانند اجازه‌های علامهٔ حلی وشهیداول وصاحب معالم واجازهٔ‌بنی‌زهرة وشهید دوم ومحقق کرکی وجزایشان که بیشتر آنها درجلد بیست وپنجم بحارچاپ شده‌است. صفحهٔ ٤٧٧ این‌فهرست دیده‌شود.

(٣) کافی کلینی، من‌لایحضره‌الفقیه صدوق، تهذیب واستبصارشیخ طوسی، محاسن برقی، قرب‌الاسناد. ص٤٧٢ این‌فهرست دیده‌شود.

در ٢ رمضان (١١٠٤ ق) درمشهد بود و او را درصحن امام هشتم درجائیکه تا کنون دیده میشود بخاك سپردند.

کسانیکه دربارهٔ امل‌الآمل کار کرده‌اند:

- مجلسی محمد باقر (م١١١١ق) حاشیه‌ئی بر آن‌نگاشته (ذریعه ٦: ٢٥).
- سیدنعمة‌الله جزائری (م١١١٢ق) حاشیه‌ئی بر آن‌دارد. (ذریعه٦: ٢٥).
- میرابراهیم پسرمیرمعصوم پسرمیرفصیح پسرمیراولیاقزوینی (م١١٤٥ق) «تتمیم امل‌الآمل» دارد. (ذریعه ٣: ٣٣٧).

٤- محمد پسر علی پسر ابوشبابه بحرینی، همزمان شیخ یوسف بحرینی (م ١١٨٦ ق) وشاگرد سلیمان ماحوزی (م ١١٢١ ق) شاعرانی که ازخامهٔ شیخ حر افتاده، برامل‌الآمل افزوده است (ذریعه ٣: ٣٣٧).

٥- عبدالنبی قزوینی پسر محمد تقی، بخواهش دانشمند همزمان خویش سیدمهدی بحر العلوم (م١٢١٢ق) بسال (١١٩١ق) دنباله‌ئی برامل‌الآمل نگاشته است (ذریعه ٣: ٣٣٧ و ٣٣٨).

٦- عبدعلی طباطبائی کربلائی همزمان شریف‌العلماءمازندرانی (م١٢٤٥ق) بکربلا «تتمیم امل‌الآمل» نگاشته است. (ذریعه: ٣: ٣٣٧).

٧- سید حسن صدر (١٢٧٢-١٣٥٤ ق) با دستیاری پدرم صاحب‌الذریعه کتابی بنام «تکملة امل‌الآمل» نگاشته است (الذریعه ٤: ٤١١).

٨- (جای گفتگو) محمدابراهیم تبریزی شیرازی ازدانشمندان پایان سدهٔ سیزدهم‌است وی‌درشهرمشهدخراسان‌بسال(١٢٩٩ق) امل‌الآمل‌را بدست آورده و از شتابیکه درروتویس کردن آن داشته، آنرا کوتاه کرده‌است، ولی پس‌از پایان کار، خود نویسنده آنچه‌را کاسته‌بود در کرانه رویه‌هادوباره جای داده‌است ودرپایان نسخه خود بدین‌معنی اشارت کرده‌است. ودرپشت نسخه آنرا «منتخب امل‌الآمل» نام داده‌اند.

[۱۹۷]

۱۸۹ نسخه امل الامل (ك۱ـ۳۱) و تذکرة العلماء المتأخرين (ك۳۱ـ۶۸) را دوبر دارد. بخط نسخ. نام نویسنده در پایان نسخه نیامده ولی پیداست که همان کوتاه کننده «امل» محمد ابراهیم تبریزی میباشد. بتاریخ دوشنبه ۲۶ ج ۲ ۱۲۹۹ ق آنرا بپایان رسانیده است. درپایان این نسخه گزارش زندگی چند تن از دانشمندان را از کتاب سلم السماوات آورده است. (ك ۶۸ـ۷۶) و سپس شعرهائی از زهرالربیع با خامهٔ درشت نوشته شده (ك ۸۵ـ۱۰۰) و سپس چند نامه از میرداماد (ك ۱۰۱ـ۱۰۷) وشیخ بهائی و اجازهٔ بهائی و لغزهائی از بهائی (ك ۱۰۷ـ۱۱۴) از کشکول آورده‌اند و درمیان آنها برگها سفید مانده است.

همه دفتر ۱۳۴ برك، این کتاب ۶۸ برك، کاغذ بغدی، جلد طوالی نه تیماج سرخ، اندازه: ۸×۱۶ و ۱۵×۳۱: ۲۵ سطر.

[۱۸۰] امهات النبی (عربی)

اهمیت فراوانی که گذشتگان به نژاد اشراف میدادند ایشان را وادار میکرد درباره نسبت مادری بزرگان خود نیز مانند نسبت پدری ایشان کتابها بنگارند. چنانکه ابومنذر هشام کلبی نسب شناس عرب کتابی بنام امهات النبی و دیگری «امهات الخلفاء» (۱) و ابن مدینی علی پسر عبدالله (م ۲۳۴ ق) نیز «امهات النبی» نگاشت. (۲)

جای گفتگو کتابچه‌ایست که ابن حبیب نگاشته ودر آن مادر پیغمبر ومادران مادر اورا تاچندین پشت یاد کرده است. چنانکه از پشت جلد این نسخه برمیآید این کتابرا ابوالحسن احمد پسر محمد پسر جهم سمری ازوی روایت کرده وعلی پسر محمد اسدی کتاب را بر نگارنده خوانده است.

این کتاب ازروی تنها نسخهٔ آن؛ نسخهٔ دانشگاه، توسط آقای حسین علی محفوظ دانشجوی عراقی دانشگاه تهران دربغداد بسال ۱۳۷۲ق گراور، وبا حاشیه وپیش گفتار چاپ شد.

(۱) الذریعه ج ۲ ص ۲۵۲

(۲) ذیل کشف الظنون از اسماعیل پاشا.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

نگارنده: ابوجعفر محمد پسر حبیب پسر امیه پسر عمرو اخباری هاشمی از دانشمندان تاریخ و نسبشناسی و از ادیبان بغداد بود. از ابن اعرابی و قطرب و ابوعبیده روایت میکرد وعلی پسر محمد اسدی ازاو روایت میکرد و بسامراء درپنجشنبه ۲۳ ذیحجهٔ (۲۴۵) درگذشت.

آثار وی: ابن ندیم (۱) سی وسه کتاب باو نسبت داده که هشت شمارهٔ آنها درنسب است و سه تای آنها بنام «امهات النبی» و «امهات الشیعه من قریش» و «امهات اعیان بنی عبدالمطلب» در نسبهای مادری عربان میباشد. جرجی زیدان (۲) پنج کتاب اورا بنامهای «المختلف والمؤتلف» ج وستن فلدر گوتنگن (۱۸۵۰ م) و «من نسب الی امه من الشعراء» نسخهٔ کتابخانهٔ خدیوی بمصر، و «المحبر» نسخهٔ بریتش موزیوم، و «المقتالین» نسخهٔ زکی پاشا را معرفی میکند.

[۱۹۸]

۲۲۲ نسخه بخط نسخ نزدیک به ثلث. نام نویسنده ندارد. دررمضان (۶۱۹ ق) نوشته شده. فاصله‌های جمله‌ها باشنگرف نشانه گذاری شده، وهمه واژه‌ها اعراب دارد.

در برك (۱ـ الف) نام کتاب ونگارنده ونام روایت کننده وشنونده بر نگارنده یاد شده است.

دورادور برگها صحافی شده است.

(۴ برك) کاغذ بغدی زرك، جلد طوالی.

(۱) فهرست ابن ندیم چ مصر ۱۳۴۸ ق ص ۱۵۵

(۲) تاریخ آداب اللغة چ مصر ۱۹۳۰ م ج ۲ ص ۱۹۳.

(٢٤) برگ (١ – الف) امهات النبی

(٢٥) (صفحهٔ ٨) امهات النبی نسخهٔ شماره (٢٢٢) دانشگاه

[١٨١] **ایضاح الاشتباه** (رجال – عربی)

نگارنده : جمال‌الدین ابومنصور حسن پسر یوسف پسر علی پسر مطهر حلی از دانشمندان بنام شیعه در سدهٔ هفتم و هشتم میباشد و لقب «علامه» در کتابهای شیعه از آن اواست . وی درحله (١) در ٢٩ رمضان سال ٦٤٨ ق بزاده و در ٢١ محرم سال ٧٢٦ ق درحله‌در گذشت و تن وی را از آنجابنجف برده بخاك سپردند .

استادان او : ١ – نخست پدرش سدید الدین یوسف ٢ – و پیش از او نزدخویشاوند مادریش نجم‌الدین جعفر ، محقق حلی نگارندهٔ شرایع (م٦٧٦ق) که مانندپدر باو رسیدگی میکرده است ، ٣ – پسرعموی مادرش نجیب‌الدین یحیی نگارندهٔ « الجامع » ٤ – ابن‌طاوس علی پسر موسی (م٦٦٤ق) ٥ – ابن‌طاوس احمد پسر عبدالکریم (م٦٧٣ق) ٦ – ابن‌میثم ، میثم پسر علی پسر میثم بحرینی (م٦٩٩ق) ٧ – خواجه نصیرالدین طوسی (م ٦٧٢ ق) ٨ – دبیران کاتبی نجم‌الدین قزوینی ٩ – برهان الدین نسفی وجزایشان مانند حسین پسر ابان نحوی و عزالدین فاروقی واسطی ، و عبدالله پسر جعفر صباغ حنفی کوفی ، و محمد پسر محمد پسر احمد کیشی خواهرزادهٔ قطب‌الدین شیرازی .

جایگاه علامه در دربار مغل : چون دولت مغل برای پایداری فرمانروائی خود بر مسلمانان در آغاز سدهٔ هشتم مذهب شیعه را رسمی شناخت (٢) پادشاه وقت اولیجانو علامه حلی را بپایتخت خویش (سلطانیه) بخواند و گرامی

---

(١) حلهٔ سیفیه شهریست میان نجف و کربلاء و در کنار یك شعبه از نهر فرات جا دارد .

(٢) داستان شیعی شدن اولیجاتو :

چنانکه میدانیم بسال (٦٨١ق) تکودار پسر هولاکو بتخت نشست و درهمین سال مسلمانی آشکار کرد و « احمد » نام گرفت و با این کار دل ملتهای مغلوب مسلمان را کهمیخواست بادل آرام برایشان فرمانروائی کند بدست آورد . ولی مغولها اندك‌اندك دریافتند که درمیان مذهبهای گوناگون اسلام بامذهب شیعه بهتر ازسنی کهمذهب رسمی

بقیهٔ حاشیه درصفحهٔ بعد

و کشف‌المقال فی معرفة احوال الرجال، نیز در دست نیست تا بشود دربارهٔ آن داوری کنیم، پس بهترین کتاب او در این باره همین کتاب جای گفتگو «ایضاح الاشتباه» میباشد که در (۱۹ ذیقعدهٔ ۷۰۷ ق) نگارش آنرا پایان داده است وی در این کتاب نام راویان حدیث را بترتیب حرفهای الفباء در آغاز آنها بسنجیده و بشناساندن واژه و چگونگی بزبان راندن آن بسنده کرده، و از زندگانی وی و درستی و یا نادرستی او و خبر و حدیثهایش چیزی نگفته است. تاریخچهٔ کتابهائی که دربارهٔ واژهٔ نامهای راویان حدیث گفتگو میدارد و چگونگی درست بر زبان راندن آنها را دربردارد، در (حرف – ج) دنبال «جامع المقال» خواهد آمد.

ایضاح در تهران بسال ۱۳۱۸ ق بچاپ سنگی بخش شده است. علامهٔ حلی ایضاح را بترتیب نخستین حرف نام بسنجیده و حرفهای پسین را نسنجیده است، پس علم‌الهدی پسر ملامحسن فیض کاشی آنها را نیز مرتب کرده واندکی بر آن افزوده و «نضد الایضاح» نامیده و آن نیز چاپ شده است. وسپس جد صاحب روضات ابوالقاسم جعفر خوانساری (م ۱۱۵۸ ق) نیز آنرا مرتب کرده و «تتمیم الایضاح» نامیده است. (ذریعه ج ۳ ص ۳۳۶) دیده شود.

[۱۹۹]

۹۹۰ سومین کتاب در دفتر است و برگهای (۲۹۳ تا ۳۱۸) آنرا گرفته. خط نستعلیق نزدیك بنسخ. نویسنده نصار پسر محمد حویزی. عصر شنبه بیست و دوم جمادی یکم (۱۰۲۰ ق) آنرا بپایان رسانیده. نامها با شنگرف نوشته شده. تصحیح شده وافتادگیها در کرانه نهاده شده است.

همهٔ دفتر ۳۱۸ برگ. این کتاب ۲۶ برگ. کاغذ ترمه‌لفتی. جلد تیماج سرخ ترکوب فرسوده درون تیماج زرد. اندازه: ۱۳×۱۹ و ۹×۱۴: ۲۵ سطر.

[۱۸۲] تاج المآثر (تاریخ ـ فارسی)

در این کتاب تاریخ سیاسی و جنگی دورهٔ پادشاهی قطب‌الدین آیبك نخستین پادشاه سلسلهٔ ممالیك غوری هندوستان گزارش شده است. وی این سلسلهٔ را در دهلی که یکی از استانهای دولت غوری (۱) هندوستان بود و او حاکم آن می‌بود بسال (۶۰۲ ق) بنیاد نهاد و جانشینان وی سه سده و نیم یعنی تا سال (۹۶۲ ق) در آنجا فرمانروائی کردند. خود قطب‌الدین درسال (۶۰۷ ق) درگذشت. حسن نظامی اندکی پیش از (۶۰۲ ق) یعنی پیش از اعلام استقلال و جدا شدن دهلی و سرپیچی قطب‌الدین آیبك از فرمانبرداری پادشاهان غوری، نگارش تاج المآثر آغاز کرده، چه در دیباچه، سلطان محمد غوری را ناصر امیرالمؤمنین معزالدنیا والدین ابوالمظفر محمد پسر سام پسر حسین خوانده، و قطب‌الدین آیبك را بنده و گماشته او شمرده و بلقب قطب‌الدنیا والدین خسرو هندوستان ابوالحارث آیبك السلطان نصرة امیرالمؤمنین خوانده است.

نگارنده: صدرالدین (تاج‌الدین) (۲) حسن پسر محمد نظامی (بسطامی) (۳) از مردم نیشابور و خراسان بوده در پایان سدهٔ ششم در پی روجنگها میان سلجوقیان و خوارزمشاهیان زادو بوم را باشارت پیر خود شیخ محمد کوفی رها کرد بغزنه پایتخت غوریان آمد و با دو تن از پیران آنجا بنام شیخ محمد سروی و مجدالملك آشنا گردید، و سپس بسوی دهلی شتافته و با وزیر شرف‌الملك دوست شد و بدستور او در تاریخ (۶۰۲ ق) کتاب را با ستایش معزالدنیا والدین ابومظفر محمد پسر سام پسر حسین ناصر امیرالمؤمنین و همچنین گماشتهٔ او قطب‌الدنیا والدین

(۱) سلسلهٔ غوریان از سال (۵۴۳ ق) همهٔ استانهای شمال هند و همهٔ افغانستان واندکی از خراسان را زیر تسلط خویش داشت و با خوارزمشاهیان خراسان هم‌مرز بود و در (۶۰۲ ق) با کشته‌شدن محمد غوری هرتکه از این کشور بدست یکی از غلامان وی افتاد و سلسله‌هائی بنام ممالیك غوری پدید آمد. سلسلهٔ غوریان با کشته شدن محمود آخرین ایشان در (۶۱۲ ق) بریده شد.

(۲) پدرم در الذریعه ج ۳ ص ۲۰۷ بپیروی از کشف‌الظنون لقب او را صدرالدین آورده و بهار در سبك شناسی ج ۳ ص ۱۰۷ از روی یادداشتی «تاج‌الدین» آورده است واو در آغاز کتاب لقب خود را نیاورده است.

(۳) مؤلف در آغاز نسخهٔ این کتابخانه و نسخهٔ صاحب کشف‌الظنون خود را حسن نظامی خوانده ولی بهار در یك نسخه حسن بسطامی دیده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

شهریار غازی خسرو هندوستان ابوالحارث ، ایبك ، السلطانی نصرة أمیرالمؤمنین آغاز یده است .

شیوهٔ نگارش تاج المآثر : این کتاب به نثر فنی پارسی نگارش یافته و دراز گوئی که زادهٔ سدهٔ ششم و هفتم است در آن هویداست ، و نه فقط برای هر مطلب کوچك و بزرك چند شعر از استادان ادب عربی و فارسی آورده است ، بلکه او برای گنجانیدن شعرها که در سینه میداشته مطالب میساخته است . و با این همه چون شعر پیش از سدهٔ هفتم برای زبان فارسی با ارزش است ، اگر نام سرایندگان آنها را میآورد کار با ارزشی انجام داده بود ، ولی بدبختانه این کار را نیز نکرده است . وی پس از چهارده صفحه دیباچه بخشی برای گزارش زندگی خود (نگارندهٔ کتاب) ساخته است و در آن از اینکه میتوانند بعربی بنگارد و بی سوادی مردم او را بفارسی نگاری واداشته افسوس خورده است . پس از آن کتاب را با گزارش گشودن اجمیر سال (۵۸۷) آغاز و سپس گزارش سال (۵۸۰) و (۵۸۹) و (۵۹۲) و همچنین تا (۶۱۴) در پادشاهی خداوندزاده جهان ناصرالدین کتاب را پایان داده است . و در پایان سه صفحه ستایش کتاب خود را گفته است .

آغاز : حمد و سپاس بی قیاس که قدم شهسوار عقل دو اسبه بسر حد عشر احصاء آن نرسد ، و چشم وهم دوربین صورت حصر و شمار آن در آینهٔ خیال بخواب نه بیند ...

انجام : یرید المرء أن یعطی مناه و یأبی الله الا مایشاء . والحمد لله رب العالمین والصلاة والسلام علی محمد و آله اجمعین . تمت الکتاب علی یدی الفقیر الی الودود محمد داود الفلکی فی غرة شعبان سنة ست وعشرین وسبعمایة حامداً مصلیاً .

[۲۰۰]

۲۲۵ نسخه بخط نستعلیق هندی . نویسنده محمد داود الفلکی در یکم شعبان ۷۲۶ ق پایان یافته . تصحیح شده و افتادگیها در کرانه آمده . واژه های دشوار در کرانه گزارش شده . عنوانهای درجه یك را باشنگرف نوشته و روی درجه دوم را خط شنگرف کشیده ، فاصله جمله ها باشنگرف نشانه گذاری شده . در کرانه رویه ها عنوان گفتگو را باشنگرف نوشته است . شعرها منظم و در میان سطر نوشته شده است . در پشت (برك ۱ –

الف) تملك چندین کس دیده میشود : حسین پسر علی پسر الیاس حسینی (مجدالدین استرآبادی) و سپس بهلول پسر هندو پسر محمود شاه پسر عبدالله پسر محمد باقی در (محرم – ۸۱۸) و سپس ابن محمد الشریف نورالله الحمدی در (۹۸۳) دیده میشود . در بالای این صفحه باخامه کهن شمارهٔ برگهای کتاب را دویست و چهل و شش نوشته است ولی در شماره گذاری تازه (۲۲۲ برك) بیشتر نمانده و چندجا افتادگی دارد و شماره های پیشین از برك ۱۲۵ به پس دست خورده است و برك ۱۶۷[۲] نو نویس است و با خط شکسته نوشته شده است .

(۲۲۲ برك) کاغذ سمرقندی ، جلد تیماج حنائی فشرده کهنه .
اندازه ۲۳/۵×۱۷ و ۱۷×۱۱ : ۲۶ سطر .

[۱۸۳] تاریخ اکبری (تاریخ – فارسی)

نگارنده : ابوالفضل ناگری پسر مبارك(۱) پسر شیخ خضر و برادر ابوالفیض فیضی شاعر بزرك هند میباشد . وی از مردان بزرك و سیاستمداران هند در پایان سدهٔ دهم بشمار است . نیاکانش از یمن بدانجا شده و برای اینکه والائی نژاد ایرانی را نیز دارا باشد خود را از نژاد آزادگان (ابناء) یمن میشمرد . وی در (۹۵۷) در آگره

(۱) وی در ناگور (سال ۹۱۱) بزاده و چون ناسازگاری و زد و خوردهای مذهبی در این هنگام در هند فزونی داشت و آشوب همواره تاج و تخت بابری را لرزان میداشت و بویژه اکثریت هندو را جنبش درمی آورد ، این شیخ با تعصبهای مذهبی مخالفت آغاز نمود ، و پس از چندی روحانیون اورا تکفیر کرده و بزور فرمان کشتنش از اکبرشاه گرفتند ، او پنهان شد و پس از اندکی چون شاه روش او را برای دولت بابری سودمند میدید او را بخشود و گرامی داشت تا در (۹۹۱) درگذشت . آری در سدهٔ دهم جنبشهای هندوان برضد دولت مسلمان بابری این دولت را ناگزیر میکرد همچنانکه مغلان در عراق و ایران بمذهب مردم مسلمان گردن نهادند ، ایشان نیز در کشور هندوها از تعصبهای خشك مذهبی مسلمانان بکاهند . چون این روش با مذهب شیعه بهتر سازگار بود از این روی در آغاز کار از این مذهب طرفداری کرده دانشمندانی مانند ابوالفضل و قاضی نورالله شوشتری و قاضی زادهٔ تتوی برواج آن برانگیخت ولی در پایان زندگی اکبرشاه سنیان متعصب بیشتر آن دانشمندان را مانند قاضی زادهٔ تتوی کشتند ابوالفضل سال ۱۰۱۱ ق و قاضی نورالله سال ۱۰۱۹ ق کشته شدند .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

زاد و به پیروی از پدر و برای خدمت بدربار بابری درجنگ باتعصبهای مذهبی کوششها کرده است. اکبر شاه بدست او و پدرش درسال (۹۸۷ ق) از همهٔ روحانیان سنی فتوی گرفت که بنابر آیهٔ اولوالامر(۱) فرمان شاه از رأی مجتهدان برتر است. و سپس همهٔ ایشان را بقضاوت درشهرستانهای دور و یا بحج مکه فرستاد و پایتخت را تهی کرد وفرمانی برپایهٔ آزادی همهٔ مذهبها بنام «صلح کل وجاویدان» بیرون‌داد واین‌فرمان تاپایان زندگی اکبرشاه اجرامیشد ولی خشم روحانیان‌مذهبی مسلمان را نیز برافروخت تاآنجا که شاهزاده جهانگیررا واداار کردند بر پدر بشوریدو خونریزیها برپا کرد وهمین شاهزاده دسته‌یرا وادار کرد تادرسال (۱۰۱۱) ابوالفضل وبرادرش ابوالفیض فیضی‌را درهنگام یک مسافرت کشتند.

آثارابوالفضل: کتابچه‌یی دراخلاق بنام «موارد الکلم» و «تفسیر آیةالکرسی» و دائرةالمعارف بنام «آئین اکبری» و «تاریخ اکبری» (۲) جای گفتگو و «منشآت ابوالفضل» و «فرهنگ فارسی» و «بهار دانش» کوتاه شدهٔ کلیله ودمنه است. ومهابهارت درتاریخ هند (۳). درهمهٔ نگاشته‌های ابوالفضل روش ساده‌نگاری ودور کردن واژه‌های سنگین تازی نمایان است.

تاریخ اکبری را نباید با «آیین اکبری» اشتباه کرد. دومی دائرةالمعارف دانشها وعقاید مسلمان وهندوان است، و گزارش زندگی خودرا بدرازا در آن آورده‌است، وتاریخ نگارش آن سال (۴۲ آلهی=۱۰۰۵ ق) است (۴) وچاپ شده است.

ولی تاریخ اکبری ـ جای گفتگو ـ تاریخ زندگی اکبر پادشاه و پدرش

(۱) اطیعوا الله واطیعوا الرسول و اولوالامر منکم (آیهٔ ۶۲ سورهٔ نساء)

(۲) هریک ازتاریخ اکبری و آیین اکبری را گاهی اکبرنامه می‌نامند.

(۳) این کتاب درلکهنو در سه جلد چاپ شده‌است. این سه جلد هجده بخش‌را که هریک صفحه شمارجداگانه دارد دربر گرفته است.

(۴) یعنی یکسال پس از کتاب تاریخ اکبری پایان یافته است.

میباشد و بسال (۴۱ آلهی = ۱۰۰۴ ق) پایان یافته است. درآغاز این کتاب بخشی درزایچهٔ شاه وستایش اودارد. وی نژادشاه‌را با پنجاه ودوپشت بحضرت آدم رسانیده گوید این کتاب تاریخ زندگی این ۵۲ تن میباشد ولی از آدم تا تیمور لنگ را بسیار کوتاه آورده وازاو تاهمایون پدراکبرشاه اندکی سخن رانده وهمهٔ کتاب دربارهٔ زندگی سیاسی ونظامی‌وخصوصی این‌دوتن میباشد. وتاریخ اکبرشاه را ازآغاز پادشاهی سالانه برابرتاریخ الهی (۱) تا هفده سال (تا سال ۹۸۱ ق) آورده، ودر اینجا کتاب را پایان داده‌است، تاریخ پایان یافتن نگارش کتاب(۴۱ الهی = ۱۰۰۴ ق) میباشد.

آغاز: الله اکبر این چه دریاییست ژرف و شناختی شگرف...

انجام:

باین جنبش کلک گردون خرام

بپایان برم این گرامی کلام

این کتاب دربیرامن بیست وششهزار بیت نوشته دارد. وبنام «اکبرنامه» بسال ۱۹۱۳ = ۱۳۳۱ ق درلکهنو چاپ شده. نیمهٔ نخست این چاپ را که من دیده‌ام تامرگ محمد همایون، پدراکبرشاه در (۴۰۶ ص) چاپ شده بود.

[۲۰۱]

(۲۱) نسخه بخط نستعلیق خاوری (پیا؟) گویا درهند نوشته شده نویسنده امین‌الدین محمد پسر نظام‌الدین احمد پسر ضیاءالدین خلیل‌الله، درتاریخ (۱۰۲۰ ق) شانزده سال پس از نگارش پایان یافته. یک سرلوحه با شنگرف و لاژورد و زر وسیاهی دربرگ (۱-الف) دارد. همهٔ رویه‌ها باشنگرف ودورویهٔ (۱-ب) و (۲-الف) با زر و لاژورد و سیاهی جدول‌بندی شده است. عنوانها با شنگرف. نیمهٔ هریک از رویه‌های (۱۱ ب و ۱۳ ـ الف و ۱۵ ـ الف و ۳۰۴ ب و ۳۰۷ ب) را سفیدگذارده

(۱) یکی ازکارهای اکبرشاه که برای هماهنگ ساختن ملتهای هند انجام داد ساختن یک تاریخ بنام «تاریخ الهی» است، وی ستاره شناسان را واداشت تا درسال (۹۹۲ ق) تاریخی خورشیدی راست کنند وآغازآنرا آغاز پادشاهی اکبر (۹۶۳ ق) گرفتند.

تادائرهٔ زایجه بکشد ولی سفید مانده‌است. دربرگ (۱ـالف) چندزایچه دیده میشود ، مانند زایچه محمد هاشم در ۲۶ ج ۱ سال ۱۱۷۶ و نیز چند برادر او و در تاریخهای بعدازاو ودربرگ ۳۳۵ ب مالکیت همین محمد هاشم پسرمیرمحمد رضی دیده میشود .

(۳۳۵ برگ) کاغذ ترمه نخدی ، جلد تیماج مشکی نه‌بندی عطف فرسوده ،

اندازه : ۱۶×۲۷ و ۱۰×۲۰ : ۲۳ سطر .

[۱۸۴] تاریخ الفی (تاریخ ـ فارسی)

این کتاب تاریخ‌هزارسالهٔ جهان از مرگ پیغمبر اسلام تاهزار سال میباشد و به‌دورهٔ پادشاهی اکبر پادشاه بابری درهند پایان میپاید. چنانکه در بارهٔ تاریخ اکبری دیدیم، روزگار اکبر پادشاه (۹۶۳-۱۰۰۴ق) روزگار گسترش مذهب شیعی و فرهنگ فارسی دری درهندوستان بوده است . دراین هنگام دردهلی بیش از اصفهان بزبان دری ارزش میداده‌اند کتابهای علمی مانند ، طوطی نامه ، ازضیاء نخشبی و ترجمهٔ زیج هندی و ترجمهٔ مهابهارتا بنام ، رزم‌نامه ، و ترجمهٔ رامایانا بخامهٔ عبدالقادر بدوانی و ترجمهٔ جوکنامه و ترجمه ، اتهربن ، بخامهٔ حاجی ابراهیم سرهندی‌و‌ولیلاوتی ، درحساب بخامهٔ ابوالفیض فیضی و ، تاجك ، درستاره شناسی(۱) بخامهٔ مکمل خان گجراتی بفارسی در آمد ، وهمچنین فرهنگنامه‌های ، جهانگیری ، و ، برهان قاطع ، و ، رشیدی ، وتاریخ اکبری وتاریخ فرشته ومنتخب التواریخ بدوانی واورنك زیب‌نامه و تاریخ هاشم خانی و کتابهای قاضی‌زادهٔ شوی جای گفتگو همه دراین روزگار نگاشته شد.

نگارندهٔ تاریخ الفی قاضی‌زاده شیخ احمد پسر نصرالله دیبلی سندی است که گزارش زندگیش درمجالس المؤمنین آمده‌است. پدرش ازقاضیان حنفی سرسخت بود ولی اوازدانشمندانیست که پس از گرایش دربار بابری هند بشیعیگری باین مذهب در آمد ، وقاضی درمجالس داستانی از روشن شدن فکر (استبصار) او بوسیلهٔ یك تن ازمردم عراق یاد کرده است . درپایان دورهٔ اکبرسنیان متعصب

(۱) آئین اکبری ص ۷۲ .

شورش کردند و چند تن ازاین دانشمندان و ازجمله این تاریخ نگار بزرگ را درلاهور کشتند .

کتاب الفی ترجمهٔ کوتاه شده‌یی ازتاریخ ابن کثیراست که برخی داستانهای مذهبی شیعه وبرخی مطالب تاریخی از کتابهای حبیب السیر وروضة‌الصفای خوندمیر بر آن افزوده شده است . تکیهٔ کلام او (القصه ، القصه) است ، و کرم‌الله وجهه ، را بجای ، علیه‌السلام ، (۱) پیرو نام علی می‌آورد ولی ستایش بسیارازاودارد . داستان کشته شدن حسین‌بن علی را بدرازا آورده است . این کتاب (۱۸۰۰۰۰ بیت نوشته) دارد و نگارنده خود آنرا کوتاه کرده و ، احسن القصص ، نامیده است . نسخهٔ تاریخ الفی واحسن القصص هردودر کتابخانهٔ رضوی هست . نسخهٔ رضوی درن‌و جلد است جلد یکم بسال پانصد از مرگ پیغمبر پایان یافته وجلد دوم بسال ۹۸٤ پایان یافته ودیگر سالها تا سال هزار را ندارد. صاحب ذریعه و دیگران گفته‌اند که نگارنده آنرابنام اکبرشاه ساخته ولی نسخهٔ دانشگاه دیباچه ندارد وازآن چیزی دانسته نمیشود:

آغاز نسخهٔ دانشگاه . آغاز کتاب دربیان اموریکه واقع شد درسال اول رحلت خاتم‌النبیین (ص) بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . نقلست که چون حضرت . . .

انجام این‌نسخه : پایان سال ۳۹۸ درتاریخ ابن کثیرآورده که بعدازفوت حاجب سعید جماعتی . . برسر قبر او رفته . . . وچون شب بمنزل آمدند عجوزه که نوحه‌خوان بود درخواب دید که شخصی ... ازقبر حاجب سعید بیرون آمده ... و گرزبآن پیره‌زن حواله کرد . زن . . . ازخواب بیدارشد ودیگراز نوحه گری توبه کرد . (ودرسال سیصدونود ونهم) ازرحلت . . .

(۱) نخست روش سنیان ، ودوم روش شیعیانست .

[۲۰۱]

۲۲۱ نسخه بخط نسخ . نام نویسنده و تاریخ ندارد . ولی پیداست که در نیمهٔ (۱) سدهٔ سیزدهم نوشته شده است . این نسخه فقط یك سوم کتاب را دربردارد یعنی از سال یکم مرگ پیغمبر تا سال سیصد و نود و نهم را دربردارد . دیباچه را ندارد و از سال یکم آغاز شده . و پایان نیز ندارد و سیزده سطر از سال ۳۹۹ را نوشته و باقیمانده را که در صفحهٔ پسین بوده در این جلد جا انداخته است

عنوانهای درجه یك با شنگرف و روی درجه دوم را خط شنگرفی کشیده است . تصحیح شده و افتادگیها در کرانه نوشته شده است .

۴۱۴ برگ) دو برگ آغاز سفید است . کاغذ سفید و آهارمهره فرنگی . جلد روغنی زرد و سرخ، که ترنج سرخ درون ابری گل و بوته .

اندازه : ۲۰×۳۲ و ۱۴×۲۵ : ۳۱ سطر .

[۱۸۵] **تاریخ زندیه** (تاریخ - فارسی)

چنانکه نگارنده در دیباچه گوید تاریخ خاندان زند را تا مرگ کریمخان، کسان بسیار نگاشته اند ولی تاریخ پس از مرگ او و سلطنت لطفعلی و سرنگونی تاج و تخت زند در جائی نیامده است و علی رضا شیرازی پسر عبدالکریم برای انجام دادن چنین درخواستی که از دوستان او شده بود، این کتاب را نگاشت و تا ۱۲۰۹ ق را گزارش داد .

آغاز : بر ارباب خرد و دانش . . .

انجام : بنظر طالبان و ناظران خواهد رسید انشاءالله تعالی . تم فی یوم الخمیس ۵ ذی الحجه ۱۲۳۲ .

متن این کتاب در (۱۰۲ ص) با یك پیشگفتار و فهرست در (۵۶ ص) بزبان آلمانی از ارنست بیر در لیدن بسال ۱۸۸۸ چاپ شده است .

---

(۱) هنگام یاد کردن رویدادهای سال ۲٦۸ از مرگ پیغمبر = ۲۷۸ هجری آنجا که گوید: «الی یومنا هذا سنة . . .» نویسندهٔ نسخهٔ دانشگاه بغلط (۱۲۳۸) نوشته و گویا این تاریخ نوشتن نسخه باشد که بجای تاریخ نگارش کتاب آمده است .

[۲۰۲]

۱۹۰ نسخه بخط نستعلیق نام نویسنده ندارد . در تاریخ پنجشنبه پنجم شوال سال ۱۲۳۲ ق نوشتن آن بپایان یافته است . عنوانها با شنگرف است ، در دو جای جا دارد و برگهای (۱ـ تا ۱۰۸) آنرا گرفته و از برگ (۱۱٦) تا (۱۲۷) فتح نامه هرات نوشته شده است که در ۱۳۱٤ ق نوشته شده .

همهٔ دفتر ۱۳۱ برگ این کتاب ۱۰۸ برگ . کاغذ فرنگی سفید آهارمهره شده .

اندازه : ۱۵×۲۰/۵ و ۱۴/۵×۸/۵ : ۱۱ سطر .

[۱۸٦] **تاریخ سیاقی** (تاریخ - فارسی)

در روزگار ناصرالدین شاه مردی تاریخ ایران را مانند دفترهای (روزنامچهٔ) بازرگانان و با همان خامهٔ نوشته و بجای پیکرهای هندسی شمارهها را بخامهٔ سیاقی نوشته است . این کتاب را صاحب ذریعه «خلاصة التاریخ» نامیده در (ج ۷ ص ۲۱٦) گوید آنرا یکی از مستوفیان فتحعلیشاه نگاشته است ، و نسخهٔ دویست صفحه یی آنرا در مشهد خراسان نزد شیخ علی اکبر مروج نشان داده است . ولی نسخه یی از این کتاب نزد دهخداهست که تا دورهٔ ناصرالدین شاه کشیده شده است . نسخهٔ دانشگاه (جای گفتگو) مانند نسخهٔ مشهد فقط تا (۱۲۲۰ ق) دورهٔ فتح علی شاه را دربردارد .

نگارندهٔ این کتاب تاریخ را بدو بخش پیش و پس از اسلام بسیجیده و پیش از اسلام را برابر افسانههای باستانی بچهار دستهٔ پیشدادیان ، کیانیان ، اشکانیان و ساسانیان بخش کرده است . او تقیه را کنار نهاده همه جا بخلیفههای پیش از علی ناسزا میگوید .

آغاز : کیومرث اول ملوك پیشدادیان است قبل از او هیچکس از فرزندان آدم . . .

انجام در سال فرخنده فال ۱۲۲۰ بعد از جشن نوروزی بطرف سلطانیه نهضت و در آنجا خبر قتل ابراهیم خلیل خان و تفرقهٔ ایلات . . .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

[۲۰۳]

۱۱۷ نسخه بخط نستعلیق شکسته ، نام نویسنده و تاریخ ندارد ـ ولی کاغذ وخط پایان سدهٔ سیزدهم را مینماید ، از آغاز پیشدادیان تا نادرشاه در برگ (۵۹) دوستونی مانند دفترهای بازرگانی نوشته شده‌است، واز اینجا تا پایان نسخه سطرها بلند و صفحه یك ستونی است ، پایان نسخه ناتمام مانده است . عنوانها با شنگرف است . همهٔ رویه‌ها بازرو سیاهی جدول بندی شده است ، عنوان بخشها را بالای صفحه باشنگرف نوشته است .

(۸۸ برگ) کاغذ ترمه اصفهانی ، جلد تیماج حنائی یك لا .
اندازه : ۱۱×۱۹/۵ و ۱۵×۱۷ : ۲۰ سطر .

[۱۸۷] تاریخ محمدی (تاریخ ـ فارسی)

یا دوازده امام

منظومی است کوتاه در (۳۲٤ بیت شعر) درتاریخ زایجه و مرگ پیغمبر اسلام وهریك ازامامان دوازده گانه شیعه بانام ونژادولقب وزادگاه وجای گورایشان نام‌سراینده دانسته نشد ولی گویا از ترکان پارسی گوی باشد . شعرش سست و انشائش نادرست میباشد .

آغاز :

آغاز سخن بنام یزدان — روزی‌ده انس‌وخالق جان

تا آنجا که :

چون ساختی آنزمان تمامش — «تاریخ محمدی» بنامش

منقوش بدان صفت که نامش — خوانند «دوازده امام»ش

تا آنجا که :

فهرست ایمه نام اینست — کز بعد رسول مرسلین است

تاریخ محمدی بگویم — زان پس بسوی ایمه پویم

اسمه علیه الصلاة والسلام

نام است رسول را محمد — یك جای دگر خطابش احمد

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

انجام :

غایب شدنش بعشر شوال — هشتاد ودوصد گذشته ازسال

نابودن و بودنش عیانست — گویند بگشت درجهانست

اینجاست حدیث وقصه کوتاه — القدرة والقضاء لله

وقد تم فی ۱۹ ذی القعدة الحرام سنة ۹۱۳ .

[۲۰٤]

۱۰۱۵ نسخه بخط نسخ باختری نزدیك بتر کی . دردفتری جادارده وبرگهای ۱۳۰ـ ۱٤۵) آنرا گرفته . نام نویسنده ندارد . در پایان آن (ك ۱٤۵ پ) تاریخ ۹۱۳ دیده میشود وشاید تاریخ سرودن ونوشتن هردو باشد . عنوانها باشنگرف

همهٔ دفتر (۱۷۷ برگ) این کتابچه (۱٦ برگ) کاغذ نخودی رنگ جلد تیماج حنائی .
اندازه در ص ۲۰۱ ج ۱ یاد شده است .

[۱۸۸] تاریخ وصاف (تاریخ ـ فارسی)

یا « تجزیة الامصار و تزجیة الاعصار »

این کتاب درپنج جلد ودنبالهٔ تاریخ جهانگشای جوینی میباشد ودرروش انشاء نیز پیرو او و پدر خود درالمعجم است، و آن روش‌را بدرجه کمال خود رسانیده‌است. وبسیبیان او مانند شرف‌الدین علی یزدی در«ظفرنامه» وصاین‌الدین علی ترکه ووحیدقزوینی ومیرزا مهدی استرآبادی در«درهٔ نادری» و«جهانگشای نادری» ومیرزا صادق نامی در«گیتی گشا» که ازوی پیروی کرده‌اند، بهونرسیده‌اند. اونثرفنی فارسی‌را پیروتازی ساخته وآنرا ازجمله‌هاوواژه‌های عربی انباشته‌است وجسته جسته واژه‌های مغلی نیز درآن یافت شود ، وی باهمه درستی وراستی این تاریخ را تا پایهٔ مقامه‌نویسی ومجلس گوئی پائین آورده است .

نگارنده : وصاف الحضرة ادیب شرف (۱) الدین عبدالله پسر عزالدین فضل‌الله (۲) متخلص به « شرف » ، یکی ازتاریخ نگاران روزگار تیموری است

(۱) درحبیب‌السیر شهاب‌الدین آمده ولی شرف درست‌تر است .

(۲) عزالدین فضل‌الله پسرعبدالله یزدی نگارنده تاریخ « المعجم فی آثارملوك العجم » هنگام قحطی فارس در ۲۲ ذیقعده ۶۹۸ ق درگذشته است .

خاندان او از یزد بوده و خود در (۶۶۳ ق) در شیراز بزاده و همانجا علم آموخت و بدنبال پدر بکار دیوانی گماشته‌شد، و بوسیلهٔ رشیدالدین فضل‌الله وزیر بدربار غازان و اولیجاتو راه یافت و بوسیله همواین کتاب خودرا از چشم شاه گذرانید و نوازش یافت.

خود در آغاز بخش دوم کتاب میگوید من برای نمایش توانائی انشای خود چنین نگاشته‌ام. دراین کتاب تاریخ چنگیز خان و فرزندانش از سال (۶۵۶ ق) تا بوسعید بهادرخان (۷۲۸ ق) را گرد ساخته. وی بسال (۶۹۹ ق) باین کتاب آغاز کرده و بسال (۷۰۲ ق) جلد یکم کتابرا از چشم غازان خان گذرانید ودر شعبان (۷۱۱ ق) بخش پنجم را بپایان رسانیده و بسال (۷۱۲ ق) درسلطانیه باولیجاتو خدابنده پیشکش کرده‌است. بخش یکم این کتاب در ۱۲۷۲ ق و ۱۲۹۱ ق درتهران چاپ شده است.

آغاز بخش یکم: حمد و ستایشی که انوار اخلاصش آفاق و انفس را...

انجام:

چون روزگار کس نمهد پند آدمی
خواهی که پند گیری از روزگار گیر

والله یجعل احوالنا مقرونة بحسن العواقب...

آغاز بخش دوم: فرخ ترین نوایی که نای مرغ زمزمه سرای زبان بدان دستان داستان سراید، ودلنواز ترین...

انجام: وعاقبت کارهارا بدیدهٔ فکرت دوربین نظر کنند. تمت.

آغاز بخش سوم: الحمدلله الذی خلق الانسان من حماء مسنون. ثم السلام علی... ابی بکر الصدیق وعمر الفاروق و... و پس از یك صفحه ـ و بعداز حادثهٔ ارغون خان چون مدتی...

انجام: خسرو عشرة، بهمن صولت‌را مزید جاه و جلالت و دوام تأیید و نصرت کن. ویرحم‌الله عبداً قال آمینا. تم.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز بخش چهارم: ابتسم الورد بنشر النسیم بشراً بین یدی رحمته...

انجام: و ناخن ندامت رخسار جان اورا بخراشد. یاایها الناس قد جائکم... تمت ذریعة النصایح ولسان العقل...

آغاز بخش پنجم: هرسپاسی که ساحت اوضاع و اضلاعش مصون ازساحت خیال واوهام تواند بود، وهرستایش که انوار ستایش متعالی از مدارك...

انجام: توفیق درافاضت احسان که کفیل عمر ثانیست لایزال روزگار دولتیار مخدوم جهانیان را کرامت باد. شعر:

وهذا دعاء لوسکتُ کفیته
لانی سئلت‌الله قبل وقدفعل

این کتاب تا پایان سدهٔ سیزدهم هجری یك متن کلاسیك بشمار میرفت و آنرا در آموزشگاهها بجوانان میآموختند. حسین پسر حسین انصاری عطار در (۸۲۳ ق) تاریخ وصاف را بدستور مغیث‌الدین ابوالفتح میرزا ابراهیم سلطان پسر شاهرخ فرمان فرمای شیراز (م شوال ۸۳۸ ق) باشر ساده کوتاه کرده. نسخهٔ سه بخش کوتاه شده از پنج بخش این کتاب که در (۱۰۶۲ ق) نوشته شده‌است در کتابخانهٔ (سلطان القرائی) درتبریز هست ودانسته نیست که آیا دو بخش دیگر نیز کوتاه شده است یا نه.

آغاز نسخهٔ کوتاه شده: حمد و ستایش مر خدایرا که انوار اخلاصش... امابعد چون اشارت عالی وفرمان... مغیث الحق والدنیا والدین ابوالفتح ابراهیم سلطان... نفاذ یافت که از تاریخ خواجه عبدالله...

[۲۰۵]

۱۱۴ نسخه بخط نستعلیق زیبا ولی جمله‌های عربی را با نسخ نوشته‌است. نویسنده مؤمن علی تبریزی همهٔ پنج بخش را در یك جلد نوشته. تاریخ پایان بخش یکم: ذی‌حجهٔ ۱۰۶۸ ق (گ ۳ـ۱۰۹) بخش دوم صفر ۱۰۶۹ ق (گ ۱۰۹ـ۱۹۴) بخش سوم ۱۰۷۰ ق (گ ۱۹۵ـ۲۲۱) بخش پنجم شعبان ۱۰۵۹ ق (گ ۲۲۲ـ۵۰۲) بخش پنجم سال ۱۰۷۰ ق (گ ۵۰۳ـ۵۵۶) میباشد. درروی برك (۲ـ الف) جمله‌هائی نادرست ودست خورده‌یی نوشته شده واز آنها چنین برمی آید که این نسخه بدستور محمد نصیر پسر رضی‌الدین محمدحسینی ازروی

نسخه‌یی که حاشیه‌های آن بخامهٔ نگارنده (وصاف‌الحضرة) بوده نوشته شده است. ودر آن از مستوفی خاصهٔ رضی‌الدین محمدا، ومیرزا محمد حسینا ضابطه‌نویس نیز نامی آمده است. حاشیه‌های بسیاردارد بامضاهای (مجمل، فرهنگ، قاضی، صحاح، ق، ۱۲، ه، مجمع‌البیان، ثعالبی، حیاة‌الحیوان خلکان، شریف، وجزآنها) دراین حاشیه‌ها گاهی بزندگی کسانی که نامشان درمتن آمده نیز اشارت هست. در آغاز کتاب حاشیه‌ها بیشتراز دیگر جاها است. همه صفحه‌ها با زر وشنگرف و لاژورد دوجدول دارد یکی در کرانهٔ متن ویکی در کرانهٔ حاشیه در آغاز هر بخش سرنامه‌یی از گل و بوته با زر و لاژورد وشنگرف وسیاهی و سبزی و سفیدآب بسیار زیبا در (گ ۳ و ۱۱۰ و۱۹۵ و۲۲۳ و۵۰۳) دیده میشود. برگهای (۳و۱۰و۲۲۳و۵۵۶) زرفشانی شده‌است. عنوانها وفاصله جمله‌ها و برخی حاشیه‌ها وبرخی آیه‌های قرآن وحدیث باشنگرف است. تصحیح شده وافتادگیها در کرانه نوشته شده است.

پیش‌ازین در (اردیبهشت ۱۳۰۸) در کتابخانهٔ تیمورتاش بوده است.

(۵۵۶ برگ) کاغذ ترمه اصفهانی دهدی. جلد روغنی گل‌بوته بسیار خوب ته‌لیماج سرخ وصالی‌شده درون ازری گل‌بوته؛

اندازه ۱۷×۳۰ و ۱۰×۲۲، ۲۰ سطر.

[۱۸۹] **تحریر طاوسی** (رجال - عربی)

چنانکه در (ص ۴۹۸) یاد شد کتاب اختیارالرجال بترتیب الفبا نیست وچند کس آنرا مرتب ساخته و دوتن آنرا با چهار کتاب رجال دیگر: «فهرست ورجال طوسی ورجال نجاشی و رجال ابن‌غضائری» یکجا گرد کرده‌اند، نخستین ایشان ابن طاوس و دوم ملاعنایة‌الله قهپائی بوده است. ابن طاوس جمال‌الدین احمدپسرموسی (م۶۷۳ق) برادر علی بن موسی‌بن طاوس دعانویس معروف‌است وی چنانکه درص ۴۹۰ گفتم پنج کتاب رجال‌را یکجا گردآورده و «حل‌الاشکال» نامید. یکی از پنج کتابی که درحل‌الاشکال گرد آمده است «اختیار‌الرجال» کشی بوده که درص۴۸۲تا۵۰۱ درباره‌ٔ آن گفتگو کردم، ابن‌طاوس اختیار‌الرجالرا آراسته وپیراسته وبترتیب الفبا، در کتاب خویش «حل‌الاشکال» گنجانده‌بود. حل‌الاشکال که در۲۳ربیع دوم سال ۶۴۴ ق پایان یافته درپایان سده دهم بدست صاحب معالم افتاد و او‌اختیار‌الرجال را از میان آن بیرون کشید و جدا کتاب

ساخته است، و چون بآرایش و پیرایش ابن‌طاوس بود آنرا «تحریرطاوسی» نام داد. وی دردیباچه میگوید چون از «حل‌الاشکال» فقط یك نسخه دیده‌ام که‌بیشتر آن بخامهٔ نگارنده‌اش نوشته‌شده و کهنه وفرسوده بود، خواستم آنرا زنده کنم. وچون متن چهار کتاب دیگر دست نخورده درحل‌الاشکال گنجیده بود، و نسخهٔ آنها بجزنسخهٔ کتاب ابن غضائری فراوان بود؛ و ابن‌طاوس فقط اختیارالرجال‌را آراسته و پیراسته بود، و نسخهٔ آراسته‌آن جدا یافت نمی شد، و نسخهٔ ناآراستهٔ آن پر از ناساز گاری و بی ترتیب بود، ازین روی من آنرا بر گزیده وازحل‌الاشکال بیرون‌آوردم. صاحب‌معالم دراینجا اندکی ازدیباچهٔ حل‌الاشکال را آورده و چگونگی گردآوردی ابن‌طاوس آن پنج کتـاب را نشان داده، وسپس بحرف الف آغاز نموده است.

درپایان نیز پایان‌نامه حل‌الاشکال را آورده کـه ابن طاوس گفته است درحله‌بروز۲۳ ربیع دوم سال ۶۴۴ ق آنرا بپایان رسانیدم وسپس صاحب معالم گوید من نیزدریکشنبه هفتم جمادی یکم سال ۹۹۱ ق تحریرطاوسی را بپایان رسانیدم. صاحب معالم حاشیه‌های بسیار نیز براین کتاب خویش نگاشته‌است.

آغاز: الحمدلله رب‌العالمین ... امابعدفیقول‌الفقیر ... هذاتحریر کتاب الاختیارمن کتاب ابی‌عمروالکشی فی‌الرجال انتزعته‌من کتاب‌السیدالجلیل احمدبن طاوس ... وپس‌از ۵۶ سطر ... ابواب‌الهمزة. باب ابراهیم. ابراهیم‌بن نعیم ابوالصباح ...

انجام: پایان باب کنیه‌ها: ابوساسان و ابوعمره الانصاری محمدبن اسماعیل ... هذاآخرمایتعلق بکتاب اختیارالکشی مما‌اشتمل علیه کتاب‌السید ... قال احمدبن طاوس: هذا آخر ما نقلته مختاراً من الکتب‌التی بدأت بذکرها ... وکان‌الفراغ یوم ثالث عشرین ... وفرغ من‌استخراج هذاالکتاب وافراده‌العبد الفقیر ... حسن‌بن زین‌الدین‌بن علی ... ضحی یوم‌الاحد سابع شهرجمادی‌الاول سنة احدی وتسعین وتسعمایة والحمدلله ...

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۲۰۶]

۵۸۸ نسخه بخط نسخ نزدیك بنستعلیق . نام‌نویسنده و تاریخ ندارد . ولی خط و کاغذ پایان سدهٔ دوازدهم‌را نشان میدهد . ازروی خط صاحب معالم نوشته شده‌است . دارای حاشیه‌ها با امضای (بخطه و ۱۲) عنوانها با شنگرف است آنرا تصحیح کرده و افتادگیها را در کرانه آورده‌اند .

(۶۳ برك) کاغذ فرنگی نخدی آهار مهرشده . جلد مقوا و پارچه آبی‌رنگ فرسوده روی آنست . (اندازه : ۱۵×۲۰ و ۹×۱۳/۵ : ۱۶ سطر .

[۱۹۰] تحفة‌الازهار (نسبنامه ــ عربی)

وزلال‌الانهار فی ابناء‌الائمة‌الاطهار

ساده‌ترین و کهن‌ترین تاریخی که بشر آنرا نگاهداری کرد و به پسینیان خود سپرد ، نام‌ونشان پدران او و نژاد ایشان بوده‌است. گذشتگان به‌نسب بیش‌از حسب ارزش‌میدادند و چون ارزش هرانسان بکاریست که‌انجام‌دهد ازاین‌روی اشراف وبزرگان که کمتر کارسودمند انجام میدادند برای خویش ارزش‌نژادی بحساب آورده و بهمین جهت است که‌نسبنامه‌های هرطائفه برای خاندانهای اشراف آنها نوشته میشده است . عربان و ایرانیان پیش‌از اسلام مانند همه ملتهای کتاب‌ناخوانده بنسب اهمیت بسیارمیدادندو اسلام‌از اهمیت آن بکاست (۱) ، ولی بازوی کارآمدن دربارهای پادشاهی بجای دستگاههای خلیفگی‌دوباره همان روش پیش‌از اسلام از نو آغاز شد اموبان و عباسیان نسبشناسان را برای نگاهداری نسب خویش بکارمیگماشتند . ابن‌ندیم فن یکم از مقاله سوم کتاب فهرست را برای گزارش کارهای ایشان ساخته است (۲) وپس‌ازایشان نیز هریك ازخاندانهای سامانیان و غزنویان و دیلمیان و شاهان پس‌ازایشان درایران وهمچنین دیگر پادشاهان درخاورمیانه هریك برای خویش نسبنامه‌ها ساختند .

(۱) ان اکرمکم عندالله اتقکم . قرآن .

(۲) فهرست ابن‌ندیم چ مصر ۱۳۴۸ ازص ۱۳۱ تا ۱۶۷ واین یکی از بزرگترین بخشهای کتاب او است .

انگیزهٔ دیگر برای نگاشتن نسبنامه‌ها حفظ حقوق مذهبی ومادی خاندان پیغمبر بوده است ، و میتوان گفت بیشتر نسبنامه‌ها که شیعیان نگاشته‌اند دربارهٔ سادات وخانوادهٔ پیغمبر بوده است (۱) ، ولی نمیتوان همهٔ آنها را پذیرفت زیرا فشارهائی که دربرخی‌ازدوره‌های تاریخ برافراد این‌خاندان آمده نسب بسیاری از ایشانرا فراموش ساخته ، و بعکس گشایش و احترامی که بعدها برای ایشان دستداد بسیاری‌را بساختن زنجیرهٔ نسب‌برای خویش وادار کرد(۲) چند کتاب نسبنامه در این کتابخانه هست یکی بنام « امهات‌النبی » در (ص ۵۰۸) گذشت و « عمدة‌الطالب » نیز خواهد آمد ، جای گفتگو کتابی است که « تحفة‌الازهار » نام دارد و دردو بخش است یکم فرزندان حسن‌بن علی دوم فرزندان حسین‌بن علی (ع) را دربردارد .

نگارنده : ضامن پسرشدقم پسرعلی پسرحسن‌بن شدقم مدنی‌است خاندان ابن شدقم ازمردم مدینه‌بودند وخودرا سیدواز فرزندان‌حسین‌علی (ع) میشمردند برخی از مردان این خاندان برای گشایش درزندگی بخاك هندوستان رهسپار شده وبدربار اکبری که بشیعگری گرائیده بود (۳) راه یافتند گزارش‌زندگی سه تن ازایشان بنام حسن‌بن شدقم و پسرش محمد پسر حسن‌بن شدقم و حسین پسرعلی پسرحسن‌بن شدقم که‌نخستین ایشان پیش‌از نگارش‌سلافة (ن ــ۱۰۸۲ق) درگذشته است . درسلافة (٤) و یك تن دیگر بنام بدرالدین حسن نگارنده « زهرالریاض» (ن ــ ۹۹۲) نامش‌درذریعه (۵) آمده‌است . صاحب ذریعه ایشانرا

(۱) درجلددوم‌ذریعه‌۵۷ کتاب که‌بعنوان «انساب» شناخته شده‌است یادگردیده وسید شهاب‌الدین نجفی تبریزی درقم کتابی بنام « طبقات‌النسابین » نگاشته ودرآن پیرامون پانصد نسب‌شناس‌را معرفی نموده است .

(۲) درکتابهای دورهٔ صفوی مانند تذکرهٔ نصرآبادی (ص۳۱٤) بسیار دیده میشود ، که‌فلان مرد سید نبود ولی فرزندانش بسیدبودن شهرت یافتند .

(۳) ص ۵۱۹ دیده شود .

(٤) سلافة‌العصر چ مصر ۱۳۲٤ ق ص ۲٤۹ و ۲۵۰ و ۲۵۳ .

(۵) درعنوان «تحفة‌الازهار» ج ۳ ص ٤۱۹ .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

بلقب شدقمی ، خبری ، خوانده گوید اینان خود را از نوادگان ابوالقاسم طاهر پسر یحیی نسابهٔ پسر حسن پسر جعفر حجت پسر عبیدالله اعرج پسر حسین پسر سجاد علی بن الحسین (ع) میشمردند . تاریخ نگارش این کتاب در گزارش زندگی جعفر حجت ، بسال ۱۰۸۸ یاد شده است .

آغاز نسخهٔ شمارهٔ ۹۹۲ دانشگاه : الحمدلله وحده والشکر له علی نعمه . . . یازده سطر . . . وبعد فیقول الفقیر . . . ضامن بن شدقم بن علی بن حسن بن علی بن حسن بن علی بن شدقم الحسینی المدنی . . . قدمن الله تعالی علی باتمام الجلد الاول فی نسب ابناء السبط الاول فاحببت ان اشرع فی نسب ابناء السبط الثانی ، وساذکر فیه بدواً وحضراً ومن نا، عن بلده . . .

آغاز جلد یکم، نسخهٔ ذریعه : الحمدلله المحسن المتفضل الکریم الوهاب ذوالجود والنعم . . .

آغاز جلد دوم نسخهٔ ذریعه : الحمدلله الذی لاندله فیبادی . . . لما من الله علی باتمام الجلد الاول من تحفة الازهار و زلال الانهار فحدانی الشوق الی الحاق المجلد الثانی وهو مختص بنسب ابناء ابی عبدالله الحسین السبط و رتبته علی ترتیب المجلد الاول المختص بنسب اولاد ابی محمد الحسن . والعقب من الحسین منحصر فی ابنه علی الاوسط . . . یذکرون فی ستة ابواب . . .

نسخهٔ دانشگاه نخستین نسخهٔ این کتاب است که بخامهٔ خود نگارنده نوشته شده وخط خوردگی بسیار دارد، و گویا در نسخههای پسین که نوشته تا اندازهیی آنرا دگرگون ساخته و آنرا بصورت نسخهیی درآورده که صاحب ذریعه از آن نقل کرده است .

۹۹۲ نسخه بخط نسخ تاریخ و نام نویسنده را ندارد . ولی بخامهٔ خود نگارنده ضامن پسر شدقم نوشته شده و تاریخ نگارش کتاب (۱۰۸۸) است . برگهای کتاب جابجا شده و نامرتب میباشد آغازش پیداست ولی انجامش نامعلوم است .

برخی عنوانها را سفید گذارده که بعد نویسد و برخی را با خامه درشت و سیاه نوشته است . برپشت (برگ ۱ ـ الف) مهر وامضاء نگارنده دیده میشود .



(۲۶) برگ (۱ ـ الف) تحفة الازهار ابن شدقم بخامهٔ نگارنده نسخهٔ شمارهٔ (۹۹۲) دانشگاه

(۸۴۸ صفحه) کاغذ سفید ، جلد و اوراق پراکنده میباشد .
اندازه : ۱۵×۳۰ ؛ سطرها مختلف است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۹۱] تذکرهٔ (۱) دولتشاه سمرقندی (فارسی)

دردورهٔ تیموری سطح زندگانی مردم پائین و همه چیز فدای عیش و نوش اشراف ودربارها بود. علم‌وهنروادب نیزمانند همه چیز منحصر بچندتن درباری بود، درچنین روزگاری دولتشاه سمرقندی کتاب خویش بساخت.

اگر همهٔ تاریخ‌نگاران تاریخ‌سیاسی کشوررا بتاریخ دربارها تبدیل کرده‌اند دولتشاه تاریخ شعر وشاعری را نیزبتاریخ دربارها بدل کرده است، از گزارش زندگی شاعریاندکی بسنده کرده وبگزارش‌وضع‌درباری که‌شاعردر آن‌میزیسته برداخته است. بااین‌همه باید گفت این کتاب بهتراز بسیاری از تذکرهٔ شاعران میباشد، چه در آن دورنمائی ازروابط شاعران با دربارها، که خود گوشه‌یی اززندگی‌شاعران میباشدبدیده‌میشود. دانشمندان اروپائی وجزایشان‌این کتاب‌را بررسی کرده وآنرا بزبان آلمانی (۲) و ترکی (۳) نیز ترجمه کرده‌اند.

دراین کتاب‌شاعران‌را بهفت‌دسته بخش کرده ودرهردسته‌شاعرانی که دریك روزگار میزیسته‌اند گردآورده‌است، وهفت‌شاعرهمزمان‌خویش‌را درپایان‌نامهٔ کتاب‌آورده‌است. ویك پیشگفتار دربارهٔ شعر وهنرهای‌شعری نیز ساخته‌است وکتابرا دردیباچه بنام ابوالغازی سلطان حسین و میر علی شیر نوائی نشان کرده است.

تذکرهٔدولتشاه دربمبئی‌در۱۸۸۷بچاپ‌سنگ، ودرلیدن‌بکوشش ادواردبراون در ۱۹۰۱ م در (٥٤۰ ص) با فهرست و (۱٦ ص) پیشگفتار انگلیسی و (۱۱ص) فارسی چاپ حروفی، ودر (۱۹۳۹ م) درلاهور بچاپ سنگی در (۳٦۳ ص) بی‌فهرست وبا یك پیشگفتار بزبان اردو (۸ ص) در نادرستیهای تذکرهٔ دولتشاه بخامهٔ محمد اقبال صافی‌ایم بخش شده است.

---

(۱) تاریخچه‌یی از تذکره‌نگاری در (ص ٤٦۹) یاد شده است.

(۲) ترجمهٔ آلمانی ازفون همر Von Hammer چاپ وین (سال ۱۸۱۸ م).

(۳) ترجمهٔ ترکی از سلیمان فهمی چاپ استانبول ۱۲٥۹ ق = ۱۸٤۳ م بنام «سفینة‌الشعراء».

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز: تحمیدی که شاهد بلندپرواز اندیشه...

نگارنده: میردولتشاه سمرقندی‌پسرمیرعلاءالدوله‌بختیشاه غازی‌سمرقندی اسفرائینی است. عمش میر فیروز شاه از امیران وثروتمندان خراسان و پدرش از ندیمان شاهرخ (۱) بوده‌اند، و دولتشاه دراثر پیش‌آمدهائی که میرعلی‌شیر نوائی (۲) آنهارا گذشت، وقناعت‌طلبی نامیده بدهقانی‌افتاده‌است. وی هنگام نگارش تذکره سال(۸۹۲ق) پنجاه سال داشته (۳) است. مرگ اورا میرعلی‌شیر درمجالس‌النفائس (٤) (ن - ۸۹٦ق) یاد کرده ولی‌درتذکرهٔ مرآت‌الصفاء (٥) بسال (۹۰۰ ق) آورده‌است. کهن‌ترین گزارش زندگی‌دولتشاه را میرعلی‌شیر آورده وسپس ریو و ادواردبراون ازاو گرفته‌اند.

[۲۰۸]

۱۷۱ نسخه بخط نستعلیق، نام نویسنده حاجی محمد پسرخواجه احمد، در روز پنجشنبه ربیع‌دوم سال (۱۰۰۹ق) پایان‌یافته‌است. برخی‌عنوانها باشنگرف وفاصله‌ها نیز با شنگرف. وبرخی عنوانها با زر.

دربرگ ۱ - ب یك سرنامه بازر ولاژور دوشنگرف دیده میشود. همهٔ رویه‌ها با زر و لاژورد جدول‌بندی شده است. در برگهای ۲٦۲ و ۲٦۳ فهرست کتاب را نوشته است. شعرها درمیان سطر و جدول‌بندی شده است. درپشت برگ ۱ - الف یادگارها و تملکها هست و یك برگ پیش‌ازآن سفید است.

(۲٦۳ برگ کاغذ سفید وبرخی‌گلی‌رنگ، جلد تیماج حالی عنوانی فشاری

اندازه: ۱٤×۲٥ و ۷/٥×۱۸/٥ : ۲۳ سطر.

---

(۱) پیشگفتار براون برچاپ لیدن تذکره (می - ز).

(۲) ترجمهٔ مجالس‌النفائس چ تهران ۱۳۲۰ ش ص ۱۰۸ و ۲۸۲.

(۳) پیشگفتار براون (ص - ز) و گ ۷ ب نسخهٔ ۱۷۱ دانشگاه.

(٤) چنین‌است درمجالس‌النفائس‌نسخهٔ خطی ادواردبراون که در ج ۳ ص ٤۹۲ تاریخ‌ادبیات ترجمه حکمت چ تهران ازآن نقل کرده‌است، ولی در نسخهٔ ترجمهٔ مجالس چ تهران ص ۱۰۸ و ۲۸۲ چنین چیزی دیده نمیشود.

(٥) ترجمهٔ تاریخ ادبیات براون ج ۳ ص ٤۹۲ چ‌تهران بنقل ازفهرست ریو ص ۳٥٤.

[۱۹۱] **ترجمهٔ تاریخ یمینی** (تاریخ - فارسی)

بهترین و بزرگترین تاریخی که بزبان عربی از خاندان غزنوی بجای مانده است تاریخ یمینی است که آنرا تاریخ سبکتکین و سیرت یمینی بنام یمین‌الدین محمود سبکتکین وتاریخ عتبی بنام نگارنده‌اش نیز نامیده‌اند.

نگارنده: ابونصر محمد پسر عبدالجبار عتبی است خاندانش از ری و خود درخراسان بزرگ شده ودردبیری و وزارت بمقام نیابت قابوس و شمگیر رسید و بسال (۴۲۷ ق) درگذشت. انشاء عربی این کتاب فنی و پیچیده واز‌این‌روی نیازمند گزارش بوده‌وچلپی کسان‌زیر را در شمار شرح کنندگان آن برشمرده‌است:

- مجدالدین کرمانی.
- صدرالافاضل قاسم پسرحسین خوارزمی (م ۵۵۵ ق).
- تاج‌الدین عیسی پسرمحفوظ.
- حمیدالدین ابوعبدالله محمود پسر عمر نجاتی نیشابوری شرح خود را «بساتین‌العلماء» نامیده است. در آغازش گفته است: پس‌از بررسی پنج شرح این گزارش را نگاشته‌ام وبتبریز (۷۰۹ ق)بپایانش‌رسانیده وسپس آنرا‌برقطب شیرازی خواندم و بدستور او بر آن افزودم و بسال ۷۲۱ ق بپایان رسانیدم.
- جرفادقانی که ترجمهٔ وی جای گفتگوی ماست.
- شیخ احمد معین پسرعلی پسر عمرعدوی دمشقی (ز ۱۰۸۹- م ۱۱۷۳ ق) آنرا‌بسال ۱۱۴۸ ق گزارش‌داده وبنام‌الفتح‌الوهبی‌بمصر‌سال ۱۲۸۶ق دردوجلد چاپ شده است.
- صاحب‌ذریعه در (ج ۴ ص۱۱۶) گوید: حاج میرزا ثقة‌الاسلام کشته درتبریز (۱۳۳۰ ق) نیز آنرا بامر امیرنظام بفارسی ترجمه کرده است.

تاریخ یمینی دردهلی در۱۸۴۸ م در (۶ + ۴۹۳ ص) بکوشش‌اسپرنگر ودربولاق (۱۲۹۰ ق) و درلاهور (۱۳۰۰ ق = ۱۸۸۳ م) در (۳۷۲ ص) چاپ شده است.

جای گفتگوترجمه‌ئیست ازاین‌تاریخ بزبان سادهٔ فارسی که آنرا‌باالندک افزایش و کاهش دردسترس فارسی‌زبانان گذارده است.

ترجمه کننده: ابوالشرف ناصح پسر ظفر پسر سعد منشی جرفادقانی (گلپایگانی) از دبیران بنام پایان دولت سلجوقی است.

دانشمندان و ادیبان که دردربارملکشاه وسنجر پرورش‌یافته بودند پس‌از واژگونی دربارسلجوقی پراکنده شدند، برخی بخوارزم وبرخی‌ببغداد وبرخی بسلجوقیان‌روم وبرخی بدربار ناصرالدین‌قباچه بهندپناه‌بردند. وبرخی‌مانندناصح جرفادقانی درعراق‌بگوشه‌ئی‌خزیده‌و بگفتهٔ‌خویش‌پاره‌های‌جگر‌خود میخوردند. در(۵۹۲ق)جمال‌الدین الغ‌باربک آی‌ابه با اتابک ازبک همدست‌شده و درعراق درباری‌براه‌انداخت‌ودراین‌هنگام‌است که وزیرابوالقسم‌علی پسرحسن‌پسرمحمد پسر ابوحنیفه به ناصح‌جرفادقانی دستورداد تابسال۶۰۳ق تاریخ یمینی‌را بفارسی گرداند. صاحب ذریعه ترجمهٔ «تاریخ آل‌عباس» را نیز که از مدارک تاریخ نگارستان است باین‌جرفادقانی نسبت داده است (ذریعه ۳ : ۲۵۷).

ناصح جرفادقانی هنگام ترجمهٔ تاریخ یمینی کتابچه‌ئیرا که عتبی درمرثیه امیرنصر پسرناصرالدین‌نگاشته، ترجمه نکرد، ومتن تازی‌آنرا دردنبال ترجمهٔ یمینی نهاد، وپس‌ازآن دنباله‌ئی بفارسی برای کتاب یمینی در (۲۸۰بیت نوشته) بساخت که درهمهٔ نسخه‌های خطی ترجمهٔ یمینی دیده میشود. سال (۱۲۷۲ق) هنگام‌چاپ‌ترجمهٔ‌یمینی‌درتهران این‌دنباله‌را انداختند و کتابچهٔ مرثیه‌را نیز کسی بنام حبیب‌الدین‌محمد پسرعلی‌اصغر جرفادقانی ازتازی بفارسی ترجمه کرد واین ترجمه از (ص۴۴۱) تا (ص ۴۶۰) پایان نسخهٔ چاپی راگرفته است. بهمن میرزا پسرفتحعلیشاه پیشگفتاری برای این‌چاپ‌نگاشته ودرآن گوید من‌ازحبیب‌الدین جرفادقانی خواستارشدم تا نسخهٔ ترجمه یمینی را بادونسخه دیگربرابر وبیاری شرح منینی وفرهنگهای فارسی‌آنرا تصحیح‌نمود وسپس دستور چاپ‌آنرا‌دادم.

آغاز تاریخ یمینی: سزاوارترین چیزی که زبان...

انجام تاریخ یمینی و آغاز کتابچهٔ مرثیه درنسخهٔ دانشگاه (ص ۲۶۸)

چنین است: و جهان از فضل و معالی و مکارم خویش عاطل گذاشت، وعتبی درمرثیهٔ او این رساله انشاء کرده است:

آه من سفرة بغیر إیاب　　آه من حسرة علی الاذیاب

انجام کتابچهٔ مرثیه: ثوابا یحفظ علیهم دینهم ویثقل فی موقف العدل موازینهم. جعلنا من المستعدین لیوم الدین ان حکم الله بقری الجفلی والخلق فیها شرع والآخر للاول تبع.

آغاز دنبالهٔ: چون این ترجمه بآخر رسید طرفی از احوال روزگار وانواع فتنه وتشویشی که درایام فتور وعجائب اتفاقات ... شکل حوادث ایام: درشهور سنهٔ اثنین وثمانین وخمسمایه کواکب هفتگانه را دربرج میزان اجتماع افتاد...

انجام: روزمحشر وعرض اکبر بدان خرم و شادمان باشند انشاءالله تعالی. للذین احسنوا الحسنی... اولئك اصحاب الجنة هم فیها خالدون.

[٢٠٩]

١٣١ نسخهٔ بخط نسخ نزدیك بثلث، معمول سدهٔ هشتم، نویسنده ابن القاضی، درسال ٧٤٥ آنرا نوشته است. شعرها را میان سطر وعنوانها را باشنگرف نوشته است. تصحیح شده و افتادگیها را دوکرانه نوشته است. دوصفحه پیش از کتاب سفید بوده ودر آن یادگارها و تملکها نوشته‌اند مانند [من کتب العبد الداعی عبد العلاء الرفاعی ... ربیع الآخر ٨٤٦] وهمچنین است یك صفحه درپایان کتاب.

(١٣٦ برگ) سه برگ سفید در آغاز وچهار برگ درپایان افزوده شده‌است. کاغذ سمرقندی. جلد تیماج حنائی طوقی افزوده.

اندازه: ١٦/٥ × ٢٤ و ١٤ × ١٨/٥: ٢٣ و ٢١ سطر.

[١٩٣] ترجمهٔ تذکرة الاولیاء (تاریخ عرفانی - عربی)

تذکرة الاولیاء نگارش بنامترین صوفی سدهٔ هفتم ابوحامد یا ابوطالب محمد پسر ابوبکر ابراهیم پسر مصطفی پسر شعبان است که فریدالدین لقب داشته و به عطار نامبردار است. وی که داروفروش نیشابور بود و گویند درآن شهر چندین داروخانه داشته‌است. بپزشکی نیزمیپرداخت وچون بادانشهای کلاسیك

آن روزگار آشنائی داشت ازخشکی مذهبی بدور بود وآزادیخواهی صوفیانه پیش ازمغل دراودیده میشود. نگارشهای عطارهمگی منظوم است بجزاین تذکره که در گزارش زندگی وسخنان عارفان میباشد. درمرك عطار گفته‌ها گوناگون است از (٥٨٩) تا (٦٣٢ق) آورده‌اند. گزارش زندگی عطار درنفحات الانس. ودولتشاه وهفت اقلیم وتقی کاشی ومجالس المؤمنین وسفینة الاولیاء و کشف الظنون آمده است. وآقای محمدقزوینی درپیشگفتار جلدیکم تذکره چاپ لیدن بسال ١٩٠١م بدرازا سخن گفته وبهار درسبك شناسی دربارهٔ سبك نگارش او بسیار گفتگو کرده. وآقای سعیدنفیسی زندگانی اورا کتابی ویژه ساخته است.

چلبی در کشف الظنون گوید یکی ازصوفیان تذکرهٔ عطاررا کوتاه کرده وفقط سخنان صوفیان را گرد آورده وگزارشها را انداخته است و آنرا چنین آغاز کرده: الحمدلله الذی تحیرت فی اوصاف...

شمارهٔ کسانی که درتذکرهٔ عطار یاد شده‌اند: چلبی در کشف الظنون گوید عطار گزارش زندگی هفتاد تن (١) ازصوفیان را آورده، صاحب ذریعه گوید نودوشش (٢) باب دارد ودرهریك سخنان یك تن را آورده. محمد خان قزوینی درپشت نسخهٔ (١٣٧ دانشگاه) بابهای تذکره را ٩٩ دانسته است، ولی متن فارسی نسخهٔ چاپ لیدن ٧٢ باب درمتن کتاب و ٢٥ باب دردنبالهٔ آن دارد (٣) و درهمهٔ کتاب گزارش ٩٧ کس آمده است. و درترجمهٔ عربی نسخهٔ شمارهٔ (١٣٧ دانشگاه) فقط گزارش زندگی وسخنان ٩٢ تن را آورده است.

جای گفتگو ترجمهٔ عربی تذکرة الاولیاء است که ترجمه کننده شناخته نیست. گزارشهای نیمهٔ نخست این کتاب بهمان ترتیب تذکرة الاولیاء میباشد و در نیمهٔ دوم گزارشها را جابجا کرده و متن و دنباله را درهم آورده است. وچنانکه ازبررسی فهرست آن که دردنبال این گفتار آورده‌ام برمیآید بسه گزارش از کتاب و دو گزارش از دنبالهٔ آن انداخته است.

---

(١) شاید چلبی دنبالهٔ تذکره را ندیده است.

(٢) گویا او امام باقر را که آخرین گزارش است بشمار نیاورده است.

(٣) شیخ عطار دردیباچه کتاب فهرست نام هفتادودوتن را یاد کرده و کتاب را بدانها پایان داده است وسپس بخشی بدان افزوده ودرآن ٢٥ کس را یاد کرده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز نسخهٔ دانشگاه افتاده است و آغاز گزارش اویس قرنی چنین است: ذکر اویس القرنی رحمةالله علیه : هواسوةالتابعین و قدوةالاربعین الموصوف بالعرفان المخصوص بما قاله صلی‌الله علیه وسلم : انی لاجد نفس الرحمان ، العبد الیمنی اویس القرنی رضوان‌الله علیه قال النبی علیه السلام اویس القرنی خیرالتابعین. وروی انه صلی‌الله علیه وسلم کان یتوجه الی جانب الیمن و یقول انی لاجد . . .

انجام : ورآه فضل فی المنام بعد مدة من وفاته فقال الشیخ انتم تأکلون خبزالفقراء ولاتعملون باعمالهم. استل‌الله الکریم الوهاب الحکیم ... ان یفیض علی روح الشیخ ابی سعید وعلی ارواح ... وسجال رحمته ورضوانه و یرزقنا بیر کتهم شمة من محبته ... وحسبنا الله و نعم الوکیل والحمدلله وحده وصلی الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین تم الکتاب بعون‌الله وحسن . . .

نسخهٔ این کتابخانه در ۱۳۲۲ بدست آقای قزوینی (م ۱۳۲۸) افتاده و ایشان بخامهٔ خویش درپشت برك سفید پیش از آغاز نسخه آنرا چنین شناسانده‌اند:

ودر صفحهٔ اول این کتاب سطر پنجم اسم سراج‌الدین عمربن علی بن عمرقزوینی برده شده است . و سراج‌الدین عمر مذکور بقول سیوطی در ذیل طبقات الحفاظ ذهبی (چاپ دمشق ص ۳۵۸) درسنهٔ ۷۷۵ وفات نموده است و همچنین است نیز دراعلام خیرالدین زرکلی ص ۷۲۰ ولی بقول محشی کتاب اول در ذیل همان صفحه ۳۵۸ درسنهٔ ۷۴۸ وفات یافته ، پس این کتاب بطور قطع و یقین بعداز سنهٔ ۷۴۸ یا ۷۷۵ تألیف شده است . وازمقایسهٔ اجمالی این کتاب با تذکرةالاولیاء شیخ عطار قطع و یقین حاصل میشود که این کتاب ترجمه ایست ملخص مانند ازتذکرةالاولیاء بعربی با حذف هشت(۱) ترجمهٔ حال از تذکرةالاولیاء که ازجمله ترجمهٔ حسین‌بن منصور حلاج است . مجموع تراجم احوال تذکرةالاولیاء باضمیمه‌اش که بعدها عطار افزوده است ۹۹(۲) ترجمه حال است ودر کتاب حاضر فقط ۹۱ (نود و یك) ترجمهٔ حال موجوداست(و بقیهٔ ترجمه حال حضرت امام جعفرصادق(ع) که در صفحه اول

(۱)و(۲) این اشتباه ازقزوینی است چه عطار ۷۲ تن را در تذکرةالاولیاء و ۲۵ تن را در دنباله‌اش آورده و همهٔ آنها ۹۷ کس هستند و گرداننده بعربی فقط پنج کس را انداخته است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

این کتاب باقی مانده وقسمت اولش ازاول کتاب افتاده است جزواین ۹۱ ترجمه احوال است) تذکرةالاولیاء از امام جعفرصادق (ع) شروع کرده وسپس اویس قرنی و بابوسعید ابوالخیر ختم نموده است . ونسخهٔ حاضر نیز بعینه همین کار را کرده است بی کم و زیاد و علاوه براین بسیاری از مواضع دو کتاب را (یعنی کتاب حاضررا باتذکرةالاولیاء عطار) که باهم مقایسه کردم هردو کتاب ازجمیع جزئیات ودقایق باهم یکی هستند جزاینکه درترجمهٔ عربی بعضی اقوال و کلمات مشایخ را انداخته است و تااندازه متمایل باختصار است گفتیم که هشت(۱) ترجمه حال را هم مترجم عربی حذف کرده که ازجمله ترجمه حلاج است، وازمقایسهٔ دقیق دو کتاب بایکدیگر که درسرفرصت باید بشود معلوم خواهد شد که آن هشت ترجمهٔ دیگر که انداخته کدامها هستند . و کتبه محمدبن عبدالوهاب القزوینی فی ۲ دی ۱۳۲۲ شمسیه بطهران.

فهرست ترجمهٔ عربی تذکرةالاولیاء ومتن فارسی چاپ لیدن درستونهای زیر برابر دیده میشود:

شمارهٔ خطی	نام	صفحهٔ خطی	شمارهٔ چاپی	صفحهٔ چاپی
۱	جعفرصادق	—	۱	۹
۲	اویس قرنی	۱	۲	۱۵
۳	حسن بصری	۵	۳	۲٤
٤	مالك دینار	۱۳	٤	٤۰
٥	محمدبن واسع	۱۷	٥	٤۸
٦	حبیب عجمی	۱۸	٦	٤۹
۷	ابوحازم مکی	۲۲	۷	٥٦
۸	عتبهٔ غلام	۲۲	۸	٥۷
۹	رابعهٔ عدویه	۲۳	۹	٥۹

(۱) با دیدن فهرست آشکار میشود که فقط پنج تن افتاده است نه ۸ تن .

شمارهٔ خطی	نام	صفحهٔ خطی	شمارهٔ چاپی	صفحهٔ چاپی
۱۰	فضیل عیاض	۳۳	۱۰	۷٤
۱۱	ابراهیم ادهم	۳۹	۱۱	۸۵
۱۲	بشرحافی	۵۰	۱۲	۱۰٦
۱۳	ذوالنون مصری	۵۳	۱۳	۱۱٤
۱٤	بایزید	٦۲	۱٤	۱۳٤
۱۵	عبدالله مبارك	۸۳	۱۵	۱۷۹
۱٦	سفیان ثوری	۸۸	۱٦	۱۸۸
۱۷	شقیق بلخی	۹۳	۱۷	۱۹٦
۱۸	ابوحنیفه	۹٦	۱۸	۲۰۲
۱۹	شافعی	۱۰۰	۱۹	۲۰۹
۲۰	احمد حنبل	۱۰٤	۲۰	۲۱٤
۲۱	داودطائی	۱۰۷	۲۱	۲۱۹
۲۲	حارث محاسبی	۱۰۹	۲۲	۲۲۵
۲۳	عبدالرحمن دارائی	۱۱۱	۲۳	۲۲۹
۲٤	محمد سماك	۱۱۵	۲٤	۲۳٦
۲۵	محمد پسر اسلم طوسی	۱۱٦	۲۵	۲۳۸
۲٦	احمد حرب	۱۱۷	۲٦	۲٤۰
۲۷	حاتم اصم	۱۱۹	۲۷	۲٤٤
۲۸	سهل تستری	۱۲۳	۲۸	۲۵۱
۲۹	معروف کرخی	۱۳۱	۲۹	۲٦۹
۳۰	سری سقطی	۱۳۳	۳۰	۲۷٤
۳۱	فتح موصلی	۱۳۸	۳۱	۲۸٤
۳۲	احمد حواری	۱۳۹	۳۲	۲۸٦
۳۳	احمد خضرویه	۱٤۰	۳۳	۲۸۸
۳٤	ابوتراب نخشبی	۱٤۳	۳٤	۲۹٤
۳۵	یحیی رازی	۱٤٤	۳۵	۲۹۸
۳٦	شاه شجاع	۱۵۰	۳٦	۳۱۲
۳۷	یوسف بن حسین	۱۵۲	۳۷	۳۱٦

شمارهٔ خطی	نام	صفحهٔ خطی	شمارهٔ چاپی	صفحهٔ چاپی
۳۸	عمروخداد	۱۵٤	۳۸	۳۲۲
۳۹	حمدون قصار	۱۵۷	۳۹	۳۳۱
٤۰	منصور عماد	۱۵۹	٤۰	۳۳۵

جلد اول متن فارسی چاپ لیدن دراینجا پایان یافته است .

شمارهٔ خطی	نام	صفحهٔ خطی	شمارهٔ چاپی	صفحهٔ چاپی
٤۱	احمد انطاکی	۱٦۰	٤۱	۱
٤۲	عبدالله خبیق	۱٦۲	٤۲	۳
٤۳	جنید بغدادی	۱٦۳	٤۳	۵
٤٤	عمروعثمان مکی	۱۷۵	٤٤	۳٦
٤۵	بوسعید خراز	۱۷٦	٤۵	٤۱
٤٦	ابوالحسین نوری	۱۷۸	٤٦	٤٦
٤۷	ابوعثمان حیری	۱۸۳	٤۷	۵۵
٤۸	عبدالله جلا	۱۸۵	٤۸	٦۳
٤۹	ابومحمد رویم	۱۸٦	٤۹	٦٤
۵۰	ابن عطاء	۱۸۸	۵۰	٦۷
۵۱	سمنون محب	۱۹۱	۵٤	۸۲
۵۲	مرتعش	۱۹۳	۵۵	۸۵
۵۳	خیرالنساج	۱۹٤	٦٤	۱۱۱
۵٤	ابوبکر کتانی	۱۹۵	٦۹	۱۱۹
۵۵	ابراهیم خواص	۱۹۸	۷۳	۱٤۸
۵٦	ممشاد دینوری	۲۰۳	۷٤	۱۵۷
۵۷	ابوبکرشبلی	۲۰٤	۷۵	۱٦۰
۵۸	ابونصرسراج	۲۱۵	۷٦	۱۸۲
۵۹	ابوالعباس قصار	۲۱٦	۷۷	۱۸٤
٦۰	ابوعلی دقاق	۲۱۷	۷۸	۱۸۷
٦۱	ابوالحسن خرقانی	۲۱۷	۷۹	۲۰۱

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

شمارهٔ خطی	نام	صفحهٔ خطی	شمارهٔ چاپی	صفحهٔ چاپی
۶۲	ابراهیم رقی	۲۴۰	۵۱	۷۵
۶۳	یوسف اسباط	۲۴۰	۵۲	۷۶
۶۴	ابویعقوب نهرجوری	۲۴۲	۵۳	۷۹
۶۵	محمدبن علی ترمذی	۲۴۳	۵۸	۹۱
۶۶	ابوبکر وراق	۲۴۷	۶۱	۱۰۲
۶۷	عبدالله منازل	۲۵۰	۶۲	۱۰۷
۶۸	علی بن سهل اصفهانی	۲۵۱	۶۳	۱۱۰
۶۹	ابوالخیراقطع	۲۵۲	۵۹	۹۹
۷۰	ابوحمزهٔ خراسانی	۲۵۳	۶۵	۱۱۳
۷۱	احمد مسروق	۲۵۴	۶۶	۱۱۵
۷۲	شیخ عبدالله مغربی	۲۵۵	۶۷	۱۱۶
۷۳	عبداللهروعدی (تروغبذی)	۲۵۵	۶۰	۱۰۱
۷۴	ابوعلی جرجانی (جوزجانی)	۲۵۶	۶۸	۱۱۸
۷۵	بوعبدالله خفیف	۲۵۷	۷۰	۱۲۴
۷۶	احمدبن محمدجریری	۲۶۱	۷۱	۱۳۲
۷۷	ابراهیم بن شیبان قرمسینی	۲۶۲	۸۰	۲۵۵
۷۸	بوبکرصیدلانی	۲۶۳	۸۱	۲۵۷
۷۹	ابوحمزهٔ بغدادی	۲۶۴	۸۲	۲۵۹
۸۰	ابوعمروبن برید (نجید)	۲۶۵	۸۳	۲۶۲
۸۱	ابوالحسن علی دینوری	۲۶۶	۸۴	۲۶۴
۸۲	ابوبکر واسطی	۲۶۷	۸۵	۲۶۵
۸۳	بوعلی ثقفی	۲۷۵	۸۶	۲۸۱
۸۴	بوعلی فارمدی (شیخ جعفرخلدی)	۲۷۶	۸۷	۲۸۳
۸۵	بوعلی رودباری	۲۷۷	۸۸	۲۸۵
۸۶	بوالحسن علی حصری	۲۷۹	۸۹	۲۸۸
۸۷	ابراهیم شهریار کازرونی	۲۸۱	۹۰	۲۹۱
۸۸	ابوالعباس سیاری	۲۸۳	۹۰	۳۰۴

شمارهٔ خطی	نام	صفحهٔ خطی	شمارهٔ چاپی	صفحهٔ چاپی
۸۹	سعیدسلام (بوعثمان) مغربی	۲۸۴	۹۲	۳۰۶
۹۰	ابوالقاسم ابراهیم نصرآبادی	۲۸۸	۹۳	۳۱۱
۹۱	ابوالعباس نهاوندی	۲۹۱	۹۴	۳۱۹
۹۲	ابوسعید ابوالخیر	۲۹۲	۹۵	۳۲۲

در ترجمهٔ عربی نسخهٔ (۳۳۷) دانشگاه گزارش زندگی پنج تن زیر را که در جلد دوم متن فارسی چاپ لیدن آمده‌اند انداخته است.

شمارهٔ چاپی	نام	صفحهٔ چاپی		
۵۶	محمد فضل	۸۷		
۵۷	بوشنجی	۸۹		
۷۲	حسین منصور حلاج	۱۳۵		
۹۶	ابوالفضل حسن	۳۳۷		
۹۷	امام محمد باقر	۳۳۹		

[۲۱۰]

۳۳۷ نسخه بخط نسخ، نویسنده محمود پسر شیخ اسماعیل پسر ابراهیم درذی‌حجه سال ۸۶۹ بپایان یافته. عنوانها با شنگرف است. تصحیح شده. در بالای صفحه‌ها نام گزارشها بخامهٔ شیخ بهائی (م ۱۰۳۱ ق) دیده میشود؛ در پایان کتاب در ص ۳۲۵ نیز امضای بزرگ و معروف این شیخ دیده میشود. در گ ۱ ر ص ۱۵۳ تملک ابراهیم لیث حسینی نجفی در ۲۲ رجب ۹۷۵ ق هست. در پایین ص ۳۲۴ نیز تملکی بتاریخ ۹۹۳ ق دیده میشود در کنار برخی صفحه‌ها واژهٔ «تذکرة الاولیاء» بخامه درشت نوشته شده ودر بیشتر صفحه‌ها واژهٔ وقف و وقف عام نوشته شده است.

(۳۲۵ صفحه) کاغذ سمرقندی اخذی. جلد مقوائی اه لیماج میاه قریوزه.
اندازه: ۱۸×۲۷ و ۱۵×۲۲، ۲۹ و ۳۰ سطر

[۱۹۴] تعلیقات بهبهانی (رجال - عربی)

بر منهج المقال استرآبادی

در پایان سدهٔ دوازدهم کتاب «منهج المقال» استرآبادی بنامترین کتابهای راوی شناسی بود، و به «کتاب الرجال» نامبردار بود، و از این روی آقا باقر بهبهانی که آنرا بررسی میکرد، پژوهشهای خویش را بنام «تعلیقات» بر کرانه آن نوشت و سپس آنها را جدا کتابی بترتیب منهج المقال ساخت، و یك پیشگفتار در پنج فائده برای آن فراهم کرد.

۱- نیاز بدانستن زندگی راویان.

۲- گزارش اصطلاحهای این دانش.

۳- نشانهای درستی و استواری راوی.

۴- اصطلاحهای این کتاب.

۵- کلید و راهنمای این کتاب.

آغاز: الحمد لله رب العالمین ... و بعد فیقول الاقل ...

نگارنده: محمد باقر پسر محمد اکمل معروف به «وحید» و آقا باقر بهبهانی از دانشمندان بنام پایان سدهٔ دوازده و آغاز سیزدهم میباشد. وی در اصفهان بسال ۱۱۱۷ق بزاد و مدتی در بهبهان و کربلا میزیست و در پایان در کربلا بسال ۱۲۰۶ق در گذشت و در رواق زیارتگاه حضرت حسین بن علی بخاکش سپردند. گزارش زندگیش در روضات الجنات ص ۱۲۳ آمده است. فرزندان نگارنده تا کنون در کرمانشاه و تهران و دیگر شهرها بنام «آل آقا» شناخته میشوند.

این کتاب در تهران در ۱۳۰۶ق در دفتری چاپ شده پنج فائده در آغاز دفتر است و سپس منهج المقال آغاز شده و باقی این کتاب را در کرانه نوشته‌اند و پس از آن منظومهٔ بحر العلوم است تا ص ۴۰۲ و پس از آنها کتاب «امل الامل» که در (ص ۵۰۵) یاد شد چاپ شده است.

بر تعلیقات بهبهانی، بویژه بر پنج فائدهٔ آغاز کتاب، حاشیه‌ها و شرحها نگاشته

شده و سه‌تای آنها در (ج ۶ ذریعه ص ۳۹ و ۴۰) یاد شده است.

[۲۱۱]

۵۰۸ نسخه بخط نسخ با شرح مشیخهٔ من لا یحضره الفقیه در یك جلد جا گرفته و برگهای (۱- تا ۲۰۰) آنرا گرفته است. در پایان تعلیقات (گ ۲۰۰- الف) تاریخ (۱۲۸۴ ق) دیده میشود که (۲=دویست) از آن پاك شده و (۱۸۴) خوانده میشود.

در عنوانها «واژهٔ «قوله» و نامها با شنگرف است و روی دیگران خط شنگرفی کشیده است: فهرست کتاب در برگ (۱- الف) بخط من دیده میشود.

همهٔ دفتر (۴۴۰ برگ) این کتاب (۲۰۰ برگ) کاغذ فرنگی سفید آهار مهره. جلد تیماج سرخ فشاری، درون کاغذ آبی. اندازه: ۳۱×۲۰/۵ و ۹/۵×۱۹: ۲۱ سطر.

[۲۱۲]

۵۰۹ این نسخه فقط پنج فائده آغاز کتاب است و در دفتری جا دارد و برگهای (۷۱ تا ۹۱) آنرا گرفته - خط نسخ. نویسنده مهدی پسر عبدالمراد. در ۱۲۱۶ق آنرا بپایان رسانیده است.

روی عنوانها خط شنگرفی کشیده و برخی عنوانها را سفید گذارده و در کرانه نوشته است.

همهٔ دفتر ۱۷۸ برگ این کتاب ۲۰ برگ. کاغذ فرنگی نخودی رنگ. اندازه: ۱۵×۲۱ و ۹×۱۵: ۲۱ سطر.

[۱۹۵] تکملة نقد الرجال (رجال - عربی)

«نقد الرجال» در راوی شناسی نگارش میرسید مصطفی (م ۱۰۲۱ ق) پسر حسین حسینی تفرشی شاگرد ملاعبدالله شوشتری است. این کتاب بگفتهٔ امل الآمل مدتها یگانه کتاب رجال بوده است و از دانشمندان پس از سدهٔ پنجم کمتر در آن یاد شده است نقد الرجال در تهران چاپ شده است. بر این کتاب حاشیه و شرحها نگاشته شده که هفت تای آنها در (ذریعه ۶: ۲۲۷-۲۲۸) آمده است.

یکی از آن حاشیه‌ها کتاب جای گفتگو میباشد و نگارنده آنرا در دیباچه «تکملة نقد الرجال» نامیده گوید پس از بررسی کتابهای بسیار یادداشتهائی در بارهٔ نقد الرجال فراهم کردم و سپس آنها را گرد کرده بدین صورت در آوردم. صاحب

ذریعه نسخه‌یی از این کتاب بخامهٔ پسر نگارنده، شیخ محمد جعفر در کتابخانهٔ تهرانی در کربلا دیده است که در کرانه آن گزارش زندگی پدر را نوشته بوده و این دو بیتی در ستایش کتاب آورده:

لله درك من كتاب ناقد — يكسو الرواية نقده توضيحاً
كشفت بحجته و فصل خطابه — كنه الرواة معدلا مجروحاً

آغاز: (۱) الحمدلله الذی رفع قدر العلماء وفضل مدادهم علی دماء الشهداء...

انجام: الا ان ابراهیم ما صرح بتوثیقه وخبره قد یسمی بالصحیح، ویمکن تصحیحه من « ست » بطریق آخر فافهم. تم وبالخیر عم.

نگارنده: شیخ عبدالنبی پسر حاج علی پسر احمد پسر جواد کلیددار زیارتگاه کاظمین است، خاندان او از مدینه بوده و در جبل عامل میزیستند، خود در کاظمین در پیرامون (۱۱۹۸ ق) براده و بر سید عبدالله شبر دانش آموخت، گزارش زندگی خویش در تکملهٔ نقد الرجال (۲) آورده و نگارشهای خویش چنین برشمرده است: « مطاعن الثلاثة » و « تحفة المسافرین » و « رد الاخباریة » و « شرح قواعد العلامة » و « العقود المنثورة » و « فصل الخطاب » و « توضیح خلاصة الحساب » و « مختصر الاقبال » و « شرح المنظومه ».

مرگ او چنانکه صاحب ذریعه (۳) بخامهٔ پسرش در حاشیه نسخه‌یی از نقد الرجال دیده در « جوبا » از دیه‌های بشاره از جبل عامل در پنجم ذیقعده (۱۲۵٦ ق) بوده است.

[۲۱۳]

٩٨٣ نسخه بخط نسخ. نام نویسنده ندارد. در تاریخ ۱۳ ج ۱ سال ۱۲٤۱ ق نوشتن آن بپایان رسیده است.
عنوانها با شنگرف است. افتادگیها در کرانه بخامهٔ دیگری نوشته شده است
(۲۳۳ برگ). کاغذ فرنگی نخود آهارمهره شده. جلد تیماج مشکی نه سرخ.
اندازه: ۱۵ × ۲۰/٥: ۲۲ سطر.

(۱) آغاز نسخهٔ دانشگاه افتاده است؛ آغاز آنچه هست: علیه و توقف الاستدلال لدیه وقد جمعت احوالهم واعوزت. (۲) گ ۱۲۰ و ۱۲۱ نسخهٔ ۹۸۳ دانشگاه دیده شود.
(۳) ذریعه ج ۱ ص ۳۵۵ و ج ٤ ص ٤۱۷.

[۱۹٦] **تلخیص المقال** (رجال - عربی)

فی تحقیق احوال الرجال

چنانکه در (حرف - م) خواهد آمد میرزا محمد رجال استرآبادی پسر علی پسر ابراهیم حسینی (م - ۱۰۲۸) سه کتاب در رجال دارد:

۱- بزرگ بنام « منهج المقال ».
۲- میانه بنام « تلخیص المقال ».
۳- کوچک بنام الوجیز.

وی مانند بیشتر راوی شناسان راویان را بترتیب حرف آغاز نامشان بسیجیده و در پایان کتاب بخشهائی برای کنیه‌ها و لقبها و خاتمه‌یی در ده فائده ساخته و در دهم جمادی دوم سال ۹۸۸ نگارش آن پایان یافته و خود بر آن حاشیهٔ (منه) نگاشته است.

آغاز: الحمدلله وسلام علی عباده الذین اصطفی. اما بعد فهذا کتاب تلخیص المقال فی تحقیق احوال الرجال قد اثبت فیه...

انجام: وعنه ماذکره الی المشایخ قدس الله ارواحهم وجزاهم عن الاسلام واهله... وفرغ منه مؤلفه...

صاحب ذریعه گوید نسخهٔ تلخیص بخامهٔ شیخ عبدعلی عاملی در (۱۰۱۵ ق) در کتابخانهٔ تهرانی بکربلا هست و بر آن اجازهٔ نگارنده بخامهٔ خود او دیده میشود.

در دیباچه نام کتاب را چنانکه گذشت آورده و (۱) در ذریعه آنرا « تلخیص الاقوال فی معرفة الرجال » نامیده و شاید در نسخه کربلا چنین بوده است.

نشانه‌ها (۲) که وی در این کتاب بکار برده در دیباچه چنین یاد کرده است: *

صه = خلاصة الاقوال علامهٔ حلی. جش = رجال نجاشی
ست = فهرست طوسی (م ٤٦۰ ق). کش = اختیار الرجال کشی.

(۱) و در دیباچهٔ « جامع الرواة » که مانند شرح این کتاب است نیز چنین آمده است.
(۲) برای شناختن نشانهای راوی شناسی که نخستین بار در رجال ابن داود بکار رفته است کتاب جامع الرواة و رجال ابن داود در این فهرست (ص ٥٥٤) دیده شود.

جخ = رجال شیخ طوسی.
ی = یاران علی از آن کتاب.
سین = یاران حسین
قر = یاران باقر.
ظم = یاران موسی کاظم.
ج = یاران جواد.
ری = یاران عسکری.
قی = کتاب برقی.
م = ابن شهرآشوب.
غض = رجال ابن غضائری.
یه = من لایحضره الفقیه.

ل = باب یاران رسول از رجال شیخ
ن = یاران حسن
ین = یاران علی بن الحسین.
ق = یاران صادق.
ضا = یاران علی بن موسی الرضا.
دی = یاران هادی
لم = کسانی که روایتی ندارند.
د = رجال ابن داود
عق = رجال عقیقی
صح = ایضاح الاشتباه علامه.

[۲۱٤]

۹۹۱ نسخه بخط نسخ، نویسنده محمد حسین پسر قطب‌الدین، نوشتن آن در هفتم رجب ۱۰۸۹ ق پایان یافته است. حاشیه‌های (منه) بسیار دارد. عنوانها با شنگرف است. تصحیح شده و افتادگیها در کرانه نوشته شده است. همهٔ رویه‌ها با لاژورد وشنگرف جدول‌بندی شده است.

دربرگ ۱ــ الف تملك امامقلی مازندرانی ذاکرالحسین دیده میشود.

(۳۳۰برگ)کاغذ ترمهٔ اصفهانی، جلد مقوائی با تیماج مشکی.

اندازه: ۱۴×۱۸ و ۷×۱۲/۵: ۱۷ سطر.

[۱۹۷] توضیح الاشتباه والاشکال (رجال - عربی)

فی تصحیح الاسماء والنسب والالقاب من الرجال

شیخ محمد علی پسر محمد رضا ساروی مازندرانی از دانشمندان پایان سدهٔ دوازدهم بوده و بفاضل ساروی نامبردار است. گزارش زندگی او در روضات الجنات ص ۵٦۰ دیده میشود.

وی این کتاب را به‌پیروی از علامه حلی در ایضاح الاشتباه(۱) نگاشته و نوبرابر آن ساخته است که پیرامن (۳۰۰۰ بیت نوشته دارد) ودر آن چگونگی بزبان راندن واژهٔ نامها را آورده وانده کی بیشتر از ایضاح در بارهٔ آن گفتگو کرده است. نگارنده خود بر آن حاشیه‌ها نگاشته و آن را در (۱۱۹۳ ق) پایان داده است. صاحب ذریعه چند نسخه از آن نشان میدهد که یکی بخامهٔ نگارنده ودر کتابخانه آقا رضا ابوالمجد در اصفهان بوده است.

آغاز: الحمد لله المحمود المتعال والصلاة والسلام علی افضل الرجال، سیدنا... اما بعد فهذا کتاب توضیح الاشتباه والاشکال... لما رأیت من کثرة التصحیف... باب الالف. آدم بفتح الدال... وهو ثقة...

انجام: فلکم رؤس اموالکم. قال قد رضینا. فلما نزلت «وان کان ذوعسرة فنظرة الی میسرة». قال قد انظرنا. فلما نزلت «وان تصدقوا خیر لکم ان کنتم تعلمون». قال تصدقنا. و فی الخلاصة: ابن عمر من اصحاب امیرالمؤمنین (ع) انصاری ذکر له الشیخ قصة حسنة. هذا آخر ما اوردنا.

[۲۱۵]

۹۸٤ نسخه بخط نسخ، نام نویسنده و تاریخ نوشته نشده است. ولی پیداست که در آغاز سدهٔ سیزدهم نوشته شده. درسال ۱۲۳۰ ق این نسخه با چند کتاب دیگر وقف شده و وقفنامه دربرگ (۱ــ الف) نوشته شده است. عنوانها با شنگرف وچند عنوان پایان کتاب سفید مانده است. حاشیه‌های (منه) بسیار دارد. پیش‌تر این نسخه در کتابخانهٔ مجدالدین بوده ومهر او بر آن باقی است.

(۷۸ برگ)کاغذ فرنگی سفید آهار مهره، جلد تیماج مشکی بالا فرسوده.

اندازه: ۱۵×۲۱: ۱۹ سطر.

[۱۹۸] جامع الرواة (رجال - عربی)

یا «رافع الاشتباهات فی تراجم الرواة وتمیز المشترکات»

دولت صفوی که بدست سران عشایر وبا رنگ مذهبی روی کار آمده بود

(۱) ص ۰۰۰ دیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

همیشه بر دو پایهٔ «اشراف و روحانیون» استوار بود. در پایان سدهٔ یازدهم و آغاز دوازدهم چون اشراف بر دو خورد و جنگها میان خود گرفتار شدند، سررشته کارها در پایتخت بدست روحانیون افتاد و سیاست جای خود را بمذهب داد، شاه و هیئت دولت بجای شرکت در جلسات سیاسی، در مدرسه و مسجدها با آخوندها همگامی میکردند. این پیش آمد با همهٔ زیانها که داشت سودهائی نیز در برداشت. دانشجویان دانشگاه اصفهان زیر سرپرستی مجلسی دوم محمد باقر بگردش و بررسی و پژوهش در تاریخ و حقوق و اخلاق پرداختند، دائرة المعارف مذهبی مانند «بحار الانوار» و کتاب بزرگ راوی شناسی «جامع الرواة» و مانند آنها نمونهٔ کارهای این روزگار است. این کارها اگرچه از پژوهش و دقت و تحقیق تهی بود ولی با تتبع و گردش فراوان فراهم شده و راه را برای پژوهندگان آینده باز کرد، و اگر دولت صفوی سرنگون نمیشد چه بسا کارهای پرمغز و کتابهای سودمندی از دانشگاه اصفهان بیرون می آمد.

جای گفتگو کتاب «جامع الرواة» است. این کتاب نگارش حاج محمد اردبیلی غروی حائری پسر علی اردبیلی است. وی یکی از دانشجویان دانشگاههای اصفهان و شاگرد مجلسی دوم بوده و در ۱۷ ذی‌قعده (۱۰۹۸) از وی اجازه (۱) گرفته است و چنانکه در دیباچهٔ جامع الرواة گوید بیست سال در آن کار کرده و صاحب ذریعه گوید در ۱۱۰۰ ق که این کتاب بپایان رسید نگارنده در یکی از اطاقهای مدرسهٔ مبارکیه میزیسته و در آن هنگام جشنی برپا ساخته و چندین تن از دانشمندان را در آنجا گرد کرده، و برای بزرگداشت این کتاب هریک

(۱) اجازه‌هائیکه مجلسی برای دانشجویان دانشگاههای اصفهان بیرون میداد مانند دیپلمهای امروز دارای پایه‌های گوناگون ولی نامرتب بود، و از متن اجازه درجهٔ و مقام دانش اجازه گیرنده آشکار میشد. صاحب ذریعه گوید از اجازهٔ مجلسی به صاحب جامع الرواة چنین مینماید که در این سال او پیرامون چهل سال عمر داشته و دانشمندی بشمار میرفته است نسخهٔ این اجازه را اردبیلی در پایان کتاب جامع الرواة جای داده و (گ ۵۵۳ و ۵۵۴) نسخهٔ دانشگاه (شمارهٔ ۹۰۰) را گرفته است.

از ایشان جمله‌یی از آغاز کتاب را بخامهٔ خویش نوشتند. پس مجلسی دوم [بسم الله الرحمان الرحیم] را نوشت و محقق خوانساری آقا جمال الدین [الحمدلله] و میرزا علاء الدین گلستانه [النبی] و میرزا محمد رحیم عقیلی [زین قلوبنا] و شیخ جعفر قاضی [بمعرفة الثقات] و آقا رضی الدین برادر آقا جمال [والعدول] ملا محمد سراب تنکابنی [والاثبات والاعیان] و دیگران هریک جمله‌یی نوشتند تا دو سطر پس از بسم الله و آن چنین است: والاصحاء من الرجال، وجنب صدورنا عن طریقة اهواء الضعفاء والقاسطین والاشرار والاخساء منهم والجهال ... و سپس نسخه را بنویسنده دادند تا آنرا پاک نویس کرد. و این کار اهمیتی را که دانشمندان آن روز در بار صفوی باین کتاب و نگارنده آن میدادند روشن میسازد.

دیگر از آثار این مرد «تصحیح الاسانید» است که آن نیز برای راوی شناسان پرارزش است، و حاجی نوری آنرا در خاتمهٔ مستدرک الوسایل چ تهران ۱۳۲۰ ق گنجانده است، و خود حاج محمد اردبیلی نیز آنرا کوتاه کرده و در جامع الرواة گنجانده، و شیخ عبدالله مامقانی نیز همین کوتاه شده را در تنقیح المقال چ نجف ۱۳۵۰ گنجانده است (۱).

وی در دیباچهٔ جامع الرواة گوید: چون دیدم بسیاری از خبر و حدیثهای ما از راویان ناشناس نقل شده و از این روی بی ارزش بشمار رود، بر من گران آمد، و برای اینکه این راویان را بشناسانم، و خبرهاشان پذیرفتنی سازم، بگرد آوری این کتاب پرداختم.

و برای این کار کتابهای چهارگانه (۲) را بررسی و راویان را از میان زنجیره‌های سند روایتها بیرون آورده و سپس کتابهای فهرست طوسی، و فهرست منتجب الدین، و مشیخهٔ نهایه، و تهذیب، و استبصار را در بیست سال بررسی کرده، و در گزارش هر کس زنجیره‌هائی را که نام وی در آنها آمده یاد کرده است. در نگارش این کتاب در آغاز کار، کتاب «تلخیص المقال» استرآبادی را زمینه ساخته، و گفته‌های

(۱) ذریعه ٤ : ٥٦ (۲) کافی، ما من لایحضره، تهذیب، استبصار.

«نقدالرجال» تفرشی را برآن افزوده و سپس گفتار خویش را آورده است. پس نشانه‌هائیرا که استرآبادی بکار برده (۱) او نیز بکارمیبرد، ونشانه‌هائی نیز بترتیب زیر برآنها افزوده است:

مج = محمد استرآبادی (تلخیص) ش = تفرشی (نقدالرجال).

یب = تهذیب شیخ طوسی (م ٤٦٠ ق). بص = استبصار طوسی.

فی = کافی کلینی (م ۳۲۹ ق). جب = فهرست منتجب‌الدین.

سپس متن دیباچهٔ تلخیص‌المقال استرآبادی را آورده و کتاب را بدان آغازیده‌است. وبهمان‌ترتیب بباب نامها وباب کنیتها وباب لقب ونسبها پرداخته ودرپایان دو فایدهٔ استرآبادی را آورده وپس‌ازآنها (گ ٥٥٢ نسخهٔ دانشگاه) فایده‌های پنجم وششم کتاب نقدالرجال را بعنوان: «وقال الفاضل .. المیرمصطفی» آورده .وپس‌ازآن (گ ٥٥٣) اجازه‌ایرا که مجلسی دوم بنگارنده داده آورده و کتاب را بپایان رسانیده است.

سید حسین قزوینی این کتاب را کوتاه کرده و فصل سوم کتاب خویش «معارج‌الاحکام» قرارداده است (۲).

[۲۱٦]

١٥٧ نسخه بخط نستعلیق، نویسنده خودنگارنده حاج ملامحمداردبیلی است، ونسخه اصل است. قلم‌خوردگیها وکاهش و افزایشها که جز از نگارنده نتواند بود درآن بسیار است. درتاریخ شب ۱۹ ربیع یکم سال هزار و صده نوشتن آنرا بپایان رسانیده‌است. عنوانها باشنگرف است، کرانهٔ بیشتررویه‌ها پرازافزوده‌های نگارنده میباشد، و حاشیه‌هائی بامضای (منه عفی‌عنه) نیز دارد. آغاز کتاب دو برگ افتاده ونونویس شده است.

صاحب ذریعه نسخهٔ دیگر ازاین کتاب نشان داده است که تا ۱۳۱۱ ق دراصفهان بوده ودراین تاریخ بنجف بکتابخانهٔ شریعت اصفهانی وازآنجا بکتابخانهٔ صدر ببغداد رفته وتا کنون آنجا است. این نسخه را مرتضی پسر محمد یوسف افشار در ۱۱۰۰ ق بدستور شاه سلیمان از روی خط نگارنده نوشته وچندتن ازدانشمندان برای احترام

---

(۱) ص ٥٤٩ دیده شود.

(۲) الفیض‌القدسی فی ترجمة‌العلامة‌المجلسی ازحاجی نوری (م ۱۳۲۰ ق) ص ١٥.

کتاب، درنوشتن سه سطر آغاز آن همکاری کرده‌اند (ص ٥٥٣ این فهرست دیده شود)

٥٥٤ برگ، کاغذ نخودی‌رنگ، جلد تیماج سرخ تیره، مقوائی فشاری.

اندازه: ۱۹/۴×۲٥/۲ و ۱۰/۸×۱۷/٥؛ ۲۱ سطر.

[۱۹۹] جامع‌المقال (رجال ـ عربی)

گفتگو دربارهٔ واژهٔ نامهای راویان، خود بخش بزرگی ازراوی شناسی میباشد چه بسا دیده میشد که یك راوی سست، دراثر دانسته نبودن نام درست او بجای یك روای استوار آمده، ویا بعکس. وچه بسا همنام بودن یك مرد سست با یك مرد استواراین پیش‌آمد را موجب میگردید، وازاین‌روی راوی شناسان برای هریك ازاین دو بخش کتابها ساختند که بنامهای «المؤتلف والمختلف» و«المتفق والمفترق» خوانده میشد وپسینان آنهارا بنام «مشتبهات» و«مشترکات» خواندند.

بنامترین کسانی که دراین‌باره کار کرده‌اند:

ـ علی پسر محمد پسر قسانبخش. نجاشی در (ص ۱۹۱) چنین کتابی باو نسبت داده است.

ـ ابواحمد عسکری.

ـ عبدالغنی پسر سعید (م ٤۰۹ ق).

ـ دارقطنی (م ۳۸٥ ق).

ـ احمد پسرعلی خطیب (م ٤٦۳ ق).

ـ ابن‌ما کولا، ابونصرعلی‌پسرهبة‌الله (م٤۸۷ق) همهٔ کتابهای پیش‌ازخودرا یکجا گرد آورده، «اکمال» نامید.

ـ ابن‌نقطهٔ حنبلی، محمد پسر عبدالغنی (م٦۲۹ق). دنباله‌ئی برءاکمال» نگاشت.

ـ منصور پسرسلیم (م ٦۷۳ ق) نیز دنبالهٔ دیگر بساخت.

ـ ابومحمد دمشقی پسرعلی (م ٦۸۰ ق) دنبالهٔ دیگر بساخت.

ـ ذهبی (م ۷٤۸ ق) وابن حجر (م ۸٥۲ ق) و یحیی مصری مورخ پسر

علی (م ٤١٦ ق) ومحمد پسر احمد ابی وردی (م ۵۰۷ ق) و ابن فوطی بغدادی (م ۷۲۳ ق) و علی پسر عثمان ماردینی (م ۷۵۰ ق) و ابوبکر احمد خطیب نیز هریك کتابی دراین باره دارند

ـ سید حسین قزوینی (م۱۲۰۸ق) «مشترکات الرجال» دارد.

ـ حجة الاسلام شفتی (م۱۲۶۰ق) «تمییز المشترکات» دارد.

(تاریخ فنون الحدیث. از محمد عبدالعزیز الخولی چ مصر ۱۹۲۱م و مجلهٔ المنارج ۲۲ و مشیخهٔ صاحب ذریعه ص۸ و ۳۰ دیده شود).

دراین فهرست چند کتاب بنام «ایضاح الاشتباه» و «نضد الایضاح» درص ۵۰۱ و «توضیح الاشتباه» درص ۵۰۵ یادشد وهمه دربارهٔ چگونگی درست بزبان راندن نامهای راویان بود، واینك جای گفتگو باب دوازدهم جامع المقال است که دربارهٔ جداشناختن همنامان میباشد.

نگارنده این کتاب شیخ فخرالدین طریحی پسر محمد علی پسر طریح رماحی نجفی (م ۱۰۸۵ ق) از دانشمندان سدهٔ یازدهم است که اندکی دربارهٔ کتاب نزهة الخاطر او در (ج ۱ ص ۲۳۰) این فهرست گفتگو کردم.

وی کتاب جامع المقال را دردوازده باب ساخته ودراینجا گفتگوی ما دربارهٔ باب دوازدهم آنست که نسخهٔ اش دراین کتابخانه هست. یازده باب دیگر این کتاب درخبرشناسی (درایة الحدیث) است وباب دوازدهم درجداشناختن راویان هم نام ازیکدیگر میباشد وآنرا درچندبخش ساخته: یکم همنامان، دوم کسانی که درنام ونام پدر انبازند، سوم هم کنیتان: ۱ـ با واژهٔ (ابو ...)، ۲ـ با واژهٔ (ابن ...)، چهارم انبازان درنسبت. پنجم انبازان درلقب.

صاحب ذریعه گوید نگارش این کتاب درهفتم جمادی یکم سال ۱۰۵۳ق پایان یافته است.

آغاز: (۱) الباب الثانی عشر فی ذکر المهم من اسماء الرجال وطبقاتهم ومایتعلق

نسخهٔ ۱۹۱ دانشکده آغاز ندارد. واین را از روی شرح این کتاب که بنام «مشترکات کاظمی» بشمارهٔ ۹۸۹ خواهد آمد آوردم.

بذلك وفیه فواید. الفائدة الاولی فی استعمال الالفاظ المطلقة من الاسماء المشترکة والمتشابهة والکنی والالقاب وبعض الانساب مماهو مشترك فی الغالب بین من یوثق به وغیره، وهو باب عظیم النفع للمحدث منحصر فی اقسام اربعة. القسم الاول ...

انجام: وطریق الحسین بن زید، وطریق الحارث بن مغیرة. فهذا ما اردنا ایراده من الالفاظ التی یقع فیه التباس علی کثیر من الناس، وفیه کفایة لمن رام الاطلاع علی ... المعصومین الاطیاب الهداة. تم.

چون باب دوازدهم جامع المقال بیش از دیگر بابهای این کتاب سودمند بوده است، آنرا جدا گانه نوشته اندوجدا گانه گزارش نگاشته اند. یکی از شاگردان نگارندهٔ طریحی بنام سید محمد امین کاظمی آنرا گزارشی نگاشته که بنام «مشترکات کاظمی» در (حرف ـ م) خواهد آمد.

[۲۱۷]

۱۹۱ نسخه بخط نسخ. نام نویسنده ندارد. درتاریخ ۲۱ جمادی دوم سال ۱۲۲۵ق پایان یافته. آغاز نسخه یك برك افتاده عنوانها درمتن با شنگرف است ودر کرانه نیز باشنگرف نشان گذاری شده است. تصحیح شده، وافتادهها در کرانه نوشته شده است.

(۹۹ برك) کاغذ آبی فرنگی. جلد تیماج مشکی یك لا.
اندازه ۶×۱۴ و ۱۰×۱۷؛ ۱۷ سطر.

[۲۰۰] جزیرهٔ صاحب الزمان (سفرنامه ـ فارسی)

چند افسانهٔ های مذهبی هست که بصورت سفرنامهها درآمده و بنامهای «جزیرهٔ صاحب الزمان» و «جزیرة الخضراء» یا «جزیرهٔ خضره» و یا «جزیرهٔ اخضره» نامیده شده است، ودرآنها از جزیرههائی گفتگو میکنند که درنقاط اسرارآمیز از کرهٔ زمین واقع شده وصاحب الزمان وفرزندان او برآنها حکومت میکنند.

جزیرة الخضراء از بندرهای معروف اسپانیا است وایشان آنرا «الخضراء»(۱)

---

(۱) Algeciras یاقوت درمعجم البلدان گوید: شاید جزیره دراینجا معنی جز معنی جغرافیائی داشته باشد زیرا که این شهر در کناردریا است وجزیره نیست.

نامند . این شهردژها داشته ورودخانه شیرین و گوارا بنام « نهر عسل » ازمیان آن میگذرد وبرابرشهرجزیره ئیست بنام « ام حکیم » ازجزیرة الخضراء تا جبل طارق شش میل راه است وتااشبیلیه (۱) پنج روزراه وتامالقه (۲) پنج منزل = صد میل راه است ، آنجا نخستین شهریست که از اسپانیا بسال (۹۰ ق) بدست مسلمانان افتاد ، موسی پسر نصیر باطارق ازطرف دولت مروانیان آنرا بگشود وبدست دولت اموی اندلس اداره می شد تا سال ۷۴۳ که بومیان اسپانیول دست عربان را ازآن کوتاه کردند (۳) .

داستان دیده گاههای زیبا وخوش آب وهوای این شهرستان درروزگاریکه بدست عربان بود بخاورمیانه رسیده و زبان بزبان میگردید .

یاقوت پس ازیاد کردن جزیرة الخضراء اسپانیا گوید: یك جزیرة الخضراء نیزدر دریای هند وسرزمین زنگ هست ودر آن دوشهر بنام «متنبی» و «مکنبلو» بوده وهریك راپادشاهی است مستقل وآن دوخودرا ازمهاجرین عرب کوفه میشمارند ...

دوری راه ونبودن رابطه و گذشت زمان این دوجای را که یکی درباختردور و دیگری درجنوب بوده درهم آمیخت ، وبصورت شهرهای غیبی درآورد وداستانهائی را که از آنجاها نقل میشد بصورت افسانه‌های جادوان نمودار کرد .

درسدهٔ پنجم که برخی از نادانان شیعه دنبال جائی برای امام غایب میگشتند ازنام مشهوروجای دوراین شهرها استفاده کرده افسانه‌هاساختند که امام ازستم دولت عباسی بدانجا شده ودولتی پدیدآورده و فرزندان خویش هریك بریکی ازشهرهای جزیرة الخضراء فرمانرواساخته است ، وازین پس برای واژه «جزیرة الخضراء» درادبیات نظم ونثرمذهبی فارسی جائی باز شد .

۱- Séville

۲- Malaga

۳- برای بررسی بیشتردربارهٔ اندلس ودولت اموی آن و تاریخ افتادن آن بدست عربان وبازگشت آن بدست بومیان اسپانیا ، کتاب «الحلل السندسیة» دوجلد چاپ مصر ۱۹۳۶ م نگارش امیرشکیب ارسلان دیده شود .

قاضی نورالله شوشتری (م ۱۰۱۹ ق) درمجلس یکم از مجالس المؤمنین گوید : جزیره خضر جزیره ئیست درسرزمین ولایت بربرمیان دریای اندلس که حضرت صاحب الزمان واولاد اودر آنجامیباشند ... اهل اندلس آنرا جزیرهٔ رفضه (۱) گویند ... وشرح آن قصه را شهید یکم محمدبن مکی ... دربعضی امالی خود تحریرفرموده ، وسید اجل صدرعالی میرشمس الدین اسدالله شوشتری آنرا حسب الاشارت پادشاه درطی رساله که درباب مصلحت غیبت صاحب الزمان نوشته مذکورساخته ... »

کهن ترین جا که نام جزیره هائیکه فرزندان صاحب الزمان در آن فرمانروائی دارند آمده « جمال الاسبوع » سید رضی الدین ابن طاوس (م ۶۶۴ ق) میباشد

کوتاه شدهٔ داستان (۲) جزیرة الخضراء چنین است که: زین الدین مازندرانی برای تجارت بدریای سفید رفته و بجزیرة الخضراء رسیده ، دراین کشور مردی بنام شمس الدین را دیده که آخوند آن دیار بوده وخودرا نائب خاص امام زمان میشمرده ونسب خویش با پنج پشت بآن امام میرسانده . مرد مازندرانی دراندك مدت که نزد او ماند مسئله‌ها از وی آموخت و کتابی که ۹۰ مسئله دربرداشت بنگاشت و «الفوائدالشمسیه» نامیده است . این داستان (۳۵۰ بیت نوشته) دارد .

کارها که دربارهٔ داستان « جزیرة الخضراء » انجام شده است :

- طیبی ، مجدالدین فضل پسریحیی پسرعلی پسرمظفر کوفی کاتب ، شاگرد وزیراربلی علی پسرعیسی (نگارنده کشف الغمة وم۶۹۲ق) این داستان را برای

(۱) درمتن داستان جزیرة الخضراء (بحار ج ۱۳ ص ۱۴۳-۱۴۸) نیز « جزیرة الرفضة » دیده میشود ومدرك آن دانسته نیست ، ولی دمشقی درنخبة الدهر (ص ۲۴۴) چ لایپزیك ۱۹۲۳ م گوید : مردم اندلس درباره شهر « ابن سلیم » گویند : « نه شهر بماند نه مردمش » ودربارهٔ شهر « جزیرة الخضراء » گویند « شهرنیکو است ولی بی مردمش » واین میرساند که ازمردم این شهر دل خوشی نداشته اند .

(۲) بحارالانوار ج ۱۳ ص ۱۴۳-۱۴۸ چ کمپانی .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

نخستین بار روی کاغذ آورده و مجلسی دوم که این کتابچهٔ طیبی را در بحار (۱) آورده میگوید نسخهٔ آن بخط طیبی در کتابخانهٔ غروی در نجف هست . طیبی در این کتاب داستان را از زبان مردی که خود بآن جزیره رفته است در تاریخ (شوال ٦٩٩) شنیده. و این مرد زین الدین علی پسر فاضل مازندرانی یاد شده است .

– کتابی فارسی بنام ترجمهٔ کتاب جزیرة الخضراء درهند چاپ شده است که در دیباچه بنام شاه طهماسب صفوی (۹۳۰ - ۹۸٤ ق) نشان شده و ترجمه بمحقق کرکی (م ۹٤۰ ق) نورالدین علی پسر حسین پسر عبدالعالی نسبت داده شده است . (ذریعه ٤ : ۹۳) .

– میر شمس الدین محمد پسر اسدالله شوشتری این داستان را بدستور شاه طهماسب در کتابی که در بیان مصلحت غیبت امام نگاشته بود گنجانده (مجالس المؤمنین: مجلس یکم : جزیرة الخضراء) .

– سید شبر پسر محمد پسر ثنوان حویزی از نوادگان مشعشعیان خوزستان این داستان را کتابی جدا ساخته است .(ذریعه – ج ٥ ص ۱۰٥) .

کوتاه شدهٔ داستان جزیرهٔ صاحب الزمان : در کتابچهٔ جای گفتگوی چنانستکه داستان را شریف زاهد علوی در کتاب خود بنقل از انباری احمد پسر محمد آورده که او در ماه رمضان سال ٥٤۳ در مجلس وزیر ابن هبیره (۲) بوده و مردی محترم (ناشناس) داستان را در آنجا چنین آورده است : وقتی با پدرم از شهر خود بامیه برای بازرگانی

(۱) بحار الانوار چاپ کمپانی ۱۳۰٥ ق جلد ۱۳ ص ۱٤۳ تا ۱٤۸ .

(۲) ابن هبیره عون الدین مظفر پسر محمد بن هبیرة بن سعد ، از اشراف و مالکین دجیل در عراق بود و پدرش سپاهیگری میکرد . در ٥٤۲ ق نویسندگی دیوان زمام در بغداد بدوسپرده شد و در ٥٥٥ که مقتفی در گذشت مستنجد او را بوزارت باقی گذارد و در (٥٦۰ ق) در گذشت. گویند او را بدست پزشك خود زهر خورانیدند. او شعر هم میسرود و کتابهائی نیز در ادب نگاشته است . گزارش زندگیش در ابن خلکان و دیگر جاها آمده است .

براه دریا رفتیم. پس کشتی سرگردان شد، و ما بجزیره یی پیاده شدیم و پس از راه پیمائی بشهری رسیدیم که « مبارکه » نام داشت و پس از آن شهر « زاهرة » (۱) بود و پادشاه این دو شهر «طاهر پسر صاحب الامر» بود و پس از رو برو شدن باوی و گفتگوی او با یکی از همرهان ما ، روزبهان پسر احمد اهوازی که شافعی بود، این مرد شیعه شد . سپس نام شهرهای دیگر این جزیره چنین آمده است: شهر رایعه که فرمانفرمایش قاسم پسر صاحب الامر و شهر صافیه که فرمانفرمایش ابراهیم پسر صاحب الامر و طلوم که فرمانفرمایش عبدالرحمان پسر صاحب الامر، و عناطیس که فرمانفرمایش قاسم (۲) پسر صاحب الامر است .و سپس گوید و مردم آنجا آشکارا از سه خلیفه پس از پیغمبر بیزاری میجویند. چون داستان بپایان میرسد وزیر ابن هبیره یك یك شنوندگان را سوگند میدهد که تا او زنده است داستان را در جائی بازگو مکنند .

همه داستان در این نسخه (۲۰۰ بیت نوشته) دارد .

سند داستان جزیره صاحب زمان : همهٔ کسانی که دربارهٔ این داستان کاری انجام داده اند ، آنرا از کتاب «تعازی» نگارش شریف زاهد علوی شجری محمد پسر علی (در سدهٔ چهارم) آورده اند، و هم اکنون این داستان در کتاب یاد شده دیده میشود، و صاحب تعازی آنرا با سه واسطه از انباری روایت کرده است (۳) ولی باید دانست که این کتاب پس از سدهٔ ششم و شاید در دورهٔ صفوی ساخته

(۱) زهراء شهریست باندلس (معجم البلدان) و «نخبة الدهر دمشقی» .

(۲) شاید همان قاسم پیشین باشد و شاید دو پسر صاحب الامر قاسم نام داشته اند .

(۳) سه واسطه چنین است : صاحب تعازی از عالم حافظ حجة الاسلام سعید پسر احمد رخنی و او از شیخ مقری خطیر الدین حمزه پسر مسیب پسر حارث در خانه اش در ظفریهٔ بغداد و او از ابوالقاسم پسر ابو عمر و عثمان پسر عبدالباقی پسر احمد دمشقی و او داستانرا در خانهٔ انباری کمال الدین احمد پسر محمد پسر یحیی در بغداد از او شنیده است، و انباری کسی است که در مجلس ابن هبیره بوده و داستان را از زبان قهرمان آن که بجزیره رفته بود، شنیده است .

شده است ، روشن‌تر گوییم : زاهد علوی (۱) همزمان ابوالفرج اصفهانی (م ۳٥٦ ق) وابوالمفضل شیبانی (م ۳۸٥ ق) بوده و هرسه شاگرد ابوالحسن علی پسر عباس بجلی معانی بوده ودرسدهٔ چهارم میزیسته‌اند . درصورتیکه‌در کتاب تعازی داستانهائی یافت شود که درسدهٔ ششم رخ داده است .

و یکی از آنها همین داستان جزیرهٔ صاحب زمانست ، قهرمان این داستان که خود به آن جزیره رفته است درسدهٔ ششم میزیسته و داستان را درمجلس ابن هبیرهٔ وزیر (م ٥٦۰ ق) گزارش داده و شنوندگان آنرا نقل کرده‌اند .

کسانی که داستان « جزیرهٔ صاحب‌الزمان » را آورده‌اند :

ـ «اربعون حدیث» ، از نگارندهٔ ناشناس ، صاحب حدیقة‌الشیعه (۲) پیش از خاتمه گوید دراین کتاب داستان جزیرهٔ صاحب زمان از کتاب تعازی (۳) آورده شده است .

ـ سید نعمة‌الله محدث جزائری (م ۱۰۱۲ ق) درانوار نعمانیه ص ۱٤۸ ج تبریز ۱۳۰۱ ق گوید : رضا علی پسر فتح‌الله کاشانی نیز داستان جزیرهٔ صاحب زمان را از کتاب تعازی نقل کرده است .

(۱) حاجی نوری درخاتمهٔ مستدرک ص ۳۷۰ گوید : گزارش زندگی زاهد علوی درهیچیك از کتابهای راوی شناسی و زندگی گزاری نیامده است . ولی صاحب ذریعه روزگار زندگی او را از روی زنجیرهٔ روایتهای اومعین کرده و در ج ٥ ص ۱۰۷ آورده است .

(۲) کتاب حدیقة‌الشیعه از کتابهای ساختگی روزگار صفوی است که آنرا برای استفاده از خوشنامی مقدس اردبیلی بدو نسبت داده‌اند . ذریعه ج ٦ ص ۳۸٦ و همین فهرست ج ۳ ص ٤۳۲ ص ۲۲ دیده شود .

(۳) کتاب تعازی نیز کتابی ساختگی است ، کسی آنراساخته و به‌شجری زاهد علوی حسینی (محمد پسر علی) از مردان سدهٔ چهارم نسبت داده‌است . و چون این کتاب‌ساز از تاریخ سررشته نداشته داستانهائی که دویست سال پس‌از شجری روی داده دراین کتاب گنجانده و بشجری نسبت‌داده وازاین‌راه ساختگی بودن کتاب خویش را ناداشته نشان داده است .

ـ حاجی میرزا حسین نوری (م ۱۳۲۰ ق) در نجم‌الثاقب ص ۱٥۹ ج ۱۳٤٦ ق و « جنة‌المأوی » و «خاتمهٔ مستدرک ص ۳۷۰» این داستان را از کتاب « السلطان المفرج عن اهل‌الایمان » نگارش سید علی پسر عبدالحمید نیلی (از مردان سدهٔ هشتم که در ص ٤۹۱ یاد شد) نقل کرده است .

ـ نیز همین نوری در خاتمهٔ مستدرک‌الوسائل ص ۳۷۰ ج تهران ۱۳۲۰ ق ، این داستان را بنگارندهٔ تعازی نسبت داده است .

ـ و نیز حاجی نوری درهمانجا گوید : بیاضی زین‌الدین علی پسر یونس عاملی درسدهٔ نهم کوتاه شدهٔ داستان را در « الصراط المستقیم » آورده است .

ـ حاجی نوری ترجمهٔ فارسی آنرا سومین داستان باب هفتم نجم‌الثاقب (۱) که صد داستان دیدار امام زمان را دربردارد ، قرار داده است .

آغاز : شریف زاهد محمدبن علی‌العلوی‌الحسینی در کتاب خود روایت کرده باسناد مرفوع (۲) باحمدبن‌محمدبن‌یحیی‌الانباری که گفت درسنهٔ (٥٤۳) وزیر عالیشان عون‌الدین یحیی بن هبیره درماه رمضان مرا ضیافت ...

انجام : ازخوف اعادی ذراری پیغمبر آخرالزمان جرأت اظهار این راز پنهان ننمودیم ، و هر کدام که یکدیگر را ملاقات میکردیم یکی از ما مبادرت نموده میگفت : مرا تذکر رمضان ، ودیگر جواب که علیك ، تم .

[۲۱۸]

۱٤۹ نسخه بخط نستعلیق دردفتری جای دارد و برگهای ۸۲ـ۹۳ را گرفته . نام نویسنده وتاریخ ندارد ولی کتاب نصایح عبدالوهاب که‌در برگ ٦٤ این دفتر پایان یافته‌تاریخ ربیع یکم ۱۰٦۳ ق دارد . ودردیه خاتون‌آباد اصفهان نوشته شده است ، عنوان بیت و فاصله جمله‌ها و روی آیه‌ها خط شنگرفی کشیده است ، آیه‌های قرآن را با خط نسخ ودرشت نوشته است .

همهٔ دفتر ۱۱۸ برگ ، این کتابچه ۱۲ برگ است ، کاغذ اصفهانی نخدی ، جلد تیماج حنائی فرسوده ، اندازه : ۱۰×۱۹ ؛ ۱۳ سطر .

(۱) نجم‌الثاقب دراحوال امام غائب ج تهران ۱۳٤٦ ق ص ۱٥۹ .

(۲) درنسخهٔ ما سه واسطهٔ میان شریف‌زاهد علوی واحمد انباری را انداخته‌اند ص ٥٦۱ دیده شود .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۲۰۱] حسین بن خالد (رجال – عربی)

این مرد از راویان بنام سدهٔ سوم بوده و نامش درزنجیرهٔ بسیاری از حدیث وخبرها هست ، ازصادق و کاظم ورضا روایت دارد گاهی بلقب صیرفی و گاهی پسرابوالعلاء و گاهی حسین بن خالدبن طهمان خوانده شده حجةالاسلام شفتی(۱) این کتابرا برای جداشناسائی صاحبان این نامها درپنج مبحث که (۱۱۵۰ بیت نوشته)دارد،نگاشته است وبا ۲ کتاب رجالی اودرتهران بسال۱۳۱٤ق چاپ سنگی شده و ص ۸۱ تا ص ۹۸ آنرا گرفته است .

آغاز : ومنه الاعانة للفوز بجنات النعیم . . . .

انجام : عن محمدبن یعقوب الکلینی ومنها فی المجلس الخامس .

[۲۱۹]

۱۹٤ هفتمین کتابچه دفتراست . برگهای۱۱۸تا۱٤۳آنرا گرفته . خط نسخ . عنوانها شنگرفی .

همهٔ دفتر ۲۳۱ برگ . این کتاب ۲۵ برگ . جلد وکاغذ در ص ۴۷۵ یاد شده است .

[۲۰۲] حمادبن عیسی (رجال – عربی)

این مرد، کهمرگ اورا (۲۰۹ ق) نگاشته‌اند،از ابل جهینه از عربان کوفه بوده است . کشی او راچهارمین مرد از دستهٔ دوم اصحاب اجماع(۱)شمرده‌است حجةالاسلام‌شفتی(۲)این کتابرا دربارهٔزندگی اودر(٤۸۰ بیت نوشته)نگاشته‌است این کتاب بسال ۱۳۱٤ ق با ۲۰ کتاب دیگر او در تهران چاپ سنگی شده و از ص۹۸ تا۱۰٦ آنرا گرفته است .

آغاز : الحمدلله رب العالمین حمداً کثیراً فوق حمدالحامدین . . .

انجام : فالظاهران السنین اوالتسعین فی کلامه مجهول علی المثال .

[۲۲۰]

۱۹٤ هشتمین کتابچه دفتراست ، وبرگهای ۱٤۳–۱٥٤ آنرا فراگرفته . خط نسخ . عنوانها شنگرفی است

همهٔ دفتر ۲۳۱ برگ . این کتاب ۱۱ برگ است . کاغذ وجلد درص ۴۷۵ یاد شده است .

(۱) ص ٤۷٤ دیده شود . (۲) ص٤۷۱ دیده شود .

[۲۰۳] خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال (رجال – عربی)

یك کتاب راوی‌شناسی ازعلامهٔ حلی در(ص۵۱۱) یادشد ودر آنجااند کی اززندگی نگارنده نیزسخن راندم . وی دومین کتاب خودرا دراین باره بدین نام نامیده‌است . اواین‌رادردوبخش‌ساخته یکم راویان‌استوارودرستکار که‌خبرشان پذیرفتنی است(۱)دوم نااستواران صاحب روضات ازریاض العلمانقل کرده که علامهٔ حلی«کشف المقال» خویش‌را کوتاه کرده و«خلاصةالاقوال» ساخته، ولی ازخود کتاب چنین برنمی آید ، بلکه علامه همه‌جا تفصیل سخن‌را بکشف‌المقال حوالت میدهد و گویا می خواست چنین کتابی بسازد و دانسته نیست که این کار را کرد یا نه . باری اوخلاصه را درربیع دوم سال۶۹۳ق بپایان رسانده‌است ، و چنانکه از بررسی کتاب بدست میآید نگارنده از کتابهای پنجگانه راوی‌شناسی فقط فهرست ورجال طوسی ورجال نجاشی‌را داشته ومتن رجال کشی‌رانداشته بلکه بواسطهٔ حل‌الاشکال ابن طاوس ازآن استفاده کرده است . او همه جا متن این کتابهارا بدنبالهم، بی آنکه ازآنهانام ببردمیآوردواز این‌روی گاهی جمله‌های

(۱) درص٤۸٤ که اقسام کتابهای راوی‌شناسی را یاد کرده‌ام‌نوید‌دادم که‌فهرست کوتاهی از کسانی که‌فقط راویان استواررا گردآورده‌اندبدنبال‌نام «خلاصةالاقوال» و فهرست کسانی را که فقط راویان نااستوار را گرد آورده‌اند ، دردنبال «الضعفاء» ابن‌غضائری بیاورم . اینك گردآورندگان استوار (ثقات) :

– عجلی (م ۲٦۱ ق) کتاب‌الثقات نگاشت .

– خلیل‌بن شاهین .

– ابوحاتم پسر حبان بستی .

– زین‌الدین قاسم پسرقطلوبغا (۸۷۹ ق) راویان ثقه را که‌درشش کتاب صحیح سنیان از ایشان یاد نشده‌است، گرد آورده، وچهارجلد کتاب ساخته‌است .

– ابن‌داود حسن(ز–٦٤۷ ق) ، نیم یکم کتاب رجال‌خویش‌را به‌استواران ویژه ساخته است .

– علامهٔ حلی (م ۷۲٦ ق) نیم یکم کتاب خلاصه (جای گفتگو) را ویژهٔ آنها ساخته است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

خلاصه در تهران بسال (١٣١١ق) چاپ سنگی برغلط شده، و نسخه‌یی از آن که در (٧١٥ق) برنگارنده‌اش خوانده شده در کتابخانهٔ (صدر) بغداد هست.

آغاز: الحمدلله مرشد عباده الی سبیل السداد...

انجام بخش یکم: ابواسحاق یروی عنه. فهذا ما اردت اثباته... وبه یتم القسم الاول من خلاصة الاقوال و یتلوه القسم الثانی فی المجروحین و من اتوقف فی حدیثه والحمد...

انجام: والباقی من الروایات الی هؤلاء المشایخ والی غیرهم مذکور



(٢٧) برگ ١٢٢ ـ الف پایان خلاصهٔ علامه شمارهٔ ٩٩٠ ودرپایین اجازهٔ حسین پسر کمال الدین الابرزـ که در (سلافة العصر ـ ص٥٤٥) یاد شده ـ برای عبدالعالی حویزی دیده میشود

مکرر در آن دیده میشود. گویا او این کتاب را نیز (١) بدست شاگردان و نویسندگان خود فراهم کرده است، و از این روی پر از نادرستیها شده است، و برخی این نادرستیها را نتیجهٔ شتابزدگی او در نگارش دانسته‌اند.

ترتیب خلاصه نیز درست نیست و چند کس آنرا مرتب ساخته‌اند:

ـ میرزا حیدرعلی نوادهٔ مجلسی نهایة الآمال را نگاشته و نسخهٔ آن بشمارهٔ ٩٨٧ در این کتابخانه هست و در (حرف ـ ن) خواهد آمد.

ـ ملاعزیزالله پسر مجلسی یکم و برادر مجلسی دوم و (م ١٠٧٤ ق) وی نیز آنرا مرتب ساخته است. (ذریعه ٤ : ٦٥).

ـ طریحی فخرالدین (م ١٠٨٥ق) نیز آنرا بسیج داده است (ذریعه ٤ : ٦٥).

کسان زیر نیز برخلاصه حاشیه نگاشته‌اند:

ـ عزالدین حسین جبعی (م ٩١٤ ق) پدر شیخ بهائی.

ـ شهید دوم (م٩٦٦ ق) نیز آنرا حاشیه نگاشته (امل الآمل) و شیخ عبدالحسین بغدادی (م ١٣٦٥ ق) این حاشیه را گردآوری کرده است (ذریعه ٦ : ٨٢).

ـ شیخ سلیمان ماحوزی (م ١١٢١ق).

ـ نیلی که در (ص ٤٩١ و ٥٦٣) یاد شد.

ـ سید ماجد بحرینی (م ١٠٢٨ ق).

ـ شیخ محمد سبط (م ١٠٣٠ ق) پسر حسن پسر شهید دوم.

ـ شیخ بهائی (م ١٠٣١ ق).

ـ صاحب «مدارك» سید محمد پسر علی عاملی.

ـ شیخ مساعد حویزی (همزمان شیخ حر، م ١١٠٤ ق).

ـ لطفعلی صدرالافاضل (م ١٣٥٠ق) نیز دنباله‌یی برای خلاصه نگاشت که اکنون نزد فرزندش (مجدالدین) در تهران هست.

(١) چنانکه در ص ٥١٣ گفتم، علامه بسیاری از کارهای خویش را بدست کارمندانی که در بار مغل زیر دست او گذارده بود انجام میداد.

فی کتابنا الکبیر ، من اراده وقف علیه هناك . والحمدلله وحده . فرغ المصنف من تصنیفه‌وره ثالث عشر ربیع الآخر سنة ثلاث وتسعین وستمایة من هجرة الرسول .

[۲۲۱]

در دفتری جا داده که در ص ٥٠٠ و ٥١٤ یاد شد و گ ۱ تا ۱۲۲ آنرا گرفته است .

۹۹۵ نسخه بخط نسخ . نویسنده تصار پسر محمد حویزی است . در ۱۹ ربیع یکم (۱۰۲۰ ق) بخش یکم ، و در نیمهٔ روز آدینه بیست و هشتم ربیع یکم سال (۱۰۲۰ ق) بخش دوم آنرا بپایان رسانیده است . عنوان نامها با شنگرف است و عنوانهای دیگر برخی با خامهٔ درشت سیاه است و روی برخی خطی شنگرفی کشیده است .

بخش یکم در گ ۸۳ و بخش دوم در گ ۱۲۲ پایان یافته است . خود نویسنده این نسخه را باسه نسخه برابر و تصحیح کرده و در کرانهٔ گ ۱۲۲ ــ الف بآن اشارت دارد . سپس بسال (۱۰٤۹ ق) عبدالعالی پسر محمد پسر علی پسر ناصر جزایری این کتابرا برحسین پسر کمال‌الدین الابرز حسینی حلی خوانده و اجازهٔ روایت بخامهٔ اجازهٔ دهنده در کرانهٔ گ ۸۳ ـ الف و ۱۲۲ ــ الف دیده میشود ، و تاریخ آن ۲۷ رجب (۱۰٤۹ ق) . میباشد ، و گزارش آن در صفحهٔ پیش دیده میشود . گزارش زندگی این مرد در سلافةالعصر ص ٥٤٥ و دیوان وی در جلد نهم ذریعه آمده است .

حاشیه‌های بسیار با مضاهای (کش ، م ، د ، ۱۲ ، ع ، ، بعضه ، بخط فخرالدین ، ایضاح ، ن ، زی) دارد .

۳۵ همهٔ دفتر (۲۱۸ برگ) این کتاب ۱۱۲ برگ ، کاغذ نخدی رنگ ، جلد تیماج سرخ زرکوب فرسوده ، اندازه : ۱۳×۱۹ و ٦×۱۳ : ۲۴ سطر .

[۲۰٤] **الدر المسلوك** (تاریخ ــ عربی)

فی احوال الانبیاء والاوصیاء والخلفاء والملوك

نگارنده : احمد پسر حسن پسر علی پسر حسین حر عاملی برادر کوچك شیخ حر عاملی (۱) میباشد . خاندان او خود را از فرزندان حر پسر یزید ریاحی کشته

(۱) شیخ حر نگارندهٔ امل‌الآمل است که در ص ٥٠٥ یاد شد وی در ۸ رجب ۱۰۳۳ ق بزاده است .

کربلامی شمرند . وی بسال (۱۰٤۱ ق) بزاده (۱) و در (۱۰۷۰ ق) بعراق آمده و سال بعد بمکه رفته و در (۱۰۸٤ ق) بمشهد آمده و سکنی گزیده است ، و بسال (۱۰۹٤ ق) هنگامیکه پنجاه و سه سال داشت نوشتن یك نسخه از این کتاب را بپایان رسانید . وی پس از مرگ برادر بزرگتر خود شیخ حر در (۱۱۰٤ ق) چندی شیخ‌الاسلامی مشهد خراسان داشته ، و در (۱۱۱٥ ق) بدستور شاه سلطان حسین صفوی باصفهان رفته و تا (۱۱۲۰ ق) زنده بوده است (۲) .

در اینجا یادآور شود که دوتن بنام احمد پسر حسن حر هستند : یکی برادر شیخ حر صاحب وسایل ، و دیگری خواهرزادهٔ اواست ، و هر دو در امل‌الآمل (۳) یاد شده اند . و صاحب اعیان الشیعه در ج ۷ ص ٤٨٥ و ج ۸ ص ۳٥ آن دو را بهم آمیخته و یکی شمرده ولی صاحب ذریعه در ج ۸ ص ۷۱ این نادرستی را دریافته است .

آثار او :

صاحب امل‌الآمل که برادر نگارنده است نگارشهای اورا چنین برشمرد : تفسیر قرآن ، و « تاریخ کبیر » و « تاریخ صغیر » و حاشیه بر مختصر نافع و « جواهر الکلام فی الخصال المحمودة فی الانام » . و خود نگارنده در دیباچهٔ کتاب در المسلوك نسخه (مجلس ٥٤٥) گوید پس از بررسی کتابهای بسیار کتابی بنام « روض الناظرین فی علوم الاولین والاخرین » نگاشتم ، سپس قرآنی بزرگ بدستم افتاد پس تفسیرهائی بر کرانهٔ آن نگاشتم و « تفسیر وجیز لکتاب عزیز » ساختم ، و سپس این تاریخ « درالمسلوك » را نگاشتم و از آغاز پیدایش تا سال ۸۰٦ رسانیدم .

نگارندهٔ این کتاب پس از بررسی تاریخهای بزرگ اسلام خواسته است تاریخی با رنگ مذهب شیعی بسازد ، از این روی نخست کتاب « روض الناظرین فی علم الاولین والآخرین » را به پیروی از محمد بن شحنه حلبی در « روض المناظر

(۱) در پایان نسخه‌یی از این کتاب که صاحب ذریعه نزد سید محسن امین در شام دیده است چنین نوشته بوده است : « نگارنده در پنجاه و سه سالگی بسال (۱۰۹٤ ق) آنرا بپایان رسانید » ولی چنانکه خواهم گفت این کتاب چند بار نگارش یافته و این تاریخ یکبار از آنها میباشد .

(۲) این تاریخها بخامهٔ خود نگارنده در پشت نسخهٔ رضوی دیده شده است (ذریعه ج ۸ ص ۷۰) .

(۳) امل‌الآمل چ تهران ۱۳۰۷ ق دنبال منهج المقال : ص ٤۲۷ .

فی علم الاوایل والاواخر» بنگاشت. سپس اندک اندک آنرا گسترش داد و نسخه‌های گوناگون بعدی را «الدرالمسلوك» نام داد. این نسخه‌ها برخی چهار رکن و برخی پنج و برخی شش و هشت رکن دارد. غیراز تغییرها که خود دراین کتاب میداد، بشاگردانش نیزاجازه میداد که درآن دست برند وتصحیح کنند (۱) اینك نسخه‌ها:

I نسخه‌های چهار رکنی: ۱- نسخهٔ (مجلس) این نسخه فقط هفت برك آغاز کتاب را دربردارد. ودردیباچهٔ آن ، کتاب را «درالسلوك» نامیده وآنرا به یك پیش گفتار درآغاز خلقت و چهار رکن ۱- پیغمبران ۲- پادشاهان باستانی ۳- خلیفه‌های اسلام ٤- پادشاهان اسلام، وخاتمه درآخرالزمان بخش کرده ونیز گوید: دراین کتاب تاریخ را ازآغازپیدایش تاسال ۸۰٦ آورده‌ام (۲) این نسخهٔ هفت برگی درآغاز نسخهٔ هشت رکنی مجلس نهاده شده وهردو درتاریخ (۱۰۹۱ ق) نوشته شده وبشمارهٔ (٥٤٥) درفهرست (۳) یادداشت شده‌است.

آغاز این نسخه: الحمدلله منشی، اصناف الفطر ومحیی الارض بوابل المطر...

۲- نسخهٔ حاج عماد فهرسی که اکنون در کتابخانهٔ رضوی است و صاحب ذریعه آنرا جلد یکم درالمسلوك شمرده (٤) و بسال ۸۰٦ پایان یافته نیز گویا چهاررکنی باشد.

II نسخه‌های پنج رکنی:

۱- نسخهٔ دوجلدی کتابخانهٔ صدر ببغداد.

۲- نسخهٔ ۱۷۹ دانشگاه که فقط جلد یکم را دربر دارد. دراین دو نسخه نگارنده فقط یك رکن برچهاررکن پیشین افزوده‌است. فهرست بخشهای این

(۱) این معنی ازبرك ۱۸۷ب پایان نسخهٔ ۱۷۹ دانشگاه آشکارمیگردد.

(۲) گویا پایان سال ۸۰٦ برای رکن چهارم باشد.

(۳) اعتصامی درفهرست (ج ۲ ص ۳٦۱) این دونسخه چهاررکنی وهشت رکنی را یکی پنداشته و دچار اشتباه شده‌ماند. اینکه ۸۰٦ را تاریخ نگارش پنداشته، وصاحب اعیان الشیعه نیز باین اشتباه دچار وآنرا غلط پنداشته است.

(٤) درپشت این نسخه، شیخ نگارنده بخامهٔ خود گوشه‌هائی از زندگی خویش را نوشته، مانند تاریخ آمدنش بعراق ورفتنش بمکه که دربالا یاد شد، و مانند زایچهٔ فرزندش محمدحر (۱۰۹٥ق) وابراهیم حر (۱۰۹۸ق) وپسر محمد بنام صالح (۱۱۲۰ ق). (ذریعه ج ۸ ص ۷۱) دیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتاب درنسخهٔ ۱۷۹ دانشگاه چنین است:

پیش گفتار در آغاز پیدایش خلقت. (گ ۲ تا ۸) رکن یکم پیغمبران (گ ۸-۸۲) دوم امامان و عمرهای دراز افسانه‌یی (گ ۱٤۰) سوم پادشاهان باستانی: ایران گ ۱٤۲ یونان گ ۱٥٤ روم گ ۱٥٦ مصر گ ۱٥۷ یمن گ ۱٥۸ سبا ۱٦۲ شام گ ۱٦٤ حیره گ ۱٦٦ کنده گ ۱۷۰ حجاز گ ۱۷۱ وقایع عرب ۱۷٥، ملتها ۱۸۲ رکن چهارم خلیفه‌ها و پادشاهان اسلام (۱) رکن پنجم زندگی یاران پیغمبر و تابعان ورویدادهای جهان پایان نامه در پیشگوئیهای مذهبی و آخرین بخش در رستاخیز است.

درپایان نسخهٔ دانشگاه (گ ۱۸۷ب) مردی بنام ابراهیم پسر سلیمان موسوی حسینی که گویا شاگرد نگارنده بوده‌است مدرك‌های کاراو را یاد کرده (۲) و گوید چون دراین کتاب نادرستیها دیدم آنرا با اجازه نگارنده درست کردم.

آغاز جلد یکم: الحمدلله الذی احسن کل شیء خلقه و بدأ خلق الانسان من طین، فتبارك الله احسن... وبعد فهذا کتاب...

انجام جلد یکم: مامضی فات، والموصل غیب، ولك الساعة التی انت فیها. فقال الله خیرها و نعوذ به من شرها، والحمدلله وحده وصلی الله... تم النصف الاول من کتاب...

آغاز جلد دوم: الرکن الرابع فی ایام الخلفاء من المسلمین والحکام والسلاطین (۳).

انجام جلد دوم: وهاهنا منتهی ما اردناه وآخر ما قصدناه (٤).

III نسخهٔ شش رکنی: ازنسخه‌هائیکه صاحب ذریعه می‌شناساند فقط نسخهٔ کتابخانهٔ شیخ حسن مظفر درنجف است که شش رکن دارد و رکن ششم آن در تاریخ همهٔ جهان ازآدم تا روزگار نگارش است (ذریعه ۸ : ۷۱).

IV نسخهٔ هشت رکنی: کوچکترین نسخه‌های این کتاب این نسخه است

۱- رکن ٤ و٥ درنسخهٔ دانشگاه نیست.

۲- دراینجا نام چهل کتاب را آورده سپس گوید ازپنج تفسیرو کتابهای دیگر نیز استفاده کرده است.

(۳) و(٤) آغاز وانجام جلد دوم کتاب ازروی آنچه دراعیان الشیعه ج ۷ ص ٤۸٤ آمده است میباشد.

که هشت رکن و (٨٥٠٠ بیت نوشته) در یك جلد است. دودیباچهٔ آن نام کتاب ونام نگارنده هست. این نسخه بشمارهٔ (٥٤٥) در کتابخانهٔ (مجلس) ثبت شده است و پیش از آن هفت برك از نسخهٔ درالسلوك چهار رکنی دیده میشود و اعتصامی فهرست نگار مجلس بررسی نا کرده در جلد دوم فهرست (ص٣٢١) این دو کتاب را یکی شمرده است فهرست هشت رکن این نسخه چنین است: پیش گفتار برك ٨ رکن یکم در آغاز پیدایش گ ١٢ رکن دوم پادشاهان باستانی گ ٦٥ سوم خلفا. گ ٩٠ چهارم امامان گ ١٥٤ پنجم دراز عمرها. گ ١٧٥ ششم یاران و تابعان گ ١٧٧ هفتم پادشاهان اسلام گ ١٩٢ هشتم رویدادهای جهان گ ١٩٩ خاتمه آخرالزمان ٢٠٥ آخرین فصل در رستاخیز گ ٢١٤ تا ٢١٨ پایان نسخه . آغاز این نسخه مانند آغاز نسخهٔ پنج رکنی است نه مانند آغاز چهار رکنی.

نسخه‌های دیگر: نسخه‌یی ازین کتاب بخامهٔ نگارنده نزد شیخ عبدالحسین درخراسان هست (اعیان الشیعه ج٨ ص٤٨٤). و نسخه‌یی نیز نزد خود سیدمحسن عاملی صاحب اعیان الشیعه هست که بسال ١٠٩٤ ق پایان یافته است (ذریعه ٨: ٧٢).

[٢٢٤]

۱۹۷ نسخه جلد یکم کتاب را دربردارد که سه رکن از پنج رکن است . بخط نسخ . نویسنده محمد حسین پسر محمد امین . درتاریخ محرم سال ١٢٤٠ ق نوشتن آن پایان یافته . از روی نسخهٔ خط ابراهیم بن سلیمان موسوی (١) حسینی که بروزگار نگارنده نوشته شده بود نویسانده شده ودرتاریخ دهم شعبان همین سال (١٢٤٠) مقابله وتصحیح شده است ونشان آن درپایان صفحه (١٨٧ ب) دیده میشود.

عنوانها با شنگرف . تصحیح شده ونشان آن درکرانه برخی صفحه‌ها (بلغ قبالا) دیده میشود.

(١٨٧ برك) کاغذ ازده اصفهانی جلد تیماج حنائی زرکوب فرسوده.
اندازه ٢٠ × ٣٠ و ١٢ × ٢١ : ٢١ سطر.

(١) گویا این مرد شاگرد نگارنده بوده است، وی در یك صفحه پس از پایان کتاب مدارك کار نگارنده را نام برده وازوی با دعای «سلمه‌الله» یاد میکند وسپس میگوید چون اندکی نادرستی داشت من با اجازهٔ نگارنده آنرا تصحیح کردم.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[٢٠٥] رجال ابن داود (رجال ـ عربی)

کهنه‌ترین کتاب که در آن نام راویان را بترتیب حرف یکم ودوم وسوم و... نام ونام پدر بسیج کرده‌اند این کتاب است (١) . ونیز این نخستین کتاب است که برای نام کتابهای رجال ونام امامان نشانه‌ها در آن بکار رفته‌است . ابن داود این کتاب را درسال (٧٠٧ ق) چهارده سال پس از نگارش خلاصهٔ علامه بپایان رسانیده، وآنرا مانند خلاصه در دو بخش ساخته، دریکم راویان که خبرشان پذیرفتنی است، ودر دوم راویانی که خبرهایشان ناپذیرفتنی و بی‌ارزش میباشد گرد ساخته.

این کتاب نیز مانند خلاصهٔ علامه نادرستیها دربر دارد (٢) و برخی از راویان را هم در بخش یکم وهم در دوم یاد کرده‌است ، ولی بازهم بهتر و کم‌غلط‌تر از خلاصه میباشد ، وبسیاری از نادرستیهای خلاصه را یاد کرده است (٣) وچون ابن داود مانند علامهٔ حلی بدربار مغل راه نداشت نامش کم‌آوازه‌تر و کتابش در گوشهٔ کتابخانه‌ها گردآلود مانده است.

نگارنده : ابن‌داود ، تقی‌الدین ، ابومحمد حسن پسر علی پسر داود حلی از ادیبان وفقیهان نیمهٔ دوم سدهٔ هفتم است که درنظم ونثر عربی زبردست و با اصول دین و کلام و منطق و فلسفه آشنا و درفقه و حدیث و راوی شناسی کار کرده است . زایچهٔ او چنانکه خود در این کتاب (٤) گفته: پنجم جمادی دوم سال (٦٤٧ ق) است.

(١) پیشینیان فقط حرف آغاز را مرتب می کرده‌اند چنانکه حسن را پیش حسان می آوردند .

(٢) به نادرستیهای این کتاب یك یك دررجال (حایری) و تنقیح المقال مامقانی واعیان الشیعه اشارت رفته است .

(٣) اعتراضهای ابن‌داود برعلامه بیشتر بجا بوده و خود علامه نیز درایضاح آنها را درست کرده است (تنقیح المقال ج ١ ص ٢٩٤ س ٣) .

(٤) نسخهٔ ١٠٤٤ دانشگاه ك ٥٣ ب

شهید اول (م ٧٩٦ ق) او را تاج‌المحققین خوانده است و از او و علامهٔ حلی باواسطه روایت‌دارد . ابن‌داودیکسال‌ازعلامه‌حلی‌بزرگتراست، وهردواز محقق حلی (صاحب شرایع) واحمدبن طاوس روایت دارند .

مرگ ابن‌داود را کسی یادنکرده ولی سید محسن (١) آنرا از کتاب الطلیعه بسال (٧٤٠ق) یاد کرده وخود در آن تردید کرده‌است . ونیزهمو از ریاض‌العلما نقل کرده که‌ابن‌داود نواده‌یی بنام ابوطالب پسررجب داشته که‌ازدانشمندان بشمار است .

آثارابن‌داود : کتابهای زیررا خوددر گزارش زندگی خویش درهمین کتاب یاد کرده است (٢) :

١- درفقه : تحصیل‌المنافع (٣) ٢- التحفة‌السعدیة .
٣- المقتصر من‌المختصر . ٤- الکافی
٥- النکات . ٦- الرائع .
٧- خلاف‌المذاهب‌الخمسة ٨- تکملة‌المعتبر (ناتمام) .
٩- الجوهرة فی نظم‌التبصرة (٤) ١٠- اللمعة (درنماز ، بنظم) .
١١- عقدالجواهرفی‌الاشباه والنظائر(٥) ١٢- اللؤلؤة دراختلافات‌شیعه‌بنظم وناتمام . ١٣- الرائض فی‌الفرایض (نظم) ١٤- عدة‌الناسك‌فی‌قضاء‌المناسك(نظم)
١٥- رجال (جای گفتگو) وجز آنها نیزدرفقه دارد .

دراصول دین وجزآن :

(١) اعیان‌الشیعه ج ٢٢ ص ٣٣٥ .
(٢) نسخهٔ شمارهٔ ١٠٤٤ دانشگاه برك (٥٣ ب) .
(٣) نسخهٔ آن دراصفهان بکتابخانه سید اسدالله دیده شده است (اعیان ج ٢٢ : ص ٣٤٢) .
(٤) آغاز: الحمدلله‌الذی تقادماة‌سلطانه‌وشأنه معظما (اعیان ج٢٢ : ص ٣٤٢) .
(٥) صاحب ریاض گوید : نسخه‌اش رابایروان بخط کفعمی‌دیدم بنظم نبود بلکه به‌نثر ومانند نزهة‌الناظر نجیب‌الدین یحیی پسرسعیدهمزمان اومی‌بود . (اعیان٢٢ : ٣٤٢) .

١٦- درالثمین ١٧- الخریدة‌العذراء فی‌العقیدة‌الغراء (نظم)
١٨- الدرج ١٩- احکام‌القضیة (منطق) .
٢٠- حل‌الاشکال (منطق) . ٢١- البغیة (منطق) .
٢٢- الاکلیل‌التاجی (عروض) .
٢٣- قرة عین‌الخلیل فی‌شرح‌النظم‌الجلیل از ابن حاجب درعروض .
٢٤- شرح قصیدهٔ صدرالدین ساوی (عروض)
٢٥- مختصرالایضاح (نحو) ٢٦- حروف‌المعجم (نحو) .
٢٧- مختصر اسرارالعربیة (نحو) .

سید محسن عاملی (١) نیز دو کتاب زیررا بر آنها افزوده است .

٢٨- المنهج‌القویم ٢٩- منظومة در کلام (٢) .

گزارش‌زندگی‌ابن‌داوددرنقدالرجال‌تفرشی‌واجازهٔ شهید دوم بحسین‌پسر عبدالصمد ، و در امل‌الآمل شیخ حرومستدرك‌الوسائل‌حاجی‌نوری‌وریاض‌العلماء وذریعه وریحانة‌الادب‌وباگسترش بیشتر دراعیان‌الشیعه ج ٢٢ ص ٣٣٥ تا ٣٥١ آمده است .

باری حاجی‌نوری گوید : مردم دربارهٔرجال‌ابن‌داودسه دسته‌اند ستاینده ونکوهنده ومیانه‌رو : پدرشیخ بهائی حسین پسرعبدالصمد در آغاز کتاب درایهٔ خویش این کتاب را بی‌نیاز کننده از مانند خود دانسته،و ملاعبدالله شوشتری درشرح تهذیب آنرا بی‌ارزش ونادرست خوانده،وشاگردش سید حسین تفرشی درنقدالرجال‌آنرا کتابی نیکو ولی پرغلط شمرده است . ولی بیشترنادرستیهای این کتاب بسبب جابجاشدن نشانه‌های آنست که‌بدست نویسندگان نسخه‌ها انجام شده ، چنانکه گفتاری از(کش) میآورد وماآنرادر آنجامییابیم وپس‌از بررسی درست آشکارمیگردد که‌نویسندهٔ‌نسخه(جش)را (کش) نوشته است . وبهرحال

(١) اعیان‌الشیعه ج ٢٢ ص ٣٤٢ تا ٣٤٣ .
(٢) همهٔ‌نسخهٔ‌این‌منظومه‌رادراعیان‌الشیعه‌ج ٢٢ ص ٣٤٣ تا ٣٤٩ آورده‌است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

اکنون نادرستیهادراین کتاب هست ونمیتوان آنرا یکتانه مدرك کارخودسازیم. صاحب ریاض‌العلماء نادرستیهای رجال ابن داود را دراثر دگرگونی نسخه‌ها شمرده گوید: ابن‌داود از نسخه‌یی نقل کرده ونسخه دیگرآن کتاب دگرگون بوده است، و این نیز درست نیست، چه ناساز گاری نسخه‌ها همه‌جا وهمه وقت بوده،پس چرا فقط ابن‌داود تااین‌اندازه دچار آن شده‌است؟.

دردیباچه، کتابهای رجال و فهرست طوسی و کشی و نجاشی و رجال برقی و ابن غضائری را مدرك کار خویش شمرده و سپس بابتکار خود دربکار بردن نشانها (۱) اشارت نموده وفهرست آنها را چنین آورده است:

کش = کشی.	جش = نجاشی.
خج = رجال شیخ طوسی.	ست = فهرست شیخ طوسی.
قی = برقی.	عق = علی‌بن احمدالعقیقی.
قد = ابن‌عقده.	فش = فضل‌بن شاذان.
عب = ابن‌عبدون.	غض = ابن غضایری.
یه = ابن‌بابویه.	فض = ابن‌فضال.
ل = رسول خدا.	ی = علی.
ن = حسن.	سین = حسین.
ین = زین‌العابدین.	قر = باقر.
ق = صادق.	م = کاظم.
ضا = رضا.	د = جواد.
دی = هادی	کر = عسکری.

لم = کسی که روایت ندارد. (لم یروعنهم).

سپس چند زنجیرهٔ روایت خود را تا امام یادنموده وبکتاب آغاز کرده‌است.

آغاز بخش یکم: الحمدلله‌الذی وفقنی للتخلی عن‌الحرکات‌الدنیویة، والنظر

(۱) دربارهٔ نشانه‌ها در کتابهای رجال ص٥٤٩ و ٥٥٤ نیز دیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

فی‌المهمات الاخرویة ... و بعد فانی لمانظرت فی اصول الفتاوی‌الفقهیه ... رأیت من لوازم هذه‌القضیة‌النظر فی‌الاحادیث الامامیة ورجالهاالمرضیة و غیر المرضیة فصنفت هذاالمختصر ...

انجام: (کلثم) الکرخیة، روی عنهاعبدالرحمان‌الشمیری ... (فاطمة) بنت هارون‌بن موسی ... لم یسمع منها غیرهذا. تم‌الجزء‌الاول.

آغاز بخش دوم: امابعد حمدالله علی افضاله، والصلاة علی سیدنا ... فانی لما انهیت‌الجزء‌الاول .... وجب ان اتبعه بالجزء‌الثانی‌المختص بالمجروحین والمجهولین، اذبمعرفتهم یتم غرض‌الناظر فی‌الاحادیث .... وهذاالقصد وان کان منهیاً عنه بقوله: والذین یحبون أن تشیع‌الفاحشة ...

انجام: ابوهارون‌المکفوف. قر. کش: طعن فیه طعناًعظیماً. ابویعقوب البصری. کش: زیدی. تم‌الکتاب.

[۲۲۳]

١٠٤٤ دردفتری جای دارد که درایهٔ حسین عبدالصمد پدر بهائی (گ ۱ـ تا ٣٦) و درایهٔ شهید (گ٣٧ـ٤٢) و این کتاب (٤٣ـ١٠١) و فهرست طوسی (١٠١ـ١٤١) آنرا گرفته‌است.خط نسخ. نویسنده شریف پسربهاءالدین علی رامدی حسنی است، وآنرا درشهر (دارالسلطنة) قزوین بروز جمعه ١٧ شوال سال ٩٦٧ ق بپایان رسانیده است. عنوانها وفاصله‌ها با شنگرف‌است، وروی نامها خط شنگرفی کشیده شده است. گویا نویسنده شاگرد شیخ حسین‌بن عبدالصمد پدرشیخ بهائی بوده وکتاب‌درایهٔ استاد خویش واین کتابرا دنبال یکدگر نوشته، وسپس براستاد خوانده ومقابلت وتصحیح کرده، واستاد درپایان کتاب‌درایه‌اجازه‌یی برای‌او نگاشته که گراور آن درصفحهٔ بعد دیده میشود. ونشانهای تصحیح نیز دربرگهای کتاب دیده میشود.

بخش یکم دربرگ ٨٤ پایان یافته و بخش دوم تا ١٠١.

همه دفتر (١٤١برگ) این کتاب (٥٨برگ). ٣٠غلد ترمه نخودی رنگ. جلد تیماج سرخ طولانی

اندازه ١٨×١٢٫٥، ١٨×٢٥یا ١٨سطر.

(۲۸) پر ۱۰۱ (ب) پایان رجال ابن داود نسخهٔ (۱۰۴۴) دانشگاه، نشان صحیح بخط حسین عبدالصمد پدر بهائی در دست راست دیده میشود

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

(۲۹) پایان صفحهٔ (۳۶ب) نسخهٔ شمارهٔ ۱۰۴۴ اجازهٔ حسین عبدالصمد بنویسندهٔ دارندهٔ خود در رجال ابن‌داود

[۲۰۶] رجال طوسی (رجال – عربی)

یکی از پنج پایهٔ راوی شناسی نزد شیعیان (۱) این کتاب میباشد که شیخ طوسی آنرا گرد آورده است.

نگارندهٔ ابو جعفر محمد پسر حسن پسر علی معروف بشیخ طوسی است که بسال ۳۸۵ق در طوس بزاد و در ۴۰۸ق بعراق عرب رفت و ببغداد سکنی گزید و بسال ۴۴۸ق زد و خوردهای شیعی – سنی بغداد او را ناگزیر کرد در نجف بماند، و همانجا در سال (۴۶۰ق) در گذشت و در مسجدی که تا کنون بنام اوست و در شمال صحن امیرالمؤمنین میباشد بخاک سپرده شد. اندکی از زندگی او را در ج ۱ ص ۲۰۱ دنبال نام «مختصر تبیان» یاد کردم.

این کتاب بترتیب طبقات میباشد و روایت کنندگان از پیغمبر و هر یک از امامان

(۱) ص ۴۸۲ این مجلد دیده شود.

یازده گانه را در بابهای جداگانه آورده ، و یاران امام دوازدهم که غایب است نیاورده ، ودرعوض باب سیزدهمی برای کسانی که ازهیچ یك از ایشان روایت ندارند ساخته است. ملاعنایت الله قهپائی شاگرد ملااحمدمقدس اردبیلی (م۹۹۳ق) وملاعبدالله شوشتری(م۱۰۲۱ق) این کتابرا بترتیب حرفهای الفباء سیجیدمو از نو کتابی ساخته اند . (ذریعه ٤ : ٦٥) .

گویا شیخ در آغاز کار میخواست فقط نام و نژاد یاران هریك از امامان را بشناساند، وتایاران امام کاظم همین روش را بکار برده است، ولی پس از آن ازدرستی و نادرستی هریك نیز گفتگو کرده است (دیباچهٔ تنقیح المقال ص ۲۱۷) .

این کتاب که درپیرامن (۳۷۰۰ بیت نوشته) دارد تا کنون چاپ نشده است .

آغاز : الحمدلله حق حمده والصلاة . . . امابعد فانی اجبت الی ما تکرر سؤال الشیخ الفاضل فیه من جمع کتاب یشتمل علی اسماء الرجال الذین رووا عن النبی (ص) و عن الائمة (ع) من بعده الی زمن القائم (ع) ثم اذکر بعد ذلك من تأخر زمانه عن الائمة من رواة الحدیث اومن عاصرهم . . . ولااضمن انی استوفی . . . .

انجام : روی عنهم احمدبن ابی عبدالله (باب النساء) فاطمه بنت هارون بن موسی . . . ولم یسمع منها غیرهذا تمت الکتاب .

دردیباچه میگوید کسی از هم مذهبان ما کتاب بزرك دراین باره نساخت که همه راویان را فراگیرد جز ابن عقده که همهٔ راویان از صادق را گرد کرد و او نیز یاران دیگر امامان نپرداخت .

[۲۲٤]

۹۷۹ دردفتری با فهرست طوسی جلد شده وبرگهای (۱–۸٤) راگرفته. خط نسخ . نام نویسنده و تاریخ ندارد ولی پیداست که درسدهٔ سیزدهم نوشته شده . همهٔ رویه‌ها دارای دوجدول ، درونی با زرولاژورد ، وبرونی با سیاهی است . پشت برك (۲– الف) تملك یحیی بسرمحمد شفیع اصفهانی بسال ۱۳۱٦ دیده میشود .

همه دفتر ۱۴۴ برك این کتاب ۸۴ برك . کاغذ فرنگی سفیدآهارمهره شده . جلد تیماج سرخ فناری . اندازه ۱۴×۲۱ و ۸/۵×۱۴/۵ ؛ ۱۹ سطر .

[۲۲۵]

۸٤۷ نسخه همراه فهرست شیخ طوسی در یك جلد است و برگهای (۱ تا ۷۹) آنرا گرفته است . خط نسخ . نام نویسنده ندارد. تاریخ ندارد ولی فهرست شیخ که دنبال آن و باهمین خط است، درچهارشنبه ۱۹صفر ۱۲۸٤ ق بپایان یافته است . عنوان ها با شنگرف ولاژورد وزودی نوشته شده است .

همه دفتر برك این کتاب ۷۹ برك . کاغذ آهارمهره فرنگی سفید . جلد تیماج سرخ مقوائی اندازه : ۲۵×۳۵ و ۸×۱۷ ؛ ۲۱ سطر .

[۲۰۷] **روضة الاحباب** (تاریخ – فارسی)

فی سیرة النبی والآل والاصحاب

خاندان دشتکی شیرازی یکی از خاندانهای نامدار پایان دورهٔ تیموری وآغاز صفوی درشیراز بوده است ، پس ازتغییر مذهب رسمی کشور ایران از سنی به شیعی ، اشراف وسران خاندانها ناگزیر ازعوض کردن آئین خودبودند، وسران این خاندان نیز این کار کردند ، وبرای روشن شدن (استبصار) و گاهی برای شیعی بودن وپنهان کاری (تقیه) نیاکان خویش داستانها ساختند وخوابها دیدند(۱) سران این خاندان که اشرافیت را بادانش وفرهنك کلاسیك روزگار خویش جمع کرده بودند ، خودپسندی بسیار نشان میدادند(۲) وتغییر آئین نیز پایهٔ مذهب را درایشان سست کرده بود (۳) یکی از افراد این خاندان نگارندهٔ «روضة الاحباب»

(۱) قاضی نورالله درمجلس پنجم ازمجالس المؤمنین گوید همهٔ این خاندان از ترس سنیان تقیه میکردند وحدیثهای سنیان برمنبرها می گفتند ، تا اینکه یکی از ایشان درخواب کتاب «مشکوة» را نزد پیغمبر برد و او برحدیثهای سنی انگشت محو کشید وجای انگشت تا کنون بر نسخهٔ این کتاب دیده میشود، وآن نسخه درخاندان آنها درشیراز هست ، ونخستین کس ازایشان که از پنهان کاری دست برداشت امیرصدرالدین بود .

(۲) این معنی ازگفتگو و مباحثه میرصدرالدین بکم و پسرش غیاث الدین بکم با ملاجلال دوانی که درروضات الجنات ص ٦٦٨ آمده است آشکار میشود .

(۳) این معنی از گفتگوی میرغیاث الدین بکم درروزگار وزیر بودن با شیخ علی کرکی که اورا متهم به بیدینی کرده بود ، دربرابر شاه تهماسب و نیز ازشرابخوارگی پسرش صدرالدین دوم آشکارمیگردد این دوداستان نیز درروضات ص ٦٦٨ و ٦٦٩ دیده شود .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

میرجمال‌الدین عطاءالله پسر فضل‌الله حسینی دشتکی شیرازی هراتی از دانشمندان نیمهٔ دوم سدهٔ نهم هجری میباشد. برادر پدر او اصیل‌الدین عبدالله دشتکی شیرازی (م ۱۷ ع ۱-۸۰۳ ق) نگارندهٔ مزارات هرات میباشد که در روزگار سلطان ابوسعید گورکان (۸۵۵ - ۸۷۳ ق) از شیراز بهرات آمده است. عطاءالله چند سال در آموزشگاه «سلطانیه» هرات و در خانقاه «اخلاصیه» درس میگفت و هفته‌یی یکبار در مسجد جامع هرات وعظ میکرد. وی پسری بنام میرنسیم‌الدین محمد داشته که بمیرك شاه نامبردار بوده، و پس از مرگ پدر در آن آموزشگاه بجای او نشست (۱). و حاشیه هائی در رد بر میزان‌الاعتدال ذهبی (م ۴۷۸ ق) نگاشته است و قاضی نورالله اندکی از آنها را در گزارش زندگی او در (مجلس پنجم) آورده است.

آثار او:- روضة‌الاحباب (جای گفتگو).

- تحفة‌الاحباء. قاضی نورالله گوید: آنرا بنام خواجه مظفر بتکچی استرآبادی نگاشته. و چون شیعیگری از آن آشکار بوده مخدوم‌الملك لاهوری نسخه‌هائی از آن بسوزانید.

- اربعون حدیث (چهل حدیث) در ستایش علی (ع) و در پایان آن برخی قصیده‌های او را یاد کرده و آنرا بنام سلطان شاه عبدالباقی (۲) نگاشته است.

- احوال اولاد امیرالمؤمنین.

نسخهٔ این دو کتاب پسین را صاحب ریاض در مازندران یافته ولی در آنجا نگارنده کمال‌الدین عطاءالله فرزند فضل‌الله حسینی شمرده شده و احتمال داده است از غلط نویسنده باشد. صاحب ذریعه نیز نسخه‌یی از این دو کتاب در کربلا و نسخه‌یی در خراسان نشان داده است (ذریعه ۱: ۴۲۱).

هنگامی که شاه اسماعیل صفوی بسال ۹۱۷ ق هرات را از دست اوزبکها

(۱) حبیب‌السیر ج ۳ ج ۳ ص ۳۴۸ و ۳۴۹ و مجالس‌المؤمنین مجلس پنجم.

(۲) وی وزیر امیر نجم ثانی فرمانده نیروی قزلباش صفوی در هرات بوده و پس از کشته شدن نجم بسال (۹۱۸ ق) عبدالباقی بفرماندهی گماشته شد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بگرفت جمال‌الدین عطاءالله که واعظ هرات بود بر منبر شده مردم را به پیروی از امامان شیعه بخواند و از شاه صفوی ستایش کرد (ذریعه ۱: ۴۲۲ نقل از «روضهٔ صفویه» نگارش میرزا بیگ گونابادی)

دربارهٔ شیعی بودن عطاءالله (از طرف صاحب مجالس‌المؤمنین و سنی بودن او از طرف صاحب روضات گفتگوی بسیار شده و هردو از گفته‌های او گواه آورده‌اند وهردو نیز راست گفته‌اند زیرا که سنی گری در آخر روزگار تیموری در خراسان با شیعیگری آغاز روزگار صفوی جز در نام و در بدگوئی و نکوهش سه خلیفهٔ نخستین چندان فرق نداشته. کتاب «روضة‌الاحباب» که اندکی پیش از پیروزی صفویان نگاشته شده، دربارهٔ علی و خاندان پیغمبر همان تندروی (غلو) شیعیان را دربردارد، ولی از سه خلیفهٔ نیز ستایش میکند. و آنرا بمیرعلی شیر نوائی (م ۹۰۶ ق) پیش کش کرده و در آغاز دیباچه نام او آورده است.

مرگ عطاءالله را احمد رفعت بسال (۱۰۰۰ ق) دانسته و چلبی در کشف‌الظنون (۹۲۶ ق یا ۱۰۰۰ ق) دانسته و صاحب قاموس‌الاعلام ترکی (۹۱۷ ق) نگاشته و این از همه درست‌تر میباشد.

جای گفتگو نخستین کتاب اوست که «روضة‌الاحباب» نام دارد صاحب روضات در (ص ۴۷۰) گوید: این کتاب سه مقصد دارد و در سه جلد است:

۱- گزارش روزگار پیغمبر.

۲- گزارش مردان و زنان از یاران پیغمبر.

۳- تابعان، و تابعان تابعان، و محدثان.

نسخهٔ (۹۰۸) دانشگاه بمقصد دوم در احوال یاران آغاز شده و فقط گزارش کارهای چهار خلیفه را دربر دارد بدین ترتیب:- ۳۰ برگ نخست تاریخ ابوبکر است، و تا برگ (۱۱۶) تاریخ عمر خطاب، و تا (گ ۱۶۵) تاریخ عثمان را دربردارد، و از اینجا تا پایان نسخه را بخشی جدا ساخته و گزارش کارهای علی تا پایان جنگ جمل را آورده است. و از اینجا آشکار میشود که جلد دوم پایان یافته است ولی در برگ (۲۰۲ ب) نویسنده کتاب نوشته است: «تمت الجلد الثالث از روضة‌الاحباب» نگارنده در دیباچهٔ جلد دوم (نسخهٔ دانشگاه) دربارهٔ معنی صحابی (یار پیغمبر) بودن

وطبقه های دوازده گانهٔ صحابه سخنانی از گفتهٔ حاکم نیشابوری آورده.

چلبی گوید: جلد نخست این کتاب سه باب دارد ۱- نژاد پیغمبر ۲- زایچه او ۳- گزارش زندگی او، واین باب درهشت فصل است ۱- زنان او ۲- فرزندان ۳- معجزه هایش ٤- صفات او ٥- عبادتهایش ٦- عادتهایش ۷- خصوصیات او ۸- نوکران او. و مقصد دوم دراحوال صحابه و آن نیز در دو بخش است ۱- مردان صحابه ۲- زنان ایشان. ومقصد سوم نیزدرسه بخش است ۱- تابعان ۲- تابع تابعان ۳- متفرقة.

آغاز جلد دوم (۱): لك الحمد یامسبب الاسباب ولك الشکر یامفتح الابواب... بیمامن عواطف جناب امیر... امیرعلی شیر... مقصد دوم از کتاب روضة الاحباب درمعرفت احوال اصحاب رضی الله عنهم. وآن مشتمل است بردوباب. وپیش...

[۲۲٦]

۹۰۸ چنانکه دربالا گفتم این نسخه فقط جلد دوم کتاب را در بردارد. ولی نویسنده از برگ ۱٦٥ زندگی علی (ع) را مانند بخش جداگانه ساخته ودرپایان برگ ۲۰۲ گوید جلد سوم بپایان رسید. خط نسخ. نام نویسنده و تاریخ ندارد، ولی کاغذ وخط، سدهٔ یازدهم را نشان میدهد. عنوانها با شنگرف است. تصحیح شده وافتادگیها درکرانه دیده میشود.

(۲۰۲ برگ) کاغذ سمرقندی. جلد مقوائی شکسته له تیماج قهوه‌ئی فرسوده.
اندازه: ۱٦×۲۵ و ۱۰×۱۷ ؛ ۳۵ سطر.

[۲۰۸] رياض الصفا (تاریخ - فارسی)

في مشاهير الرجال والنساء
یا «صحائف العالم» یا «مرآت الحق»

فروغ اصفهانی پسر بهجت اصفهانی است (۲) پدر و پسر هردو از شاعران

(۱) ازروی نسخهٔ [۹۰۸] دانشگاه.

(۲) محمد باقر اصفهانی (بهجت) درخاندانی از دانشمندان اصفهان بزاد و درشعر وخط نستعلیق مهارت یافت ودر آغاز پادشاهی محمدشاه دردربار او بود، ومنوچهرخان معتمدالدوله حاکم اصفهان را ستایش گفته و ازین روی گزارش زندگیش در «مدایح معتمدیه» آمده است. نسخهٔ مدایح معتمدیه درمجلس هست (فهرست ج ۳ ص ٦۸۲).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نیمهٔ سدهٔ سیزدهم بوده‌اند، پسر محمد مهدی، و پدر محمد باقر نام داشته‌اند. فروغ بسال (۱۲۲۳ ق) در تبریز بزاده ودراین وقت پدرش سررشته‌داری عباس میرزا ولیعهد (۱۲٤۹ق) میداشت، وچون فروغ بزرك شد بسررشته‌داری فریدون میرزا فرخ پسر عباس میرزا گماشته شد وازین روی گاهی فروغ فرخی تخلص کرده است. هدایت گوید (۱) او همیشه بنگارش کتابها میپرداخت و کتاب صحایف العالم در (صدهزار بیت نوشته) بنگاشت که پنج صحیفه دارد. اکنون (سال ۱۲۸۲ق) نیز در تهران دردیوان همایون بسررشته‌داری معاملات میپردازد، ونامه‌های عربی وفارسی او دوره‌ئی تذکرة الشباب، که گزارش زندگی اورا دربردارد گردآمده است. اعتمادالسلطنه (۲) درسال ۱۳۰٦ ق گوید: اوغالباً وقت بنگارش ونظم کتابها میگذرانید. ومنظومهٔ او بنام «فرخ» کلام در ۱۱۰۰۰ بیت در کتابخانهٔ ملك هست.

جای گفتگو دفتریست که فروغ اصفهانی آنرا برای نخستین بار مانند زمینه برای کارهای خویش ساخته است و می خواسته پایهٔ یك دائرة المعارف را بریزد، وچون این نسخه چرك نویس است، ناسازگاریها ونادرستیها در آن دیده میشود. او پیش از آنکه کتاب را بپایان رساند چندنام برای آن گذارده چنانکه برروی برگها از بیرون جلد آنرا «مرآت الحق» نامیده ودر (برگ-۹) میگوید: فی بیان مقدمات کتاب «صحایف العالم»... الباب الاول فی المسایل الضروریه من المنطق واین باب را درسه برگ پایان داده و چندبرگ سفید گذارده ودر (برگ-۲۳) گوید: هذا کتاب «ریاض الصفا فی مشاهیر الرجال والنساء» وآنرا درسه باب بسیجیده. باب یکم کسانی که بنام مشهورهستند بخش یکم حرف الف آدم... وتا (برگ-۳۵) نام چندین کس را بعربی گزارش داده، ودراینجا یکباره کتاب فارسی میشود و زیر عنوان «انبیاء» گزارش یك یك پیغمبران را آورده است و در (گ ۵۹) صحابه را آورده، وسپس در (گ ٦۷) ازنو کتابی با این عبارت آغاز کرده: طائفه دوم ازصحیفهٔ اول درذکر اولیاء عظام و اوصیاء کرام... باب یکم امامان

(۱) مجمع الفصحاء ج ۲ ص ۳۹٦.

(۲) المآثروالآثار - ۵ - و ج ۱۰۳٦ ق تهران ص ۲۰٦.

دوازده گانه ودر (ك ١٠٤) بفرزندان امامان پرداخته ودر (گ ١١٢) گزارش دو خليفهٔ نخست با جملهٔ (عليهما اللعنه) ودر (گ ١١٦) بنی امیه ودر (ك ١٢٠) فاطمیان مصر و در (گ ١٢٦) خلفای مغرب و (گ ١٢٨) ایوبیان مصر ودر (گ ١٣٠) دیلمیان و (گ ١٣٢) سلاجقه و (گ ١٣٦) وزیران مشهور و (گ ١٥٠) امیران نام و (گ ١٥٧) رئیسان و (گ ١٨١) عارفان و (گ ١٨٩) فیلسوفان و پزشکان و ستاره شناسان و (گ ١٩٧) فقیهان شافعی وسپس حنفی و مالکی وحنبلی و پس از آنها شیعه ودر (گ ٢٣٧) فقیهان مدینه و (گ ٢٣٩) قاریان هفتگانه و (گ ٢٤٨) قاضیان و گ ٢٥٧ ادیبان و گ ٢٨٩ یك فرمان بتر کی که بتاریخ ١٢٢١ صادر شده ودر (گ ٣٠٣) شاعران ودر (گ ٣٢٢) ظریفان و گ ٣٢٥ خواننده و نوازندگان و گ ٣٢٧ زنان نامدار و گ ٣٣٥ ایلهای عرب و گ ٣٤٢ ملائکه‌ها و ك ٣٤٣ جنیان و ك ٣٤٥ کیا و جادوگران. ودر اینجا کتاب ناتمام مانده است.

[۲۲۷]

۱۲۸ نسخه اصل وبخامهٔ نگارنده فروغ الدین اصفهانی است نام نگارنده ندارد ولی پیداست که نسخهٔ چرك نویس است ونام نگارنده دربرك (١٥ ب) دیده میشود. تاریخ ندارد ولی پیداست که درنیمهٔ دوم سدهٔ سیزدهم نوشته شده.

نسخه دردفتریست که همه بخامهٔ نگارنده است و درآغاز آن دفتر پنج برك از نهج البلاغه را نوشته وسپس چند مسئله ازعلمهای گوناگون (گ ٩) و سپس صحایف العالم فروغ الدین اصفهانی (گ ١٥) و سپس ریاض الصفا (گ ٢٣) تا پایان نسخه. ولی روی برگهای نسخه بیرون جلد آنرا «مرآت الحق» نامیده است. گزارشها جدا جدا است و برگهای سفید میان آنها بسیار گذارده تا کتابرا بعدها تکمیل کند.

عنوانها با سیاهی واندکی درشت‌تر است.

همه دفتر ٣٢٩ برك کاغذ فرنگی آهارمهره نخدی، جلد تیماج دولا برون مشکی درون حالی نه نیز حالی است. اندازه: ١٨×٣٣ و ١٠×١٦؛ سطرها گوناگون.

[۲۰۹] ریاض العلماء (رجال - عربی)

وحیاض الفضلاء

ملاعبدالله افندی پسر میرزا عیسی بیگ پسر محمد صالح بیگ پسر حاج میر محمد بیگ پسر خضر شاه جبرانی اصفهانی از دانشمندان پر کار و از پژوهندگان دانشگاه اصفهان درنیمهٔ نخست سدهٔ یازدهم است. او در پیرامن (١٠٦٦ق) دراصفهان بزاده(١) ودر پیرامن (١١٣٠ق) بدرود زندگی گفته‌است(٢) وی درریاض العلماء گزارش زندگی خویش آورده گوید: از پنجسالگی بمسافرت افتادم و نیم عمر خود را درسفرها گذرانیدم سه بار بحجاز بحج رفتم و سه بار بخراسان وسه بار بعراق بزیارت رفتم و چند سال در آذربایجان ماندم ودر آنجا یکی از خویشان را بهمسری گزیدم و این همسری مرا بیچاره و بدبخت ساخت وا کنون که سال (١١٠٦ق) است درپیرامن چهل سال ازعمرمن میگذرد. صاحب روضات و دیگران داستان دل خوردگی او از شریف مکه و بازگشت از راه استانبول و دیدن سلطان روم و گرفتن لقب افندی (٣) و بر کنار کردن شریف مکه‌را نیز آورده‌اند. واز گفته‌های خودش درریاض چنین برمیآید که بمازندران و بحرین نیز رفته است. ودر گزارش زندگی پدر خود (عیسی) گوید ازاشراف اصفهان بود وبکوی شیخ یوسف بنا خانه‌هاداشت ومادر آنجا زندگی میکردیم و او درچهل سالگی بسال (١٠٧٤ ق) درگذشت. این مسافرتها و برخورد باملتهای گوناگون افندی‌را ازخشکی وتعصب مذهبی فقیهان روز کارصفوی دور کردوبه پژوهشهای علمی واداشت. ولی این پیشرفت فکری ویژهٔ ملاعبدالله افندی نبود و چنانکه درص ٥٥١ گفتم دانشگاه جوان اصفهان در آغازسدهٔ دوازدهم به پیش میرفت وشاگردان مجلسی پس ازمرك اوزمینهٔ کاراورا گسترش میدادند، ولی درمیان ایشان ملاعبدالله افندی جهان دیده و پر کار و کم تعصب و دارای نرمش بیشتر بود، وبهمین سبب کمتراز استادخود، (مجلسی) مورد توجه دربار متعصب صفوی بود.

(١) خود درریاض گوید جوانی خودرا درزادگاه خویش اصفهان گذرانیدم.

(٢) شاگرداو سیدعبدالله شوشتری، دراجازهٔ بزرك خود، مرك استادرا دودهٔ سی پس ازهزار آورده است.

(٣) درریاض درگزارش زندگی خویش این داستان را نیاورده است.

آثار او :

۱- الاجازات ۲- الامان من النیران

۳- انفعالیة (فقه).

۴- بساتین الخطباء یا «عونة الخطیب» یا «ریاض الازهار» یا «ریاحین القدس» در سخنرانیهای عیدو جمعه‌ها. ۵- تفسیر سورهٔ واقعه بفارسی

۶- حاشیه بر تمهید القواعد شهید ۷- حاشیه بر تهذیب شیخ طوسی

۸- حاشیه بر حاشیهٔ کهنه دوانی بر شرح جدید تجرید علامه.

۹- حاشیه بر «حجة الاسلام» محمد طاهر قمی. ۱۰- حاشیه بر شرح اشارات.

۱۱- حاشیه بر مختصر ابن حاجب (ناتمام). ۱۲- حاشیه بر صحیفهٔ سجادیه.

۱۳- صحیفهٔ دوم دنبالهٔ صحیفه سجادیه. ۱۴- حاشیه بر مجدی در انساب.

۱۵- حاشیه بر مختلف علامه. ۱۶- حاشیه بر مسالك فاضل جواد.

۱۷- حاشیه بر مشارق خوانساری. ۱۸- حاشیهٔ من لایحضر (ناتمام).

۱۹- حاشیه بر منهج المقال در رجال. ۲۰- حاشیهٔ وافی فیض.

۲۱- حاشیهٔ الهیات شفا. ۲۲- حاشیه بر تحریر اقلیدس

۲۳- شرح شافیهٔ ابن حاجب. ۲۴- شرح بزرك الفیه ابن مالك.

۲۵- شرح کوچك بر آن کتاب

۲۶- روضة الشهداء بسه زبان عربی، فارسی و ترکی ۲۷- رسم خطوط ساعات.

۲۸- وثیقة النجات (دائرة المعارف در پنج جلد) ۲۹- لسان الواعظین.

۳۰- خواجه گردانیدن و تشکیل دراخته کردن غلامان.

در ریاض العلما نام چند کتاب دیگر را نیز که میخواسته بنگارد آورده است، و دانسته نیست که آیا توانست بنگارد یانه؛ نسخهٔ برخی از این کتابها (مانند خواجه گردانیدن) را فقط صاحب ذریعه نشان داده، و در ریاض نام آنها نیامده است.

۳۱- یکی از کارهای بزرك افندی پاکنویس و راست کردن «بحار الانوار» مجلسی است و چنانکه «در فیض القدسی فی احوال المجلسی» گوید، نگارنده بحار فقط تا چهارده جلد آنرا راست کرد و در گذشت و از جلد پانزدهم تا بیست و پنجم را شاگرد او ملاعبدالله افندی پاکنویس کرد.

جای گفتگو ریاض العلما است که بهترین و بزرگترین اثر او است. افندی کتاب ریاض العلما را در دو بخش تقسیم کرد، در بخش یکم دانشمندان شیعی و در بخش دوم دانشمند سنی را یاد کرد. و هر بخش را در پنج جزء ساخت ۱- نامها ۲- کنیتها (ابو...) ۳- کنیتها (ابن ...) ۴- لقبها ۵- زنان او به شیعه تراشی قاضی نورالله و دیگران خورده گرفته گوید بایستی واقع بین باشیم و از این روی من کتاب خودرا مانند خلاصهٔ علامه در دو بخش ساختم.

بدبختانه نگارنده این کتاب را پاکنویس نکرده در گذشت و نسخهٔ آن بخامهٔ او که چرکنویس است و صفحه های سفید بسیار دارد نزد عباس اقبال در تهران هست؛ و نسخه‌هائی که از روی خط او نوشته شده همگی مانند نسخهٔ کتابخانهٔ ملك که در دو جلد است و نسخهٔ سید شهاب الدین قم و نسخهٔ پدرم در نجف همگی نامرتب میباشد، و از همهٔ نامرتب تر نسخهٔ دانشگاه است که جای گفتگوی ما است.

[۲۲۸]

۹۹۲ نسخه بخط نسخ نام نویسنده و تاریخ ندارد. ولی پیداست که در پایان سدهٔ سیزدهم و آغاز چهاردهم نوشته شده. خط و تصحیح حاجی میرزا حسین نوری (م۱۳۲۰ق) در کرانه برخی رویه‌ها دیده میشود. عنوانها ناشنگرف است. نویسنده مردی دانشمند بوده و هرچه از ریاض بدست آورده رونویس کرده و حاشیه‌های سودمند بر آن افزوده است.

فهرست آنچه در این مجلد گرد آمده چنین است:

بخش دوم (سنیان) از الف تا جیم (ك ۲-۹۰) فواید متفرقه (ك۹۲) باب نون تا باب یاء (شیعه) در (ك ۹۳-۱۵۳) باب زنان (۱۵۳-۱۵۶). فصل دوم بخش اول (سنیان) کنیتها (ابو...) در (ك ۱۵۶-۱۹۲). فصل سوم از بخش یکم (ابن ...) در (ك۱۹۲-۲۰۲) متفرقه (ك۲۰۲). فصل پنجم از بخش یکم کتابها از نگارندگان ناشناس شیعه (ك۲۰۳-۲۱۰) مجلد پنجم از بخش دوم باب نون تا یاء، و تا باب کنیتها وخاتمه (ك ۲۱۰- نوشته نشده است) باب الف کنیتها (ابن...) شیعه (ك۲۱۱-۲۲۴) فصل چهارم از قسم اول: القاب شیعه. باب الف (آوی) تا باب یاء (۲۲۴-۲۴۱) از نو باب الالف

(اسکافی) تاباب العین (۲۴۱ـ۲۷۹) متفرقه (۲۷۹ـ۲۸۴) باب غین (غضائری) تاباب کاف (۲۸۴ـ۲۹۱) بابمیم (ماجیلویه) تاباب‌هاء (۲۹۲ـ۳۰۰) متفرقه (۳۰۰ـ۳۰۶) کنیتهای مشیان از حرف شین (۳۰۶ـ۳۱۱) متفرقه (۳۱۱ـ۳۲۰) باب الف تا باب یاء مشیان (۳۲۱ـ۳۳۳) زنان (۳۳۳ ـ ۳۳۷) فصل پنجم باب الف (۳۳۷) باب نون ناصرخسرو ومقدمهٔ فارسی دیوانش (سرگذشت ناصرخسرو) تاباب یاء (۳۴۱ـ۳۷۰) خاتمهٔ درپنج فصل (۳۷۱ـ۴۰۱) فصل دوم بخش دوم (ابن . . .) (۴۰۲ـ۴۱۵) باب ضاد (ضبی) تا باب الیاء (یافعی) مرتب (۴۱۵ـ۴۵۴) متفرقه (۴۵۵ ـ ۴۵۸) خاتمه تاریخ خلفاء وفهرست مذاهب اسلامی وفایده‌های دیگر (۴۵۸تا۵۴۰) پایان.

(۵۴۰ برگ + ۴۷ برگ سفید) . کاغذ سفید آهارمهره فرنگی . جلد تیماج سرخ مقوائی

اندازه: ۳۱×۴۱ و ۱۲×۲۳ : ۲۶ سطر

[۲۱۰] **الزاهرة** (جغرافی - عربی)

این کتابچه منظومه‌ایست درصدبیت که شیخ بهائی آنرادرتوصیف شهرهرات سروده است. دردیباچهٔ آن گوید چند روزی درقزوین بدرد چشم دچار شدم و برای آنکه بی کار نباشم بسرودن این بیتها پرداختم وبدین نام نامیدم. بخشهای این منظومه چنین است:

۱ـ کلیاتی ازچگونگی شهرهرات ۲ـ درهوای آنشهر.

۳ـ درآب شهر.

۴ـ زنان آن، دراینجا شیخ خودرا دلباخته زنان هرات نشان میدهد.

۵ـ میوه‌های آن شهر وفراوانی و ارزانی آن.

۶ـ انگورآن دراینجا گوید ۸۰ گونه انگورهست، وچهارتای آنرا نام برده.

۷ـ خربزهٔ هرات.

۸ـ چگونگی آموزشگاه «میرزا» درهرات.

۹ـ چگونگی بخش گازرگاه که ازگردشگاههای هرات است.

۱۰ـ افسوس از گذشتن روزگاری که درآن شهر زیسته است.

آغاز:

الحمدلله العلی العالی ذی المجدوالافضال والجلال

انجام:

وانت یا سوالف الایام علیک منی اطیب السلام

[۲۲۹]

۱۸۹ نسخه دردفتریست و برگهای (۹۶ـ۱۰۰) آنراگرفته خط نسخ، عنوانها شنگرف.

دیگرخصوصیات نسخه در ص ۵۰۸ یاد شده است.

[۲۱۱] **سفرنامهٔ ابن الشیخ** (سفرنامه ـ فارسی)

شیخ محمدحایری معروف‌ابن‌الشیخ سومین پسرشیخ زین‌العابدین معروف بآیةالله مازندرانی پسر مسلم بارفروشی مازندرانی میباشد. شیخ زین‌العابدین از روحانیان درجهٔ اول ساکن کربلا (م ۱۳۰۸ ق) و نگارندهٔ «ذخیرة المعاد» میباشد که همهٔ روحانیان پس از او، آنرا حاشیه نگاشته‌اند و بارها درایران وهند چاپ شده است. شیخ زین‌العابدین سه پسربنام عبدالله وعلی ومحمد داشته وسومین ایشان بعدها لقب ابن‌الشیخ گرفت. اودر کربلابسال (۱۲۸۲ ق) بزاده و برپدرعلم آموخت و پس از مرگ پدر (۱۳۰۸) شاگرد میرزا حبیب‌الله رشتی بود و پس‌از مرگ او (۱۳۱۲ ق) بخواهش مریدان پدرش بهندوستان رفت ودرپیرامن چهارده‌سال درآنجابماند. برخورد بامیلتهای گوناگون اورابسیاست استعماری غرب آگاه کرد و بآزادیخواهی کشانید و پس‌از بازگشت بایران با مشروطه خواهان همکاری کرد و پس‌از بماران مجلس در (۲ تیر ۱۲۸۷= ۲۳ج - ۱۳۲۶ ق) وتسلط شاه برمردم وی بنجف رفته روحانیان آنجا: آخوند محمدکاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی را به هواخواهی از مشروطیت تشویق میکرد. ولی چنانکه میدانیم روزگارسیاه که بنام «استبداد صغیر» خوانده شده کوتاه بود، و در (۱۵ـ اردیبهشت ۱۲۸۸ = ۱۴ع۲ = ۱۳۲۷ق) قزوین بدست آزادیخواهان افتاد وسپس در(۲۵ تیر۱۲۸۸= ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷ق) تهران نیز بدست‌مردم افتادوشاه‌فرار کردومجلس‌دوم گشوده‌شد،پس آزادیخواهان بکشور بازگشتند، و ابن‌الشیخ نیز ازنجف بایران بازگشت و ازطرف دولت ملی بعنوان نخستین رئیس دیوان کشورمنصوب ودوسال این کار را انجام میداد

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ولی نتوانست با مسیو برنی مستشار فرانسوی دادگستری همکاری کند و از کار کناره گرفت، وسپس مدتی نیابت تولیت مدرسهٔ سپهسالار باو وا گذارشد واز آن نیز کناره گرفت، ودرپیرامن سال (١٣٤٠ ق) بقم رفت ودر ٢٣ــ ج ٢ــ ١٣٥٠ق بسکته قلبی در گذشت ودر مسجد بالاسر ضریح معصومه (ع) بخاکش سپردند.

سفرنامهٔ جای گفتگو گزارش روزانه اوست از روز حرکت از نجف برای باز گشت بایران پس از فرارشاه تارسیدنش بانجا. ودارای مطالب تاریخی سودمند میباشد. دراین کتاب از پسرش جعفر که اکنون بنام جعفر جهان وکالت دادگستری میکند و از دامادش محمدباقر که اکنون در تهران بنام شیخ محمد باقر ریاست دادگاه شرع دارد نام برده. ازاین سفرنامه چیرگی او بردانشهای کلاسیک روزگار خود و نیز اطلاعات ریاضی و ستاره شناسی او آشکار میشود همه جا دانشمندان و روحانیان شهرها بدیدارش میآیند، روز عید غدیر ــ ١٨ ــ ذیحجه ١٣٢٧ ق برابر اول سال ١٩١٠ م در کاظمین مانده وروزبعد بسوی ایران حرکت میکند همان روز دریعقوبه است و میگوید بار سوم است که باین شهر آمده‌ام یکبار سال ١٣٠٥ق بود. روز ٢٢ ذیحجه ملاقربانعلی (١) که مشروطه‌خواهان تبعیدش کرده‌بودند بانجا میرسد وباو برخورد میکند وچون ملا از مشروطه گله‌میکند ابن‌الشیخ میگوید: «آثار بدی که ظاهر شده (٢) تقصیر مشروطه نیست». بکرمانشاه که میرسد بنائب‌السلطنه وسپهدار آگاهی میدهند وفرماندار کرمانشاه ازطرف دولت اورا گرامی میدارد، دراینجا از مجالس مجاهدین وتجار قفقازی (٣) دیدار

---

(١) ملاقربانعلی از آخوندهائی است که بقاء وپایداری روحانیت را وابسته به برقراری حکومت اشراف میدانست وبا آزادیخواهان ستیزها کرد و مردم شهر خود زنجان را چندبار بخون کشید، ولی چون آزادیخواهان پیروز شدند بجای اینکه وی را اعدام کنند اورا بعراق عرب راندند.

(٢) گویا ابن‌الشیخ از کسانیست که گمان میکردند مردم ایران فقط ازقدرت وزور اشراف ودولتیها بیزارهستند واگر ازدست ایشان رهاشوند بقدرت ونفوذ روحانیان سرفرود میآورند، چون دراین هنگام میدید مردم پس ازفراردادن شاه، ازسر شیخ فضل‌الله‌ها و ملاقربانعلی‌ها نیز دست برنداشتند، نگران شده است. (٣) نباید فراموش کرد که آزادیخواهان ایران همیشه باسوسیال دمکراتهای قفقاز رابطه داشتند.

میکند، مردم کرمانشاه که از انجمن ایالتی خودناراضی بوده تجدید انتخابات را ازاومیخواهند ولی اوروی پنهان کرده‌است. دردولت‌آباد عضدالسلطان برادر محمدعلی شاه فراری ازاو دیدن کرده و از برادرخود بیزاری میجوید.

آغاز: روزچهارشنبه سیم شهرذی‌قعدة‌الحرام سنهٔ یکهزاروسیصدوبیست وهفت هجری مطابق بیست وپنجم ماه عقرب تقریباً چهار ساعت بغروب مانده ازخوانه (چنین) بیرون آمدیم. ساعت نه وده دقیقه . . .

انجام نسخه دانشگاه افتاده است. و تا تاریخ ٢٣ محرم سال ١٣٢٨ را دربردارد که نگارنده بدلیجان رسیده است.

ابن‌الشیخ کتابچه‌یی بنام «تمیزیه» یا «قانون دیوان عالی تمیز» درذیحجهٔ همان سال ١٣٢٨ ق که تهران رسید در ١٤٩ ماده بنگاشت و در (٥٤ ص) درتهران درچاپخانهٔ تهران بسال ١٣٢٩ ق چاپ کرد

[٢٣٠]

٨٨٠ نسخه‌بخامهٔ خود نگارنده ابن‌الشیخ خط نستعلیق. روزبروز درپایان سال ١٣٢٧ وآغاز ١٣٢٨ ق نوشته شده است. صفحه شمار جداگانه دارد ومیان صفحه‌های (٦ــ١١ و ١٦ــ٤٩) دوجا افتادگی دارد.

دردفتری جا دارد وبرگهای ٩ تا ٣٨ آنرا گرفته است

همهٔ دفتر ١٠٨ برگ این کتابچه ٣٩ برگ است. کاغذ فرنگی سفید. جلد مقوائی رویهٔ مشکی لهٔ تیماج سبز. اندازه: ٩×١٧ و ١٣×٢٠: ١٢ سطر.

[٢١٦٢] سلم السماوات (تاریخ رجال)

شیخ ابوالقاسم پسر ابوحامد پسر نصرالبیان انصاری کازرونی، شاگرد وجیه‌الدین سلیمان قاری فارسی است، که او شاگرد غیاث‌الدین منصوردشتکی (م ٩٤٨ ق) بوده است. شیخ ابوالقاسم درنیمهٔ دوم سدهٔ دهم و یا آغاز یازدهم این کتاب را در گزارش زندگی شاعران و فیلسوفان و اشراف روزگار ساخته، وزندگی خویش نیز در آن گزارش داده است. گویا نگارنده نوادهٔ

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

نصرالبیان (۱) پسر نورالبیان فیلسوف و صاحب کتاب «حقیقة الواجب تعالی» باشد، که در (ذریعه ۷ : ۵۰) یاد شده است.

نسخه‌یی از این کتاب نزد صاحب روضات بوده و او در آن کتاب (ص ٦٦۹) از آن نقل کرده است.

جای گفتگو گلچینی از این کتاب است که دنبال نسخهٔ أمل الآمل شیخ حر که در (ص۵۰۵تا۵۰۸) آنرا یاد کردم آمده است. دست چین کننده محمد ابراهیم تبریزی است. او نخست أمل الآمل را کوتاه کرده و سپس سلم السماوات را نیز در دنبال آن کوتاه کرده است.

[۲۳۱]

۱۸۹ نسخه در دو فهرست و (گ ٦۸–۷٦) آنرا گرفته خط نسخ نویسنده خود گردآورنده! محمد ابراهیم تبریزی است که در پایان سدهٔ سیزدهم آنرا نوشته است. دیگر خصوصیات نسخه در (ص ۵۰۸) یاد شده است.

[۲۱۳] شاهد صادق (همه گونه ـ فارسی)

نگارنده. میرزا صادق صادقی (۲) اصفهانی از دانشمندان ایرانی سدهٔ یازدهم (ز ۱۰۱۸ م ۱۰٦۱ ق) در هندوستان و جد میرزا طاهر نصرآبادی است. خودش گزارش زندگی خویش در مطلع دوازدهم از جلد سوم «صبح صادق» آورده گوید (۳) بسال (۱۰۱۸ق) در بندر سورات هندوستان بزاد، و پدرش محمد صالح کاردار میرزا عبدالرحیم خان خانان (٤) می بود. در ۱۰۲۷ ق با پدر باله آباد شد و چند سال در پتنه و جونپور دانش آموخت و در ۱۰۳۵ ق با پدر بدکن رفت و در ۱۰۳٦ ق واقعه نویس شاه جهان شد، و شاه جهان اورا بشهره جهانگیرنگره

(۱) چنانکه از (ذریعه ۷ : ۵۰) برمی‌آید نصرالبیان تا ۹۸۹ ق زنده بوده است.
(۲) تخلص شعری صادقی را اقبال از فهرس ریو ج ۲ ص ۷۷۵ و ج ۳ ص ۸۸۹ و ۱۰۹۳ آورده است.
(۳) بنقل از مجلهٔ یادگار سال دوم شمارهٔ چهارم ص ۲۰.
(٤) عبدالرحیم خان خانان از سرداران اکبر شاه و جهانگیر پادشاه بود و در (۹٦٦–۱۰۳٦ق) میزیست و «واقعات بابری» را او بفارسی گردانیده است.

پایتخت بنگاله فرستاد، و با رتبهٔ بخشی بدستور قاسم خان فرماندار بنگاله با یکی از سران افغان جنگید. و پس از مرگ قاسم خان پسرانش بصادقی بی‌مهر شده بزندانش افکندند و در ۱۰٤۸ ق از زندان سلیم آباد بنگاله رهائی یافت و آزادانه گوشه‌نشینی گزید.

نواده‌اش میرزا طاهر در «تذکرهٔ نصرآبادی» گوید (۱) چون هنگام اسب جهانیدن افتاد و یك چشم او کور شد چشمی از مینا بجای آن نهاد و بمیرزا صادق مینا(۲) نامبردار شد، از دانشها بویژه هندسه و حساب و اسطرلاب بهره‌ور بود، و با این همه در سپاهیگری نیز سرآمد بود، در دریا خشکی جنگهای مردانه کرد و گزارش آنرا بسرود و برای من فرستاد و در (۱۰٦۱ق) درگذشت.

از این مرد دو اثر بدست مانده یکی «صبح صادق» در تاریخ که از آغاز اسلام تا سال (۱۰٤۸ ق) را سده بسده گردآورده است و در آن گزارش زندگی مردان تاریخ را بسیار یاد کرده است. نسخهٔ این کتاب در بریتش موزیوم هست (فهرست ریو ج۳ ص۸۸۹) و دیگر شاهد صادق است که جای گفتگو است.

وی این کتاب را در پیرامن سال ۱۰۵٦ ق در پنج باب و یك پایان‌نامه نگاشت و فهرست آن در نسخهٔ دانشگاه چنین است: باب یکم مذهب (گ ٤ تا ۸۰) دوم سیاست (گ ۸۰ تا ۱٤۲) سوم هنر و دانش (ك ۱٤۲–۲٤۲) چهارم خوب و بد (دوستی، دشمنی و دارائی نادری) (ك ۲٤۲–۳۰۷) پنجم تاریخ و جغرافیای آسمان و زمین (ك ۳۰۷–٤۲۰) پایان‌نامه در ضبط اسماء.

در این پنج باب همهٔ دانشهای کلاسیك روزگار خویش را گرد آورده و مانند دائرة المعارف ساخته است وهر باب را بچند فصل بخش کرده، و اینك فهرست فصلهای این کتاب:

(۱) تذکرهٔ نصرآبادی ج تهران ۱۳۱٤ ص ٦٤.
(۲) ابن یوسف شیرازی در فهرست کتابخانهٔ مجلس (ج۳–ص۲٦٦–۲٦۷) تخلص میرزا صادق را مینا پنداشته است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

باب یکم درمذهب صد و هفت فصل دارد

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

باب دوم سیاست و در آن هفتاد و هفت فصل است

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

باب سوم هشتاد فصل دارد

باب چهارم

هفتاد و پنج فصل دار

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

باب پنجم
تاریخ وجغرافیای جهانی
نود و شش فصل دارد

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

فصل شمار	گفتار	برك شمار	فصل شمار	گفتار	برك شمار
٨٦	نكوهش زبان	٤١١	٩٢	آلت مردى	٤٢١
٨٧	شوخى چند	٤١٢	٩٣	آلت زنان	٤٢٢
٨٨	بوسه و بازى	٤١٣	٩٤	حيض	٤٢٣
٨٩	نزديكى	٤١٣	٩٥	بول و غايط	٤٢٣
٩٠	زنا و جاكشى	٤١٥	٩٦	گوزيدن	٤٢٥
٩١	بچه‌بازى (لواط)	٤١٧	—	پايان نامه‌ در ضبط نامها	افتاده

درفصل ٧٩ باب سوم كه درتاريخ سالانه است از كتاب «صبح صادق» خويش نامبرده گويدا ين كتاب جوينده را از كتابهاى بسيار بى نياز كند. (برك ٢٠١- الف نسخهٔ ١٣٠ دانشگاه ديده شود). چنانكه درفهرست بخشهاى كتاب خواهيم ديد اين كتاب مطالب بسيار و سودمند و گاهى گرانبها دربر دارد. فصل ٧٩ باب سوم درتاريخ است واز آغاز اسلام سالانه رويدادها را آورده است وبيشتر مرك بزرگان را ياد كرده است. اين بخش را آقاى اقبال آشتيانى درمجلهٔ يادگار شمارهٔ ٤ تا ١٠ سال دوم درسال ١٣٢٤ درتهران چاپ كرده‌است. فصلهاى باب چهارم بيشتر وضع اجتماعى روزگار خويش را نشان ميدهد، ودوراز تعصب مذهبى ازبازيهاى گوناگون، مجالس شب‌نشينى، رقص، آواز، شرب گفتگو دارد، واز كتاب «اباحت شرخمر» نگارش قطب‌الدين مظفر عبادى بنقل ابن‌خلكان ياد ميكند. (ك ٣٠٤- الف).

درفصل هشتاد باب سوم مثلهاى فارسى را بترتيب حرفهاى الفباء بسيجيده است

درفصل پنجاه ويكم باب چهارم جغرافياى هفت اقليم زمين را با فهرست الفبائى شهرهاى بزرك با جدول طول وعرض جغرافيائى آنها آورده است.

نسخهٔ اين كتاب كه بشمارهٔ (١١١٠) در كتابخانهٔ دانشگاه هست و چنانكه ديديم افتادگيها دارد، درپيرامن (١١٣٥٠ بيت نوشته) دربردارد.

[٢٣٢]

١١١٠ نسخه بخط نستعليق. آغاز وانجام افتاده ونام نويسنده و تاريخ ندارد. ولى خط وكاغذ ازسدهٔ يازده يادوازده مينمايد. عنوانها باشنگرف است. جمله‌هاى عربى را با نسخ نوشته برگهاى (٣٥٢ تا ٣٦٨) نقشه‌هاى جغرافيائى است كه بروش

گذشتگان وصورتهاى خيالى نقاشى شده وطول وعرض جغرافيائى همهٔ نقاط درجدولى بكنار رويه‌ها نوشته شده است. و دربالاى اين رويه‌ها شمارهٔ اقليمها از يك تا هفت معين شده است. نقشه‌ها با لاژورد وشنگرف وزردى وسياهى رنگاميزى شده است. درفصل رمل و حساب جدولهائى با شنگرف كشيده و بيشتر آنها سفيد مانده است. برخى عنوانها را دركناررويه باسياهى درشت نوشته‌است. برخى حاشيه‌ها نيزدارد.

دربرگهاى (٥و١٢و٢٣و١٨١و٣٠٩) صفحه‌ها سفيدمانده وبخامهٔ ريزنوشته‌اند: اصل نسخه افتادگى داشته. ونيزميان برگهاى (٥و٦) و (١٧٠-١٧١) وپس‌ازبرك ٤٢٦ پايان نسخه افتادگى ديده ميشود.

نسخهٔ ديگرى ازاين كتاب در كتابخانهٔ سپهسالارهست كه افتادگيهاى دستهٔ يكم درآن نيزديده ميشود وگويا اين دونسخه را از روى يك نسخه و يا ازروى يكديگر نوشته‌اند، ولى نسخهٔ سپهسالار افتادگيهاى دستهٔ دوم را ندارد، وخاتمه را كه بخش سودمند اين كتاب است دربرميدارد.

(٤٢٦برك) كاغذ سپيد آهار مهره شده. جلد تيماج مشكى مقوائى.

اندازه ٣٣/٨×٢٠/٨ و ١٣×٢٦ : ١٨ سطر.

[٢١٤] شرح مشيخة من لا يحضره الفقيه (رجال- عربى)

من لايحضره الفقيه . يكى ازچهار كتاب است كه پايهٔ فقه وحقوق مذهبى شيعه برآنها استواراست واندكى در ص٧٢٤ دربارهٔ آن گفتگو كردم. نگارندهٔ آن شيخ صدوق محمد پسر على پسر حسين ابن بابويه است كه از پايه گذاران مذهب شيعه درسدهٔ چهارم ميباشد و در (٣٨١ ق) درگذشته‌است. شيخ طوسى درفهرست ونجاشى دررجال اورا به نيكى ياد كرده ونام چندين كتاب اورا ياد كرده وشمار نگارشهاى او را سيصد دانسته‌اند. ولى برخى درثقه‌بودن او شك نموده‌اند و بويژه برخبرهاى گسسته كه در كتاب من‌لايحضر آورده خورده گرفته وآنرا برخلاف وعده‌يى كه درآغاز كتاب داده شمرده‌اند، ولى پيشيان كه‌نيازمند درستى خبرهاى كتاب من لايحضر بودند، همگى صدوق‌را ثقه خوانده ودر اثبات عادل بودن وى سخنها رانده‌اند. ازنظرسياست نيز ازداستانى كه‌درمجالس المؤمنين آمده چنين برميآيد كه خاندان آل‌بويه، اميران سدهٔ چهارم وپنجم، همان استفاده‌را ازصدوق برده‌اند كه مغلها ازعلامهٔ حلى درسدهٔ هشتم.

مشیخة من‌لایحضره‌الفقیه: روش صدوق در من‌لایحضر(۱) آنست که زنجیرهٔ سند خبرهارا نیاورده و فقط نام آخرین گوینده خبرهارا یاد کند، و از این روی ناگزیر شده است که در پایان کتاب بخشی بنام مشیخهٔ بیفزاید، و در آن زنجیرهٔ خود را درروایت از هرراوی که نامش در کتاب آمده، فهرست‌مانند یاد کند، و زنجیره‌ها را یکجا بهم پیوند دهد.

شرح مشیخه: برای مشیخهٔ من‌لایحضره‌الفقیه باخود کتاب شرحها وحاشیه‌ها نگاشته شده است و پانزده حاشیهٔ آن در (ج ۶ ص ۲۲۴ ذریعه) آمده است. بنامترین شرحهای مشیخه: شرح ملامراد تفرشی بنام «تعلیقهٔ سجادیه» و شرح حاجی نوری است که در (ص ۵۴۷ تا ۷۱۸) جلد سوم مستدرك‌الوسایل چاپ شده‌است، وشرح مجلسی که جای گفتگواست. وشرح سیدهاشم‌بحرینی (م۱۱۰۷ ق) وشرح وترتیب صاحب معالم (م۱۰۱۱ق) وطریحی (م۱۰۸۵ق) وفائدهٔ ششم بخش دوم عدة‌الرجال اعرجی (گ۱۲۷-۱۶۸ نسخهٔ ۹۸۸دانشگاه)، وحاج محمد حسین قاضی تبریزی (م ۱۲۹۳ ق) میباشد، و نیز گلستانه علاءالدین محمد این مشیخه را پسیجیده ودر ۲۴ دائره گنجانیده است، بدین‌سان که درهر دائره نام صدوق درمیان و دور آن نام چندتن از استادان او و دور آنها نام استادان هریك و همین گونه بالا آمده تا بامام میرسد (ذریعه ۴ : ۶۹ دیده شود). و نیز ملااسماعیل مازندرانی کتابچه‌یی دراعتراض برشرح مجلسی نگاشته که نسخهٔ آن دراین کتابخانه هست (شمارهٔ ۷۹۱ ك۹ ب) دیده شود.

گردآوری رجال روایت یك یا چند کتاب، رشته‌یی از راوی شناسی است و چنانکه‌در (ص۴۸۵) نوبعدادم‌نام چند کس‌را که‌بویژه دراین رشته کار کرده‌اند دراینجا میآورم:

احمد پسرمحمد گل‌آبادی (کلاباذی) (م ۳۹۸ق) رجال کتاب بخاری را گرد آوورده است.

– محمد پسرداود کرد (م ۹۲۵ ق). رجال بخاری دارد.

(۱) نگارندگان هریك ازچهار اصل شیعه روش ویژه بخود دارند، چنانکه کلینی مانند بیشترفقیهان آن روزگار زنجیرهٔ سند همهٔ حدیثها را در «کافی» آورده است.

– ابن‌منجویه احمد پسرعلی (م ۴۲۸ ق) رجال کتاب مسلم دارد.

– احمد پسرعلی اصفهانی (م ۲۶۹ ق) رجال کتاب مسلم دارد.

– مقدسی، محمد پسرطاهر (م۵۰۷ ق) رجال‌بخاری‌ومسلم‌را گرد کرده. هبة‌الله‌الکائی (م ۴۱۸ ق) رجال مسلم و بخاری دارد.

– حبانی، حسین پسرمحمد (م ۴۹۸ ق) رجال سنن ابوداود دارد

– محمد پسرعبدالله خطیب. رجال «المشکاة» دارد.

– عسقلانی، ابن‌حجر. رجال چهار کتاب چهارامام‌سنی‌را گرد کرده‌است.

– احمدپسراحمد کرد(م۷۶۳ق) رجال‌چهار «سنن»: (ترمذی، نسائی، ابوداود، ابن‌ماجه) را گرد آورده است.

– ابومحمد عبدالغنی پسر عبدالواحد پسر سرور مقدسی (م ۶۰۰ ق) وی رجال‌شش «صحیح...» را گردآورده و «الکمال» نامید.

– رمزی، یوسف پسرزکی (م ۷۴۲ ق) آنرا راست کرده و درسیزده جلد، «تهذیب‌الکمال» نامید.

– عمر پسرعلی ملقن (م ۸۰۲ ق) دنبالهٔ آنرا نگاشت وآ «اکمال‌التهذیب» نامید.

– سیوطی (م ۹۱۱ ق) نیز دنبالهٔ برآن نگاشت. و نیز کتابی دیگر در رجال‌موطأ مالك بساخت

– ابن‌حجر از نوآنرا راست کرده و «تهذیب‌التهذیب» نامید.

شرح مجلسی برمشیخه: مجلسی نخست کتاب من‌لایحضررا گزارش داده و پس‌از پایان آن بشرح مشیخهٔ آن پرداخته و دردیباچهٔ آن بدین‌معنی اشارت کرده گوید: چون شرح کتاب را بپایان رساندم خواستم فهرستی‌را که صدوق درپایان آن افزوده است، نیز گزارش دهم. این کتاب درنسخهٔ شمارهٔ (۵۰۸ دانشگاه) درپیرامن (۷۷۰۰ بیت نوشته) دارد.

آغاز: الحمدلله رب‌العالمین ... وبعد فیقول احوج‌المحتاجین الی رحمة ربه‌الغنی محمد تقی‌بن علی الملقب بمجلسی‌انه لما وفقنی...

انجام : مع‌الاشارة الی بطلان ماذکره بعضهم لقلة‌التدبرفیه والمرجومن‌الله ان یوفقنی لشرح باقی‌الکتب . . . الطاهرین‌المعصومین وقدوقع‌الفراغ‌فی‌شهر رجب‌الاصب لسنة اربع وستین‌والف علی‌یدمؤلفه . . . المجلسی‌العاملی‌النطنزی الاصفهانی . . .

نگارنده : محمد تقی پسرمقصود علی مجلسی ازدانشمندان سدهٔ یازدهم است که دراصفهان بسال (۱۰۰۳ ق) بزاد، ودرهمانجا بسال (۱۰۷٤ ق) در گذشت . وی نیاکان خویش را از جبل عامل می‌داند ، خاندان اودراصفهان درپایان سدهٔ دهم به پیروی ازدربارصفوی باصوفیگری خو گرفته بودند، ولی خودش درسدهٔ یازدهم در دورهٔ تحول (۱) مذهب صفوی پرورش یافته و ازین روی دربرخی

(۱) چنانکه در ص ۵۵۲ و ۵۸۷ گفتم پایهٔ حکومت صفوی براشرافیت کهٔ رنگ مذهبی بخود گرفته استوار بود ، پیش‌از شاه عباس پایهٔ این مذهب برقشر صوفیان وقلندران صافی‌ضمیروارسته که پای‌بندمقررات ظاهری‌فقیهان نبودند استوارمیگردید ، وچون این دسته دردورهٔ (۹۸۵-۱۰۰۰ ق) بداشتن امتیازات مغرور و بردربارچیره شده‌بودند، شاه‌عباس برای باز گردانیدن‌قدرت دربارازآنهاروی گردان‌شد وبسر کوبی فرقه‌های گوناگون ایشان دست زد و خونها ریخت و همین فجایع که انجام داده بود زیستن او را درقزوین دشوار کرد پس در (۱۰۰٦ ق) پایتخت را باصفهان آورد و بااین‌کارتوانست آزادانه دستگاه روحانیت نوین بجای دستگاه سابق صوفیان زیر نظر خویش براه‌اندازد . وازین‌هنگام گفتگوی (صوفی – فقیه) براه افتاد ، ستیزهای میان شیخ بهائی (فقیه) و میرداماد (فیلسوف اشراق) وهمچنین کتابها که محمد طاهر قمی (فقیه) ومحمد تقی مجلسی (صوفی) دررد یکدگرو کتابها کهٔعبدالحسیب و پدرش احمدبن زین‌العابدین علوی عاملی و میرلوحی برد صوفیان نگاشتند پرده‌هائی ازاین سیاست‌نوین صفوی‌بود ، وسپس درپایان سدهٔ یازده بشکست صوفیان پایان داده شد ، و دانشگاه اصفهان بدست فقیهان افتاد . در اینجا خاندان مجلسی که امام جمعگی وشیخ‌الاسلامی اصفهان داشتند ، ایستادگی نکرده وبرنگ روز درآمدند و مجلسی‌دوم در کتابهای خویش صوفی‌بودن خاندان خود فراموش کرد و کتابی که پدرش در رد برمحمدطاهر نگاشته انکار کرد. برای آگاهی ازجنگ (فقیه–صوفی) دراصفهان؛ ذریعه (ج ۲ ص ۲۰۰ و ج ٤ ص ۱۵۰ و ٤۹٦ و ج ٦ ص ۳۸٦) دیده شود .

ازنگاشته‌هایش طرفدار افکارصوفیانه وفلسفه‌اشراق است ودر برخی آن افکاررا باروش قشری آخوندی درهم آمیخته است ، و اگر زندگی او را بدو بخش سازیم، خواهیم‌دید که وی درنیمهٔ یکم طرفدار صوفیگری است و درنیمهٔ دوم روش قشری‌فقیهان را درپیش گرفته‌است ، و گویا سفرنجف که بسال (۱۰۳۸ق) رفته،در گرایش او بسوی فقیهان و دوری او از صوفیگری مؤثر بوده است .

آثاراو : صاحب روضات در ص ۱۳۰ این کتابها را برای او یاد کرده :

۱– شرح عربی برفقیه (جای گفتگو) .

۲– شرح فارسی برآن کتاب .

۳– شرح فارسی صحیفهٔ سجادیه (۱) ناتمام .

٤– شرح عربی برصحیفه (ناتمام) .

۵– حدیقة‌المتقین–٦– کتابچه دررضاع .

۷– کتاب رجال .

۸– شرح زیارت جامعه . (که مانندآن درج ۱ ص ۱٤۰ گذشت) .

۹– شرح حدیث همام . (خطبهٔ همام بند ۱۹۱ نهج‌البلاغه) .

۱۰– حاشیه‌های بسیار بر کتابهای گوناگون که درج ٦ذریعه آمده‌است .

۱۱– اجازه‌های بسیار که بشاگردان خویش داده واندکی‌ازآنها درجلد بیست وپنجم بحار و در ج ۱ ذریعه آمده است .

۱۲– کتابی درگزارش خوابها که خود دیده است .

[۲۳۳]

۵۰۸ نسخه بخط نسخ ، نام نویسنده و تاریخ ندارد . دردفتری جای دارد که نیم نخست آنت تعلیقات بهبهانی و نیم دوم این کتاب و هردو یک خامه است و تاریخ پایان تعلیقات چنانکه درص ۵٤۷ گفتم۱۲۸٤میباشد . از برگ ۲۰۱ تا ۳٤۰

(۱) کوشش مجلسی برای پخش دعاهای صحیفه درمیان مردم و داستان خواب دیدن او و روایت کردن صحیفه بی واسطه ازامام درج ۱ ص۱٦۰ این فهرست دیده شود .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

دفتر را گرفته است. عنوانهای درجه یك با شنگرف است، و روی عنوانهای دیگر خط شنگرفی کشیده است.

همه دفتر ۳۴۰ برك این کتاب ۱۴۰ برك. کاغذ فرنگی سفید آهارمهره. جلد تیماج سرخ عنوانی فشاری اندازه: ۲۱×۳۰ و ۱۰×۳۰: ۲۳ سطر.

[۲۱۵] **شهنشاهنامه** (تاریخ - فارسی)

تاریخ منظوم پادشاهی فتحعلی شاه و برادر پدرش محمد شاه قاجار است. سراینده فتحعلی خان کاشانی است که «صبا» تخلص میکرد و از طرف شاه لقب «ملك الشعراء» داشت، وی در کاشان بزاده و در جوانی شاگرد همشهری خویش «صباحی کاشانی» بود، و مدتها در شیراز لطفعلی خان زند را ستایش میکرد و پس از واژگون شدن خاندان زند، باباخان قاجار فرمانداز شیراز را ستایش میکرد، و چون محمد خان قاجار کشته شد و بابا خان بنام فتحعلیشاه جانشین او گشت صبا را همراه خویش بتهران آورد و گرامی میداشت، و سپس مدتی از طرف شاه فرماندار کاشان و قم شد، و پس از آن بتهران خوانده شد و بشاعری دربار و ملك الشعرائی گماشته شد. و بگفته مجمع الفصحاء در (۱۲۳۸ ق) درگذشت.

هدایت در مجمع الفصحاء (۱) و ریاض العارفین و دنباله روضة الصفا او را یاد کرده گوید: از هفتصد سال باین سوی شاعری همانند او در ایران نیامده است، و خود در «خداوندنامه» خویش را با فردوسی سنجیده است. ولی گرچه صبا شعر استوار و شیرین سروده امارویش چاپلوسانه و گزافه گوئی او درباره دربار ارزش شعر او را پائین آورده است.

آثار او: - خداوند نامه در تاریخ مذهبی اسلام در سی هزار شعر که آنرا درسه سال سروده است، و نسخهٔ آن که تا داستان «لیلة الهریر» در بر دارد نزد سعید نفیسی در تهران هست.

- شهنشاه نامه (جای گفتگو).
- گلشن صبا. که با گزارش زندگی صبا در تهران (۱۳۱۳) چاپ شده است.
- دیوان صبا که در پیرامن پانزده هزار شعر دارد.

(۱) مجمع الفصحاء چ تهران ج ۲ ص ۲۶۸.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir



چوگان بازی فتحعلیشاه

نمونهٔ یکی از تصویرهای شهنشاه نامهٔ فتحعلیخان صبا نسخهٔ شماره ۱۰۳ این کتابخانه میان صفحه ۶۱۰ و ۶۱۱

جای گفتگو شهنشاهنامه اوست که بگفته خود (۱) چهل هزار شعر دارد و در چهل و پنج سالگی آنرا آغاز کرده (۲) و تا سال دهم پادشاهی فتحعلی شاه در آن کار کرده است (۳).

در آغاز کتاب پندهائی برای فرزند خود حسین (٤) متخلص «عندلیب» که پس از او لقب «ملك الشعراء» گرفته است، سروده. کتاب را در سه تا چهار سال سروده (٥) و «شهنشاه نامه» نامیده (٦) ولی عبدالوهاب موسوی در پیش گفتار آنرا «شاهنشاه نامه» نامیده است (۷) صبا با اینکه به پیروی بی جا از فردوسی خودرا مؤبد (۸) خوانده و از دهقان روایت کرده است، شاه قاجار را بزرگ بودن ستوده (۹) و اورا افراسیاب خوانده (۱۰) شهنشاهنامهٔ صبا در بمبئی بسال ۱۸۹۰ م چاپ شده است.

---

(۱) در گ ٤۲۰ نسخهٔ ۱۰۳ دانشگاه گوید:

در آن چل هزار از گهرهای ناب ... ز تابش گواژه زنت آفتاب

(۲) در گ ۱۵ ــ الف نسخهٔ ۱۰۳ دانشگاه گوید:

ز پنجه گرم کم بود سال پنج ... ولی بردم افزون ز صد سال رنج

(۳) نسخهٔ دانشگاه پایان نامه‌یی دارد که در آن از بخچهٔ کوتاه سال بسال پادشاهی فتحعلیشاه را از یکم تا دهم آورده، و در سال دهم رسیدن نامهٔ ناپلئون را یاد کرده است.

(٤) در گ ۱٤ ب نسخهٔ دانشگاه گوید:

حسین ای گرانمایه فرزند من ... چو آویزه در گوش کن پند من

(٥) در گ ٤۱۹ ب گوید:

من این داستانها بسالی سه چار ... سرودم بنام جهان شهریار

(٦) در گ ٤۲۰ ــ الف گوید:

بنام شهنشه چو انجام یافت ... شهنشاه نامه از او نام یافت

(۷) گ ۹ ــ الف نسخهٔ دانشگاه دیده شود.

(۸) در گ ۱٦ ــ الف گوید:

گزارش ز دهقان بسیاردان ... گزارد چنین مؤبد کاردان

(۹) در گ ۷٥ ب و جاهای دیگر گوید:

جهاندار فتح علی شاه ترك ... جهانبان قاجار شاه بزرك

(۱۰) در کشتن محمدشاه در گ ۱۷ ب گوید:

بخاك اندر افتاد افراسیاب ... بقیر اندر اندود رخ آفتاب

آغاز :

بنام خداوند آموزگار — نگارندهٔ نامهٔ روزگار
سرآغاز هر نامه‌یی نام اوست — همالش چو آغاز و انجام اوست

انجام :

که نگسستیم رشتهٔ زندگی — رسانم بانجام این بندگی
که این شاه را بر سرت کام باد — چو آغاز یزدانش انجام داد

پیش از آغاز نسخهٔ این کتابخانه پیشگفتاری بخامهٔ عبدالوهاب الموسوی در گزارش زندگی سراینده (صبا) وستایش از کتاب در ۱۵ صفحه دیده میشود .

[۲۳٤]

۱۰۴ نسخه بخط نستعلیق . نام نویسنده ندارد . درپایان نسخه (گ ۴۲۰ ب) تاریخ ۱۲۲۷ ق دیده میشود . گویا نسخه برای شاه نوشته شده‌است. هر رویه چهار ستون (هر سطر دو بیت) دارد . همهٔ رویه‌ها با زر وسیاهی و لاژورد جدول بندی شده ، جدولی گرداگرد صفحه و سه جفت جدول میان لنگه شعرها دارد . در برگهای ۸۱ و ۹۷ و ۱۳۶ و ۲۵٤ و ۳۱۲ و ۳۱۵ ، هفت پرده نقاشی از میدانهای رزم ومجلسهای بزم و میدان بازی دیده میشود که با رنگهای سبز وزرد و سرخ و نارنجی و قهوه‌یی وآبی و گلی وسیاه وسفید نقاشی شده است . عنوانها باشنگرف درمیان صفحه نوشته شده‌است، در برگ (۱ـ الف) شعرهائی با خط بد نوشته شده .

(۴۲۱ برگ) کاغذ ۵ برگ ۴۷۸ کلفت و سفید آهار مهره و ازآن میان نازکتر و سفید است . جلد روغنی گل و بوته فرسوده شده است . له لیماج سرخ درون نیز روغنی سرخ دو برگ سفید درآغاز ودوتا درانجام افزوده شده . اندازه ۳۷ × ۲۳/۵ و ۱۷ × ۲۸ : ۳۰ سطر .

[۲۱٦] **الضعفاء ابن الغضائری** (رجال ـ عربی)

دست برد درحدیثها (حدیث سازی و افزودن و کاستن از حدیثها) درهمان سده‌های نخست دانشمندانرا وادار کرد ؛ کتابها برای شناساندن حدیث سازان ودروغگویان وسست و ضعیفها بنگارند .

شاید کرابیسی؛ حسین پسر علی (م ۲٤۵ ق) نخستین کس باشد که کتابی بنام

« المدلسین » (۱) بساخت وسپس نسائی ودارقطنی و مقدسی احمد پسر ابراهیم هریک کتابی نگاشتند وذهبی منظومه‌یی دراین باره بسرود، وسپس علائی کتاب « جامع التحصیل » را نگاشت ودر آن شصت وهشت تن را یاد کرد وزین الدین عراقی (م ۸۰٦ ق) سیزده کس بر آن افزود و ابراهیم پسر محمد حلبی « التبیین فی اسماء المدلسین » نگاشت و ۳۲ کس بر آنها افزود وعسقلانی ۳۹ تن دیگر را افزود و شماره را به ۱۵۲۰ کس رسانید . و سیوطی (م ۹۱۱ ق) نیز کتاب المدلسین دارد .

دستهٔ دیگر از دانشمندان راویان سست (ضعیف) را گرد کرده اند مانند

- بخاری (م ۲۵٦ ق) کتاب « الضعفاء » نگاشته است .
- ابن غضایری درسدهٔ پنجم (جای گفتگو) .
- نسائی . کتاب « الضعفاء والمتروکین » دارد .
- ابو الفرج ابن الجوزی (م ۵۹۷ ق) « الضعفاء والمتروکین » دارد .
- محمد پسر عمر عقیلی (م ۳۲۲ ق) نیز « الضعفاء والمتروکین » دارد .
- حسن پسر محمد صنعانی . « الضعفاء والمتروکین » دارد .
- محمد پسر حبان بستی « الضعفاء والمتروکین » دارد .
- ابن عدی ، ابو احمد « الکامل » دارد .
- ابن الرومیة ، ابو العباس ، احمد پسر محمد اشبیلی (م ٦۳۷ ق) دنباله‌یی بر « الکامل » ابن عدی بنام « الحافل » نگاشت
- دارقطنی . « کتاب الضعفاء » دارد
- علاء الدین ماردینی (م ۷۵۰ ق) « الضعفاء » دارد .
- ذهبی « میزان الاعتدال » نگاشت .
- زین الدین عراقی . دنبالهٔ بر میزان نگاشت .
- ابن حجر عسقلانی « لسان المیزان » و « تقویم المیزان » و « تحریر المیزان »

(۱) مدلس بآن کس گویند که از کسی روایت کند بدان صورت که از او شنیده درحالیکه واسطه درمیان بوده است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نگاشت

ـ ملا درویش علی حایری در « المجاهیل » راویانی را که استادش ابوعلی از رجال خود برای ناشناس بودن انداخته بود، گرد آورد.

جای گفتگو کتاب « الضعفاء » است که به ابن غضائری نسبت داده شده است.

وی احمد پسر حسین پسر عبیدالله است که خود و پدرش از دانشمندان بنام سدهٔ پنجم بود و پدرش در (٤١١ ق) در گذشت، و خود او نیز در سن جوانی در گذشته است احمد بن غضائری استاد نجاشی (م ٤٥٠ ق) (١) و گاهی نیز همدرس او بوده است (٢) طوسی دو کتاب در بارهٔ کتابشناسی بوی نسبت داده است (٣) و سومین کتاب او « تاریخ » بوده و نجاشی در (ص ٥٦) از آن نقل میکند، و چهارمین نگارش او « الرجال الضعفاء » نام گرفته و بدست احمد بن طاوس (م ٦٧٣ ق) رسیده و او متن آن با متن چهار کتاب رجال دیگر (٤) را یکجا گرد کرده « حل الاشکال » نامیده، و این کتاب بدست ملاعبدالله شوشتری (م ١٠٢١ ق) رسیده و او کتاب ابن غضائری را از آن بیرون کشیده و جدا ساخته است، و سپس ملاعنایةالله قهپائی از او پنج کتابی را که ابن طاوس در حل الاشکال گرد کرده بود، در « مجمع الرجال » گرد آورده (٥) و اکنون از رجال ابن غضائری هم نسخهٔ ملاعبدالله شوشتری و هم

(١) نجاشی در گزارش علی پسر محمد پسر شیران کازرونی در (ص ١٩٢ ـ چ بمبئی ١٣١٧ ق) گوید با وی نزد احمد پسر حسین میرفتم بحرالعلوم و صاحب مجمع الرجال قهپائی نیز شاگردی نجاشی را نزد ابن غضائری یاد کرده‌اند.

(٢) نجاشی در گزارش احمد پسر حسین پسر عمر صیقل در (ص ٦١) و در گزارش علی پسر حسن پسر علی پسر فضال (ص ١٨٢) خود را همدرس احمد ابن غضایری خوانده است.

(٣) در دیباچهٔ فهرست گوید. ابن غضایری دو کتاب ساخت در یکی نگارشها را گرد کرد و در دیگری اصلها را. و چون ابن غضایری جوانمرگ شد برخی از بازماندگانش این دو کتاب را نابود ساخت. فهرست طوسی چ نجف ١٩٣٧ م ص ١ و ٢ دیده شود.

(٤) رجال طوسی و «فهرست طوسی» و «رجال نجاشی» و «رجال کشی» ص ٤٨٢ این مجلد دیده شود.

(٥) گزارش زندگی ابن غضائری را ابوالمعالی کلباسی (م ١٣١٥ ق) کتابی ساخته (ذریعه ٤ : ١٤٨) و پسرش نیز در (سماء المقال ص ٢ تا ٢٢) در بارهٔ او گفتگو کرده است.

نسخهٔ پخش شده در رجال قهپائی در دست میباشد.

آیا نسبت این کتاب با بن غضایری درست یا نادرست است؟ چون در این کتاب کسان بسیاری را که امروز از بزرگان بشمار آمده‌اند نادرست و دروغگو شمرده است، دانشمندان و راویشناسان را بخشم آورده و هریك از ایشان برای بی ارزش ساختن بدگوئیهای ابن غضائری، راه‌ها پیش گرفتند، چنانکه برخلاف قانون عقلی که گوید: « نکوهش بیش از ستایش ارزش قضائی دارد » (١) ابن طاوس میگوید: ارزش ستایشهای دیگران در بارهٔ یك راوی بیش از نکوهش ابن غضائری است. ولی پدرم در (ذریعه ٤ : ٢٨٨ ـ ٢٩٠) گوید: این کتاب را فقط برای بدنام کردن بزرگان شیعه نگاشته‌اند، و نام ابن غضائری بدروغ بر آن نهاده‌اند. او میگوید کهن‌ترین نسخهٔ این کتاب را ابن طاوس در سدهٔ هفتم دیده و خودش که پیدا کنندهٔ کتاب است در آغاز حل الاشکال میگوید: (٢) برای روایت این کتاب از نگارنده‌اش زنجیرهٔ پیوسته ندارم.

در این کتاب ١٦٠ کس را نام برده و ایشان را سست (ضعیف) و تندرو (غال) و نااستوار (مختلط) و ناشناس (لایعرف) و جز آنها شناسانده است. گزارشها همه کوتاه و فشرده است، و همهٔ کتاب (٤٥٠ بیت نوشته) دارد. در ترتیب فقط بحرف آغاز نام نگاه کرده و حرف دوم نامرتب است. در آغاز باب هر حرف، شمارهٔ کسانیکه در آن یاد شده‌اند آورده است.

آغاز: قال شیخنا ومولانا الحبر... المجتهد فی العلم والعمل انشاءالله تعالی عبدالله بن المرحوم حسین التستری سلمه‌الله تعالی... فی عنوان کتاب الشیخ احمد بن الحسین... اعلم ایدك‌الله وایانا انی لما وقفت علی کتاب السید جمال‌الدین احمد بن طاوس... باب الالف قال السید المعظم من کتاب ابی الحسین... وفیه الالف ثمانیة عشر رجلا...

انجام: ونقل حدیثاً آخر من الکشی وبعد النقل قال: والحمدلله رب العالمین... کان الفراغ منه یوم الثالث عشر من شهر ربیع الآخر سنة اربع و اربعین وستمائة.

(١) باصطلاح قضائی عرب: الجرح مقدم علی التعدیل.

(٢) کتاب «حل الاشکال» ابن طاوس امروز بدست نیست ولی صاحب « تحریر طاوسی » که در (ص ٥٢٨) یاد شد، دیباچهٔ «حل الاشکال» را در آن کتاب گنجانیده است. ابن طاوس در آنجا در بارهٔ پنج کتاب که در «حل الاشکال» گنجانیده گوید: ولی بالجمیع روایات متصلة عدا کتاب ابن الغضائری...

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

[۲۳۵]

(۱۰۷) ازروی نسخهٔ خط آقای محدث تایپ شده است. که آن از روی نسخهٔ شیخ الاسلام زنجانی و آن در (۱۲۳۶ ق) ازروی نسخهٔ کتابخانهٔ صدر در کاظمین نوشته شده است . این نسخه را خودمن و آقای دانش پژوه با نسخه ئیکه در کتاب «مجمع الرجال» قهپائی (۱) بخش شده است برابر و تصحیح کردیم و دراین کتابخانه نهادیم .

(۳۱ برگ) کاغذ سفید فرنگی نو . جلد ندارد . اندازه ۳۳×۱۴ و ۱۸×۱۲ : ۱۵ سطر .

[۲۱۷] ظفرنامهٔ تیموری (تاریخ - فارسی)

شرف الدین علي یزدي (م ۸۵۸) (۲) متخلص « شرف » پسرشیخ حاجی (۳) از دانشمندان نیمهٔ سدهٔ نهم است و گوینده مرید ملا حسین اخلاطی حروفی بوده است . وی بر دانشهای کلاسیك روزگار خویش بویژه تاریخ وادب وشعر ومعما چیره بود ، او دانش خویش را بسود دربار خونخوار تیمور بکاربرد وازاین راه درشهرخویش یزد وتفت زندگی اشرافی برای خود فراهم ساخت (٤) او برای نزدیك شدن بدربار نوادگان تیمور درشیراز تیمور خونخوار را فرستادهٔ خدا شمرده و کسیکه سراسر خاورمیانه را بخاك و خون کشید ، صدهزار اسیررا نزدیك شهردهلی سربرید (۸۰۱ق) چهارهزار ارمنی را زنده بگور کرد (۸۰۳ق) ودرنزدیك حلب بیست مناره از کلههای مردم بپاساخت (۸۰۳ق) کشتارهمگانی مردم سیستان (۷۸۵ق) و کشتارهمگانی مردم اصفهان

(۱) نسخهٔ مجمع الرجال قهپائی را که بخامهٔ نگارنده اش ملاعنایة الله قهپائی (در ۱۰۱٦ق) نوشته شده وحاشیه های بسیار دارد ، پدرم بسال (۱۳۵۰ ق) همراه خویش عراق عرب آورد وهم اکنون دردست ایشان است . برای شناسائی این کتاب ص ٤۹۲ هم دیده شود .

(۲) درمجالس العشاق چ نولکشور ۱۳۱٤ ق . ص ١٦٧ - ١٦٨ گوید دراین سال درگذشت ودریزد بخاك سپرده گشت . و گفته گنج دانش در (۸۵۰ ق) درگذشت ودر «شرفیه» پهلوی مسجد امیرچقماق بخاك سپرده شد .

(۳) شیخ حاجی ازمریدان «علی بلیمان» و «شیخ الدیان» و «دادامحمد» پیران صوفی یزدبوده وتا کنون آب انبار و آثاردیگر اودریزد نامبردار است . (آتشکدهٔ یزدان - ص ۱۸۳ و ۲۰۲)

(٤) درمجالس العشاق از شیفتگی و دلباختگی شرف با ملامحمد عاملی نیز گفتگو کرده ولیکن چنانکه درچند جا یاد شد گفته های مجالس العشاق دراین باره استوار نتواند بود .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

(۷۸۹ ق) براه انداخت ، ستایشها کرده ، وذات مکارم آیاتش مظهر لطف نامتناهی الهی ، ومکنون ضمیرمستنیرش محض خیرونیکخواهی ، شمرد .

وی در آغاز زندگی پس از مرگ پدر مدتی بجای او برسر گور شیخ اتندیسان خدمت میکرد ، وبفرزندان شاه نعمت الله ولی ارادت میورزید و چون سلطان غیاث الدین تیموری خواست دم از استقلال زند ، این مرد را بقم خواست و گرامی داشت وتفت را بتیول او واگذاشت ، وآثار خانقاه او تا کنون در آنجا هست ، وچون در آن روزگار چندبار دریزد شورشهائی بردولت مغول رخ داد ، شرف الدین وفرزندان شاه نعمت الله ولی ، بمیانجی گری برخاسته وشورش را فرومی نشانیدند .

در آن هنگام که ابراهیم سلطان فرزند شاهرخ پسر تیمور گورکان برشیراز و اصفهان فرمانروا بود ، شرف الدین را گرامی میداشت و بسال ۸۲۲ق باودستور نگارش تاریخ خاندان تیموری را داد .

ارتباط شرف الدین علي با صوفیان واعتقاد به اثربخش بودن « حروف » او را ببازی کردن با حروف و واژهها واداشت و بمعما سرائی کشانید . صاحب روضات (۱) اورانخستین معماسرا شمرده (۲) ودرباره بیهودگی این کارسخنانی آورده است . اندکی ازمعماهای اودرتذکرهٔ نصرآبادی ص ٤۹۷ دیده میشود .

آثارشرف یزدي :

- ظفرنامه (جای گفتگو) .
- حلل مطرز درمعما و لغز .
- منتخب حلل .
- کنه المراد درعلم وفق اعداد .
- حقایق التهلیل .

(۱) روضات الجنات ص ۲٦۱ - چ یکم .
(۲) برای تاریخچه معماسرائی ص ۳۹۳ و ۳۹٤ این مجلد دیده شود .

- مواطن یا مناظر (در معما).
- شرح چکامهٔ برده.
- دیوان شرف یزدی (نسخهٔ کتابخانهٔ ملک).
- الکتاب فی علم الاسطرلاب.

گزارش زندگی او و نام نگاشته‌هایش در طبقهٔ ششم تذکرهٔ دولتشاه، و مجلس پنجاهم از مجالس العشاق، و جزء سوم از جلد سوم حبیب السیر و تذکرهٔ نصر آبادی (ص ۴۹۷) و طرائق الحقائق (ج ۲ ص ۳۰) و (مرآت الخیال ص ۶۷) و ریاض العارفین (ص ۲۱۱) و کشف الظنون و (هفت اقلیم ص ۱۷۳) و فهرست ریو (ص ۱۷۳) و روضات (ص ۲۶۱) و گنج دانش، و فهرست مجلس (ج ۳ ص ۱۳۷) و ریحانة الادب (ج ۲ ص ۲۱۱) و تاریخ یزد آیتی (ص ۲۰۱-۲۰۴ و ۲۹۵) آمده است.

شرف الدین علی ظفرنامه را به پیروی از «ظفرنامه» نظام شامی (۱) ساخته و گاهی گفتارهای شامی را بی آنکه از او یاد کند آورده است. و در (۸۲۸ ق) آنرا بپایان رسانیده است (۲) ولی دولتشاه سمرقندی در طبقهٔ یکم گوید: مولانا چهار سال در آن کار کرد، و ابراهیم سلطان هزینهٔ بسیار بگردن گرفت، و تاریخها که بخشیان و روزنامه‌چیان روزگار امیر بزرگ فراهم ساخته بودند از انبارهای پادشاهان بیرون آورد، و از سالخوردگان پژوهشها و پرسشها شد، تا این تاریخ براستی و درستی بپایان رسید. البته دولتشاه این سخان را از گفته‌های شرف الدین در دیباچهٔ ظفرنامه بیرون کشیده ولی خود شرف الدین نیز دروغ گفته است، چه بگفتهٔ عبدالرزاق در «مطلع السعدین» و خواندمیر در حبیب السیر: نخستین کسیکه تاریخ تیموریان گرد کرد نظام الدین شامی بود و پسینیان همه از وی گرفته‌اند.

(۱) جلد یکم ظفرنامهٔ نظام شامی بسال ۱۹۳۷ م بکوشش فلیکس تاور Flix Tauer چکسلواکی و بهزینهٔ بنگاه خاورشناسی چکسلواکی پراك در شهر بیروت چاپ شده است.

(۲) چلبی در کشف الظنون گوید در (۸۲۸ = کلام صنف فی شیراز) پایان یافته ولی چون شماره کنیم «کلام صنف بشیراز» نیز برابر ۸۳۱ خواهد شد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ولی باید یادآور شد که شرف الدین گوی چاپلوسی و ستایشگری را از پیشینیان خود ربوده است (۱).

خود نگارنده در چگونگی نگارش آن گوید در روزگار آن حضرت (تیمور) تاریخ نگاران نگاشته‌های خویش را در مجلس بگوش وی رسانیده و او تصحیح میکرد و با این روش منظومه‌یی ترکی و کتابی فارسی درست شده بوده و اکنون حضرت سلطنت پناهی (شاید: ابراهیم سلطان) همهٔ آن منظوم و منثورها از همه سو گرد کرد، و باهمکاری بخشیان ترکی و سخن‌دانان فارسی، و با نظر من نویسندگان مینوشتند، و اگر باشکال برمیخوردیم نامه‌ها باطراف میفرستادیم و نتیجه را پس از پذیرفتن آنحضرت، مینگاشتم.

او سه برتری برای این کتاب بر دیگر تاریخها یاد کرد. نخست گسترش آن دوم یادآوری ریزه کاریها. سوم راستی و درستی آن.

ظفرنامه چنانکه از دیباچهٔ آن هویدا است دارای یك پیشگفتار (مقدمه) و دو مقالت بوده است، پیشگفتار بگفته چلبی در کشف الظنون، در یك جلد جداگانه بوده و نژاد جغتای و گزارش الوس را در بر داشته (۲)، و این جلد بگفته عزاوی در «العراق بین الاحتلالین-ج ۲ ص ۲۸۱» تاریخ جهانگیر نامیده شده است. و مقالت یکم در گزارش کارهای امیر تیمور گورکان است که او را صاحبقران میخواند. و مقالت دوم دربارهٔ کارهای شاهرخ بوده است (۳) ولی اکنون از پیشگفتار و مقالت دوم چیزی بجای نمانده، و نسخه‌های ظفرنامه که بدست است و در کلکته چاپ شده فقط مقالت یکم را در بر دارد. چلبی گوید این کتاب در ۸۲۸ ق پایان یافته ولی مادهٔ تاریخ آنرا «کلام صنف بشیراز» آورده که (۸۳۱ ق) را نشان میدهد.

شرف الدین در این کتاب از روش جهان گشای جوینی پیروی کرده و داد

(۱) برای تاریخ خاندان تیمور «عجایب المقدور فی نوائب تیمور» نگارش ابن عربشاه (م ۸۵۴) را نیز باید بررسی کرد، این کتاب درست برابر ظفرنامه جا دارد، از همهٔ فجایع و خونریزیها و غارتگریهای تیمور را بخامه آورده است.

(۲) نگارنده نیز در دیباچهٔ ظفرنامه میگوید سبب نگارش این کتاب را در مقدمه یاد کرده‌ام ص ۲۵ ج ۱ چ کلکته دیده شود.

(۳) ص ۷ ج ۱ چ کلکته دیده شود.

سخن بداده ومدت چند سده کتاب اوسرمشق دبیران ونگارندگان بوده است، واز آن روی که که بیش از نظام شامی زبان بازی کرده وسخن پردازی نموده، کتابش نامبردارتر شده وهمه تاریخ نگاران پسین مانند حبیب السیر وروضة الصفا ازوی نقل کنند، ودولتشاه دربارهٔ آن گوید: صاف تر ازاین هیچکس ننگاشته، وگرچه دیگران پرکارتر نگاشته‌اند ولی این ازهمه بهتر است.

چلبی گوید: حافظ محمد پسر احمد عجمی این کتابرا بتر کی گردانید، وتاج سلمانی دنباله‌یی برای آن نگاشت و رویدادهای زمان شاهرخ سالهای ۸۱۳ - ۸۰۷ ق را در آن یاد کرد.

ونیز هاتفی شاعر (م ۹۲۷ ق) ظفرنامه را بنظم درآورده و «تمرنامه» نامیده که چهارمین مثنوی از «پنج گنج» او میباشد. وخودش در دیباچهٔ تمرنامه بدین معنی اشارت دارد.

ظفرنامهٔ در کلکته با کوشش و تصحیح مولوی محمدالهداد در دوجلد چاپ شده است. جلد یکم ۸۱۳ ص + ١٤ ص فهرست دارد و بسال ۱۸۸۷ م بخش شده، جلد دوم ۷٤٩ ص + ۱۰ ص فهرست دارد وبسال ۱۸۸۸ م = ۱۳۰٦ ق بخش شده است. پایان جلد یکم و آغاز جلد دوم چاپی برابر (گ ۱۲ - الف) جلد دوم نسخهٔ ۱۹۸ دانشگاه میباشد.

[۲۳٦]

۱۹۷ جلد یکم از کتاب ظفرنامه شرف الدین علی یزدی بخط نستعلیق. نام نویسنده وتاریخ ندارد، لیکن خط و کاغذ از سدهٔ دهم مینماید. آغاز نسخه ۲٤ سطر از نسخهٔ چاپ کلکته سال ۱۸۸۷ کم دارد و دو برگ یکم نسخه افتاده، وچنین آغاز میشود: تملك و تصرف و استعمر کم فیها . . . وتا برگ ۷ نونویس است، و پایان نسخه برابر سطر ١٤ صفحهٔ ۷٦۷ جلد یکم چاپ کلکته میباشد، وچنین پایان یافته است: [و دل از جان برشته در بالای کوه طنابها درمیان] . و آغاز این صفحه: «گفتار در توجه صاحبقران بقلعهٔ کولا وطاوس وغیر آن» میباشد و پس از این را در جلد دوم آورده وچیزی درمیان نیافتاده است. عنوانها برخی باشنگرف وبرخی بالاژورد وبرخی بازرناب نوشته شده. همهٔ رویه‌ها باسیاهی وزر ولاژورد جدول بندی شده است. تصحیح شده وافتادگیها در کرانه دیده میشود.

کرانه صفحه‌ها که خورده شده صحافی گردیده وهفت برگ آغاز نسخه نونویس و باقی خشکیده است وبا دست خوردن خرد میشود.

۳٦۳ برگ، کاغذ هندی قهوه‌یی رنگ. جلد تیماج مشکی مقوائی فتوده فرسوده. اندازه: ۱٥×۳۲ و ۱۱×۱۷: ۱۹ سطر.

[۲۳۷]

۱۹۸ جلد دوم ظفرنامه است از صفحهٔ ۷۷٦ جلد اول نسخهٔ چاپ کلکته ۱۸۸۸ م تا پایان جلد دوم آن چاپ را دربر گرفته است (۱) خط ودیگر خصوصیات مانند جلد اول است که در بالا یادشد. سیزده برگ آخر نسخه نونویس میباشد وروی کاغذ سفید نوشته شده است.

(۳۷۰ برگ) کاغذ قهوه‌ئی. جلد الدکی از کتاب بزرگتر است، تیماج قهوه‌ئی فناری فرسوده میباشد وزرکوب آن ریخته است درون تیماج سرخ فشرده با لاژورد رنگامیزی شده است. ته تیماج کهنه. اندازه ۱٥×۳۲ و ۱۱×۱۷: ۱۹ سطر.

[۲۱۸] عجایب المخلوقات (جغرافی - فارسی)

جغرافیا مانند دیگر دانشها دوران کودکی داشته، ومرحله‌هائی گذرانیده تا به پایهٔ امروزی رسیده است. این دانش در آغاز کار با خرافات بسیار آمیخته بود، وچون وسایل ارتباط در روزگار گذشته کم وساده بود، ومردم از کشورهای دور کمتر باخبر بودند. از این روی جهانگردان و جغرافیانگاران در نوشتن راست ودروغ آزادی بیشتر داشتند.

انگیزهٔ پیدایش دانش جغرافیا راهنمائی بازرگانان جهانگرد در یونان باستان بوده است، و سپس دولتهای روم و ایران برای راهنمائی گرد آوران مالیات و باج از کشورهای دور، از آن استفاده کردند، و در روزگار فرمانروائی عربان سود مذهبی نیز بر آن افزوده شد، در این روزگار نه فقط بازرگانان برای جهانگردی ودولت برای باج ستانی به جغرافیا نیازمند بودند، بلکه مذهبیها برای رفتن به حج ورفتن به مرکز آموزشهای فقه وحدیث به جغرافیا نیاز داشتند، و از این روی در سدهٔ سوم هجری، جغرافیا مانند دیگر

(۱) پایان جلد یکم و آغاز دوم چاپ کلکته ۱۸۸۸ م برابر (گ ۱۲ - الف) این نسخه میباشد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

دانشها دردنیای اسلام شناخته‌شد، و نخستین کسیکه بنگارش جغرافیا پرداخت ابن‌خردادبه ایرانی ورزدشتی بود که بدستوروزیران برمکی مسلمان شد و کتاب «المسالك والممالك» درچگونگی گرفتن مالیات از کشورهای اسلامی وواژه‌های آن نگاشت. این کتاب در (۱۳۰۶ ق) در لیدن با ترجمهٔ فرانسوی از دو گویه خاورشناس فرانسه چاپ شد.

وچون اشراف در بانخهای اسلامی از بررسی وخواندن کتابهای جغرافیامانند افسانه برای گذراندن وقتهای بیکاری استفاده میکردند. افسانه های سحر آمیز و داستانهای شگفت انگیز با جغرافیا در آمیخت و نگارندگان، دربافتن دروغهای هرچه بزرگتر بریکدیگر پیش‌دستی کردند، ورشتهٔ ویژه‌یی ازجغرافیا پدیدار گشت که بیشتر آنرا «عجایب...» مینامیدند. البته این رشته نیزمطالب درست وسودمند بسیار دربر دارد و برای روشن ساختن بسیاری از تاریکیهای تاریخ بما یاری میدهد. اینك فهرست کوتاهی ازنامترین کسان که دراین‌باره نگاشته‌اند:

- قزوینی: زکریا پسر محمد کوفی قزوینی نگارندهٔ آثارالبلاد (ز ۶۰۰ - م۶۸۲ق) «عجایب‌المخلوقات» نگاشته که چهارمقدمه ودومقاله دارد. چ گوتن گن ۱۸٤۶ م با تصحیح وستن‌فلد در ٤۵۲ ص + ۲۲ ص پیشگفتار. و نیز چ. مصر بی‌تاریخ در ٤۱۶ ص ونیز چ مصر وبحاشیه‌اش حیاة‌الحیوان در (۶-۱۳۰۵ ق).

- ترجمهٔ فارسی عجایب قزوینی مکنولی (چنین). چ سنگی تهران ۱۳۰۹ - ۱۳۱۰ق در ۲۷۲ ص با پرده‌های نقاشی بدریخت، ولی در معجم‌المطبوعات گوید چاپ این ترجمه بسال ۱۲۶٤ در تهران بوده و جرجی زیدان گوید این کتاب درلکهنو بسال ۱۲۸۳ق چاپ شده‌است.

- ترجمهٔ ترکی آن: ازملاعنانی قاضی بوسنه (ن ۹۶۵ ق).

- ترجمهٔ آلمانی آن چ لایپزیك ۱۸۶۸ م.

- ترجمهٔ فرانسه چ پاریس ۱۸۰۵م.

- کوتاه‌شدهٔ آن بنام «الدر المنتقات من عجایب المخلوقات» (کشف الظنون).

- باکوی (م ۸۰۶ ق) نیز آنرا کوتاه کرده «الآثار عن عجائب المخلوقات» نامید ونسخهٔ آن درپاریس هست.

- ابوحامد محمد پسرعبدالرحمان اندلسی بنام «المغرب عن بعض عجائب المغرب» (۵۵۶ق) نگاشت وبه ابن‌هبیرة (م ۵۶۰) پیشکش ساخت (کشف الظنون)

- ابن‌اثیرجزری (م ۶۳۰ق) نیز «تحفة العجایب» نگاشته (کشف الظنون)

- شهاب‌الدین احمد حموی نیز عجایب المخلوقات نگاشته (کشف الظنون).

- محمدبن محمود طوسی (م ۵۵۵ ق) عجایب المخلوقات دارد، و نسخهٔ نقشه‌دار آن در کتابخانهٔ خدیوی هست (جرجی زیدان).

- ابوحسین صوفی عبدالرحمان «عجائب المخلوقات» دارد، ونسخهٔ نقشه‌دار از آن بخامهٔ عبدالله پسر محمد (ن ۱۰٤۳ ق) در کتابخانهٔ خدیوی هست (جرجی زیدان).

- ابوعبدالله محمد مازنی (م ۵۶۵ ق) «عجایب المخلوقات» دارد نسخه آن دراکسفورد هست (آداب اللغهٔ جرجی زیدان ۳: ۲۲۲ چ ۱۹۳۱م).

- عبداللطیف بغدادی (ز ۵۵۵ م ۶۲۹ق) «الاستبصار فی عجایب الامصار» را در (۵۸۷ ق) نگاشته. چ وین ۱۸۵۶ م وترجمهٔ فرانسهٔ آن چ ۱۹۱۰ م.

- قلقشندی، شهاب‌الدین ابوالعباس احمد پسر علی پسر احمد مصری (م ۸۲۱ ق) نگارندهٔ صبح‌الاعشی. گزارش زندگی او در «ضوءاللامع» و «شذرات‌اللهب» و پیشگفتار جلد چهاردهم صبح‌الاعشی چ مصر ۱۹۱۹ م وآداب‌اللغهٔ جرجی زیدان چ ۱۹۳۱ م ج ۳ ص ۱۳۳ و دیگرجاها آمده، ونامی از «عجایب المخلوقات» درفهرست نگاشته‌هایش نیست. ولی یك صفحهٔ آغاز این کتاب در (برك ۲-ب نسخهٔ ۱۶۷ دانشگاه) دیده میشود.

جای گفتگو کتاب بی‌نام و نشانی است که چلبی در کشف‌الظنون آنرا «عجائب المخلوقات» نامیده ونگارنده‌اش را نشناخته است.

آغاز: الحمدلله رب الارباب و مسبب الاسباب و منشیء السحاب العالم بکل شیء فلایعزب عنه مثقال ذرة . . . و بعد فهذا کتاب یتصرف الناظر فیه بین جد وهزل و ملح غریبة و دقیق و جزل و عجایب عجیبة جمعته من کتب عدة و رتبته ابواباً واسئل الله . . . قال الحکماء . . .

انجام نسخهٔ دانشگاه افتاده آنجام آنچه هست : الیوم هوطالع معروف یقال . . وعظمه یدخن بین ندمان الشرب . . .

نگارنده: نام نگارنده در دیباچه نیامده است و پشت جلد نسخه نوشته شده « عجائب المخلوقات قلقشندی » ولیکن از دیباچه یی که در (گ ۲ ـ ب) نسخهٔ ۱٦۷ دانشگاه (۱) بنام دیباچهٔ عجایب المخلوقات قلقشندی دیده میشود، چنین می نماید که کتاب جای گفتگو از قلقشندی نیست، زیرا که آن دیباچه با دیباچهٔ کتاب جای گفتگو ناساز گار است، وهم قلقشندی در آن دیباچه کتاب حیاة الحیوان دمیری را مدرك کار خویش شمرده، ودرمیان مدارك کتاب جای گفتگو، نام حیاة الحیوان دیده نمیشود.

تاریخ نگارش : این کتاب بگمان من در نیمهٔ یکم سدهٔ نهم نگاشته شده است زیرا که در گ ۱۳۰ از شهر قسطنطنیه پیش از افتادن بدست ترکها گفتگو میکند و میدانیم این شهر در (۸۵٦ ق) ازدست دولت روم خاوری بدست مسلمانان ترك افتاد . ونیز در (گ ۲۳) یك مسئله هیئت را از ابن جزری نقل کند و شاید ابن جزری (م ۸۳۳ ق) را که منظومه یی درعلم هیئت دارد خواسته باشد .

و چون در بخش حیوان شناسی و گیاه شناسی، نام بسیاری از آنها را بفارسی و تازی هر دو یاد کرده ، ایرانی بودن او آشکار است . ولی در بخش

(۱) این دیباچه چنین است :

بسمله قال مؤلف هذا الکتاب القلقشندی رحمة الله علیه الی استغفرالله سبحانه وتعالی وجمعت کتابی هذا من کتب شتی منها کتاب عجائب المخلوقات للقزوینی (ره) و منها حیاة الحیوان للدمیری (ره) وزدت علیهما بحسب طاقتی مما رأیته فی کتب المتقدمین والمتأخرین وهومشتمل علی علوم جمة، منها علم الافلاك و الاملاك و علم الهندسة و علم الهیئة و علم الایام والشهور والسنین وعلم الطب واسرار الحیوانات والنباتات . . والیه الیب .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ماهها و سالها، از ماههای عربی ورومی نام برده، واز تاریخ وماههای فارسی و ایرانی هیچ یاد نکرده است .

مدارك این کتاب :

وی دراین کتاب از کسان و کتابهای زیر نام برده است :

از ابن جزری (شاید : م ۸۳۳ ق) در ك ۲۳ و کتاب « اختراات الآفاق » (چنین) در ك ۲۷، والهروی (شاید: جهانگرد هروی ابوالحسن علی پسر ابوبکر موصلی م ٦۱۱ ق) در ك ۹۰ ، و « یواقیت البیان فی بعض القرآن (چنین) از احمد پسر ابراهیم ثعلبی در ك ۱۰٦ ، و « العجایب » قزوینی در ك ۱۲۲ ، والجولقی در ك ۱٤۲ ومحمدبن ز کریا (چنین در چندجا) مانند ك ۱٤۳، وابن الفقیه (شاید : احمد پسر محمد نگارندهٔ البلدان ن ۲۹۰ ق) در ك ۱٤۳، وابن السیرافی عیسی بن مبارك در ك ۱٤٦ ، و کتاب الحواله در ك ۱٤٦ ، وبهرام، در ك ۱۵۳ و « الشفاء » از قاضی عیاض (م ٥٤٤ ق) در ك ۱۵۳ وابوعبدالله صبی در ك ۱۵۵، والسراج، یعقوب پسر اسحاق ، در ك ۱٦۱، وشیخ محمدبن القزوینی (چنین) در ك ۱٦۵، ومحمدبن هارون مغربی در ك ۱٦٦ ، وابوحامد اندلسی (نگارندهٔ المغرب . ن ۵۵٦ ق) در ك ۱٦٦ ، والسمرقندی در ك ۱٦۷ ، واصطخری در ك ۱۷۱ ، الفقیه (شاید : همان ابن الفقیه گذشته باشد) ، تحفة الغرایب (گویا : رحلهٔ ابن بطوطه ز ۷۰۳ م ۷۷۹ ق است که « تحفة النظار فی غرایب الامصار » نام دارد ، نه کتاب علمشاه (م ۹۸۷ ق) در ك ۱۸۰ وابن اسحاق (شاید : نگارندهٔ مغازی م ۲۰۰ ق) ك ۱۸۲، محمدبن ابراهیم الضراب ك ۱۹۳ ، ابراهیم بن محمد ك ۱۹۳ ، نظام الملك (شاید : نگارندهٔ سیاستنامه م ٤۸۵ ق) در ك ۲۰۹ ، کتاب العلامه در ك ۲۵۸ ، کتاب الفلاحة (شاید : از احمدبن وحشیه) در ك ۲۸۰ ، والتنوخی در ك ۲۸۲ والحسن بن سعید در ك ۲۹۳ و کتاب « البشر لخیر البشر » در ك ۳۲٤ ، والاز کیاء از ابن الجوزی در ك ۳٤۰ ، و عبدالرحمان الرمقی در ك ۳۵۲ .

ترتیب کتاب : وی دردیباچه میگوید این کتاب را به بابها مرتب ساختم

ولی از بررسی کتاب آشکار میگردد که این کتاب چهار مقالت دارد: یکم بالاتر از زمین است دردو باب ۱ـ آسمانها ۲ـ چهارعنصر گرداگرد زمین ك۲۲ دوم دهروزمان دو باب‌دارد ۱ـ دنیا: ك۳۲ ۲ـ دهر: ك۳۳ ـسوم: اقطارودریاها، هفت باب دارد ۱ـ اقطار: ك ٤٥ ، ۲ـ دریاها: ك ۱۳٥ ۳ـ رودها: ك ۱٦٩ ، ٤ـ چشمه‌سارها: ك۱۷۸، ٥ـ چاهها: ك ۱۸٤، ٦ـ کوهها: ك ۱۹۰، ۷ـ سنگها: ك ۲۰٦ چهارم اجسام سه باب دارد ۱ـ کانها: ك ۲۱٥ ، ۲ـ گیاهها: ك ۲۲۳ ، ۳ـ جانوران: ك ۳۰٥ ولی در نسخهٔ ۱٦۷ دانشگاه ، آغاز مقالهٔ یکم نشان داده نشده است وشاید واژهٔ «فصل فی الافلاك» که در (ك ٤ـ ب) دیده میشود، آغاز مقاله یکم و باب یکم باشد . این نسخه درپیرامن (۸٥۰۰ بیت نوشته) دارد.

[۲۳۸]

۱٦۷ نسخه بخط نسخ درشت پایانش افتاده‌است، نام نویسنده و تاریخ ندارد ولی در کرانهٔ (ك۲۹۲ ـ الف) نویسندهٔ کتاب بخامهٔ خود نوشته است : « و محرر الکتاب احمد العجمی قدر آی فی مدینة الکاشان قم من اوردله و جهان» وچون مردم کشور عثمانی بایرانیانی که دردورهٔ صفوی بکشور عثمانی پناهنده میشدند لقب عجمی میدادند گمان میرود که احمد این کتاب‌را در کشورعثمانی نوشته است . خط و کاغذ سدهٔ دهم و یازدهم را نشان میدهد . عنوانها با شنگرف است . رویه‌ها با زر و لاژورد جدولبندی شده است (گ ۲۹٦ تا ۳٤٥) فقط یك جدول بازر دارد و (گ ۳٥٦ تا ۳٥۸) جدولبندی نشده است . تصحیح شده و افتادگیها در کرانه نوشته شده است . دربرگ (۱ـ ب) یك صفحهٔ آغاز یکی از کتابهای قلقشندی نوشته شده است . دربرگ (۳ـ الف) شعری دربرتری دارائی بردانش و یك تملك به سال ۱۱۸۹ ق و تملك حسن علی ایروانی واعظ در ۲۲۷۱ ق نیز دیده میشود .

(۳۸٥ برگ) کاغذ نخدی اصفهانی ، جلد تیماج حنائی فشرده ، فرسوده . که تیماج زرد . اندازه : ۱٥×۲۰/٥ و ۹/٥×۱۴/٥ ؛ ۱٥ سطر .

[۲۱۹] **عدة الرجال** (رجال ـ عربی)

این نام برای یك کتاب رجال نهاده شده‌است، ولی نگارنده جز یك جلد آنرا که فائده های رجال و خبرشناسی و راوی شناسی دربر دارد ، بیرون نداده ،

ومرگ فرزندش از پیشرفت کار مانع شده است

نگارنده : سید محسن اعرجی کاظمی پسر سید حسن پسر مرتضی پسر شرف‌الدین از مردم کاظمین‌است. وی درپیرامن سال (۱۱۲۷ق) بزاده ودر (۲۱ رمضان ۱۲۳۱ ق) (۱) درگذشته و گور او تا کنون در کوچه‌یی نزدیك صحن امام کاظم پیدااست . خاندان او خودرا از فرزندان عبدالله اعرج پسر حسین اصغر پسر زین‌العابدین امام چهارم شیعه میشمرند و این لقب گرفته‌اند وی در آغاز زندگی بازرگان بود وبررسی کتابهای فقه و اصول نیز دوست‌داشت، و پس‌از چهل سال عمر در پیرامن (۱۱۷۰ ق) از بازرگانی دست برداشت و بنجف شد و نزد بحرالعلوم سیدمهدی (م ۱۲۱۲ ق) وآقا باقر بهبهانی پسر محمد اکمل (م ۱۲۰٦ ق) و سید صدرالدین قمی شاگردی کرد . گویند هنگامیکه در بغداد بازرگانی میکرد ادبیات عرب را برای دانشجویان درس‌میگفت. اوچندپسر دانشمند داشته یکی بنام‌علی که «عدة‌الرجال» را بخواست وی نگاشت ودرشرح وافیه،فتوای اورا دریك‌مسئله یاد کرده، و گویندهنگام درس‌نیز گفته‌های وی‌را نقل‌میکرده‌است . این‌پسر درزندگانی پدر و پیش‌از (۱۲۰٦ ق) درگذشت(۲) دیگری کاظم نام داشته و او برجنازهٔ پدر خویش نماز گذارده است .

آثار او :

ـ منظومة ، فقهیه مستطرفه ، چ ۱۲۷۱ ق .

ـ اصالة‌البرائة (مسئله‌یی ازاصول فقه) .

---

(۱) مرگ او را بتنوم دزفوریه پیرامن۱۲۲۷ق و نوری در مستدرك‌الوسایل ص۳۹۹ سال ۱۲٤۰ ق دانسته الله ولی در نجوم‌السماء ص ۳٤٥ گوید مرگ او در ۲۱ رمضان سال مرگ شیخ جعفر کاشف‌الغطاء و سیدعلی طباطبائی ۱۲۳۱ ق بود . و سید حسن صدر در ذکری‌المحسنین آنرا در ۱۲۲۷ ق دانسته و شش ماده تاریخ برای آن یاد کرده که از ۱۲۲٦ تا ۱۲۳۰ را نشان میدهند .

(۲) ابوعلی کتاب منتهی‌المقال را پیش‌از مرگ بهبهانی (۱۲۰٦ ق) و پس‌از مرگ سیدعلی پسر سید محسن اعرجی نگاشته‌است (حرف ـ م) این فهرست دیده شود .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

- تلخیص‌الاستبصار . – حاشیه بر مصباح‌المنیر .
- حاشیهٔ برواقی فیض . – حاشیهٔ وافیة‌الاصول ملاعبدالله تونی .
- شرح همین وافیه بنام «المحصول» . – شرح دیگر همان کتاب بنام «وافی» .
- سلالة‌الاجتهاد . شرح مقدمه‌های و حدائق ناضره ، شیخ یوسف بحرینی و رد بر آن . – عدة‌الرجال (جای گفتگو) .
- وسائل‌الشیعه الی أحکام‌الشریعة . چ تبریز ۱۳۲۱ ق .
- المعتصم دراصول فقه .

گزارش زندگی اعرجی درنجوم‌السماء چ لکهنو ۱۳۰۲ ق ص ۳۴۴ – ۳۴۵ ومستدرك حاجی نوری ج ۳ ص ۳۹۹ وروضات ص ۵۴۹ چ یکم ، وریحانة‌الادب و دنبال نام کتابهایش درذریعه آمده است ، سید حسن صدر نیز کتابی جدا گانه که (۷۰۰ بیت نوشته) دارد بنام «ذکری‌المحسنین» در گزارش زندگی او نگاشته که دردنبال کتاب وسایل‌الشیعهٔ اعرجی درتبریز بسال ۱۳۲۱ق در پنج برگ چاپ شده است ، نیمی از این کتابچه بجای گزارش زندگانی ، از کرامتهای اعرجی گفتگو کرده است ، وچون آنرا باشتاب و برای رسانیدن بچاپ وسایل‌الشیعه درشعبان ۱۳۲۰ نگاشته ، گفته‌هایش پایه تاریخی ندارد .

فهرست عدة‌الرجال چنین است : فائدهٔ یکم زایچه و مرگ پیغمبر و امامان : ك ۳ فائدهٔ دوم دسته‌های گوناگون شیعه : ك ۱۱ (۱) فائدهٔ سوم کهن‌ترین کتابها و نگارندگان در اسلام . آغازش در ك ۱۱ افتاده‌است . فائدهٔ چهارم خبر راوی ناعادل : ك ۱۳ فائدهٔ پنجم درستی و نادرستی راوی : ك ۱۶ فائدهٔ ششم مدرك درستی و نادرستی : ك ۳۲ فائدهٔ هفتم تناقض دو دلیل درستی و نادرستی : ك ۳۷ فائدهٔ هشتم اصحاب اجماع (۲) کیانند : ك ۳۸ فائدهٔ نهم «عده» کیانند (۳) : ك ٤٤ فائدهٔ دهم راه شناسائی

(۱) ازاین فائده فقط یك صفحه بجا مانده و پایان آن و آغاز فائدهٔ سوم درنسخه‌یکه این نسخه ازروی آن نوشته شده افتاده بوده است .

(۲) ص ۴۷۳ این مجلد دیده شود .

(۳) شیخ کلینی (م ۳۲۹ ق) درچندین جای از کتاب «کافی» – که یکی از چهار پایهٔ حقوق مذهبی شیعه است و در (ص ۴۷۲) یاد شد – بجای آنکه نام راوی خبر را یاد کند ، میگوید : عده‌یی از راویان چنین آورده‌اند ... راوی‌شناسان پس برای شناختن این راویان و پذیرفتنی کردن این خبرها سخن بدرازا کشیده‌اند و اعرجی نیز دراینجا همان سخنان را آورده است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

چند کس که یك نام دارند : ك ۵٤ فائدهٔ یازدهم اصطلاحهای راوی شناسان : ك ۵۰ فائدهٔ دوازدهم چگونه برخی راویان در دو دستهٔ متناقض شمرده شده‌اند (۱) : ك ۵۳ . بخش دوم کتاب : فائدهٔ یکم راویان نادرست : ك ۵٤ فائدهٔ دوم راویان درستی که بنادرستی یادشده‌اند : ك ۸۹ فائدهٔ سوم برخی از بزرگان صحابه و تابعان ك ۱۱۰ فائدهٔ چهارم دو یادداشت : ك ۱۱۲ فائدهٔ پنجم ناموران اسلام : ك ۱۱۳ فائدهٔ ششم شرح مشیخهٔ صدوق (۲) : ك ۱۲۷ فائدهٔ هفتم مشیخهٔ طوسی : ك ۱۶۸ - این فائده یك خاتمه نیز دارد : ك ۱۷۶ همهٔ کتاب در نسخهٔ ۹۸۸ دانشگاه درپیرامن (۷۳۵۰ بیت نوشته) دارد .

چنانکه دیدیم این کتاب دردو بخش است ، بخش یکم دوازده فایده و بخش دوم هفت فایده دارد ، نگارنده دردیباچه میگوید این فائده‌ها را بعنوان پیشگفتار کتاب رجال فراهم ساخته و کتابرا برای پسرم علی نگاشتم (۳) . ولی در آغاز بخش دوم میگوید اکنون کسیکه کتابرا برایش نگاشتم درگذشته و همت من از نگارش کوتاه آمده ، ناچار چند فائده بر آنچه گذشت میافزایم (٤) .

چنانکه در (حرف – م) خواهم گفت ابوعلی منتهی‌المقال را بدستور سید محسن اعرجی نگاشته ، و گویا اعرجی پس از مرگ فرزندش از نگارش رجال خسته شد و به ابوعلی دستور داد این کار کند .

آغاز : الحمدلله رب‌العالمین . . . اما بعد فیقول الفقیر الی الله تعالی الغنی محسن بن الحسن الحسینی الاعرجی غفرالله .. لما کان معرفة مقامات‌الرجال ..

انجام : مع أنه من الجایزان یکون روی عمن یشارکه فی‌الاسم وروی عنه من یشارکه .

(۱) چنانکه در ص ۵۷۹ دیدیم برخی روایتشناسان راویانرا بدسته‌ها : (راویان از پیغمبر ... ازعلی ... ازحسن ... و کسانی که از امام روایت ندارند) بخش کرده‌اند ، و گاهی دیده میشود که نام یکتن ، هم در باب راویان از فلان امام آمده و هم در شمار کسانی که ازهیچ امام روایت ندارند یاد شده است .

(۲) مانند آنچه در ص ۰۵ بنام شرح مشیخهٔ من لایحضر یاد شد .

(۳) گ ۳ – الف نسخهٔ ۹۸۸ دانشگاه دیده شود .

(٤) گ ۵٤ – الف نسخهٔ ۹۸۸ دانشگاه دیده شود .

[٢٣٩]

٩٨٨ نسخه بخط نسخ نام نویسنده وتاریخ ندارد ، ولی پیداست که هشتاد برك آغاز کتابرا خوشنویس نوشته ، ومانده (تا گ١٨١) بخطی مانند خط حاجی نوری (م ١٣٢٠ ق) نوشته شده است و شاید خط او باشد. عنوانها با شنگرف است. تصحیح شده وافتادگیها در کرانهها هست و گویا حاجی نوری خود آنرا تصحیح کرده است. انجام فائده دوم وآغاز فائده سوم سفید مانده ، ودر کرانه بخط تصحیح کننده یادداشت شده که: نسخهٔ رونویس شده ، سقطی بسیار داشت. این نسخه در کتابخانه آقاضیا نواده حاجی نوری بوده ومهر وی بر (گ ١ــ الف) دیده میشود.

(١٨١ برك) کاغذ فرنگی سفید آهارمهره ، جلد تیماج سرخ فشاری عنوالی.

اندازه : ١٧×١٣ و بخش یکم ٩/٣×١٧: ٢٣سطر و بخش دوم ٩×١٦: ١٩ سطر.

[٢٢٠] عمدة الطالب (نسبنامه ــ عربی)

في انساب آل ابي طالب

چون ترکان مغول درسدهٔ نهم به نسبنامه سازی و نگاهداری زنجیرهٔ نیاکان خویش پرداختند (١) خاندانهای عرب و بویژه سیدان که خودرا فرزندان پیغمبر میدانستند، ونژاد خودرا پاکتر وزنجیرهٔ نیاکان خویش را درست تر ازدیگر مردم میدانستند، دراندیشه گردآوری نسبنامهها شدند. یکی ازعربانی که بگفتهٔ خودش تعصب نژادی اورا به نسبنامهنگاری واداشته ابن عنبه نگارندهٔ عمدة الطالب است که جای گفتگو میباشد ، و چنانکه خواهیم دید او چندین کتاب دراین باره نگاشته است.

(١) درص ٥٣٠ گفتم ملتهای شکستخورده همواره به نسب ارزش بسیار میدهند ، چنانکه عربان پس از پایان تاخت وتاز همینکه سررشتهٔ کارهای ایرانرا بدست گرفتند وبرای خویش زندگی اشرافی فراهم ساختند ، درسدهٔ دوم بهنسبنامهسازی و نگاهداری زنجیرهٔ نیاکان پرداختند ، اینك می بینیم ترکان مغول نیز پس از کشتارهای سدهٔ هفت و هشت و پس از بدست آوردن مقام اشرافیت، درسدهٔ نهم همان روش عربان را پیش گرفتند، وچنانکه درص ٦١٩ گذشت فرزندان تیمورلنك تاریخ نگارانی مانند شرف الدین علی یزدی را بنگارش تاریخهائی مانند ظفرنامه واداشتند که جلد یکم آنــ ویژهٔ نسبنامه ترکان جغتای بوده ، ونیز خود الغ بیك پسر شاهرخ کتابی بنام «شجرة الاتراك» یا «الوس چهارگانه چنگیزی» نگاشته که نسخهٔ مختصر آن دربریتش موزیوم بشمارهٔ (٢٦١٩٠) دیده میشود.

آثار ابن عنبه :

ــ عمدة الطالب بزرك تیموری جای گفتگو.

ــ عمدة الطالب کوچك جلالی (یا عمدة المطالب).

ــ تحفة الطالب درنسب (الذریعه. ج٣ــ ص٤٤٨) بنقل از المشجر الکشاف چاپ مصر.

ــ التحفة الجمالیة (ذریعه ج ٣ ص ٤٢٤).

ــ النسب فارسی (ذریعة ج ٣ ص ٤٢٤).

ــ أنساب آل ابی طالب ، فارسی نسخهاش در کتابخانه حاجی نوری بوده است (ذریعه ج ٢ ص ٢٧٦).

ــ بحر الانساب. یك دیباچه و پنج فصل دارد. نسخهٔ آن در کتابخانهٔ خدیوی درمصر (٢٧٦ ص) دارد (آداب اللغة جرجی زیدان ــ ج ٣ ص ١٧٥) و (ذریعه ج ٣ ص ٣١).

ــ حلیة الانسان و حلبة اللسان لغت عربی ، فارسی ، ترکی چ استانبول ١٢٤٠ ق در (١٣٠ ص).

جای گفتگو دو کتاب اوست که هردو را دردیباچه ، عمدة الطالب ، نامیده است ، یکی بزرك و بدترتیب ، که دردیباچه آنرا بتیمورلنگ پیش کش ساخته ودیگری کوچك وخوش ترتیب ، که دردیباچه بنام جلال الدین حسن پسر علی پسرحسن از آل ابوالفضل؛ سیدهای حسنی حله پیش کش ساخته است. نام نگارنده دردیباچهٔ هیچیك نیامده ولی هنگام معرفی بنی عنبه خویشان خود، نام ونیاکان خویش را یاد کرده است (١).

دردیباچه هردونسخه پس از افتخار به نژاد علوی خویش(٢) گوید چون

(١) ص ١١٧ چ نجف ، گ ٥٥ ب نسخهٔ جلالی کوچك شمارهٔ ١٨٢ دانشگاه وك ٨٦ ب نسخهٔ تیموری بزرك شمارهٔ ١٨١ دانشگاه.

(٢) نگارنده درنسخهئیکه برای تیمور گورکان نگاشته واورا مالك رقاب عرب وعجم خوانده ، تعصب عربی کمتر نشان میدهد، و درنسخهئیکه برای جلال الدین حسن حسینی نگاشته با آنکه نسخهٔ تیموری را کوتاه کرده ، بر تعصب وفخر به خویش افزوده است جملهٔ «فخر کنتي الضبية» که در (ص٢ چ نجف) دیده میشود درنسخه تیموری (شمارهٔ ١٨١ دانشگاه) دیده نمیشود. ونیز هنگام یاد کردن نام مادرعلی بن الحسین در(ص١٨٢ چ نجف) ازغیرعربان با سبکی نام میبرد ولی درنسخهٔ تیموری آنرا ندارد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

برخی را دیدم که در هنگام مفاخره با علویان با پذیرفتن برتری علویان، در درستی زنجیرهٔ نیاکان طرف، تردید میکنند و به بی‌مدرك بودن آن دست آویز میشوند، ازاین روی من این کتاب ساختم تا مدرك ایشان باشد.

در دیباچهٔ نسخهٔ تیموری گوید ازدو کتاب ابوالحسن علی پسر محمد پسر علی بن الصوفی (۱) عمری و ابونصر سهل پسر عبدالله بخاری برای نگارش این کتاب استفاده کردم ولی در نسخهٔ جلالی نام آنها را نیاورده است.

آغاز عمدة الطالب تیموری: الحمدلله الذی خلق من الماء بشراً وجعله... و بعد فان النسب علم عظیم... و نهض بتنقیح حالاتهم فی کل اوان فهاموں من الائمة فاردت ان اصنف فی انساب الطالبیین... ولم یحضرنی فی ذلك العلم الا مختصراً لطیفاً من تصانیف شیخنا العلامة ابی الحسن علی بن محمد بن علی بن الصوفی...

انجام: وهم آخر ولد ابی طالب بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف، قال مؤلفه رحمةالله علیه: واذیسرالله اتمام هذا الکتاب وفق ما اردناه...

کسانی که در بارهٔ عمدة الطالب کار کرده‌اند.

چلبی گوید: عمدة الطالب را شهاب الدین احمد ابن عنبه کوتاه کرده است، سید محسن عاملی در اعیان الشیعه ج۱۰ ص۱۵۲ میگوید: این همان عمدة الطالب کوچك است، و آنرا خودنگارنده (ابن عنبه) بنام سید محمد (م ۸۷۰ق) پسر فلاح مشعشعی امیر خوزستان و یا بنام پدرش فلاح کوتاه کرده است.

ـ سید عبدالله محفوظ حسینی در (۹۷۳ق) دنباله‌یی برای عمده نگاشته ونسخهٔ آن درقم نزد سید شهاب الدین (آقانجفی) هست.

ـ کمال الدین اصفهانی نیز دنباله‌یی برای آن نگاشت (حاشیهٔ مجمع التواریخ مرعشی چ تهران ۱۳۲۸ ص ۹۱).

ـ سید حسین پسر مساعد (در سدهٔ دهم) حاشیه‌هائی بر آن نگاشته که در بابر کی عمدة الطالب کوچك چ نجف چاپ شده‌است.

نگارنده: جمال الدین احمد پسر علی پسر مهنا پسر عنبة الاصغر پسر علی عنبة الاکبر است که نژاد خویش به حسن مثنی پسر حسن بن علی بن ابی طالب میرساند (۱) او از خانوادهٔ عنبه سیدهای حسنی نجف و حله بوده. گزارش زندگانی او، و اینکه کی از آنجا بایران آمد، و نزد تیمور لنك رفت، و بکرمان شد، و چرا در آنجا بدرود زندگی گفت، آشکار نیست.

وی در پیرامون نیمهٔ سدهٔ هشتم بزاد، و در دوازده سال پایان عمر سید تاج الدین محمد پسر جلال الدین قاسم معروف بابن معیه (م ۷۷۶ ق) درعراق شاگرد وی بود، وخود گوید: (۲) دختر خردسال این استاد را نامزد خود کردم ولی دخترك در کودکی بمرد و من چند شب درهفته کتابهای (۳) این استادرا بروی میخواندم، و خرقه تصوف و لباس جوانمردان بدست او پوشیدم زنجیرهٔ این خرقه بسیدی احمد کبیر، و زنجیرهٔ لباس بناصر خلیفه میرسد (٤).

او فارسی میدانسته و چنانکه از ذریعه برمی‌آید یك یا دو کتاب فارسی درنسب نگاشته و یك دستور زبان و لغت سه پهلو (فارسی ـ عربی ـ ترکی) نیز نگاشته است که چاپ شده است.

گویا هنگامیکه امیر تیمور درعراق بود (۷۹۵ تا ۸۰۳ق) ابن عنبه نسخهٔ

---

(۱) نگارندهٔ المجدی درنسب درسدهٔ پنجم.

(۱) ص۱۱۷ عمدة الطالب کوچك چاپ نجف و (گ ۵۵ ب) نسخه ۱۸۲ دانشگاه و گ ۸٦ نسخهٔ ۱۸۱ دیده شود.

(۲) ص ۱۵۸ عمدة الطالب کوچك چاپ نجف و (گ ۷٦ ب و ۷۷ ـ الف نسخه ۱۸۲) دیده شود. ولی داستان نامزدی دختر استادرا در نسخهٔ تیموری نیاورده است.

(۳) کتابهائی که ابن عنبه برای ابن معیه استاد خودیاد کرده بیشتر درنسب شناسی بوده و نیز میگوید پوشانیدن خرقهٔ تصوف ولباس جوانمردی (فتوه) که همیشه باخاندان معیه بود، دراین روزگار در همهٔ عراق بی‌منازع بدست این استاد بود. البته اوازواژهٔ عراق (فراتت میانه) کربلا، حله، نجف را خواسته است. (گ ۷۷ ـ الف نسخهٔ ۱۸۲ و گ ۱۰٦ نسخه ۱۸۱ دانشگاه) دیده شود.

(٤) داستان پوشیدن خرقهٔ صوفیانه ولباس جوانمردانه را در نسخهٔ کوچك نیاورده ولی درنسخه بزرك تیموری (گ ۱۰٦ ب نسخه ۱۸۱ دانشگاه) دیده میشود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

بزرگ عمدة‌الطالب را نگاشته (۱) و باو پیشکش کرده، وسپس در (۸۱۲ق)(۲) نسخهٔ جلالی را نگاشته و به جلال‌الدین حسن از سران قبیلهٔ آل ابوالفضل (۳) در حله پیشکش ساخته، وبعدها بدنبال تیمور بایران رفته و کتابهای فارسی خویش را آنجا نگاشته، ودربلخ به زیارتگاه امیرالمؤمنین علی رفته وازروی سنگ قبر ثابت کرده که آن گور یکی از امامزاده‌ها است که این نام و نشان داشته(٤)، وسپس بکرمان‌شده ودر آنجادرهفت صفر ۸۲۸ق در گذشته‌است(٥).

[۲٤۰]

۱۸۱ نسخه بخط نسخ، نام نویسنده ندارد، درشهر مدینه بروز یکشنبه ۱۸ شوال ۹٦۹ ق پایان یافته. عنوانها با شنگرف است. تصحیح شده و افتادگیها در کرانه نوشته شده است، شعرها را درمیان سطر نوشته است. صفحه‌شمار نداشته ولی نشان پابرگی دارد. در (گ ۱۵۰ ــ الف) حاشیه‌یی بخامهٔ اعتضادالسلطنه وزیرعلوم (علیقلی میرزا) دیده میشود ودر (گ ۱۰۷ و ۱۷۲ ب) حاشیه‌یی بخط سید شهاب‌الدین تبریزی (آقانجفی قمی) دیده میشود. و دربرخی صفحه‌ها خط من دیده میشود که‌درسال ۱۳۲۸ نا‌سازگاری آن‌را باسخهٔ چاپ نجف نشان کردم، وشمارهٔ صفحه‌های آنرا دراین نسخه گذاردم. در (گ ۱ ــ الف) تملک علی پسر عبدالرسول

(۱) ازاینکه نسخهٔ تیموری بی‌ترتیب‌است ونسخهٔ جلالی مرتب‌ترمیباشد چنین مینماید که آن پیش‌ترنگاشته شده و شاید نخستین نگارش او باشد، و ازاین‌روی دردیباچهٔ آن، مدرك کار خویش را یاد کرده، و درنسخهٔ جلالی که‌منظم‌تراست، خودبسندی او افزایش یافته، واز نام‌بردن کتابهای گذشتگان سرباززده‌است.

(۲) این تاریخ نسخه‌یی بخط نگارنده است که در پیش گفتار ج نجف ص ۹ بدان اشارت رفته.

(۳) درنسخهٔ تیموری ازاین خاندان فقط درشش سطر در (گ ۱۵۹ ــ الف نسخهٔ ۱۸۱ دانشگاه) گفتگومیدارد ولی درنسخهٔ کوچك جلالی که برای رئیس این خاندان نگاشته چند صفحه در بارهٔ ایشان گفتگو می‌دارد (پیش و پس از ص ۲۷۵ ج نجف و ص ۱۳۰ نسخهٔ ۱۸۲ دانشگاه).

(٤) این مطلب در کتاب فارسی او درنسب آمده است (ذریعه ج ۲ ص ۲۷٦) دیده شود.

(٥) تاریخ مرگ ابن عنبه در کشف‌الظنون و آداب‌اللغة جرجی زیدان ۳ : ۱۷٤ واعیان‌الشیعه وذریعه چنین است وبرخی آنرا ۸۲۷ و ۸۲٥ با تردید یاد کرده‌اند.

(عبدالرسولی) بسال (۱۳٥۸ق) ودر (گ ۱ ــ ب) تملك ومهر شیخ جعفر سلطان‌العلما دیده‌میشود. دریك برگ پیش‌ازنسخه آقای مشکاة در ۱۳٦۸ق کتاب را خریده ومعرفی نموده است.

(۳۰۷ برگ) کاغذ سفید اصفهانی آهارمهره، جلد تیماج مشکی مقوائی.
اندازه: ۱۴×۲۲ و ۸×۱۴: ۲۰ سطر.

[۲۲۱] **عمدة‌الطالب** (نسبنامه ــ عربی)

یا عمدة المطالب فی انساب آل ابی طالب

چنانکه دربالا گفتم دو نسخه از عمدة‌الطالب دردست هست یکی بزرگ که برای تیمور لنگ نگاشته‌شده و دیگر کوچك که برای جلال‌الدین حسن ازسیدهای حسنی حله‌نگاشته‌شده‌است. جای گفتگو این نسخهٔ دوم‌است وبابررسی آنچه در (ص ٦۳۰ تا ٦۳٤) گفتم این کتاب نیز شناخته میگردد. عمدة‌الطالب جلالی (کوچك) بسال ۱۳٥۸ق در نجف در ۳٦۹ص با تصحیح وحاشیه وپیشگفتاری در گزارش زندگی ابن‌عنبه از سید محمد صادق بحرالعلوم نجفی و در پایان آن کتابچه‌یی در اصطلاحهای نسبشناسی چاپ شده ولی‌بغلط آنرا عمدة‌الطالب بزرگ پنداشته‌اند. وحاشیه‌های سید حسین پسر مساعد نجفی (در آغاز سدهٔ دهم) براین کتاب نیز در پای صفحه های آن چاپ‌شده است. در نسخهٔ دانشگاه نام کتاب «عمدة‌الطالب» آمده است.

آغاز عمدة‌الطالب جلالی: الحمدلله‌الذی خلق من‌الماء بشراً وجعله... امابعد فان علم‌النسب علم عظیم... و نهض بتنقیح حالاتهم فی کل اوان فهامون من‌الائمة فحرکتنی العصبیة وبعثتنی النفس‌الابیة علی ان اصنف فی انساب...

انجام: (۱) قال‌العمری له ولاخوته محمدوعبدالله وسلیمان بقیة فی مصر والشام، ولیکن هذا آخر ما اردنا ایراده فی هذاالمختصر...

[۲٤۱]

۱۸۲ نسخه عمدة‌الطالب کوچك (جلالی) برابرنسخهٔ چاپ‌نجف‌میباشد. بخط نسخ نزدیك بخط هندی، نام نویسنده وتاریخ ازپایان نسخه افتاده، وخط وکاغذ سدهٔ دهم را نشان‌میدهد. هشت صفحه‌از آخر نسخه افتاده دارد. تصحیح‌شده وافتادگیهارا در کرانه آورده است.

(۱) انجام‌نسخهٔ ۱۸۲ دانشگاه‌افتاده و این را ازروی‌نسخهٔ چاپ نجف آوردم.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

پایان نسخه چنین است: الفصل الخامس فی ذکر عمر الاطرف .. برگهارا موریانه زده و سوراخ کرده است .

(۱۶۸ برگ) کاغذ ترمه سفید . جلد تیماج سبز تیره بی‌لاافزوده .
اندازه : ۱۴×۲۱ و ۷×۱۴ : ۲۰ سطر .

[۲۲۲] **فتوحات شاهی** (تاریخ - فارسی)

بخشی از حبیب‌السیر

نگارنده : غیاث‌الدین محمد پسرهمام‌الدین معروف به خوندمیر (ز - ۸۸۰ق) و (م - ۹۴۱ یا ۹۴۲ ق) خاندانش شیرازی و خود پرورش یافتهٔ هرات است . خود در آغاز حبیب‌السیر گوید درسن چهل و هفت یا هشت سالگی در (۹۲۷ق) بدستور صدر نقیب میرغیاث‌الدین محمد حسینی بنگارش این کتاب آغاز کرده و آنرا بر یک پیش گفتار و یک پایان‌نامه و سه مجلد که هریک چهار جزء دارد بسیجیده، و پس از پایان جلد یکم نقیب در گذشت و کار بازماند، تا آنکه فرمانروائی خراسان به معین‌السلطنه ابومنصور دورمش خان و وزارت به خواجه حبیب‌الله واگذارشد ، و او دستور کار را داد و کتاب بنام او در (۹۳۰ ق) بپایان رسید .
کتاب حبیب‌السیر دربمبئی در (۷۱ - ۱۲۷۳ ق) با یک پیش گفتار در گزارش زندگی نگارنده وسپس در تهران در (۱۲۷۱ ق) در یک جلد بزرگ بچاپ سنگ و نیز در تهران در چهار جلد بچاپ سربی بسال ۱۳۳۳ با فهرست نامها توسط محمد دبیر سیاقی و پیش گفتار از جلال همائی پخش شده است . و عبدالحسین نوائی گزارشهای این کتاب را جدا ساخته و بنام « رجال حبیب‌السیر» درتهران بسال ۱۳۲۴ چاپ کرد . برای آگاهی بیشتردر بارهٔ این کتاب تاریخ ادبیات ایران نگارش استوری انگلیسی ص ۱۰۶-۱۰۸ دیده شود .

فتوحات شاهی : کسی در سدهٔ یازدهم بخشی از جزء چهارم از جلد سوم حبیب‌السیر را که گزارش پادشاهی شاه اسماعیل صفوی بوده ، از آن جدا ساخته و نسخهٔ زرنگار آنرا گویا برای کتابخانهٔ شاه فراهم کرده‌است. این بخش از ص ۳۲۲ تا سطر ۳۳ ص ۳۸۲) چاپ تهران (۱۲۷۱ ق) را گرفته است .

[۲۴۲]

۱۱۰۳ نسخه بخط نستعلیق زیبا . نویسنده علی‌قلی پسر احمد تبریزی در تاریخ جمعه دوم رجب (۱۷۹ شاید ۱۰۷۹ ق) بپایان رسیده است . وآنرا بدستور عالی حضرت میرزامحمد یوسفا نوشته‌است . همهٔ صفحه‌ها بازرولاژورد وشنگرف جدولبندی شده است . برگهای (۱ - ب و ۲- الف) زرافشانی شده و یک سرلوح زیبا با زر وشنگرف ولاژورد در برگ (۱- ب) دیده میشود که درمیان آن نام کتاب فتوحات شاهی نوشته شده است .

عنوانها با شنگرف است ، برخی برگها را موریانه خورده است . پشت برگ (۱ - الف) نوشته شده است : تاریخ فتوحات شاهی تألیف ابراهیم امینی بامر شاه اسماعیل ... ولی با بررسی کتاب فروغ بودن آن آشکاراست . آقای مشکاة نیزهمانجا نوشته است : این کتاب را میرزا نصرالله اخویان بمن بخشوده است .

(۱۳۰ برگ) کاغذ ترمه سفید آهارمهره . جلد تیماج مشکی زرکوب فرسوده .
اندازه : ۲۸/۷×۱۹/۷ و ۱۲/۵×۲۰ : ۱۹ سطر .

[۲۲۳] **الفهرست** (کتابشناسی - عربی)

در (ص ٤٨٤) نوید دادم که انـدکی در بارهٔ کتابشناسی و تاریخچهٔ آن دراینجا گفتگو آرم ، ولـی آقـای دانش پژوه نگارندهٔ جلد سوم فهرست این کتابخانه، درپیش گفتار آن مجلد صفحهٔ بیست و دوم تا بیست وپنجم دراین‌باره گفتگو کردند، ومن دراینجا ازتکرار خودداری میکنم ، وخواننده را به بررسی آن پیش گفتار و صفحه‌های (٤٨٢ - ۵۰۰) این مجلد (جلد دوم) راهنمـائی می کنم (۱) .

یکی از کهن‌ترین کتابها که در بارهٔ کتابشناسی نگاشته شده فهرست طوسی

---

(۱) برای مراجعه کنندگان این کتابخانه یادآور میشود که درلابلای جنگهای و مجموعه‌های این کتابخانه فهرستهائی از کتابهای گوناگون دیده میشود که کمابیش سودمند هستند ، مانند فهرستی که در (گ ٤٨ و ٤۹) کتاب اوائل‌التحریر نسخهٔ (۸۹۷ دانشگاه) هست ، ومانند فهرست دیگری که در (گ ۱٤٤-۱٤۷) دفترشمارهٔ ٤۰۵ دانشگاه دیده میشود .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

(جای گفتگو) میباشد نگارنده این کتاب محمد پسر حسن طوسی است که اورا شیخ الطائفه لقب داده‌اند وی که در ۳۸۵ ق درطوس بزاده ودر ۴۶۰ ق در نجف در گذشته از پایه گذاران مذهب شیعه است و اندگی از گزارش زندگیش در (ص۵۷۹) یاد شد.

سند فهرست : در آغاز بیشتر نسخه‌های این کتاب نوشته شده که مردی ناشناس درقراح ابوشحم (۱) دربغداد شرقی این کتاب را نزد عبداد، ابوالبرکات، رشیدالدین خوانده و بتاریخ سه شنبه شانزدهم جمادی یکم سال پانصد وهشتاد و هفت بپایان رسانیده است، عبداد نیز کتاب را نزد ابن رطبهٔ سوراوی حسین پسر هبةالله خوانده و او آنرا نزد ابوعلی حسن پسر شیخ طوسی خوانده و او آنرا برپدر خویش نگارندهٔ کتاب خوانده است.

کسانی که دربارهٔ فهرست طوس کار کرده‌اند:

– محقق حلی نجم الدین ابوالقاسم جعفر هذلی(م ۶۷۶ق) گفتارهای کتابشناسی راازفهرست انداخته وفقط گزارشهای زندگی‌را آورده، وآنرا بترتیب حرفهای الفباء بسیجیده است، نسخهٔ آن‌در کتابخانهٔ صدردر بغداد است (ذریعه ۴ : ۴۲۵).

– ملا عنایةالله قهپائی پسر شرف‌الدین علی قهپائی نگارندهٔ مجمع الرجال (ت ۱۰۱۶ق) وی فهرست را بترتیب حرفهای الفباء بسیجیده است.

– شیخ سلیمان ماحوزی (۱۰۷۵–۱۱۲۱ق) فهرست را شرح کرده و«معراج الکمال فی معرفةالرجال» نامیده، و صاحب لؤلؤة گوید ناتمام مانده است.

– علی پسر عبدالله پسر عبدالصمد مقشاعی اصبعی بحرینی(م ۱۱۲۷ ق) نیز فهرست را بترتیب حرفها در آورده است.

– اسپرنگر (۲) فهرست طوسی را بترتیب حرفهای الفباء مرتب ساخته و در کلکته (۳) در (۱۸۵۳م = ۱۲۷۱ ق) با تصحیح مولوی عبدالحق زیر نظر

(۱) دربخش خاوری بغداد چند کوی بنام «قراح ...» بوده است که بنام کسانی خوانده میشدند. معجم‌البلدان دیده شود.

(۲) A. Sprenger

(۳) چاپخانهٔ Baptist missionpress

کنپانی خاوری هند و انجمن آسیائی بنگاله بشمارهٔ (۶۰) در (۳۸۳ ص) با دیباچهٔ انگلیسی در (۴ ص) چاپ شده است. در این چاپ جز غلطهای فراوان نام ده کس نیز افتاده است و ۸۹۲ کس را شناسانده است، و در بابرگی آن نضدالایضاح ازعلم‌الهدی پسر ملامحسن فیض کاشانی را که مرتب شدهٔ ایضاح‌الاشتباه علامه حلی (۱) است، چاپ کرده‌است. دراین چاپ سند کتابرا نیز انداخته‌اند وچنین آغاز شده است:

الحمدلله ولی الحمد ومستحقه والصلاة . . .

– سید محمدعلی شاه عبدالعظیمی که درنجف میزیست وبسال (۱۳۳۴ق) در گذشت، فهرست طوسی و رجال کشی ونجاشی وخلاصهٔ علامهٔ حلی را کوتاه کرده و «منتخب کتب‌الرجال» نامید. (پیش گفتار بحرالعلوم بر چاپ نجف فهرست).

– سید محمد صادق بحرالعلوم نجفی پسر سید حسن نوادهٔ بحرالعلوم بروجردی، فهرست را با کتابهائیکه از فهرست نقل کرده‌اند تصحیح کرده وباحاشیه‌های سودمند وپیش گفتاری دربارهٔ کتاب و گزارش زندگی نگارنده‌اش طوسی بسرمایهٔ چاپخانهٔ حیدری در نجف بسال ۱۹۳۷م = ۱۳۵۶ق چاپ کرده‌است. بحرالعلوم دراین پیش گفتار می گوید: این چاپ ده گزارش بیش ازچاپ کلکته دارد، ولیکن شمارهٔ گزارش آخرین صفحهٔ چاپ کلکته ۸۹۲ میباشد و شمارهٔ چاپ نجف ۸۸۸ است.

نسخهٔ چاپ نجف سند کتابرا نیز در آغاز کتاب آورده وچنین آغاز میشود:

اخبرنا الشیخ الفقیه . . . العبداد . . . قال الحمدلله ولی الحمد.

نسخه‌های فهرست : باهمه کوششی که بحرالعلوم در چاپ نجف بکاربرده فهرست را فقط با یک نسخه وباچند کتاب که از آن چیزهائی نقل کرده‌اند بر بر کرده‌است، درصورتیکه دراین مدت نهصد و نه‌سال بی گمان در این کتاب دست رفته است، چنانکه خود بحرالعلوم گوید. طوسی گزارش زندگی ابن‌غضائری را

(۱) برای شناسائی ایضاح ونضدالایضاح ص ۵۱۱ این مجلد دیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

در کتاب رجال یکتاب فهرست خود حوالت داده وما آنرا درفهرست نمی‌یابیم. (پیش گفتار بحر العلوم ـ ص: ك = ۲۰). برای بدست آوردن یك نسخهٔ درست باید نسخه‌های فراوان این کتابرا باهم برابر کرد، و هم اکنون چهار نسخه از آن دراین کتابخانه هست.

[۲٤۳]

۸٤۷ نسخه‌دردنبال رجال شیخ طوسی جادارد و برگهای ۷۹ تا ۱۳۳را گرفته است، خط نسخ، بنام نویسنده ندارد. درتاریخ چهارشنبه ۹ صفر ۱۲۸٤ ق بپایان رسیده عنوانها با شنگرف و برخی با لاژورد و برخی با زردی میباشد. دیباچه سند کتاب را ندارد، واز گفتهٔ طوسی آغازشده است.

همهٔ دفتر ۱۳۳ برگ، این کتاب ۵۵ برگ، کاغذ سفید آهار مهره، جلد تیماج سرخ فشرده متوالی، اندازه: ۱۵×۲۵ و ۸/۵×۱۷: ۲۱ سطر.

[۲٤٤]

۹۷۹ نسخه دردنبال رجال طوسی جا دارد و برگهای ۸۵ تا ۱٤۳ راگرفته است. خط نسخ. نام نویسنده وتاریخ ندارد، ولی پیداست که درسدهٔ سیزدهم نوشته شده است. عنوانها با شنگرف. همهٔ رویه‌ها دوجدول دارد یکی بیرون با سیاهی، دوم درونی با زر ولاژورد.

این نسخه دیباچهٔ سند کتاب را دارد و با جملهٔ: اخبرنا الشیخ الفقیه ... آغاز شده است.

همهٔ دفتر ۱٤۳برگ، این کتاب ۵۸ برگ ـ کاغذ فرنگی آهارمهره سفید، جلد تیماج سرخ متوالی فشرده، اندازه: ۱٤×۲۱ و ۸/۵×۱٤/۵: ۱۹ سطر.

[۲٤۵]

۱۰٤٤ نسخه دردفتری جا دارد که: درایهٔ حسین پسر عبدالصمد پدر شیخ بهائی (گ ۱ـ۳۷) ودرایهٔ شهید (گ ۳۷ـ٤۳) و رجال ابن‌داود (گ ٤۳ـ۱۰۱) واین کتاب (گ ۱۰۲ـ۱٤۱) را دربردارد. و خصوصیات نسخه در (ص ۵۷۷) یاد شد. خط این کتاب از کتابهای دیگر این دفتر جدا است. نویسنده محمد پسر اخی محمد کاتب، درتاریخ یکشنبه یازدهم جمادی دوم (۹٦۹ ق) پایان یافته است. خط نسخ باختر ایران، عنوانها با شنگرف است تصحیح شده و نشان تصحیح در کرانهٔ برگها

دیده میشود. دیباچهٔ سند کتابرا ندارد. وبجملهٔ: الحمدلله‌ولی الحمد ... (گفتهٔ طوسی) آغاز شده است.

همهٔ دفتر ۱٤۱ برگ، این کتاب ۳۹ برگ، کاغذ اصفهانی نخدی، جلد تیماج سرخ متوالی اندازه: ۱۸×۲۵: ۱۲×۱۸: ۲۵ سطر.

[۲٤٦]

۱۱۰۴ نسخه دردفتری جادارد که این کتاب (ص۱ـ۱۱۸) و رضاعیه حاج آقاحسین بروجردی نیز در (٤۱ ص) جداگانه دنبال آن است. خط نسخ. نویسنده محمد حسن پسر احمد پسر محمدعلی پسر علی اکبر گلپایانی نژاد بروجردی زادگاه است، او این نسخه را ازروی نسخه‌ییکه خود پیشتر نوشته وتصحیح کرده بود بدستور حاج آقا حسین بروجردی در (۱۳۵۱ ق) نوشته و دردوم جمادی یکم پس از چهل روز آنرا بپایان رسانیده وباآنکه دوصفحه پیش از آغاز نسخه ویك صفحه پس از پایان آن دربارهٔ تصحیح آن گفتگو کرده بازهم غلطها دارد، ودیباچهٔ سند کتابرا نیز ندارد، و بگفتهٔ شیخ طوسی آغازشده است.

همهٔ دفتر۱۵۹ برگ، کاغذ فرنگی نخدی. جلد ندارد ودرمیان یك جلدتیماج‌سبز کهنه یکلا نهاده شده است، اندازه: ۱۹×۲۳ و ۱۲×۱۷: ۲۱ سطر.

[۲۲٤] کارنامهٔ جهان (تاریخ ـ فارسی)

ترجمهٔ «قطف‌الزهور فی تاریخ‌الدهور»

قطف‌الزهور درتاریخ همگانی درپنج بخش، و درهریك ازتاریخ یکی از پنج بخش جغرافیائی کرهٔ زمین گفتگو کرده‌است. این کتاب را که برابر پژهشهای تاریخ نوین نگاشته‌شده نخستین‌بار دربیروت ۱۸۸۳ م: ۷۲۹ ص، و نیز چ دوم درهمانجا ۱۸۸۵ م: ۷۲۹ص، و چ چهارم همانجا ۱۸۹۸ م: ۷٦۷ص، و چ پنجم چ ادبیهٔ ۱۹۱۲ م: ۷٦۰ ص پخش شده است

نگارنده: یوحنا ابکاریوس پسر یعقوب آقا پسر ابکار از ارمنیان لبنان بوده و پدرانش از روزگار افتادن سوریه بدست خدیوان مصر با آنان رابطه داشته‌اند، یوحنا وبرادرش اسکندر ابکاریوس از ادیبان و نگارندگان بزرگ لبنان بشمار میروند. گزارش زندگی آنان درمعجم‌المطبوعات عربی آمده است

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

یوحنا ترجمان کنسولگری انگلیس در بیروت بود و در شهر سوق‌الغرب در لبنان بسال ۱۸۸۹م درگذشته است.

کارنامه‌جهان : ترجمهٔ فارسی آن کتاب است. نگارنده در دیباچه گوید هیچگونه افزایش و کاهشی در آن نکرده، و فقط دربارهٔ تاریخ ایران اندکی افزوده است. و بویژه از آزادیخواهان (۱) به بدی یاد کرده و به ایشان و نهلیستهای روسیه و سوسیالیستهای آلمان و کمونیستهای فرانسه و اباحه کاران قزوین (۲) سخت تاخته است.

نگارنده در دیباچه خود را محمد رضا افشار بکشلو قزوینی شناسانده گوید اندکی با زبانهای ترکی و فرانسه و عربی آشنا شده‌ام.

او دربارهٔ انگیزهٔ این کار خویش گوید: در این روزگار که ملتها چنین پیشرفت کرده‌اند که گفتگوهای کنکاشستان (پارلمان) لندن بانیروی کهربا (الکتریسته) در یک آن بآمریکا میرود، آگاهی درست از تاریخ با یا میباشد، وی هنگامی که ترجمان یکم سفارت در استانبول بوده است در پی کتابی چنین میگشته، و چون به کاربردازی بشهر حلب شد کتاب «قطف‌الزهور» بدستش رسید (۳) که ادیبان آمریکائی آنرا بزبان عربی نگاشته بودند (٤) و چون به میهن باز گشت برگی چند از آنرا بزبان پارسی سره (۵) گردانید و به بزرگی نشان داد، آن

(۱) ص ۱۰۷ نسخهٔ ۱۹ دیده شود. افسوس که صفحهٔ پیش از آن از نسخه پاره و ناپدید شده است.

(۲) شاید صوفیان حروفی و نقطوی قزوین را که در (۱۰۰۲ ق) بدست شاه عباس صفوی کشتار شدند، خواسته باشد.

(۳) چون در صفحهٔ بعد نسخهٔ دوم را که بدستش رسیده است، چاپ دوم خوانده گوید برچاپ یکم افزودگی داشته است... آشکار میشود که وی میان در سال ۱۸۸۳ و ۱۸۸۵م = ۱۲۶۱ تا ۱۲٦٤ خورشیدی که تاریخ چاپ یکم و دوم این کتاب میباشد در حلب بوده است.

(٤) نگارندهٔ قطف‌الزهور در بالا یاد شد، و این مرد نگارنده متن کتاب را نمی‌شناخته و چون بنگاه آمریکائی بیروت آنرا چاپ کرده است، وی نگارندهٔ را نیز آمریکائی گمان کرده است.

(۵) فارسی سره او چنانکه از دیباچه برمی‌آید دشوار و نارسا و پر از نادرستی و لغتهای ساختگی دساتیر است که او فارسی می پنداشته

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

مرد باو گفت: بزبان همگان فهم بنویس، و او این کار بکرد، پس چون ناصرالملك وزیر امور خارجه فرمانفرمای خراسان گردید، نگارنده بسمت رئیس دیوان خانهٔ عدالت بآنجا شد، پس آخوندی در مشهد کتاب قطف‌الزهور را از وی گرفت و پس نداد، و نگارنده از آنجا برفت، و بریاست دیوانخانهٔ همدان گماشته شد، و نسخهٔ دیگری از بیروت بخواست، پس نسخهٔ چاپ دوم را که بر چاپ یکم افزودگی داشت برای وی آوردند، و او در پانزدهم صفر (۱۳۰۷ق) بترجمهٔ کتاب آغاز و در دوم رجب آن سال آنرا بپایان رسانید، و کارنامهٔ جهانش نامید، وی گرچه میخواسته است واژه‌های جز فارسی کمتر بکار برد و دستورهای زبان عربی را در فارسی بکار نه بندد باز هم جمله‌بندی این کتاب نادرست است، و هم پر از واژه‌های دشوار عربی و دساتیری میباشد، و خود ناگزیر برخی از آنها را در کرانهٔ رویه‌ها گزارش داده است.

در آغاز کتاب دیباچه‌ئیرا که بفارسی سره نگاشته می آورد، و تاریخ آن یکم جمادی یکم سال ۱۳۰۳ ق = ۱۲۵۵ یزدگردی میباشد و سپس دیباچهٔ کتاب و پس از آن بترجمه میپردازد. و آنرا در شنبه دوم رجب ۱۳۰۷ ق برابر روز آذرماه ۱۲۵۸ یزدگردی برابر دهم شباط ۱۸۸۹م بپایان رسانیده است.

آغاز دیباچهٔ فارسی سره : بنام کرو کربهدان: سپس ستایش یزدان توانا و درود پیغمبران و شتوخشوردان و نیکان و پاکان و نزدیکان و برگزیدگان فرگاه یزدانی ویژه پیغمبر فرجامین...

آغاز دیباچهٔ دوم: سپاس و ستایش مر یکتا سپاس سزائی در خور و سزا است... و از آنان جز شناسائی خویش و ترفیه و تن آسائی درویش چیزی نخواست.

آغاز ترجمه: در وصف تاریخ و فائدهٔ آن و جغرافی تاریخ لفظاً کلمه‌ایست معرب از ماه روز چنانکه ابن وردی در فصل ذکر هجرت...

انجام: اول مطبعهٔ میکانیکی ... اختراع نیکلسون انگلیسی در سال هزار و هفتصد و نود است.

و پس از آن جدول رویدادهای بزرگ جهان سالانه نگاشته شده است

[٢٤٧]

١١٩ نسخه بخط نسخ زیبا . نویسنده هدایت‌الله جودی پسر شادروان عبدالله علوی همدانی، درتاریخ جمادی یکم سال ١٣٠٨ق بپایان رسیده است . همهٔ صفحه‌ها با زر وسیاهی جدولبندی شده عنوانها با شنگرف وصفحه‌شمارها نیزشنگرف است . عنوان بخشها بالای رویه‌ها باشنگرف نوشته شده . در کرانه گزارش برخی واژه‌های دشوار با خط نستعلیق نوشته شده است .

میان صفحه‌های ١٠٦و١٠٧ افتادگی دارد

(٧١٧) صفحه) + ٦ برگ فهرست کتاب درآغاز و ٥ برگ سفید درپایان . کاغذ فرنگی سفید آهارمهره شده . جلد تیماج سرخ مقوائی فشاری اندازه : ٣٠×٢٠و١٣×٢٩ : ٢٢×٣٣ سطر .

[٢٢٥] لؤلؤتي البحرين (رجال – عربی)

في الاجازة لقرتي العين

تاریخچهٔ اجازه (١) در ص ٤٧٧ یاد شده ، و چنانکه گفتم برخی از اجازه‌ها باندازهٔ کتابی جداگانه ساخته شده است ، یکی از آن اجازه‌های بزرك کتاب جای گفتگو میباشد. صاحب حدائق این اجازه‌را برای دوشاگرد خودشیخ خلف پسر عبدعلی وشیخ حسن پسرشیخ محمد نگاشته، ودرآن گزارش زندگی استادان خویش را پشت به پشت تا نگارندگان چهار اصل (کافی ، من لا یحضره الفقیه ، تهذیب ، استبصار) یاد کرده‌است ، وسپس زنجیرهٔ روایت خویش‌را تاچند کتاب دیگریاد کرده و کتاب را بپایان رسانیده‌است . این کتاب درپیرامن (٥٢٥٠ بیت نوشته) دارد ودر کربلا در ١١– ع١ – ١١٨٢ بپایان رسیده‌است .

صاحب ذریعه در (ج ٦ ص ١٩٠) دو حاشیه از دو دانشمند زیر، برای لؤلؤة یاد کرده است :

– محمد پسرعبدالنبی نیشابوری هندی اخباری (م١٢٣٢ق) که در (١٢٠٧ق)

(١) قلقشندی درصبح‌الاعشی ج مصر ١٩١٨ م، ج١٤ ص ٣٢٢ روش اجازه‌نویسی سدهٔ نهم‌درمصرراچنین‌می آورد: اجازه‌برای فتوی‌دادن، ودرس گفتن وروایت کردن‌را شیخ واستادروی برگهای پهن‌مانندکاغذ «قرخة الشامی» و کاغذ« بلدی» باخامهٔ «رقاع» بنویسد ومیان سطرها يك انگشت فاصله گذارد ...

این حاشیه را نگاشته، ومیگوید چون‌لؤلؤة را بررسی کردم ودرآن‌نادرستیها دیدم، این حاشیه را نگاشتم ...

– محمد پسر سلیمان تنکابنی (م ١٣٠٢ ق) در « قصص‌العلماء » گوید حاشیه‌یی برلؤلؤة نگاشتم

لؤلؤة درتهران بسال ١٢٦٩ ق بسنك وبی تاریخ درهند چلپ شده است .

اجازه دهنده : یوسف پسر احمد پسر ابراهیم پسر احمد پسر صالح پسر احمد پسرعصفور بحرینی درازی ماحوزی، استاد سیدمهدی‌بحرالعلوم وآقاباقر بهبهانی (م ١٢٠٦ ق) میباشد . او مانند دیگر دانشمندان بحرین اخباری بوده و با اصول فقه میانه ندارد .

گزارش زندگی‌وی‌را همهٔ تاریخ‌نگاران آورده‌اند، ومدرك همهٔ ایشان همین کتاب خود اوست ، اومیگوید در (١١٠٧ق) دردیه ماحوز بزادم ، و من پنجساله بودم که عربان بربحرین یورش آوردند ، و پس‌از زدوخورد و ویرانی شهرعربان‌شکست‌خوردند . ومن جوان‌بودم که دوباره عربان بایك‌قراب (١) حمله کردند و مردم ایشان را راندند ، و سپس لشکری از ایران بسرداری‌یك خان دشتی بکمك مردم بحرین آمد، و سال پسین که عربان باز آمدند ، با این لشکر روبرو شدند و شکست‌خوردند، ولی خطر ازمیان‌نرفت پس شیخ‌عبدالله ماحوزی برای یاری‌خواستن باصفهان‌شد، ولی چون‌شاه سلطان حسین‌بی‌لیاقت بود شیخ ناامید شد و ببهبهان بزیست . و بار سوم عربان بحرین را محاصره کردند و گشودند و کشتار بسیار نمودند، و شهر را سوختند ، و ما به قطیف پناه بردیم ، سپس لشکر ایران برای نجات بحرین آمد ولیکن این بار همهٔ ایرانیان کشته شدند . و عربان باز شهر را سوزانیدند و خانه ما نیز بسوخت ، پس چون زبونی‌شاه آشکار شد ، باگردآوری مال بسیار برای‌رئیس خوارج عرب ، بحرین صلح از ایشان خریده شد ، و ما باز گشتیم و بنجسال آنجا بماندیم ، ولیکن در سال ١١٣٥ همینکه افغانان براصفهان پیروز شدند ، عربان « هوله » بحرین را گرفتند ، ومن ناچار بکرمان فرار کردم، وسپس بشیرازشدم

١– نوعی کشتی بادی است .

وفرما روای آنجا محمد تقی خان بمن یاری کرد، ولی ناگاه آشوب و کشتاری پیش آمد ومن بفسا پناه بردم و متولی آنجا میرزا محمد علی نیز بمن یاری کرد وازمن مالیات نستاند، ولی اورا نیز کشتند، پس باصطهبانات فرار کردم واز آنجا بعراق عرب آمده وبکربلا ماندم، دراینجا زندگانی من گشایش یافت و کتاب حدائق را که درشهرهای فارس می نگاشتم با گسترش بیشتر دنبال کردم، واکنون کتاب بازرگانی آنرا ادردست کاردادم، و از نگارش کتاب جنك (جهاد) چون سودی دربرنداشت چشم پوشیدم ، و سپس فهرست نگاشته‌های خودرا آورده است.

مرك صاحب حدائق را در کربلا روز شنبه چهاردهم ربیع یکم سال ۱۱۸٦ یا ۱۱۸۷ ق آورده‌اند . مادهٔ تاریخ آنرا درنخبة المقال چنین آورده است :

له حدائق قدا ستوفی الخبر وبعد (عد= ۷٤) قبضه (الناظر=۱۱۸٦)

اودراینجا مرك نگارنده را درهفتاد وچهار سالگی دانسته واین با زایچهٔ اودر (۱۱۰۷ ق) ناساز گاراست . ولی درپایان نسخهٔ ۱۸۸ دانشکاه گ. ١٤-الف از گفتهٔ سید محمد تبریزی چنین آورده‌است :

نقضیت واحدا الزمان فارخو (قرحت قلب الدین بعدك یوسف) =۱۱۸۷ ق

بهبهانی برجنازهٔ او نماز گذارده واورا دررواق حسین بن علی (ع) بخاك سپردند.

[۲٤۸]

۱۸۸ نسخه بخط نسخ ، نام نویسنده ندارد ، ولی در کرانه (گ ۳۲ - الف) بخطی مانند خامهٔ متن نوشته شده‌است : لمحرره محمد حسین . تاریخ نیز ندارد ، ولی پیداست که در آغاز سدهٔ سیزده نوشته شده‌است . حاشیه‌ها بامضای (منه‌ره) و(لمحرره محمدحسین) و(ملازنجانی) و(میرزا ابوالقاسم زنجانی سلمه الله) و (محمدتقی عفی عنه) دارد. ودرپایان نسخه (گ ۱۳۹ ب و ۱٤۰ - الف) یازده بیت شعر عربی بقافیهٔ فاء درتاریخ مرك نگارنده در ۱۱۸۷ ق از سید محمد تبریزی که درهنگام نوشتن زنده بوده است دیده میشود .

عنوانها باشنگرف است، وبرخی عنوانهارا در کرانهٔ رویه نیز نوشته‌است. در گ ۱٤۰ و ۱٤۱ ماده تاریخهای یك جمله یی و یك واژه یی برای مرك امامان و چند تن از پیشوایان ودانشمندان آورده است

درپشت برك ۱-الف تملك بسال ۱۲٦٥ ق دیده میشود . پیشتر در کتابخانهٔ آقاضیاءالدین نوری نوادهٔ حاج میرزا حسین نوری بوده ومهر او در برك (۱ - الف) دیده میشود .

۱٤۱ برك ، کاغذ فرمهٔ اصفهانی ، نخدی ، جلد تیماج حنائی مقوائی فشاری .

اندازه : ۱۵×۲۱ و ۸×۱۵ ؛ ۱۹ سطر .

[۲۲٦] مجالس المؤمنین (تاریخ - فارسی)

یکی از کتابهای پرمطلب و ساده فارسی است که در روزگار صفوی نگاشته شده است ، این کتاب که برای ترویج مذهب شیعه ساخته شده تاریخ وجغرافیای دینی وسیاسی خاورمیانه‌را تاپیش ازدولت صفوی دربردارد . نگارنده کتاب خودرا بریك پیش گفتار ودوازده مجلس وپایان‌نامه بخش کرده است :

پیش گفتار درمعنی شیعیگری ، مجلس یکم جاها و شهرهای شیعه‌نشین مجلس دوم خاندانها و ایلات شیعی ، مجلس سوم بزرگانی از یاران پیغمبر (صحابه) که شیعی بوده‌اند، مجلس چهارم بزرگان تابعان که شیعی بوده‌اند ، مجلس پنجم متکلمان شیعه، مجلس ششم صوفیان شیعه، مجلس هفتم فیلسوفان شیعه مجلس هشتم پادشاهان شیعه . مجلس نهم امیران شیعه، مجلس دهم وزیران شیعه مجلس یازدهم شاعران عرب که شیعی بوده‌اند ، مجلس دوازدهم شاعران فارسی زبان شیعه . این کتاب گرانبها دو بار در تهران که نخستین آنها در ۱٦ رجب ۱۲٦۸ ق بوده و یك بار بی تاریخ درتبریز چاپ شده‌است ولیکن بدبختانه هرسه سنگی و بدخط وبی سلیقه وبی فهرست چاپ شده است ، وآنرا بسان یك گنجینهٔ کور درآورده‌اند که دست نیازمندان از مطالب آن کوتاه‌است مگر با صرف وقت زیاد که آن نیز با وضع کار امروز ساز گار نیست .

نگارنده : قاضی نورالله شهید شوشتری پسر شریف پسر نورالله پسر محمد شاه پسر مبارزالدین منده مرعشی است که زنجیرهٔ نیاکان خویش به حسین اصغر پسر امام چهارم میرساند . وی در (۹٥٦ ق) درشوشتر براده، ودرربیع دوم (۹۷۹ ق) از آنجا بیرون آمد، دررمضان بطوس رسید ونزد عبدالواحد شوشتری دانش آموخت،وپس ازدوازده سال درشوال (۹۹۲ ق) دراثر فتنه یی ناگزیر بهندرفت وبوسیله حکیم ابوالفتح نزد جلال الدین محمد اکبر پادشاه رسید. وی اورا گرامی داشت و اورا سرور قاضیان عسکر ساخت ، وسپس اورا بجای شیخ معین قاضی لاهور ساخت .

قاضی درده سال پایان سدهٔ دهم وده سال آغاز سدهٔ یازدهم که دورهٔ صلح کل در هندوستان است، با آزادی بنگارش و تبلیغ شیعیگری میپرداخت . گویند

دراین مدت ریشهٔ رشوت خواری را ازلاهور بر کند.

او دراین‌دوره هیچگونه پنهان کاری نکرده و نزدیك صد کتابچه که نگاشت همه درپیرامن شیعیگری وفلسفه وعرفان وصوفیگری بود، وهمه‌بامذهب خشك سنی دولت مغولی سابق هند ناساز گار بوده است ، و او به‌پشت گرمی دولت صلح کلی اکبر شاه هندی اینها را می‌نگاشت .

طرفداری اکبر شاه از « صلح کل » واز « شیعه » :

چنانکه در(ص۵۰۷ و ۵۲۰) دیدیم درنیمهٔ دوم سدهٔ دهم درهندوستان دراثر فشار توده‌های هندو،طرحهائی (۱) برای جلوگیری از تعصبهای خشك مذهبی اقلیت سنی که حکومت را در دست داشت ، ریخته شد . یکی از آن نقشه‌ها « صلح کل جاویدان » و یکی «طرفداری ازشیعیگری» بود که دربار اکبرشاه مغولی‌هند،نقشه نخستین‌را بیاری شیخ ابوالفضل ناگری وابوالفیض‌فیضی، ودومین را بیاری قاضی نورالله بکاربسته بود ، ولی‌سنیان شیخ فیضی‌را در (۱۰۰٤ ق) بازهر کشتند، وسپس جهانگیررا بسال (۱۰۱۱ ق) برپدرش اکبر شورانیدند و ابوالفضل را دراین شورش کشتند، و اجرای این‌نقشه ها را دشوار کردند ، و پس‌ازمرك اکبردر (۱۰۱٤ق) گرچه جانشین اوجهانگیر نیزباجرای آن‌نقشه میل‌داشت، ولی‌سنیان ازضعف اواستفاده کرده قاضی را مجبور کردند فتواهای خویش را مطابق یکی ازچهارمذهب سنی بدهد ، ولی قاضی باایشان‌وشاه شرط کرد که درهنگام دادن هرفتوی، دربر گزیدن هریك ازچهارمذهب آزادباشد ، و بدین گونه اومذهب خود (شیعی) را همیشه بنام یکی ازچهارمذهب که باآن برابربود بکارمی‌بست ، ولیکن‌سنیان این‌باره ببهانهٔ نگارشهای اووی‌را معزول کرده ودرآ گره (اکبرآباد) بسال ۱۰۱۹ ق با اجازهٔ جهانگیر اورا محکوم

(۱) دستگاه دولتی ومقامات درباری بدست سنیان متعصب بود که توده‌های هندورا درسختی گذارده بودند دراین روزگار جنبشهای هندوان دربارمغلی هند را متوجه کرد که اگر از اکثریت مردم طرفداری نکند تاج و تخت‌مغولی درمعرض خطر خواهد بود ، و از این روی طرح «صلح کل جاویدان» ریخته شد .

به‌تعزیر کردند، وبا «درهٔ خاردار» اورا شلاق‌زدند ، پس بدنش زخمهای سخت برداشت و درگذشت وهمانجا بخاکش سپردند، وگور او تا امروز زیارتگاه میباشد .

شیعه‌تراشی : هدف قاضی دراین کتاب آنست که اکثریت مسلمانان را شیعی‌نشان دهد اگرچه در دیباچه گفته است : کسانی که علی را خلیفهٔ بی‌فاصله دانند، شیعه می‌شمرد ، ولی در عمل : هرآنکس را که با خاندان پیغمبر دوست باشد ، و یا دشمنی آشکار نکرده باشد ، شیعی خوانده است ، وکارهای ایشان و کتابهای آن‌دانشمندان‌را که بامذهب شیعه ناسازگاربوده، به‌پنهان کاری (تقیه) تفسیر کرده‌است . اومیخواست بگوید شیعی گری را صفویان درست نکرده‌اند بلکه پیش‌ازایشان نیزبوده‌است(۱) برخی ازدانشمندان‌این کارقاضی‌را شیعه‌تراشی نام‌داده وبآن خرده گرفته‌اند (۲) وخود قاضی نیز آگاهانه باین کاردست یازیده است . او درمجلس هفتم در گزارش زندگی غزالی گوید :

« کسی نگوید که چون حکم بتشیع غزالی و مانند او که بمذهب اهل سنت اشتهار دارند ، نمودید پس باید که سخنان ایشان را که در کتب کلامیه وغیرآن مسطوراست براهل سنت حجت نسازید ، زیرا که میگوئیم که حکم ما

(۱) اودرپایان‌نامه (خاتمه) مجالس درسفارش‌های‌خویش گوید : «دیگر آنکه تخصیص این کتاب را بذکرجمعی از اکابر مؤمنان که قبل از ظهور دولت ابد اقتران سلاطین صفویه ... بوده‌اند بوجه‌ بدانند زیرا که چون‌مقصد اصلی ازاین کتاب بیان قدم این طائفه وعدم ارتکاب تشیع بطریق اجبار است ... »

(۲) نخستین کس که بقاضی خورده گرفت ملاعبدالله افندی دورریاض‌العلماء (ص۵۸۷ دیده شود) بوده، که میگوید، چون‌دیدم قاضی‌سنیان‌را باشیعیان آمیخته وهمه‌را شیعی شمرده‌است، من این کتاب را برای‌جدائی ایشان‌ساختم . و نیز آقامحمد بهبهانی درمقامع‌الفضل ص ۲۸۸ چ ۱۳۱٦ ق گوید: قاضی نورالله نظر بمعارضه درمذهب که با میرمخدوم شریفی‌داشت بنابرمصلحت اکثراعیان سنیان وصوفیان را داخل شیعیان کرد وبمفهومات ضعیفه واحتمالات بعیده وسخیفه استدلال برتشیع ایشان نمود ، ونیزصاحب روضات در گزارش محیی‌الدین ابن عربی قاضی را بلقب شیعه‌تراش خوانده است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بتشیع غزالی وامثال او نظر بباطن حال ایشان است ، وشك نیست که ظاهر حال ایشان موافق اهل سنت بوده . . . »

من گمان میکنم چون قاضی تحت تأثیر افکار دوستان خود ابوالفضل ناگری و حکیم ابوالفتح لاهجی و قاضی احمد تتوی و دیگر طرفداران « صلح کل » بود، شیعیگری را آنگونه معنی میکرد که بیشتر مسلمانان را دربر گیرد ، وجز بدنامترین امیران وستمگرترین پادشاهان ، همهٔ نیکنامان اسلام را شیعه میشمرد، او برای پدید آوردن هماهنگی میان مردم، همهٔ خوبان را شیعی شمرد تا متعصبان مذهبی را از ناسزا گوئی بمردان بزرك ، که موجب رنجش پیروان آنها است ، باز دارد، با اینکه قاضی مردی متعصب در شیعیگریست از نامه هائیکه میان او و میر یوسفعلی اخباری دادوستد شده چنین برمی آید که تا اندازه‌یی از خرافات دوری میجسته است (۱) .

گزارش زندگی قاضی در کتاب « محفل الفردوس » ازعلاءالملك پسر قاضی ، ودر « منتخب التواریخ » ملاعبدالقادر بدوانی (ج ۳ ص ۱۳۷-۱۳۸) ودر « ریاض الشعراء » علی قلی واله داغستانی و بنقل از آن دو، در « نجوم السماء » (ج لکهنو ۱۳۰۲ ق - ص ۹ - ۱۷) ودر حرف نون ریاض العلماء و روضات الجنات ج یکم ص ۵۲٤ و ۷٦۱ و در ریاض العارفین ص ٦٠٤ ، وهدیة الاحباب قمی وشهداء الفضیلهٔ امینی و ریحانة الادب ج ۲ ص ٦۳٦ آمده و محدث ارومی کتابی بنام « فیض الاله فی ترجمة القاضی نورالله » ساخته و در ۱۲۳ ص در پیشاپیش کتاب صوارم مهرقه بسال ۱۳٦۷ ق درتهران چاپ کرده است .

[۲٤۹]

۱۱۵ نسخه بخط نسخ ، نام نویسنده منوچهر کاتب پسر شادروان مقصود کمره‌ئی مجلس سوم دررمضان ۱۰۵۲ ق ومجلس ششم درچهارشنبه ۲۹ ـ ج ۲ ـ ۱۰۵۲ ومجلس

(۱) بخشی از این نامه‌ها را محدث در کتاب « فیض الاله » ص (عب ۷۲ تا ۸٤ فد) درپیشاپیش صوارم مهرقه چاپ کرده است . قاضی در این نامه‌ها میگوید علم غیب مخصوص خدا است ، وتقیه واجب نیست ، و خطبة البیان ساختگی است و به علی بسته شده است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

هشتم دررجب ۱۰۵۲ ومجلس دوازدهم درشعبان ۱۰۵۲ ق بپایان رسیده است ، بنابرین مجلسهای ۱ و ۲ و ۳ را پس ازدیگران نوشته است . کرانهٔ آخرین برك را بریده‌اند و با کاغذ نو، متن وحاشیه کرده‌اند و چون نام نویسنده درحاشیه بوده است آنرا بریده وبرپشت چسبانیده‌اند .

سرلوحهائی با زر و لاژورد و شنگرف دربرگهای (۱ و ۱۰ و ۵۲ و ٦۷ و ۱۱۹ و ۱٤۲ و ۲۵۷ و ۳۳۹ و ۳٦٦ و ٤۳۷ و ٤۵۱ و ٤۷۸ و ۵۱۵) دارد ، که ۱۲ تا دو آغاز ۱۲ مجلس است وسیزدهمی درآغاز دیباچهٔ کتاب میباشد . دوبرك نخست حاشیه‌سازی با زر و میان سطرها زرافشانی شده است . حاشیه‌ها بخامهٔ نستعلیق و بامضای (منه) و (۱۲) دارد . همهٔ رویه‌ها با زر ولاژورد جدولبندی شده است . عنوانها با شنگرف و روی آیه‌ها وجمله‌های عربی نیز خط شنگرفی کشیده‌است . نشان پابرگی داشته و برك‌شمار آنرا من نوشتم . بالای صفحه‌ها آب دیده است .

(۵۲۸ برك) کاغذ ترمه نخدی ، جلد تیماج زرده ، درون تیماج سرخ زرکوب سوخت فرسوده ، اندازه : ۱۷×۲۸ و ۹/۵×۱۹/۵ ؛ ۲۵ سطر

[۲۲۷] مجمع الغرایب (جغرافیا، تاریخ ـ فارسی)

دربارهٔ جغرافیای افسانه آمیز در (ص ٦۲۱) گفتگو کردم . جای گفتگو کتابی است که چون آغازش افتاده نام نگارنده شناخته نیست . ولی پدر نگارنده ملا درویش محمد بلخی مفتی بوده ، و شعر او بدو زبان ترکی و فارسی دراین کتاب آمده‌است (۱) و درشب پنجشنبه یکم صفر (۹۵۷ق) در گذشته است (۲) . خود نگارنده نیز هنگام نگارش این کتاب سفری را که از بلخ بکابل رفته ودر ۱٤ ربیع یکم (۹۳۵ ق) بکوه پامیان رسیده بخاطر داشته است (۳) ، و آخرین تاریخی که در این کتاب آورده مرك نتیجة الاولیاء حضرت ملا کهٔ شبرغانی درشب جمعه دهم رمضان سال هزاروسه است (٤) او همه‌جا از ابوبکر و عمر و عثمان

(۱) گ ۷ ب و ٦۸ ـ الف و ب و ۷۱ ب . نسخهٔ ۸۹۸ دانشگاه دیده شود
(۲) گ ۸۱ ب نسخه ۸۹۸ دانشگاه دیده شود .
(۳) گویا در این هنگام او کودك بوده است . گ ٤۱ ـ الف دیده شود .
(٤) گ ۸۲ ـ الف همان نسخه دیده شود .

با جملهٔ «امیرالمؤمنین ... رضی‌الله عنه» یاد کرده ، و سپس یك شیعی واژهٔ «مؤمنین» را سیاه کرده وبجای «رضی‌الله‌عنه» واژهٔ «علیه‌اللعنه» نوشته‌است (۱) و دربارهٔ سرداب سامره گوید : «مشهور است که محمدمهدی در آنجا غایب شده است» (۲) در گ (۲ و ۳) گزارش زندگی سه خلیفه را نگاشته ولی آن شیعی همه‌را سیاه کرده‌است . زایجهٔ ومرك ومدت خلافت امامان‌را اززین‌العابدین امام چهارم تامحمدمهدی امام دوازدهم ، آورده و در بارهٔ این میگوید : «مدت حیاة آنجناب نه سال ومدت خلافت چهارسال وشش‌ماه ، ودرماه رمضان دویست وشش‌بود که درغار سامره غایب‌شد ...» او سنی است ولی مانند همهٔ سنیان دورهٔ تیموری درخاورایران ، تندرویهای شیعیان را ازخود نشان میدهد (۳) .

او ازچندین تن‌ازهمزمانان خویش؛ مانند شهاب‌معمائی وحکیم ابوالخیرلنك ، وملاخلیل وابوالمعالی بخاری ، ودرویش شیخم ، و کیستن قراسلطان فرماندار بلخ یاد کرده است .

فهرست کتاب چنین‌است : باب یکم‌افتاده . باب‌دوم زندگی پیغمبران معروف آغازش‌افتاده‌است . باب‌سوم‌فهرست الفبائی (٤) شهرهای‌بزرك جهان وعجایب هریك (گ ٤ تا ٢٤) دراین باب‌آنچه دربارهٔ بلخ وبخارا که میهن اوست آورده سودمند میباشد . باب‌چهارم شگفتیهای آدمیان(گ ٢٤ – ٣١) باب پنجم عجایب جانوران (گ ٣١ – ٣٥). باب ششم عجایب گیاهها (گ ٣٥ – ٣٨) باب هفتم شگفتیهای کوه و چشمه‌سارها (گ ٣٨ – ٤٣) باب هشتم شگفتیهای دریاها (گ ٤٣–٤٥) باب‌نهم‌عجایب‌بیابانها(گ٤٥–٤٨) باب‌دهم‌شگفتیهای کنیسه‌ها (گ٤٨–٥٢) باب یازدهم درازا وپهنا وژرفای دریاها (گ٥٢–٥٤) باب دوازدهم

(۱) گ ۳ ب و ۷۳و۷٤و۷٥ دیده شود .
(۲) گ ١٤ ب دیده شود .
(۳) نمونهٔ دیگر ازچنین سنیان در ص ٥٨٣ یاد شد .
(٤) شگفت آنکه حرف جیم را میان (بیوت) وحرف لام را میان (هـ و ی) آورده ودیگرحرفها را بترتیب ابتثی آورده است .

اندازهٔ‌روی‌زمین‌ودوری شهرها‌ازیکدیگر(گ ٥٤–٥٦) باب سیزدهم قیافه‌شناسی وفراست (گ ٥٦–٦٣) باب‌چهاردهم شیرین‌سخنی‌خوش‌طبعان (گ ٦٣– ٧١) باب پانزدهم رویدادهای شگفت درتاریخ جهان (گ ٧١–٨٣) دراین باب نیز آنچه از تاریخ میهن خود یاد کرده سودمند میباشد و سزاوار چاپ شدن است . باب شانزدهم سخنان کوتاه و پندهای بزرگان (گ ٨٣–٨٤) خاتمه (گ ٨٤–٨٥) .

وی دراین کتاب از کسان و کتابهای زیرنقل آورده است :

معارج‌النبوة(۱)، فوایدفیروزشاهی، تفسیرسیر، بحرالدرر، عصمة‌الانبیاء، تفسیر مواهب‌علیه ، صفوة‌الصفوة ، عجایب‌المخلوقات (۲) ، صورالاقالیم، تاریخ بلخ ، انوارالتنزیل بیضاوی (۳) . لمعة‌الغرایب ، تفسیرطبری ، مسالك‌الممالك ، تاریخ شام ، عجایب‌البلدان عبید علی بیرجندی ، تحفة‌الغرایب ، تاریخ مغرب ، مقصدالاقبال(٤) عجایب‌العالم، جامع‌الحکایات (٥)، نزهة‌القلوب حمدالله‌مستوفی قزوینی (٦) ، زادالمفسر ، کشف‌الاسرار ثعلبی ، زبدة‌التواریخ ، آثارالباقیه ، ربیع‌الابرار، فارسنامه ، معجم‌البلدان، تاریخ سقالیه ، جهان‌نامه ، تاریخ گزیده ، عجایب‌البحر ، عجایب‌الدنیا ، عجایب‌الاخبار ، تاریخ حافظ ابرو ، ابواسحاق طالقانی، مفاخرالعرب ، روضة‌الصفا، روضة‌الاحباب ، (۷) تاج‌الدین منجم‌حکیم خوارزمی ، تاریخ طبری ، تذکرة‌التاریخ ، مجمع‌الانساب ، تاریخ آل سلجوق ، تذکرة‌الشعراء ، لطایف‌الطوایف ، نفایس‌الفنون انیس‌الوحده‌وجلیس‌الخلوه ، شواهدالنبوة ، خلاصة‌الاخبار، جامع‌التواریخ ، تاریخ حمزه‌اصفهانی، المعارف ،

(۱) نسخهٔ آن شمارهٔ (١١٦) دراین کتابخانه هست و یاد خواهد شد .
(۲) درج ۲ ص ٦٢١–٦٢٦ یاد شد .
(۳) درج ١ ص١٥و١٦ یادشد .
(٤) بشمارهٔ (١٨٣) در این کتابخانه هست ویاد خواهد شد .
(٥) درج ۲ ص٢١–٣٢ یاد شد .
(٦) بشمارهٔ (٢٠٩) دراین کتابخانه هست وخواهد آمد .
(۷) درج ۲ ص (٥٨١–٥٨٤) یاد شد .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نگارنده این کتاب را بفارسی نگاشته ولی از سبك آن پیداست که او ترك بوده‌است ، وشعر بسیار نیز از خود وپدرش آورده ولی بیشتر آنها نیز نارساست .

آغاز نسخه افتاده است .

انجام : لله‌الحمد والمنه که بامداد الطاف متواترهٔ ربانی . . .

خلافت پناها دلت شاد باد — تن وجانت ازمحنت آزاد باد
مرابس‌همین‌درجهان‌نام‌وکام — که این نامه کردم بنامت تمام

تا آنجا که ،

چو داعی بود درجهان صبح و شام
دعاگوی تو انس و جـان والسلام

[٢٥٠]

٨٩٨ نسخه‌بخط نسخ خاورایران. نویسنده‌محمدموسی پسر شاه محمدمن‌جماعة‌المعولیة درمدرسهٔ مرحوم‌قل‌نابا کو کلتاش . تاریخ ندارد ولی‌خط و کاغذ سده یازدهم‌را نشان میدهد . نویسنده سنی بوده وخلیفه‌هارا با جمله رضی‌الله نام برده ولی یك شیعی همه‌جا روی‌آن خط کشیده وجملهٔ علیه‌اللعنة را افزوده است ، و همین شیعی در کرانه برگهای نخست حاشیه‌ها درنکوهش از خلیفه‌ها نوشته . ودر (گ ٨٥ و ٨٦ و ٨٧) نسخه‌های پزشکی وداروهای گوناگون بخامهٔ همین شیعی نوشته شده است . عنوانها با شنگرف است . تصحیح شده وافتادگیها در کرانه نهاده شده است .

(٨٧ برك) کاغذ ترمه نخدی . جلد مقوا نشرده فرسوده .
اندازه : ١٣×٢٠ و ٧×١٣ : ١٩سطر .

[٢٢٨] **مختصر** (نسبنامه ـ فارسی)

این کتاب را آخوندی درهندوستان‌نگاشته وازدور بودن مردم‌ازمرکزاسلام سوء استفاده کرده‌دروغهای‌شاخدارسرهم‌نموده‌ونسبنامهٔ برای‌امام‌زادگان‌ساخته وزندگی امامان را نیز گزارشی سراپا دروغ فراهم کرده‌است . درآغاز گوید این کتاب‌بزبان عربی‌درمسجدالاقصی‌بخط امام شریف لطیف‌بن جعفربن‌محمدبن حسن‌بن علی‌بن ابی‌طالب (ع) بوده، وشیخ‌الحفاظ آنرا بفارسی گردانیده است .

نگارنده‌ازستاره‌شناسی‌نیز آگاهی‌میداشته‌ودههٔ‌عاشورا، سال کشتن‌امام حسین‌را با نخستین دههٔ بهمن ماه برابر دانسته است (گ ١٤ ـ نسخهٔ ٨٧٧ دانشگاه) . دربارهٔ غیبت امام زمان در (گ ١٧ و ٢٧ این‌نسخه) گوید : گویندکه‌درسامره درغار رفته است و گویند که درجله روی نموده است و درجله و سامره اسب امام را می‌بندند ومنتظرند . ودر (گ ٢٦) ناصرخسرو را سید دانسته است . مطالب این کتاب نزدیك بمطالب کتابیست که‌پس‌از‌آن‌نوشته‌شده و بعنوان« منشور » یا یا«رسالهٔ انسابیه » یاد خواهد شد . عنوانهایش چنین است « ذکرحضرت . . . »

وپس‌ازپایان فرزندان حسن‌عسکری یك‌بخش ویژهٔ فرزندان‌موسی کاظم آورده است و بیشترازهرچیزدراین کتاب ازسیدهای طبرستان‌وشمال‌البرز گفتگوشده است . همهٔ کتاب درپیرامن (٥٥٠ بیت نوشته) دربردارد .

آغاز : الحمدلله‌رب‌العالمین .. قال‌النبی کل حسب‌ونسب ینقطع‌الاحسبی ونسبی . .

انجام : درتوابع شهرآمل درموضع ابلمه وستاق معروف به روشن‌آباد درتقیه ماندند .

[٢٥١]

٨٨٧ نسخه‌بخط نستعلیق . خردفتری جای دارد که برگهای (١تا٩) آنرا دوازده امام خواجه طوسی و (گ ٩ تا ٣٦) آنرا این کتاب و(گ ٣٧ تا ٩٥) را کتابچهٔ انسابیه یا «منشورمبارك» و (گ ٩٦ تا ١٣٠) راکتابچه‌یی درستاره‌شناسی و طالع‌بینی گرفته است . نویسندهٔ همهٔ دفتر محمدعلی پسر خواجه قاسمعلی‌مازندرانی ساروی‌است، که دوازده امامرا درقلعهٔ جعفرآباددردوشنبه٢١ ربیع دوم ١١٧٥ (شاید ١٠٧٥ق) بپایان‌رسانیده‌است . عنوانها باشنگرف، ودرکرانه‌نیز عنوانهارا باشنگرف نوشته است . پشت (گ ٩ ـ الف) نوشته شده « حیف عمر که صرف مطالعه این کتاب شود » .

(همهٔ دفتر ١٣٠ برك ، این‌کتابچه ٢٨ برك ، کاغذ ترمه نخدی ، جلد تیماج مشکی دولا فرسوده ، اندازه : ١٣×١٨/٥ و ٧/٣×١٣ : ١٣ سطر

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

[۲۲۹] **مشترکات الرجال** (رجال ـ عربی)

شرح باب دوازدهم جامع المقال

جامع المقال طریحی در (ص ۵۵۵) یاد شد و چنانکه گفتم باب دوازدهم این کتاب در شناسائی راویان همنام و جدا کردن آنها از یکدیگر میباشد، این باب چون از دیگر بابهای کتاب ارزش بیشتر داشته است (۱) نویسندگان آنرا جدا نوشته و دانشمندان آنرا جداگانه گزارش نگاشته‌اند. جای گفتگو شرحی است که محمد امین کاظمی براین باب نگاشته است این کتاب را خود نگارنده در دیباچه شرح جامع المقال خوانده است ولی صاحب روضات (چ یکم ص ۵۱۰) آنرا حاشیه دانسته و پدرم در ذریعه (۷ : ۹۶) احتمال میدهد که وی نخست حاشیه‌یی براین کتاب نگاشته و سپس آنرا شرح کرده‌است. در این کتاب متن را با (قال ...) و گزارش را با (اقول ...) نشان کرده است و در آغاز گوید: چون باب دوازدهم جامع المقال را بررسی کردم دیدم نگارنده‌اش بجای شناساندن و جدا کردن راویان همنام، ایشان را درهم آمیخته است، پس برای درست کردن نادرستیهایش آنرا گزارش نگاشتم.

آغاز: الحمدلله الذی انقذنا من شفا جرف الظنون والاوهام ... اما بعد فیقول الفقیر محمد امین بن محمدعلی الکاظمی: انی نظرت فی کتاب ... قال سلمه الله: الباب الثانی عشر فی ذکر المبهم من اسماء الرجال ... اقول اوهم کلامه ان کل واحد من المذکورین له اصل ...

(۱) فهرست جامع المقال چنین است: مقدمه در معنی حدیث. باب یکم آنچه باید راوی بداند. باب دوم حکم آن. باب سوم با چه شرط روایت پذیرفتنی است. باب چهارم عدالت چیست؟ باب پنجم خبرهائیکه از پیغمبر است. باب ششم چرا اصطلاحهای خبرشناسان گذشته را عوض کردیم. باب هفتم با چه شرط میتوان روایت کرد. باب هشتم چگونه باید روایت کرد؟ (لفظ را میتوان عوض کرد). باب نهم روش راویان در روایت کردن. باب دهم دانشهائیکه دانستن آن برای یک راوی بایا است. باب یازدهم چگونه باید حدیث را نوشت. باب دوازدهم راویان همنام وجداشناختن هریک.

انجام: ونسئل الله لنا ولاخواننا العافیة من الزیغ والارتیاف، والتوفیق لما وفق له اولوالالباب. والحمدلله اولا و آخر ... وفرغ مؤلف هذه الکلمات منها فی یوم خمسة عشر محرم سنة الف ومأتین واحد وعشرین (۱).

این کتاب درپیرامن (۴۱۵۰ بیت نوشته) دربردارد.

نگارنده: محمد امین کاظمی پسر محمد علی همزمان شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴ ق) وشاگرد طریحی (م ۱۰۸۵ ق) است، گزارش کوتاهی از زندگی او در امل الآمل (چ تهران ۱۳۰۶ ق ص ۴۹۷) و (نجوم السماء چ ۱۳۰۲ ق ص ۱۴۲) و ذریعه ج ۱ ص ۱۴۷ و ج ۳ ص ۳۰۱ و ج ۵ ص ۷۴ و ج ۷ ص ۹۶ و روضات ص ۵۱۰ آمده و نام دو کتاب اورا «شرح باب دوازدهم جامع المقال» و «هدایة المحدثین الی طریقة المحمدین» یاد کرده‌اند. او استاد ملا محمد حسین بفججی طوسی است که او استاد سیدنصرالله حائری بوده‌است (ذریعه ۳ : ۳۰۱) و نیز او بملا محمد حسین پسر محمد علی تبریزی در ماه صفر (۱۰۹۱ ق) اجازه داده است (ذریعه ۱ : ۱۴۷).

[۲۵۲]

۹۸۹ در دفتری جا دارد که (گ ۱ تا ۶۸) آنرا گرفته و (گ ۶۸ ـ ۶۹) را کتابچه فقهی و (گ ۷۱ـ۹۱) را فوائد رجالی بهبهانی (که در ص ۵۴۶ یاد شد) و (گ ۹۱ـ۹۳) را درایهٔ بهائی و (گ ۹۳ـ۱۰۸) را یازده باب جامع المقال طریحی که در (ص ۵۵۵) یاد شد، گرفته است.

خط نسخ، نام نویسنده در (گ ۶۸) شیخ مهدی و در (گ ۹۱) مهدی پسر عبدالمراد نوشته شده. تاریخ بپایان یافتن این کتاب ۱۵ محرم ۱۲۲۱ ق است و پایان کتاب درایهٔ بهائی (در گ ۹۱) ۱۲۱۶ ق نوشته شده‌است، عنوانهای (قال و اقول) با شنگرف است. روی شرح خط شنگرفی کشیده‌است. اندکی حاشیهٔ منه دارد. تصحیح شده و افتادگیها نیز در کرانه نوشته شده است.

همهٔ دفتر ۱۰۸ برگ. این کتابچه ۶۸ برگ. کاغذ فرنگی سفید آهارمهره. جلد تیماج سرخ باقی خصوصیات در ص ۵۴۷ یاد شد.

(۱) ولی آشکار است که این گفتهٔ نویسندهٔ نسخه است نه نگارندهٔ کتاب.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

[۲۳۰] المشیخة (رجال – عربی)

یا «الاستادالمصفی الی آل المصطفی»

چنانکه در (ص ۴۹۷) گفتم پدرم کتابی در گزارش زندگی رجال نگاران وزندگی گزاران نگاشت وآنرا « مصفی المقال فی مصنفی علم الرجال » نامید. وسپس کسانی ازآنهارا که درزنجیرهٔ روایت میان او تاامام جای دارند بر گزید و کتاچه‌یی ساخت ، و«الاسنادالمصفی» نامید، وچون دراین کتاب زنجیرهٔروائی خودرا آورده‌است آنرا مشیخه‌نیز نامیده‌است، واز آن برای اجازه دادن بشاگردان خویش استفاده نمود ، زیرا کسان بسیار برای گرفتن « اجازه » به پدرم مراجعه میکردند واو برای‌هریك ناگزیراز نوشتن چندین صفحه بود که‌زنجیرهٔ سندوروایت وی‌را دربر گیرد ، ازاین روی این کتاب را بسال ۱۳۵۶ق درنجف در(۱۰۰ص) چاپ کردند ودر(ص۹۵) نیم رویه را سفید گذاردند وهر گاه میخواستند بکسی اجازت دهند ، چند سطر بخامهٔ خویش در آن نیم‌صفحه می نگاشتند.

اینك همان چند سطر را که برای جناب آقای مشکاة بنیادگذار کتابخانهٔ دانشگاه در ص۹۵ این نسخه نگاشته‌اند دراینجا میآورم :

« بسم‌الله‌الرحمان‌الرحیم الحمد لولیه والصلاة والسلام علی نبیه والائمة المعصومین من آل نبیه ، واللعنة علی اعدائهم اجمعین ، و بعد فقد اجزت سیدنا ومولانا المدرس الشهیر السید محمدالمشکاةالبیرجندی دامت برکاته أن یروی عنی عن جمیع مشایخی المسطورین فی هذاالاسناد وغیرهم بجمیع طرقهم ، فلیروعنی عنهم جمیع ماصحت لی روایته عنهم قدس‌الله‌اسرارهم ، والرجاء من مکارمه الوفاء بمااشترطوه علی والدعاء لما احتاج الیه . حرره‌الفانی آقا بزرك فی‌صفر ۱۳۶۲ه‍ . »

[۲۵۳]

نسخه چاپ نجف - چ الغری (۱۳۵۶ ق) . خط و مهر نگارنده در (ص ۹۵) دیده میشود . ضمیمهٔ این صفحه ، یك نامه بخامهٔ شیخ محمد سماوی قاضی سماوه ساکن نجف و صاحب کتابخانهٔ معروف درآنجا دیده میشود که برای آقای مشکاة نوشته است .

۹۹۶

(۱۰۰ صفحه)کاغذ فرنگی سفید ـ جلدکاغذی چاپی ـ اندازه : ۱۳/۵×۱۸ ؛ ۱۶ سطر .

[۲۳۱] معارج النبوة (تاریخ – فارسی)

نگارنده : ملامعین‌الدین محمد پسر ملا شرف‌الدین حاج محمد فراهی هراتی‌است که برادربزرك قاضی نظام‌الدین محمد بوده ، وپس‌ازمرك برادرش قاضی نظام‌الدین در (۹۰۰ ق) یك سال بجای وی بنشست سپس کناره گرفت ، وخواهش پادشاه‌رادرانجام کار قضاوت نپذیرفت ودرمسجد جامع هراتدرروزهای آدینه بجای پدر(۱) وعظ میگفت ، وبگفتهٔ حبیب‌السیرهنگام‌وعظ‌ازدرشت گفتن باشراف وبزرگان باك‌نداشت ، وشاید ازهمین‌رواست که حکیم‌شاه قزوینی‌در ترجمهٔ‌مجالس‌النفائس‌میرعلی‌شیرنوائی(ص۲۶۹)اورادیوانه‌خوانده گویداودرپناه دیوانگی هرچه میخواست برسرمنبرمیگفت، واز گفتهٔ‌برادرش قاضی‌نظام‌الدین آورده: که‌ملامعین‌جوانی‌شایسته‌است‌ولی‌تختهٔ‌منبراورا ضایع گردانیده‌است‌شگفت اینکه‌هراتی‌در(ص۱۶۵همان کتاب)وصفی‌شاعرنوادهٔ ملامعین‌را نیزدیوانه‌خوانده است. خواندمیر گوید او بیشتر خطبها رانیکومی نوشت. مرك‌اورادرروضةالصفا بسال (۹۰۷ ق) و درحبیب‌السیر (۹۰۹ ق) ودر کشف‌الظنون بغلط (۹۵۴ ق) آورده گویند نزدیك‌برادر، درزیارتگاه‌خواجه‌عبدالله‌انصاری‌بخاکش‌سپرده‌اند خود در « قصص موسی » و دردیباچهٔ معارج (۲) گوید مدت چهل سال واعظی میکردم‌وازآنچه‌دراین‌مدت در کتابهابررسی کردم «بحرالدرر» (۳) را درتفسیر بعربی وفارسی درچند دفترنگاشتم و« حدائق‌الحقائق » (۴) نیزدرتفسیربفارسی نگاشتم ، وسپس کتاب « الواضحة فی اسرارالفاتحه » را بفارسی ـ عربی نگاشتم وسپس « معارج‌النبوة » (جای گفتگو) را نگاشتم ، وسپس « روضة‌الواعظین»

(۱) دیباچهٔ معارج نسخهٔ ۱۱۶ دانشگاه گ ۴ـ الف دیده شود.

(۲) همان نسخه گ ۴ـ الف وپس‌ازآن دیده شود .

(۳) نسخه‌یی از دوجزو آخرقرآن ازاین تفسیر (نوشته ۱۰۵۰ ق) نزد سیدهادی اشکوری درنجف بوده است (ذریعه ۳ : ۳۸) .

(۴) خودنگارنده گوید این کتاب‌ناتمام‌برخی باکنویس‌وبرخی‌چرکنویس بماند.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

که چهل حدیث از پیغمبر است در چهار مجلد، و پس از آنها «تفسیر سورهٔ یوسف» (۱) و پس از همه «قصص موسی» (۲) را نگاشتم. ولی در دیباچهٔ معارج (جای گفتگو) نام روضة الواعظین را یاد کرده گوید آنرا در پند و اندرز (تذکیر) و معارج را در تاریخ و سیر پیغمبر ساختم. پس روضه را پیش از معارج ساخته است نه پس از آن.

جای گفتگو کتاب معارج النبوة اوست، در این کتاب نیز مانند دیگر کتابهایش پرگوئی و بدرازا کشانیدن سخن که از خوی واعظان میباشد هویداست، البته جمله بندی آن بهتر و رساتر از نگاشتهٔ واعظان پس از صفویه است. نگارنده در دیباچه گوید در ربیع یکم ۸۹۱ ق بآن آغاز نموده چلپی گوید: در ٩٦٤ ق این کتاب را بتر کی ترجمه و «دلائل نبوت محمدی» نامیده‌اند.

فهرست کتاب چنین است: دیباچه در ستایش پرورد گار در پنج فصل (گ ٦-٧٦) رکن یکم شمایل پیغمبر و نژاد او، در هشت باب (گ ٧٦--١٨٠) رکن دوم زایچهٔ پیغمبر تا پیغمبر شدن او (بعثت) (گ ١٨٠ - ٢٣٥) هفت باب دارد رکن سوم از پیغمبری تا هجرت از مکه بمدینه (گ ٢٣٥ - ٣٤٥) پنج باب دارد. در این رکن دربارهٔ داستان معراج سخن بدرازا کشانیده است. رکن چهارم از هجرت تا مرگ پیغمبر (گ ٣٤٥ - ٥٢٣) چهارده باب دارد. خاتمهٔ کتاب در معجزه‌های پیغمبر (گ ٥٢٣-٥٦١) دو باب دارد: معجزه‌های عقلی و حسی. و هریك از بابها چندین فصل دارد.

آغاز: ربنا آتنا من لدنك رحمة وهيئي . . .

انجام: اهل السماوات واهل الارضين. واصلي واسلم عليه وعليهم وسلم تسليماً..

این کتاب در دو جلد بزرك در هندوستان بچاپ سنك و كاغذ بد چاپ شده است.

گزارش زندگی مسکین فراهی در حبیب السیر جزء سوم از جلد سوم ص ٣٣٧

(۱) این تفسیر بنام «احسن القصص» درسال ١٢٧٨ ق بدستور بهرام میرزا قاجار چاپ شده است (ذریعه ج ٤ : ٣٤٥ و ج ٦ : ٢٨٥).

(٢) بخش یکم این کتاب نزد شیخ مهدی شرف الدین در شوشتر هست (ذریعه ٣: ٣٨).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

وجلد هفتم ملحق روضة الصفا ومجالس النفائس ص ٩٤ و ٢٦٩ و کشف الظنون (حرف - م) وذریعه ج ٣ ص ٣٧ و ٣٨ و ج ٤ ص ٣٤٥ و ج ٦ ص ٢٨٥ وقاموس الاعلام تر کی ج ٦ ص ٤٣٣٦ وریحانة الادب ج ٤ ص ٥١ آمده است.

[٢٥٤]

١١٦ بخط نستعلیق خاور ایران. نام نویسنده و تاریخ ندارد. ولی خط و کاغذ نشان میدهد که در سدهٔ دهم ودر خاور ایران و شاید برای بازماندگان فرمانروایان تیموری نوشته شده باشد. وچون همهٔ رکن سوم کتاب (گ ٢٣٤-٣٤٤) وبرگهای (١ و ٧٤ و ٧٥ و ٧٦ و ٥٥٣ تا ٥٥٧ و ١٧٩ و ١٨٠) از رکن‌های دیگر ناپدید گشته «فرهاد میرزا دستور داده است عبدالجواد گلپایگانی با خامهٔ نستعلیق خوش که باختری تر از خامهٔ متن است، افتادگی‌ها را نوشته ودر جمادی دوم ١٢٩٢ ق بپایان رسانیده است. و تاریخ در گ ٣٤٠ ب دیده میشود. آغاز هر رکن سرلوحی داشته که اکنون فقط یکی از آنها در آغاز رکن چهارم (گ ٣٤٥ ب) با زر و شنگرف ولاژورد وسبزی دیده میشود ویك سرلوح کوچکتر در آغاز خاتمه (گ ٥٢٣ ب) هست در (گ ٢٣٣ ب) تملك فرهاد میرزا در ١٢٨٦ ق ومعرفی کتاب بخامهٔ وی دیده میشود.

٥٦١ برگ. كاغذ نخدی. جلد تیماج سرخ لیره مقوائی افترده.
اندازه: ٢١×٣٤ و ١٤×٣٦ : ٢٣ سطر.

[٢٣٦] مقصد الاقبال السلطانية (تاریخ - فارسی)
ومرصد الآمال الخاقانية

دیدار گور پیشوایان برای بزرگداشت آنان، و زیارت گورستانها برای یادآوری مرگ، همیشه یکی از پندهای واعظان مذهبی بوده است، و پس از خونریزیها و ویرانیهای مغول نیازمندی مردم ستمدیده باین پند و اندرزها افزون گشت، ودر سدهٔ نهم ودهم (۱) دورهٔ تیموریان در خاور ایران نگارش کتابهای زیارتنامه بیش از پیش افزایش یافت، وشناسائی گورها کاری بشمار آمد، ودربارهٔ گورشناسی

(۱) البته پیش از این تاریخ نیز کتابهائی نگاشته شده است مانند «المقابر المشهورة والمشاهد المزورة» از تاج الدین علی بغدادی (م ٦٧٤) (کشف الظنون) ولی در روزگار تیموریان این کار افزایش بسزا یافته است.

کتابها نگاشته شد که بعدها بنام «مزارات...» و «تذکرة القبور» خوانده شد. برای نمونه میتوان مزارات هرات از اصیل الدین (جای گفتگو) ومزارات کرمان ازمحرابی کرمانی (چ تهران ۱۳۳۰) نام برد ودر (ذریعه ٤ : ٤٤) نیز نام دو تذکرة القبور آمده است.

جای گفتگو کتابیست که در دیباچه «مقصد الاقبال السلطانیه و مرصد الآمال الخاقانیة» نامیده شده است نام نگارنده نیز در آنجا عبدالله پسر عبدالرحمان حسینی مشهور باصیل واعظ آمده است، و کتابرا به سلطان ابوسعید گورکان پیش کش ساخته است. این کتاب دارای یك دیباچه در ثواب زیارت گورستان وسه باب است ۱ـ گورعارفان که پیش از تیمور لنك میزیسته و گزارش زندگی آنان در «تاریخ هرات» و «طبقات خواجه عبدالله انصاری» یاد شده است (گ ۱٤ تا ٦٦).

باب دوم گور عارفان که پیش از تیمور میزیسته و در کتابی یاد نشده‌اند، در دو بخش، نخست گورهای درون شهر هرات دوم گورهای پیرامون شهر (گ ٦٦–۸۸).

باب‌سوم عارفان که پس از تیمور میزیسته‌اند (۸۸–۱۲۸) خاتمه (گ ۱۲۸–۱۳۰) ودر آن از عوارف المعارف سهروردی، و ابواسحاق آدمی، وتفسیر محمد بن الحسن شیبانی، و تاریخ هرات، و طبقات خواجه عبدالله انصاری و جز آنها یاد کرده ودرخاتمهٔ کتاب (گ ۱۲۷ب نسخه ۱۸۳ دانشگاه) بکتاب دیگر خود دراین باره حوالت داده است.

آغاز: الحمدلله الذی جعل زیارة مراقد الاولیاء وسیلة ... اما بعد فیقول الفقیر... عبدالله بن عبدالرحمان المشتهر باصیل واعظ...

انجام:

بسی برسر خلق پاینده‌دار   بتوفیق وطاعت دلش زنده‌دار

خوندمیر مزارات هرات را کتابی مشهور خوانده گوید درستی روایتها ورسائی عبارتهایش زبانزد همه میباشد.

علی اصغر حکمت در حاشیهٔ ص ٤۷۲ جلد سوم تاریخ ادبیات ادوارد براون چ تهران ۱۳۲۷ گوید مزارات هرات اصیل الدین در ۱۳۱۰ق بکوشش عبدالکریم احراری درشهر هرات چاپ شده است.

نگارنده: میراصیل الدین عبدالله حسینی دشتکی شیرازی است که با برادرزاده‌اش عطاءالله(۱) دشتکی بدستور سلطان ابوسعید گورکان (۸۵۵–۸۷۳) از آنجا بهرات کوچیده است، وهفته یك بار درمدرسهٔ عالیه مهدعلیا گوهرشاد آغا پند میداد ودرماه ربیع یکم زایچه پیغمبر اسلام را جشن میگرفت، ودرهفدهم جمادی دوم سال هشتصد و هشتاد و سه در گذشت، و شاه بدلجوئی فرزندانش سیورغالات او را بایشان واگذاشت. گزارش زندگی او حبیب السیر جزء سوم ازجلد سوم ص ۳۳۵ ومجلس پنجم ازمجالس المؤمنین یاد شده است، ومرك او درشاهد صادق نیز آمده است.

آثار او:

۱ـ درج الدرر فی سیر خیر البشر (حبیب السیر).

۲ـ مزارات هرات (حبیب السیر) وگویا همین «مقصد الاقبال» باشد.

۳ـ کتاب دیگر دربارهٔ مزارات هرات، که خود در خاتمهٔ مقصد الاقبال (گ ۱۲۷) بدان اشارت کرده است.

٤ـ تفسیر قرآن.

۵ـ شرح شفای قاضی عیاض.

[۲۵۵] ۰۸

۱۸۳ بخط نستعلیق شکسته. نویسنده عبدالخالق زمینداوری الاصل وهروی الوصل. در تاریخ ۲۲ ج ۲ـ۱۲۲۲ ق پایان یافته است. عنوانها با شنگرف است.

(۱) گزارش کوتاهی از خاندان دشتکی شیراز در (ص ۵۸۱ تا ۵۸۳) گذشت، ولی مرك جمال الدین عطاءالله که بگفتهٔ شاهد صادق در ۹۱۲ ق بوده است فراموش گردیده.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

پیش از نسخه دو برگ سفید افزوده شده وسید شهاب‌الدین قمی (آقا نجفی تبریزی) در آنجا نسب نگارنده را یاد کرده است.

(۱۳۷ برگ) کاغذ سمرقندی سفید (برگهای ۳۵ تا ٦٥ آبی) است. جلد ندارد ودرمیان یک جلد ورگمز جا داده شده است. اندازه ۱۱×۱۷ و ٦×۱۳، ٤٤ ۹ سطر.

[۲۳۳] منتهی المقال فی علم الرجال (عربی)

یکی از کتابهای معروف علم رجال وراوی شناسی این کتاب است که بترتیب حرف آغاز نامها بسیج شده ودرپایان بابی برای کنیتها دارد. نگارنده برطبق عقیدهٔ اصولیان، راویان ناشناس را چون روایتشان بی ارزش است، دراین کتاب یاد ننموده. ودر آغاز کار، مشترکات (۱) را نیز انداخت، وسپس بدستور استاد خویش سید محسن اعرجی مشترکات را در کرانهٔ نسخهٔ اصل افزود (۲). و شاید سید محسن اعرجی پس از مرگ فرزندش علی ـ چنانکه در (ص ۰۰۰) گفتم ـ به ابوعلی دستور چنین کار را داده باشد. تاریخ نگارش منتهی المقال دانسته نیست ولی درپشت نسخهٔ دانشگاه که نسخهٔ اصل است تاریخ ۱۱۹٤ ق دیده میشود و گویا کتاب درپیرامن همین تاریخ نگاشته شده است. دردیباچه نام استاد خویش آقا باقر بهبهانی را یاد کرده، و او درپشت نخستین برگ این نسخه، اجازه‌یی بتاریخ ۱۱۹٦ ق بنگارنده داده است.

نگارنده نام خویش درباب کنیتها ازهمین کتاب (منتهی المقال) چنین آورده: ابوعلی محمد پسر اسماعیل پسر عبدالجبار پسر سعدالدین، و گوید: پدرم میگفت نژاد ما به ابوعلی سینا میرسد، و نیز گوید من در کربلا درماه ذیحجه ۱۱۵۹ ق بزادم، وهنوز به بیست سالگی نرسیده بودم که پدرم در گذشت، مدتی نزد شیخ استاد (۳) و سید استاد (٤) درس خواندم ولی درمیانه مدتها به بیکاری گذشت

(۱) شاید ازاین راه که چون دو راوی همنام باشند چگونگی روایت هردو ناشناخته میشود، ایشان را نیز مانند راویان ناشناس انداخته است.

(۲) چون نسخهٔ دانشگاه نسخهٔ اصل است این موضوع بدرستی درآن دیده میشود.

(۳) آقاباقر وحید بهبهانی (م ۱۲۰٦ ق) را خواسته.

(٤) میرسیدعلی پسر محمدعلی پسر ابوالمعالی بزرگ اصفهانی است که در کربلا بسال ۱۲۳۱ ق درگذشت.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

روزگاری در حجاز، وروزهائی دریمن، ومدتی در بیابان گذراندم، سپس نگاشته‌های خودرا چنین نام برده است:

ـ عقداللالی البهیة فی الرد علی الطائفة البغیة آنرا بیست سال پیش از منتهی المقال دررد اخباریان نگاشته است (درپیرامن ۱۱۷٤ ق).

ـ ترجمهٔ کتابچهٔ فارسی استاد، درمناسک حج بعربی.

ـ ترجمهٔ کتابچهٔ فرزند او (۱) در مناسک حج.

ـ رد بر کتاب نواقض الروافض که اکنون دردست نگارش میباشد.

ـ زهرالریاض، گلچین باب طهارت ونمازوروزه ازریاض المسائل وشرح مختصرنافع، ازسید استاد.

ـ گلچین دیگر ازباب حج ازهمان کتاب.

ـ ترجمهٔ کتابچه‌یی از آقا باقر بهبهانی درخمس و زکاة از فارسی بعربی (ذریعه ٤: ۲۱۲).

درروزگار نگارنده ستیز میان اخباریان و اصولیان آغاز شد، میرمحمد استرآبادی کتابی بنام «فواید مدنیه» رد براصولیان نگاشت، و سید دلدار علی نقوی (م ۱۲۳۵ ق) شاگرد بحرالعلوم کتابی بنام «اساس الاصول» درردبر کتاب استرآبادی نگاشت، ومیرزامحمد اخباری کتاب دلدارعلی را با کتابی بنام «معاول العقول لقلع اساس الاصول» پاسخ گفت و جان خود را دراین راه ازدست بداد ودر (۱۲۳۲ ق) در کاظمین بدست اصولیان کشته شد، و شاگرد سید دلدارعلی کتاب «مطارق الحق والیقین فی کسر معاول الشیاطین» را درپاسخ میرزامحمد نگاشت. وچنانکه دیدیم ابوعلی (نگارنده) نیز نخستین نگارش خودرا دررد اخباریان نگاشت.

روش ابو علی در منتهی المقال روش اصولی جدی است چنانکه او گزارش راویان ناشناس (مجهول) را دراین کتاب نیاورده است (۲).

(۱) آقامحمد علی کرمانشاهی پسر آقاباقر بهبهانی (۱۱٤٤ـ۱۲۱٦ق).

(۲) اصولیان درشرایط درستی وراستی خبروحدیث دقت میکردند ولی اخباریان

مانده درحاشیهٔ صفحهٔ بعد

کارها که دربارهٔ منتهی المقال انجام شده است :

ـ ملادرویش علی حایری شاگرد ابوعلی (نگارنده) همهٔ راویان ناشناس را که ابوعلی در منتهی المقال نیاورده بود، گردآورده کتابی بنام « رسالة فی ذکر المجاهیل » ساخت (ذریعه ٤ : ٤١٣).

ـ محمد پسر قاسم آل کشکول حایری، بدستور استادش شریف العلماء مازندرانی همین کار کرده و کتابی بنام « اکمال منتهی المقال » در سال (١٢٤٥ ق) بنگاشت، و در آغاز گفتاری دربارهٔ سودهای یاد کردن راویان ناشناس، آورده. (ذریعه ـ ٣ : ٢٨٣).

ـ سید صدرالدین محمد عاملی حاشیه‌یی بر رجال ابوعلی نگاشت، و نواده‌اش سید حسن صدر آنرا گردآوری کرده « نکت الرجال » نامداد.

ـ ملاعلی پسر میرزا خلیل تهرانی (م ١٢٩٦ ق) نیز حاشیه‌یی بر منتهی نگاشت.

ـ شرف الدین علی مرعشی (م ١٣١٦ ق) نیز حاشیه‌یی بر آن دارد.

ـ حاجی میرزا حسین نوری (م ٢٧ ج ٢ ـ ١٣٢٠ ق) نیز حاشیه‌یی داشته و پدرم آنرا مرتب ساخته است.

ـ سید ابوتراب خوانساری (م ١٣٤٦ ق) نیز بر آن حاشیه دارد.

ـ سید حسن صدر (م ١٣٥٤ ق) نیز بر آن حاشیه نگاشته است. این حاشیه‌ها در (ذریعه ـ ٦ : ٢٢٢) یاد شده است.

ـ ملاعلی کنی منتهی المقال را تصحیح و در تهران بسال (١٢٩٩ تا ١٣٠٢ ق) در (٣٧٢ ص) و در دنبال آن کتاب « توضیح المقال » خویش را ـ چنانکه در ص ٤٩٦ نیز یاد کردم ـ چاپ کرد.

مانده از صفحهٔ پیش :

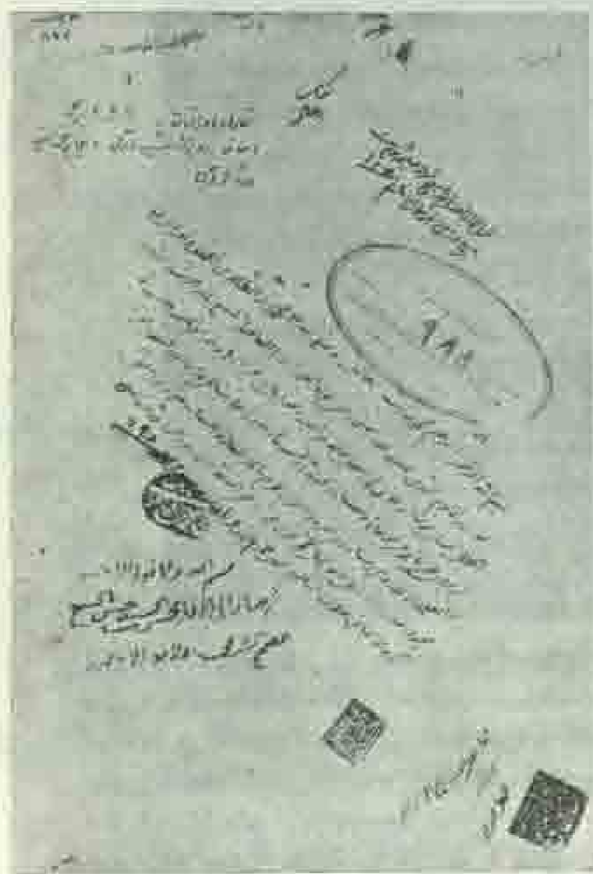
هر خبر را می پذیرفتند. باید یادآور شد که درجنگ (اصولی ـ اخباری) در آغاز سدهٔ سیزده گرچه اصولیان پیروز شدند و بیشتر و آخوندهای پسین، خود را اصولی می نامیدند ولی در عمل همان گشاد بازی اخباریان را داشته، و هر خبر را می پذیرفتند، تا آنجا که راویان ناشناس را که ابوعلی از کتاب رجال خود بیرون کرده بود، شاگردش ملادرویش علی حایری گردآورده کتابی ساخت.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[٢٥٦]

٩٨٥ نسخه بخط نسخ، نویسنده خود نگارندهٔ ابوعلی. تاریخ ندارد، ولیکن کهنه‌ترین تاریخ که بر پشت نسخه دیده میشود ١١٩٤ ق است (گ ٤ ـ الف بالای صفحه دست چپ) و گویا در همان تاریخ نوشته شده است. عنوانها با شنگرف است. دستخورد گیهای بسیار از خود نگارنده‌اش در آن دیده میشود، و مطالب بسیار پس از پایان یافتن در حاشیه افزوده است.

در زیر، گراور دو صفحهٔ (٤ ـ الف و ٤ ـ ب) دیده میشود :



(شکل ٣٠) ← برگ (٤ ـ الف) نسخهٔ (شمارهٔ ٩٨٥) کتابخانهٔ دانشگاه. چیزها که در آن دیده میشود: ١ ـ تاریخ مرگ آقا باقر بهبهانی برخلاف آنچه مشهور است (بالای مهر کتابخانه). ٢ ـ مهر کتابخانهٔ دانشگاه. ٣ ـ اجازهٔ آقا باقر بهبهانی بشاگرد خود، نگارندهٔ کتاب (ابوعلی) بخط اجازه‌دهنده این اجازه در ذریعه ج ١ ص ١٤٧ یاد شده است. ٤ ـ شمارهٔ برگهای این نسخه (بالای اجازه) که بجای ٢٣٩ تا ٢٣٦ نوشته است. ٥ ـ تاریخ (١٨ ـ ع ١ ـ ١١٩٤) که گویا تاریخ نوشتن این نسخه است. (بالاتر از آن) (دست چپ). ٦ ـ تملک سید محسن بن حسن (زیر اجازه). ٧ ـ مهر عبدالجواد الحسینی. ٨ ـ مهر پسرش عبدالکریم بن عبدالجواد.



(ش۳۱) برگ (٤ ـ ب) نسخهٔ شمارهٔ (۹۸۵ دانشگاه) دراین گراور نخستین صفحهٔ منتهی المقال بخط نگارندهاش دیده میشود. وپیدااست که وی نخست کتابرا نگاشته و نام استادخویش آقاباقر را در آغاز آورده و سپس سیدمحسن اعرجی باو دستور داده؛ امشترکات رانیز بر آن بیفزاید. پس نگارنده این کار کرده و نام سیدمحسن و دستور او را در حاشیهٔ لای سطر ۱۲ و ۱۳ و در کرانهٔ چپ صفحه یادداشت کرده است. و در برگ (۱ ـ الف) نیز بخامهٔ خود نوشته است که من مشترکات را پس از پایان یافتن کتاب در حاشیهها افزودهام.

در برگ (۳ ـ ب) سیدمهدی نامی که این نسخه را پس از مرگ نگارندهاش خریده بر او اعتراض کنان می نویسد: من از او خواستم تا مشترکات را بیفزاید نه اعرجی. عبارت سیدمهدی چنین است:

« ورد مؤلف هذا الکتاب المشهد الرضوی واراني هذا الکتاب الذی بخطه وما کان فيه ذکر المشترك ، قلت له کتابك جامع لکن فيه نقص من جهة ترك المشترك ، و بعد مدة مديدة اراني هذا وفيه ما کتبه من الحواشی ، واسنده الی السيد المحسن الکاظماوی امره بالالحاق ولم يذکرني ، اما لماين العرب والعجم من المنافرة کما يشهد منهم ، اولعدم معرفته وبحالی ، وبعد الملاقات الثانية فی عراق العرب کان يظهر الاخلاص الخاص وصار بيني وبينه محبة کاملة ، واستنبطت الحق له فی عدم ذکر اسمی فی کتابه عند کرسيی ، وعلاوه من غير الجهة المذکورة اوضح حرره محمدمهدی الحسيني الموسوی المشتری لهذا الکتاب من ورثته بواسطة الحاج محمد کاظم الکاظماوی ... »

۲۳۹ برگ + ۱۳ برگ سفید (در پایان) کاغذ مهره فرنگی سفید جلد تیماج سرخ افشرده. اندازه: ۱۵×۲۱ و ۱۲×۱۶؛ ۲۲ سطر.

[٢٣٤] منشور (تاریخ و نسبنامه ـ فارسی)

یا نسبنامهٔ پادشاهان طبرستان
یا « رسالهٔ انسابیه »

این کتاب مانند کتاب مختصره که در (ص٦٥٤) یاد شد ساختگی و پراز افسانههای شگفتانگیز است. البته از لابلای این افسانهها مطلبهای درست تاریخی نیز روشن میگردد

او در آغاز میگوید سبب نگارش این منشور آنست که تاریخ پادشاهان ایران که سیهبودند پایدار ماند. سپس داستان فرستادن علی (ع) عمار یاسر را بنزد یزدجرد، واسلام آوردن او و زناشوئی بیبی شهربانو با حسین (ع) و همکاری لشکر ایران با علی (ع) در صفین و سپس کشته شدن حسین بدست مروانیان و برگشتن شهربانو به ری و پنهان شدن در کوه خود. و سپس شورش مصعب خزاعی و کشتن بنیامیه و دادن خلافت بامام زین العابدین و سپس کشتن مصعب را یاد کرده است. او میگوید بنی امیه و بنی عباس دوازده هزار و هشتصد و پنجاه و یك تن از فرزندان فاطمه کشتهاند. سپس داستان جنبش ابومسلم مروزی باخوردك

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آهنگر و احمدزمجی (۱) آورده گوید تخم بنی مروان را از زمین برانداختند ولی ابومسلم با بنی عباس نجنگید تا اورا شهید کردند، و همهٔ شیعیان در تقیه شدند تا هنگامیکه جمال الدین مطهر حلی آمد و کتاب قواعد را (که حضرت صادق نگاشته بود، و بهمین نگارش منصور دوانیقی او را کشته بود) شرح کرد سپس در برگهای (۵۱ تا ۵۷) منشوری آورده که در پایان آن نگارنده خودرا «امیر حسن بن منوچهر بن یحیی بن جمال الدین بن ابوطاهر بن عمار بن عمران بن موسی بن امام محمدتقی خوانده، و تاریخ آن ششصد و هفتاد و هفت هجری است، و دراین منشور چگونگی پشناهندگی فرزندان امام تقی را بکوه‌پایه‌های مازندران، یاد کرده است

سپس منشور دیگری آورده که نگارندهٔ آن جد نگارندهٔ منشور نخست است، و او یحیی بن جمال الدین بن ابوطاهر ... میباشد و در روزگار پادشاهی سعدالدوله پسر اردشیر پسر کیخسرو پسر شاه غازی پسر یزدجرد پسر شهریار ... میزیسته است (گ ۵۹) سپس در (گ ۶۴) به نسب شناسی آغاز کرده و گفتار خویش در دو بخش آورده، نخست فرزندان حسن، دوم فرزندان حسین شهید. در این بخش نگارنده از کتابهای ابن عنبه (۲) و کتاب شواهد (شاید شواهدالنبوه) نقل کرده است واز برگهای (۷۳ و ۹۳ و ۹۴) چنین برمیآید که این کتاب برای مرشدالدین شاه عبدالله مشتهر به سید میرزا و پسر او محمد بر کت علاءالدوله که دخترزاده سلطان حسین میرزا بایقرا (م ۹۱۱ ق) است نگاشته شده است. نگارندهٔ این کتاب

(۱) در مؤیدالفضلاء و آنندراج نام احمدزمجی همکار ابومسلم آمده است. ناصرخسرو علوی در چکامهٔ رائی بزرک خویش گوید:

کجا است ضرب تیرزن صاحب الدعوة
کجا است احمد زنجی و خرد آهنگر

پیش گفتار دهخدا بر دیوان ناصرخسرو ج، تهران ۱۳۰۶ صفحهٔ (عد) دیده شود.
ازروش ناصرخسرو دراین چکامه چنین مینماید که احمد زنجی (زمجی) و خرد (خوردك) آهنگر از پهلوانان افسانه‌های اسماعیلیان هستند.

(۲) ص ۶۳۰ تا ۶۳۶ دیده شود.

غایب شدن امام زمان را از گفتهٔ شیعیان نقل میکند، پس خود سنی میباشد، ولی از سنیانی است که در دورهٔ تیموری در خاور ایران میزیسته و دست کمی از شیعیان ندارد (۱).

او براین کتاب خود نامی ننهاده ولی در دیباچه آنرا بالقب «منشور مبارك» و در پایان نامه «رسالهٔ انسابیه» خوانده است.

آغاز: شکر و سپاس مر خدایرا تمت آلائه وعمت نعمائه، که نعمت ...

امابعد، سبب این منشور مبارك آنکه فرزندان حسن بن علی ...

انجام:

پر نور باد چشم پدر از چنین پسر موفور باد قدر پسر از چنان پدر

آمین یا رب العالمین ... تمت الرسالة الانسابیه.

[۲۵۷]

۸۷۷ بخط نستعلیق، بوسیله محمدعلی پسر خواجه قاسمعلی مازندرانی در ۱۷۵ (شاید ۱۰۷۵ ق) پایان یافته. در دفتری جاداره، و برگهای ۳۷ تا ۹۵ آنرا گرفته. نام دیگر کتابچه‌های این دفتر ودیگر خصوصیات در ص ۶۵۵ یاد شد.

[۲۳۵] نزهة القلوب (جغرافیا - فارسی)

نگارنده حمدالله پسر ابوبکر (اتابك (۲)) پسر احمد پسر نصر مستوفی قزوینی است، کار مستوفی گری قزوین باخانواده وی بوده و ایشان خودرا از فرزندان حر پسر یزید ریاحی (۳) میدانستند. برادرش فخرالدین فتح‌الله در شمار شاعران

(۱) مقایسهٔ سنی گری در دورهٔ تیموری باشیعیگری صفوی در ص ۵۸۳ دیده شود.

(۲) پدرم در الذریعه همه جا نام پدر مستوفی را اتابك آورده و من مدرك ایشان را ندیده‌ام.

(۳) گویند این مرد از سران سپاه کوفه بوده و بجنگ حسین علی (ع) بکربلا آمد، ولی در آنجا از کرده خود پشیمان و بسپاه حسین (ع) پیوست، و در عاشوراء کشته گردید.

مستوفی در دروازهٔ «حایر» در مقالت سوم داستان آب بستن متوکل عباسی (م ۲۴۷) را برقبر حسین (ع) و پیچیدن آب بدور قبر، و خشك ماندن آن، یاد نموده و از قبر حر ریاحی نام برده اورا جد هجدهم خویش خوانده است (گ ۲۷۰ - الف) نسخهٔ دانشگاه و ص ۳۲ از مقالهٔ سوم چاپ لیدن ۱۹۱۳ م دیده شود.

شمرده شده، وخودش درشمار نویسندگان خواجه رشیدالدین فضل‌الله وپسر او خواجه غیاث‌الدین محمد بوده، و تاریخ گزیده را بنام او نگاشت. مرگ مستوفی را در ذریعه و قاموس‌الاعلام ترکی و فهرست ریو بسال (۷۵۰ ق) آورده‌اند.

آثار او :

ـ نزهة‌القلوب (جای گفتگو).

ـ تاریخ گزیده.

ـ ظفرنامهٔ منظوم دربحر تقارب در (۷۵۰۰۰ بیت شعر) درتاریخ اسلام وایران تا روزگار خویش. نسخهٔ آن دربریتش موزیوم هست (فهرست ریو ـ ص ۱۷۳-۱۷۴).

نخستین کار مستوفی سرودن ظفرنامه است، که در چهل سالگی آغاز کرد و پانزده سال در آن کار کرد، ودوسوم آن را سرود، پس بنگارش تاریخ گزیده پرداخت ودر ۷۳۰ق آنرا بپایان رسانید وسپس دوباره بسرودن ظفرنامه پرداخت و پنج سال کار کرد و در ۷۳۵ ق آنرا در ۷۵۰۰۰ بیت شعر بپایان رسانید (۱) وسپس درسال ۷۴۰ ق بنگارش نزهة‌القلوب پرداخت. خوندمیر درحبیب‌السیر و چلبی در کشف‌الظنون دربارهٔ نزهة‌القلوب گویند: دراین کتاب شگفتیهای جهان وخاصیت چیزها گردآوری‌شده، وجامعیت مستوفی از آن نمایان میباشد. و چنانکه خود دردیباچه گوید: وی‌دراین کتاب از «صورالاقالیم» و «مسالك الممالك» و «جهان نامه» استفاده کرد و آنرا بر یك پیش گفتار و سه مقالت ویك خاتمه بپیچید، ودرپیش گفتاربخشی درهیئت افلاك وبخشی دربارهٔ خشکی که یك چهارم کرهٔزمین است، ودرمقالت یکم از جماد و گیاه وجانور، ودرمقالت دوم ازانسان، ودرمقالت سوم از شهرها، ودرخاتمه از شگفتیهای جهان گفتگو کرده است.

---

(۱) یگانه نسخهٔ این کتاب دربریتش موزیوم هست (فهرست ریو ص۱۷۳-۱۷۴) دیده شود.

وی فهرست کتاب را دردیباچه آورده، ومی گوید چون پیشینیان کتابهای خودرا دراین موضوع بزبان تازی نگاشته‌اند، ومردم ایران از آنها بهره نبرند، برخی از دوستان ازمن خواستند: کتابی دراین موضوع بفارسی سازم.

مستوفی ازسه خلیفه به نیکی یاد کند ولی خاندان پیغمبررا بیشتر دوست میدارد، همه جا زیارتگاه امام زاده گان‌را نشان‌میدهد، دربارهٔ یکی ازدیه‌های شهرری گوید مردم آن شیعی اثنی‌عشری‌اند و گور یکی ازفرزندان جمال‌الدین مطهر (علامهٔ حلی) که ازمجتهدان شیعه‌است در آنجاست (۱).

دراین کتاب آگاهیهای سودمندی ازدنیای آن روز بدست‌میآید. درفصل سوم بباب بیستم مقالت سوم از نفت با کو و نفت موصل و نفت بخارا گفتگو کرده است.

نزهة‌القلوب نخست در بمبئی بسال (۱۳۱۱ق) (۲) بچاپ سنگ پخش شد وسپس باتصحیح گای‌لیسترانج انگلیسی مقالهٔ سوم وخاتمهٔ آن بسال ۱۳۳۱ق = ۱۹۱۳ م در ۳۰۱ ص با ۷۸ ص فهرست چاپ شد، وسپس مرتبهٔ سوم از مقالت یکم را کلنل ـ ژ. استیفن‌سن (۳) با ترجمهٔ انگلیس در (۱۹۲۸ م) در لندن چاپ کرد.

نسخهٔ ۲۰۹ دانشگاه بانسخهٔ چاپ بمبئی وچاپ اروپا دگرگونیهائی دارد واگر کسی بخواهد نزهة‌القلوب را ازنو چاپ کند بایدآنها را یادآوری نماید.

---

(۱) این قسمت درنسخه‌های چاپ اروپا ص۵۳ وچاپ بمبئی دیده نمیشود، ودر (گ۲۸۱ـ۲۸۲) نسخهٔ ۲۰۹ دانشگاه هست.

(۲) دربمبئی، نخست مقالت دوم را چاپخانه دادند، و صفحه‌شمار آنرا از ۴۹ آغاز کردند، و در ص ۲۵۶ کتاب را بپایان رسانیدند، وسپس چون مقالت یکم را بچاپخانه فرستادند از صفحهٔ یکم آغاز کردند و تا صفحهٔ (۱۶۰) مقالت یکم پایان یافت، ازاین‌روی صفحه‌شماری این‌چاپ مانند چیزهای‌دیگرش نادرست است. درپایان این چاپ دوبرگ یادداشت وتاریخچهٔ تاریخ نگاری دراسلام دیده میشود.

(۳) Lieut - colonel J. stephenson

گزارش زندگی مستوفی در فهرست ریو ص ۸۰ و ۸۱ و در کشف الظنون و حبیب السیر آمده است.

[٢٥٨]

٢٠٩ نسخه بخط نستعلیق نام نویسنده و تاریخ ندارد ولی خط و کاغذ سدهٔ دهم را نشان میدهد. از آغاز یك برگ افتاده و برابر است با سطر ۱۳ صفحهٔ ۳ چاپ بمبئی است. عنوانها با شنگرف است. همهٔ رویه‌ها با زر و لاژورد جدولبندی شده است. بیشتر صفحه‌ها آب دیده و تیره رنگ شده است. نسخه در (گ ٤١٤ ب) پایان یافته و پس از آن پنج صفحه گفتاری است که نویسندهٔ نسخه افزوده است و در چاپ اروپا و بمبئی نیست. فهرست نسخه: مقدمه (گ ٧ ـ الف) مقالت یکم (گ ٦٢ ـ الف) مقالت دوم (گ ١٦٨) مقالت سوم (گ ٢٥١) خاتمه (گ ٤٠٣). نسخه تصحیح شده و افتادگیها در کرانه نوشته شده است. دائره‌های جغرافیائی با پرگار و جدولبندی طول و عرض جغرافیائی با خطکش کشیده شده و بسیار دقیق است. پیشتر در کتابخانهٔ محمدعلی تربیت بوده و مهر او بر آن بتاریخ ١٣١٦ دیده میشود.

(۴۱۶ برگ) کاغذ گوناگون: مگلی، سبز کمرنگ، سفید، جلد تیماج مشکی مقوائی فرسوده، اندازه: ۱۱/۵ × ۱۹ و ۸ × ۱۴/۴: ۱۷ سطر.

[٢٣٦] نهایة الآمال (رجال ـ عربی)

فی ترتیب خلاصة الاقوال

چنانکه در (ص ٥٦٦) یاد شد ترتیب کتاب خلاصهٔ علامهٔ حلی نیکو نیست و کسانی آنرا از نو مرتب کرده‌اند و یکی از ایشان نورالدین علی فرزند میرحیدر علی قمی است. اسماعیل پاشا در دنبالهٔ کشف الظنون نام پدر او را بجای حیدر علی قمی، حسین قمی آورده، گوید در ٩٧٢ میزیست.

در ص ٥٦٦ این مجلد، من این مرد را با حیدرعلی مجلسی که در سدهٔ سیزدهم میزیست اشتباه کردم.

در دیباچه نام نگارنده و نام کتاب آمده است. و از خلاصهٔ علامه ستایش بسیار کرده و فقط بر بی ترتیبی آن خرده گرفته است، او میگوید چون همنامی چند راوی سبب ناشناس شدن و بی‌ارزش گردیدن روایت میشود، من در کرانهٔ رویه‌ها راویان همنام را از یکدیگر جدا خواهم شناساند، و در پایان کتاب خاتمه‌یی می‌افزایم و در آن دانشمندان همزمان و پس از نگارندهٔ خلاصه را یاد خواهم کرد (۱).

آغاز: نحمدك یا من بلغتنا نهایة الآمال فی ترتیب ما تفرق من احوال الرجال وقربنا ... وبعد فیقول الفقیر الحقیر ... نورالدین علی ابن حیدر علی المنعل القمی ...

[٢٥٩]

٩٨٧ بخط نسخ بد، پایان نسخه از حرف عین (علی) افتاده است تاریخ و نام نویسنده دانسته نیست. در دفتری جا دارد و برگهای (۱ تا ١٤٢) آنرا گرفته، و پس از آن سه کتابچه درهیئت از شیخ بهائی با خامهٔ نستعلیق شکسته دیده میشود و تاریخ آنها (١٠٦٧ ق) است. عنوانها با شنگرف نوشته شده است. تصحیح شده و افتادگیها در کرانه دیده میشود و نشان تصحیح نیز نوشته شده است. اندکی حاشیه نیز دارد.

همهٔ دفتر ١٨١ برگ، این کتاب ١٤٢ برگ، کاغذ نخدی سمرقندی، جلد مقوائی، اندازه: ۱۳/۵ × ۲۰: ۱۵ و ۱۶ سطر.

[٢٣٧] وجیزه (رجال ـ عربی)

کتابچه‌ییست در راوی شناسی از محمد باقر مجلسی دوم. وی در دیباچه گوید چند تن از دوستان از من خواستند تا کتابچه‌یی در راوی شناسی بسازم، و در بارهٔ راویان بکوتاهی سخن گویم، و راویان ناشناس را از قلم بیاندازم، و از یادآوری گفته‌های گوناگون دیگران خودداری کنم، سپس رمزها که در این کتاب بکار برده است چنین یاد کند:

ق = ثقت غیرامامی. (استوار ناشیعی).

ح = ممدوح. (ستوده).

ض = ضعیف. (سست).

م = مجهول. (ناشناس).

ثقة = عدل امامی. (عادل شیعی).

---

(۱) بدبختانه پایان نسخهٔ ۹۸۷ دانشگاه افتاده است، و خاتمه را که از خود کتاب با ارزش‌تر میباشد، در بر ندارد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

ودرپایان کتاب خاتمتی درمشیخهٔ صدوق افزوده است.

این کتاب دردنبال خلاصةالاقوال علامه بسال ۱۳۱۱ ق درتهران چاپ شده و ص ۱٤۲ تا ۱۸٤ آن را گرفته‌است، و پس‌از آن یك صفحه شعر بحرالعلوم بروجردی دربارهٔ شناسائی اصحاب اجماع چاپ شده است.

[۲٦۰]

٩٩٥ بخط نسخ. دردفتری جا دارد و برگهای (۱ تا ۱۱) راگرفته، وپس‌از آن «انتخاب‌الجید» برگهای (۲۲ تا ۱٤۰) راگرفته‌است. نویسنده صفرعلی پسر سبزعلی موسوی خراسانی است که آنرا دریکشنبه دهۀ نخست ماه ربیع دوم سال ۱۲۳۳ ق بپایان رسانیده است. عنوانها و فاصله‌ها با شنگرف است. تصحیح شده، افتادگیها در کرانه نوشته شده است.

آغازنسخه یك برگ افتاده و برابراست با سطردوم صفحهٔ ۱٤۵ چاپ تهران دنبالهٔ خلاصةالاقوال علامه بسال ۱۳۱۱ ق

همهٔ دفتر ۱٤۰ برگ: این‌کتابچه ۳۱ برگ. کاغذ فرنگی سفید آهار مهره. جلد تیماج قهوه‌ئی مقوائی لفرده. اندازه: ۱۵×۲۱/۵ و ۹×۱۳: ۱۹ سطر.

[۲۳۸] وفیات‌الاعیان (تاریخ – عربی)

«وانباءابناءالزمان، ممائبت بالنقل اوالسماع، اواثبته‌العیان»

شاید بتوان گفت بهترین کتابی درگزارش زندگی بزرگان: دانشمندان، شاعران، خنیاگران، شاهان، وزیران، ودیگرسران که بعربی نگاشته‌شده‌این کتاب است. نگارنده: ابن‌خلکان، ابوالعباس، شمس‌الدین، قاضی‌القضاةبرمکی‌اربلی است نامش احمد پسرمحمد پسرابراهیم پسرابوبکر پسرخلکان است. وی درشهر اربل (در کردستان عراق) در پنجشنبه ۱۱ ربیع دوم (٦۰۸ ق) بزاد (۱) و درهمانجا نزد ابن‌مکرم، ودرموصل نزد کمال‌الدین‌ابن‌یوسف، ودرحلب نزد قاضی‌بهاءالدین‌ابن‌شداددانش آموخت، وسپس بشام‌ومصرشد، پس‌اورابدستیاری قاضی‌بدرالدین سخاوی گماردند، وسپس قاضی‌شام شد، ودر (٦۵۹ ق) بدانجا

(۱) درگزارش زندگی زینب دخت‌ابوالقاسم‌عبدالرحمان جرجانی‌نیشابوری صوفی معروف به ام‌المؤید شعری‌گوید: در٦۰۸ ق بزادم و در ٦۱۰ ق این بانو برای من اجازه روایت نوشت. (گ۱۰۷ب) دیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

رفت ودر (٦٦٩ ق) بر کنار گشت، و در(٦٧٧ ق) دوباره بکار باز گشت، ودر (٦٨۰ ق) دوباره بر کنارشد. گزارش‌زندگانی وی‌درلابلای بخشهای کتاب‌وفیات گنجانیده شده‌است، وی‌استادان‌خود و کسانی‌را که ازایشان‌اجازهٔ روایت دارد نیزدرآن کتاب‌یاد کرده است.

همهٔ زندگی گزاران اورایاد کرده گویند مردی‌خوش‌رفتار، شیرین‌سخن، نیکوروی، در قضاوت وداد گستری جدی و یك دنده بود، او خودرا از نژاد برمکیان وزیران‌هارون‌الرشید عباسی‌میشمرد، و گویان کسانی‌دردمشق‌دربارهٔ آن تردید کرده‌اند و او را رنجانیده‌اند، واودرپاسخ گفته است اگر میخواستم نسبنامه برای خویش بتراشم، به‌عباس‌وعلی‌بن‌ابیطالب میرسانیدم.

مرك اورا نیزهمه در (٦٨۱ ق) یاد کرده‌اند.

روش او درنگارش وفیات‌الاعیان:

خود میگوید چون از جوانی به بررسی گزارش کارهای گذشتگان میل داشت بگردآوری یادداشتها پرداخت، وچون بسیار شد و نامرتب بود استفاده از آنها دشوار گشت، پس‌بسال (٦۵٤ ق) درقاهره آنرا بترتیب حرف‌آغازنامها بسیجید (۱) ومسافرت بشام همراه ابوالفتح بیبرس‌مانع ازپایان کار گشت، تاپس از کناره گیری از کار در (٦٦٩ ق) گزارشهائی‌برآن افزود و بصورت کنونی درآورد (۲) وچلبی گوید: آنرا بروز دوشنبه ۲۲ جمادی دوم (٦٧۲ ق) بپایان رسانید و(٨٤٦ گزارش) درآن گردآورد، (۳) وهموازصاحب جهان‌آرانقل کند که نگارنده کتاب را بنام بیبرس ساخته است، ولی در نسخه‌های کنونی‌تاریخ پایان کتاب دیده نمی‌شود و بیش‌از (٨۳۳ گزارش) دربر ندارد، وازبیبرس‌فقط نامی درخاتمه یاد شده است.

دربزرگترین نسخه‌های‌این کتاب که نسخهٔ چاپ‌تهرانست(٨۳۳ گزارش) آمده که در میان آنها پادشاهان، وزیران، سران، دانشمندان، شاعران، خنیاگران، و بگفتهٔ خودش هر که نامش پرسیدنی و کردارش شنیدنی است دیده میشود، ولی زندگی خلیفه ها و یاران پیغمبر را که دیگران کتابها در

(۱) دیباچهٔ کتاب دیده شود.
(۲) خاتمهٔ کتاب دیده شود.
(۳) کشف‌الظنون – حرف واو

بارهٔ زندگی ایشان نگاشته اند، او در اینجا نیاورده است، وی در این کتاب بعقیدهٔ مذهبی کاری ندارد، و چه بسا زندیقان وملحدان که زندگانی ایشان بهراز با ستایش بسیار دراینجا یاد شده است، و چه بسا دربارهٔ شاعران وهنرمندان بیشتراز روحانیان گفتگو کرده است، و ابن کثیر دراین کار بروی خرده گرفته است، او فقط گزارش کسانی را در این کتاب آورد که تاریخ مرگ ایشان را میدانست، وگاهی نیز برخی از کسانیکه تاریخ مرگشان رانمیدانست بدنبال گزارش آنان که میشناخت آورده، و ازاین راه نام کتاب را « وفیات الاعیان » نهاده‌است (۱) وی برای این کارخویش سه گونه مدرك دارد:

۱ـ کتابهای گذشتگان.

۲ـ شنیده‌ها ازبزرگان.

۳ـ آنچه خود دیده است.

و در ترتیب کتاب فقط بحرف نخست و دوم چشم داشته و بحرف سوم کاری نداشته است.

کسانیکه بگفتهٔ چلبی در کشف‌الظنون ودیگران، دربارهٔ وفیات‌الاعیان کار کرده‌اند:

ـ تاج‌الدین عبدالباقی پسر عبدالمجید مخزومی مکی (م ٧٤٣ ق) دنباله‌یی بر آن‌نگاشت، وسی کس برآن افزود، و خرده گیریها کرد.

ـ حسین (یا: ابوالحسن احمد) پسر ایبك (م ٧٤٩ ق) نیز دنباله‌یی بر آن افزود.

ـ شمس‌الدین محمد پسر احمد ترکمانی (م ٧٥٠ ق) آنرا کوتاه کرد و « الجنان » نامید.

ـ صلاح‌الدین محمدابن شاکر کتبی (م ٧٦٤ ق) « فوات‌الوفیات » نگاشت که دردوجلد دربولاق بسال ١٢٩٩ ق چاپ شده است.

(۱) درچندین گزارش مانند گزارش علی پسر سلیمان اخفش اصغر گوید او غیراز اخفش اکبر است که عبدالحمید نام دارد، و چون تاریخ مرگش نمیدانستم گزارش جداگانه برایش نیاوردم.

ـ ملك‌افضل، عباس پسر ملك‌مجاهد، علی پادشاه‌یمن (م٧٧٨ق) وفیات‌الاعیان‌را کوتاه کرد.

ـ بدرالدین‌حسن پسرعمر پسر حبیب حلبی (م ٧٧٩ ق) نیز دویست وسی وهفت شاعررا از آن گزین کرد و«معانی اهل‌البیان من وفیات‌ابن‌خلکان»نامید.

ـ شیخ بدرالدین زرکشی (م ٧٩٤ ق) دنباله‌یی بنام «عقودالجمان» برای آن نگاشت.

ـ شیخ زین‌الدین عراقی عبدالرحیم‌پسر حسین (م٨٠٦ق) دنباله‌یی بردنبالهٔ تاج‌الدین نگاشت، وسی کس‌دیگر برآن افزود.

ـ شهاب‌الدین احمد پسرعبدالله غزی‌شافعی(م ٨٢٢ق)وفیات‌را کوتاه کرد.

ـ ملا اظهرالدین اردبیلی که درمصر بسال ٩٣٠ ق درگذشته، وفیات را بفارسی گردانیده است.

ـ کبیر پسر اویس پسر محمد لطیفی معروف بقاضی زاده (م ٩٣٠ ق) در کتابچهٔ فارسی خود گفته‌است: سلطان‌سلیم‌عثمانی‌دستور ترجمهٔ تاریخ‌ابن‌خلکان بداد، و چون نیم کتاب بفارسی ترجمه شد سلطان درگذشت و شاید این‌همان ترجمهٔ اظهرالدین باشد.

ـ وحدتی ابراهیم پسر مصطفی پسر محمد فرضی (م ١١٢٦ ق) وفیات را بسال ١١٠٤ ق کوتاه کرد و « التجرید » نامید.

ـ بخشهای دیگری از این کتاب نیز هریك جداگانه بزبانهای اروپائی ترجمه و چاپ شده است مانند: گزارش عمادالدین ابوالفداء، گزارش صاحب مقامات حریری، گزارش عبدالکریم‌بن هوازن، گزارش زمخشری، گزارش ابن مطروح، زندگی ابن‌سینا، زندگی ابوالمحاسن ابن شداد.

ـ بارون‌ماك کوکین دسلان یك جزء آنرا تا گزارش زندگی سید رضی در (٧٩١ س) بسالهای (١٨٣٨-٤٢ م) چاپ کرد.

ـ وستنفلد در گوته بسالهای (١٨٣٥-٥٠م) همهٔ کتابرا درسیزده بخش چاپ کرد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

موسیو پیناپل (۱) ۱۸٤٥م سیزده گزارش زیررا که فقط در نسخهٔ امستردام یافت میشد، بنام دنباله با ترجمهٔ لاتینی در (۲۱ + ۳۱ص) چاپ کرد: خیرنساج صوفی، داود طائی، دعلج، ربعی بن خراش، سالم خاسری سعیدبن اسماعیل، شقیق بلخی، عبدالله عمر خطاب، ابن فرات علی، ابن جزله یحیی، یعقوب لیث صفار، یعقوب طهمان، یونس شیبانی.

ـ شیخ محمد عبدالرحمان معروف به قطةالعدوی بسال ۱۲۷٥ ق بخش یکم کتابرا تصحیح و در چ بولاق چاپ کرد و بخش دوم را درهمانجا نصرهورینی تصحیح و چاپ کرد، افزودههای پیناپل درآنها پخش شد.

ـ محمد باقر پسر عبدالحسین خان صدراصفهانی کتابرا در ۱۲۸٤ق دردو بخش در تهران تصحیح و چاپ کرد و سیزده گزارش افزودهٔ مسیو پیناپل را با هفت گزارش: جعفربن فضل برمکی، خالدخداش، خلف بن هشام، راجح بن اسماعیل، زید شهیدبن علی، ابن مالک محمد، ابن عربی محمد، که خود در نسخهها یافته بود مجموعاً بیست گزارش را درحاشیهها، هریك بجای خود افزود.

ـ چ بولاق در ۱۲۹۹ ق دو باره آنرا از روی چاپ بولاق دردو بخش چاپ کرد، ودر کرانهٔ آن شقایق النعمانیة فی علماء العثمانیه‌را چاپ کرد.

ـ چ وطن درمصر نیز در ۱۲۹۹ ق آنرا درسه بخش بتصحیح شیخ محمد نجار چاپ کردو گزارش زندگی ابن خلکان در پایانش نهاد و افزودههای پیناپل نیز دراین نسخه هریك بجای خود نهاده شده است.

ـ چ میمنیه درمصر ۱۳۱۰ق دردوجزء ودر کرانهٔ آن «شقائق النعمانیه» و «العقد المنظوم فی ذکر افاضل الروم» راچاپ کرده است.

ـ چ دارالمأمون بتصحیح احمد یوسف نجاتی شش بخش از ۲٥ بخش آنرا تا حرف (ظ) چاپ کرد وناتمام گذارد.

ـ چ سعادةو کتابخانهٔ نهضت بمصر ۱۳٦۷ ق = ۱۹٤۸م آنرا درشش جلد با فهرستها و حاشیه وتصحیح ازمحمد محیی الدین عبدالحمید چاپ کرد. این چاپ ۸۲٦ گزارش یعنی ۷ گزارش کمتراز چاپ تهران دربردارد.

---

(۱) J. pinappel

[۲٦۱]

۱٤٦ بخط نسخ، نام نویسنده تراشیده شدهاست، درتاریخ یکشنبه یکم جمادی دوم سال ۱۰٤۲ق دراصبهان بپایان یافته (دست چپ پائین صفحهٔ ٤٥۱ ـ الف دیده شود) و سپس خود نویسنده درشهر اصفهان آنرا بانسخه‌ئیکه ازروی آن نوشته است برابر وتصحیح کرده و افتادگیها را در کرانهها نوشته و در ۲۲ رجب ۱۰۷۲ ق تصحیح را بپایان رسانیده است (دست راست پائین همان صفحه دیده شود). دراین نسخه سیزده گزارش پیناپل دیده نمیشود، وازهفت گزارش افزودهٔ چاپ تهران فقط گزارش زید شهید ابن علی ابن الحسین دیده میشود، عنوان نامها وبرخی فاصلهها باشنگرف است. دربرك (۱ـ الف) چند تملك دیده میشود. پائین برگها اموریانه خورده و ازبالای صفحهها درآغاز نسخه نیز اندکی خورده است.

پیش از نسخه ده برك افزودهاند و درهفت صفحهٔ آن فهرست ناتمام و نامرتب برای کتاب نوشتهاند.

٤٥۱ برك، کاغذ سمرقندی، جلد تیماج سبزطوالی فشرده فرسوده.

اندازه: ٤۰ × ۳۲٫٥/۲٦ × ۱۷: ۳۱ سطر.

[۲۳۹] **هداية الاسماء** (کتاب شناسی ـ عربی)

فی بیان کتب العلماء

دراین کتاب که درپیرامن ششصد بیت نوشته دارد، ششصد وچهل کتاب از کتابهای معروف و کلاسیك دانشمندان اسلام شناسانده شده است. این کتاب بیست و هشت باب بشمار حرفهای الفبا، دارد، ودرهرباب نخست کتابهای شیعه و سپس کتابهای سنیان را یاد کرده، ولی هفتاد وپنج درصد کتابهای معرفی شده از آن شیعه میباشد، ودرمعرفی فقط بنام کتاب ونام نگارنده بسنده کردهاست.

آغاز: الحمدلله رب العالمین ... فیقول العبد ... حسن علی الیزدی الکثنوی ان هذه رسالة مختصرة فی اسامی کتب الشیعة المشهورة ... مع بعض کتب العامة.

انجام: (ینابیع الاحکام) فی الفقه للعامل الکامل الملا احمد النراقی الکاشانی. هذا آخر الکلام ... وقد تم الکتاب بید مؤلفه الفانی ... فی شهر ربیع المولد سنه ۱۲٦۰.

نگارنده: ملاحسن پسر علی یزدی کتنوی کربلائی است که گویا از شاگردان حجة‌الاسلام شفتی بوده ودر (۱۲۹۷ ق) درگذشته است.

آثار او:

خود او در این کتاب کتابهای زیر را بخویش نسبت داده است:

- انوارالشهاده (۱).
- ضوابط دراحکام.
- قوانین‌الاحکام فی شریعة سیدالانام ناتمام است و پنج جلد آن بیرون آمده است.
- لوامع‌الوصول فی تحقیقات‌الاصول.

صاحب ذریعه (۲) نیز کتابهای زیررا بدو نسبت میدهد:

- انوارالهدایة وسراج‌الامة در بند و اندرز چ ایران ۱۳۰۰ ق.
- الموائد.
- انوارالهدی در بند واندرز چ ایران.
- در گ ۲ ـ الف نسخهٔ دانشگاه مهیج‌الاحزان را نیز باین نگارنده نسبت داده‌اند ولی درست نیست، چه مهیج نگارش ملاحسن یزدی شاگرد سیدمجاهد (م ۱۲٤۲ ق) میباشد نه این ملاحسن.

وی هنگام نگارش «هدایة الأسماء» کتاب بحارالانوار را دردست نداشته‌است، ولی آگاهیهای بسیار از تاریخ وزندگی گزاری و کتابشناسی داشته است. او از حجة‌الاسلام شفتی (م ۱٦٢٠ ق) بعنوان استادالمتأخرین سید محمدباقر دام ظله یاد کرده است، وچند ماه پیش‌ازمرگ حجة‌الاسلام این کتابرا درتاریخ ربیع یکم (۱۲٦٠ق) بپایان رسانیده است.

---

(۱) این کتاب یک بار در کرانهٔ صفحه‌های «نورالعین» و بار دگر در کرانهٔ «مراثی وصال» وسه دیگر در کرانهٔ «بیدل» سال ۱۳۰۰ق چاپ شده‌است (ذریعه۲ : ٤٣٠).

(۲) ج ۲ ص ٤٣٠ و ٤٤٦ و ٤٤٧.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۲٦٢]

۱۰۷۰ بخط نستعلیق، نویسنده محمدحسین پسر ابوطالب حسینی اصفهانی روضه‌خوان، در شهر رشت در پایان ماه شوال (۱۲۷۵ ق) آنرا بپایان رسانیده است. روی عنوان‌نامها خط شنگرفی کشیده. آغاز بابهارا سفید گذارده که بعدشنگرفی کند ونتوانسته است.

آقای فرهومند کتابفروش تهرانی که این نسخه پیشتر ملك او بوده بتاریخ ۱۳۵۹ ق، در گ ۲ ـ الف نگارنده را صاحب انوارالشهاده و مهیج‌الاحزان شناسانده است.

۱۴برگ کاغذ ترمه‌اصفهانی رنگارنگ زرد، آبی، سبز. درپایان نسخه ۹ برگ سفید وزیاد مانده است. پیشترهمراه حدیقه هلالیه بهائی یکجا بود وتوسط این‌کتابخانه جدا صحافی شد. جلد تیماج یکلا قهوه‌یی.

اندازه: ۳۱×۲۱ و ۲۰×۱۱: ۳۰ سطر.

پایان گفتار سوم

گفتار چهارم

از قلم‌افتاده‌های جلد یکم و دوم

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۲٤۰] ازهار الریاض (کشکول - عربی)

شیخ سلیمان بحرینی ماحوزی یادداشتهای خویش را در سه یا چهار (۱) جلد گرد آورده و بدین نام خوانده‌است. صاحب ذریعه یك جلد آنرا در کتابخانهٔ حاجی نوری بخط یکی از شاگردان نگارنده و یك نسخه از جلد سوم در بحرین در کتابخانهٔ آل‌طعان ستری نشان داده است.

تاریخ پایان‌نگارش جلد اول این کتاب در گ ۱۴۸-الف نسخهٔ دانشگاه سوم جمادی دوم سال ۱۱۱٦ ق یاد شده است. و نگارش جلدسوم (چهارم) در گ ۱٦ ب و ۲۷ - الف ذیحجهٔ سال ۱۱۲۰ق یك سال پیش از مرگ نگارنده یاد شده است.

وی در این کتاب از کتابهای بسیار نقل آورده و از سه حاشیهٔ خویش بر تفسیر بیضاوی و کتاب مدارك و اربعین بهائی یاد کرده‌است. و از شاعران بسیار و بویژه از خویشتن شعر فراوان آورده‌است، یك چکامه لامی خویش را نام «درة البحرین فی مرثیة الحسین» در چند صفحه آورده است، و نیز شعری در تاریخ مرگ استاد خویش سلیمان پسر علی پسر راشدبن ابی ظبیة در ۱۱۰۱ ق (گ ۱٦ ب) و شعری در ستایش کتاب مدارك ساخته. شعری از سید علی خان مدنی آورده و مرگ اورا در شیراز بسال ۱۱۱۸ ق یاد کرده است (گ ۱۳- الف) شعری از پدر خویش عبدالله آورده و مرگ اورا (۱۱۰٤ ق) آورده‌است. و کتاب «النقایة» سیوطی (م ۹۱۱ ق) را درست در این کتاب گنجانیده‌است. شعرهای فارسی از شریف تبریزی و دیگران نیز در این کتاب دیده میشود (گ ۷٦ و ۸۱).

نگارنده: شیخ سلیمان پسر عبدالله پسر علی پسر حسن سراوی بحرینی ماحوزی (ز ۱۰۷۵ - م ۱۱۲۱ ق) میباشد که از دانشمندان و ادیبان و شاعران بحرین است و گزارش زندگیش در لؤلؤتی البحرین و روضات و ذریعه یادشده‌است.

---

(۱) درآغاز نسخهٔ واژهٔ «ثالث» را کسی خط زده و آنرا بصورت «رابع» درآورده است. ولی صاحب ذریعه گوید ازهار الریاض در سه مجلد بوده است.

صاحب ذریعه این کتاب را نیز یاد کرده ولی نسخه آنرا خود ندیده.

آغاز جلد اول دراین نسخه نیست.

انجام جلد اول (۱) : و بحسب الظن اکثر من تأثرها بالنافعة فی الحال و بسبب العقل. ولیکن هذا آخر الجزء الاول من هذا المجموع ... و کتب مؤلفه العبد .. سلیمان بن عبدالله البحرانی بالیوم الثالث من ثانیة الجمادین سنة الف و مائة وست عشرة ...

آغاز و انجام جلد دوم در نسخهٔ دانشگاه نیست.

آغاز جلد سوم : و حمداً له علی افضاله ... و بعد فهذا هو المجلد الثالث (الرابع)(۲) من مجلدات کتابنا المسمی باز هار الریاض اللتی جمعنا فیه نفایس الفنون وعرایس العیون ...

انجام : نسخهٔ دانشگاه آنرا ندارد.

[۲۶۳]

۹۰۲ خط نسخ در دفتر جا دارد و گ ۱ـ۴۹ آنرا گرفته. نامرتب و جابجا صحافی شده است. آغاز نسخه جلد سوم یا چهارم است و پایان آن جلد اول میباشد. نام نویسنده ندارد ولی پیداست که شاگرد نگارنده بوده است. تاریخ ندارد ولی چون درزندگی نگارنده نوشته است، و چنانکه گفتم نگارش کتاب در ۱۱۲۰ پایان یافته، و نگارنده در ۱۱۲۱ درگذشته، پس نسخه درست دراین دو سال نوشته شده است. عنوانها باشنگرف است حاشیه‌هائی بخط نستعلیق نوتر از خط متن دارد.

همهٔ دفتر ۲۳۶ برگ، این کتاب ۱۴۹ برگ، کاغذ هندی نخدی رنگ. جلد تیماج سرخ مقوائی فرسوده. اندازه: ۱۶×۲۳ و ۸×۱۵/۲ : ۲۰ سطر.

[۲۴۱] اطباق الذهب (مقامه ـ عربی)

متن ادبی است که شرف الدین شفروه آنرا در صد مقالت به پیروی از اطواق الذهب زمخشری نگاشته است.

(۱) گ ۱۴۸ـ الف نسخهٔ ۹۰۲ دیده شود.

(۲) نسخه دست خورده و هردو خوانده میشود. گ ۱ـ ب دیده شود.

نگارنده : شرف الدین عبدالمؤمن (محمد) ملقب به فضل الله شفروه پسر هبة الله اصفهانی است که در دیوانش به (شرف) تخلص نموده. عوفی گوید (۱) دیوانش در نیشابور بدیدم در بیش از صد طبق کاغذ نوشته شده بود. و قزوینی در تعلیقات خویش بر لباب (۲) گوید اکنون جز اندکی از دیوانش بدست نیست، و در آن رکن الدین ارسلان (۵۵۵ـ۵۷۱) و رکن الدین طغرل (۵۷۱ـ۵۹۰) وشمس الدین محمد پسر اتابک ایلدگز (۵۶۸ـ۵۸۲) را ستایش کرده است.

دولتشاه گوید (۳) : در اصفهان بروزگار اتابک شیرگیر، اورا ملک الشعراء مینوشتند، وجمال الدین محمد پدر کمال اسماعیل اورا هجو سرود.

واله داغستانی در ریاض الشعراء، ولطفعلی آذر در آتشکده گویند شیرگیر لقب ملک الشعرائی بدو داد.

شفروه : در کشف الظنون و ریاض الشعراء واله او را شفروه با قاف ودر معجم المطبوعات شقوره با قاف وواو آورده ولی قزوینی گوید شفروه با فاء وراء نام یکی از نیاکان اوست، و پسرعمویش ظهیرالدین نیز همین لقب گرفته است. در فهرستهای مصریان نام اورا با بنی عبدالمؤمن مغربی اشتباه کرده واورا مغربی اصفهانی نوشته‌اند.

آغاز : اللهم انا نحمدك علی ما اسبلت من جلابیب کرمك وسبلت من شئابیب نعمك ... وبعد فقد اشار الی ولی من اولیاء الله ... احمد بن محمود بن علی .. ان اجمع له مائة مقالة فی الوعظ ... اسلك فیها مسلك ... جارالله الزمخشری فی مقالته المسماة باطواق الذهب ... وسمیتها «اطباق الذهب» وحذوت فی کل مقالة حذوه ... المقالة الاول.

انجام : وطیور نصائح تفرقت اجزائها علی جبال القدعضتهن واذا ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمهن.

(۱) لباب الالباب ج اروپا ج ۱ ص ۲۶۸ـ۲۶۹.

(۲) « « « ص ۳۵۶.

(۳) تذکره دولتشاه سمرقندی طبقهٔ سوم.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

چاپهای این کتاب - بولاق ۱۲۸۰ ق ۹۱ ص، - لاهور ۱۸۷۸ م ۹۶ ص، - مصر ۱۳۲۵ ق ۱۵٤ ص، - بیروت چ ادبیة باگزارشهای یوسف نبهانی ۱۳۰۹ ق ۱۱۲ ص، - مصر باگزارش محمد منیر عبدالقادر درحاشیهٔ کتاب تحفة اهل الفکاهة ۱۳۲٦ ق.

[۲٦٤]

۸۹۷ بخط نسخ با اعراب (زبروزیردار) دردفتری جاداده شده و برگهای (۹۷ تا ۱۲۹) آنرا گرفته. فهرست این دفتر چنین است: - ۱- فوز اصغر، از ابن مسکویه گ ۱-۱۹، ۲- اوایل التحریر ۲۰ تا ۵۱، ۳- فصوص فارابی ۵۲-۱۵۹، ٤- اثبات الواجب نظام دشتکی ۵۹-۸۱. ۵- عرشیهٔ ملاصدرا ۸۹-۹۷. ٦- اطباق الذهب ۹۷-۱۲۹ ۷- سه نمط اشارات ۱۳۰-۱۵۳. ۸- درة فاخرة جامی ۱۵۳-۱۵۹.

این دفتر بدستور رئیس الکتاب درتاریخ ۱۰۹٦ ق و ۱۰۹۷ ق نوشته شده و کتابچهٔ چهارم آن در ۸ ذیحجهٔ ۱۰۹۷ ق بپایان رسیده است. (ص ۱۳۲ جلد سوم فهرست دیده شود.

همهٔ دفتر ۱۵۹ برگ این کتابچه ۳۳ برگ. کاغذ نخدی جلد فرسوده. یك طرف آن افتاده است. اندازه: ۲۱/۵×۳۴ و ۱۳×۲٦: ۲۸ سطر.

[۲٤۲] **انتخاب الجید** (رجال - عربی)

من تنبیهات السید

کتاب تهذیب الاخبار شیخ طوسی (م ٤٦۰ ق) چنانکه در ص ٤۷۲ گذشت یکی از چهارپایهٔ حقوق مذهبی شیعه است. وسیدهاشم توبلی کتکانی (م ۱۱۰۷ ق) پسر سیداسماعیل بحرینی کتابی بزرك برای شناسائی راویان و زنجیرهٔ خبرهای آن نگاشته و «تنبیه الاریب فی ایضاح رجال التهذیب» نامیده است، سپس شیخ حسن دمستانی پسرحسن پسر محمد پسر علی پسر خلف پسر ابراهیم پسر ضیف بحرینی دمستانی، این کتاب را کوتاه کرد و مطالب سودمند آنرا گزین نمود «انتخاب الجید» نامید، وی در هشتم جمادی یکم سال ۱۱۷۳ ق آنرا بپایان رسانیده است (۱).

(۱) ذریعه ۲: ۳۵۸ ولی درنسخهٔ دانشگاه این تاریخ دیده نمیشود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز: الحمدلله الذی وطد قباب الشرع الشریف بالکتاب المبین والسنة الزاهرة ... وبعد فیقول المتعطش ...

انجام: اقول الصواب عن ابراهیم بن عبدالحمید کماهو المتکرر ومنه السند الآتی. هذا ما تیسر الی الفکر العلیل ... والسلام علی محمد وآله الطاهرین.

[۲٦۵]

۹۹۵ بخط نسخ. نویسنده صفرعلی پسر میرزعلی موسوی خراسانی، در ۱۸ ذیقعدهٔ ۱۲۳۲ ق آنرا بپایان رسانیده است. عنوانها با شنگرف است. پیش از این کتاب دربرگهای (۱ تا ۲۱) این جلد کتاب وجیزهٔ مجلسی را نوشته که در ص ٦۷۵ و ٦۷٦ یاد شد.

همهٔ دفتر ۱٤۰ برك. این کتاب ۱۱۹ برك. کاغذ ودیگر خصوصیات در ص ٦۷٦ یاد شد.

[۲٤۳] **اوایل التحریر** (انشاء - دبیری - عربی)

نگارنده: خود را دردیباچه: اختیار پسر غیاث الدین حسینی نام برده و کتاب را بنام و بدستور دوم شخص کشور وهمنام امیرالمؤمنین شیرخدا علی (۱) نگاشته است. وتاریخ نگارش را «بفیضه = ۸۹۷ ق» و «اوایل التحریر = ۸۹۷ ق» ساخته است (۲). این مرد همان قاضی اختیار است که در ص ۲٤۵ غزلیاتش را یاد کردم وبرخی اورا سید اختیار نامیده اند ولی «منشآت اختیار» که نسخهٔ آن در کتابخانهٔ شاهنشاهی هست (۳) از حسن فرزند علی است که در (۹۳۵ تا ۹۷۰) میزیست و غیر از این مرد میباشد. وی این کتاب را بدستور وزیر روزگار خویش میرعلی شیرنوائی ساخت و بنام وی آراست. وچنانکه از اختتام کتاب برمیآید این دانشمند کتابخانه یی درخانهٔ خویش می داشته، ولی بازهم انشاء عربی این کتاب که (۳۲۰۰ بیت نوشته) دارد ناپخته و نارسا میباشد.

(۱) عبارت چنین است: «نائی اثنین من هو خلیفة الزمان، سمی اسدالله الغالب، علی الاسم ...» گ ۲۰- الف نسخهٔ دانشگاه.

(۲) درپایان کتاب نیز چند ماده تاریخ ساخته گویا نگارنده نیز مانند دیگر دانشندان همزمانش سخت درتحت تأثیرحروفیان بوده است.

(۳) درنمونهٔ خطوط خوش شاهنشاهی ص ۱۰۹ و ۱۱۰ ق. این دو کس را با یکدیگر در آمیخته است.

فهرست اوائل التحریر آنچنانکه خود در دیباچه آورده است:

افتتاح : در ستایش و درود؛ در پنج بخش بنام پنج «کلمه».

- سطر یکم : کار و صفت پادشاهان پانزده بخش «حرف» دارد.

۱- لقب پادشاه. ۲- لقب جانشین شاه.
۳- دادگستری شاهان. ۴- ستم آنان.
۵- جنگ و جهاد. ۶- نهی از کشتن مسلمانان.
۷- حیله و مکر. ۸- پهلوانی و شجاعت.
۹- هیبت و سختی و درشتی. ۱۰- فرار.
۱۱- پاداش و کیفر. ۱۲- دشمنی.
۱۳- نویسندگی و دبیری. ۱۴- آشتی.
۱۵- پیروزی.

- سطر دوم : پیش آمدهای آسمانی سه حرف دارد:

۱- راهنمائی و توفیق. ۲- گشایش روزی و تنگی آن.
۳- فضل و قدر.

- سطر سوم : صفتهای نیك ؛ بیست حرف دارد:

۱- بخشش مال. ۲- شکیبائی.
۳- سپاس. ۴- راستی.
۵- وفا. ۶- واگذاشتن بخدا.
۷- توبت. ۸- گناه بخشی.
۹- حلم و بردباری. ۱۰- فروتنی.
۱۱- قناعت. ۱۲- نیکخوئی.
۱۳- شرم. ۱۴- خموشی.
۱۵- مشورت. ۱۶- پنهان کاری.
۱۷- فرصت. ۱۸- کوشش.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۱۹- میانه‌روی و اقتصاد. ۲۰- راهنمائی.

- سطر چهارم : صفتهای بد؛ ۱۵ حرف دارد:

۱- دروغ. ۲- خلف وعد.
۳- دوروئی و نفاق. ۴- خودپسندی.
۵- رشك. ۶- بخل.
۷- طمع. ۸- حرص و آز.
۹- نادانی. ۱۰- سبکی و شتاب.
۱۱- تنبلی. ۱۲- شك و دودلی.
۱۳- خشم. ۱۴- منت گذاری.
۱۵- بدگوئی.

- سطر پنجم : خویشان ، هشت حرف دارد:

۱- پدر و مادر و فرزندان. ۲- برادران.
۳- زن و شوهر. ۴- دوستان.
۵- همنشین. ۶- دیدار دوست.
۷- همسایه داری. ۸- گله گذاری.

- سطر ششم : خوش گوئی و زیرکی و زرنگی ؛ پنج حرف دارد:

۱- خوش گوئی. ۲- شرافت به ادب است نه به نژاد.
۳- خرد. ۴- خوشروئی.
۵- نتیجهٔ کار و رفتار.

- سطر هفتم : زمین و جهان ؛ پنج حرف دارد:

۱- خانهٔ کعبه و حج. ۲- سفر و جهانگردی.
۳- میهن دوستی. ۴- آبادی و کشت و گل کاری.
۵- چارپایان.

- سطر هشتم : روزگار و زمان ؛ ده حرف دارد:

۱ـ شب و روز و ماه و سال.	۲ـ چهار فصل.
۳ـ گله از روزگار.	٤ـ ناسازگاری و ناهمواری روزگار.
٥ـ نیستی پس از هستی.	٦ـ آسانی پس از سختی.
۷ـ دنیا و دارائی.	۸ـ تندرستی
۹ـ جوانی و پیری.	۱۰ـ مرگ.

ـ سطر نهم : پراکنده ؛ چهار حرف دارد :

۱ـ آسمانها.	۲ـ حق و باطل.
۳ـ پراکنده.	٤ـ نام کتابهای معروف از هر دانش

واصطلاحهای دانشهای کلاسیك روزگار خویش .

اختتام : در نیایش .

آخرین فصل در داستانهای شیرین .

آغاز : احمدك اللهم والمحامد راجعة الیك . . و بعد فیقول الفقیر الی الله الغنی اختیار بن غیاث الدین الحسینی ان علم البیان والانشاء نعم العون . . .

انجام : علیه توکلت والیه انیب ومن اتفاقات الایام اتفاق یوم الاتمام بعام الاختتام فقد تممته (بسلخ رجب) وذلك امر عجب :

تم بالخیر جامع نافع حین تممته بعون الله
فارتغب یافتی بتعلیمه قلت تاریخه (بتتمیمه)

واژه‌های بتتمیمه و بسلخ رجب برابر ۸۹۷ تاریخ پایان یافتن نگارش است . اتفاقاً شمارهٔ این نسخه در دفتر کتابخانهٔ دانشگاه نیز ۸۹۷ میباشد .

[۲٦٦]

۸۹۷ بخط نسخ . نام نویسنده ندارد . در دفتری جا گرفته و برگهای (۲۰ـ۵۱) آنرا گرفته است . و پیش از آن فوز اصغر ابن مسکویه دیده میشود (ص ۱۳۲ جلد سوم دیده شود) . و بدستور رئیس الکتاب (مهر او در گ ۱ و ۹۷ و ۱۳۰ و ۱۵۹ دیده میشود) در ۱۰۹۷ ق نوشته شده و تاریخ عرفه (۸ـ ذیحجه) ۱۰۹۷ ق در پایان کتابچهٔ چهارم دفتر (گ ۱۲۹ پ) دیده میشود . پس در دست دویست سال پس از نگارش نوشته شده است و تاریخ ۱۰۹٦ در پایان کتابچه سوم گ ۵۹ نیز دیده میشود .

همهٔ دفتر ۱۵۹ برگ این کتابچه ۳۱ برگ است . کاغذ نخدی جلد فرسوده و یك طرف آن افتاده است . اندازه ۲۱/۵×۳۴ و ۱۴×۲٦ : ۲۸ سطر

[۲٤٤] البلاغة (معانی بیان ـ عربی)

(رسالة مختصرة فی ...)

کتابچهٔ کوچکی است که سه علم معانی و بیان و بدیع را در سه صفحه گرد آورده است .

آغاز : الحمدلله الذی کشف عن وجوه المعانی ببدایع بیانه ... و بعد فهذا مختصر فی فن البلاغة وتوابعها . الفته لیکون کمدخل للکتب المبسوطة ...

انجام : از نسخه دانشگاه افتاده است .

[۲٦۷]

۹۰۲ در دفتری جا دارد و گ ۲۱۵ و ۲۱٦ آنرا گرفته است . نام نویسنده و تاریخ ندارد ؛ ولی خط و کاغذ سدهٔ یازدهم را نشان میدهد ؛ و چون در بحرین نوشته شده نم کشیده و فرسوده است .

همهٔ دفتر ۳٦٦ برگ ، این کتابچه دو برگ . کاغذ هندی ، نخدی رنگ ، جلد تیماج سرخ متوالی فرسوده . اندازه ۱٦×۲۳ و ۱۲×۱۹ : ۲۲ سطر .

[۲٤٥] تحدی وصاف با کلیله و دمنه (بدیع ـ فارسی)

یا مقایسهٔ قرینه‌سازیهای وصاف با ابوالمعالی

زبان امروزی ما که دری نامیده شده ، در گذشته لهجهٔ ویژهٔ مردم خاور ایران بود ، و چون سرزمین پارتها پیش از دیگر نقاط کشور از دست عربان آزاد گشت ، لهجهٔ این مردم زودتر زنده گردید ، و بهمراه سپاهیان ایشان که در فش آزادی بدوش داشتند بهمه جای کشور راه یافت ، و تا سدهٔ چهارم توانست لهجه‌های محلی دیگر (کردی ، آذری ، پهلوی جنوبی) را ، بزیر سایهٔ خویش درآورد .

لهجهٔ دری پیروز شد ، ولی با گذشت زمان لهجه‌های دیگر در زبان دری تأثیر میکردند ؛ لهجه‌های مردم جنوب و جنوب باختری که پیش از خراسانیان تحت تأثیر ادبیات عرب بودند ، واسطه‌ئی برای وارد کردن واژه‌های تازی بزبان دری گردیدند ؛ هرچه آمیزش خاور و باختر بیشتر میشد ، سبك نگارش دری

تکامل میافت، تا آنجا که سجع بندی، وقافیه سازی، وعربی تراشی، وبکار بردن واژه‌های دشوار نشانهٔ دانشمندی و ادیبی گردید.

سبك نگارش ابوالمعالی نصرالله فارسی (١) در کلیله ودمنه وسبك وصاف (٢) در تاریخ وتجزیة الامصار، نمایندهٔ نفوذ لهجه وسبك مردم جنوب وغرب ایران درزبان دری میباشد. «موازنه سازی» و «قرینه سازی» و بکار بردن هنرهای بدیعی در نثر زبان دری پیشینه ندارد، ابوالمعالی اینهارا اززبان تازی گرفته وبدری وارد کرد، او برشمارهٔ واژه‌های عربی که درنثر دری بکارمیرفت افزود واندازه آنرا به ٢٢ درصد رسانید (٣). وصاف‌الحضرة نیز که پیرو سبك ابوالمعالی میباشد روش اورا بدرجهٔ کمال رسانید «مزدوج» و «مترادف» و «سجع‌بندی» و «مراعات‌النظیر» و «جمع اضداد» و «جمع و تفریق» و دیگر هنرها و ریزه کاریهای بدیعی را درفارسی بکاربرد.

شیوهٔ ابوالمعالی ووصاف تاسده‌های پسین سبك عالی وسزاواربیروی شناخته می‌شد، و دربارهٔ آنها بحثها و گفتگوها میگردید، و کتابها نگاشته میشد.

جای گفتگو کتابچه‌ئیست که در یك جنك خطی در کتابخانه دانشگاه هست وشاید آنرا محمد باقراصفهانی (٤) نگاشته باشد، ویا اینکه بخشی از کتابی بوده و او دراینجایش نوشته است.

کسی نزدنگارندهٔ این کتابچه چند جمله ازقرینه سازیهای کلیله را برخواند، وآنرا قرآن پارسی دانست، وستایش بسیار کرد، نگارنده نخست از آنها عیب جوئی

---

(١) ابوالمعالی نصرالله پسرمحمد پسرعبدالحمید را برخی شیرازی وبرخی غزنوی نوشته‌اند. آقای بهار گوید: درنثر ابوالمعالی بوئی از روش گفتگو و اصطلاحهای مردم غزنین یافت نمیشود واین میرساند که او غزنوی نیست وگویا ازشیرازیانی است که درروزگارغزنویان بخراسان آمدند. (سبك شناسی ج ٢ ص ٢٤٨).

(٢) اندکی از گزارش زندگی او در ص ٥٢٥تا٥٢٨ یاد شد.

(٣) سبك شناسی ج ٢ ص ٢٦٨.

(٤) این‌خرد نوسندهٔ بخشی از جنك بیاضی است که بشمارهٔ ١٠٣٨ دراین کتابخانه هست. وآنرا درجهرآباد هند بسال ١٠٥٦ ق نوشته است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نموده وسپس سی‌ودو قرینهٔ جمله‌یی، و سی‌ودوقرینهٔ واژه‌یی، از قرینه سازیهای وصاف‌الحضرة را بترتیب مثبت و یا منفی بودن مقدم وتالی‌هردو ویا گوناگون بودن آنها، مرتب کرده و آنها را بمعرض قضاوت خواننده گذارده است. این کتابچه درپیرامن (١٢٠ بیت نوشته) دارد.

آغاز: یکی ازافاضل خلان‌الوفاواماثل‌اخوان‌الصفابدین ترکیبات عثور یافت... ازکلیله ودمنه برخواند کیست که با قضای آسمانی مقاومت تواند «و» ودرعالم بمنزلتی رسد، ودرمعرض خطرنیفتد..

تا آنجا که: تحدی وصاف باکلیله ودمنه.

برداشت کلك و کاغذ و فرفر فرونوشت

منشور فضل صاحب وصافی بر آن نوشت

نوع اول؛ مقدم وتالی هردومثبت... طمع درطعمهٔ دنیابندد و عرض او برقرارماند.. نوع دوم سجع مردد اول مثبت دوم منفی... ازوی خیری بغیری تادست توان بدان رسد، نرسد.

[٢٦٨]

١٠٣٨ بخط ستعلیق دردفتری بیاضی جاگرفته وگ ٤٨ تا ٥٠ آنرا گرفته است. نام نویسنده وتاریخ ندارد ولی این دفتر جنگی است که بخشی ازآنرا محمدباقر اصفهانی درجهرآباد بسال ١٠٥٦ق وبخشی را محمد درویش در١٠٥٥ ق نوشته است وخط این کتابچه بخط محمدباقر بیشترمیماند.

عنوانها با شنگرف است.

همهٔ دفتر ١٦٣ برك. این کتابچه ٣ برك. کاغذ نخودی‌رنك جلد تیماج خالی بالا

اندازه ١١×٣٦ و ٩/٥×١٩/٥ : ٣١ سطر

[٢٤٦] تحفة‌الامیر (تجوید ـ فارسی)

کتابچهٔ کوچکی است که (٢٧٠ بیت نوشته) دارد، ودستورهای قرائت قرآن وچگونگی تلفظ را دربردارد.

نگارنده: محمد پسر مهدی نگارندهٔ مظهرالآیات است که در ج ١

ص٢١٣ – ٢١٥ اورا یاد کردم . صاحب ذریعه در (ج٤ ص٤٢١) گوید آنرا بنام محمدشاه قاجار ساخت ، ولی از نسخهٔ این کتابخانه چنین چیزی برنمیآید . این کتاب در تبریز بسال ١٢٦٠ ق چاپ شده است .

آغاز : منعمی را سپاس و شکر سزا است که زبانها بحمد او گویا است . . .

اما بعد ذرهٔ بیمقدار محمد بن مهدی الحسینی برالواح ... ومسمی ساخت بتحفة الامیر... اما استعاذة . . .

[٢٦٩]

١١٣٨ بخط نسخ زیبا . نام نویسنده ندارد . در یکم رمضان ١٢٥٥ ق نوشتن آن پایان یافته است . عنوانها با شنگرف است . همه رویه‌ها با زر و شنگرف و سیاهی جدولبندی شده است . در پایان نسخه تملك اسحاق میرزا دیده میشود که کتابرا در همان تاریخ ببهای سه پناه باد خریده است .

٧ برگ ، کاغذ اصفهانی نخدی ، جلد تیماج حنائی یك لا لفترده
اندازه : ٢٠/٥×١٢ و ١٦/٥×٨/٥ : ١٧ سطر

[٢٤٧] تفسیر آیهٔ کلما القی فیها فوج سألهم خزنتها (تفسیر – عربی)

دربارهٔ این کتاب در (ج١ ص ٤٣) گفتگو کردم . اینك نسخهٔ دیگری از آن که در این کتابخانه هست شناسانده میشود .

[٢٧٠]

٩٤٤ بخط نستعلیق . در دفتری جا دارد و برگهای (١٠٥ و ١٠٦) آنرا گرفته است . نام نویسنده و تاریخ در پایان این کتابچه نیست ، ولی همهٔ دفتر بخامهٔ محمد شریف پسر شیخ ابوتراب است که در تاریخ ١٠٩٣ و ١٠٩٤ ق آنرا نوشته است (گـ ٣٩ و ٦٦ دیده شود) . روی عنوانها خط شنگرفی کشیده است . برای شناسائی دیگر کتابچه‌های این دفتر ص ٥١ فهرست جلد سوم این فهرست دیده شود .

همهٔ دفتر ١٧٥ برگ ، این کتابچه ٢ برگ کاغذ ترمه اصفهانی ، جلد تیماج سرخ مقوائی .
اندازه ١٣×١٩و٨×١٣ : ١٧ سطر

[٢٤٨] تفسیر الائمة (تفسیر – فارسی – عربی)

لهدایة الامة

ازمحمدرضا پسر عبدالحسین طوسی نصیری است که در (ج٢ ص٣٦٦) از وی وخاندانش یاد کردم . واین تفسیر اورا در (ج١ ص ٤٥) معرفی کردم . تا کنون سه جلد ازاین تفسیر دراین کتابخانه گردآمده است .



(٣٢) برگ ١٨٠ تفسیرالائمة شمارهٔ ١١٤٠

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

١ ـ بشمارهٔ ١١٤ که سوره‌های توبه ، یونس ، هودرا دربردارد ، و درپیرامن (٣٨٥٠٠ بیت نوشته) دارد .

٢ ـ بشمارهٔ ١١ که سوره های کهف ، مریم ، طه را دربر دارد و در پیرامن (٣٤٥٠٠ بیت نوشته) دارد .

٣ ـ بشمارهٔ ١٢ که سوره‌های انبیاء حج مؤمنون را دربرگرفته و درپیرامن (٣٢٥٠٠بیت نوشته) دارد .

اینك نسخه‌یی از این تفسیر که سوره های توبه ، یونس ، هود را در بردارد دراینجا معرفی میشود .

[٢٧١]

١١٤٥ تفسیر سورهٔ توبه ، یونس ، هود را دربر دارد . خط نستعلیق ، بخشهای فارسی را باشنگرف و بخشهای تازی را باسیاه نوشته . آیه‌ها را با سیاهی درشت بخامهٔ نسخ نوشته وترجمهٔ فارسی آنرا باشنگرف بخامهٔ ریز نستعلیق زیر آن آورده است . تصحیح شده وافتادگیها را درحاشیه آورده است .

٥٢٨) برگ،کاغذ اصفهانی ، جلد تیماج حنائی وصله شده طرائی فرسوده .

اندازه : ٣١×٣٠ و ١١×٢١ : ٣١ سطر

[٢٤٩] جلاءالاذهان (تفسیر ـ فارسی)

یا تفسیر گازر

در جلد یکم این فهرست ص ٨٥ تا ٨٨ سه جلد از آن معرفی گردید و یك جلد دیگر آن که بشمارهٔ (١٣) دراین کتابخانه هست دراینجا معرفی میگردد .

جلد شمارهٔ ١٣ را من پیش‌ازین بغلط بخشی از تفسیرالائمة کوچك پنداشتم و در ج ١ ص ٤٧ آنرا چنان معرفی کردم و سپس دریافتم که این نسخه بخشی ازجلاءالاذهان است . و از این روی باید معرفی تفسیرالائمة مختصر در ص ٤٧ از جلد یکم زدوده شود .

[٢٧٢]

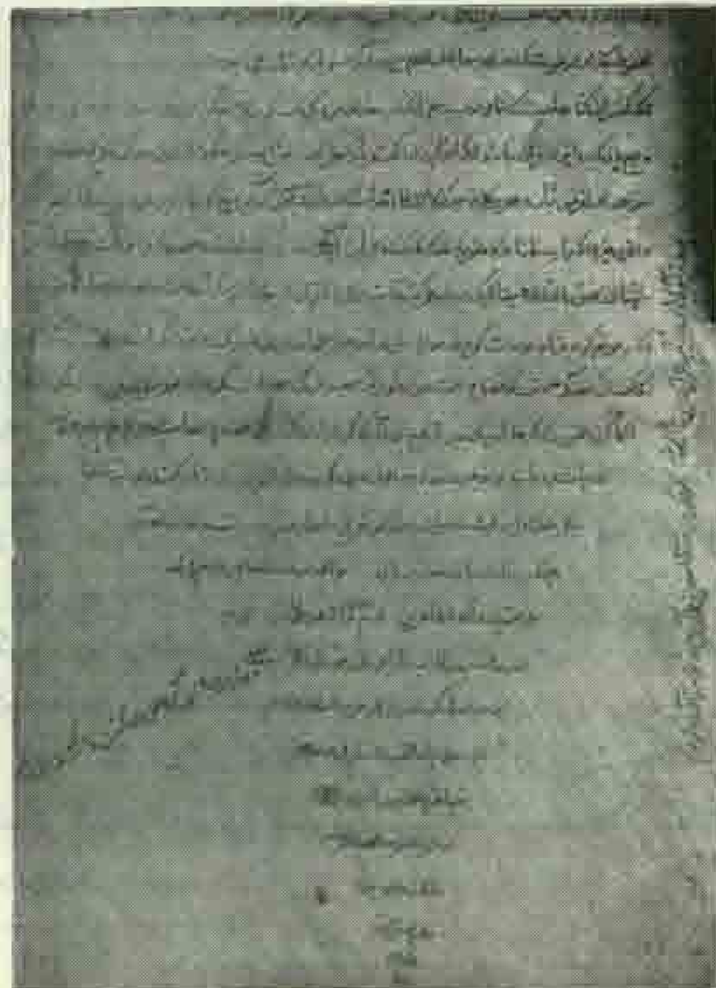
١٣ بخط نسخ بد . نویسنده‌عبدالعلی فرزند عبدالله ساکن دیه عبدالعظیم (ری) آنرا در ١٨ صفر ٩٦٢ بپایان رسانیده است آیه‌ها را با خامهٔ نسخ درشت بسیاهی

نوشته . تصحیح شده وافتادگیها را نیزدرحاشیه آورده است .

بنابراین در کتابخانه دانشگاه پنج بخش ازاین کتاب دیده میشود :

الف ـ بشمارهٔ ٩٢٤ (برگهای ١تا٢٣٦) که سوره‌های فاتحه ، بقره ، آل‌عمران نساء مائده را دربر گرفته و (٣٢٥٠٠ بیت) نوشته دارد .

ب ـ بشمارهٔ ٩٢٤ (برگهای ٢٣٧ تا ٤٠٦) سوره‌های اعراف ، انفال ، توبه ، یونس ، هود ، یوسف ، رعد ، ابراهیم ، حجر ، نحل ، اسرا ، کهف را دربر گرفته و (١٦٠٠٠ بیت نوشته) دارد .



(٣٣) صفحهٔ آخر جلاءالاذهان نسخهٔ شمارهٔ ١٣

ج ـ بشمارهٔ ۲٦ که نیم‌دوم قرآنرا از سورهٔ مریم تا ناس دربر گرفته ودرپیرامن (۲۷٦۰۰ بیت نوشته) دارد.

د ـ بشمارهٔ ۹۲۳ که مکرر شمارهٔ ۲٦ است جز اینکه سورههای اسرا و کهفرا نیز افزوده است.

هـ ـ بشمارهٔ ۱۳ که مکرر بخش دوم شمارهٔ ۹۲۴ میباشد (و من آنرا بغلط تفسیرالائمه پنداشته بودم).

۳٦۸ برك‌کاغذ سمرقندی جلد تیماج حالی طوالی وصالی شده فرسوده
اندازه: ۳٦×۳۷ و ۱۸×۲۷ : ۲۲ سطر

[۲۵۰] **جواهر التفسیر لتحفة‌الامیر** (تفسیر ـ فارسی)

یا «العروس»

یا «تفسیر الزهراوین» (۱)

ملاحسین کاشفی چند کتاب در تفسیر نگاشت: جواهرالتفسیر ومختصر آن و «مواهب علیه». و تفسیر سورهٔ یوسف بنام جامع‌الستین. جواهرالتفسیر را میخواست درچهار بخش بزرك بیرون آرد، ولی فقط توانست یك بخش را در تفسیر فاتحه ودوسورهٔ بزرك (بقره، آل عمران) درسال (۸۹۰ ق = فیض) واندکی از بخش دوم را در تفسیر ۸٤ آیت از سورهٔ نساء درسال (۸۹۲) پاکنویس کند و دیگر بخشها درچر کنویس و پراکنده ماند (۲). صاحبان روضات و ذریعه گویند جواهرالتفسیر که تفسیر چهار جزء و نیم از سی‌جزء قرآن‌است درپیرامن پنجاه هزار بیت نوشته دارد.

ولی نسخهٔ دانشگاه که همهٔ بخش یکم است، تا پایان سورهٔ آل عمران یعنی اندکی کمتراز سه‌جزء را تفسیر کرده وچهل هزار بیت‌نوشته (بیت‌پنجاه حرفی) دربردارد.

---

(۱) این نام ویژهٔ بخش یکم کتاب است که تفسیر دو سورهٔ بقره و آل عمران میباشد، چه‌زهراوین لقب این‌دو سوره میباشد که بزرگترین سورههای قرآن‌هستند.

(۲) خود درآغازمواهب‌علیه گوید‌سه‌جلدازاین کتاب‌درچر کنویس پراکنده بماند.

اودراین‌تفسیر آیتهارا جمله‌جمله‌وپاره‌پاره‌تفسیر کردوسخن‌بدرازا کشانید وچون‌نتوانست بپایان رساند، آنرا کوتاه کردو کتابی در پیرامن (۲۰۰۰۰ بیت نوشته) بنام «مختصرالجواهر» بنگاشت، و پس‌از آن کتاب «مواهب علیه» را نگاشت که بنام تفسیرحسینی درتهران چاپ‌شد.

وی این کتاب را بنام میرعلی‌شیر نوالی که از (۸۷٦ ق) تاروزیکه در گذشت‌در(۹۰٦ق) وزیرسلطان‌حسین‌میرزا بایقرا بود، بنگاشت‌ودرپیش گفتار آن دانستنیهای پیش‌از تفسیر را درچهار اصل که بیست و دو عنوان دربردارد گردآورد.

آغاز:

بسم‌الله‌الرحمان‌الرحیم تبدأ والله علیم حکیم

فاتحهٔ هر کتاب وزیورخاتمهٔهرخطاب جزبآیهٔ .. وآله‌الطیبین‌الطاهرین والخلفاءالراشدین وجماهیرأصحابه .. اما بعد فاضل‌ترین عبارتی .. (وپس‌از یك صفحهٔ بزرك) .. داورِدوران علی شیر آنکه ... (وپس‌ازصفحه‌یی دیگر) .. کمینهٔ بی‌بضاعت حسین‌بن علی‌الکاشفی ... مسمات بجواهرالتفسیرلتحفة‌الامیر... و (پس‌ازصفحه‌یی دیگر) .. وقبل‌از خوض درتفسیر آیات ایراد نکته‌یی چند... وبیان آنرا چهار اصل مشتمل‌بربیست ودوعنوان متکفل ..

انجام: لعلکم تفلحون شاید که شما رستگارشوید ...

وپس‌از سه صفحهٔ بزرك که درآنها تفسیر این‌آخرین‌آیت آل‌عمران را از «عوارف»، و امام قشیری، و حقایق سلمی، وسیدالطائفه، و کشف‌الاسرار، وبحرالحقائق، وحقایق‌التأویل، وحضرت حقایق پناهی بهاءالحق والدین‌محمدبن محمدالبخاری‌المعروف به نقشبند و دیگران آورده است، میگوید: مجلد اول از کتاب جواهرالتفسیر لتحفة‌الامیر سمت اتمام .. واتمام باقی مجلدات ازاعانت حضرت واهب ..

چون‌بتاریخ فیض (= ۸۹۰) گشت تمام
فیض او بـاد تـا قیـامت عـام

نگارنده : ملا کمال‌الدین حسین کاشفی (م. هرات، ۹۱۰ق) است . او شیعیگری زادگاه‌خود سبزوار را با صوفیگری هرات درآمیخت ودراین شهر که دراین روزگار بسوی شیعیگری پیش‌میرفت بوعظ‌میپرداخت، و بطریقت نقشبندیان گروید وخواهرزن جامی را بزنی گرفت .

اومردی خوش‌زبان وپرکاربود و دردانشهای کلاسیك آن‌روز : ادبیات، دعا، تفسیر ، عرفان ، حروف ، سحر ، نجوم... نگاشته‌ها دارد، و جز آنچه در (ج ۳ ص ۸۲۳) این فهرست از آن نام برده شده ، کتابهای : شرح صحیفهٔ سجادیه (۱) و فتوت‌نامه (۲) و فضل‌الصلاة علی‌النبی و لطائف‌الطرائف (۳) و رشحات عین‌الحیاة (٤) وصحیفه‌شاهی (٥) نیزازاومیباشد. گزارش‌زندگی‌اودرحبیب‌السیر، وروضات ص ۲٥٦ ، مجالس‌المؤمنین ، و ذریعه ، و سبك‌شناسی ج ۳ ص ۱۹٦ ، و ریحانةالادب آمده است .

[۲۷۳]

۱۱۳۹ بخط نستعلیق زیبا . نویسنده محمد شریف متخلص ، « خیال » شیرازی است . آنرادرچهارشنبه بیستم ذیقعده سال (۱۰۹٤ق) بپایان رسانیده‌است ، آیه‌ها را با شنگرف وبخامهٔ نسخ و عنوانها با شنگرف و لاژورد نوشته است . روی آیه‌های پراکنده و حدیثها خط شنگرفی کشیده‌است، همهٔ رویه‌ها با زر و لاژورد و سیاهی جدولبندی شده است . برپشت برگ یکم مهر کتابخانهٔ شرافت که پیشترمالك آن بود دیده میشود . اندکی تصحیح شده، واافتادگیهادر کرانه‌ها دیده میشود . دو برگ پایان نسخه صحافی شده است .

٤٥٦ برگ نوشته + ۳ سفید درپایان و ۴ برگ درآغازنسخه است ، کاغذ نخدی رنگ ، جلد تیماج مشکی سوخت زرکوب درون تیماج حنائی ، اندازه : ۲۴ × ۳۴و۱۸/۷ × ۲۵ : ۳٦و۳۷سطر

---

(۱) این کتاب که نسخه‌اش نزد دکتر غنی سبزواری بوده است باید بر آنچه در ج ۱ ص ۱٥۹ آورده‌ام افزوده شود .

(۲) این کتاب دربریتش‌موزیوم هست ودرفهرست ریومعرفی گردیده است .

(۳) ذریعه ج ٤ ص ٤۰۰

(٤) درشرح مناقب نقشبندیان (کشف‌الظنون) .

(٥) ص ۱٥٥ همین جلد فهرست دیده شود .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

[۲٥۱] **خطبة‌البیان** (عربی)

ططنجیة و شرح آن

دربارهٔ‌این‌دو خطبه‌درص۱۰۸تا۱۱٦این‌مجلد گفتگو کردم، اینك‌یك‌نسخه از آن‌دراینجا معرفی می‌شود. دراین‌نسخهٔ‌خطبة‌البیان، حضرت امیر نام‌فرمانداران شهرها را در روزگار صاحب‌الزمان معین کرده‌است . و در دنبالهٔ نسخهٔ خطبهٔ ططنجیه، گزارش کوتاهی آمده است ودرآن‌روایتهائی از جابر وامام‌باقردارد .

[۲۷٤]

۱۰٦۷ بخط نسخ بد. نام نویسنده وتاریخ ندارد . دردفتری‌جا دارد که کتابچه‌هائی بنام : وفات‌الزهراء (گ ۱ ـ ۲۰) و مصائب‌المظلومین (گ ۲۱ ـ ٦۷) خطبة‌البیان (٦۷ـ۷۸) وخطبة‌ططنجیة (۷۸ـ۸٤) وشرح‌آن (۸٤ ۹۲) وچند کتابچهٔ دیگر را در بردارد . عنوانها با شنگرف .

همهٔ دفتر۱۱۳ برگ خطبة‌البیان ۱۱ برگ ططنجة ٦ برگ ، شرح‌آن ۸ برگ ، کاغذ فرنگی جلدنداشت توسط کتابخانهٔ دانشگاه جلدشد ، تیماج سیرمترالی، اندازه : ۱٥ × ۲۱و۱۱ × ۱٥: ۱۸سطر

[۲٥۲] **خواص‌القرآن** (عربی)

دراین کتابچه خاصیتهائی برای یك‌یك سوره‌های قرآن‌ازفاتحه ، بقره .. تا ناس یاد کرده ونگارش آنرا در آغاز بامام جعفرصادق نسبت داده‌است ولی آشکار است که نویسنده یکی از صوفیان سنی سدهٔ نهم یا هشتم است و افکار وی به شیعیگری نزدیك میباشد ، وعربی نیزدرست نمیدانست .

آغاز : الحمدلله‌رب‌العالمین ... امابعد هذه رسالة من‌خواص‌القرآن‌المجید هذامن‌قول‌الامام‌العالم‌الفاضل‌المتهدی‌سلیل ... الامام‌جعفرالصادق‌رضی‌الله‌عنه.. سورة فاتحة‌الکتاب .

انجام : ازنسخهٔ دانشگاه افتاده است ، و انجام این نسخه چنین میباشد : سورة‌الجاثیة ، من قرأها ثلاث مرات .

[٢٧٥]

٨٢٤

بخط نسخ . نام نویسنده وتاریخ ازپایان نسخه افتاده است ولی دردفتری جای دارد که همه بخامهٔ علی پسر محمد پسر حاجی مقیم است که در ٢٤ جمادی دوم ٩٠٢ ق آنرا بپایان رسانیده است (گ ٤١٩ ــ الف دیده شود) . و در برگهای (٤١٩-٤٢١) جای گرفته است .

همهٔ دفتر ۴۲۱ برگ ، این‌کتابچه ۲برگ ،کاغذ نخدی‌رنگ جلد تیماج قهوه‌یی فشرده مقوائی، اندازه ۱۳/۸×۲۱ و ۷/۵×۱۶ : ۱۷ سطر

[٢٥٣] دُرّهٔ منظومه (تجوید ــ فارسی)

منظومه‌ایست درتجوید قرآن بفارسی در ١٣٦ بیت شعر . اشعار آن سست وناپخته‌است. گویا آنرا یکی ازآخوندهای روزگار فتحعلی شاه‌سروده ونام‌شاه‌را دردیباچه‌آورده ، و تاریخ سرودن را از نام کتاب ، دره منظومه =١٢٥٠ ق ، در آورده‌است. اتفاقاً چنانکه میدانیم شاه درهمین سال در گذشت .

آغاز :

ای نام نامیت شده مفتاح هر کلام
وی از کلامت این همه عالم در انتظام

تا آنجا که :

درزمان فتحعلی شاه قجر ظل اله
حامی دین ماحی ظلم ورعیت را پناه :

گشت‌این‌موجز بنام‌نامیش‌زینت‌گزین
اعطه اللهم فی‌الدارین ما برجاه زین

درهٔ منظومه گفتا نام تاریخش خرد
چونکه‌مضمونش بوداز بهرقاریها سند

انجام :

یوم جمعه ثامن ذیحجه فی عین‌الضحی
کرد إتمامش رجای ملتمس را دردعا

به از عقدگهر درعلم تجوید
رجا را درهٔ منظومه باشد

تو گوئی نافهٔ آهوی چین‌است
که‌ازمشك ختن‌مختومه‌باشد

[٢٧٦]

٧٧٣

بخط نسخ پرغلط . دردفتری جا دارد وبر گهای (٩٦-١٠٢) آنرا گرفته . تاریخ ندارد ولی تاریخ کتابچهٔ پیش‌ازآن دراین دفتر (١٢٣٥ ق) است ، وبنابراین درهمان تاریخ که‌سروده‌شده یعنی درپیرامن (١٢٥٠ ق) نوشته شده و در آن‌دفتر جلد شده‌است . رُوی عنوانها خط شنگرفی کشیده‌است .

همهٔ دفتر۱۷۴ برگ ، این‌کتابچه ۱۰برگ ،کاغذ فرنگی سفید جلدتیماج مشکی‌مقوائی فشرده وفرسوده اندازه ۲۰×۱۵/۳ و ۱۵/۳×۷ : ۱۷ سطر

[٢٥٤] ذکر و دعاء (فارسی)

نگارنده : محمدپسر عبدالنبی پسر نعمة‌الله‌بحرینی‌صاحب وسیلةالنجاةاست که در ج ۳ ص ٦٨٩ یاد شده‌است . وی دردیباچهٔ این کتاب گوید‌پس‌ازنگارش وسیله، دراندیشه‌شد که کتابچه‌یی دردومطلب ذکر ودعا و شرایط و آداب آنها بنگارد . پس این کتاب را ساخت . تاریخ نگارش وسیلةالنجاة درپایان کتاب پنجشنبه ٢٩ شعبان ١٢٩٥ ق یاد شده‌است (گ ٢٣ نسخهٔ دانشگاه) . این کتاب درپیرامن (٢٢٠٠ بیت نوشته) دارد .

آغاز : الحمدلله رب‌العالمین . . . امابعدچنین گوید بنده خاطی ... مطلب اول دوذکراست ودرآن چند فصل است . . .

انجام: ومسلمین‌همگی‌بگذشتندبرطوائفی که‌غیرایشانندوالحمدلله‌التی ــ

[٢٧٧]

٦٢٢

دردفتری جادارد که وسیلةالنجاةازهمین نگارنده دربرگهای (٢٣١ تا٢٤٩) آن‌جای گرفته‌است. خط نسخ نویسنده‌ملاحسین‌معلم‌ماهانی. درتاریخ١٢٩٦ق پایان یافته است . همه رویه‌ها با شنگرف و لاژورد جدولبندی شده است .

همهٔ دفتر ۳۴۹ برگ ، این‌کتابچه ۱۸ برگ ،کاغذ فرنگی سفید آهار مهره ، جلد تیماج سرخ مقوائی زرکوب . اندازه : ۲۱×۳۴ و ۱۲/۵×۲۴ : ۲۴ سطر .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۲۵۵] الزیارة (عربی)

(رسالة فی ...)

کتابچه‌ییست درزیارت قبر امام هشتم ودیگر امامان درسه فصل :

۱– ثواب زیارت امام رضا .

۲– آداب پیش‌اززیارت او .

۳– شرح زیارت او .

وسپس چند فصل درزیارت جامعه وزیارت امامان دیگر(دسته جمعی) .

نگارنده نام خویش‌در دیباچه نیاورده و گویاخودنویسندهٔ نسخه‌باشد ، که محمد پسرعبدالحسین‌پسرحسن‌نجفی حسینی‌است، که‌در(۱۰۲۵ق) بزاده ودر(۱۰۵۶ق) این کتابچه را درمیان جنگی بخط خود (گ ۸۲ تا ۱۰۷) نوشته است .

آغاز : الحمدلله رب‌العالمین وصلی‌الله . . . وبعد فهذه رسالة فی زیارة الرضا علیه‌السلام بطوس وفیها ثلاثة فصول . . .

انجام : ولاتذرنی فرداً وانت خیرالوارثین . .

این کتابچه درپیرامن (۵۰۰ بیت نوشته) دربردارد .

[۲۷۸]

خط نسخ دردفتری جا دارد و (گ ۸۲ تا ۱۰۷) آنرا گرفته است . نویسنده خود نگارنده است . او همهٔ دفتررا در ۱۰۵۶ ق نوشته است . خصوصیات این دفتر دردنبالهٔ کتابچهٔ (مائة کلمه) که‌برگهای (۳۸–۴۰) این‌دفتررا گرفته‌در(حرف م) یاد خواهد شد .

همهٔ دفتر ۱۳۲ برگ ، این کتابچه ۲۵ برگ است

[۲۵۶] شرح دیوان متنبی (عربی)

یا « التبیان فی شرح‌الدیوان »

یکی ازبزرگترین شاعران عرب درسدهٔ چهارم متنبی‌میباشد . درآن‌روزگار اندك اندك زبان گفتگوی عربی از زبان ادبی و علمی جدا میشد ، درهریك

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

از کشورهای تابع بغدادلهجه‌یی‌محلی‌پرورش‌مییافت که زبان‌بازاری و گفتگوئی آنها بود ، وزبان قرآن بصورت یك زبان رسمی رابط میان این ملتها درمیآمد درمصرزبانی که عربان گفتگومیکردند عربی آمیخته با بربری و قبطی و دیگر زبانهای آفریقائی‌بود، درسوریه‌عربی آمیخته‌با کردی، ودرعراق آمیخته باپهلوی میگردید، وچون‌متنبی روزگاری درباختر ومدتی درخاور میزیست بلهجه‌های گوناگون آشنا بود وازاین روی دیوان او پرازواژه‌هائیست که همه باآن آشنا نبودند ونیازمند شرح بود وچندین‌بار شرح گردید .

متنبی کیست ؟

ابوالطیب احمد متنبی ، نام پدرش حسین یا عیدان ، نام جدش را حسن پسر عبدالصمد یا پسر مره آورده‌اند ، و او را به جعفی و کندی نسبت کرده‌اند ، وهیچکس نام مادرش را یادنکرده‌است . برخی گویند او ازپدر ومادر ناشناسی بوده و درسر راهی در ناحیهٔ « کنده» درشهر کوفه بسال (۳۰۳ ق) یافت شد ، ودرمیان کارگران‌بافنده وجولاهان وخانواده سقائی بزرگ شد . وروح انقلابی درشعر روزگارجوانی اوازهمین زندگانیش سرچشمه میگیرد . وچون بزرگ شد بمجالس‌اشراف کوفه راه یافت آنها این‌بچه سقارا برای استفاده ازشیرین‌زبانی ونبوغ‌شعری که‌از کودکی‌می‌داشت به‌نزدخودمیبردند، متنبی درآنجاباداتشمندان آشنا شد ، و بگفتهٔ « خزانة‌الادب » فیلسوفی بنام ابوالفضل او راگمراه کرد . پس‌ازاین متنبی را مردی قرمطی واسماعیلی وباطنی وملحد خواندند ، این بچه سقای بی‌پدرمادر باافکارانقلابی دهقانان آشناشد، حس نیکخواهی وبشردوستی او را بمیان دهقانان فرات جنوبی و طائفهٔ بنی کلب دربادیه سماوه (۱) کشانید ودریك‌جنبش‌دهقانی‌شرکت کرد ، ولی گرفتارشد وبزندان افتاد وپس‌ازآزادی توانست درعراق بماند و بسوریه به نزد سیف‌الدولهٔ حمدانی رفت و به ستایش او پرداخت ، ودراینجا نیز درسال ۳۲۰ درجنبش دهقانان اطراف لاذقیه شرکت

(۱) ابن‌خلکان درترجمهٔ متنبی ودیگران .

کرد (۱) ولی در اینجا ادعای پیغمبری (۲) نمود و قرآنی در برابر قرآن مسلمانان ساخت (۳) ولی این بار نیز از لشکر امیر لؤلؤ فرماندار حمص شکست خورد و بزندان افتاد و روح انقلابی خود را از دست بداد و توبه نامه نوشت و آزاد شد و ازین پس همهٔ نیرو و نبوغ خویش را در خدمت اشراف و دربارها نهاد سپس در (۳٤٦ ق) از سوریه بمصر شد و کافور اخشیدی پادشاه مصر را ستایشها سرود و تا (۳۵۰ ق) در آنجا بزیست در این وقت با کافور نیز بهم زد و بکوفه گریخت و تا (۳۵۳ ق) در میهن خود بود پس به بغداد شد ، و در این وقت این بچه سقا آنقدر مغرور و متکبر شده بود که بستایش جز پادشاهان تن در نمیداد ، ووزیرانی مانند ابن عمید و مهلبی و صاحب عباد آرزو میداشتند متنبی چکامه‌یی در ستایش آنان بسراید و او باین کار تن در نمیداد ، صاحب عباد در کتابچه‌یی که در انتقاد از متنبی نگاشته گوید وی در این دوره نیز از قوانین مذهبی با سبکی یاد میکند و فلسفه را می‌ستاید . باری متنبی از بغداد بشیراز بدربار عضدالدوله رفت و بستایشگری او پرداخت و چون در شیراز تا آنجا که میتوانست از عضدالدوله صلتها دریافت بسوی بغداد شد . و در نزدیك دیرالعاقول مردی بنام فاتك از بنی اسد که متنبی خاندانش را هجو سروده بود، با چند تن کمین کرده، وراه براو گرفت، ومتنبی و فرزندش محسد و غلامش را بکشت . گویند درمنزل پیش بدو گفتند: صعالیك بنی اسد قصد جان تو دارند، ولی چون برای فرستادن نگهبان پنجاه درم می‌خواستند

(۱) شیخ یوسف بدیعی (م ۱۰۷۳ ق) در «الصبح المنبی» ودیگران .

(۲) جنبشهای دهقانی درخاورمیانه همیشه بنام مذهب برپا میگردید مانند جنبش مزدك درسدهٔ پیش از هجرت و جنبش زنگیان درسدهٔ سوم هجری و قرمطیان و . . . قاضی نورالله درمجالس المؤمنین ظاهری بودن این دعوی پیغمبری را دریافته ولی چون از ستم ملی و ستم اقتصادی آگاهی نداشته ، جنبش متنبی را فقط دربرابر ستمهای مذهبی دانسته و ازدعوی (پیغمبری) او پوزش خواسته گوید او برای شورانیدن مردم بردستگاه ستمگر عباسی ناگزیر گردید باین روش دست یازد .

(۳) از قرآن او آیتهائی بجامانده است، مانند: والنجم السیار والفلك الدوار واللیل والنهار، ان الکافر لفی اخطار . . .

او خست کرد و به تنهائی روان گشت و جان خویش فدای پنجاه درم کرد . و این در ۲۸ رمضان ۳۵٤ ق بود ، وچه بسا کشتن صعالیك بنی اسد اورا، نه برای هجو آنها بلکه برای برگشتن متنبی از راه وروش دیرین خویش بوده است .

دیوان متنبی :

چلبی در کشف الظنون شمارهٔ بیتهای دیوان متنبی را چنین برشمرد : شامیات (۲۳۵۲) سیفیات (۱۵٤۰) کافوریات (۵۲۸) فاتکیات (۳۵۷) شیرازیات (۳۹٦) همهٔ آنها (۵۱۷۳ بیت) .

چنانکه گفتم مسافرتهای متنبی درشعر وی تأثیر کرد وواژه‌های غیرعربی داخل آنها کرد، و ازاین روی نیازمند گزارش گردید، وشرحهای بسیار بر آن نگاشته شد .

ابن خلکان گوید از برخی استادان شنیدم که دیوان متنبی چهل بار شرح شد . صاحب «الصبح المنبی» آنرا چهل و دو شرح دانسته .

کسانی که در بارهٔ این دیوان کار کرده‌اند : شرح نگاران :

ـ ابن جنی م ۳۹۲ ق ، ابوالفتح ، نخستین بار دو شرح براین دیوان نگاشت ، متنبی دربارهٔ وی گفت : او بهتر از خودم شعرمرا میشناسد .

ـ ابوالعلاء معری م ٤٤۹ ق ، «معجز احمد» درشرح آن دیوان نگاشت .

ـ واحدی ، ابوالحسن علی پسر احمد (م ٤٦۸ ق) .

ـ ابوزکریا خطیب تبریزی (م ۵۰۲) «الموضح» را درشرح آن نگاشت .

ـ عبدالقاهر جرجانی .

ـ ابومنصور محمد سمعانی جد صاحب انساب سمعانی .

ـ عبدالرحمان انباری صاحب نزهة الالباء .

ـ ابوالبقاء عکبری (جای گفتگو)

ـ دلفی ، محمد پسر عبدالله (م ٤٦۰) نیز شرحی در ده جلد نگاشت .

ـ ابوبکر خوارزمی ، محمد پسر عباس .

ـ ابوموسی ، عیسی پسر عبدالعزیز جزولی (م ٦۰۷ ق) شرح ابن جنی را کوتاه کرد .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

– ابن‌فورجه نحوی ، محمدپسر احمد که تا (۴۳۷ق) زنده بود شرح ابن‌جنی را پاسخ نگاشت و « التجنی علی ابن جنی » نامید .

– ابن‌المستوفی ، ابوالبرکات مبارك پسر احمد اربلی (م ۶۳۷ ق) شرحی درده جلد بنام « النظام » نگاشت .

– اقلیلی نحوی ، ابراهیم پسرمحمد (م ۴۴۱ ق) .

– ابومظفرهروی ، محمد پسر آدم (م ۴۱۴ ق) .

– ابوعبدالله محمد پسرعلی خوارزمی (م ۴۲۵ ق) .

– سعد پسرمحمد ازدی وحید (م ۳۸۵ ق) .

– ابوعبدالله سلمان پسرعبدالله حلوانی (م ۴۹۴ ق) .

– عبدالله پسراحمد شامانی (م ۴۷۵ ق) .

– ابن سید بطلیوسی ، عبدالله پسرمحمد (م ۵۲۱ ق) .

– عبدالقاهر پسر عبدالله حلبی معروف به واوا (م ۶۱۳ ق) .

– ابن‌العتایقی ، عبدالرحمان (م پس‌از ۷۸۸ ق) شرح وی در (۷۸۱ ق) نگاشته شد .

کسان دیگر که کاری انجام داده‌اند :

– حاتمی ، ابوعلی محمد پسر حسن کاتب م ۳۸۸ ق کتابی بنام « موضحه » در نکوهش متنبی و دزدیهای شعری او ، و کتابی بنام « حاتمیه » در ستایش او دارد .

– صاحب عباد . نیز کتابی درنکوهش ازمتنبی دارد که چاپ شد .

– حسن پسرمحمد پسر وکیع « المنصف » دردزدیهای شعری او نگاشت .

– قاضی عبدالعزیزجرجانی : « الوساطة بین‌المتنبی وخصومه » .

– ابن‌جنی : « معانی ابیات‌المتنبی » .

– ربعی‌علی پسرعیسی : « التنبیه » .

– ابن‌حسون مصری : « نزهة‌الادیب فی سرقات‌المتنبی من حبیب » .

– ابن‌دهان : « المآخذ‌الکندیة من‌المعانی‌الطائیة » .

– ابن‌اثیرجزری : دنبالهٔ کار ابن‌الدهان .

– احمد پسر احمد مغربی : « رذائل‌المتنبی » .

– زید پسر حسن کندی (م ۶۱۳ ق) حاشیه‌ئی برشرح عبدالقاهر حلبی نگاشت .

– ابن‌سیده ، ابوالحسن علی پسر اسماعیل نحوی (م ۴۲۸ ق) شعرهای دشوار آنرا گزارش داد .

چاپ دیوان وشرحهایش :

– کلکته ۱۳۲۰ ق ، بکوشش احمد پسرمحمد یمنی شروانی ۱۰۲ ص .

– هوگلی ۱۸۴۰ م با تصحیح عبدالله وغلام سبحان خان ۳۹۰ ص .

– کلکته ۱۸۶۱م باگزارشهائی بفارسی ۶۶۴ ص .

– کلکته ۱۲۶۱ ق شرح عکبری در ۸۵۶ص بکوشش بارعلی بادرناوی .

– بولاق ۱۲۸۷ ق شرح‌عکبری (۲جلد در ۵۲۳ + ۵۲۲ ص) باگزارش زندگی ناظم وشارح .

– بمبئی ۱۲۷۱ ق شرح واحدی چ سنگی ۳۵۸ص بکوشش عبدالحسین حسام‌الدین .

– برلین ۶۱-۱۸۵۸م شرح واحدی باپیش گفتارلاتینی وفهرستها بکوشش فردریك دیتریشی (۱) .

– بمبئی ۱۲۸۹ ق (دیوان با حاشیه چ سنگی ۲۹۶ ص) بکوشش مولوی جلال‌الدین .

– بمبئی ۱۳۱۰ مکرر چ مولوی جلال‌الدین در ۲۵۴ ص .

– بیروت ۱۸۶۰ م دیوان بتصحیح و حاشیهٔ بطرس بستانی در ۳۸۲ ص .

– مکررهمان چاپ بسال ۱۸۶۷ م در ۳۸۲ ص .

– مکررهمان چاپ بسال ۱۸۸۲ م و ۱۸۸۷ م .

(۱) F. Diet rici

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

ـ بیروت ۱۹۰۰ م دیوان با حاشیهٔ سلیم ابراهیم در ۵۰۰ ص.

مصر ۱۲۸۳ ق دیوان با حاشیه و تصحیح عمر رافعی چ سنگی ۲۹۲ ص.

ـ ۱۸۸۲ م (العرف الطیب فی شرح دیوان ابی الطیب) از یازجی ابراهیم در ۷۱۳ ص.

ـ چ ابوزید مهمش در ۱۳۰۲ ق دیوان باشرح عکبری وواحدی در ۲۵۶ ص.

ـ مصر ۱۳۱۵ ق دیوان چ حروف.

جای گفتگو شرحی است که عکبری براین دیوان نگاشت. وی عبدالله، ابوالبقاء، پسر حسین است پدرانش از عکبرا (دیهی در شمال بغداد) بوده، و خودش در بغداد در (۵۳۸ ق) بزاد و بزرگ شد و در حساب و نحو و فقه استاد گردید، و در پایان عمر سر آمد دانشمندان بغداد بود. و بگفتهٔ ابن خلکان در یکشنبهٔ هشتم ربیع دوم ۶۱۱ ق (۱) در بغداد در گذشت.

آثار او: ابن خلکان کتابهای زیر بدو نسبت میدهد.

ـ شرح ایضاح ابوعلی فارسی. ـ شرح لمع ابن جنی.
ـ شرح دیوان متنبی (جای گفتگو). ـ اللباب فی علل النحو.
ـ اعراب القرآن. ـ شرح مفصل زمخشری.
ـ اعراب الحدیث. ـ شرح خطب نباتیه.
ـ اعراب شعر حماسة. ـ شرح مقامات حریری.
ـ کتابی در حساب.

روش وی در این شرح چنانست که یك شعر را میآورد و زیر عنوانهای (المعنی) و (الغریب) آنرا گزارش میدهد. این شرح در دو جلد است.

آغاز جلد یکم: الحمدلله العظیم الجزیل احسانه الواضح .... اما بعد فانی لما انفقت الدیوان الذی ....

آغاز جلد دوم: حرف الکاف: وقال وقد اجمل سیف الدولة ذکره:

(۱) در کشف الظنون ۶۱۶ ق آمده است.

رب نجیع بسیف الدولة انسفکا — و رب قافیة غاظت به ملکا

(الغریب): النجیع الدم، وسفکه صبه ...

انجام جلد دوم: وقد صرح فی جمیع ذلك بما کان اخفاه فی مدحه من قوله فی غیر هذه.

وما طربی لما رأیتك بدعة — لقد کنت ارجو ان اراك فاطرب

[۲۷۱]

۹۳۷ این نسخه فقط جلد دوم شرح عکبری است[؟]. آغاز نسخه افتاده است. آغاز آنچه هست: «الغریب الثاکل المرئة التی تفقدولدها یقال...» واین برابر است با سطر ۵ ص ۳۳ جلد دوم چاپ بولاق ۱۲۸۷ ق.

نویسنده ابوالقاسم مشهدی پسر محمد ازغدی. در ذیحجه ۱۲۴۹ ق پایان یافته است متن دیوان را با نسخ درشت و روی آن خط شنگرفی کشیده. عنوانها با شنگرف نوشته شده.

نسخه در برك ۲۱۷ پایان یافته و در ۵ برك پس از آن تخمیس لامیة العجم طغرائی در (۳۵۰ بیت) نوشته شده است

آغاز تخمیس:

قصر رویدك عن لومی وعن عذلی — فلست اصغی لقول غیر ممتثل
ولی مراد و مطلوب ولی امل — اصالة الرآی صانتنی عن الخطل
وحلیة الفضل زانتنی لدی العطل

در گ ۲۲۱ ب تملك و مهر المتوکل علی الله عبدالفتاح الطباطبائی در شوال ۱۲۵۸ ق دیده میشود.

۲۲۱ برك + ۴ برك سفید در آغاز و ۲ برك در پایان نسخه کاغذ فرنگی آهار مهره. جلد تیماج مشکی مقوائی. اندازه: ۲۱×۳۰/۵ و ۱۵×۲۲: ۲۵ سطر.

[۲۴۸] شرح شافیة ابی فراس (عربی)

فی مناقب آل الرسول و مثالب بنی العباس

شافیه نام چکامه ئیست بقافیهٔ میم از ابوفراس حمدانی (ز ۳۲۰ م ۳۵۷) او حارث پسر سعید پسر حمدان پسر حمدون ملقب بملك الشعراء است که پسر عموی

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

سیف‌الدوله‌و ناصر الدوله پسران حمدان میباشد . دیوان او که حسین پسر خالویه گرد آورده در ۱۸۷۳م در بیروت چاپ شده‌است. یکی از چکامه‌های او «این شافیه» است که شرح آن جای گفتگوی ماست.

در سدهٔ چهارم از خلافت عباس جز نام و تشریفات چیزی بر جا نبود و خلیفه جز امامت نماز جماعت کاری، و جز بودن خطبه و سکه بنام وی، حقی نداشت. بر خاور کشور آل سامان و بر باختر آن آل حمدان و اخشیدیان مصر و بر مرکز کشور آل بویه فرمانروائی میکردند ، و هیچیك از این امیران میانهٔ خوشی با دربار بغداد و خلیفه نداشتند ، و از اینجا است که می‌بینیم دربار آل حمدان بشیعیگری میگرایند و یکی از سران ایشان مانند ابوفراس چنین چکامه‌یی در برتری آل علی بر آل عباس میسراید.

برخی گویند ابوفراس این چکامه را در برابر چکامهٔ بائی ابن معتز (۱) خلیفهٔ عباسی (ز ۲٤٦ م ۲۹٦ ق) سروده‌است، و برخی بر آنند که وی آنرا در برابر چکامهٔ عینی ابن سکرد (۲) عباسی (م ۳۸٥ ق).

نگارندهٔ شرح این چکامه محمد پسر حسین معروف با بن امیرالحاج که صاحب ذریعه در (ج ۱ ص ٤٤) نژاد وی را بامام سجاد رسانیده و از تاریخ نگارشهای وی پیدا است که در نیمهٔ دوم سدهٔ دوازدهم میزیست .

آثار او:

- الآیات الباهرات در معجزات امامان (ن – ۱۱٦۸ ق) که آنرا باستاد خویش سید نصرالله حائری پیش کش ساخت .

- نور الباری در تاریخ (ن – ۱۱۷۷ ق) .

---

(۱) دیوان ابن المعتز را بروایت صولی محمد پسر یحیی در دو بخش در ۱۸۹۱ م بمصر و در ۱۳۳۱ ق در بیروت چاپ شده است یکی از بیتهای این چکامهٔ بائی که در برتری آل عباس بر آل علی میباشد چنین است :

لکم رحم یا بنی بنته — ولکن بنو العم اولی بها

این چکامه را صفی الدین بن سرایا حلی نیز پاسخ گفته است .

(۲) ابوالحسن محمد پسر عبدالله پسر محمد هاشمی بغدادی از نوادگان مهدی عباسی است و چکامهٔ وی چنین آغاز شده است :

بنی علی دعوا مقالتکم — لا ینقص الدر وضع من وضعه

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

- ارجوزه در تاریخ امامان .

- شرح شافیه (جای گفتگو) .

وی در این شرح سخن بدرازا کشیده است . پدرم گوید وی این کتابرا در (۱۱۷٤ ق) نگاشت (۱) و در (۱۱۸۳ ق) بپایان رسانید (۲) .

آغاز چکامهٔ شافیه :

الحق مهتضم والدین مخترم — وفیئی آل رسول الله مقتسم

این شرح در ایران بچاپ سنگ بی تاریخ چاپ شده است .

[۲۷۲]

۱٤۱ بخط نسخ زیبا، نویسنده احمد پسر اسماعیل حسینی . در تاریخ رجب ۱۲۸٦ ق پایان یافته است . آغاز نسخه افتاده‌است . آغاز آنچه هست : «شعر عبدالله بن المعتز العباسی وعند ناقدی الشعر ان ابافراس کان اشعر منه ...» عنوانها با شنگرف است . همه رویه‌ها با لاژورد و شنگرف جدولبندی شده است .

[۲۰۴ برگ] کاغذ اصفهانی نخدی ، جلد تیماج سرخ زرکوب فشرده درون ابری

اندازه : ۱٥×۲۲ و ۹/٥×۱٦ : ۱۹ سطر

[۲٤۹] شرح قصیدهٔ برده (عربی)

چکامهٔ برده که « الکواکب الدریة فی مدح خیرالبریة » از چکامه های معروف است که در ستایش پیغمبر است و مردم آنرا برای تبرك و شفا از بیماریها و پیشاپیش جنازه‌ها میخواندند . سرایندهٔ آن شرف الدین ابوعبدالله محمد پسر سعید دولاصی بوصیری است که در ٦۰۸ ق بزاده و در (٦۹٤ ق) در گذشته‌است ، این چکامه مانند یك دعا مقدس بشمار میرفت و بسیار کسان دربارهٔ آن کار کرده‌اند ، چلبی از سهرانی نقل کند که سی و پنج تخمیس و یك تسبیع آنرا دیده‌است ، و صاحب ذریعه نیز یك تسبیع آنرا دیده است (ذریعه ٤ : ۱۷٤) .

اینك کسانی که دربارهٔ آن کاری انجام داده‌اند :

---

(۱) ذریعه ج ۱ ص ٤٦٦

(۲) ذریعه ج ۸ ص ۱۳٥

ـ عبدالرحمان (ابوشامه) پسر اسماعیل قدسی شافعی نحوی، تاریخ‌نگار سدهٔ هفتم (م ـ ٦٦٥ ق) آنرا گزارش داده. آغاز: سبحان من اخفی سبحات وجهه بحجاب عجائب‌الانوار..

ـ یکی از مردم مدینه درماه محرم ۷۵۰ ق برده را برعفیف‌الدین عبدالله سعدی مطرزی‌خوانده، وبدستوراو برآن‌شرح‌نگاشته. چلبی از گفتهٔ کاشفی در «تحفة‌الصلوات» شرحی ازامام مدنی نام برده که گویا همین باشد.

ـ ابن‌هشام‌نحوی، جمال‌الدین عبدالله پسر یوسف (م ـ ۷٦۱ق) آنرا گزارش داده.

ـ یوسف پسرموسی جذامی (م ـ ۷٦۷ق) آنرا شرح کرده.

ـ ابن‌صایغ؛ شمس‌الدین ابوعبدالله محمد پسر عبدالرحمان زمردی (م ـ ۷۷٦ق). آنرا گزارشی نگاشته که آغازش چنین است: اما بعد حمدالله‌الذی من حمده مدح انبیائه ...

ـ تلمسانی؛ ابوعبدالله محمدپسراحمد پسر مرزوق (م ـ ۷۸۱ق)، گزارشی بزرگ برآن نگاشته و «استیعاب» نامش داده، وی شرح دیگر نیز برآن نگاشته و آنرا «اظهارصدق‌المودة فی‌شرح قصیدة‌البردة» نام‌داده، که آغازش چنین است: الحمدلله الذی خلع علی حبیبه محمد بردة عنایته‌السابقة‌الکبری...

ـ جلال پسر قوام پسرحکیم. (جای گفتگو)

ـ بدرالدین زرکشی محمد پسر بهادر (م ـ ۷۹٤ق) گزارشی برآن نگاشته است.

ـ فخرالدین احمد پسرابوبکر پسرمحمد شیرازی (بامرعشی) نخست گزارشی برای واژه‌های دشوارآن‌نگاشت که درماه محرم۷۹۷ پایان یافت وسپس‌در۸۰۹ق گزارشی برآن‌نگاشت‌بنام «نزهة‌الطالبین‌وتحفة‌الراغبین» که چنین آغازمیشود: الحمدلله نحمده ونستعینه‌ونؤمن به‌ونتوکل علیه ... وآن‌دارای پنج قاعده‌است ودرآن گوید: چکامه‌را ازاستادم فیروزآبادی صاحب قاموس روایت میکنم..

ـ جلال‌الدین خجندی (ز ـ ۷۱۹ق) ساکن شهرمکه (م ـ ۸۰۳ق) گزارش کوتاهی برآن نگاشته وبرخی ازشاگردانش آنرا گردآوری کرده و «طب‌الحبیب» نامید. آغاز: الحمدلله‌الذی اکرمنا بدین‌الاسلام...

ـ ابن‌حبیب حلبی؛ زین‌الدین ابومعز (یا ابومظفر) طاهر پسر حسن (م ـ ۸۰۸ق). گزارشی بنام «وشی‌البردة» برآن نگاشته وخود چکامه را پنج‌پاره سروده وتخمیس کرده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ـ ابن‌عماد اقفهسی؛ احمد پسرعبدالباقی (م ـ ۸۰۸) آنرا شرح کرده است.

ـ شرف‌الدین علی یزدی (م ـ ۸۵۸ یا ۸۲۸) گزارشی برآن نگاشته.

ـ نجم‌الدین پسرعبدالقادرواسطی شامی (م ـ ۸۳۸) آنراشرح کرده.

ـ کمال‌الدین حسین خوارزمی (م ـ ۸٤۰) که درص۱٤٦ یاد او گذشت، گزارشی برآن نگاشته.

ـ ابن‌مرزق تلمسانی محمد پسر احمد پسر محمد معروف به حفیدابن مرزوق (م ۸٤۲) نیز شرحی دارد.

ـ ابن‌قباقبی؛ شمس‌الدین محمد پسرخلیل مقری حلبی (م ـ ۸٤۹) آنراپنج پاره (تخمیس) سروده است.

ـ مسعود پسر محمود پسر یحیی‌حسینی، چلبی شرح فخرالدین احمد را دریکجا بوی‌نسبت داده‌گوید نسخه‌ئی بتاریخ (۸٦۵ق) ازآن کتاب بنام این مرد دیدم.

ـ جلال‌الدین محمد پسر احمد محلی شافعی (م ـ ۸٦٤ ق) آنرا گزارش داده.

ـ مصنفك؛ علی پسر محمد بسطامی شاهرودی (م ـ ۸۷۵ ق) درقصبهٔ بسطام شرحی برآن نگاشته ودر (۱۸ ـ رمضان ـ ۸۳٦) به پایانش رسانیده. آغاز: الحمدلله‌الذی جعل مقادیر العلماء...

ـ نجم‌الدین محمد پسراحمد پسر عبدالله قلقشندی شافعی (م ـ ۸۷٦) آنرا پنج پاره (تخمیس) سروده است.

ـ مهدی پسر احمد فاسی (م ـ ۸۷۹) آنرا گزارش داده است.

ـ شرحی که بسال (۸۸۲ ق) پایان یافته. آغاز: حامداً لله‌العلی‌العظیم...

ـ محمد تبادکانی، ابن‌صافی (م ـ ۹۰۰) آنرا پنج پاره (تخمیس) سروده است.

ـ زین‌الدین خالد پسر عبدالله ازهری (م ـ ۹۰۵) در (۹۰۳ ق) گزارشی بزرگ‌نگاشته وآنرا «الزبدة فی شرح‌البردة» نامیده. آغاز: امابعد حمدالله مستحق التحمید ... وسپس آنرا کوتاه کرده است.

ـ شرحی فارسی‌آمیخته با متن، در (۹۲۰ ق) پایان یافته.
آغاز: بدانکه ناظم این قصیده...

ـ شهاب‌الدین احمد پسر محمد قسطلانی (م ـ ۹۲۳) شرح کننده کتاب بخاری آنرا گزارش داده و «مشارق‌الانوارالمضیئة» نامیده. آغاز: الحمدلله‌الذی شرح بمدح نبینا محمد (ص) قلوب اولیائه...

ـ قاضی زکریا پسر محمد انصاری (۹۲٦) شرحی آمیخته با متن نگاشته و«الزبدة‌الرائقة» نامیده‌ودرماه‌صفر ۹۲۳پایانش‌داده. آغاز: الحمدلله‌الملك‌الوهاب...

ـ صاری فناری؛ عبیدالله محمد پسر یعقوب، قاضی حلب (م-۹۳۶ق) گزارشی بر آن نگاشته، صاحب شقایق نعمانیه آنرا بهترین گزارشهای برده شمرده است. و گویا همین کتابست که چلبی دوباره آنرا یاد کرده و «اغاثة اللهفان» نامیده است.

ـ عصام الدین اسفرآئینی؛ ابراهیم پسر عربشاه (م-۹۴۴ق) گزارشی بفارسی نگاشته است.

ـ خیرالدین خضر پسر عمر عطوفی (م - ۹۴۸ق) آنرا شرح کرده.

ـ شیخزاده؛ محیی الدین محمد پسر مصطفی (م-۹۵۱ق). آنرا گزارش نگاشته آغاز: الحمدلله المحتجب عن درك العیون ...

ـ سلیمان پسر علی قرامانی (م ۹۲۴ یا ۹۷۴ق) آنرا پنج پاره سرود، و چکامه‌ئی مانند آن ساخت.

ـ بدرالدین محمد پسر محمد غزی (م - ۹۸۴ ق) آنرا گزارش داده و «الزبدة» نامیده است.

ـ شمس الدین ابوعبدالله محمد پسر حسن قدسی برمونی، در قسطنطنیه در زاویهٔ بایزیدی در (۹۹۰ق) آنرا شرح کرده و «النبذة فی طی العدة لنشر معانی البردة» نامیده است. آغاز: الحمدلله الذی اظهر من مکنون سره ...

ـ ابن بدرالدین منشی محمد رومی آق حصاری حنفی، شیخ حرم مدینه (م - ۱۰۰۱ق) آنرا بسال (۹۵۸ق) گزارش داد و «طراز البردة» نامید.
آغاز: افصح ما افصح عنه بلابل البلاغة ..

ـ احمد بلالی پسر مصطفی بیك گزارشی بتازی نگاشت، وسپس شرحی بتر کی بسال (۱۰۰۱ق) نگاشت. آغاز گزارش تر کی: الحمد لمن جعل النظم لحسن الکلام ...

ـ رضی الدین یوسف پسر ابولطیف قدسی شافعی (م-۱۰۰۶ق) گزارشی دراز نگاشته. آغاز: الحمدلله الذی ارسل محمدا رحمة ...

ـ اسعد پسر سعدالدین مفتی از خاندان حسن جان (م-۱۰۳۴ق) گزارش نگاشته.

ـ کجوك محمودزاده؛ عبدالله پسر محمود (م-۱۰۴۲) گزارش نگاشته.

ـ محمد پسر ملا ابوبکر پسر محمد پسر سلیمان کرد سهرانی حنفی در (رمضان - ۱۰۴۸) درجامع از هر گزارشی بر آن نگاشت و آنرا «درة مضیئة» نامید.

ـ حسن پسر محمد پسر حسن حنفی نخعی، گزارشی نگاشته و از نسخهٔ آن (نوشتهٔ ۱۰۷۶) در کشف الظنون یاد شده است.

ـ محمد پسر فیض پسر احمد پاشا رومی از سیاستمداران دولت عثمانی (م - ۱۲۳۱ ق) آنرا بتر کی گزارش نموده.

ـ محمد راتف پسر محمد بسیم پسر ملاجق زاده اسحاق رومی (م-۱۲۴۰ق) آنرا پنج پاره (تخمیس) سروده است.

ـ عمر پسر احمد پسر محمد سعید خربوتی (م - ۱۲۹۹ ق) آنرا شرحی نگاشته و «العصیدة الشهدة» نامیده است.

ـ حسن عدوی حمزاوی مصری (م-۱۳۰۳ق) آنرا شرح کرده «النفحات الشاذلیة» نامیده است.

ـ قاضی بحر پسر رئیس هارونی مالکی، آنرا شرحی بنام «ارتشاف الشهدة» نگاشت. آغاز: الحمدلله کاشف الکروب والآلام.

ـ حسام الدین حسن عباسی. گزارشی بر آن نگاشته.

ـ مصطفی پسر بالی. شرحی بر آن دارد.

ـ ملامعروف قاضی مصر شرحی کوتاه بتر کی نگاشته.

ـ قصار؛ ابوالعباس احمد أزدی، گزارشی بر آن نگاشته است.

ـ حسن پسر حسین تالشی. گزارشی دارد. آغاز: الحمدلله المحمود الذی خلق نور محمد ... آنرا در قاهره برای علی پاشا نگاشته است.

ـ ناصرالدین پسر عبدالصمد، معید (دانشیار) مدرسهٔ مالکی در فیوم، آنرا پنج پاره سروده است.

ـ شعبان پسر محمد قرشی. آنرا پنج پاره سروده. آغاز:

یا قلب قد فاش دمع العین کالدیم

ـ یحیی پسر منصور پسر یحیی حسنی، آنرا شرح کرده و «نتایج الافکار» نامیده. آغاز: احمدالله ذاالعظمة والسلطان...

ـ یحیی پسر عبدالله دفتری مصری، درزمان سلطان احمدخان عثمانی شرحی بترکی نگاشته ودرآن این چکامه را باپنج پاره‌ئی بترکی ودیگر بتازی آورده.

ـ جمال‌الدین محمد بسروفاء، آنرا هفت پاره (تسبیع) سروده‌است. آغاز:

الله یعلم ما بالقلب من الم

ـ شرحی بنام محمود پاشا وزیر نگاشته شده. آغاز: لك الحمد والشكر یاذاالنعم...

چاپها: مدراس ۱۸٤۵ م ـ کلکته ۱۸۲۵ م با ترجمه فارسی ـ قازان ۱۸٤۹ م با ترجمهٔ تاتاری ـ مصر سنگی ۱۲۹۸ و ۱۳۰۰ چاپ سید علی ـ مصر بی تاریخ چاپ سید حسن ـ مصر با منظومهٔ نامهای شهیدان بدر ـ بولاق حروفی ۱۳۰۵ با قصیدهٔ مضریة ـ مصر چ و هیئة ۱۳۱۳ ـ وین اتریش ۱۸۲٤ م و ۱۸۶۰ م با ترجمهٔ فارسی وترکی وآلمانی.

جای گفتگو یکی ازآن شرحها است که آنرا جلال پسر قوام پسر حکیم (حکم) (۱) نگاشت ودرنیمهٔ روزشنبه چهارروزمانده ازجمادی‌دوم سال ۷۹۲ ق آنرا بپایان رسانید (۲).

آغاز الحمدلله الذی علم بالقلم (۳)...

انجام: قدم اوقلم اولسان. والعفوعند کرام‌الناس مقبول. والله سبحانه خیر موفق واکرم مسئول.

---

(۱) در کشف‌الظنون حکم آمده است.

(۲) گ ١٤ ـ الف نسخهٔ ۸۵٤ دیده شود.

(۳) آغاز نسخهٔ دانشگاه افتاده. واین جمله از کشف‌الظنون آوردم.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۲۷۳]

۸۵٤ بخط نستعلیق خاوری ایران. نویسنده عمر پسر عبدالعزیز، درتاریخ پنجشنبه ۲۰ شوال ۸۱۳ ق درمدرسهٔ سلطانیه سمرقند بپایان رسیده‌است. آغاز آنچه هست: اضعف عبادالله ... قداطلعت علی القصیدة المشهورة... دردفتری جادارشو بر گهای (۱ ـ ٤۲) آنرا گرفته‌است. و پس‌از آن کلیات رازی (گ ٤۲ ـ ٤٦) اصطلاحات صوفیه (گ ۵۰ ـ ۷۷) اقرب‌الطرق خیوقی (گ ۷۷ ـ ۸۰) شرح منازل‌السائرین کاشی (۸۱ ـ ۲۰۳) پایان جلدمیباشد.

هیئة دفتر ۲۰۴ برگ، این‌کتابچه ۴۲ برگ، کاغذ آرمه سمرقندی نخدی‌رنگ جلد تیماج حنائی مقوائی فرسوده. اندازه: ۱۳×۱۷ و ۱۱×۱۴: ۲۱ سطر.

[۲۵۰] شرح معلقة امرء القيس (عربی)

ابووهب‌جندح پسر حجر پسر حارث کندی معروف به امرؤالقیس پدرش امیر بنی‌اسدبود و کشته‌شد، واو بخونخواهی پدربرخواست. ودر ۵۶۶ م در گذشت دیوان‌منسوب‌به امرءالقیس چندین‌بار چاپ شده است. یکی از چکامه های او شعریست که بعنوان «معلقه» نامبردار است.

معلقات چیست: ابن‌عبدربه م ۳۲۸ ق درالعقدالفرید گوید عربان پیش‌ازاسلام بهترین شعرهای خویش‌را که‌هفت چکامه‌بودبازر نوشته بردیوار کعبه‌آویختند. ولی ابن خلدون گفته است هیچ روی نگفت که عربان شعری بکعبه آویختند بلکه همه‌ساله پیش از اسلام عربان در بازاری بنام «عکاظ» گرد می آمده خرید وفروش‌میکردند، ودراین بازار شعرهای خوب‌وخطبه‌های نیکورا نیزستایش میدادند، وبهترین‌شعرها درآن بازارمیآویختند. انباری گوید چون مردم ازشعر روی گردان شدند حمادراویه این هفت‌چکامه را گردآورد وشهرت داد(۱).

دانشمندان امروز مانند طه حسین دردرستی نسبت این‌شعرها بروزگار پیش ازاسلام شك کرده، و آنها را ساختهٔ دست سیاست دانسته‌اند، دربرداشتن واژه های عربی‌نوین، وناساز گاری نسخه‌ها وفزونی و کاهش آنها، واینکه‌بعدهاهفت معلقه را بده معلقه‌رسانیدند، وبویژه گفته‌های انباری این شك و تردیدرا بیشتر میکند.

صاحبان معلقات‌هفتگانه: امرءالقیس‌م۵۶۰ م، طرفة پسرعبدبکری(م۵۰۰م)، زهیرپسر ابوسلمی م۶۳۱م، لبید پسرربیعه (م۶۷۵م) عمروپسر کلثوم (م۶۰۰م)، عنتره پسرشداد (م۶۱۵م) حارث یشکری (م۵۸۰م):

سه‌تن که بعدها افزوده شد: نابغهٔ ذبیانی م۶۰۴م، اعشی‌میمون (م ۶۲۹ م)، عبید پسرابرص (م ۵۵۵ م)، نخستین را ابوزید در «جمهرة اشعارالعرب» افزود

(۱) جرجی‌زیدان اداب‌اللغه ج ۱ ص ۹۱

برخی از کسانی که در بارهٔ معلقات کار کردند:
- نحاس نحوی، ابوجعفر احمد پسرمحمد (م ۳۳۸ ق).
- ابوعلی قالی، اسماعیل پسرقاسم (م۳۵۶ ق).
- بطلیوسی، ابوبکرعاصم پسرایوب (م ۱۹٤ ق).
- ابن‌خطیب تبریزی، یحیی پسرعلی(م۵۰۲ ق).
- مشکان، محمدپسر محمود.
- زوزنی (جای گفتگو).
- دمیری‌صاحب حیات‌الحیوان.
- کسان‌بسیار نیز در کتابهای خویش بخشهائی ویژهٔ معلقات داشته‌اند.

از گذشتگان مانند ابن‌عبدربه وابن‌خلدون وازمتاخران مانند فرید و جدی در دائرةالمعارف وجرجی زیدان‌در آداب‌اللغة وطه حسین وجزایشان.
- عبدالرحیم صفی‌پوری ولمسدن(۱) معلقات را در کلکته چاپ کرد.
- احمد پسر امین‌شنقیطی مصری- معلقات‌را درمصر۱۹۱۱ م چاپ کردند. و از روی همان دوباره بسال۱۹۱۳ م چاپ‌شد.

خاورشناسان: - ویلیام‌جونس(۲) انگلیسی، در(۱۷۸۳م) آنرابانگلیسی ترجمه کرد.
- ابل(۳) اتریشی در۱۸۹۱م آنرا باتریشی ترجمه ودربرلن‌چاپ کرد.
- جنسن(٤) انگلیسی در۱۸۹٤ م در لندن‌آنرا بانگلیسی ترجمه و چاپ کرد.
- لایل(۵)دراینن کتابی‌دربارهٔ شعر عربان جاهلیت در ۱۸۸۵م‌چاپ کرد
- نلد که(٦) آلمانی نیز تحقیقاتی دربارهٔ‌آن دارد.
- ارنولد معلقات را درلایپزیك بسال (۱۸۵۰م) چاپ کرد.

M. Lumsden (۱) W. jones (۲) Abel (۳)
Johnson (٤) Lyall (۵) Neldeke (٦)

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

- تدگوتور امرء القیس را بلاتینی ترجمه کرد (۱۸۲٤ م).
- گورگیس مرقس در ۱۸۸۹ م امرء القیس را بروسی ترجمه ودر پترزبورگ چاپ کرد.
- کناتشبو(۱) حارث حلزه را دراکسفورد در ۱۸۲۰ م چاپ کرد.
- فولرس(۲) حارث حلزه را دربن بسال ۱۸۲۷ چاپ کرد.
- ریسکی(۳) با فولرس معلقهٔ طرفه را دربن ۱۸۲۹م چاپ کرد.

جای گفتگو شرح زوزنی است که گزارش زندگیش در (ص ٤٥۲) یاد شده است. وی هفت معلقه را شرح کرد، واین شرح بترتیب زیر چندین بار چاپ شد:

- شرح معلقهٔ امرء القیس (از شرح زوزنی) را کوسین وی برسفال در پاریس (۱۸۲۰م) در ٤۵ ص چاپ شد.
- همه معلقات زوزنی را نیز یوحنا ابوصعب در لبنان بسال ۱۸۵۲ م چاپ کرد.
- نصرهورینی نیز آنها را درمصر ۱۲۷۷ق بحروف چاپ کرد.
- در ۱۲۹۳ ق و ۱۳۰٤ق و ۱۳۲۸ق نیز درمصر چاپ شد.
- چ ازهریهٔ سال ۱۳۱۱ ق.
- چ میمنیهٔ ۱۳۲۷ ق در ۲۰۳ ص.

[۲۷٤]

۸۷٤ این نسخه فقط شرح معلقهٔ امرء القیس وشرح معلقهٔ طرفه را دربردارد، ودردفتری جادارد. امرء القیس (گ ۱۱٦-۱۳۹) طرفه (۱۳۹ - ۱٤۰) وپایان معلقهٔ طرفه افتادگی دارد. فهرست دیگر کتابچه‌های این دفتر درص ٤۸ فهرست جلد سوم فهرست دانشگاه دیده میشود. متن شرحها را دروسط سطر وباخامهٔ نسخ درشت نوشته و شرح را با نستعلیق نزدیک بشکسته نوشته است.

همهٔ دفتر ۲۹٤ برگ این کتابچهٔ ۳٤برگ، کاغذ فرنگی سفیدآهار مهرشده، جلد تیماج سرخ فشرده متوالی، اندازه: ۱۰×۱۹٫۵ و ۷×۱۵: ۱٤سطر.

W. knatchbull (۱) Vullers (۲) Reiske (۳)

[۲۵۱] شرح نهج البلاغة (فارسی)

پنج جلد شرح فارسی بر نهج البلاغة دراین کتابخانه هست که نگارندهٔ آن شناخته نیست. انشای فارسی این کتاب نادرست و مانند انشاء دانشمندان روحانی بعد از صفویه و بشیوهٔ نگارش عربی میباشد. در گ ۱۱۲-۲۱۱ جلد یکم این کتاب از جدمادری خود مجلسی نقل کرده و چون نوادگان دختری مجلسی بسیار هستند(۱) نگارنده بدرستی شناخته نگردید.

آنچه از این کتاب دراین کتابخانه هست برطبق بندهای نهج البلاغه که در ص ۳۱۲ این فهرست یاد شد، چنین است:

بندهای ۱ تا ۱۵ نهج البلاغة در نسخهٔ دانشگاه نیست
بندهای ۱٦ تا ۵۰ « در نسخهٔ (شمارهٔ ۱۰۵۰ دانشگاه) در (۸۵۰۰ بیت نوشته) شرح شده است.
بندهای ۵۱ تا ۷۷ نهج البلاغة در نسخهٔ دانشگاه نیست.
بندهای ۷۸ تا ۱۰۳ « در نسخهٔ (شمارهٔ ۱۰٤۹ دانشگاه) در (۵۰۰۰ بیت نوشته) شرح شده است.
بندهای ۱۰٤ تا ۱۲۵ نهج البلاغة در (نسخهٔ شمارهٔ ۱۰٤۸ دانشگاه) در (۷۰۰۰ بیت نوشته) میباشد.
بند ۱۲٦ از پایان (نسخهٔ شمارهٔ ۱۰٤۸) افتاده، ودر آن جا یادداشت شده است.

(۱) آقامحمود پسر آقا باقر بهبهانی درمهیج الاشواق از جد امی خویش مجلسی یاد کند. وامام جمعه تهران مهدی پسر مرتضی (۱۱۸۵-۱۲٦۳ق) صاحب شرح نهج البلاغه فارسی که نسخه ناقص آن درسپهسالار هست نیز نوادهٔ دختری مجلسی بوده، وابن یوسف درفهرست آن کتابخانه (ج ۲ ص ۱۳٤) گمان میبرد که نگارندهٔ این پنج جلد (جای گفتگو) امام جمعه باشد و می گوید: شاید آنرا از روی شرح ابن هاتفی ترجمه کرده باشد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

بندهای ۱۲۷ تا ۱۴۸ نهج در (نسخهٔ ۱۰۵۱) در (۷۰۰۰ بیت نوشته) هست.
بندهای ۱۴۸ تا ۱۶۶ نهج در (نسخهٔ ۱۰۵۲) در (۶۰۰۰ بیت نوشته) هست.
بندهای ۱۶۷ تا ۱۶۹ نهج در (۱۳۵۰ بیت نوشته) در دنبال (نسخهٔ ۱۰۵۰) صحافی شده است.

بندهای ۱۷۰ تا ۲۳۹ از بخش یکم نهج‌البلاغة و همچنین بخشهای دوم و سوم نهج در نسخهٔ دانشگاه نیست.

[۲۷۵]

۱۰۵۰ شرح بندهای ۱۶ تا ۵۰ بخش یکم نهج‌البلاغة را دربر دارد. از برگ ۲۹۹ تا پایان نسخه بندهای ۱۶۷ تا ۱۶۹ بغلط صحافی شده و بایستی در پایان نسخهٔ ۱۰۵۲ قرار گیرد. خط نستعلیق درشت نام نویسنده و تاریخ ندارد. جای عنوانها را سفید گذارده است.

۳۳۶ برگ، کاغذ فرنگی سفید، جلد تیماج سبز مقوائی فترده.
اندازه: ۱۷×۳۳، ۱۴ و ۱۵ سطر

[۲۷۶]

۱۰۴۹ بندهای ۷۸ تا ۱۰۳ نهج‌البلاغة را دربردارد. خط نستعلیق درشت. نام نویسنده و تاریخ ندارد ولی با همان خط شماره ۱۰۵۰ نوشته شده. جای عنوانها را سفید گذارده است.

۴۰۰ برگ کاغذ فرنگی، تیماج حنائی مقوائی فترده.
اندازه: ۳۳×۱۷٫۵: ۱۵ و ۱۶ سطر

[۲۷۷]

۱۰۴۹ بندهای ۱۰۴ تا ۱۲۵ نهج را دربردارد و دنبالهٔ شمارهٔ ۱۰۴۹ میباشد و باهمان خط و کاغذ است. جای عنوانها را سفید گذارده است.

۴۰۰ برگ، کاغذ فرنگی سفید، تیماج حنائی، مقوائی فترده
اندازه: ۱۷٫۵×۳۳: ۱۵ و ۱۶ سطر

[۲۷۸]

۱۰۵۱ بندهای ۱۲۷ تا صفحهٔ یکم از بند ۱۴۸ ـ الف نهج‌البلاغة را دربردارد. خط نستعلیق درشت. جای عنوانها را سفید گذارده است. خط و کاغذ مانند شماره‌های دیگر این دوره شرح است.

۴۰۰ برگ کاغذ فرنگی سفید، جلد تیماج حنائی مقوائی، اندازه: ۱۸×۳۳: ۱۵ و ۱۶ سطر

[۲۷۹]

۱۰۵۲ بندهای ۱۴۸ تا ۱۶۶ نهج را دربر گرفته است، و دنباله شمارهٔ (۱۰۵۱) است و باهمان خط و کاغذ نوشته شده است.

۴۰۰ برگ، کاغذ فرنگی سفید، جلد تیماج حنائی مقوائی
اندازه: ۱۸×۳۳: ۱۵ و ۱۶ سطر

[۲۵۲] صد کلمه (فارسی)

چنانکه در ص ۱۳۷ گفتم کتابچه‌یی بنام «صد کلمه» در دست هست که در آن یکصد سخن کوتاه پند و اندرز بزبان تازی گرد آمده و به علی (ع) نسبت داده شده، و صاحب روضات گردآوری آنرا بجاحظ نسبت داده است. و چنانکه در ص ۱۵۷ گفتم این کتابچهٔ جاحظ چندین بار بفارسی (نظم و نثر) ترجمه شده و در آنجا یك ترجمهٔ آنرا یاد کردم. در آن ترجمه هر کلمه را بیك دوبیتی ترجمه کرده بود و سرایندهٔ آن شناخته نشد.

جای گفتگو ترجمه دیگریست ازین صد کلمه که در آن هر کلمه را بیك بیت فارسی سروده است. سراینده در ترجمهٔ کلمهٔ «افقر الفقر الحمق» خود را عادل نامیده گوید:

بدترین درویشی حمق است ای جان جهان
بشنو از عادل کلام شاه مردان را بیان

این مرد همان کسی است که نثر اللالی را نیز بفارسی سروده و آنرا در ص ۲۹۳ بنام «نظم اللالی» یاد کرده‌ام اثر دیگر این مرد ترتیب ترجمان القرآن جرجانی میباشد که نسخهٔ آنرا آقای محمد دبیرسیاقی در تهران بسال ۱۳۳۳ در ۱۴۸ ص چاپ کرد این کتاب نیز در تهران ۱۲۷۲ ق و تبریز ۱۲۵۹ ق چاپ شده است.

سراینده مردی قاری قرآن و ظاهری مذهب و بسیار خشك و مخالف علم و حکمت بوده است.

آغاز:
بهترین هر کلام ای نور چشم مردمان
هست نام خالق بسیار بخش مهربان

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

انجام:

میشتابد سوی درویشی فقیری بدگمان

این جهان چون مفلسان روز حساب از منعمان

[۲۸۰]

۸٦۷ نسخه در دفتر جا دارد و برگهای (۱۵۳ تا ۱۵۹) آنرا گرفته است. فهرست این دفتر چنین است:

۱ـ اسرار القلوب دوانی (گ ۱ـ۵۷).
۲ـ آیة النور نورعلیشاه (گ ۵۸ـ٦۸).
۳ـ کنز الاسرار نورعلیشاه (گ ٦۸ـ۹۲).
٤ـ گفتار خواجه عبدالله انصاری (گ ۹۳ـ۱۱٦).
۵ـ ترجمه خطبه‌یی از علی (گ ۱۱٦ـ۱۱۸).
٦ـ گفتار افلاطون (گ ۱۱۸ـ۱۲۰).
۷ـ انوار حکمت (گ ۱۲۰ـ۱۳۰).
۸ـ آداب استخاره (۱۳۰ـ۱۳۱).
۹ـ شکیات نماز (۱۳۱ـ۱۳۲).
۱۰ـ لوایح جامی (۱۳۱ـ۱۵۰) (ص ۲۱۵ این مجلد دیده شود).
۱۱ـ اربعین جامی (۱۵۰ـ۱۵۳).
۱۲ـ صد کلمهٔ عادل (۱۵۳ـ۱۵۹).
۱۳ـ چشمهٔ زنجبیل (۱۵۹ـ۲۰۳).
۱٤ـ لوامع جامی (۲۰۵ـ۲٤۵).
۱۵ـ شرح بیتی از مثنوی (۲٤٦ـ۲۵۰).
۱٦ـ تهلیلیه جامی مانند تهلیلیه دوانی که در (ج ۱ ص ۸٤) گذشت (گ ۲۵۰ـ۲۵۲).
۱۷ـ شرح حدیث عماء از جامی (۲۵۲ـ۲۵٤).
۱۸ـ طریق اثبات واجب (۲۵٤ـ۲۵٦).
۱۹ـ شرح بیتی از دهلوی از جامی (۲۵۷ـ۲۵۹).
۲۰ـ تحفهٔ شطاریه (۲۵۹ـ۲٦۷).
۲۱ـ پندهائی عارفانه (۲٦۸ـ۲۷۰).

نام نویسنده در (گ ۹۲ ب) پاك شده و روی آن نوشته‌اند عباسعلی کرمانشاهی. تاریخ نیز در همان صفحه (۲ ذیحجهٔ ۱۲۱۲ ق) دیده میشود. عنوانها با شنگرف.

همهٔ دفتر ۲۷۰ برگ. این کتابچه ٦ برگ. کاغذ آبی رنگ. جلد فرسوده یك طرف آن افتاده است. اندازه: ۵×۱۰و۱۷ و ٦/۵×۱۲؛ ۱٤ سطر.

[۲۵۳] مائة کلمة (پند ـ عربی)

پندهای کوتاه و مخصوصاً گردآوری صد اندرز، در یونان باستان معمول بوده است و چنانکه در (ص ۷۲۷ و ۱۵۷ و ۱۳۷ـ۱٤۰۰) گذشت کسان بسیار بگردآوری کلمات قصار و پندهای کوتاه که به علی (ع) نسبت داده شده است پرداخته‌اند، و گفتم که معروفترین آنها صد کلمه است که گردآوری آنرا بجاحظ نسبت داده‌اند، و در روزگار صفوی و پس از آن بزبان فارسی و ترکی و هندی چندین بار ترجمه شده و چندین بار بنظم سروده شده است. و یکی از آنها در (ص ۱۵۷) یاد شد. این صد کلمه مرتب نمیباشد.

آغاز: لو کشف الغطاء ما ازددت یقیناً. الناس نیام ...

انجام: لسان العاقل وراء قلبه.

[۲۸۱]

۱۰٤۵ بخط نسخ در دفتری جا دارد که (گ ۳۸ تا ٤۰) آنرا گرفته، نام نویسنده در پایان این کتابچه نیست ولی همهٔ دفتر بخامه محمد پسر عبدالحسین پسر حسن پسر عبدالله پسر فرج‌الله حسینی نجفی است که در اصفهان در ۲۳ محرم ۱۰۵٦ ق آنرا بپایان رسانیده است (گ ۱۳۳ـ الف) دیده شود. و در گ ۲ـ الف زایچهٔ نویسندهٔ نسخه از گفتهٔ پدرش (۲۵ ذیقعده ۱۰۲۵ ق) یاد شده است. و زایچهٔ پدرش عبدالحسین را از گفتهٔ جدش در ۱۸ محرم ۹۸۷ ق دانسته است. فاصله‌ها با شنگرف است.

همهٔ دفتر ۱۳۳ گ. این کتابچه ۳ برگ. کاغذ ترمه اصفهانی. جلد تیماج زرد مقوائی فشرده درون تیماج سرخ. اندازه ۱۳×۱٦ و ٤/۵×۱۲؛ ۱۸ سطر.

[۲۵٤] مجمل الاقوال فی الحکم والامثال (فارسی)

یا «مجمع الاقوال فی الحکم والامثال»

نگارنده در آغاز کتاب خود را احمد پسر احمد خوانده و پدرش را دمانیسی

(دمامینی) (۱) وزادگاه خویش شهر سیواس یاد کرده است. نام کتاب در نسخهٔ این کتابخانه «مجمل» است ولی در کشف‌الظنون آنرا یکبار درعنوان مجمل وبارهٔ دیگر درعنوان مجمع آورده است

این کتاب دردوبخش است یکمرا مؤتلفات ودوم مختلفات خوانده، بخش یکم هفتادباب و بخش دوم هفت باب (۲) دارد

آغاز بنقل کشف‌الظنون: اللهم انت المدعو وفضلك المرجو.

آغاز نسخهٔ دانشگاه: بسمله. هذا کتاب مجمل‌الاقوال فی‌الحکم والامثال الفه احمدبن احمدبن احمدالدمانیسی والدا والسیواسی مولدا، مشتملاعلی قسمین قسم اول درمؤتلفات و آن مشتمل است برهفتاد باب. الباب‌الاول فی‌الحث علی طاعةالله... من‌القرآن: و من یطع... و من‌الاخبار: قال‌النبی (ص) لابن عباس...

انجام: این کتابیست فرخنده که بتو فرستادیم. کتاب انزلناه الیك... وقد وقع‌الفراغ علی ید مؤلفه احمدبن احمدالدمانیسی... ذلك فی غرة ربیع‌الاول سنة ثلاث وتسعین وستمایة.

این مرد از دانشمندان سدهٔ هفتم کشور عثمانی و سنی مذهب است و چون درآن روز زبان فارسی زبان علمی وادبی دربار عثمانی بود وی کتابرا بدین زبان نگاشته ولی فارسی او خوب نیست و بشیوهٔ انشاء عرب نگاشته است، این کتاب در پیرامون چهارهزار بیت نوشته دارد و نگارش آن در (۶۹۳ق) پایان یافته است.

[۲۸۲]

۲۲٤ بخط نسخ زیبا. نویسنده عبرت اصفهانی نائینی محمد علی پسر عبدالخالق. و آنرا در ۱۳۳۵ ق بپایان رسانیده است. عنوانهارا با شنگرف و درشت نوشته است.

---

(۱) پدرنگارنده در کشف‌الظنون دمامینی است ودرنسخهٔ دانشگاه دمانیسی آمده واین نادرست است، چه دمامین شهری درآسیای صغیراست وچندین تن ازبزرگان ترك عثمانی، مانند شارح لامیةالعجم واین نگارنده، ازآنجا برخواسته‌اند.

(۲) در کشف‌الظنون پنج باب یاد شده.

(۳٤) برگ ۱ مجمل‌الاقوال بخط عبرت

(۳۵) برگ آخر مجمل‌الاقوال بخط عبرت اصفهانی

۲۹۷ صفحه، کاغذ فرنگی لخندی رنگ آهارمهره‌شده، جلد مقوا که تیماج قهوه‌یی. اندازه: ۱۶×۲۱ و ۹×۱۶ سطرها گوناگون.

[۲۵۵] مصابیح‌الظلام (فارسی)

فی آیات‌الامام

درانبات عقاید شیعه با آیه‌های قرآن، نگارنده برای اثبات مطالب خود شعر بسیار ازخویشتن وشاعران فارسی گوی هند گواه آورده و پیداست که اواز روحانیان شیعه هندمیباشد که درسال ۱۰۹٤ تا ۱۰۹۸ ق این کتابرا نگاشته است واین تاریخ ازچکامه‌یی که درپایان نسخه درستایش این کتاب هست بدست آید. این کتاب مرتب بردوازده مصباح و فهرست آنها چنین است.

۱ـ افتاده
۲ـ وجوب نص برای امام
۳ـ آیه‌های عصمت
٤ـ آیه‌های افضل بودن امام
۵ـ علم امام
۶ـ وجوب اطاعت امام.
۷ـ شجاعت امام.
۸ـ زهد امام.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۹ـ جود امام. ۱۰ـ عدالت امام.

۱۱ـ آیه‌های نکوهش سه خلیفه ۱۲ـ آیه‌ها که‌درحق امام‌دوازدهم است. و پس از آنها یك خاتمه دارد، و عنوانهای کوچك مانند «هدایة وجدانیه» و «قانون‌عقلی» و «اثارة فیها اشارة» و «هدایة فی ظهور درایة» و مخاطبات برهانیه ومانند آنهانیز دارد وی درین کتاب ازشاعران زیر،شعرآورده است: نورس دماوندی، صایب، ممتاز، فاخر، و قاری، فدائی، مشفق قمی، رمزی کاشانی، تأثیر، شعوری، دیهیم،ازهری، صادق دست‌غیب، طایف، غیاثا، اعجاز، قدرت، قاسم مشهدی، نصیب طبسی، فغانی، رشیدا، شراوی، حزنی، ر کنا، یوسف شاملو. این کتاب درپیرامن(۲۷۳۰۰ بیت نوشته) دارد.

آغاز: ازنسخهٔ دانشگاه افتاده است.

انجام: ورباح تبیانها ساریاً فی مهاب قلوب‌المؤمنین. ان ذلك علیك یسیر... وآله‌الطاهرین.

[۲۸۳]

۴۳ بخط نستعلیق خاوری (هندی) آغازنسخه افتاده وچنین آغازمیگردد: دوالسماء ماءلکم منه شراب منه (چنین) وشجر فیه تسیمون ریاض عقول را... نشاندن نهال معرفت سبحانی... من آیتها بخامهٔ درشت ونسخ. نویسنده مراد پسر ساقی درجمادی دوم ۱۰۹۸ ق پایان یافته است.

حاشیه‌های بسیاربامضای (منه‌عفی‌عنه) دارد و پیداست که بخامهٔ‌نگارنده بوده‌است. وشاید مراد پسرساقی بدستور او این نسخه را نوشته باشد.

درپایان نسخه چکامه‌یی بقافیهٔ نون وبا ردیف (میبرد) نوشته شده که هرمصرع آن تاریخ نگارش را نشان میدهد وآن سالهای (۱۰۹۴ تا ۱۰۹۸ ق) است.

شکر لله کز عطای واهب حق کریم
عزم عالم‌گوهروا ملح ازین کان میبرد
لله الحمد از تمام این نجوم برج فوز
عقل نامی حق انسان را بپایان میبرد

و باقی چکامه که ۸۳ بیت‌از آن دراین‌نسخه بجا مانده وپس‌ازآن افتاده‌است بهمین اندازه بی‌ارزش است.

این نسخه درنخستین صفحهٔ جلداول‌این‌فهرست بغلط کتاب«آیات‌الولایة» نامیده شده وباید ازآنجا برداشته شود.

۶۰۷ برگ، کاغذ هندی نازك. جلد تیماج حنائی مقوائی.
اندازه: ۱۸/۵×۲۹ و ۱۰/۵×۲۰/۶: ۱۹ سطر.

[۲۵٦] نثراللآلی (عربی)

این کتاب را در (ص ۲۹۰) این مجلد معرفی کردم. دراینجا یك نسخهٔ دیگر ازآن معرفی میگردد.

[۲۸٤]

۱۰۷۹ خط نستعلیق دردفتری جای دارد و ص ۹۹ تا ۱۰۳ راگرفته است.

آغازنسخه: نثراللآلی... حرف الالف ایمان المرء...

انجام: یسعد الرجل‌بمصاحبة السعید.

پس این‌نسخه منه‌جمله پیش‌ازنسخهٔ چاپی دارد وبرابرنسخهٔ شمارهٔ ۸٦۳دانشگاه میباشد.

همه دفتر ۱۳۸برگ این‌کتابچه۳ برگ. دیگرخصوصیاتآن در ج ۳ ص۱۸۷و۱۸۸آمده‌است

(٣٦) برگ ١ ـ ب ازهار الریاض شماره ٩٠٢

که در ص ٦٨٥ ـ ٦٨٦ یاد شده است.

چند نمونه

از خط دانشمندان و خوشنویسان
و نسخه‌های کهن این کتابخانه

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ذی‌حجه ۱۱۳۰

احمد بن ادریس عن محمد بن احمد عن الدهقان عن درست عن ابراهیم بن عبد الحمید عن ابی الحسن الاول علیه السلم قال ثلث یجلین البصر النظر الی الخضرة والنظر الی الماء والنظر الی الوجه الحسن هی رایت فی بعض لیالی شهر احدنا وهو شهر ذی الحجة الحرام سنة ۱۱۳۰ کانا نظر فی کتاب کان الذکری فی نجاسة الماء القلیل بالملاقاة وفیه ما هذا لحکایته ولما اظهر الحسن ابن عقیل القول بعدم نجاسة الماء القلیل بالملاقاة عکف به وهیم اصحابنا هذه صورة المنام وهو من غرائب المنامات

لجامع الکتاب ذو بیت

فی قلبک من دنح الهوی اعصار فی صدرک من ینه الحرق
فی جسمک من فرط الضنا اثنیه والدمع کا رائیته مدرار

له ایضا ذو بیت

یا من بها فی القلب منه نار یا من بها فی صدره مسعار
یا من کتبها بجنبه مستترا فقد تم علیک دمعک المدرار

من المسائل البغدادیة للمحقق الحلی قدس الله سره

مسألة اذا اتلف الانسان علی غیره دابة او جاریة هل یلزمه المثل او القیمة وما الحکم فی ذلک الجواب

یلزمه القیمة لا المثل لان المثل متعذر فالزامه حرج وضیق وما منفیان نعم لو اتفق وجود المثل من کل وجه وان کان نادرا او دفعه المتلف لزم صاحب التالف اخذه وفاقا

(۳۷) برگ ۲۷– الف ازهار الریاض (ش ۹۰۲)
در ص ۶۸۵ دربارهٔ آن گفتگو شده است.

(۳۸) برگ ۱۴۸– الف ازهار الریاض شماره ۹۰۲
که در ص (۶۸۵–۶۸۶) دربارهٔ آن گفتگو شد

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتاب اسرار البلاغة وانوار الفصاحة لشرح نهج البلاغة من تألیف اقل خلق الله بهاء الدین نظام الدین الجیلانی

(۳۹) برگ ۱ ـ الف نام کتاب اسرار البراعة شمارهٔ ۱۶۸ که در ص ٤ یاد شده

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

(٤۰) (برگ ۱ ـ ب) تاج المآثر . خط سدهٔ هشتم
در ص ٥۱٤ـ٥۱۷ یاد شده است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

(٤۱) برگ ۲۲۱ ـ ب تاج المآثر
که در ص ٥۱٤ـ٥۱۷ یاد شده است

(۱)

بسم الله الرحمن الرحیم

عونک یا لطیف

[illegible]

(۴۲) برگ ۵ ـ ب نخستین صفحه ترجمه تاریخ یمینی شماره ۱۳۱ در ص ۳۵۸ـ۵۳۶ دربارهٔ آن گفتگو شد.

[illegible]

تم الکتاب

[illegible]

(۴۳) برگ ۲۸۸ ـ الف تاریخ یمینی (شماره ۱۳۱) که در ص ۵۳۸ـ۵۳۶ دربارهٔ آن گفتگو گردید.

(۴۳) تهذیب اللغه ازهری شماره ۲۰۱۰
که در ص ۳۶۰–۳۶۴ از آن گفتگو شده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

(۴۴) برگ ۲۶۴– الف جامع الرواة بخط نگارنده
در ص ۵۵۱–۵۵۵ یاد شده است.

(۴۵) برگ ۵۵۴ ب جامع الرواة بخط خودنگارنده
در ص ۵۵۱ـ۵۵۵ یاد شده .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

هذا الكتاب حاشية ملا عبدالله
على حاشية الخطائي بخطه

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

(۴۶) برگ ۱ ـ ب حاشیه ملاعبدالله بخط خود او بشمارهٔ ۹۷۸
در ص ۳۷۹ـ۳۸۰ یاد شده ودرآنجا من آنرا خط نویسنده غیر ازنگارنده
شناختم ولی گویا اشتباه کرده‌ام و خط خودملا باشد .

(۴۷) برگ ۷۶ـ الف حاشیه ملاعبدالله یزدی بخط خود او که در ص ۳۷۹ـ۳۸۰ یاد شده است .

(۴۸) برگ ۲۱۸ حقایق‌النقیه حلبی خط سدهٔ هفتم که در ج ۱ ص۱۰۳ـ۱۰۴ یاد شده است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

كتاب الحلل في شرح ابيات الجمل

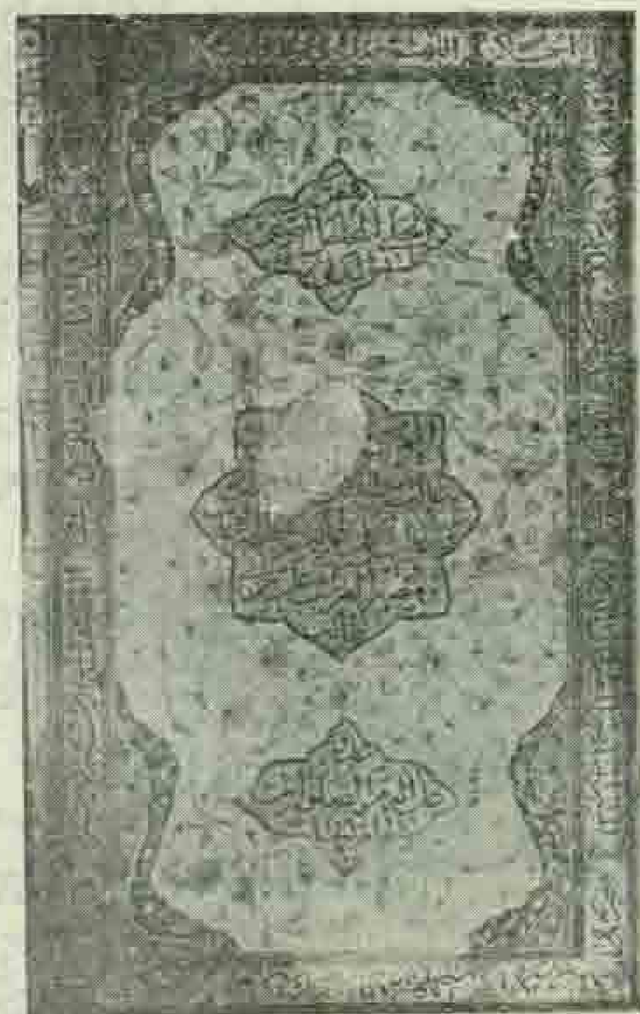
صنعة السيد الاجل عبد الله بن محمد بن السيد البطليوسي رحمه الله تعالى ورضوانه وصلى الله على محمد وآله وسلم

(٤٩) برگ ١ ـ الف ـ الحلل شماره ٢٠٤ که در ص ٣٨٢ـ٣٨٥ از آن گفتگو شده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

تم الكتاب بحمد الله ومنه ولطفه وتوفيقه

(٥١) برگ ٨٢ ب الحلل ابن سید بطلیوسی بشمارهٔ ٢٠٤ که در ص ٣٨٢ـ٣٨٥ از آن گفتگو شده است.



(۵۲) برگ ۳ ـ الف زادالمعاد نسخه شماره ۴۷
که در ج ۱ ص ۱۲۳ یاد شده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir



(۵۳) برگ ۳ ب زادالمعاد شماره ۴۷ که در ج ۱ ص ۱۲۳
یاد شده است.

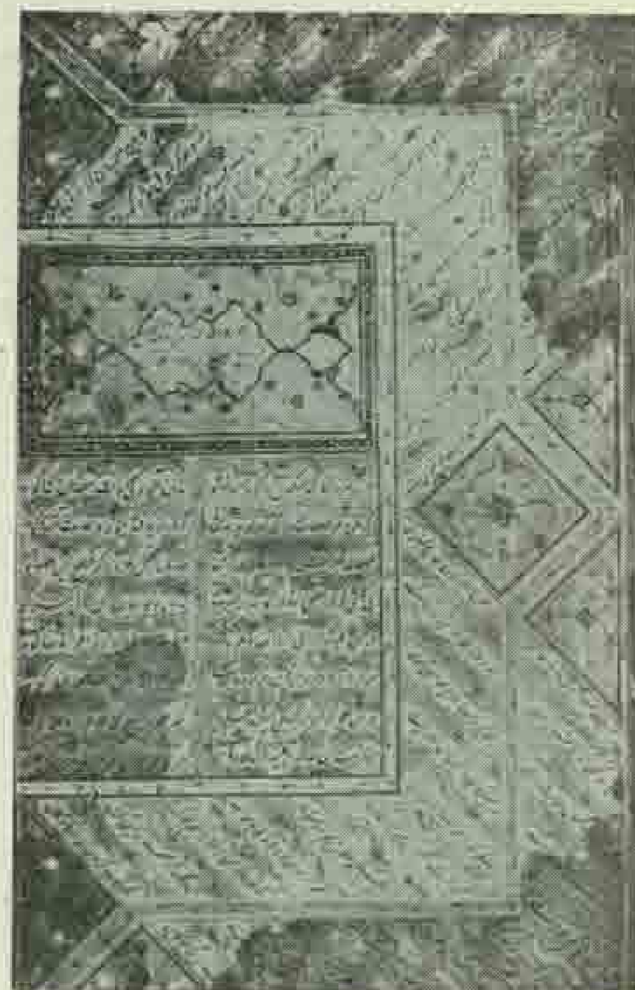


(٥٤) برگ ٣٠٢ زادالمعاد شماره ٤٧
که در ج ١ ص ١٢٣ یاد شده است



(٥٥) برگ ٣٠٣ ـ الف زادالمعاد شماره ٤٧
که در ج ١ ص ١٢٣ یاد شده است

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

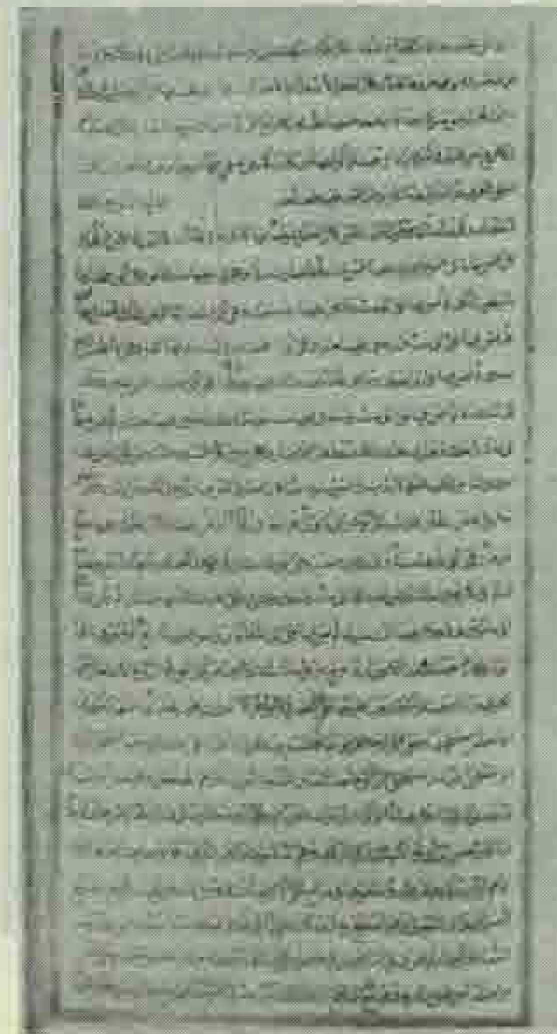


(٥٦) برگ ١٤٣ کلیات امیرخسرو دهلوی شماره ١٠٠
که در ص ١٧٥-١٨٢ یاد شده است

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir



(٥٧) برگ ٢١- الف مجموعه ادعیه بخط احمد تبریزی
که در ج ١ ص ٦ یاد شده است



(٥٨) برك ٢٠٩ ب مصباح (شمارهٔ ٣٠)
که در ج ١ ص ٢١٠ یاد شده است

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir



(٥٨) برك ٢١٠ ـ الف نسخه مصباح‌التهجد شمارهٔ ٣٠
که در ج ١ ص ٢١٠ یاد شده است .

(٥٩) برك ١ ـ الف نزهة القلوب شمارهٔ ٨٤٣ که درج ١ ص ٢٣٢ـ٢٣٣ یادشده .

یادداشتی چند :

برجلد یکم :

ص	س	چنین درست شود :
۱	۱	آیات الولایة بست «مصابیح الظلام» است ص۷۳۱ ج۲ دیده‌شود .
٤۷	٥	تفسیر الائمه نادرست است . واین نسخه جلدی از جلاء الاذهان است ص ٦۹۸ ج ۲ دیده شود
۱۲٦	۹	تنقیح المرام
۱۳٤	٦	الحطبة القراء
۱٥۳	۱٦	دردیوان مسعود سعد سلمان (٤۳۸ـ٥۱٥) چ یاسمی تهران ص٤۸۱ این شعر دیده میشود .
		ای سؤال آزمندان از صحیفه جود جود تو
		جون دعای نیك مردان درصحیفه کاتله
		ولی درنست این شعر بمسعود میتوان تردید داشت .
۱٥۳	۲۰	ولی درآغاز کتاب فهرست ۷٥ دعا دیده میشود، گویا اومیخواست بعدها برآن بیافزاید .
۱٦۱	۱	٤۸ـ شرح کاشفی (ج۲ ص۷۰۲) دیده شود .
۱۷۳	۹	شرح دعاء ابوحمزه
۱۷۷	۱	در ص ۹۷ گذشت .
۱۸۲	۱٤	اعلموا اخوانی . . .
۱۹٤	۱٥	دفع الهموم
۱۹٥	۲۳	در ص ۲۱۹ میآید .
۲۲۷	۷	مهیجات الاشواق نگارش آقا محمود کرمانشاهی فرزند آقا باقر بهبهانی است که نسخه‌های فراوان دارد .

برجلد دوم :

ص	س	
۱۸	۱٥	این کتاب درسرآغاز «مخزن الانشاء» بسال ۱۲۷۳ ق در تهران چاپ شد.
۲٥	۱۸	می‌بینی درست است .
۳۲	۲۷	ازپایان صفحه این چند سطر افتاده است:

روبه‌ها دارای جدول شنگرف ولاژورد . عنوان حکایتها باشنگرف . عنوان بابها وقسمتها باشنگرف وسیاه بهم آمیخته وباخط درشت نوشته شده . برخی افتادگی‌ها را درکنار رویه‌ها نوشته . هررویه نزدیك پنجاه بیت نوشته دارد .

همه رویه‌ها جدول‌بندی شده است .

(۳۳٥ برگ) کاغذ دولت‌آبادی نخودی گولاگون

جلد تیماج آبی سیر، فشرده زرکوب ،کهنه بود توسط این کتابخانه تعمیر شد .

اندازه : ۱۴×۲٦ و ۱۷×۳۸، ۲۹ سطر .

ص	س	
۳۲	۲۰	سطرشمار داخل سطرشده است .
۱۱٥	۷	شمارهٔ (۱۱۰٥) نادرست و(۱۰۱٥) درست است.
۱۲۰	۱۳	۱۸ـ سیدسبط الحسن فتح پوری هندی (ز ـ ۱۳۲۸ق)
•	•	الدر المنظوم دراین باره نگاشته است .
۱۳۷	۲٥	خیابانی در وقایع الایام از ریاض نقل کند که کتاب قطب راوندی
•	•	همان «نثراللآلی» است .
۱۳۸	۲٤	نسخهٔ این کتاب دراین کتابخانه هست (ص۷۲۷) دیده شود.
۱٤۳	۱۲	نسخهٔ دیگراین کتاب نزد عبدالعظیم گرگانی درتهران هست
۲۱۷	٦	سعید نفیسی این کتابرا در تهران در ۱۳۲٥ دوباره در ۱۸٦ ص و۲۳٦ ص حاشیه چاپ کرد .
۲٥۸	٥	حاج نصرالله متخلص «شاکر» (ز۱۳۱۰ق) اوراست «لمعات البیان»
•	•	که در آن شعر بسیار ازخود دارد ونسخهٔ آن دراهواز نزد شیخ
•	•	مرتضی نوادهٔ شیخ منصور میباشد .
۳۰٤	٤	شافعی زیاد است
۳۰۹	٤	۲ زیاد است
۳۰۹	۹	بند ۱۹۱ درست میباشد .
۳۳٦	٤	حرف پایان
۳۳٦	٥	حرف نخست

۹۴۳	۷	نقدالرجال که در (۱۰۱۵ ق) نگاشته شده در۱۳۱۸ ق درتهران بچاپ سنگ در۴۲۷ ص پخش شده .
۴۹۴	۸	ص ۶۷۴ دیده شود .
۵۳۴	۱۶	لطف‌الله محمدهندی معاصر اورنگ‌زیب تذکرهٔ دولتشاه را بشعر فارسی سرود و «آسمان سخن» نامید (قاموس‌الاعلام ترکی) .
۵۶۶	۵	ص ۶۷۴ این مجلد دیده شود .
۵۶۷	۱	خلاصه درتهران همراه وجیزهٔ مجلسی در۱۳۱۱ ق چاپ شد .
۵۷۹	۱۴	رجال طوسی را بنام «کتاب‌الابواب» نیزخوانده‌اند .
۵۸۲	۲	مرگ جمال‌الدین عطاءالله در (۹۱۲ ق) است (شاهد صادق)
»	»	و مرگ عمش اصیل‌الدین عبدالله (۱۷ـج ۲ـ۸۸۳ ق) است .
۶۲۹	۱۵	این گفتار را با آنچه در ص ۶۶۴ آمده است تصحیح کنید
۶۳۵	۱۲	عمدة‌الطالب دوبار در هندوستان پیش از چاپ نجف چاپ شده‌است .
۶۸۱	۱۹	حسن‌بن‌علی البزدی‌الکثنوی . .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

فهرست الفبائی

از آنچه دراین جلد هست

راهنما :

۱ ـ دراین فهرست ك : نشانهٔ کس است
ن : نشانهٔ نامه »
ج : نشانهٔ جا »
د : نشانهٔ دسته »

۲ ـ هرشماره صفحه که در میان [ ] باشد در آن صفحه دربارهٔ آن گفتگوی بیشتر شده است .

۳ ـ هرشماره که دو( ) باشد کتابخانه یا کتابدار است .

۴ ـ هرشماره که پس از ✲ باشد، کتاب بنام او نگاشته شده است .

۵ ـ هرشماره که در = . = باشد نویسنده نسخه است .

۶ ـ هرگاه پس از نام بجای شماره صفحه نام دیگری دربرابر نوشته شده باشد ، باید آن نام دیده شود .

سپاسگذاری :

از برادر عزیزم آقای احمد منزوی و همسر ایشان خانم جاویدی و برادر دیگرم محمدتقی منزوی که باتهیهٔ فهرست الفبائی سود این کتاب را دوچندان کردند سپاسگزارهم .
گردآورنده
ع . منزوی

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

تذکر

اولا : درمجلدات این فهرست هر کجا نام کتابخانهٔ دانشگاه آمده مقصود همین کتابخانهٔ اهدائی آقای سیدمحمد مشکوة است .

ثانیاً : درصفحهٔ ۷۵٦ اشتباهاً کلیشهٔ صفحهٔ دوم کتاب مصباح شیخ طوسی بجای کلیشهٔ صفحهٔ اول بچاپ رسیده است .

ثالثاً : درصفحهٔ ۷٤۷ ذیل کلیشهٔ کتاب حقائق التأویل سلمی عبارت « سدهٔ ششم » غلط وصحیح «سدهٔ پنجم» است ـ ونیز ذیل کلیشهٔ صفحهٔ ۷۵۵ احمد بریزی غلط وصحیح احمد ابریزی است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

انتشارات دانشگاه تهران

۱ - وراثت (۱)	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
A Strain Theory of Matter - ۲	» » محمود حسابی
۳ آراء فلاسفه در بارهٔ عادت	ترجمهٔ » برزو سپهری
٤ - کالبدشناسی هنری	تألیف » نعمت‌الله کیهانی
۵ - تاریخ بیهقی جلد دوم	تصحیح سعید نفیسی
٦ - بیماریهای دندان	تألیف دکتر محمود سیاسی
۷ - بهداشت و بازرسی خوراکیها	» » سرهنگ شمس
۸ - حماسه سرائی در ایران	» » ذبیح‌الله صفا
۹ - مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی	» » محمد معین
۱۰- نقشه برداری جلد دوم	» مهندس حسن شمسی
۱۱- گیاه شناسی	» حسین گل‌گلاب
۱۲- اساس‌الاقتباس خواجه نصیرطوسی	بتصحیح مدرس رضوی
۱۳- تاریخ دیپلوماسی عمومی جلد اول	تألیف دکتر حسن ستودهٔ تهرانی
۱٤- روش تجزیه	» » علی‌اکبر پریمن
۱۵- تاریخ افضل - بدایع الازمان فی وقایع کرمان	فراهم‌آوردهٔ دکتر مهدی بیانی
۱٦- حقوق اساسی	تألیف دکتر قاسم زاده
۱۷- فقه و تجارت	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۱۸- راهنمای دانشگاه	—
۱۹- مقررات دانشگاه	—
۲۰- درختان جنگلی ایران	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
۲۱- راهنمای دانشگاه بانگلیسی	—
۲۲- راهنمای دانشگاه بفرانسه	—
Les Espaces Normaux -۲۳	تألیف دکتر هشترودی
۲٤- موسیقی دورهٔ ساسانی	» مهدی برکشلی
۲۵- حماسه ملی ایران	ترجمهٔ بزرگ علوی
۲٦- زیست شناسی (۳) بحث در نظریهٔ لامارک	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
۲۷- هندسه تحلیلی	» » علینقی وحدتی

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۲۸- اصول گداز و استخراج فلزات جلد اول	تألیف دکتر یگانه حایری
۲۹- اصول گداز و استخراج فلزات » دوم	» » »
۳۰- اصول گداز و استخراج فلزات » سوم	» » »
۳۱- ریاضیات در شیمی	» » هورفر
۳۲- جنگل شناسی جلد اول	» مهندس کریم ساعی
۳۳- اصول آموزش و پرورش	» دکتر محمد باقر هوشیار
۳۴- فیزیولوژی گیاهی جلد اول	» » اسمعیل زاهدی
۳۵- جبر و آنالیز	» » محمدعلی مجتهدی
۳۶- گزارش سفر هند	» » غلامحسین صدیقی
۳۷- تحقیق انتقادی در عروض فارسی	» » پرویز ناتل خانلری
۳۸- تاریخ صنایع ایران - ظروف سفالین	» » مهدی بهرامی
۳۹- واژه نامه طبری	» » صادق کیا
۴۰- تاریخ صنایع اروپا در قرون وسطی	» عیسی بهنام
۴۱- تاریخ اسلام	» دکتر فیاض
۴۲- جانورشناسی عمومی	» » فاطمی
۴۳- Les Connexions Normales	» » هشترودی
۴۴- کالبد شناسی توصیفی (۱) - استخوان‌شناسی	» دکتر امیراعلم - دکتر حکیم دکتر کیهانی - دکتر نجم‌آبادی - دکتر نیک‌نفس - دکتر نائینی
۴۵- روان‌شناسی کودک	» دکتر مهدی جلالی
۴۶- اصول شیمی پزشکی	» » آ. وارتانی
۴۷- ترجمه و شرح تبصرهٔ علامه جلد اول	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۴۸- اکوستیک «صوت» (۱) ارتعاشات - سرعت	» دکتر ضیاء الدین اسمعیل بیگی
۴۹- انگل شناسی	» » ناصر انصاری
۵۰- نظریه توابع متغیر مختلط	» » افضلی‌پور
۵۱- هندسه ترسیمی و هندسه رقومی	» احمد بیرشک
۵۲- درس اللغة و الادب (۱)	» دکتر محمدی
۵۳- جانور شناسی سیستماتیک	» » آژرم
۵۴- پزشکی عملی	» » نجم‌آبادی
۵۵- روش تهیه مواد آلی	» » صفوی گلپایگانی
۵۶- مامائی	» » آهی
۵۷- فیزیولوژی گیاهی جلد دوم	» » زاهدی

۵۸- فلسفه آموزش و پرورش	تألیف دکتر فتح‌الله امیرهوشمند
۵۹- شیمی تجزیه	» » علی‌اکبر پریمن
۶۰- شیمی عمومی	» مهندس سعیدی
۶۱- امیل	ترجمهٔ غلامحسین زیرکزاده
۶۲- اصول علم اقتصاد	تألیف دکتر محمود کیهان
۶۳- مقاومت مصالح	» مهندس گوهریان
۶۴- کشت گیاه حشره‌کش پیرتر	» مهندس میرداماد
۶۵- آسیب شناسی	» دکتر آرمین
۶۶- مکانیک فیزیک	» » کمال جناب
۶۷- کالبدشناسی توصیفی (۲) - مفصل شناسی	تألیف دکتر امیراعلم - دکتر حکیم - دکتر کیهانی - دکتر نجم‌آبادی - دکتر نیک‌نفس
۶۸- درمانشناسی جلد اول	تألیف دکتر عطائی
۶۹- درمانشناسی » دو	» » »
۷۰- گیاه شناسی - تشریح عمومی نباتات	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
۷۱- شیمی آنالیتیک	» دکتر گاگیک
۷۲- اقتصاد جلد اول	» » علی‌اصغر پورهمایون
۷۳- دیوان سیدحسن غزنوی	بتصحیح مدرس رضوی
۷۴- راهنمای دانشگاه	—
۷۵- اقتصاد اجتماعی	تألیف دکتر حیدفر
۷۶- تاریخ دیپلوماسی عمومی جلد دوم	» » حسن ستوده تهرانی
۷۷- زیبا شناسی	» علینقی وزیری
۷۸- تئوری سینتیک گازها	» دکتر روشن
۷۹- کارآموزی داروسازی	» » جنیدی
۸۰- قوانین دامپزشکی	» » میمندی‌نژاد
۸۱- جنگل‌شناسی جلد دوم	» مهندس ساعی
۸۲- استقلال آمریکا	» دکتر مجیر شیبانی
۸۳- کنجکاویهای علمی و ادبی	—
۸۴- ادوار فقه	» محمود شهابی
۸۵- دینامیک گازها	» دکتر غفاری
۸۶- آئین دادرسی در اسلام	» محمد سنگلجی
۸۷- ادبیات فرانسه	» دکتر سیهبدی
۸۸- از سربن تا یونسکو - دو ماه در پاریس	» » علی‌اکبر سیاسی
۸۹- حقوق تطبیقی	» » حسن افشار

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۹۰ـ میکروب‌شناسی جلد اول	تألیف دکتر سهراب ـ دکتر میردامادی
۹۱ـ میزراه جلد اول	« « حسین گلاوی
۹۱ـ « « دوم	« « « «
۹۳ـ کالبدشکافی (تشریح عملی دست و پا)	« « نعمت‌الله کیهانی
۹٤ـ ترجمه وشرح تبصره علامه جلد دوم	« زین‌العابدین ذوالمجدین
۹۵ـ کالبدشناسی توصیفی (۴) ـ عضله شناسی	« دکتر امیراعلم ـ دکتر حکیم دکتر کیهانی ـ دکتر نجم‌آبادی ـ دکتر نیک‌نفس
۹٦ـ « « (۴) ـ رگ شناسی	« « « «
۹۷ـ بیماریهای گوش وحلق و بینی جلداول	تألیف دکتر جمشید اعلم
۹۸ـ هندسهٔ تحلیلی	« « کامکار پارسی
۹۹ـ جبر و آنالیز	« « « «
۱۰۰ـ تفوق و برتری اسپانیا (۱۵۵۹ـ۱٦٦۰)	« « بیانی
۱۰۱ـ کالبدشناسی توصیفی ـ استخوان‌شناسی اسب	« « میر بابائی
۱۰۲ـ تاریخ عقاید سیاسی	« « محسن عزیزی
۱۰۳ـ آزمایش وتصفیه آبها	« « محمد جواد جنیدی
۱۰٤ـ هشت مقاله تاریخی وادبی	« نصرالله فلسفی
۱۰۵ـ فیه مافیه	« بدیع‌الزمان فروزانفر
۱۰٦ـ جغرافیای اقتصادی جلد اول	« دکتر محسن عزیزی
۱۰۷ـ الکتریسیته وموارد استعمال آن	« مهندس عبدالله ریاضی
۱۰۸ـ مبادلات انرژی درگیاه	« دکتر اسمعیل زاهدی
۱۰۹ـ تلخیص‌البیان‌عن‌مجازات‌القرآن	« سید محمد باقر سبزواری
۱۱۰ـ دو رساله ـ وضع الفاظ و قاعده لاضرر	« محمود شهابی
۱۱۱ـ شیمی آلی جلداول تئوری واصول کلی	« دکتر عابدی
۱۱۲ـ شیمی آلی «ارگانیک» جلداول	« « شیخ
۱۱۳ـ حکمت‌الهی عام و خاص	« مهدی‌قمشهٔ
۱۱٤ـ امراض‌حلق‌و بینی وحنجره	« دکتر علیم مروستی
۱۱۵ـ آنالیز ریاضی	« « منوچهر وصال
۱۱٦ـ هندسه تحلیلی	« « احمد عقیلی
۱۱۷ـ شکسته بندی جلد دوم	« « امیر کیا
۱۱۸ـ باغبانی (۱) باغبانی عمومی	« مهندس شیبانی
۱۱۹ـ اساس التوحید	« مهدی آشتیانی
۱۲۰ـ فیزیک پزشکی	« دکتر فرهاد
۱۲۱ـ اکوستیک « صوت » (۲) مشخصات صوت ـ لوله ـ تار	« « اسمعیل بیگی
۱۲۲ـ جراحی فوری‌اطفال	« « مرعشی
۱۲۳ـ فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة(۱)	تألیف علینقی منزوی تهرانی
۱۲٤ـ چشم‌پزشکی جلداول	« دکتر ضرابی
۱۲۵ـ شیمی‌فیزیک	« « بازرگان
۱۲٦ـ بیماریهای‌گیاه	« « خبیری
۱۲۷ـ بحث‌درمسائل‌پرورش‌اخلاقی	« « سپهری
۱۲۸ـ اصول‌عقاید و کرائم‌اخلاق	« زین‌العابدین ذوالمجدین
۱۲۹ـ تاریخ کشاورزی	« دکتر تقی بهرامی
۱۳۰ـ کالبدشناسی انسانی(۱) سر و گردن	« « حکیم ودکتر گنج‌بخش
۱۳۱ـ امراض‌واگیردام	« « رستگار
۱۳۲ـ درس‌اللغة والادب(۲)	« « محمدی
۱۳۳ـ واژه نامه‌گرگانی	« « صادق کیا
۱۳٤ـ آت‌یاخته‌شناسی	« « عزیز رفیعی
۱۳۵ـ حقوق اساسی چاپ پنجم (اصلاح شده)	« « قاسم‌زاده
۱۳٦ـ عضله وزیبائی‌پلاستیک	« « کیهانی
۱۳۷ـ طیف‌جذبی واشعه ایکس	« « فاضل زندی
۱۳۸ـ مصنفات‌افضل الدین‌کاشانی	« « مینوی ویحیی مهدوی
۱۳۹ـ روانشناسی (ازلحاظ تربیت)	« « علی‌اکبر سیاسی
۱٤۰ـ ترمودینامیک (۱)	« مهندس بازرگان
۱٤۱ـ بهداشت روستائی	« دکتر زوین
۱٤۲ـ زمین شناسی	« « یدالله سحابی
۱٤۳ـ مکانیک عمومی	« « مجتبی ریاضی
۱٤٤ـ فیزیولوژی جلداول	« « کاتوزیان
۱٤۵ـ کالبدشناسی وفیزیولوژی	« « نصرالله نیک‌نفس
۱٤٦ـ تاریخ تمدن ساسانی جلداول	« سعید نفیسی
۱٤۷ـ کالبدشناسی توصیفی(۵) قسمت اول سلسله اعصاب محیطی	« دکتر امیراعلم ـ دکتر حکیم دکتر کیهانی ـ دکتر نجم‌آبادی ـ دکتر نیک‌نفس
۱٤۸ـ کالبدشناسی توصیفی(۵) قسمت دوم اعصاب مرکزی	« « « «
۱٤۹ـ کالبدشناسی‌توصیفی (٦) اعضای‌حواس پنجگانه	« « « «
۱۵۰ـ هندسه‌عالی (گروه و هندسه)	تألیف دکتر اسدالله آل‌بویه
۱۵۱ـ اندام‌شناسی‌گیاهان	« پارسا
۱۵۲ـ چشم پزشکی (۲)	« « ضرابی
۱۵۳ـ بهداشت شهری	« « اعتمادیان
۱۵٤ـ انشاء انگلیسی	« بازارگادی
۱۵۵ـ شیمی‌آلی (ارگانیک) (۲)	« دکتر شیخ
۱۵٦ـ آسیب‌شناسی(گانگلیوت استر)	« « آرمین
۱۵۷ تاریخ علوم‌عقلی درتمدن اسلامی	« « ذبیح‌الله‌صفا

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۱۵۸	تفسیر خواجه عبدالله انصاری	بتصحیح علی اصغر حکمت
۱۵۹	حشره شناسی	تألیف جلال افشار
۱۶۰	نشانه‌شناسی (علم العلامات) جلد اول	« دکتر محمدحسین میمندی‌نژاد
۱۶۱	نشانه‌شناسی بیماریهای اعصاب	« « صادق صبا
۱۶۲	آسیب‌شناسی عملی	« « حسین رحمتیان
۱۶۳	احتمالات و آمار	« « مهدوی اردبیلی
۱۶۴	الکتریسته صنعتی	« « محمد مظفری زنگنه
۱۶۵	آئین دادرسی کیفری	« « محمدعلی هدایتی
۱۶۶	اقتصاد سال اول (چاپ دوم اصلاح شده)	« « علی اصغر پورهمایون
۱۶۷	فیزیک (تابش)	« « روشن

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir